



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مجلس شورای اسلامی ایران

# صحیفہ خصوصی



بحیثی از کارنامہ و حالات زیارت اہل کبر از تاجیہ مقدسہ امام زمان علیہ السلام  
معارف شدہ و یادہ بارہ آن حضرت از بقیہ امامان عظام نقل کردہ و دست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه مهدیه / الصحیفه المهدیه ( عجل الله فرجه )

نویسنده:

مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر چاپی:

الماس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۷	صحیفه مهدیه : ترجمه الصحیفه المهدیه
۱۷	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۲۲	فهرست مطالب
۴۲	مقدمه
۴۲	اشاره
۴۸	نکته مهم:
۵۰	ضرورت دعا از نظر عقل و نقل
۵۳	آداب دعا
۵۳	اشاره
۵۵	اول: شروع کردن با نام خداوند.
۵۵	دوم: دعا با حمد و ستایش خداوند باشد.
۵۶	سوم: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام.
۵۸	چهارم: طلب شفاعت کردن است
۵۹	پنجم: اعتراف به گناهان است.
۶۰	ششم: این که دعا از روی غفلت و بیهودگی نباشد، بلکه با روی آوردن دل و توجه
۶۰	هفتم: پاک بودن غذا و نوشیدنی و لباس.
۶۱	هشتم: پرداخت حق مردم که بر گردن دعاکننده باشد.
۶۲	نهم: ترک گناهی که مانع از برآوردن حاجت می شود.
۶۲	دهم: خوش گمان بودن به اجابت دعا.
۶۳	یازدهم: اصرار و پافشاری در دعا.
۶۹	اهمیت مداومت بر دعا
۷۰	نقش یقین در مستجاب شدن دعا
۷۲	یقین و آثار شگفت انگیز آن
۷۴	دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه

- ۷۸ ----- مظلوم ترین فرد عالم -----
- ۸۰ ----- نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی ختباط -----
- ۸۱ ----- تجربه مهم -----
- ۸۳ ----- دعای امام عصر ارواحنا فداه -----
- ۸۷ ----- تشکیل مجالس دعا -----
- ۸۹ ----- مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه -----
- ۸۹ ----- اشاره -----
- ۹۰ ----- ۱- فضیلت مسجد کوفه -----
- ۹۱ ----- ۲- فضیلت مسجد سهله -----
- ۹۳ ----- ۳- مسجد مقدس جمکران -----
- ۹۸ ----- توجه به وظایف دوران غیبت -----
- ۱۰۰ ----- اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه! -----
- ۱۰۲ ----- روش فکری خود را تغییر دهید! -----
- ۱۰۳ ----- به سوی امیر عالم هستی -----
- ۱۰۷ ----- توجه به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه لازم است -----
- ۱۱۲ ----- انتظار -----
- ۱۱۷ ----- انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! -----
- ۱۱۸ ----- معرفت یا راه انتظار -----
- ۱۲۰ ----- احساس حضور، یا نشانی از معرفت -----
- ۱۲۴ ----- معنای حضور چیست؟ -----
- ۱۲۵ ----- عظمت امام عصر ارواحنا فداه -----
- ۱۴۰ ----- بخش اول: نمازها -----
- ۱۴۰ ----- اشاره -----
- ۱۴۲ ----- ۱- نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه -----
- ۱۴۲ ----- ۲- نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه -----
- ۱۴۴ ----- ۴- نماز مسجد مقدس جمکران -----
- ۱۴۵ ----- ۴- نماز امام زمان ارواحنا فداه -----

- ۵- نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه ..... ۱۴۶
- ۶- نماز توجّه ..... ۱۴۷
- ۷- نماز و دعای فرج ..... ۱۴۸
- ۸- نماز استغاثه به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۱۵۴
- ۹- نماز هدیه خدمت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۱۵۷
- ۱۰- اهداء نماز به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۱۵۸
- ۱۱- نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه ..... ۱۵۹
- ۱۲- نماز استغاثه به نحو دیگر ..... ۱۶۰
- ۱۳- نماز امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۱۶۰
- ۱۴- نماز دیگر امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۱۶۳
- ۱۵- نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ..... ۱۶۳
- ۱۶- نماز شب نیمه ماه شعبان ..... ۱۶۵
- ۱۷- نماز دیگر در شب نیمه شعبان ..... ۱۶۶
- بخش دوم: دعاهای قنوت ..... ۱۷۰
- اشاره ..... ۱۷۰
- ۱- دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۱۷۲
- ۲- قنوت حضرت امام سجاد علیه السلام ..... ۱۷۳
- ۳- قنوت حضرت امام باقر علیه السلام ..... ۱۷۵
- ۴- قنوت حضرت امام رضا علیه السلام ..... ۱۷۷
- ۵- قنوت حضرت امام جواد علیه السلام ..... ۱۷۹
- ۶- دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت ..... ۱۸۰
- ۷- قنوت حضرت امام هادی علیه السلام ..... ۱۸۳
- ۸- دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت ..... ۱۸۵
- ۹- دعای قنوت حضرت بقیه الله عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۱۹۸
- ۱۰- دعای دوم حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۲۰۰
- ۱۱- دعای سوم آن حضرت در قنوت ..... ۲۰۴
- ۱۲- دعا در قنوت نماز جمعه ..... ۲۰۴

- بخش سوم: دعای بعد از نمازها ..... ۲۰۶
- اشاره ..... ۲۰۶
- ۱- دعا برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۲۰۸
- ۲- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه ..... ۲۰۸
- ۳- دعا برای تشرف خدمت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۲۱۰
- ۴- دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه ..... ۲۱۱
- ۵- دعای بعد از نماز صبح ..... ۲۱۳
- ۶- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در تعقیب نماز صبح ..... ۲۱۴
- ۷- دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح ..... ۲۱۵
- ۸- دعای دیگری برای حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح ..... ۲۱۵
- ۹-۱۱- دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند ..... ۲۱۶
- ۱۲- دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ..... ۲۱۹
- ۱۳- دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز ..... ۲۲۰
- ۱۴- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از نماز عصر ..... ۲۲۳
- ۱۵- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب- شیخ طوسی اعلی الله مقامه می گوید: مستحب است در تعقیب این دو رکعت نماز، این دعا خوانده شود: ۲۲۵
- ۱۶- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب ..... ۲۲۷
- بخش چهارم: دعاهاى ایام هفته ..... ۲۲۸
- اشاره ..... ۲۲۸
- ۱- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه ..... ۲۳۰
- ۲- صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه ..... ۲۳۰
- ۳- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه ..... ۲۳۱
- ۴- حکایت دعای علوی مصری ..... ۲۳۲
- اشاره ..... ۲۳۲
- روز جمعه؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است ..... ۲۶۵
- اشاره ..... ۲۶۵
- فضیلت دعای ندبه ..... ۲۶۷
- ۵- دعای ندبه ..... ۲۶۹



- ۶- دعا در روز جمعه ..... ۲۸۴
- ۷- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۲۸۴
- ۸- دعای دیگری برای ظهور آن حضرت ..... ۲۸۵
- ۹- صلواتی که هرکس بعد از نماز جمعه بخواند ..... ۲۸۵
- ۱۰- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه ..... ۲۸۶
- ۱۱- حکایت صلوات ضراب اصفهانی ..... ۲۸۷
- اشاره ..... ۲۸۷
- ۱۱- صلوات ضراب اصفهانی ..... ۲۹۲
- ۱۲- صلوات و دعا در عصر روز جمعه ..... ۲۹۷
- ۱۳- فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل ..... ۲۹۸
- بخش پنجم: دعاهای هر ماه ..... ۲۹۹
- اشاره ..... ۲۹۹
- ۱- دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه ..... ۳۰۱
- ۲- دعای دیگری در روز عاشورا ..... ۳۰۹
- ۳- دعای ایام ماه رجب ..... ۳۱۰
- ۴- دعای دیگر در ایام ماه رجب ..... ۳۱۳
- ۵- دعای سؤم در ایام ماه رجب ..... ۳۱۴
- ۶- دعای روز سؤم ماه شعبان ..... ۳۱۸
- ۷- فضیلت شب نیمه شعبان ..... ۳۲۰
- اشاره ..... ۳۲۰
- ۷- دعای شب نیمه شعبان ..... ۳۲۱
- فضیلت (دعای خضر علیه التلام معروف به) دعای کمیل ..... ۳۲۳
- ۸- دعای افتتاح ..... ۳۲۴
- ۹- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه ..... ۳۳۳
- ۱۰- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه ..... ۳۳۴
- ۱۱- دعای دیگر ..... ۳۳۶
- ۱۲- دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان ..... ۳۴۲

- ۱۳- دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه ..... ۳۴۴
- ۱۴- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه ..... ۳۴۵
- ۱۵- دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ..... ۳۴۶
- ۱۶- دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ..... ۳۴۸
- اشاره ..... ۳۴۸
- از ادب شیعه نسبت به امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه ..... ۳۴۹
- ۱۷- دعای روز عید غدیر ..... ۳۵۱
- ۱۸- تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه ..... ۳۵۶
- بخش ششم: دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایّام هفته نیست ..... ۳۵۷
- اشاره ..... ۳۵۷
- ۱- دعای عهد ..... ۳۵۹
- اشاره ..... ۳۵۹
- معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه ..... ۳۶۳
- ۲- دعای عهد دیگر ..... ۳۶۵
- ۳- دعای زمان غیبت ..... ۳۶۸
- ۴- دعای زمان غیبت ..... ۳۷۴
- ۵- دعای معرفت در زمان غیبت ..... ۳۸۲
- ۶- دعای دیگر در زمان غیبت ..... ۳۹۱
- ۷- دعای دیگری نیز در زمان غیبت ..... ۳۹۲
- ۸- دعای غریق در زمان غیبت ..... ۳۹۳
- ۹- دعایی مناسب با زمان غیبت ..... ۳۹۴
- ۱۰- دعای نجات از فتنه های آخر الزّمان ..... ۳۹۴
- ۱۱- دعای امام جواد علیه السلام ..... ۳۹۶
- ۱۲- دعا برای حفظ شدن از شرّ دجال ..... ۳۹۸
- ۱۳- دعای فرج ..... ۴۰۲
- ۱۴- دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه ..... ۴۰۳
- ۱۵- دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه ..... ۴۰۴

- ۱۶- دعای هنگام عطسه ..... ۴۰۵
- ۱۷- دعای سفر در ساعت مخصوص ..... ۴۰۶
- ۱۸- دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه ..... ۴۰۸
- ۱۹- دعای دیگر در ساعت مخصوص ..... ۴۱۰
- ۲۰- صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ..... ۴۱۴
- ۲۱- دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۱۵
- ۲۲- دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۱۷
- ۲۳- دعای سهم الليل، از امام زمان ارواحنا فداه ..... ۴۱۷
- ۲۴- دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۲۰
- ۲۵- دعای «یا نور التور» ..... ۴۲۱
- ۲۶- دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه ..... ۴۲۲
- ۲۷- دعای مهمم دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۲۳
- ۲۸- دعای امام عصر عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۲۵
- ۲۹- دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه ..... ۴۲۶
- ۳۰- دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۲۷
- ۳۱- حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۲۹
- ۳۲- دعای حجاب (پنهان بودن)، از امام عصر عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۳۰
- ۳۳- دعا برای فرج در روز ظهور ..... ۴۳۱
- ۳۴- دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۴۳۳
- ۳۵- دعای شیعه ..... ۴۳۴
- ۳۶- دعای آن حضرت عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۳۵
- ۳۷- صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ..... ۴۳۶
- ۳۸- ثواب خواندن سوره مبارکه «کهف» ..... ۴۳۷
- ۳۹- از خواص سوره «یس» ..... ۴۳۸
- ۴۰- فضیلت سوره های «مستحبات» ..... ۴۳۸
- ۴۱- خواندن سوره «الفارعه» ..... ۴۴۰
- بخش هفتم: توسل به حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) ..... ۴۴۱

- ۴۴۱ - اشاره
- ۴۴۴ - ۱- جریان دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله
- ۴۴۴ - اشاره
- ۴۴۸ - ۱- دعای توسل
- ۴۶۲ - ۲- دعای توسل به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه
- ۴۶۳ - ۳- توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه
- ۴۶۶ - ۴- توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه
- ۴۶۶ - ۵- توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه
- ۴۶۹ - ۶- توسل دیگر به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه
- ۴۷۰ - ۷- توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه
- ۴۷۰ - ۸- توسل دیگر به حضرت حجت ارواحنا فداه
- ۴۷۱ - ۹- توسل برای رفع بیماری
- ۴۷۳ - بخش هشتم: عریضه ها
- ۴۷۳ - اشاره
- ۴۷۶ - جریانی در مورد نوشتن نامه
- ۴۷۸ - جریان دیگر در مورد نوشتن نامه
- ۴۸۱ - ۱- کیفیت نوشتن نامه
- ۴۸۷ - ۲- عریضه ای به خداوند
- ۴۹۲ - ۳- عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- ۴۹۵ - بخش نهم: استخاره ها
- ۴۹۵ - اشاره
- ۴۹۹ - دعای استخاره
- ۵۰۰ - ۱- دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است
- ۵۰۰ - اشاره
- ۵۰۲ - نکته حایز اهمیت!
- ۵۰۲ - ۲- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن
- ۵۰۲ - اشاره

- روایت اول: ..... ۵۰۲
- روایت دوم: ..... ۵۰۳
- روایت سوم: ..... ۵۰۳
- ۳- استخاره با رقعہ ..... ۵۰۴
- ۸-۴- انواع استخاره با تسبیح ..... ۵۰۵
- اشارہ ..... ۵۰۵
- ۴- استخاره اول ..... ۵۰۵
- ۵- استخاره دوم ..... ۵۰۶
- ۶- استخاره سوم ..... ۵۰۷
- ۷- استخاره چهارم ..... ۵۰۷
- ۸- استخاره پنجم ..... ۵۰۸
- بخش دهم: دعاهایی که حضرت بقیہ اللہ ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند ..... ۵۰۹
- اشارہ ..... ۵۰۹
- ۱- دعای حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام در سختی ها ..... ۵۱۱
- ۲- حکایت حرز یمانی ..... ۵۲۷
- اشارہ ..... ۵۲۷
- ۲- حرز یمانی ..... ۵۳۱
- ۳- دعای حریق ..... ۵۴۲
- ۴- دعای الحاح از امام صادق علیہ السلام ..... ۵۵۷
- ۵- دعای حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام پس از نماز واجب ..... ۵۵۸
- ۶- دعای حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام در سجده شکر ..... ۵۶۰
- ۷- دعای سجده امام سجّاد علیہ السلام در مسجد الحرام ..... ۵۶۱
- ۸- حکایت دعای عبرات ..... ۵۶۴
- اشارہ ..... ۵۶۴
- ۸- دعای عبرات ..... ۵۶۶
- بخش یازدهم: زیارت ها ..... ۵۷۸
- اشارہ ..... ۵۷۸

- استحباب زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۵۸۰
- زیارت حضرات معصومین علیهم السلام ..... ۵۸۱
- آداب زیارت ..... ۵۸۲
- ۱- زیارت آل یس ..... ۵۸۹
- ۲- زیارت ندبه ..... ۵۹۵
- ۳- زیارت امام زمان ارواحنا فداه ..... ۶۰۴
- ۴- زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۶۰۶
- ۵- زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه ..... ۶۰۷
- ۶- زیارت ناحیه مقدسه ..... ۶۰۹
- ۷- زیارت رجبیه ..... ۶۳۳
- ۸- زیارت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه ..... ۶۳۵
- ۹- اذن ورود به حرم های ائمه علیهم السلام ..... ۶۳۶
- ۱۰- زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۶۳۹
- ۱۱- زیارت دؤم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ..... ۶۵۳
- ۱۲- زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ..... ۶۵۳
- ۱۳- زیارت چهارم در سرداب مقدّس ..... ۶۵۳
- ۱۴- زیارت پنجم حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه ..... ۶۶۰
- اشاره ..... ۶۶۰
- ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ..... ۶۶۳
- ۱۵- زیارت ششم حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۶۶۴
- ۱۶- چگونگی سلام کردن بر امام زمان ..... ۶۶۸
- ۱۷- سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه ..... ۶۶۹
- ۱۸- زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام ..... ۶۶۹
- ۱۹- زیارت حضرت نرجس خاتون علیهما السلام ..... ۶۷۲
- ۲۰- زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام ..... ۶۷۶
- بخش دوازدهم: زیارت نواب امام عصر ارواحنا فداه و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن حضرت نقل نموده اند ..... ۶۷۸
- اشاره ..... ۶۷۸

- ۱- زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداه ..... ۶۸۰
- ۲- زیارت نایب اول ..... ۶۸۲
- ۳- نماز برای وسعت رزق ..... ۶۸۶
- ۴- دعای مهتم ..... ۶۸۷
- ۵- دعای سمات ..... ۶۹۳
- ۶- دعای روز عید فطر ..... ۷۰۳
- ۷- زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام ..... ۷۱۱
- ۸- دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به دعای کمیل ..... ۷۱۲
- خاتمه کتاب ..... ۷۲۴
- اشاره ..... ۷۲۴
- نماز شب ..... ۷۳۲
- زیارت عاشورا ..... ۷۳۵
- دعای بعد از زیارت عاشورا ..... ۷۴۱
- ستایش مولای مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۷۴۸
- زیارت جامعه کبیره ..... ۷۵۰
- زیارت امین الله ..... ۷۶۳
- زیارت وارث ..... ۷۶۷
- منابع و مصادر کتاب ..... ۷۷۴
- قرآن کریم ..... ۷۷۴
- «الف» ..... ۷۷۴
- «ب» ..... ۷۷۵
- «ت» ..... ۷۷۵
- «ث» ..... ۷۷۶
- «ج» ..... ۷۷۷
- «د» ..... ۷۷۷
- «ز» ..... ۷۷۷
- «ص» ..... ۷۷۹

۷۷۹ ----- «ع»

۷۷۹ ----- «غ»

۷۷۹ ----- «ف»

۷۸۱ ----- «ق»

۷۸۱ ----- «ک»

۷۸۱ ----- «م»

۷۸۵ ----- «ن»

۷۸۶ ----- درباره مرکز



مشخصات کتاب

سرشناسه: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

عنوان قرارداد: الصحیفه المهدیه . فارسی - عربی

عنوان و نام پدید آور : صحیفه مهدیه : ترجمه الصحیفه المهدیه/تالیف مرتضی مجتهدی ؛ مترجم موسسه اسلامی ترجمه ؛ مصحح ترجمه محمد ظریف، محمد حسین رحیمیان.

وضعیت ویراست : [ویراست ؟].

مشخصات نشر : قم : الماس، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۷۵۱ص.

شابک : ۹۷۸۹۶۴۷۷۵۳۱۴۲ : ۶۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- دعاها

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- زیارتنامه ها

موضوع : زیارتنامه ها

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : مجتهدی، مرتضی، ۱۳۳۳ -، گردآورنده

شناسه افزوده : ظریف، محمد، ۱۳۳۵ -، مصحح

شناسه افزوده : رحیمیان، محمد حسین، ۱۳۴۵ -، مصحح

شناسه افزوده : موسسه اسلامی ترجمه

رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۳ م ۳ص ۳۰۴۱ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۵۶۶۰۰

ص : ۱

**اشاره**

صحيفه مهديه

ترجمه الصحيفه المهديه

تاليف مرتضى مجتهدى

مترجم موسسه اسلامى

ترجمه: مصحح ترجمه محمد ظريف، محمد حسين رحيميان

ص: ٢

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣



مقدمه

نکته مهم ۲۳

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل ۲۵

آداب دعا ۲۸

اهمیت مداومت بر دعا ۴۲

نقش یقین در مستجاب شدن دعا ۴۳

یقین و آثار شگفت انگیز آن ۴۵

دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه لازم و ضروری است ۴۷

مظلوم ترین فرد عالم ۵۱

نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط ۵۳

تجربه مهم مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ۵۴

دعای امام عصر ارواحنا فداه برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند ۵۶

تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۶۰

مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۶۲

ص: ۵

۱-فضیلت مسجد کوفه و اینکه آنجا جایگاه نماز حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور است ۶۳

۲-فضیلت مسجد سهله که مقام حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در آنجاست ۶۴

۳-مسجد مقدّس جمکران ۶۶

توجه به وظایف دوران غیبت ۷۱

اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه! ۷۳

روش فکری خود را تغییر دهید! ۷۵

به سوی امیر عالم هستی ۷۶

توجه به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه لازم است ۸۰

انتظار ۸۵

انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! ۹۰

معرفت یا راه انتظار ۹۱

احساس حضور، یا نشانی از معرفت ۹۳

معنای حضور چیست؟ ۹۷

عظمت امام عصر ارواحنا فداه در کلمات اهل بیت علیهم السلام ۹۸

بخش اول نمازها

۱-نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۱۵

۲-نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۱۵

۳-نماز مسجد مقدّس جمکران ۱۱۷

۴-نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حله و نعمائیه ۱۱۸

۵-نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت ها ۱۱۹

۶- نماز توجّه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه ۱۲۰

۷- نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهمّ ۱۲۱

۸- نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالى فرجه ۱۲۷

ص: ۶



۹- نماز هدیه خدمت امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه ۱۳۰

۱۰- اهداء نماز به امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه در روز پنج شنبه ۱۳۱

۱۱- نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب های پنج شنبه و جمعه ۱۳۲

۱۲- نماز استغاثه به نحو دیگر ۱۳۳

۱۳- نماز امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه در شب جمعه ۱۳۳

۱۴- نماز دیگر امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه ۱۳۶

۱۵- نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ۱۳۶

۱۶- نماز شب نیمه ماه شعبان ۱۳۸

۱۷- نماز دیگر در شب نیمه شعبان ۱۳۹

بخش دوّم دعاهای قنوت

۱- دعا برای ظهور امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه در قنوت نمازها ۱۴۵

۲- قنوت حضرت امام سجّاد علیه السّلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان ۱۴۶

۳- قنوت حضرت امام باقر علیه السّلام ۱۴۸

۴- قنوت حضرت امام رضا علیه السّلام ۱۵۰

۵- قنوت حضرت امام جواد علیه السّلام ۱۵۲

۶- دعای دیگر امام جواد علیه السّلام در قنوت ۱۵۳

۷- قنوت حضرت امام هادی علیه السّلام ۱۵۶

۸- دعای امام حسن عسکری علیه السّلام در قنوت ۱۵۸

۹- دعای قنوت حضرت بقیه الله عَجَل الله تعالی فرجه ۱۷۱

۱۰- دعای دوّم حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در قنوت ۱۷۳

۱۱-دعای سۆم آن حضرت در قنوت ۱۷۷

۱۲-دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عَجَل الله تعالی فرجه ۱۷۷

ص: ۷

بخش سوّم ادعیّه بعد از نمازها

- ۱-دعا برای ظهور حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه بعد از هر نماز واجب ۱۸۱
  - ۲-دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه پس از نمازهای واجب ۱۸۱
  - ۳-دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود ۱۸۳
  - ۴-دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه ۱۸۴
  - ۵-دعای بعد از نماز صبح ۱۸۶
  - ۶-دعا برای ظهور امام زمان عَجَل اللّٰه تعالی فرجه در تعقیب نماز صبح ۱۸۷
  - ۷-دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح ۱۸۸
  - ۸-دعای دیگری برای حضرت بقیّه اللّٰه عَجَل اللّٰه تعالی فرجه بعد از نماز صبح ۱۸۸
  - ۹-۱۱-دعاهایی که حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند ۱۸۹
  - ۱۲-دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ۱۹۲
  - ۱۳-دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز ۱۹۳
  - ۱۴-دعا برای ظهور امام زمان عَجَل اللّٰه تعالی فرجه پس از نماز عصر ۱۹۶
  - ۱۵-دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اوّل نماز شب ۱۹۸
  - ۱۶-دعا برای ظهور آن حضرت عَجَل اللّٰه تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب ۲۰۰
- بخش چهارم دعاهای ایّام هفته

- ۱-دعا برای ظهور امام زمان عَجَل اللّٰه تعالی فرجه در روزهای پنج شنبه ۲۰۳
- ۲-صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه ۲۰۳
- ۳-دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه ۲۰۴

حکایت دعای علوی مصری ۲۰۵



۴-دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه که در گرفتاری های شدید خوانده می شود ۲۰۷

روز جمعه؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است ۲۳۸

فضیلت دعای ندبه ۲۳۹

۵-دعای ندبه ۲۴۱

۶-دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج ۲۵۶

۷-دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه ۲۵۶

۸-دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه ۲۵۷

۹-صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود ۲۵۷

۱۰-دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه، عید فطر و عید قربان ۲۵۸

حکایت صلوات ضرب اصفهانی ۲۵۹

۱۱-صلوات ضرب اصفهانی ۲۶۴

۱۲-صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۲۶۹

۱۳-فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل در هر شب جمعه ۲۷۰

بخش پنجم دعاهاى هر ماه

۱-دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا ۲۷۳

۲-دعای دیگری در روز عاشورا ۲۸۱

۳-دعای ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است ۲۸۲

۴-دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است ۲۸۵

۵-دعای سوم در ایام ماه رجب ۲۸۶

۶-دعای روز سوم ماه شعبان ۲۹۰

فضیلت شب نیمه شعبان ۲۹۲

۷-دعای شب نیمه شعبان ۲۹۳

ص: ۹

فضیلت (دعای خضر علیه السّلام معروف به) دعای کمیل در آن شب ۲۹۵

۸-دعای افتتاح ۲۹۶

۹-دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان ۳۰۵

۱۰-دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۳۰۶

۱۱-دعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۳۰۸

۱۲-دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه مبارک رمضان ۳۱۴

۱۳-دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان ۳۱۶

۱۴-دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ۳۱۷

۱۵-دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ۳۱۸

۱۶-دعای سوم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ۳۲۰

۱۷-دعای روز عید غدیر کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه آن حضرت باشد ۳۲۳

۱۸-تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هر ماه ۳۲۸

بخش ششم دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست

۱-دعای عهد ۳۳۱

معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه ۳۳۵

۲-دعای عهد دیگر ۳۳۷

۳-دعای زمان غیبت ۳۴۰

۴-دعای زمان غیبت به روایتی دیگر ۳۴۶

۵-دعای معرفت در زمان غیبت ۳۵۴

۶-دعای دیگر در زمان غیبت ۳۶۳

ص: ۱۰



۷-دعای دیگری نیز در زمان غیبت ۳۶۴

۸-دعای غریق در زمان غیبت ۳۶۵

۹-دعای مناسب با زمان غیبت ۳۶۶

۱۰-دعای نجات از فتنه های آخر الزمان ۳۶۶

۱۱-دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان ۳۶۸

۱۲-دعا برای حفظ شدن از شرّ دجال ۳۷۰

۱۳-دعای فرج (إلهی عظم البلاء) ۳۷۴

۱۴-دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام ۳۷۵

۱۵-دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سجده شکر ۳۷۶

۱۶-دعای هنگام عطسه ۳۷۷

۱۷-دعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۳۷۸

۱۸-دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز ۳۸۰

۱۹-دعای دیگر در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۳۸۲

۲۰-صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۳۸۶

۲۱-دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها ۳۸۷

۲۲-دعای حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه ۳۸۹

۲۳-دعای سهم اللیل، از امام زمان ارواحنا فداه ۳۸۹

۲۴-دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۳۹۲

۲۵-دعای «یا نور النور» از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۳۹۳

۲۶-دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات ۳۹۴

۲۷-دعای مهمّ دیگر از امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت ها ۳۹۵

۲۸-دعای امام عصر عَجَل الله تعالی فرجه برای شفاء از بیماری ها ۳۹۷

۲۹-دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی ها و حفظ شدن از دزدان ۳۹۸

۳۰-دعای دیگری از امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختی ها و مشکلات ۳۹۹

ص: ۱۱

۳۱- حرز امام زمان عجل الله تعالى فرجه ۴۰۱

۳۲- دعای حجاب (پنهان بودن) ، از امام عصر عجل الله تعالى فرجه ۴۰۲

۳۳- دعا برای فرج در روز ظهور ۴۰۳

۳۴- دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در اول ظهور ۴۰۵

۳۵- دعای شیعه هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه ۴۰۶

۳۶- دعای آن حضرت عجل الله تعالى فرجه هنگام عبور از وادی السلام ۴۰۷

۳۷- صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (اللهم صل على فاطمه و أیها. . .) ۴۰۸

۳۸- ثواب خواندن سوره مبارکه «کهف» ۴۰۹

۳۹- از خواص سوره «یس» ۴۱۰

۴۰- فضیلت سوره های «مستبحات» ۴۱۰

۴۱- خواندن سوره «القارعه» سبب ایمنی از فتنه دجال است ۴۱۲

بخش هفتم توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

جریان دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله ۴۱۶

۱- دعای توسل معروف به دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله ۴۲۰

۲- دعای توسل به حضرت بقیه الله عجل الله تعالى فرجه ۴۳۴

۳- توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در مشکلات ۴۳۵

۴- توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالى فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز) ۴۳۸

۵- توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالى فرجه در مشکلات (یا محمد یا علی. . .) ۴۳۸

۶- توسل دیگر به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزمان) ۴۴۱

۷- توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ۴۴۲

۸- توّسل دیگر به حضرت حجّت ارواحنا فداه (یا حجّه القائم) ۴۴۲

۹- توّسل برای رفع بیماری ۴۴۳

ص: ۱۲

## بخش هشتم عریضه ها

جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه ۴۴۸

جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه ۴۵۰

۱- کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه ۴۵۳

۲- عریضه ای به خداوند که در عریضه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده می شود ۴۵۹

۳- عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۴۶۴

## بخش نهم استخاره ها

دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد ۴۷۱

۱- دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است ۴۷۲

نکته حایز اهمیت! ۴۷۴

۲- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن ۴۷۴

۳- استخاره با رقعہ که از حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است ۴۷۶

انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده است ۴۷۷

۴- استخاره اول ۴۷۷

۵- استخاره دوم ۴۷۸

۶- استخاره سوم ۴۷۹

۷- استخاره چهارم ۴۷۹

۸- استخاره پنجم ۴۸۰

بخش دهم دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند

۱-دعای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سختی ها به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۴۸۳

حکایت حرز یمانی ۴۹۹

۲-حرز یمانی ۵۰۳

۳-دعای حریق که صبحگاهان خوانده می شود ۵۱۴

۴-دعای الحاح از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۲۹

۵-دعای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۰

۶-دعای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۲

۷-دعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۳

حکایت دعای عبرات ۵۳۵

۸-دعای عبرات ۵۳۷

بخش یازدهم زیارت ها

استحباب زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان ۵۵۱

زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۵۲

آداب زیارت ۵۵۳

۱-زیارت آل یس ۵۶۰

۲-زیارت ندبه ۵۶۶

۳-زیارت امام زمان ارواحنا فداه در روز جمعه ۵۷۵

ص: ۱۴

۴-زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه که در مشکلات و موارد ترسناک خوانده می شود ۵۷۷

۵-زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه که از حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است

۵۷۸

۶-زیارت ناحیه مقدسه ۵۸۰

۷-زیارت رجبیه که در حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود ۶۰۴

۸-زیارت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام ۶۰۶

۹-اذن ورود به حرم های ائمه علیهم السلام و سرداب مقدس ۶۰۷

۱۰-زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در سرداب مقدس ۶۱۰

۱۱-زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ۶۲۴

۱۲-زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ۶۲۴

۱۳-زیارت چهارم در سرداب مقدس ۶۲۴

۱۴-زیارت پنجم حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه ۶۳۱

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۶۳۴

۱۵-زیارت ششم حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۶۳۵

۱۶-چگونگی سلام کردن بر امام زمان ارواحنا فداه ۶۳۹

۱۷-سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه به شیوه ای دیگر ۶۴۰

۱۸-زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام ۶۴۰

۱۹-زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام ۶۴۳

۲۰-زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام ۶۴۷

بخش دوازدهم زیارات نواب امام عصر ارواحنا فداه و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن حضرت نقل نموده اند

١- زيارت نواب امام زمان ارواحنا فداه ٦٥١

٢- زيارت نايب اول جناب عثمان بن سعيد رضوان الله عليه ٦٥٣

ص: ١٥



۳- نماز برای وسعت رزق که از جناب محمّد بن عثمان قدّس سرّه نقل شده است ۶۵۷

۴- دعای مهمّ که جناب محمّد بن عثمان قدّس سرّه آن را بسیار عظیم و باارزش دانسته است ۶۵۸

۵- دعای سمات که از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان قدّس سرّه روایت شده است ۶۶۴

۶- دعای روز عید فطر که از جناب محمّد بن عثمان قدّس سرّه روایت شده است ۶۷۴

۷- زیارت مولای ما امام صادق علیه السّلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدّس سرّهما ۶۸۲

۸- دعای حضرت خضر علیه السّلام معروف به دعای کمیل ۶۸۳

خاتمه کتاب یا ملحقات بعضی از عباداتی که مورد توجّه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشند

نماز شب ۷۰۳

زیارت عاشورا ۷۰۶

دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه) ۷۱۲

ستایش مولای مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه از زیارت جامعه کبیره ۷۱۹

زیارت جامعه کبیره ۷۲۱

زیارت امین الله و فضیلت آن ۷۳۴

زیارت وارث ۷۳۸

منابع و مصادر کتاب ۷۴۵

ص: ۱۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس خدایی را که ما را آفرید، و پیامبر خود را که خاتم انبیاء است به سوی ما فرستاد و ولایت اولیایش، ائمه هدی علیهم السّلام را برای ما آشکار گردانید برای کامل کردن دین (۲) و روی آوردن به عمل‌ها (۳) و ما را به سوی مکارم اخلاق (۴) و بدست آوردن پاداش کردارها (۵) هدایت نمود تا در بهشت (۶) وارد شویم و در بوستان‌های ابدی بهشت (۷) جاوید بمانیم و به جایگاه بلندمرتبه و رفیع (۸) در بهشتی که خانه آسایش است (۹) برسیم تا فرشتگان را مشاهده کنیم که خطاب به ما بگویند: سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (۱۰)؛

ص: ۱۷

۱- لازم به ذکر است که مؤلف محترم در این مقدمه از فنون بلاغت استفاده کرده، به این گونه که ضمن مقدمه نام تعدادی از کتاب‌هایی که در این نوشته مورد استفاده قرار گرفته، ذکر نموده که حسن آن در متن عربی کتاب به خوبی جلوه گر است؛ به این فن در اصطلاح علم بدیع و بلاغت «براعت استهلال» می‌گویند. (ویراستار)

۲-۲. کتاب «کمال الدین»، تألیف: محدث بزرگوار شیخ صدوق رحمه الله.

۳-۳. کتاب «إقبال الأعمال»، تألیف: عالم جلیل القدر سید بن طاووس رحمه الله.

۴-۴. کتاب «مکارم الأخلاق»، تألیف: عالم بزرگوار ابو نصر حسن طبرسی رحمه الله.

۵-۵. کتاب «ثواب الأعمال»، تألیف: محدث بزرگوار شیخ صدوق رحمه الله.

۶-۶. کتاب «دار السلام»، یکی تألیف: محدث نوری رحمه الله، و دیگری تألیف: عالم بزرگوار شیخ محمود عراقی رحمه الله.

۷-۷. کتاب «جَنّات الخلود»، تألیف: عالم بزرگوار امامی خاتون آبادی رحمه الله.

۸-۸. کتاب «المقام الأسنی»، تألیف: عالم جلیل القدر کفعمی رحمه الله.

۹-۹. کتاب «جَنّهُ المأوی»، تألیف: محدث نوری رحمه الله.

۱۰-۱۰. سوره یس، آیه ۵۸. [۱]

«سلامی که گفتاری از پروردگار مهربان است».

و درود و سلام بر آخرین پیامبران و فرستادگان خدا، ابی القاسم محمّد، که درود خدا بر او و بر خاندان پاکش باد، همان بزرگوارانی که برای بیان وظایف بشریت (۱) با بهترین و پاکیزه ترین کلمات (۲) و ارشاد بندگان به سوی دریاهاى نور (۳)، آمدند. آن هم در پرتو چراغی (۴) که مانند «ستاره ای درخشان از درخت پربرکت زیتون افروخته باشد» (۵)، و روشن گر راه های عارفان (۶) است، عارفانی که اراده رسیدن به شهر علم و حکمت را داشته، و از درب رستگاری (۷) وارد آن شهر گشته اند.

و سلام و درود مخصوص، بر آخرین این خاندان نور و رحمت، قائم ایشان، صاحب دعوت نبوی، و نیرو و توان حیدری، و پاکدامنی فاطمی، و بردباری حسنی، و شجاعت حسینی، و عبادت سجّادی، و سنت های نیکو و برجای ماندنی باقری، و آثار و نشانه های جعفری، و دانش های کاظمی، و برهان های رضوی، و سخاوت تقوی، و پاکی نقوی، و شکوه عسکری، و غیبت الهی، قیام کننده به حقّ و کسی که مردم را به سوی راستی مطلق فرامی خواند، کلمه الهی و امان الهی و برهان خداوند، پیروز به امر او و دافع از حریم او، امام پنهان و آشکار، برطرف کننده غصه ها و سختی ها، صاحب کرم و بخشش ها، امام به حق ابی القاسم محمّد بن الحسن صاحب عصر و زمان، جانشین خداوند و امام انسان ها و جنیان، کسی که ستاره درخشان (۸) در شب بسیار تاریک است، و هم اوست که ایمنی دهنده از خطرهای سفرها و زمان ها (۹) است. او که

ص: ۱۸

- 
- ۱-۱) . کتاب «تکالیف الأنام»، تألیف: عالم محترم علی اکبر همدانی رحمه الله.
  - ۲-۲) . کتاب «الکلم الطیب»، تألیف: عالم بزرگوار سید علی خان مدنی رحمه الله.
  - ۳-۳) . کتاب «بحار الأنوار»، تألیف: علامه مجلسی رحمه الله.
  - ۴-۴) . کتاب «المصباح»، تألیف: عالم جلیل القدر کفعمی رحمه الله.
  - ۵-۵) . كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٌ؛ سورة نور، آیه ۳۵. [۱]
  - ۶-۶) . کتاب «منهاج العارفين»، تألیف: عالم بزرگوار محمّد حسن سمنانی رحمه الله.
  - ۷-۷) . کتاب «باب السعادة»، تألیف: عالم شهیر فیض کاشانی رحمه الله.
  - ۸-۸) . کتاب «نجم الثاقب»، تألیف: محدث نوری رحمه الله.
  - ۹-۹) . کتاب «الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان»، [۲] تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمه الله.

این کتاب، اثر ناچیزی است از بنده ضعیف و فانی، به عنوان هدیه به شما ای سرور مهربان و بزرگوار؛ اگر مورد قبول قرارش دهی منتی است عظیم از سوی پروردگار مّتان؛ که به وجود مبارک شما و بخشش بی پایان شما ای صاحب زمان بر من مّنت نهاد و این کتاب با قبول شما، برای من باقیات صالحات (۲) و توشه روز جزا (۳) برای روزی که «ثروت و فرزندان، نفعی نمی بخشد» (۴) قرار می‌گیرد، و نیز وسیله رستگاری سئوال‌کننده (۵) و چراغ شب زنده دار (۶) خواهد شد، برای هرکسی که آن را بخواند و کلید رستگاری (۷) را برای گشودن درهای رحمت الهی (۸) طلب کند.

امیدوارم به واسطه قبول نیکوی شما-ای صاحب بخشش و بزرگواری- این کتاب آگاهی دهنده دوست (۹) در راه کشف کلیدهای عالم غیب (۱۰) گردد، برای کسی که آن را با تأمل و درنگ می‌خواند و ان شاء الله به واسطه آن در گروه اولیاء مقربت در خواهد آمد، همان‌هایی که دارای سازوبرگ‌های نیرومند (۱۱) هستند، که خداوند آنان را برای یاری شما آماده کرده تا شما را یاری و کمک کنند.

پس ای عزیز؛ مَسْنَا وَ أَهْلُنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِيضَاعِهِ مُزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَيِّدْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَيِّدِينَ (۱۲)؛ «ما و خاندان ما گرفتار شده ایم، و سرمایه ناچیزی

ص: ۱۹

- 
- ۱-۱. کتاب «الجهّ الواقیه»، منسوب به عالم عالیقدر میرداماد رحمه الله و همچنین عالم بزرگوار کفعمی رحمه الله.
  - ۲-۲. کتاب «الباقیات الصالحات»، تألیف: محدث قمی رحمه الله.
  - ۳-۳. کتاب «زاد المعاد»، تألیف: علامه مجلسی رحمه الله.
  - ۴-۴. لا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ؛ سورة شعراء، آیه ۸۸. [۱]
  - ۵-۵. کتاب «فلاح السائل»، تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمه الله.
  - ۶-۶. کتاب «مصباح المتهدّج»، تألیف: عالم بزرگوار شیخ طوسی رحمه الله.
  - ۷-۷. کتاب «مفتاح الفلاح»، تألیف: عالم نامی شیخ بهائی رحمه الله.
  - ۸-۸. کتاب «فتح الأبواب»، تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمه الله.
  - ۹-۹. کتاب «تبصره الولی»، تألیف: علامه سید هاشم بحرانی رحمه الله.
  - ۱۰-۱۰. کتاب «مفاتيح الغیب»، تألیف: علامه مجلسی رحمه الله.
  - ۱۱-۱۱. کتاب «العدد القویّه»، تألیف: عالم جلیل القدر رضی الدین حلّی رحمه الله.
  - ۱۲-۱۲. سورة یوسف، آیه ۸۸. [۲]

آورده ایم؛ پس، پیمانۀ ما را بر کن و به ما صدقه بده؛ همانا خداوند صدقه دهندگان را پاداش می دهد» .

این کتاب مجموعه ای است از نمازها و دعاها و زیارت هایی که از ناحیۀ مقدّسه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه به دست ما رسیده و یا در مورد حضرت بقیۀ اللّٰه حجّۀ بن الحسن العسکری صاحب ولایت کامل و فرمانروایی مطلق در عالم وجود - که برترین درود و سلام بر او و اجداد گرامی اش باشد- نقل شده است.

مؤلف، در گردآوری دعاها و زیارات و... که در کتب معتبر (۱) آمده و به دستش رسیده سعی داشته است و ادّعا ندارد که این کتاب مجموعه کاملی از همه دعاها و... باشد. زیرا عصر غیبت و دوری ما از حضرت حجّت ارواحنا فداه باعث شده بسیاری از دعاهای صادر شده از ناحیۀ مقدّسه از دسترس ما دور بماند همانند بسیاری از نمازها و زیارات و اذکار؛ چون با کمال تأسف در عصر غیبت به خاطر دوری و نیز غفلت ما از ساحت شریف امام ارواحنا فداه، بسیاری از آنچه که از ناحیۀ مقدّسه صادر شده است را نمی یابیم.

چه بسا برخی از این مطالب به دوستان بزرگوارشان رسیده که بنا به دلایلی از ما پنهان کرده اند و در جایی ثبت نکرده اند. برای اثبات این ادّعا ماجرای را که برای عالم ربّانی مرحوم آیه اللّٰه حاج شیخ مرتضی حائری رضوان اللّٰه تعالی علیه اتفاق افتاده است نقل می کنیم؛ ایشان چنین فرموده اند:

ص: ۲۰

---

۱- ۱) . بنابر قاعده «تسامح در ادلّه سنن» و همچنین «اخبار من بلغ» دقت بسیار در اسناد ادعیه و زیارات وارده لازم نیست. ولی نباید قاعده «تسامح در ادلّه سنن» و «اخبار من بلغ» را دستاویز قرار داده و هرگونه دعا و زیارت را اگرچه جعلی باشد برای دیگران نقل نمائیم و یا خود به خواندن آنها سرگرم شویم؛ بلکه باید از این گونه دعاها و زیارت ها دوری بجوئیم؛ زیرا علاوه بر مضمون های اشتباهی که در بسیاری از این قبیل ادعیه و زیارات وجود دارد، آن قدر دعاها و زیارات وارده از خاندان بیت وحی علیهم السّلام در دسترس ما وجود دارد که نیازی به رجوع و نقل و یا خواندن دعاها و زیارت هائی که مدرکی ندارند، نداریم. با توجه به این حقیقت، ما آن قسمت از دعاها و زیارت هائی را که در منابع معتبر وجود ندارد نقل نمی کنیم، و نمازها، دعاها و زیارات هایی را در این کتاب می آوریم که در منابع و مصادر قدیم و کتاب های معتبر وجود دارند و به جز موارد اندکی متعزّض اختلاف نسخه ها نمی شویم تا خواننده سردرگم نشده و متحیر نگردد. کسانی که می خواهند از اختلاف نسخه ها آگاه شوند به کتاب «الصّحیفه المبارکه المهدیه» مراجعه نمایند.

دوستی داشتیم که با حضرت حجّت صلوات الله علیه در ارتباط بود و گاهی پیش من می آمد و تا اول انقلاب در ایران، پیوسته باهم ارتباط داشتیم؛ ولی پس از انقلاب، پیش من نیامد و او را زیارت نکردم. به هر حال زمانی برای من مشکلی پیش آمده بود و در همان ایام با او در میان گذاشتم و حلّ آن را از او درخواست کردم. آن مشکل این بود که بعضی از طلبه ها و نیز افراد دیگر به من مراجعه می کردند و کمک می خواستند، و من بعضی از آن ها را نمی شناختم و به همین دلیل شک می کردم که باید به آنان کمک کنم، یا نه؟

چون اگر به کسی که او را نمی شناسم کمک کنم ممکن است مستحقّ نباشد و در صورت کمک نکردن، این احتمال وجود دارد که او محتاج و مستحقّ واقعی باشد.

وقتی این مشکل را با ایشان- که با امام زمان صلوات الله علیه در ارتباط بودند- در میان گذاشتم، به من گفتند: من إنّ شاء الله جواب را از امام ارواحنا فداه برایتان می آورم.

وی از پیش من رفت و بعد از چند روز برگشت و دعایی از طرف حضرت حجّت ارواحنا فداه به من عطا کرد و گفت: اگر کسی از تو چیزی خواست و تو او را نمی شناختی اول این دعا را بخوان و بعد به او چیزی بده. همانا حضرت حجّت ارواحنا فداه فرمودند:

وقتی که این دعا را بخواند امکان ندارد مراجعه کننده بتواند این مال را در جایی که رضای ما نباشد مصرف کند.

و آن دعا مختصر بود و من مکرر شاهد بودم که آن مرحوم هنگامی که شخص ناشناسی به ایشان مراجعه می کرد آن را می خواندند.

غرض از نقل این قضیّه مهمّ- که پذیرش آن برای بعضی مشکل است- این بود که بدانید همه آنچه که از ناحیه مقدّسه صادر شده به دست ما نرسیده است و بسیاری از دعاها و زیارات و نمازها در قلب پاک دوستان آن حضرت مانده و برای مردم ظاهر نکرده اند تا وارد خاک شده اند.

محدّث نوری رحمه الله می فرماید: گروهی از علمای مورد اعتماد به من خبر دادند که صاحب الأمر ارواحنا فداه را در حال بیداری دیده اند و معجزات متعدّدی را از آن حضرت مشاهده کرده اند و آن حضرت بسیاری از اخبار غیبی را به ایشان خبر داده

است و ایشان را به دعاهای مستجاب دعا نمودند؛ و آن‌ها را از خطرهای هلاکت بار نجات داده‌اند که کلمات را یارای توصیف و تفصیل آن‌ها نیست. (۱)

و آنچه را که ما در این کتاب گرد آورده‌ایم در کتاب‌های معتبر آمده است و این تألیف از الطاف خداوند مهربان در حقّ من است. آنچه از زیبایی و خوبی که در این کتاب می‌بینید از تأییدات حضرت بقیّه الله صلوات الله علیه می‌باشد و آنچه کمبود و اشتباه در این کتاب مشاهده کنید از ناحیه مؤلف می‌باشد.

از خداوند تعالی امید دارم که راستی و اخلاص عطا کند و این کتاب را نیز وسیله تذکّر و راهی برای نزدیک شدن به خدا و ولیّ او حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه قرار دهد.

این کتاب (۲) علاوه بر مقدمه و خاتمه، دارای دوازده «باب» است، همان گونه که:

إِنَّ الشَّهْرَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا، وَأَنَّ الْأَثَمَةَ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا، وَأَنَّ النُّقَبَاءَ اثْنِي عَشَرَ نَقِيبًا. (۳)

همانا تعداد ماه‌ها نزد خداوند، دوازده ماه است و امامان نیز دوازده نفر هستند و به درستی که نقیبان نیز دوازده نفرند.

و بدانید که:

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۴). فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ

ص: ۲۲

۱- (۱). دار السلام: ۲/۱۳۷.

۲- (۲). کتاب «الصحیفه المبارکه المهدیه» با اضافاتی که پس از چاپ اول به آن افزودیم دارای بیش از چهارصد و پنجاه نماز، دعا، زیارت، استخاره... است، از آنجا که باب چهارم، پنجم، یازدهم و دوازدهم آن-یعنی دعاهایی که امام عصر (ارواحنا فداه) برای افراد یا علیه دیگران نموده‌اند و همچنین دعاهایی که هنگام ولادت قرائت نموده‌اند و دعاهایی که در ضمن دعاهای دیگر و همچنین زیارات درباره آن بزرگوار وارد شده است-داری جنبه تخصصی می‌باشد و برای اهل تحقیق مفید است و از نظر قرائت برای عموم فایده نداشت حذف نموده و با تغییراتی در ترتیب و تبویب آن، کتاب «الصحیفه المهدیه یا المختار من الصحیفه المبارکه المهدیه» تدوین گردید تا این شاء الله مورد استفاده عموم قرار گیرد. و این کتاب-صحیفه مهدیه-ترجمه آن است که اکنون در اختیار شما قرار دارد.

۳- (۳). بحار الأنوار: ۳۶/۳۹۹. [۱]

۴- (۴). سوره مزمل، آیه ۱۹. [۲]

مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَكْبَرَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . (۱)

همانا این یک وسیله یادآوری است؛ پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. هر چه از آن می توانید بخوانید؛ و نماز را بپا دارید و زکات پردازید و برای خدا قرض و وام نیکو بدهید و (بدانید) هر خیر و خوبی که برای خویشتن پیش بفرستید، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی بزرگ تر خواهید یافت؛ و از خداوند طلب آمرزش کنید؛ همانا خداوند آمرزنده مهربان است.

### نکته مهم:

امامان ما علیهم الصلاه و السلام در فضای سیاسی خاصی قرار داشتند که حکومت ملعون و غاصب «حبتری» (۲) آن را تأسیس کرده بود تا حکومت عدل علوی، پا نگیرد. لذا به دلیل وجود طاغوت های اموی و عباسی، فرصتی برای بیان اسرار الهی توسط امامان علیهم السلام نبود. از این رو حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام-اولین شخصی که حقیقت غصب شد؛ فرمانروای فرمانروایان راستین-فرمودند:

كان لرسول الله صلى الله عليه و اله سر لا يعلمه إلا قليل... و لو لا طغاه هذه الأمة لبثت هذا السر. (۳)

برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله سرّی بود که جز اندکی، آن را نمی دانستند. . . و اگر طاغوت های این امت نبودند این سرّ را فاش و منتشر می کردم.

بدین ترتیب درمی یابیم که این اسرار را برای مردم بیان نکردند و جز برای تعداد کمی از بزرگان و برترین اولیائشان فاش نساختند، و از آنجایی که مردم توان پذیرش و نگه داری اسرار و حقایق معنوی را نداشتند، برای ایشان فاش کردن اسرار و حقایق ممکن نبود؛ زیرا مردم در دولت حبتری قرار داشتند که آن هم تا ظهور حکومت

ص: ۲۳

۱-۱ . سورة مزمل، آیه ۲۰. [۱]

۲-۲ . حبتري، کنایه از اسم اولین غاصب حق خلفای الهی است؛ رجوع کنید به بحار الأنوار: ۳۵/۳۳۶.

۳-۳ . بحار الأنوار: ۹۵/۳۰۶. [۲]



الهی حضرت قائم ارواحنا فداه ادامه می یابد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه وَ اللَّيْلُ إِذَا يَسْرِ (۱) می فرماید:

هی دوله حبترا، فهی تسری إلی قیام القائم علیه السلام (۲).

مراد از «شب»، دولت حبتراست که تا قیام قائم (صلوات الله علیه) ادامه می یابد.

به این جهت، امامان علیهم السلام بسیاری از آن حقایق را تحت عنوان دعا و مناجات بیان فرموده اند که باید آن حقایق معنوی را در میان دعاها جستجو کنید. البته اهل بیت علیهم السلام که اسرار و حقایق را در دعاها و زیارت ها به دلیل جو سیاسی در آن عصر گنجانده اند، منحصر به بیان آن ها نکردند؛ بلکه مسایل مهم اعتقادی و معارف عالییه ای را در دعاها و مناجات ها و زیارت ها بیان نموده اند و این حقیقت با مراجعه به آن ها، آشکار می گردد. اهل بیت علیهم السلام به بیان بسیاری از مسایلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد نیز پرداخته اند و به جامعه بشری بهترین درس های زندگی را داده اند.

در «صحیفه کامله سجادیه» که امام عصر ارواحنا فداه درستی آن را تأیید کرده اند، دقت کنید تا مشاهده نمایید که امام زین العابدین علیه السلام چه حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات، بیان فرموده است. همچنین در دعاها و دیگر از آن حضرت و امامان دیگر علیهم السلام این حقیقت، ظاهر و آشکار است.

اکنون به یک درس از درسهای زندگی که در ادعیه به ما آموخته اند، اشاره می کنیم:

در مناجات انجلیئه امام سجاد علیه السلام از خداوند می خواهیم:

أَسْأَلُكَ مِنْ أَلْهَمِ أَعْلَاهَا. (۳)

پروردگارا! از همت ها برترین آن را از تو درخواست می کنم.

این سخن، هشدار از امام سجاد علیه السلام است برای هرکسی که دعا می کند و خدا را می خواند. یعنی دعاکننده، هرکس که می خواهد باشد-گرچه خود را جدّا حقیر و پست

ص: ۲۴

۱-۱ . سورة فجر، آیه ۴. [۱]

۲-۲ . بحار الأنوار: ۲۴/۷۸. [۲]

۳-۳ . بحار الأنوار: ۹۴/۱۵۵.

می‌شمارد-بایستی از خداوند بخواهد که به او برترین همت‌ها را عنایت کند تا در سایه آن، تحوّل در زندگی خود، ایجاد نماید تا وجود او در جامعه، دارای تأثیر اساسی و مهمی باشد و این حقیقتی است که با تابش نور امام علیه السلام در قلب انسان تحقق پیدا می‌کند.

آنچه از اهل بیت علیهم السلام از دعاها به ما رسیده است طور سینای ولایت هستند. هر کس می‌خواهد به وادی ایمن برود، و بر فراز طور سینای هدایت بالا-رود، باید کفش هایش را بیرون آورده، لباس هایش را پاک نماید و آداب دعا و مناجات را بیاموزد تا آثار عنایت و اجابت را مشاهده نماید.

آنچه بیان شد، از قرآن و روایات به دست ما رسیده است. آن‌ها را بپذیرید و فرصت را غنیمت دانسته و از رحمت الهی ناامید نباشید، که إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (۱)؛ «همانا جز قوم کافر از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

و بر این امر یقین داشته باشید تا آن نور را ببینید و آن سرّ را بشناسید؛ چرا که ائمه طاهرين عليهم السلام مردم را با دعاها و مناجات خود، به آن اسرار و حقایق هدایت و راهنمایی می‌کنند.

### ضرورت دعا از نظر عقل و نقل

قبل از بحث درباره آداب دعا، درباره ضرورت دعا از نظر عقل و نقل سخن می‌گوییم:

الف) «دلیل عقلی: دور کردن زیان از خویش-در صورت امکان و توان-واجب است؛ از سویی رسیدن زیان در این دنیا به هر انسانی حتمی است. زیرا هر انسانی مسایلی دارد که عقلش را مشغول ساخته و فکرش را مشوّش می‌کند و به او ضرر می‌رساند. این مسایل یا از درونش پیدا می‌شود، مثل عارضه ای که جسم او را دچار بیماری کند یا از خارج است همچون آزار ستمگران، و چیزهای ناپسندی که از ناحیه همسایه و یا شریک می‌رسد.

و اگر اکنون به این ضررها مبتلا-نباشد عقل احتمال رویداد آنها را در آینده می‌دهد. چگونه این حقیقت را انکار نماییم و حال آن که آدمی در منزلگاه حادثه هاست و این

ص: ۲۵

منزلگاه هیچگاه به یک حال نیست و سختی های آن از او جدا نمی گردد.

بنابراین، ضررهای دنیا یا بر انسان وارد شده اند و یا وارد خواهند شد. و در صورت توان و امکان هر دو را باید از بین برد. با دعا چنین توانی حاصل می گردد. دعا هم که در توان است، پس در هر حال باید انسان به دعا روی آورد.

حضرت امیر المؤمنین و سید الوصیین علیه السلام نیز بدین معنا خبر داده و فرموده اند:

ما من أحد ابتلی و إن عظمت بلواه بأحق بالدعاء من المعافی الذی لا یأمن من البلاء. (۱)

کسی که به بلایی مبتلا باشد گرچه بلایش عظیم باشد، سزاوارتر به دعا کردن نیست از شخصی که در عافیت است؛ که او هم از بلا و گرفتاری در امان نمی باشد.

ب) دلیل روایی: از نظر روایات آشکار است که همه به دعا محتاج اند، خواه به بلا مبتلا شده باشند و خواه نشده باشند. فایده دعا یا برطرف کردن بلایی است که وارد شده و یا دور کردن بدی ای است که به آدمی رسیده است، یا به دست آوردن منفعت و فایده ای است که دلخواه می باشد، یا پایدار کردن و نگهداری نمودن و جلوگیری از زایل شدن و از بین رفتن خیری است که موجود می باشد.

زیرا ائمه علیهم السلام دعا را به عنوان «سلاح» توصیف نموده اند و سلاح وسیله ای است که سودبخش و برطرف کننده زیان است. همچنین، دعا را «ترس» نامیده اند و ترس سپری است که با آن از ناپسندی ها جلوگیری به عمل می آید.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

ألا- أدلکم علی سلاح ینجیکم من أعدائکم و یدرّ أرزاقکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله. قال: تدعون ربکم باللیل و النهار، فإنّ سلاح المؤمن الدعاء. (۲)

می خواهید شما را به سلاحی راهنمایی کنم تا او شما را از دشمنان تان نجات دهد و روزی هایتان را بسیار نماید؟ گفتند: بلی ای رسول خدا.

فرمود: پروردگارتان را در هر روز و شب بخوانید؛ زیرا که دعا، اسلحه مؤمن است.

ص: ۲۶

(۱-۱). بحار الأنوار: ۹۳/۳۸۰. [۱]

(۲-۲). الکافی: ۲/۴۶۸. [۲]

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

الدعاء ترس المؤمن، و متى تكثر قرع الباب يفتح لك. (۱)

دعا سپر مؤمن است، و وقتی دری را زیاد کوبیدی، سرانجام برایت باز شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الدعاء أنفذ من السنان الحديد (۲).

دعا نافذتر از سر نیزه آهنین است.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

إنّ الدعاء يردّ ما قدّر و ما لم يقدر، قال: قلت: و ما قد قدّر فقد عرفته، فما لم يقدر؟ قال: حتّى لا يكون. ۳

همانا دعا باز می گرداند آنچه را تقدیر شده و آنچه را که تقدیر نشده است.

راوی می گوید: پرسیدم: «آنچه تقدیر شده است» را می دانم، اما «آنچه تقدیر نشده است» چگونه است؟

فرمود: دعا می کند تا در آینده بلا مقدر نشود.

امام کاظم علیه السلام در روایتی دیگر می فرماید:

عليكم بالدعاء، فإنّ الدعاء و الطلب إلى الله تعالى يردّ البلاء، و قد قدّر و قضی فلم يبق إلا إمضائه فإذا دعى الله و سئل صرفه صرفه. (۳)

شما را سفارش می کنم به دعا کردن؛ همانا دعا و طلب از خداوند تعالی، بلا را دور می کند درحالی که تقدیر شده و قضای الهی برطبق آن صورت پذیرفته؛ ولی فقط اجرای آن باقی مانده است و اگر خداوند خوانده شود و از او بازگرداندن بلا سؤال شود، خداوند آن را برمی گرداند.

و زراره رحمه الله از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

ص: ۲۷

[۱-۱]. الكافي: ۲/۴۶۸. [۱]

[۲-۲ و ۳]. الكافي: ۲/۴۶۹. [۲]

[۳-۴]. الكافي: ۲/۴۷۰. [۳]

ألا أدلكم على شيء لم يستثن فيه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قلت: بلى.

قال: الدعاء يردّ القضاء وقد أبرم إبراهيم، وضمّ أصابعه. (١)

آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در آن هیچ استثنایی نکرده است؟ زراره گفت: آری.

آن حضرت-انگشتان مبارک شان را درهم کردند و-فرمودند: دعا قضا (تقدیر الهی) را بازمی گرداند اگرچه استوار و حتمی شده باشد.

و از امام سید العابدین علیه السّلام روایت شده است که فرمود:

إِنَّ الدُّعَاءَ وَالْبَلَاءَ لِيَتَوَافَقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، إِنَّ الدُّعَاءَ لِيَرُدَّ الْبَلَاءَ وَقَدْ أBRَمَ إِبْرَاهِيمًا. (٢)

همانا دعا و گرفتاری تا روز قیامت همراهند. دعا بلا را-حتی اگر حتمی شده باشد- دور می گرداند.

آن حضرت در جای دیگر می فرمایند:

الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزَلْ.

دعا، بلائی نازل شده و نیز بلایی را که هنوز نازل نشده است بازمی گرداند.» (٣)

## آداب دعا

### اشاره

حال که اهمیت دعا کردن و آثار شگفت آور آن با این گفتار روشن گردید و نیز این مطلب فهمیده شد که اگر دعاکننده آداب دعا را مراعات کند به حاجت خود می رسد، به بیان آداب دعا می پردازیم:

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام» نقل کرده است:

«آداب دعا را رعایت کنید و بنگرید چه کسی را می خوانید؟ و چگونه و برای چه دعا می کنید؟ و در مورد آنچه سؤال و درخواست می کنید تفکر و تأمل کنید که چه

ص: ۲۸

۱-۱. الکافی: ۲/۴۷۰. [۱]

۲-۲. الکافی: ۲/۴۶۹. [۲]



چیزی درخواست می کنید، چه مقدار و برای چه آن را می طلبید؟

به راستی که دعا طلب اجابت تمام خواسته های شما برای حضرت حق، و خالص شدن روح و روان در مشاهده پروردگار است. همانا دعا، برداشتن همه اختیارات از خود و تسلیم همه امور باطنی و ظاهری به خدای قادر متعال است. حال اگر شرط دعا را بجا نیاوردید نباید منتظر اجابت آن باشید؛ همانا خداوند پنهان و آشکار را می داند پس شاید خدا را به چیزی می خوانید که خداوند از درون شما خلاف آن را می داند.

بدانید که اگر خدا ما را به دعا امر نمی کرد و ما خدا را با اخلاص می خواندیم، خداوند با اجابت خود به ما تفضل می کرد، پس حالا که به دعا امر نموده و ضامن شده اجابت را برای کسی که با شرایط آن خدا را بخواند، چگونه خواهد بود؟» (۱)

سپس می گوید: «آداب دعا عبارتند از:

### اول: شروع کردن با نام خداوند.

حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود:

لا یردّ دعاء أوله «بسم الله الرحمن الرحیم». (۲)

دعایی که با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شود، رد نمی شود.

### دوم: دعا با حمد و ستایش خداوند باشد.

مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است:

کلّ دعاء لا یكون قبله تحمید فهو أبتّر. (۳)

هر دعایی که قبل از آن حمد و ستایش خداوند نباشد، ناقص است و نتیجه ندارد. در نامه امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده است:

اول ستایش و بعد درخواست کردن و طلب نمودن از خداوند. بنابراین، هنگامی که خدای عزّ و جلّ را خواندی او را حمد و ثنا بگو و ستایش کن و تمجید نما.

ص: ۲۹

۱-۱. بحار الأنوار: ۹۳/۳۲۲.

۲-۲. بحار الأنوار: ۹۳/۳۱۳. [۱]

۳-۳. الکافی: ۲/۵۰۳. [۲]

راوی می گوید: گفتم: چگونه او را تمجید کنم؟

فرمود: می گویی:

یا من أقرب إلی من حبل الوريد، یا من يحول بين المرء و قلبه، یا من هو بالمنظر الأعلى، یا من ليس كمثلہ شیء.

ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک تری؛ ای کسی که میان انسان و قلبش حایل می شوی؛ ای کسی که در چشم انداز بلندی هستی؛ ای کسی که هیچ چیزی مانند تو نیست. (۱)

### سوم: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد عليهم السلام.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید:

صلواتکم علیّ إجابہ لدعائکم، و زکاه لأعمالکم. (۲)

صلوات فرستادن شما بر من، هم باعث اجابت دعاهاى تان است و هم سبب پاکی اعمالتان می گردد.

مولای ما امام صادق علیه السلام فرمود:

لا يزال الدعاء محجوبا حتى یصلی علی محمد و آل محمد. (۳)

دعا پیوسته در حجاب است تا اینکه بر محمد و آل محمد عليهم السلام صلوات فرستاده شود.

و نیز فرموده اند:

من كانت له إلی الله عزّ و جلّ حاجه فليبدأ بالصلاه علی محمد و آله، ثمّ يسأله حاجته، ثمّ يختم بالصلاه علی محمد و آل محمد، فإنّ الله أكرم من أن يقبل الطرفين و يدع الوسط، إذا كانت الصلاه علی محمد و آل محمد لا تحجب عنه. (۴)

هرکسی که حاجتی از خداوند بخواهد، باید با صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام آغاز کند، سپس حاجتش را بخواهد و آن را با صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام به پایان برساند؛ زیرا خداوند بزرگوارتر از آنست که ابتدا و انتهای دعا را قبول کند؛

ص: ۳۰

۱-۱. بحار الأنوار: ۹۳/۳۱۵. [۱]

۲-۲. بحار الأنوار: ۹۴/۵۴. [۲]

۳-۳. بحار الأنوار: ۹۳/۳۱۲ و ۳۱۶. [۳]





ولی وسط آن را رها کند و قبول نماید، زمانی که بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستاده شود از او محجوب نمی شود.

### چهارم: طلب شفاعت کردن است

. مولای ما امام کاظم علیه السلام فرمود:

زمانی که حاجتی از خدا داشتی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ، وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. . .

خدایا! من از تو درخواست می کنم به حق محمد و علی، زیرا که آن دو بزرگوار در پیشگاه تو شأن و منزلتی و قدر و ارزشی دارند. پس به آن شأن و مقامی که نزد تو دارند بر ایشان صلوات بفرست و این خواسته را برای من انجام بده.

به درستی هنگامی که روز قیامت فرارسد هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبر مرسل و هیچ مؤمن آزموده شده ای باقی نمی ماند مگر اینکه در آن روز محتاج به شفاعت این دو بزرگوار باشند. (۱)

و برای این که حاجت ها بر آورده شود و به خواسته خود برسیم، به ناچار باید به پیشگاه خداوند عز و جل و سیله ای را تقدیم کنیم. به تحقیق که خداوند ما را به این امر دستور داده و فرموده است: **وَإِبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (۲)**؛ «به سوی او وسیله ای بجوید» ، و هیچ وسیله ای مقرب تر و ارزشمندتر از محمد و آل محمد صلی الله علیهم و سلم نیست و آن، شفاعت است.

در زیارت جامعه کبیره آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَتْمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شَفْعَائِي. . .

خدایا! هر آینه اگر من شفیعیانی مقرب تر و آبرومندتر از محمد و اهل بیت نیکو کردار و بزرگوارش که پیشوایان خیر خواهند نزد تو پیدا می کردم آنها را شفیع خود قرار می دادم. . .

ص: ۳۱

۱- ۱) . بحار الأنوار: ۹۴/۲۲.

۲- ۲) . سورة مائده، آیه ۳۵. [۱]

از سویی نصّ صریح روایات دلالت می کند که «وسیله»، همان ائمه علیهم السّلام هستند و این منافاتی ندارد با این که ما «وسیله» را به نردبان و یا غیر آن تفسیر کنیم. (چون منظور از نردبان در اینجا وسیله ترقّی و پیشرفت است).

در روایتی از رسول خدا صلّی الله علیه و اله آمده است:

هم العروه الوثقی و الوسیله إلى الله. (۱)

آنان- یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام- دست آویز محکم و قابل اطمینان و وسیله هستند به سوی پروردگار.

سپس این آیه را قرائت فرمودند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (۲).

ای ایمان آورندگان؛ تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله ای جستجو کنید.

شاید دو صفت ایمان و تقوا شرط لازم برای به دست آوردن وسیله به سوی خداوند متعال باشد، همان طور که وسیله بدون این دو سودی ندارد.

بنابراین، هنگامی که این دو صفت جمع شدند، وسیله سود می بخشد؛ چون ولایت وجود نخواهد داشت مگر با ایمان و تقوا.

### پنجم: اعتراف به گناهان است.

در روایتی که از مولای ما امام صادق علیه السّلام نقل شده، می فرماید:

إنما هي المدحه، ثم الإقرار بالذنب ثم المسألة؛ و الله ما خرج عبد من ذنب إلا بالإقرار. (۳)

به درستی که دعا عبارت است از ثنای خدا و بعد اقرار به گناه و بعد از آن سؤال و درخواست. به خدا قسم هیچ بنده ای از گناه خارج نمی شود مگر با اقرار به گناهِش (نزد خدای متعال).

ص: ۳۲

۱- ۱). تفسیر صافی: ۱/۴۴۱. [۱]

۲- ۲). سورة مائده، آیه ۳۵. [۲]

۳- ۳). بحار الأنوار: ۹۳/۳۱۸. [۳]

## ششم: این که دعا از روی غفلت و بیهودگی نباشد، بلکه با روی آوردن دل و توجه

باشد

. همان طور که امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دَعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبِ سَاهٍ، فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ، ثُمَّ اسْتَيْقِنِ الْإِجَابَةَ. (۱)

خداوند دعای شخص غافل را اجابت نمی کند. بنابراین، زمانی که دعا کردی، با توجه و حضور قلب دعا کن، سپس به اجابت آن یقین داشته باش.

چون غافل، در حقیقت دعاکننده نیست و دعا واقع نمی شود مگر با توجه قلب به سوی کسی که خوانده می شود.

### هفتم: پاک بودن غذا و نوشیدنی و لباس.

چون دعای صالح از عمل صالح و درست است، و چگونه صلاح و درستی با حرام و ناپاکی جمع خواهد شد؟ این سخن خداوند تبارک و تعالی: يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً (۲)؛ «ای فرستادگان الهی؛ از پاکیزه ها بخورید و عمل صالح و شایسته انجام دهید»، دلالت می کند بر ارتباط تنگاتنگ بین عمل صالح و خوراک حلال و پاک.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْتَجَابَ دَعَاؤُهُ فَلْيَطِّبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ. (۳)

کسی که دوست دارد دعایش اجابت شود باید خوراک و کسب و کارش حلال باشد.

در حدیث دیگری آمده است:

طَهَّرْ مَا كَلَكْ، وَ لَا تَدْخُلْ فِي بَطْنِكَ الْحَرَامَ. (۴)

طعام و خوراکت را پاک کن، و در شکم خود حرام را داخل نکن.

ص: ۳۳

[۱-۱]. بحار الأنوار: ۹۳/۳۲۳. [۱]

[۲-۲]. سورة مؤمنون، آیه ۵۱. [۲]

[۳-۳]. بحار الأنوار: ۹۳/۳۷۲. [۳]

[۴-۴]. بحار الأنوار: ۹۳/۳۷۳. [۴]

در حدیث دیگری آمده است:

أطب كسبك تستجاب دعوتك؛ فإنَّ الرجل يرفع اللقمة إلى فيه حراما فما تستجاب له أربعين يوما. (۱)

کسب و کار و درآمد خود را پاک کن تا دعایت اجابت شود؛ همانا شخصی که لقمهٔ حرامی را در دهانش می برد تا چهل روز دعایش به اجابت نمی رسد.

در حدیث قدسی آمده است:

فمنك الدعاء و علیّ الإجابة، فلا تحجب عنّي دعوه إلاّ دعوه آكل الحرام. (۲)

از تو دعا کردن و از من اجابت آن؛ هیچ دعایی از من محجوب نمی شود مگر دعای کسی که حرام می خورد.

مولای ما امام صادق علیه السّلام می فرماید:

من سرّه أن يستجاب دعاؤه فليطيب كسبه. ۳

کسی که دوست دارد دعایش به اجابت رسد، باید کسب و کار و درآمد خود را پاک کند.

در روایت دیگری می فرماید:

إذا أراد أحدكم أن يستجاب له فليطيب كسبه، و ليخرج من مظالم الناس، و إنّ الله لا يرفع دعاء عبد و في بطنه حرام، أو عنده مظلمه لأحد من خلقه. (۳)

زمانی که یکی از شما بخواهد دعایش اجابت شود باید کسب و کارش را پاک کند و حقّ مردم در گردنش نباشد؛ چون خداوند دعای بنده ای را که در شکمش غذای حرام باشد، و حقّ احدی از مردم بر گردن او باشد، بالا نمی برد.

**هشتم: پرداخت حقّ مردم که بر گردن دعاکننده باشد.**

ص: ۳۴

۱- (۱). بحار الأنوار: ۹۳/۳۵۸. [۱]

۲- (۲) و ۳. بحار الأنوار: ۹۳/۳۷۳. [۲]

۳- (۳). بحار الأنوار: ۹۳/۳۲۱. [۳]

مولای ما امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أُجِيبُ دَعْوَةَ مَظْلُومٍ دَعَانِي فِي مَظْلَمِهِ ظَلَمَهَا، وَ لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِثْلُ تِلْكَ الْمَظْلَمَةِ. (۱)

به راستی خداوند متعال می فرماید: به عزت و جلالم سوگند، دعای مظلومی را که به او ظلم شده و مرا در مورد آن می خواند درحالی که خودش همان ظلم را در حق دیگری کرده است، هرگز اجابت نمی کنم.

و مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ: قُلْ لِلْمَلَائِكَةِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: ... إِنِّي غَيْرُ مُسْتَجِيبٍ لِأَحَدٍ مِنْكُمْ دَعْوَةَ وَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي قَبْلَهُ مَظْلَمَةٍ. (۲)

خداوند به عیسی بن مریم وحی فرستاد: به همه بنی اسرائیل بگو: ... من دعای یکی از شما را درحالی که برای یکی از بندگانم در گردن او حقی باشد، اجابت نمی کنم.

**نهم: ترک گناهی که مانع از برآوردن حاجت می شود.**

امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قِضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ، أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيَذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا، فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلِكِ: لَا تَقْضُ حَاجَتَهُ وَ أَحْرَمَهُ إِيَّاهَا، فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَ اسْتَوْجَبَ الْحَرَمَانَ مِنِّي. (۳)

همانا بنده ای حاجتی را از خدا طلب می کند و امکان دارد حاجتش زود برآورده شود یا به تأخیر بیفتد؛ در این هنگام، بنده گناهی انجام می دهد که خداوند تبارک و تعالی به ملک دستور می دهد: حاجتش را برآورده مکن و او را از آن محروم گردان چون او خود را در معرض غضب من قرار داده و موجب محرومیت از من شده است.

**دهم: خوش گمان بودن به اجابت دعا.**

مقصود از آن، طلب یقین است به این که خداوند خلف وعده نمی کند؛ زیرا در

ص: ۳۵

۱-۱) . بحار الأنوار: ۹۳/۳۲۰. [۱]

۲-۲) . بحار الأنوار: ۹۳/۳۷۳. [۲]

۳-۳) . بحار الأنوار: ۷۳/۳۲۸. [۳]

کلام خود به دعا امر کرده و مستجاب شدن آن را تضمین نموده است: **أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (۱)**؛ «مرا بخوانید، تا اجابت کنم شما را»، و خداوند خلف وعده نمی کند؛ همان گونه که در قرآن به آن تصریح کرده است:

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲).

این وعده خداوند است؛ خداوند خلاف وعده اش رفتار نمی کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

خداوند چگونه خلف وعده کند درحالی که بی نیاز، توانا، بسیار رحم کننده، مهربان و بزرگوار است؟ در حدیث آمده است:

فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنِ الْإِجَابَةَ. (۳)(۴)

زمانی که دعا می کنی، با تمام وجود خدا را بخوان، سپس یقین به اجابت داشته باش.

### یازدهم: اصرار و پافشاری در دعا.

علامه مجلسی رحمه الله این مورد را از آداب دعا شمرده و فرموده است: در وحی قدیم چنین آمده است:

لَا تَمَلَّ مِنَ الدَّعَاءِ، فَإِنِّي لَا أَمَلُّ مِنَ الْإِجَابَةِ. (۵)

از دعا کردن خسته مشو؛ زیرا من از اجابت خسته نمی شوم.

عبدالعزیز طویل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ. (۶)

همانا بنده وقتی دعا می کند، خداوند پیوسته در برآوردن حاجتش می باشد مادامی که شتابزدگی نکند.

ص: ۳۶

۱- ۱. سورة غافر، آیه ۶۰. [۱]

۲- ۲. سورة روم، آیه ۶. [۲]

۳- ۳. بحار الأنوار: ۹۳/۳۲۳. [۳]

۴- ۴. المختار من كلمات الإمام المهدى: ۱/۲۳۸. [۴]

۵- ۵. بحار الأنوار: ۹۳/۳۷۳. [۵]

۶- ۶. الكافي: ۲/۴۷۴. [۶]

همچنین از آن حضرت روایت شده است:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فَقَامَ لِحَاجَتِهِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: اسْتَعْجَلَ عَبْدِي أُتْرَاهَ يَظُنُّ أَنَّ حَوَائِجَهُ بَعِيدَةٌ غَيْرِي. (۱)

بنده وقتی عجله داشته باشد و بر آوردن حاجتش را به سرعت بخواهد، خداوند می فرماید: بنده ام شتاب کرد، آیا گمان می کند حاجتهایش به دست غیر من است؟

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّائِلَ اللَّحُوحَ. ۲

همانا خداوند، درخواست کننده ای را که اصرار کند، دوست دارد.

ولید بن عقبه هجری می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

وَاللَّهِ، لَا يَلْحَقُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ فِي حَاجَةٍ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ. (۲)

به خدا سوگند؛ بنده مؤمن در حاجتی اصرار نمی کند مگر این که خدا آن را بر آورده می کند.

ابو الصباح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ، وَأَحَبُّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ. ۴

به راستی که خداوند اصرار بعضی از مردم را به بعضی دیگر در مورد خواسته هایشان ناپسند می داند، ولی این را در مورد خودش دوست دارد؛ همانا خداوند دوست دارد که آنچه نزد او است درخواست و طلب شود.

از احمد بن محمد بن ابو نصر روایت شده که گوید:

به ابا الحسن علیه السلام گفتم: فدایت شوم، من از فلان سال تاکنون حاجتی را از خداوند خواستم و در حال حاضر به دلیل تأخیر در بر آورده شدن آن، بر قلب من چیزهایی خطور می کند (دچار شک و وسوسه شده ام).

ص: ۳۷

۱- ۱ و ۲. بحار الأنوار: ۹۳/۳۷۴. [۱]

۲- ۳ و ۴. الکافی: ۲/۴۷۵. [۲]



حضرت در جواب فرمودند:

يا أحمد؛ إياك و الشيطان أن يكون له عليك سبيل، حتى يقنطك، إنَّ أبا جعفر عليه السَّلام كان يقول: إنَّ المؤمن ليسأل الله حاجه فيؤخَّر عنه تعجيل إجابته حبًا لصوته و استماع نحيبه.

ثمَّ قال: و الله ما أخَّر الله عن المؤمنين ما يطلبون في هذه الدُّنيا خير لهم ممَّا عَجَّل لهم فيها، و أيَّ شيء الدنيا. (۱)

ای احمد؛ پرهیز از این که شیطان به تو راه یابد و تو را ناامید کند، همانا امام باقر علیه السلام می فرمود:

مؤمن از خداوند حاجتی را می طلبد ولی خداوند اجابت آن را به تأخیر می اندازد به این دلیل که صدای بنده اش را دوست دارد و می خواهد ناله او را بشنود.

سپس فرمود: به خدا قسم، خداوند آنچه را که مؤمنان در این دنیا می طلبند به تأخیر نمی اندازد مگر این که این تأخیر برای ایشان بهتر است از آنچه برای ایشان تعجیل فرموده است، مگر دنیا چه ارزشی دارد؟!

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

إنَّ العبد الولیَّ لله يدعو الله في الأمر ينوبه، فيقال للملك الموكَّل به:

إقض لعبدي حاجته و لا تعجلها، فإني أشتهي أن أسمع نداءه و صوته.

و إنَّ العبد العدو لله ليدعو الله في الأمر ينوبه، فيقال للملك الموكَّل به:

إقض لعبدي حاجته و عجلها، فإني أكره أن أسمع نداءه و صوته.

قال: فيقول الناس: ما اعطى هذا إلا لكرامته، و ما منع هذا إلا لهوانه. ۲

همانا بنده ای که دوست خداست در امری خدا را می خواند و به درگاه او ناله و زاری می کند، پس به فرشته ای که مأمور اوست گفته می شود: حاجت بنده ام را برآورده کن ولی شتاب نکن؛ چون دوست دارم ندا و صدای او را بشنوم.

و بنده ای که دشمن خداست خداوند را در امری می خواند و ناله می کند، پس به فرشته ای که مأمور آن است گفته می شود: حاجتش را برآورده کن و تعجیل نما،

ص: ۳۸

چون من کراحت دارم صدا و ناله او را بشنوم.

حضرت فرمود: ولی مردم چنین گویند که حاجت دسته دوّم داده نشده مگر به این دلیل که کرامتی نزد خداوند دارند و حاجت دسته اوّل به تأخیر نیفتاده مگر به خاطر پستی آنها در درگاه خداوند.

از آن امام علیه السّلام روایت شده است:

لا يزال المؤمن بخير و رخاء و رحمه من الله ما لم يستعجل فيقنط فيترك الدعاء، قلت له: كيف يستعجل؟

قال: يقول: قد دعوت منذ كذا و كذا، و لا أرى الإجابة. (۱)

مؤمن مادامی که شتابزدگی نکند پیوسته در خوبی، راحتی و رحمت الهی است تا آن که عجله می کند و ناامید می شود و دعا را ترک می کند.

به امام علیه السّلام گفتم: چگونه عجله می کند؟

فرمود: می گوید: از فلان وقت، مدّتی طولانی است که خدا را می خوانم ولی اجابت آن را نمی بینم.

و نیز آن حضرت فرمودند:

إنّ المؤمن ليدعو الله في حاجته فيقول عزّ و جلّ: أخرّوا إجابته، شوقا إلى صوته و دعائه. فإذا كان يوم القيامة قال الله: عبدي دعوتني في كذا و كذا فأخّرت إجابتك و ثوابك كذا.

قال: فيتمنى المؤمن أنّه لم يستجب له دعوه في الدّنيا ممّا يرى من حسن الثواب. ۲

همانا مؤمن خدا را در مورد حاجتش می خواند، ولی خداوند عزّ و جل (به ملائکه) می فرماید: اجابتش را به تأخیر بیندازید به خاطر شوق و علاقه در شنیدن صدا و دعایش. تا آن که روز قیامت فرامی رسد؛ خداوند می فرماید: بنده من؛ مرا خواندی ولی اجابت دعایت را به تأخیر انداختم و حالا در مقابل آن، ثواب تو نیز

ص: ۳۹

چنین و چنان است. در فلان مورد نیز دعا کردی ولی من پاسخت را به تأخیر انداختم؛ حالا ثواب تو چنان است.

حضرت فرمود: در آن هنگام که جزا و پاداش نیکوی الهی را مشاهده کرد، مؤمن آرزو می کند ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا مستجاب نمی شد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

رَحِمَ اللهُ عَبْدًا طَلَبَ مِنْ اللهِ حَاجَةً فَأَلْحَ فِي الدَّعَاءِ، أَسْتَجِيبُ لَهُ أَوْ لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ، وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ:

وَ ادْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا. (۱) (۲)

خداوند رحمت کند بنده ای را که از خداوند حاجتی را بخواهد و در دعا اصرار کند؛ چه دعایش اجابت شود و یا نشود. و این آیه را تلاوت فرمودند: «و پروردگرم را می خوانم؛ بدان امید که به خاطر خواندن خدای خود، شقی نباشم».

در تورات آمده است:

يا موسى؛ من أحببني لم ينسني، و من رجا معروفى ألح في مسألتى.

يا موسى؛ إني لست بغافل عن خلقى و لكن أحب أن تسمع ملائكتى ضجيج الدعاء من عبادى، و ترى حفظتى تقرب بنى آدم إلي بما أنا مقويهم عليه و مسيبه لهم.

يا موسى؛ قل لبنى إسرائيل: لا تبطرنكم النعمة فيعاجلكم السلب، و لا تغفلوا عن الشكر فيقارعكم الذل، و ألحوا فى الدعاء تشملكم الرحمه بالإجابه، و تهنتكم العافيه. ۳

ای موسی؛ آن که مرا دوست دارد فراموشم نمی کند. و کسی که امید خیر از من دارد در درخواست کردن از من اصرار می ورزد.

ای موسی؛ من از آفریدگان خودم غافل نیستم، اما دوست دارم فرشتگانم ضجه و فریاد دعای بندگانم را بشنوند و نگهبانان من ببینند که انسان ها و فرزندان آدم

ص: ۴۰

۱-۱. سورة مریم، آیه ۴۸. [۱]

۲-۲ و ۳. بحار الأنوار: ۹۳/۳۷۵. [۲]

چگونه با این ناله ها که خودم آنان را به آن نیرو بخشیدم و سبب دعای آنان شدم، به من نزدیک می شوند.

ای موسی؛ به بنی اسرائیل بگو: نعمت شما را دچار گردنکشی و غرور نکنند؛ زیرا در این صورت به سرعت از شما گرفته می شود. از شکر غافل نشوید تا ذلت شما را درهم نکوبد. در دعا اصرار کنید تا رحمت الهی به سبب اجابت دعا شامل حالتان شود و عافیت گوارای شما گردد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

لا یلح عبد مؤمن علی الله فی حاجته إلا قضاها له. (۱)

بنده من در حاجتش بر خداوند اصرار نمی کند مگر این که آن را برای او برآورده می کند.

از منصور صیقل روایت شده است:

قلت لأبی عبد الله علیه السلام: ربّما دعا الرجل فاستجیب له ثم اّخر ذلك إلى حین؟ قال: فقال: نعم، قلت: و لم ذلك لیزداد من الدعاء؟ قال: نعم. ۲

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ممکن است کسی دعا کند و دعایش مستجاب گردد سپس تا مدتی به تأخیر بیفتد؟ حضرت فرمود: بلی.

عرض کردم: چرا چنین می شود؟ آیا برای این است که بیشتر دعا کند؟

حضرت فرمود: بلی.

آن چه نقل کردیم امور مهمّ در آداب دعا بود و اکنون بعضی از امور را با تأکید بیشتر بیان می کنیم:

ص: ۴۱

مداومت بر دعا و اصرار ورزیدن در ادامه آن دارای نقش بسیار مهمی در رسیدن به مقصود و بدست آوردن حاجت می باشد. و این نکته بسیار مهمی است که همه کسانی که با دعا سروکار دارند، باید به آن توجه داشته باشند؛ زیرا بیشتر افراد قدرت و توانائی آن را ندارند که با خواندن یک دعا و یا یک زیارت، و یا گفتن یک ذکر، حاجت خود را بگیرند و به مقصودشان نایل شوند.

به عنوان مثال: در بسیاری از امراض جسمانی اگر مرض سطحی باشد، یا تازه شروع شده و کهنه و مزمن نشده باشد می توان آن را با یک نسخه مداوا و معالجه نمود؛ ولی اگر مدت بیماری طولانی و مرض کهنه گردیده باشد، بدیهی است که محتاج به تکرار معالجه و ادامه مصرف دارو است.

در امراض روحی نیز جریان از همین قرار است، اگر شخصی گرفتاری روحی شدیدی داشته باشد و یا در اصل شدید نبوده، ولی بر اثر گذشت زمان و طولانی شدن آن، در روح جایگزین و به آن معتاد شده، در این صورت بدیهی است که مشکل این گونه گرفتاری ها را با خواندن یک بار دعا نمی توان برطرف نمود، بلکه نیاز به تکرار دعا دارد؛ همان گونه که در بسیاری از امراض جسمانی انسان محتاج تکرار و تداوم استفاده از دارو است.

بنابراین، همان گونه که در امراض جسمی مداوا را ادامه می دهیم تا دارو کاملاً اثر خود را ببخشد، در مواردی که نیاز به دعا می باشد نیز باید خواندن دعا را همچنان ادامه دهیم تا اثر آن ظاهر شود.

البته ممکن است افرادی با خواندن یک دعا، یا ذکر یک اسم از اسماء الله، به نتیجه برسند ولی این گونه افراد در مجتمع بشری نادر الوجود و کمیاب اند و عموم افراد نباید توقع داشته باشند که مانند آنان با خواندن یک بار دعا، نتیجه ای که آن ها می گیرند، بگیرند.

این یکی از جهاتی است که در روایات درباره الحاح و اصرار در دعا تأکید شده است.

## نقش یقین در مستجاب شدن دعا

دو چیز در اجابت دعا، دارای تأثیر فراوان و اساسی است:

۱- رفع موانع قلبی و حجاب های ظلمانی و زدودن تیرگی های درونی از قلب.

۲- ایجاد مقتضی و به وجود آوردن صفا و نورانیت باطنی.

انسان برای آنکه تیر دعایش به هدف بخورد، به این دو چیز احتیاج دارد و باید این دو را ایجاد نماید تا نوبت به اضطرار نرسد.

بنابراین: ۱- هم باید پرده های تیرگی را از قلب کنار بزند. ۲- و هم انوار الهی را جایگزین آن نماید. و یقین، این کار را انجام می دهد. هم ظلمت ها، تاریکی ها و شک را از قلب می زداید و هم صفا و نورانیت را در قلب انسان ایجاد می نماید.

همه کسانی که در معارف و اعتقادات صحیح به یقین رسیده اند، دارای قلبی باصفا و نورانی بوده و هستند؛ زیرا لازمه وجودی یقین، روشنایی و نور در قلب است، و نوری مانند نور یقین وجود ندارد.

حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند: لا نور کنور الیقین. (۱)

هیچ نوری مانند نور یقین نیست.

بدیهی است وقتی یقین در قلب آدمی جای گرفت و قلب نورانی گردید، تیرگی ها و تاریکی ها از میان می روند؛ زیرا نور و ظلمت در یک جا جمع نمی شوند.

پس با به دست آوردن یقین می توان هم تیرگی ها را که مانع اجابت دعا می باشند، برطرف نمود و هم صفا و نورانیت را که مقتضی اجابت دعا است، فراهم نمود.

اکنون برای آن که از نقش یقین در اجابت دعا بیشتر آگاه شوید، به جریان مهمی که در جلد اول کتاب «اسرار موفقیّت» نقل کرده ایم، توجه کنید:

مرحوم آیه الله العظمی خوئی در رابطه با اثرات «بسم الله الرحمن الرحيم» -در

ص: ۴۳

صورتی که با یقین گفته شود- جریان بسیار جالبی را از شیخ احمد، خادم استاد الفقهاء مرحوم میرزای بزرگ شیرازی نقل کرده اند که وی گفته است:

مرحوم میرزا، خادم دیگری داشتند به نام شیخ محمد که پس از فوت مرحوم میرزا، از همنشینی با مردم کناره گرفت.

روزی شخصی نزد شیخ محمد رفت، دید هنگام غروب آفتاب چراغ خود را از آب پر نمود و روشن کرد؛ آن شخص بسیار تعجب کرد و علت آن را از او پرسید.

شیخ محمد در جواب گفت: پس از فوت مرحوم میرزا از غم و اندوه جدایی از آن بزرگوار، معاشرت با مردم را قطع نمودم و خانه نشین گردیدم و دلم بسیار گرفته و حزن و اندوه شدید وجودم را فرا گرفته بود.

در ساعت های آخر یکی از روزها، جوانی به صورت یکی از طلاب عرب بر من وارد شد و با من انس گرفت و تا غروب نزد من ماند. از بیانات او به قدری لذت بردم که تمام غم و اندوه از دلم برطرف شد. او چند روزی نزد من آمد تا من به او مانوس شدم. در یکی از روزها که با من صحبت می کرد، به خاطر آمد که امشب چراغم نفت ندارد. چون در آن وقت رسم چنین بود که مغازه ها را هنگام غروب می بستند و شب همه مغازه ها بسته بود.

از این جهت در فکر بودم که اگر برای خرید نفت از منزل خارج شوم، از فیض سخنان ایشان محروم می شوم، و اگر نفت خریداری نکنم، شب را باید در تاریکی بسر برم.

چون مرا متحیر یافت، متوجه من شده و فرمود: تو را چه شده است که به سخنان من خوب گوش نمی دهی؟

گفتم: متوجه گفتار شما هستم.

فرمود: هرگز، درست به آنچه می گویم دل نمی دهی!

گفتم: حقیقت این است که امشب چراغم نفت ندارد.

فرمود: بسیار جای تعجب است که این همه ما برای حدیث خواندیم و از فضیلت «بسم الله الرحمن الرحيم» سخن گفتیم و تو این قدر بهره مند نشدی که از خرید نفت بی نیاز شوی؟!

گفتم: یادم نیست حدیثی در این باره فرموده باشید!

فرمود: فراموش کرده ای که گفتم از خواص و فواید «بسم الله الرحمن الرحيم» این است که چون آن را به قصدی بگویی، آن مقصود حاصل می شود؟ تو چراغ خود را از آب پر کن، و به این قصد که آب دارای خاصیت نفت باشد، بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم».

من قبول کردم، برخاستم چراغ خود را از آب پر نمودم و در آن هنگام به همان نیت گفتم: «بسم الله الرحمن الرحيم»، چون آن را روشن کردم، افروخته شد و شعله کشید. از آن زمان هرگاه چراغ خالی می شود، آن را از آب پر می کنم و «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویم و روشن می کنم.

مرحوم آیه الله خوئی پس از نقل این جریان فرمودند: تعجب این است که پس از نشر این قضیه و پخش شدن آن بین مردم، آنچه شیخ محمد عمل می کرد از اثر نیفتاد.

همان گونه که ملاحظه کردید، گفتن یک مرتبه «بسم الله الرحمن الرحيم» از روی یقین، دارای اثر شگفت و خارق العاده بوده است.

آنان که دارای اسم اعظم اند-و خیلی تعداد آن ها کم است-نیز، از همان اسم هایی که میان همه مردم متداول است استفاده می کنند؛ ولی آنچه که عمل آنان را از دیگران ممتاز می سازد، یقین آنان است؛ زیرا یقین آنان در تأثیر نامی که تلفظ می کنند، نقش اساسی دارد.

### یقین و آثار شگفت انگیز آن

چون یقین یکی از مسایل اساسی و دارای آثار بسیار مهمی می باشد، بحث درباره آن را ادامه داده و در این ارتباط مقدمه کوتاهی را بیان می کنیم:

بسیاری از کسانی که در راه سیر و سلوک و پیمودن راه معنویت تلاش می کنند، در جستجوی آنند که موانع راه خود را بشناسند و بدانند چه عواملی در آنان وجود دارد که آنان را متوقف ساخته و مانع از ترقی و پیشرفت معنوی ایشان می شود، بلکه گاهی حالت تنزل و عقب گرد روحی پیش می آورد.



آن عوامل که سبب توقف و تنزل می شوند چه چیزهایی هستند؟ و چگونه می توان آن ها را شناسایی نمود؟ و از همه مهم تر چگونه می توان آن ها را برطرف نموده و نابود ساخت؟!

اینها سئوالات مهمی است که برای بسیاری از کسانی که در جستجوی امور معنوی می باشند پیش می آید و نمی دانند چگونه باید مشکل خود را حل کنند؟ و چگونه به پاسخ سئوالات خود دست یابند؟

به دنبال این سئوالات، سئوال اساسی تر دیگری به وجود می آید- که با به دست آوردن پاسخ آن، مشکلات قبلی آسان می شود- و آن این است که آیا برای سیرو سلوک و گام نهادن در عالم معنی و پیمودن راه معنویت، شناخت موانع لازم است؟

آیا حتما باید عواملی را که مانع پیشرفت انسان و سبب رکود و توقف و گاه تنزل انسان می باشند، شناسایی نموده، سپس برای برطرف ساختن آن ها تلاش نمود؟ یا راهی وجود دارد که با پیمودن آن، همه موانع خود بخود ریشه کن می شود گرچه آن ها را شناسایی نکرده باشد؟ آیا پادزهری وجود دارد که اثر همه زهرها را- از هر نوعی که باشند- نابود سازد؟

اگر چنین چیزی وجود داشته باشد که چاره همه دردها بوده و اثر هرگونه زهر را از بین ببرد حتما باید در راه تحصیل و بدست آوردن آن تلاش نمود و بعد از آن نیازی به شناختن نوع زهری که انسان را گرفتار ساخته، نمی باشد.

بعضی از بزرگان معتقدند راه هایی وجود دارد که با شناختن آن ها می توان راه صد ساله را یک شبه پیمود؛ و عواملی وجود دارد که با آن می توان موانع را از سر راه برداشت- گرچه آن ها را شناسایی نکرده باشد- و به سر منزل مقصود رسید.

مرحوم محدث نوری، «یقین» را یکی از آن عوامل می داند و معتقد است تأثیر یقین آن چنان زیاد است که می تواند بدون شناخته شدن جزئیات موانع، آثار آن ها را ریشه کن نموده و وسیله پیشرفت را در انسان ایجاد کند.

ایشان می فرماید: کسی که می خواهد قلب خود را از صفات زشت پاک نماید و به خصلت های پسندیده زینت بخشد، بدون آن که خود را در شناخت جزئیات بیماری های

قلبی و علاج آن و شناخت اضداد و نتایج آن به زحمت افکند، باید برای تحصیل نور یقین اقدام نماید.

یقینی که وقتی در قلب جای گیرد به طور خودکار آن را از همه آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک نماید و نور همه صفات پسندیده را به آن بتاباند. بدون یقین، برطرف ساختن مرض قلبی سودی ندارد و تحصیل خصلت پسندیده ممکن نیست. به همین جهت است که می‌بینیم در اخبار فراوان همه خصلت‌های پسندیده را از ثمرات یقین قرار داده‌اند. (۱)

مرحوم محدث نوری بعد از این کلامش فرموده است: دست کشیدن به خار مغیلان آسان تر از رسیدن به یقین است؛ ولی کسی که دارای آن شود آن چنان قلبش نورانی می‌شود که موانع را از بین می‌برد و یا حداقل آن را بی‌اثر می‌سازد.

ما در اینجا به این مقدار اکتفا می‌کنیم؛ کسانی که خواهان مطالب بیشتری درباره یقین و راه‌های به دست آوردن آن می‌باشند به کتاب «اسرار موفقیت ج ۱» بخش «یقین» مراجعه نمایند.

### دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه

لازم و ضروری است

پس از بیان آداب دعا می‌گوییم: لازم‌ترین دعا در زمان غیبت، دعا برای ظهور مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است، زیرا او صاحب ما، و صاحب عصر و زمان؛ بلکه صاحب امر و سرپرست تمام جهان‌ها است.

آخر چگونه نسبت به آن حضرت- که پیشوا و امام ماست- غفلت و بی‌توجهی کنیم؟! درحالی که این غفلت، در حقیقت بی‌توجهی به یکی از اصول و پایه‌های دین است. بدین سان، دعا برای آن حضرت باید پیش از دعا برای خویشتن، خانواده و برادران صورت گیرد.

جناب سید بن طاووس رحمه الله در «جمال الاسبوع» می‌فرمایند: پیش‌تر بیان شد که

ص: ۴۷

بزرگان و رهبران دینی ما، توجه و اهمیت خاصی نسبت به دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداه در هر شب و روز داشته اند و این در زمان های گذشته مرسوم بوده است.

از این مطلب برمی آید که دعا برای آن بزرگوار، از مسایل و شیوه های مورد اهتمام مسلمانان و مؤمنان بوده است، چنان که در تعقیب نماز ظهر روایت کردیم که امام صادق علیه السّلام، بیشتر و بهتر از آنچه در مورد خویش دعا کنند، در مورد حضرت مهدی ارواحنا فداه دعا نموده اند.

و نیز، در بخش اعمال شب و روز در تعقیباتی که برای نماز عصر بیان کردیم، بخش زیبایی را آوردیم که امام کاظم علیه السّلام برای حضرت مهدی صلوات الله علیه به گونه ای شیوا و بهتر از دعا برای خویش، دعا فرموده اند.

اگر کسی بخواهد دلیلی برای این کار بیاورد در صورتی که جایگاه امام صادق و امام کاظم علیهما السّلام را در اسلام و مسلمین بداند؛ همین کار آن دو بزرگوار، دلیلی بسیار خوب برایش خواهد بود. (۱)

نیز سید بن طاووس رحمه الله پس از بیان ثواب دعا کردن برای برادران دینی، می گوید: در جایی که دعا کردن برای برادران دینی این قدر ارزش و ثواب داشته باشد؛ پس دعا کردن برای سلطانی که سبب خلقت تو است، و اعتقاد داری که اگر او نبود خداوند نیز تو را نمی آفرید؛ بسیار بالاتر و به مراتب باارزش تر است.

همان امامی که اگر نبود، هیچ یک از مکلفان در زمان خودش و زمان تو، به وجود نمی آمدند؛ آن بزرگوار که سبب وجود تمام حالاتی که در تو و در غیر توست، و تمام خیرات و بهره هایی است که شماها به آن می رسید.

زنهار، زنهار؛ از این که خودت یا یکی از مخلوقات را در دوستی و دعا کردن، بر آن عزیز، مقدم و پیش بداری؛ قلب و زبانت را هنگام دعا برای آن سرور ارجمند و والا مقام، با یکدیگر هماهنگ کن.

مبادا خیال کنی این سفارشات که می کنم، به دلیل احتیاج آن حضرت به دعای

ص: ۴۸

توست، هرگز؛ اگر چنین باوری داشته باشی بدان که در اعتقاد و دوستی خود، بیمار می باشی. پر واضح است، این گفتار من و سفارشاتمی که کردم، تنها به این خاطر است که بتوانم قدری از حق بزرگ او را که بر عهده توست، به تو بشناسانم و برایت روشن کنم که چه نیکی های شایانی بر تو ارزانی داشته است.

از سویی اگر تو پیش از خودت و عزیزان و نزدیکانت، برای آن عزیز، دعا کنی، بهتر می توانی درهای اجابت الهی را فراروی خویش بازگردانی؛ زیرا درهای اجابت و پذیرش دعا را خودت-ای بنده خدا؛- بسته ای و این کار را با جنایت هایت انجام داده ای!

لذا هنگامی که دعا کردی برای آن مولای عزیز نزد مالک مردگان و زندگان، امید است که به زودی و به سرعت درهای اجابت آستان الهی برای خاطر آن بزرگوار باز گردد، و پس از وارد شدن به سرای اجابت و پاسخ گویی خداوند، بتوانی برای خودت و دیگران، در زمره فزون بخشی او دعا کنی.

بدین سان، رحمت و بزرگواری و توجه خداوند نیز به تو تعلق می گیرد، به این جهت که در دعا، به ریسمان و دستاویز خداوند، آویخته و دعا کرده ای.

ممکن است بگویند: فلان شخص و فلان شخصی را می شناسم که جزو اساتید دینی تو هستند و این کار را نیز انجام نمی دهند، ولی من به خوبی آگاهم که این افراد در بی توجهی و غفلت نسبت به مولای ما ارواحنا فداه به سر می برند! و نسبت به او کوتاهی نموده اند.

در پاسخ این اشکال به شما عرض می کنم: کاری را که گفتم شما انجام بده؛ زیرا، این حقیقتی آشکار و روشن است، هرکسی مولای ما را واگذارد و به او بی توجهی روا دارد به خدا سوگند در اشتباهی رسواگر به سر می برد!

سید بن طاووس رحمه الله در ادامه می گوید: فکر می کنی نظر امامان علیهم السلام در این مورد چیست؟ آیا ایشان همانند تو نسبت به اهمیت دعا برای آن حضرت، بی توجهی نموده و آن را سبک می شمارند؟! بنابراین، از زیاد دعا نمودن در نمازهای واجب برای آن حضرت صلوات الله علیه و برای کسی که دعا برای او جایز است خودداری نکن.

روایتی صحیح با سند خودم از محمّد بن علی بن محبوب (مرجع و استاد علمای قم در زمان خودش) نقل می‌کنم که او در کتابش به نام «المصنّف» از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که حضرتش فرمود:

كَلَّمَا كَلَّمْتُ اللَّهَ تَعَالَى فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَلَيْسَ بِكَلَامٍ.

آنچه با خدا گفتگو کنی در نماز واجب، کلام باطل کننده نماز به حساب نمی‌آید.

(سید رحمه الله می‌افزاید:) در چنین شرایطی، دیگر هیچ بهانه‌ای برای ترک دعا برای آن حضرت نداری. (۱)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: براساس آیات قرآن و نیز احادیث، دعا از جمله بزرگ‌ترین عبادت‌هاست.

از طرفی شکی نیست که یکی از بهترین، بزرگ‌ترین و ارزش‌مندترین دعاهای انسان، دعا برای کسی است که خداوند حقّ او را و دعا کردن برای او را بر تمام انسان‌ها واجب فرموده است، و نعمت‌های الهی به برکت آن حضرت بر تمام آفریدگانش سرازیر می‌شود.

نیز، شکی نیست که معنای مشغول شدن به خداوند، مشغول شدن به عبادت الهی است، پس دعا کردن برای امام عصر ارواحنا فداه به طور همیشگی، موجب توفیق الهی در بندگی و عبادت او خواهد شد و خدا او را از دوستان خود قرار خواهد داد.

نتیجه سخن آن‌که: مواظبت کردن بر دعا برای امام عصر، حضرت حجّت ارواحنا فداه و درخواست کردن از خداوند تعجیل فرج و ظهور آن حضرت را، و برطرف کردن غم و اندوهش را و خشنود نمودن آن امام بزرگوار، موجب دست‌یابی به دوستی خداوند و توفیق در عبادت الهی خواهد بود (و این مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد).

پس لازم است تمام مؤمنان نسبت به این مسأله مهم همیشه و در همه جا توجّه خاصی مبذول داشته و اهتمام ورزند.

ص: ۵۰

از جریاناتی که درستی گفتار ما را تأیید می کند، آن است که برادر عزیز ایمانی ام، فاضل وارسته- که مؤید به تأییدات ربّانی است- جناب میرزا محمّد باقر اصفهانی که خدا سایه اش را مستدام بدارد و او را به آرزوهایش در این ایام برساند می گوید:

در خواب، یا در حالتی بین خواب و بیداری، در یکی از همین شب ها دیدم که امام بزرگوارمان، آن مولای همه آفریدگان و حجت الهی بر همه موجودات، حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلاه و السلام سخنانی (به این مضمون) فرمودند:

بر منبرها به مردم بگویید و دستور بدهید که توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند. این دعا، مانند نماز میت واجب کفایی نیست که اگر یک یا چند نفر از مردم آن را انجام دادند، تکلیف از دیگران برداشته شود؛ بلکه، همانند نمازهای واجب روزانه، بر هر یک از مکلفان واجب است که انجام دهند. . . . (۱)

با توجه به مطالب یاد شده، لزوم دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه روشن شد.

### مظلوم ترین فرد عالم

پس از آن که ضرورت دعا برای مولای مان امام زمان ارواحنا فداه را ذکر کردیم می گوئیم: متأسفانه در بیشتر مجالس مذهبی از یاد امام زمان ارواحنا فداه و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت غفلت می شود. و اگر بدانیم که تاکنون چقدر از آن حضرت غافل بوده ایم، متوجه می شویم که آن حضرت مظلوم ترین فرد عالم هستند.

اکنون جریاناتی را درباره مظلومیت آن بزرگوار ذکر می کنیم:

۱- حجه الإسلام و المسلمین مرحوم آقای حاج سید اسماعیل شرفی نقل نمودند:

به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت

ص: ۵۱

مهدی ارواحنا فداه مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار روشن نماید.

ناگهان هنگامی که مشغول زیارت بودم خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم؛ ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم، پس به او سلام کردم و از ایشان سؤال کردم: آقا؛ شما کیستید؟

فرمودند: من مظلوم ترین فرد عالم هستم.

من مقصود آن حضرت را متوجه نشدم و با خود گفتم: شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده اند خود را مظلوم ترین فرد عالم می داند، در این هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست.

اینجا بود که فهمیدم خداوند دعایم را مستجاب فرموده و مرا به لقای حضرتش شرفیاب نموده، و او مظلوم ترین فرد عالم و امام زمان من بود، و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.

۲- حجه الإسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد موسوی- که از شیفتگان حضرت امام عصر عجل الله تعالی له الفرج می باشند- از حجه الإسلام و المسلمین عالم ریانی مرحوم آقای حاج شیخ محمد جعفر جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف، یا شهود خدمت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه مشرف شده و ایشان را بسیار غمگین می بیند از حال آن بزرگوار سؤال می کند، حضرت می فرماید:

دلم خون است، دلم خون است.

۳- حضرت امام حسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند:

«... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، تا می توانید درباره آن حضرت سخن بگویید و قلم فرسایی کنید؛ آنچه درباره شخصیت این معصوم بگویید درباره همه معصومین (علیهم السلام) گفته اید؛ چون حضرات معصومین همه در عصمت و ولایت و امامت یکی هستند و چون این زمان، دوران مهدی ما است سزاوار است درباره او بیشتر گفتگو شود.

و در خاتمه فرمودند:

باز تأکید می‌کنم درباره مهدی ما زیاد سخن بگویید و بنویسید، مهدی ما مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره اش نوشت و گفت». (۱)

### نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط

اکنون که از مظلومیت آن حضرت آگاه شدیم باید توجه داشته باشیم که هدف ما از دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسیدن به حالات و مقامات نباشد؛ بلکه خشنودی پروردگار و تقرب به خداوند و امام زمان ارواحنا فداه را ملاک عمل قرار دهیم.

اینک به این جریان مهم توجه کنید: مرحوم آقای شرفی که از منتظران ظهور امام عصر ارواحنا فداه بودند، نقل می‌کردند: در زمانی که برای تبلیغ، از مشهد مقدس به شهرستان‌ها می‌رفتم در یکی از مسافرت‌ها چند روزی قبل از ایام ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان در تهران به محضر مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط - که از سابقین و ثابتین در راه انتظار بودند و مردم را به این راه تشویق می‌نمودند - مشرف شدیم و از ایشان تقاضای راهنمایی کردیم، و خواستیم که چیزی به ما بیاموزد.

آن بزرگوار طریقه ختم آیه شریفه *وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ* را به ما آموختند (۲) و فرمودند: اول صدقه بدهید و چهل روز، روزه بگیرید و این ختم را در حال روزه انجام دهید.

نکته مهمی که مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط فرمودند این بود که: مقصودتان از انجام این ختم تقرب به حضرت رضا علیه السلام باشد و حاجت‌های مادی را در نظر نگیرید.

مرحوم آقای شرفی فرمودند: من ختم را شروع کردم ولی نتوانستم آن را ادامه دهم و ترک نمودم، ولی دوست من موفق شد و آن را به پایان رساند. پس از آن که به

ص: ۵۳

---

۱- ۱). بوستان ولایت: ۲/۱۸.

۲- ۲). دستور این ختم از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم نقل شده و مرحوم آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی آن روایت را در کتاب «گلزار اکبری» نقل کرده است.



مشهد مقدّس برگشت، وقتی ایشان به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السّلام مشرف گردید، آن حضرت را به صورت نور زیارت کرد. کم کم این حالت در ایشان تقویت شد تا توانست آن حضرت را ببیند و با آن بزرگوار صحبت نماید.

هدف ما از نقل این جریان، نکته مهمی است که در دعاها و توسّلات باید رعایت شود و آن این است که انسان علاوه بر آنکه در انجام نمازها، دعاها و توسّلات باید اخلاص را رعایت کند هدف او هم باید از انجام آن ها، تقرب به خداوند باشد تا به رسول خدا صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السّلام نیز نزدیک شود، یعنی اعمالش را به تبت عبودیت و بندگی خدا انجام دهد، نه برای رسیدن به حالات و مقامات.

یکی از افراد مشهور و صاحب نفس که دعایش اثر داشت و با آن، گره از کار افراد می گشود، از شخصی که او را صاحب بصیرت می دانست، سؤال کرده بود: به نظر شما من چه موقعیت و منزلتی نزد خدا دارم؟ ایشان پس از تأمل در جواب گفته بودند: شما در کارهای خداوند زیاد دخالت کرده ای.

پس دعاکننده نباید هیچ گونه سوء استفاده ای از دعاهایش بنماید، بلکه آن ها را باید به قصد بندگی پروردگار انجام دهد، نه این که به وسیله آن ها دخالت در کارهای خداوند نموده و یا مردم را به سوی خود جلب نماید.

## تجربه مهم

مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی

اکنون جریان مهمی را از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که دلیل بر اهمیت مسأله انتظار است نقل می کنیم:

ایشان از دوران کودکی به عبادات و ریاضت های شرعی اشتغال داشته و زحمات فراوان و طاقت فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی و معنوی متحمّل شده بودند.

ایشان هرچه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآنی را که در مدّت عمر خود از کودکی انجام داده بودند، یادداشت کرده و به خاطر متضمّن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات مهمّ، صلاح نمی دانستند که آن را در اختیار همگان قرار دهند. و به این جهت آن را مخفی نگه داشته و پنهان می نمودند.

مرحوم والد معظّم در ارتباط با آن نوشته ها می فرمودند: مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در اواخر حیات خود آن نوشته ها را به مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی دادند. (۱)

مقصود از نقل این جریان، نکته مهمّی است که آن را مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در آخر آن کتاب مرقوم فرموده بودند و باید درس مهمّی برای همه کسانی که در راه معنویات و سیر و سلوک شرعی گام برمی دارند، باشد.

آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که:

ای کاش این اذکار و اوراد و ختومات را در راه نزدیک شدن و تقربّ به مولایم امام زمان عجل الله تعالی له الفرج انجام می دادم.

بینید یک شخصیت مهمّ که نام ایشان زبان زد خاصّ و عامّ بوده و هست چگونه در آخر عمر اظهار تأسّف می نماید و آرزو می کند که ای کاش هدف خود را از انجام آن اعمال، تقربّ به حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه قرار داده بود.

هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دارای قدرت مهمّ روحی بوده و از نیرو و قدرتی بسیار کم نظیر در میان افراد و چهره های شناخته شده، بهره مند بوده است؛ با این همه، آرزو می کند که کاش سعی و تلاش خود را در راه تقربّ به امیر عالم هستی به کار می برد، و بدست آوردن قدرت تصرف در افراد و بازگرداندن صحت و سلامتی را به افراد مریض و کارهایی دیگر از این قبیل را هدف خود قرار نمی داد.

ص: ۵۵

---

۱ - ۱). مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی از علمای ربّانی مشهد مقدّس بودند و مرحوم والد معظّم اینجانب با ایشان دوستی و رفاقت خالصانه ای داشتند.

بزرگ ترین درس برای انسان ها این است که در هر مسیری که می پیمایند از تجربه های مردان بزرگ در آن راه، تجربه آموخته و از یک عمر تلاش و کوشش آن ها استفاده کرده و از معارفی که آنان پس از سال های سال به دست آورده اند بهره مند شوند و به آخرین تجربه ها و نتیجه هایی که آنان در مسیر طولانی حیات خود به آن رسیده اند، کاملاً توجه نموده و به آن عمل نمایند.

به این نکته توجه کنید:

استفاده از تجربه های مهم مردان بزرگ، ارزش حیات و نتیجه زندگی را صدها برابر افزایش می دهد. پس سعی کنید به آنچه مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی تجربه نموده و در نوشته خود متذکر شده اند، عمل نمایید و دعاها، زیارات و سایر عباداتی را که انجام می دهید برای تقرب به پروردگار باشد تا به این وسیله به ساحت مقدس امام عصر ارواحنا فداه تقرب پیدا کنید و مقاصد کوچک و کم ارزش را ترک کنید.

این حقیقتی است که اگر به آن عمل کنید از حیات و زندگی خود کاملاً نتیجه می گیرید.

### دعای امام عصر ارواحنا فداه

برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند

نویسنده «مکیال المکارم» می گوید: از جمله اثرات دعا برای مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه آن است که دعای آن بزرگوار شامل حال کسی می شود که برای آن حضرت دعا کند.

دلیل این مطلب آن است که علاوه بر این که ایشان بیش از هر کس نسبت به سپاسگزاری از کسی که به وی نیکی و احسان کند، اهتمام دارند؛ در دعای حجاب خود که در کتاب «مهج الدعوات» آمده است؛ پس از دعا برای تعجیل فرج فرموده است:

... و اجعل من يتبعني لنصره دينك مؤيدين، و في سيلك مجاهدين، و علي من أراذني و أراذهم بسوء منصورين....

... هرکسی را که برای پیروزی آیین تو از من پیروی می نماید تأیید فرما، و در راه

خودت از مجاهدین و جهادکنندگان قرار بده و بر کسانی که سوء قصدی نسبت به من و ایشان کرده اند، یاری فرما. . . .

بدون شک، دعا برای آن حضرت و تعجیل در فرج با کفایتش، نوعی پیروزی و یاری کردن آن بزرگوار است؛ زیرا یکی از نمونه های یاری دین و ایمان و یاری امام زمان ارواحنا فداه، یاری کردن زبانی است، و دعا برای آن حضرت از اقسام یاری کردن زبانی به حساب می آید؛ و این چیزی نیست که بر کسی پنهان باشد.

همچنین بیان علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش، گفتار ما را تأیید می کند. ایشان در تفسیر آیه شریفه *وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا (۱)*؛ «اگر به شما ادای احترام شد، شما نیز بهتر از آن یا به همان شکل ادای احترام را پاسخ دهید»، فرموده است: منظور از تحیت، سلام و موارد دیگری از کارهای نیک است.

زیرا که دعا از برترین نوع احسان و نیکی است. بنابراین، هنگامی که بنده مؤمن برای مولایش امام عصر ارواحنا فداه دعا کند و این کار را خالصانه انجام دهد؛ مولای بزرگوارش نیز در پاداش او دعایی خالص برای او خواهد کرد. بدیهی است، دعای امام زمان ارواحنا فداه برای شخص، کلید تمام خیرات و خوبی ها، و نابودکننده همه بدی ها است.

گواهی و تأیید این گفتار، سخن مرحوم قطب راوندی در کتاب «خرائج» است، وی می گوید:

گروهی از اهل اصفهان- که از جمله ایشان ابو العباس احمد بن نصر؛ و ابو جعفر محمد بن علویه هستند- برایم بازگو کردند که مردی به نام عبد الرحمان در اصفهان بود و از شیعیان به حساب می آمد. از او پرسیده شد که به چه دلیل تو از بین تمام مردم روزگار خود، امام هادی علیه السلام را انتخاب کرده و او را امام و پیشوای خود قرار دادی؟!

وی گفته است: چیزی را مشاهده کردم که برایم واجب شده است تا او را امام خود بدانم. من مردی فقیر و بی چیز بودم، ولی زبانی گویا داشتم و پر جرأت بودم. در

ص: ۵۷

یکی از سال ها مردم اصفهان مرا از شهر بیرون کردند؛ من نیز به همراه عده ای که برای شکایت و دادخواهی به دیار متوکل عباسی (حاکم وقت) می رفتند، به راه افتادم؛ تا آن که به قصر حکومتی او رسیدیم. در این هنگام، دستور احضار امام هادی علیه السلام را صادر کرد.

از بعضی از حاضران پرسیدم: این مردی که دستور احضارش را داده اند، کیست؟

گفتند: او یکی از فرزندان علی علیه السلام است که شیعیان او را امام و پیشوای خود می دانند. و من حتم دارم که متوکل او را برای کشتن احضار کرده است.

من گفتم: از این جا نمی روم تا بینم او چگونه مردی است!

پس از مدتی آن حضرت را درحالی که سوار بر اسب بود مشاهده کردم، مردم در سمت راست و چپ آن حضرت صف کشیده بودند و به سویش می نگریستند. با دیدن او، محبت و دوستیش در قلبم قرار گرفت، و برای او در درون خود مشغول دعا شدم تا خداوند او را از شر متوکل (لعین) در امان بدارد.

آن بزرگوار نگاهش را به یال اسب دوخته بود و از بین مردم حرکت می کرد، و به راست و چپ خود نیز نگاه نمی کرد. من نیز در درون پیوسته برای او دعا می کردم.

هنگامی که خواست از کنار من عبور کند، رو به من کرد و فرمود:

استجاب الله دعائك، و طول عمرک و کثر مالک و ولدک.

خداوند، دعایت را اجابت فرماید؛ عمرت را طولانی، و دارایی و فرزندان را بسیار گرداند.

آن گاه، من از شکوه و هیبت او بر خود لرزیدم و بین دوستانم افتادم؛ پرسیدند: چه اتفاقی برایت افتاده است؟

گفتم: خوبم (ولی هیچ چیزی در مورد آن جریان به هیچ کس نگفتم). پس از این جریان به اصفهان بازگشتیم، و به واسطه دعای آن بزرگوار، خداوند نیز راه های درآمد را به رویم گشود، به گونه ای که در حال حاضر هزار هزار درهم ارزش خانه و اموال درون خانه ام می باشد، و بیرون از منزل نیز بسیار ثروت و دارایی دارم. ده فرزند نیز

نصیب شده، و بیش از هفتاد سال از عمرم می گذرد.

من، این مرد بزرگوار را به عنوان پیشوای خود برگزیدم و او را امام می دانم؛ چرا که او چیزی را که در خاطر من گذشت متوجه شد، و برایم دعا کرد و خداوند نیز دعایش را در حَقَم مستجاب فرمود.

عرض می کنم: ای خردمند؛ با دقت اندیشه کن و بین چگونه مولای ما امام هادی علیه السّلام، پاداش دعا و احسان این مرد اصفهانی را داد، و آن گونه برایش دعا فرمود؛ با این که وقتی آن شخص برای امام علیه السّلام دعا کرد، هنوز جزو پیروان امام علیه السّلام نبود. آیا با وجود این جریان، می توانی گمان کنی در مورد امام عصر و مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه، با این که تو از شیعیان او هستی، که اگر دعایش کنی، او در مقابل برای تو دعای خیر نمی کند؟!

نه؛ به خدایی که جنّ و بشر را آفرید، چنین نیست؛ بلکه، آن حضرت-اگرچه مؤمنان نسبت به این جهت بی توجهی می کنند- برای مؤمنان و شیعیانش دعا می کند؛ زیرا تمام احسان ها و نیکی ها از ناحیه آن حضرت است.

از جمله اموری که تأکید بر مدّعی ما می نماید این است که یکی از برادران شایسته و بزرگوارم به من گفت که در عالم رؤیا حضرت مهدی صلوات الله علیه را ملاقات کرده، و آن حضرت به او فرموده اند:

إِنِّي أَدْعُو لِكُلِّ مُؤْمِنٍ يَدْعُو لِي بَعْدَ ذِكْرِ مَصَائِبِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَجَالِسِ الْعَزَاءِ.

من حتما برای هر مؤمنی که در مجلس عزاء، بعد از یاد مصیبت های سید الشهداء علیه السّلام برایم دعا کند، دعا می کنم.

از خداوند درخواست توفیق دعا برای آن حضرت را داریم؛ همانا، او شنوای دعاست. (۱)

ص: ۵۹

برای تعجیل ظهور امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه

همان طور که می توان به تنهایی دعا کرد، می توان به طور گروهی به دعا پرداخت.

بدین شکل که مجالسی تشکیل شود و در آن ها از امام عصر ارواحنا فداه یاد شود؛ چرا که با این کار، افزون بر این که برای امام علیه السّلام دعا شده است، کارهای نیک دیگری مانند زنده کردن امر (امامت) امامان علیهم السّلام؛ بیان و بازگو کردن حدیث هایی که از اهل بیت علیهم السّلام رسیده است؛ و... صورت می گیرد.

نویسنده کتاب «مکیال المکارم» می گوید: یکی از تکلیف ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه، آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان علیه السّلام یاد شود، و خوبی ها، فضیلت ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد، و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد؛ چرا که این کارها، روح دادن و گسترش آیین خدا، بزرگ داشت و بالا بردن کلام خدا، و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا، و گرامی داشت مراسم و شعائر الهی، و یاری نسبت به ولی پروردگار است.

افزون بر مطالبی که بیان شد و نیز ارزش های دیگری که در مورد برپایی این مجالس می توان برشمرد؛ فرمایش امام صادق علیه السّلام- که در کتاب «وسائل الشیعه» و غیر آن نقل شده است- نیز بر این مطلب دلالت دارد:

تزاوروا، فإنّ فی زیارتکم إحياء لقلوبکم و ذکر الأحدثنا، و أحدثنا تعطف بعضکم علی بعض، فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتم، و إن ترکتموها ضللتهم و هلكتم فخذوا بها و أنا بنجاتکم زعيم. (۱)

به دیدار یکدیگر بروید؛ زیرا این دیدوبازدیدها موجب زنده شدن دل های شما، و بازگو کردن و یادآوری حدیث های ماست. حدیث ها و سخنان ما، باعث همبستگی

ص: ۶۰

و مهربانی بیش تر بین برخی از شما با برخی دیگر خواهد شد. اگر سخنان ما را پذیرفتید و به کار گرفتید، هدایت می شوید و نجات می یابید؛ و اگر سخن ما را رها کردید، گمراه می گردید و هلاک می شوید؛ بنابراین، شما احادیث و سخنان ما را بپذیرید و به کار بندید، من نیز ضامن و عهده دار نجات شما می باشم.

دلالت روایت بر مطلب ما به این گونه است که: دلیل دستور دادن آن حضرت به دیدوبازدید شیعیان این است که انگیزه و وسیله ای برای زنده شدن امر (امامت) ایشان و بازگویی احادیث شان است؛ پس، نتیجه می گیریم که بدون شک، تشکیل این گونه مجالس که در آن یاد فضایل او، و اموری که مربوط به آن حضرت است؛ دارای برتری و استحباب است و ائمه علیهم السلام به این کار، علاقه مند هستند.

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز در حدیث «أربع مائه»، مطالبی فرموده اند که مربوط به موضوع بحث ماست:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا، وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ يَنْصُرُونَنَا، وَيَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا، وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنَانَا، وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا، أَوْلِيَّكَ مَنَا وَإِلَيْنَا، الْخَبْر. (۱)

همانا، خدای تبارک و تعالی، با آگاهی و روشن بینی که نسبت به زمین (و موجوداتش) داشت، ما را برگزید؛ و شیعیان و پیروانی نیز برای ما انتخاب کرد، تا ما را یاری کنند، و به جهت شادی ما شادمان، و برای ناراحتی و اندوه ما اندوهگین باشند، و ثروت و جان خویش را در راه ما بذل و بخشش نمایند. اینان از ما هستند، و به سوی ما آیند. . .

هشدار و آگاهی: می توان گفت: در برخی از زمان ها، واجب است چنین مجالسی تشکیل شود، همانند وقتی که مردم در حال کشیده شدن به انحراف و گمراهی باشند، و بتوان با تشکیل این گونه مجالس، آنان را از هلاکت و تباهی و انحراف بازداشت و به شاهره هدایت ارشاد و راهنمایی نمود.

ص: ۶۱



و جوب این امر با توجه به دلیل های امر به معروف و نهی از منکر؛ و نیز، راهنمایی گم شدگان، و نیز بازداشتن اهل بدعت و گمراهی به دست می آید. البتّه، در همه حالات تنها خدای متعال است که انسان را حفظ می کند و از گناه بازمی دارد. (۱)

## مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه

### اشاره

جهت اطلاع بیش تر خوانندگان محترم، به بررسی برخی از مکان هایی می پردازیم که ویژه آن حضرت هستند.

مرحوم محدّث نوری می فرماید: پوشیده نیست که برخی از مکان های ویژه امام عصر صلوات الله علیه که مشهور به مقام امام زمان علیه السلام می باشند؛ مکان هایی هستند مانند:

وادی السلام (نجف اشرف)، مسجد سهله، مسجد حله، مسجد جمکران در خارج شهر مقدّس قم، و...

به نظر می رسد برخی از کسانی که آن امام علیه السلام را دیده اند، در این مکان ها به زیارتش شرفیاب شده اند؛ یا این که در این جاها، معجزه ای از آن حضرت نمودار شده است؛ بدین جهت، جزو مکان های شرافتمند و بابرکت به حساب می آیند، و جایی هستند که می توان با آن حضرت مأنوس شد، و فرشتگان الهی در آنجا از آسمان فرود می آیند، شیطان ها رفت و آمدشان کم است و این ها خود از وسایل و اسبابی است که موجب اجابت زودتر دعا، و پذیرش سریع تر عبادت می شود.

در برخی از روایات آمده است: خدای عزّ و جلّ دوست می دارد در مکان هایی همانند این مکان ها و مسجدها و حرم های امامان علیهم السلام، و قبرهای فرزندان امامان علیهم السلام، و قبر بندگان صالح و نیکوکار، که در شهرهای مختلف پراکنده اند پرستش شود.

این، از لطف های پنهانی خداوند است نسبت به بندگان که دچار گمراهی، یا اضطراب و ناچاری، بیماری، بدهکاری، ستمدیدی، ترس و وحشت، نیاز و احتیاج، و از این قبیل امور باشند؛ بندگان که دچار اندوه و مشکلات شده اند و

ص: ۶۲

قلب شان به هم ریخته و دارای ظاهری آشفته و حواسی از کار افتاده هستند. این افراد، می توانند به جاهای مزبور پناهنده شوند، و گریه و زاری نموده و به وسیله کسی که صاحب آن مقام است، به خداوند متوسل شوند و درخواست علاج دردها و شفای بیماری ها، و برطرف شدن شرّ مردمان شرور، و دیگر گرفتاری ها را بنمایند.

در بسیاری از موارد، خواسته این افراد پاسخ داده می شود: بیماری که در حال مریضی به آن جا رفته است، شفا گرفته و برمی گردد؛ ستم دیده ای که رفته است، برمی گردد درحالی که حقش را گرفته است؛ کسی که با نگرانی و اضطراب به آن اماکن شرفیاب شده است، برمی گردد درحالی که دلش آرام و خیالش راحت شده است.

البته، طبیعی است هر کس ادب و احترام بیش تری به جا آورد، بهره و خیر بیش تری نیز به دست می آورد.

و احتمال دارد تمام این مکان های شریف، جزو خانه های خدا باشند که دستور داده شده است که آن خانه ها رفیع و بلندمرتبه گردد و نام خدا در آن ها برده شود، و هر کس در آن خانه ها صبح گاهان و شام گاهان به تسبیح و ثناگویی خداوند پردازد، ستوده شده است. و این مقام، گنجایش ندارد که بیش از این به شرح و توضیح مطلب پردازیم. (۱)

#### ۱- فضیلت مسجد کوفه

و این که آنجا مصلائی حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور است

مسجد کوفه، یکی از مسجدهای چهارگانه است که دستور کوچ کردن به سوی آن ها و اقامت و بزرگ داشت شان داده شده است.

آن چهار مسجد: مسجد الحرام (مکه)، مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله (در مدینه)، مسجد الأقصى (در بیت المقدس)، و مسجد کوفه هستند.

ص: ۶۳

مسجد کوفه یکی از همان چهار مکانی است که مسافر، در آن جا اختیار دارد که نمازهای چهار رکعتی خود را به صورت کامل یا به صورت شکسته بخواند. و آن ها عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله، حرم امام حسین علیه السلام و مسجد کوفه.

این مسجد جایگاه نماز پیامبران و جانشینان ایشان بوده است؛ و به زودی محلّ برگزاری نماز امام زمان ارواحنا فدا خواهد بود.

در روایتی آمده است: هزار نفر از پیامبران، و هزار نفر از اوصیاء پیامبران؛ در این مسجد، نماز به جای آورده اند. (۱)

اعمال مسجد کوفه بسیار زیاد است؛ سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر»، به بیان آن ها پرداخته است؛ و چون ممکن است موجب طولانی شدن این گفتار شود، از بازگویی آن خودداری کردیم.

## ۲- فضیلت مسجد سهله

که مقام حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در آنجاست

بعد از مسجد اعظم کوفه، مسجدی از نظر فضل و مرتبه بافضیلت تر از مسجد سهله در آن مکان نیست؛ زیرا آنجا خانه ادریس و ابراهیم علیهما السلام است؛ خضر پیامبر علیه السلام نیز در آنجا وارد شد و سکونت گزید.

روایت شده است: آنجا جایگاه صالحان و پیامبران و رسولان است و روایات بسیاری در فضیلت این مسجد وارد شده است.

امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمود:

أتراني أنظر إلى صاحب الأمر داخلًا إلى مسجد السهلة بأهله و عياله و متّخذة منزلاً له، و إنّ الله تعالى لم يرسل نبياً قطّ إلّا و صلّى فيه، و كلّ من أقام فيه فكأنّما أقام في خيمة رسول الله صلّى الله عليه و اله، و ما من مؤمن و لا مؤمنة إلّا و قلبه يحنّ إليه، و فيه حجر عليه صور جميع الأنبياء صلوات الله عليهم.

ص: ۶۴

و ما من أحد يصلي فيه و يدعو بتيه خالصه إلا أعطاه الله حاجته، و ما من أحد يطلب فيه الأمان إلا آمنه الله من كل ما يخاف، و ما من يوم أو ليلة إلا و تنزل الملائكة لزيارته و عباده الله فيه، و ما لم أذكره لك من فضيله هذا المسجد أكثر مما ذكرته.

آیا باور می کنی که من صاحب الأمر (صلوات الله عليه) را می نگرم درحالی که با اهل و عیالش به مسجد سهله داخل می شود و در آن مأوا می گزیند؟ خداوند بلندمرتبه هیچ پیامبری را نفرستاد مگر این که در آنجا نماز گزارد. هر که در آنجا اقامت کند، مثل این است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و اله اقامت نموده است؛ هیچ زن و مرد مؤمنی نیست مگر این که قلبش بدان مشتاق و مایل است و در آن مسجد سنگی است که صورت های همه پیامبران در آن، نقش بسته است.

کسی نیست که در آن مکان نماز گزارد و خداوند را با نیتی خالص بخواند مگر این که خدا حاجتش را عطا کند. هر کس که در آنجا از خدا امان بخواهد، خدا از آنچه که می ترسد او را ایمنی بخشد. شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت آنجا فرود نیایند و در آنجا عبادت پروردگار نمایند. آنچه از فضیلت این مسجد برای تو نگفتم، بیش از آن است که برایت گفتم.

نیز از همان امام علیه السلام روایت شده است:

من صلی رکعتین فی مسجد السهله، زاد الله فی عمره عامین.

هر کس دو رکعت نماز در مسجد سهله بجا آورد، خداوند دو سال بر عمرش بیفزاید.

در روایتی دیگر وارد شده است:

أن منه يكون النفع في الصور، و يحشر من حوله سبعون ألفا يدخلون الجنة بغير حساب.

نفع در صور از آنجاست؛ و از اطراف آن مسجد هفتاد هزار نفر محشور شده و بدون حساب وارد بهشت می شوند.

ابن قولویه در «کامل الزیارات» با سند معتبر از حضرمی از امام باقر علیه السلام یا امام

صادق علیه السّلام روایت می کند که حضرمی می گوید: به امام علیه السّلام گفتم: کدام بقعه بعد از حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و اله، برتر است؟ فرمود:

الكوفة يا أبابكر؛ هي الزكوة الطاهرة، فيها قبور النبیین المرسلین و غیر المرسلین و الأوصیاء الصادقین، و فيها مسجد سهیل الذی لم یبعث الله نبیا إلا و قد صلی فیہ.

و منها یتظهر عدل الله، و فیها یكون قائمه و القوام من بعده، و هی منازل النبیین و الأوصیاء و الصالحین.

ای ابو بکر؛ کوفه؛ آنجا پاکیزه و طاهر است. در آنجا قبور پیامبران مرسل و غیر مرسل و جانشینان راستین است و در آن، مسجد سهله است که خداوند پیامبری را برنمیگيخته است که در آن مکان نماز نخوانده باشد.

از آنجا عدل الهی ظاهر می شود و قائم خدا و قائمان بعد از او در آنجا آیند و آن، منزلگاه پیامبران، اوصیاء و صالحان است. (۱)

### ۳- مسجد مقدس جمکران

بنای این مسجد در جمکران قم، بنا به دستور خاص حضرت مهدی صلوات الله علیه در بیداری صورت گرفته است.

آن گونه که شیخ نیک رفتار و عفیف، جناب حسن بن مثله جمکرانی می گوید: در شب سه شنبه ۱۷ رمضان سال (۳۹۳) هجری قمری در منزل خوابیده بودم؛ همین که نصف شب شد گروهی بر درب منزل آمده، بیدارم نمودند و گفتند: برخیز و (حضرت) صاحب الزمان صلوات الله علیه را پاسخ گو که تو را فرامی خواند.

بلند شدم و خود را آماده ساختم. گفتم: بگذارید تا پیراهنم را بپوشم؛ ناگهان ندایی از طرف درب آمد که آن پیراهن تو نیست. پس، رهایش کردم و شلوارم را برداشتم. ندا آمد که این از آن تو نیست و شلوار خود را بگیر. آن را انداختم شلوار خود را برداشته و پوشیدم. برخاستم تا کلید درب را بجویم، ندا آمد که درب باز است.

ص: ۶۶

هنگامی که به سوی درب آمدم، گروهی از بزرگان را دیدم، بر آنها سلام کردم. پاسخ دادند و به من خوش آمد گفتند و مرا به مکانی بردند که جایگاه فعلی مسجد است؛ چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش هایی نیکو بر آن گسترده اند و پستی های زیبایی نهاده اند و جوانی در حدود سی ساله تکیه بر آن کرده بود.

پیرمردی در حضورش بود و کتابی در دست داشت که برای او می خواند و در اطراف او بیش از شصت مرد بودند که در آن مکان نماز می گزاردند. بعضی لباس سفید بر تن کرده بودند و بعضی لباس سبز. آن پیرمرد، خضر پیامبر بود؛ مرا نشانند، و آن گاه امام علیه السلام مرا به اسم صدا زده و فرمود:

نزد حسن بن مسلم برو، و به او بگو: تو، سال هاست که این زمین را (غاصبانه) آباد کرده و در آن زراعت می کنی، و ما آن را خراب می کنیم، پنج سال است که در آن کشت و زرع کرده ای؛ امسال هم همان گونه مشغول هستی؛ ولی دیگر اجازه نداری به این زمین بازگردی و باید منافی را که از کشت و زرع این زمین برده ای، پردازی تا در آنجا مسجد بنا گردد.

و نیز به او بگو: این زمین محترم و باارزشی است که خداوند آن را از میان دیگر مکان ها برگزیده است و بر آن ها برتری و شرافت داده است؛ و تو آن را بر زمین های خودت افزوده ای؛ در سزای این عمل، خداوند دو فرزند جوانت را به مرگ گرفتار نمود، ولی تو از این غفلت، آگاه نشدی. اگر این دستوری را که دادم اجرا نکنی، عذاب الهی از جایی که نمی فهمی به سراغت خواهد آمد.

جناب حسن بن مثله می گوید: گفتم: مولای من؛ باید نشانه و علامتی داشته باشم؛ زیرا مردم آنچه را که بدون نشانه و دلیل باشد نمی پذیرند و گفتار مرا تصدیق نخواهند کرد.

حضرت فرمود:

ما در آنجا این کار را خواهیم کرد، تو برو و پیغام ما را برسان؛ و نزد سید

ابی الحسن (۱) نیز برو و به او بگو بیاید و محدوده زمین را معین نموده، منافع سال های گذشته را از حسن بن مسلم بگیرد و به مردم بدهد، تا مسجد را بنا نمایند. آنچه از هزینه ساخت مسجد، کم می آید از غلّه زمینی که در رهق اردهال داریم، کامل کند و مسجد را تمام نماید؛ ما نصف رهق را برای این مسجد وقف نمودیم تا هر سال غلّه آن را گرفته و برای عمارت مسجد صرف نماید.

به مردم بگو: بدین مکان رغبت نمایند و با اشتیاق به آن روی آورند و آن را عزیز و گرامی بدانند و در آنجا چهار رکعت نماز به جای آورند. (۲)

جناب حسن بن مثله می گوید: با خود گفتم: گویا این همان مکان است که تو آن را مسجد امام صاحب الزمان ارواحنا فداه می دانی درحالی که به جوانی که بر پشتی ها تکیه داده بود اشاره می کردی، پس آن جوان به من اشاره فرمود که بروم. (۳)

مسجد شریف جمکران از مکان های بسیار مهم معنوی در صحنه گیتی است و کسانی که به آن مکان مقدس شرفیاب می شوند، باید کاملا آداب آن را رعایت نموده و از اهمیّت و موقعیّت معنوی آن، آگاه باشند؛ تا با تشرف به آن مکان پرفیض، روح و جان خود را سرشار از معنویّت نموده و وجود خویش را باصفا و نورانی سازند.

اینک بعضی از نکاتی را که دانستن آن برای افرادی که به آن مکان معنوی شرفیاب می شوند مفید است، بیان می کنیم:

ص: ۶۸

۱-۱). بدان، جریان مسجد جمکران که در عالم بیداری برای حسن بن مثله واقع شده، نشانگر شأن و بزرگواری و مقام والای جناب سید ابو الحسن الرضا است، زیرا در عصر او سادات زیادی از فرزندان ائمه طاهرين عليهم السلام در قم ساکن بودند، لذا برگزیده شدن ایشان از طرف امام زمان صلوات الله عليه بیانگر مقام والا و اهمیّت موقعیّت آن بزرگوار است. بارگاه آن بزرگوار در شهر مقدس قم، خیابان آذر می باشد، مکانی که مورد توجه مردم بوده و دوستان اهل بیت عليهم السلام به زیارت آن مشرف می شوند، سزاوار است کسانی که به مسجد جمکران مشرف می شوند در صورت امکان آن بزرگوار را در مزار شریف ایشان زیارت کنند، و بر مجاورین و همسایگان آن بارگاه شریف لازم است که به آن مکان مقدس احترام گذاشته و در زیارت آن اهتمام ورزند.

۲-۲). دستور نماز مسجد مقدس جمکران در ص ۱۱۷ این کتاب بیان خواهیم کرد.

۳-۳). بحار الأنوار: ۵۳/۲۳۰، نجم الثاقب: ۳۸۳. تاریخی که در این جریان ذکر شده صحیح نیست؛ زیرا آن را مرحوم شیخ صدوق نقل کرده و وفات ایشان قبل از تاریخ مذکور است.

۱- حضرت امام عصر ارواحنا فداه در بیداری توسط جناب حسن بن مثله جمکرانی به امامزاده عظیم الشان سید ابو الحسن الرضا فرمان دادند آن مسجد مقدّس را بنیان گذارد. و جریان آن در تمام منابع و مدارک به عنوان بیداری نقل شده است نه خواب.

۲- صدها سال قبل از فرمان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به بنا کردن آن مکان مقدّس، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از وقوع آن خبر داده اند و در روایتی که صاحب کتاب «انوار المشعشعین: ۱/۴۵۴» ذکر نموده است امیر دایره هستی و ولی عوالم امکان حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام به تفصیل آن را در پیشگویی خود بیان نموده اند.

در آن روایت شریف در بیان عظمت مسجد مقدّس جمکران سرّی را بیان کرده اند که همه تاب تحمل و پذیرش آن را ندارند.

۳- مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه بزرگترین پایگاه قدرت آن حضرت پس از کوفه است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در آن روایت فرموده اند:

در عصر ظهور، پرچم لشکریان امام عصر (ارواحنا فداه) بر فراز کوه سفید- که همان کوه خضر در نزدیکی مسجد است- به اهتزاز درمی آید.

۴- نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که نه تنها مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه عظمت و موقعیت خاصی دارد و مرکز قدرت و محلّ تحولات روحی و معنوی است که در زمان غیبت آن حضرت نیز این چنین است.

این نکته را از فرمایش امام زمان ارواحنا فداه استفاده می کنیم که فرموده اند: «هرکس این نماز را در این مکان بخواند گویا که در داخل خانه خدا آن را انجام داده». و خانه خدا نه تنها مرکز مغناطیس زمین است و از نظر روحی و جسمی در انسان تأثیر می گذارد، که در برابر بیت المعمور و مکان های معنوی آسمانی و فضائی است.

بنابراین انسان با بودن در خانه خدا و اقامه نماز در آن، راه ارتباط برایش باز می شود و خود را در اختیار جاذبه های روحی و جسمی زمین و آسمان قرار می دهد و در معرض



تشعشعات امواج نامرئی قرار می گیرد که در جسم و جان انسان تحوّل سازنده به وجود می آورد و مکان اصلی مسجد مقدّس جمکران نیز دارای همین اثر ارزنده است.

و دلالت می کند بر این مطلب کلام امام عصر ارواحنا فداه که فرموده است: «نماز خواندن در آن مکان همچون نماز خواندن در داخل خانه خدا می باشد» .

همانا برای مکان اصلی مسجد جمکران اسراری ناشناخته نهفته است که مردم آن را نمی دانند. و همان گونه که حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرموده اند:

ما من علم إلاّ و أنا أفتحه، و ما من سرّ إلاّ و القائم یختمه. (۱)

هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را می گشایم و هیچ سرّی نیست مگر آن که قائم آن را بیان می کند و به پنهان بودنش خاتمه می دهد.

بناء مسجد مقدّس جمکران و عظمت و راز آن را نیز اوّل حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام خبر داده اند و بیان همه اسرار آن در عصر ظهور حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه صورت خواهد گرفت إن شاء الله.

ما یاد آن زمان پرشکوه را در خاطره ها تجدید می کنیم و از خدای مهربان می خواهیم هرچه زودتر آن ظهور نورانی را برساند تا اسرار عالم وجود را فاش ساخته و دانش بیکران و عدل و داد را در سراسر جهان بگستراند.

۵- افرادی که به آن مکان مقدّس مشرّف می شوند باید بدانند در جایی بسیار باعظمت گام برمی دارند که مورد توجّه امام عصر ارواحنا فداه می باشد و آنان در منظر و محضر نورانی آن بزرگوار هستند به گونه ای که گویی در منزل آن حضرت وارد شده اند و در خدمت آن بزرگوار حاضر گشته اند.

بنابراین باید شرایط حضور را در این مکان بیش از اماکن دیگر رعایت کنند و بدانند که علم و آگاهی حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه کاملاً بر آنان احاطه دارد و نه تنها از اعمال و رفتار و گفتار آنان، بلکه از افکار و اندیشه ها و نیت های ایشان، و بلکه از افکار و خطورات نهفته در ضمیر ناخودآگاه و نفس آنان نیز باخبرند.

ص: ۷۰

به این جهت باید مواظب رفتار و گفتار و افکار خود باشند؛ زیرا آنان در مسجد مقدّس جمکران میهمان آن حضرت هستند، پس باید شرایط ادب و حضور را از قبل از تشرّف بیشتر رعایت کنند.

۶- یکی از شرایط ادب برای کسی که در آن مکان مقدّس تشرّف پیدا می کند، این است که هدف خود را از تشرّف به آن مسجد مقدّس مشخص نموده و بهترین، مهم ترین و عالی ترین هدف را برای خود برگزیند و خود را پای بند مقاصد کوچک و مسائل مادی و نفسانی خود نسازد، و بداند بزرگ ترین مسأله در این عصر و زمان، تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فدا می باشد.

زیرا در عصر ظهور آن حضرت، مشکلات مادی و معنوی همه انسان ها برطرف می شود و دیگر غم به خانه ای راه نخواهد یافت. پس چه بهتر که در آن مکان مقدّس برای نجات همه انسان ها از گرفتاری ها و مشکلات دعا کند. و هدف اصلی خود را از تشرّف به مسجد مقدّس جمکران، استغاثه و دعا برای امام عصر ارواحنا فدا و تعجیل فرج و ظهور آن بزرگوار قرار دهد.

### توجه به وظایف دوران غیبت

گرچه ما این کتاب را-با توفیق خداوند و لطف حضرت بقیّه الله ارواحنا فدا- درباره آشنایی با یکی از وظایف زمان غیبت یعنی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه، تألیف نموده ایم؛ ولی سزاوار است در مقدمه آن، بعضی از وظیفه ها و برنامه های دیگر دوران تاریک غیبت را نیز بیان کنیم؛ گرچه امیدواریم ان شاء الله فرج آن حضرت را به زودی شاهد بوده و در پایان دوران غیبت باشیم؛ زیرا بنابر روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده، لازم است که هر صبح و شام متوقع واقع شدن ظهور آن امام همام و چشم به راه آمدن او باشیم.

متأسفانه در این زمینه تاکنون مردم نوعاً از تمام وظایفی که در دوران غیبت به عهده دارند بی اطلاعند، و کتاب های ارزنده ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر بعضی از وظیفه های زمان تاریک غیبت می باشد. و چنانچه مردم از اولین روزهای

سیاه

غیبت با حال تباه خود آشنا می شدند، عصر غیبت این گونه طولانی نمی شد.

به هر حال همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این گونه مسائل بوده اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده اند، باید از عمل خود سخت غمگین و شرمسار باشند.

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی ها در این منظومه و همه منظومه ها و کهکشان هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم؟

آیا سزاوار است قوای مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن نور خدا همچنان در پرده ظلمت قرار داشته باشد؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هریک جام جهان نمائی به نام قلب با خود همراه داشته باشند و از عظمت آن بی خبر باشند؟

آیا در چه زمانی قلب ها به حیات اصلی خویش بازمی گردند و با زندگی عالی انسانی به معنای واقعی آشنا می شوند؟

آیا در چه دورانی انسان ها به عظمت قلب خویش و آن آئینه ای که با آن می توانند جهانی را مشاهده کنند آگاه می شوند؟

آیا در کدامین زمان تحرّکی در عقل و خرد و اندیشه انسان ها پدید می آید و جامعه بشریت با گسترش دانش به مقامات عالی و والای علمی راه پیدا می کند؟

آیا در کدامین روزگار انسان ها بر اثر آشنا شدن با نور خدا، تیرگی ها و تاریکی ها، زورگویی ها و تزویرها را کنار نهاده و به حکومت عادلانه الهی که جهانی خواهد بود می رسند؟ آیا چه زمانی... و آیا چه زمانی...

آیا این ها همه، جز در حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه میسر است؟ پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی کنیم؟ و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی نمائیم؟ چرا از وضع جهان در آینده (۱) آگاهی نداریم؟ و چرا به وظیفه های دوران غیبت عمل نمی نمائیم؟!

ص: ۷۲

---

۱- ۱). رجوع کنید به اثر دیگر مؤلف: «دولت کریمه امام زمان ارواحنا فداه» .

## اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه!

پاسخ همه این سئوالات این است که ما به عصر غیبت و تاریکی و ظلم و ستم در آن خو گرفته ایم! به حدی که مجذوب ظلم و ظلمت گشته و به آن معتاد شده ایم! و اعتیاد یک قدرت بسیار قوی برای کشاندن انسان ها به طور ناخودآگاه به سوی خوبی ها و یا بدی هاست!

اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی همچون فطرت و طبیعت او، آدمی را به سوی آن می کشاند به طوری که گویی اراده و اختیار را از انسان در مقابل آن و عمل کردن برخلاف آن گرفته است! این قدرت را خداوند در اعتیاد قرار داده است تا آدمی با خو گرفتن به خوبی ها بدون زحمت و ناخودآگاه به سوی آن ها جذب شوند و از بدی ها و زشتی ها کناره گیرند.

به این جهت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عادت را طبیعت دوّم انسان برشمرده و فرموده اند:

العاده طبع ثان. (۱)

عادت طبیعت دوّم است.

این کلام کوتاه حقایق مهمی را دربردارد. بنابراین فرمایش همان گونه که انسان به سوی آنچه فطرت و طبیعت او اقتضا دارد به راه می افتد، به سوی آنچه به آن خو گرفته و عادت نموده نیز حرکت می کند.

انسان باید از این قدرت بزرگ، در راه صحیح و هدف های ارزنده استفاده کند، و از آلوده ساختن خویش به عادت های زشت و ناپسند خودداری نماید.

متأسفانه جامعه بشری بر اثر نداشتن رهبری صحیح و نبود قدرتی که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت های اخلاقی و صفات برجسته انسانی سوق داده و هدایت نماید، به عادت های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است.

اعتیادهای اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیادهای فردی دارند و آسان تر

ص: ۷۳

می توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است، بکشانند.

یکی از عادت های شوم اجتماعی که جامعه ما را به خود گرفتار نموده و در بند اسارت خویش کشیده است، خو گرفتن به وضع موجود و سازش با آن است به گونه ای که هرگز درباره آینده ای حیاتبخش و نجات دهنده فکر و اندیشه ای نکنند.

با آن که رسول خدا صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام با بیان مسأله «انتظار» و تشویق انسان ها به سوی آن، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان مسئله انتظار آنان را به امید و حرکت به سوی آینده روشن فراخوانده اند.

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته اند این مسأله مهم حیاتی را برای مردم بیان کنند، در این وظیفه کوتاهی ورزیده اند. به این جهت مردمان همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده اند و درباره رسیدن به آینده درخشان، تلاش نکرده اند؛ و با کمال تأسف مسأله غیبت امام عصر ارواحنا فداه هنوز ادامه یافته است!

هنوز اکثریت جامعه ما به یک نوع اعتیاد که غفلت از مسأله ظهور امام عصر ارواحنا فداه می باشد، گرفتار است؛ و آن را به دلیل قانون وراثت از نسل های گذشته به ارث برده است! و در نتیجه هنوز جامعه ما در حال رکود به سر می برد و حرکتی در جهت ترقی و رسیدن به مراتب عالی و ارزنده ننموده است! درحالی که اگر کسی بتواند عادت های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت های ارزنده انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می یابد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند:

بغلبه العادات الوصول إلى أشرف المقامات. (۱)

رسیدن به ارزنده ترین مقامات، با غلبه بر عادات به دست می آید.

جامعه ما باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه عادت دیرینه غفلت از وجود تاریکی عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیله دعا از اعماق دل و جان خواهان فرارسیدن حکومت عدل امام عصر صلوات الله علیه از خداوند باشد.

ص: ۷۴

با یک جهش روحی و با یک تغییر سبک و روش فکری، تحوّل مهمّی در خود ایجاد کنید و راه خود را از افرادی که برای شان غیبت و ظهور تفاوت چندانی ندارد جدا کنید. یقین داشته باشید همانگونه که بی تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی تفاوتی و غفلت از پدر معنوی گناهی بزرگ تر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان خواهد داشت.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداه بی تفاوت بوده اید و فرق میان ظهور و غیبت آن حضرت را درک نکرده اید و در اندیشه ظهور حیاتبخش آن حضرت نبوده اید؛ اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرارسیدن روزگار پرشکوه عصر ظهور نبوده اید، و نمی دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش وظیفه ای ویژه بر عهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک نمودید که در زمان غیبت وظیفه ای سنگین بر عهده مردم است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک اراده قوی و با یک تصمیم جدی، گذشته خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در مسیر انتظار حضرت بقیه الله ارواحنا فداه گام بردارید و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت نسبت به دوستداران مقام ولایت، سبب می شود که غفلت های گذشته آن ها مورد عفو و بخشش قرار گیرد و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات ایشان را نادیده خواهد گرفت.

مگر حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام به برادران خود با آن همه ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند، فرمود:

لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (۱)

امروز سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می آمرزد و او رحم کننده ترین رحم کنندگان است.

یقین داشته باشید روح عظیم انسان، آفریده نشده است که وابسته به مادّیات و

ص: ۷۵

مسائل بی ارزش دیگر گردد، بلکه برای آن خلق شده است که با آشنائی با مسائل معنوی و شناخت خداوند و جانشینان او به سوی مسائل الهی کشیده شود.

آیا سزاوار است انسانی که می تواند همچون سید بحر العلوم و مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه ارتباط داشته باشد، روح خود را غرق در اندیشه های مادی نموده و وجود خویش را گرفتار قید و بندهای غفلت زانماید؟!

آیا سزاوار است انسانی که می تواند بر فراز فضای آشنایی با خاندان وحی به پرواز درآید، پروبال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را بازیچه و اسیر شیاطین گرداند؟!

آیا سزاوار است در میان هفت میلیارد جمعیت انسان در سراسر جهان تعدادی بس اندک با مفاسد عصر غیبت آشنایی داشته باشند؟!

چرا نباید همه انسان ها از ارزش انسانی خویش باخبر باشند و بدانند در صورتی دارای قدر و بها هستند که بتوانند به خداوند و جانشین او در این روزگار توجه داشته باشند؟

اگر همه انسان ها لیاقت چنین مقامی را ندارند و این مقام از آن گروهی خاص است، چرا ما و شما از آنان نباشیم؟

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟

### به سوی امیر عالم هستی

یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداه باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و درباره تعجیل ظهور آن بزرگوار دعا و تلاش نماید، سرانجام راه به جایی می برد و روزنه ای به سوی گشوده می شود؛ بنابراین از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت که دوران غیبت-همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اول مظلوم عالم هستی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افکندند، و دستان آن بزرگوار را بستند-دستان آن حضرت را بسته است؛ دست بردارید. و با تلاش در راه ظهور

حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و فراهم کردن مقدمات آن، تاری از ریسمان غیبت را پاره کنید.

اطمینان داشته باشید اگر کسی از خورشید تابناک وجود او در زندگی بهره مند شود و شکی به خود راه ندهد، منظور نظر حضرتش قرار می گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطر او را خشنود و قلبش را شاد می نماید؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد، مگر آنکه سرانجام به همه مقصود خویش و یا به مقداری از آن دست می یابد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند:

من طلب شیئا ناله أو بعضه. (۱)

کسی که در جستجوی چیزی باشد به تمام آن یا مقداری از آن می رسد.

شما با قطعیت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و نوبت اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نرسیده؛ ولی با این وجود آن حضرت قطب دایره امکان و امیر عالم هستی هستند و ولایت مطلقه آن بزرگوار سراسر جهان را فرا گرفته است. در زیارت آن حضرت می خوانیم:

السلام علیک یا قطب العالم. (۲)

سلام بر شما ای قطب عالم هستی.

همه موجودات عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی ظهور در پرتو آن وجود مقدس به زندگی ادامه می دهند و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می باشند. نه تنها ذرات مادی جهان بلکه بزرگان عالم که مسیحا نفسند تابع و پیرو فرمان آن بزرگوارند؛ بلکه شخص حضرت عیسی علیه السلام دم مسیحائی و مقام ارزشمند خود را به یمن وجود آن حضرت و آباء گرامی آن بزرگوار بدست آورده است. و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لواء امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است.

ص: ۷۷

---

۱-۱. شرح غرر الحکم: ۵/۳۰۵.

۲-۲. همین کتاب: ۵۷۷.



در زیارت امام زمان ارواحنا فداه می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ. (۱)

سلام بر شما ای پیشوای مسیح.

این ولایت و رهبری، مخصوص روزگار پرشکوه ظهور نیست؛ بلکه اکنون نیز حضرت عیسی در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می باشد.

همه نجباء، نقباء و اولیاء خدا که پا بر هوای نفس خود گذاشته و قصد و نیت خویش را خالص نموده اند، به قدر ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند، راه و یا روزنه ای به سوی مقام نورانیت آن حضرت که نور عالم هستی در این عصر و زمان است بدست آورده اند، و امام عصر ارواحنا فداه تنهایی و غربت خویش را با این گونه اشخاص که به مقامات عالی راه یافته اند برطرف می نماید. در روایت می خوانیم:

و ما بثلاثین من وحشه. (۲)

با وجود سی نفر (از یاوران خالص) احساس تنهایی برای آن حضرت نیست.

مقصود از بیان مطالب گذشته این است که دوران غیبت به این معنی نیست که امدادهای غیبی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از موجودات قطع گردیده و آن بزرگوار از کسی دستگیری نمی کنند و کسی در عصر تیره غیبت راهی به نور و روزنه ای به روشنایی نمی یابد؛ بلکه همان گونه که گفتیم کسانی که با صداقت به سوی آن بزرگوار می شتابند و در پرتو بهره مند شدن از دریای بیکران معارف امام عصر ارواحنا فداه روزگار پرشکوه ظهور را در زندگی خود لحظه شماری می کنند، با پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب های استوار خود را استوارتر می کنند.

و اگر گوش جان باز کنیم و ندای این افراد بااخلاص را بشنویم، پیام شان به ما این گونه است: فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۳).

ص: ۷۸

۱-۱. همین کتاب: ۵۷۷.

۲-۲. بحار الأنوار: ۵۲/۱۵۳. [۱]

۳-۳. سوره طه، آیه ۱۲. [۲]

کفش خود را درآورید و ببینید چگونه پای خود را آزرده اید که تاکنون از رفتن به سوی امیر عالم هستی و قطب عالم امکان بازمانده اید!

متأسفانه عدّه ای از افراد نه تنها خود را خالص نمی گردانند و ریگ از کفش خود خارج نمی کنند که در کفش دیگران نیز ریگ می اندازند و آنان را می آزارند. این گونه افراد با نیش زبان، بیشتر به قلب دوستان واقعی می زنند؛ زیرا بر اثر القائات شیطانی مایلند همگان از راه رفتن در طریق امام عصر ارواحنا فداه بازمانند. گویی که نمی دانند دشمنی با مسیر امام زمان ارواحنا فداه و مخالفت با دوستان واقعی آن حضرت، دشمنی با شخص آن بزرگوار است. مگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» فرموده اند:

أصدقاؤك ثلاثة و أعداؤك ثلاثة، فأصدقاؤك: صديقك، و صديق صديقك، و عدوّ عدوّك، و أعداؤك: عدوّك، و عدوّ صديقك، و صديق عدوّك. (۱)

دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه گروه می باشند.

اما دوستان عبارتند از: ۱- دوست خودت، ۲- دوست دوست، ۳- دشمن دشمنت.

و دشمنان عبارتند از: ۱- دشمن خودت، ۲- دشمن دوست، ۳- دوست دشمنت. بنابراین آیا دشمنی کردن با دوستان امام عصر ارواحنا فداه، مخالفت با آن بزرگوار نیست؟!

بگذریم که این سخنان خوشایند همگان نیست! زیرا که اکنون ریگ و ریگزار فراوان است و بیابان های تفتیده ریگ های داغ فراوان دارد! و خشکسالی و قحطی چهره کریه خود را به همه نشان داده است و فکر باران افراد را به خود مشغول ساخته و عدّه ای در پی انجام نماز استسقاء رفته اند.

امّا صدها سال از غیبت آن آب گوارای حیات می گذرد و مردم دست شان از آن چشمه زلال حیات مادی و معنوی کوتاه است ولی برای رسیدن به آن کوشش نمی کنند و به فکر باران می باشند در حالیکه باران به برکت وجود آن حضرت می بارد.

ص: ۷۹

آیا در زیارت جامعه نمی خوانیم:

و بکم ينزل الغيث.

به وسیله شما باران سودمند می بارد.

ولی ما چنین بوده و چنین هستیم، اصل را فراموش کرده و به جستجوی فرع می پردازیم. همان گونه که مسبب الأسباب را از یاد می بریم و به دنبال اسباب می رویم.

### توجه به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه لازم است

باید بدانیم که توجه به حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه، توجه به خداوند کریم است؛ همانگونه که توجه به بقیه ائمه طاهرین علیهم السلام توجه به خداوند می باشد.

پس زیارت و توسل به ائمه اطهار علیهم السلام، مایه توجه به خداوند تبارک و تعالی است.

به این جهت کسی که قصد تقرب به خداوند بزرگ بنماید به ائمه اطهار علیهم السلام روی می آورد. در زیارت جامعه می خوانیم:

و من قصده توجه بکم.

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می آورد.

انسان با توجه به ائمه اطهار علیهم السلام نه تنها عوامل موفقیت و پیشرفت را به سوی خود جلب می کند بلکه موانعی را که مانع رسیدن به مقامات عالی هستند نیز برطرف می نماید؛ زیرا به وسیله توجه به امام زمان ارواحنا فداه و همچنین بقیه ائمه اطهار علیهم السلام درهای رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می شود و تاریکی ها از باطن او برطرف می گردد.

حضرت باقر العلوم علیه السلام در شرح کلام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمودند: «أنا باب الله»، می فرمایند:

يعني من توجه بي إلى الله غفر له. (۱)

یعنی کسی که به وسیله من توجه به خداوند نماید آمرزیده می شود.

ص: ۸۰

بنابراین با توجه به باب الله، خداوند گناهان او را آمرزیده و موانع پیشرفت روحی او را برطرف می کند.

گرچه همه چهارده معصوم علیهم السّلام به دلیل دارا بودن «مقام نورانیت» محیط بر هر عصر و زمانی هستند و انسان ها در هر عصر و زمان باید توجه به همه آن بزرگواران بنمایند ولی براساس مقامات تنزیلیّه زمانیّه، هر انسانی باید به امام عصر و زمان خودش بیشتر از بقیّه ائمه علیهم السّلام توجه داشته باشد.

اینک به روایت عبد الله بن قدامه ترمذی از حضرت ابا الحسن علیه السّلام توجه نمایید که فرمودند:

من شكّ فی أربعه فقد كفر بجميع ما أنزل الله عزّ وجلّ؛ أحدها معرفه الإمام فی كلّ زمان و أوان بشخصه و نعته. (۱)

کسی که درباره چهار چیز شكّ کند به تمامی آنچه که خداوند نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آنها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد.

پس در هر زمان معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است و چگونه ممکن است کسی معرفت به امام زمان خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد، ولی به او توجه نداشته باشد؟!!

بنابراین، توجه نداشتن به امام عصر ارواحنا فداه و نشناختن اوصاف و خصوصیات مقام رفیع آن بزرگوار، اگرچه انسان به امامان دیگر توجه داشته باشد صحیح نیست.

پس وظیفه ما در این عصر و زمان اینست که به حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه که در دوران امامت آن بزرگوار هستیم توجه خاصّ داشته باشیم.

یکی از اولیاء خدا به یکی از علمای معروف گذشته به نام مرحوم ملا قاسم رشتی دعایی تعلیم نمودند و فرمودند: آن را به دیگران یاد بده تا اگر مؤمنی در بلایی گرفتار شد آن را بخواند که تأثیر آن مجرب است، و دعا چنین است:

ص: ۸۱

یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی.

چون دعا را این گونه به ایشان تعلیم نمود، می گوید: اندکی تأمل کردم و به فکر فرورفتم. فرمودند: این عبارت را غلط می دانی؟ عرض کردم: آری؛ چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آن ها باید جمع باشد.

فرمودند: اشتباه می کنی، زیرا در این زمان نظم دهنده جهان حضرت بقیه الله علیه السلام است، ما در این دعا حضرات محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می خوانیم و از آن حضرت به تنهایی استمداد می کنیم. (۱)

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم: همان گونه که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و در زمان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیاء خدا متوجه آن بزرگواران بودند و در گرد شمع وجود ایشان می گشتند و همچنین اولیاء الهی در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سید الشهداء علیهما السلام و... متوجه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی ورزیدند، در این زمان نیز آنان که به تکامل معنوی و درجات عالی راه یافته اند، یاد و توجه به مولای خود حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را فراموش نمی نمایند.

در دعای شریف ندبه می خوانیم:

أین وجه الله الذی إلیه یتوجه الأولیاء.

کجاست آن آئینه تمام نمای الهی که اولیاء خدا به سوی او توجه می نمایند؟

پس در این زمان نیز اولیاء بزرگ خداوند به امام عصر خویش توجه دارند، گرچه آنان در میان مردم ناشناخته اند ولی با آن بزرگوار در ارتباط هستند و از فرمایشات آن بزرگوار بهره مند می شوند، در زیارت آل یس می خوانیم:

السلام علیک حین تقرأ و تبین.

سلام بر شما در آن هنگام که (قرآن را) تلاوت می کنید و (اسرار آن را) بیان می فرمائید.

ص: ۸۲

---

(۱-۱). دار السلام مرحوم عراقی: ۳۱۷. تمام این جریان را در ص ۴۳۸ این کتاب نقل می کنیم.

بنابراین، لازم است انسان در هر عصر و زمانی که زندگی می کند به امام زمان خویش توجّه خاصی داشته باشد. اکنون به این روایت که از امام رضا علیه السّلام نقل شده است توجّه کنید:

عن مولانا الرضا عن آبائه عليهم السّلام قال: قال رسول الله صلّى الله عليه و اله في قول الله تبارك و تعالى: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ (۱) قال:

يدعى كلّ قوم بإمام زمانهم، و كتاب الله و سنّه نبّيهم. (۲)

حضرت امام رضا عليه السّلام از پدران گرامی خود نقل فرمودند که پیغمبر اکرم صلّى الله عليه و اله درباره فرمایش خداوند: «روزی که همه انسانها را با امامشان فرامی خوانیم» فرمودند: هر گروهی با امام زمانش و کتاب خداوند و سنّت پیغمبر اکرم صلّى الله عليه و اله خوانده می شود.

و معنی روایت این است که: هر انسانی در روز قیامت درباره این سه مسأله حیاتی مورد پرس و جو و بازرسی قرار می گیرد که آیا وظیفه اش را نسبت به امام زمان خود و همچنین کتاب خدا و سنّت پیغمبر اکرم صلّى الله عليه و اله انجام داده است یا نه؟ پس در روز قیامت از مسأله امامت سؤال می شود و بررسی می کنند که آیا انسان به امام زمانش معرفت و شناخت داشته است یا نه؟

یکی از راه های مهمّ توجّه به امام عصر ارواحنا فداه خواندن نمازها، دعاها و زیاراتی است که از ائمه اطهار عليهم السّلام درباره آن حضرت وارد شده است و یا از ناحیه مقدّسه آن بزرگوار صادر گردیده است.

سفارش جناب محمّد بن عثمان، دوّمین نایب خاصّ امام عصر ارواحنا فداه به احمد ابن ابراهیم در برابر درخواستی که از ایشان کرده بود، این است:

توجّه إليه بالزیاره. (۳)

به سوی آن حضرت به وسیله این زیارت توجّه نما. (۴)

ص: ۸۳

۱-۱. سورة إسرائ، آیه ۷۱. [۱]

۲-۲. بحار الأنوار: ۸/۱۰. [۲]

۳-۳. بحار الأنوار: ۵۳/۱۷۴. [۳]

۴-۴. مقصود «زیارت ندبه» است که آن را در این کتاب در بخش «زیارت ها» می آوریم.

از این کلام می توان استفاده نمود که به وسیله زیارات یا دعاهایی که در ارتباط با آن حضرت است، انسان می تواند به سوی آن بزرگوار توجه نموده و قلب و روح خود را مجذوب آن وجود مقدس نماید.

مسأله توجه داشتن به مقام و شخصیت امام عصر ارواحنا فداه و اظهار اندوه و غم در هجران و فراق آن بزرگوار نه تنها در زمان غیبت، بلکه در زمان حضور ائمه اطهار علیهم السلام نیز مطرح بوده و اهل بیت علیهم السلام عظمت مقام و شخصیت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را بیان کرده اند و از غیبت و فراق آن سرور عالم امکان اظهار تأسف نموده اند.

در واقع اهل بیت علیهم السلام نه تنها با بیانات خود مردم را موظف نموده اند که به یاد سرور عالم هستی باشند و در غیبت و فراق آن بزرگوار اندوهگین و غمناک باشند؛ بلکه عملاً نیز با ریختن اشک و کشیدن آه از دل پردرد خود، نسبت به غیبت طولانی حضرتش، همه را درس سوز و انتظار آموخته اند؛ ولی متأسفانه شیعیان این مسأله حیاتی را که در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آنها دارای مهم ترین اثر است، به دست غفلت و فراموشی سپرده اند.

بزرگانی که وظیفه داشته و دارند مردم را با این موضوع بسیار مهم که در عالم هستی تأثیر عظیم دارد آشنا نمایند، سهل انگاری کردند؛ و با غفلت و بی توجهی جامعه شیعه در گذشته و حال از این مسئله مهم و حیاتی، جهان همچنان از نعمت ظهور حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه بی بهره است و بر اثر دوری و غیبت آن سرور عالم هستی به نعمت تکامل در تمام ابعاد علمی و معنوی، دست نیافته و همچنان زور و زر و تزویر بر جهان و جهانیان حکومت می کند و ادامه حکومت لعنت شده جبری میلیاردها انسان مسلمان و غیر مسلمان را در چنگال خونبار خود گرفتار نموده است.

جامعه ما آنگونه در مسائل دنیوی غرق شده و آنچنان چشم به اسباب دوخته که مسبب الأسباب را فراموش کرده است، درست است که دنیا سرای اسباب می باشد و ما باید برای کارهای خود در پی اسباب و وسیله باشیم، ولی این نباید تا به آن حد باشد که سبب آفرین را فراموش کنیم. جامعه ما، هم به خداوند که مسبب الأسباب است کم توجه می باشد و هم از ولی و جانشین او غفلت می ورزد.

یکی از علل مهمی که باعث غفلت و یا کم توجهی بسیاری از مردم نسبت به امام عصر ارواحنا فداه شده است، عدم آگاهی و شناخت آنان از مقام و شخصیت آن بزرگوار است که در روایات خاندان وحی کاملاً به عظمت آن بزرگوار تصریح شده است، متأسفانه کسانی که وظیفه داشته اند این حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجه سازند، موفق به انجام این وظیفه مهم شرعی نشدند.

اکنون آنچه را که برادران حضرت یوسف به حضرت یعقوب گفتند، به امام زمان خویش ارواحنا فداه عرض می کنیم و به این وسیله از پیشگاه امام رئوف طلب عفو و بخشش می نمایم:

يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ. (۱)

ای پدر ما، برای گناهان ما استغفار نما؛ به راستی که ما خطاکار بودیم.

امید است که با عفو و بخشش آن حضرت از گذشته ما، آینده را جبران نموده و به یاد آن بزرگوار باشیم و تا توان داریم دیگران را به سوی ساحت مقدس آن حضرت متوجه سازیم.

## انتظار

ترک عادت های اجتماعی و رها شدن از قید و بند غفلت از آثار ارزشمندی که ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به همراه دارد، انسان را به برترین و بافضیلت ترین مقامات می رساند و در پرتو انتظار ظهور امام عصر صلوات الله علیه نه تنها از قید و بند غفلت از آن حضرت رها می شود بلکه غیبت برای او به منزله مشاهده می شود.

اکنون به این روایت بسیار جالب توجه کنید: حضرت امام سجاد علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمودند:

تمتد الغيبة بولي الله الثاني عشر من أوصياء رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم و الأئمة بعده.

ص: ۸۵



یا ابا خالد؛ إنّ أهل زمان غیبه، القائلین بإمامته، المنتظرین لظهوره أفضل أهل کلّ زمان، لأنّ الله تعالی ذکره أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفه ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده و جعلهم فی ذلك الزمان بمنزله المجاهدین بین یدی رسول الله صلّی الله علیه و اله و سلّم بالسيف، اولئك المخلصون حقًا و شیعتنا صدقا و الدعاه إلى دین الله سرًا و جهرا.

و قال علیه السلام: انتظار الفرج من أعظم الفرج. (۱)

غیبت نسبت به دوازدهمین نفر از اوصیاء رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلّم و امامان بعد از او امتداد پیدا می کند و طولانی می شود.

ای ابا خالد؛ به راستی که اهل زمان غیبت او که به امامت ایشان معتقدند و منتظر ظهور او می باشند برترین اهل هر زمان هستند. زیرا که خداوند-که یادش بزرگ باد-آن چنان به آنان عقل و فهم و معرفت عنایت نموده است، که مسئله غیبت برای آنان به منزله مشاهده گردیده و خداوند آنان را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده است که پیشاپیش رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلّم با شمشیر جنگیده اند، آنان حقیقتا صاحبان اخلاص، و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار می باشند.

و حضرت سجّاد علیه السلام فرمودند: انتظار فرج از بزرگ ترین نوع فرج است.

امام سجّاد علیه السلام در این روایت کسانی را که در زمان غیبت امام ارواحنا فداه زندگی می کنند ولی مسئله غیبت نتوانسته آنان را در قید و بند غفلت اسیر کند و در انتظار ظهور آن بزرگوار به سر می برند، برترین مردمان هر زمان معرفی فرموده اند، زیرا آنان توانسته اند با عقل و فهم و معرفتی که خداوند به آنان داده است نه تنها گرفتار عادت اجتماعی غفلت از امام زمان ارواحنا فداه نباشند، بلکه توانسته اند آن چنان در حالات روحی خود تحوّل ایجاد کنند که مسئله غیبت برای آنان همچون مشاهده شود.

بنا به فرمایش امام سجّاد علیه السلام این گونه افراد شیعیان راستین اهل بیت و پیروان واقعی خاندان وحی علیهم السلام می باشند.

ص: ۸۶

ما اگر خواهان رسیدن به مقامات شیعیان راستین و واقعی هستیم باید مسیری را بیماییم که آنان پیموده اند و در راهی گام برداریم که آنان در آن راه گام برداشته اند، و همچون آنان اعتیاد به غفلت را از خود زدوده، و خود را با توجه و انتظار ظهور زینت بخشیم؛ زیرا انتظار پدید آورنده فکر و اندیشه، نیروبخش و عمل آفرین است، و بر این اساس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرموده اند:

أفضل جهاد امتی انتظار الفرج. (۱)

بافضیلت ترین جهاد امت من، انتظار فرج است.

انتظار زمینه ای مهم برای برقراری و تسلط حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه می باشد و علت سفارشات فراوان خاندان وحی پیرامون این موضوع، اهمیت آن است.

و حضرت امام صادق علیه السلام یکی از شرایط پذیرفته شدن عبادت بندگان را انتظار حکومت حضرت قائم ارواحنا فداه برشمرده اند، و پس از بیان این موضوع فرموده اند:

إن لنا دولة یجیی الله بها إذا شاء، ثم قال: من سرّ أن یكون من أصحاب القائم فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر، فإن مات و قام القائم بعده کان له من الأجر مثل أجر من أدرکه، فجّدوا و انتظروا هنیئاً لکم أیتها العصابه المرحومه. (۲)

برای ما دولتی است که هرگاه خداوند بخواهد آن را می آورد. سپس فرمودند: کسی که دوست دارد از اصحاب (حضرت) قائم (ارواحنا فداه) باشد، باید منتظر ظهور باشد و به ورع و اخلاق نیکو رفتار کند درحالی که در صراط انتظار گام برمی دارد؛ پس در این حالت اگر مرگ او فرارسد و (حضرت) قائم بعد از او قیام کنند، پاداش او همانند کسی است که آن بزرگوار را درک می نماید. پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارا باد بر شما ای گروهی که مورد رحمت خداوند هستید.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری در پیرامون وظیفه مردم در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه می فرمایند:

ص: ۸۷

۱- ۱. بحار الأنوار: ۷۷/۱۴۳. [۱]

۲- ۲. بحار الأنوار: ۵۲/۱۴۰. [۲]

و انتظر الفرج صباحا و مساء. (۱)

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش.

و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دارا بودن حالت انتظار را از صفات دوستداران و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می دانند و محبین خاندان وحی را به دارا بودن صفت انتظار در هر صبح و شام توصیف می نمایند. آن حضرت می فرماید:

إِنَّ مُحِبِّينَا يَنْتَظِرُ الزَّوْجَ وَ الْفَرَجَ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ. (۲)

به راستی که دوستان ما در هر روز و شب در انتظار فرارسیدن روز آسایش و راحتی و فرج می باشند.

یکی از یاران حضرت امام هادی علیه السلام از آن بزرگوار درباره برنامه عملی و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه سؤال کرد:

کیف تصنع شیعتک؟

در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟

قال علیه السلام: علیکم بالدعاء و انتظار الفرج. (۳)

امام هادی علیه السلام فرمودند: بر شما باد به دعا و نیایش و انتظار فرج.

بنابراین، همان گونه که در روایت وارد شده است، انتظار ظهور مصلح جهان، از شرایط پذیرفته شدن اعمال مردم و از وظائف پیروان و شیفتگان خاندان رسالت است.

پس شخصی که خود را صالح می پندارد، باید منتظر ظهور مصلح باشد، همان گونه که «خلقى که در انتظار ظهور مصلح بسر می برد، باید خود صالح باشد».

اینک با نقل کلامی گهربار از حضرت جواد الائمه علیه السلام در پیرامون وجوب انتظار حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه بر ارزش کلام می افزایم.

ص: ۸۸

۱- ۱) . بحار الأنوار: ۵۲/۱۳۳. [۱]

۲- ۲) . بحار الأنوار: ۲۷/۱۲۱ و ج ۶۸/۳۸. [۲]

۳- ۳) . مهج الدعوات به نقل بحار الأنوار: ۹۵/۳۳۶.

حضرت عبد العظیم حسنی علیہ السّلام می فرماید:

دخلت علی سیدی محمّد بن علیّ علیهما السّلام و أنا ارید أن أسأله عن القائم، أهو المهديّ أو غيره؟ فبداني، فقال عليه السّلام:

يا أبا القاسم؛ إنّ القائم منّا هو المهديّ العديّ يجب أن ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره و هو الثالث من ولدي، و العديّ بعث محمّدا بالنّبوّه و خصّينا بالإمامه أنّه لو لم يبق من الدّنيا إلّا يوم واحد لطوّل الله ذلك اليوم حتّى يخرج فيملا الأرض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما و إنّ الله تبارك و تعالی يصلح أمره في ليله كما أصلح أمر كليمه موسى عليه السّلام ليقتبس لأهله نارا فرجع و هو رسول نبیّ.

ثمّ قال عليه السّلام: أفضل أعمال شيعتنا إنتظار الفرج. (۱)

من به محضر مولایم حضرت جواد علیہ السّلام وارد شدم و تصمیم داشتم از آن بزرگوار درباره قائم آل محمّد علیهم السّلام سؤال کنم که آیا او همان مهدی است یا دیگری؟ قبل از آن که چیزی بگویم، آن حضرت فرمود:

ای ابا القاسم؛ قائم ما آل محمّد، همان مهدی است که واجب است در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهورش اطاعتش نمود.

او سوّمین نفر از نسل من است. سوگند به آن کسی که محمّد صلیّ الله علیه و اله و سلّم را به نبوّت مبعوث نمود و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می کند تا آن حضرت خروج کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد.

خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند، همان گونه که کار کلیم خود حضرت موسی علیہ السّلام را اصلاح نمود؛ او برای به دست آوردن آتش برای خانواده اش رفت، و در حالی برگشت که دارای مقام نبوّت و رسالت بود.

آن گاه حضرت جواد علیہ السّلام فرمودند: بافضیلت ترین اعمال شیعیان ما، انتظار فرج است.

ص: ۸۹

به امید آن روز که ندای دلربایش در فضا طنین افکن شود و دل های دردناک و آزرده را شفا بخشد و بزرگ مردان الهی که خدا در توصیف شان فرموده است: **أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً** (۱) به سوی آن بزرگوار بشتابند و . . .

## انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!

انتظار، تنها به معنای آمادگی برای پذیرش ظهور نیست؛ بلکه علاوه بر آن، در اندیشه آن بودن و آرزو داشتن آن را نیز می طلبد.

ممکن است بسیاری از افراد آمادگی و امکانات برای پذیرایی از میهمان را داشته باشند ولی از کسی دعوت نکرده و در انتظار آمدن میهمان نباشند. این گونه افراد را تنها به خاطر آمادگی داشتن برای پذیرایی، نمی توان منتظر میهمان دانست؛ زیرا نه منتظر آمدن میهمان هستند و نه از نیامدن آن، ناراحت می شوند.

با این بیان روشن می شود که در خودسازی و تهذیب نفس، بدون توجه به مسأله انتظار و فرارسیدن روزگاری که سراسر جهان از وجود ظلم و ستم پاکسازی می شود، کمبود وجود دارد؛ زیرا کسی که این گونه است یکی از وظایف بزرگ خود را که انتظار داشتن برای پاکسازی جهانی و حرکت به سوی آن مقصد است، به دست فراموشی سپرده است.

به عبارت دیگر؛ اصلاح نفس و پاکسازی در صورتی به تکامل و اوج خود می رسد که انسان در آرزو و اندیشه پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خویش تن نیندیشد. پس کسی که برای اصلاح حال خویش تلاش می کند باید در انتظار ظهور مصلح جهان باشد و تنها به اعتقاد داشتن به این موضوع بسنده نکند.

بنابراین، نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که: میان انتظار ظهور و اعتقاد به آن تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همه شیعیان بلکه بسیاری از ملت های دیگر جهان به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند اعتقاد دارند؛ ولی همه آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقق آن نیستند!

ص: ۹۰

---

(۱- ۱). سورة بقره، آیه ۱۴۸؛ « [۱] هر کجا باشید خداوند همه شما را می آورد» .

کسی منتظر ظهور امام زمان ارواحنا فداه می باشد که علاوه بر اعتقاد، امید و انتظار درک آن زمان را داشته باشد و براساس انتظار و امید، عمل نماید.

تمام روایاتی که مسأله انتظار در آن ها ستوده شده است، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ارواحنا فداه دلالت می کنند؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد و انسان مایوس از درک زمان ظهور باشد، چگونه به روایات انتظار که درس امید و آرزو را به انسان ها می آموزند، عمل کرده است؟!

بنابراین، علاوه بر اعتقاد به مسأله ظهور و آمادگی برای درک آن روزگار-به دلیل روایاتی که درس انتظار را به ما می آموزند-هر انسانی وظیفه دارد در اندیشه ظهور بوده و امیدوار به درک آن، و معتقد به امکان فرارسیدن آن در زمان خود باشد، و برای آن که با عافیت زمان ظهور را درک کند دعا نماید و بداند که خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد.

### معرفت یا راه انتظار

یکی از اموری که درس انتظار را به ما می آموزد و لازم است به آن توجه داشته باشیم، مسأله معرفت و شناخت خداوند و جانشینان او و عظمت مقام آنان می باشد.

کسی که واقعا در راه معرفت پروردگار و شناخت صحیح ائمه اطهار علیهم السلام گام بردارد و با لطف و عنایت آن بزرگواران، قلبش با انوار تابناک معارف الهیه خاندان وحی روشن شود، به این وسیله و از این طریق، با وظیفه های دیگر خود آشنا می گردد و متوجه می شود که غفلت از امام عصر ارواحنا فداه زشت و ناپسند است.

این نورانیت بر اثر درخشیدن نور امام علیه السلام است؛ زیرا امام علیه السلام در هر زمانی قلب دوستان واقعی خود را نورانی و روشن می سازد.

اکنون به این روایت جالب توجه کنید:

عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزَّ وجلَّ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا. (۱)

ص: ۹۱

فقال: يا أبا خالد، النور و الله الأئمة من آل محمد صَلَّى الله عليه و اله و سلم إلى يوم القيامة، و هم و الله نور الله الذي أنزل، و هم و الله نور الله في السماوات و في الأرض. و الله يا أبا خالد، لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار، و هم و الله ينورون قلوب المؤمنين، و يحجب الله عز و جل نورهم عمّن يشاء فتظلم قلوبهم.

و الله يا أبا خالد، لا يحبنا عبد و يتولانا حتى يطهر الله قلبه، و لا يطهر الله قلب عبد حتى يسلم لنا، و يكون سلما لنا، فإذا كان سلما لنا سلمه الله من شديد الحساب، و آمنه من فزع يوم القيامة الأكبر. (1)

ابو خالد کابلی می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه که می فرماید:

«پس ایمان بیاورید به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم» پرسیدم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد؛ به خدا سوگند، منظور از نور همان امامان از آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت می باشد.

به خدا سوگند؛ آنان همان نور خداوند هستند که فرو فرستاده است.

به خدا سوگند؛ آنان نور خدا در آسمان ها و زمین می باشند.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ نور امام در قلب های مؤمنین تابناک تر از خورشید فروزان در روز است.

به خدا سوگند؛ آنان قلب های مؤمنین را روشن می سازند، و خداوند نور آنان را از هر کس که بخواهد پنهان می نماید، پس قلب های شان تاریک می شود.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ هیچ بنده ای به ما محبت نمی ورزد و ولایت ما را نمی پذیرد مگر بعد از آنکه خداوند دل او را پاک نماید، و دل هیچ بنده ای را خداوند پاک نمی گرداند تا این که منقاد و تسلیم ما شود و سر سازش با ما داشته باشد. پس هنگامی که با ما سازش داشت، خداوند او را از سختی های حساب (در روز قیامت) سالم نگه می دارد، و او را از ترس و وحشت روز بزرگ قیامت ایمن می گرداند.

آیا ممکن است کسی قلبش به نور امام زمان ارواحنا فداه نورانی و روشن شده باشد ولی از آن حضرت غافل باشد؟

ص: ۹۲

وظیفه مردم در عصر غیبت به طور کلی به دو دسته تقسیم می شود:

۱- آنچه اختصاص به دوران غیبت دارد.

۲- آنچه تنها به دوران غیبت اختصاص ندارد بلکه انجام آن در زمان غیبت و عصر ظهور و حضور امام علیه السلام لازم است.

یکی از وظایف و برنامه هایی که مربوط به قسم دوم است و تأثیر مهمی در چگونگی زندگی انسان دارد و اگر رعایت شود تحوّل عظیم در زندگی او ایجاد نموده و حیاتی پربار برای انسان به ارمغان می آورد اعتقاد به مسأله حضور و عمل کردن برطبق آن است.

یعنی اگر انسان معتقد باشد همه در محضر خداوند کریم و جانشینان او می باشند و او در زمان حضور یا غیبت و یا ظهور آن بزرگواران در محضر آنان می باشد- و زمان و مکان برای ما محدودیت می آورد نه برای مقامات نورانیّه آنان-؛ نمی تواند حضور آنان را مقید و محدود به زمان و یا مکان خاصی بنماید.

زیرا زمان و مکان از قیود ماده است و مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را در حدیث نورانیت تشریح فرموده اند، فوق ماده است و بلکه محیط بر آنست، بنابراین زمان و مکان نسبت به مقام نورانیت آنان، محدودیت و تقید ایجاد نمی نماید.

برای توضیح مطلب می توانید به حدیث «نورانیت» که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را برای جناب سلمان و ابوذر بیان فرموده اند رجوع کنید. و ما به خاطر طولانی بودنش از نقل آن در اینجا خودداری می کنیم و روایت مهم دیگری را که حضرت امام باقر علیه السلام بیان فرموده اند و به خاطر مختصر بودنش با این بحث مناسب است، نقل می کنیم:

ابو بصیر که از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام است می گوید:

دخلت المسجد مع أبي جعفر عليه السلام والناس يدخلون ويخرجون.



فقال لي: سل الناس هل يروني؟

فكل من لقيته قلت له: أ رأيت أبا جعفر عليه السّلام فيقول: لا- وهو واقف حتّى دخل أبو هارون المكفوف، قال: سل هذا؟ فقلت: هل رأيت أبا جعفر؟ فقال: أليس هو بقائم؟ قال: و ما علمك؟ قال: و كيف لا أعلم و هو نور ساطع. قال: و سمعته يقول لرجل من أهل الإفريقيّة: ما حال راشد؟ قال: خلفته حتّى صالحا يقرؤك السلام.

قال: رحمه الله، قال: مات؟ قال: نعم، قال: متى؟ قال: بعد خروجك بيومين. قال: و الله ما مرض و لا كان به علّه، قال: و إنّما يموت من يموت من مرض أو علّه. قلت: من الرجل؟ قال: رجل لنا موال و لنا محبّ.

ثمّ قال: أترون أنّه ليس لنا معكم أعين ناظره، أو اسماع سامعه، لبئس ما رأيتم، و الله لا يخفى علينا شيء من أعمالكم فاحضرونا جميعا و عودوا أنفسكم الخير، و كونوا من أهله تعرفوا فإني بهذا أمر ولدي و شيعتي. (1)

با امام باقر عليه السّلام وارد مسجد شدم، و مردم در حال رفت و آمد بودند. امام عليه السّلام به من فرمودند: از مردم بپرس آیا مرا می بینند؟ من با هر کس ملاقات کردم از او سؤال کردم که آیا امام باقر عليه السّلام را دیدی؟ می گفت: نه؛ درحالی که امام عليه السّلام ایستاده بود، تا فردی نابینا به نام ابو هارون وارد شد.

امام عليه السّلام فرمودند: از این مرد سؤال کن. به او گفتم: آیا امام باقر عليه السّلام را دیدی؟

ابو هارون در جواب گفت: مگر ایشان اینجا نایستاده اند؟

ابو بصیر گفت: از او سؤال کردم تو از کجا دانستی که امام عليه السّلام ایستاده است؟

ابو هارون گفت: چگونه به آن علم و آگاهی پیدا نکنم و حال آن که امام عليه السّلام نوری است آشکار و نمایان.

ابو بصیر می گوید: و شنیدم که امام باقر عليه السّلام به مردی از اهل آفریقا می فرمود: حال راشد چگونه است؟

او گفت: از آفریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما سلام می رساند.

امام باقر عليه السّلام فرمودند: خداوند او را رحمت کند. مرد آفریقایی گفت: او مرد؟!

ص: ۹۴

امام علیه السّلام فرمودند: آری. او پرسید: در چه زمانی؟

امام علیه السّلام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از آفریقا مرد.

آفریقایی گفت: به خدا قسم راشد نه مریض بود و نه هیچ گونه دردی داشت!

امام علیه السّلام به او فرمودند: مگر هر کس که می میرد به خاطر مرض یا درد می میرد؟

ابو بصیر گفت: از امام علیه السّلام پرسیدم: این مرد آفریقایی کیست؟

امام علیه السّلام فرمودند: دوست ما و پیرو ما خاندان است.

آن گاه امام علیه السّلام فرمودند: آیا می پندارید برای ما با شما، چشمانی نظاره گر و گوش هایی شنوا وجود ندارد؟ چه پندار نادرستی؛ به خدا قسم بر ما هیچ چیزی از اعمال شما پنهان نیست. پس همه ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفس های خود را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا به آن شناخته شوید. من فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم امر می کنم.

این روایت مطالب مهمی را دربر دارد که برای درک معانی آن، لازم است دقت کامل نمود.

نکته مهمی که از این روایت استفاده می کنیم، اعتقاد به حضور خاندان وحی علیهم السّلام می باشد، و درک این واقعیت امکان پذیر است به شرطی که شرایطی را که امام باقر علیه السّلام برای درک آن بیان فرموده اند رعایت شود.

نکته بسیار مهمی که آن حضرت در پایان فرمایش خود فرموده اند این است که آن بزرگوار شیعیان و فرزندان خود را به آن سفارش و امر فرموده اند. و این دلیل بر آن است که باید همه برای شناخت و دریافت واقعیتی را که بیان فرموده اند، سعی و کوشش کنند.

بنابراین روایت، هریک از آن بزرگواران عین الله هستند که اعمال و رفتار ما را می بینند و اذن الله هستند که تمام گفتار ما را می شنوند. آن گاه امام علیه السّلام کسانی را که این حقایق را نپذیرفته اند مورد خطاب و نکوهش قرار داده و می فرمایند واقعا بد اعتقادی دارید به خدا سوگند هیچ چیزی از اعمال شما از ما پوشیده نیست.

حضرت امام باقر علیه السّلام پس از بیان این نکات به نتیجه گیری از فرمایشات خود می پردازند و به چند نکته تصریح می فرمایند:

۱- همه ما را نزد خود حاضر بدانید.

این کلام اشاره به مقام نورانیت اهل بیت علیهم السّلام است که آن بزرگواران به مقام نورانیت، محیط بر زمان می باشند، و فرقی میان هیچ یک از آنان نیست و شیعه در هر زمانی که باشد، باید خود را نزد همه آن بزرگواران بداند، و همانگونه که انسان باید خود را در حضور خداوند ببیند باید احساس کند که در محضر اهل بیت علیهم السّلام نیز می باشد.

بدیهی است کسی که این حقیقت را بفهمد و آن را عملی سازد تحوّل بزرگی در رفتار و کردار او ایجاد می شود.

۲- نفس های خود را به کارهای نیک عادت دهید و از اهل خیر باشید.

بنابراین فرمایش نه تنها انسان باید به کارهای زشت و ناپسند عادت نکند بلکه باید به اعمال شایسته و رفتار خوب، نفس خود را عادت دهد. یعنی آنچنان باید در تهذیب نفس و خودسازی کوشا باشد که نفس او نه تنها از انجام کارهای پسندیده متنفر و متزجر نباشد، بلکه به آن ها خو گرفته و عادت داشته باشد.

نکته قابل توجه در این روایت اینست که عادت کردن به کارهای پسندیده و ارزنده در صورتی ارزش دارد که ذات انسان به آن ها عادت کرده باشد یعنی در ذات او اثر گذاشته باشد، لذا عادت کردن به کارهای نیکو و پسندیده در صورتی که در ذات شخص اثری نگذاشته باشد اهمیت چندانی نخواهد داشت؛ زیرا ممکن است انسان بر اثر جوّ جامعه و محیط زندگی به انجام بعضی از کارهای خوب و پسندیده عادت کرده باشد ولی در ذات او رسوخ نکرده باشند، در نتیجه سنخیتی با آنچه انجام می دهد نیافته و اهل آن به حساب نیاید. و این نکته دقیقی است که کاملاً باید به آن توجه شود.

برای توضیح مطلب می گوئیم: عادت کردن به کارهای پسندیده به دو صورت ممکن است واقع شود:

۱- صورت اول: از راه مخالفت با نفس و مطیع ساختن نفس برای انجام کارهای خوب. اگر منشأ اعتیاد انسان به کارهای نیک این گونه باشد، ذات و سرشت آدمی به رفتار و گفتار خوب خو گرفته و عادت می نماید. این گونه عادت کردن، دارای نقش اساسی و اثر حیاتی در پیشرفت و تکامل انسان است.

۲- صورت دوّم: این است که انسان به کارهای خوب انس گرفته و به رفتار پسندیده عادت کند نه از راه مخالفت با نفس و خودسازی و آماده ساختن ذات برای انجام این گونه اعمال؛ بلکه بر اثر محیط زیست و اجتماعی که در آن زندگی می کند، به بعضی از کارهای خوب انس گرفته و عادت کرده باشد.

مثلاً چون در خانواده ای بوده است که مقتید به نماز اوّل وقت یا نماز جماعت بوده اند، او هم به آن عادت کرده است. در این صورت اگر محیط زندگی او تغییر کند چون ذاتاً به آن کار عادت نکرده است، با مرور زمان رفتار او عوض می شود و از برنامه قبلی خود دست برمی دارد.

این گونه عادت کردن ها که تأثیری در ذات او نگذاشته اند بلکه بر اثر رنگ گرفتن از محیط می باشد، اهمیتی ندارد و با تغییر محیط از دست می رود.

به این جهت حضرت باقر العلوم علیه السّلام می فرمایند: علاوه بر آن که نفس های خود را به کارهای خیر عادت می دهید، اهل آن نیز باشید؛ نه آن که فقط رنگ افراد خوب را به خود بگیرید؛ زیرا رنگ گرفتن از نیکان بدون آن که در ذات و سرشت انسان رسوخ نموده باشد تأثیری در رفتار او ندارد و تحوّلی در او به وجود نمی آورد و نقشی در درک حقایق نخواهد داشت و هنگامی که در ذات انسان رسوخ کرد و استقرار یافت، این حقایق عظیم و باارزش را درک می کند.

### معنای حضور چیست؟

نکته دیگری که ممکن است مورد بحث قرار گیرد این است که حضور به چه معنا است، آیا مقصود از حضور، حضور علمی است یا حضور عینی؟

مرحوم علامه مجلسی در بیان روایت فرموده است: اگر «فاحضرونا» از باب افعال باشد معنای روایت چنین است: یعنی بدانید که همه ما نزد شما حاضر هستیم به وسیله علمی که داریم. مقصود مرحوم علامه مجلسی حضور علمی است. (۱)

ص: ۹۷

در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام درباره حضرت خضر می فرمایند:

إنه ليحضر حيث ما ذكر، فمن ذكره منكم فليسلم عليه. (۱)

او هر زمان که یاد شود حاضر می شود، پس هر کس از شماها او را یاد کرد باید بر او سلام کند.

مرحوم آیه الله مستنبط در این باره می نویسد: مقام حضرت خضر علیه السلام که تابع و رعیت امام زمان ارواحنا فداه می باشد در این حدّ است، پس مقام و عظمت حضرت بقیه الله صلوات الله علیه که امام و پیشوای او است تا چه حدّ و پایه است؟! (۲)

از این روایت، حضور شخصی-در بعضی از زمان ها-استفاده می شود نه حضور علمی.

مسأله حضور از مسائل مهمّ در معارف اهل بیت علیهم السلام می باشد و نیاز به تفصیل بیشتر دارد. به این جهت این گفتار را با کلامی دلنشین از فرمایشات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پایان می دهیم:

أحضروا آذان قلوبكم تفهموا!! (۳)

(اگر خواهان درک حقایق هستید) گوش دل را باز کنید، تا آن را دریابید.

### عظمت امام عصر ارواحنا فداه

در کلمات اهل بیت علیهم السلام

آشنایی با عظمت امام عصر ارواحنا فداه وسیله ای بسیار مؤثر برای وارد شدن در صراط انتظار می باشد. در توضیح کلام می گوئیم:

روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام درباره شخصیت و عظمت امام عصر ارواحنا فداه به ما رسیده است، آنچنان مهیج و تکان دهنده است که آدمی را شگفت زده می سازد! چگونه می شود با آن همه سخنانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می گذارد، جامعه ما

ص: ۹۸

۱-۱. کمال الدین: ۲/۳۹۰. [۱]

۲-۲. القطره: ۲/۵۳۶. [۲]

۳-۳. بحار الأنوار: ۳۴/۲۱۲. [۲]

نسبت به آن بزرگوار آن گونه که باید دل نبسته است و زاغ و زغن را به جای «طاووس بهشت» (۱) برگزیده است؟ این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟

آیا عالمان و بزرگان دین در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده اند؟ آیا مهتران و پیشوایان قوم و قدرتمندانی که خود را به آن حضرت نسبت می دهند خدمتی نموده اند؟ آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به این مسأله که اساسی ترین مسأله حیاتی دین است، کوشش کرده اند؟ آیا توده مردم با توجه به امام زمان صلوات الله علیه، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده اند؟

حقیقت این است که همه اقشار مردم در این غفلت زدگی، کم و بیش سهیم هستند، (اگرچه افرادی بوده اند و هستند از عالمان و غیر عالمان، که همچون شقایق داغ بر دل داشته و روزگاری با غم و حسرت می گذرانند و به قدر توفیق و توان خویش به احیاء این امر پرداخته و می پردازند.) بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می آزارد.

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می آوریم تا ببینید آنان با چه عباراتی از آخرین حجّت الهی حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه یاد نموده اند و چگونه کوشش کرده اند تا مردم را به سوی آن حضرت متوجه سازند و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته اند:

۱- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند:

پدرم و مادرم فدای او باد، او هم نام من و شبیه من است.

این کلام را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از شرح دوران غم انگیز و تأسف بار غیبت امام عصر ارواحنا فداه بیان نموده اند.

اینک به فرمایش آن حضرت توجه کنید:

... سیکون بعدی فتنه صماء صيلم يسقط فيها كل و ليجه و بطانه، و ذلك عند فقدان شيعتك الخامس من السابع من ولدك،  
یحزن لفقده أهل

ص: ۹۹

الأرض و السماء، فكم مؤمن و مؤمنة متأسف متلهف حيران عند فقهه. ثم أطرق ملياً ثم رفع رأسه و قال:

بأبي و أمي سمّي و شبيهي و شبيهه موسى بن عمران عليه جلايبب النور يتوقّد من شعاع القدس. (۱)

بعد از من فتنه ای ایجاد می شود بسیار سخت و دشوار و از پا درآورنده، که در آن هر شخص مورد اعتماد و رازداری سقوط می کند و این در هنگامی است که شیعیان تو پنجمین نفر از فرزندان تو از هفتمین امام را گم کنند، برای فقدان او اهل آسمان و زمین غمگین می شوند، پس چه بسیارند مردان و زنان باایمانی که در هنگام غیبت او، متأسف و حسرت زده و حیرانند.

سپس آن حضرت سر خود را به آرامی پائین برده و آن گاه سر بلند نموده و فرمودند:

پدر و مادرم فدای او باد، هم نام من و شبيه من و شبيهه موسى بن عمران است، بر او پيراهن هايي از نور است که از شعاع قدس برافروخته است.

۲- حضرت امير المؤمنين عليه السلام درباره آن حضرت فرمودند:

جانم فدای او باد. . .

این کلام را مرحوم علامه مجلسی به حضرت امير المؤمنين عليه السلام نسبت داده و فرموده است در دیوان شعری که منسوب به آن حضرت می باشد، از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند:

فتمّ يقوم القائم الحقّ منكم و بالحقّ يأتیکم و بالحقّ يعمل

سمّي نبی الله نفسی فداؤه فلا تخذلوه یا بنی و عجلوا (۲)

پس در آن هنگام (بعد از حکومت های ناشایسته) از شما کسی که حق را به پا می دارد قیام می کند، و حق را برای شما می آورد و به آن عمل می کند.

هم نام رسول خداوند است جانم فدای او باد، پس ای فرزندان من مدرسانی به او را ترک نکنید و برای یاریش شتاب کنید.

ص: ۱۰۰

۱- ۱). كفاية الأثر: ۱۵۸، [۱] بحار الأنوار: ۳۶/۳۳۷ و ۵۱/۱۰۹. [۲]

۲- ۲). بحار الأنوار: ۵۱/۱۳۱. [۳]

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد. (۱)

اول مظلوم عالم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از بیان اوصاف جسمانی امام عصر ارواحنا فداه با بیان جمله ای که آوردیم اشتیاق عظیم قلبی خویش را اظهار نموده اند.

این روایت را جناب جابر جعفری که از نقباء و از اصحاب سرّ امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده نقل نموده است.

در این روایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به بیان صفات نیکوی جسمانی امام عصر ارواحنا فداه اکتفا کرده اند و از تشریح خصلت های معنوی و ملکوتی آن حضرت خودداری فرموده اند؛ زیرا با کسی سخن می گفته اند که او علت اصلی همه تباهی ها و فسادها در عالم خلقت است.

اکنون به این روایت توجه کنید: جناب جابر جعفری می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

سایر عمر بن الخطاب امیر المؤمنین علیه السلام فقال: أخبرنی عن المهدی ما اسمه؟ فقال: أمّا اسمه فإنّ حبیبی عهد إلیّ أن لا أحدث باسمه حتّی یبعثه الله، قال: فأخبرنی عن صفته.

قال: هو شابّ مربع حسن الوجه حسن الشعر، یسیر شعره علی منکبیه، و نور وجهه یعلو سواد لحيته و رأسه، بأبی ابن خیره الإمام. (۲)

عمر بن خطاب در خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام راه می رفت به آن بزرگوار عرض کرد: مرا از نام مهدی خبر ده.

حضرت فرمودند: اما درباره اسم او، حبیب من از من پیمان گرفته است که از نام او سخن نگویم، تا آن زمان که خداوند او را برانگیزد.

عرض کرد: از اوصاف و شمایل او به من خبر ده.

ص: ۱۰۱

۱-۱). حضرت نرجس خاتون علیها السلام شاهزاده بزرگ روم، برای پیوستن به خاندان وحی علیهم السلام، لباس کنیزان را پوشید و در میان آنان رفت و افتخار جاودانه مادر شدن برای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را نصیب خود ساخت. به جهت پوشیدن لباس کنیزان و اسارت، از ایشان به عنوان بهترین کنیزان در روایات یاد شده است.

۲-۲). بحار الأنوار: ۵۱/۳۶. [۱]



حضرت فرمودند: او جوانی است چهار شانه، نیکوروی و زیاموی که مویش بر شانه اش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش برتری دارد.

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

۴- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام: پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیگر بار تکرار نموده اند و حارث همدانی آن را از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است.

آن بزرگوار در این روایت بیان فرموده اند که پایان ظلم و ستمگری ستمگران با شمشیر انتقامی است که در دست توانای حضرت بقیه الله ارواحنا فدا می باشد، و فرموده اند: جام تلخ زهر را به کام همه ستمگران جهان فروخواهد ریخت.

اکنون در دنباله مطلب به کلام آن بزرگوار که دل غمزدگان را شاد می کند توجه کنید:

بأبی ابن خیره الإمام- یعنی القائم من ولده علیه السلام- یسومهم خسفاً، و یسقیهم بكأس مصبره، و لا یعطیهم إلا السیف هر جا. (۱)

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد- یعنی حضرت قائم که از فرزندان آن حضرت است- خواری و پستی و فرومایگی را بر آنان وارد می سازد و با ظرفی که از صبر (دوایی بسیار تلخ) پر است به آنان (ستمگران) می خوراند و به آنان چیزی حواله نمی کند مگر شمشیر خون ریز را.

آری در آن روز است که حکومت سقیفه نشینان و وارثان آنان به پایان می رسد و جام تلخ زهر را همه آن ها سر خواهند کشید!

۵- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این گفتار را دیگر بار در یکی از خطبه های خود ایراد فرموده اند:

ص: ۱۰۲

فانظروا أهل بيت نبيكم فإن لبدوا فالبدوا وإن استنصروكم فانصروهم، ليخرجنَّ الله برجل منَّا أهل البيت، بأبي ابن خيره الإمام لا يعطيهم إلا السيف هر جا هر جا موضوعا على عاتقه ثمانية. (۱)

به اهل بيت پیامبران بنگرید؛ اگر آرام گرفتند شما نیز آرام بگیرید و اگر شما را به یاری طلبیدند آنان را یاری کنید، خداوند به طور حتم مردی از ما اهل بیت را (برای نابودی ستمگران) خارج می سازد.

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد، به آنان نمی دهد مگر شمشیر را چه آشوبی؛ چه آشوبی؛ هشت ماه شمشیر را بر شانه خود می نهد.

در این خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اصلاح جهان و پاکسازی دنیا را از وجود پلیدان لعنت شده نوید می دهند، که مدت هشت ماه جنگ با ستمگران در صحنه گیتی ادامه می یابد و آن گاه صلح و صفا در سراسر جهان حاکم می شود.

۶- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از بیان فتنه ها و آشوب های آینده و یاد از خصلت های امام عصر ارواحنا فداه بیان نمودند:

هاه-و أوماً بیده إلى صدره-شوقاً إلى رؤيته. (۲)

آه-و اشاره به سینه مبارک خود نمودند-چقدر مشتاقم او را ببینم!

زیرا آن بزرگوار با احاطه علمی که بر همه چیز داشتند، می دانستند فتنه هایی که سقیفه نشینان در سقیفه بذر آن را افشاندند، همچنان ادامه خواهد یافت و آتش آن سراسر گیتی را تا زمان های دور، سیاه خواهد نمود و سیه روزی و بدبختی را نصیب همه مردمان جهان خواهد کرد و این ظلم و جنایت همچنان ادامه می یابد تا آن روز که منتقم آل محمد حضرت امام عصر ارواحنا فداه همراه با سیصد و سیزده تن از

ص: ۱۰۳

[۱- ۱]. بحار الأنوار: ۵۱/۱۲۱. [۱]

[۲- ۲]. بحار الأنوار: ۵۱/۱۱۵. [۲]

شخصیت های خودساخته، که امر ولایت در جان و دل آنان ریشه دوانده است با تعدادی دیگر از مؤمنان از کنار خانه خدا قیام نمایند، و انتقام همهٔ مظلومین جهان را از همهٔ ستمگران بگیرند.

اگر در روز تاریک سقیفه یاورانی از جان گذشته در کنار وجود مقدّس اوّل مظلوم عالم حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام می بودند، دشمنان نمی توانستند خانهٔ وحی را به آتش کشیده و ریسمان به گردن امیر عالم هستی افکنده و چهرهٔ ماه را کبود کنند. حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در یکی از خطبه های خود می فرمایند:

فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مَعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ، وَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى، وَشَرَبْتُ عَلَى الشَّجِي، وَصَبْرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكُظْمِ، وَعَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعَلْقَمِ.

چون مخالفین، خلافت را که حقّ من بود غصب کردند، (در کار خویش) اندیشه کردم؛ دیدم در آن هنگام به غیر از اهل بیت خود یاورى ندارم، راضی نشدم که آنها کشته شوند، و چشمی که خاشاک در آن رفته بود برهم نهادم؛ با این که استخوان گلویم را گرفته بود، جام تلخ را آشامیدم؛ و خشم خود فروخوردم و بر چیزهای تلخ تر از طعم علقم (که گیاهی است بسیار تلخ) شکیبایی نمودم. (۱)

آری مظلوم ترین فرد جهان هستی پس از بیان همهٔ ستم هائی که بر او روا شده، آنگاه که از فتنه های آینده یاد می کند و نام پایان دهندهٔ همهٔ ظلم ها و ستم ها را به زبان جاری می سازد می فرماید:

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

۷- امام باقر علیه السّلام می فرماید:

اگر در آن زمان باشم جان خود را برای صاحب این امر نگه می دارم.

این کلام از کسی صادر شده است که شکافندهٔ همهٔ علوم و دانش ها در سراسر هستی و آگاه از همهٔ اسرار خلقت می باشد، آن کسی که آینده و آیندگان، گذشته و

ص: ۱۰۴

گذشتگان، برای ایشان همچون افرادی هستند که در محضرش حاضر می باشند.

آن حضرت وقتی که سخن از آینده و آیندگان به میان می آورد، و یکی از قیام هائی را که قبل از ظهور امام عصر ارواحنا فداه واقع می شود بیان می کنند، می فرمایند:

... أما إني لو أدركت ذلك لاستبقت نفسي لصاحب هذا الأمر. (۱)

آگاه باشید اگر من آن زمان را درک نمایم جان خود را برای صاحب این امر حفظ می کنم.

مرحوم آیه الله شیخ محمد جواد خراسانی در کتاب خود نوشته است: مقصود حضرت از آن زمان، وقتی است که گروهی از «شیلا» برای گرفتن حق قیام می کنند.

۸- امام باقر علیه السلام:

پدر و مادرم فدای او باد، او همانم من و دارای کنیه من است.

پدرم فدای کسی باد که سراسر گیتی را سرشار از عدل و داد می کند همانگونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

این روایت را ابو حمزه ثمالی - که از بزرگان اصحاب آن حضرت است - نقل نموده؛ او می گوید: روزی در محضر امام باقر علیه السلام بودم، آنگاه که مردم از خدمت آن بزرگوار مرخص شدند به من فرمودند:

يا أبا حمزه، من المحتوم الذي حتمه الله قيام قائمنا، فمن شك فيما أقول لقي الله و هو به كافر، ثم قال:

بأبي و أمي المسمي باسمي و المكني بكنيتي، السابع من ولدي، بأبي من يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا.

يا أبا حمزه، من أدركه فسلم له ما سلم لمحمد و عليّ فقد وجبت له الجنة، و من لم يسلم فقد حرّم الله عليه الجنة و مأواه النار و بسّ مثنوى الظالمين. (۲)

ص: ۱۰۵

۱- ۱). الغيبة مرحوم نعمانی: ۲۷۳. [۱]

۲- ۲). بحار الأنوار: ۲۴/۲۴۱، ۵۱/۱۳۹، ۳۶/۳۹۴. [۲]

ای ابا حمزه؛ از چیزهایی که خداوند آن‌ها را حتمی قرار داده است قیام قائم ما است و کسی که در آنچه می‌گوییم شک کند، خداوند را ملاقات می‌کند درحالی که به او کافر است.

پدر و مادرم فدای کسی باد که به نام من نامیده شده و کینه اش کینه من است و هفتمین فرد از نسل من است.

پدرم فدای کسی باد که سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای ابا حمزه؛ هر کس در زمان او باشد و تسلیم او گردد همان گونه که تسلیم محمد و علی بوده، بهشت بر او واجب است، و کسی که تسلیم او نباشد خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاه او آتش می‌باشد و بد منزلی است جایگاه ستم کاران.

۹- امام صادق علیه السلام:

اگر او را درک کنم، تا زنده باشم به او خدمت می‌کنم.

این کلام را امام صادق علیه السلام هنگامی فرمودند که درباره حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از آن بزرگوار سؤال شد:

هل ولد القائم؟

قال: لا، و لو أدرکته لخدمته أيام حیاتی. (۱)

آیا (حضرت) قائم متولد شده است؟

حضرت فرمودند: نه، و اگر من او را درک نمایم در تمام دوران زندگی و حیاتم به او خدمت می‌کنم.

۱۰- امام صادق علیه السلام:

برای نور آل محمد عليهم السلام دعا نمودم.

عباد بن محمد مدائنی می‌گوید: امام صادق علیه السلام پس از نماز ظهر دست‌ها را بلند

ص: ۱۰۶

---

۱- ۱). الغیبه مرحوم نعمانی: ۲۷۳، [۱] بحار الأنوار: ۵۱/۱۴۸. [۲] صاحب کتاب «عقد الدرر» این روایت و روایات دیگری را به امام حسین علیه السلام نسبت داده و به دلیل سند آن اشتباه است و علت اشتباهش این است که کنیة «ابو عبد الله» را که مشترک است میان امام حسین و امام صادق علیهما السلام به امام حسین علیه السلام نسبت داده است. رجوع کنید به کتاب «الصحیفه المبارکه المهدیه».

نموده و دعا کردند. گفتیم: جانم به فدایتان؛ برای خودتان دعا نمودید؟

فرمودند:

دعوت لنور آل محمد عليهم السلام و سائقهم و المنتقم بأمر الله من أعدائهم. (۱)

برای نور آل محمد عليهم السلام و پیش رو آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می گیرد، دعا نمودم.

البته خاندان وحی همه آنها نور هستند و معرفت آنان به نورانیت معرفه الله است، ولی بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام در این روایت آن حضرت، نور الأنوار می باشند.

۱۱- امام موسی کاظم علیه السلام:

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا، سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی گذارد.

پدرم فدایش باد که به امر خداوند قیام می کند.

یحیی بن فضل نوفلی می گوید: حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بعد از نماز عصر دست ها را به دعا بلند نموده و دعائی را قرائت کردند. به آن حضرت عرض کردم:

برای چه کسی دعا نمودید:

قال: ذلك المهدي من آل محمد عليهم السلام، قال: بأبي المنبذح البطن، المقرون الحاجبين، أحمش الساقين، بعيد ما بين المنكبين، أسمر اللون، يعتاده مع سمرته صفره من سهر الليل، بأبي من ليله يرعى النجوم ساجدا و راکعا، بأبي من لا يأخذه في الله لومه لائم، مصباح الدجى، بأبي القائم بأمر الله. (۲)

حضرت فرمودند: برای مهدی آل محمد عليهم السلام.

آن گاه فرمودند: پدرم فدای آن وجودی باد که دلی برجسته و ابروانی پیوسته و ساق های باریک دارد، و چهار شانه و قوی هیكل و گندم گون است، و بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش زرد است.

ص: ۱۰۷

۱- ۱. فلاح السائل: ۱۷۰. [۱]

۲- ۲. بحار الأنوار: ۸۶/۸۱. [۲]

پدرم فدای کسی باد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، بسر می‌برد و به ستارگان می‌نگرد و آن‌ها را زیر نظر دارد.

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد، او چراغ هدایت در تاریکی‌های شدید است.

پدرم فدای او که به امر خدا قیام می‌کند.

۱۲- حضرت امام رضا علیه السلام:

پدرم و مادرم فدایش باد، او همانم جدّم صلّى الله عليه و اله و سلّم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

این کلام را حضرت امام رضا علیه السلام پس از ذکر فتنه‌های بسیار سختی که از اوّل زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه واقع شد، بیان نموده‌اند.

این فتنه‌ها آن‌چنان سخت و ویرانگر است که افراد بسیار زیرک و فهمیده را نیز به دام خود گرفتار می‌نماید؛ گرچه آنان مدّعی دین و دینداری هستند.

و بر اثر گمراهی آنان، آنچنان غربت و تنهایی امام عصر ارواحنا فداه را فرامی‌گیرد که اهل آسمان و زمین بر او می‌گریند و هر انسان آزاده و دل‌آگاه برای آن حضرت به گریه می‌نشیند.

اکنون به کلام حضرت امام رضا علیه السلام توجه کنید:

لا بدّ من فتنه صمّاء صیلم یسقط فیها کلّ بطانه و ولیجه و ذلک عند فقدان الشیعه الثالث من ولدی، بیکی علیه اهل السماء و اهل الأرض و کلّ حرّی و حرّان و کلّ حزین و لهفان.

ثمّ قال علیه السّلام: بأبی و أمّی سمّی جدّی صلّى الله عليه و اله و سلّم و شبیهی و شبیه موسی بن عمران علیه السّلام، علیه جیوب النور، یتوقّد من شعاع ضیاء القدس. (۱)

ناگزیر فتنه‌ای بسیار سخت و از پا درآورنده واقع می‌شود که در آن هر فرد رازدار و مورد اعتمادی سقوط می‌کند و این در زمانی است که شیعیان سوّمین نفر از فرزندان

ص: ۱۰۸

۱- ۱). الغیبه نعمانی: ۱۸۰، [۱] کمال الدین: ۳۷۰، [۲] بحار الأنوار: ۵۱/۱۵۲، [۳] الزّام الناصب: ۱/۲۲۱. [۴]

مرا از دست می دهند، بر او اهل آسمان و زمین می گریند و هر مرد و زنی که تشنه دیدار او باشند و هر غمگین و حسرت زده ای بر او می گرید.

سپس فرمودند: پدر و مادرم فدای او باد، او همانم جدّم صلّی الله علیه و اله و سلّم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام است، بر او پیراهن های نور می باشد که از شعاع نور قداست و پاکی فروغ می گیرد.

شبیه این روایت را از پیغمبر اکرم صلّی الله علیه و اله و سلّم نقل نمودیم.

«از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت در مجلسی که در خراسان داشتند هنگام ذکر لفظ «قائم» ایستادند و دو دست خود را بر سر مبارک نهادند و گفتند:

اللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ. آن گاه از خصوصیات حکومت آن حضرت صحبت فرمودند.

مرحوم محدّث نوری در کتاب «نجم الثاقب» فرموده است: قیام و تعظیم نمودن مردم به هنگام شنیدن نام امام زمان ارواحنا فداه مخصوصاً لقب مخصوص آن حضرت، سیره و روش همه شیعیان از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و غیر آن در همه بلاد است بلکه اهل سنت نیز به آن عمل می کنند.» (۱)

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» می نویسد: روایت شده که وقتی دعبل قصیده خود را برای امام رضا علیه السلام خواند و از حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه یاد نمود:

فلولا الذی أرجوه فی الیوم أو غد تقطع نفسی إثرهم حسراتی

خروج امام لا محاله خارج یقوم علی اسم الله و البرکات

اگر نبود آنچه برای امروز یا فردا به آن امیدوارم، نفس من از روی حسرت قطع می گشت.

و آن خروج امامی است که ناگزیر خروج خواهد کرد و با نام نامی پروردگار و برکات الهی قیام می نماید.

ص: ۱۰۹



حضرت امام رضا علیه السّلام دست خود را بر سر نهادند و تواضع نمودند درحالی که برای فرج آن حضرت دعا می نمودند.

(۱)

\*\*\* مقدمه کتاب را با نقل روایتی که در کتاب «تنزیه الخاطر» آورده است پایان می دهیم:

از امام صادق علیه السّلام از علّت ایستادن در وقتی که لفظ «قائم» - که از القاب حضرت حجّت صلوات الله علیه است - برده می شود، سؤال شد.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

به این جهت که زیرا برای ایشان غیبتی است طولانی و از شدّت رأفت آن حضرت به دوستانش، نظر می کند به هر کسی که او را به این لقب - که دلالت بر دولت او و حسرت به غربت او دارد - یاد نماید، و از تعظیم نمودن بنده ای که برای صاحب خود خضوع می نماید این است که به هنگامی که مولای باجلالت او با دیدگان شریفش به سوی او می نگرد، در برابر او بایستد. پس هر کس این نام را به زبان می آورد باید بایستد و باید از خداوند بزرگ تعجیل فرج او را طلب نماید. (۲)

از خداوند بزرگ می خواهیم که ما را از منتظران ظهور آن حضرت صلوات الله علیه قرار دهد و ستایش مخصوص خداوند است که پروردگار جهانیان است.

و ما توفیقی إلا بالله مرتضی مجتهدی سیستانی

ص: ۱۱۰

---

۱- ۱. الغدير: ۲/۳۶۱. [۱] شبهه این روایت را علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار: ۵۱/۱۵۴» نقل نموده است.

۲- ۲. إلزام الناصب: ۱/۲۷۱.





بخش اول: نمازها

اشاره

ص: ۱۱۳



در این بخش بعضی از نمازهایی را که از امام زمان ارواحنا فداه روایت شده، یا برای آن حضرت نقل گردیده، می آوریم:

### ۱- نماز امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ

قطب راوندی رحمه الله می نویسد: نماز امام زمان ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» را باید خواند و چون به **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** رسید، آن را صد مرتبه باید گفت، و بعد از نماز صد مرتبه بر محمد و آل محمد عليهم السلام صلوات فرستاده، و از خدا حاجتش را بخواهد. (۱)

این نماز به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و خواندن سوره بعد از «حمد» شرط نشده و خواندن دعای مخصوصی بعد از نماز وارد نشده است.

### ۲- نماز دیگر امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: نماز حضرت حجت ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در

ص: ۱۱۵



این نماز نیز به زمان و مکان معینی اختصاص ندارد، اما خواندن سوره «اخلاص» بعد از قرائت سوره «حمد» و خواندن دعایی که نقل شد، بعد از نماز شرط شده است.

#### ۴- نماز مسجد مقدس جمکران

حسن بن مثله رحمه الله می گوید: مولای مان امام زمان صلوات الله علیه به من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیایند)، و آن را عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز گذارند: دو رکعت برای تحیت و احترام مسجد، که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه سوره «اخلاص»، و در هر رکوع و سجده، ذکر آن را هفت مرتبه بگویند.

و پس از آن دو رکعت برای امام زمان صلوات الله علیه به گونه ای که ذکر می شود انجام دهد: سوره «حمد» را شروع کند، به آیه *إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ* که رسید آن را صد مرتبه تکرار کند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز همین گونه بخواند.

و چون نماز را به پایان برد، تهلیل (۱) گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و چون از آن فارغ شد به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستد.

سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

فمن صلاها فكأنما صلى في البيت العتيق.

هرکس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است. (۲)

ص: ۱۱۷

---

۱- ۱). «لا إله إلا الله» یا «لا إله إلا الله وحده وحده» .

۲- ۲). جنّه المأوی: ۲۳۱.



در مقام آن حضرت در حله و نعمائیه

(۱)

محدث نوری رحمه الله می گوید: فاضل جلیل القدر میرزا عبد الله اصفهانی (مشهور به افندی) در جلد پنجم کتاب «ریاض العلماء» در شرح حال شیخ ابن ابی جواد نعمانی می گوید:

ایشان از کسانی است که در زمان غیبت کبری، امام زمان صلوات الله علیه را دیده است و از آن حضرت حدیث نقل کرده است. من در جای دیگر نقلی از خط شیخ زین الدین علی بن حسن بن محمد خازن حایری (شاگرد شهید) نیز دیده ام که ابن ابی جواد نعمانی مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و از آن حضرت سؤال کرده است: مولای من؛ آیا شما مقامی در نعمائیه و مقامی در حله دارید؛ چه وقت در آن دو مکان حضور دارید؟

حضرت فرمودند:

شب و روز سه شنبه در نعمائیه هستم، و شب و روز جمعه در حله؛ اما اهل حله، ادب را در مقام من بجای نمی آورند؛ و کسی نیست که با ادب داخل مقام من شود و با رعایت ادب بر من و ائمه سلام کند، و بر من و ایشان، دوازده مرتبه صلوات بفرستد؛ سپس دو رکعت نماز با دو سوره بخواند و با خداوند مناجات کند؛ مگر این که خدا آنچه می خواهد به او عنایت کند که یکی از آن ها مغفرت و بخشش پروردگار برای اوست.

گفتم: مولای من؛ آن مناجات را به من بیاموز.

حضرت فرمودند: بگو:

ص: ۱۱۸

اللَّهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّيَادِيبَ مِنِّي، حَتَّى مَسَّنِي الضَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَإِنْ كَانَ مَا اقْتَرَفْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ أَسْتَحِقُّ بِهِ أَعْوَافَ أَعْوَافٍ مَا أَدَّبْتَنِي بِهِ وَأَنْتَ حَلِيمٌ ذُو أَنْاهٍ، تَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ حَتَّى يَسْبِقَ عَفْوُكَ وَرَحْمَتُكَ عَذَابَكَ.

بارالها؛ مجازات و مکافات اعمالم به سراغم آمد، تا این که به سختی و بدحالی گرفتار آمدم و تو مهربان ترین مهربانانی. و هرچند گناهانی که مرتکب شدم مرا سزاوار چندین و چندین برابر این مجازات هایی که با آن ها مرا ادب فرمودی کرده است، ولی تو بردبار و مداراکننده ای، از گناهان زیاد چشم پوشی می کنی تا بخشش و رحمت تو بر عذابت پیشی گرفته باشد.

حضرت این دعا را سه مرتبه برایم تکرار فرمود تا یاد گرفتم. (۱)

## ۵- نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه

برای برآورده شدن حاجت ها

خاتون آبادی رحمه الله این نماز را در «جَنَاتِ الْخُلُودِ» به امام زمان ارواحنا فداه نسبت داده است: شب قبل از خواب، ظرف تمیزی را که پر از آب پاکیزه است در کنار سر خود بگذارید و با پارچه تمیزی آن را پوشانید و چون برای نماز شب برخاستید سه جرعه از آن آب بنوشید و با باقی مانده آن وضو بسازید. رو به قبله بایستید اذان و اقامه بگویید و دو رکعت نماز با هر سوره ای که خواستید بخوانید.

بعد از خواندن سوره به رکوع رفته و بیست و پنج مرتبه بگویید: «یا غیاث المستغیثین» (ای فریادرس دادخواهان). سپس سر از رکوع برداشته همین ذکر را بیست و پنج مرتبه بگویید و همین کار را در سجده اول و بعد از سجده اول، و در سجده دوم و بعد از سجده دوم تکرار کنید.

سپس برای رکعت دوم برخاسته و همین کار را در رکعت دوم نیز انجام دهید، که

ص: ۱۱۹

در این هنگام سیصد مرتبه این ذکر را گفته اید. سپس تشهد خوانده و سلام نماز را می گویند، بعد سر را به سوی آسمان بلند کنید و سعی مرتبه بگویید: «من العبد الذلیل إلى المولى الجلیل»؛ (از سوی بنده ای خوار به سوی مولایی بزرگوار)، و حاجت خود را بگویید که به اذن خدای متعال زود اجابت می شود. (۱)

نگارنده گویند: محدث قمی رحمه الله این نماز را تحت عنوان «نماز استغاثه» در کتاب «الباقیات الصالحات» نقل کرده، ولی آن را به امام زمان ارواحنا فداه نسبت نداده است.

## ۶- نماز توجه

به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

احمد بن ابراهیم گویند: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقه ام را برای دیدن مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه عرض کردم.

به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟ گفتم: آری.

به من گفت: خدا به این اشتیاق پاداش دهد و جمال حضرت را به آسانی و عافیت به تو نشان دهد. اما ای ابا عبد الله؛ التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی شود (۲)، چرا که این اراده

ص: ۱۲۰

(۱-۱). جنات الخلود: ۴۱.

(۲-۲). گفتمی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری رحمه الله داشته اند و اجابت شده است. زهری می گوید: خیلی می خواستم امام زمان ارواحنا فداه را ببینم، حتی در این راه مال زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار از او خواستم امام زمان ارواحنا فداه را به من نشان بدهد. گفت: این کار ممکن نیست؛ به او اصرار کردم تا آن که گفت: فردا صبح بیا. صبح فردا که رفتم شیخ به استقبال آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و خوشبویی همراه او بود و در آستینش چیزی داشت که او را به شکل تجار نشان می داد. چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم، شیخ اشاره کرد که به سوی آن جوان بروم، و من هم به سوی جوان رفتم و از او سئوالاتی پرسیدم که هرچه پرسیدم جواب داد، سپس خواست داخل خانه ای شود که به آن اعتنایی نمی شد. شیخ عمری گفت: اگر می خواهی از او سؤال کنی بپرس که بعد از این او را نخواهی دید.

(الإحتجاج: ۲/۲۹۷). [۱]

خداست و تسلیم در برابر اراده او بهتر است اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجه کن.

اما کیفیت عمل: آنچه به محمد بن علی املا کرده و دیگران از او نسخه برداری کرده اند آن توجه به صاحب الزمان ارواحنا فداه است با خواندن زیارت بعد از دوازده رکعت نماز که به صورت دو رکعتی انجام می دهی و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را در تمام این رکعت ها می خوانی، بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده و می گویی سخن خداوند عز و جل را:

سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمَبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، إِمَامَهُ مِنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ، قَدْ اتَّكَمَ اللَّهُ خَلْفَتَهُ يَا آلِ يَاسِينَ... (۱)

سلام بر آل یاسین، این همان فضل آشکار است از جانب خداوند، و خدا صاحب فضل بزرگ است، پیشوای او کسی است که او را به راه مستقیم خداوند هدایت کند؛ به تحقیق خداوند به شما جانشینی اش را داده است ای آل یاسین.

## ۷- نماز و دعای فرج

برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه علیها السلام» می گوید: ابو حسین کاتب گفت: کاری را از ابی منصور صالحان به عهده گرفتم و چیزی میان من و او پیش آمد کرد که لازم شد مخفی شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می کرد.

مدتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه ای که باد و باران می وزید به قبرستان قریش رفتم. آنجا برای دعا در حجره ای نشستم و از ابن جعفر قیم خواستم که درها را ببندد و کوشش کند تا آن محل خلوت باشد و من برای دعا و نیایش با خدا خلوت کنم، و ایمن باشم از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از دیدارش

ص: ۱۲۱

---

۱- ۱). بحار الأنوار: ۵۳/۱۷۴. و [۱] زیارت را به طور کامل - إن شاء الله - در باب زیارات ذکر خواهیم کرد.

بیمناکم. ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید و آن قدر باد وزید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی توانست بیاید.

من دعا و زیارت و نماز می خواندم تا این که در این بین صدای پایی از کنار قبر مولای مان حضرت موسی بن جعفر علیها السلام به گوشم رسید، در این هنگام مردی را دیدم که زیارت می خواند. در زیارتش به حضرت آدم و پیامبران اولو العزم علیهم السلام و هریک از ائمه علیهم السلام درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن حضرت را یاد نکرد. از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم: شاید فراموش کرد یا نمی داند یا مذهب این مرد این گونه است.

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به طرف قبر مولای مان ابی جعفر امام جواد علیه السلام و مثل همان زیارت و سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد. درحالی که من از او بیمناک بودم چون او را نمی شناختم. و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس های سفیدی بر تن داشت و عمامه ای که دارای تحت الحنک بود و ردایی که بر دوش داشت.

به من گفت: ای اباالحسین پسر ابی العلاء؛ چرا دعای فرج نمی خوانی؟

گفتم: چگونه است ای سرور من؟ فرمود:

دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح، یا من لم یؤاخذ بالجریه و لم یهتک السّتر، یا عظیم المنّ، یا کریم الصّفح، یا مبتدئ التّعمر قبل استحقاقها، یا حسن التّجاوز، یا واسع المغفره، یا باسط الیدین بالرحمه، یا منتهی کلّ نجوی، و یا غایه کلّ ای کسی که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را پوشانید، ای آن که به گناه مؤاخذه نکرده و پرده را ندرد، ای آن که احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او بزرگوارانه است، ای آغازگر نعمت ها قبل از استحقاق آن، ای صاحب گذشت نیکو، و آمرزش فراگیر، ای آن که دستان رحمتش باز است، ای نهایت هر نجوا و راز گویی، و ای پایان هر

شکوی، و یا عون کلّ مستعین، یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها، «یا ربّاه» ده مرتبه، «یا سیداه» ده مرتبه، «یا مولاه» ده مرتبه، «یا غایتاه» ده مرتبه، «یا منتهی رغبتاه» ده مرتبه. أسألک بحقّ هذه الأسماء، و بحقّ محمّد و اله الطّاهرين علیهم السّلام إلاّ ما کشفتم کربی، و نفست همّی، و فزجت عنّی، و أصلحت حالی.

شکوه و شکایت، ای یار هر یاری طلب، ای آغازگر نعمت ها قبل از استحقاق آن، ای پروردگارم؛ ای آقا و سرورم؛ ای مولایم، ای نهایت مقصودم؛ ای نهایت اشتیاقم؛ از تو می خواهم به حقّ این نام ها و به حقّ محمّد و آل پاکش - که بر آنان درود باد - که بلا و سختی را از من برطرف کنی، و اندوهم را بزدایی، و گشایش در کارم دهی، و حالم را اصلاح نمایی.

بعد از آن هر چه می خواهی دعا کن، و حاجتت را بطلب؛ سپس گونه‌ راست صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در آن حال می گویی:

یا محمّد یا علیّ، یا علیّ یا محمّد، إکفیانی فإنکما کافیانی، و انصرانی فإنکما ناصرانی.

ای محمّد ای علی؛ ای علی ای محمّد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما مرا کفایت کننده اید و یاریم کنید که شما مرا یاری کننده اید.

سپس گونه‌ چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می گویی: «أدرکنی» (مرا دریاب) و آن را بسیار تکرار کن. و سپس به اندازه یک نفس می گوئی: «الغوث [الغوث] الغوث» (به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس)؛ بعد سر از زمین بردار که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده می کند إن شاء الله.

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد. بعد از نماز به سراغ ابن جعفر رفتم تا از او درباره آن مرد و چگونگی ورودش بپرسم. دیدم درها بسته و قفل هستند، تعجب کردم و با خود گفتم: شاید او از ابتدای شب این جا بوده و من نمی دانستم. ابن جعفر قتم را صدا زد. ابن جعفر از اطافی که روغن چراغ های حرم در آنجا بود آمد.

از او دربارهٔ این مرد و چگونگی ورودش سؤال کردم. گفت: همان طور که می بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده ام. دوباره جریان را از او جویا شدم، گفت: آن مرد مولای مان امام زمان صلوات الله علیه بود و من بارها ایشان را در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده ام.

با شنیدن این حرف، تأسّف و حسرت فراوان خوردم که چرا ندانستم. نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در آن مخفی شده بودم روانه شوم. آفتاب هنوز بالا نیامده بود که کسانی از سوی ابن صالحان با امان نامه ای از وزیر و نامه ای به خطّ خودش سراغ مرا از دوستانم می گرفتند و به دنبال من می گشتند. با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم، برایم برخاست و مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم.

رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا فداه شکایت مرا نمودی؟ گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، دیشب (شب جمعه) مولایم امام زمان صلوات الله علیه را در خواب دیدم که مرا به نیکی کردن دربارهٔ تو امر فرمود و در این مورد چنان به من تندی نمود که ترسیدم.

پس گفتم: لا إله إلا الله؛ شهادت می دهم که ائمه علیهم السلام بر حقّ اند و حقّ به آنان ختم می شود؛ من دیشب آقا را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند. و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح دادم.

ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد. و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداه آنچه فکر آن را هم نمی کردم، از سوی امیر دربارهٔ من انجام شد. (۱)

علامه شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله در «العبرى الحسان» می گوید: من این دعا را چندین بار تجربه کرده ام و در استجابت و رسیدن به مقصود مؤثر دیدم. سپس سخن آیه الله عراقی در «دار السلام» را نقل کرده است که آن به این شرح است:

آثار عجیبی از این دعا دیده ام و اولین اثر آن را در شهر تهران در سال ۱۲۶۶

ص: ۱۲۴

مشاهده کردم. من در منزل ملک التّجّار، مهمان حاج میرزا باقر امام جمعه بودم. ایشان از وطنش تبعید شده بود و از طرف حاکم اجازه نداشت به تبریز برگردد. من هر چند مهمان او بودم و تهیّۀ خوردنی و آشامیدنی بر من لازم نبود اما به خاطر مخارج دیگر، چون غریب بودم و با اهل آنجا مأنوس نبودم قرض برایم امکان نداشت، و لذا به شدّت در تنگدستی بودم.

یک روز با امام جمعه در صحن خانه نشسته بودیم. من بلند شدم و به اتاق بالا برای استراحت و نماز رفتم. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر کتابی را در اتاق دیدم. آن را برداشتم و دیدم ترجمۀ جلد سیزدهم «بحار الأنوار» است که در احوالات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده است.

چون کتاب را باز کردم این دعا را در باب معجزات حضرت دیدم. با خود گفتم: آن را امتحان می کنم. پس بلند شدم، نماز خواندم و دعا کردم و سجده انجام دادم. سپس پیش شیخ رفتم و در کنارش نشستم که در این هنگام مردی با کاغذی در دست وارد شد و آن را به امام جمعه داد و پارچۀ سفیدی را در پیش او گذاشت.

امام جمعه بعد از خواندن نامه، آن را به همراه پارچه به من داد و گفت: این مال توست. وقتی پارچه را باز کردم دیدم تاجر علی اصغر تبریزی بیست تومان در پارچه گذاشته و در نامه نوشته که به من برسانند. به زمان نوشتن نامه که نگاه کردم دیدم درست همان زمانی است که از دعا فارغ شدم. تعجب کردم و درحالی که خدا را تسبیح می گفتم تبسّمی کردم، امام جمعه علّت را از من پرسید و من داستان را برایش گفتم.

امام جمعه گفت: سبحان الله! من هم این کار را به خاطر برطرف شدن مشکلم انجام می دهم.

به او گفتم: بلند شو و شتاب کن.

به اتاق رفت و پس از خواندن نماز ظهر و عصرش همان کارهایی را که من انجام داده بودم بجا آورد و زمانی نگذشت که حاکمی که او را به تهران احضار کرده بود برکنار شد و شاه از او معذرت خواهی کرد و او را با احترام به تبریز برگردانید و از آن



پس، این کار ذخیره ای برایم در گرفتاری ها بود و آثار عجیبی از آن مشاهده کردم.

سالی نیز در نجف، بیماری وبا زیاد شده بود و بسیاری بر اثر آن جان خود را از دست دادند و مردم مضطرب و پریشان خاطر گشته بودند. چون این گونه دیدم از شهر بیرون رفته و این کار را انجام دادم و از خدا خواستم وبا را برطرف کند. سپس وارد شهر شدم و به کسی نگفتم چه کاری انجام داده ام. ولی به نزدیکانم خبر برطرف شدن وبا را دادم.

به من گفتند: از کجا می گویی؟ گفتم: مستند خود را در این گفتار به شما نمی گویم. گفتند: فلانی و فلانی دیشب به وبا مبتلا شدند. گفتم: این طور نیست به طور حتم، قبل از دیشب مبتلا شده بودند. و بعد از تحقیق درستی گفتارم ثابت شد.

چندین بار دوستانم گرفتار سختی ها شدند و من این کار را به آنان یاد دادم و به سرعت مشکلاتشان رفع شد.

روزی در خانه یکی از دوستان بودم، از گرفتاری و سختی حال او اطلاع پیدا کردم و این کار را به او یاد دادم و به خانه ام باز گشتم. بعد از زمان کوتاهی صدای کوبیدن درب را شنیدم و همان مرد به خانه من آمد و گفت: از برکت دعای فرج، مشکلم رفع شد و مالی بدست آوردم؛ چه مقدار نیاز داری تا به تو بدهم؟

گفتم: من به برکت این دعا هیچ گونه احتیاجی ندارم ولی برایم ماجرایت را بگو.

گفت: جریان این بود که بعد از رفتن تو از خانه ام به حرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشرف شده و این کار را انجام دادم وقتی از حرم شریف بیرون آمدم مردی را ملاقات کردم و او به اندازه نیازم به من بخشید.

خلاصه این که من اثر این کار را خیلی زود دیدم. اما فقط به کسی که در تنگنا و نیاز شدید باشد این دعا را یاد می دهم و خودم انجام نمی دهم مگر این که در چنین حالی باشم؛ چون نامگذاری این دعا به دعای فرج توسط امام زمان صلوات الله علیه این مطلب را می رساند که در زمان شدت گرفتاری و در تنگنا اثر می کند. (۱)

ص: ۱۲۶

---

۱-۱). العبقری الحسان: ۱/۱۲۹ [۱] المسک الأذفر و دار السلام عراقی: ۱۹۲ [۲] با اندکی تصرف در عبارات.

## ۸- نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید علیخان رحمه الله در «الکلم الطیب» می گوید: این استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه است، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره بجای آور، آن گاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

سلام الله الكامل التام الشامل العام، و صلواته الدائمه و برکاته القائمه التامه، علی حجه الله و ولیه فی أرضه و بلاده، و خلیفته علی خلقه و عبادہ، و سلاله النبوه، و بقیه العتره و الصیفوه، صاحب الزمان، و مظهر الإیمان، و ملقن أحكام القرآن، و مطهر الأرض، و ناشر العدل فی الطول و العرض، و الحجه القائم المهدی، الإمام المنتظر المرضی، و ابن الأئمه الطاهرين، الوصی بن الأوصیاء المرضیین، الهادی المعصوم بن الأئمه الهداه المعصومین. السلام علیک یا معز المؤمنین المستضعفین، السلام علیک یا مدل الکافرین المتکبرین الظالمین. السلام

سلام کامل و تمام و شامل و عام خداوند، و درودهای همیشگی و برکات پاینده و کامل خدا، بر حجت خدا و ولی او بر روی زمین و شهرهای او، و جانشین او بر آفریدگان او و بندگانش و بر نسل پاک نبوت، و باقی مانده عترت و برگزیدگان، حضرت صاحب الزمان، و آشکارکننده ایمان، و آموزنده و تعلیم گر احکام قرآن، و پاک کننده زمین، و نشردهنده عدل در طول و عرض (جهان)، و حجت قائم مهدی، امام منتظر پسندیده، و فرزند پیشوایان پاک، و وصی که فرزند اوصیاء پسندیده است، راهنمای معصومی که فرزند امامان هدایت گر معصوم است. سلام بر تو ای عزت بخش مؤمنانی که آن ها را ضعیف شمرده و به ناتوانی واداشته اند، سلام بر تو ای خوارکننده کافران متکبر ستمگر؛ سلام

علیک یا مولای یا صاحب الزمان، السّلام علیک یا بن رسول الله، السّلام علیک یا بن امیر المؤمنین، السّلام علیک یا بن فاطمه الزّهراء سیّده نساء العالمین، السّلام علیک یا بن الأئمّه الحجج المعصومین و الإمام علی الخلق أجمعین، السّلام علیک یا مولای سلام مخلص لک فی الولاية. أشهد أنّک الإمام المهدیّ قولاً و فعلاً، و أنت الّذی تملأ الأرض قسطاً و عدلاً، بعد ما ملئت جوراً و ظلماً، فعجّل الله فرجک، و سهّل مخرجک، و قرب زمانک، و کثر أنصارک و أعوانک، و أنجز لک ما وعدک، فهو أصدق القائلین وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۱). یا مولای یا صاحب الزّمان، یا بن رسول الله، حاجتی کذا و کذا، و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را ذکر نماید، فاشفع لی فی نجاحها، فقد توجّهت

بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا؛ سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان؛ سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان؛ سلام بر تو ای فرزند امامان که حجّت های معصوم بودند و ای رهبر و پیشوای تمام خلایق؛ سلام بر تو ای مولای من؛ سلام کسی که در ولایت برای تو اخلاص دارد (تنها ولایت و محبّت تو را دارد). شهادت می دهم که همانا تو پیشوای هدایت شده و هدایتگری از جهت گفتار و کردار؛ و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر خواهی کرد بعد از آن که از جور و ستم پر شده باشد؛ پس خدا در ظهورت تعجیل کند، و خروجت را آسان و زمان ظهورت را نزدیک نماید، و یاران و یاوران تو را زیاد گرداند، و به آنچه به تو وعده داده است وفا کند، که او راستگوترین سخنگویان است (آنجا که می فرماید): «می خواهیم بر اهل ایمانی که در زمین ضعیف شمرده شده اند منت گذاشته و ایشان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم». ای مولای من ای صاحب الزمان، ای فرزند رسول خدا؛ حاجتم چنین و چنان است؛

تو در مورد برآورده شدن آن برای من (در پیشگاه خدا) شفاعت کن، که من

ص: ۱۲۸

إليك بحاجتي، لعلمي أنّ لك عند الله شفاعه مقبوله، و مقاما محمودا، فبحق من اختصّكم بأمره، و ارتضاكم لسره، و بالشأن الذي لكم عند الله بينكم و بينه، سل الله تعالى في نجح طلبتي، و إجابة دعوتي، و كشف كربتي.

به شما برای رفع حاجتم روی آورده ام؛ چون می دانم که شفاعت تو در پیشگاه خدا پذیرفته شده و برای شما مقام ستوده است؛ پس به حقّ آن کسی که شما را به امر خودش اختصاص داد و برای اسرار خود برگزید، و به آن شأن و مقامی که نزد خدا برای شما است و ارتباطی که میان شما و اوست از خدا بخواهید که خواسته هایم را برآورده ساخته و دعایم را مستجاب گرداند، و اندوهم را برطرف سازد.

و هرچه دوست داری دعا کن و بخواه که إن شاء الله برآورده می شود. (۱)

علامه شیخ محمود عراقی در کتاب «دار السلام» - که در آن جریان کسانی ذکر شده است که به ملاقات و عرض سلام خدمت امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شده اند - می فرماید: این عمل را خودم تجربه کرده و آثار عجیبی از آن مشاهده کرده ام، بعضی از علما از یاد دادن آن به ناهلان خودداری می کردند و از کارهایی بود که در گرفتاری های بزرگ آن را تجربه کرده بودند. (۲)

ایشان در «دار السلام» می فرماید: به نظر می رسد سوره «فتح» و «نصر» برای بعد از سوره «حمد» تعیین شده و فاضل معاصر آن را معین فرموده است؛ و بعید نیست که انجام این عمل در نیمه شب معین شده باشد؛ چون راوی در آن وقت مأمور به انجام شده بود و اطلاقی در کلام نیست تا غیر آن وقت را هم شامل شود، لذا قدر متیقن و آن وقت حتمی و یقینی همان نیمه شب است.

فاضل معاصر از قول کفعمی رحمه الله قبل از نماز و زیارت علاوه بر تعیین این دو سوره، غسل را نیز افزوده است، هرچند در کتاب «مصباح الزائر» سوره معین نشده است.

بنابراین، آنچه از فرمایشات این بزرگواران ظاهر می شود این است که تعیین سوره ها و تعیین وقت گرچه اقوی نیست ولی به احتیاط نزدیک تر می باشد و انجام دادن غسل شرط نشده گرچه آن هم مطابق با احتیاط است. (۳)

ص: ۱۲۹

۱- ۱) . مفاتیح الجنان: ۲۴۳، [۱] به نقل از الکلم الطیب: ۸۳. [۲]

۲- ۲) . التحفه الرضویّه: ۱۳۴.

۳- ۳) . دار السلام عراقی: ۱۹۷. [۳]

## ۹- نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید جلیل القدر علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: ابو محمّد صیمری گفته است: ابو عبد الله احمد بن عبد الله بجلی با سندی که آن را به ائمه علیهم السلام رسانده، گفته است:

... اگر کسی بتواند علاوه بر نمازهای پنجگانه و نوافل، نماز دیگری بخواند (هر چند هر روز دو رکعت باشد) و آن را به یکی از ائمه علیهم السلام هدیه کند. شروع این نماز در رکعت اول مانند شروع نماز واجب با هفت، یا سه و یا یک تکبیر است و بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت سه بار بگوید: «صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»؛ (درود خداوند بر محمّد و آل پاک و پاکیزه او باد)، و چون تشهد خواند و سلام داد (بعد از نمازی که به امام زمان ارواحنا فداه هدیه می کند) بگوید:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمَنْكَ السَّلَامُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَبْلَغْهُمْ مَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَوَلِيِّكَ سَبَطِ نَبِيِّكَ فِي أَرْضِكَ وَحِجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

بار خداوندا؛ تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست؛ ای صاحب بزرگی و احترام؛ درود فرست بر محمّد و آل محمّد که پاکان و پاکیزگان و نیکوکارانند، و بهترین سلام و تحیت از طرف من به ایشان برسان. خدایا؛ همانا این دو رکعت هدیه ای است از من برای بنده ات و فرزند بنده ات و ولی تو و فرزند ولی تو، نوه پیامبر و فرستاده ات در روی زمین تو و حجت بر مخلوقات تو؛ ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان.

ص: ۱۳۰

## ۱۰- اهداء نماز به امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه

در روز پنج شنبه

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «مصباح کبیر» خود می گوید: روایت شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین علیهم السلام به این طریق باید عمل کرد:

روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا علیهما السلام.

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیر المؤمنین علیه السلام و هر روز چهار رکعت هدیه برای یکی از ائمه علیهم السلام تا روز پنج شنبه که چهار رکعت به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می کند.

سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم علیه السلام و همین کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان ارواحنا فداه هدیه کرده و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَ مِنْكَ السَّلَامُ، وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى الْحَجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ (۱)، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَلِّغْهُ إِتْيَاهَا، وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ، وَ فِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ

بار خداوندا؛ تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست، و به سوی تو باز می گردد.

پروردگارا؛ سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن. خداوندا؛ این چند رکعت نماز، هدیه ای است از من به حجت بن الحسن، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و این هدیه را به او برسان و به من فزون تر از آرزو و امیدی که در مورد تو و رسالت-که رحمت و درود تو

ص: ۱۳۱

۱-۱). نام امامی را که نماز را به او هدیه می کنی بگو.

علیه و اله [و فیه]. و هرچه دوست داری طلب کن و دعا کن. (۱)

بر او و آل او باد- [و در مورد حاجت] دارم، عطا فرما.

## ۱۱- نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه

در شب های پنج شنبه و جمعه

در کتاب «التحفة الرضویة» آمده است: عالم جلیل القدر سید حسین همدانی نجفی رحمه الله به من فرمود:

هرکس حاجتی دارد، شب پنج شنبه و جمعه در زیر آسمان با سر و پای برهنه دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و ۵۹۵ مرتبه بگوید: «یا حَجه القائم».

سپس به سجده رفته و در سجده هفتاد مرتبه بگوید: «یا صاحب الزمان أغثنی»؛ (یا صاحب الزمان به فریادم برس)، و آن گاه حاجتش را بخواند.

این نماز در مورد حاجت های مهم تجربه شده و اگر در هفته اول حاجتش برآورده نشد هفته بعد آن را بخواند و اگر باز هم برآورده نشد در هفته سوم نماز را بخواند که به طور حتم حاجتش برآورده خواهد شد.

سید محمّد علی جوهری حایری به من فرمودند: برای حاجتی این نماز را خواندم و در همان شب در عالم خواب حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و حاجت خود را به ایشان عرضه کردم و خداوند به برکت آن حضرت، حاجتم را برآورده ساخت.

و نیز فرموده اند که: من خود این نماز را تجربه کرده ام. (۲)

ص: ۱۳۲

۱- ۱. جمال الاسبوع: ۳۴، دعوات راوندی: ۱۰۸، مصباح المتهدّج: ۳۲۲. [۱]

۲- ۲. التحفة الرضویة: ۱۳۵.

## ۱۲- نماز استغاثه به نحو دیگر

همین نماز را صدر الإسلام همدانی رحمه الله در کتاب ارزشمندش «تکالیف الأنام فی غیبه الإمام» با کیفیت دیگری آورده است:

ایشان از سید مورد اعتماد، استاد و عالم ربّانی، حکیم صمدانی، فقیه و مجتهد کامل سید محمد هندی نجفی رحمه الله و او از عالم بزرگوار سید حسن قزوینی، و او از سید حسین شوشتری-امام جماعت-با سند خود از سید علیخان-شارح صحیفه سجّادیه-نقل کرده اند:

در شب پنجشنبه یا شب جمعه دو رکعت نماز در زیر آسمان و بر بالای بام با سر برهنه می خوانی و بعد از نماز با سر برهنه «یا حَجه القائم» به تعداد عدد اُجدش یعنی ۵۹۵ مرتبه می گویی که تجربه شده است.

و بدان که عددش «۱۰(ی) + ۱(ا) + ۸(ح) + ۳(ج) + ۴۰۰(ه) + ۱(و) + ۳۰۰(ل) + ۱۰۰(ق) + ۱(ا) + ۱(ئ) + ۴۰(م)» است که مجموع آن ۵۹۵ می شود. ایشان فرموده اند: این عمل را (از غیر اهلش) مخفی بدار، چون از اسرار است و من آن را چند بار تجربه کرده ام. (۱)

## ۱۳- نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در شب جمعه

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: در کتاب «کنوز النجاج» نوشته ابو علی فضل بن حسن طبرسی رضی الله عنه آمده است: احمد بن دربی از خزامه و او از ابی عبد الله حسین بن محمد بزوفری روایت کرده است که از ناحیه مقدسه وارد شده است:

ص: ۱۳۳



هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو رکعت نماز بخواند. در رکعت اول سوره حمد را بخواند تا برسد به آیه **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** و آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند. سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید.

رکعت دوم را نیز به همین صورت بجا آورد سپس دعایی را که ذکر می شود بخواند، که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هر چه باشد برآورده می کند؛ مگر آن که قطع صلۀ رحم را خواسته باشد.

و دعا (چنین است):

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَ إِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحَجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرَّوْحُ وَ مِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَ غَفَرَ. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا، مَنَّا مِنْكَ بِه عَلِيٌّ لَا- مَنَّا مِنِّي بِه عَلِيك، وَ قَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلِيٌّ غَيْرَ وَجْهِ الْمَكَابِرِ، وَ لَا- الْخُرُوجَ عَنِ عِبُودِيَّتِكَ، وَ لَا الْجُحُودَ لِرَبُوبِيَّتِكَ، وَ لَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ، وَ أَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحَجَّةُ عَلِيٌّ وَ الْبَيَانُ، فَإِنْ تَعَذَّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ خَدَاوْنِدَا؛ اِغْرُتُو رَا اِطَاعَتِ كَرْدَمِ حَمْدِ وَ سِيَّاسِ شَايِسْتَهٗ تُوَسْتِ، وَ اِغْرُتُو رَا نَافَرْمَانِي كَرْدَمِ حَجَّتِ وَ دَلِيلِ تُو بَرِ مَنْ تَمَامِ اسْتِ، آسَايشِ وَ رَاحَتِي وَ حَلِّ مَشْكَلاتِ اِز نَاحِيَهٗ تُوَسْتِ، پَاكِ وَ مَنزَهٗ اسْتِ كَسِي كِه نَعْمَتِ دَادِ وَ شَكَرِ كَزَارْدِ، پَاكِ وَ مَنزَهٗ اسْتِ كَسِي كِه قَدْرَتِ دَاشْتِ وَ بَخْشِيدِ. خَدَاوْنِدَا؛ اِغْرُ مَعْصِيَتِ وَ نَافَرْمَانِي تُو رَا كَرْدَمِ؛ بِه رَاسْتِي كِه دَر مَحْبُوبِ تَرِينِ چيزها نَزْدِ تُو كِه اِيْمَانِ بِه تُوَسْتِ، تُو رَا اِطَاعَتِ كَرْدِه ام؛ فَرزَنْدِي بَرَايِ تُو نَگَرَفْتَمِ؛ وَ شَرِيكِي بَرَايْتِ نَخَوَانْدَمِ؛ وَ اِيْنِ هَا مَنَّتِي اِز تُو بَرِ مَنْ اسْتِ نِه مَنَّتِي بَاشَدِ اِز مَنْ بَرِ تُو؛ خَدَايِ مَنْ؛ تُو رَا نَافَرْمَانِي كَرْدَمِ نِه اِز رُويِ گَرْدَنكَشِي وَ نِه بَرَايِ خَارِجِ شَدَنِ اِز مَرْتَبَهٗ بَنْدِگِيِ تُو، وَ نِه بَرَايِ اِنْكَارِ رُبُوبِيَّتِ تُو؛ بَلَكِه اِز هَوَايِ نَفْسَمِ پِيرويِ كَرْدَمِ وَ شَيْطَانِ مَرَا دِچَارِ لَغْزَشِ سَاخْتِ؛ پَسِ حَجَّتِ وَ بَيَانِ تُو بَرِ مَنْ تَمَامِ اسْتِ، پَسِ اِغْرُ عَذَابِمِ كَنِي بِه خَاطِرِ گَنَاهَانِمِ مِي بَاشَدِ وَ تُو

ص: ۱۳۴

ظالم، و إن تغفر لی و ترحمنی، فإِنَّكَ جواد کریم، یا کریم یا کریم، ستمگر نیستی و اگر مرا بیامرزی و ترخم نمایی همانا تو بخشنده بزرگواری، ای بزرگوار ای بزرگوار، (این کلمه را به قدر یک نفس تکرار کند)، سپس بگوید: یا امان من کلّ شیء، و کلّ شیء منك خائف حذر، أسألك بأمنك من کلّ شیء، و خوف کلّ شیء منك، أن تصلی علی محمد و ال محمد، و أن تعطینی أمانا لِنفسی و أهلی و ولدی، و سائر ما أنعمت به علیّ، حتی لا أخاف أحدا، و لا أخطر من شیء أبدا، إِنَّكَ علی کلّ شیء قدير، و حسبنا الله و نعم الوکیل، یا کافی إبراهیم نمرود، یا کافی موسی فرعون، أسألك أن تصلی علی محمد و ال محمد، و أن تکفینی شرّ فلان بن فلان.

ای آن که از هر چیزی ایمن هستی، و همه از تو ترسان و بیمناکند؛ از تو می خواهم به امّیت و امان تو از هر چیز و ترس هر چیز از تو، که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و به من در مورد خودم و خانواده و فرزندانم و دیگر نعمت هایی که به من داده ای امّیت و آسودگی عطا کنی، تا هرگز از کسی نترسم و از چیزی بیمناک نباشم؛ همانا تو بر هر کاری قادر و توانایی. و خداوند، ما را بس است و او خوب و کیلی است. ای کفایت کننده ابراهیم از شرّ نمرود، و ای کفایت کننده موسی از شرّ فرعون، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و مرا از شرّ «فلانی فرزند فلانی» کفایت کنی.

پس به خواست خدا، دعاکننده از شرّ کسی که از او می ترسد در امان خواهد بود. آن گاه سجده کرده و حاجتش را می طلبد و به سوی خدا تضرّع و ناله می کند.

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با خلوص یت دعا کند مگر این که برای او درهای آسمان برای اجابت باز شده و در همان وقت و همان شب هر که باشد دعایش اجابت می شود و این از فضل خداوند بر ما و مردم است. (۱)

ص: ۱۳۵

## ۱۴- نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه

نمازی که ذکر شد در کتاب «نجم الثاقب» از کتاب سید فضل الله راوندی به عنوان نماز مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نقل شده و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام ذکر شده است. دعای دیگری بعد از نماز گفته نشده و زمان خاصی برای آن معین نشده است. (۱)

## ۱۵- نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

ابو العتّاس احمد بن علی بن نوح رحمه الله می گوید: ابو احمد محسن بن عبد الحکم سجری به من فرمود و من از اصل کتابش نوشتم که در کتاب ابی نصر جعفر بن محمد بن حسن بن هیشم نوشته شده که این نماز از ابو القاسم حسین بن روح قدس سرّه نقل شده است:

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب، دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره «حمد» را با هر سوره ای که توانست می خواند و بعد از هر دو رکعت سلام می دهد و این دعا را می خواند:

الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا، و لم يكن له شريك في الملك، و لم يكن له ولي من الدّل و كبره تكبيرا، يا عدّتي في مدّتي، و يا صاحبي في شدّتي، و يا وليّي في نعمتي، يا غياثي في ستايش خدائي را که فرزندی نگرفته و شریکی در ملک و سلطنت ندارد، و برایش سرپرست و یاورى از جهت خواری و ذلت نمی باشد، و او را به عظمت و بزرگی یاد کن. ای سازوبرگ من در مدّت زندگی، و ای همدم من در سختی و گرفتاریم، و ای سرپرست من در نعمتم، ای فریادرس من در هر

ص: ۱۳۶

رغبتي، يا مجيبى فى حاجتى، يا حافظى فى غيبتى، يا كالى فى وحدتى، يا انسى فى وحشتى. أنت السّاتر عورتى، فلك الحمد، و أنت المقيل عثرتى، فلك الحمد، و أنت المنفس صرعتى، فلك الحمد، صلّ على محمّد و آل محمّد، و استر عورتى، و امن روعتى، و أقلنى عثرتى، و اصفح عن جرمى، و تجاوز عن سيئاتى فى أصحاب الجنّه وعد الصّدق الذى كانوا يوعدون.

نیازم، ای اجابت گر من در درخواست من، ای حافظ من در غیاب من، ای نگهدار من در تنهایی من، ای مونس من در وحشت من. تنها تو پوشاننده زشتی های من هستی؛ پس ستایش تو راست و تو از لغزش هایم درمی گذری؛ پس حمد، تنها سزاوار توست، و تنها تو برطرف کننده زمین افتادیم هستی. پس حمد تنها سزاوار توست، بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و عیوب مرا بپوشان، و مرا از ترس ایمنی بخش، و از لغزشم درگذر، و از جرمم چشم پوشی کن، و از گناهانم درگذر و در میان اهل بهشت که وعده صدق به آنان دادند (مرا داخل گردان).

وقتی از نماز فارغ شدی و دعا را تمام کردی، هر کدام از سوره های «حمد»، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و «آیه الکرسی» را هفت مرتبه می خوانی، سپس هفت مرتبه می گویی:

لا إله إلاّ الله، و الله أكبر، و سبحان الله، و لا حول و لا قوه إلاّ بالله.

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر و منزّه است و جنبشی و نیرویی نیست مگر به سبب خدا.

و هفت بار نیز می گویی: الله الله ربّي، لا اشرک به شیئا.

خدا، خدا پروردگار من است، به او چیزی را شریک نسازم.

و بعد در مورد هرچه دوست داری دعا می کنی. (۱)

ص: ۱۳۷

ابو یحییٰ صنعانی و سی نفر از افراد مورد اعتماد، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده اند که آن دو بزرگوار فرمودند:

هر گاه شب نیمه شعبان شد چهار رکعت نماز، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» صد مرتبه می خوانی، و چون نماز تمام شد، می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا تَبَدِّلْ اسْمِي، وَلَا تَغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تَجْهَدْ بِلَائِي، وَلَا تَشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلِّ ثَنَاؤُكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. (۱)

خداوندا! من فقیر و محتاجم و از عذابت ترسان و به تو پناهنده ام. خداوندا! نامم را (با نام دیگری) عوض مکن، و بدنم را دگرگون مساز، و بلایم را سخت مگردان، و دشمنانم را سرزنش کننده من قرار مده. از کيفرت به بخششت پناه می برم، و از عذابت به رحمت پناه می برم و از خشم تو به خشنودیت پناه می برم و از تو به خودت پناه می برم، ستایش تو والاست؛ تو، آن چنانی که خودت خود را ستوده ای و برتر از گفتار گویندگانی.

ص: ۱۳۸

ابو یحیی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که از امام باقر علیه السّلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، حضرت فرمودند:

شب نیمه شعبان بعد از شب قدر، برترین و بافضیلت ترین شب ها است. در این شب خدا فضل و رحمتش را شامل حال بندگانش می گرداند و ایشان را به بزرگواری خود می بخشد. در این شب سعی کنید به خدا تقرب جوید.

زیرا شبی است که خداوند بر خود لازم کرده و قسم یاد نموده که هیچ درخواست کننده ای را رد نکند مگر این که درخواست معصیت و حرامی بکند. و شبی است که خدا در عوض شب قدر که برای پیغمبرمان صلّی الله علیه و اله و سلّم قرار داد، آن را برای ما اهل بیت قرار داده است.

پس در دعا و ستایش خدا تلاش کنید؛ زیرا هرکس در این شب صد مرتبه خدا را تسبیح نموده یعنی «سبحان الله» بگوید و صد مرتبه او را ستایش نموده یعنی «الحمد لله» بگوید و صد مرتبه او را به بزرگی یاد کرده یعنی «الله اکبر» بگوید، خداوند گناهان گذشته اش را می بخشد و از حاجات دنیا و آخرت آنچه را بخواهد، و آنچه نیازمند آن باشد-هرچند آن را نخواهد- خداوند به خاطر بزرگواری و رحمتش بر بندگان، آن ها را برآورده می سازد.

ابو یحیی می گوید: به سرورم امام صادق علیه السّلام عرض کردم: بهترین دعا در این شب چیست؟ حضرت فرمودند:

هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی دو رکعت نماز بخوان. در رکعت اوّل بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره «جحد» یعنی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، و در رکعت دوّم بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره «توحید» را بخوان. وقتی سلام دادی سی و سه مرتبه: «سبحان الله»، و سی و سه مرتبه: «الحمد لله»، و سی و چهار مرتبه: «الله أكبر» بگو، و سپس این دعا را بخوان:

یا من إلیه ملجأ العباد فی المهیمات، و إلیه یفزع الخلق فی الملمیات، یا عالم الجهر و الخفیّات، و یا من لا تخفی علیه خواطر الأوهام و تصرّف الخطرات، یا ربّ الخلائق و البریات، یا من بیده ملکوت الأرضین و السّماوات، أنت الله لا إله إلا أنت، أمّت إلیک بلا إله إلا أنت، فبلا إله إلا أنت، اجعلنی فی هذه اللیلة ممّن نظرت إلیه فرحمته، و سمعت دعاءه فأجبتّه، و علمت استقالته فأقلته، و تجاوزت عن سالف خطیئته، و عظیم جریرته، فقد استجرت بک من ذنوبی، و لجأت إلیک فی ستر عیوبی. اللهمّ فجد علی بکرمک و فضلک، و احطط خطایای بحلمک و عفوک، و تغمّدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتک، و اجعلنی فیها من أولیائک الذین اجتبتهم لطاعتک، و اخترتهم لعبادتک، و جعلتهم خالصتک و صفوتک. اللهمّ اجعلنی ممّن

ای کسی که پناهگاه بندگان در سختی ها و مشکلات به سوی او است، و مخلوقات در بلا و مصیبت به او پناه می برند؛ ای دانای هرچه آشکار و پنهان است، ای کسی که خطور فکر و اندیشه ها و رفت و آمد خیالات و خاطرات بر او پنهان نیست؛ ای پروردگار خلاق و آفریدگان؛ ای کسی که ملکوت زمین ها و آسمان ها به دست قدرت اوست؛ تو آن خدایی هستی که جز تو خدایی نیست؛ من به وسیله «لا إله إلا الله» تو را قصد می کنم و به تو روی می آورم، پس به خاطر این که اعتقاد دارم جز تو خدایی نیست، در این شب مرا از کسانی قرار بده که نظر لطف به او کرده پس به حالش ترحم فرموده ای و دعایش را شنیده پس آن را اجابت کرده ای، و درخواست گذشت او را دانسته پس از او درگذشتی، و از خطاهای گذشته و گناهان بزرگ او گذشت کردی. پس من از گناهانم به تو پناه آورده ام و برای پوشاندن زشتی هایم به تو پناهنده گشتم.

ای خدا؛ تو به فضل و کرمت بر من بخشش و احسان فرما و با بردباری و عفوت گناهانم را بریز و مرا در این شب با کرامت و بزرگواری فراوانت غرق احسانت نما. و مرا در این شب از دوستانت قرار بده که آن ها را برای فرمان برداری از خودت برگزیدی، و برای عبادت انتخاب فرمودی و از خاصان و خالصان خود قرار دادی. خداوندا؛ مرا از آنان قرار بده که

سعد جده، و توفّر من الخيرات حظّه، و اجعلني ممّن سلم فنعمة و فاز فغنم، و اكفني شرّ ما أسلفت، و اعصمني من الإزدياد في معصيتك، و حبّ إليّ طاعتك و ما يقربني منك و يزلفني عندك. سيّدى إليك يلجأ الهارب، و منك يلمس الطالب، و على كرمك يعوّل المستقيل الثّائب، أدبت بالتكّرم و أنت أكرم الأ-كرمين، و أمرت بالعفو عبادك و أنت الغفور الرّحيم. أللّهمّ فلا تحرمني ما رجوت من كرمك، و لا تؤيسني من ساغ نعمك، و لا تخيبي من جزيل قسمك في هذه اللّيلة لأهل طاعتك، و اجعلني في جنّه من شرار بريّتك. ربّ، إن لم أكن من أهل ذلك فأنت أهل الكرم و العفو و المغفرة، و جد عليّ بما أنت أهله لا بما أستحقّه فقد حسن ظنيّ بك، و تحقّق رجائي لك، و علقت نفسي بكرمك، فأنت أرحم الرّاحمين و أكرم الأكرمين.

از کوشش خود به سعادت رسیدند و از خیرات و خوبی ها بهره کامل بردند؛ و از آنان که در زندگی سالم ماندند پس متنعّم گردیدند و پیروز گشتند پس غنیمت یافتند؛ و مرا از شرّ کارهای گذشته ام کفایت فرما و از این که در آینده بر نافرمانی تو بیفزایم حفظ فرما، و فرمان برداری از خودت را و آن چه را باعث نزدیک شدن به حضرت توست و به من نزد تو منزلت می دهد محبوب من گردان. ای آقای من؛ گریختگان به سوی تو پناهنده می شوند و جویندگان به درگاه تو التماس می کنند، و آنان که طلب گذشت می کنند و توبه کار شدند اعتمادشان بر کرم توست؛ تو بندگان را با رفتار بزرگوانه ات درحالی که بزرگوارترین کریمان هستی، ادب کردی؛ و به بندگان دستور بخشش دادی درحالی که خودت بخشنده و مهربانی. ای خدا؛ مرا از امیدی که به بزرگواری ات دارم محروم مکن، و از نعمت فراگیر و فراوانت ناامید مگردان، و از قسمت های بزرگت برای فرمان بردارانت در این شب مرا هم ناکام مساز، و مرا از آفریدگان شرور و بدرفتارت در حفظ خود بدار. بارپروردگارا؛ اگر من قابل آنچه درخواست کردم نیستم، لیکن تو اهل بزرگواری و بخشش و آمرزشی؛ بر من به آنچه سزاوار مقام توست کرامت فرما نه آنچه شایسته من است؛ چون به تو خوش گمان بوده و امیدم به سوی توست، و جانم به کرامت بسته است؛ چون عقیده دارم که تو مهربان ترین مهربانان و بزرگوارترین بزرگواران هستی.



اللَّهُمَّ و اخصصني من كرمك بجزيل قسمك، و أعوذ بعفوك من عقوبتك، و اغفر لي الذنب الذي يحبس عليّ الخلق، و يضيق عليّ الرزق حتى أقوم بصالح رضاك، و أنعم بجزيل عطائك، و أسعد بسابغ نعمائك، فقد لذت بحرمك، و تعرّضت لكرمك، و استعذت بعفوك من عقوبتك، و بحلمك من غضبك، فجد بما سألتك، و أنل ما التمت منك، أسألك لا بشيء هو أعظم منك.

بارالها؛ مرا از راه بزرگواری ات به قسمت های بزرگ خویش مخصوص گردان، من از کيفرت به بخشش تو پناه می برم. آن دسته از گناهان مرا ببخش که خوی و سرشت را بر من محبوس و روزی را بر من تنگ می سازد، تا به خشنودی نیکوی تو پردازم و با بخشش بزرگت بهره مند شوم و به نعمت های فراوانت نیک بخت گردم؛ زیرا، من به حریم قدس تو پناه آورده و خود را در معرض بزرگواری ات درآورده ام؛ و از کيفر و مجازاتت به بخشش و از خشمت به بردباری ات پناه جسته ام؛ پس مرا آن چه خواستم عطا فرما و به آن چه از تو التماس نموده ام برسان، من از تو چیزی را می خواهم که از تو بزرگ تر نیست.

سپس به سجده می روی و بیست مرتبه: «یا ربّ»، هفت مرتبه: «یا الله»، هفت مرتبه: «لا حول و لا قوه إلا بالله»، و ده مرتبه: «ما شاء الله»، و ده مرتبه:

«لا قوه إلا بالله» گفته و بر پیامبر و آل پیامبر علیهم السلام صلوات می فرستی و از خدا حاجت را می طلبی.

به خدا سوگند؛ اگر به تعداد قطرات باران از خدا حاجت بطلبی، از بزرگواری و فضلش تو را به حاجات می رساند. [\(۱\)](#)

\*\*\* مؤلف می گوید: چهار رکعت نماز وارد شده که در ظهر روز عاشورا خوانده می شود و بعد از نماز، دعایی قرائت می شود که به مناسبت دعاهاى هر ماه آن را در بخش ادعیه ماه ها ص ۲۷۱ بیان می کنیم. و نیز در بخش یازدهم، نمازی را برای وسعت رزق، از جناب محمد بن عثمان قدس سرّه نقل می کنیم.

ص: ۱۴۲

بخش دوم: دعا‌های قنوت

اشاره

ص: ۱۴۳



## ۱- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در قنوت نمازها

شهید اول قدس سرّه در کتاب «ذکری» می گوید: ابن ابی عقیل، این دعا را که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است:

اللّهُمَّ إِلَيْكَ شَخْصَتِ الْأَبْصَارُ، وَ نَقَلَتِ الْأَقْدَامُ، وَ رَفَعَتِ الْأَيْدِي، وَ مَدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَ أَنْتَ دَعَيْتَ بِالْأَلْسِنِ، وَ إِلَيْكَ سَرَّهْمُ وَ نَجَوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَهُ نَبِيِّنَا وَ قَلَّةَ عِدَدِنَا، وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَ تَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ

بارالها؛ چشم ها، به تو دوخته شده است، گام ها به سوی تو برداشته شده، دست ها به سوی تو بالا آمده، گردن ها به سوی تو کشیده شده است. تویی که با زبان ها، فراخوانده می شوی؛ و کارهای پنهانی و رازهای (مردم) به طرف توست؛ پروردگارا؛ بین ما و قوم ما به حق حکم کن، که تو بهترین حکم کننده و قضاوت کننده هستی. بارالها؛ از عدم حضور پیامبران، کمی نفرات مان، فراوانی دشمنانمان، پشتیبانی دشمنانمان از یکدیگر علیه ما و وجود فتنه های فراوان برای ما؛ به تو شکایت می کنیم. بارالها؛ با عدالتی که آشکارش می کنی، و

ص: ۱۴۵

بعدل تظهره، و إمام حقّ تعرّفه، إله الحقّ امين ربّ العالمين.

امام و پیشوای راستینی که به همگان معرّفی می کنی، این گرفتاری ها را برطرف کن و گشایشی فرما؛ ای معبود به حقّ، اجابت کن؛ ای پروردگار جهانیان.

وی می افزاید: روایتی به من رسیده است که امام صادق علیه السّلام همواره به شیعیان خود دستور می فرمودند پس از کلمات فرج، در قنوت این دعا را بخوانند. (۱)

## ۲- قنوت حضرت امام سجّاد علیه السّلام

برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان

این قنوت را سوّمین نایب امام زمان ارواحنا فداه، جناب حسین بن روح نوبختی، از نایب دوّم یعنی جناب محمّد بن عثمان رضوان الله علیهما نقل فرموده است:

اللّهمّ إنّ جبله البشريّه، و طباع الإنسانيّه، و ما جرت عليه تركيبات النفسيه، و انعقدت به عقود النسييه [النسييه، خ]، تعجز عن حمل واردات الأقضية إلّا ما وقّفت له أهل الإصطفاء، و أعنت عليه ذوى الإجتباء. اللّهمّ و إنّ القلوب فى قبضتك، و المشيّه لك فى ملكتك، و قد تعلم أى ربّ ما الرّغبه إليك فى كشفه واقعه لأوقاتها بقدرتك، واقفه بحدّك من

بارخدایا؛ به راستی که سرشت بشری، و طبیعت آدمی، و آن چه از ترکیبات روانی بر آن عارض گشته، و امور وراثتی که آغاز خلقت بر آن بسته شده؛ نمی توانند احکام قضا و قدرت را تحمّل کنند؛ مگر در مواردی برگزیدگان را موفق ساخته و نخبگان را بر آن یاری نمودی. بارالها؛ به خوبی آگاهم که قلب ها در اختیار توست و تصمیم گیری در دائره فرمان روایی ات برای تو می باشد. و خودت خوب می دانی-ای پروردگار من- که آنچه را که مشتاق برطرف شدنش هستم، در زمان مقرّر و با قدرت و توان خودت به وقوع می پیوندد، و همان جایی که

ص: ۱۴۶

إرادتك، وإني لأعلم أنّ لك دار جزاء من الخير والشرّ مثوبه و عقوبه، و أنّ لك يوماً تأخذ فيه بالحقّ، و أنّ أناتك أشبه الأشياء بكرمك، و أليقها بما وصفت به نفسك في عطفك و تراءفك، و أنت بالمرصاد لكلّ ظالم في وخيم عقابه و سوء مثواه. اللهمّ و إنّك قد أوسعت خلقك رحمه و حلماً، و قد بدّلت أحكامك، و غيرت سنن نبيّك، و تمرد الظالمون على خلصائك، و استباحوا حريمك، و ركبوا مراكب الإستمرار على الجراه عليك. اللهمّ فبادرهم بقواصف سخطك، و عواصف تنكيلاتك، و اجتثات غضبك، و طهر البلاد منهم، و اعف عنها اثارهم، و احطط من قاعاتها و مظانها منارهم، و اصطلمهم ببوارك حتّى لا تبق منهم دعامة لناجم، و لا علماً لامّ، و لا مناصاً لقاصد، و لا رائداً لمرتاب. اللهمّ امح اثارهم، و اطمس على أموالهم

خواست و اراده تو تعیین کرده، متوقف گشته و من به خوبی می دانم که تو سزایی برای پاداش خوبی ها و کیفر بدی ها داری؛ و روزی را برپا می کنی که در آن، به حقّ مؤاخذه می کنی. و این که مهلت دادن تو، شبیه ترین چیزها به کرامت و بزرگواریت، و شایسته ترین آن ها به چیزی است که خود را به آن توصیف فرموده ای و آن لطف و مهربانی تو است؛ و تو در کمینگاه هستی برای هر ستمگری که او را به پایان و سرنوشتی بسیار ناهنجار و جایگاهی بد دچار کنی. بارالها؛ تو، رحمت و بردباریت را برای همه مخلوقات فراگیر نمودی؛ با این که دستورات تو عوض شده، و سنّت های پیامبرت تغییر داده شده، و ستمکاران، نسبت به سفارشات در مورد برگزیدگان خالصت، سرپیچی کرده اند، و حریم تو را شکستند، و به طور دایم و پیوسته بر تو با مرکب جرأت و پرویی تاختند. خدایا؛ هرچه سریع تر آن ها را با صداهای سخت خشمت، و طوفان های عقوبت و تنبیه شدیدت، و غضب ریشه کن کننده ات گرفتار کن، و سرزمین ها را از آن ها پاکسازی کن، و آثار بجای مانده ایشان را از آن محو کن، و فرو بریز از دشت ها و راه ها، نشانه های ایشان را، و آن ها را به هلاکت و نابودی ریشه کن ساز تا باقی نماند تکیه گاهی از آنان برای جستجوکننده و پرچمی برای روی آورنده و گریزی برای قصدکننده و پیشرو و راهنمایی برای آنهایی که از دنبال می آیند. بارالها؛ نشانه های شان را محو و نابود ساز، و دارایی ها

و دیارهم، و امحق أعقابهم، و افکک أصلابهم، و عجل إلى عذابك السيدم انقلابهم، و أقم للحق مناصبه، و اقدح للرشاد زاده، و أثر للثار مثيره، و أيد بالعون مرتاده، و وفر من النصر زاده، حتى يعود الحق بجدته، و تنير معالم مقاصده، و يسلكه أهله بالأمنه حق سلوکه، إنک علی کل شیء قدير. (۱)

و سرزمین شان را ناپدید گردان، و نسل شان را هلاک گردان، و کمر مردان شان را سست و گسسته ساز، و بازگشت ایشان را به سرعت به طرف عذاب همیشگی ات بگردان. منصب های حق را برپا کن، و شعله های هدایت و کمال را فروزان ساز و برای انتقام و خونخواهی منتقم را برانگیز، و کمک جویان را یاری برسان، و پیروزی های پی در پی را توشه اش ساز؛ تا حق دوباره به تازگی و شادابی اش بازگردد، و نشانه ها و چراغ های اهدافش روشن گردد، و حق جویان با آرامش و به طوری که شایسته است راه حق را بیمایند؛ به راستی که تو بر هر کاری توانایی.

### ۳- قنوت حضرت امام باقر علیه السلام

این قنوت را مرحوم سید بن طاووس در «مہج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند:

یا من یعلم هواجس السرائر، و مکامن الضمائر، و حقائق الخواطر، یا من هو لکل غیب حاضر، و لکل منسی ذاکر، و علی کل شیء قادر، و إلى الکل ناظر، بعد المهل، و قرب الأجل، و ضعف العمل، و أراب الأمل، و ان المنتقل. و أنت یا الله

ای کسی که نسبت به خطورات نهان، و آن چه در اندرون و باطن ها مخفی شده است، و حقیقت و واقعیت آن چه در خاطر افراد است؛ آگاه هستی. ای کسی که برای هر پنهانی، حضور داری؛ هر فراموش شده ای را به یاد داری؛ بر هر چیزی توانایی و بر همه نظارت و سرپرستی می کنی؛ زمان پیشی جویی در خیر و نیکی دور گشت، و مرگ نزدیک گردید، و عمل ها ضعیف و ناتوان شده اند، و آرزوها به ناامیدی کشیده شده اند، و زمان انتقال به جهان دیگر فرارسید. تو، ای

ص: ۱۴۸

(۱- ۱). مهج الدعوات: ۶۹، [۱] البلد الامین: ۶۵۰ با اندکی تفاوت.

الآخر كما أنت الأول، مبيد ما أنشأت، و مصيرهم إلى البلى، و مقلدهم أعمالهم، و محملها ظهورهم إلى وقت نشورهم من بعثه قبورهم عند نفخه الصور، و انشقاق السماء بالنور، و الخروج بالمنشر إلى ساحه المحشر، لا ترتد إليهم أبصارهم و أفئدتهم هواء. متراطمين في غمه ممّا أسلفوا، و مطالبين بما احتقبوا، و محاسبين هناك على ما ارتكبوا، الصّ حائف في الأعناق منشوره، و الأوزار على الظهور مأزوره، لا انفكاك و لا مناص و لا محيص عن القصاص قد أفحمتهم الحجّه، و حلّوا في حيره المحجّه و همس الضّجّه، معدول بهم عن المحجّه إلّا من سبقت له من الله الحسنی، فنجا من هول المشهد و عظیم المورد، و لم يكن ممّن في الدنيا تمرّد، و لا على أولياء الله تعنّد، و لهم استبعد، و عنهم بحقوقهم تفرّد.

خدا؛ همان گونه که آغاز هستی، پایان نیز تو هستی؛ هرچه را که ایجاد کرده ای خودت نیز نابود می سازی، و به فرسوده شدن و پوسیدن می کشانی، و اعمال و رفتارشان را هم چون قلاده ای بر گردن شان می آویزی، و بر پشت شان بار می کنی؛ تا آن گاه که با دمیدن در صور اسرافیل از قبرها برانگیخته و پراکنده شوند؛ همان زمان که آسمان، به سبب نور روشنی شکافته می شود، و پس از اعلام گردهم آیی از قبر به میدان محشر می آیند؛ چشمان شان به سوی شان نمی گردد، و دل های شان هواست. پیوسته در اندوه و غم رفتارهای ناشایست گذشته خود غرق اند، و به خاطر تباهی های گذشته شان مورد بازخواست قرار می گیرند، و در این جاست که بر آنچه مرتکب شده اند مورد حساب قرار می گیرند. نامه عمل ها به گردن ها آویخته شده، و بارهای سنگین بر پشت هرکس نهاده شده، و هیچ جدایی و رهایی و گریزی از قصاص وجود ندارد. حجّت و دلیل روشن الهی، همه آن ها را ساکت و لایل کرده است و ضجّه کنان گرفتار حیرت و سردرگمی در برابر دلیل های خداوند شده اند. آن ها را از راه برگرداند؛ مگر کسی که از پیش تر (دنیا)، مورد لطف و نیکی خداوند قرار گرفته باشد؛ چنین شخصی، از هراس و ترس چنین محلّی که بسیار مهمّ و جایگاه حضور است، نجات می یابد. او در دنیا از کسانی نبود که سرپیچی کرده اند و بر اولیای الهی عناد ورزیدند، و از آنان دوری کردند، و حقّ شان را مخصوص خودشان دانستند.



اللَّهُمَّ فَإِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ بَلَغَتِ الْحَنَاجِرَ، وَ النَّفُوسَ قَدْ عَلَتِ التَّرَاقِي، وَ الْأَعْمَارَ قَدْ نَفَدَتِ بِالْإِنْتِظَارِ، لَا عَن نَقْضِ اسْتِبْصَارِ، وَ لَا عَن اتِّهَامِ مَقْدَارِ، وَ لَكِن لَمَّا تَعَانَى مِنْ رُكُوبِ مَعَاصِيكَ، وَ الْخِلَافِ عَلَيْكَ فِي أَوْامِرِكَ وَ نَوَاهِيكَ، وَ التَّلَعُّبِ بِأَوْلِيَائِكَ وَ مَظَاهِرِهِ أَعْدَائِكَ. اللَّهُمَّ فَتَقَرَّبْ مَا قَدْ قَرَبَ، وَ أورد مَا قَدْ دَنَى، وَ حَقِّقْ ظُنُونَ الْمُوقِنِينَ، وَ بَلِّغْ الْمُؤْمِنِينَ تَأْمِيلَهُمْ، مِنْ إِقَامَةِ حَقِّكَ، وَ نَصْرِ دِينِكَ، وَ إِظْهَارِ حُجَّتِكَ، وَ الْإِنْتِقَامِ مِنْ أَعْدَائِكَ. (۱)

بارالها؛ واقعیت آن است که قلب ها به حنجره ها رسیده است؛ روان ها به گلوگاه بالا آمده؛ و عمرها، با انتظار رو به پایان است؛ این نه از روی نقض کردن و برهم زدن بینش است، و نه به خاطر درگیری با تقدیر؛ بلکه، به خاطر گناه های فراوان، مخالفت با دستورات و نواهی تو، به بازی گرفتن اولیایت، و پشتیبانی کردن از دشمنان می باشد. خدایا؛ گرچه فرج و ظهور نزدیک است، ولی نزدیک ترش ساز؛ و اگرچه به نزدیکی ما رسیده است، ولی آن را برسان؛ و گمان اهل یقین را محقق ساز؛ مؤمنان را به آرزوی شان که برپایی حق تو، و یاری دین تو، و آشکار شدن حجت تو و انتقام گرفتن از دشمنان توست برسان.

#### ۴- قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

این قنوت و سه قنوت بعد را نیز آن دو بزرگوار از امام رضا علیه السلام نقل کرده اند:

الْفِرْعَ الْفِرْعَ إِلَيْكَ يَا ذَا الْمَحَاضِرَةِ، وَ الرَّغْبَةَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ يَا مَنْ بَعْدَ الْمَفَاخِرَةِ، وَ أَنْتَ اللَّهُمَّ مَشَاهِدُ هَوَاجِسِ النَّفُوسِ، وَ مَرَاصِدِ پَنَاهِ، پَنَاهِ، بِه سَوَى تَوْسْتِ اِی خُدَایِی کِه هَمِه رَا دَر حُضُورِ دَارِد؛ اِشْتِیَاقِ، اِشْتِیَاقِ، بِه سَوَى تَوْسْتِ اِی خُدَایِی کِه تَنَهَا بِه اَو مِی تَوَانِ اِفْتِخَارِ کَرْد؛ خُدَایَا؛ تُو بِه خَطُورَاتِ رَوَانِ هَا شَاهِدِی؛ وَ مَرَاقِبِ

ص: ۱۵۰

حركات القلوب، و مطالع مسرّات السّرائر من غير تكلف و لا تعسف، و قد ترى اللّهم ما ليس عنك بمنطوى، و لكنّ حلمك آمن أهله عليه جرئه و تمردا و عتوا و عنادا، و ما يعاينه أولياؤك من تعفيه اثار الحقّ، و دروس معالمه، و تزید الفواحش، و استمرار أهلها عليها، و ظهور الباطل و عموم التّغاشم، و التّراضى بذلك فى المعاملات و المتصرّفات مذ جرت به العادات، و صار كالمفروضات و المسنونات. اللّهم فبادرنا منك بالعون الّذى من أعتته به فاز، و من أيدته لم يخف لمز لّمّاز، و خذ الظّالم أخذا عنيفا، و لا تكن له راحما و لا به رؤوفا. اللّهم اللّهم اللّهم بادرهم. اللّهم عاجلهم. اللّهم لا تمهلهم. اللّهم غادرهم بكره و هجيره و سحره و بياتا و هم نائمون، و ضحى و هم يلعبون، و مكر و هم يمكرون، و فجأه و هم امنون. اللّهم

و در کمین حرکت های قلب آدم (به این سو و آن سو) هستی؛ و بدون هیچ زحمتی و مشقتی از پنهان کاری های درون ها، اطلاع داری. خدایا؛ به خوبی آن چه را که از تو پیچیده نشده است می بینی؛ لیکن حلم و بردباری تو ایمنی بخشیده به افرادی که چنین بد کرداری هایی دارند، و باعث شده بیشتر جرأت و سرپیچی و لج بازی و دشمنی با تو کنند؛ و می بینی رنج هایی را که اولیای تو می کشند به خاطر نابودی آثار حق و ناپدید گشتن نشانه های آن، و افزایش یافتن فحشا و کارهای زشت، و ادامه دادن بدکاران بر زشتی های خود، و آشکار شدن باطل و نادرستی، و ظلم و ستم همگانی، و راضی شدن طرفین به ظلم و ستم در معاملات و کارها که عادات به آن جاری گشته است و همانند واجبات و مستحبات شده است. خداوندا؛ به سرعت، ما را دریاب به امدادی که هرکس را با آن مدد رسانی رستگار شود، و هرکس را موفق گردانی دیگر از عیب جویی هیچ کس نمی ترسد، ستمگر را به شدت گرفتار کن، و هیچ رحم و مهربانی نیز در حقش روا مدار. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ شتاب کن. خدایا؛ (در مورد آن ها) عجله کن؛ خدایا؛ مهلت شان مده. خدایا؛ آن ها را بامدادان و در وسط روز و در سحرها و شب هنگام که در خواب هستند و هنگام روز که سرگرم اند و مشغولند گرفتارشان کن؛ و فرییشان بده، و وقتی حيله می کنند، بر آن ها مکر کن؛ و هنگامی که خود را در آرامش می بینند، ناگهان گرفتارشان ساز. خدایا؛

بَدِّدْهُمْ، و بَدِّدْ أَعْوَانَهُمْ، و اَفْلِلْ أَعْضَادَهُمْ، و اهْزِمْ جُنُودَهُمْ، و اَفْلِلْ حُدُودَهُمْ، و اجْتَثِّ سَنَامَهُمْ، و أَضْعَفْ عِزَّائِهِمْ. اللَّهُمَّ اَمْنَحْنَا أَكْتِفَاهُمْ، و مَلِّكْنَا أَكْنَفَهُمْ، و بَدِّلْهُمْ بِالنِّعَمِ النَّعْمَ، و بَدِّلْنَا مِنْ مِحَازِرَتِهِمْ وَ بَغِيهِمُ السَّيِّئَاتِ، و اغْنِمْنَاهُمْ أَكْمَلَ الْمَغْنَمِ. اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّ عَنْهُمْ بِأَسْكَ الَّذِي إِذَا حُلَّ بِقَوْمٍ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ. (۱)

خودشان و کمک کارشان را پراکنده و درمانده ساز، و هم دستانشان را شکست بده، و سپاهیان شان را فراری بده، و تیزی شمشیرهاشان را بشکن، و سران آن ها را ریشه کن ساز، و اراده های قوی آن ها را ناتوان ساز. خدایا؛ لطف کن و آنان را اسیر ما گردان، و سرزمین هایشان را به تصرف ما درآور؛ و نعمت های شان را به بدبختی ها تبدیل کن؛ و به جای ترس ما از آن ها و ستم شان، سلامت و راحتی را جایگزین فرما؛ و کامل ترین بهره ها و غنیمت های جنگی را از آنان به ما برسان. خدایا؛ سختی و عذابت را از آنان برمگیر؛ همان عذابی که به هر گروهی برسد، بدبخت بدروزگار می شوند.

### ۵- قنوت حضرت امام جواد علیه السلام

اللَّهُمَّ مَنَّا تَحَكُّكُ مَتَابَعَهُ، و أَيَادِيكَ مَتَوَالِيَهُ، و نِعْمَكَ سَابِعَهُ، و شُكْرُنَا قَصِيرَهُ، و حَمْدُنَا يَسِيرَهُ، و أَنْتَ بِالْتَّعَطُّفِ عَلَيَّ مِنْ اعْتِرَافٍ جَدِيرٍ. اللَّهُمَّ و قَدْ غَصَّ أَهْلَ الْحَقِّ بِالرِّيقِ، و ارْتَبَكَ أَهْلَ الصِّدْقِ فِي الْمَضِيْقِ، و أَنْتَ اللَّهُمَّ بَعْبَادِكَ و ذَوِي الرِّغْبَةِ إِلَيْكَ شَفِيقٌ، و يَاجِبُهُ دَعَائِهِمْ و تَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ

خدایا؛ بخشش های خاص تو، پی در پی است، خوبی هایت یکی پس از دیگری می رسد؛ نعمت هایت فراگیر و فراوان است؛ سپاسگزاری ما نارسا و اندک، و ستایش ما نسبت به تو بسیار ناچیز است؛ و تو، سزاواری که اگر کسی اعتراف (به بدی هایش) کرد، به او مهربانی کنی. خدایا؛ به راستی که اهل حق آب دهان از گلوی شان (به خاطر شدت ناراحتی) پایین نمی رود، و راستگویان، به شدت گرفتارند و در تنگنا قرار دارند؛ و تو-خداوندا-نسبت به بندگان و مشتاقان مهربان و دلسوزی؛ و به حقیقت نسبت به پاسخ دادن به درخواست شان و شتاب کردن در گشایش کارشان شایسته و سزاواری. خدایا؛ بر

ص: ۱۵۲

محمّد و آل محمّد، و بادرنا منك بالعون الّذی لا خذلان بعده، و النّصر الّذی لا باطل یتکأده، و أتج لنا من لدنک متاحا فیاحا یأمن فیہ ولیک، و یخیب فیہ عدوّک، و یقام فیہ معالمک، و یظهر فیہ أوامرک، و تنکفّ فیہ عوادی عداّتک. اللَّهُمّ بادرنا منك بدار الرّحمه، و بادر أعدائک من بأسک بدار النّقمه. اللَّهُمّ أعنا و أغثنا، و ارفع نغمّتك عنّا، و أحلّها بالقوم الظّالمین. (۱)

محمّد و آل محمّد درود بفرست؛ و کمک و امداد سریعی از ناحیه خودت به ما برسان که دیگر بعد از آن خواری و بیچارگی نباشد؛ و آن گونه پیروز گردان که هیچ باطلی نتواند آن را دچار مشکل سازد؛ و چنان راحتی از ناحیه والا و گسترده خود برسان که ولی و دوستت در آن ایمن باشد، ولی دشمنانت ناکام شود؛ آثار و نشانه های تو برپا گردد، و دستورات آشکار شود، و بهره هایی که وعده دادی فراهم و آماده گردد. خدایا؛ شتاب کن نسبت به ما شتاب رحمت، و شتاب کن نسبت به دشمنانت از روی خشم و غضبت، شتاب انتقام و مجازات. بارالها؛ به ما کمک کن و به فریادمان برس؛ و گرفتاری و کیفر و خشم را از ما بردار، و آن را نصیب گروه های ستمگر کن.

### ۶- دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت

اللّهُمّ أنت الأوّل بلا- أوّلیه معدوده، و الآخِر بلا اخریه محدوده، أنشأتنا لا لعلّه اقتسارا، و اخترعتنا لا لحاجه اقتدارا، و ابتدعتنا بحکمتک اختیارا، و بلوتنا بأمرک و نهیک اختبارا، و أیدتنا بالآلات، و منحتنا بالأدوات، و کلفتنا الطّاقه، و جشمتنا

بارالها؛ تو اوّل هستی، ولی اوّلیت تو شمارش شده عددی نیست؛ و پایان هستی، ولی انتها و محدودیت نداری؛ به وجود آوردی ما را نه به خاطر علّتی از روی اکراه و اجبار، و آفریدی ما را نه به خاطر حاجتی و نیازی از روی اقتدار و توانمندی و پدید آوردی ما را به حکمتت از روی اختیار، و با فرمان و نهی خود؛ ما را آزمایش کردی؛ و با وسایلی که در اختیارمان قرار دادی، زمینه موفقیت مان را فراهم نمودی، و ادوات مختلف به ما بخشیدی؛ تا حدّی که توان داریم بر ما تکلیف فرمودی، و فرمان برداریت

ص: ۱۵۳

الطاعة، فأمرت تخييراً، ونهيت تحذيراً، وحوّلت كثيراً، وسألت يسيراً، فعصى أمرك فحلّمت، و جهل قدرك فتكرّمت. فأنت ربّ العزّه والبهاء، والعظمه والكبرياء، والإحسان والنعماء، والمنّ والآلاء، والمنح والعطاء، والإنجاز والوفاء، ولا تحيط القلوب لك بكنه، ولا تدرك الأوهام لك صفه، ولا يشبّهك شيء من خلقك، ولا يمثّل بك شيء من صنعتك، تباركت أن تحسّ أو تمسّ أو تدركك الحواسّ الخمس، وأنّى يدرك مخلوق خالقه، وتعاليت يا إلهي عمّا يقول الظالمون علواً كبيراً. اللهم أدل لأوليائك من أعدائك الظالمين الباغين الناكثين القاسطين المارقين، الذين أضلّوا عبادك، وحرّفوا كتابك، وبدّلوا أحكامك، وجحدوا حقّك، وجلسوا مجالس أوليائك، جرّاهم منهم عليك، وظلّموا منهم لأهل بيت نبيّك،

را به ما تكليف كردی؛ دستور دادی ولی ما را در اطاعتت مختار کردی، و بازداشتی و ما را بر حذر داشتی؛ نعمت های بسیاری دادی، ولی درخواست (عبادت) کمی نمودی؛ دستورت، نافرمانی شد ولی بردباری کردی؛ ارزش و منزلت دانسته نشد، ولی رفتار بزرگوارانه در پیش گرفتی (و مجازات را به تأخیر انداختی). بدین سان، تو پروردگار صاحب عزّت و فزّه و شکوه و عظمت و کبریایی، و احسان و نعمت و لطف و عنایت و بخشش و عطا هستی، وعده ات را تحقّق می بخشی و وفا می کنی. قلب ها به کنه و حقیقت تو احاطه نمی یابند؛ وهم ها و خیال ها نمی توانند صفات تو را دریابند؛ هیچ یک از آفریدگانت شبیه تو نیستند؛ هیچ یک از ساخته های تو را نمی توان به تو مثال زد؛ بالاتر از آن هستی که حس شوی، یا لمس شوی، یا با حواس پنج گانه دریافت شوی. کجا می تواند آفریده، آفریننده خود را درک کند؟! خدایا؛ تو از آن چه ستم کاران می گویند، برتر و بزرگ تر هستی. بارالها؛ دوستانت را بر دشمنان ستم کار، متجاوز، پیمان شکن و نابکار و از دین بیرون روندگانت غلبه و چیرگی و استیلا بخش؛ دشمنانی که بندگانت را گمراه، قرآن را تحریف، دستورات دینیت را عوض کرده، و حقّ تو را انکار کردند؛ و جایگاه مخصوص اولیای تو را اشغال کردند، و این کار را از روی بی باکی و جرأت بر تو انجام دادند و از روی ستم کردن بر اهل بیت پیامبرت

عليهم سلامك و صلواتك و رحمتك و بركاتك، فضلوا و أضلوا خلقك، وهتكوا حجاب سترك عن عبادك. و اتخذوا اللهم مالك دولا، و عبادك خولا، و تركوا اللهم عالم أرضك في بكماء عمياء ظلماً مدلهمة، فأعينهم مفتوحة، و قلوبهم عمية، و لم تبق لهم اللهم عليك من حجة، لقد حذرت اللهم عذابك، و بينت نكالك، و وعدت المطيعين إحسانك، و قدمت إليهم بالنذر فامنت طائفه. فأيد اللهم الذين امنوا على عدوك و عدو أوليائك، فأصبحوا ظاهرين، و إلى الحق داعين، و للإمام المنتظر القائم بالقسط تابعين، و جدد اللهم على أعدائك و أعدائهم نارك و عذابك، ألمذي لا تدفعه عن القوم الظالمين. اللهم صل على محمد و آل محمد، و قوّ ضعف المخلصين لك بالمحبّة، المشايخين لنا بالموالاه، المتبعين لنا

- که درود و سلام و رحمت و برکات بر ایشان نثار باد-انجام دادند. و با این کارشان گمراهی خود را ثابت کرده، مردم را نیز گمراه نمودند، و پرده پوشش تو را از بندگان دریدند. خدایا؛ این دشمنان پست، دارایی های ویژه تو را به عنوان دولت و سرمایه در اختیار خود گرفتند، و بندگان را غلام و کنیز خودشان کردند. خدایا؛ عالم و دانشمند روی زمینت را رها کردند؛ در حال کری و کوری و در فضایی که تاریک و فاسد بود. بدین سان، شرایطی پیش آمد که چشمان شان باز بود و می دید، ولی قلب های شان کور بود. خدای بزرگ؛ حجتی بر تو برای ایشان باقی نماند، و آن ها را از عذابت ترسانیدی، و تهدیدهای شدیدت را بیان نمودی؛ به فرمان بردارانت، وعده نیکی و احسان دادی، و پیش تر برای آنان بیم دهندگانی فرستادی و از عذابت ترسانیدی؛ تا در نهایت، گروهی ایمان آوردند. بارالها؛ آن گروهی را که ایمان آوردند بر دشمن خودت و دشمن اولیا و دوستانت تأیید و یاری کن، تا چیره و پیروز گردند، و به حق و حقیقت فراخوانند، و دنباله رو پیشوای مورد انتظاری باشند که برقراری عدل و داد قیام می کند. خدایا؛ آتش جهنم و عذاب خود را - که از گروه ستمگران، برطرف نخواهی کرد- را بر دشمنان و دشمنان اولیای پیوسته تازه کن. خدایا؛ درود پیوسته ات را بر محمد و آل محمد بفرست؛ و ناتوانی کسانی را که دوستی و محبت خالصانه با تو دارند، تبدیل به قوت مندی و نیرو کن؛ همان دوستانی که با موالات و دوستی فرمان بردارانه شان، از ما پیروی می کنند، و

بالتصديق و العمل، الموازين لنا بالمواساه فينا، المحيين ذكرنا عند اجتماعهم، وشدّد اللهم ركنهم، و سدّد اللهم لهم دينهم الذي ارتضيته لهم، و أتمم عليهم نعمتك، و خلّصهم و استخلصهم، و سدّد اللهم فقرهم، و المم اللهم شعث فافتهم. و اغفر اللهم ذنوبهم و خطاياهم، و لا- تزغ قلوبهم بعد إذ هديتهم، و لا- تخلّهم أي ربّ بمعصيتهم، و احفظ لهم ما منحتهم به من الطّهاره بولايه أوليائك، و البرآئه من أعدائك، إنك سميع مجيب، و صلّى الله على محمّد و اله الطّيبين الطّاهرين. (۱)

با تصديق زبانی و عملی و قلبی دنباله رو ما هستند، و با مواسات و رفتار دوستانه با یکدیگر به خاطر ما، به ما کمک می رسانند، و هرگاه گرد هم می آیند عاشق یاد ما هستند. خدایا؛ پایه و اساس ایشان را محکم و قوی فرما و استوار گردان برای ایشان دینشان را که برای آن ها پسندیده ای، و نعمتت را بر آن ها کامل گردان، و آن ها را خالص گردان و برگزین، و نیازشان را برطرف کن، و گرفتاری و بیچارگی و پریشانی فقرشان را جبران فرما. و گناهان و اشتباهات شان را ببخش، و پس از هدایت شان دل های شان را منحرف مساز، و به سبب نافرمانیت-ای پروردگار؛-تنها و رهایشان مساز، و پاکی و طهارتی که به واسطه ولایت و دوستی ما (اهل بیت) و دشمنی و بیزاری از دشمنان ما نصیب شان ساختی برای ایشان نگه دار؛ به راستی که تو شنوا و اجابت کننده هستی؛ و خداوند، بر محمّد و آل پاک و پاکیزه اش درود پیوسته نثار کند.

## ۷- قنوت حضرت امام هادی علیه السلام

اللّهمّ مناهل کراماتک بجزیل عطیاتک مترعه، و أبواب مناجاتک لمن أمک مشرعه، و عطف لحظاتک لمن ضرع إلیک غیر بارالها؛ چشمه های کرامت و بزرگواری تو، با بخشش های شایانت پرآب است؛ درهای مناجات و رازگویی تو، برای هرکسی که تو را قصد کرده باز است؛ نگاه های مهربانه ات پیوسته به کسانی که در نهایت خواری و فروتنی به

ص: ۱۵۶

منقطعه، و قد الجم الحذار، و اشتد الإضرار، و عجز عن الإصطبار أهل الإنتظار. و أنت اللهم بالمرصد من المكار، و غير مهمل مع الإمهال، و اللأذ بك امن، و الزاغ إليك غانم، و القاصد اللهم لبابك سالم. اللهم فعاجل من قد امتز في طغيانه، و استمر على جهالته لعقباه في كفرانه، و أطمعه حلمك عنه في نيل إرادته، فهو يتسرع إلى أوليائك بمكارهه، و يواصلهم بقبائح مراصده، و يقصدهم في مظانهم بأذيته. اللهم اكشف العذاب عن المؤمنين، و ابعثه جهره على الظالمين. اللهم اكفف العذاب عن المستجيرين، و اصبيه على المغيرين. اللهم بادر عصبه الحق بالعون، و بادر أعوان الظلم بالقصم. اللهم أسعدنا بالشكر، و امنحنا النصر، و أعذنا من سوء البدار و العاقبه و الختر. (۱)

در گاهت روی آورده اند می رسد؛ این در حالی است که ترس و هراس به نهایت و اضطراب و سردرگمی و بیچارگی شدید گشته، و منتظران نیز از صبر بیش تر ناتوان شده اند. خدایا؛ تو در کمینگاه حيله گران هستی، و با وجود مهلت هایی که می دهی ولی کار را رها نکرده ای؛ تنها، هر کس به تو تکیه کند در آرامش و امنیت است، و هر کس مشتاق تو باشد بهره مند است، و تنها هر کس-خدایا-آهنگ دربار تو کرده، سالم می ماند. بارالها؛ مجازات را زودتر به کسانی برسان که سرکشی را به نهایت رسانیده، و ادامه داده است به خاطر نادانی اش نسبت به سرانجام کارش در کفر ورزیدن و ناسپاسی اش، و بردباری تو، موجب طمع او نسبت به پیگیری مقاصدش شده است و بدین جهت به سرعت نسبت به دوستان و اولیای تو بدی می کند، و دام های زشت خود را پیوسته در راه شان قرار می دهد، و به قصد اذیت ایشان به موضع و محل آنان می رود. خداوندا؛ عذاب و کیفر خود را از مؤمنان برطرف کن و به صورت آشکار آن را بر ستمگران برانگیز، بارالها؛ عذابت را از کسانی که به تو پناه آورده اند باز دار، و بر سر تغییردهندگان بریز. خدایا؛ کمک سریعیت را به جمعیت حق و حقیقت برسان، و شکست و نابودیت را به سرعت نصیب کمک رسانان ستم و ظلم کن. خدایا؛ با سپاسگزاریت ما را خوشبخت گردان، و پیروزی را نصیب ما کن، و از بدی های شتابان، و بدی عاقبت، و فریفته شدن در امان دار.

ص: ۱۵۷



امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را می خواندند؛ هنگامی که مردم قم از موسی بن بغی به آن حضرت شکایت کردند، دستور فرمود این دعا را (در قنوت) بخوانند: (۱)

ص: ۱۵۸

۱-۱). در کتاب «مکیال المکارم» می نویسد: این دعای قنوت، از مولای ما، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است، و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «المصباح» و نیز «مختصر المصباح» خود در باب دعاهای قنوت نماز وتر یاد آور شده است. سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» در باب دعاهای قنوت امامان علیهم السلام ذکر کرده است، لیکن -براساس برخی روایات- به نظر می رسد که این دعا به وقت خاصی تعلق ندارد؛ گرچه بهتر است در اوقات ویژه و مخصوص و دارای فضیلت بیش تر، خوانده شود. از روایت سید بن طاووس رحمه الله و دیگر روایات برمی آید که این دعا دارای اثری ویژه و کامل برای راندن ستمگر، و گرفتن حق ستمدیدگان از ستمگران است؛ به همین جهت، می توان از این مطلب استفاده کرد که یکی از فایده های این دعا اگر برای درخواست فرج و ظهور و یاری امام زمان علیه السلام خوانده شود آن است که ستمگر و بدی و سلطه او دفع گردد. سید بن طاووس رحمه الله در مورد این دعا می فرماید: امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را خوانده و به مردم قم -که از موسی بن بغی شکایت کرده بودند- نیز دستور خواندن این دعا را داد. (پایان سخن سید بن طاووس رحمه الله). نویسنده کتاب «منح البرکات» -که شرحی است بر کتاب «مهج الدعوات»- از کتاب «اعلام الوری فی تسمیه القری» (نوشته ابو سعید اسماعیل بن علی سمعانی حنفی) نقل می کند که: موسی بن بغی بن کلیب بن شمر بن مروان بن عمرو بن غطه؛ از یاران متوکل عباسی لعنه الله و از کارگزاران او بود که بر قم فرمان رویی می کرد. این خبیث ناپاک، همان کسی است که متوکل ملعون، دستور ویران کردن قبر مولای مان حضرت امام حسین علیه الصلاه و السلام و تبدیل آن جا به یک مزرعه را؛ به او داد. وی، ستمگری خون ریز و حرمت شکن، و حاکم قم بود و بیش از ده سال بر مردم این شهر حکم رانی می نمود. مردم قم به شدت از او می ترسیدند، چون به شدت نسبت به پیشوایان بزرگوار علیهم السلام عناد می ورزید و در میان مردم قم ایجاد فساد می نمود و آن ها را با قتل و کشتار تهدید نموده و بر این امر مصمم بود. تا آن که از او به امام حسن عسکری علیه السلام شکایت کردند، و آن حضرت دستور دادند که مردم قم، «نماز مظلوم» را بخوانند، و موسی بن بغی (حاکم وقت قم) را نفرین کنند و برای نفرین به او این دعا را بخوانند. پس از این که مردم قم این کار را انجام دادند، خداوند حتی به اندازه یک چشم برهم زدن به آن حاکم ستمگر مهلت نداد، و به سختی و مقتدرانه او را نابود کرد. نویسنده کتاب مزبور می گوید: این گفتار نگارنده کتاب «منح البرکات» را نقل به معنا کردم؛ چون آن کتاب به زبان فارسی است، وی چگونگی خواندن «نماز مظلوم» را بیان نکرده است؛ لیکن، در بخش نمازها به بیان «نماز مظلوم» که در کتاب «مکارم الأخلاق» یافتیم، می پردازیم. (مکیال المکارم: ۲/۸۵).

الحمد لله شكرا لنعمائه، و استدعاء لمزيدة، و استخلاصا له و به دون غيره، و عيادا به من كفرانه و الإلحاد في عظمتة و كبريائه، حمد من يعلم أنّ ما به من نعمائه فمن عند ربّه، و ما مسّه من عقوبته فبسوء جنايه يده، و صلّى الله على محمّد عبده و رسوله، و خيرته من خلقه، و ذريعه المؤمنين إلى رحمتة، و اله الطّاهرين و لاه أمره. اللَّهُمَّ إِنَّكَ نَدَبْتَ إِلَى فَضْلِكَ، و أَمَرْتَ بِدَعَائِكَ، و ضَمَنْتَ الْإِجَابَةَ لِعِبَادِكَ، و لَمْ تَخَيِّبْ مِنْ فِرْعَإِ إِلَيْكَ بَرِغْبَتَهُ، و قَصَدَ إِلَيْكَ بِحَاجَتِهِ، و لَمْ تَرْجِعْ يَدَ

سپاس و ستایش سزاوار خداوند است، از جهت شکرگزاری نعمت هایش، و درخواست فزونی آن، و طلب رهایی به سبب آن نه غیر آن، و پناه بردن به سبب آن از ناسپاسی او و انکار عظمت و کبریایی اش. ستایش کردن کسی که می داند هر نعمتی دارد از پروردگارش است، و هر بدبختی و مجازاتی که به او رسیده است از جنایت و بدکاری های خودش است. و خداوند، بر محمّد - که بنده و فرستاده اوست، و برگزیده الهی از بین مخلوقات او می باشد، و وسیله مؤمنان برای رسیدن به رحمت خداوند می باشد - و نیز بر آل آن حضرت، خاندان پاکی که امر و فرمان الهی را عهده دارند درود پیوسته فرستد. بارالها؛ به راستی که تو، تشویق به فضل و احسانت کردی، و دستور دادی تو را بخوانند، و پاسخ مثبت خود را برای بندگانی که دعا کنند تضمین نمودی؛ اگر کسی با اشتیاق خود به تو پناه آورد و برای برآورده شدن حاجت خویش به درگاه تو روی آورد او را ناامید نمی کنی؛

طالبه صفرا من عطائك، و لا خائبه من نحل هباتك، و ائى راحل رحل إليك فلم يجدك قريبا، أو وافد وفد عليك فاقطعته عوائق الرّد دونك، بل ائى محتفر من فضلک لم يممه فیض جودک، و ائى مستنبط لمزیدک اُکدی دون استماحه سجال عطیتک. اَللّهُمَّ و قد قصدت إليك برغبتي، و قرعت باب فضلک ید مسألتي، و ناجاک بخشوع الإستکانه قلبی، و وجدتك خیر شفیع لی إليك، و قد علمت ما يحدث من طلبتي قبل أن یخطر بفکری، أو یقع فی خلدی، فصلّ اللّهُمَّ دعائی اِیّاک یا جابتي، و اشفع مسألتي بنجح طلبتي. اَللّهُمَّ و قد شملنا زیغ الفتن، و استولت علينا غشوه الحیره، و قارعنا الذّلّ و الصّغار، و حکم علينا غیر المأمونین فی دینک، و ابتزّ امورنا معادن الابن مَمّن عطّل حکمک، و سعی فی إتلاف عبادک و إفساد بلادک. اَللّهُمَّ

دستی را که به درخواست به سویت آمده است، خالی از بخشش و عطای خود بر نمی گردانی، و از هدیه های خوبت محروم نمی گردانی، تا به حال، کدام کوچ کننده ای به سوی تو کوچ کرده است و تو را نزدیک نیافته است؟ یا کدام واردشونده ای بر تو وارد شده، او را رد کرده و پذیرایی ننموده ای؟ بلکه کدام کسی است که فضل تو را کاوش کند و از سرچشمه جود و بخشش تو سیراب نگردد؟ و کدام کسی است که در جستجوی فزونی از جانب تو باشد، و از عطای فراوان تو بهره مند نگردد؟ بارالها! و من با شوق و علاقه ای وصف ناپذیر، به قصد حضرت تو آمدم؛ و با دست خواهش خود، درگاه فضل و فزون بخش تو را کوبیدم؛ و قلبم در نهایت بیچارگی و خاشعانه به مناجات و رازگویی با تو پرداخته است؛ و تو را بهترین واسطه خود برای شفاعت به سوی تو یافتم؛ و به خوبی می دانی خواسته های نو و تازه ام را، پیش از آن که از اندیشه من بگذرد، یا در روان من بیفتد. پس، -خداوند-دعایم را به اجابت برسان، و درخواستم را به دست یابی به خواشم برآورده ساز. بارالها! فتنه های گمراه کننده، ما را دربر گرفته است؛ و فرورفتن در حیرت و سردرگمی بر ما چیره شده است؛ و خواری و کوچکی، ما را درهم کوبیده است؛ و کسانی که امین در دین تو نیستند، حاکم بر ما شده اند؛ و امور ما به دست افرادی از معدن های ابنه و عیب افتاده از کسانی که تعطیل کننده دستورات تو، و تلاش گر در جهت تلف کردن و نفله کردن بندگان تو، و خراب کردن و به فساد کشیدن شهرهای تو هستند. خدایا؛

و قد عاد فیئنا دوله بعد القسمه، و إمارتنا غلبه بعد المشوره، و عدنا میراثا بعد الإختیار للآمه، فاشتریت الملاهی و المعازف بسهم الیتیم و الأرملة، و حکم فی أبشار المؤمنین أهل الذّمّه، و ولی القیام بامورهم فاسق کلّ قبیله، فلا ذائد یذودهم عن هلکة، و لا راع ینظر إلیهم بعین الرّحمه، و لا ذو شفقه یشیع الکبد الحزّی من مسغبه، فهم اولوا ضرع بدار مضعه، و اسراء مسکنه، و خلفاء کابه و ذلّه. اللَّهُمّ و قد استحصد زرع الباطل، و بلغ نهائیه، و استحکم عموده، و استجمع طریده، و خذرف ولیده، و بسق فرعه، و ضرب بجرانه. اللَّهُمّ فأتح له من الحقّ یدا حاصده تصدع قائمه، و تهشم سوقه، و تجبّ سنامه، و تجدع مراغمه، لیستخفی الباطل بقبح صورته، و یظهر الحقّ بحسن حلیته. اللَّهُمّ و لا تدع للجور دعامه إلاّ قصمتها، و لا

پس از این که غنیمت ما را-بعد از تقسیم میان خود-مایه چیرگی و استیلای خویش قرار دادند؛ و پس از آن که فرمانروایی را به ما دادی، آن را براساس شوری به کسی دیگر دادند؛ و پس از آن که برگزیده الهی بودیم به عنوان ارث آن ها شدیم. بدین سان، وسایل لهو و لعب و خوشگذرانی با بهره و نصیب یتیمان و بیوه زنان از بیت المال خریداری شد، و اهل ذمه، حاکم و فرمانروای مؤمنان راستین شدند؛ و فاسقان هر قبیله ای، سرپرست امور آن ها شدند، دیگر در این شرایط نه کسی بود تا ایشان را از نابود شدن و هلاکت نجات بخشد؛ و نه سرپرستی که مراعات کند و با دیده رحمت به سوی ایشان بنگرد؛ و نه کسی پیدا شد تا دلش بسوزد و جگر سوزان آن ها را از گرسنگی نجات بخشد و سیر کند؛ بدین سان، آنان در سرایی تباه شده با خواری بسر می بردند؛ و اسیرانی بیچاره، و جانشینانی غم و اندوه و خوار شده گشتند. بارالها؛ در واقع، زمان برداشت کشتزار باطل و نادرستی فرارسید، و به نهایت رسید و پایه و ستونش محکم شد و رانده شدگانشان گردآوری شدند، و نسل شان زیاد شد، و شاخ و برگ دواندند، و پایه های حکومت شان استوار و مستقر گردیدند. بارالها؛ دست توانایی از حقّ را برای برکندن ریشه و اساس باطل آماده ساز؛ تا بازارش را کساد، و علوّ و برتری آن را از بین ببرد، و دماغ شان را به خاک بمالد؛ تا در نتیجه، باطل مجبور شود چهره زشتش را پنهان کند، و حقّ و حقیقت نیز چهره زیبا و نیکوی خود را آشکار گرداند. خدایا؛ تمام ارکان و پایه های باطل را درهم بشکن؛ تمام

جَنَّهُ إِلَّا هَتَكَتْهَا، و لا كلمه مجتمعه إِلَّا فَرَقَتْهَا، و لا سَرِيَّه ثَقْل إِلَّا خَفَّفَتْهَا، و لا قائمه علوَّ إِلَّا حَطَطَتْهَا، و لا رافعه علم إِلَّا نَكَسَتْهَا، و لا- خَضْرَاءَ إِلَّا- أْبْرَتْهَا. أَللَّهُمَّ فَكْوِّرْ شَمْسَهُ، و حَطِّ نوره، واطمس ذكره، و ارم بالحق رأسه، و فضَّ جيوشه، و ارب قلبه أهله. أَللَّهُمَّ و لا- تَدْعُ مِنْهُ بَقِيَّه إِلَّا- أَفْنَيْتَ، و لا بنیه إِلَّا سَوَيْتَ، و لا حلقه إِلَّا قَصَمْتَ، و لا سلاحا إِلَّا أَكَلَّتْ، و لا حدًّا إِلَّا فَلَّتْ، و لا كِرَاعًا إِلَّا- اجْتَحَتْ، و لا- حَامِلَه علم إِلَّا- نَكَسْتَ. أَللَّهُمَّ و أَرْنَا أَنْصَارَه عِبَادِيَدِ بَعْدِ الْإِلْفَه، و شَتَّى بَعْدِ اجْتِمَاعِ الْكَلْمَه، و مَقْنَعِي الرُّؤُوسِ بَعْدِ الظُّهُورِ عَلَيِ الْإِمَّه، و أَسْفَرَ لَنَا عَنِ نَهَارِ الْعَدْلِ، و أَرَنَا سِرْمَدًا لَا ظَلْمَه فِيهِ، و نورا لَا شُوبَ مَعَهُ، و أَهْطَلَ عَلَيْنَا نَاشِئَتَهُ، و أَنْزَلَ عَلَيْنَا بَرَكَتَهُ، و أدل له مَمَّنْ نَاوَاه، و انصره على من عاداه. أَللَّهُمَّ و أَظْهَرَ الْحَقَّ،

سپه‌هایش را دریده، و اجتماع کلمه و اتحادش را پراکنده، و لشکر سنگینش را بی ارزش (و خلع سلاح) فرما، تمام پایه های بلند و برتری اش را به زیر کشیده، و تمام علم ها و پرچم های برافراشته اش را سرنگون، و تمام سبزه زارهایش را خشک کن. خدایا؛ خورشید باطل را تاریک و خاموش گردان، و روشنی اش را از بین ببر، و یادش را محو و ناپدید گردان؛ به واسطه حق و حقیقت، سرش را بیفکن؛ و سپاهیانش را پراکنده ساز؛ و دل های آن ها را پر از رعب و وحشت کن. خدایا؛ از باطل هیچ باقی مانده ای مگذار، و همه را نابود ساز؛ تمام ساختمان هایش را با خاک یکسان کن؛ تمام حلقه های محاصره آن ها را بشکن؛ تمام سلاح های آن را بی اثر کن؛ لبه های تیز آن ها را بشکن؛ تمام چارپایان شان را نابود و بیچاره کن؛ و تمام پرچم داران شان را بر زمین بزن. خدایا؛ به ما بنمایان که یاران باطل، پس از آن که از یکدیگر جدا نمی شدند به بردگی رفته اند؛ و پس از آن که با یکدیگر وحدت داشتند و هم پیمان شده بودند، پراکنده گشته اند؛ و بعد از غلبه و چیرگی بر امت، سرافکنده و خوار شده اند. (خدایا؛) روز عدل و دادگری را برای ما آشکار کن، و آن را به ما بنمایان درحالی که پاینده است و هیچ تاریکی در آن نیست، و روشنی اش بدون هیچ شائبه ای است، و از باران همیشگی آن بر ما نازل، و برکتش را به ما برسان، و هر کسی قصد بدی راجع به او دارد مغلوبش گردان، و او را بر تمام دشمنانش پیروز گردان. بارالها؛ حق را آشکار کن،

و أصبح به فی غسق الظلم و بهم الحیره. اللهم و احي به القلوب الميتة، و اجمع به الأهواء المتفرقة، و الاراء المختلفه، و اقم به الحدود المعطله، و الأحكام المهمله، و أشبع به الخماص السياغه، و أرح به الأبدان اللاغبه المتعبه، كما ألهجتنا بذكره، و أخطرت ببالنا دعاءك له، و وقفتنا للدعاء إليه، و حياشه أهل الغفله عنه، و أسكنت في قلوبنا محبته، و الطمع فيه، و حسن الظن بك، لإقامه مراسمه. اللهم فأت لنا منه على أحسن يقين، يا محقق الظنون الحسنه، و يا مصدق الآمال المبطنه. اللهم و أكذب به المتألمين عليك فيه، و أخلف به ظنون القانطين من رحمتك، و الآيسين منه. اللهم اجعلنا سببا من أسبابه، و علما من أعلامه، و معقلا من معاقله، و نضر و جوهنا بتحليلته، و أكرمنا بنصرته، و اجعل فينا خيرا

و صبح و پایان تاریکی ها و سرگردانی ها را برسان. خدایا؛ به وسیله او قلب های مرده را زنده گردان، و گرایش های پراکنده را گرد هم آور، و نظرات متفاوت را یکی کن، و حدود تعطیل شده را برپا دار، و دستورات دینی و گذاشته شده را دوباره به جریان بینداز، و گرسنگان را سیر گردان و بدن های رنجیده و سختی کشیده را آسوده و راحت گردان؛ همان گونه که زبان ما را به یاد او گویا کردی، و بر قلب ما گذراندی که تو را به خاطر او بخوانیم و دعایش کنیم، و موفق مان گرداندی تا مردم را به سوی او فراخوانیم، و غافلان را از او دور کنیم؛ محبت و دوستی نسبت به او را در دل ما جای دادی، و گرایش یافتن و میل کردن به او را، و خوش گمانی به خودت نسبت به برپا شدن دولت او را، در دل ما گذاشتی. بارالها؛ بهترین یقین نسبت به او را به ما بده؛ ای تحقق بخش خوش گمانی ها؛ ای راست آورنده آرزوهای درونی؛ بارالها؛ به وسیله او کسانی را که در مورد او علیه تو حکم می کنند، تکذیب کن؛ و به واسطه او گمان های کسانی را که از رحمت تو ناامید و از او مأیوس اند، نادرست گردان. خدایا؛ ما را وسیله ای از وسایل او و پرچمی از پرچم های او و پناهگاهی از پناهگاه های او قرار ده؛ و چهره های ما را به واسطه زینت بخشیدن او زیبا گردان؛ و ما را با یاری نمودن او گرمی بدار؛ و خیر و نیکی در ما قرار ده

تظهرنا له به، و لا تشمت بنا حاسدى النعم، و المتربصين بنا حلول الندم، و نزول المثل، فقد ترى يا رب برآئه ساحتنا، و خلوّ  
ذرعنا من الإضرار لهم على إحنه، و التمنى لهم وقوع جائحه، و ما تنازل من تحصينهم بالعافيه، و ما أضبوأ لنا من انتهاز الفرصه،  
و طلب الثوب بنا عند الغفله. اللهم و قد عرفتنا من أنفسنا، و بصيرتنا من عيوبنا خلالا نخشى أن تقعد بنا عن اشتها إجابتك، و  
أنت المتفضل على غير المستحقين، و المبتدئ بالإحسان غير السائلين، فأت لنا من أمرنا على حسب كرمك و جودك و فضلك  
و امتنانك، إنك تفعل ما تشاء، و تحكم ما تريد، إنّا إليك راغبون، و من جميع ذنوبنا تائبون. اللهم و الداعى إليك، و القائم  
بالقسط من عبادك، الفقير إلى رحمتك، المحتاج إلى معونتك على طاعتك، إذ ابتدأته بنعمتك،

تا به وسیله آن ما را در نظر او قرار دهی؛ و ما را مورد شماتت و سرزنش کسانی که به نعمت های ما حسادت می ورزند، و در  
کمین پشیمان شدن و گرفتار شدن مان و نازل شدن عقوبت ها هستند قرار مده. پروردگارا؛ تو به خوبی می بینی که دل ما  
پاک است، و قلب ما از پنهان کردن کینه ای نسبت به افراد خالی است، و آرزوی گرفتاری و نابودی شان را نیز نداریم؛ و می  
بینی آنچه را که بر ایشان نازل می شود از حفظ شدن آنان به وسیله عافیت؛ و در مقابل، آنان در کمین نشسته اند تا فرصتی  
علیه ما به دست آورند، و غافلگیرانه بر ما هجوم آورند. بارالها؛ خودت را از راه خویشتن مان به ما شناساندى، و عیب ها و  
زشتی هایی که ما داشتیم به ما نشان دادی به گونه ای که ترسیدیم نگذارند به پاسخ گویی آشکار تو دست یابیم. این در  
حالی است که تو به کسانی که استحقاق ندارند مهربانی و فضل و بخشش می کنی؛ و نسبت به کسانی که درخواست نیز نمی  
کنند، خودت شروع به احسان و نیکی می کنی. بدین سان، کار ما را بر حسب کرامت و بزرگواری، سخاوت، فضل و منت  
نهادنت، درست کن. همانا، تو هر کاری بخواهی انجام می دهی؛ و به هرچه اراده کنی، حکم می کنی. ما به سوی تو اشتیاق  
داریم، و از تمام گناهان مان توبه می کنیم. بارالها؛ همان کسی را که تنها به سوی تو فرامی خواند، و از بین بندگانت برای  
برقراری عدل و داد دست به قیام می زند، و خود را نیازمند رحمت می داند، و احتیاج به کمک تو برای فرمان برداریت دارد؛  
همان کسی که ابتداء نعمت را به او مرحمت کردی،

و ألْبسته أثواب كرامتك، و ألقيت عليه محبّه طاعتك، و ثبتت و طأته في القلوب من محبّتك، و وفّفته للقيام بما أغمض فيه أهل زمانه من أمرك، و جعلته مفرّعا لمظلوم عبادك، و ناصرا لمن لا يجد ناصرا غيرك، و مجدّدا لما عطل من أحكام كتابك، و مشيدا لما ردّ من أعلام دينك، و سنن نبيك عليه و اله سلامك و صلواتك و رحمتك و بركاتك. فاجعله اللهم في حصانه من بأس المعتدين، و أشرق به القلوب المختلفه من بغاه الدّين، و بلّغ به أفضل ما بلّغت به القائلين بقسطك من أتباع النّبيين. اللهم و أدلّل به من لم تسهم له في الرّجوع إلى محبّتك، و من نصب له العداوه، و ارم بحجرك الدّماغ من أراد التّأليب على دينك بإذلاله، و تشيت أمره، و اغضب لمن لا تره له و لا طأله، و عادى الأقربين و الأبعدين فيك منّا منك

و لباس های کرامت و بزرگواری خود را بر او پوشانیدی، و دوست داشتن فرمان برداریت را بر دلش افکندی، و از روی محبّت جایگاهش را در قلب ها محکم گردانیدی، و موفق کردی بعضی از دستورات را که مردم زمانه از انجامش خودداری کرده اند، انجام دهد؛ و او را گریزگاه و پناه گاهی برای بندگان ستمدیده ات، یاور کسانی که جز تو یاوری نیافته اند، تازه کننده احکام تعطیل شده و فراموش شده قرآنت، و محکم کننده آن دسته از نشانه های دینت که رد شده است، و محکم کننده و برپاکننده سنّت ها و روش های کنار زده شده پیامبرت- که درود و سلام و رحمت و برکت های تو بر او و آل او باد- قرار دادی. خدایا؛ (بدین جهت ها) او را در پناه گاهی قرار ده تا از شرّ متجاوزان در امان باشد؛ و دل هایی را که از ستم ستمگران دچار اختلاف گشته به سبب او روشن گردان؛ و او را به برترین چیزهایی برسان، که قیام کنندگان برای عدالت- در بین پیروان پیامبرانت- بدان ها دست یافته اند. خدایا؛ کسانی که سهمی برای بازگشت به محبّت خودت برای ایشان قرار نداده ای را به دست آن حضرت، خوار و ذلیل گردان؛ و نیز، کسانی را که بنای دشمنی با او دارند، خوار کن. و بیفکن سنگ عذاب نابودکننده ات را به طرف تمام کسانی که قصد دارند با شوراندن مردم علیه دین تو، او را به خواری و بیچارگی بکشانند و آموزش را پراکنده کنند. (خدایا؛) غضب نما برای شخصی که طلب کننده خونی برای او نباشد و قوّت توانگری برای او نباشد و دشمنی می کند با نزدیکان و دوران در راه تو. این کارها را به



عليه، لا مَنَّا منه عليك. أَللَّهُمَّ فَمَا نَصَبَ نَفْسَهُ غَرَضًا فَيُكَلِّمُكَ لِلأَبْعَدِينَ، وَجَادَ بِيَذُلٍ مَهْجَتَهُ لَكَ فِي الذَّبِّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَدَّ شَرَّ بَغَاةِ المَرْتَدِّينَ المَرِيئِينَ حَتَّى أَخْفَى مَا كَانَ جَهْرَ بِهِ مِنَ المَعَاصِي، وَأَبْدَا مَا كَانَ نَبْذَهُ العُلَمَاءُ وَرَأَى ظُهُورَهُمْ مِمَّا أَخَذَتْ مِشَاقَهُمْ عَلَيَّ أَنْ يَبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلا- يَكْتُمُوهُ، وَدَعَا إِلَى إِفْرَادِكَ بِالطَّاعَةِ، وَالأل- يَجْعَلُ لَكَ شَرِيكَاً مِنْ خَلْقِكَ يَعْلُو أَمْرَهُ عَلَيَّ أَمْرَكَ، مَعَ مَا يَتَجَرَّعُهُ فَيْكُ مِنْ مَرَارَاتِ الغَيْظِ الجَارِحَةِ بِحَوَاسِّ [بِمَوَاسِي خ] القُلُوبِ، وَ مَا يَعْتَوِرُهُ مِنَ الغَمُومِ، وَ يَفْزَعُ عَلَيْهِ مِنْ أَحْدَاثِ الخُطُوبِ، وَ يَشْرُقُ بِهِ مِنَ الغِصَصِ الَّتِي لا تَبْتَلَعُهَا الحُلُوقُ وَ لا تَحْنُو عَلَيْهَا الضُّلُوعُ عِنْدَ نَظَرِهِ إِلَى أَمْرٍ مِنْ أَمْرِكَ، وَ لا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَّهُ إِلَى مَحَبَّتِكَ. فَاشْهَدِ اللَّهُمَّ أَرْزُهُ بِنَصْرِكَ، وَ أَطْلُبُ بَاعَهُ فِيمَا قَصَرَ عَنْهُ مِنْ إِطْرَادِ

عنوان ممتی از تو بر او می دانیم، نه این که او بر تو ممتی داشته باشد. بارالها؛ همان گونه که جان خویش را به خاطر تو در تیررس مخالفان قرار داد، و سعی نیکو نموده است به بذل خون خود از برای دفاع نمودن از حریم مؤمنان؛ و در رد شر و بدی ستم کاران، بی دین شدگان و شک کنندگان؛ تا جایی که گناهانی که آشکار شده بود پنهان کرد و چیزهایی را آشکار کرد که دانشمندان دینی پیمان داده بودند آن چیزها را برای مردم تبیین و روشن کنند و کتمان نکنند؛ ولی آن امور را به فراموشی سپرده بودند؛ و مردم را تنها به فرمان برداری از تو فراخواند، و اینکه کسی از مخلوقات را برای تو شریک قرار ندهد و دستورش را برتر از دستور تو قرار ندهد. افزون بر آن چه گفته شد، تلخی سختی ها و رنج های خشمی را که قلب را مجروح می کند، در راه تو جرعه جرعه می نوشد؛ غم هایی را که پیوسته به او می رسد، تحمل می کند؛ امور دردناکی که تازه به او می رسد که هر لحظه تازه تر می شود؛ غصه هایی که در گلوی مانده و از حلقوم فرو نمی رود، و پهلوی انسان توان تحملش را ندارد؛ تحمل می کند. این ها در هنگامی است که به دستوری از دستورات و کارهای تو می نگرد، ولی دستش کوتاه است و نمی تواند آن دستور دگرگون شده را تغییر دهد و آن گونه که تو دوست داری قرارش دهد. خدایا؛ با یاریت پشتش را محکم گردان، و توانائی اش بده در مورد آنچه نتوانسته انجام دهد از دور کردن

الرّاتعین فی حماک، وزده فی قوّته بسطه من تأییدک، و لا توحشنا من أنسه، و لا تخترمه دون أمله من الصّلاح الفاشی فی أهل ملّته، و العدل الظّاهر فی أمّته. اللَّهُمَّ و شَرّف بما استقبل به من القیام بأمرک لدى موقف الحساب مقامه، و سرّ نیّک محمّدا صلواتک علیه و اله برؤیته، و من تبعه علی دعوته، و أجزل له علی ما وأیته قائما به من أمرک ثوابه، و ابن قرب دنوّه منک فی حیاته، و ارحم استکانتنا من بعده، و استخذآءنا لمن کنا نقمعه به إذا فقدتنا وجهه، و بسطت أیدی من کنا نبسط أیدینا علیه لنردّه عن معصیته، و افتراقنا بعد الالفه و الاجتماع تحت ظلّ کنفه، و تلّهفنا عند الفوت علی ما أقعدتنا عنه من نصرته، و طلبنا من القیام بحقّ ما لا سبیل لنا إلی رجعتّه. و اجعله اللَّهُمَّ فی أمن ممّا یشفق علیه منه، وردّ

خوشگذران ها در راه حرام و معصیت تو؛ و نیروی او را از جهت باز شدن دستش با تأیید خودت افزایش بده؛ ما را از انس گرفتن با او مگریزان (به وحشت مینداز)؛ آرزویش را-که درستی و اصلاح فراگیر امور مردمش و عدالت آشکار در بین شان است- بر باد مده و ناامیدش مساز. خدایا؛ هنگام حساب و کتاب بنندگان، جایگاه او را به خاطر آنچه استقبال کرد از برپا داشتن فرمانت، شرافت مند گردان؛ پیامبرت حضرت محمّد را-که درود تو بر او و آل او باد-با دیدن آن بزرگوار و کسانی که دعوتش را پذیرفته و از او پیروی کردند؛ شادمان گردان. و به خاطر این که به دستور تو قیام کرده و دستوراتت را اجرا می کند، ثوابش را بر آنچه وعده کرده ای افزون و شایسته گردان؛ در زمان زندگانش نیز او را به مقام قرب خود نزدیک بگردان، و به بیچارگی و بدبختی ما پس از او رحم کن؛ (خدایا؛) به ما رحم کن آن گاه که پس از گم کردن روی مبارک او، مجبور به فروتنی در برابر کسانی شویم که با او نابودشان می کردیم؛ و کسانی که ما برایشان مسلط شده بودیم تا آنها را از نافرمانی آن حضرت بازداریم، بر ما مسلط شوند؛ رحم کن بر ما که پس از هماهنگی و دوستی و گرد آمدن در زیر سایه حمایت او، دوباره پراکنده شویم؛ رحم کن حسرت خوردن ما را-هنگام از دست دادن-بر آنچه ما را بازداشتی از یاری او و طلب برپائی حق آنچه برای ما راهی به سوی بازگشت آن نیست. خدایا؛ او را در امان بدار از چیزهایی که برایش می ترسیم؛

عنه من سهام المكآئد ما يوجهه أهل الشننات إليه و إلى شركآئه في أمره، و معاونيه على طاعه ربّه، اللّذين جعلتهم سلاحه و حصنه و مفزعه و انسه، اللّذين سلوا عن الأهل و الأولاد، و جفوا الوطن، و عطّلوا الوثير من المهاد، و رفضوا تجاراتهم، و أضروا بمعائشهم، و فقدوا في أنديتهم بغير غيبه عن مصرهم، و خالّوا البعيد ممّن عاضدهم على أمرهم، و قلوبا القريب ممّن صدّ عن وجهتهم، فائتلفوا بعد التّدابر و التّقاطع في دهرهم، و قطعوا الأسباب المتّصله بعاجل حطام الدّنيا. فاجعلهم اللّهمّ في أمن حرزك و ظلّ كنفك، و ردّ عنهم بأس من قصد إليهم بالعداوه من عبادك، و أجزل لهم على دعوتهم من كفايتك و معونتك، و أمدهم بتأييدك و نصرك، و أزهد بحقّهم باطل من أراد إطفاء نورك. اللّهمّ و املاً بهم كلّ افق من

و از او دور گردان تیرهای نیرنگی را که کینه توزان و بدخواهانش پرتاب می کنند به سوی او (و همراهان و کمک رسانان او در راه فرمان برداری از پروردگارش)؛ همان مددکارانی که آنان را اسلحه، دژ، پناهگاه و مونس آن حضرت قرار داده ای؛ همان عزیزان و یاورانی که از خانواده و فرزندان شان دست کشیده، و وطن را ترک کردند، و از بستر و خواب آرام گذشتند، و تجارت ها و بازرگانی خود را رها کردند، و به کسب و کار خویش ضرر و زیان وارد کردند؛ و بدون پنهان شدن از شهرشان در مجالس و محافل عمومی و مهم شان پیدایشان نشد؛ و با افراد دوردستی که نسبتی نداشتند، به خاطر کمک و یاری آنها در کارشان، رابطه دوستی برقرار کردند؛ و نزدیکانی را که سد راه شان می شدند، کنار گذاشتند؛ و پس از آن همه اختلاف و دشمنی و قطع رابطه در روزگارشان، گروهی تشکیل دادند؛ و همه وسیله هایی را که آن ها را به خاروخاشاک زودگذر دنیا می رسانید از بیخ و بن برکنند. بارالها؛ بدین ترتیب، ایشان را در امان نگهدار، و سایه حمایت خودت قرار بده؛ و بدی و شرّ هریک از بندگان را که قصد دشمنی با آنان را دارد، از ایشان برگردان؛ و به خاطر دعوتشان به سوی تو، سرپرستی و امداد خویش را برای آن ها زیاد کن؛ و با توفیق و یاری و پیروزی، حمایت شان کن؛ و به وسیله حقّ و حقیقت آن ها باطل را از کسانی که قصد خاموش کردن نور تو را دارند، نابود گردان. بارالها؛ به وسیله ایشان، تمام افق های هستی،

الآفاق، و قطر من الأقطار قسطا و عدلا و مرحمه و فضلا، و اشكرهم على حسب كرمك و جودك و ما منتت به على القأئمين بالقسط من عبادك، و ادخرت لهم من ثوابك ما يرفع لهم به الدرجات، إنك تفعل ما تشاء و تحكم ما تريد. (1)

و تمام گوشه ها و اقطار جهان را، پر از داد و عدل و رحم و مهربانی و احسان گردان، و به ایشان (یاران آن حضرت) پاداش بده بر حسب کرامت و سخاوت مندی و منت هایی که نسبت به بندگان عدالت مندت داری، و ثواب هایی که برای شان ذخیره کرده ای، و درجه ایشان را به آن بالا- می بری، به راستی که تو هرچه را بخواهی انجام می دهی، و آنچه را اراده کنی، حکم می فرمایی.

در کتاب «البلد الأمین» این عبارات نیز وجود دارد:

و صلّى الله على خيره من خلقه محمّد و اله الأطهار. اللهمّ إنّي أجد هذه النّديه امتحت دلالتها، و درست اعلامها، و عفت إلاّ ذكرها، و تلاوه الحجّه بها. اللهمّ إنّي أجد بيني و بينك مشتبهات تقطعني دونك، و مبطنات تقعد بي عن إجابتك، و قد علمت أنّي عبدك و لا يرحد إليك إلاّ بزاد و أنّك لا تحجب عن خلقك إلاّ أن يحجبهم الأعمال دونك، و قد علمت أنّ زاد الرّاحل إليك عزم إرادته يختارك بها، و يصير بها إلى ما يؤدّي

و خداوند، درود پیوسته اش را بر برگزیده مخلوقاتش یعنی حضرت محمّد و خاندان پاکش نثار کند. بارالها؛ این گونه فکر می کنم که این ندبه و زاری دلالتش محو شده، و نشانه های آشکارش کهنه شده، و تنها یادش و قرائت کردن استدلال به آن مانده. خدایا؛ من، بین خودم و تو، اشتباهاتی می بینم که مرا از تو جدا می سازند؛ و موانعی که مرا از اجابت تو باز می دارند، و به خوبی می دانم که من بنده ات هستم، و نیز معلوم است که تنها با زاد و توشه می توان به سوی تو کوچ کرد؛ تو، از مخلوقات فاصله نداری، و این کارهای بندگان است که ایشان را از تو محجوب و محروم می سازد. خدایا؛ به خوبی می دانم که توشه کوچ کننده به سوی تو، همان اراده و تصمیم قطعی است که تو را به آن برمی گزیند-تا به سویت بیاید-

ص: ۱۶۹

(۱-۱). مهج الدعوات: ۸۵، [۱]البلد الأمین: ۶۶۰، و [۲]مصباح المتهدّج: ۱۵۶ [۳] با اندکی تفاوت.

إليك. اللهم وقد ناداك بعزم الإرادة قلبى فاستبقنى نعمتك بفهم حجّتك لسانى و ما تيسّر لى من إرادتك. اللهم فلا اختزلنّ عنك و أنا امّيك، و لا احتلجّ عنك و أنا أتحرّاك. اللهم و أيدنا بما نستخرج به فاقه الدّنيا من قلوبنا، و تنعشنا من مصارع هوانها، و تهدم به عنّا ما شيّد من بانيها، و تسقينا بكأس السّيلوه عنها حتّى تخلصنا لعبادتك، و تورثنا ميراث أوليائك المذّين ضربت لهم المنازل إلى قصدك، و انست و حشّتهم حتّى و صلوا إليك. اللهم و إن كان هوى من هوى الدّنيا أو فتنه من فتنها علق بقلوبنا حتّى قطعنا عنك أو حجّينا عن رضوانك، و قعد بنا عن إجابتك، فاقطع اللهم كلّ حبل من حبالها جذبنا عن طاعتك، و أعرض بقلوبنا عن أداء فرأئضك، و اسقنا عن ذلك سلوه و صبرا يوردنا على عفوكم، و يقدمنا

و بدین وسیله برای رسیدن به سوی تو حرکت می کند. بارالها! قلب من، با تصمیم قطعی خود تو را ندا می دهد؛ پس، نعمت را برایم به سبب فهمیدن حجّت پایدار کن، و هرچه ممکن است با اراده خودت برایم فراهم کن. بارالها! من تو را قصد کردم؛ پس، مرا از خود جدا مساز؛ و من در جستجوی تو هستم، پس مگذار از تو بریده شوم. خدایا! به طوری ما را موفق گردان که فقر و نیاز دنیوی را از قلب مان بیرون کنیم؛ و ما را بلند کن از محلّ های سقوط پست و بی ارزش دنیایی؛ و پایه های محکم علاقه به دنیا در درون ما را ویران ساز؛ و به ما جامی از جدایی و رهایی از آن بنوشان تا برای بندگی ات ما را خالص گردانی. و میراث جاودانه دوستان خودت را نصیب مان کن، همان دوستانی که جایگاه هایی برای رسیدن به خودت برای شان درست کردی، و وحشت شان را تبدیل به انس و آرامش نمودی تا در نهایت به وصال تو رسیدند. خدایا! اگر از خواهش ها یا فتنه ها و فریبندگی های دنیایی، باز هم چیزی به دل مان چسبیده بود تا ما را از تو جدا سازد یا از رضوان و خشنودی ات محروم سازد، و از دست یابی به اجابت تو بازمان دارد؛ (خدایا!) هر رشته علاقه دنیایی را که بخواهد ما را از فرمان برداری تو برگیرد و جذب دنیا کند، یا قلب های ما را از انجام واجبات تو باز داشته و روگردان کند؛ از بیخ و بن برکن. و جام رهایی و استقامت در برابر آن را به ما بنوشان که ما را به عفو و بخشش تو برساند، و ما را وادارد

على مرضاتك، إنك وليّ ذلك. اللَّهُمَّ و اجعلنا قَائِمِينَ على أنفسنا بأحكامك حتى تسقط عَنَّا مَوْنُ المعاصي، و اقمع الأهواء  
أن تكون مساوره، و هب لنا و طء اثار محمّد و اله صلواتك عليه و عليهم، و اللّٰهوق بهم حتى يرفع الدّين أعلامه ابتغاء اليوم  
المدى عندك. اللَّهُمَّ فمَنْ علينا بوطء اثار سلفنا، و اجعلنا خير فرط لمن ائتمّ بنا، فإنك على ذلك قدير و ذلك عليك يسير، و  
أنت أرحم الرّاحمين، و صلّى الله على محمّد سيّدنا و اله الأبرار و سلّم. (1)

تا به رضوان و خشنوديت دست يابيم؛ به راستی که اختيار اين کارها در دست باکفایت توست. بارالها؛ ما را چنان کن که خود  
را وادار به انجام دستورات و احکامت کنیم تا رنج و سنگینی گناهان را نیز از ما بیندازد؛ و هوس های مان را از این که همواره  
به ما حمله ور باشند، سرکوب کن؛ و پیمودن راه و روش حضرت محمّد و آل او را - که درودت بر او و ایشان باد- و ملحق  
شدن به آن بزرگواران را بر ما ارزانی بدار، تا در نهایت، دین، پرچم هایش را برافرازد؛ به امید روزی که نزد تو باشد. بارالها؛  
این منت را بر ما بگذار که آثار و آنچه بجای مانده از گذشتگان (و پیشوایان) مان را بپیماییم؛ و ما را بهترین پیشگامان برای  
کسانی قرار ده که می خواهند دنباله رومان باشند. به راستی که تو هم توان این کار را داری، و هم انجام آن برایت آسان  
است؛ و تو، مهربان ترین مهربانان هستی؛ و خداوند، درود و سلام پیوسته اش را بر محمّد-سرور ما- و خاندان نیک رفتارش،  
نثار کند.

## ۹- دعای قنوت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

این قنوت را سید بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از حضرت صاحب الزمان  
ارواحنا فداه نقل نموده اند:

اللّٰهُمَّ صلّ علی محمّد و ال محمّد، و اکرم اولیّائک یا نجاز

بارالها؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست؛ و اولیا و دوستانت را با عمل به وعده ات

ص: ۱۷۱

وعدك، و بلغهم درك ما ياملونه من نصرك، و اكفف عنهم بأس من نصب الخلاف عليك، و تمرّد بمنعك على ركوب مخالفتك، و استعان برفدك على فلّ حدك، و قصد لكيدك بأيدك، و وسعته حلما لتأخذه على جهره، و تستأصله على عزّه. فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقَّ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ إِزْيِنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (١)، و قلت فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ (٢)، و إنّ الغايه عندنا قد تناهت، و إنّنا لغضبك غاضبون، و إنّنا على نصر الحقّ متعصبون، و إلى ورود أمرك مشتاقون، و لإنجاز وعدك مرتقبون، و لحلول وعيدك بأعدائك متوقّعون. اللَّهُمَّ فَأَذِنْ بَذَلِكَ، و افتح طرقاته، و سهّل خروجه، و وطّأ

گرامی بدار، و آنان را به دست یابی آنچه آرزو دارند از یاری تو برسان، و باز بدار از ایشان سختی و شکنجه و عذاب کسی را که بنای مخالفت با تو را دارد، و از منع تو نسبت به ارتکاب گناه و مخالفت سرپیچی نموده و به کمک و عطای تو یاری جسته بر شکستن حرمت؛ و به وسیله خوبی ها و نعمت هایی که از توست، قصد فریب دادن تو را دارد. البتّه تو نسبت به این مخالف خود بردباری کرده ای تا ناگهان و آشکارا او را گرفتار کنی، و-با وجود قدرتی که یافته- او را به سختی مستأصل و بیچاره کنی. خداوندا؛ تو در قرآن فرموده ای و گفته‌ تو حقیقت دارد: «تا آن که زمین آراسته و دارای زروبرق شد، و اهلس گمان کردند که قدرت و توانایی بر آن را دارند؛-در این حال-دستور ما، شبانه یا به هنگام روز در رسید، و آن ها را درو شده ساختیم؛ به گونه ای که گویا دیروز هیچ نداشته است؛ این گونه نشانه ها را برای کسانی که اهل تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل بیان می کنیم». و نیز فرموده ای: «وقتی ما را به خشم آورده و ناراحت کردند، از ایشان انتقام گرفتیم». (خدایا؛) واقعیت آن است که ما به آخر خط رسیده ایم و تحمّل نداریم، ما با خشم تو به خشم می آیم، و برای یاری حق و حقیقت به هم پیوسته ایم، و مشتاق رسیدن دستورت هستیم، و انتظار محقق شدن وعده ات را می کشیم، و انجام تهدیدهایت علیه دشمنانت را متوقّع هستیم. بارالها؛ اجازه این کار را صادر کن، و راه های آن را بگشا، و قیام او را آسان گردان، و

ص: ۱۷۲

۱-۱. سورة یونس، آیه ۲۴. [۱]

۲-۲. سورة زخرف، آیه ۵۵. [۲]

مسالک، و اشرع شرآئعه، و اَید جنوده و أعوانه، و بادر بأسک القوم الظالمین، و ابسط سیف نقتک علی أعدآئک المعاندين، و خذ بالثار، إنک جواد مکار. (۱)

محلّ پیمودنش را آماده و هموار ساز، و راه های او را آشکار ساز، و سپاهیان و یارانش را نیرومند و قوی گردان، و ستم کاران را به سرعت گرفتار شکنجه و عذابت کن، و شمشیر انتقامت را بر دشمنانت که آگاهانه مخالفت و سرپیچی می کنند مسلط ساز، و انتقام را بگیر، که تو بخشنده چاره جویی هستی.

### ۱۰- دعای دوّم حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه

در قنوت

این قنوت را سیّد بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از امام زمان ارواحنا فداه نقل نموده اند:

[قل] اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء، و تنزع الملک ممّن تشاء، و تعزّ من تشاء، و تذللّ من تشاء، بیدک الخیر، إنک علی کلّ شیء قدير، یا ماجد یا جواد، یا ذا الجلال و الإکرام، یا بطّاش یا ذا البطش الشّدید، یا فعّالا لما یرید، یا ذا القوّه المتین، یا رؤوف یا رحیم، یا لطیف یا حیّ حین لا حیّ.

(بگو: خدایا؛ مالک و اختیاردار جهانی؛ فرمان فرمایی را به هرکسی که بخواهی می دهی؛ و از هرکه بخواهی می گیری؛ هرکسی را که بخواهی عزیز می گردانی؛ و هرکه را بخواهی خوار می کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو بر هر چیز توانایی. ای شکوه مند؛ ای سخاوت مند؛ ای دارنده قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری، ای بسیار سخت گیر؛ ای صاحب سخت گیری شدید، ای انجام دهنده هرچه می خواهی؛ ای صاحب نیروی قوی و محکم؛ ای رؤوف؛ ای مهربان؛ ای لطف کننده؛ ای زنده، در زمانی که هیچ زنده ای نبود؛

ص: ۱۷۳



أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَصَوَّرَ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ، وَ بِهِ تَسْوِقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ، مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَ الْعِظَامِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، وَ أَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلَجِ وَ النَّارِ، لَا هَذَا يَذِيبُ هَذَا، وَ لَا هَذَا يَطْفِئُ هَذَا. وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَ سَقَتَ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَ أَلْوَانَهَا. وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَبْدِئُ وَ تَعِيدُ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ، الْمَتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمَتَوَحَّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

از تو می خواهم به واسطه اسمت که ذخیره شده، پنهان، زنده و پایدار است؛ که در دانش پنهان خود، مخفیش کرده ای و هیچ کس از آفریدگانت بدان آگاهی ندارد؛ و از تو درخواست می کنم به واسطه آن اسمت که آفریدگانت را با آن در رحم مادران، هرگونه بخواهی صورت می بخشی؛ و روزی ایشان را در طبقه های تاریک، از بین رگ ها و استخوان ها به ایشان می رسانی؛ و از تو درخواست می کنم به واسطه آن اسمت که با آن بین دل های دوستانت پیوند و الفت برقرار کردی؛ و برف و آتش را باهم گرد آوردی، به گونه ای که نه آتش برف را آب کند، و نه برف آتش را خاموش نماید؛ و از تو درخواست می کنم به واسطه آن اسمت که با آن، به آب ها طعم بخشیدی، و از تو درخواست می کنم به آن اسمت که با آن آب را در بین لایه های زمین در ریشه های گیاه جاری ساختی، و از میان سنگ های سخت، آب را به سوی ریشه درختان روان نمودی، و از تو درخواست می کنم به آن اسمت که به وسیله آن طعم و رنگ های مختلف را به میوه ها دادی؛ و از تو درخواست می کنم با آن نامی که با آن، آغاز می کنی و باز می گردانی؛ و از تو درخواست می کنم با آن اسم یکتای یگانه ات، اسمی که به یکتایی اشاره دارد، و برای بی نیازی، یگانه است؛ و از تو می خواهم به واسطه نامی که

الَّذِي فَجَّرَتْ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّيْحَرِ الصَّيْمَاءِ، وَ سَقَتْهُ مِنْ حَيْثُ شَتَّتْ. وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَ رَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شَتَّتْ وَ كَيْفَ شَاؤُوا، يَا مَنْ لَا يَغْتَبِرُ الْأَيَّامَ وَ اللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَ مِنْ مَعَهُ، وَ أَهْلَكَ قَوْمَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَ جَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَ بَنَى إِسْرَائِيلَ، وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ فِي الْيَمِّ. وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ إِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ وَ صَفِيكَ وَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاسْتَجِبْ لَهُ، وَ مِنْ الْأَحْزَابِ نَجِّيتَهُ، وَ عَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ. وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دَعَيْتَ بِهِ أُجِبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ

با آن، آب را با نیرو و فشار از تکه سنگ های سفت و محکم بیرون آوردی، و از هر جایی که خواستی روان ساختی؛ و از تو می خواهم به واسطه اسمی که با آن، آفریدگانت را آفریدی و هر گونه که خواستی و هر گونه که خواستند آنان را روزی دادی؛ ای کسی که روزها و شب ها، در او دگرگونی ایجاد نمی کنند؛ می خوانم تو را با همان دعایی که نوح هنگامی که تو را ندا داد خواند، پس او را با همراهانش نجات بخشیدی، و قوم (ستمگر) ش را نابود کردی؛ و تو را می خوانم با همان دعایی که ابراهیم-دوستت-هنگامی که تو را ندا داد دعا کرد، پس او را نجات دادی، و آتش را برایش سرد و سلامت گردانیدی، و تو را می خوانم با همان دعایی که موسی -هم سخت-هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، پس دریا را برایش شکافتی و او را با بنی اسرائیل نجات دادی، و فرعون و سپاهش را در آب غرق فرمودی. و تو را می خوانم با دعایی که عیسی -روح تو-هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، و در نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی خودت بالا بردی؛ و تو را می خوانم با همان دعایی که حضرت محمد -همان دوست، برگزیده و پیامبرت- که درود خدا بر او و آل او باد-با آن دعا تو را خواند، پس به او پاسخ مثبت دادی، و از گروه های متشکل نجاتش بخشیدی، و بر دشمنانت یاری اش نمودی؛ و از تو می خواهم با آن نامت که هر گاه با آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می دهی. ای کسی که آفرینش و دستور

و الأمر، یا من أحاط بكلّ شيء علماً، یا من أحصى كلّ شيء عدداً، یا من لا تغیره الأيام و اللیالی، و لا تشابه علیه الأصوات، و لا تخفی علیه اللغات، و لا یرمه إلحاح الملحین. أسألك أن تصلّی علی محمّد و ال محمّد خیرتك من خلقك، فصلّ علیهم بأفضل صلواتك، و صلّ علی جمیع النبیین و المرسلین، الّذین بلّغوا عنك الهدی، و أعقدوا لك الموائیق بالطّاعه، و صلّ علی عبادك الصّیّحین. یا من لا یخلف المیعاد أنجز لی ما وعدتني، و اجمع لی أصحابی و صبرهم، و انصرنی علی أعدائك و أعداء رسولك، و لا تخیب دعوتی، فإنّی عبدك، ابن عبدك، ابن أمتك، أسیر بین یديك، سیّدی أنت الّذی مننت علیّ بهذا المقام و تفضّلت به علیّ دون كثير من خلقك، أسألك أن تصلّی علی محمّد و ال محمّد و أن تنجز لی ما وعدتني، إنك

و حکم فرمایی، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش همه چیز را فرا گرفته است؛ ای کسی که تعداد همه چیز را می داند؛ ای کسی که روزها و شب ها در او دگرگونی ایجاد نمی کند؛ و صداهای مختلف او را به اشتباه نمی اندازد؛ و لغت ها بر او پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری اصرارکنندگان او را به ستوه نمی آورد؛ از تو درخواست می کنم بر حضرت محمّد و آل محمّد که برگزیدگان از آفریدگانت هستند درود بفرستی. پس بر آنان به برترین درودهایت، درود بفرست. و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی های تو را به درستی و به طور کامل به بندگانت رسانده و پیمان های محکم برای فرمان برداری با تو، بستند؛ درود بفرست، و بر تمام بندگان شایسته و نیکوکاران درود فرست، ای کسی که خلاف وعده اش رفتار نمی کند؛ وعده ای را که به من دادی، وفا کن؛ و تمام یارانم را برایم گرد آور، و به ایشان صبر و استقامت عطا کن، و مرا بر دشمنان خودت و دشمنان پیامبرت -حضرت محمّد صلی الله علیه و اله و سلّم- پیروز فرما؛ و دعایم را بی بهره مگردان؛ که من بنده تو و فرزند بنده تو، و فرزند کنیز تو هستم، در پیشگاه تو اسیرم. سرور و آقای من؛ تویی که چنین مقام و منزلتی را بر من منت نهاده ای و مرا به وسیله آن از بسیاری از آفریدگانت برتری داده ای، از تو درخواست می کنم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و به وعده ای که به من دادی وفا کنی، که به راستی

أنت الصادق ولا تخلف الميعاد، و أنت على كل شيء قدير. (۱)

تو راست گو هستی، و خلاف وعده ات رفتار نمی کنی؛ و تو بر هر چیزی توانایی داری.

### ۱۱- دعای سوّم آن حضرت در قنوت

آیه الله سید نصر الله مستنبط رحمه الله، در حرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به دیدار امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شد، در حالی که آن حضرت نماز می خواند؛ به آنچه آن حضرت می خواندند گوش فراداد و شنید که آن حضرت در قنوتش این گونه دعا می کرد:

اللّهُمَّ إِنَّ معاوية بن أبي سفيان قد عادى عليّ بن أبي طالب، فالعنه لعنا وبيلا. (۲)

بارالها؛ به راستی که معاویه پسر ابو سفیان، با علی بن ابی طالب علیه السلام دشمنی سرسختانه ای کرد؛ پس او را به شدت لعنت کن.

### ۱۲- دعا در قنوت نماز جمعه

برای ظهور آن بزرگوار عجل الله تعالی فرجه

پسر مقاتل روایت نموده که امام رضا علیه السلام فرمود:

در قنوت نماز جمعه چه می گوئید و چه دعایی می کنید؟

گفتم: همان دعاهایی که مردم می خوانند.

ص: ۱۷۷

۱- ۱. مهج الدعوات: ۹۱، [۱] البلد الأمين: ۶۶۵. [۲]

۲- ۲. معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف خلال ألف عام: ۳/۱۱۹۹.

فرمود: آن طور که آن ها دعا می کنند، دعا مکن؛ بلکه بگو:

اللَّهُمَّ أصلح عبدك و خليفتك بما أصلحت به أنبياءك و رسلك، و حقه بملائكتك، و أئده بروح القدس من عندك، و اسلكه من بين يديه و من خلفه رسدا يحفظونه من كل سوء، و أبدله من بعد خوفه أمنا، يعبدك لا يشرك بك شيئا، و لا تجعل لأحد من خلقك على وليك سلطانا، و أذن له في جهاد عدوك و عدوه، و اجعلني من أنصاره، إنك على كل شيء قدير. (۱)

بارالها؛ به وسیله آنچه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، امور بنده و جانشینت (امام عصر علیه السلام را نیز اصلاح فرما؛ و با فرشتگانت گرداگردش را فراگیر؛ و او را با روح القدس از جانب خودت، تأییدش گردان؛ و مراقب و نگهبانانی در پیش رو و از پشت سرش بگمار، تا نگذارند هیچ بدی به او برسد؛ و پس از شرایط ترسناکی که دارد، محیطی سراسر آرامش برایش فراهم کن، تا تو را بپرستد و چیزی را شریک تو نگرداند؛ و و چیرگی و قدرت برای هیچ یک از آفریدگانت بر ولایت قرار مده؛ و به او اجازه بده تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد؛ و مرا نیز از یاران آن حضرت قرار ده؛ همانا، تو بر هر چیزی توانا هستی.

ص: ۱۷۸

---

۱-۱). مصباح المتهجد: ۳۶۶، [۱] جمال الاسبوع: ۲۵۶، [۲] بحار الأنوار: ۸۹/۲۵۱، أبواب الجنات: ۱۸۳. [۳]

بخش سوم: ادعیه بعد از نمازها

اشاره

ص: ۱۷۹



## ۱- دعا برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

بعد از هر نماز واجب

در کتاب «جمال الصالحین» از مولای مان امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند:

همانا از حقوق ما بر شیعیان ما این است که بعد از هر نماز واجب دست هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

یا ربّ محمد عجل فرج ال محمد، یا ربّ محمد إ حفظ غیبه محمد، یا ربّ محمد إنتقم لابنه محمد علیهما السلام. (۱)

ای پروردگار محمد؛ فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما؛ ای پروردگار محمد؛ محافظت کن (دین را در) غیبت محمد، ای پروردگار محمد؛ انتقام دختر محمد علیهما السلام را بگیر.

## ۲- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

پس از نمازهای واجب

امام جواد علیه السلام فرمودند:

وقتی از نماز واجب فارغ شدی بگو:

ص: ۱۸۱

---

۱- ۱). مکیال المکارم: ۲/۷. [۱]



رضیت باللہ ربّنا، و بالإسلام دینا، و بالقران کتابا، و بمحمّد صلی اللہ علیہ و الہ و سلّم نبّیا، و بعلیّ ولیّا، و بالحسن و الحسین، و علیّ بن الحسین، و محمّد بن علیّ، و جعفر بن محمّد، و موسی بن جعفر، و علیّ ابن موسی، و محمّد بن علیّ، و علیّ بن محمّد، و الحسن بن علیّ، و الحجّہ بن الحسن بن علیّ أئمّہ. اللّٰهُمَّ و لیک الحجّہ فاحفظہ من بین یدیه، و من خلفہ، و عن یمینہ و عن شمالہ، و من فوقہ و من تحتہ، و امدد له فی عمرہ، و اجعلہ القائم بأمرک، المنتصر لدينک، و أره ما یحبّ و تقرّ به عینہ فی نفسہ و فی ذرّیّتہ، و أهله و مالہ، و فی شیعته و فی عدوّہ، و أرحم منه ما یحذرون، و أره فیہم ما یحبّ و تقرّ به عینہ، و اشف به صدورنا و صدور قوم مؤمنین.

خشنودم کہ خداوند پروردگار من، اسلام دین من، قرآن کتابم، حضرت محمّد صلی اللہ علیہ و الہ و سلّم پیامبرم، حضرت علی سرپرست و صاحب اختیارم، حسن و حسین و علیّ بن حسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علیّ ابن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و حجّت بن الحسن بن علی امامان و پیشوایان من باشند. خداوندا؛ ولیّ تو حضرت حجّت است، پس او را از روبه رو و پشت سرش و از طرف راست و چپش، و از بالا- و پایین حفظ فرما، و عمرش را طولانی کن، و او را قیام کننده به امرت قرار بده، تا یاری گر دینت باشد و آنچه دوست می دارد و باعث چشم روشنی اش می شود در مورد خودش و فرزندانش و خانواده اش و مالش و پیروان و دشمنانش به او نشان ده؛ و آنچه دشمنانش در مورد او پرهیز دارند به آنان نشان ده، و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می شود به او نشان ده و سینه های ما را و سینه های مؤمنان را به وسیله او شفا بخش.

این حدیث، دعا کردن برای فرج مولای مان حضرت حجّت ارواحنا فداه را بعد از هر نماز واجب مورد تأکید قرار می دهد.

(۱)

ص: ۱۸۲

### ۳- دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه

که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود

روایت شده است:

هرکس بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند و بر آن مواظبت کند، آن قدر عمرش طولانی شود و زندگیش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف گردد.

آن دعا چنین است:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمَصْدُقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قَلْتَ مَا تَرَدَّدْتَ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعْلَمْ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَ تَه. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ، وَالتَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي، وَلَا فِي فَلَانِ.

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست. خدای من؛ همانا رسول راستگو و تأییدشده ات- که درودهای تو بر او و آل او باد- گفته است: که همانا تو فرموده ای: در مورد هیچ کدام از کارهایی که انجام می دهم مثل قبض روح بنده مؤمنم دچار تردید نشده ام؛ زیرا او مرگ را خوش نمی دارد و من ناراحتی او را نمی پسندم. خداوندا؛ پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج و گشایش کار ولایت و پیروزی و عافیتش را تعجیل فرما و موجبات ناراحتی مرا در مورد خودم و فلانی فراهم مساز.

فرمود: و هر که را که می خواهی به جای «فلانی» نام ببر. (۱)

ص: ۱۸۳

---

۱- ۱). مکارم الأخلاق: ۲/۳۵، و در مصباح المتهجد: ۵۸ و الصحیفه الصادقیه: ۱۷۸ با اندکی تفاوت.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، همانا او حضرت حجّت علیه السلام را در بیداری یا خواب می بیند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مولانا صاحب الزّمان، أينما كان و حیثما كان، من مشارق الأرض و مغاربها، سهلها و جبلها، عَنِّي و عن والديّ، و عن ولدي و إخواني التّحيّة و السّلام عدد خلق الله، و زنه عرش الله، و ما أحصاه كتابه، و أحاط علمه. اللَّهُمَّ إِنِّي اجدّد له في صبيحه هذا اليوم، و ما عشت فيه من أيّام حياتي، عهدا و عقدا و بيعه له في عنقي، لا أحول عنها و لا أزول. اللَّهُمَّ اجعلني من أنصاره و نصّاره الدّآيين عنه، و الممثّلين لأوامره و نواهيه في أيّامه، و المستشهدين بين يديه. اللَّهُمَّ فَإِنْ حال

خداوندا؛ به مولای مان صاحب الزمان هر کجا و هر گونه که باشد در شرق و غرب زمین، بیابان و کوه آن؛ درود و تحیتی از طرف من و والدینم و از سوی فرزندانم و برادرانم به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی عرش الهی و آنچه کتابش دربردارد و دانشش به آن احاطه دارد؛ برسان. خداوندا؛ همانا من در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگیم، با او عهد و پیمان و بیعتی را که از او بر گردنم است تجدید می کنم و هرگز از این بیعت دگرگون نمی شوم و کنار هم نمی زنم. خداوندا؛ مرا از یارانش و جان نثارانی که از او دفاع می کنند قرار بده، و از آنان که دستورات و نهی هایش را در دوران حکومتش فرمان می برند و نیز از شهادت جویان در رکابش قرار بده. خداوندا؛ اگر

بینی و بینة الموت، الّذی جعلته علی عبادک حتما مقضیا فأخرجنی من قبری مؤتزا کفنی، شاهرا سیفی، مجرّدا فنانی، ملتیبا دعوه الدّاعی فی الحاضر و البادی. اللَّهُمَّ أرني الطّلعہ الرّشیدة و العزّه الحمیدة، و اکحل بصری بنظره منی إلیه، و عجل فرجه، و سهّل مخرجه. اللَّهُمَّ اشدّد أزره، و قوّ ظهره، و طوّل عمره، و اعمر اللّهمّ به بلادک، و أحي به عبادک، فَإِنَّک قلت و قولک الحقّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْمَبْرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ (۱)، فأظهر اللّهمّ لنا وليّک و ابن بنت نبیّک، المسمّی باسم رسولک صلواتک علیہ و اله، حتّی لا یظفر بشیء من الباطل إلاّ مزّقه، و یحقّ الله الحقّ بکلماته و یحقّقه. اللَّهُمَّ اکشف هذه الغمّه عن هذه الامنه بظهوره، إنهم یرونه بعیدا، و نراه قریبا، و صلّی الله علی محمّد و اله. (۲)

بین من و او مرگ فاصله انداخت؛ -مرگی که برای بندگانت حتمی و قطعی قرار داده ای- پس مرا از قبرم خارج کن درحالی که کفتم را به کمر بسته، شمشیرم کشیده، نیزه ام آماده و بیرون کشیده شده و دعوت دعوت کننده را در شهر باشم یا صحرا، لبیک گویم. خداوندا؛ به من طلعت راه گشا و چهرة ستوده شده را نشان بده، و با نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن، و فرجش را تعجیل فرما، و خروجش را آسان گردان. خداوندا؛ پشتش را محکم، و کمرش را قوی و نیرومند گردان و عمرش را طولانی کن و-خداوندا-به وسیله او، سرزمین هایت را آباد گردان و به واسطه او بندگانت را زنده گردان؛ زیرا تو گفتی درحالی که سخن تو حقّ است: «فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با دست خود انجام دادند». پس خداوندا؛ ولیّ خود و فرزند دختر پیامبرت را -که همانم است با رسولت که درودهای تو بر او و آل او باد- برای ما ظاهر کن تا بر چیزی از باطل دست نیابد مگر آن که آن را پاره کند، و خدا به کلماتش، حق را ثابت کند و آن را محقّق سازد. خداوندا؛ این گرفتاری و اندوه را از این امت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را دور می بینند و ما نزدیک می بینیم؛ و خدا بر محمّد و آل محمّد درود بفرستد.

ص: ۱۸۵

۱-۱. سورة روم، آیه ۴۱. [۱]

۲-۲. بحار الأنوار: ۸۶/۶۱. [۲]

## ۵- دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» می نویسد: این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان امام زمان ارواحنا فداه با آن زیارت می شود:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَ مَيْتَهُمْ، وَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَ الْوَالِدَاتِ، وَ عَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ، زَنَهُ عَرْشِ اللَّهِ، وَ مَدَادِ كَلِمَاتِهِ، وَ مَنْتَهَى رِضَاهِ، وَ عَدَدِ مَا أَحْصَاهُ كِتَابَهُ، وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً [لَهُ] فِي رِقْبَتِي. اللَّهُمَّ كَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَ خَصَصْتَنِي بِهَذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ،

خداوندا؛ برسان به مولایم صاحب الزمان- که درودهای خدا بر او باد- از سوی تمام مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و بیابان و کوه، زنده و مرده آن ها، و از سوی پدر و مادر و فرزندانم و خودم درود و تحیتی هم سنگ عرش الهی، و گستردگی کلمات او و نهایت رضایتش، و آن مقدار که کتابش گرد آورده و علمش به آن احاطه دارد. بارالها؛ در امروز و در هر روز، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) که نسبت به او بر گردنم است تجدید می کنم. خداوندا؛ همان گونه که مرا به این شرافت سرافراز کردی، و به این فضیلت برتری دادی، و به این نعمت مخصوص گرداندی، پس بر مولایم و آقایم صاحب الزمان درود فرست و مرا از یاوران و پیروان

و الذّآئین عنه، و اجعلنی من المستشهدین بین یدیه، طآئعا غیر مکره، فی الصّفّ الذّی نعتّ أهله فی کتابک، فقلت صیفا کآئهم  
بُنیان مَرّصُوص (۱) علی طاعتک و طاعه رسولک و اله علیهم السّلام. أللهّم هذه بیعه له فی عنقی إلی یوم القیامه. (۲)

و مدافعانش قرار بده، و مرا از شهادت طلبان در پیشگاه و رکاب همایونی او قرار بده که با تمام شوق آرزوی شهادت می  
کنند نه با اجبار؛ در صفی که اهل آن را در قرآنت وصف کرده ای و گفتی: «صف بسته اند، گویی اینان بنیانی آهین هستند»  
در فرمان برداری تو و رسالت و آل او - که بر ایشان درود باد- خداوندا؛ این بیعتی است برای او در گردنم تا روز قیامت.

## ۶- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در تعقیب نماز صبح

شیخ بهایی رحمه الله در تعقیب نماز صبح می گوید: درحالی که محاسن خود را در دست راست گرفته ای و کف دست  
چپ را رو به آسمان بالا برده باشی، هفت مرتبه می گویی:

یا ربّ محمّد و ال محمّد، صلّ علی محمّد و ال محمّد، و عجل فرج محمّد و ال محمّد. (۳)

ای پروردگار محمّد و آل محمّد؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و در فرج محمّد و آل محمّد شتاب فرما.

ص: ۱۸۷

---

۱- ۱. سورة صفّ، آیه ۴. [۱]

۲- ۲. زاد المعاد: ۴۸۷، [۲] مصباح الزائر: ۴۵۴. [۳] بعضی از بزرگان این دعا را در بخش زیارت ها ذکر کرده اند؛ زیرا این دعا  
به منزله بیعت با امام زمان صلوات الله علیه است.

۳- ۳. مفتاح الفلاح: ۲۰۶، مصباح المتهجد: ۵۳ [۴] با کمی تفاوت. .

## ۷- دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح

در «منهاج العارفين» آمده است: مستحب است نماز گزار بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۱)

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرجشان تعجیل فرما.

## ۸- دعای دیگری برای حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «مقباس» در تعقیب نماز صبح روایت می کند: پیش از آن که کلامی بر زبان بیاورد صد مرتبه بگوید:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ شَتَابَ فَرَمَا، وَمَرَّازِ آتَشِ رَهَا وَآزَادِ كُنْ. (۲)

ای پروردگار من! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی آل محمد شتاب فرما، و مرا از آتش رها و آزاد کن.

ص: ۱۸۸

---

۱- ۱. منهاج العارفين: ۱۰۸.

۲- ۲. مکيال المكارم: ۲/۱۳. [۱]

## ۹-۱۱- دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

محدّث نوری رحمه الله در «دار السلام» می گوید:

عالم عامل ملاً فتحعلی سلطان آبادی رحمه الله به من گفت که: فاضل مقدّس پرهیزگار ملاً محمّد صادق عراقی رحمه الله در نهایت فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبختی از هر سو به او رو آورده بود.

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا این که شبی در خواب دید که گویا در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می باشد و قبه ای بر بالای آن است.

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود. به او گفته شد: در این خیمه، پناهگاه محکم و استوار، فریادرس گرفتار بیچاره، حجّت قائم، حضرت مهدی و امام منتظر مرضی- که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید- حضور دارند. شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتاریش را در آن یافته بود.

وقتی به حضور حضرت رسید، از پریشانی و فشار زمان و سختی حال خانواده اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاریش برطرف شود.

حضرت او را به سیدی از فرزندان حواله کرد و به خیمه اش اشاره کرد. شیخ از حضور حضرت مرخص شده و به آن خیمه رفت. در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد، عالم والامقام و مورد تأیید جناب سید محمّد سلطان آبادی را دید که بر سجاده اش نشسته و در حال نیایش است.

بعد از سلام، آنچه حجّت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت.



در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد، درحالی که دعا در ذهنش مانده بود. سپس به سوی خانه سید محمد روانه شد با آن که قبل از آن خواب به دلیلی که ذکر نمی کرد از سید کناره می گرفت و نمی خواست او را ببیند.

وقتی به خانه سید رسید و داخل شد سید را دید که بر روی سجاده نمازش-همان گونه که در خواب دیده بود-نشسته و ذکر خدا می گوید و استغفار می کند.

به سید سلام کرد و او جواب داد درحالی که خنده ای بر لب داشت، گویا قضیه را می داند و از اسرار پنهانی آگاه است. شیخ آنچه در خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت.

شیخ مدت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد. همیشه استاد ما دام ظلّه آن سید را با احترام تعریف می نمود، درحالی که او را در اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی شاگردی ایشان نموده بود.

آنچه سید رحمه الله در خواب و بیداری به شیخ آموخت، سه چیز است:

۱- بعد از نماز صبح درحالی که دستش را بر روی سینه گذاشته، هفتاد مرتبه «یا فتّاح» بگوید.

کفعمی رحمه الله نیز در کتاب «مصباح» می گوید: هرکس به این شکل این ذکر را بگوید خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند.

۲- آنچه کلینی در کتاب «کافی» آن را روایت کرده است که:

یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید، رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم به او فرمودند:

چه چیزی تو را از دیدار ما در این چند روز باز داشت؟

مرد گفت: بیماری و فقر.

حضرت فرمود: آیا نمی خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند؟

مرد گفت: البتّه، ای رسول خدا.

حضرت فرمودند: بگو:

لا حول و لا قوه إلا بالله [العلیّ العظیم]، توکلت علی الحیّ الّذی لا یموت، و الحمد لله الّذی لم یتخذ [صاحبه و لا] اولدا، و لم یکن له شریک فی الملک، و لم یکن له ولیّ من الذّلّ، و کبره تکبیرا.

هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خداوند [بلندمرتبه بزرگ]؛ توکل کردم بر (خدای) زنده ای که هرگز نمی میرد، و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که [همسر و] فرزند ندارد، و در فرمانروایی شریکی برایش نیست، و برای او از روی خواری و ذلت ولیّ و سرپرستی نیست؛ و به بزرگی از او یاد کن.

راوی گوید: زمان اندکی گذشت که آن مرد صحابی نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم بازگشت و گفت: ای رسول خدا؛ خداوند بیماری و فقر را از من برطرف کرد.

۳- آنچه ابن فهد حلّی در کتاب «عدّه الداعی» از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم روایت کرده است:

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند، هیچ حاجتی از خدای تعالی نخواهد مگر آن که به آسانی برآورده شود و خداوند کارهای مهمّ او را کفایت نماید:

بسم الله و صلی الله علی محمّد و اله، و افوض امری إلی الله، إنّ الله بصیر بالعباد، فوقیه الله سیئات ما مکروا، لا إله إلا أنت، سبحانک إنی کنت من الظّالمین، فاستجنا له و نجیناه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین، و حسبنا الله و نعم الوکیل، فانقلبوا بنعمه من الله، و فضل لم یمسسهم سوء، ما شاء الله لا حول و لا قوه إلا بالله، ما شاء الله لا ما شاء الناس، ما شاء الله

به نام خدا و خداوند بر محمّد و آل محمّد درود فرستد، و کارم را به خدا واگذار می کنم؛ همانا خدا نسبت به بندگان بیناست. پس خدا او را از بدی های آنچه مکر و حيله کرده اند محفوظ داشت؛ هیچ خدایی جز تو نیست؛ پاک و منزّهی تو، همانا من از گروه ستمگران بودم؛ پس دعای او را اجابت کردیم و او را از غم و اندوه رهانیدیم و این گونه مؤمنان را نیز نجات می بخشیم و خدا ما را کفایت می کند و او خوب و کیلی است. پس با نعمتی از سوی خدا و فضل و احسان درحالی که هیچ بدی به آنان راه نرسید دگرگون شدند. آنچه خدا بخواهد همان شود و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خدا؛ هرچه خدا بخواهد همان شود نه آنچه مردم بخواهند؛ هرچه خدا

و إن کره النَّیاس. حسبی الرَّبِّ من المرَبوبین، حسبی الخالق من المخلوقین، حسبی الزَّازق من المرزوقین، حسبی اللّٰه ربِّ العالمین، حسبی من هو حسبی، حسبی من لم یزل حسبی، حسبی من کان مذ کنت [لم یزل]حسبی، حسبی اللّٰه لا- إله إلاّ- هو، علیه توکلت و هو ربّ العرش العظیم.

بخواهد همان شود؛ هرچند مردم خوش نداشته باشند. پرورش دهنده، مرا از پرورش یافتگان کفایت می کند؛ آفریننده، مرا از آفریدگان کفایت می کند؛ روزی دهنده مرا از روزی خواران کفایت می کند؛ خدایی که پروردگار جهانیان است مرا کفایت می کند. کفایت می کند مرا آن کسی که برایم کافی است؛ کفایت می کند مرا آن که همیشه کفایت می کند؛ کفایت می کند مرا آنکه از ابتدایی که بودم پیوسته مرا کفایت می کند؛ خدایی مرا کفایت می کند که جز او خدایی نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

مواظبت در مداومت این اوراد شایسته است، زیرا که فهم و درایت و خبر، این اذکار و دعاها را تصدیق کرده است. (۱)

## ۱۲- دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

امام صادق علیه السّلام می فرماید:

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر، در روز جمعه و دیگر روزها بگوید:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل بفرما،

نمی میرد تا این که حضرت قائم مهدی (صلوات اللّٰه علیه) را درک کند. (۲)

ص: ۱۹۲

---

۱- ۱). دار السلام: ۲/۲۶۶.

۲- ۲). مصباح المتّهجد: ۳۶۸، بحار الأنوار: ۸۶/۷۷ و ۸۹/۳۶۳، و در «الصحیفه الصادقیه: ۱۶۹» نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگوید.

### ۱۳- دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است: از اذکار مهم در تعقیب نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق علیه السلام در دعا کردن برای حضرت مهدی صلوات الله علیه است. امامی که رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به آن ها وعده داده که آن حضرت در آخر الزمان ظهور می کند.

محمد بن رهبان دیلی روایت کرده است: ابو علی محمد بن حسن بن محمد بن جمهور قمی گفت: پدرم از پدرش محمد بن جمهور و او از احمد بن حسین سگری و او از عباد بن محمد مدائنی نقل کرد که: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود، آن حضرت دست ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می گفت:

یا سامع کل صوت، یا جامع (کل فوت)، یا باری کل نفس بعد الموت، یا باعث، یا وارث، یا سید الساده، یا إله الآلهه، یا جناب الجابره، یا ملک الدنیا و الآخره، یا ربّ الأرباب، یا ملک الملوک، یا بطّاش، یا ذا البطش الشدید، یا فعّالا لما یرید، یا محصی عدد الأنفاس و نقل الأقدام، یا من السّرّ عنده علانیه، یا مبدئ، یا معید. أسألك بحقک علی خیر تک من خلقک،

ای شنونده هر صدا؛ ای گردآورنده (هر نابود)؛ ای آفریننده هر جان و روان بعد از مرگ؛ ای برانگیزاننده؛ ای وارث؛ ای آقا و سرور آقایان؛ ای معبود معبودها؛ ای چیره و متسلط بر چیره شوندگان؛ ای پادشاه دنیا و آخرت؛ ای پرورش دهنده پرورش دهندگان، ای پادشاه پادشاهان؛ ای بسیار سخت گیر؛ ای صاحب سخت گیری شدید؛ ای انجام دهنده هر چه می خواهد؛ ای شمارشگر تعداد نفس ها و حرکت و جابجایی قدم ها؛ ای کسی که پنهان در نزد او آشکار است؛ ای آغازگر آفرینش؛ ای بازگرداننده؛ از تو می خواهم به حق خودت بر بندگان برگزیده ات از میان آفریدگانت،

و بحقّهم الّذى أوجبت لهم على نفسك، أن تصلّى على محمّد و أهل بيته عليه و عليهم السّلام، و أن تمنّ على السّاعه السّاعه بفكّك رقبتى من النّار، و أنجز لوليتك و ابن نبيّك الدّاعى إليك بإذنك، و أمينك فى خلقك، و عينك فى عبادك، و حجّتك على خلقك، عليه صلواتك و بركاتك و عده. أللّهم أئده بنصرك، و انصر عبدك، و قوّ أصحابه و صبرهم، و اجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا، و عجل فرجه، و أمكنه من أعدائك و أعداء رسولك، يا أرحم الرّاحمين.

و به حقّى كه برای ایشان بر خودت لازم کردی؛ كه بر محمّد و اهل بيتش درود بفرستی كه سلام بر او و بر آنان باد، و در همین ساعت، در همین ساعت بر من مّنت گذاشته و مرا از آتش، رها كنى؛ و برای ولّی خودت و فرزند پیامبر خودت كه دعوت كننده به سوى تو به اجازه تو و امانت دارت در میان خلق تو و چشم تو در میان بندگان تو، و حجّت تو بر آفریدگان تو است- كه درودها و بركات تو بر او باد- وعده ات را انجام بده. خداوندا؛ با یاری خودت او را تأیید كن، و بنده ات را یاری نما، و اصحابش را قوّت بخش و آنان را شكیبایی عنایت كن؛ و برای ایشان از نزد خودت قدرت یاری كننده ای را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل كن، و او را بر دشمنانت و دشمنان رسولت مكنت و قدرت ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

گفتم: فدایت شوم؛ آیا این طور نیست كه برای خویش دعا نمودید؟ حضرت فرمود:

برای نور آل محمّد عليهم السّلام و پیش رو و جلودار و انتقام گیرنده از دشمنان آل محمّد به امر خدا، دعا كردم.

گفتم: فدایت شوم؛ كی خروج می كند؟

حضرت فرمود: هرگاه آن كه آفرینش و امور عالم در دست اوست، بخواهد.

گفتم: آیا برای خروج او علامتی هست؟

حضرت فرمود: آری؛ نشانه های مختلفی هست. گفتم: مانند چه چیزی؟

حضرت فرمود: خروج علامت و پرچمی از شرق و پرچمی از غرب و فتنه ای كه بر اهل «زوراء» سایه می افكند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن، و به

تاراج رفتن پردهٔ بیت الحرام (۱)، و خداوند هرچه بخواهد، انجام می دهد. (۲)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: از این دعا چند چیز استفاده می شود:

اول: مستحب است دعا کردن در حق حضرت حجت صلوات الله علیه و درخواست تعجیل فرج آن حضرت بعد از نماز ظهر.

دوم: مستحب است بالا بردن دست ها هنگام دعا برای حضرت حجت ارواحنا فداه.

سوم: مستحب است شفیع گرفتن ائمه و درخواست کردن به حق ایشان، قبل از طلب حاجت.

چهارم: مستحب است حمد و ستایش خدای عز و جل در ابتدای دعا.

پنجم: مستحب است مقدم داشتن صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بر طلب حاجت.

ششم: پاک کردن روان از گناهان به وسیله استغفار و مثل آن؛ تا روان پاک و برای اجابت آماده شود. شاهد این مطلب، طلب مغفرت و رهایی از آتش است که امام علیه السلام درخواست نموده است.

هفتم: منظور از ولی مطلق که بدون اضافه و قید باشد در گفتار ائمه علیهم السلام و دعای ایشان همان مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه است.

هشتم: مستحب است دعا کردن در حق اصحاب و یاوران حضرت.

نهم: امام صلوات الله علیه در هر حالی شاهد بر اعمال بندگان است، آن ها و رفتارشان را می نگرد که جمله «چشم تو در میان بندگان» به آن اشارت و دلالت دارد.

دهم: یکی از القاب حضرت حجت ارواحنا فداه نور آل محمد علیهم السلام است؛ در روایات نیز شاهد بر آن وجود دارد؛ محقق نوری رحمه الله بعضی از آن ها را در کتابش بنام «نجم الثاقب» ذکر کرده است.

یازدهم: آن حضرت ارواحنا فداه بعد از امیر مؤمنان علی علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام افضل و برتر از دیگر ائمه علیهم السلام می باشد و روایات دیگری نیز آن را تأیید می کند.

ص: ۱۹۵

۱- ۱. بحار الأنوار: ۸۶/۶۲، فلاح السائل: ۱۷۰، المصباح: ۴۸، البلد الأمين: ۲۷.

۲- ۲. مکیال المکارم: ۲/۱۱. [۱]

دوازدهم: خداوند عزّ اسمه حضرت را ذخیره فرموده و آمدنش را به تأخیر انداخته است برای انتقام گرفتن از دشمنان خودش و دشمنان رسولش؛ و روایات در این باره متواتر است.

سیزدهم: زمان ظهورش از امور پنهانی است که مصلحت الهی چنین اقتضا کرده است؛ در این مورد هم روایات متواتر است. چهاردهم: نشانه های گفته شده در روایت از علایم حتمی و قطعی نیست؛ به خاطر این جمله که در آخر کلام فرموده است: «و خداوند هر چه بخواهد، انجام می دهد». (۱)

#### ۱۴- دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه پس از نماز عصر

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «فلاح السائل» می نویسد: از اذکار مهم بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولای مان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در دعا نمودن برای مولای مان حضرت مهدی صلوات الله علیه است.

چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت کرده است که گفت: در بغداد بر ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام-وقتی از نماز عصر فارغ شده بود-وارد شدم. دیدم دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می گوید:

أنت الله لا إله إلا أنت، الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن، و أنت الله لا إله إلا أنت، إليك زیاده الأشياء و نقصانها، و أنت الله لا إله إلا أنت، خلقت الخلق بغير معونه من غیرک، و لا حاجه

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، اوّل و آخر و ظاهر و باطن تویی؛ خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ فزونی و کاستی چیزها در اختیار توست؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ آفرینش را بدون کمک دیگران و بدون نیاز به آنان آفریدی؛

ص: ۱۹۶

إليهم، أنت الله لا- إله إلا- أنت، منك المشيئة و إليك البدء. أنت الله لا إله إلا أنت، قبل القبل و خالق القبل، أنت الله لا إله إلا أنت، بعد البعد و خالق البعد، أنت الله لا إله إلا أنت، تمحو ما تشاء و تثبت و عندك أم الكتاب، أنت الله لا إله إلا أنت، غاية كل شيء و وارثه، أنت الله لا إله إلا أنت، لا يعزب عنك الدقيق و لا الجليل، أنت الله لا إله إلا أنت، لا يخفى عليك اللغات، و لا- تتشابه عليك الأصوات. كل يوم أنت في شأن، لا يشغلك شأن عن شأن، عالم الغيب و أخفى، ديان الدين، مدبر الأمور، باعث من في القبور، محي العظام و هي رميم، أسألك باسمك المكنون المخزون، الحي القيوم، المذی لا يخيب من سألك به، أن تصلي على محمد و اله، و أن تعجل فرج المنتقم لك من أعدائك، و أنجز له ما وعدته، يا ذا الجلال و الإكرام.

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، مشیت از توست و آغاز کردن بستگی به تو دارد. تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، قبل از هر قبلی بوده ای و تو آفریدگار قبل هستی؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، بعد از هر بعدی هستی و آفریدگار بعد تویی، تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هرچه را بخواهی محو یا اثبات می کنی و ام الكتاب نزد توست، تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، نهایت و وارث هر چیزی؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ چیز کوچک و بزرگ از نظرت پنهان نمی ماند؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمی ماند و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی اندازد. هر روز تو در شأن و کاری هستی که هیچ شأنی تو را از شأن دیگر بازمی دارد. دانای غیب و پنهانی ها، پاداش دهنده کار، تدبیرگر امور، برانگیزاننده افرادی که در قبرهایند، زنده کننده استخوان ها درحالی که پودر و خاکستر شده اند تو هستی؛ از تو می خواهم به اسم پنهان ذخیره شده ات، که زنده و پاینده است، که هر کس تو را به آن نام بخواند ناامید نمی شود؛ که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و فرج و گشایش در کار انتقام گیرنده ات از دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده ای به جای آوری؛ ای صاحب جلال و کرامت؛

یحیی بن فضل می گوید: عرض کردم: برای چه کسی دعا کردید؟ حضرت فرمود:



برای مهدی آل محمد علیهم السلام.

آنگاه فرمودند: پدرم فدای آن که دارای شکم ستبر، ابروهای به هم پیوسته است؛ ساق باریک؛ شانه های پهن و رنگ گندمگون دارد که به خاطر شب زنده داری کمی مایل به رنگ زرد است.

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می رساند؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسد؛ چراغ فروزنده در تاریکی ها است؛ پدرم فدای قیام کننده به امر خدا باد.

گفتم: چه وقت خروج می کند؟ حضرت فرمود:

هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و دجله آمده اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه های کوفه سوزانده شد، هنگامی که این نشانه ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به تأخیر بیندازد. (۱)

**۱۵- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب- شیخ طوسی اعلی الله مقامه می گوید: مستحب است در تعقیب این دو رکعت نماز، این دعا خوانده شود:**

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ و لم يسأل مثلك، أنت موضع مسأله السَّائِلِينَ و منتهى رغبه الرَّاغِبِينَ، أَدْعُوكَ و لم يدع مثلك، و أَرْغَبُ إِلَيْكَ و لم يرغب إلي مثلك، أنت مجيب دعوه المضطَّرِّين و أرحم

خداوندا؛ همانا من از تو می خواهم، درحالی که کسی مانند تو نیست که سؤال شود. تو محلّ خواسته درخواست کنندگانی و نهایت شوق مشتاقانی؛ تو را صدا می زنم درحالی که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم درحالی که کسی چون تو نیست که به او میل شود؛ تو اجابت گر دعای بیچارگانی و مهربان ترین

ص: ۱۹۸

---

(۱-۱). فلاح السائل: ۱۹۹، و در المصباح: ۵۱ و [۱] البلد الأمين: ۳۵ با تفاوتی.

الرّاحمين. أسألك بأفضل المسائل و أنجحها و أعظمها، يا الله يا رحمان يا رحيم و بأسمائك الحسنی، و أمثالك العلیا، و نعمك الّتی لا تحصی. و بأكرم أسمائك علیك، و أحبها إليك، و أقربها منك وسیله، و أشرفها عندك منزله، و أجزلها لديك ثوابا، و أسرعها فی الامور إجابة، و باسمك المكنون الأكبر الأعزّ الأجلّ الأعظم الأكرم، الّذی تحبّه و تهواه، و ترضی به عمّن دعاك، فاستجبت له دعاءه، و حقّ علیك أن لا- تحرم سائلك و لا تردّه. و بكلّ اسم هو لك فی التّوراه و الإنجیل و الزّبور و القرآن العظیم، و بكلّ اسم دعاك به حمله عرشك و ملائكتك، و أنبیاءك و رسلك، و أهل طاعتك من خلقك، أن تصلّی علی محمّد و ال محمّد، و أن تعجّل فرج ولیك و ابن ولیك، و تعجّل خزی أعدائه.

مهربانانی. از تو می خواهم به برترین خواسته ها و کامیاب ترین و بزرگ ترین خواسته ها. ای خدا؛ ای بخشنده؛ ای مهربان؛ و به نام های نیکویت و مثل های بلندمرتبه ات و نعمت های که به شمارش نیاید، و به گرامی ترین نام هایت، و محبوب ترین آن ها نزد تو و نزدیک ترین آن ها از نظر وسیله بودن به سوی تو، و باشرافت ترین آن ها نزد تو از نظر قدر و منزلت، و فراوان ترین آن ها از نظر پاداش، و سریع ترین آن ها در امور از نظر اجابت، و به نام پنهان بزرگ تر، عزیزتر، بزرگوارتر، عظیم تر و گرامی تر که آن را دوست می داری و می خواهی و به واسطه آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود می شوی و دعایش را اجابت می کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده خود را محروم نساخته و او را رد نکنی. و به هر اسمی که برای توست در تورات، انجیل، زبور و قرآن عظیم؛ و به هر اسمی که حاملان عرش و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و مخلوقات فرمانبرداری تو را به آن اسم می خوانند؛ که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و در فرج و گشایش کار ولیّ و فرزند ولیّ خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی.

در این جا هرچه دوست داری دعا کن. (۱)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: در کتاب «جمال الصالحین» اضافه ای برای

ص: ۱۹۹

این دعا یافتیم که چنین است: و تجعلنا من أصحابه و أنصاره، و ترزقنا به رجاءنا، و تستجیب به دعاءنا. (۱)

و ما را از اصحاب و یارانش قرار بدهی و به واسطه او امید ما را برآورده و ارزانی داری، و دعای ما را اجابت کنی.

مرحوم کفعمی گوید: مستحب است که این دعا بعد از هر دو رکعت از نمازهای شب خوانده شود. (۲)

### ۱۶- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب

بعد از رکعت چهارم نماز شب، دو سجده شکر می گذاری و در آن دو سجده صد مرتبه می گویی: «ما شاء الله، ما شاء الله»؛ سپس این دعا را می خوانی:

یا ربّ، أنت الله، ما شئت من أمر یكون، فصلّ علی محمد و ال محمد، و اجعل لی فیما تشاء أن تعجل فرج ال محمد، صلّی الله علیه و علیهم، و تجعل فرجی و فرج إخوانی مقرونا بفرجهم، و تفعل بی کذا و کذا. و برای هر چه دوست داری دعا کن (۳)

ای پروردگار من؛ تو خداوندی، هرچه از امور بخواهی انجام می شود؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و برایم در آنچه می خواهی این را قرار بده که فرج آل محمد را تعجیل فرمایی - که خدا بر آن حضرت و آنان درود فرستد- و گشایش کار مرا و گشایش کار برادرانم را همراه با فرج آل محمد قرار دهی و برای من (چنین و چنان) کنی.

در بخش چهارم دعایی را که بعد از نماز صبح در روز جمعه خوانده می شود و نیز دعای دیگری را که بعد از نماز جمعه خوانده می شود نقل می کنیم.

ص: ۲۰۰

---

۱-۱ . مکّیال المکارم: ۲/۱۴. [۱]

۲-۲ . المصباح: ۷۵.

۳-۳ . مصباح المتّهجد: ۱۴۵. [۲]

بخش چهارم: دعاهای ایام هفته

اشاره

ص: ۲۰۱



## ۱- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه

سید بن طاووس رحمه الله می نویسد: از جمله وظایف روز پنجشنبه آن است که مستحب است انسان هزار بار بر پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۱)

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

## ۲- صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه

از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی رحمه الله می نویسد: مستحب است بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به این گونه:

ص: ۲۰۳

---

(۱- ۱). جمال الاسبوع: ۱۲۱. [۱]

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

و اگر آن را صد مرتبه بگویند فضیلت بسیاری دارد. (۱)

کفعمی رحمه الله نیز می گویند: مستحب است که انسان در روز پنجشنبه هزار مرتبه سوره «قدر» را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم و آل او صلوات بفرستد؛ بعد دعایی که ذکر کردیم بخواند. (۲)

### ۳- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در شب جمعه

شیخ ابو جعفر طوسی رحمه الله در کتاب «مختصر المصباح» وقتی وظایف شب جمعه را نقل می کند می فرماید:

صد مرتبه یا هر اندازه که می توانی این گونه بر پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم صلوات می فرستی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. (۳)

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

ص: ۲۰۴

---

۱-۱. مصباح المتهجد: ۲۶۵، و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت.

۲-۲. المصباح: ۱۷۷.

۳-۳. مکیال المکارم: ۲/۳۱. [۱]

سید جلیل القدر رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می گوید:

دعای علوی مصری را در کتابی قدیمی - که نویسنده اش خود را حسین بن علی بن هند معرفی کرده و گفته آن را در شوال سال سیصد و نود و شش نوشته ام - یافتم، نویسنده سند دعایش را این گونه بیان کرده است:

دعایی است که مولای مان امام منتظر صلوات الله علیه به مردی از شیعیان خود که گرفتار ظلم و ستم بود در خواب آموخته است و خداوند برای او گشایشی ایجاد کرد و دشمنش را کشت. . .

سید اجل فرموده است: دعای معروف به دعای علوی مصری برای هر کار سخت و بزرگ خوانده می شود.

سید بن طاووس رحمه الله به دو طریق این دعا را نقل می کند و می فرماید: ابو الحسن علی بن حماد بصری گفت: ابو عبد الله حسین بن محمد علوی به من خبر داد که: محمد بن علی علوی حسینی مصری برایم گفت: غم و اندوه شدید و پیش آمد ناگواری از طرف یکی از ملوک دیارم به من رسید به طوری که تمام فکرم را به خود مشغول کرده بود و بسیار هراسناک بودم و هرگز امیدی برای رهائی خویش نداشتم.

به زیارتگاه سرورانم و پدرانم علیهم السلام در عراق رفتم، و پناهنده به ایشان و قبورشان گشتم، و از بالای بزرگ کسی که از او می ترسیدم به آن جا پناه آوردم و پانزده روز در حالی که شب و روز دعا و گریه و ناله می کردم در آن جا اقامت کردم که قائم زمان و ولی رحمان علیه و علی آباءه افضل التحیه و السیلام در بین خواب و بیداری نزد آمد و خود را به من نشان داد و فرمود: ای فرزندم؛ آیا از فلانی می ترسی؟

گفتم: آری، به من چنین و چنان قصدی نموده است و من به سروران و موالیانم علیهم السلام روی آورده و به ایشان شکایت می کنم تا مرا از شر او خلاص کنند.

حضرت فرمود: چرا خدا را که پروردگار تو و پروردگار پدرانت می باشد با دعاهایی که اجدادم پیامبران صلوات الله علیهم هنگام شدت و گرفتاری می خواندند و رفع



گرفتاری از آن‌ها می‌شد نمی‌خوانی و دعا نمی‌کنی؟

گفتم: آن‌ها چگونه دعا می‌کردند تا من هم دعا کنم؟

حضرت فرمودند: چون شب جمعه شد برخیز و غسل کن و نمازت را بخوان و چون از سجده شکر فارغ شدی درحالی که بر سر دو زانویت نشسته‌ای، این دعا را با تضرع و ناله بخوان.

محمد بن علی گفت: آن حضرت، پنج شب پیاپی نزد من آمد و این دعا را برایم تکرار کرد تا آن که حفظ کردم و آمدنش را در شب جمعه قطع کرد؛ پس برخاستم و غسل کردم و لباسم را عوض کرده و خود را خوشبو نمودم و آن چه از نماز شب بر من لازم بود بجا آوردم و بر زانوهایم نشسته و خدا را با این دعا خواندم.

شب شنبه نیز به صورت شب‌های گذشته آن حضرت نزد من آمد و به من فرمود:

ای محمد؛ دعایت مستجاب شد و دشمنت کشته شد، و چون از دعا فارغ شدی خداوند عزّ و جلّ او را هلاک کرد.

محمد بن علی گفت: چون صبح شد هیچ اندوهی نداشتم مگر غم وداع سرورانم علیهم السلام و بازگشتن به سوی منزلی که از آن گریخته بودم. وقتی مقداری از راه را طی کردم فرستاده فرزندانم را دیدم و نامه‌های آنان به دستم رسید که نوشته بودند:

مردی که از او گریختی در مجلسی که برقرار کرده بود گروهی را جمع کرد و بعد از آن که همه خوردند و نوشیدند و پراکنده شدند، او با غلامان خود آن جا خوابیدند.

صبح که شد هیچ حسّ و حرکتی از او شنیده نشد؛ پرده از صورتش کنار زدند و دیدند که از پشت سر ذبح شده است و خونش روان است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاده است و نمی‌دانند چه کسی آن کار را کرده است؟ فرزندانم از من خواسته بودند هرچه سریع‌تر به خانه برگردم.

وقتی به خانه رسیدم درباره زمان این حادثه پرسیدم و دانستم درست هنگام فراغ من از دعا بوده است. (۱)

ص: ۲۰۶

۴ دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه که در گرفتاری های شدید خوانده می شود ربّ من ذا الّذی دعاک فلم تجبه، و من ذا الّذی سألك فلم تعطه، و من ذا الّذی ناجاک فخیّته، أو تقرّب إلیک فأبعدته. و ربّ هذا فرعون ذوا الأوتاد، مع عناده و کفره و عتوّه و إذعانه الرّبویّیه لنفسه، و علمک بأنّه لا یتوب، و لا یرجع و لا یثوب، و لا یؤمن و لا یخضع، استجبت له دعاءه، و أعطیته سؤلّه، کرما منک وجودا، و قلّه مقدار لما سئلك عندک، مع عظمه عنده، أخذاً بحجّتک علیه، و تأکیداً لها حین فجر و کفر، و استطال علی قومه و تجبّر، و بکفره علیهم افتخر، و بظلمه لنفسه تکبر، و بحلمک عنه استکبر، فکتب و حکم علی نفسه جرأه منه، أنّ جزاء مثله أن یغرق فی البحر، فجزیته بما حکم به علی نفسه.

پروردگارا! چه کسی است که تو را خوانده و تو او را جواب ندادی؟ و چه کسی است که از تو درخواست کرد و به او عطا نکردی؟ و چه کسی است که با تو مناجات کرده و او را ناامید ساختی یا به تو نزدیک شده پس او را دور گردانیدی؟ ای پروردگار من! این فرعون، صاحب قوّت هاست که با وجود انحرافش از حق و کفرش و سرکشی اش و ادّعی ربویّت برای خودش و با آگاهی تو به این که توبه نمی کند و باز نمی گردد و نمی آید و ایمان نمی آورد و خشوع نمی کند، دعایش را اجابت کردی و خواسته اش را عطا نمودی، به جهت بزرگواری و بخششی که داشتی و کم مقدار بودن آنچه خواسته بود در نزد تو، با وجود بزرگیش در نزد او؛ تا حجّتت را بر او تمام ساخته و تأکید کرده باشی وقتی که تباهی و فساد کرد و کفر ورزید و بر قومش زورگویی کرد و سرکشی نمود و به کفر خود برای شان فخر کرد و به ظلمش بر نفس خود، تکبر ورزید و به سبب بردباری تو درباره اش سرپیچی و گردنکشی نمود، پس مقّرر کرد و بر خود با جرأت حکم کرد که همانا کیفر مثل او (در کفر و تکبر) این است که در دریا غرق شود؛ پس او را کیفر دادی به آنچه خود بر خودش حکم کرد.

إلهی و أنا عبدك، ابن عبدك و ابن أمتك، معترف لك بالعبوديّه، مقرّ بأنك أنت الله خالقى، لا إله لى غيرك، و لا ربّ لى سواك، موقن بأنك أنت الله ربّى، و إليك مردى و إيابى، عالم بأنك على كلّ شىء قدير، تفعل ما تشاء و تحكم ما تريد، لا معقّب لحكمك، و لا راّد لقضاءك، و أنك الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن، لم تكن من شىء، و لم تبين عن شىء، كنت قبل كلّ شىء، و أنت الكائن بعد كلّ شىء، و المكوّن لكلّ شىء، خلقت كلّ شىء بتقدير، و أنت السميع البصير. و أشهد أنك كذلك كنت و تكون، و أنت حيّ قيوم، لا- تأخذك سنه و لا- نوم، و لا- توصف بالأوهام، و لا تدرك بالحواسّ، و لا تقاس بالمقياس، و لا- تشبّه بالناس، و أنّ الخلق كلّهم عبيدك و إماءك، أنت الرّبّ و نحن المرهبون، و أنت الخالق و نحن المخلوقون، و أنت

خدای من؛ و من بنده تو هستم؛ فرزند بنده و فرزند کنیز تو؛ به بندگی تو اعتراف می کنم؛ اقرار دارم به این که تو خدای آفریننده من هستی؛ هیچ معبودی برایم جز تو نیست؛ و هیچ پروردگاری برایم غیر از تو نیست؛ یقین دارم که همانا تو خداوندی و پروردگار من هستی و بازگشت و رجوعم به سوی توست؛ می دانم که بر هر چیزی توانایی و هرچه بخواهی انجام می دهی و هرچه اراده کنی حکم می نمایی؛ به تأخیر اندازنده ای نیست حکم تو را، و ردکننده ای نیست فرمان تو را؛ و می دانم همانا تو اوّل و آخر و ظاهر و باطن هستی؛ از چیزی به وجود نیامدی و از چیزی ساخته نشدی؛ پیش از هر چیزی بودی و تو بعد از هر چیز خواهی بود؛ و ایجادکننده هر چیزی هستی؛ هر چیزی را به اندازه و مقدار آفریدی و تو شنوای بینایی. و گواهی می دهم که تو این گونه بودی و خواهی بود؛ و تو زنده پابنده ای؛ چرت و خواب تو را فرامی گیرد؛ و با خیالات و توهم ها وصف نمی گردی؛ و با حواسّ درک نمی شوی؛ و با مقیاسی قیاس نمی شوی؛ و به مردم تشبیه نمی گردی؛ و این که تمام آفریدگان، بندگان و کنیزان تو هستند؛ تو پروردگاری و ما پرورش یافتگان تو، و تو آفریننده ای و ما آفریده شده؛ و تو

الرّازق و نحن المرزوقون. فلك الحمد يا إلهي، إذ خلقتني بشرا سويا، و جعلتني غنيا مكفيا، بعد ما كنت طفلا صييا، تقوتني من الشدي لبنا مريئا، و غذيتني غذاء طيبا هنيئا، و جعلتني ذكرا مثالا سويا. فلك الحمد حمدا إن عدّ لم يحص، و إن وضع لم يتسع له شيء، حمدا يفوق على جميع حمد الحامدين، و يعلو على حمد كل شيء، و يفخم و يعظم على ذلك كله، و كلما حمد الله شيء. و الحمد لله كما يحبّ الله أن يحمد، و الحمد لله عدد ما خلق، و زنه ما خلق، و زنه أجلّ ما خلق، و بوزن أخفّ ما خلق، و بعدد أصغر ما خلق. و الحمد لله حتّى يرضى ربّنا و بعد الرضا، و أسئله أن يصلى على محمّد و آل محمّد، و أن يغفر لي ذنبي، و أن يحمد لي أمري، و يتوب عليّ إنّهُ هو التّواب الرّحيم. إلهي و إنّني أنا أدعوك و أسألك

روزی دهنده ای و ما روزی خوار. پس حمد و ستایش تورا است ای خدای من؛ چون مرا بشری درست و بی عیب آفریدی و مرا بی نیاز و کفایت شده قرار دادی بعد از آن که کودکی کوچک بودم، شیر گوارا را از پستان مادر خوراک من قرار دادی و با غذای پاک لذیذ گوارا مرا تغذیه کردی و مرا مردی به شکلی متناسب و هماهنگ قرار دادی. پس حمد مخصوص توست؛ حمدی که اگر شمرده شود به شمارش نیاید و اگر (در محلی) گذاشته شود چیزی گنجایش آن را ندارد؛ ستایشی که بالاتر از تمام ستایش های ستایشگران باشد و بر ستایش هر چیزی برتری یابد و بر تمام آن ها بلندمرتبتگی و بزرگی کند؛ و هرگاه چیزی خدا را ستایش کند. و حمد و ستایش خداراست آن طور که خدا دوست می دارد که حمد شود، و حمد و ستایش مخصوص خداست به تعداد مخلوقات او و هم وزن آنچه آفرید و هم وزن بزرگ ترین چیزی که خلق کرد و به وزن سبک ترین چیزی که آفرید و به تعداد کوچک ترین مخلوقاتش. و حمد و ستایش خداراست به قدری که پروردگاران راضی شود و پس از رضایت و خشنودیش؛ و از خدا می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستد و گناهم را ببخشد و کارم را سپاس گزارد، و توبه ام را بپذیرد؛ همانا او توبه پذیر مهربان است. خدای من؛ همانا من تو را می خوانم و از تو می خواهم

باسمک الّذی دعاک به صفوتک أبونا ادم علیه السّلام، و هو مسیء ظالم حین أصاب الخطیئه، فغفرت له خطیئته، و تبت علیه، و استجبت له دعوته، و کنت منه قریبا یا قریب، أن تصلّی علی محمّد و ال محمّد، و أن تغفر لی خطیئتی و ترضی عنّی، فإن لم ترض عنّی فاعف عنّی، فإنّی مسیء ظالم خاطئ عاص، و قد یعفو السّید عن عبده، و لیس براض عنه، و أن ترضی عنّی خلقک، و تمیط عنّی حقّک. إلهی و أسئلك باسمک الّذی دعاک به إدیس علیه السّلام، فجعلته صدّیقا نبیا، و رفعته مکانا علیا، و استجبت دعآءه، و کنت منه قریبا یا قریب، أن تصلّی علی محمّد و ال محمّد، و أن تجعل ما بی إلی جنّتک، و محلّی فی رحمتک، و تسکننی فیها بعفوک، و تزوّجنی من حورها، بقدرتک یا قدیر. إلهی و أسئلك باسمک الّذی

-به آن نامت که (بنده) برگزیده ات پدرمان آدم- که بر او درود باد- تو را به آن نام خواند و درحالی که گناه کار و ستم کننده بر نفس شد وقتی که خطا از او سر زد پس خطایش را بخشیدی و توبه اش را پذیرفتی و دعایش را اجابت نمودی و به او نزدیک بودی، ای نزدیک؟ - که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و خطایم را ببخشی و از من راضی و خشنود شوی؛ و اگر از من راضی نمی شوی، پس مرا مورد عفو خود قرار دهی که همانا من گنه کار ظالم، خطاکار سرکش هستم؛ و آقا بنده اش را عفو می کند درحالی که از او راضی نیست؛ و (می خواهم) که آفریدگانت را از من راضی گردانی و حقّت را از من برداری. خدای من؛ و از تو می خواهم به آن نامت که به وسیله آن، ادیس- که بر او درود باد- تو را خواند؛ پس او را تصدیق کننده و پیامبر قرار دادی، و در مرتبه بلندی بالا بردی؛ و دعایش را اجابت نمودی و توبه او نزدیک بودی، ای نزدیک؟ (می خواهم) که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و محلّ بازگشتم را به سوی بهشت خویش قرار دهی، و جایگاهم را در رحمت خود قرار داده و در آن مرا با گذشت خویش ساکن گردانی، و از حوریه اش برایم تزویج کنی، با توانایی ات ای خدای توانا. خدای من؛ و از تو می خواهم به واسطه آن نامت که

دعاك به نوح، إذ نادى ربه أنى مغلوب فانتصر<sup>١</sup>؛ ففتحنا أبواب السماء بماء منهمر\* و فجرتنا الأرض عُيونا فالتقى الماء على أمرٍ قد قدر، (١) و نجاته على ذات ألواح و دسر، فاستجبت دعاءه و كنت منه قريبا يا قريب، أن تصلى على محمد و آل محمد، و أن تنجيني من ظلم من يريد ظلمى، و تكف عني بأس من يريد هضمى، و تكفينى شر كل سلطان جائر، و عدو قاهر، و مستخف قادر، و جبار عنيد، و كل شيطان مرید، و إنسى شديد، و كيد كل مكيد، يا حلیم یا ودود. إلهی و أسئلك باسمك الذى دعاك به عبدك و نبيك صالح عليه السلام فنجيته من الخسف، و أعليته على عدوه، و استجبت دعاءه، و كنت منه قريبا يا قريب، أن تصلى على محمد و آل محمد، و أن تخلصنى من شر ما يريدنى أعدائى به، و سعى

نوح به آن نام تو را خواند؛ آن هنگام که پروردگارش را ندا داد: «من شکست خورده ام پس یاری برسان\* در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و ریزان گشودیم\* و زمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم و این آب ها به اندازه مقدر باهم آمیختند» و سوار بر چیزی که دارای تخته ها و میخ ها بود (کشتی) نجاتش دادی، پس دعایش را اجابت نمودی و تو پیوسته به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از ستم آن که می خواهد به من ستم کند نجات دهی، و مرا از شرّ و عذاب آن که شکستم را می خواهد، نگه داری، و مرا کفایت کنی از شرّ هر سلطان ستم پیشه و منحرف، و دشمن چیره شونده، و خوارکننده پرتوان، و زورگوی ستیزه گر، و هر شیطان سرکش و نافرمان و هر انسان سخت گیر، و مکر هر حيله گر، ای بردبار؛ ای بسیار مهربان؛ خدای من؛ از تو می خواهم به واسطه آن نامت که به آن نام بنده و پیامبر تو حضرت صالح- که بر او درود باد- تو را خواند؛ پس او را از فرورفتن (خواری و نقصان) نجات دادی، و بر دشمنانش برتری بخشیدی، و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از شرّ آنچه دشمنانم نسبت به من می خواهند و حسودانم تلاش می کنند

ص: ۲۱۱

۱- ۱). سورة قمر، آیه ۱۰-۱۲. [۱]

بی حسادی، و تکفینیهیم بکفایتک، و تتولانی بولایتک، و تهدی قلبی بهداک، و تؤیدنی بتقواک، و تبصیرنی (و تنصرنی) بما فیہ رضاک، و تغیننی بغناک یا حلیم. إلهی و أسألک باسمک الّذی دعاک به عبدک و نبیک و خلیکک إبراهیم علیه السّلام، حین أراد نمرود إلقائه فی النّار، فجعلت له النّار بردا و سلاما، و استجبت له دعآه، و کنت منه قریبا یا قریب، أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد، و أن تبرّد عنّی حرّ نارک، و تطفئ عنّی لهیها، و تکفینی حرّها، و تجعل نأثره أعدائی فی شعارهم و دثارهم، و تردّ کیدهم فی نحورهم، و تبارک لی فیما أعطیتنی، کما بارکت علیه و علی اله، إنک أنت الوهّاب الحمید المجد. إلهی و أسئلک بالاسم الّذی دعاک به إسماعیل علیه السّلام، فجعلته نبیا و رسولا، و جعلت له حرمک منسکا و مسکنا و مأوی،

رها گردانی، و به کفایت خود مرا از آنان کفایت کنی، و به ولایت خود مرا سرپرستی نمایی، و قلبم را به هدایت خود هدایت سازی، و به تقوای خود مرا نیرو بخشی، و مرا در آنچه رضای توست بینا و آگاه گردانی، و به بی نیازی خود مرا بی نیاز سازی، ای بردبار؛ خدای من؛ از تو می خواهم به واسطه آن اسمت که به آن اسم، بنده و پیامبر و دوست حضرت ابراهیم- که بر او درود باد- تو را خواند، هنگامی که نمرود خواست او را در آتش بیندازد؛ پس، آتش را بر او سرد و سلامت قرار دادی، و دعایش را اجابت کردی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می خواهم) که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و حرارت آشت را بر من سرد گردانی، و شعله آن را از من خاموش کنی و از حرارتش مرا کفایت کنی، و آتش فتنه انگیز دشمنانم را در لباس های زیر و روی شان (ظاهر و باطن ایشان) قرار دهی، و نیرنگ شان را به خودشان باز گردانی، و در آنچه به من عطا فرمودی برکت دهی؛ همچنان که برکت دادی بر او و بر دودمانش؛ همانا تو بسیار بخشنده، ستوده شده و باشکوه و عظمتی. خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامی که به واسطه آن، اسماعیل- که بر او درود باد- تو را خواند؛ پس او را پیامبر و رسول قرار دادی، و حرمت را برایش محلّ عبادت و منزلگاه و پناهگاه قرار دادی،

و استجبت له دعآءه، و نَجِيته من الذَّبْح (۱)، و قَرَبته رحمه منك، و كنت منه قريبا يا قريب، أن تصلّي على محمّد و آل محمّد، و أن تفسح لي في قبري، و تحطّ عني وزري، و تشدّ لي أزرى، و تغفر لي ذنبي، و ترزقني التَّوبه بحطّ السَّيِّئات، و تضاعف الحسنات، و كشف البليّات، و ربح التَّجارات، و دفع معرّه السَّعَايات، إنك مجيب الدَّعوات، و منزل البركات، و قاضي الحاجات، و معطي الخيرات، و جبار السَّماوات. إلهي و أسئلك بما سألك به ابن خليلك إسماعيل عليه السَّلام، الذي نَجِيته من الذَّبْح، و فديته بذبح عظيم، و قلبت له المشقّص حين (حتّى) ناجاك موقنا بذبحه، راضيا بأمر والده، فاستجبت له دعآءه، و كنت منه قريبا يا قريب، أن تصلّي على محمّد و آل محمّد، و أن تنجيني من كلّ سوء و بليّه، و تصرف عني كلّ ظلمه

و دعایش را اجابت نمودی، و او را از قربانی شدن نجات بخشیدی، و از رحمت و لطف خود وی را مقرب ساختی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و قبرم را وسعت دهی و بار سنگین گناه را از من برداری و پشتم را محکم سازی، و گناهم را ببخشی و توبه را روزیم کنی با فروریختن زشتی ها و بدی ها و افزودن خوبی ها و نیکی ها و برطرف کردن بلاها، و سود تجارت ها، و دور کردن بدی ها و اذیت های سخن چینی ها؛ همانا تو اجابت گر دعاها و فرورستنده برکت ها، و برآورنده حاجت ها، و بخشنده خیرات و خوبی ها، و جبار و حاکم آسمان هایی. خدای من؛ از تو می خواهم به آنچه که به واسطه آن از تو خواست فرزند دوستت اسماعیل- که بر او درود باد- آن کسی که او را از کشته شدن نجات بخشیدی، و قربانی بزرگ را از طرف او فدیة قرار دادی و برای او کارد را برگرداندی؛ هنگامی که با تو مناجات کرد درحالی که یقین به کشته شدن خود داشت و راضی به امر پدرش بود؛ پس دعایش را برای او اجابت نمودی و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا از هر بدی و بلایی نجات دهی و هر تاریکی شدید را از من بازگردانی

ص: ۲۱۳

---

۱- ۱). الذَّبْح- به فتح ذال-: یعنی کشته شدن، و به کسر ذال: یعنی چیزی که کشته می شود.



و خیمه، و تکفینی ما أهمني من امور دنیای و آخرتی، و ما احاذره و أخشاه، و من شرّ خلقك أجمعين، بحقّ الیس. إلهی و أسألك باسمك الذي دعاك به لوط عليه السلام، فنجيته و أهله من الخسف و الهدم و المثلات و الشده و الجهد، و أخرجته و أهله من الكرب العظيم، و استجبت له دعاءه، و كنت منه قريبا یا قریب، أن تصلي علی محمد و ال محمد، و أن تأذن لی بجميع ما شئت من شملی، و تقرّ عینی بولدی و أهلی و مالی، و تصلح لی اموری، و تبارک لی فی جميع أحوالی، و تبلّغنی فی نفسی امالی، و أن تجیرنی من النار، و تکفینی شرّ الأشرار بالمصطفين الأخيار، الأئمة الأبرار، و نور الأنوار محمّد و اله الطيبين الطاهرين الأخيار، الأئمة المهديين، و الصفوه المنتجبين صلوات الله عليهم أجمعين،

و کفایتم کنی آنچه را از امور دنیا و آخرتم که مرا اندوهگین ساخته است، و آنچه از آن پرهیز می کنم و می ترسم، و از شرّ همه آفریدگانت به حقّ آل محمّد علیهم السلام. خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامت که به واسطه آن، لوط-که بر او درود باد-تو را خواند، پس او و اهلش را از فرورفتن (در زمین) و ویران شدن (خانه ها) و شکنجه ها و سختی و مشقت نجات دادی و او و اهلش را از گرفتاری بزرگ رهانیدی، و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا اجازه دهی به جمع نمودن تمام کارهای پراکنده ام، و دیده ام را به فرزندم و خانواده ام و مالم روشن گردانی، و امورم را اصلاح کنی، و تمام حالاتم را مبارک گردانی، و مرا به آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و از آتش پناهم دهی، و مرا کفایت کنی از بدی بدکاران، به واسطه برگزیدگان نیکان، (یعنی) امامان نیکوکار و روشنی بخش روشنی ها، محمّد و آل او که پاکان و پاکیزگان و نیکان اند، پیشوایان هدایت گر، و برگزیدگان نجیبان-که درودهای خدا بر تمام شان باد-هستند.

و ترزقنی مجالستهم، و تمنّ علیّ بمرافقتهم، و توفّق لی صحبتهم، مع أنبیائک المرسلین، و ملائکتک المقرّبین، و عبادک الصّالحین، و أهل طاعتک أجمعین، و حمّله عرشک و الکرّویّین. إلهی و أسألک باسمک الّذی سألك به یعقوب، و قد کفّ بصره، و شتت شمله (جمعه)، و فقد قرّه عینه ابنه، فاستجبت له دعآءه، و جمعت شمله، و أقررت عینه، و کشفّت ضرّه، و کنت منه قریبا یا قریب، أن تصلّی علیّ محمّد و ال محمّد، و أن تأذن لی بجمیع ما تبدّد من أمری، و تقرّ عینی بولدی و أهلی و مالی، و تصلح شأنی کلّه، و تبارک لی فی جمیع أحوالی، و تبلّغنی فی نفسی امالی، و تصلح لی أفعالی، و تمنّ علیّ یا کریم، یا ذا المعالی برحمتک یا أرحم الرّاحمین. إلهی و أسئلک باسمک الّذی دعاک به عبدک و نبیک یوسف علیه السّلام فاستجبت له،

و همنشینی آنان را روزی من گردانی، و بر من به رفاقت و همراهی آنان منّت گذاری، و مرا موفق به همدمی و همنشینی ایشان نمایی، با پیامبران رسالت داده شده، و فرشتگان مقربّت، و بندگان نیکوکار و صالحت، و تمام فرمانبرداران تو و حاملان عرش و فرشتگان کزوبیان. خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامت که به واسطه آن، یعقوب از تو درخواست کرد، درحالی که چشمش کور شده و اجتماعش پراکنده شده، و نور چشمش (یعنی) پسرش گم شده بود؛ پس دعایش را اجابت نمودی و پراکندگی او را جمع نمودی، و چشمش را روشن کردی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا در جمع نمودن آنچه از امرم پراکنده شده اذن دهی و چشمم را به فرزندم و خانواده ام و مالم روشن نمایی، و تمام کارهایم را اصلاح کنی، و همه حالات و تحولات زندگی را برایم مبارک گردانی، و مرا به تمام آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و کارهایم را اصلاح کنی، و بر من منّت گذاری ای بزرگوار؛ ای صاحب بزرگی ها و برتری ها؛ به رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت که به واسطه آن نام، بنده و پیامبرت یوسف- که بر او درود باد- تو را خواند پس دعایش را اجابت کردی،

و نَجِيته من غِيَابَتِ الْجَبِّ، و كَشَفَتِ ضَرْهه، و كَفَيْتَه كَيْدَ إِخْوَتِه، و جَعَلْتَه بَعْدَ الْعِبُودِيَّه مَلِكًا، و اسْتَجَبْتَ دَعَاءَه، و كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبَ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا و آلَ مُحَمَّدٍ، و أَنْ تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَاثِدٍ، و شَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إلهي و أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ و نَبِيُّكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكَتَ و تَعَالَيْتَ وَ نَادَيْتَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْتَاهُ نَجِيًّا (۱)، و ضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبْسًا، و نَجَيْتَه و مِنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، و أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ و هَامَانَ و جُنُودَهُمَا، و اسْتَجَبْتَ لَهُ دَعَاءَه، و كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبَ، أَسْئَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا و آلَ مُحَمَّدٍ، و أَنْ تَعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ، و تَقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ، و تَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تَعْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، و يَكُونَ لِي بِلَاغًا أَنَالَ بِهِ مَغْفِرَتَكَ و رِضْوَانِكَ،

و او را از اعماق چاه نجات دادی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و او را از مکر برادرانش کفایت کرده و بعد از بندگی و بردگی او را پادشاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی، و نیرنگ هر حيله گر، و شر هر حسود را از من دور کنی، همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامت که به آن نام، بنده و پیامبرت موسی بن عمران تو را خواند آن هنگام که گفتی- ای پاک و بلندمرتبه-: «ما او را از طرف راست کوه طور فراخواندیم و او را برای رازگویی، به خود نزدیک ساختیم» و راهی خشک در دریا برایش گشودی، و او و همراهانش از بنی اسرائیل را نجات دادی، و فرعون و هامان و سپاهیانشان را غرق کردی، و دعای موسی را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از شر آفریدگانت در پناه خود نگه داری، و مرا با گذشتت مقرب خود گردانی، و از فضل خود بر من گسترش دهی آن قدر که مرا از تمام خلق بی نیاز کند، و برایم به قدر کفایت باشد که به واسطه آن به آمرزش و رضوان تو برسم،

ص: ۲۱۶

یا ولیّی و ولیّی المؤمنین. إلهی و أسألك بالإسم الذی دعاک به عبدک و نبیک داوود، فاستجبت له دعآءه، و سخرت له الجبال، یسبحن معه بالعشیّ و الإبکار، و الطیر محشوره کلّ له أوّاب، و شدت ملکه، و اتیته الحکمه و فصل الخطاب، و أنت له الحديد، و علمته صنعه لبوس لهم، و غفرت ذنبه، و کنت منه قریبا یا قریب. أسألك أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد، و أن تسخر لی جمیع اموری، و تسهّل لی تقدیری، و ترزقنی مغفرتک و عبادتک، و تدفع عنّی ظلم الظالمین، و کید الکآئدین، و مکر الماکرین، و سطوات الفراعنه الجبارین، و حسد الحاسدین، یا أمان الخائفین، و جار المستجیرین، و ثقه الواثقین، و ذریعه المؤمنین، و رجآء المتوکّلین، و معتمد الصّالحین، یا أرحم الرّاحمین. إلهی و أسألك اللّهمّ بالإسم

ای صاحب اختیار من و صاحب اختیار مؤمنان. خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامی که به واسطه آن، بنده و پیامبرت داود تو را خواند، پس دعایش را اجابت کردی، و کوه ها را مسخر و تحت فرمان او ساختی، که با او در شام گاهان و صبح گاهان تسبیح گویند، و پرندگان که پیرامون او بودند همگی را فرمانبردار او گرداندی، و سلطنتش را محکم نمودی، و حکمت و فصل الخطاب (حکم قاطعی که باعث تمام شدن اختلاف گردد) را به او عطا کردی، و آهن را برایش نرم گرداندی، و صنعت زره سازی را به او آموختی، و گنااهش را بخشودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. از تو می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و تمام امورم را تحت فرمانم قرار دهی، و تقدیرم را برای من آسان سازی، و آمرزش و عبادت خود را روزیم کنی، و از من دور کنی ستم ستمگران، و نیرنگ حيله گران، و مکر مکاران، و یورش های فرعون های زورگو، و حسد حسودان را. ای ایمنی بخش بیمناکان، و امان دهنده پناه جویان، و محلّ اطمینان اعتماد کنندگان، و دستاویز مؤمنان، و امید توکل کنندگان، و محلّ اعتماد نیکوکاران، ای مهربان ترین مهربانان؛ خدای من؛ از تو می خواهم بارپروردگارا؛ به آن اسمی

الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۱)، فاستجبت له دعاءه، وأطعت له الخلق، وحملته على الزَّيْحِ، وعلمته منطق الطَّيْرِ، وسخرت له الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بِنَاءٍ وَغَوَاصٍ، وَآخِرِينَ مَقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ، هَذَا عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءَ غَيْرِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبَ. أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِيَ لِي قَلْبِي، وَتَجْمَعَ لِي لَبِّي، وَتَكْفِينِي هَمِّي، وَتُؤَمِّنَ خَوْفِي، وَتَفَكِّكَ أَسْرِي، وَتَشُدَّ أَرْزِي، وَتَمَهِّلَنِي وَتَنْفَسِنِي، وَتَسْتَجِيبَ دَعَائِي، وَتَسْمَعَ نِدَائِي، وَلا تَجْعَلَ فِي النَّارِ مَأْوَايَ، وَلا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي، وَأَنْ تَوْسِعَ عَلَيَّ رِزْقِي، وَتَحَسِّنَ خَلْقِي، وَتَعْتَقَ رِقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُؤَمَّلِي. إِلَهِي وَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي

که بنده و پیامبرت سلیمان فرزند داوود- که بر هر دو درود باد- تو را خواند هنگامی که گفت: «بارالها! مرا ببخش و مرا سلطنتی عطا فرما که پس از من کسی سزاوار آن نباشد که همانا تو بسیار بخشنده ای»؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و آفریدگان را مطیع او ساختی، و او را سوار بر باد کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی، و شیاطین- بناکننده و فرورونده در آب- را مسخر او ساختی، و دیگران را در بند و زنجیر او کشیدی؛ این، بخشش توست نه بخشش غیر تو؛ و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و قلبم را برایم هدایت کنی، و عقلم را برایم متمرکز گردانی، و اندوهم را کفایت کنی، و ترسم را ایمن گردانی، و از بند اسارتم رها کنی، و پشتم را محکم گردانی، و مرا مهلت دهی، و آسوده خاطر سازی، و دعایم را اجابت کنی، و ندایم را بشنوی، و جایگاهم را در آتش قرار ندهی، و دنیا را بزرگ ترین مقصود من قرار ندهی، و روزی ام را برایم وسعت دهی، و اخلاقم را نیکو گردانی، و مرا از آتش آزاد کنی؛ همانا تو آقای من و مولای من و نهایت آرزوی من هستی. خدای من؛ از تو می خواهم پروردگارا؛ به آن اسمت که به

ص: ۲۱۸

دعاك به أَيُّوب، لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصِّحَّةِ، وَ نَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ مِنْزِلَ الْعَافِيَةِ، وَ الصَّيْقُ بَعْدَ السَّيِّئَةِ وَ الْقَدْرَةُ، فَكَشَفَتْ ضَرْهَ، وَ رَدَدَتْ عَلَيْهِ أَهْلَهُ، وَ مَثَلَهُمْ مَعَهُمْ، حِينَ نَادَاكَ، دَاعِيَا لَكَ، رَاغِبَا إِلَيْكَ، رَاغِبَا لِفَضْلِكَ، شَاكِيَا إِلَيْكَ رَبِّ أَنِّي مَسَّنِي الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱)، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دَعَاةً، وَ كَشَفْتَ ضَرْهَ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبَ. أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَكْشِفَ ضَرْيَ، وَ تَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ، عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً، وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً، مُسْتَغْنِيَةً عَنِ الْأَطْبَاءِ وَ الْأَدْوِيَةِ، وَ تَجْعَلَهُمَا الْوَارِثِينَ مِنِّي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى فِي بَطْنِ الْحَوْتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثَ أَنْ لَا

آن اسم، ایوب تو را خواند، هنگامی که بلا بعد از صحت به او رسید، و بیماری جای عافیت او نشست و تنگی و شدت بعد از فراخی و توانایی بر او روی آورد؛ پس گرفتاریش را برطرف کردی، و خانواده اش و مثل ایشان را که با ایشان بودند به او بازگرداندی، هنگامی که تو را ندا داد، درحالی که دعاکننده برای تو و روی آورنده به سوی تو، و امیدوار به بخشش تو، و شکوه کننده به سوی تو بود (و گفت:) ای پروردگار من؛ «همانا بیچارگی بر من رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی»؛ پس، دعایش را اجابت کردی و بیچارگی او را برطرف نمودی و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و بیچارگی مرا برطرف کنی، و در جان و خانواده و مال و فرزند و برادران دینی ام عافیت دهی، عافیت پایدار، شفا بخش، کفایتگر، فراوان و فراگیر، هدایت گر، رشددهنده، بی نیازکننده از پزشکان و دواها؛ و آن را لباس زیرورویم قرار دهی (کنایه از اینکه همواره با من همراه باشد)، و مرا به چشم و گوشم بهره مند سازی، و آن دو را وارثان من قرار دهی؛ که همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم، یونس پسر متی در شکم ماهی تو را خواند، هنگامی که تو را در تاریکی های سه گانه خواند (و گفت:) «هیچ

ص: ۲۱۹

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۱) و أنت أرحم الراحمين، فاستجبت له دعآءه، و أنبت عليه شجره من يقطين، و أرسلته إلى ماء ألف أو يزيدون، و كنت منه قريبا يا قريب، أن تصلى على محمد و ال محمد، و أن تستجيب دعآئي، و تداركني بعفوك، فقد غرقت في بحر الظلم لنفسی، و ركبتني مظالم كثيره لخلقك علي، صل على محمد و ال محمد، و استرني منهم، و أعتقني من النار، و اجعلني من عتقآءك و طلقآءك من النار، في مقامی هذا، بمنك يا منان. إلهی و أسئلك باسمك الہدی دعاك به عبدك و نبيك عيسى بن مريم عليهما السلام إذ أيدته بروح القدس، و أنطقته في المهد، فأحيى به الموتى، و أبرأ به الأكمه و الأبرص بإذنك، و خلق من الطين كهيئه الطير فصار طائرا بإذنك، و كنت منه قريبا يا

معبودی نیست غیر از تو، تو پاک و منزہی؛ همانا من از ستمگران-بر خویش-هستم» و (حال آن کہ) تو مهربان ترین مهربانانی؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و بوثه ای از کدو برایش رویاندی؛ و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می خواهم) کہ بر محمد و آل محمد درود فرستی، و دعایم را اجابت کنی، و با گذشت خود گذشته ام را جبران کنی؛ زیرا، در دریایی از ستم بر خویش، غرق شده ام؛ و حق و حقوق بسیاری برای بندگانت به دوش من است، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از آنان پنهان دار، و مرا از آتش رهایی بخش، و مرا از آزادشدگان و رهایی یافتگان از آتش در همین مقام و موقعیتم قرار بده؛ به خاطر لطف و احسانت-ای بسیار احسان کننده- خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت کہ به واسطه آن، بنده و پیامبرت عیسی پسر مريم تو را خواند-کہ بر هر دو درود باد-در آن هنگام کہ او را با روح القدس نیرو بخشیدی، و در گهواره گویا نمودی، و به وسیله او، مردگان زنده شدند، به وسیله او با اجازه تو کور مادرزاد و بیمار پیسی گرفته شفا یافت، و از گل، شکل پرنده ای را درست کرد پس به اذن تو پرنده و پرواز کننده گردید؛ و تو به او نزدیک بودی، ای

ص: ۲۲۰

قریب، آن تصلی علی محمد و آل محمد، و آن تفرغنی لما خلقت له، و لا تشغلنی بما قد تکلفته لی، و تجعلنی من عبّادک و زهادک فی الدنیا، و ممن خلقتہ للعافیہ، و هنّاته بها مع کرامتک یا کریم یا علیّ یا عظیم. إلهی و أسألک باسمک الّذی دعاک به اصف بن برخیا علی عرش ملکہ سبا، فکان أقلّ من لحظه الطّرف، حتّی کان مصوّرا بین یدیه، فلما رأته قیلَ أ هکذا عرّشک قالَتْ کأنّهُ هُوَ (۱) فاستجبت دعآءه، و کنت منه قریبا یا قریب، آن تصلی علی محمد و آل محمد، و تکفّر عنّی سیئاتی، و تقبل منّی حسناتی، و تقبل توبتی، و تتوب علیّ، و تغنی فقری، و تجبر کسری، و تحیی فؤادی بذکرک، و تحیینی فی عافیہ، و تمیتنی فی عافیہ. إلهی و أسألک بالاسم الّذی دعاک به عبدک و نبیک زکریّا علیه السّلام حین سلکک، داعیا

نزدیک، (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا برای آنچه آفریده شده ام (از مشغولیات) فارغ بداری، و مرا مشغول نکنی به آنچه برایم عهده دار گشته ای، و مرا از عبادت پیشگان و زاهدان خود در دنیا قرار دهی، و از آنان که برای عافیت و سلامت آن ها را آفریده ای، و به بزرگواری ات، زندگی را با داشتن عافیت برای شان گوارا گرداندی؛ ای بخشنده؛ ای بلندمرتبه؛ ای بزرگ. خدای من؛ از تو می خواهم به خاطر آن اسمت که به واسطه آن، آصف پسر برخیا بر (احضار) تخت ملکه سبا تو را خواند؛ پس در کمتر از چشم برهم گذاشتنی در پیش چشمش حاضر شد، به گونه ای که وقتی ملکه، آن را دید «به او گفته شد:

آیا تخت تو چنین است؟ (بلقیس) گفت: گویا همین است» پس دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک، (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهان و بدی هایم را بپوشانی، و کارهای نیکویم را از من قبول کنی، و توبه ام را بپذیری، و بر من روی آوری، و فقرم را برطرف سازی، و شکست مرا جبران کنی، و قلبم را با یاد خود زنده کنی، و مرا در عافیت زنده بداری و در عافیت بمیرانی. خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که به واسطه آن اسم، بنده و پیامبرت زکریّا- که بر او درود باد- تو را خواند؛ هنگامی که از تو درخواست نمود درحالیکه دعاکننده

ص: ۲۲۱



لك، راغباً إليك، راجياً لفضلك، فقام في المحراب ينادى نداءً خفياً، فقال ربّ فهب لي من لدنك ولياً\* يرثني و يرث من آل يعقوب و اجعله ربّ رضياً (۱) فوهبت له يحيى، و استجبت له دعاءه، و كنت منه قريباً يا قريب، أن تصلى على محمّد و آل محمّد، و أن تبقى لي أولادى، و أن تمتعني بهم، و تجعلني و إياهم مؤمنين لك، راغبين في ثوابك، خائفين من عقابك، راجين لما عندك، ايسين ممّا عند غيرك حتى تحيينا حيوه طيبه، و تميتنا ميته طيبه، إنك فعّال لما تريد. إلهى و أسألك بالإسم المذى سئلتك به امرأه فرعون، إذ قالت ربّ ابن لي عندك بيتاً فى الجنّه و نجني من فرعون و عمله و نجني من القوم الظالمين (۲)، فاستجبت لها دعائها، و كنت منها قريباً يا قريب، أن تصلى على محمّد و آل محمّد، و أن تقرّ عيني بالنظر

بود، و اشتیاق به سوی تو و امیدواری به بخشش تو داشت، پس در محراب عبادت ایستاد درحالی که با ندای پنهانی که می داد گفت: پروردگارا! «از نزد خود، جانشین (و فرزندى) به من عطا کن؛ که از من و آل یعقوب ارث ببرد، و او را وارثی صالح و پسندیده قرار ده» پس یحیی را به او بخشیدی، و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و فرزندانم را برایم نگه داری، و مرا از وجود ایشان بهره مند سازی، و من و آنان را از ایمان آورندگان به خودت؛ و از مشتاقان ثوابت، بیمناکان از کیفیت، امیدواران به آنچه نزد توست، ناامیدان از آنچه نزد غیر توست قرار دهی؛ تا ما را به زندگی پاک و پاکیزه زنده داری و به مرگ پاک و پاکیزه بمیرانی؛ همانا تو هرچه خواهی انجام می دهی. خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که به واسطه آن، همسر فرعون تو را خواند «وقتی گفت: بارالها! برایم در نزد خود خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کارگزارانش نجات ده و مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش» پس دعایش را اجابت نمودی، درحالی که تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و دیده ام را با نظر به

ص: ۲۲۲

۱-۱. سوره مریم، آیه ۵ و ۶. [۱]

۲-۲. سوره تحریم، آیه ۱۱. [۲]

إلى جنتك، و وجهك الكريم و أوليائك، و تفرّجني بمحمّد و اله، و تؤنّسني به و باله، و بمصاحبتهم و مرافقتهم، و تمكّن لي فيها، و تنجيني من النار، و ما أعدّ لأهلها من السلاسل و الأغلال، و الشدائد و الأنكال، و أنواع العذاب، بعفوك يا كريم. إلهي و أسألك باسمك الذي دعيتك به عبدتك و صديقتك مريم البتول و أم المسيح الرسول عليهما السلام، إذ قلت و مريم إئتت عمران التي أخصيت فزجها فنفخنا فيه من روحنا و صدقت بكلمات ربها و كتبه و كانت من القانتين (1) فاستجبت لها دعائها، و كنت منها قريبا يا قريب، أن تصلّي على محمّد و آل محمّد، و أن تحصنني بحصنك الحصين، و تحجّبنني بحجابك المنيع، و تحرزني بحرزك الوثيق، و تكفيني بكفائتك الكافية، من شرّ كلّ طاغ، و ظلم كلّ باغ، و مكر كلّ ماكر، و غدر كلّ

بهشت خود، و به دیدن لطف کریمانه خود و اولیای خودت روشن کنی، و به واسطه محمّد و آل محمّد مرا به گشایش و راحتی برسانی، و مرا با او و آل او، و هم صحبتی و همراهی ایشان مأنوس گردانی؛ و مرا در بهشت جای دهی و متمکن سازی؛ و از آتش نجاتم بخشی، و از آنچه که برای اهل آتش آماده شده است از زنجیرها و غلها، و نیز سختیها و فشارها، و انواع عذابها رهایی بخشی؛ با گذشت خودت، ای بخشنده بزرگوار؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که به واسطه آن اسم، بنده و تصدیق کننده ات مريم پاکدامن و مادر مسیح رسول- که بر هر دو درود باد- تو را خواند؛ هنگامی که گفתי: «-یاد آر- حال مريم دختر عمران را که عورت خود را حفظ کرد؛ پس آن گاه در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم؛ و مريم نیز کلمات و کتابهای پروردگارش را با کمال ایمان تصدیق کرد، و از فرمانبرداران خدا بود» پس دعای او را اجابت نمودی در حالی که تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می خواهم) که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا با حصار محکم خودت نگهداری کنی، و با پوشش بازدارنده ات مرا پوشانی، و به حرز محکمت مرا حفظ و حراست نمایی، و مرا به کفایت کافی خودت کفایت کنی؛ از شرّ هر سرکش، و ستم هر تجاوزگر، و مکر و نیرنگ هر حيله گر، و خیانت هر

ص: ۲۲۳

غادر، و سحر کلّ ساحر، و جور کلّ سلطان جائر، بمنعک یا منبع. إلهی و أسألک بالاسم الّذی دعاک به عبدک و نبیک، و صفیک و خیرتک من خلقک، و أمینک علی وحیک، و بعیشک إلی بریتک، و رسولک إلی خلقک محمّد خاصّیتک و خالصتک، صلّی الله علیه و اله و سلّم، فاستجبت دعآءه، و أیدته بجنود لم یروها، و جعلت کلمتک العلیا، و کلمه الّذین کفروا السفلی، و کنت منه قریبا یا قریب. أن تصلّی علی محمّد و ال محمّد، صلاه زاکیه طیّبه، نامیه باقیه مبارکه، کما صلّیت علی أیّهم إبراهیم و ال إبراهیم، و بارک علیهم کما بارکت علیهم، و سلّم علیهم کما سلّمت علیهم، و زدهم فوق ذلک کله زیاده من عندک، و اخلطنی بهم، و اجعلنی منهم، و احشرنی معهم، و فی زمرتهم حتّی تسقینی من حوضهم، و تدخلنی فی جملتهم، و تجمعنی

خیانت کار، و جادوی هر جادوگر، و ستم هر سلطان ستمگر؛ با بازدارندگی و نگهداری خودت، ای بازدارنده؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که با آن اسم، بنده و پیامبر و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات، و امین بر وحیت، و برانگیخته شده به سوی آفریدگانت، و فرستاده ات به سوی خلقت، محمّد، بنده خاصّ و خالص تو- که درود و سلام خدا بر او و آل او باد- تو را خواند؛ پس دعایش را اجابت نمودی و با سپاهیانی که آن ها را نمی دیدند، او را تأیید کرده و یاری رساندی، و کلمه خود را برتر قرار دادی، و کلمه آنان را که کفر ورزیدند پست و پایین قرار دادی؛ درحالی که تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می خواهم) که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی؛ درودهای پاک و پاکیزه، رشدکننده پایدار، مبارک؛ چنان که بر پدرشان ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی؛ و بر آنان مبارک گردان همچنان که بر آل ابراهیم مبارک گرداندی؛ و بر آل محمّد سلام برسان چنان که بر آل ابراهیم سلام رساندی؛ و بهره ایشان را از جانب خودت فوق آنچه گفته شد زیاد کن؛ و مرا آمیخته با ایشان و از آنان قرار بده، و با ایشان محشور کن، و در زمره ایشان قرار بده، تا از حوض (کوثر) آنان مرا سیراب کنی، و در گروه آنان وارد کنی، و مرا با

و إِيَّاهُمْ، وَ تَقَرَّرَ عَيْنِي بِهِمْ، وَ تَعَطِينِي سَوْلِي، وَ تَبَلِّغْنِي أَمَالِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايِ وَ آخِرَتِي، وَ مَحْيَايِ وَ مَمَاتِي، وَ تَبَلِّغْهُمْ سَلَامِي، وَ تَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ. إِلَهِي وَ أَنْتَ الَّذِي تَنَادَى فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَاعْطِيهِ، أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَاجِيبْهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَاعْفُ لَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَابْلُغْهُ رَجَاهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَابْلُغْهُ أَمَلَهُ، هَا أَنَا سَأَلْتُكَ بِفَنَائِكَ، وَ مَسْكِينِكَ يَا بَيْتُكَ، وَ ضَعِيفِكَ يَا بَيْتُكَ، وَ فَقِيرِكَ يَا بَيْتُكَ، وَ مُؤَمِّلِكَ بِفَنَائِكَ، أَسْأَلُكَ نَائِلِكَ، وَ أَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَ أَوْمِلُ عَفْوَكَ، وَ أَلْتَمِسُ غَفْرَانِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ. وَ أَعْطِنِي سَوْلِي، وَ بَلِّغْنِي أَمَلِي، وَ اجْبِرْ فَقْرِي، وَ ارْحَمْ عَصْيَانِي، وَ اعْفُ عَن ذُنُوبِي، وَ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ الْمَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكْبَتِي، وَ قَوِّ ضَعْفِي، وَ أَعِزِّ مَسْكِنَتِي، وَ ثَبِّتْ وَ طَأْتِي، وَ اغْفِرْ جِرْمِي،

آنان در یکجا جمع نمایی، و چشم مرا به ایشان روشن سازی، و خواسته ام را عطا کنی، و مرا به آرزوهایم در دین و دنیا و آخرت و در زندگی و مرگم برسانی؛ و سلام مرا به ایشان برسانی، و پاسخ از آنان به من برگردانی؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد. خدای من؛ تو همانی که در نیمه های هر شب ندا می دهی: آیا درخواست کننده ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا دعاکننده ای هست تا او را اجابت نمایم؟ آیا استغفارکننده ای هست تا او را بیامرزم؟ آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم؟ اینک من در درگاهت درخواست کننده از تو هستم، و بیچاره توأم در درب خانه تو، و ناتوان توأم به درب خانه ات، و بینوای توأم به درب خانه ات، و آرزومند در درگاه تو هستم؛ از تو عطا و بخشش تو را می خواهم؛ و امیدوار رحمت تو و آرزومند گذشت تو هستم؛ و آمرزش تو را تمنا می نمایم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و خواسته ام را عطا کن؛ و مرا به آرزویم برسان؛ و فقرم را جبران کن، و به عصیان و سرکشی ام رحم کن؛ و از گناهانم درگذر؛ و حق و حقوقی که از بندگانت بر عهده من است، مرا از آن رها کن؛ و ناتوانیم را قوت بخش؛ و بیچارگی ام را عزت بخش؛ و گام هایم را محکم و استوار گردان؛ و جرمم را ببخش؛

و أنعم بالی، و أكثر من الحلال مالی، و خر لی فی جمیع اموری و أفعالی، و رضّنی بها، و ارحمنی و والدی و ما ولدا من المؤمنین و المؤمنات، و المسلمین و المسلمات، الأحياء منهم و الأموات، إنک سمیع الدعوات، و ألهمنی من برّهما ما أستحقّ به ثوابک و الجنّه، و تقبّل حسناتهما، و اغفر سيئاتهما، و اجزهما بأحسن ما فعلا بی ثوابک و الجنّه. إلهی و قد علمت یقیناً أنّک لا تأمر بالظلم و لا ترضاه، و لا تمیل إلیه و لا تهواه و لا تحبّه و لا تغشاه، و تعلم ما فیہ هؤلاء القوم من ظلم عبادک و بغیهم علینا، و تعدّیهم بغیر حقّ و لا معروف، بل ظلما و عدوانا و زورا و بهتاناً، فإن كنت جعلت لهم مدّه لا بدّ من بلوغها، أو کتبت لهم اجالا ینالونها، فقد قلت و قولک الحقّ و وعدک الصدق یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده أمّ الکتاب (۱). فأنا أسألك

و فکر و ذهنم را رشد بده؛ و مالم را از حلال زیاد کن؛ و در تمام امور و کارهایم برایم خیر و خوبی مقدّر فرما؛ و مرا به آن ها راضی و خشنود گردان؛ و رحم کن بر من و پدر و مادرم و فرزندان آنان از مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان مسلمان، زندگان از آن ها و مردگان از آن ها؛ همانا تو شنونده دعاهایی. به من الهام کن از نیکی کردن نسبت به آن دو (پدر و مادرم) آنچه با آن شایستگی ثواب و بهشت تو را پیدا کنم، و کارهای نیک آن ها را قبول فرما، و بدی های آن ها را ببخش، و به خاطر خوبی هایی که آن دو درباره من کرده اند پاداشت و بهشتت را نصیب آن دو فرما. خدای من؛ به یقین می دانم تو دستور به ستم نمی دهی، و به آن راضی نیستی، و میل به آن نمی نمایی، و آن را نمی خواهی و دوستش نمی داری، و نمی پوشانی آن را؛ و می دانی آنچه را که این قوم از ظلم به بندگان و تجاوزگری آن ها بر علیه ما، و تعدی و تجاوز ناحقّ و نامعرفشان که از روی ظلم و دشمنی و زور و تهمت آن را انجام می دهند؛ پس اگر بر ایشان مدّتی قرار دادی که باید آن مدّت بسر آید؛ یا مهلت هایی بر ایشان نوشتی و معین کردی که باید به پایان برسد، پس تو گفتی-سخت حقّ و وعده ات راست است:-

«آنچه را خدا بخواهد محو و نابود می کند و آنچه را بخواهد ثابت می دارد؛ و امّ الکتاب نزد اوست». پس من از تو می خواهم،

ص: ۲۲۶

بكلّ ما سألك به أنبياءك المرسلون ورسلك، و أسألك بما سألك به عبادك الصّالحون، و ملائكتك المقربون، أن تمحو من امّ الكتاب ذلك، و تكتب لهم الاضمحلال و المحق، حتّى تقرّب اجالهم، و تقضى مدّتهم، و تذهب أريامهم، و تبترّ أعمارهم، و تهلك فجّارهم، و تسلّط بعضهم على بعض، حتّى لا تبقى منهم أحد، و لا تنجى منهم أحد، و تفرّق جموعهم، و تكلّ سلاحهم، و تبدّد شملهم، و تقطع اجالهم، و تقصّر أعمارهم، و تزلزل أقدامهم، و تطهر بلادك منهم، و تظهر عبادك عليهم، فقد غيروا سنّتك، و نقضوا عهدك، و هتكوا حریمك، و أتوا على ما نهيتهم عنه، و عتوا عتوا كبيرا كبيرا، و ضلّوا ضلالا بعيدا، فصلّ على محمّد و ال محمّد، و أذن لجمعهم بالشّتات، و لحیّهم بالممات، و لأزواجهم بالنّهبات، و خلّص عبادك من ظلمهم،

به واسطه تمام آن چه به آن، پیامبران مرسل- که رسالت تبلیغ داشتند- و رسولانت از تو خواستند، و از تو می خواهم به واسطه آنچه بندگان صالح و شایسته ات و فرشتگان مقربت با آن از تو خواستند؛ که از امّ الكتاب (لوح محفوظ)، آن مدّت و مهلت را محو کنی و نابودی و پراکندگی و از هم پاشیدگی را برای شان بنویسی تا اجل های شان را نزدیک سازی، و مدّت شان را پایان دهی، و روزهای شان را سپری سازی، و رشتۀ عمرشان را پاره کنی، و فاسقانشان را هلاک سازی، و بعضی از آن ها را بر بعضی دیگر مسلط سازی؛ تا آن که یک نفر از آنان را باقی نگذاری، و احدی از آنان را نجات ندهی، و اجتماع شان را متفرّق سازی؛ و سلاح شان را ناتوان و بی اثر، و جمع آنان را پراکنده کنی، و مهلت ایشان را قطع، و عمرشان را کوتاه، و قدم های شان را متزلزل کنی؛ و سرزمین هایت را از وجودشان پاک، و بندگان را بر آنان مسلط سازی؛ چرا که آنان سنّت تو را تغییر دادند، و عهدت را شکستند، و حریمت را هتک کردند، و آنچه نهی کردی انجام دادند و (از فرمان های تو) سرپیچی نمودند؛ سرپیچی و نافرمانی بزرگ بزرگ، و گمراه شدند گمراهی عمیق، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و بر جمع و اجتماع آنان پراکندگی را، و برای زنده آنان مرگ را، و برای زوج هایشان غارت و چپاول را اراده کن و فرمان بده؛ و بندگان را از ستم آنان رهایی ده،

و اقبض أیدیهم عن هضمهم، و طهر أرضک منهم، و اذن بحصد نباتهم، و استیصال شافتهم، و شتات شملهم، و هدم بنیانهم، یا ذا الجلال و الإکرام. و أسألك یا إلهی و إله کل شیء، و ربی و رب کل شیء، و أدعوك بما دعاك به عبداک و رسولاک، و نبیاک و صفیاک موسی و هارون علیهما السلام، حین قالوا، داعیین لک، راجیین لفضلک، رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّنَا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۱)، فمنت و أنعمت علیهما بالإجابہ لهما إلی أن قرعت سمعهما بأمرک، فقلت اللهم رب قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۲. أن تصلی علی محمد و آل محمد، و أن تطمس علی أموال هؤلاء الظلمه، و أن

و با شکست شان دست های شان را ببند، و زمینت را از آنان پاک گردان، و فرمان بده به درو شدن و نابودی زراعت شان و به از بین رفتن اموال شان و پراکندگی امورشان و نابودی اصل و اساس شان؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری. و از تو می خواهم ای معبود من؛ و ای معبود هر چیز؛ و ای پروردگار من و پروردگار هر چیزی؛ تو را می خوانم با آنچه دو بنده و دو فرستاده و دو پیامبر و برگزیده ات موسی و هارون- که بر آنان درود باد- تو را خواندند؛ آن هنگام که گفتند -در حالت دعاگویی به درگاہت و امیدواری به فضلت-: «پروردگارا؛ تو، به فرعون و گروهش در زندگی دنیا زیور و اموال بسیار بخشیدی که با آن بندگانت را از راه تو گمراه کنند؛ پروردگارا؛ اموال آنان را نابود گردان، و دل های شان را سخت گردان، که اینان ایمان نیاورند، تا هنگامی که عذاب دردناک تو را مشاهده کنند» پس بر آنان با اجابت دعایشان منت گذارده و نعمت دادی؛ تا این که فرمانت را به گوش آنان رساندی، پس گفتی: -ای خدا و ای پروردگار من؛ - «دعای شما را مستجاب کردم؛ پس هر دو استقامت بورزید، و پیروی از راه مردم جاهل نکنید». (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و بر اموال این ستم گران را محو و نابود کنی، و بر

ص: ۲۲۸

تشدد علی قلوبهم، و آن تخسّف بهم برك، و آن تغرقهم فی بحرک، فإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِمَا لَكَ، و أر الخلق قدرتك فيهم، و بطشتك عليهم، فافعل ذلك بهم، و عَجَلْ لَهُمْ ذَلِكَ، یا خیر من سئل، و خیر من دعی، و خیر من تذَلَّتْ لَهُ الْوَجُوهُ، و رفعت إليه الأيدي، و دعی بالألسن، و شخّصت إليه الأبصار، و أَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، و نقلت إليه الأقدام، و تحوكم إليه فی الأعمال. إلهی و أنا عبدك أسألك من أسمائك بأبهاها، و كلّ أسمائك بهی، بل أسألك بأسمائك كلّها، أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد، و أن تركسهم علی امّ رؤسهم فی زبیتهم، و تردیهم فی مهوی حفرتهم، و ارمهم بحجرهم، و ذكهم بمشاقصهم، و اكبهم علی مناخرهم، و اخنقهم بوترهم، و اردد كیدهم فی نحورهم، و أوبقهم بندامتهم، حتّی يستخذلوا و يتضآءلوا بعد

قلوب شان سخت گردانی، و آنان را به بیابان خود فروبری، و در دریای خود آنان را غرق کنی؛ همانا آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست در اختیار توست، و قدرت خود را در مورد آنان، و سخت گیریت را بر ایشان به مردم نشان بده؛ این کار را درباره آنان انجام ده و برای آنان در این کار شتاب کن؛ ای بهترین کسی که از او درخواست شده؛ و بهترین کسی که خوانده شده؛ و بهترین کسی که برای او چهره ها به خاک مذلت افتاده؛ و دست ها به سوی او بالا رفته؛ و با زبان ها خوانده شده؛ و نگاه ها به سوی او دوخته شده؛ و قلب ها به سوی او روی آورده؛ و قدم ها به سوی او برداشته شده؛ و داوری در کارها به سوی او برده شده است. خدای من؛ من بنده ات هستم که از تو می خواهم باشکوهمندترین نام هایت؛ البتّه تمام نام های تو باشکوه است بلکه از تو به واسطه تمام نام هایت می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و اهل ستم را با مغز سرشان در حفره و گودالی که روی آن را پوشیده اند واژگون کنی، و آنان را در عمق حفره هایشان بیندازی، و با سنگ شان آنان را بزنی، و آنان را بکشی با تیرهای شان، و با بینی شان بر زمین بکوبی، و با زه کمان هایشان آنان را خفه کنی، و نیرنگ شان را به خودشان باز گردانی، و با پشیمانی شان آن ها را هلاک سازی، تا بعد از غرورشان خوار و ذلیل شوند، و پس از این همه



نخوتهم، و ينقمعوا بعد استطالتهم، أذلاء مأسورين في ربق حبائلهم، التي كانوا يؤملون أن يرونا فيها، و ترينا قدرتك فيهم، و سلطانك عليهم، و تأخذهم أخذ القرى و هي ظالمه، إن أخذك الأليم الشديد، و تأخذهم يا رب أخذ عزيز مقتدر، فإنك عزيز مقتدر، شديد العقاب، شديد المحال. اللهم صل على محمد و آل محمد، و عجل ايرادهم عذابك الذي أعدته للظالمين من أمثالهم، و الطاغين من نظر آثمهم، و ارفع حلمك عنهم، و احلل عليهم غضبك الذي لا يقوم له شيء، و أمر في تعجيل ذلك عليهم بأمرك الذي لا يرد و لا يؤخر، فإنك شاهد كل نجوى، و عالم كل فحوى، و لا تخفى عليك من أعمالهم خافيه، و لا تذهب عنك من أعمالهم خائنه، و أنت علام الغيوب، عالم بما في الضمائر و القلوب. و أسألك اللهم و ناديك بما

خود برتر بینی خرد و کوچک شوند و بعد از گردنکشی خوار شوند، در حالی که ذلیل های اسیر شده در بند طناب هایشان باشند- همان طناب هایی که آرزو داشتند ما را در آن ببینند- و به ما قدرت خود را در مورد آنان، و سلطنت خود بر آنان را نشان بده، و آنان را مجازات کن همانند مجازات بلده هایی که اهل آن ظالم بودند؛ همانا مجازات دردناک و شدید است؛ ای پروردگار من؛ آنان را مجازات کن، مانند مجازات فرد باعزت و مقتدر، زیرا تو نیرومند غالب و با اقتداری، کیفر تو سخت و توانایی تو شدید است. خدای من؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و در وارد کردن (ظالمان) به عذابت که برای ستمکارانی مثل آن ها، و سرکشانی نظیر آنان آماده کرده ای تعجیل کن؛ و می خواهم که بردباری خود را از آنان برداری و بر آنان غضبت را روا داری؛ غضبی که چیزی در برابر آن مقاومت و ایستادگی ندارد و در تعجیل غضبت بر آنان دستور بده، دستوری که بر نمی گردد و به تأخیر نمی افتد؛ همانا تو شاهد هر گفتگو و رازی، و آگاه از معنا و مفهوم هر کلامی، و پنهان کاری آنان در کارهای شان بر تو مخفی نمی ماند؛ و هیچ یک از اعمال خائنه آنان دور از نظرت نمی ماند؛ و تو نسبت به آنچه پنهان است بسیار دانایی و به آنچه در خاطرها و نهادها و دل ها است آگاهی؛ و خدای من؛ از تو می خواهم و ندا می دهم به آن چه که

ناداک به سیدی، و سئلك به نوح، إذ قلت تباركت و تعاليت و لَقَدْ نادانا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (۱)، أَجَلُ اللَّهِمَّ يَا رَبَّ أَنْتَ نِعْمَ الْمَجِيبُ، و نِعْمَ الْمَدْعُوُّ، و نِعْمَ الْمَسْئُولُ، و نِعْمَ الْمَعْطَى، أَنْتَ الْهَدَى لَا- تَخِيبُ سَأَلُكَ، و لَا تَرُدُّ رَاجِيكَ، و لَا تَطْرُدُ الْمَلْحَ عَنِ بَابِكَ، و لَا- تَرُدُّ دَعَاءَ سَأَلُكَ، و لَا- تَمَلِّ دَعَاءَ مَنْ أَمَلَكَ، و لَا- تَتَبَرَّمُ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ إِلَيْكَ، و لَا بِقَضَائِهَا لَهُمْ، فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ فِي أَسْرَعِ لِحْظٍ مِنْ لَمَحِ الطَّرْفِ، و أَخْفَى عَلَيْكَ، و أَهْوَنَ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ. و حَاجَتِي يَا سَيِّدِي و مَوْلَايَ، و مَعْتَمِدِي و رَجَائِي، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ و آلَ مُحَمَّدٍ، و أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، فَقَدْ جِئْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهْرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي، و رَكِبِنِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي، و لَا يَخْلُصُنِي مِنْهَا غَيْرُكَ، و لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ، و لَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ، فَا مَحْ يَا سَيِّدِي

سرور من تو را به آن ندا داد؛ و به واسطه آن نوح از تو درخواست نمود آن هنگام که گفتی-ای که پاک و منزّه و بلند مرتبه ای-:

«و به راستی نوح ما را ندا داد پس ما چه خوب اجابت کنندگان هستیم»، آری؛ خدای من؛ ای پروردگار من؛ تو بهترین اجابت کننده ای، و بهترین خواننده شده ای، و بهترین درخواست شده هستی و بهترین عطا کننده ای؛ تو همان کسی هستی که درخواست کننده ات را ناامید نمی کنی، و امیدوار به خودت را رد نمی کنی، و اصرار کننده را از دربارت نمی رانی، و دعای سؤال کننده ات را رد نمی کنی، و از دعای آرزومندت، گرفته و دل گیر نمی شوی، و از زیادی خواسته هایشان، و به خاطر برآوردن خواسته هایشان به ستوه نمی آیی؛ همانا برآوردن حاجات تمام آفریدگانت در نزد تو سریع تر است از چشم برهم زدن، و سبک تر و آسان تر است بر تو از بال پشه. و حاجت من ای آقا و مولای من، و تکیه گاه و امید من؛ این است که می خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهم را ببخشی؛ زیرا به درگاهت آمدم درحالی که پشتم از بار گناهانم سنگین شده؛ گناهان بزرگی که به واسطه آن ها با تو به مبارزه برخاستم، و حقوق زیادی از بندگانت بر عهده من است که جز تو کفایت نمی کند، و جز تو مرا از آن ها رهایی نمی دهد، و بر آن توان ندارد، و در اختیار کسی جز تو نیست، پس از بین ببر ای آقای من؛

ص: ۲۳۱

کثره سیئاتی بیسیر عبراتی، بل بقساوه قلبی، و جمود عینی، لا- بل برحمتک الّتی وسعت کلّ شیء، و أنا شیء، فلتسعی رحمتک، یا رحمان یا رحیم، یا أرحم الرّاحمین، لا تمتحنی فی هذه الدّنیاء بشیء من المحن، و لا تسلّط علیّ من لا یرحمنی، و لا- تهلکنی بذنوبی، و عجزل خلاصی من کلّ مکروه، و اذفع عنّی کلّ ظلم، و لا- تهتک ستی، و لا- تفضحنی یوم جمعک الخلاق للحساب، یا جزیل العطاء و الثّواب، أسألک أن تصلّی علیّ محمّداً و آل محمّداً، و أن تحیننی حیوه السّعداء، و تمیتنی میتة الشّهداء، و تقبلنی قبول الأودّاء، و تحفظنی فی هذه الدّنیاء الدّیة، من شرّ سلاطینها و فجّارها، و شرارها و محبّیها، و العالمین لها و ما فیها، و فنی شرّ طغاتها و حسّادها، و باغی الشّرک فیها، حتّی تکفیننی مکر المکره، و تفقأ عنّی أعین

زیادی گناهانم را با کمی اشک هایم؛ بلکه با سنگدلی و خشکی چشمم؛ نه، بلکه به خاطر رحمت خودت که هر موجودی را فراگرفته است، و من نیز یکی از آن موجودات هستم، پس رحمتت شامل من نیز هست، ای بخشنده؛ ای مهربان؛ ای مهربان ترین مهربانان؛ در این دنیا با محنت ها و دشواری ها مرا امتحان مکن، و کسی را که بر من رحم نمی کند بر من مسلط مکن، و به وسیله گناهانم هلاکم مساز، و در رهاییم از هر ناپسند و ناخوش آیند تعجیل فرما، و هر ستمی را از من دور کن و پرده ام را مدر، و در روزی که آفریدگانت را برای حساب گرد می آوری مرا رسوا مکن، ای بسیار عطاکننده و پاداش دهنده؛ از تو می خواهم بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و مرا به زندگی سعادت‌مندان زنده بداری، و به مرگ شهیدان بمیرانی، و مانند پذیرش دوست داران مرا بپذیری، و در این دنیای پست، مرا از شرّ پادشاهان دنیا و بدکاران آن و شروران و دوست داران آن، و عمل کنندگان برای دنیا و آن چه در آن است؛ حفظ کنی، و مرا از شرّ سرکشان دنیا و حسودان آن، و طالب شرک در آن، نگه داری، تا مرا از مکر مکاران کفایت کنی، و چشم های کفّار را نسبت به من کور نمایی،

الكفره، و تفحم عني ألسن الفجره، و تقبض لي على أیدی الظلمه، و توهن عني كيدهم، و تميتهم بغیظهم، و تشغلهم بأسماعهم و أبصارهم و أفئدتهم، و تجعلني من ذلك كله في أمنك و أمانك، و حرزك و سلطانك، و حجابك و كنفك، و عيذك و جارك، و من جار السوء و جليس السوء، إنك على كل شيء قدير، إِنَّ وِليَّ اللهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (۱).  
اللهم بك أعوذ، و بك ألوذ، و لك أعبد، و إياك أرجو، و بك أستعين، و بك أستكفي، و بك أستغيث، و بك أستنقذ، و منك أسئل، أن تصلي على محمد و آل محمد، و لا تردني إلا بدين مغفور، و سعي مشكور، و تجاره لن تبور، و أن تفعل بي ما أنت أهله، و لا تفعل بي ما أنا أهله، فإنك أهل التقوى و أهل المغفرة، و أهل الفضل و الرحمة. إلهي و قد أطلت دعائي، و أكثر

و زبان بدکاران را از من کوتاه و لال گردانی، و دست های ستمگران را برایم ببندی، و نقشه ها و مکر ایشان را بر من سست و بی پایه کنی، و آنان را با خشم درونی شان بمیرانی، و آنان را به گوش ها و چشم ها و دل هایشان مشغول سازی؛ و مرا از تمام آن ها در امن و امان خودت، و حفظ و سلطنتت، و پوشش و حمایتت، و پناه و جوارت قرار دهی؛ و از همسایه بد و همنشین بد نیز در امان داری؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی؛ «همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرستاد و او سرپرست صالحان است». خدای من؛ به تو پناه آورده ام و به تو پناهنده ام و برای تو عبادت می کنم و فقط امیدوار به لطف تو هستم و از تو کمک می جویم و از تو درخواست کفایت می کنم و از تو دادخواهی می نمایم و به وسیله تو رهایی می طلبم؛ و از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا بازمگردانی مگر با گناه بخشوده شده و تلاش سپاسگزاری شده و تجارتي که هرگز کساد نشود؛ و با من آن چه تو اهلش هستی انجام دهی، و با من آنچه اهلش هستم انجام مدهی که همانا تو اهل تقوا و اهل آمرزش و اهل فضل و رحمت هستی، خدای من؛ به راستی که دعایم را طول دادم و

ص: ۲۳۳

خطابی، و ضیق صدری حدانی علی ذلک کله، و حملنی علیه، علما منی بانه یجزیک منه قدر الملح فی العجین، بل یکفیک عزم إرادة و أن یقول العبد بته صادق و لسان صادق یا رب، فتکون عند ظنّ عبدک بک، و قد ناجاک بعزم الإراده قلبی، فأسألك أن تصلّی علی محمّد و ال محمّد، و أن تقرن دعائی بالإجابہ منک، و تلغنی ما أمّلتہ فیک، منه منک و طولاً، و قوه و حولاً، لا تقیمنی من مقامی هذا إلاّ بقضاء جمیع ما سألتک، فانه علیک یسیر، و خطرہ عندی جلیل کثیر، و أنت علیہ قدیر، یا سمیع یا بصیر. إلهی و هذا مقام العائذ بک من النار، و الهارب منک إلیک، من ذنوب تهجّمته، و عیوب فضحتہ، فصلّ علی محمّد و ال محمّد، و انظر إلیّ نظره رحیمه أفوز بها إلی جنتک، و اعطف علیّ عطفه أنجو بها من عقابک، فإنّ

خطابم را زیاد کردم، که تنگی و فشار سینه ام بر تمام این ها مرا کشاند، و مرا بر آن ها وادار کرد، با این که می دانم از تمام این ها فقط به اندازه نمک خمیر، تو را کفایت می کند؛ بلکه قصد خواستن و این که بنده با نیت راست و زبان صادق بگویند: ای پروردگار من؛ کافی است که تو در نزد گمان بنده ات به تو حضور داری. به راستی که قلبم به قصد خواستن با تو مناجات کرد؛ پس از تو می خواهم بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و دعایم را قرین اجابت خود سازی، و مرا به آرزوهایی که نسبت به تو دارم از جهت لطف و احسانی که به من داری و قدرت و توانی که در تو هست برسانی، از جایم برمخیزان مگر به برآوردن تمام آنچه از تو خواستم؛ همانا این کار بر تو آسان است و قدر و ارزش آن در نزد من شکوهمند و زیاد است؛ و درحالی که تو بر این کار توانایی ای شنوا؛ ای بینا؛ خدای من؛ این جایگاه پناهنده به تو از آتش و گریزنده از (غضب) تو به (رحمت) تو است؛ از گناہانی که بر او هجوم آورده، و عیوبی که او را رسوا کردند؛ پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و بر من نظر کن نظری از روی لطف و رحمت که به وسیله آن به سوی بهشت تو کامیاب گردم؛ و به من مهربانی کن، نوعی مهربانی که با آن از کیفر تو نجات یابم، همانا

الجَنَّةِ و النَّارِ لَكَ و بِيَدِكَ، و مَفَاتِيحَهُمَا و مَغَالِقَهُمَا إِلَيْكَ، و أَنْتَ عَلِيُّ ذَلِكُ قَادِرٌ، و هُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ، فَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ يَا قَدِيرٌ، و لَا- حَوْلَ و لَا- قُوَّةَ إِلَّا- بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، و حَسْبُنَا اللَّهُ و نَعْمَ الْوَكِيلُ، نَعْمَ الْمَوْلَى و نَعْمَ النَّصِيرُ، و الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، و صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطَّاهِرِينَ. (۱)

بهشت و آتش از آن تو و به دست توست و کلیدها و قفل های شان به سوی توست، و تو بر آن توانایی، و آن امر بر تو سهل و آسان است، پس آنچه از تو خواستم برای من انجام بده؛ ای توانا؛ و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به توان خداوند بلندمرتبه بزرگ؛ و خدا ما را کافی است، و خوب پشتیبانی است؛ خوب سرور، و خوب یاری کننده ای است. و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهان است. و خداوند بر سرورمان محمد و آل پاکش درود فرستد.

علی بن حماد می گوید: این دعا را از ابو الحسن علی علوی عریضی گرفتم و او با من شرط کرد که آن را به مخالف ندهم و به هیچ کس ندهم مگر آن که مذهبش را بدانم، و بدانم که او از دوست داران آل محمد علیهم السلام است؛ این دعا پیش من و برادران دینی ام (شیعیان) بود تا آن که یک قاضی اهوازی که مخالف مذهب بود در بصره نزد من آمد. او در گذشته به من احسان کرده بود و در شهرش به او احتیاج پیدا کرده بودم و در خانه اش بودم. شاه او را گرفته و بیست هزار درهم از او خواسته بود.

دلم به حالش سوخت، بر او رحم نموده و این دعا را به او دادم. او دعا را خواند، هنوز یک هفته تمام نشده بود که شاه او را بخشید و بیست هزار درهم را از او نخواست و با احترام، او را به شهرش بازگردانید و من او را تا «ابله» مشایعت نمودم و به بصره باز گشتم.

بعد از چند روزی دعا را نیاز داشتم اما نیافتم، و تمام کتاب هایم را جستجو نمودم ولی هیچ اثری از آن ندیدم. پس، دعا را از ابو مختار حسینی خواستم که او نیز نسخه ای از دعا داشت اما در کتاب های او نیز نیافتیم؛ تا بیست سال دنبال دعا می گشتیم اما نمی یافتیم؛ فهمیدم که این مجازاتی است از طرف خداوند عزّ و جلّ؛ چون دعا را به مخالف مذهب داده بودم؛

ص: ۲۳۵

بیست سال که گذشت، دعا را در کتاب های خود یافتیم درحالی که بارها به دنبال دعا گشته بودیم؛ لذا، با خود عهد کردم جز به کسی که اطمینان به دینش داشته باشم- که از معتقدان به ولایت آل رسول علیهم السلام است-دعا را ندهم بعد از این که از او هم عهد بگیرم که این دعا را جز به کسی که لایق آن است ندهد و از خدا کمک می جویم و بر او توکل می کنیم.

(۱)

در کتاب «جواهر المشوره» سید عبد الحسیب علوی، جملاتی بیش از آنچه در «مهج الدعوات» است وارد شده که چنین است:

و صلّ اللهم على سيد الأنبياء، و خير الأولياء، و أفضل الأصفياء، و أعلى الأزكياء، و أكمل الأتقياء، أرسله بالحق بشيرا و نذيرا، و داعيا إلى الله بإذنه، و سراجا منيرا، محمد المصطفى و اله مفاتيح أسرار العلي، و مصابيح أنوار التقى. و السلام على من اتبع الهدى، و صلّ على جميع الأنبياء و المرسلين و على أهل طاعتك أجمعين، من أهل السماوات و الأرضين، و اخصص محمدا بأفضل الصلوة و التسليم. اللهم ارحمنا فيهم، و اغفر لنا معهم، برحمتك يا أرحم الراحمين.

خدای من؛ بر سرور انبیا و بهترین اولیا و برترین برگزیدگان و والاترین پاکان و کامل ترین پرهیزکاران که او را به حقیقت بشارت دهنده و ترساننده فرستاده؛ و دعوت کننده به سوی خدا به اذن خدا، و چراغ روشنگر، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم برگزیده و آل او - که کلیدهای اسرار بلندمرتبه و چراغ های پرنور پرهیزکاری هستند- درود فرست. و سلام بر کسی که از هدایت پیروی نماید، و درود فرست بر تمام انبیا و رسولان، و بر تمام فرمان برداران اعم از آسمانیان و زمینیان؛ و محمد صلی الله علیه و اله و سلم را مخصوص گردان به برترین درودها و سلام ها. خدایا؛ ما را در میان ایشان رحمت رسان، و ما را با آنان بیامرز؛ به خاطر رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان؛

ص: ۲۳۶

نویسنده کتاب «جواهر المنثوره» می گوید: دعایی را که بعد از این ذکر می شود به خط جدم محقق داماد رحمه الله یافتیم و در آخر دعای علوی مصری خوانده می شود:

اللّهُمَّ بَكَ يَصُولُ الصَّائِلُ، وَ بِقُدْرَتِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ، وَ لَا- حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا- بِكَ، وَ لَا قُوَّةَ يَمْتَاذَهَا ذُو الْقُوَّةِ إِلَّا مِنْكَ، بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ عَتْرَتُهُ وَ سَلَالَتُهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، صَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ اكْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَ ضَرَّهٖ، وَ ارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَ يَمْنَهُ، وَ اقْضِ لِي فِي مَتَصَرِّفَاتِي بِحَسَنِ الْعَافِيَةِ، وَ بِلَوْغِ الْمَحَبَّةِ، وَ الظَّفَرِ بِالْإِمْتِيَةِ، وَ كَفَايَةِ الطَّاعِيَةِ الْمَغْوِيَةِ، وَ كُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أُذْيِهِ، حَتَّى أَكُونَ فِي جَنَّةٍ وَ عَصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَ نَقْمَةٍ، وَ أُبَدِّلَنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَافِيفِ أَمْنًا، وَ مِنَ الْعَوَاقِقِ فِيهِ يَسْرًا، حَتَّى لَا يَصِدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمَرَادِ، وَ لَا يَحِلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ أُذْيِ الْبِلَادِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ الْأُمُورَ إِلَيْكَ تَصِيرُ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ

خدای من؛ حمله کننده به کمک تو حمله می کند؛ و به کمک قدرت تو غلبه کننده غلبه می کند؛ و هیچ جنبش و توانی برای هیچ جنبنده و توانائی نیست، مگر به کمک تو؛ و هیچ قوتی نیست که قدرت داری را ممتاز کند، مگر آن که از توست؛ تو را به حق برگزیده خلقت، و انتخاب شده از آفریدگانت حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم پیامبرت و خاندان و دودمانش - که بر او و آنان درود باد- بر آنان درود فرست، و مرا از شر این روز و سختی آن کفایت کن، و خیر و خوبی آن را روزیم گردان، و در تمام تصرفات من و کارهایی که انجام می دهم عافیت نیکو مرحمت فرما و محبت و دست یابی به آرزو و کفایت از سرکشان فریب دهنده، و هر صاحب قدرتی که قصد اذیت و آزار مرا دارد؛ مرحمت کن تا در حفظ و پوشش و پناه باشم، از هر بلا- و عذابی، و در کارهایم، هر چیز ترسناکی را به امن و امتیّت مبدل کن، و موانع را آسان گردان تا هیچ بازدارنده ای مرا از آن چه تصمیم گرفته ام باز ندارد، و هیچ پیش آمد ناگواری از اذیت و آزار شهرها بر من وارد نشود؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی و همه کارها و امور مخلوقات به سوی تو بازمی گردد. ای کسی که چیزی همانند او نیست، و او شنوای



بیناست، و حمد و ستایش شایسته خداوند است که پروردگار جهانیان است.

## روز جمعه؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است

### اشاره

ابو سلیمان بن اورمه می گوید: در روزگار متوکل به ساقرا رفتم و بر سعید حاجب (دربان) وارد شدم، و متوکل ابا الحسن علیه السلام را به او سپرده بود تا آن حضرت را به قتل برساند. چون بر او داخل شدم، گفت: آیا دوست داری به سوی خدایت نظر کنی؟

گفتم: پاک و منزّه است خدا؛ خدای من را چشم ها درک نمی کنند و دیدگان از دیدنش عاجزند.

گفت: همان که گمان می کنید او امام شما است. گفتم: از این دیدن بدم نمی آید.

گفت: دستور قتل او را داده ام و فردا او را می کشم؛ و در نزد او اکنون پیام رسانی است چون خارج شد نزد او برو. کمی که گذشت و آن پیام رسان از نزد امام علیه السلام خارج شد رفت، سعید حاجب به من گفت: نزد او (امام علیه السلام) برو.

داخل خانه ای که امام در آن زندانی بود شدم، آن حضرت را دیدم که در کنار قبر حفر شده ای هستند؛ داخل شدم و سلام کردم و به شدت گریستم.

حضرت فرمود:

چرا گریه می کنی؟

گفتم: به خاطر آن چه می بینم.

فرمود: به خاطر آن گریه مکن؛ زیرا این کار به دست آنان انجام نمی گیرد.

با فرمایش آن حضرت، اندوهم تسکین یافت. و بعد فرمود:

او بیش از دو روز زنده نمی ماند تا این که خدا، خون او و دوستش را که دیدی بریزد.

سلیمان می گوید: به خدا سوگند، دو روز نگذشت که کشته شد.

به ابو الحسن علیه السلام گفتم: این حدیث پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم است:

---

١-١). أبواب الجنّات: ١٤٢.

لا تعادوا الأيام فتعاديكم.

با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی می کنند.

حضرت فرمودند:

آری؛ ولی این گفتار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تأویلی دارد:

شنبه: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است.

یکشنبه: امیر المؤمنین علی علیه السَّلام است.

دوشنبه: امام حسن و امام حسین علیهما السَّلام است.

سه شنبه: علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السَّلام است.

چهارشنبه: موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیهم السَّلام و من (علی بن محمد) هستیم.

پنجشنبه: فرزندان حسن علیه السَّلام است.

جمعه: قائم (قیام کننده) ما اهل بیت است. (۱)

### فضیلت دعای ندبه

صدر الإسلام همدانی اعلی الله مقامه در کتاب «تکالیف الأنام» می گوید: از خواصّ دعای ندبه این است که هرگاه در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود عنایت و توجه امام زمان ارواحنا فداه را به آن مکان جلب می کند بلکه باعث حضور حضرت علیه السَّلام در آنجا می گردد؛ چنان که در بعضی جاها اتفاق افتاده است. (۲)

آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله در کتاب «العبرى الحسنان» می گوید: در نوشته های حجّت الإسلام حاج شیخ مهدی- که از کتاب سید جواد نقل کرده بود و او یکی از امام جماعت های مورد اطمینان در اصفهان و دارای مقامات عالی معنوی بود «و آسمان بر راستگوتر از او سایه نیفکنده بود»- دیدم که چنین نگاشته بود:

روستای «صالح آباد» متعلق به من و چند شریکم بود. عدّه ای تصمیم گرفتند

ص: ۲۳۹

۱- ۱. جمال الاسبوع: ۳۶.

۲- ۲. تکالیف الأنام فی غیبه الإمام: ۱۹۷.

روستا را از ما به زور بگیرند و گروهی را به سوی ما فرستادند و هرچه صحبت کردیم سودی نداشت. عریضه ای برای امام ارواحنا فداه نوشتم و آن را در جوی آبی رها کردم و به «تخت فولاد» رفتم و دعای ندبه را با تضرع و گریه خواندم و چند بار تکرار کردم «هل إليك يا بن أحمد سبيل فتلقى؟»؛ «ای فرزند احمد؛ آیا به سوی تو راهی هست که ملاقات شوی؟»، یک دفعه صدای پای اسبی را شنیدم و عرب اسب سواری را دیدم که به من نظری کرد و از دیده ام پنهان شد و قلم با آن مشاهده آرام گرفت و راحت شد و اطمینان پیدا کردم که کارم درست می شود. شب بعد کارم به بهترین شکل درست شد؛ من، آن حضرت صلوات الله علیه را بارها در خواب دیده ام و او به همین اوصاف بوده است. (۱)

سید رضا- که از علمای مورد اطمینان و اعتماد اصفهان است- می گوید: به خاطر قرض و فقر فراوان، به اموات متوسل شدم و از خداوند برای دویست نفر از آنان طلب مغفرت نمودم و آن ها را با اسم خاطرنشان ساختم؛ سپس به امام زمان صلوات الله علیه متوسل شدم و بعضی از عبارت های دعای ندبه مثل «هل إليك يا بن أحمد سبيل فتلقى؟» را خواندم؛ هنگام خواندن آن، نور خاصی حیره ام را روشن کرد که روشن تر از نور خورشید بود و در همان روز برایم گشایش کاملی حاصل شد. (۲)

محدث نوری رحمه الله می گوید: آغا محمد که شخصی مورد اطمینان و عادل و امین و مجاور حرم عسکرین علیهما السلام است؛ از زبان مادرش- که از زنان صالحه و اهل عبادت بود- برایم چنین نقل کرد: روزی به همراه خانواده مولا سلماسی در سرداب شریف بودم و آقا رحمه الله دعای ندبه می خواند و ما نیز به دنبال او می خواندیم. او همچون فرد آشفته و حیران و محزون گریه می کرد و مانند گرفتاران ضجه می زد و ما نیز با گریه او گریه می کردیم و کسی غیر از ما آن جا نبود.

در همین حال بودیم که بوی مشک در سرداب منتشر شد و فضا و هوای سرداب را معطر کرد و چنان شدید شد که آن حالت از همه ما رفت و سکوت کردیم. «گویا بر سر ما پرنده ای است» و نمی توانیم حرکت کنیم، یا حرفی بزنیم. حیران و متحیر

ص: ۲۴۰

۱-۱). العبقري الحسن: ۲/۱۰۱ [۱] الياقوت الأحمر.

۲-۲). العبقري الحسن: ۲/۱۹۸ [۲] الياقوت الأحمر.

ماندیم تا این که زمان اندکی گذشت و آن بوی خوش رفت و به حال اول برگشتیم و به باقی مانده دعا مشغول شدیم. وقتی به خانه بازگشتیم از آقا رحمه الله علّت آن بوی خوش را پرسیدم، امتناع ورزید و گفت: تو را چه به این سؤال؟ و به من جواب نداد.

برادر برگزیده ام، عالم باوفا، و چراغ راه سالکین و عبادت پیشه گان آقا علی رضا اصفهانی رحمه الله چنین به من گفت: از همین آقای بزرگوار روزی درباره دیدارش با حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه سؤال کردم—و اعتقاد داشتم که او هم مانند استادش سید بحر العلوم خدمت امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شده است—ایشان همین جریان را حرف به حرف برایم تعریف کرد و الحمد لله أولا و آخرا. (۱)

## ۵- دعای ندبه

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «زاد المعاد» با سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت می کند: خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه یعنی روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر مستحب است. (۲)

علامه مجلسی رحمه الله در «مزار بحار» از سید بن طاووس رحمه الله از بعضی از اصحاب امامیه نقل نموده است: محمد بن علی بن ابی قره گفت: من دعای ندبه را از کتاب «محمد بن حسین بن سفیان بزوفری» نقل کرده ام و افزوده است که: آن، دعای امام زمان صلوات الله علیه است که خواندنش در اعیاد چهارگانه مستحب است.

و نیز، این دعا را عالم بزرگوار محدث نوری رحمه الله در «تحیة الزائر» از «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمه الله و «مزار» محمد بن مشهدی با همان سند روایت نموده است. و همچنین از کتاب «مزار قدیم» هم نقل کرده و اضافه نموده است که خواندن آن در شب جمعه مستحب است همان گونه که در اعیاد اربعه استحباب دارد. (۳) و دعا این است:

ص: ۲۴۱

۱-۱. دار السلام: ۲/۲۲۴.

۲-۲. زاد المعاد: ۴۹۱.

۳-۳. مکیال المکارم: ۲/۹۳. [۱]

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على سيدنا محمد نبيه و اله و سلم تسليما. اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في أوليائك، الذين استخلصتهم لنفسك و دينك، إذ اخترت لهم جزيل ما عندك، من النعيم المقيم، الذي لا- زوال له و لا اضمحلال، بعد أن شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية، و زخرفها و زبرجها، فشرطوا لك ذلك، و علمت منهم الوفاء به. فقبلتهم و قربتهم، و قدمت لهم الذكر العلي، و الثناء الجلي، و أهبطت عليهم ملائكتك، و كرمتهم بوحيك، و رفدتهم بعلمك، و جعلتهم الذريعة إليك، و الوسيلة إلى رضوانك. فبعض أسكنته جنتك، إلى أن أخرجه منها، و بعض حملته في فلكك و نجته و من امن معه من الهلكة برحمتك، و بعض اتخذته لنفسك خليلا، و سألك لسان صدق في الاخرين

حمد و سپاس سزاوار پروردگار عالميان است و درود خدا بر سيد و سرور ما (حضرت) محمد، پيامبر خدا و بر آل او سلام و تحيتي كامل. بارپروردگارا؛ سپاس از آن توست در مورد آن چه كه از قضا و قدرت در مورد دوستان، جاري گشت؛ آن هايي كه وجودشان را براي حضرت و براي دينت خالص گردانيدى؛ زيرا كه برگزيدى براي آن ها چيزهاي باارزشي كه نزد تو است؛ از نعمت هاي پايدار كه نابودي و زوال براي آن ها نيست. البته پس از آن كه زهد ورزیدن و بي رغبتی را در مورد اين دنياي پست و زر و زيور آن با آن ها شرط نمودی؛ آنان نیز متعهد شدند و تو نیز وفاداری ایشان را دانستی. پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیک شان ساختی و نامی بلند و ستایشی ارجمند به آنها دادی. و فرشتگان را بر آنان فروفرستادی و آن ها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود بهره مند ساختی و آنان را وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی. پس بعضی از آن ها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی كه او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را در كشتی ات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت رهایی بخشیدی. و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی كه از تو لسان صدق و خوش نامی بین دیگران را درخواست کرد،

فأجبتة، و جعلت ذلك علياً، و بعض كلمته من شجرة تكليما، و جعلت له من أخيه رداء و وزيراً، و بعض أولدته من غير أب و اتية الينيات، و أيدته بروح القدس. و كل شرعت له شريعة، و نهجت له منهاجاً، و تخيرت له أوصياء مستحفظاً بعد مستحفظ، من مدّه إلى مدّه، إقامه لدينك، و حجّه على عبادك، و لئلا يزول الحقّ عن مقرّه، و يغلب الباطل على أهله، و لا يقول أحد لو لا أرسلت إلينا رسولا منذراً، و أقمت لنا علما هادياً، فنتبع إياتك من قبل أن نذلّ و نخزي. إلى أن انتهيت بالأمر إلى حبيك و نجيبك محمّد صلّى الله عليه و اله فكان كما انتجبتة سيّد من خلقتة، و صفوه من اصطفيتة، و أفضل من اجتبيتة، و أكرم من اعتمدتة، قدّمته على أنبيائك، و بعثته إلى الثقلين من عبادك، و أوطأته مشارقك و مغاربك، و سخّرت له

اجابتش نمودی و او را بلند آوازه قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم کلام شدی و برادرش را وزیر و یاورش قرار دادی. و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح القدس تأییدش کردی. و برای هر کدام (از پیامبران) شریعتی را عنایت کردی و طریقه و راه روشنی معین فرمودی و برای هر یک جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ شریعت باشد؛ در زمان های معین برای برپا داشتن دین تو و حجّت بودن بر بندگان تو تا این که حق از مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود. و تا این که کسی نگوید: (خدایا!) اگر به سوی ما رسولی می فرستادی تا ما را بیم دهد و برای ما رهبری هدایت کننده می گماشتی ما پیش از خذلان و رسوایی مان، از آیات پیروی می کردیم. تا این که امر رسالت به حبیب و رسول برگزیده ات، محمّد- که درود خدا بر او و آل او باد- منتهی گردید؛ پس او همچنان که او را انتخاب کردی، سرور بندگان و زبده زبندگان و برتر از همه برگزیدگان و گرامی تر از همه معتمدان تو بود. او را بر تمام پیامبران مقدم داشتی و بر جنّ و انس از بندگان مبعوثش نمودی و شرق و غرب را زیر پای او و فرمان او قرار دادی و

البراق، و عرجت به (۱) إلى سمائك، و أودعته علم ما كان و ما يكون، إلى انقضاء خلقك، ثم نصرته بالرعب، و حففته بجبرئيل و ميكائيل و المسومين من ملائكتك، و وعدته أن تظهر دينه على الدين كله، و لو كره المشركون. و ذلك بعد أن بوأته ميوأ صدق من أهله، و جعلت له و لهم أوّل بيتٍ وُضِعَ للناسِ للذي بيكهُ مباركاً و هُدياً للعالمين\* فيه آياتٌ بيناتٌ مقام إبراهيم و من دخله كان آمناً (۲)، و قلت إنما يريد الله ليذهب

براق را برایش مسخر کردی و او را به آسمانت بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد بود را تا سرانجام خلقت، به او سپردی. سپس با ترسی که از او بر دل دشمنانش انداختی، یاریش کردی و گرداگرد او را به جبرئیل، میکائیل و فرشتگان دیگر - که هریک دارای علامت و اسمی هستند - احاطه نمودی و بدو وعده پیروزی دینش را بر تمامی ادیان دادی؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و آنان «اولین خانه ای را که برای (عبادت) مردم قرار داده شد، که در مکه است بابرکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گردانندی، و نیز در آن است نشانه های آشکار مانند مقام ابراهیم و هر که داخل آن خانه شد، در امان خواهد بود». و گفتی: «خداوند اراده فرموده که

ص: ۲۴۴

۱ - ۱). در «مکیال المکارم» [۱] آورده است که «عرجت به» موافق نسخه ای است که آن را عالم ربّانی حاج میرزا حسین نوری رحمه الله در کتاب «تحیة الزائر» از کتاب «مزار قدیم» و «مزار» شیخ محمّد بن المشهدی و «مصباح الزائر» [۲] سیّد بن طاووس رحمه الله نقل فرموده است و همه آن ها برگرفته شده از کتاب «محمّد بن علی بن ابی قزّه» است. ولی در «زاد المعاد» [۳] عرجت بروحه ذکر شده است و ظاهراً بر اثر اشتباهی است که در کتاب مصباح واقع شده و مجلسی هم از آن نقل نموده است و این مشهور گشته و سبب شبهه برخی کوه نظران و دشمنان گشته است؛ با این که معراج جسمانی از ضروریات مذهب و بلکه دین می باشد و روایات ائمه علیهم السّلام در آن متواتر و قرآن به آن گویا است. تذکر ارزشمند: هنگام تأمل در این عبارت، ملهم شدم که خود دعا، شهادت می دهد و دلالت دارد که صحیح همان است که ذکر نمودیم (عرجت به)، و در عبارت «زاد المعاد» [۴] تصحیفی واقع شده که چه بسا کار اهل عناد باشد و وجه دلالتش بدین گونه است: این که کلمه «سخرت له البراق» مقترن به «عرجت به» شده است، با توجه کامل برای خردمندان آشکار می گردد که همان صحیح است که گفتیم. چرا که عروج روح هیچ احتیاجی به براق ندارد و این بر هر که قلبی سلیم و عاری از شرک و نفاق داشته باشد، واضح است. اگر گفته شود: «عبارت در مقام شمارش فضایل پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم است و عطف با «او» اقتضا ندارد که به طور قطع، عروج به آسمان با براق بوده باشد.» در پاسخ می گوئیم: «اگر هم بپذیریم که «بروحه» صحیح است، این، معراج جسمانی را نفی نمی کند؛ زیرا اثبات فضیلتی برای پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم منافات با ثبوت فضیلت دیگری ندارد. (مکیال المکارم: ۲/۱۰۰). [۵]

۲ - ۲). سورة آل عمران، آیه ۹۷، ۹۶. [۶]



عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْعَيْتِ وَيُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً (۱). ثم جعلت أجر محمّد صلواتك عليه و اله موّدتهم في كتابك فقلت قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۲)، و قلت ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ (۳)، و قلت ما أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۴)، فكانوا هم السبيل إليك، و المسلك إلى رضوانك. فلما انقضت أيامه أقام وليه علي بن أبي طالب صلواتك عليهما و الهما هاديا، إذ كان هو المنذر و لكل قوم هاد، فقال و الملائم أمامه من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله. و قال من كنت أنا نبيّه فعلي أميره. و قال أنا و علي من شجره واحده و سائر الناس من شجر شتى، و أحله محلّ هارون من موسى، فقال له أنت مني بمنزله هارون من موسى

هر پليدى و ناپاكي را از شما اهل بيت پيامبر، ببرد و شما را كاملا پاك و پاكيزه گرداند». آن گاه پاداش رسالت حضرت محمّد را-كه درودهاى تو بر او و آل او باد-دوستى آنان مقرر نموده و در كتابت فرمودى: «بگو من از شما پاداش نمى طلبم مگر دوستى خويشاوندان نزديكم را». و فرمودى: (بگو) «پاداشى كه از شما خواستم آن هم براى خودتان و به نفع شما است» و فرمودى: (بگو) «من از شما مزد رسالت نمى خواهم مگر آن كه هر كدام از شما كه بخواهد راه خدا را در پيش گيرد» پس آن ها همان راه به سوى تو هستند و طريق براى خشنودى تو مى باشند. پس وقتى مدت عمر پيامبر سپرى شد، وصى و جانشين خود علي بن ابى طالب-درودهاى تو بر آن دو و آل آن دو باد-را براى هدايت امت برگزيد؛ زيرا كه خود او بيم دهنده بود، و براى هر قومى هدايتگرى است. پس درحالى كه همه در حضور او بودند چنين گفت: هر آن كه من مولاي اويم، پس على مولاي اوست؛ پروردگارا؛ دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن، يارى نما هر كه او را يارى نمايد و خار گردان هر كه او را مخدول نمايد. و گفت: هر كه را من پيامبر او هستم، پس على امير و فرمانرواى اوست. و فرمود: من و على از يك درختيم و ديگر انسان ها از درختان مختلفند. و او را قرار داد در جاىگاه هارون نسبت به موسى، پس به او فرمود: تو نسبت به من، همانند هارون براى موسى هستى،

ص: ۲۴۵

۱-۱ . سورة احزاب، آية ۳۳. [۱]

۲-۲ . سورة شورى، آية ۲۳. [۲]

۳-۳ . سورة سبأ، آية ۴۷. [۳]

۴-۴ . سورة فرقان، آية ۵۷. [۴]

إلا أنه لا نبى بعدى، و زوجته ابنته سيده نساء العالمين، و أحل له من مسجده ما حل له، و سد الأبواب إلا بابه. ثم أودعه علمه و حكمته فقال أنا مدينه العلم و على بابها، فمن أراد المدينه و الحكمه فليأتها من بابها، ثم قال أنت أختى و وصيى و وارثى، لحمك من لحمى، و دمك من دمى، و سلمك سلمى، و حربك حربى، و الإيمان مخالط لحمك و دمك، كما خالط لحمى و دمى، و أنت غدا على الحوض خليفتى، و أنت تقضى دينى، و تنجز عداتى، و شيعتك على منابر من نور مبيضه و جوههم حولى فى الجنه و هم جيرانى. و لو لا أنت يا على لم يعرف المؤمنون بعدى، و كان بعده هدى من الضلال، و نورا من العمى، و جبل الله المتين، و صراطه المستقيم، لا يسبق بقرابه فى رحم، و لا بسابقه فى دين، و لا يلحق فى منقبه من

جز اين كه پس از من پیامبرى نیست. و دخترش را-که سرور و بانوى زنان عالم است-به او تزويج فرمود. و حلال کرد از مسجدهش برای او، آن چه برای خودش حلال بود. و همه درها (ى مسجد) را نیز جز در خانه على بست. آن گاه علم و حکمتش را نزد او و ديعة نهاد و فرمود: من شهر علمم و على درب آن، پس هر که مى خواهد به شهر علم و حکمت قدم نهد، بايد از دروازه آن داخل گردد. سپس فرمود: تو برادر من، وصي من و وارث من هستى، گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من؛ سازش و آشتى تو، سازش و آشتى من و جنگ تو جنگ من است، و ايمان با گوشت و خون تو آميخته است همان گونه که با گوشت و خون من آميخته است؛ و فردا (ى قيامت) تو خليفه من بر حوض (کوثر) هستى و پس از من، تو هستى که قرض مرا مى پردازى و به وعده هاى من وفا مى کنى و پيروان تو بر منبرهاى از نور با چهره هاى سفيد و نورانى در اطراف من در بهشت اند و آنان همسايه من مى باشند. اى على؛ اگر تو نبودى، مؤمنان پس از من شناخته نمى شدند؛ و به راستى که پس از پیامبر، او ائمت را از گمراهى به هدايت و از نابينايى به بصيرت رساند و اوست رشته محکم الهى و راه مستقيم او؛ هيچ کس در خويشاوندى و نزديكى با رسول خدا صلى الله عليه و اله و سلم به او نمى رسد و هيچ کس در دين بر او پيشى نگرفته است؛ و کسى نیست که در يکى از اوصاف نيكويش

مناقبه یحذو حذو الرسول صلی الله علیهما و الهما. و یقاتل علی التأویل، و لا تأخذه فی الله لومه لائم، قد وتر فیہ صنادید العرب، و قتل أبطالهم، و ناوش ذؤبانهم، فأودع قلوبهم أحقادا بدریة و خیبریة و حنیئیة و غیرهنّ، فأضبت علی عداوته، و أکبت علی منابذته حتی قتل الناکثین و القاسطین و المارقین. و لما قضی نجه و قتله أشقی الاخرین، یتبع أشقی الأولین، لم یمثل أمر رسول الله صلی الله علیه و اله فی الهادین بعد الهادین، و الامة مصرّه علی مقتته، مجتمعه علی قطیعه رحمه، و إقصاء ولده إلا القلیل ممّن و فی لرعايه الحقّ فیهم. فقتل من قتل، و سبی من سبی، و اقصى من اقصى، و جرى القضاء لهم بما یرجى له حسن المثوبه، إذ كانت الأرض لله یورثها من یشاء من عباده، و العاقبه للمتقین، و سبحان ربنا إن کان

با او برابری کند؛ زیرا او گام می نهاد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد. و پیکار می نمود براساس تأویل حقایق و مقاصد قرآن؛ و در راه رضای خدا هیچ ملامتی، او را باز نمی داشت؛ به راستی که بزرگان عرب را ترسانید؛ و شجاعان آن ها را به خاک و خون کشید و با گرگ صفتان آن ها مقابله کرد؛ به همین جهت دل های آن ها پر از کینه شد از جنگ های بدر، خیبر، حنین و دیگر جنگ ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند و به اختلاف و درگیری روی آوردند تا این که پیمان شکنان، ستمگران و از دین بیرون رفتگان را به درک واصل کرد. وقتی اجلس به سر آمد و شقی ترین آخرین (امت) که از شقی ترین اولین پیروی کرد، آن حضرت را شهید کرد؛ فرمان رسول خدا- که درود خدا بر او و آل او باد- درباره هدایت گران امت، یکی پس از دیگری، اطاعت نشد. مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند؛ جمع شدند تا نسل او را قطع کنند و اولاد او را تبعید و آواره نمایند؛ جز اندکی که در رعایت حق فرزندان رسول خدا، وفا نمودند. پس (بر اثر ظلم و بیداد) گروهی کشته شدند و گروه دیگری اسیر، جمعی دور از وطن، و حکم قضاوقدر الهی، بر آن ها جاری شد به چیزی که امید بهترین ثواب و پاداش از آن، می رود. زیرا زمین از آن خداست و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، ارث می دهد؛ و البته پایان نیکو از آن پرهیزکاران است. و منزه است پروردگار ما؛ به راستی که

وعد ربنا لمفعولاً و لن يخلف الله وعده، و هو العزيز الحكيم. فعلى الأطائب من أهل بيت محمد و على صلی الله علیهما و الهما فلیسک الباكون، و إياهم فلیندب النادبون، و لمثلهم فلتذرف الدموع، و لیصرخ الصارخون، و یضج الضاجون، و یعج العاجون. أين الحسن أين الحسين، أين أبناء الحسين، صالح بعد صالح، و صادق بعد صادق، أين السبیل بعد السبیل، أين الخیره بعد الخیره، أين الشمس الطالع، أين الأعمار المنیره، أين الأنجم الزاهره، أين أعلام الدین و قواعد العلم، أين بقیه الله التي لا تخلو من العتره الهادیه، أين المعدّ لقطع دابر الظلمه، أين المنتظر لإقامه الأمت و العوج، أين المرتجی لإزاله الجور و العدوان، أين المدخر لتجديد الفرائض و السنن، أين المتخیر لإعاده المله و الشریعه، أين المؤمل لإحیاء

وعدة او انجام شده است و هرگز خلف وعده نمی کند، و او عزّت مند حکیم است. پس بر پاکیزگان از آل محمد و علی- درود خدا بر آن ها و اهل بیت آن ها-بایستی گریه کنندگان اشک بریزند و بر آنان زاری کنندگان زاری نمایند و برای امثال آن بزرگواران، باید سرشک از دیدگان جاری شود و شیون کنندگان شیون از دل برکشند و ضجه کنندگان فریاد بزنند و ناله کنندگان ناله جانسوز سر دهند که حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجا هستند؟ که هریک شایسته ای پس از شایسته دیگر، و راست گویی بعد از راست گویی دیگر بودند؛ کجاست راه راست پس از راه راست دیگر؟ کجایند برگزیدگان یکی پس از دیگری؟ خورشیدهای تابان کجا هستند؟ ماه های فروزان کجایند؟ ستارگان درخشان کجایند؟ نشانه ها و راهنمایان دین و پایه های دانش کجایند؟ باقی مانده حجج الهی کجاست؟ کسی که (جهان) از عترت هدایت گر خالی نخواهد بود. کجاست آن که برای قطع دنباله ستمکاران آماده گشته است؟ کجاست آن که انتظارش را می کشند که کج روی ها و انحرافات را از بین ببرد؟ کجاست کسی که برای براندازی ظلم و بیدادگری به او امید است؟ کجاست آن ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت های الهی؟ کجاست آن منتخب برای بازگرداندن کیش و آیین؟ کجاست آن که آرزو می رود بیاید

الكتاب و حدوده، أين محیی معالم الدین و أهله. أين قاصم شوکه المعتدین، أين هادم أبنیه الشّرك و النّفاق، أين مبيد أهل الفسوق و العصیان و الطّغیان، أين حاصد فروع الغیّ و الشّقاق، أين طامس اثار الزّیغ و الأهواء. أين قاطع حبائل الكذب و الإفتراء، أين مبيد العتاه و المرده، أين مستأصل أهل العناد و التّضلیل و الإلحاد، أين معزّ الأولیاء و مذلّ الأعداء، أين جامع الكلمه على التّقوی، أين باب الله المذی منه یوتی، أين وجه الله المذی إلیه یتوجّه الأولیاء، أين السّبب المتّصل بین الأرض و السّماء، أين صاحب یوم الفتح و ناشر رایه الهدی، أين مؤلّف شمل الصّلاح و الرّضا. أين الطّالب بذحول الأنبیاء و أبناء الأنبیاء، أين الطّالب بدم المقتول بکربلاء أين المنصور علی من اعتدی علیه و افتری، أين المضطرّ الذی یجاب إذا

و قرآن و حدودش را زنده کند؟ کجاست زنده کننده نشانه های دین و اهل آن؟ کجاست او که شوکت ستمکاران را درهم می شکند؟ کجاست آن که بنیادهای شرک و نفاق را ویران می کند؟ کجاست او که فاسقان، نافرمانان و طغیان گران را به هلاکت می کشاند؟ کجاست آن که شاخه های گمراهی و بدبختی را درو می کند؟ کجاست آن که آثار انحراف و هواپرستی را محو می نماید؟ کجاست آن که رشته های دروغ و افترا را قطع می کند؟ کجاست نابودکننده سرکشان و تمردکنندگان؟ کجاست آن که ریشه معاندان، گمراهان و کافران را برکند؟ کجاست آن که دوستان را عزیز نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست او که اتحاد کلمه براساس تقوا و پرهیزکاری فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن در وارد شوند؟ کجاست آن (چهره و) آئینه تمام نمای خداوند که دوستان به سوی او توجّه نمایند؟ کجاست آن که وسیله پیوند بین زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برافرازنده پرچم هدایت؟ کجاست گردآورنده پراکندگی های درست کاری و مصلحت و خشنودی؟ کجاست آن که برای خون پیامبران و فرزندان آن ها خونخواهی می کند؟ کجاست آن که به دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟ کجاست آن که بر هر ظالم تجاوزگر دروغگو، پیروزمند است؟ کجاست آن آقای گرفتاری که اگر

دعا، آين صدر الخلائق ذو البر و التقوى، آين ابن النبي المصطفى و ابن علي المرتضى و ابن خديجه الغراء و ابن فاطمه الكبرى. بأبي أنت و أمي و نفسي لك الوقاء و الحمى، يابن الساده المقرين، يابن النجباء الأكرمين، يابن الهداه المهديين، يابن الخيره المهديين، يابن الغطارفه الأنجيين، يابن الأطائب المطهرين، يابن الخضارمه المنتجين، يابن القماقمه الأكرمين. يابن البدور المنيره، يابن السرج المضيئه، يابن الشهب الثاقبه، يابن الأنجم الزاهره، يابن السبل الواضحه، يابن الأعلام اللانه، يابن العلوم الكامله، يابن السن المشهوره، يابن المعالم الماثوره، يابن المعجزات الموجوده، يابن الدلائل المشهوره، يابن الصراط المستقيم، يابن النبا العظيم، يابن من هو في ام الكتاب لدى الله علي حكيم، يابن الايات و البيئات،

دعا كند اجابت مي شود؟ كجاست آن صدرنشين عالم و صاحب تقوا و نيكوكاري؟ كجاست آن فرزند پيامبر مصطفى و فرزند علي مرتضى و فرزند خديجه آن صاحب سيمای نورانی و فرزند فاطمه كبرى؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلاگردان و سپر و حامی تو باشد ای فرزند سروران مقرب؛ ای فرزند انسان های اصیل و نجیب و بزرگوار؛ ای فرزند هدايت گران هدايت شده؛ ای فرزند برگزیدگان مهذب (خودساخته)؛ ای فرزند سروران شرافتمند؛ ای فرزند نيكوترين پاكان؛ ای فرزند آقايان بسيار بخشنده، همانند درياهای پر جود؛ ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی؛ ای فرزند ماه های تابان؛ ای فرزند چراغ های تابان؛ ای فرزند شهاب های تابنده؛ ای فرزند اختران فروزان؛ ای فرزند راه های روشن؛ ای فرزند نشانه های آشكار؛ ای فرزند دانش های كامل خداوندی؛ ای فرزند سنن و روش های پسندیده مشهور (آسمانی)؛ ای فرزند نشانه های برجای مانده؛ ای فرزند معجزات پايان نیافته و موجود، ای فرزند دليل های دیده شده؛ ای فرزند راه راست؛ ای فرزند خبر بزرگ؛ ای فرزند کسی که در ام الكتاب، نزد خداوند، بلند مرتبه و حكيم است. ای فرزند نشانه ها و بیئات (حجت های آشكار خداوند)،

یابن الدلائل الظاهرات، یابن البراهین الواضحات الباهرات، یابن الحجج البالغات، یابن النعم السابغات، یابن طه و المحکّمات، یابن یس و الدّاریات، یابن الطّور و العادیات، یابن من دنی فتدلی فکان قاب قوسین أو أدنی دنوّا و اقترابا من العلیّ الاعلیّ، لیت شعری این استقرّت بک النّوی، بل ایّ أرض تقلّک أو ثری، أبرضوی أو غیرها أم ذی طوی، عزیز علیّ أن أری الخلق و لا تری، و لا أسمع لك حسیسا و لا نجوی، عزیز علیّ أن تحیط بک دونی البلوی و لا ینالک منی ضجیح و لا شکوی. بنفسی أنت من مغیب لم یخل منّا، بنفسی أنت من نازح ما نرح عنّا، بنفسی أنت امّیه شائق یتمنّی، من مؤمن و مؤمنه ذکرنا فحنّا، بنفسی أنت من عقید عزّ لا یسامی، بنفسی أنت من أثیل مجد لا یجاری، بنفسی أنت من تلاد نعم

ای فرزند دلایل آشکارا، ای فرزند برهان های نمایان و روشن، ای فرزند حجّت های رسا، ای فرزند نعمت های فراوان و فراخ، ای فرزند طه و آیات محکم قرآن، ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات؛ ای فرزند آن که در شب معراج نزدیک شد و در آویخت (به مقام قرب حق تعالی) به اندازه فاصله دو سر کمان و یا نزدیک تر، نزدیک به خدای علیّ اعلیّ. ای کاش می دانستم کجا اقامت گزیده ای؛ بلکه کدام سرزمین یا منطقه ای اقامت داری؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن؟ یا در ذی طوی هستی؟ بسیار بر من سخت است که همه را می بینم و تو دیده نمی شوی؛ و از تو هیچ صدا و هیچ رازی را نشنوم؛ بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی و از من هیچ ناله و شکایتی به تو نرسد. جانم فدایت تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی؛ جانم فدایت گرچه از نظرم دوری ولی از ما جدا نیستی؛ جانم فدایت تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاق مؤمن هستی که آرزویت کنند و به یادت ناله سر دهند. جانم فدایت تو آن سرشته عزّتی هستی که هم طراز از برایت نتوان یافت؛ جانم فدایت تو از ارکان مجد و شرف و بزرگواری هستی که هم قطاری نداری؛ جانم فدایت تو از نعمت های دیرین خدایی

لا تضاهي، بنفسى أنت من نصيف شرف لا يساوى. إلى متى أحرار فيك يا مولاي، و إلى متى و أئى خطاب أصف فيك و أئى نجوى، عزيز على أن اجاب دونك و اناغى، عزيز على أن أبكيك و يخذلك الورى، عزيز على أن يجرى عليك دونهم ما جرى. هل من معين فاطيل معه العويل و البكاء، هل من جزوع فاساعد جزعه إذا خلا، هل قذيت عين فساعدتها عيني على القذى، هل إليك يابن أحمد سبيل فتلقى، هل يتصل يومنا منك بغده بعده فنحظى. متى نرد مناهلك الزويّه فنروى، متى ننتفع من عذب مائك فقد طال الصّيدى، متى نغاديك و نراوحك فنقرّ عينا، متى ترانا و نراك و قد نشرت لوآء النّصر ترى. أترانا نحفّ بك و أنت تامّ الملاء و قد ملأت الأرض عدلا، و أذقت أعدائك هوانا و عقابا، و أبرت العتاه و جحده الحقّ، و قطعت

هستی که مانندى نخواهد داشت؛ جانم فدایت، تو از خاندان شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد. تا کی سرگردان تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و با چه گفتاری به ستایش تو پردازم؟ و چگونه راز دل بگویم؟ بر من بسی گران است که غیر تو پاسخم را بدهد و سخنان فریبنده و خوش آیند برایم بگوید؛ بسی مشکل است بر من که بر دوری تو بگریم و مردم تو را واگذارند؛ گران است بر من که آن چه (از مشکلات) می گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو نگذرد. آیا کسی هست که مرا کمک کند تا همراه با او ناله و شیون طولانی سر دهم؟ آیا کسی هست که بسیار جزع و زاری کند و من هم در تنهایی او با زاری و گریه یاریش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاک رفته است تا چشم من در اشک ریختن با او همدم شود؟ ای زاده احمد؛ آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟ آیا روز جدایی ما به فردایی می رسد که روز وصال و بهره مندی از جمال مقدّست باشد؟ کی می شود که بر چشمه های سیراب کننده ات درآییم و سیراب گردیم؟ کی می شود که از آب زلال و گواریت بنوشیم که به راستی تشنگی طولانی شد؟ کی می شود که با تو صبح و شام کنیم و چشم مان روشن گردد؟ کی رسد آن وقت که تو ما را ببینی و ما تو را؛ درحالی که پرچم نصر و ظفرت را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را که بر گرد تو حلقه زده ایم و تو بر مردم امامت کنی درحالی که زمین را پر از عدل و داد کرده ای، و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشانده باشی و سرکشان و منکران حق را هلاک کرده باشی، و



دابر المتكبرين، و اجتثت اصول الظالمين، و نحن نقول الحمد لله رب العالمين. اللهم أنت كشاف الكرب و البلوى، و إليك أستعدى فعندك العدوى، و أنت رب الآخرة و الدنيا، فأغث يا غياث المستغيثين عبيدك المبتلى، و أره سيده يا شديد القوى، و أزل عنه به الأسي و الجوى، و بزد غليله يا من على العرش استوى، و من إليه الرجعى و المنتهى. اللهم و نحن عبيدك التائقون إلى وليك المذكر بك و بنبيك، خلقتنا لنا عصمه و ملاذا، و أقمته لنا قواما و معادا، و جعلته للمؤمنين منا إماما، فبلغه منا تحية و سلاما، و زدنا بذلك يا رب إكراما، و اجعل مستقره لنا مستقرا و مقاما، و أتمم نعمتك بتقديمك إياه أمانا، حتى توردنا جنانك و مرافقه الشهداء من خلصائك. اللهم صل على حجتك و ولي أمرك، و صل على جدّه محمد رسولك السيد

ريشه متكبران را قطع نموده و اساس ستم كاران را از بيخ و بن برکنده باشى و ما آن موقع مى گوييم: سپاس مخصوص پروردگار جهانيان است؟ بارخدايا؛ تو برطرف کننده غم و اندوه و بلاها هستى و به درگاه تو درد دل و تو را به فرياد مى طلبم كه يارى رساندن براى انتقام گرفتن از ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنيا و آخرت هستى؛ پس درياب اى فريادرس فريادخواهان؛ بنده كوچك گرفتار خود را؛ و آقايش را نشان ده اى نيرومند بسيار مقتدر؛ و به اين وسيله غم و اندوه و درد سينه اش را از بين ببر و سوز عشقش را آرام كن؛ اى كسى كه بر عرش مسلط هستى و بازگشت و پايان كارها به سوى اوست. خدايا؛ ما بندگان توئيم كه شيفته ولي تو هستيم؛ او كه يادآور تو و پيامبرت است، و تو او را براى حفظ و نگه دارى ما و پناه ما آفريدى، و او را برپا داشتى تا پشتيبان و پناهگاه ما باشد و او را براى مؤمنان از ما، پيشوا قرار دادى؛ پس سلام و تحيت ما را به او برسان، و به وسيله آن، بر كرامت ما بيفزا؛ اى پروردگار ما؛ و جايگاه او را جايگاه و منزلگاه ما قرار ده، و با مقدم داشتن او را پيشاپيش ما، نعمت را بر ما كامل گردان تا ما را به بهشت خود وارد نمايى و هم نشين شهيدان مخلصت قرار دهى. خدايا؛ بر حجت و ولي امرت درود فرست؛ و درود بفرست بر محمد جد او، پيامبرت، آن بزرگوارترين

الأكبر، و صلّ على أبيه السيّد القصور، و حامل اللّوآء في المحشر، و ساقى أوليآئه من نهر الكوثر، و الأمير على سآئر البشر، الّذي من امن به فقد ظفر و شكر، و من لم يؤمن به فقد خطر و كفر، صلّى الله عليه و على أخيه و على نجلهما الميامين الغرر، ما طلعت شمس و ما أضاء قمر. (۱) و على جدّته الصّدّيقه الكبرى، فاطمه الزّهراء بنت محمّد المصطفى، و على من اصطفت من أبآئه البرره، و عليه أفضل و أكمل و أتمّ و أدوم و أكثر و أوفر ما صلّيت على أحد من أصفیآئك، و خيرتك من خلقك، و صلّ عليه صلاه لا غايه لعددها، و لا نهايه لمددها، و لا نفاذ لأمدها. أللّهمّ و أقم به الحقّ، و أدحض به الباطل،

آقا؛ و بر پدرش علی، آقای دلیر و سلحشور و شجاع، و برپادارندهٔ پرچم در صحرای محشر؛ و سیراب کنندهٔ دوست دارانش از نهر کوثر؛ و فرمان روا بر تمام بشر؛ که هر کس بدو ایمان آورد، پیروزمند و سرافراز گشته است و آن که ایمان نیاورد، به خطر بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و بر فرزندان شان که نیک بختان و بزرگوارند. مادامی که خورشید می تابد و ماه نور می افشاند. و درود بر مادر بزرگ او، صدیقۀ کبری، فاطمۀ زهرا دختر محمّد مصطفی؛ و بر آنان که تو برگزیدی از پدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل ترین، تمام ترین، بادوام ترین، بیشترین، و فراوان ترین درود و رحمتی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان از بندگانت فرستادی نثار باد. و بر او درود فرست؛ درودی که بی شمار و پایان ناپذیر و بی انتهاست و مدّتش پایان ندارد. خدایا؛ حق را به وسیلۀ او برپا دار و باطل را به وسیلۀ او نابود کن

ص: ۲۵۴

۱- ۱). این فقره از دعا در بسیاری از کتب موجود می باشد؛ مانند: «إقبال الأعمال» [۱] سیّد بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفه الزائر» (چاپ سنگی بدون شماره صفحه)، «زاد المعاد» علامۀ مجلسی رحمه الله (ص ۵۰۲)، «الصحیفه الهادیه» عالم بزرگوار شیخ [۲] «زاد المعاد» علامۀ مجلسی رحمه الله (ص ۵۰۲)، «[۳] الصحیفه الهادیه» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح الجنّات» [۴] عالم بزرگوار سیّد محسن امین (۳/۲۵۵)، «[۵] تکالیف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵)، «عمده الزائر» آیه الله سیّد حیدر کاظمی (ص ۳۵۸)، «فوز اکبر» علامه میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی (ص ۱۲۴)، «مکیال المکارم» علامه سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی (۲/۹۹)، [۶] «منهاج العارفين» علامۀ سمنانی (ص ۱۵۹)، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲)، «الصحیفه الصادقیه» (ص ۷۲۸)، «هدیه الزائرین» محدّث قمی رحمه الله (ص ۶۴۸)، و [۷] ملحقّات «جمال الاسبوع» [۸] نشر دار الذخائر.

و أدل به أوليائك، و أدل به أعدائك، و صل اللهم بيننا و بينه وصله تؤدى إلى مرافقه سلفه، و اجعلنا ممن يأخذ بحجزتهم، و يمكث في ظلهم، و أعنا على تأديه حقوقه إليه، و الاجتهاد في طاعته، و اجتناب معصيته، و امن علينا برضاه، و هب لنا رفته و رحمته، و دعاءه و خيره، ما نال به سعه من رحمتك، و فوزا عندك، و اجعل صلاتنا به مقبوله، و ذنوبنا به مغفوره، و دعاءنا به مستجابا، و اجعل أرزاقنا به مبسوطه، و همومنا به مكفئه، و حوائجنا به مقضيه، و أقبل إلينا بوجهك الكريم، و اقبل تقربنا إليك، و انظر إلينا نظره رحيمه نستكمل بها الكرامه عندك، ثم لا تصرفها عنا بعودك، و اسقنا من حوض جدّه صلى الله عليه و اله، بكأسه و بيده ريا رويًا، هنيئا سائغا، لا ظمأ بعده، يا أرحم الراحمين. (۱)

و دوستانت را توسط او چیره گردان و دشمنانت را به وسیله او خوار و ذلیل نما. خدای من؛ بین ما و او پیوندی برقرار کن که به همنشینی با پیشینیان پاک او منتهی گردد و ما را از کسانی قرار بده که به دامان آنان چنگ زده اند و در سایه آنان زندگی می کنند. و ما را یاری کن در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش کردن در اطاعت از او، و دوری کردن از نافرمانی او، و بر ما منت بگذار به خشنودی او و مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدین وسیله به رحمت و اسعۀ تو دست یابیم و نزد تو به کامیابی نایل شویم؛ و قرار بده نماز ما را به واسطه او قبول شده، و گناهان ما را به واسطه او آمرزیده شده و دعاهاى ما را به واسطه او مستجاب شده، و روزی های ما را به وسیله او وسعت داده شده، و اندوه های ما را به واسطه او برطرف شده؛ و حوائج ما را توسط او برآورده شده، و با چهره کریمانه ات به ما توجه کن و روی آور. و تقرب و توسل ما را به درگاہت پذیرا باش، و به ما نظر رحمتی بفرما که به واسطه آن، کرامت نزد تو را به کمال رسانیم. سپس با بخشش و بزرگواریت نظر لطف خود را از ما بازگیر و از حوض جدش - که درود خدا بر او و آل او باد - سیرابمان ساز با جام و کاسه او و به دست او؛ سیراب کردنی کامل و گوارا و خوش که پس از آن تشنگی نباشد؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

ص: ۲۵۵

۱- ۱). تحفه الزائر: [۱] چاپ سنگی بدون شماره صفحه، زاد المعاد: ۴۹۱، و [۲] مصباح الزائر: ۴۴۶ (۳] با تفاوت اندک). .

## ۶- دعا در روز جمعه

بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج

مستحب است روز جمعه بعد از نماز صبح، صد مرتبه سوره «توحید» بخوانند، و صد مرتبه هم از درگاه خداوند، طلب آمرزش نموده و استغفار کنند؛ صد مرتبه هم بدین صورت بر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم صلوات بفرستند:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۱)

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

## ۷- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در روز جمعه

شیخ طوسی رحمه الله در «مصباح المتهجد» فرموده است: هرگاه کسی خواست روز جمعه بر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم صلوات فرستد چنین بگوید:

اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ، وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ رِسْلِكَ، عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

خدایا؛ درود و رحمت خود را و درود فرشتگان و رسولان خود را بر محمد و آل محمد نثار کن و در گشایش کارشان شتاب فرما.

یا بگوید: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۲)

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

ص: ۲۵۶

---

۱-۱. البلد الأمين: ۱۱۰. [۱]

۲-۲. مصباح المتهجد: ۲۸۴. [۲]

وی در جای دیگر می گوید: روایت شده است که صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۱)

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

## ۸- دعای دیگری برای ظهور آن حضرت

در روز جمعه

مستحب است انسان در روز جمعه، صد مرتبه سوره قدر را بخواند و هزار مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

و اگر نتوانست صد مرتبه، اگر موفق نشد ده مرتبه، و بالأخره اگر نتوانست هر چه توانست بخواند. (۲)

## ۹- صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند

از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود

از مولای مان جعفر بن محمد علیهما السلام و او از پدران علیهم السلام روایت کرده که فرمودند:

هر کس پس از نماز جمعه، هفت مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ،

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما.

از اصحاب قائم صلوات الله علیه خواهد بود. (۳)

ص: ۲۵۷

---

۱-۱ . مصباح المتهجد: ۳۸۷. [۱]

۲-۲ . البلد الأمين: ۱۱۲، و مانند آن در بحار الأنوار: ۸۹/۳۳۱ وارد شده است.

۳-۳ . بحار الأنوار: ۹۰/۶۵.

## ۱۰- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه

در روز جمعه، عید فطر و عید قربان

از امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز جمعه، عید فطر و قربان، وقتی قصد خروج از منزل نمودی، بگو:

اللَّهُمَّ مِنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رَفْدِهِ وَجَازْتَهُ وَنَوَافِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَانَتْ وَفَادَتِي وَتَهَيَّئْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ، وَجَوَازِزِكَ وَنَوَافِلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى أُمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى مُحَمَّدٍ،

خدایا! هر کس در این روز مهیا گشته یا آماده شده یا حاضر شده یا آمادگی یافته تا نزد مخلوقی برود و امید پاداش و عطیه و بخششی از او دارد؛ پس ای آقای من؛ کوچ کردن من و مهیا شدن من و حاضر گشتن من و آمادگی من به سوی تو به امید پاداش و بخشش تو است. بار خدایا! بر بنده و فرستاده ات و برگزیده از بندگانت، محمد صلی الله علیه و اله و سلم، و بر علی علیه السلام امیر مؤمنان و وصی پیامبرت درود فرست، و ای پروردگارم؛ درود فرست بر پیشوایان مؤمنان: امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر...

و امامان را تا آخر نام ببر تا به نام صاحبیت (حضرت مهدی ارواحنا فداه) برسی و بگو:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا. اللَّهُمَّ أَظْهَرْ بِهِ دِينَكَ وَسَنَّهُ رَسُولَكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ

خدایا! گشایشی آسان برایش مقرر فرما؛ نصرتی باعزت عنایتش فرما؛ خداوندا؛ دینت را و نیز سنت پیامبرت را به وسیله او ظاهر فرما تا هیچ حقی از ترس هیچ کسی

أحد من الخلق. اللَّهُمَّ إِنَّا نرغب إليك في دولة كريمه تعزّ بها الإسلام و أهله، و تذللّ بها التّفاق و أهله، و تجعلنا فيها من الدّعاء إلى طاعتك و القاده إلى سبيلك، و ترزقنا بها كرامه الدّنيا و الآخره. اللَّهُمَّ ما أنكرنا من حقّ فعزّفناه، و ما قصرنا عنه فبلّغناه.

پوشیده ندارد. خدایا؛ ما به سوی تو مشتاق هستیم در مورد دولتی باکرامت، که اسلام و اسلامیان را بدان عزیز نمایی و نفاق و اهلش را خوار و ذلیل کنی، و ما را در آن دولت، از فراخوانان به فرمانبرداریت، و از رهبران راه خودت قرار ده؛ و کرامت دنیا و آخرت را روزیمان فرما. خدایا؛ آنچه از حقّ و حقیقت را که نشناختیم، به ما بشناسان و به آنچه دست نیافتیم، ما را به آن برسان.

در این جا برای امام عصر صلوات الله علیه دعا کن، و دشمنانش را نفرین نما، و حاجتت را درخواست کن، و سخن آخرت این گونه باشد:

اللَّهُمَّ استجب لنا، اللَّهُمَّ اجعلنا ممّن تذکر فيه فیذکر. (۱)

خداوندا؛ (دعای ما را) به اجابت برسان، خداوندا؛ ما را از کسانی قرار ده که تذکر دهند و متذکر شوند.

## ۱۱- حکایت صلوات ضراب اصفهانی

### اشاره

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله می گوید: ذکر صلواتی بر پیامبر و آل او علیهم السلام (در عصر جمعه) که از مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است (و به قدری اهمیت دارد که) اگر تعقیب نماز عصر را به خاطر عذری ترک کردی آن را ترک نکن، به دلیل جریانی که خداوند ما را بدان مطلع نمود.

گروهی که در چند مورد از آن ها پیش از این یاد کردم، با سلسله سندشان به جدّم، ابی جعفر طوسی رحمه الله به من خبر دادند که گفت: به من خبر داد حسین بن عبید الله از محمّد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلعبری که گفتند: به ما خبر داد ابو العباس احمد بن علی رازی در آن چه در کتابش «الشفاء و الجلاء» روایت کرده از ابی الحسین محمّد بن جعفر الأسدی رضی الله عنه که گفت: حدیث کرد برای من حسین بن

ص: ۲۵۹

محمد بن عامر اشعری قمی، و او گفت: حدیث کرد برای من یعقوب بن یوسف ضرب غسانی به هنگام بازگشت از اصفهان و گفت:

من در سال ۲۸۱ ه ق حج گزاردم درحالی که با گروهی از سنی های شهرم بودم. وقتی به مکه رسیدم گروهی از آن ها پیش دستی کرده منزلی را در کوچه ای میان بازار شب (اسم آن بازار بوده) برای مان اجاره نمودند؛ و آن خانه خدیجه و معروف به «دار الرضا» بود، و پیرزنی گندمگون در آن جا سکونت داشت؛ از او (وقتی دانستم که آن جا «دار الرضا» نام دارد) پرسیدم: با صاحبان این خانه چه نسبتی داری؟ و چرا خانه را بدین نام خوانده اند؟

پیرزن گفت: من از خدمتگزاران آن ها هستم و این، خانه علی بن موسی الرضا علیه السلام بود و امام حسن عسکری علیهما السلام مرا در اینجا سکونت داده است و من در خدمتش بودم.

وقتی این سخن را از او شنیدم، آن را از همراهان خود پنهان ساختم و با آن پیرزن مأنوس شدم. شب ها وقتی از طواف بازمی گشتم با آن ها در رواق خانه می خوابیدم، و درب را می بستیم و پشت آن، سنگ بزرگی قرار می دادیم.

چند شب نور چراغ را-در رواقی که بودیم-شبیبه به نور مشعل دیدم. و دیدم که درب باز شد-بدون این که کسی از ما آن را بگشاید-و مردی چهار شانه و گندم گون مایل به زرد که در سیمایش اثر سجده بود و پیراهن و شلواری نازک بر تن داشت و خود را پوشانده بود و نعلین قوس داری به پا کرده بود به طرف اتاق همان زن بالا-رفت؛ همان اتاقی که پیرزن ما را منع می کرد و می گفت: دخترش آنجاست.

همان نوری را که در رواق دیدم، هنگام بالا رفتن مرد به طرف اتاق بر روی راه پله و نیز داخل اتاق مشاهده نمودم، بدون این که چراغی را بینیم! و همانند آنچه را که من دیدم آنها هم که با من بودند مشاهده کردند و گمان می کردند که مرد برای متعه (ازدواج موقت) با دختر آن زن آمده است.

آنان می گفتند: این ها علوی هستند و متعه را جایز می شمارند (درحالی که در مذهب آن ها حرام بود)، به هر حال، آن شخص را می دیدم که داخل می شود و خارج



می گردد درحالی که سنگ، هم چنان در جای خود بود. ما، در راهم از خوف اموال مان می بستیم و نمی دیدیم که کسی آن را باز و بسته کند، ولی آن شخص داخل می شد و خارج می گشت؛ سنگ هم همان گونه بود تا آن که وقت خارج شدن خودمان آن را کنار می زدیم.

وقتی این جریان را دیدم، قلبم به طپش افتاد و هیبت آن شخص در دلم واقع شد و با پیرزن مهربانی نمودم و دوست داشتم از حال آن شخص بیشتر بدانم.

به او گفتم: ای زن؛ دوست دارم با تو سخن بگویم ولی دوستانم نباید متوجه شوند؛ بنابراین، اگر مرا در اتاقم تنها دیدی نزد من بیا تا از تو پرسشی نمایم.

زن به سرعت به من گفت: من نیز می خواهم رازی را با تو بگویم، ولی به دلیل حضور دوستانت چنین فرصتی پیش نیامد.

گفتم: می خواهی چه بگویی؟ گفت: می گویند: -و نام کسی را نبرد!- با همراهان و شریکانت خشونت و تندی نکن و با آن ها به نزاع و کشمکش پرداز؛ چرا که آنان دشمنان تو هستند و با آن ها مدارا کن.

گفتم: چه کسی این ها را می گوید؟

گفت: من می گویم؛ و دیگر هیتش نگذاشت که بیش از این پرسم.

گفتم: حالا کدام همراهانم منظور توست؟ (و گمان می کردم همین همراهانم را در سفر می گوید).

گفت: شریکانی که در وطن داری و در این خانه نیز همراه تو می باشند.

در منزل بین من و همراهانم گفتگوهای تند و برخوردهای خشن نسبت به مسائل دینی اتفاق افتاده بود و آنان در مورد من سخن چینی کردند تا این که فرار نمودم و از آن ها پنهان شدم و این گونه بود که فهمیدم مراد او، همان هاست.

سپس به او گفتم: تو با «رضا علیه السلام» چه نسبتی داری؟

گفت: من خدمتکار حسن بن علی عسکری علیه السلام بودم. وقتی مطمئن شدم که او راست می گوید، با خود گفتم: از او درباره امام غایب ارواحنا فداه پرسم.

گفتم: تو را به خدا؛ آیا او را با چشمانت دیدی؟

گفت: ای برادرم؛ من او را با چشمانم ندیدم، وقتی من خارج شدم، خواهرم حامله بود. حسن بن علی عسکری علیه السلام به من بشارت داد که امام علیه السلام را در آخر عمرم خواهم دید، سپس به من فرمود: برای او همان گونه باش که برای من هستی.

من از آن روز در مصر سکونت داشتم تا این که نامه ای به همراه پول نزد من رسید و او آن را به دست مردی از اهل خراسان- که عربی فصیح نمی دانست- فرستاد؛ پولش سی دینار بود و به من دستور داد که امسال به حج بیایم، من هم بدین سوی آمدم به شوق این که او را زیارت نمایم.

در این وقت، به دلم افتاد همان شخصی که او را می دیدم آمدورفت می کند، همو باشد؛ من ده درهم که یکی از آن ها سکه رضویّه بود و با نام امام رضا علیه السلام ضرب شده بود همراه داشتم و آن ها را پنهان کرده بودم که در مقام ابراهیم بیندازم. این گونه نذر کرده بودم و نیت داشتم، ولی گفتم پول را به زن می دهم و از او می خواهم که به یکی از فرزندان فاطمه علیهما السلام بدهد که این بهتر از آن نیت قبلی ام است.

پس به او گفتم: این درهم ها را به فرزندی از فرزندان فاطمه علیهما السلام که سزاوار باشد، پرداز؛ چنین می اندیشیدم که او پول ها را به همان شخص خواهد داد. پول ها را گرفت و بالا رفت و بعد از ساعتی پایین آمد و گفت: او می گوید: در این درهم ها برای ما حقی نیست و آن را در همان جا که نیت کرده ای مصرف کن؛ و لکن این سکه رضویّه را بدلش را از ما بگیر و در مکانی که نیت کرده ای بینداز.

من چنین کردم و با خود گفتم آنچه را پیرزن به من گفت از آن شخص نقل کرده است. همراه من نسخه تویعی بود که از ناحیه امام علیه السلام برای قاسم بن علاء آذربایجانی صادر شده بود؛ آن را به زن نشان داده گفتم: این را به کسی عرضه کن که دستخط و توقیعات امام علیه السلام را بشناسد.

گفت: به من بده که من می شناسم. گمان کردم که او خود می تواند آن را بخواند و تشخیص دهد. ولی گفت: من نمی توانم آن را در این مکان بخوانم و به طرف اتاق بالا

رفت، سپس بازگشت و گفت: صحیح است.

در توقیع این گونه بود: شما را بشارت می دهم به بشارتی که دیگری را بدان بشارت نداده ام.

زن گفت: او می گوید: هنگامی که بر پیامبرت صلوات می فرستی، چگونه می فرستی؟ گفتم: می گویم:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و بر محمد و آل محمد برکت بده، بهتر از آن چه بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی؛ زیرا؛ همانا تو ستوده و بزرگوار هستی.

گفت: نه؛ در صلوات، همه آن ها را نام ببر و بر همه آن ها درود فرست. گفتم: باشد. فردا که آن زن از غرفه فوقانی پایین آمد، دفتری کوچک همراهش بود و گفت: او می گوید: هرگاه خواستی بر پیامبر و بر جانشینانش درود بفرستی، برطبق این نسخه صلوات فرست.

آن را گرفتم و بدان عمل نمودم؛ چند شب او را می دیدم که از اتاق پایین می آمد در حالی که نور چراغ، همچنان برپا بود؛ درب را باز می کردم و به دنبال آن نور خارج می شدم و من آن نور را می دیدم ولی کسی را نمی دیدم تا این که داخل مسجد می شد.

گروهی از اشخاص از کشورهای مختلف را می دیدم که به درب این منزل می آمدند و بعضی به آن پیرزن، نامه هایی می دادند و او نیز به آن ها نامه هایی می داد و با آنان سخن می گفت: آن ها نیز با پیرزن سخن می گفتند که من متوجه نمی شدم و بعضی از آن ها را هنگام بازگشت در راه دیدم تا این که به بغداد رسیدم. (۱)

ص: ۲۶۳

نسخه دفتری که از مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحَجَّهَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُنْتَجِبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمَصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيءَ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلَ لِلنَّجَاهِ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمَفْوُضَ إِلَيْهِ دِينَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى بَنِيهِ، وَعَظْمِ بَرَهَانِهِ، وَأَفْلَحِ حَجَّتِهِ، وَارْفَعِ دَرَجَتَهُ، وَأَضِيءْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ. وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَحَجَّهَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایا؛ بر محمد سید رسولان و خاتم پیامبران و حجت پروردگار جهانیان درود فرست، او که در روز پیمان الهی، پسندیده شد و در عالم اظله اختیار شد، از هر آفتی پاکیزه است، و از هر عیبی مبرا؛ همگی برای نجات خود چشم امید به او دارند، و امیدوار به شفاعت او هستند؛ دین خداوند بدو واگذار شده است. خداوندا؛ بنای هستی او را شرافت ده، و برهانش را بزرگ نما، و حجتش را پیروز فرما، و مقامش را بالا ببر؛ و نورش را تابنده کن، و رویش را سفید نما، و به او فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت و درجه بلند عنایت کن، و او را به مقام پسندیده ای مبعوث نما که همگان از اولین و آخرین بر او غبطه خورند. و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث رسولان و پیشوای سفیدرویان و سرور همه جانشینان و حجت پروردگار جهانیان.

و صلّ على الحسن بن عليّ، إمام المؤمنين، و وارث المرسلين، و حجّه ربّ العالمين. و صلّ على الحسين بن عليّ، إمام المؤمنين، و وارث المرسلين، و حجّه ربّ العالمين. و صلّ على عليّ بن الحسين، إمام المؤمنين، و وارث المرسلين، و حجّه ربّ العالمين. و صلّ على محمد بن عليّ، إمام المؤمنين، و وارث المرسلين، و حجّه ربّ العالمين. و صلّ على موسى بن جعفر، إمام المؤمنين، و وارث المرسلين، و حجّه ربّ العالمين. و صلّ على عليّ بن عليّ، إمام المؤمنين، و وارث المرسلين، و حجّه ربّ العالمين. و صلّ على عليّ بن محمد، إمام المؤمنين، و وارث المرسلين،

و درود فرست بر حسن بن عليّ پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر حسین بن عليّ پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت خداوند جهانیان. و درود فرست بر علی بن الحسين پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر محمد بن عليّ پیشوای مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر محمد بن عليّ بن عليّ پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر محمد، پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان

و حَجَّه رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ صَلَّى عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حَجَّه رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ صَلَّى عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حَجَّه رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَتْمَّةِ الْهَادِينَ، الْعُلَمَاءِ الصِّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَ تَرَاجِمِهِ وَحْيِكَ، وَ حَجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ خَلْفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَ غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَ أَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَ حَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمُ، صَلَوَهُ زَاكِيهِ نَامِيهِ كَثِيرِهِ دَائِمِهِ طَيِّبِهِ لَا يَحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَ لَا يَسْعَاهَا

وَ حَجَّتْ بِرُورِدِ الْكَارِ الْجَهَانِيَانِ. وَ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، بِشَوَايِ مُؤْمِنَانِ وَ وَارِثِ رَسُولَانِ وَ حَجَّتْ بِرُورِدِ الْكَارِ الْجَهَانِيَانِ. وَ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرِ بَازَمَانْدَةُ هِدَايَتِ كَرِ هِدَايَتِ شُدِه، بِشَوَايِ مُؤْمِنَانِ وَ وَارِثِ رَسُولَانِ وَ حَجَّتْ بِرُورِدِ الْكَارِ الْجَهَانِيَانِ. خُدَاوَنْدَا؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ دُرُودِ فَرَسْتِ كِه بِشَوَايَانِ هِدَايَتِ كَرِ، دَانَايَانِ رَاسْتِ كُو، نِي كُو كَارَانِ بِرِهِي زَكَارِ؛ سَتُونِ هَايِ دِينْتِ وَ اِرْكَانِ تَوْحِيدْتِ وَ مَفْسِّرَانِ وَحِيْتِ، وَ حَجَّتْ هَايِ تُو بِرِ آفَرِيدِ كَانْتِ وَ جَانَشِينَانْتِ دَرِ زَمِينِ تُو هَسْتَنْدَا؛ أَنَانِ كِه بِرَايِ خُودْتِ اِيْشَانِ رَا اِخْتِيَارِ كَرْدِي وَ بِرِ تَمَامِ بِنْدِ كَانْتِ بِرِ كَزِيدِي وَ أَنِ هَا رَا بِرَايِ دِينْتِ پَسَنْدِيدِي وَ بِهِ شَنَاخْتِ خُودْتِ أَنِ هَا رَا مَخْصُوصِ كَرْدَانْدِي، وَ بِاِ كَرَامَتِ خُودْتِ بِرِ أَنَانِ شَكُوهِ وَ بَزْرُ كِي بِخَشِيدِي وَ غَرَقِ دَرِيَايِ رَحْمَتِ خُودِ كَرْدِي، وَ أَنِ هَا رَا بِاِ نِعْمَتِ خُودِ بِرُورِشِ دَادِي وَ بِاِ حَكْمَتِ خُودِ بِهِ أَنَانِ غُذَايِ رُوحِي دَادِي وَ بِهِ نُورِ خُويْشِ اِيْشَانِ رَا پُوشَانِيدِي وَ دَرِ مَلَكُوتِ بَالَا-بَرْدِي، وَ كَرْدَا كَرْدِ وَ جُودِ اِيْشَانِ رَا بِهِ فَرَشْتِ كَانْتِ اِحَاطِهِ نَمُودِي، وَ بِهِ وَاسِطَةُ پِيَا مَبْرَتِ-كِه دُرُودِ تُو بِرِ اُو وَ آلِ اُو بَاد-بِهِ أَنِ هَا شِرَافَتِ بِخَشِيدِي. خُدَايَا؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ بِرِ اِيْشَانِ دُرُودِ فَرَسْتِ؛ دُرُودِي پَاكِ وَ فَزَايِنْدِهِ وَ فَرَاوَانِ وَ دَايِمِي وَ پَاكِيْزِهِ كِه جَزِ خُودْتِ كَسِي بِرِ أَنِ اِحَاطِهِ پِيْدَا نَكَنْدَا، وَ

إِلَّا عِلْمَكَ، وَ لَا يَحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرَكَ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ، الْمُحِبِّي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حَجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ، وَ مَدِّ فِي عَمْرِهِ، وَ زَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ. اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ الْكَافِرِينَ، وَ أَزْجِرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ، وَ خَاصَّتَهُ وَ عَامَّتَهُ وَ عِدْوَهُ وَ جَمِيعَ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ، وَ تَسَرَّرَ بِهِ نَفْسُهُ، وَ بَلَغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَا شَكَّ فِيهِ، وَ لَا شَبَهَ مَعَهُ، وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَ لَا بَدْعَهُ

جز در دانش تو نگنجد و غیر تو کسی نتواند آن را به شماره در آورد. خداوندا؛ بر ولایت درود فرست؛ او که زنده کننده سنت توست و قیام کننده به امر تو، و دعوت کننده به سوی تو، و دلالت کننده بر تو، و حجت تو بر بندگان و جانشین تو در زمینت و گواه تو بر بندگان توست. خدایا؛ یاری او را تقویت نما و عمرش را طولانی فرما، و با طولانی شدن ماندنش، زمین را زینت ببخش. خدایا؛ از ستم حسودان او را کفایت کن، و از شرّ حيله گران پناهش ده و اراده ستمکاران را از او دور کن، و او را از دست زورگویان رهایی ده. خداوندا؛ درباره خودش، ذریه اش، پیروانش، رعیتش، یاران ویژه اش، عموم پیروانش، دشمنانش و تمام اهل دنیا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی، به او عنایت فرما. و او را به برتر از آنچه آرزو دارد در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیز توانایی. خدایا؛ آنچه از دینت محو شده به وسیله او تازه کن، و آنچه از کتابت عوض شده به واسطه او زنده کن، و آنچه از احکامت تغییر داده شده به وسیله او ظاهر کن؛ تا این که دینت به وسیله او و با دست او نو و تروتازه گردد؛ آن گونه که خالص و بی آرایش بوده که نه شکی در آن باشد و نه شبهه ای به آن راه یابد، و نه باطل و بدعتی کنار آن و

لديه. اللَّهُمَّ نُورَ بنوره كُلِّ ظلمه، و هدّ برکنه كُلِّ بدعه، و اهدم بعزّه كُلِّ ضلاله، و اقصم به كُلِّ جبار، و أخدم بسيفه كُلِّ نار، و أهلك بعدله جور كُلِّ جائر، و أجر حكمه على كُلِّ حكم، و أذلّ بسلطانه كُلِّ سلطان. اللَّهُمَّ أذلّ كُلِّ من ناواه، و أهلك كُلِّ من عاداه، و امكر بمن كاده، و استأصل من جحده حقّه، و استهان بأمره، و سعی في إطفاء نوره، و أراد إخماد ذكره. اللَّهُمَّ صلّ على محمّد المصطفى، و على المرتضى، و فاطمه الزّهراء، و الحسن الرضا، و الحسين المصطفى، و جميع الأوصياء، مصايح الدّجى، و أعلام الهدى، و منار التّقى، و العروه الوثقى، و الحبل المتين، و الصّراط المستقيم. و صلّ على وليك و ولاه عهدك، و الأئمّه من ولده، و مدّ في أعمارهم، و زد في آجالهم، و بلّغهم أقصى امالهم، دينا و دنيا و اخره، إنك على كلّ شيء قدير. (۱)

نزد آن باشد. خدایا؛ هر تاریکی را به نور او روشن کن و هر بدعتی را به واسطه قدرت و قوّتش ویران نما، و با عزّت او هرگونه گمراهی را منهدم فرما، و هر فرد زورگوی گردنکش را به واسطه او هلاک گردان، و با شمشیرش هر آتشی را خاموش کن و ظلم هر ستمگری را به واسطه عدلش نابود کن، و دستور و حکمش را بر هر حکمی جاری ساز، و با سلطنتش هر قدرتمندی را ذلیل و خوار ساز. خدایا؛ هر که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید به هلاکت انداز و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر حقّش باشد و امرش را سبک شمارد، و در خاموشی نورش بکوشد و بخواهد نامش و یادش را کم رنگ سازد از ریشه برکن. خدایا؛ درود فرست بر محمّد مصطفی، و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن صاحب مقام رضا و حسین صاحب مقام برگزیده و خالص بی آرایش و همه اوصیا و جانشینان آن حضرت که چراغ های روشن در تاریکی و نشانه های هدایت و جلوه گاه پرهیزکاری و دستاویز مورد اطمینان و ریسمان محکم و راه راست هستند. و درود فرست بر ولیّ خود و عهده داران پیمانت و امامان از فرزندان او؛ و بر عمرشان بیفزای و مدّت آن ها را زیاد فرما، و ایشان را به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخروی شان برسان؛ چرا که تو بر هر کاری توانا هستی.

ص: ۲۶۸

---

۱ - ۱. مصباح المتهجّد: ۴۰۶، [۱] البلد الأمين: ۱۲۰، [۲] المصباح: ۷۲۵، [۳] دلائل الإمامه: ۵۴۹ و [۴] مانند آن در جمال الاسبوع: ۳۰۱ [۵] آمده است.



این خیر شریف در تعدادی از کتاب های معتبر علمای پیشین، و با سندهای متعدّد، روایت شده است؛ برخی از این کتاب ها نیز در تمام بخش های روایت، عبارت را به صورت «اللّهم صلّ علی . . .» آورده اند.

و نیز، وقت مشخصی برای خواندن این صلوات و دعا، در هیچ یک از خبرهای مزبور، نیامده است؛ مگر آن که جناب سیّد بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الاسبوع» پس از بیان تعقیبات وارد شده پس از نماز عصر روز جمعه می فرماید: «... اگر زمانی به خاطر عذر و بهانه ای تعقیبات نماز عصر روز جمعه را انجام ندادی؛ لیکن، به هیچ وجه این صلوات را ترک مکن. به جهت مطلبی که خدای بزرگ، ما را از آن آگاه فرموده است.»

از این کلام شریف استفاده می شود که سیّد بن طاووس، از امام زمان صلوات الله علیه در مورد این صلوات، سفارشی دریافت کرده است. و البتّه از این بزرگوار بعید نیست؛ چرا که او تصریح می کند، راه رسیدن به آن حضرت ارواحنا فدا، باز است. [\(۱\)](#)

در «مکیال المکارم» آمده است: این دعای شریف، از دعاهای بزرگی است که شایسته است بر آن مداومت بشود، و در تمام اوقات نسبت به خواندن آن اهمیّت داده شود؛ به خصوص، در زمان هایی که اختصاص بیشتری به امام عصر صلوات الله علیه دارد؛ همانند: شب نیمه شعبان، روز نیمه شعبان، شب و روز جمعه.

شاید، نویسنده «جمال الصالحین» نیز به همین جهت، این دعا را در اعمال شب نیمه شعبان آورده است؛ با آن که از ظاهر روایتی که ذکر کردیم برمی آید که اختصاص به وقت خاصی نداشته باشد، بلکه برای همه اوقات وارد شده است. [\(۲\)](#)

## ۱۲- صلوات و دعا در عصر روز جمعه

برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فدا

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز قیامت، خدای تعالی روزها را برمی انگیزد؛ و روز جمعه را مانند عروسی -

ص: ۲۶۹

---

۱- ۱) . نجم الثاقب: ۷۷۰.

۲- ۲) . مکیال المکارم: ۲/۷۳. [۱]

که دارای زیبایی و کمال باشد و به شخصی ثروت مند و دین داری هدیه گردد -پیشاپیش آن ها می آورد، و روز جمعه (درحالی که دیگر روزها در پشت سرش قرار دارند) جلو درب بهشت می ایستد؛ و برای تمام کسانی که بر محمد و آل محمد درود و صلوات بسیار فرستاده اند، شفاعت می کند.

عبد الله بن سنان می گوید: پرسیدم: بسیار؛ در مورد صلوات، یعنی چند تا؟ و صلوات فرستادن در کدام ساعت های روز جمعه، از فضیلت بیشتری برخوردار است؟ حضرت فرمود:

صد مرتبه، پس از عصر.

عبد الله بن سنان پرسید: چگونه باید صلوات بفرستم؟ فرمود: می گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بارالها؛ درود پیوسته بر حضرت محمد و آل محمد نثار کن، و در فرج و راحتی ایشان شتاب فرما.

و آن را صد مرتبه تکرار می کنی. (۱)

### ۱۳- فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل

در هر شب جمعه

در پایان این بخش، روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب «تفسیر عیاشی رحمه الله» و «ثواب الأعمال»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است می آوریم.

آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا امام قائم (حضرت مهدی صلوات الله علیه) را درک کند، و از اصحاب آن بزرگوار باشد. (۲)

ص: ۲۷۰

۱- ۱). جمال الاسبوع: ۲۷۷، الصحیفه الصادقیه: ۹۲۹.

۲- ۲). مکیال المکارم: ۲/۳۷۸، [۱] المصباح: ۵۸۵، ثواب الأعمال: ۱۰۷، [۲] تفسیر برهان: ۶/۷ ح ۱ و ۲، تفسیر عیاشی: ۲/۲۷۶ ح

بخش پنجم: دعا‌های هر ماه

اشاره

ص: ۲۷۱



## ۱- دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه

در ظهر روز عاشورا

عبد الله بن سنان می گوید: در روز عاشورا، نزد آقایم امام صادق علیه السلام رفتم، و آن حضرت را با رنگی پریده و چهره ای اندوهگین یافتم، و دیدم اشک از چشمان مبارکش چون مرواریدهای غلطان، جاری بود. گفتم: ای فرزند رسول خدا؛ چرا گریه می کنی؟ خدا چشمانت را هرگز نگریاند.

حضرت فرمود:

مگر غافلای؟ مگر نمی دانی که در چنین روزی حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسیده است؟

گفتم: آقای من، درباره روزه امروز چه می فرمایید؟

حضرت فرمود:

امساک کن بدون این که نیت روزه کرده باشی؛ و افطار نما، بدون آن که غذاهای لذیذ بخوری. تمام روز را روزه مدار و ساعتی پس از نماز عصر با جرعه ای از آب، افطار کن. همانا در چنین ساعتی از روز عاشورا جنبش و هیاهوی دشمن تمام و جنگ و خونریزی شدید آن ها با خاندان پیامبر خاتمه یافت، و در روی زمین

ص: ۲۷۳

سی کشته از آن ها در میان جسدهای پاک دوستان و هم پیمانانشان به خاک و خون افتاد. بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این مصیبت بسیار گران و سخت است؛ اگر آن حضرت اکنون زنده بود خودش صاحب عزای آنان بود.

عبد الله می گوید: حضرت چنان گریه کرد که محاسن مبارکش از اشک دیده اش آغشته شد؛ سپس چنین فرمود:

خداوند عزّ و جلّ آفرینش نور را در روز جمعه-اولین روز ماه مبارک رمضان-در تقدیرش قرار داد؛ و تاریکی را در روز چهارشنبه (روز عاشورا) دهمین روز محرم مانند چنین روزی آفرید. و برای هر یک از آن روزها، راه و شیوه ای قرار داد.

ای عبد الله؛ بهترین کاری که در این روز می توانی انجام دهی این است که لباس های پاکیزه ات را بپوشی و تسلب نمایی.

عرض کردم: تسلب چیست؟

فرمود: گریبان را باز کن و همانند عزاداران آستین خود را بالا بزن؛ سپس به بیابان بی آب و علف یا مکانی برو که کسی تو را نبیند، یا منزل خلوتی اختیار کن، یا به خلوتگاه دیگری برو و هنگام بالا آمدن آفتاب، چهار رکعت نماز با رکوع و سجود نیکو بجای آور، و بین هر دو رکعتی سلام بده؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قل یا أيها الکافرون»، و در رکعت دوم سوره «حمد» و «قل هو الله أحد» را بخوان.

سپس دو رکعت دیگر را بجای آور؛ در رکعت اول «حمد» و سوره «احزاب»، و در رکعت دوم «حمد» و «منافقون» را بخوان، یا سوره های دیگری را که می توانی بخوانی، اختیار کن. سپس نماز را تمام کرده و به طرف قبر و بارگاه امام حسین علیه السلام رو می کنی و در نظر آور قتلگاه آن حضرت را و کسانی که با آن بزرگوار بودند-از فرزندان و اهل بیت ایشان-و بر او سلام و درود فرست، و دشمنانش را نفرین نما و از کارهای شان بیزاری بجوی؛ با این عمل، خداوند تو را به مراتب بالایی در بهشت نایل کند و گناهانت را فروریزد. سپس از جایی که در بیابان یا هر محلّ خلوت دیگری که هستی، چند قدم بردار و بگو:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رَضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ» .

همانا ما از خداییم و به سوی او بازمی گردیم؛ راضی به قضا و حکم اویم، و تسلیم فرمانش هستیم.

در آن حال، باید حزن و اندوه در چهره ات آشکار باشد؛ هرچه می توانی یاد خدا کن؛ آیه استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ . .) را بخوان. وقتی این کار را انجام دادی و این راه را رفتی به جایی که ابتدا در آن نماز گزاردی باز گرد، و چنین بگو:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ، اللَّهُمَّ شَاقُّوا رَسُولَكَ، وَ حَارِبُوا أَوْلِيَاءَكَ، وَ عَبْدُوا غَيْرَكَ، وَ اسْتَحَلُّوا مُحَارِمَكَ، وَ الْعَنِ الْقَادَةَ وَ الْأَتْبَاعَ، وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ، فَخَبِّ وَ أَوْضِعْ مَعَهُمْ، أَوْ رَضِيْ بِفَعْلِهِمْ لَعْنَا كَثِيرًا. اللَّهُمَّ وَ عَجِّلْ فِرْجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، وَ اسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ، وَ الْكُفْرَةَ الْجَاهِدِينَ، وَ افْتَحْ لَهُمْ فِتْحًا يَسِيرًا، وَ أَتِحْ لَهُمْ رُوحًا وَ فِرْجًا قَرِيبًا، وَ اجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَيَّ عِدْوً كَ وَ عِدْوَهُمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

خداوندا؛ فاجران و تبهکاران را به عذاب خود گرفتار کن؛ آنها که با پیامبرت دشمنی ورزیدند و با دوستانت به جنگ برخاستند، و غیر از تو را بندگی کردند، و حرام هایت را حلال شمردند. (خدایا؛) سران و پیروان آن ها را لعنت کن و هر که با آن ها بوده پس فریب خورده و با آنان پست گردیدند، یا به کردار آنان راضی گشتند، بسیار نفرین فرما. خدایا؛ در فرج و راحتی آل محمّد شتاب بفرما، و درود و رحمت را بر پیامبر و ایشان قرار ده، و آنان را از دست منافقین گمراه کننده رهایی ده؛ و از شرّ کافران و منکران خودت نجات بخش، و برای آنان گشایشی آسان مقدر فرما، و فرج و آسایش نزدیک برای ایشان فراهم نما، و از جانب خودت بدان ها سلطه و حکومتی مقتدرانه بر دشمنان خود و دشمنان ایشان، عنایت فرما.

سپس دستانت را بلند کن و با این دعا برای خدا فروتنی کن؛ و درحالی که به دشمنان خاندان پیامبر علیهم السّلام اشاره می کنی، چنین دعا کن:

اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصِبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأُمَّةِ، وَ كَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ، وَ عَكَفَتْ عَلَيَّ الْقَادَةَ الظَّالِمَةَ، وَ هَجَرَتِ الْكِتَابَ

خدایا؛ گروه زیادی از امت، نسبت به امامان- که حافظ دین و شریعت اند- عداوت ورزیده اند؛ و به کلمه (حق) کافر گشتند؛ و بر رهبران ستمگر روی آوردند و ملازم گشتند؛ و از کتاب خدا

و السِّدِّئِه، و عدلت عن الحبلين اللذين أمرت بطاعتهما، و التمسك بهما، فأماتت الحق، و جارت عن القصد، و مالات الأحزاب، و حرّفت الكتاب، و كفرت بالحق لما جآئها، و تمسكت بالباطل لما اعترضها، و ضيقت حَقَّك، و أضلت خلقك، و قتلت أولاد نبيك، و خيره عبادك، و حملة علمك، و ورثه حكمتك و وحيك. أَللَّهُمَّ فززل أقدام أعدائك و أعداء رسولك و أهل بيت رسولك. أَللَّهُمَّ و أخرج ديارهم، و افلح سلاحهم، و خالف بين كلمتهم، و فت في أعضادهم، و أوهن كيدهم، و اضربهم بسيفك القاطع، و ارمهم بحجر ك الدامغ، و طمهم بالبلاء طمًا، و قمهم بالعذاب قمًا، و عذبهم عذابا نكرا، و خذهم بالسِّين و المثلات التي أهلكت بها أعدائك، إنك ذو نعمة من المجرمين. أَللَّهُمَّ إن سنّتك ضائعته، و أحكامك معطله، و عتره نبيك في الأرض

و سنّت پیامبر دور شدند و کناره گرفتند؛ و از دو ریسمان محکمی که به اطاعت شان دستور دادی (یعنی: قرآن و عترت پیامبر علیهم السّلام) روی گردانند. در نتیجه حق را میراندند و از راه اعتدال و میانه روی منحرف شدند؛ و احزاب را یاری کردند؛ کتاب تو را تحریف و دگرگون ساختند، و به آن چه از حقّ و حقیقت بدان ها عرضه شد کفر ورزیدند؛ و به هر باطلی که بر آنان عرضه شد، تمسّیک جستند؛ و حقّ تو را ضایع ساختند، و بندگانت را گمراه نمودند، و فرزندان پیامبرت، بهترین بندگانت، حاملان علمت و وارثان وحی و حکمت را کشتند. خداوندا؛ قدم های دشمنان خود و دشمنان پیامبرت و دشمنان اهل بیت پیامبرت را لرزان فرما، خدایا؛ سرزمین آنان را ویران کن، و سلاح هایشان را از کار بینداز، و اتحاد آن ها را از بین ببر، و در میان مددکاران آن ها پراکندگی و پریشانی ایجاد کن، و مکر و حيله شان را سست گردان، و آن ها را به شمشیر بزّانت دچار کن، و با سنگ هلاک کننده ات سنگ باران بنما، و آن ها را به شدت غرق بلا گردان، و عذاب فراگیری را بر آنان مسلط فرما، و مجازات های زشت و دشوارت را گریبان گیر آن ها بساز؛ و آن ها را با قحطی و عقوبت ها گرفتار کن همان گونه که دشمنانت را با آن ها هلاک گرداندی. همانا، تو انتقامی بس شدید از مجرمان خواهی گرفت. خدایا؛ سنّت و طریقت تو از بین رفته است، احکام (حیات بخش) تعطیل گشته است، و عترت پیامبرت در زمین



هَاءَهُم. اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، واقمع الباطل وأهله، وامنّ علينا بالنّجاه، واهدنا إلى الإيمان، وعجل فرجنا، وانظمه بفرج أوليائك، واجعلهم لنا وذا، واجعلنا لهم وفدا. اللَّهُمَّ وأهلك من جعل يوم قتل ابن نبيك وخيرتك عيداً، واستهّل به فرحاً ومرحاً، وخذ اخرهم كما أخذت أولهم، وأضعف اللهم العذاب والتّكيل على ظالمى أهل بيت نبيك، وأهلك أشياعهم وقادتهم، وأبر حماتهم وجماعتهم. اللَّهُمَّ وضاعف صلواتك ورحمتك وبركاتك على عتره نبيك، العتره الضّائع الخائفه المستذلّه، بقيه الشجره الطيبه الزاكيه المباركه. وأعل اللهم كلمتهم، وأفلج حجّتهم، واكشف البلاء والأواء، وحناس الأباطيل والعمى عنهم، وثبت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتهم ولايتهم ونصرتهم وموالاتهم، وأعنهم وامنحهم

سرگشته گردیده است. ای خدا؛ حقّ و اهل آن را یاری کن، و باطل و اهل آن را نابود کن، و با رهایی ما از دست آنان بر ما منت بگذار، و به راه ایمان هدایت مان فرما؛ و در فرج و گشایش امور ما تعجیل نما، و فرج ما را با فرج اولیایت سروسامان ده، آنان را دوست دار ما قرار ده، و ما را گروه پیام رسان ایشان گردان. بارخدايا؛ هلاک گردان کسی را که روز شهادت فرزند پیامبرت و برگزیده ات را عید قرار داده است، و اظهار شادی و سرور را در آن روز مرسوم کرده است؛ با دست انتقامت، گریبان آخرشان را بگیر، همان طور که اولشان را گرفتار ساختی، و عذاب و عقوبت را بر آنان که بر اهل بیت پیامبرت ستم ورزیدند دوچندان بگردان؛ و رهبران و پیروان آنان را هلاک گردان؛ و حمایت کنندگان و همه جمعیت ایشان را ریشه کن نما و نابود فرما. خدايا؛ درود و رحمت و برکات را بر عترت پیامبرت، بیش از پیش نازل کن؛ عترتی که حقّشان ضایع شد و از شرّ دشمنان همواره ترسان بوده، و در میان مردم به خواری کشیده شدند؛ و باقی مانده درخت پاک و پاکیزه و پربرکت (شجره طيبه) بودند. خدايا؛ کلمه آن ها را عالی و بلندمرتبه گردان، و حجّت شان را غالب و پیروز نما؛ و بلا و سختی و تاریکی های باطل و ناروا و کوری را از آنان دفع کن؛ و دل های پیروان آن ها و حزب خودت را بر فرمان بری، دوستی، یاری و موالات آن ها ثابت و استوار بدار؛ و آنان را کمک کن و در برابر اذیت هایی که در راه تو به آنها می رسد

الصبر على الأذى فيك، و اجعل لهم أياما مشهوده، و أوقاتا محموده مسعوده، يوشك فيها فرجهم، و توجب فيها تمكينهم و نصرهم، كما ضمنت لأوليائك في كتابك المنزل، فإنك قلت و قولك الحق وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا إِسَّيَّرَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُخَفِّضَنَّ لَهُمْ يَدَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا (۱). اللَّهُمَّ فاكشف غمّتهم، يا من لا يملك كشف الضرّ إلا هو، يا أحد يا حيّ يا قيوم، و أنا يا إلهي عبدك الخائف منك، و الزاجع إليك، السائل لك، المقبل عليك، اللّاجئ إلى فنائك، العالم بأنّه لا ملجأ منك إلا إليك. اللَّهُمَّ فتقبل دعائي، و اسمع يا إلهي علانيتي و نجواي، و اجعلني ممّن رضيت عمله، و قبلت نسكه، و نجّيته برحمتك، إنك أنت

صبر و شكيبایی به ایشان عنایت فرما؛ و برای آنان روزهای تاریخی، و اوقاتی نیک و پسندیده قرار ده که فرج و گشایش امور آن ها، بسی نزدیک باشد؛ و قدرت یافتن و پیروزی شان برسد و آنان را بر امور مسلط نمایی، که این حقیقت را خود در کتابت تضمین فرموده ای و چنین گفته ای و گفته تو حقّ مطلق است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که در زمین خلافت دهد، همان گونه که به پیشینیان آن ها نیز خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و برقرار سازد و ترس شان را به امتیّت و آرامش مبدّل کند (آن چنان) که تنها مرا پرستش کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند». خداوندا؛ غم و اندوه آن ها را برطرف کن؛ ای کسی که جز او، کس دیگری بیچارگی و سختی را نمی زداید؛ ای خدای یگانه و همواره زنده و پاینده؛ ای خدای من؛ همانا من بنده ترسان از تو هستم و به سوی تو باز می گردم و از تو درخواست می کنم و به درگاه تو رو می آورم و به آستان امن تو پناه می برم و نیک می دانم که از ترس تو، جز به خودت نمی توان پناه برد. خدایا؛ دعایم را بپذیر؛ ای خدای من؛ به سخن آشکار و راز پنهان من گوش فراده، و مرا از آنان قرار ده که از کردارش خشنود هستی و اعمالش را می پذیری و با رحمت خودت (او را از ورطه های زندگی) نجات می دهی؛

ص: ۲۷۸

العزیز الکریم. اَللّٰهُمَّ و صلِّ اَوَّلًا و اٰخِرًا عَلٰی مُحَمَّدٍ و ال مُحَمَّدٍ، و بارک عَلٰی مُحَمَّدٍ و ال مُحَمَّدٍ، و ارحم محمّدا و ال محمّد، بأکمل و افضل ما صلّیت و بارکت و ترحّمت عَلٰی اَنْبِیَاءِکَ و رسلک، و ملائکتک و حملة عرشک بلا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ. اَللّٰهُمَّ و لا تفرّق بینی و بین مُحَمَّدٍ و ال مُحَمَّدٍ صلواتک علیه و علیهم، و اجعلنی یا مولای من شیعه مُحَمَّدٍ و علیّ و فاطمه و الحسن و الحسین و ذرّیتهم الطّاهره المنتجبه، و هب لی التّمسک بحبلهم، و الرّضا بسیلهم، و الأخذ بطریقهم، إنّک جواد کریم.

همانا تو خدای شکست ناپذیر بخشنده ای. خداوندا؛ در ابتدا و انتها بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و برای محمّد و آل محمّد برکت و فزونی عطا کن، و بر محمّد و آل محمّد رحم نما به نوعی کامل تر و برتر از درود و برکت و رحمتی که بر پیامبران و رسولان و فرشتگان و حاملان عرشت فرستاده ای؛ به حرمت این واقعیت که جز تو خدایی نیست. خدایا؛ میان من و محمّد و آل محمّد-که درود تو بر او و ایشان باد-جدایی میفکن؛ و ای مولای من؛ مرا از شیعیان و پیروان محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و اولاد پاک و نیک نژاد و شریف آن ها قرار ده و به من توفیق عنایت کن که به ریسمان آن ها چنگ زنم، و به راه شان خشنود گردم و روش آنان را در پیش گیرم؛ همانا تو بسیار کریم و بخشنده هستی.

سپس صورت به خاک بمال و بگو:

یا من یحکم ما یشاء و یفعل ما یرید اَنْتَ حکمت، فَلَکَ الحمد محمودا مشکورا، فعَجَلْ یا مولای فرجهم، و فرجنا بهم، فإِنَّکَ ضمنت إعزازهم بعد الدّله، و تکثیرهم بعد القله، و إظهارهم بعد الخمول، یا أصدق الصّادقین، و یا أرحم الرّاحمین.

ای کسی که آنچه می خواهد حکم می کند، و هر چیزی را که اراده کند انجام می دهد؛ حکم از آن توست؛ پس حمد و ستایش سزاوار تو است درحالی که ستایش شده و سپاسگزاری شده هستی. ای مولای من؛ در فرج آنان و فرج ما که به سبب آنان تحقّق پیدا می کند تعجیل کن، همانا تو عزّت آن ها را پس از خواری، و فزونی آنان را پس از کمی، و جلوه کردن شان را پس از گمنامی ضمانت کرده ای؛ ای راست گوترین راست گویان؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي، مَتَضَرِّعًا إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، بِسَطِّ أَمَلِي وَالتَّجَاوُزِ عَنِّي، وَاقْبُولِ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالتَّزْيَادَةِ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدِ، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مَمَّنْ يَدْعُو فَيَجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَ مَوَالَاتِهِمْ وَ نَصْرِهِمْ، وَ تَرِينِي ذَلِكَ قَرِيبًا سَرِيعًا فِي عَافِيهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ای خدای من؛ ای آقای من؛ از تو با تضرع و گریه و زاری به درگاه کرم و بخشش، درخواست می کنم که آرزوهایم را تحقق بخشی، و از گناهانم درگذری، و کم و زیاد عملم را بپذیری؛ و در مدت عمرم زیاد مرا بدان حرم مطهر و بارگاه شریف شرفیاب گردانی. مرا از کسانی قرار ده که برای یاری، دوستی و فرمان برداری ایشان خوانده می شوند و بی درنگ پاسخ می دهند، و این زمان را هرچه زودتر با عافیت و سریع به من بنمایان که همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی.

سپس سرت را به طرف آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ، فَأَعِزَّنِي يَا إِلَهِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

خدایا؛ به تو پناه می برم از این که از آنانی باشم که به روزهای (بزرگ) تو امید ندارند؛ پس به رحمت مرا از این گرفتاری پناه ده.

ای پسر سنان؛ این دعا از چندین حج و عمره مستحبی که ثروت را در آن راه مصرف کنی و بدنت را به زحمت بیندازی و از خانواده ات جدا شوی، برتر است.

و آگاه باش که خدای تعالی به هر کس که در این روز این نماز را به جای آورد و این دعا را خالصانه بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق (به خدا و ائمه علیهم السلام) انجام دهد، ده ویژگی عطا می کند:

از مرگ بد او را حفظ می کند؛ از مشکلات و فقر در امانش می دارد؛ تا زنده است دشمن را بر او چیره نمی گرداند؛ خودش و فرزندانش را تا چهار نسل از دیوانگی، جذام و پستی می رهاوند؛ بر او و فرزندانش تا چهار پشت، راهی برای شیطان و همکارانش باقی نمی گذارد.

پسر سنان می گوید: از نزد امام رفتم درحالی که می گفتم: سپاس خدای را که با

معرفت و دوستی شما بر من منت نهاد، و از او یاری می طلبم که با منت و رحمتش، بر اطاعت شما- که خدا بر من واجب کرده است- موقوم بدارد. (۱)

## ۲- دعای دیگری در روز عاشورا

«صالح بن عقبه» از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

آن کس که در دهمین روز محرم، حسین بن علی علیهما السلام را زیارت کند و تمام روز را نزد قبر مطهرش گریان باشد؛ روزی که خدا را ملاقات می کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه (جهاد) دارد که ثواب هر غزوه و حج و عمره آن مانند ثواب کسی است که با پیامبر و امامان هدایتگر، حج و عمره بجای آورده و جهاد کند.

گفتم: فدایت شوم، اگر کسی در نقطه ای دوردست بود که امکان رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام را در این روز نداشت چه کند؟ فرمود:

اگر آن گونه بود، به صحرائی برود و یا به مکان بلندی در خانه اش رود و با اشاره (به حضرت امام حسین علیه السلام) سلام کند و در لعن و نفرین بر قاتلان، تلاش کند و پس از آن دو رکعت نماز بگذارد؛ و باید این اعمال را در آغاز روز، قبل از زوال خورشید انجام دهد.

سپس بر امام حسین علیه السلام گریه و ندبه کند و به هر کس که در خانه اش حضور دارد (جز کسی که از او تقیه می کند) امر کند که بر آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و بی تابی بر این مصیبت در خانه اش عزاداری بپا نماید و به یکدیگر تعزیت بگویند. اگر این کارها را انجام دهد من ضمانت می کنم که همه آن اجرها را نزد خداوند بلندمرتبه، داشته باشد.

گفتم: فدایت گردم، آیا شما برای ایشان این گونه ضمانت می کنی؟

ص: ۲۸۱

فرمود: آری، من ضامن هستم و عهده دار برای کسی که آن را انجام دهد.

گفتم: چگونه به یکدیگر تعزیت بگوییم؟ فرمود: بگویید:

أعظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين، و جعلنا و إياكم من الطالبين بثاره مع وليه الإمام المهديّ من آل محمد عليهم السلام. (۱)

خداوند اجرهای ما را بر مصیبت مان بر حسین، بزرگ گرداند، و ما و شما را از انتقام جویان خوئش همراه با ولیش، امام و پیشوای هدایت شده از آل محمد- که سلام بر آنان باد- قرار دهد.

### ۳- دعای ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است

ابن عیاش می گوید: از اموری که از ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا فداه به دست شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید رسیده، دعایی است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود:

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ، الْمَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ، الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، الْمَعْلُونُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَ أَرَكَا نَا لَتَوْحِيدِكَ وَ آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مِنْ عَرَفِكَ، لَا فَرْقَ

پروردگارا! از تو درخواست می کنم به معانی تمام آنچه را که اولیاء امورت، تو را به آن می خوانند؛ آنان که بر سر تو امین و به امر تو خشنود و مفتخرند، آن ها که قدرت تو را توصیف و عظمت تو را نشان می دهند؛ درخواست می کنم به آنچه مشیت تو درباره آن ها ناطق است، پس آن ها را معدن کلمات، و ارکان توحید خود ساختی و نشانه ها و مقامات خویشان قرارشان دادی؛ نشانه ها و مقاماتی که تعطیلی برای آن ها در هیچ مکانی نیست، هر که تو را شناخت به آن آیات و نشانه ها شناخته است؛

ص: ۲۸۲

۱- ۱). مصباح المتهدّج: ۷۷۲، [۱]المصباح: ۶۴۰، و [۲]مانند همین روایت در کامل الزیارات: ۳۲۵ [۳] آمده است.

بینک و بینها إلاّ أنّهم عبادک و خلقک، فتحها و رتقها بیدک، بدؤها منک و عودها إليك، أعضاد و أشهاد و مناه و أذواد و حفظه و رواد، فبهم ملأت سماءک و أرضک حتّى ظهر أن لا- إله إلاّ- أنت، فبذلک أسألک و بمواقع العزّ من رحمتک، و بمقاماتک و علاماتک أن تصلّی علی محمّد و اله، و أن تزیدنی إیماناً و تثیتاً، یا باطنا فی ظهوره و ظاهراً فی بطونه و مکنونه، یا مفرّقا بین النور و الدّیجور، یا موصوفاً بغير کنه، و معروفاً بغير شبه، حدّ کلّ محدود، و شاهد کلّ مشهود، و موجد کلّ موجود، و محصی کلّ معدود، و فاقد کلّ مفقود، لیس دونک من معبود أهل الکبریاء و الجود، یا من لا یکیف بکيف، و لا یؤین بأین، یا محتجبا عن کلّ عین، یا دیموم یا قیوم، و عالم کلّ معلوم، صلّ علی عبادک المنتجبین، و بشرک المحتجبین،

میان تو و آنان تفاوتی نیست جز آن که آن ها بندگان تو و آفریده تو هستند. بازوبسته شدن امور آن ها در دست تو است، ابتدا و انتهای آن ها از تو و برگشت ایشان به سوی توست. (آنان) پشتیبان و یاور تو و گواهان (بر خلق) و حامیان و مدافعان و نگهبانان و پیشوایان تو هستند. پس از وجود ایشان آسمان و زمین را پر کردی تا آشکار شود که: معبودی جز تو نیست. پس به واسطه آن و به جایگاه والای عزّت از مهربانی تو، و به واسطه مقامات و نشانه هایت از تو درخواست می کنم که بر محمّد و آل او درود فرستی، و ایمان و استواری مرا فزونی بخشی؛ ای نهانی که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین آشکار بودن پنهانی؛ ای جداکننده میان نور و تاریکی؛ ای آن که وصف شده ای ولی نه با کنه ذاتت؛ و ای آن که شناخته شده ای امّا نه به وسیله تشبیه و همانند؛ ای تعیین کننده حدّ و اندازه هر محدود؛ و ای گواه هر مشهود؛ و ای ایجادکننده هر موجود؛ و ای شمارشگر هر شمرده شده؛ و ای نابودکننده هر نابود شده؛ جز تو معبودی نیست؛ و تو اهل کبریا و بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد، و از جا و مکان او پرسش نشود؛ ای آن که از چشم ها پنهانی؛ ای وجود دایم، ای پاینده، ای دانای هر معلوم، درود فرست بر بندگان برگزیده ات؛ و انسان های پرده دارت؛

و ملائكتك المقربين، و البهم الصّافين الحافين، و بارك لنا في شهرنا هذا المرجب المكرم، و ما بعده من الأشهر الحرم، و أسغ علينا فيه النعم، و أجزل لنا فيه القسم، و أبرز لنا فيه القسم، باسمك الأعظم الأعظم الأجل الأكرم الذي وضعته على النهار فأضاء، و على الليل فأظلم، و اغفر لنا ما تعلم منا و ما لا نعلم، و اعصمنا من الذنوب خیر العصم، و اكفنا كوافي قدرك، و امنن علينا بحسن نظرک، و لا تكلنا إلى غيرک، و لا تمنعنا من خیرک، و بارک لنا فيما كتبتہ لنا من أعمارنا، و أصلح لنا خبيثه أسرارنا، و أعطنا منك الأمان، و استعملنا بحسن الإيمان، و بلغنا شهر الصيام، و ما بعده من الأيام و الأعوام، يا ذا الجلال و الإكرام. (۱)

و بر فرشتگان مقربت؛ و آن خاموشان به صف ایستاده و احاطه کنندگان. و این ماه گرامی رجب و نیز ماه های حرام بعد از آن را بر ما مبارک گردان؛ و در آن، نعمت هایت را بر ما فروریز؛ و بهره های ما را در این ماه بسیار گردان، و سوگند ما را در آن صادق قرار بده، به خاطر بزرگ ترین، بزرگ ترین، باشکوه ترین و گرامی ترین نامت؛ نامی که چون بر روز نهادی روشن شد و وقتی بر شب قرار دادی، تاریک گشت. خداوندا؛ آنچه از گناهان ما را که تو می دانی و ما نمی دانیم بر ما ببخش؛ و ما را به بهترین وجه از گناهان نگهداری و حفظ فرما؛ و ما را با تقدیر کفایت کننده خود بسنده باش؛ و با نگاه نیکویت بر ما منت بگذار. و به غیر خودت وامگذار، و از خیر و خوبیت محروم مان مفرما؛ و به عمری که برای ما مقدر داشته ای برکت عنایت کن، و درون و باطن مان را اصلاح فرما، و برای ما از سوی خود امان بده، و ما را باایمان نیکو و کردار نیک بکار گیر، و ما را به ماه مبارک رمضان و روزها و سال های پس از آن، برسان؛ ای دارای شکوه و بزرگواری.

نگارنده کتاب «عمده الزائر» در مورد دعای فوق، چنین توضیح می دهد:

صاحبان امر و حکومت الهی، محمد صلی الله علیه و اله و سلم و آل محمد علیهم السلام هستند که بدین صفات زیبا، موصوف گشته اند؛ آنان، دارای مقاماتی هستند که در هیچ مکانی تعطیل

ص: ۲۸۴

۱- (۱). المصباح: ۷۰۱، [۱] مصباح المتهجد: ۸۰۳، [۲] بحار الأنوار: ۹۸/۳۹۲، [۳] إقبال الأعمال: ۱۴۵. [۴]



نخواهد گشت؛ هرگاه با آن معانی و حقایقی که نزدشان ذخیره و پنهان است، خدا را بخوانند یا هر دعاکننده دیگری به وسیله آن ها خدا را بخواند، و یا خدا را به آن دعاهایی که آن بزرگواران در جایی و بر هر چیزی خوانده اند بخواند، خداوند دعایشان را اجابت می کند بدون این که دعای آن ها رد شود. زیرا خداوند فیض رسان است و آن عزیزان قابلیت دارند؛ لذا به برکت آن هاست که بر هر دعاکننده ای بلکه بر همه مخلوقات فیض نازل می شود.

این است راز این مطلب که باید در هر حاجت و نیازی بر آن ها صلوات فرستاد و به خداوند از طریق آنان توسل جست. چرا که هرکس بر آنان درود فرستد، درخواستش رد نخواهد شد. (۱)

#### ۴- دعای دیگر در ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه رسیده است

ابن عیاش می گوید: این دعا نیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح قدس سره رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودِينَ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي، وَابْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُتَنَجِّبِ، وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلَبُ، وَفِيهَا لَدِيهِ رَغْبُ. أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقْتَهُ ذَنْبُهُ، وَ أَوْثَقْتَهُ عَيْبُهُ، فَطَالَ عَلِيٌّ

خدایا؛ از تو درخواست می کنم به حقّ دو تولّد یافته در ماه رجب، یعنی محمد بن علی دوم (حضرت جواد علیه السلام) و فرزندش علی بن محمد که برگزیده شده است؛ و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرّب می جویم. ای کسی که هر نیکی از او درخواست می شود، و به آنچه نزد اوست رغبت می شود. از تو درخواست می کنم همانند گناهکاری که به جرمش اعتراف می کند، و گناهانش او را به هلاکت و عیب هایش او را در بند کشیده؛ دیرزمانی است

ص: ۲۸۵

الخطايا دؤوبه، و من الزايا خطوبه، يسألک التوبه، و حسن الأوبه، و النزوع عن الحوبه، و من النار فکاک رقبته، و العفو عما فی رقبته، فأنت يا مولای أعظم أمله و ثقته. اللهم و أسألک بمسائلک الشریفه، و وسائلک المنيفه، أن تتغمّ دنی فی هذا الشهر برحمه منک واسعہ، و نعمه وازعه، و نفس بما رزقتها قانعہ إلى نزول الحافره، و محلّ الآخره، و ما هی إليه صائرہ. (۱)

که بر اشتباه کاری ها عادت کرده و کارش با مصیبت های بزرگ می گذرد؛ از تو درخواست توبه و بازگشت نیکو و بیرون آمدن از گناه می کند، و می خواهد آزادی از آتش جهنّم و بخشش از آنچه در بند اوست را نصیبش سازی. ای مولای من؛ تو بزرگ ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بارخدایا؛ از تو به حقّ درخواست های شرافت مندانه ات، و دستاویزهای والایت؛ درخواست می کنم که مرا در این ماه در رحمت بی کرانت غرق گردانی، و بر من نعمت های فراوان عطا کنی، و به من نفسی عطا کنی که تا روزی که در قبر فرودآیم و در منزل آخرت سکونت گزینم و آنجا که روانم به سوی آن می شتابد، نسبت به آنچه نصیب آن نمودی قانع باشد.

### ۵- دعای سوّم در ایّام ماه رجب

از محمّد بن عبد الرحمان (شوشتری) روایت شده است که گفت: روزی از بنی رواس گذشتم، یکی از دوستانم به من گفت: اگر دوست داری همراه ما به سوی مسجد صعصعه بیا، تا در آنجا نماز بخوانیم، زیرا این ماه، ماه رجب است و زیارت این مکان های شریف که اولیاء ما قدم گذاشته اند، و آن بزرگواران در آن ها نماز گزارده اند ثواب دارد؛ و مسجد صعصعه یکی از آن اماکن می باشد.

محمّد بن عبد الرحمان می گوید: باهم به سوی مسجد صعصعه رفتیم و در این هنگام شتری را دیدیم که جلوی درب مسجد خوابانده شده بود؛ داخل مسجد شدیم و به مردی برخورد کردیم که پیراهن حجازی بر تن و عمامه ای شبیه عمامه آن ها به

ص: ۲۸۶

۱- ۱). المصباح: ۷۰۳، [۱] مصباح المتهدّج: ۸۰۵، [۲] بحار الأنوار: ۹۸/۳۹۳، [۳] إقبال الأعمال: ۱۴۶. [۴]

سر داشت و درحالی که نشسته بود این دعا را می خواند؛ من و همراهم نیز آن را حفظ کردیم، و آن دعا این است:

(شیخ طوسی اعلی الله مقامه می فرماید: در هر روز از ماه رجب مستحب است این دعا خوانده شود:)

اللَّهُمَّ يا ذا المنن السَّابِغِ، و الآلاء الوازعه، و الرَّحمة الواسعه، و القدره الجامعه، و النعم الجسيمه، و المواهب العظيمة، و الأيادي الجميله، و العطايا الجزيله. يا من لا- ينعت بتمثيل، و لا- يمثّل بنظير، و لا يغلب بظهير، يا من خلق فرزق، و ألهم فأنطق، و ابتدع فشرع، و علا فارتفع، و قدّر فأحسن، و صوّر فأتقن، و احتجّ فأبلغ، و أنعم فأسبغ، و أعطى فأجزل، و منح فأفضل. يا من سما في العزّ ففات نواظر الأبصار، و دنا في اللطف فجاز هواجس الأفكار، يا من توخّذ بالملك فلا ندّ له في ملكوت سلطانه، و تفرد بالآلاء و الكبرياء، فلا ضدّ له في جبروت شأنه، يا من حارت في كبرياء هيئته دقائق لطائف

خدایا؛ ای کسی که دارای لطف و احسان فراوان، و نعمت های گسترده، و رحمت فراگیر، و قدرت جامع و کامل، و نعمت های عظیم و بخشش های بزرگ، و هدیه های زیبا، و عطایای فراوان هستی. ای کسی که به وسیله تمثیل وصف نمی شود، و به هیچ موجودی به عنوان نظیر مثال زده نمی شود، و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی شود؛ ای کسی که موجودات را خلق کرد؛ سپس به آنان رزق و روزی داد؛ و به آنان الهام کرد؛ پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود؛ سپس تشریح کرد؛ و برتری یافت؛ پس رفیع و بلندمرتبه گردید؛ و تقدیر کرد پس نیکو گردانید؛ و تصویر کرد پس محکم نمود؛ و با دلیل استدلال کرد پس رسا گردانید؛ و نعمت داد پس آن را کامل کرد؛ و عطا نمود پس آن را بیشتر کرد؛ و بخشش نمود، و آن را فزونی داد. ای کسی که اوج گرفت در عزّت و توانمندی، و به همین خاطر دیدگاه های چشمان نتوانست به سوی او راه یابد؛ و آن قدر به لطافت نزدیک شده که از هر آنچه به ذهن خطور می کند می گذرد؛ ای کسی که در پادشاهی، تنها هستی؛ پس همتایی برای او در قدرت و سلطنت بر هستی نیست؛ و در نعمت ها و شکوه و عظمت، یگانه و بی مانند هستی؛ پس در مقام جبروت و استیلاء ضدّی برای او نیست؛ ای کسی که لطایف و دقّت ها و ریزینی های افکار و

الأوهام، و انحسرت دون إدراك عظمته خطائف أبصار الأنام. يا من عنت الوجوه لهيبته، و خضعت الرقاب لعظمته، و وجلت القلوب من خيفته، أسألك بهذه المدحه التي لا تنبغى إلا لك، و بما و آيت به على نفسك لداعيك من المؤمنين، و بما ضمنت الإجابة فيه على نفسك للداعين. يا أسمع السامعين، و أبصر الناظرين، و أسرع الحاسبين، يا ذا القوه المتين، صل على محمد خاتم النبيين، و على أهل بيته [الأئمه الصادقين]، و اقسم لي في شهرنا هذا خير ما قسمت، و احتم لي في قضائك خير ما حتمت، و اختم لي بالسعادة فيمن ختمت، و أحييني ما أحييتني موفورا، و أمتني مسرورا و مغفورا، و تول أنت نجاتي من مسأله البرزخ، و ادرا عني منكرا و نكيرا، و أر عيني مبشرا و بشيرا، و اجعل لي إلى رضوانك و جنانك مصيرا

تصوّرات و نیروی خیال در هیبت و شکوه او حیران و سرگردان، و در ادراک کمترین مرتبه بزرگی او دیدگان جستجوگر مردم ناتوان شده. ای کسی که صورت ها به خاطر عظمت و جلال او خوار و ذلیل گردید و از بین رفت، و گردن ها به خاطر عظمت او خم شد و خاشع گشت، و قلب ها از ترس او لرزان و هراسان شد؛ به خاطر این، مدح و ثنایی که هیچ کس به غیر تو سزاوار و شایسته آن نیست؛ و به خاطر آنچه برای مؤمنانی که تو را می خوانند، بر خودت وعده داده ای؛ و به خاطر آنچه برای دعاکنندگان، اجابت کردن را ضامن شده ای؛ از تو طلب می کنم. ای شنواترین شنوندگان، و بیناترین بینندگان، و سریع ترین محاسبه کنندگان؛ ای صاحب نیرو و توان محکم؛ بر پایان بخش پیامبران حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم و اهل بیت او- که پیشوایان راستگو هستند- درود بفرست؛ و در این ماه، بهترین قسمت ها را برای من قرار بده؛ و بهترین حکم را در قضا و قدر خودت برای من حتمی گردان، و پایان کار مرا به سعادت ختم کن، در میان کسانی که کارشان را به پایان رسانیدی، و تا مادامی که مرا زنده نگه می داری نعمت را بر من زیاد و فراوان بگردان؛ و مرا درحالی که شادان و بخشیده شده ام، بمیران؛ و خودت نجات از پرسش های برزخ مرا بر عهده بگیر؛ و نکیر و منکر را از من دور کن؛ و مبشر و بشیر را به من نشان بده؛ و بازگشت مرا به سوی بهشت و رضوان خودت قرار بده؛

و عیسا قریرا، و ملکا کبیرا، و صلّ علی محمّد و اله کثیرا.

و زندگی خوش و کامیاب، و دارایی بزرگ برایم قرار بده؛ و بر محمّد و آل او درود فراوان بفرست.

سپس آن مرد سجده ای طولانی کرد، و از جایش برخاست و شترش را سوار شد و از آنجا رفت.

دوستم به من گفت: به نظر ما او حضرت خضر علیه السّلام بود؛ چه شد که با او صحبت نکردیم؟ گویا زبان ما را از صحبت کردن باز داشته بودند!

از مسجد خارج شدیم و در راه پسر ابی رواد رواسی را دیدیم؛ او به ما گفت: از کجا می آید؟

گفتیم: از مسجد صعصعه؛ و جریان را نیز برایش بازگو کردیم.

او گفت: این سوار دو سه روز یک بار به مسجد صعصعه می آید، و هیچ حرف نمی زند؛ به او گفتیم که: او کیست؟

گفت: شما فکر می کنید چه کسی باشد؟

گفتیم: گمان می کنیم حضرت خضر علیه السّلام باشد.

گفت: به خدا سوگند، فکر می کنم او کسی است که حضرت خضر علیه السّلام هم محتاج دیدار اوست. بروید که سعادت مند شدید.

دوستم به من گفت: به خدا سوگند، آن شخص امام زمان ارواحنا فداه بود. (۱)

نگارنده می گوید: سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: این دعا از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام روایت شده است، ولی به خاطر این که در ایام ماه رجب خوانده می شود آن را در این جا (بخش ادعیه ماه ها) نقل کردیم.

و در بخش اول (نمازها، ص ۱۳۶) دوازده رکعت نماز را در روز بیست و هفتم ماه رجب با دستور آن نقل کردیم، به آنجا مراجعه کنید.

ص: ۲۸۹

عَلَامَةُ مَجْلِسِي رَحْمَةِ اللَّهِ فِي كِتَابِ «بِحَارِ الْأَنْوَارِ» مِي فَرَمَائِد: وَكَيْلِ إِمَامِ حَسَنِ عَسْكَرِي عَلَيْهِ السَّلَامُ -قَاسِمِ بْنِ عَلَاءِ هَمْدَانِي- نَامَةُ أَيْ مِنْ نَاحِيَةِ مَقَدَّسَةِ دَرِيَا فِت كَرْدَ كِه دَرِ آن فَرْمُودَةُ بُودَنْد:

هَمَانَا مَوْلَايَ مَا إِمَامِ حَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رُوزِ بَنَجِ شَبْهَةِ سَوْمِ شَعْبَانِ بِه دُنْيَا أَمَدَنْد؛ آن رُوزِ رَا رُوزُهُ بَكِيرِ، وَ إِيْنِ دَعَا رَا بَخْوَانِ. (۱)

وَ فِي كِتَابِ «زَادِ الْمَعَادِ» مِي فَرَمَائِد: إِمَامِ زَمَانِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِيْنِ دَسْتُورِ رَا صَادِرِ فَرْمُودَنْد:

رُوزِ سَوْمِ مَاهِ شَعْبَانِ رَا رُوزُهُ بَكِيرِ وَ إِيْنِ دَعَا رَا بَخْوَانِ؛ زِيْرَا إِيْنِ رُوزِ، رُوزِ وِلَادَتِ إِمَامِ حَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامِ اسْت:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَ وِلَادَتِهِ، بِكُتْبَةِ السَّمَاءِ وَ مِنْ فِيهَا، وَ الْأَرْضِ وَ مِنْ عَلَيْهَا وَ لَمَّا يَطَأُ لَا بَتِيهَا، قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَ سَيِّدِ الْأَسْرَةِ، الْمَمْدُودِ بِالنَّصْرِ يَوْمَ الْكُرْزِ، الْمَعْوُضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَنْثَمَةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَ الشَّفَاءِ فِي تَرْبَتِهِ، وَ الْفُوزِ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ، وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ عَتْرَتِهِ، بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ، حَتَّى يَدْرُكُوا الْأُوتَارَ، وَ يَثَارُوا

ای خدایا! از تو درخواست می کنم به حقّ مولود در این روز که پیش از آن که چهره اش ظاهر شود و متولّد گردد به شهادت او وعده داده شده، کسی که بر او آسمان و هرکه در آن است و زمین و هرکه بر روی آن است بر (مظلومیت) او گریستند، درحالی که هنوز قدم به این دنیا نگذاشته بود، او کشته گریه و سرور خاندان است که با انتقام خون پاکش در رجعت آل محمّد نصرت و ظفر پایدار خواهد یافت، و در عوض شهادتش امامان و پیشوایان دین از نسل پاک آن حضرت، و شفای هر درد و مرضی در تربت اوست، و رستگاری و پیروزی همراه اوست به هنگام رجعتش، و اوصیا از عترت او هستند، پس از حضرت مهدی علیه السلام و بعد از غیبت آن حضرت تا اینکه به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام

ص: ۲۹۰

الثَّار، و يرضوا الجيَّار، و يكونوا خير أنصار، صَلَّى اللهُ عليهم، مع اختلاف اللَّيْلِ و النَّهَار. اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتُوْسَل، و أَسْئَل سؤال مقترف [و]معترف، مسيء إلى نفسه، ممَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ و أَمْسِهِ، يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ و عترته، و احشرونا في زمرة، و بوئنا معه دار الكرامة، و محلَّ الإقامه. اللَّهُمَّ و كما أكرمنا بمعرفته، فأكرمنا بزلفته، و ارزقنا مرافقته و سابقته، و اجعلنا ممن يسلم لأمره، و يكثر الصَّيْلاه عليه عند ذكره، و على جميع أوصيائه و أهل اصطفائه، الممدودين منك بالعدد الاثنى عشر، النجوم الزهر، و الحجج على جميع البشر. اللَّهُمَّ وهب لنا في هذا اليوم خير موهبه، و أنجح لنا فيه كل طلبه، كما وهبت الحسين لمحمد جدّه صَلَّى اللهُ عليه و اله، و عاذ فطرس بمهده، فنحن عآئذون

گیرند، و خداوند جبار را از خودشان خشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند. درود خدا بر آنان تا زمانی که روزوشب در رفت و آمد هستند. بارخدايا؛ به حقّ آنان به درگاه تو توسّل می جویم، و از تو درخواست می کنم مانند گنه کاری که اعتراف به گناهان خود می کند؛ به خود بدی نموده به خاطر این که در روزوشب خود کوتاهی کرده است، از تو درخواست می کند که او را تا هنگام مرگ از گناه محفوظ بداری. خدايا؛ بر حضرت محمد و عترت پاکش درود فرست، و ما را در زمرة آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای کرامت یعنی بهشت و محل اقامت ابدی، مرا با او همنشین گردان. خدايا؛ همانطور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی داشتی، پس با تقرب به او نیز گرامی دار؛ و دوستی، همراهی و شتافتن به سوی او را روزی ما بگردان، و ما را از کسانی قرار ده که در برابر امر او تسلیم است و در هنگام یاد نمودن از او درود بسیار بر او و تمامی اوصیا و برگزیدگان او می فرستد، آنان که از طرف تو پیوسته آمده اند، و تعدادشان دوازده تن می باشد؛ همه آن ها ستارگان درخشان، و برای تمامی انسان ها حجت می باشند. خدايا؛ در این روز، بهترین بخشش خود را به ما ببخش؛ و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن، همان طور که امام حسین علیه السّلام را به جدش حضرت محمد-که درود خدا بر او و آل او باد-هدیه دادی و فطرس-فرشته الهی-به گهواره اش پناه برد؛ ما نیز پس از شهادتش

بقبره من بعده، نشهد تربته، و ننتظر أوبته، امین ربّ العالمین. (۱)

به قبر او پناه می بریم و در نزد تربت او حاضر می شویم و منتظر بازگشتش می باشیم؛ ای پروردگار هستی؛ دعای ما را مستجاب کن.

## ۷- فضیلت شب نیمه شعبان

### اشاره

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی ارواحنا فداه نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان دارند-به مقداری که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آن را ذکر فرموده اند-و سعادت مندان از امت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آن را بشارت داده اند؛ باشد.

همان طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد و لشکریان دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهان شان آنان را احاطه کرد؛ پس خداوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از اسارت و بردگی آزاد کند و آنان را بر حقوق از دست رفته ایشان قدرت و توانایی می دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که مستحق آن هستند، اعطا می کند؛ سفره رحمت خود را در شرق و غرب عالم می گستراند؛ سفره ای که همگان به طور یکسان از آن بهره مند می شوند.

کامل کننده الطاف خداوند با اوصافی نیکو است. او بر آن سفره مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی مهربان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می نشیند و آن حضرت از مقدمات نشانه های سرور و بشارت های خیر و نیکی نسبت به جهان پایدار را به آن ها نشان می دهد؛ آنچه را که حاضر آن گواهی بر غایب آن می دهد و دل ها را به سوی اطاعت پروردگار می کشاند.

سید بن طاووس رحمه الله در ادامه می افزاید:

تمامی انسان ها باید برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیله آن حضرت بر آنان منت گذاشته و به آنان عطا کرده، و به خاطر این که خداوند آنان را از رعیت و سربازان آن حضرت قرار داده تا برای یاری اسلام و ایمان، و ریشه کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام، و برپا کردن خیمه های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در

ص: ۲۹۲

۱- (۱). زاد المعاد: ۵۷، [۱] مصباح المتهجد: ۸۲۶، [۲] المصباح: ۷۲۰، [۳] إقبال الأعمال: ۲۰۲. [۴]



دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و به عبادت پردازند.

و آن‌ها را در خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی‌برد قرار خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ- که سبب این ولادت و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است- و نیز تشکری و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش می‌باشند، و نیز تشکری و خدمتی به خود آن حضرت نماید.

همان‌گونه که واجب است هر بنده‌ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی‌کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.

پس هر بنده‌ای از بندگان سعادت مند به خاطر نعمت‌هایی که به وسیله آن حضرت و به خاطر طفیل وجود ایشان به او می‌رسد، باید با قدرت و جدّیت به شکرگزاری قیام کند.

از جمله دعاها و سوگندهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می‌دهیم؛ این دعاست:

#### ۷- دعای شب نیمه شعبان

اللّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ مَوْلُودِهَا، وَ حِجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَيْهَا فَضْلَهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَ عَدَلاً، لَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِكَ، وَ لَا مَعْقَبَ لِآيَاتِكَ، نورك المتألق، و ضياؤك المشرق،

خدایا؛ به حق امشب ما و مولود آن، و حجّت تو و وعده داده شده آن، که برتری دیگری بر برتری آن مقرون ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل گردید کلمه تو به راستی و عدالت، که دگرگون کننده‌ای برای کلمات تو نیست، و نه پس زنده‌ای بر آیات نیست؛ او نور درخشان تو و روشنایی تابان تو

و العلم النور في طخياء الديجور، الغائب المستور. جل مولده، و كرم محتده، و الملائكة شهده، و الله ناصره و مؤيده، إذا ان  
ميعاده، و الملائكة أمداده، سيف الله العذى لا ينبو، و نوره العذى لا يخبو، و ذو الحلم العذى لا يصبو، مدار الدهر، و نواميس  
العصر، و ولاء الأمر، و المنزل عليهم الذكر، و ما ينزل في ليله القدر، و أصحاب الحشر و النشر، تراجمه و حيه، و ولاء أمره و نهيه.  
اللهم فصل على خاتمهم و قائمهم، المستور عن عوالمهم (عوالمهم)، و أدرك بنا أيامه و ظهوره و قيامه، و اجعلنا من أنصاره،  
و اقرن ثارنا بشاره، و اكتبنا في أعوانه و خلصائه، و أحيانا في دولته ناعمين، و بصحبته غانمين، و بحق قائمين، و من الشوء  
سالمين يا أرحم الراحمين، و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد خاتم النبيين و المرسلين، و على أهل

و پرچم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش) پنهان و پوشیده است. ولادتش شکوه مند، و نژادش شریف است، و فرشتگان  
شاهدان اویند، و خداوند یاری کننده و تأیید کننده اوست؛ هنگامی که زمان وعده اش فرارسد، و فرشتگان مددکاران اویند. او  
شمشیر خداوندی است که کند نشود، و نور خداوندی است که هرگز خاموش نگردد، و صاحب بردباری است که از جا در  
نرود. محور و مرکز چرخش روزگار، و ناموس های زمانه، و کارداران فرمان الهی؛ و کسانی که نازل گشته بر ایشان ذکر  
یعنی قرآن و آنچه در شب قدر نازل گردد، و صاحبان گردآوری و پراکندگی، بیان کننده پیام آسمانی او؛ و عهده داران امر  
و نهی او می باشند. بارخدایا؛ بر آخرین، و قیام کننده ایشان درود بفرست که از عوالم ایشان پوشیده است؛ و ما را موفق به  
درک روزگار و دوران ظهور و قیامش بگردان؛ و ما را از یاران آن حضرت قرار بده؛ و خونخواهی ما را به خونخواهی او  
پیوسته گردان؛ و ما را در گروه یاران و مخلصان بی آایشانش بنویس؛ و ما را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده  
بدار؛ و به همراهی او بهره مند، و به ادای حقیقت پابرجا، و از بدی نیز برکنار بدار؛ ای مهربان ترین مهربانان؛ و ستایش  
مخصوص پروردگار جهانیان است؛ و درود خدا بر حضرت محمد خاتم پیامبران و رسولان و بر اهل

بیتہ الصّادقین و عترته النّاطقین، و العن جمیع الظّالمین، و احکم بیننا و بینهم یا احکم الحاکمین. (۱)

بیت راستگو و عترت سخن گوی اندیشمند او باد. خدایا؛ به همه ستم کاران لعنت کن، و خودت بین ما و آن ها داوری کن؛ ای بهترین داوران.

نگارنده می گوید: سزاوار است صلوات ضراب اصفهانی که آن را در صفحه ۲۶۴ این کتاب نقل کردیم، در شب نیمه شعبان و روزش، خوانده شود.

### فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کمیل

در آن شب

کمیل بن زیاد می گوید: با مولایم امیر المؤمنین علی علیه السّلام در مسجد بصره نشسته بودم و گروهی از اصحاب نیز همراه آن حضرت بودند، پس بعضی از آنان از ایشان سؤال کردند که معنای این فرمایش خداوند: **فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۲)**؛ «که در آن شب هر امری با حکمت معین گردد»، چیست؟

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

مراد، شب نیمه شعبان است؛ قسم به آن کس که جان علی در دست اوست، هیچ بنده ای نیست مگر این که تمامی خیر و شری که در طول سال تا شب نیمه شعبان آینده بر او می گذرد، در آن شب برای او تقسیم می شود؛ و هیچ بنده ای نیست که این شب را با شب زنده داری سپری کند و دعای حضرت خضر علیه السلام را بخواند مگر این که اجابت شود.

امام علی علیه السّلام از مسجد بیرون رفتند، من شب هنگام در پی ایشان به راه افتادم؛ حضرت فرمودند: ای کمیل؛ چه باعث شده که اینجا آمده ای؟

گفتم: ای امیر مؤمنان؛ دعای حضرت خضر علیه السلام را می خواهم.

حضرت فرمودند:

ص: ۲۹۵

۱- ۱) . إقبال الأعمال: ۲۱۸، [۱] زاد المعاد: ۶۳، [۲] المصباح: ۷۲۴، [۳] مصباح الزائر: ۳۱۵. [۴]

۲- ۲) . سورة دخان، آیه ۴. [۵]

ای کمیل؛ بنشین؛ هنگامی که این دعا را حفظ کردی، هر شب جمعه یا در ماه یک مرتبه و یا در طول سال یک مرتبه یا در طول عمرت یک مرتبه این دعا را بخوان که تو را کفایت و یاری می کند، و روزی تو را زیاد می گرداند، و آمرزش الهی را هیچ گاه از دست نمی دهی.

ای کمیل؛ دوستی و همنشینی طولانی تو با ما، تو را سزاوار نموده که آنچه می خواهی به تو بخشش نمایم. (۱)

حضرت، «دعای کمیل» را به او آموختند که این دعا را در صفحه ۶۸۳ این کتاب نقل می کنیم.

مؤلف گوید: در بخش اول (نمازها، ص ۱۳۸ و ۱۳۹) نمازهایی را که در شب نیمه شعبان خوانده می شوند، نقل کردیم به آنجا رجوع کنید.

## ۸- دعای افتتاح

علامه مجلسی رحمه الله می گوید: با سند معتبر روایت شده که: امام عصر ارواحنا فداه خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:

این دعا را در تمام شب های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرامی دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می کنند.

دعا این است:

اللّهُمَّ إِنِّي أفتتحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَ أَنْتَ مَسدّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَ أيقنتُ أَنَّكَ أَنْتَ أرحمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ العَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ،

بارالها؛ من ثناگویی تو را با ستایش و حمدت آغاز می کنم؛ و تو به لطف و احسانت هر کار راست و درستی را استوارکننده ای؛ و یقین دارم که تو در جایگاه بخشش و مهربانی، مهربان ترین مهربانان هستی؛

ص: ۲۹۶

و أشدّ المعاقبين في موضع النكال و النقمه، و أعظم المتجبرين في موضع الكبرياء و العظمه. أَللّهُمَّ أذنت لي في دعائك و مسألتك، فاسمع يا سمیع مدحتی، و أجب يا رحيم دعوتی، و أقل يا غفور عثرتی، فكم يا إلهی من كربه قد فرجتها، و هموم قد كسفتها، و عثره قد أقلتها، و رحمه قد نشرتها، و حلقه بلاء قد فككتها. الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبه و لا ولدا، و لم يكن له شريك في الملك، و لم يكن له ولي من الدّلّ و كبره تكبيرا. الحمد لله بجميع محامده كلّها على جميع نعمه كلّها. الحمد لله الذي لا مصادّ له في ملكه، و لا منازع له في أمره. الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه، و لا شبه له في عظمته. الحمد لله الفاشي في الخلق أمره و حمده، الظاهر بالكرم مجده، و الباسط بالوجود يده، الذي لا تنقص خزائنه،

و در جایگاه انتقام و عقوبت نیز سخت ترین کیفرکننده ای؛ و در جایگاه بزرگی و عظمت، بزرگ ترین قدرت و شوکت را دارا هستی. بارالها؛ به من اجازه دادی تو را بخوانم و از تو درخواست نمایم؛ بنابراین، ای شنونده؛ به ثناگویی من گوش بده؛ و ای مهربان؛ دعایم را اجابت کن؛ و ای آمرزنده؛ از لغزشم در گذر. خدای من؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی؛ و چه مصیبت هایی که تو کنار زدی؛ و چه لغزش هایی که در گذشتی؛ و چه رحمت و لطفی که تو گسترانیدی؛ و چه حلقه های بلایی که از هم گسستی؛ ستایش ویژه خدایی است که همسر و فرزندی ندارد، و در فرمان فرمایی او نیز شریکی نیست، و هیچ ولی و سرپرستی از روی ذلت و ناتوانی اختیار نکرده است، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن. ستایش به تمام انواع آن در مورد تمام نعمت هایش، مخصوص خداست. ستایش ویژه خدایی است که در فرمان فرمایی او هیچ کس نمی تواند با او ضدیت کند و در فرمانش کشمکش کننده ای برای او نیست. ستایش ویژه خدایی است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد، و در عظمت و بزرگیش ماندنی ندارد. ستایش ویژه خدایی است که فرمان او و ستایش او در بین آفریدگان آشکار و شکوهش به واسطه کرامت و بزرگواریش هویدا است، و دستش با سخاوت مندی همواره گشوده است؛ همان خدایی که گنجینه هایش کم

و لا- تزیده کثره العطاء إلا- جودا و کرما، إنه هو العزيز الوهاب. اللهم اني أسئلك قليلا من كثير مع حاجه بي إليه عظيمه، و غناك عنه قدیم، و هو عندی کثیر، و هو علیک سهل یسیر. اللهم ان عفوك عن ذنبي، و تجاوزك عن خطيئتي، و صفحك عن ظلمي، و سترك علی قبیح عملی، و حلمك عن كثير جرمی، عند ما كان من خطئي و عمدی، أطمعني فی أن أسئلك ما لا أستوجه منك، العذی رزقتنی من رحمتك، و أريتني من قدرتك، و عرفتني من إجابتك، فصرت أدعوك امنا. و أسئلك مستأنسا لا خائفا و لا وجلا، مدلاً علیک فیما قصدت فيه إلیک، فإن أبطأ عنی عتبت بجهلی علیک، و لعل العذی أبطأ عنی هو خیر لی، لعلمک بعاقبه الامور، فلم أر مولی کریمأ أصبر علی عبد لئیم منك علی یا رب، إنک تدعونی فاولی

نمی شود، و بخشش زیادش تنها باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او می شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخشنده است. بارالها؛ از تو می خواهم اندکی از بسیار را به طوری که به این اندک بسیار نیازمندم؛ و تو از قدیم بی نیاز از اینها بوده ای و این اندک، نزد من بسیار زیاد و ارزشمند است و برای تو (برآوردنش) هیچ کاری ندارد و کم و آسان می باشد. بارالها؛ واقعیت آن است که بخشش تو نسبت به گناه من، و گذشت تو از اشتباه من، و چشم پوشی تو از ستم من، و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردباری تو نسبت به جرم سنگین و بسیار من چه از روی عمد انجام داده ام، و چه به طور اشتباهی مرتکب شده ام؛ باعث شده است باز هم طمع کنم و اقدام به درخواست چیزی از تو نمایم که سزاوار آن نیستم؛ همان چیزی که از رحمت نصیب ساختی، و از قدرتت نشانم دادی، و از پاسخ گویت که به من شناساندی؛ بدین سان، با آرامش تو را می خوانم. و نیز از تو می خواهم در حالت انس با تو، نه با ترس و هراس، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه به خاطر آن آهنگ تو کردم، پس اگر دیر پاسخم را دادی، با نادانیم بر تو عتاب و سرزنش کنم؛ با آن که احتمال قوی می رفت چیزی که در دادنش به من تأخیر کردی برایم بهتر باشد؛ زیرا، تو پایان همه کارها را می دانی؛ پروردگارا؛ هیچ مولای کریم و بزرگواری را بر بنده پستی شکیباتر از تو بر خود ندیدم. پروردگارا؛ تو مرا دعوت می کنی، ولی من روی می گردانم؛

عنك، و تتحبب إليّ فأتبغض إليك، و تتودد إليّ فلا أقبل منك، كأنّ لي التّطول عليك، فلم يمنعك ذلك من الرّحمه لي، و الإحسان إليّ، و التّفصّل عليّ بجودك و كرمك، فارحم عبدك الجاهل، وجد عليه بفضل إحسانك، إنّك جواد كريم. الحمد لله مالِك الملك، مجرى الفلك، مسخّر الرّياح، فالق الإصباح، ديان الدّين، ربّ العالمين. الحمد لله على حلمه بعد علمه، و الحمد لله على عفوه بعد قدرته، و الحمد لله على طول أناته في غضبه، و هو قادر على ما يريد. الحمد لله خالق الخلق، باسط الرّزق، فالق الإصباح، ذى الجلال و الإكرام، و الفضل و الإنعام، الّذى بعد فلا يرى، و قرب فشهد النّجوى، تبارك و تعالى. الحمد لله الّذى ليس له منازع يعادله، و لا شبيه يشاكله، و لا ظهير يعاضده، قهر بعزّته الأعزّاء، و تواضع

تو به من محبّت می کنی ولی من با تو دشمنی می کنم، تو به من مهر می ورزی ولی من از تو نمی پذیرم؛ گویا من از تو طلبکارم و نسبت به تو برتری دارم؛ ولی این هم باعث نمی شود تو از مهربانی و احسان و فزون بخشیدن با سخاوت مندی و بزرگواریت نسبت به من، دست برداری. بنابراین (خدایا!) به این بنده نادان رحم کن؛ و با فزونی احسانت بر او بخشش فرما؛ راستی که تو بخشنده و بزرگواری. ستایش ویژه خداست که صاحب فرمانروایی است، کشتی را در دریا روان می سازد، بادهای را در اختیار دارد، شکافنده صبح است، پاداش دهنده روز جزا است، پروردگار جهانیان است؛ ستایش ویژه خداست که با وجود آگاهیش بردباری می کند، و ستایش ویژه خداست که با وجود قدرت و توانایش عفو و بخشش می کند. و ستایش ویژه خداست که در حال خشم نیز مهلت طولانی می دهد، با این که می تواند هر کاری که اراده کند انجام بدهد؛ ستایش ویژه خداست که آفریننده مخلوقات است؛ گستراننده روزی است؛ شکافنده صبح است؛ شکوه مند و ارجمند است؛ دارای فضل و احسان و نعمت بخشی است؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی آید، و نزدیک است که صحبت های در گوشی را نیز می شنود؛ پاک و بلندمرتبه است. ستایش ویژه خدایی است که برایش ستیزه جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد که با او همانندی نماید؛ و کمک کاری ندارد که او را یاری برساند، با اقتدار خودش بر قدرتمندان چیره گشته؛

و

لعظمته العظماء، فبلغ بقدرته ما يشاء. الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه، و يستر عليّ كلّ عوره و أنا أعصيه، و يعظّم النعمه عليّ فلا اجازيه، فكم من موهبه هنيهه قد أعطاني، و عظيمه مخوفه قد كفاني، و بهجه مونقه قد أراني، فاثني عليه حامدا، و أذكره مسبحا. الحمد لله الذي لا يهتك حجابيه، و لا يغلّق بابيه، و لا يردّ سآئله، و لا يخيب امله. الحمد لله الذي يؤمن الخائفين، و ينجي الصالحين، و يرفع المستضعفين، و يضع المستكبرين، و يهلك ملوكا، و يستخلف اخرين. و الحمد لله قاصم الجبارين، مبير الظالمين، مدرّك الهاربين، نكال الظالمين، صريخ المستصرخين، موضع حاجات الطالبين، معتمد المؤمنين. الحمد لله الذي من خشيته ترعد السّماء و سكاّنها، و ترجف الأرض و عمّارها، و تموج البحار و من يسبح في غمراتها.

بزرگان، در برابر عظمت او فروتنی و کوچکی کنند؛ و بدین سان دست قدرتش بر آنچه بخواهد رسا است. ستایش ویژه خداست که وقتی او را صدا می زنی پاسخ را می دهد؛ و درحالی که من او را نافرمانی می کنم تمام عیوب و زشتی هایم را پنهان می دارد؛ و نعمتهایش را برایم زیاد می کند ولی من جواب خوبی به این نعمت بخشی ها نمی دهم. چه بخشش گوارایی که به من نمود، و چه امور بزرگ ترسناکی که مرا از آنها کفایت کرد، و چه بسیار خوشی های دوست داشتنی که به من نشان داد، به این جهات پیوسته او را با ستایش خود ثناگویی می کنم، و همیشه با تسبیح کردن او به یادش می باشم. ستایش ویژه خدایی است که پرده و حجاب او دریده نمی شود؛ درگاهش بسته نمی شود؛ گدایش رد نمی شود؛ آرزومندش، ناامید بر نمی گردد. ستایش ویژه خدایی است که بیمناکان را ایمنی می بخشد، صالحان و شایستگان را رها می سازد، ناتوان شمرده شدگان را والا و بالا می برد، و تکبرکنندگان را بر زمین می زند، و پادشاهانی را نابود می کند و به جای ایشان افراد دیگری را می نشاند. و ستایش ویژه خدایی است که درهم شکننده زورگویان، نابودکننده ستمگران، به چنگ آورنده فراریان، کیفردهنده ستمگران، فریادرس دادخواهان، پاسخ گوی حاجت خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است. ستایش ویژه خدایی است که آسمان و ساکنانش از ترس و هراس او می غزند، و زمین و آبادگرانش به لرزه درمی آیند، و دریاها و هرکه در اعماق آن شناور است دچار موج گردند.



الحمد لله الذي هدانا لهذا، و ما كنا لنهتدي لو لا أن هدانا الله. الحمد لله الذي يخلق و لم يخلق، و يرزق و لا يرزق، و يطعم و لا- يطعم، و يميت الأحياء و يحيى الموتى، و هو حي لا- يموت، بيده الخير، و هو على كل شيء قدير. اللهم صل على محمد عبدك و رسولك، و أمينك و صفيك، و حبيبك و خيرتك من خلقك، و حافظ سرك، و مبلغ رسالتك، أفضل و أحسن و أجمل و أكمل و أزكى و أنمى و أطيب و أطهر و أسنى و أكثر ما صليت و باركت و ترحمت، و تحننت و سلمت، على أحد من عبادك و أنبيائك و رسلك و صفوتك، و أهل الكرامه عليك من خلقك. اللهم صل على علي أمير المؤمنين، و وصي رسول رب العالمين، عبدك و وليك، و أخي رسولك، و حجتك على خلقك، و ايتك الكبرى، و النبا العظيم، و صل على الصديق الطاهر،

ستایش ویژه خدایی است که ما را به این (راه خودش) هدایت فرمود، و اگر او هدایت مان نمی کرد به هیچ وجه هدایت نمی شدیم. ستایش ویژه خدایی است که می آفریند و خود آفریده نشده است، و روزی می دهد و خود روزی داده نمی شود و می خوراند و خود نمی خورد، و زنده ها را می میراند و مردگان را زنده می کند، و او زنده ای است که هرگز نمی میرد، خیر و خوبی، تنها در دست اوست؛ و او بر هر چیزی توانایی دارد. بارالها؛ بر حضرت محمد - که بنده، فرستاده، امانت دار، برگزیده، محبوب، منتخب تو از آفریدگانت، نگهدارنده اسرار، و رساننده رسالت های توست - درودی پیوسته نثار کن؛ برترین، نیکوترین، زیباترین، کامل ترین، خوب ترین، رشدکننده ترین، پاکترین و پاکیزه ترین، والاترین و بیشترین از درودها، برکت ها، رحمت ها و مهربانی ها، و سلامت بخشی هایی باشد که بر هر یک از بندگان خاص خود، پیامبران، رسولان، برگزیدگان، و گرامی داشته شدگان در بین مخلوقات تو؛ نثار فرموده باشی. بارالها؛ بر حضرت علی علیه السلام فرمانروای مؤمنان، و وصی و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، بنده تو، ولی تو، برادر رسول تو، حجت تو بر آفریدگانت، آیت و بزرگ ترین نشانه ات، و آن خبر بزرگ؛ درود پیوسته نثار کن. و بر حضرت صدیق طاهره

فاطمه سیده نساء العالمین، و صلّ علی سبطی الرّحمه، و إمامی الهدی، الحسن و الحسین سیّدی شباب أهل الجنّه. و صلّ علی أئمّه المسلمین علیّ بن الحسین، و محمّد بن علیّ، و جعفر بن محمّد، و موسی بن جعفر، و علیّ بن موسی، و محمّد بن علیّ، و علیّ بن محمّد، و الحسن بن علیّ، و الخلف الهادی المهدیّ، حججک علی عبادک، و امنائک فی بلادک، صلوه کثیره دائمه. اللَّهُمّ و صلّ علی ولیّ أمرک، القائّم المؤمّل، و العدل المنتظر، و حفّه بملائکتک المقربین، و أیده بروح القدس، یا ربّ العالمین. اللَّهُمّ اجعله الدّاعی إلی کتابک، و القائّم بدینک، إستخلفه فی الأرض کما استخلفت الّمدین من قبله، مکن له دینه الّذی ارتضیته له، أبدله من بعد خوفه أمانا، یعبدک لا یشرک بک شیئا. اللَّهُمّ أعزّه و أعزّه به، و انصره و انتصر به،

فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان، درود فرست. و بر دو نواده ارجمند پیامبر رحمت، دو امام و پیشوای هدایت؛ یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السّلام که سرور جوانان بهشتی هستند؛ درود فرست. و بر پیشوایان مسلمانان، یعنی: علیّ بن الحسین (سجاد)، محمّد بن علی (باقر)، جعفر بن محمّد (صادق)، موسی بن جعفر (کاظم)، علیّ بن موسی (رضا)، محمّد بن علی (جواد)، علیّ بن محمّد (هادی) حسن بن علی (عسکری) و بازمانده او که راهنما و راه یافته است (علیهم السّلام)؛ که همگی حجّت های تو بر بندگانت، و امانت داران تو در شهرهای می باشند؛ صلوات و درودی فراوان و دایمی نثار کن. خدایا؛ درود فرست بر ولیّ امرت، قیام کننده مورد آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛ و با فرشتگان مقربت او را دربرگیر؛ و با روح القدس تأییدش کن؛ ای پروردگار جهانیان؛ بارالها؛ او را فراخواننده مردم به سوی قرآن، و برپادارنده دین و آیینت قرار ده؛ او را همانند دیگران که در زمین، خلافت بخشیدی و جانشین خودت کردی، جانشین ساز؛ دینی را که برای او پسندیده ای، قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از شرایط ترسناکی که دارد، او را به آرامش و ایمنی برسان، تا در نتیجه تو را بپرستد و چیزی را با تو شریک نگیرد. خدایا؛ او را عزیز کن، و به وسیله او (مؤمنان را) عزّت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن، و (مؤمنان را) به واسطه او

و انصره نصرًا عزیزا، و افتح له فتحًا یسیرا، و اجعل له من لدنک سلطانا نصیرا. اَللّٰهُمَّ اَظْهَرْ بَهِ دِیْنِکَ وَ سَنَّهُ نَبِیْکَ حَتّٰی لَا یَسْتَخْفٰی بِشَیْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ اَحَدٌ مِّنَ الْخَلْقِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغِبُ اِلَیْکَ فِیْ دَوْلَهِ کَرِیْمِهِ، تَعَزَّبَ بِهَا الْاِسْلَامُ وَ اَهْلُهُ، وَ تَذَلَّ بِهَا التَّفَاقُ وَ اَهْلُهُ، وَ تَجَعَلْنَا فِیْهَا مِّنَ الدَّعَاةِ اِلٰی طَاعَتِکَ، وَ الْقَادَةِ اِلٰی سَبِیْلِکَ، وَ تَرَزَقْنَا بِهَا کَرَامَةَ الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ مَا عَزَّفْتَنَا مِّنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ، وَ مَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاهُ. اَللّٰهُمَّ الْمَمَّ بِهْ شَعْنًا، وَ اشْعَبْ بِهْ صَدْعَنَا، وَ ارْتَقْ بِهْ فَتَقْنَا، وَ کَثِّرْ بِهْ قَلْتَنَا، وَ اَعِزَّزْ بِهْ ذَلَّتْنَا، وَ اَغْنِ بِهْ عَائِلْنَا، وَ اقْضِ بِهْ عَن مَّغْرَمِنَا، وَ اجْبِرْ بِهْ فِقْرَنَا، وَ سَدِّ بِهْ خَلَّتْنَا، وَ یَسِّرْ بِهْ عَسْرَنَا، وَ یَبِیضْ بِهْ وَجُوهُنَا، وَ فَکِّ بِهْ اَسْرَنَا، وَ اَنْجِحْ بِهْ طَلِبْتَنَا، وَ اَنْجِزْ بِهْ مَوَاعِدِنَا، وَ اسْتَجِبْ بِهْ دَعْوَتَنَا، وَ اَعْطِنَا بِهْ سَؤْلَنَا، وَ بَلِّغْنَا بِهْ مِّنَ الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ

پیروز فرما؛ و یاری عزتمندت را بدو برسان، و برایش گشایش و پیروزی شایان و آسانی فراهم کن، و از جانب خودت برایش قدرت و سلطنتی پیروز مقّر دار. بارالها؛ آیین خودت، و سنّت پیامبرت را به وسیله او آشکار ساز؛ به گونه ای که از ترس یکی از آفریدگانت، هیچ بخشی از حقّ و حقیقت را پنهان نکند. بارالها؛ واقعیت آن است که ما مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستیم که (در سایه حضور پیشوای معصوم مان) اسلام و اسلامیان را عزیز و نیرومند گردانی، و نفاق و منافقین را خوار و ذلیل نمایی؛ و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار دهی که مردم را به فرمان برداری از تو فراخوانیم، و همه را به راه تو رهبری کنیم، و به واسطه این دولت شکوهمند، کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی داری. بارالها؛ حقیقت هایی را که به ما شناساندی، توان تحملش را نیز بده تا آنها را باور کنیم؛ و هرچه را به آن دست نیافته ایم، خودت ما را بدان ها برسان. خدایا؛ به واسطه آن حضرت پراکندگی ما را سامان بخش؛ اختلاف میان ما را اصلاح کن؛ گسستگی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان؛ خواری و ذلت ما را تبدیل به عزّت کن؛ فقیران ما را بی نیاز و ثروتمند ساز؛ بدهی ورشکستگان و بدهکاران ما را ادا کن؛ فقر و نیازمندی ما را جبران فرما؛ نقص و خلل های ما را پر کن؛ سختی ما را تبدیل به راحتی کن؛ رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛ اسیران مان را آزاد ساز؛ خواسته های ما را برآور؛ وعده های مان را محقق کن؛ دعای ما را پاسخگو باش؛ خواسته های ما را عطا کن؛ ما را به آرمان ها و آرزوهای دنیوی و اخروی برسان؛

امالنا، و أعطنا به فوق رغبتنا. يا خير المسئولين و أوسع المعطين، إشف به صدورنا، و أذهب به غيظ قلوبنا، و اهدنا به لما اختلف فيه من الحقِّ بإذنك، إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم، و انصرنا به على عدوك و عدونا، إله الحقِّ امين. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ و اله، و غيبه و لئنا، و كثره عدونا، و قلّه عددنا، و شدّه الفتن بنا، و تظاهر الزّمان علينا، فصلّ على محمّد و اله، و أعنا على ذلك بفتح منك تعجّله، و بضّرّ تكشفه، و نصر تعزّه، و سلطان حقّ تظهره، و رحمه منك تجلّلناها، و عافيه منك تلبسناها، برحمتك يا أرحم الرّاحمين. (۱)

و برتر از آنچه بدان مایلیم به ما عطا کن. ای بهترین کسی که از او درخواست می شود؛ ای دارای فراگیرترین بخشش و عطا؛ سینه های ما را به وسیله او شفا بخش؛ خشم قلب ما را به وسیله او برطرف کن؛ به کمک او و به واسطه حضور او، با اذن و خواست خودت ما را در مورد حقیقت هایی که در آن اختلاف شده، راهنمایی و هدایت فرما؛ به راستی، تو هر که را خودت بخواهی به راه راست رهنمون می شوی، ما را به واسطه او بر دشمن خودت و دشمن ما، یاری فرما؛ ای معبود به حقّ؛ دعای ما را مستجاب گردان. بارالها؛ واقعیت آن است که ما به تو شکایت می کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبران- که درودت بر او و آل او باد-؛ و از پنهان بودن سرپرست مهربان ما، و از بسیاری دشمنان ما، و کمی تعداد خودمان، و از فتنه ها و آشوب های سختی که دچارشان هستیم؛ و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما. پس بر محمّد و آل او درودی پیوسته نثار کن، و ما را در این گرفتاری ها کمک کن توسط پیروزی و گشایشی که در آن شتاب می کنی؛ و ضرر و زیانی که برطرف می سازی و یاری کردنی که با آن عزّت می بخشی و قدرتمند حقّی که آشکارش می نمایی، و رحمتی که با آن به ما بزرگی و شکوه می دهی، و لباس عافیتی که بر ما می پوشانی، به حقّ رحمتت، ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۳۰۴

## ۹- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند:

هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از نمازهای واجب بخواند، گناهایش تا روز قیامت بخشیده می شود:

اللَّهُمَّ ادخل على أهل القبور السّرور. اللَّهُمَّ اغن كل فقير. اللَّهُمَّ أشبع كل جاع. اللَّهُمَّ اكس كل عريان. اللَّهُمَّ اقض دين كل مدین. اللَّهُمَّ فرج عن كل مكروب. اللَّهُمَّ رد كل غریب. اللَّهُمَّ فك كل أسیر. اللَّهُمَّ أصلح كل فاسد من امور المسلمین. اللَّهُمَّ اشف كل مریض. اللَّهُمَّ سد فقرنا بغناك. اللَّهُمَّ غیر سوء حالنا بحسن حالك. اللَّهُمَّ اقض عنا الدین، و اغننا من الفقر، إنك على كل شیء قدير. (۱)

خداوندا؛ بر ساکنان گورها، شادمانی و خوشی عطا فرما؛ خداوندا؛ تمام نیازمندان را بی نیاز گردان؛ خداوندا؛ تمام گرسنگان را سیر کن؛ خداوندا؛ هر عریانی را ببوشان؛ خداوندا؛ قرض هر مقروضی را ادا فرما؛ خداوندا؛ اندوه هر اندوهناکی را برطرف کن؛ خداوندا؛ هر غریبی را به (وطن) بازگردان؛ خداوندا؛ هر اسیری را آزاد کن؛ خداوندا؛ هر امر فاسدی را از امور مسلمانان اصلاح فرما؛ خداوندا؛ هر مریضی را شفا مرحمت کن؛ خداوندا؛ فقر و تهیدستی ما را با بی نیازی خودت برطرف کن؛ خداوندا؛ بدی حال ما را به خوبی حال خودت تغییر بده؛ خداوندا؛ قرض ما را ادا بفرما، و ما را از فقر به توانگری برسان؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی.

ص: ۳۰۵

---

(۱-۱). بحار الأنوار: ۹۸/۱۲۰، [۱] منهاج العارفين: ۲۱۴.

بر خواننده بزرگوار پوشیده نیست که مضمون این دعا تنها در دوران حکومت الهی و دولت حضرت مهدی ارواحنا فداه محقق می شود، و برای این دعا قضیه و داستانی است که به مناسب بودن دعا در این زمینه دلالت می کند؛ ولی در این کتاب مجالی برای ذکر آن نیست.

## ۱۰- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله برای این روز، این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَوَلَايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبِ نَبِيِّكَ، وَوَلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سِبْطِي نَبِيِّكَ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ جَنَّاتِكَ. وَوَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَوَلَايَةَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَوَلَايَةَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَوَلَايَةَ مُوسَى وَوَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَوَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَوَلَايَةَ عَلِيٍّ، وَوَلَايَةَ مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ. أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ، رَاضِيًا غَيْرَ

بارخدایا؛ همانا من گردن می نهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم پیامبر تو، و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علی علیه السلام) دوست پیامبر، و ولایت امام حسن و امام حسین دو نوه پیامبر و دو سرور جوانان اهل بهشت. و گردن می نهم (ای پروردگار) به ولایت علی بن حسین (سجاد) و محمد بن علی (باقر) و جعفر بن محمد (صادق) و موسی بن جعفر (کاظم) و علی بن موسی (رضا) و محمد بن علی (جواد) و علی بن محمد (هادی) و حسن بن علی (عسکری) و آقایم و مولایم صاحب زمان (علیهم السلام). گردن می نهم ای پروردگار جهان؛ به اطاعت و ولایت آنان و تسلیم شدن نسبت به آنچه فضیلت و برتری داده ای ایشان را؛ درحالی که راضی و

منکر و لا- مستکبر، علی ما أنزلت فی کتابک. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وادفع عن وئیک و خلیفتک و لسانک و القائم بقسطک، و المعظم لحرمتک، و المعبر عنک، و الناطق بحکمک، و عینک الناظره، و أذنک السامعه، و شاهد عبادک، و حجّتک علی خلقک، و المجاهد فی سبیلک، و المجتهد فی طاعتک. و اجعله فی وديعتک الّتی لا تضيع، و أئیده بجندک الغالب، و أعنه و أعن عنه، و اجعلنی و والدی و ما ولدا و ولدی من الذین ینصرونه، و ینتصرون به فی الدنیا و الآخره، إشعب به صدعنا، و ارتق به فتقنا. اللَّهُمَّ أمت به الجور، و دمدم بمن نصب له، و اقصم رؤوس الضّلاله حتّی لا- تدع علی الأرض منهم دیارا. (۱)

خشنود هستم و انکار نمی کنم، و استکبار نمی ورزم بر آنچه که در قرآنت نازل کردی. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و دور کن (هر شرّی) را از ولّیت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام کننده به عدلت، و بزرگ دارنده حرمتت، و بیان کننده از جانب خودت، و گوینده احکامت، و چشم بینایت، و گوش شنوایت، و گواه بندگانت، و حجّت تو بر آفریدگانت، و جهادکننده در راهت، و کوشش کننده در اطاعت و پیرویت. او را در جمله امانت های خودت که ضایع نمی شود قرار بده، و او را به وسیله سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛ و او را یاری کن و از او حمایت کن؛ و من و پدر و مادر و فرزندان شان و فرزندان مرا از کسانی قرار بده که آن حضرت را یاری می کنند، و به وسیله او در دنیا و آخرت یاری می شوند؛ و پراکندگی ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او تبدیل به پیوستگی فرما. بار خدایا؛ به وسیله آن حضرت، ستم و جور را بمیران؛ و غضب کن بر کسانی که علیه ایشان هستند، و سران گمراهی را درهم بشکن تا هیچ کسی از آنان بر روی زمین باقی نماند.

ص: ۳۰۷

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله دعای دیگری را برای این روز نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظَّلمة جحدوا اياتك، و كفروا بكتابتك، و كذبوا رسلك، و استنكفوا عن عبادتك، و رغبوا عن ملة خليلك، و بدلوا ما جاء به رسولك، و شرّعوا غير دينك، و اقتدوا بغير هداك، و استنوا بغير سنتك، و تعدوا حدودك، و سعوا معاجزين في اياتك، و تعاونوا على إطفاء نورك، و صدوا عن سيلك، و كفروا نعماءك، و شاقوا ولاة أمرك، و والوا أعداءك، و عادوا أوليائك، و عرفوا ثم أنكروا نعمتك، و لم يذكروا الاك، و أمنوا مكرك، و قست قلوبهم عن ذكرك، و استحلو حرامك، و حرّموا حلالك، و اجترأوا على معصيتك، و لم يخافوا مقتك، و نسوا

خدايا! همانا ستمگران آیات و نشانه های تو را انکار کردند، و به کتابت یعنی قرآن کفر ورزیدند، و فرستادگان را تکذیب کردند، و از بندگی تو سرباز زدند، و از آیین خلیل تو روی گردانند، و آن چه را که فرستاده ات آورده است دگرگون ساختند، و غیر از دین تو را تشریح نمودند، و به غیر از راه هدایت تو اقتدا کردند، و به غیر از سنت و آیین تو عمل کردند، و از حدّ و مرزهای تو تجاوز کردند، و با آیات تو به مقابله برخاستند و سعی کردند آن ها را ناتوان جلوه دهند. برای خاموشی نور تو با یکدیگر همکاری کردند، و از پیمودن راه تو جلوگیری نمودند، و نعمت هایت را ناسپاسی کردند، و با اولیای امور تو به سختی دشمنی کردند، و با دشمنان دوستی و هم عهدی کردند و با دوستان دشمنی ورزیدند؛ با این که نعمتهایت را شناختند، آن ها را انکار کردند، و خوبی هایت را یادآور نشدند، و خودشان را از مکر و حیلۀ تو ایمن دانستند، و دل هایشان نسبت به یاد تو سخت و محکم شد، و حرام تو را حلال شمردند، و حلال تو را حرام کردند، و در انجام نافرمانی تو جرأت پیدا کردند، و از دشمنی و نفرت تو هراسی نداشتند، و انتقام تو را فراموش



نقمتک و لم یحذروا بأسک، و اغتروا بنعمتک. اَللّٰهُمَّ فاصب منہم، و اصیب علیہم عذابک، و استأصل شافتہم، و اقطع دابہم، وضع عزمہم و جبروتہم، و انزع اوتارہم، و زلزل أقدامہم، و أرعب قلوبہم. اَللّٰهُمَّ اِتَّخِذُوا دینک دغلا و مالک دولا، و عبادک خولا. اَللّٰهُمَّ اکفہم بأسہم، و افلل حدہم، و أوہن کیدہم، و أشمت عدوہم، و اشف صدور المؤمنین. اَللّٰهُمَّ افتت أعضادہم، و اقهر جباہرتہم، و اجعل الدآثرہ علیہم، و افضض بنیانہم، و خالف بین کلمتہم، و فرّق جمعہم، و شتت أمرہم، و اجعل بأسہم بینہم، و ابعث علیہم عذابا من فوقہم، و من تحت أرجلہم، و اسفک بأیدی المؤمنین دمائہم، و أورث المؤمنین أرضہم و دیارہم و أموالہم. اَللّٰهُمَّ أضلّ أعمالہم، و اقطع رجاءہم، و أدحض حجّتہم، و استدرجہم من حیث

کردند و از سختی‌ها و عذابت خود را برحذر نداشتند، و به وسیلہ نعمت‌هایی کہ تو به آنان داده‌ای مغرور شدند. خدایا؛ نعمت‌هایت را برای آنان از بین ببر، و عذابت را بر آنان فرودآور، و آن‌ها را ریشه کن نما، و دنبالہ آنان را قطع کن، و عزّت و بزرگی آنان را خوار و پست کن، و ستم‌های آن‌ها را بکن، و قدم‌هایشان را متزلزل کن، و در دل‌های آن‌ها ترس و وحشت بینداز. خدایا؛ همانا ایشان دین تو را وسیلہ گول‌زدن و حیلہ گری گرفتند، و اموال تو را وسیلہ چیرگی و استیلای خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و بردہ خود کردند. خدایا؛ بندگان را از عذاب و شکنجہ آنها بازدار، و شمشیر تیز آنان را بشکن و نابود کن، و مکر و حیلہ‌هایشان را سست و بی اثر کن، و دشمنان شان را شاد کن، و سینہ مؤمنان را شفا بدہ نیرو و توان بازوهایشان (دشمنان) را از بین ببر، و شوکت و قدرت شان را مورد قهر و غلبہ قرار بدہ، و آنان را در حلقہ محاصره قرار بدہ، و بنیان و ریشہ آن‌ها را درہم بکوب، و اتحاد کلمہ ایشان را برہم بزن، و اجتماع ایشان را پراکنده ساز، و کارهایشان را آشفته و پراکنده کن، و سختی و عذاب ایشان را بین خودشان قرار بدہ؛ از بالای سرشان و از زیر پایشان عذابت را بر ایشان بفرست؛ خون ایشان را بہ دست مؤمنان بریز، و مؤمنان را وارث زمین‌ها و خانہ‌ها و اموال آنان قرار بدہ. خدایا؛ اعمال ایشان را تباه کن؛ امید ایشان را قطع کن، و حجّت و برہان ایشان را باطل کن، و آنان را بہ تدریج و از

لا يعلمون، و ائتهم بالعذاب من حيث لا يشعرون، و أنزل بساحتهم ما يحذرون، و حاسبهم حسابا شديدا، و عذبهم عذابا نكرا، و اجعل عاقبه أمرهم خسرا. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اشْتَرُوا بآيَاتِكَ ثَمَنًا قَلِيلًا، و عتوا عتوا كبيرا. اللَّهُمَّ فَخْذِهِمْ أَخْذًا وَبِيَلًا، و دَمَّرَهُمْ تَدْمِيرًا، و تَبْرَهُمْ تَبِيرًا، و لا تجعل لهم في الأرض نصرا، و لا في السماء عاذرا، و العنهم لعنا كبيرا. اللَّهُمَّ فَخْذِهِمْ أَخْذًا وَبِيَلًا. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، و اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتَ، و عملوا السيئات. اللَّهُمَّ فَخْذِهِمْ بِالْبَلِيَّاتِ، و احلل بهم الويلات، و أرهم الحسرات، يا الله إله الأرضين و السماوات. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ، و ارحمنا برحمتك يا أرحم الراحمين. اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ يَا رَبَّ بِطَاعَتِكَ، و لا ننكر ولايه محمد رسولك صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ و عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، و ولايه أمير المؤمنين

جایی که نمی دانند درهم بیچان، و بر ایشان عذاب بفرست به طوری که نفهمند که از کجا آمده است؛ و آن چیزی را که از آن بیم دارند، به سرای آن ها نازل کن؛ و به حساب آنان با سخت گیری رسیدگی کن، و آنان را به عذاب سخت گرفتار کن، و عاقبت آنان را زیان قرار بده. بارخدایا؛ همانا، ایشان آیات را به قیمت کمی فروختند؛ و گردنکشی های بسیار کردند. خدایا؛ به شدت گرفتارشان کن، و آنان را درهم کوب و نابودشان فرما، و برای آنان در روی زمین یاور، و در آسمان عذرخواهنده قرار مده، و بر ایشان نفرین فراوان بفرست. خدایا؛ آن ها را به شدت در چنگ خود گرفتارشان کن. بارخدایا؛ همانا ایشان نماز را ضایع و تباه کردند، و از شهوت ها پیروی کردند، و انواع گناهان را مرتکب شدند. خدایا؛ آنان را دچار بلاها کرده، و مصیبت ها و هلاکت ها به ایشان وارد کن، و حسرت و افسوس خوردن را بر آنان حاکم فرما. ای خدا؛ ای پروردگار آسمان ها و زمین ها. خدایا؛ بر حضرت محمد و آل محمد درود فرست، و ما را به رحمت مورد ترحم قرار بده؛ ای مهربان ترین مهربانان؛ بارخدایا؛ من به اطاعت تو گردن می نهم، و ولایت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ و آله و سلم فرستاده تو را- که درود تو بر او و اهل بیت او باد- انکار نمی کنم؛ هم چنین ولایت امیر مؤمنان

علی بن ابی طالب علیه السّلام، و ولایه الحسن و الحسین علیهما السّلام، سبطی نبیک و ولدی رسولک علیهما السّلام، و ولایه الطّاهرین المعصومین من ذرّیه الحسین، علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و الحسن بن علی سلام الله و برکاته علیهم أجمعین، و ولایه القائم، السّابق منهم بالخیرات، المفترض الطّاعه، صاحب الزّمان سلام الله علیه. أدینک یا ربّ بطاعتهم و ولایتهم، و التّسليم لفرضهم، راضیا غیر منکر و لا مستکبر و لا مستنکف، علی معنی ما أنزلت فی کتابک، علی موجود ما أتانا فيه، راضیا ما رضیت به، مسلما مقرا بذلك یا ربّ، راهبا لک، راغبا فیما لیدیک. اللَّهُمّ ادفع عن ولّیک و ابن نبیک، و خلیفتک و حجّتک علی

(حضرت) علی بن ابی طالب - که سلام بر او باد - و امام حسن و امام حسین علیهما السّلام - که بر آن دو سلام باد - دو نواده پیامبر و دو فرزند رسولت را - که بر آن دو سلام باد - انکار نمی کنم، هم چنین، ولایت پاکان معصوم از نسل امام حسین علیه السّلام؛ یعنی حضرت علی بن حسین (امام سجّاد علیه السّلام)، محمّد بن علی (امام باقر علیه السّلام)، جعفر بن محمّد (امام صادق علیه السّلام)، موسی بن جعفر (امام کاظم علیه السّلام)، علی بن موسی (امام رضا علیه السّلام)، محمّد بن علی (امام جواد علیه السّلام)، علی بن محمّد (امام هادی علیه السّلام)، حسن بن علی (امام حسن عسکری علیه السّلام) - که سلام و برکت های الهی نثارشان باد - و ولایت قائم (حضرت مهدی علیه السّلام) که پیشی گیرنده است به خوبی ها از ایشان، و اطاعتش واجب بوده و صاحب عصر و زمان می باشد را می پذیرم که سلام خدا بر او باد. بارپروردگارا؛ من با اطاعت از آنان و قبول ولایتشان و تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی ایشان، تو را پرستش می کنم؛ درحالی که از این امر راضی هستم، نه انکار می کنم و نه استکبار می ورزم و نه آن را ننگ می دانم؛ بر معانی و مفاهیمی که در کتابت نازل کردی و طبق آن موجودی که به من رسیده. به آنچه تو را راضی می کند من نیز راضی هستم، و در برابر آنان تسلیم بوده و به آن اقرار می کنم؛ بارپروردگارا؛ درحالی که من از تو ترسان هستم، و به آنچه نزد توست مشتاقم. بارخدایا؛ از ولّیت و فرزند پیامبرت، و جانشین و حجّت بر

خلقک، و الشّاهد علی عبادک، المجاهد المجتهد فی طاعتک، و ولیک و أمینک فی أرضک، فأعذه من شرّ ما خلقت و برأت، و اجعله فی ودائعک الّتی لا- یضیع من کان فیها، و فی جوارک الّذی لا- یقهر، و امنه بأمانک، و اجعله فی کنفک، و انصره بنصرک العزیز، یا إله العالمین. اللَّهُمّ اعصمه بالسّکینه، و ألبسه درعک الحصینه، و أعنه و انصره بنصرک العزیز نصرًا عزیزًا، و افتح له فتحة یسیرا، و اجعل له من لدنک سلطانا نصیرا. اللَّهُمّ وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله. اللَّهُمّ اشعب به صدعنا، و ارتق به فتقنا، و المم به شعثنا، و کثر به قلّتنا، و أعزز به ذلّتنا، و اقض به عن مغرنا، و اجبر به فقرنا، و سدّ به خلّتنا، و أغن به فاقتنا، و یسرّ به عسرتنا، و کفّ به وجوهنا، و أنجح به طلبتنا، و استجب به

بندگانت، و گواه بر آنان؛ تلاش کننده ای کوشا در اطاعت از تو، و ولیّ و امانت دار تو بر روی زمینت؛ بلا را دور کن. او را از شرّ آن چه که آفریده ای و به وجود آورده ای، پناه بده؛ او را از جمله سپرده های ضایع نشدنیت قرار بده؛ او را در جوار خود که شکست نمی خورد قرار بده؛ و او را به امان خود ایمن گردان و در کنف حمایت خود قرار ده، و او را به نصرت قوی و نیرومندت یاری ده؛ ای پروردگار جهانیان. بارخدایا؛ او را باوقار و آرامش حفظ کن؛ و به او زره محکم خود را بپوشان؛ و او را مدد کن و به نصرت قوی و نیرومندت به نوعی مقتدرانه یاری فرما؛ و گشایش آسان برایش مقرّر فرما؛ و از نزد خودت برای او قدرت و نیروی یاری شده ای قرار بده. خدایا؛ دوست بدار هرکسی او را دوست می دارد، و دشمن بدار هرکسی را که با او دشمنی می ورزد، و یاری کن هرکه او را یاری می کند و هرکس قصد خوار کردنش را دارد خوار و ذلیلش کن. بارخدایا؛ جدایی بین ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او پیوسته فرما و پراکندگی و نابسامانی ما را به وسیله او سامان بخش، و کمی ما را به وسیله او زیاد فرما، و ذلّت و خواری ما را به وسیله او به عزّت و آبرومندی مبدّل فرما و بدهکاری های ما را به وسیله او ادا فرما، و فقر و ناداری ما را به وسیله او جبران فرما، و نیازمندی و حاجتمندی ما را به وسیله او برطرف کن، و تنگدستی ما را به وسیله او تبدیل به دارایی و ثروت کن، و مشکلات ما را به وسیله او آسان فرما؛ آبروی ما را به وسیله او نگاه دار، و خواسته های ما را به وسیله او برآورده فرما، و

دعائنا، و أعطنا به فوق رغبتنا، و اشف به صدورنا، و اهدنا لما اختلف فيه من الحق يا رب، إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم. اللهم أمت به الجور، و أظهر به العدل، و قوّ ناصره، و اخذل خاذله، و دمر من نصب له، و أهلك من غشه، و اقتل به جبابره الكفر، و اقصم رؤوس الضلالة، و سائر أهل البدع، و مقويه الباطل، و ذلل به الجبابره، و أبر به الكافرين و المنافقين و جميع الملحدين، في مشارق الأرض و مغاربها، برّها و بحرّها، و سهلها و جبلها، لا تذّر على الأرض منهم ديارا، و لا تبّق لهم اثارا. اللهم أظهره، و افتح على يديه الخيرات، و اجعل فرجنا معه و به. اللهم أعنا على سلوك المناهج، منهاج الهدى، و المحجّه العظمى، و الطريقه الوسطى، التي يرجع إليه الغالى، و يلحق به التالى، و وفّقنا لمتابعته، و أدآء حقه. و امنن علينا

دعاى ما را به وسيله او مستجاب فرما، و براى ما به وسيله او بيشتراز آن چه كه ميل و رغبت ماست، عطا فرما؛ سينه هاى ما را به وسيله او شفا بده، و در امورى كه در آن اختلاف وجود دارد ما را به حق هدايت فرما. اى پروردگار؛ همانا، تو هر كه را بخواهى به راه راست هدايت مى كنى. خدايا؛ به وسيله او ظلم و ستم را بميران، و عدل و داد را ظاهر كن، و يارى كننده او را قدرت بده، و خوار كننده او را خوار و ذليل فرما، و هر كسى كه دشمنى يا بدى را براى او آشكار كند نابود فرما، و هر كسى به او خيانت مى كند هلاك فرما؛ و به وسيله آن حضرت، سران كفر را نابود فرما، و رؤساي ضلالت و گمراهى و تمام بدعت گذاران و تقويت كنندگان باطل و نادرستى را درهم بشكن، و زور گويان را به وسيله او به ذلت و خوارى بيفكن؛ و به واسطه او كافران و منافقان و منحرفان از دين را در شرق و غرب زمين، و در خشكى و دريائى آن، و در كوه و بيابان آن؛ هلاك فرما، و هيچ يك از ايشان را بر روى زمين باقى مگذار و اثرى از آنها بجائى مگذار. بار خدايا؛ او را ظاهر فرما و درهاى خير و بركت را به دست او بگشاي، و گشايش امور ما را به وسيله او و با فرج او قرار بده. بار خدايا؛ ما را يارى كن تا راه هاى روشن و واضح را بيماييم، راه هدايت و راه روشن و واضح عظيم ترين كه راه ميانه و معتدل مى باشد و هيچ كجى در آن نيست؛ راهى كه هر افراطگرى دوباره به سوى آن بر مى گردد، و هر عقب مانده اى به آن ملحق مى شود. ما را موفق به تبعيت و پيروي و اداى حق آن حضرت بفرما. بر ما ممت بگذار

بمتابعتہ فی البأساء و الضّرّاء، و اجعلنا من الطّالبین رضاك بمناصحتہ، حتّٰی تحشرنا یوم القیامہ فی أعوانہ و أنصارہ، و معونہ سلطانہ. و اجعل ذلك لنا خالصا من كلّ شكّ و شبهہ، و ریاء و سمعہ لا نطلب بہ غیرك، و لا نرید بہ سواك، و تحلّنا محلّہ، و تجعلنا فی الخیر معہ، و اصرف عنّا فی أمرہ السّامہ و الكسل و الفترہ، و لا تستبدل بنا غیرنا، فإنّ استبدالک بنا غیرنا علیک یسیر و علینا عسیر، و قد علمنا بفضلک و إحسانک یا کریم، و صلّی اللّٰہ علی سیدنا محمّد النّبّی و الہ و سلّم. (۱)

به پیروی از آن حضرت در سختی ها و رنج ها؛ و ما را از جویندگان رضایت خودت با خیرخواهی برای آن حضرت، قرار بده؛ تا این که ما را روز قیامت در زمره کمک رسانان و یاران و مددکاران حکومتش محشور فرمایی. آن چه گفتیم را برای ما خالص از هر شکّ و شبهه ای و خالی از خودنمایی و شهرت گردان؛ که به وسیله آن کسی غیر از تو را طلب نکنیم، و جز تو را اراده نکنیم؛ و ما را در نزد او جای بده، و ما را در بهره و خیرها همراه او قرار بده؛ در انجام اوامر آن حضرت، تنبلی و سستی و سهل انگاری کردن را از ما دور کن، کسی را نیز به جای ما جایگزین مفرما؛ زیرا عوض کردن جای ما با دیگران برای تو آسان است ولی برای ما مشکل و دشوار می باشد؛ با وجودی که ما نسبت به فضل و احسان تو آگاه هستیم؛ ای بزرگوار؛ درود و سلام خدا به طور دایم بر آقای ما حضرت محمّد و اهل بیت آن حضرت نثار باد.

## ۱۲- دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان

از ابن مسعود روایت است که پیامبر صلّی اللّٰہ علیہ و الہ و سلّم فرمودند:

وقتی در ماه مبارک رمضان، صدایی به گوش مردم رسید، همانا فتنه در ماه شوال است، و در ماه ذیقعدہ نیز قبیلہ ها از یکدیگر جدا می شوند، و در ماه های

ص: ۳۱۴

ذیحجه و محرم خون ریزی های زیادی صورت می پذیرد؛ چه محرمی؛ خدا می داند که مردم بسیار زیادی در آن به قتل می رسند.

گفته شد: ای رسول خدا؛ صیحه چیست؟

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

صدایی (۱) است که در نیمه ماه مبارک رمضان، و روز جمعه هنگام برآمدن خورشید خواهد شد. در آن سال، شروع ماه رمضان نیز در شب جمعه خواهد بود. این صدا به قدری مهیب است که هر کس را که خواب باشد بیدار می کند، و کسانی را که ایستاده اند می نشاند و عروسان را از حجله هایشان ناخودآگاه به بیرون می کشد. این جریانات در شب جمعه اتفاق می افتد و در آن سال زلزله ها و سرمای شدید زیاد پدیدار خواهد شد.

بدین سان، هرگاه هلال ماه مبارک رمضان آن سال در شب جمعه دیده شود، وقتی که نماز صبح روز جمعه نیمه ماه مبارک رمضان را به جای آوردید به خانه های خود بروید، و درب ها را ببندید و قفل کنید، و پنجره ها را نیز ببندید، و خودتان را پنهان داشته و گوش های تان را نیز ببندید. پس از احساس وقوع صدا در برابر خدای متعال به سجده بیفتید و بگویید:

سبحان القدوس، سبحان القدوس ربنا.

خدای قدوس و پاک، ستوده و منزّه است؛ خدای پاک، ستوده است و پروردگار ماست.

زیرا، هرکس این کارها را انجام دهد رهایی می یابد، و هر که انجام ندهد به هلاکت می رسد. (۲)

این دعا را در این بخش نقل کردیم چون در ماه رمضان خوانده می شود؛ هرچند در تمام ماه های رمضان خوانده نمی شود.

ص: ۳۱۵

---

۱-۱). در روایت «الهدّه» تعبیر شده است که به معنای صدای عجیبی است که از افتادن شیئی از آسمان به زمین ایجاد شود!  
۲-۲). التشریف بالمنن معروف به ملاحم و رفتن: ۲۸۴ از عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس. این روایت را در ص ۱۰۰ همان کتاب با تفاوت مختصری نقل نموده است.

در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله برای روز هیجدهم ماه مبارک رمضان، این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظَّلمة کفروا بکتابک، و جحدوا آیاتک، و کذبوا رسلک، و بدّلوا ما جاء به رسولک، و شرعوا غیر دینک، و سعوا بالفساد فی أرضک، و تعاونوا علی إطفاء نورک، و شاقّوا ولاء امرک، و والوا أعداءک، و عادوا أولیاءک، و ظلموا أهل بیت نبیک. اللَّهُمَّ فانتقم منهم، و اصعب علیهم عذابک، و استأصل شأفتهم. اللَّهُمَّ اتّخذوا دینک دغلا، و مالک دولا، و عبادک خولا، فاکفف بأسهم، و أوهن کیدهم، و اشف منهم صدور المؤمنین، و خالف بین قلوبهم، و شتت أمرهم، و اجعل بأسهم بینهم، و اسفک بأیدی المؤمنین دماّتهم، و خذهم من حیث لا یشعرون. اللَّهُمَّ

بارخدايا؛ همانا ستم کاران نسبت به قرآن تو کفر ورزیدند، و آیات را انکار کردند، و فرستادگان را تکذیب نمودند، و آن چه را که پیامبر تو آورده است دگرگون کردند، و غیر دین تو را قانون نهادند، و در روی زمین فساد را رواج دادند، و برای خاموش کردن نور هدایت تو با یکدیگر هم کاری کردند، و با سرپرستان امور تو مخالفت و دشمنی کردند، و با دشمنانت دوستی و هم عهدی نمودند، و با دوستانت دشمنی ورزیدند و بر اهل بیت پیامبرت ظلم و ستم کردند. بارخدايا؛ از آنان انتقام بگیر و عذابت را بر آنان سرازیر کن، و آنان را از ریشه برکن. خدايا؛ همانا ایشان دین تو را وسیله گول زدن و حيله گری گرفتند، و اموال تو را وسیله چیرگی و غلبه خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و برده خود کردند. پس بندگان را از عذاب و شکنجه آنان بازدار، و مکر و حيله هایشان را سست و بی اثر کن، و سینه مؤمنان را از آنان شفا بده و بین دل های آنان (دشمنان) اختلاف ایجاد کن، و کارهای شان را آشفته و پراکنده ساز، و سختی های شان را بین خودشان قرار ده، و خون شان را به دست مؤمنان بریز، و آن ها را گرفتار کن؛ به طوری که نتوانند بفهمند از کجا گرفتار شدند. بارخدايا؛



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُمْ لَمْ يَذْنِبُوا لَكَ ذَنْبًا، وَ لَمْ يَرْتَكِبُوا لَكَ مَعْصِيَةً، وَ لَمْ يَضَيِّعُوا لَكَ طَاعَةَ، وَ أَنْ مَوْلَانَا وَ سَيِّدَنَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْهَادِيَ الْمَهْتَدِي، التَّقِيَّ التَّقِيَّ الزَّكِيَّ الرَّضِيَّ، فَاسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهَدْيِ، وَ الْمَحْجَةَ الْعِظْمَى، وَ قَوْنَا عَلَى مِتَابَعَتِهِ، وَ أَدَاءِ حَقِّهِ، وَ احْشُرْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَاءِ. (۱)

بر محمّد و آل محمّد درود فرست. خدایا؛ ما در روز قیامت و روز فرارسیدن بلای بزرگ، گواهی می دهیم که ایشان هرگز گناهی انجام نداده اند، و نافرمانی تو را مرتکب نشدند، و هرگز طاعتی از تو را ضایع نکرده اند؛ و به راستی که مولای ما و آقای ما و صاحب روزگار ما، هدایت کننده هدایت شده، و پرهیزکار، پاک و آراسته، صالح و پسندیده می باشد. پس، ما را به وسیله آن حضرت در راه هدایت، و راه آشکار بزرگ ببر؛ و ما را قدرت بده تا از آن حضرت پیروی کنیم، و حقش را ادا کنیم؛ و ما را در زمرة یاران و مددکاران و یاوران آن حضرت محشور فرما؛ همانا تو شنونده دعا هستی.

#### ۱۴- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در بعضی از کتاب ها وارد شده است:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَاذِخِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ كُنْ لَوْلِيكَ وَ ابْنَ وَلِيكَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِيَّ، بَارِخْدَايَا؛ أَي صَاحِبِ شَكْوَاهِ وَ عِظْمَتِ رَفِيعِ وَ سُلْطَنَتِ الْوَالِيَّ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودَ فَرَسْتِ، وَ بَرَايَ وَلِيِّ وَ فَرَزَنْدِ وَلِيِّ خُودِ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ، حَضْرَتِ مَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: ۳۱۷

فی هذه الساعه وليا و حافظا، و قآئدا و ناصرا، و دليلا و عوننا، و عينا و معيننا، حتى تسكنه أرضك طوعا، و تمتعه فيها طويلا. يا مدبر الامور، يا باعث من في القبور، يا مجرى البحور، يا ملين الحديد لداوود عليه السلام، صل على محمد و آل محمد، و افعل بي كذا و كذا.

در این ساعت سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و مددکار و دیده بان و کمک رسان باش؛ تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره مندی او را طولانی گردانی. ای تدبیرکننده کارها؛ ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست؛ ای جاری کننده دریاها؛ ای نرم کننده آهن برای حضرت داوود- که درود بر او باد-؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست، و برای من انجام بده چنین و چنان.

و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خدا بخواه. (۱)

## ۱۵- دعای دیگر برای ظهور آن حضرت

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

علامه مجلسی رحمه الله فرموده است که محمد بن عیسی بن عبید با سند خود از یکی از معصومین علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

در شب بیست و سوم از ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی، و در تمام ماه مبارک رمضان، و هرطور که برایت ممکن و مقدور است، و در تمام دورات دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال، و درود بر پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام بگو:

اللهم کن لوليک القائم بأمرک، محمد بن الحسن المهدی، علیه

بارخدايا؛ برای ولی خودت- او که برای اجرای اوامر تو قیام می کند- حضرت محمد بن الحسن المهدی که بر او

ص: ۳۱۸

و علی آباءه أفضل الصّلاه و السّلام، فی هذه السّاعه و فی كلّ ساعه، ولیا و حافظا و قاندا و ناصرا و دلیلا و مؤیدا، حتّی تسکنه أرضک طوعا، و تمتّعه فیها طولا و عرضا، و تجعله و ذرّیته من الأئمّه الوارثین. اللَّهُمّ انصره و انتصر به، و اجعل النّصر منک علی یده، و اجعل النّصر له و الفتح علی وجهه، و لا توجّه الأمر إلی غیره. اللَّهُمّ أظهر به دینک و سنّه نبیک، حتّی لا یستخفی بشیء من الحقّ مخافه أحد من الخلق. اللَّهُمّ إنّی أرغب إلیک فی دوله کریمه تعزّ بها الإسلام و أهله، و تذللّ بها النّفاق و أهله، و تجعلنا فیها من الدّعاة إلی طاعتک، و القاده إلی سبیلک، و اتنا فی الدّنیاء حسنه و فی الآخره حسنه، و قنا عذاب النّار، و اجمع لنا خیر الدّارین، و اقض عنّا جمیع ما تحبّ فیهما، و اجعل لنا فی ذلك الخیره برحمتک و منک فی

و بر پدران‌ش برترین سلام‌ها و درودها باد، در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و تأییدکننده باش؛ تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و او را در طول و عرض زمین بهره‌مند گردانی؛ و او و فرزندان او را از پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی. بارخدا یا؛ او را یاری کن و ما را به وسیله او یاری ده، و نصرت و پیروزی خود را به دست او قرار بده؛ و پیروزی را برای او و گشایش را در راه او قرار بده؛ و حکومت و کار را به غیر او حواله نکن. خدا یا؛ دین خودت و سنّت پیامبرت را به وسیله آن حضرت نمودار کن؛ تا این که هیچ حقّی را به خاطر ترس از فردی از مردم پنهان نسازد. بارخدا یا؛ همانا من مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستم که اسلام و اهلش را به واسطه آن عزیز کنی، و نفاق و اهلش را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در آن از فراخوانان به طاعت خویش و رهبرانی به سوی راه خودت قرار دهی؛ و در دنیا و آخرت به ما خیر و خوبی عطا فرما، و ما را از عذاب جهنّم محفوظ بدار، و برای ما خوبی‌های هر دو جهان را گرد آور؛ و برای ما تمامی آنچه را که در دو جهان دوست داری، از طرف ما انجام بده؛ و برای ما در این چیزها، آنچه خیر است به واسطه مهربانی و ممتّ دیرینه ات

عافیه، امین ربّ العالمین، و زدنا من فضلک و یدک الملاء، فَإِنَّ کُلَّ معط ینقص من ملکه، و عطاؤک یزید فی ملکک. (۱)

در عافیت قرار بده، اجابت کن ای پروردگار جهانیان؛ و از فضل و فزون بخشی خودت و دست پر خیر و برکتت بر ما افزون گردان؛ پس همانا هر بخشنده ای، دارایی و تواناییش، در اثر بخشیدن به تدریج کم می شود، ولی بخشش تو، توانایی و داراییت را زیاد می کند.

## ۱۶- دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

### اشاره

شیخ بزرگوار کفعمی رحمه الله می نویسد: از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که:

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال سجده یا ایستاده یا نشسته، و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک، و هر طور که برایت امکان دارد و در تمام دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از بزرگداشت و ادای احترام به خداوند متعال، و درود بر پیامبرش صلی الله علیه و اله و سلم بگو:

اللّهُمَّ کن لولیک الحجه بن الحسن، (صلواتک علیه و علی ابائه)، فی هذه السّاعه و فی کلّ ساعه، ولّیا و حافظا، و قآئدا و ناصرا، و دلیلا و عینا، حتّی تسکنه أرضک طوعا، و تمتعه فیها طویلا. (۲)

بارخدا یا؛ برای ولّیت حضرت حجه بن الحسن (که درود تو بر او و پدران او باد)، در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و دیده بان باش، تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره مندی او را در زمین طولانی فرما.

ص: ۳۲۰

۱- ۱). بحار الأنوار: ۹۷/۳۴۹، [۱] إقبال الأعمال: ۳۵۷. [۲]

۲- ۲). مصباح المتّهجد: ۶۳۰، [۳] المصباح: ۷۷۹. [۴]

در روز عید فطر

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در بخشی از کتابش به عنوان «ادب بنده در روز عید نسبت به کسی که معتقد است که او امام و دارای این مقام والا است»؛ می فرماید:

پس می گویم: بدان هنگامی که عید فطر فرا رسد پس اگر صاحب حکومت و امور (امام زمان ارواحنا فداه) در ملت و مملکتش تصرّف داشت و رعیت او آن گونه بودند که مولای شان خواسته بود، پس به آن حضرت به خاطر این که خدا به او رو کرده و به خاطر سلطنت و قدرتی که به او احسان نموده تهنیت گو، سپس به خودت و کسی که نزد تو عزیز است و برای دنیا و اهل آن و برای هرکسی که به امامت آن حضرت سعادت مند شده و از وجودش و امامتش و یمن او و هدایتش و بهره های دولتش بهره مند است تبریک بگو.

و اگر کسی که معتقد به وجوب اطاعتش هستی از تصرّف در آنچه مقتضای ریاست او است منع شده باشد باید اثر خشم و غضب الهی بر تو نمودار باشد و بر آنچه از فضل و احسان او از تو فوت شده حسرت و اندوه داشته باشی.

پس همانا روایت کرده ایم با سند خود به شیخ صدوق رحمه الله از کتاب «من لا یحضره الفقیه» و غیر آن با سند او به حنّان بن سدید از عبد الله بن دینار از امام باقر علیه السلام؛ که حضرت فرمودند:

ای عبد الله؛ برای مسلمانان هیچ عید قربان و فطری نیست مگر این که در آن روز برای آل محمّد علیهم السّلام حزن و اندوه تازه می شود.

عبد الله گوید: عرض کردم برای چه؟

حضرت فرمودند: برای این که ایشان علیهم السّلام حقّ خودشان را در دست دیگران می بینند.

می گویم: اگر احوال زمان ظهور را می دانستی و مستحضر بودی که در آن هنگام

چگونه پرچم های اسلام به عدل و عدالت باز و احکام مردمان به فضل و دانش آشکار گشته و اموال در راه خدا به بندگان او بذل و بخشش می شود و آرزوها شاداب و خندان و برآورده شده، و امتیت و آرامش شامل نقاط دور و نزدیک می شود؛ و نصرت و پیروزی، انسان های ضعیف و ذلیل و غریب را فراگرفته است، و خورشید خوشبختی در دنیا طلوع کرده است و دنیا را روشن ساخته، و خوشبختی و اقبال در زمین های پست و بلند گسترده گردیده، و حکم روشن خداوند و سلطنت نیرومند او چنان ظاهر شده که خردها نشاط یافته و دل ها شادمان و همه کرانه ها را نور فراگرفته، به راستی عیدی که به فرارسیدنش مسرور گشته ای بر تو مکدر می گشت و می فهمیدی که از کرم خدا و الطاف او چه مقدار از دست داده ای و گریه و سوز دل و آه و حسرت بر تو غالب می گشت و این سزاوارتر است و به وفا نسبت به کسی که نزد تو عزیز است نزدیک تر است.

با ذکر این مطالب مختصری پرده را برایت کنار زدم ولی آن گونه که باید شرح و توضیح ندادم و آن چه که ما آن را ذکر کردیم به نحو آگاه کردن و اشاره بود؛ به خاطر این که عبارات برای شرح آن چه که ما می خواهیم آن را بیان کنیم، عاجز می باشد.

و بدان که همانا صفا و صمیمیت و وفاداری برای صاحبان حق هنگام جدایی و دوری نیکوتر است از صفا و صمیمیتی که در حال نزدیکی و حضور باشد؛ پس، صفا و صمیمیت و وفاداری باید شعار قلب تو برای مولایت باشد؛ و پروردگارت بر گشودن و برطرف کردن حزن و اندوه و مشقت تو قادر است. (۱)

ص: ۳۲۲

---

۱- ۱). إقبال الأعمال: ۵۸۴. دعای روز عید فطر را در بخش ۱۲ ص ۶۷۵ می آوریم به خاطر مناسبت دعا با آن بخش.

کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه آن حضرت باشد

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: با سند متصل روایت می کنم آن چه را که ذکر کرده و روایت فرموده آن را محمد بن علی طرازی در کتابش؛ از محمد بن سنان، از داوود بن کثیر رقی، از عماره بن جوین ابو هارون عبدی، هم چنین با سند های مان به شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان رحمه الله، روایت می کنیم آنچه را که روایت می کند آن را از عماره بن جوین ابو هارون عبدی؛ که گفت:

در روز هیجدهم ذی الحجه خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم درحالی که آن حضرت روزه دار بود؛ به من فرمودند:

همانا این روز، روزی است که خدا حرمتش را بین مؤمنان زیاد کرده است؛ چون خداوند در این روز دین آن ها را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام نموده است، و عهد و پیمانی که از ایشان در عالم ذر گرفته، برای آنان تجدید کرده است؛ زیرا آن موقف را از یاد آن ها برده بود و خداوند آنان را توفیق داده که آن عهد و پیمان را از او قبول کنند، و خداوند آنان را از کسانی که این امر را انکار می کردند، قرار نداد.

من به آن حضرت عرض کردم: جانم فدای شما باد؛ ثواب روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند:

همانا این روز، روز عید، شادی، سرور و روزه گرفتن به خاطر سپاسگزاری از خداوند می باشد. روزه گرفتن در این روز معادل شصت ماه روزه گرفتن در ماه های حرام می باشد.

در این روز هر موقع که خواست، (گرچه بهترین وقت آن نزدیک ظهر می باشد؛

و آن ساعتی است که حضرت علی علیه السّلام در غدیر خم برای جانشینی پیامبر معین شد و مردم در آن وقت به منزل نزدیک شده بودند) دو رکعت نماز بخواند، سپس سجده کند و صد مرتبه خدا را شکر کند (و شکر الله بگوید) و بعد از سجده این دعا را بخواند:

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ، بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ أَهْلِ دِينِكَ وَ أَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَ وَقَفْتَنِي لِذَلِكَ فِي مَبْتَدَأِ خَلْقِي، تَفَضُّلاً مِنْكَ وَ كَرَمًا وَ جُودًا. ثُمَّ أَرَدْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً، وَ الْجُودَ جُودًا، وَ الْكَرَمَ كَرَمًا، رَأْفَةً مِنْكَ وَ رَحْمَةً إِلَيَّ أَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي وَ كُنْتَ نَسِيًا مَنْسِيًا نَاسِيًا سَاهِيًا غَافِلًا، فَأَتَمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَرْتَنِي ذَلِكَ، وَ مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ هَدَيْتَنِي لَهُ. فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

بارخدايا؛ من از تو درخواست می کنم (با گواهی این) که حمد و ستایش مخصوص تو می باشد که تنها و بی شریک می باشی، و همانا تو یگانه، تنها و بی نیاز هستی؛ نه فرزند کسی هستی و نه کسی فرزند توست، و نه هیچ کس همتای توست و همانا حضرت محمد بنده و فرستاده توست؛ که سلام و درود تو بر او و آل او باد؛ ای کسی که هر روز برای او شأنی و امری است، همچنان که از شأن توست که بر من تفضل فرموده و مرا از پاسخ دهندگان به تو، و اهل دین و دعوت خویش قرار دادی؛ و مرا در آفرینش اولی ام (عالم ذر) بر این کار از روی فضل و جود و کرم موفق کردی. سپس فضلی در پی فضل دیگر، و جود و بخششی در پی جود و بخشش دیگر، و کرامتی در پی کرامت دیگر از رأفت و رحمت خود تفضل فرمودی تا آن که این عهد را بر من تازه کردی، و بعد از آن که مرا آفرینش جدیدی فرمودی؛ و با آن که من به کلی فراموش شده و در سهو و نسیان و غفلت بودم، پس نعمت را بر من کامل کردی به این که مرا یادآور آن عهد و پیمان کردی؛ و با آن بر من منت گذاشتی، و به سوی آن هدایت فرمودی. پس باید از شأن تو این باشد



یا اِلهی و سیدی و مولای، آن تتم لی ذلک، و لا تسلبنیه، حتی تتوفانی علی ذلک و أنت عنی راض، فإنک أحق المنعمین أن تتم نعمتک علیّ. اَللّهُمَّ سَمِعْنَا و اطعنا، و اُجینا داعیک بَمَنک، فلک الحمد غفرانک ربّنا و اِلیک المصیر، اَمّا بِاللّهِ، وحده لا شریک له، و برسوله محمّد صلی الله علیه و اله، و صدّقنا و اُجینا داعی الله، و اتبعنا الرسول فی موالاه مولانا و مولی المؤمنین امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب، عبد الله و اخی رسوله، و الصّیّدیق الأکبر، و الحجّه علی بریّته، المؤیّد به نیّیه و دینه الحقّ المبین، علما لمدین الله، و خازنا لعلمه، و عیبه غیب الله، و موضع سرّ الله، و اَمین الله علی خلقه، و شاهده فی بریّته. اَللّهُمَّ رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِی لِلْاِیْمَانِ اَنْ اٰمَنُوْا بِرَبِّکُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَ کَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ

ای خدای من؛ و سرور من؛ و مولای من؛ که آن نعمت رای بر من کامل گردانی و از من زایل نگردانی تا آن که مرا با آن عقیده و پیمان بمیرانی، و تو از من خشنود باشی؛ همانا تو سزاوارترین نعمت بخشان هستی که نعمت رای بر من کامل گردانی. خدایا؛ (عهد تو را) شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و همچنین دعوت کننده ات رای که بر ما فرستادی به لطف و کرم تو اجابت کردیم، پس حمد و سپاس بر تو باد، آمرزش تو رای خواهانم ای پروردگار ما؛ و بازگشت همه به سوی توست؛ ما به خدای یکتا و بی شریک و به فرستاده او حضرت محمّد- که سلام و درود خدا بر او و آل او باد-ایمان آوردیم؛ و دعوت کننده خدایی رای تصدیق و اجابت کردیم و اوامر فرستاده او رای در مورد دوستی و اطاعت از مولای مان و مولای مؤمنان، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام پیروی کردیم؛ او که بنده خدا، و برادر فرستاده او، و راست گویی بزرگ، و حجّت خدا بر خلق اوست؛ او تأیید کننده پیامبر خدا و دین اوست که حَقّائیت آن آشکار و واضح است، او علم و نشانه دین خدا و گنجینه دانش خدا، و صندوق رازهای خدا، و محلّ سرّ خدا و امین خدا بر آفریدگان او، و گواه او بر بندگان می باشد. بار خدایا؛ «ای پروردگار ما؛ همانا ما صدای ندادهنده ای که ندا سر داد که به پروردگارتان ایمان آورید رای شنیدیم و به پروردگارتان ایمان آوردیم؛ پس گناهان ما رای ببخش و بدی های ما رای بپوشان و ما را

الْمُؤْمِنِينَ \* رَبَّنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۱)، فَاٰمِنًا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَ لَطْفِكَ، اٰجِبْنَا دَاعِيكَ، وَ اتَّبِعْنَا الرَّسُولَ وَ صَدَّقْنَاهُ وَ صَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ كَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ، فَوَلَّيْنَا مَا تَوَلَّيْنَا، وَ احْشَرْنَا مَعَ اٰثِمَتِنَا، فَاِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَ لَهُمْ مُسْلِمُونَ، اٰمِنًا بِسَرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ، وَ شَاهِدُهُمْ وَ غَائِبِهِمْ، وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ، وَ رَضِينَا بِهِمْ اٰثِمَةً، وَ قَادَهُ وَ سَادَهُ، وَ حَسَبْنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللّٰهِ دُونَ خَلْقِهِ، لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا، وَ لَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيًّا، وَ بَرَّيْنَا اِلَى اللّٰهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا، مِنْ الْجِنَّ وَ الْاِنْسِ، مِنْ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ، وَ كَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ، وَ الْاَوْثَانَ الْاَرْبَعَةَ، وَ اَشْيَاعَهُمْ وَ اَتْبَاعَهُمْ، وَ كُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَ الْاِنْسِ، مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ اِلَى اٰخِرِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْهَدُكَ اَنَّا نَدِيْنُ بِمَا دَانَ بِهِ

همراه با نیکان عالم بمیران. پروردگار ما؛ بر ما آنچه را که بر رسولانت وعده داده ای عطا فرما، و ما را در روز قیامت خوار و ذلیل نفرما؛ که همانا تو از وعده های خود تخلف نمی کنی». پس ای پروردگار ما؛ ما به لطف و کرم تو ایمان آوردیم، و دعوت کننده به سوی تو را اجابت کردیم، و از فرستاده ات تبعیت کردیم و او و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم، و به جبت و طاغوت کفر ورزیدیم. پس تو ولی و سرپرست ما کن آن را که ما به ولایت برگزیدیم؛ و ما را با پیشوایان مان محشور فرما. زیرا ما به آنان ایمان آورده ایم و به امامت آنان یقین داریم، و تسلیم آنان هستیم. ما به نهان و آشکار آن ها، شاهد و غایب آن ها، و زنده و مرده آن ها ایمان آورده ایم؛ و به پیشوایی و رهبری و سروری آنان راضی و خشنود هستیم؛ و برای وساطت بین ما و خدای ما، آنان کفایت می کنند؛ و نیازی به غیر ایشان از آفریدگانش نیست؛ و به جای آن ها جایگزین نمی جوییم؛ و غیر آنان را تکیه گاه خود نمی گیریم. و به درگاه خدا از هر کسی که با آنان به مبارزه و جنگ می پردازند، بیزاری می جوییم؛ چه آن افراد از جن باشند؛ یا از انسان ها، از پیشینیان باشند یا از افراد آخر الزمان؛ و به جبت و طاغوت کفر می ورزیم؛ و همچنین به بت های چهارگانه و دنباله روها و پیروانشان؛ و هر کسی که آنان را دوست دارند؛ چه از جتیان باشند و چه از انسان ها؛ از اول خلقت تا آخر آن، کفر می ورزیم. بارخدایا؛ ما تو را گواه می گیریم که ما به دینی که

ص: ۳۲۶

محمّد و آل محمّد صلّى الله عليه و عليهم، و قولنا ما قالوا، و دیننا ما دانوا به، ما قالوا به قلنا، و ما دانوا به دنا، و ما أنکروا أنکرونا، و من والوا والینا، و من عادوا عادینا، و من لعنوا لعنا، و من تبرّءوا منه تبرّأنا منه، و من ترخّموا علیه ترخّمنا علیه، امنا و سلّمنا و رضینا، و اتّبعنا موالینا صلوات الله علیهم. اللهم فتّم لنا ذلك و لا تسلبناه، و اجعله مستقرّاً ثابتاً عندنا، و لا تجعله مستعاراً، و أحننا ما أحنینا علیه، و أمّتنا إذا أمّتنا علیه، آل محمّد أئمّتنا، فبهم نأتمّ، و إیاهم نوالی، و عدوّهم عدوّ الله نعادى، فاجعلنا معهم فى الدّنيا و الآخره و من المقرّبین، فإنّا بذلك راضون، یا أرحم الرّاحمین.

حضرت محمّد و آل محمّد-که درود خدا بر او و بر آنان باد-به آن متدیّن هستند، گرویدیم؛ و گفتار ما، گفتار آنان؛ و دین ما دین آنان می باشد؛ آنچه آنان گفتند، ما می گوئیم؛ و به آنچه آنان عقیده دارند، ما هم معتقدیم؛ و آنچه را که آنان منکر شدند، ما هم منکر آن هستیم؛ و هرکسی را آنان دوست داشتند، ما هم دوست داریم؛ و با هرکسی آنان دشمنی کردند، ما هم با آنان دشمنی می کنیم؛ و هرکسی را لعن و نفرین کردند، ما هم لعن و نفرین می کنیم؛ و از هرکسی بیزارى جستند، ما هم بیزارى می جوئیم؛ و هرکسی را مورد رحمت قرار دادند، ما هم مورد رحمت قرار می دهیم؛ به امامان خودمان ایمان آوردیم، و در برابر آن ها تسلیم هستیم؛ و راضی و خشنود می باشیم؛ و از ایشان پیروی می کنیم؛ که سلام خدا بر آنان باد. بارخدا یا؛ این ایمان و عقیده ما را کامل گردان، و آن را از ما مگیر، و آن را برای ما مستقرّ و ثابت گردان، و آن را به صورت عاریه برای ما قرار مده؛ و ما را بر این عقیده زنده بدار، و بر آن بمیران هر گاه ما را بمیرانی. آل محمّد علیهم السّلام پیشوایان ما هستند؛ پس به آنان اقتدا می کنیم و فقط آنان را به سرپرستی می پذیریم، و دشمنان شان را-که دشمنان خداوند هستند-دشمن می داریم. پس ما را در دنیا و آخرت با آنان و از مقرّبان و نزدیکان درگاه خودت قرار بده؛ زیرا ما به این کار راضی و خشنود هستیم؛ ای مهربان ترین مهربانان.

سپس سجده نموده و صد مرتبه «الحمد لله» بگوید، و در حالت سجده صد مرتبه خدا را شکر نموده بگوید: «شکراً لله».

همانا هرکسی این عمل را انجام دهد مانند کسی است که در آن روز (غدیر) حاضر بوده و با حضرت پیامبر صلّى الله علیه و اله و سلّم بر آن امر بیعت کرده است. مقام آن

شخص، مقام صادقان- کسانی که با دوست داشتن دوست خدا و رسولش در آن روز، خدا و رسولش را تصدیق کردند- می باشند.

و مانند کسی است که با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حضرت علی علیه السَّلَام، امام حسن و امام حسین علیهما السَّلَام حاضر بوده و ایشان را درک نموده است.

و مانند کسی است که زیر پرچم امام زمان ارواحنا فداه و در خیمه آن حضرت، یعنی نجباء و نقباء می باشد. (۱)

## ۱۸- تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه

از روز هیجدهم تا آخر هر ماه

علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» ضمن نقل تسبیح چهارده معصوم علیهما السَّلَام از «دعوات راوندی» تسبیح مولای مان امام زمان ارواحنا فداه را چنین نقل می نماید:

سبحان الله عدد خلقه، سبحان الله رضی نفسه، سبحان الله مداد کلماته، سبحان [الله] زنه عرشه، و الحمد لله مثل ذلك. (۲)

پاک و منزّه است خداوند، به تعداد موجوداتی که آفریده است؛ پاک و منزّه است خداوند، به مقدار رضایت خودش؛ پاک و منزّه است خداوند، به گستردگی و پهنای کلماتش؛ پاک و منزّه است خداوند، به بزرگی عرش او؛ حمد و سپاس مخصوص خداوند است، همانند آن چه گفته شد.

این دعا از روز هیجدهم تا آخر هر ماه خوانده می شود.

ص: ۳۲۸

---

۱- ۱. بحار الأنوار: ۹۸/۲۹۸، زاد المعاد: ۳۴۱.

۲- ۲. دعوات راوندی: ۹۴، بحار الأنوار: ۹۴/۲۰۷. [۱]

بخش ششم: دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست

اشاره

ص: ۳۲۹



حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس با این عهد، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد ساخت. و به ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد چنین است: (۱)

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَ مَنْزِلَ التَّوْرِيهِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ، وَ رَبَّ الظُّلِّ وَ الْحَرُورِ، وَ مَنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ بِنُورِ

خدایا؛ ای پروردگار روشنی بزرگ؛ ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه؛ ای پروردگار دریای متلاطم؛ و ای فروفرستنده تورات و انجیل و زبور؛ و ای پروردگار سایه و گرمی آفتاب؛ و ای فروفرستنده قرآن بزرگ؛ و ای پروردگار فرشتگان مقرب؛ و ای پروردگار پیامبران و رسولان؛ بارخدایا؛ من از تو درخواست می کنم به ذات کریمت، و به روشنی

ص: ۳۳۱

وجهك المنير، وملكك القديم، يا حيّ يا قيوم، أسئلك باسمك الذي أشرق به السموات والأرضون، و باسمك الذي يصلح به الأولون والآخرون، يا حيّا قبل كلّ حيّ، و يا حيّا بعد كلّ حيّ، و يا حيّا حين لا حيّ، يا محيي الموتى و مميت الأحياء، يا حيّ لا إله إلا أنت. اللهم بلغ مولانا الإمام الهادي المهديّ القائم بأمرك، صلوات الله عليه و على آباءه الطاهرين، عن جميع المؤمنين و المؤمنات، في مشارق الأرض و مغاربها، سهلها و جبلها، و برّها و بحرها، و عنّي و عن والديّ، من الصّيلموات زنه عرش الله، و مداد كلماته، و ما أحصاه علمه، و أحاط به كتابه. اللهم إني أجدّد له في صبيحه يومى هذا، و ما عشت من أيّامى، عهدا و عقدا و بيعه له في عنقى، لا أحول عنها، و لا أزول أبدا. اللهم اجعلنى من أنصاره و أعوانه،

ذات روشنى بخشت، و فرمانروايى بى آغازت؛ اى زنده؛ اى پايدار؛ درخواست مى كنم به واسطه نامت، همان نامى كه آسمان ها و زمين ها به سبب آن روشن گرديد؛ همان نامى كه پيشينيان و آيندگان با آن اصلاح مى شوند. اى زنده پيش از هر زنده؛ و اى زنده پس از هر زنده؛ و اى زنده اى كه زنده بودى درحالى كه هيچ زنده نبود؛ اى زنده كننده مردگان؛ اى ميراننده زندگان؛ اى زنده اى كه جز تو معبودى نيست؛ بارخدايا؛ به مولاي ما، يعنى پيشواى هدايت گر هدايت شده اى كه قيام كننده است به امر تو- كه درود خدا بر او و بر تمام نياكان پاكيزه اش باد-سلام برسان؛ سلام و درودى از طرف همه مردان و زنان بايمان كه در شرق و غرب زمين، بيابان و كوهسار، دريا و يا خشكى زمين هستند. سلامى از طرف من و پدر و مادرم. سلام ها و درودهايى كه هم سنگ عرش الهى و به قدر گستردگى كلمات او باشد. آن قدر كه علم خدا آن را شماره كند، و كتاب الهى به آن احاطه دارد. بارخدايا؛ من در اين صبحدم و در ابتدای اين روز نو، و تمامى ايام زندگانيم، عهد (زبانى) و پيمان (قلبى) و بيعت (عملى) را با آن عزيز تجديد مى كنم كه هيچ گاه و به هيچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بين نمى برم. خداوندا؛ مرا از ياران و كمك رسانان



و الذّٰآئین عنه، و المسارعین إلیه فی قضآء حوآئجه و الممثلین لأوامره، و المحامین عنه، و السّٰآبقین إلی إرآدته، و المستشهدین بین یدیه. اَللّٰهُمَّ إِنْ حَال بَیْنِی وَ بَیْنَهُ الْمَوْتُ، اَلَّذِیْ جَعَلْتَهُ عَلَیْ عِبَادَتِکَ حَتْمًا مَّقْضِیًّا، فَأَخْرِجْنِیْ مِنْ قَبْرِیْ، مُؤْتَرًّا کَفْنِیْ، شَاهِرًا سِیْفِیْ، مَجْزُودًا قِنَاتِیْ، مَلْبِیًّا دَعْوَهُ الدّٰعِیْ، فِی الْحَاضِرِ وَ الْبَادِیْ. اَللّٰهُمَّ اُرْنِیْ الطَّلْعَةَ الرّٰشِیْدَةَ، وَ الْغَزَّةَ الْحَمِیْدَةَ، وَ اَکْحَلْ نَآظِرِیْ بِنَظَرِهِ مَنْئِیْ إلیهِ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَ أَوْسِعْ مَنَهِجَهُ، وَ اسْلُکْ بَیْ مَحْجَّتِهِ، وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَ اَشْدُدْ أَرْزَهُ. وَ اعْمُرْ اَللّٰهُمَّ بِهِ بِلَادِکَ، وَ أَحِیْ بِهِ عِبَادَکَ، فَإِنَّکَ قَلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَیْرِ وَ الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أَیْدِیْ النَّاسِ (۱)، فَأَظْهَرِ اَللّٰهُمَّ لَنَا وَلِیْکَ، وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِیْکَ، الْمَسْمُیَّ بِاسْمِ رَسُوْلِکَ، حَتّٰی لَا یَظْفَرُ بِشَیْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ، وَ یَحَقُّ الْحَقُّ وَ یُحَقِّقُهُ. وَ اجْعَلْهُ

و حمایت کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته های او به سویش می شتابند؛ جزو دسته ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می دهند؛ جزو حمایت کنندگان از او و پیشی گیرندگان برای انجام امور دلخواه او و شهادت طلبان در پیش روی او قرار ده. بارخدا یا؛ از تو می خواهم که اگر مرگ- که آن را یک امر حتمی و قطعی برای بندگانت قرار داده ای- بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم درحالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته ام؛ شمشیرم را کشیده و بالا برده ام نیزه ام را آماده کرده ام و فراخوانی شخصی را که دعوت کننده به سوی اوست لبیک گفته و پاسخ مثبت می دهم؛ فراخوانی همان کسی که در شهرها و صحراها ندا می دهد. بارخدا یا؛ آن رخسار زیبای جذّاب، و روی نورانی دوست داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه دیده ام را نگاهی بر آن عزیز قرار ده، و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن. خدا یا؛ با حضور او سرزمین ها و شهرهایت را آباد گردان، و بندگانت را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده ای- به خوبی نیز می دانم که گفته های تو حق است-: که «پیش از آن که آن بزرگوار ظهور فرماید- فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است»؛ پس، ای خدا، ولی و نماینده خودت را که پسر دختر پیامبرت می باشد و هم نام فرستاده تو- محمد صلی الله علیه و اله و سلم- است؛ برای ما آشکار کن تا هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حق را پایدار و محقق فرماید.

ص: ۳۳۳

اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ، وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَ مَجْدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَ مَشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَ سَنَّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّيْنَتُهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ. اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَ ارْحَمْ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغَمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَ عَجِّلْ لَنَا ظَهْرَهُ، إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا، وَ نَرِيهِ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بارخدايا؛ او را پناه بندگان ستمديده ات، و يار و ياور كسانی قرار ده كه جز تو ياورى براى خود نمى يابند، و خدايا؛ او را تجديد كننده آن دستورات كتابت (قرآن) قرار ده كه تعطيل شده است؛ و محكم كننده نشانه هاى آشكار دينت، و روش هاى نيكوى پيامبرت- كه درود بر او و آل او باد-قرار ده. خداى من؛ او را جزو كسانى قرار ده كه از بدى و عذاب تجاوزكاران در امان مى دارى. خدايا؛ پيامبرت حضرت محمّد - كه درود بر او و آل او باد- را با ديدن اين فرزند شايسته اش و كسانى كه از دعوت او پيروي نموده اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به بيچارگى ما كه با غيبت او به وجود آمده است، رحم كن. خدايا؛ اين اندوه و افسردگى را با حضور آن عزيز پنهان شده، از اين امت برطرف كن؛ و در ظهور و آشكار شدن او شتاب كن؛ چرا كه آنها (دشمنان تو) زمان ظهور او را ديروقت مى پندارند، ولى ما آن را نزديك مى دانيم؛ البته، به اميد رحمت و مهربانى تو؛ اى مهربان ترين مهربانان؛

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود مى زنى و در هر مرتبه مى گويى:

العجل، العجل، يا مولاي يا صاحب الزّمان. (۱)

بشتاب؛ بشتاب؛ اى مولاي من؛ اى صاحب اختيار زمان.

ص: ۳۳۴

---

۱- ۱). مفاتيح الجنان: ۱۰۶۱، [۱] زاد المعاد: ۴۸۸، [۲] البلد الأمين: ۱۲۴، [۳] مصباح الزائر: ۴۵۵، [۴] المصباح: ۷۲۹، [۵] الصحيفة الصادقيه: ۲۰۴، باب السعادة: ۲۱۴.

معنای بیعت بین طرفین؛ تعهد بیعت کننده، و پیمان محکم و میثاق استوار اوست به این که با جان و مال خود، کسی را که با او بیعت کرده است یاری کند، و هرچه از دستش برمی آید نسبت به او کوتاهی نکند، و هرگونه یاری که می تواند نسبت به او انجام دهد، و جان و مال خودش را سپر بلای او گرداند و فدای او کند. و بیعت به این معنی در دعای عهدی که هر روز آن را باید خواند، و در دعای عهدی که خواندن آن به مدت چهل صبح وارد شده، مطرح شده است.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در خطبه غدیر که در کتاب «الإحتجاج» روایت شده است همه مردم را-چه حاضر در آن مکان و چه آنان که در آنجا نبودند-به این گونه بیعت با ائمه طاهرين عليهم السلام فراخوانده است.

بدون شک، بیعت به این معنا، از لوازم و نشانه های ایمان است؛ بلکه ایمان بدون آن محقق نمی شود.

بیعت کننده (و فروشنده)، مؤمن است؛ و مشتری نیز خداوند عزّ و جلّ است. لذا، در قرآن فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ... (۱).

همانا خداوند از مؤمنان جان و مال شان را خریده است؛ و در عوض آن، بهشت را به آنان ارزانی می دارد.

خداوند، پیامبران و رسولان خود را فرستاد تا این بیعت را تجدید نمایند، و بر آن تأکید ورزند؛ بنابراین، هرکس با آنان بیعت کند، با خداوند بیعت نموده است؛ و هر کس از آنان روی بگرداند، از خدا روی گردانده است. لذا، خداوند فرمود:

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. (۲)

ص: ۳۳۵

۱-۱. .سوره توبه، آیه ۱۱۱. [۱]

۲-۲. .سوره فتح، آیه ۱۰.

همانا کسانی که با تو بیعت نمایند، با خداوند بیعت کرده اند؛ و البتّه دست خدا بالای دست آن ها است؛ پس هرکس پیمان شکند، پیمان را علیه خودش شکسته است، و هرکس وفا کند به آنچه با خدا عهد نموده است، البتّه خداوند به او پاداش بزرگی عنایت خواهد کرد.

این آیه دلالت دارد بر این که مراد از بیعت، همان پیمان محکم و میثاق استوار با خدا و رسولش است و به آنان که بدین عهد وفا کنند، اجری بزرگ و عده داده شده است.

این بیعت با دو چیز کامل می شود:

۱- تصمیم استوار و پاینده قلبی بر اطاعت فرمان امام علیه السلام، و یاری آن حضرت با بذل جان و مال؛ آن گونه که خداوند به آن در این آیه شریفه اشاره فرموده است: **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ...**

چون بر فروشنده واجب است که آن چه را به مشتری فروخته است، هنگام مطالبه او، بدون فکر و اندیشه و تأخیر به او واگذارد و آنچه در ضمیر و نهان خود قرار گذاشته محقق سازد.

۲- اظهار قصد درونی و به زبان آوردن اراده قلبی؛ امر دومی است که هنگام بیعت باید مورد توجه قرار گیرد؛ و این گونه، بیعت کامل می گردد. همان طور که «عقد بیع» در سایر موارد، به دو چیز کامل می شود:

الف) قصد انشا و ایجاد آن به مقتضای آنچه دو طرف معامله قرار گذاشته اند.

ب) به زبان آوردن آنچه اراده کرده اند و در باطن به آن معتقدند.

گاهی به دست دادن بیعت گفته می شود؛ همان طور که در بین عرب ها در بعضی از زمانها مرسوم بوده که وقتی معامله تمام می شد دست یکدیگر را می فشردند.

از اطلاق آیه شریفه هم استفاده می شود که لفظ «ید» (دست) بر این مطلب دلالت دارد: **إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...**

اضافه بر این که در روایات نیز وارد شده است که آن ها با پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم با دست شان بیعت می کردند. (۱)

ص: ۳۳۶

جابر بن یزید جعفی گوید: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

هر کس در همه عمرش یک بار این دعا را بخواند، در زمره بندگان نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم (صلوات الله علیه) بالا- برده می شود؛ وقتی قائم ما، خروج کرد آن شخص را به اسم خودش و پدرش می خواند، و این نامه را به او می دهد و می گوید: بگیر؛ این نامه، عهدی است که در دنیا با ما بسته ای.

این سخن خداوند عز و جلّ نیز به همین اشاره دارد: **إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۱)**، «جز آن کسی که نزد خدای بخشنده پیمانی فراهم کرده باشد».

با طهارت، این دعا را بخوانید:

أَللّهُمَّ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ، يَا وَاحِدًا، يَا أَحَدًا، يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، يَا قَاهِرَ الْقَاهِرِينَ، يَا عَلِيَّ يَا عَظِيمَ، أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى، عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ، هَذَا يَا سَيِّدِي عَهْدِي وَ أَنْتَ مَنْجِزُ وَعْدِي، فَصَلِّ يَا مَوْلَايَ عَهْدِي، وَ أَنْجِزْ وَعْدِي، اَمْنٌ بِكَ. وَ أَسْأَلُكَ بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيِّ، وَ بِحِجَابِكَ الْعَجَمِيِّ، وَ بِحِجَابِكَ الْعِبْرَانِيِّ، وَ بِحِجَابِكَ

خدایا؛ ای معبود معبودان؛ ای خدای یگانه؛ و ای خدای یکتا؛ ای از همه پیشینیان پیشین تر؛ ای چیره شونده و غالب بر همه قدرتمندان؛ ای برتر و ای بزرگ؛ تو خدای برتر و بلندمرتبه هستی، و برتری یافتی بر هر برتری؛ این است عهد من، ای سرور من؛ و تو وفاکننده وعده من هستی؛ پس مولای من این عهد مرا به مقصد برسان، و به وعده ام وفا فرما که من به تو ایمان دارم. و از تو مسألت می کنم به حجاب عربیت، و به حجاب عجمیت، و به حجاب عبرانیت، و به حجاب

ص: ۳۳۷

السَّريانيّ، و بحجابك الرّوميّ، و بحجابك الهنديّ، و أثبت معرفتك بالعنايه الاولى، فإنّك أنت الله لا ترى، و أنت بالمنظر الأعلى. و أتقرب إليك برسولك المنذر صلّى الله عليه و اله، و بعليّ أمير المؤمنين صلوات الله عليه الهادي، و بالحسن السيّد و بالحسين الشّهد سبطي نيّك، و بفاطمه البتول، و بعليّ بن الحسين زين العابدين ذي الثّغفات، و [ب]محمّد بن عليّ الباقر عن علمك، و بجعفر بن محمّد الصادق، الّذي صدّق بميثاقك و بميعادك، و بموسى بن جعفر الحصور القائم بعهدك، و بعليّ بن موسى الرّضا الرّاضى بحكمك، و بمحمّد بن عليّ الحبر الفاضل، المرضى فى المؤمنين، و بعليّ بن محمّد الأمين المؤتمن، هادى المسترشدين، و بالحسن بن عليّ الطّاهر الزّكيّ، خزانه الوصيّين. و أتقرب إليك بالإمام القائم

سريانيّ، و به حجاب روميت، و به حجاب هندية؛ و با عنايات اولئيه ات، معرفت را در وجود من ثابت گردان؛ زیرا تو خدایى هستى که دیده نمى شوى؛ و تو در چشم انداز برترى هستى. به تو تقرب مى جويم به وسيله رسول و فرستاده بيم دهنده تو- که درود خدا بر او و آل او باد-؛ و به حضرت على امير مؤمنان- درود خدا بر او باد- که هدايت کننده بود؛ و به حسن؛ آقا و سرور؛ و به حسين، شهيد؛ دو سبط پیامبرت و به فاطمه بتول؛ و به عليّ بن الحسين، زينت عبادت پيشه گان، و صاحب پينه ها (يى که بر اثر عبادت بر بدنش عارض شده بود)؛ و به محمّد بن على، شکافنده علم تو؛ و به جعفر بن محمّد صادق، که ميثاق و ميعاد تو را تصديق نمود؛ و به موسى بن جعفر، که پارسا بود و به پيمان تو قيام کرد؛ و به عليّ بن موسى، حضرت رضا که راضى به حکم تو بود؛ و به محمّد بن على، دانشمند بافضيلت و مورد پسند در ميان مؤمنان؛ و به عليّ بن محمّد، امين و امانت دار، هدايت کننده هدايت جويان؛ و به حسن بن على، پاک و پاکيزه، گنجينه رازهاى اوصيا. و به تو تقرب مى جويم (اى خدا)؛ به وسيله امام قيام کننده

العدل المنتظر المهدي، إمامنا و ابن إمامنا صلوات الله عليهم أجمعين. يا من جلّ فعظم و [هو] أهل ذلك فعفى و رحم، يا من قدر فلفظ، أشكو إليك ضعفى، و ما قصر عنه عملى من توحيدك، و كنه معرفتك، و أتوجه إليك بالتسميه البيضا، و بالوحدانيه الكبرى، التى قصر عنها من أدبر و تولى. و امنت بحجابك الأءظم، و بكلماتك التيامه العليا، التى خلقت منها دار البلاء، و أحلت من أحببت جنه المأوى، و امنت بالسابقين و الصيدين، أصحاب اليمين من المؤمنين، [و] اللذين خلطوا عملا صالحا و اخر سيئا الأء- تولينى غيرهم، و لا- تفرق بينى و بينهم غدا إذا قدمت الرضا بفصل القضاء. امنت بسرهم و علانيتهم و خواتيم أعمالهم، فإنك تختم عليها إذا شئت، يا من أتحننى بالإقرار بالوحدانيه، و جبانى بمعرفه الربوبيه،

عدل گستر؛ همان هدايت شده اى كه مورد انتظار است؛ كه او امام ما و فرزند امام ماست؛ درودهاى خدا بر همه آنان باد. اى آن كه باشكوه و بزرگ است، پس شايسته اين جلالت و عظمت است؛ در عين حال به بندگانش ترحم مى كند و آنان را عفو مى نمايد؛ اى آن كه تقدير مى نمايد و تقديرش دقيق است؛ از ضعف خود، و از كوتاهى علم نسبت به توحيد و كنه شناخت تو به تو شكايت مى برم؛ و به تو رو مى كنم به وسيله ناميدن سپيد، و به يگانگى بزرگ؛ كه كسى كه بدان پشت كند نمى تواند بدان دست يازد. ايمان آوردم به بزرگترين حجاب، و به كلمات كامل عالى رتبه ات؛ كه از آن ها اين دار دنيا و بلا را خلق نمودى، و آن كه را دوست داشتى به منزل بهشتى وارد گردانيدى. ايمان آوردم به سبقت جويان و راست گويان؛ آنان كه از ميان مؤمنان، اصحاب يمين و سعادت يافتگان اند؛ و نيز به آن ها كه عمل شايسته و صالح را با عمل ناشايسته مخلوط کرده اند؛ اين كه سرپرست مرا غير آن ها قرار نده، و بين من و آن ها جدايى ميفكن؛ در فردايى كه رضا و خشنودى را مقدم دارى با تمام شدن حكم و داورى. من به نهان و آشكار و پايان اعمال شان، ايمان آوردم. پس همانا تو كار آن ها را ختم خواهى كرد هر گاه كه خواستى؛ اى آن كه بر من منت نهادى و به يكتايى خويش، مقرر و معترف نمودى؛ و با شناخت مقام ربوبى خودت بر من لطف كردى؛

و خَلَّصَنِي مِنَ الشُّكِّ وَالْعَمَى، رَضِيَتْ بِكَ رَبَّنَا، وَ بِالْأَصْفِيَاءِ حَجَّجَا، وَ بِالْمُحْجِبِينَ أَنْبِيَاءَ، وَ بِالرَّسْلِ أَدْلَاءَ، وَ بِالْمُتَّقِينَ أَمْرَاءَ، وَ سَامِعَا لَكَ مَطِيعَا. (۱)

و مرا از شک و کوردلی رهانیدی؛ راضی گشتم به این که تو پروردگارم باشی؛ و برگزیدگانت، حجت های من باشند؛ و افراد محبوب، پیامبران من باشند؛ و رسولان تو راهنمایان من گردند؛ و پرهیزگاران نیز فرمانروایان من باشند؛ که آگاهانه، حرف شنو و مطیع تو هستم

### ۳- دعای زمان غیبت

دعای روزگار غیبت که مولای مان حضرت امام هشتم علیه السلام امر به خواندن آن نموده است.

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الاسبوع» چنین می گوید:

در بیان اعمال شبانه روز ذکر کردیم که امامان ما علیهم السلام اهتمام زیادی به دعا نسبت به حضرت مهدی صلوات الله علیه داشته اند؛ به گونه ای که این مهم را از وظایف اساسی مسلمانان و مؤمنان دانسته اند.

از میان اعمال شبانه روز؛ در تعقیب نماز ظهر، دعای امام صادق علیه السلام را ذکر نمودیم که در آن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بهتر و بیشتر از دعا برای خودشان، دعا نموده اند. نیز در تعقیب نماز عصر از اعمال شبانه روز، فصل زیبایی از دعای امام کاظم علیه السلام را نقل کردیم که آن بزرگوار برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیشتر از برای خودشان دعا می کردند.

و این دلیل است برای اقتدای به این دو امام علیهما السلام برای کسی که مقام و منزلت دینی آنها را بدانند؛ و علاوه بر آن، دستور امام رضا علیه السلام و غیر آن حضرت مبنی بر دعای برای

ص: ۳۴۰



حضرت مهدی ارواحنا فداه را ذکر خواهیم کرد و دعای آن حضرت را نیز بیان می کنیم.

این دعا را جدّ من «ابو جعفر طوسی» با چند طریق از یونس بن عبد الرحمان روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام پیوسته به دعا کردن برای امام زمان ارواحنا فداه به وسیله خواندن این دعا امر می فرمود:

اللّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَّلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَ، وَ حِجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ، وَ لِسَانِكَ الْمَعْبُورِ عَنكَ بِإِذْنِكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ، وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةَ عَلٰى بَرِيَّتِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلٰى خَلْقِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمَجَاهِدِ، الْعَائِذُ بِكَ عِنْدَكَ. وَ أَعْزَهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ، وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ، وَ أَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ، وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مِنْ حِفْظَتِهِ بِهِ، وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آبَاءَهُ، أُمَّتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ. وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَ فِي جِوَارِكِ الْعَلَدِيِّ لَا يَخْفَرُ، وَ فِي مَنْعِكَ وَ عَزِّكَ الْعَلَدِيِّ لَا يَقْهَرُ، وَ أَمْنِهِ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ، الْعَلَدِيِّ لَا يَخْذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ، وَ اجْعَلْهُ فِي كَنْفِكَ الْعَلَدِيِّ لَا يَرَامُ مِنْ كَانَ فِيهِ،

خدایا؛ (هر بلایی را) دفع بفرما از ولایت؛ و خلیفه ات و حجّت بر بندگانت؛ و زبان گویای تو که با اجازه تو، از طرف تو مطالب را بیان می کند؛ آن که زبانش به حکمت تو گویا است؛ و چشم بینای تو است که بر بندگانت نظارت دارد؛ او که شاهد تو بر آفریده های تو و از مهتران مجاهد در راه توست؛ او که نزد تو به تو پناه می برد. او را در پناه خود قرار ده از شرّ هر آنچه آفریده و پدید آوردی، و ایجاد کردی، و صورت و شکل بخشیدی؛ او را از روبه رو؛ پشت سر، طرف راست و طرف چپ، و از بالای سرش و زیر پایش، حفظ کن به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن حفظ کنی ضایع و تباه نمی شود، و حفظ کن در وجود او رسول خودت و پدران او را؛ که امامان تو و ستون های دین تو هستند. و قرار ده او را در ودیعه خودت که از بین رفتنی نیست، و در همسایگی خود که مورد خیانت قرار نگیرد، و در حمایت و سایه عزّت خودت که مقهور نگردد. و او را در امان محکم خود ایمن بدار؛ که هرگز آن که در سایه امن تو باشد ذلیل و خوار نگردد. و او را در کنف حمایت خویش قرار ده؛ زیرا حمایت شده تو هرگز مورد سوء قصد کسی قرار نخواهد گرفت؛

و أَيْدِهِ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، و أَيْدِيهِ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، و قُوَّةَ بِقُوَّتِكَ، و أَرْدَفَهُ بِمَلَائِكَتِكَ، و وَالٍ مِنْ وَالَاهِ، و عَادَ مِنْ عَادَاهِ، و أَلْبَسَهُ دَرَعَكَ الْحَصِينَةَ، و حَفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا. اللَّهُمَّ و بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، و ارْتَقِ بِهِ الْفَتْقَ، و أُمَّتْ بِهِ الْجُورَ، و أَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ، و زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، و أَيْدِهِ بِالنَّصْرِ، و انصُرْهُ بِالرَّعْبِ، و قُوَّةَ نَاصِرِيهِ، و اخْذَلْ خَاذِلِيهِ، و دَمْدَمْ عَلَيَّ مِنْ نَصْبِ لَه، و دَمَّرْ مِنْ غَشَّةِ. و اقْتُلْ بِهِ جِبَابِرَةَ الْكُفْرِ، و عَمْدَهُ وَ دَعَائِمَهُ، و اقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّالِّالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ، و مَمِيَّتَهُ السَّيِّئَةَ، و مَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ، و ذَلِّلْ بِهِ الْجَيْتَارِينَ، و أْبْرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ الْمَلْحَدِينَ، فِي مِشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرَّهَا وَ بَحْرَهَا، وَ سَهْلَهَا وَ جَبَلَهَا، حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَ لَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا. اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ

و او را با یاری شکست ناپذیرت کمک فرما، و با سپاه پیروزمندت تأییدش کن، و با نیروی خود نیرومندش فرما، و فرشتگان را با او همراه ساز؛ و دوستش را دوست دار، و دشمنش را دشمن مدار؛ و زره محکم و محافظ خود را بر او بپوشان؛ و فرشتگان را گرداگرد او درآور. بارخدایا؛ او را به برترین مرتبه ای برسان که هریک از برپاکنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را بدان مرتبه رسانیدی. خداوندا؛ اختلاف ها را به واسطه وجود مقدسش برطرف گردان، و تفرقه ها و پراکندگی ها را به واسطه او از میان بردار. و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و عدل را به وسیله او آشکار ساز، و زمین را با باقی ماندن طولانی اش زینت و کمال بخش؛ و او را به یاری خودت تأیید کن و با رعب افکندن بر دل دشمنانش پیروزش گردان، و یارانش را نیرومند ساز، و خوارکنندگان او را خوار و ذلیل گردان، و آن که رودرویش به جنگ ایستد به هلاکت برسان، و آن که با او مکر و خدعه کند نابودش ساز، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردسته ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت انداز، و پشت سران گمراهی، بدعت گذاران و نابودکنندگان سنت الهی و تقویت کنندگان باطل را به واسطه او بشکن. با وجود شریفش، زورگویان متکبر را ذلیل کن، و همه کافران و ملحدان را -در شرق و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت- ریشه کن فرما؛ تا کسی از آنان بر جای نهد، و اثری از آنان باقی نگذاری. بارخدایا؛ سرزمینت را از وجود آن ها پاک گردان،

بلادك، و اشف منهم عبادك، و أعزّ به المؤمنين، و أحي به سنن المرسلين، و دارس حكمه النّبیین، و جدّد به ما امتحى من دينك، و بدّل من حكمك، حتّى تعيد دينك به، و على يديه غصّا محضاً صحيحاً، لا عوج فيه، و لا بدعه معه، و حتّى تير بعدله ظلم الجور، و تطفئ به نيران الكفر، و توضح به معاهد الحقّ و مجهول العدل. فإنّه عبدك الذى استخلصته لنفسك، و اصطفيته من خلقك، و اصطفيته على عبادك، و ائتمنته على غيبك، و عصمته من الذّنوب، و برّأته من العيوب، و طهرته من الرّجس، و سلّمته من الدّنس. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، و يوم حلول الطّامه، أنّه لم يذنب ذنباً و لا أتى حوباً، و لم يرتكب معصيه، و لم يضيّع لك طاعه، و لم يهتك لك حرمة، و لم يبدّل لك فريضه، و لم يغيّر لك شريعته، و أنّه

و قلب بندگان را با نابودى آن ها شفا ده؛ و به واسطه آن وجود مقدّس، اهل ايمان را عزيز گردان، و سنّت هاى رسولان و آنچه از حكمت هاى پيامبران مندرس گشته به وسيله او زنده كن، و آنچه از دين تو كه از بين رفته و از احكامت كه دگرگون شده به وسيله او بازسازى كن؛ تا دين حقيقى خود را به وسيله او و به دست تواناى او، به گونه اى تازه و بى آلايش و صحيح اعاده كنى و بازگردانى؛ كه هيچ كجى در آن نباشد و هيچ بدعتى با آن آميخته نباشد. و تاريخى هاى ظلم و بيداد با عدل او روشن گردد، و آتش كفر به وسيله او خاموش شود، و در نتيجه، پيچيدگى هاى حقّ آشكار گردد، و اساس عدل و قسط - كه مجهول مانده است - معلوم و روشن شود. زيرا آن حضرت، بنده توست كه براى خودت خالصش گردانيدى، و از ميان بندگان او را برگزيدى، و بر آن ها اختيار كردى، و او را براى سپردن غيب خودت، امين يافتى؛ و از گناهان، او را نگه داشتى، و از هر عيبى پيراسته اش كردى، و از هر پليدى آراسته اش گردانيدى، و از هر ناپاكي رهائش ساختى. خدايا؛ ما در روز قيامت و آن حادثه بزرگ محشر، گواهى مى دهيم كه او هرگز گناهى نكرده، و جرمى انجامى نداده، و معصيتى مرتكب نشده، و طاعتى را از تو ضايع نساخته، و حرمتى را از تو هتك نكرده، و فريضه اى از تو را دگرگون ننموده، و قانونى از دين تو تغيير نداده است. و او

الهادی المهدی الطاهر التقی الرضی الزکی. اللهم اعطه فی نفسه و أهله، و ولده و ذریته، و أمته و جمیع رعیتة، ما تقرّ به عینه، و تسرّ به نفسه، و تجمع له ملک المملکات کلّها، قریبها و بعیدها، و عزیزها و ذلیلها، حتّی یجرى حکمه على کلّ حکم، و یغلب بحقّه کلّ باطل. اللهم اسلك بنا على یدیه منهاج الهدی، و المحجّه العظمی، و الطریقه الوسطی، الّتی یرجع إليها الغالی، و یلحق بها التّالی، و قوّنا على طاعته، و ثبتنا على مشایعته، و امنن علینا بمتابعته، و اجعلنا فی حزبه القوّامین بأمره، الصّابرين معه، الطّالبن رضاك بمناصحتة، حتّی تحشرنا یوم القیامه فی أنصاره و أعوانه و مقویه سلطانه. اللهم و اجعل ذلك لنا خالصا من کلّ شكّ و شبهه و ریاء و سمعه، حتّی لا نعتد به غیرك، و لا نطلب به إلا وجهك،

هدایت گر انسان ها، و هدایت یافته پاک سیرت باتقوای پاکیزه پسندیده آراسته است. خدایا؛ برای او نسبت به خودش، اهلش، فرزندانش، امّیت و همه زبردستانش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت سراسر کشورهای نزدیک و دور؛ سرفراز و خوار را به او عطا فرما؛ تا حکمش بر حکم هر حکمرانی جاری گردد، و حقّ او بر هر باطلی غالب گردد. خدایا؛ ما را به دست او، بر طریقت هدایت، و بر راه روشن عظیم و راه میانه و اعتدال سالک گردان؛ راهی که هر افراطگر پیشی گیرنده، و هر کوته نظر عقب مانده، باید بدان بازگردد. و ما را بر طاعتش قوی گردان، و بر پیرویش ثابت قدم بدار؛ و با نعمت پیرویش بر ما ممتّ بگذار، و ما را در سپاه او قرار ده؛ که اجراکننده فرمان اویند، و در راهش صابر و شکّیبا هستند، و از خیرخواهی او فقط رضا و خشنودی تو را طالب اند؛ تا در روز رستاخیز ما را در میان یاران و مددکاران و تقویت کنندگان حکومت بابرکتش محشور فرمایی. خدایا؛ این را از ما، خالص و به دور از هر شکّ و شبهه و ریاء و سمعه قرار بده؛ آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم؛

و حَتَّى تَحْلُنَا مَحَلَّهُ، و تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، و أَعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ و الْكَسَلِ و الْفِتْرَةِ، و اجْعَلْنَا مَمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لَدِينِكَ، و تَعَزَّ بِهْ نَصْرٍ و لِيَتِيكَ، و لا- تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، و هُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وِلاهِ عَهْدِهِ، و الْأَثَمَةِ مِنْ وِلاهِهِ، و بَلِّغْهُمْ أَمَالَهُمْ، و زِدْ فِي أَجَالِهِمْ، و أَعَزِّ نَصْرَهُمْ، و تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِكَ لَهُمْ، و ثَبِّتْ دَعَائِهِمْ، و اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، و عَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، و أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، و دَعَائِمُ دِينِكَ، و وِلاهِ أَمْرِكَ، و خَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ، و صَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، و أَوْلِيَاءُؤُوكَ و سَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ، و صَفْوَةُ أَوْلَادِ رَسَلِكَ، و السَّلَامُ عَلَيْهِمْ و رَحْمَةُ اللَّهِ و بَرَكَاتُهُ.

(۱)

و تا این که به لطف ما را به محلّ و مقام او وارد نمایی؛ و در بهشت با او و در جوار او جای دهی؛ و ما را از خستگی و تنبلی و سستی در طاعت، در پناه خویش قرار دهی؛ و ما را از کسانی قرار دهی که دینت را به سبب او یاری می دهی و یاری ولایت را تقویت می گردانی. و کسی را غیر از ما جایگزین ما مفرما، زیرا که این جایگزینی برای تو بسی سهل و آسان است؛ ولی برای ما بسیار گران و سنگین می باشد. خدایا؛ رحمت فرست بر فرمانداران او؛ و پیشوایان از فرزندان او؛ و آنان را به آرزوهایشان برسان، و بر عمرهای شان بیفز، و نصرت باعزت به آن ها عنایت فرما، و آنچه از امر دین خود را مربوط به آنان فرمودی به حدّ کمال و اتمام برسان؛ و اساس حکومت آنها را ثبات و پایداری عنایت کن؛ و ما را، برای آنان یار و برای دینت یاور قرار بده؛ زیرا آنان معدن های کلمات تو، و پایه های توحید تو، استوانه های دین تو، و سرپرستان امر از طرف تو، و خاصان و خالصان از بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان تو، و فرزندان اولیای تو و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند، و درود بر آن ها و رحمت و برکات الهی بر آنان نثار باد.

ص: ۳۴۵

---

۱- ۱). جمال الاسبوع: ۳۰۷، و [۱] در مصباح المتهجد: ۴۰۹، [۲] المصباح: ۷۲۶، و [۳] البلد الأمين: ۱۲۲ [۴] با تفاوتی اندک. نیز، سید بن طاووس رحمه الله با کمی کاستی و فزونی همین را در کتاب مصباح الزائر: ۴۵۷ [۵] نقل کرده است.

به روایتی دیگر

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله چنین می گوید: یونس بن عبد الرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت پیوسته دستور به دعا برای صاحب الزمان ارواحنا فداه می داد و از جمله دعاهای ایشان برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه این دعاست:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحِجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلسانَكَ المَعْبُورَ عَنكَ بِإِذْنِكَ، النَّاطِقَ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنَكَ النَّاطِرَةَ فِي بَرِّيَّتِكَ، الشَّاهِدَةَ عَلَى عِبَادِكَ، الجَّحْجَاحَ المَجَاهِدَ المَجْتَهِدَ، عَبْدَكَ العَائِذَ بِكَ. اللَّهُمَّ وَأَعِزَّهُ مِن شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذُرَاتٍ، وَبِرَأْتٍ وَأَنْشَأْتِ وَصَوَّرْتِ، وَاحْفَظْهُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِن خَلْفِهِ، وَعَن يَمِينِهِ وَعَن شِمَالِهِ، وَمِن فَوْقِهِ وَمِن تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مِن حِفْظَتِهِ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ وَآبَاءَهُ، أُمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ،

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و از ولی و خلیفه ات و حجت بر بندگانت، (هر بلایی را) دفع فرما. همان کسی که با اجازه تو زبان گویا و بیان کننده حقایق از طرف تو است، و با حکمت تو سخن می گوید؛ و چشم بینای تو در میان بندگانت است؛ گواه بر آن ها است؛ آن مجاهد کوشا و بنده ای که به تو پناه آورده است. بارخدایا! او را از شر هر آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و ایجاد نمودی و صورت و شکل بخشیدی، و او را حفظ فرما از مقابلش و پشت سرش و راست و چپش و از بالای سرش و زیر پایش؛ به حفظی که هر که را به آن حفظ کنی ضایع نگردد. و با این محافظت، پیامبر و وصی پیامبر و پدران را-آنان که ائمه تو و استوانه های دین تو هستند-حفظ فرما،

صلواتک علیهم أجمعین، و اجعله فی ودیعتک الّتی لا تضیع، و فی جوارک الّذی لا یحتقر، و فی منعک و عزّک الّذی لا یقهر. **اللّهمّ** و امنه بأمانک الوثیق الّذی لا یخذل من امنت به، و اجعله فی کنفک الّذی لا یضام من کان فیه، و انصره بنصرک العزیز، و اُیّده بجندک الغالب، و قوّه بقوّتک، و أردفه بملائکتک. **اللّهمّ** وال من والاه، و عاد من عاداه، و ألبسه درعک الحصینه، و حفّه بملائکتک حفاً. **اللّهمّ** و بلّغه أفضل ما بلّغت القّائمین بقسطک من أتباع النّبیین. **اللّهمّ** اشعب به الصّدع، و ارتق به الفتق، و أمت به الجور، و أظهر به العدل، و زین بطول بقائه الأرض، و اُیّده بالنّصر، و انصره بالرّعب، و افتح له فتحا یسیرا، و اجعل له من لدنک علی عدوّک و عدوّه سلطانا نصیرا. **اللّهمّ** اجعله القّائم المنتظر، و الإمام الّذی به تنتصر، و اُیّده بنصر عزیز

دروود تو بر همه آنان باد؛ و قرار بده او را در ودیعه خویش که از بین نمی رود؛ و در جوار رحمت که حقیر و پست نمی شود؛ و در حمایت و پناه عزّت که هرگز مقهور نمی شود. خدایا؛ او را در نگاهبانی محکم خود ایمن دار؛ که هرکس در آن نگاهبانی درآید مخدول و مغلوب نشود. او را در احاطه و سایه لطف خود که هرکس در آن قرار گیرد مورد ستم واقع نشود قرار بده، او را با یاری قدرت مندت یاری کن، و با سپاه غالبت تأییدش فرما، و با قوّت لایتناهی خود نیرومندش گردان، و فرشتگانت را با او همراه ساز. خدایا؛ دوستش را دوست بدار، و دشمنش را دشمن بدار، و زره محکم خود را بر او بپوشان؛ و گرداگرد وجودش را با فرشتگان، احاطه کن. خداوندا؛ او را به برترین مرتبه ای که هر برپاکننده عدلی را -از پیروان پیامبران- رسانیده ای برسان. بارخدایا؛ اختلاف ها را به واسطه وجود مقدّسش برطرف گردان، و تفرقه ها و پراکندگی ها را به واسطه او از میان بردار. ستم را به وسیله او بمیران و عدل را ظاهر فرما، و با ماندن طولانی اش زمین را زینت بخش، و با یاری خود تأییدش کن، و با رعب انداختن بر دل دشمنانش نصرتش بده؛ و فتح و گشایشی آسان بدو نصیب فرما، و از جانب خودت سلطنت و قدرتی ظفرمندانه بر دشمنان خود و دشمنان او، به او مرحمت فرما. خدایا؛ او را همان برپاکننده عدل و داد قرار ده، که مورد انتظار همگان است؛ و او را امامی قرار ده که به وسیله او ما را یاری می نمایی؛ و با نصرتی

و فتح قریب، و ورثه مشارق الأرض و مغاربها اللّاتی بارکت فیها، و أحيى به سنّه نبیک صلواتک علیہ و اله، حتّی لا یستخفی بشیء من الحقّ مخافه أحد من الخلق، و قوّ ناصره، و اخذل خاذله، و دمدم علی من نصب له، و دمر علی من غشه. اللَّهُمَّ و اقتل به جبارہ الکفر و عمدہ، و دعائمہ و القوّام به، و اقصم به رؤوس الضّلاله، و شارعه البدعه، و ممیتہ السّیئہ، و مقویہ الباطل، و اذلل به الجیّارین، و أبر به الکافرین و المنافقین، و جمیع الملحدين، حیث کانوا و این کانوا من مشارق الأرض و مغاربها، و برّها و بحرھا، و سهلھا و جبلھا، حتّی لا تدع منهم ديارا، و لا تبقى لهم اثارا. اللَّهُمَّ و طهر منهم بلادک، و اشف منهم عبادک، و اعزّ به المؤمنین، و أحيى به سنن المرسلین، و دارس حکم النّبیین، و جدّد به ما محی من دینک، و بدّل من

با عزّت و گشایشی زود هنگام تأییدش بفرما. مشرق و مغرب زمینت را به او ارث بده؛ البتّه قلمروی که برایش مبارک قرار داده باشی؛ به واسطه او سنّت پیامبرت را-که درود خدا بر او و آل او باد-حیاتی دیگر بخش، تا این که چیزی از حق را از ترس کسی، پنهان ندارد. یاورش را قوی گردان، و کسی را که خذلان و خواریش را خواهد، مخذول و مغلوب فرما؛ کسی که با او دشمنی آشکار نماید مورد خشم خویش قرار بده؛ آن که را با او نیرنگ کند نابود کن. خداوندا؛ به واسطه او کافران زورگو و ارکان و سردسته های آن ها و هر آن که باعث دوام و قوام آن ها باشد را نابود کن. سران گمراهی، و سرچشمه های بدعت و هر که سنّت را بمیراند و باطل را تقویت کند، با نیروی الهی اش درهم شکن. سرکشان ستمگر را به وسیله او ذلیل کن و کافران و دورویان و همه ملحدان را به واسطه او هلاک نما؛ در هر زمان و هر مکانی که باشند؛ مشرق و مغرب، دریا و خشکی، کوه و دشت؛ تا این که از آنان، کسی باقی نگذاری و اثری بجا نماند. خدایا؛ سرزمین خود را از وجود آن ها پاک کن و قلب مؤمنان را با نابودی آنان شفا بخش؛ و به واسطه آن حضرت، مؤمنان را عزیز فرما، و سنّت های رسولان و فرستادگانت را، و احکام پیامبران را-که رو به نابودی رفته است-بار دیگر زنده نما، و هر آن چه از دینت محو شده و از



حکمت، حتی تعید دینک به و علی یدیه غصاً جدیداً صحیحاً محضاً، لا عوج فیه، و لا بدعه معه، حتی تنیر بعدله ظلم الجور، و تطفی به نیران الکفر، و تظهر به معاهد الحق، و مجهول العدل، و توضیح به مشکلات الحکم. اللَّهُمَّ إِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ [مِنَ الرِّجْسِ]، وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرِّيبِ. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ يَذَنْبْ وَ لَمْ يَأْتْ حُوبًا، وَ لَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً، وَ لَمْ يَضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حَرَمًا، وَ لَمْ يَبْدُلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَ لَمْ يَغْيِرْ لَكَ شَرِيحَةً، وَ أَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ

احکامات دگرگون گشته است، تازه و نو گردان؛ تا این که دین حقیقی تو به دست او؛ شاداب، تازه، جدید، خالص و صحیح بدون هیچ کژی و بدعتی گردانی. تا آن که تاریکی های ستم را با نور عدلش روشن گردانی، و آتش فتنه های کافران را به وسیله او خاموش گردانی، و گره خوردگی ها و پیچیدگی های حق را به وسیله او آشکار گردانی و عدل و داد گم شده و ناشناخته را به وسیله او ظاهر گردانی؛ مشکلات و دشواری های احکام را-با پرتوهای نورافشان او-واضح گردانی. بارخدا یا؛ همانا او بنده ای از بندگان توست که برای خود خالصش گردانیدی، و از میان آفریدگانت او را برگزیدی، و او را بر بندگان برگزیدی، و او را برای سپردن غیب خود امین یافتی، و از گناهان معصومش داشتی، و از عیب ها مبرايش کردی، و از هرگونه آلودگی پاکیزه اش کردی، و از ناپاکی و پلیدی به دورش گردانیدی، و از هر شک و شبهه ای سلامتت فرمودی. خدا یا؛ ما در روز قیامت-و روز برپا شدن حادثه عظیم محشر-گواهی می دهیم که او گناهی نکرده است؛ جرمی انجام نداده و معصیتی مرتکب نشده است؛ طاعتی را تباه نکرده است؛ حرمتی را هتک نکرده است؛ و واجبی را عوض ننموده است؛ و قانونی را تغییر نداده است؛ او امامی پرهیزکار، هدایت گر، رهبری هدایت شده، پاک سرشت، باتقوا، باوفا، پسندیده و نیک سیرت است. خداوند! بر او

و علی آباءه، و أعطه فی نفسه و ولده، و أهله و ذرّیته و أمته و جمیع رعیتہ، ما تقرّ به عینه، و تسرّ به نفسه، و تجمع له ملک المملکات کلّها، قریبها و بعیدها، و عزیزها و ذلیلها، حتّی یجری حکمه علی کلّ حکم، و یغلب بحقّه علی کلّ باطل. اللَّهُمَّ و اسلك بنا علی یدیه منهاج الهدی، و المحجّه العظمی، و الطریقہ الوسطی، الّتی یرجع إليها الغالی، و یلحق بها التّالی. اللَّهُمَّ و قوّنا علی طاعتہ، و ثبتنا علی مشایعته، و امنن علینا بمتابعته، و اجعلنا فی حزبه القوّامین بأمره، الصّیابرین معه، الطّالبین رضاک بمناصحتہ، حتّی تحشرنا یوم القیامہ فی أنصاره و أعوانه، و مقوّیه سلطانه. اللَّهُمَّ صلّ علی محمّد و ال محمّد، و اجعل ذلک کلّه منیا لک خالصا من کلّ شکّ و شبهه و ریاء و سمعه، حتّی لا نعتد به غیرک، و لا نطلب به إلاّ وجهک، و پدرانش درود فرست، و در مورد خودش، فرزندان و خانوادہ اش، امّیت و رعیتش، چیزی عطا کن کہ چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت همه ممالک-اعمّ از دور و نزدیک، قوی و ضعیف-تحت سیطره او درآید، و فرمانش بر هر حکمی نافذ باشد، و کلمه حقّش، بر هر باطلی غالب گردد. خدایا؛ به دست مبارکش ما را بر طریق هدایت روان کن، و بر شاهراه روشن و راه میانه و اعتدال-کہ هر افراطگر پیشرو و هر تفریطی پیشه عقب مانده باید بدان باز گردد-استوار فرما. خدایا؛ ما را بر طاعتش نیرومند گردان، و بر پیرویش ثابت قدم بدار، و با نعمت پیروی از او بر ما منت بگذار، و ما را جزو گروه او کہ عهده دار امر او هستند قرار ده کہ به فرمانش، سرفرود می آورند، و در راهش صبر پیشه می کنند، و از خیرخواهی او رضای تو را می طلبند. تا در نهایت، در روز قیامت، ما را در گروه یاران و مددکاران و تقویت کنندگان حکومت بابرکتش، محشور نمایی. خداوند؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و همه این ها را از ما خالص و به دور از هر شکّ و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛ آن گونه کہ با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم؛

و حَتَّى تَحْلُنَا مَحَلَّهُ، وَ تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَ لَا تَبْتَلْنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ الْفِشْلِ، وَ اجْعَلْنَا مَمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لَدِينِكَ، وَ تَعَزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَ لَا تَسْتَبَدِّلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَ هُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وِلاهِ عَهودِهِ، وَ بَلِّغْهُمْ اَمالِهِمْ، وَ زِدْ فِي اَجالِهِمْ وَ انصِرْهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ ما اَسْنَدْتَ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِ دِينِكَ، وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ اَعوانًا وَ عَلَى دِينِكَ اَنْصارًا، وَ صَلِّ عَلَى اَبائِهِ الطَّاهِرِينَ الاَتْمَّةِ الرَّاشِدِينَ. اَللّٰهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعادِنُ كَلِماتِكَ، وَ خَزانُ عِلْمِكَ، وَ وِلاهِ اَمْرِكَ، وَ خالِصَتِكَ مِنْ عبادِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اَوْلِيائِكَ وَ سَلالِ اَوْلِيائِكَ، وَ صِفوتِكَ وَ اَوْلادِ اَصْفِيائِكَ، صَلواتِكَ وَ رَحمتِكَ وَ بَرَكاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ. اَللّٰهُمَّ وَ شَرِكاؤُهُ فِي اَمْرِهِ، وَ مَعاونوهُ عَلَى طاعتِكَ، الَّذينَ جَعَلْتَهُمْ

باشد که ما را در محلّ و جایگاه آن حضرت وارد نمایی، و ما را در بهشت همراه او گردانی؛ و در انجام فرمان او ما را به تنبلی، سستی، ضعف و گسستگی مبتلا- نسازی؛ و ما را از کسانی قرار ده که دینت را به وسیله آنان یاری می کنی، و یاری ولّیت را به او تقویت می کنی، کسی را جایگزین ما مکن؛ زیرا، این جایگزینی بر تو آسان است، ولی بر ما بسی سنگین و دشوار. باور دارم که تو بر هر چیزی توانایی. خدایا؛ بر فرماندارانش رحمت فرست، و به آرزوهای (مقدّس شان) برسان، و بر عمرشان بیفزای، و یاریشان فرما، و آن چه از امر دینت به آن ها مربوط ساخته ای، کامل و تمام گردان، و ما را از مددکاران آنان قرار ده، و از یاری کنندگان دینت مقرر فرما. بر پدران پاکش، امامان رشید و راهنمای بشر، درود فرست. بار خدایا؛ آنان، معدن های کلمات تو، و گنجینه های دانش، و علوم تو، و سرپرستان امر تو، و بندگان مخلص تو، و نیکوکاران از میان بندگان تو، و دوستان تو و فرزندان اولیای تو، و برگزیدگان و فرزندان برگزیدگان تو هستند. درود و رحمت و برکت های تو بر آنان نثار باد. خدایا؛ آنان که در امر او شریک اند، و بر طاعت تو مددکاران اویند؛ کسانی که تو

حصنه و سلاحه و مفزعه و انسه، الذین سلوا عن الأهل و الأولاد، و تجافوا الوطن، و عطلوا الوثیر من المهاد، قد رفضوا تجارتهم، و أضروا بمعایشهم، و فقدوا فی أندیتهم بغير غیبه عن مصرهم، و حالفوا البعید مّمن عاضدهم علی أمرهم، و خالفوا القریب مّمن صدّ عن وجهتهم، و ائتلفوا بعد التّیداب و التّقاطع فی دهرهم، و قطعوا الأسباب المتّصله بعاجل حطام من الدّنیاء. فاجعلهم اللّهمّ فی حرزک و فی ظلّ کنفک، و ردّ عنهم بأس من قصد إلیهم بالعداوه من خلقک، و أجزل لهم من دعوتک من کفایتک و معونتک لهم، و تأییدک و نصرک إیّاهم، ما تعینهم به علی طاعتک، و أزھق بحقّهم باطل من أراد إطفاء نورک، و صلّ علی محمّد و اله. و املاً بهم کلّ افق من الآفاق، و قطر من الأقطار قسطاً و عدلاً و رحمہ و فضلاً، و اشکر لهم

دژ، اسلحه، پناهگاه و مایه انس او قرارشان دادی؛ آن‌هایی که از اهل و اولاد خود بریدند، و ترک وطن گفتند، و تخت‌های استراحت را رها کردند؛ تجارت‌ها را کنار گذاشتند؛ و به معیشت‌های خودشان ضرر زدند؛ و بدون این که از شهرهای شان خارج شوند، به عزلت و گوشه‌نشینی افتادند؛ و با هر کس که در کارها یاری‌شان نماید پیمان بستند؛ گرچه نسبتی دور با آن‌ها داشتند، و با نزدیکانی که آن‌ها را از مقصودشان بازبدارد مخالفت ورزیدند؛ بعد از جدایی‌ها گردهم آمدند و اسباب به هم پیوسته دنیوی را که وسیله بهره بردن اندک از دنیا بود، قطع نمودند. بدین سان، خدایا؛ آن‌ها را در حفظ و حراست خود، و در سایه لطف و حمایت خویش قرار ده، و شرّ هر آن که قصد بدی به آن‌ها را دارد، از آنان بازگردان؛ و کفایت و کمک و تأیید و یاریت را نسبت به آن‌ها زیاد کن، آنچه ایشان را بر طاعت تو یاری‌شان کند، و به واسطه حقانیت ایشان باطل هر کسی را که می‌خواهد نور تو را خاموش کند نابود گردان، و بر محمّد و آل او درود فرست. خدایا؛ به وسیله آن‌ها تمام افق‌های عالم و اقطار دنیا را از عدل و قسط و رحمت و فضل خودت، پر کن، و از آنان به

علی حسب کرمک و جودک، و ما مننت به علی القائمین بالقسط من عبادک، و اذخر لهم من ثوابک ما ترفع لهم به الدرجات، إنک تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید، امین رب العالمین. (۱)

اندازه کرم و بخشش خودت و آن گونه که بر برپاکنندگان عدل و داد از میان بندگانت منت گذاری سپاسگزاری کن، و برای آن ها ثوابی ذخیره ساز که به وسیله آن به درجات و مرتبه ای رفیع برسند؛ همانا تو هر آنچه را بخواهی انجام می دهی، و بدان چه اراده نمایی حکم می کنی؛ ای پروردگار عالمیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: این روایت، شامل بخشی از دعاست که روایت اولی آن را نداشت. پس، اگر می خواهی از اهل سعادت گردی این دعا را بخوان، و در این دعاها جانب پروردگار را حفظ کن، و در پیشگاه او کمال ادب را به جای آور. ۲

کفعمی رحمه الله در «المصباح» چنین می گوید: یونس بن عبد الرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت، پیوسته بر دعا کردن برای صاحب الامر صلوات الله علیه با خواندن این دعا دستور می داد: «اللهم ادفع عن ولّیک و خلیفتک. . .» وی، دعا را مانند آنچه گذشت تا عبارت «و هو علینا کبیر» ادامه داده، سپس این قسمت را نقل کرده است:

اللهم صلّ علی و لاه عهده و الأئمه من بعده، و بلغهم امالهم، و زد فی اجالهم، و أعزّ نصرهم، و تمّم لهم ما أسندت إلیهم من أمرک لهم، و ثبت دعائهم، و اجعلنا لهم أعوانا، و علی دینک أنصارا، فإِنَّهم معادن کلماتک، و خزّان علمک، و أركان توحیدک، و دعائهم دینک، و و لاه أمرک، و خالصتک من عبادک،

خدایا؛ بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او رحمت فرست، و به آرزوهای شان برسان، و بر عمرشان بیفزای و یاری ایشان را تقویت فرما، و آن چه از دینت را به آن ها مربوط ساخته ای کامل نما، و پایه های آن ها را استوار کن، و ما را یاران آن ها و یاوران دینت قرار ده. همانا آن ها معدن های کلمات تو، گنجینه های علم و دانش تو، استوانه های توحید تو، پایه های دین تو، سرپرستان امر تو، بندگان خالص تو،

ص: ۳۵۳

و صفوتك من خلقك، و أولیاءك و سلائل أولیائك، و صفوه أولاد نبیک، و السلام علیهم و رحمه الله و برکاته. (۱)

برگزیده از میان بندگان تو، دوستان و فرزندان دوستان تو، و برگزیدگان فرزندان پیامبر تو هستند؛ درود و سلام و رحمت خداوند و برکت های او بر همه آنان نثار باد.

## ۵- دعای معرفت در زمان غیبت

سید بزرگوار، جناب علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الاسبوع» می فرماید:

دعای دیگری است برای حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه که سزاوار است آن دعا ترک نشود؛ گرچه همه تعقیبات و دعاهایی را که برای عصر روز جمعه ذکر کردیم به خاطر داشتن عذر ترک شود.

و این سری دارد که خداوند ما را از فضل و احسان ویژه خود با آن آشنا نموده است. پس به آن اعتماد کن و آن را انجام بده.

این دعای شریف به دو طریق از «محمد بن همام» روایت شده و او گفته است که:

شیخ ابو عمرو عمری رحمه الله این دعا را به او املا نموده و دستور به خواندن آن داده است؛ و آن، دعایی است برای زمان غیبت قائم آل محمد علیهم السلام:

اللهم عرّفني نفسك، فإنك إن لم تعرّفني نفسك لم أعرفك، و لم أعرف رسولك. اللهم عرّفني رسولك، فإنك إن لم تعرّفني رسولك لم أعرف حجّتك. اللهم عرّفني حجّتك، فإنك إن لم

بارخدايا؛ خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی تو و پیامبرت را نمی شناسم. خدايا؛ پیامبرت را به من معرّفی فرما؛ زیرا اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجّت تو را نخواهم شناخت. خداوندا؛ حجّت را به من بشناسان؛ زیرا اگر

ص: ۳۵۴

تَعَرَّفَنِي حَجَّتِكَ ضَلَلتَ عَنْ دِينِي. اَللّٰهُمَّ لَا تَمْتَنِي مِيْتَهَ جَاهِلِيَّتِهِ، وَ لَا تَزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي. اَللّٰهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لَوْلَا يَه مِنْ فَرَضتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وَاوَاهِ اَمْرِكَ بَعْدَ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اَلِه، حَتَّى وَ اَلِيْتِ وَاوَاهِ اَمْرِكَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحَجَّهَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ. اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَي دِيْنِكَ، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَ لِيْنِ قَلْبِي لَوْلِيَّ اَمْرِكَ، وَ عَافِنِي مِمَّا اَمْتَحَنتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَ ثَبِّتْنِي عَلَي طَاعَتِهِ وَ لَوْلِيَّ اَمْرِكَ، اَلَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَيَاذْنَكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَ اَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَ اَنْتَ الْعَالَمَ غَيْرَ مَعْلَمٍ بِالْوَقْتِ اَلَّذِي فِيْهِ صَلَاحُ اَمْرِ وُلِيِّكَ، فِي الْاِذْنِ لَهُ يَظْهَرُ اَمْرُهُ وَ كَشْفُ سَرِّهِ، وَ صَبْرُنِي عَلَي ذَلِكْ، حَتَّى لَا اَحْبَ تَعْجِيْلَ مَا اُخْرَتَ، وَ لَا

حَجَّتِ رَا بَه مِنْ نَشْنَسَانِي، نَسْبَتَه بَه دِيْنِمَ كَمْرَاهِ مِي كَرْدَم. خَدَايَا؛ مَرَا بَه مَرَكْ جَاهِلِيَّتِ نَمِيْرَانِ وَ پَسِ اَزْ اَنْ كَه هَدَايْتِمَ نَمُوْدِي، قَلْبِمَ رَا دِچَارِ اِنْحِرَافِ وَ تَرْدِيْدِ مَسَازِ. اِي خَدَا؛ هَمَانِ كُوْنَه كَه مَرَا بَه وَ لَا-يْتِ وَ دُوْسْتِي اَنْ كَسِ كَه طَاعَتَشِ رَا بَرِ مِنْ وَ اَجِبِ نَمُوْدِي-يَعْنِي: سِرْپَرَسْتَانِ اَمْرَتِ پَسِ اَزْ رَسُوْلِ كَرَامِيْتِ كَه دَرُوْدِ تُو بَرِ اُو وَ اَلِ اُو بَاد-رَهْنَمُوْنِ شَدِي، تَا صَاْحِبَانِ حَقِيْقِي خَلَاْفَتِ وَ وَاَلِيَانِ اَمْرَتِ يَعْنِي: اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ عَلِيَّ بْنِ اَبِي طَالِبِ، حَسَنِ، حُسَيْنِ، عَلِي، مُحَمَّدِ، جَعْفَرِ، مُوسَى، عَلِي، مُحَمَّدِ، عَلِي، حَسَنِ وَ حَجَّتِ قَائِمِ مَهْدِي-كَه دَرُوْدَهَائِ تُو بَرِ هَمَهْ اَنَانِ بَاد-رَا دُوْسْتِ بَدَارَم. اِي خَدَا؛ مَرَا بَرِ دِيْنِ خُوْدَتِ ثَابِتِ بَدَارِ؛ وَ مَرَا بَرِ طَاعَتِ خُوِيْشِ بَكَاْرِ كِيْرِ، وَ قَلْبِمَ رَا بَرَايِ صَاْحِبِ اَمْرَتِ مَطِيْعِ وَ نَرَمِ كُنْ، وَ مَرَا دَرِ عَرَصَهْ هَائِ اَمْتَحَانِ هَائِي كَه اَزْ بِنْدِگَانَتِ بَه عَمَلِ مِي اَوْرِي عَافِيْتِ بَبَخْشِ، وَ دَرِ فَرْمَانِ بَرْدَارِي اَزْ صَاْحِبِ فَرْمَانَتِ اسْتُوَارَمِ سَازِ؛ هَمَانِ كَسِي كَه اَزْ بِنْدِگَانَتِ پَنَهَانَشِ كَرْدَانْدِي؛ پَسِ بَا اَجَازَهْ تُو اَزْ مِيَانِ خَلْقِ پَنَهَانِ شَدِ، وَ مَنْتَظَرِ فَرْمَانِ تُوْسْتِ؛ دَرِ حَالِي كَه تُو آگَاهِي-بِدُوْنِ اِيْنَكِه كَسِي تُو رَا آگَاهِ كَنْد-بَه زَمَانِي كَه دَرِ اَنْ، كَارِ وُلِيَّتِ رَا اِصْلَاحِ فَرْمَايِي، وَ اَنْ وَ قْتِ بَه اُو اَجَازَهْ فَرْمَايِي كَه اَمْرَشِ رَا اَشْكَارِ نَمَايِدِ وَ اَزْ اسْرَارَشِ پَرْدَهْ بَرْدَارِدِ. وَ مَرَا بَدَانِ شَكِيْبَا فَرْمَا تَا شَتَابِ دَرِ چِيْزِي رَا نَخُوَاهِمَ كَه تُو تَأْخِيْرَشِ رَا مِي خُوَاهِي، وَ

تأخیر ما عَجَلت، و لا أَكشِف عَمَّا سترت، و لا أَبحث عَمَّا كتمت، و لا انازعك فی تدبیرك، و لا أقول لم و كيف و ما بال ولیّ الأمر لا- یظهر و قد امتلأت الأرض من الجور، و افوض اموری كُلها إِلیک. اَللّهُمَّ إِنّی أَسألك أن ترینی ولیّ امرک ظاهرا نافذ الأمر، مع علمی بأنّ لك السِّلطان و القدره، و البرهان و الحجّه، و المشیّه و الحول و القوّه، فافعل ذلك بی و بجمیع المؤمنین، حتّی نظر إلی ولیّك صلواتك علیه و اله، ظاهر المقالہ، واضح الدّلاله، هادیا من الضّلاله، شافیا من الجهالہ، و أبرز یا ربّ مشاهدته، و ثبت قواعده، و اجعلنا ممّن تقرّ عينه برؤيته، و أقمنا بخدمته، و توفّنا علی ملّته، و احشرنا فی زمرة. اَللّهُمَّ أعذه من شرّ جمیع ما خلقت و برأت، و ذرأت و أنشأت و صوّرت، و احفظه من بین یدیه و من خلفه، و عن یمینه و عن

تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده ای، و پرده برندارم از آنچه تو پنهانش کرده ای، و چیزی را کاوش نکنم که تو پوشیده اش فرموده ای، و نسبت به تدبیر تو (در کار عالم) با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر اراده تو چون و چرا نکنم، و نگویم که چه شده و چرا صاحب الأمر ظهور نمی کند- با این که زمین پر از ظلم و ستم گشته است؟! - (بلکه) همه کارها و امور عالم را به محضر مقدّس تو وامی گذارم. بارخدایا! از تو می خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من بنمایانی درحالی که امرش در عالم، نافذ است؛ با علم و آگاهییم به این که سلطنت، قدرت، برهان، دلیل رسا، مشیّت نافذ، نیرو و توانایی واقعی از آن توست. پس این لطف را به من و به همه مؤمنان بفرما تا به ولّیت- که درود تو بر او و آل او باد- آشکارا بنگریم، درحالی که با گفتار آشکار و دلالت روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم، و از جهالت نجات پیدا کنیم. پروردگارا! مشاهده او را آشکار فرما، و پایه های حکومتش را محکم گردان، و ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمالش، چشمش روشن گردد، و ما را به خدمت او بپا دار، و بر ملّت و آیین او بمیران، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما. خدایا! پناه بده او را از شرّ هرچه خلق کردی و پدید آوردی، آفریدی و ایجاد کردی، و صورت و شکل بخشیدی، و حفظ فرما او را از مقابلش و پشت سرش و سمت راست و



شماله، و من فوقه و من تحته، بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به، و احفظ فيه رسولك و وصي رسولك عليهم السلام. اللهم  
و مد في عمره، و زد في أجله، و أعنه على ما وليته و استرعيته، و زد في كرامتك له، فإنّه الهادي المهدي، و القائم المهدي،  
الطاهر التقى الزكي التقى المرضي الصابر الشكور المجتهد. اللهم و لا تسلبنا اليقين لطول الأمد في غيبته، و انقطاع خبره  
عنا، و لا- تنسنا ذكره و انتظاره، و الإيمان به، و قوه اليقين في ظهوره، و الدعاء له و الصلاه عليه، حتى لا يقنطنا طول غيبته من  
[ظهوره و]قيامه، و يكون يقيننا في ذلك كيقيننا في قيام رسول الله صلى الله عليه و اله، و ما جاء به من وحيك و تنزيلك، و قوه  
قلوبنا على الإيمان به، حتى تسلك بنا على يديه منهاج الهدى و المحجّه العظمى، و الطريقه

چپش، و از بالای سرش و زیر پایش؛ به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی ضایع و تباه نمی شود، و  
با حفظ وجود او پیامبرت و وصی پیامبرت را- که درود بر ایشان باد-حفظ کن. خداوندا؛ عمرش را طولانی کن، و بر مدت  
زندگانش بیفزای، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی و نگهبان ساختی کمکش فرما، و در کرامت  
نسبت به او بیفزای؛ زیرا او هدایت کننده بشر و هدایت یافته و قیام کننده برای هدایت خلق است؛ گوهر پاک، باتقوا، پاک  
سرشت، پاک سیرت، صاحب مقام رضا و خشنودی، و شکبیا در بلا و مصایب، شکر گزار، مجاهد و تلاشگر است. خدایا؛ به  
واسطه دراز شدن زمان غیبتش و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما را زایل مگردان؛ و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را و  
ایمان به او را، و یقین استوار بر ظهورش را، و دعا کردن برای (وجود نازنینش)، و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا  
طولانی شدن زمان غیبتش ما را از ظهور و قیام بر حقش ناامید نسازد؛ و یقین و باور ما به قیام او و ظهور او همانند یقین ما به  
قیام پیامبر خدا- که درود خدا بر او و آل او باد-و وحی و کتاب نازل شده بر او، محکم و استوار باشد. و قلب های ما را بر  
ایمان به او تقویت کن تا به دست مبارکش راه هدایت و شاهراه روشن و مسیر اعتدال را بیماییم.

الوسطی، و قونا علی طاعته، و ثبتنا علی متابعتہ، و اجعلنا فی حزبه و أعوانه و أنصاره، و الراضین بفعله، و لا تسلبنا ذلك فی حیاتنا، و لا عند وفاتنا، حتی تتوفانا و نحن علی ذلك لا شاكين و لا ناکثین، و لا مرتابین و لا مکذبین. اللَّهُمَّ عَجِّل فرجه، و ائده بالنصر، و انصر ناصریه، و اخذل خاذلیه، و دمدم علی من نصب له و کذب به، و أظهر به الحق، و أمت به الجور، و استنقذ به عبادک المؤمنین من الذل، و انعش به البلاد، و اقتل به جبابره الکفره، و اقصم به رؤوس الضلاله، و ذلل [به] الجبارین و الکافرین، و أبر به المنافقین و الناکثین، و جمیع المخالفین و الملحدين، فی مشارق الأرض و مغاربها، و برها و بحرها، و سهلها و جبلها، حتی لا تدع منهم ديارا، و لا تبقى لهم اثارا، و طهر منهم بلادک، و اشف منهم صدور عبادک. و جدد به ما

و ما را بر اطاعت و فرمان برداری از او نیرو بخش، و بر پیرویش ثابت بدار، و ما را در گروه او و یاران و یاورانش و کسانی که به کار او خشنودند؛ قرار بده. و این ایمان و عقیده را در زندگی و مرگ ما از ما مگیر، تا در حالی ما را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده، و نه پیمان شکسته باشیم، و نه در مورد آن دودل بوده و نه آن را تکذیب کنیم. خداوندا؛ در فرجش تعجیل فرما، و با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری کن، و آنان را که ترک یاری او می کنند ذلیل و خوار بنما، و هر آن که رودرویش به جنگ بایستد و او را تکذیب کند نابودش کن، و حق را به واسطه او آشکار نما، و ستم را به وسیله او بمیران، و بندگان مؤمنت را به واسطه او از خواری و ذلت برهان، و عالم را به وجودش آباد گردان، و سرکشان کافر را توسط او هلاک کن، و سران گمراهی را به وسیله او درهم شکن، و طغیان پیشگان و کافران را (توسط او) ذلیل فرما. و همه منافقان و عهدشکنان، و تمام مخالفان و ملحدان بی دین را-در شرق و غرب عالم، در دریا و خشکی، در کوه ها و دشت ها به وسیله او هلاک فرما؛ تا کسی از آنان وانگذاری، و اثری از آن ها باقی نگذاری. و سرزمین هایت را از لوٹ وجود آنان پاک گردان، و سینه بندگان را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما. و آنچه

امتحنی من دینک، و أصلح به ما بدّل من حکمک، و غیر من سنتک، حتّی یعود دینک به و علی یدیه غضّاً جدیداً صحیحاً لا عوج فیہ، و لا بدعه معه، حتّی تطفی بعدله نیران الکافرین، فإنّہ عبدک الذی استخلصته لنفسک، و ارتضیته لنصره دینک، و اصطفیته بعلمک، و عصمتہ من الذّنوب، و برّأته من العیوب، و أطلعتہ علی الغیوب، و أنعمت علیہ، و طهرتہ من الرّجس، و نقیته من الدّنس. اللّٰهُمَّ فصلّ علیہ و علی ابائہ الأئمّہ الطّاهرین، و علی شیعتہ المنتجبین، و بلّغهم من امالهم أفضل ما یأملون، و اجعل ذلک منّا خالصاً من کلّ شکّ و شبهه و ریاء و سمعه، حتّی لا نرید به غیرک، و لا نطلب به إلّا وجهک. اللّٰهُمَّ إنا نشکو إلیک فقد نبینا، و غیبه ولینا، و شدّه الزّمان علینا، و وقوع الفتن بنا، و تظاهر الأعداء [علینا]، و کثره عدوّنا، و قلّه

از دینت محو شده است به وسیله او بازسازی کن؛ و هر آنچه از احکامات دگرگونی یافته، و از سنت تو تغییر داده شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به دست مبارکش به صورت تازه و نو و صحیح اعاده گردد به گونه ای که هیچ کژی در آن نباشد و هیچ بدعتی به همراه آن نباشد تا با عدل و داد و آتش فتنه های کافران را خاموش نمایی؛ زیرا او بنده مخلص توست که برای خودت خالصش گردانیدی، و برای یاری دینت او را پسندیدی، و با علم بی نهایت او را برگزیدی، و از گناهان او را باز داشتی و نگهداری کردی، و از عیب ها پیراسته اش کردی، و بر پنهانی ها مطلعش ساختی، و بر او نعمت ارزانی داشتی، و از هر گونه پلیدی پاکش گردانیدی، و از هر نوع آلودگی پاکیزه اش ساختی. بارخدا یا؛ بر او و پدرانش-آن پیشوایان پاک- و بر پیروان نیک نژادش رحمت فرست؛ و آن ها را به آرزوهای شان به برتر از آنچه امید دارند برسان، و این دعا را از ما خالص و به دور از شکّ و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛ آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم. خداوندا؛ ما به تو شکایت می بریم از فقدان پیامبران؛ و از غیبت ولیّ مان، و سختی دوران بر ما، و وقوع فتنه های گوناگون نسبت به ما، و تظاهر و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر علیه ما، و زیادی دشمن ما و کمی

عددنا. اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ بفتح منك تعجّله، و نصر منك تعزّه، و إمام عدل تظهره، إله الحق [امين] رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَ قَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجُورِ يَا رَبِّ دَعَامَهُ إِلَّا قَصْمَتَهَا، وَ لَا - بَقِيَّةَ إِلَّا - أَفْنِيَّتَهَا، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَ لَا رُكْنَ إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَ لَا حِدًّا إِلَّا فَلَطْتَهُ، وَ لَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ، وَ لَا رَايَةَ إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَ لَا شَجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَ لَا جِيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَ أَرْمَهُمْ يَا رَبِّ بِحِجْرِكَ الدَّامِغِ، وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَ بِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمَجْرَمِينَ، وَ عَذِّبْ أَعْدَاءَكَ، وَ أَعْدَاءَ دِينِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِيَدِ وَلِيِّكَ، وَ أَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيَّكَ وَ حِجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَ كَيْدَ مَنْ كَادَهُ، وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَ اجْعَلْ دَأْتِرَهُ السُّوءِ عَلَيَّ

جمعیت خودمان. خدایا؛ با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را از این اندوه ها به سرعت رهایی بخش، و یاری با عزت و ظهور پیشوای عادل را نصیب مان فرما؛ ای خدای به حق، و پروردگار جهانیان؛ این دعا را اجابت کن. خدایا؛ از درگاهت می خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید، و دشمنانت را در سرزمین هایت هلاک گرداند؛ تا هیچ پایگاه و رکنی برای ستم باقی نگذاری ای پروردگار من؛ و همه پایگاه های آنان را درهم شکنی، و بقایای آنان را نابود گردانی، و نیروهای شان را سست نمایی، و پایه های آن ها را ویران سازی، و تیزی و سختی آن ها را کند و بی اثر گردانی، و سلاح شان را از کار بیندازی، و پرچم آن ها را سرنگون سازی، و شجاعان آن ها را نابود کنی، و سپاه شان را شکست خورده و خوار سازی. پروردگارا؛ سنگ نابودکننده ات را به سوی ایشان رها کن، و شمشیر برّانت را بر ایشان فرود آور، و آنها را دچار عذابی کن که هر گروه مجرم از آن رهایی ندارند. و دشمنانت و دشمنان دین و پیامبرت - درود تو بر او و آل او باد - را به دست ولایت و بندگان مؤمن، معذب فرما. خداوندا؛ ولی و حجت خویش را بر زمین از ترس دشمنانش و از مکر حيله گران کفایت فرما، و با آن کسی که با او مکر کند مکر کن، و حلقه بدی را برای

من أراد به سوءاً، و اقطع عنه مادّتهم، و أربع له قلوبهم، و زلزل [له] أقدامهم، و خذهم جهره و بغته، و شدّد عليهم عذابك، و أخزهم في عبادك، و العنهم في بلادك، و أسكنهم أسفل نارك، و أحط بهم أشدّ عذابك، و أصلهم ناراً، و احش قبور موتاهم ناراً، و أصلهم حرّ نارك، فإنّهم أضاعوا الصلوه، و اتبعوا الشّهوات، و أضلّوا عبادك. اللَّهُمَّ و أحي بوليّك القران، و أرنا نوره سرمداً، لا ظلمه فيه، و أحي [به] القلوب الميتة، و اشف به الصّيدور الوغره، و اجمع به الأهواء المختلفه على الحقّ، و أقم به الحدود المعطله، و الأحكام المهمله، حتّى لا يبقى حقّ إلاّ ظهر، و لا عدل إلاّ زهر، و اجعلنا يا ربّ من أعوانه و مقوّيه سلطانه و المؤتمرين لأمره، و الرّاضين بفعله، و المسلمین لأحكامه، و ممّن لا حاجه به إلى التّقیه من خلقك،

بدخواهانش قرار بده، و اصل و اساس آن ها را از وجود مقدّسش قطع کن، و ترس و هیبتش را در دل های ایشان ایجاد گردان؛ و قدم هاشان را سست و لرزان قرار ده، و به قهر ناگهانیت به طور آشکار گرفتارشان کرده، و عذابت را بر آن ها شدید نما، و در بین بندگانت خوار و ذلیل شان فرما، و در میان شهرها آن ها را مورد لعن قرار بده، و در پست ترین نقطه جهنّم سکونت شان بده، و اطراف آن ها را با سخت ترین عذابت احاطه کن و به آتش دوزخ بیفکن، و قبرهای مردگان آن ها را پر از آتش گردان، و حرارت و سوزندگی آتش را به آنها بچشان؛ زیرا آن ها نماز را تباه کردند، از شهوت ها پیروی کردند، و بندگانت را گمراه ساختند. خدایا؛ با وجود ولّیت (صاحب الأمر علیه السّلام) قرآن را زنده کن، و نور جمال او را به طور دائم و همیشگی به ما بنمایان؛ به گونه ای که هرگز تاریکی گرد آن نور را نگیرد. و به واسطه او قلب های مرده را حیات بخش، و سینه های سوخته را شفا بده، و هواهای گوناگون و نظرات مختلف را با رأی او بر محور حقّ جمع بگردان. و حدود الهی تعطیل شده و احکام ترک شده را به وسیله او برپا بدار؛ تا حقّی نماند مگر این که ظاهر گردد، و عدلی نماند مگر این که درخشنده شود. بارپروردگارا؛ ما را از یاران او و تقویت کنندگان حکومتش و فرمان بران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت خشنود هستند، و در برابر احکام و فرامین او تسلیمند، و نیازی به تقیه کردن از آنها در میان بندگانت ندارد قرار ده.

أنت يا ربّ الّذى تكشف الضّرّ، و تجيب المضطرّ إذا دعاك، و تنجى من الكرب العظيم، فاكشف الضّرّ عن وليك، و اجعله خليفتك فى أرضك كما ضمنت له. اللَّهُمَّ و لا تجعلنى من خصماء ال محمد عليهم السّلام، و لا تجعلنى من أعداء ال محمد عليهم السّلام، و لا تجعلنى من أهل الحنق و الغيظ على ال محمد عليهم السّلام، فإنّى أعوذ بك من ذلك فأعدنى، و أستجير بك فأجرنى. اللَّهُمَّ صلّ على محمّد و ال محمّد، و اجعلنى بهم فأثرا عندك فى الدّنيا و الآخرة، و من المقرّبين، امين ربّ العالمين. (۱)

ای پروردگار؛ تو هستی که هر اندوه و بلایی را برطرف می کنی، و هر مضطرّ بیچاره ای را که تو را بخواند، اجابت می فرمایی، و از سختی و اندوه بزرگ نجاتش می دهی؛ پس ناراحتی را از وجود ولّیت برطرف کن و او را جانشینت در زمینت قرار ده؛ همان گونه که این امر را تضمین فرموده ای. خداوندا؛ مرا از خصومتگران آل محمّد-که سلام و درود بر آن ها باد- قرار مده، و مرا در زمره دشمنان آل محمّد-که سلام و درود بر آن ها باد-مقرّر نکن؛ و مرا از آنانی قرار مده که نسبت به آل محمّد-سلام و درود بر آنها باد-کینه و خشم دارند؛ چرا که من از این امر به تو پناه می برم پس پناهم ده، و از تو امان می طلبم؛ پس امانم بده. خدایا؛ بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقرّبان در گاهت قرار ده. ای پروردگار جهانیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

صاحب کتاب «مکیال المکارم» نگاشته است: سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس رحمه الله در «جمال الاسبوع» هنگام ذکر دعای مذکور و تشویق و ترغیب به خواندن آن در عصر روز جمعه می نویسد:

«اگر در مورد اعمالی که ذکر کردیم عذری داری، پس حذر کن که این دعا را در تعقیب نماز عصر روز جمعه ترک کنی؛ زیرا ما آن را با فضل الهی که به ما مخصوص

ص: ۳۶۲

گردانیده است شناختیم؛ پس همواره بر آن اعتماد کن» .

سپس دعا را با همان اسنادی که گذشت ذکر می کند؛ و این عبارت دلالت دارد که دستوری در مورد این دعا از ناحیه حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه صادر شده است؛ البته نقل چنین مطلبی از مقامات عالیه سید، بعید نیست. امیدوارم خدا از بهترین برکاتش او را بهره مند سازد. (۱)

## ۶- دعای دیگر در زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می فرماید: به سند خود روایت می کنم از محمد بن احمد جعفری حدیثی را که او با سند خویش روایت نموده است و در آن، از غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه یاد کرده است.

گفتم: شیعه باید در آن زمان چه کند؟ فرمود: بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج؛ زیرا به زودی برای شما نشانه ای آشکار خواهد شد و هرگاه نشانه بر شما آشکار گشت خدای را سپاس گویند، و بدان تمسک جویند.

گفتم: چه دعایی بخوانیم؟

فرمود: می گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسَكَ، وَ عَرَفْتَنِي رَسُولَكَ، وَ عَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ، وَ عَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ، وَ عَرَفْتَنِي وَلاهُ أَمْرَكَ. اللَّهُمَّ لَا اخْذَ إِلاَّ مَا أَعْطَيْتَ، وَ لَا وَاقِيَ إِلاَّ مَا وَقَيْتَ. اللَّهُمَّ لَا تَغَيِّبْنِي عَنْ

خدایا؛ تو خود را به من شناساندی و فرستاده ات را به من معرفی کردی، و فرشتگانت را شناساندی و پیامبرت را معرفی کردی و سرپرستان امرت را به من شناساندی. خدایا؛ گیرنده (عطایی) نیست مگر آنچه را تو عطا کنی، و بازدارنده ای نیست جز از آنچه تو بازداری. خداوندا؛ مرا از

ص: ۳۶۳

منازل أوليائك، ولا تزغ قلبی بعد إذ هدیتنی. اللهم اهدنی لولایه من افترض طاعته. (۱)

مرتب و جایگاه اولیایت پنهان مدار، و قلبم را پس از هدایت دچار انحراف مگردان. خدایا؛ مرا به ولایت کسی راهنمایی کن که طاعتش را بر من واجب گردانیدی.

## ۷- دعای دیگری نیز در زمان غیبت

شیخ کلینی رحمه الله از زراره، و او از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل می کند که مضمون آن چنین است:

چاره ای برای او نیست مگر این که غایب شود.

من گفتم: چرا چنین است؟

حضرت فرمودند: می ترسد-و با دست مبارکش به شکمش اشاره فرمود-و او امام منتظر می باشد که انتظارش را باید کشید، و او کسی است که مردم در ولاتش شک می کنند، پس عده ای از آنان می گویند که ایشان هنوز متولد نشده است و عده ای دیگر می گویند که پدر ایشان از دنیا رفته و جانشینی نداشته است و گروه دیگری می گویند که ایشان دو سال قبل از فوت پدرشان به دنیا آمده است.

زراره گفت: به حضرت گفتم: اگر آن زمان را درک کردم، به چه چیزی مرا امر می کنید؟ فرمود:

خدا را به این دعا بخوان:

اللهم عرّفنی نفسک، فإنّک إن لم تعرّفنی نفسک لم أعرفک. اللهم عرّفنی نبیک، فإنّک إن لم تعرّفنی نبیک لم أعرفه [قطّ].  
اللهم

بارخدایا؛ خودت را به من بشناسان، پس اگر تو خودت را به من نشناسانی، من هرگز تو را نمی توانم بشناسم، بارخدایا؛ پیامبرت را به من بشناسان، پس اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی، من هرگز نمی توانم او را بشناسم، بارخدایا؛

ص: ۳۶۴



عَرَفَنِي حَجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعْرِفَنِي حَجَّتَكَ ضَلَلتْ عَن دِينِي. (۱)

حجّت خودت را به من بشناسان، پس اگر تو او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم.

## ۸- دعای غریق در زمان غیبت

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» از عبد الله بن سنان نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند:

به زودی شبیه ای شما را فرامی گیرد، پس شما بدون راهنما و امامی هدایت کننده باقی خواهید ماند و نجات پیدا نمی کند مگر کسی که به وسیله «دعای غریق» خدا را بخواند.

عبد الله بن سنان گفت: دعای غریق چگونه است؟

حضرت فرمودند: می خوانی:

یا الله یا رحمان یا رحیم، یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک.

ای خدا؛ ای مهربان؛ ای بخشنده؛ ای دگرگون کننده قلب ها؛ قلب مرا بر دین خود (و لزوم پیروی از آن) ثابت مدار.

پس گفتم: یا مقلب القلوب و الأبصار، ثبت قلبی علی دینک.

ای دگرگون کننده قلب ها و دیده ها؛ قلب مرا در پیروی از دین خود استوار کن.

پس حضرت فرمودند:

همانا خداوند بلندمرتبه، «دگرگون کننده قلبها و دیده ها می باشد»، ولی تو آن طور که من می خوانم، بخوان، یعنی به این صورت: یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک.

سید رحمه الله می فرماید: شاید مراد از فرمایش حضرت در مورد «الأبصار» این باشد که دگرگونی قلب ها و دیده ها مربوط به قیامت است؛ به خاطر این که ترس و وحشت در

ص: ۳۶۵

آن روز بسیار شدید می باشد ولی ترس در زمان غیبت، از دگرگون شدن دل ها است نه دیده ها. (۱)

## ۹- دعایی مناسب با زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: در خواب کسی را دیدم که دعایی را به من آموخت و مناسب است در زمان غیبت خوانده شود و الفاظ آن چنین بود:

يا من فضل ال ابراهيم و ال اسرئيل على العالمين باختياره، و أظهر في ملكوت السماوات و الأرض عزه اقتداره، و أودع محمدا صلى الله عليه و آله و أهل بيته غرائب أسراره، [صلّ على محمّد و آله]، و اجعلني من أعوان حجّتك على عبادك و أنصاره. (۲)

ای کسی که به انتخاب و اختیار خود آل ابراهیم و آل اسرائیل را بر عالمیان فضیلت و برتری دادی و در ملکوت آسمان ها و زمین عزّت و اقتدار خویش را آشکار کردی و اسرار شگفت خود را در نزد حضرت محمّد و اهل بیت پاکش - که درود و سلام خدا بر او و اهل بیت او باد- به امانت گذاشتی، بر محمّد و آل او درود بفرست و مرا از مددکاران حجّت بر بندگانت و از یاوران او قرار بده.

## ۱۰- دعای نجات از فتنه های آخر الزمان

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا برای رهایی و نجات از فتنه های آخر الزمان نقل شده است:

ص: ۳۶۶

---

۱- ۱) . مهج الدعوات: ۳۹۶.

۲- ۲) . مهج الدعوات: ۳۹۶، [۱] بحار الأنوار: ۹۵/۳۳۶، [۲] النجم الثاقب: ۲/۴۸۲.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، (يا أرحم الراحمين هفت مرتبه تکرار شود). اَللّهُمَّ  
عَمَّ اَعْدَاءِ اَل نَبِيِّكَ وَظَالِمِيهِمْ وَاعْدَاءِ شِيَعَتِهِمْ، وَاعْدَاءِ مَوَالِيهِمْ بِالشَّرِّ عَمَّا، وَطَمَّهِمْ بِالشَّرِّ طَمًّا، وَاطْرَقَهُمْ بَلِيلَهُ لَا اخْتِ لَهَا، وَ  
سَاعَهُ لَا- مَنْجِي مِنْهَا، وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ اَنْتَقَامًا عَاجِلًا وَاحْرِقْ قُلُوبَهُمْ بِنَارِ غَضَبِكَ. اَللّهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَهُمْ، وَفَرَّقْ جَمْعَهُمْ، وَقَلِّبْ  
تَدْبِيرَهُمْ، وَنَكِّسْ اَعْلَامَهُمْ، وَخَرِّبْ بِنْيَانَهُمْ، وَقَرِّبْ اَجَالَهُمْ، وَ اَلْقِ بِاَسْهَمِ بَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ سَالِمِينَ، وَخَذْهُمْ اَخْذَ عَزِيزٍ  
مُقْتَدِرٍ. اَللّهُمَّ اَلْقِ الْاَوْجَاعَ وَالْاَسْقَامَ فِي اَبْدَانِهِمْ، وَضَيِّقْ مَسَالِكَهُمْ، وَاسْلِبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ، وَخَيِّرْهُمْ فِي سَبْلِهِمْ، وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ،  
وَانْقِصْ مِنْهُمْ الْعِدَّةَ. اَللّهُمَّ وَاحْفَظْ مَوَالِيَ اَل بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ شُرُورِهِمْ،

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را نزدیک فرما، (ای مهربان ترین  
مهربانان) خدایا؛ بدی و بدبختی را بر سر دشمنان و ستمگران بر آل پیامبر و دشمنان شیعیان و موالیان آنان فرود آور، و بر آنان  
فراگیر کن، و آنان را در یک شب درهم بکوب که نظیری نداشته باشد، و در یک ساعت آنان را درهم بکوب که محل  
نجاتی برای آنان نباشد و از آنان به زودی انتقام بگیر و قلب هایشان را با آتش غضب خودت بسوزان. خدایا؛ اجتماع آنان را  
پراکنده و جمع ایشان را متفرق ساز، و چاره اندیشی ها و نقشه های آن ها را دگرگون کن، و پرچم های شان را واژگون  
فرما، و ریشه و بنیان آن ها را برکن، و زمان مرگ آنان را نزدیک فرما، و سختی های شان را بین خودشان بینداز، و ما را در  
بین آنان سالم و محفوظ بدار، و آنان را گرفتار کن گرفتار شخص قدرتمند بااقتدار. بارخدایا؛ دردها و بیماری ها را بر بدن  
های آنان مسلط فرما و راه های آنان را تنگ نما و کشورهای تحت سلطه آنها را از دست ایشان خارج کن، و آنان را در راه  
ها و نقشه های شان متحیر و سرگردان کن و کمک رسانی را از ایشان قطع کن و تعداد آنان را کم کن. بارخدایا؛ دوستان  
اهل بیت رسالت- که بر آنان درود باد- را از شر آنان محفوظ بدار،

و سلمهم من مكرهم، و خدعهم و ضرهم، و انصرهم عليهم بنصرک، و اجمع كلمتهم، و أَلّف جمعهم، و دَبّر أمرهم، و عَرّفهم ما يجهلون، و علّمهم ما لا يعلمون، و بَصّرهم ما لا يبصرون، و أعلّ كلمتهم، و اجعلها العليا، و اجعل كلمه الأعداء السفلى. (۱)

و آن ها را از مکر و خدعه و نیرنگ و زیان آنان سالم نگه دار؛ و آن ها را با کمک خود بر آنان پیروز فرما؛ و بین ایشان وحدت و یکپارچگی برقرار فرما؛ و جمع ایشان را گردآوری کن؛ و امور ایشان را تدبیر فرما؛ و آن ها را با آنچه آشنایی ندارند، آشنا فرما؛ و آنچه را نمی دانند به آن ها بیاموز؛ و با آنچه که نسبت به آن بصیرت و آگاهی ندارند، آگاه فرما؛ و حکم و اراده ایشان را والا و آن را برتر قرار بده و حکم و اراده دشمنان را پایین تر قرار بده.

## ۱۱- دعای امام جواد علیه السلام

برای رفع ظلم و ستم از جهان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله این دعا را در کتاب «مهج الدعوات» از مولای مان امام جواد علیه السلام نقل می کند که عبارتست از:

اللّهُمَّ إِنَّ ظلم عبادك قد تمكّن في بلادك حتّى أَمات العدل، و قطع السبيل، و محقّ الحقّ، و أبطل الصّيدق، و أخفى البرّ، و أظهر الشّرّ، و أحمَد التّقوى، و أزال الهدى، و أزاح الخير، و أثبت الصّير، و أنمى الفساد، و قوّى العناد، و بسط الجور،

بارخدایا؛ همانا ظلم و ستم بندگان در سرزمین های تو قدرت و توانایی یافته و عدالت را از بین برده و راه های هدایت را قطع کرده و حقّ و حقیقت را از بین برده و صدق و راستی را نابود کرده و خیر و نیکی را مخفی کرده و شرارت و بدبختی را آشکار کرده و نور تقوا را خاموش کرده و هدایت و خوشبختی را نابود کرده و خیر و برکت کنار گذاشته شده و کجی و خروج از حقّ را تثبیت کرده و فساد و تباهی را رشد داده و کدورت و کینه توزی را در بین مردم تقویت نموده و ستمگری را گسترش داده

ص: ۳۶۸

وعدى الطور. اللهم يا رب لا يكشف ذلك إلا سلطانك، ولا يجير منه إلا امتنانك. اللهم رب فابتر الظلم، وبت حبال الغشم، وأخذ سوق المنكر، وأعز من عنه ينزجر، واحصد شافه أهل الجور، وأبسهم الحور بعد الكور، وعجل اللهم إليهم البيات، وأنزل عليهم المثلات، وأمت حياه المنكر ليؤمن المخوف، ويسكن الملهوف، ويشبع الجائع، ويحفظ الضائع، ويأوى الطريد، ويعود الشريد، ويغنى الفقير، ويجار المستجير، ويوقر الكبير، ويرحم الصغير، ويعز المظلوم، ويذل الظالم، ويفرج المغموم، وتنفرج الغمماء، وتسكن الدهماء، ويموت الاختلاف، ويعلو العلم، ويشمل السلم، ويجمع الشتات، ويقوى الإيمان، ويتلى القرآن، إنك أنت الديان المنعم المنان. (۱)

و از حدّ تجاوز کرده است. بارخدايا؛ ای پروردگار عالمیان؛ هیچ کس و هیچ چیزی جز سلطنت و قدرت تو آن ها را برطرف نمی کند و هیچ کس قادر به نجات مردم از دست آنان نیست مگر لطف و بخشش تو. بارپروردگارا؛ ریشه ظلم و ستم را قطع کن، و طناب ستمگری و بیدادگری را پاره کن و بازار شرارت و بدی را کساد کن و کسانی را که از آنها نفرت دارند، عزیز فرما؛ و ریشه گروه ستمکاران را از بیخ و بن برکن و آنان را بعد از ناز و نعمت و فراوانی به کمبود و نقصان دچار فرما و به حمله و شیبخون زدن و غافلگیری آنان شتاب کن؛ و عقوبت های سخت را بر آنان نازل فرما؛ و بدی ها و بدکاران را بمیران تا آنان که از دست آنان در ترس و وحشت سر می برند، آرام گیرند و انسان های دلسوخته و اندوهگین به آرامش برسند و گرسنه ها سیر شوند و چیزهایی که دچار تباهی شدند، محفوظ بمانند و فراری ها مأوی گیرند و آواره ها برگردند و فقرا غنی شوند و به امان خواهان، امان داده شود، و پیران تکریم شوند و اطفال مورد ترحم واقع شوند و مظلوم عزیز شود و ستمگر خوار و ذلیل شود و غم های انسان های اندوهگین برطرف شود و دشواری ها راحتی یابند و شورش ها آرام شود و اختلاف و دوگانگی از میان برود؛ و علم و دانش برتری پیدا کند؛ و صلح و آشتی فراگیر شود و تفرقه و پراکندگی به اتحاد و اجتماع مبدل شود و ایمان قدرت بگیرد و قرآن تلاوت گردد، همانا تو پاداش دهنده روزی ده و بسیار احسان کننده هستی.

ص: ۳۶۹

## ۱۲- دعا برای حفظ شدن از شر دجال

از معاذ بن جبل روایت شده است که گفت: روزی حضرت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم مرا به سوی عبد الله بن سلام فرستاد درحالی که نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم عده ای از اصحابش حضور داشتند، عبد الله بن سلام نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم حاضر شد، حضرت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند:

ای عبد الله؛ برای من خبر بده در مورد ده کلمه ای که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام در روزی که می خواستند او را به آتش بیندازند آموخت، آنان را یافته ای که در تورات نوشته شده باشد؟

عبد الله گفت: ای رسول خدا؛ پدر و مادرم فدای شما، آیا برای شما در مورد آن ده کلمه چیزی نازل شده است؟ همانا من ثواب قرائت آن ها را در تورات یافتم ولی کلمات آن را نیافتم و آن ده عدد دعا بود که در تمامی آن ها اسم اعظم خداوند وجود داشت.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: آیا خداوند آن ها را به حضرت موسی علیه السلام آموخت؟

عبد الله گفت: خداوند آن ها را به کسی جز حضرت ابراهیم علیه السلام نیاموخت.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: چه چیزی در مورد ثواب آن در تورات دیده ای؟

عبد الله گفت: ای رسول خدا؛ چه کسی توانایی دارد که به آن ثواب ها برسد؟ من در تورات دیدم که نوشته شده است:

هیچ بنده ای نیست که خداوند بر او منت گذارد و این کلمات را در قلب او قرار دهد مگر این که نور را در چشمان او و یقین را در قلبش قرار دهد و سینه اش را برای ایمان بگشاید و نوری برای او قرار دهد که از جایی که نشسته به سوی عرش تالو کند و خداوند روزی دو بار به او بر فرشتگان مباحثات کند و حکمت را در زبانش قرار دهد و حفظ کتابش را به او عطا فرماید؛ گرچه نسبت به این امر حریص نباشد، و او را در

دین، فقیه و دانشمند قرار دهد و محبت او را در قلب های بندگانش بیفکند و او را از عذاب قبر و فتنه دجال و ترس و هراس بزرگ روز قیامت ایمن گرداند.

و او را در گروه شهدا محشور فرماید و خداوند او را احترام و تکریم کند و آنچه به کرامت و بزرگواری خویش به رسولانش عطا کرده، به او نیز عطا کند و چنین شخصی روزی که همه مردم می ترسند، نمی ترسد و روزی که تمام مردم غمگین هستند غمگین نمی باشد، و نام او در نزد خداوند به عنوان صدیق (تصدیق کننده) نوشته شود و در روز قیامت محشور شود درحالی که قلبش آرام و مطمئن باشد و تحت پوشش بزرگان همراه حضرت ابراهیم علیه السلام در روز قیامت باشد.

به برکت این دعا، بنده آنچه از خداوند بخواهد به او عطا فرماید و اگر خداوند را سوگند دهد، خداوند به سوگند او عمل کند و در مجاورت پروردگار مهربان در جایگاه باشکوه (بهشت) استقرار پیدا کند و برای او ثواب هر شهیدی که از ابتدای آفرینش دنیا به شهادت رسیده اند، نوشته شود.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: ای ابن سلام؛ مراد از جایگاه باشکوه چیست؟

ابن سلام گفت: مراد بهشت عدن می باشد و آن، محلّ عرش پروردگار باعظمت و در جوار خداوند می باشد.

ابن سلام گفت: ای رسول خدا؛ آن (دعا) را به ما یاد بده و همان گونه که خداوند به شما احسان نموده، شما نیز به ما احسان فرما.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: برای خداوند به سجده بیفتید.

معاذ بن جبل گفت: آنان همگی به سجده افتادند، و چون سر از سجده برداشتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: بخوانید:

يا الله يا الله يا الله، أنت المرهوب منك جميع [خلقك]، يا نور النور، أنت الّذى احتجبت دون خلقك فلا تدرک نورک نور،  
يا

خدایا، خدایا، خدایا، تو کسی هستی که تمامی مخلوقات از تو هراسان و ترسان هستند، ای روشنی بخش نور، تو کسی هستی که از خلق خود در حجاب و پنهان هستی و نور هم نمی تواند نورایت تو را درک کند،

اللّٰه يا اللّٰه يا اللّٰه، أنت الرّٰفِع الّٰذی ارتفعت فوق عرشک من فوق سمآئک، فلا یصف عظمتک أحد من خلقک، یا نور النّور قد استنار بنورک أهل سمآئک، و استضاء بضوئک أهل أرضک. یا اللّٰه یا اللّٰه یا اللّٰه، أنت الّٰذی لا إله غیرک، تعالیت عن أن یكون لک شریک، و تعظمت عن أن یكون لک ولد، و تکرمت عن أن یكون لک شیه، و تجیرت عن أن یكون لک ضدّ، فأنت اللّٰه المحمود بكلّ لسان، و أنت المعبود فی کلّ مکان، و أنت المذکور فی کلّ أوان و زمان، یا نور النّور، کلّ نور خامد لنورک، یا ملیک کلّ ملیک، یفنی غیرک یا دائم، کلّ حیّ یموت غیرک. یا اللّٰه یا اللّٰه یا اللّٰه الرّحمان الرّحیم، ارحمنی رحمہ تطفئ بها غضبک، و تکفّ بها عذابک، و ترزقنی بها سعاده من عندک، و تحلّنی بها دارک الّتی تسکنها خیرتک من

خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ تو بلندمرتبه ای هستی که بر عرش خودت که بالاتر از آسمان هایت می باشد استیلا و برتری یافتی، پس عظمت و جلال تو را هیچ یک از مخلوقات نمی تواند وصف کند، ای روشنی بخش نور، همانا اهل آسمان ها از نور تو، نور گرفته اند و اهل زمین در پرتو روشنایی تو روشنی یافتند. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ تو کسی هستی که غیر تو خدایی نیست، تو بالاتر از آن هستی که برای شریکی باشد و بزرگ تر از آن هستی که برای فرزندی باشد و بزرگوارتر از آن هستی که برای همانند و شبیهی باشد و برتر از آن هستی که برای ضدّ و مخالفی باشد، پس تو خدایی هستی که به تمامی زبان ها ستایش شده ای و کسی که در تمامی مکان ها عبادت و پرستش شده ای و کسی هستی که در تمامی ساعات و لحظات یاد شده ای، ای روشنی بخش نور؛ تمامی نورها با وجود نور تو خاموش هستند، ای صاحب ملک هر مالکی؛ غیر تو همه چیز فانی و نابود می شود، ای کسی که ابدی هستی و تمامی زنده ها-غیر از تو-می میرند. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ ای بخشنده مهربان؛ آن گونه مرا مورد مهر و رحمت خویش قرار بده که آتش خشم و غضب تو را خاموش کند و عذابت را از من بازدارد و از جانب تو سعادت و خوشبختی را رزق و روزی من فرماید و به وسیله آن در جایگاهی که بندگان نیکوکار در آنجا ساکن هستند،



خلقك، يا أرحم الراحمين. يا من أظهر الجميل، و ستر القبيح، يا من لم يؤاخذ بالجريه، و لم يهتك الستر، يا عظيم العفو، يا حسن التجاوز، يا واسع المغفره، يا باسط اليدين بالرحمه، يا صاحب كل نجوى، و يا منتهى كل شكوى، يا كريم الصّيفح، يا عظيم المنّ، يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها، يا ربّاه يا ربّاه، و يا سيّده و يا أملاه، و يا غايه رغبته، أسألك يا الله يا الله أن لا تشوّه خلقى فى النار.

ساكن شوم، اى مهربان ترين مهربانان؛ اى كسى كه زيبايى را آشكار مى كنى و زشتى را مى پوشانى، اى كسى كه بنده ات را به گناهش مؤاخذه نمى كنى و پرده درى نمى كنى، اى داراى عفو عظيم؛ اى كسى كه گذشت نيكو دارى، اى كسى كه مغفرت و بخشش او فراگير است، اى كسى كه دست رحمت او براى همه باز است، اى صاحب تمامى رازها و اى پايان تمامى شكايته ها (دادرسي تمامى شكايته ها به او ختم مى شود)، اى صاحب الطاف بزرگ، اى بزرگ ترين بخشنده، اى كسى كه به بندگان قبل از استحقاق آنان نعمت بخشيدى، پروردگارا؛ پروردگارا؛ اى آقا و سرور؛ اى كعبه آمال و آرزوها و اى نهايت اشتياق. خدايا؛ خدايا؛ خدايا؛ از تو مى خواهم كه هيات مرا در آتش جهنم زشت و بد تركيب نكنى.

ابن سلام گفت: اى رسول خدا؛ ثواب كسى كه اين كلمات را بخواند، چيست؟ حضرت فرمودند:

هيئات هيهات، امكان ندارد كه آن را به قلم آورد، اگر فرشتگان هفت آسمان و زمين جمع شوند و بخواهند آن را تا روز قيامت توصيف كنند، هرگز نمى توانند يك جزء از هزار جزء ثواب آن را بيان كنند.

سپس حضرت پيامبر صلی الله عليه و اله و سلم برای این كلمات ثواب ها و فضایل بسيارى ذكر فرمودند، كه در اینجا مجال ذكر آن ها نيست و به همین مقدار به خاطر این كه مطلب طولانى نشود، اكتفا مى كنيم. (۱)

ص: ۳۷۳

(إلهی عظم البلاء)

مرحوم کفعمی در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت امام زمان ارواحنا فداه نقل می فرماید که آن حضرت آن دعا را به مردی که زندانی بود یاد می دهند و بعد از خواندن، او از زندان آزاد می شود:

إلهی عظم البلاء، و برح الخفآء، و انکشف الغطاءء، و انقطع الرجآء، و ضاقت الأرض، و منعت السماء، و أنت المستعان، و إلیک المشتکی، و علیک المعول فی الشده و الرجآء. اللَّهُمَّ صلّ علی محمّد و ال محمّد، اولی الأمر العذین فرضت علینا طاعتهم، و عزفتنا بذلک منزلتهم، ففرّج عنّا بحقّهم فرجا عاجلا قریبا کلمح البصر أو هو أقرب، یا محمّد یا علی، یا علی یا محمّد، إکیفانی فإنکمما کافیان، و انصرانی فإنکمما ناصران، یا مولانا یا صاحب الزّمان، الغوث الغوث الغوث،

بارخدا یا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پرده (از کار ما) برداشته شد و امید قطع شد و زمین (بر ما) تنگ آمد و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد و تنها تویی که از تو یاری خواسته می شود، و شکایت ما نزد تو آورده می شود و در سختی و سستی بر تو اعتماد می شود. خدایا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، همان صاحبان امری که اطاعت آن ها را بر ما واجب کردی و به این وسیله مقام و منزلت آنان را برای ما شناساندی، پس به حقّ آنان برای ما گشایش فوری و نزدیکی چون چشم برهم زدن یا نزدیک تر از آن مرحمت فرما، ای محمّد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمّد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما کفایت کنندگان من هستید و مرا یاری کنید که همانا شما یاری کنندگان من هستید، ای مولای ما، ای صاحب الزمان؛ به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس،

أدركنى أدركنى أدركنى، السّاعه السّاعه السّاعه، العجل العجل العجل، يا أرحم الرّاحمين بحقّ محمّد و اله الطّاهرين (۱).

مرا دریاب؛ مرا دریاب؛ مرا دریاب؛ هم اکنون، هم اکنون، هم اکنون، به شتاب، به شتاب، به شتاب، ای مهربان ترین مهربانان، به حقّ حضرت محمّد و آل پاکش.

#### ۱۴- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

در پایین پای حضرت، توقّف می کنی و می خوانی:

اللّهُمَّ عظم البلاء، و برح الخفاء، و انكشف الغطاء، و ضاقت الأرض، و منعت السّماء، و أنت يا ربّ المستعان، و إليك يا ربّ المشتكى. اللّهُمَّ صلّ على محمّد و اله، الّذين فرضت طاعتهم، و عرّفنا بذلك منزلتهم، و فرّج عنّا كربنا قريبا كلمح البصر، أو هو أقرب، يا أبصر الناظرين، و يا أسمع السّامعين، و يا أسرع الحاسبين، و يا أحكم الحاكمين. يا محمّد يا عليّ، يا عليّ يا محمّد، يا مصطفی یا مرتضی، یا مرتضی یا مصطفی،

بارخدایا؛ بلا- و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پرده (از کار ما) برداشته شد و پهنای زمین تنگ شد، و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد و تویی ای پروردگار آن کس که از او یاری خواسته می شود، و شکایت نزد تو آورده می شود. بارخدایا؛ بر محمّد و آل او درود فرست، آنان که اطاعت ایشان را واجب کردی و مقام و مرتبه آنان را بدین وسیله به ما شناساندی و اندوه ما را برطرف کن به زودی مانند یک چشم برهم زدن یا زودتر از چشم برهم زدن، ای بیناترین بیننده و ای شنواترین شنونده و ای سریع ترین محاسبه کننده و ای حکیم ترین حکیمان. ای محمّد ای علی، ای علی ای محمّد، ای برگزیده شده (مصطفی)، ای راضی شده (مرتضی)، ای راضی شده، ای برگزیده شده،

ص: ۳۷۵

(۱- ۱). البلد الأمين: ۶۰۷، مزار شهید: ۲۳۱، المصباح: ۲۳۵، [۱] منهاج العارفين: ۴۸۳.

انصرانی فإِنكُمَا ناصرای، و اکفیانی فإِنكُمَا کافیای، یا صاحب الزّمان، الغوث الغوث الغوث، أدركنی أدركنی أدركنی،

مرا یاری کنید که شما یاری کنندگان من هستید و مرا کفایت کنید که شما کفایت کنندگان من هستید، ای صاحب الزمان به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب،

این جمله (أدرکنی) را می گویی تا نفس قطع شود، سپس حاجت خود را درخواست می کنی که به خواست خداوند برآورده می شود. (۱)

## ۱۵- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در سجده شکر

شیخ الطائفه، طوسی رحمه الله در کتاب «مصباح المتهجد» می فرماید: سجده شکر بجا آور و بخوان آنچه را که حضرت امام کاظم علیه السلام برای عبد الله بن جندب نوشت: در سجده سه مرتبه این دعا را بخوان:

اللّهُمَّ إِنِّي اشهدك، و اشهد ملائكتك و أنبياءك و رسلك و جميع خلقك بأنك أنت الله ربّي، و الإسلام ديني، و محمّد نبّي، و عليّ وليّ، و الحسن و الحسين و عليّ بن الحسين و محمّد بن عليّ و جعفر بن محمّد و موسى بن جعفر و عليّ بن موسى و محمّد بن عليّ و عليّ بن محمّد و الحسن بن عليّ و الخلف

بارخدايا؛ من تو را و فرشتگان و رسولانت و تمامی مخلوقات را شاهد و گواه می گیرم که تو پروردگار من و اسلام دین من و حضرت محمّد صلی الله علیه و اله و سلّم پیامبر من و حضرت علی علیه السلام ولی و سرپرست من می باشد و امام حسن، امام حسین، امام سجّاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و جانشین

ص: ۳۷۶

الصّالِح صلواتك عليهم أئمتي، بهم أتولّي، و من عدوّهم أتبرّء. اللَّهُمَّ إِنِّي انشدك دم المظلوم. و سه مرتبه می گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي انشدك بوأيك على نفسك لأوليائك، لتظهرنهم على عدوك و عدوهم أن تصلّي على محمّد و على المستحفظين من ال محمّد. و سه مرتبه می گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي انشدك بإيوائك على نفسك لأعدائك، لتهلكنهم و لتخزينهم بأيديهم و أيدي المؤمنين، أن تصلّي على محمّد و على المستحفظين من ال محمّد. و سه مرتبه می گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي أسألك اليسر بعد العسر.

(۱)

صالح ایشان که درود تو بر تمامی ایشان باد، پیشوایان و امامان من هستند. به ایشان اظهار ارادت و ولایت دارم و از دشمنان ایشان بیزاری می جویم و با آنان دشمنی می کنم. خدایا؛ من به خون مظلوم تو را سوگند می دهم. بارخدایا؛ تو را به وعده ای که به اولیا و دوستان خود فرموده ای که آنان را حتما بر دشمنان خویش و دشمنان ایشان چیره گردانی سوگند می دهم که بر حضرت محمّد صلی الله علیه و اله و سلّم، و نگهبانان دینت از آل محمّد درود فرستی. بارخدایا؛ تو را به عهدی که در مورد دشمنانت با خود نموده ای که آن ها را هلاک و نابود کنی و به دست خودشان و به دست مؤمنان، آنان را به خواری و ذلت بکشانی سوگند می دهم که بر حضرت محمّد صلی الله علیه و اله و سلّم و بر نگهبانان دینت از آل محمّد درود فرستی. بارخدایا؛ من از تو آسایش و راحتی را بعد از سختی و مشقت می خواهم.

## ۱۶- دعای هنگام عطسه

در کتاب «جنات الخلود» آورده است: هنگام عطسه کردن، مستحب است که انگشت اشاره را روی سر بینی قرار داده و آنچه را که امام زمان ارواحنا فداه قرائت فرموده است، بخواند:

ص: ۳۷۷

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و اله عبدا ذا كرا لله، غير مستكف و لا مستكبر. (۱)

ستایش، ویژه خداست، که پروردگار جهانیان است؛ و درود خدا، بر محمد و آل او باد. درحالی که بنده ای هستم، که همواره به یاد خدا می باشم، و روگردان نیستم و استکبار نمی ورزم.

## ۱۷- دعای سفر در ساعت مخصوص

به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

سید بن طاوس رحمه الله در کتاب «الأمان» آورده است: ما در کتاب خود به نام «الأسرار المودعه فی ساعات الليل و النهار» گفتیم که هر ساعتی از روز، ویژه یکی از امامان علیهم السلام است، و هر ساعتی نیز دو دعا دارد. یکی را از دستخط جدم شیخ طوسی رحمه الله نقل کردم، و دیگری را از دستخط منسوب به ابن مقله روایت نمودم.

از روایات استفاده می شود که هر یک از امامان علیهم السلام، در ساعتی که به ایشان اختصاص دارد، نگاهبان و حمایت کننده از شیعیان، خواهند بود:

ساعت اول، اختصاص دارد به مولای ما امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام است.

و ساعت دوم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسن علیه السلام؛

و ساعت سوم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسین علیه السلام؛

و ساعت چهارم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام زین العابدین علیه السلام؛

و ساعت پنجم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام باقر علیه السلام؛

و ساعت ششم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام؛

و ساعت هفتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام کاظم علیه السلام؛

ص: ۳۷۸

و ساعت هشتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام؛

و ساعت نهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام جواد علیه السلام؛

و ساعت دهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام هادی علیه السلام؛

و ساعت یازدهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام عسکری علیه السلام؛

و ساعت دوازدهم که اختصاص دارد به امام دوازدهم حضرت مهدی صلوات الله علیه دارد.

انسان، در هریک از ساعت های دوازده گانه یاد شده، دعای ویژه آن ساعت را می خواند؛ و تفاوتی ندارد که روز بلند تابستانی، یا روز کوتاه زمستانی باشد؛ زیرا از روایات برمی آید که روز به هر اندازه باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاهای مخصوص نیز دوازده بخش هستند.

بدین سان، هرگاه تصمیم به مسافرت گرفتی، هنگام حرکت در هریک از ساعتهای دوازده گانه که قرار داشتی-و آن ساعت به هریک از امامان عزیزی که خدا او را حمایت کننده و وسیله نجات قرار داده اختصاص داشت-این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا فَلَانَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّنِي أَسْلَمْتُ عَلَيْهِ، وَ إِنَّنِي أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ بِإِقْبَالِكَ عَلَيْهِ، فِي أَنْ يَكُونَ خِفَارَتِي وَ حِمَايَتِي وَ سَلَامَتِي وَ كَمَالَ سَعَادَتِي ضَمَانَهَا بِكَ عَلَيْهِ، حَيْثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ فِي السَّاعَةِ الَّتِي جَعَلْتَهُ كَالْخَفِيرِ فِيهَا وَ حَدِيثَهَا فِي ذَلِكَ إِلَيْهِ.

بارالها؛ به مولای ما، (نام امامی را ببر که آن ساعت به او اختصاص دارد) -که درودهایت بر او نثار باد- این خبر را برسان که من بر او درود و سلام می فرستم، و چون تو روی به ایشان داری من نیز به ایشان روی آورده ام؛ تا به ضمانت تو، مرا در حمایت و پناه و امتیث خویش بدارند و سعادت و خوشبختی کامل نصیبم شود؛ زیرا من در ساعتی آغاز به کار می کنم که آن حضرت را نگاهبان و امان دهنده در آن ساعت قرار داده ای.

به نظر می رسد که مناسب است هرگاه به توقفگاهی در بین راه رسیدی، در هر ساعتی که بود دعای ویژه آن ساعت را بخوانی؛ همچنین، هنگام حرکت از توقفگاه نیز به امامی که آن ساعت ویژه اوست، عرض سلام و ادب کنی، تا روح با او

انس

بیشتر بگیرد، و او را ضامن خود بسازی که از آن ساعت پیش آمدی برایت رخ ندهد.

اگر خداوند بزرگ این کار را از تو نمی خواست، این مطالب را نمی آموختی. البته با این کار، تمام کارهایت در مسافرت هایت، عنوان عبادت خواهد یافت و ذخیره ای برای آن جهان خواهد شد. (۱)

## ۱۸- دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه

در ساعت دوازدهم روز

این دعا مخصوص ساعت دوازدهم-یعنی از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن-در هر روز برای امام زمان ارواحنا فداه است:

یا من توحد بنفسه عن خلقه، یا من غنی عن خلقه بصنعه، یا من عرف نفسه خلقه بلطفه، یا من سلک بأهل طاعته مرضاته، یا من أعان أهل محبته علی شکره، یا من منّ علیهم بدینه، و لطف لهم بنآئله. أسألك بحقّ ولیک الخلف الصالح، بقیتک فی أرضک، المنتقم لک من أعدائك، و أعداء رسولک، بقیه ابائه الصالحین، محمّد بن الحسن، و أتضرّع إلیک به، و اقدمه

ای کسی که خود را از آفریدگانش جدا ساخته؛ ای کسی که به آفریده اش از آفریدگانش بی نیاز است؛ ای کسی که خود را با لطف و مهربانی به آفریدگانش شناسانده؛ ای کسی که فرمانبردارانش را به شاهراه خشنودی های خود کشانده؛ ای کسی که دوست داران خود را برای سپاسگزاریش یاری نموده؛ ای کسی که با آیین خویش بر دوست دارانش منت نهاده، و با نعمت ها و بخشش های خود به آن ها لطف کرده است؛ از تو درخواست می کنم، به واسطه ولی خود و آن جانشین صالح؛ که یادگار و باقی مانده حجت های تو در زمینت می باشد، و از دشمنان تو و پیامبرت، انتقام می گیرد؛ هم او که یادگار اجداد شایسته اش است، یعنی محمّد فرزند حسن؛ و به واسطه او نزد تو تضرّع و زاری می کنم، و او را

ص: ۳۸۰



بین یدی حوائجی و رغبتی إليك. أن تصلى على محمد و آل محمد، و أن تفعل بی کذا و کذا، و أن تدارکنی به، و تنجینی مما أخافه و أحذره، و ألبسني به عافيتك و عفوك في الدنيا و الآخرة، و کن له وليا و حافظا، و ناصرا و قائدا، و كالنا و ساترا، حتى تسكنه أرضك طوعا، و تمتعه فيها طويلا، یا أرحم الراحمين، و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم، فسيكفيكم الله و هو السميع العليم. اللهم صل على محمد و آل محمد، الذين أمرت بطاعتهم، و اولی الأرحام الذين أمرت بصلاتهم، و ذوی القربى الذين أمرت بمودتهم، و الموالی الذين أمرت بعرفان حقهم، و أهل البيت الذين أذهب عنهم الرجس و طهرتهم تطهيرا. أسألك بهم أن تصلى على محمد و آل محمد، و أن تغفر ذنوبی كلها یا غفار، و تتوب علیّ یا تواب، و ترحمنى یا

پیشاپیش حاجت ها و خواسته هایم نزد تو قرار می دهم؛ (از تو می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و نسبت به من چنین وچنان کنی. و (می خواهم که) به واسطه او مرا دریابی، و از آنچه برایم ترسناک و هولناک است و از آن پرهیز می کنم، نجاتم دهی. و به واسطه آن وجود شریف، لباس عافیت و عفو و بخشش خود را در دنیا و آخرت به من بپوشانی. نیز، برای او سرپرست و نگهبان و یاور و راهبر و نگهدارنده و پوشش دهنده باش، تا آن که او را از روی میل بر روی زمین ساکن گردانی و در آن برای مدّت طولانی بهره مند نمایی؛ ای مهربان ترین مهربانان؛ به خوبی می دانم که هیچ جنبش و نیرویی جز به واسطه تو (ای خدای بلندمرتبه با عظمت) نیست؛ پس به زودی خداوند تو را از ایشان کفایت می کند، و اوست که شنوا و دانا است. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ همان بزرگوارانی که دستور به اطاعت از ایشان داده ای؛ همان عزیزان و خویشان نسبی پیامبر، که فرمان دادی به ایشان بیوندیم؛ همان نزدیکان پیامبر که امر فرمودی تا با ایشان اظهار مهربانی و دوستی کنیم؛ همان فرمان فرمایانی که دستور فرمودی به شناخت حق آنان؛ همان اهل بیت پیامبر که پلیدی و ناپاکی را از آن ها دور ساخته و بدین سان پاکیزگی و پاکی کامل ظاهری و باطنی را بر ایشان مقرر داشتی. به واسطه ایشان از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و تمام گناهانم را ببخشی؛ ای بسیار بخشنده؛ و از من درگذری و بازگشتم را بپذیری، ای بسیار توبه پذیر؛ و به من رحم کنی؛ ای

رحیم، یا من لا یتعاضمه ذنب و هو علی کل شیء قدیر. (۱)

رحم کننده؛ ای کسی که گناه هیچ کس ضرری به عظمت و بزرگی او نمی رساند؛ و این در حالی است که بر هر چیز تواناست.

## ۱۹- دعای دیگر در ساعت مخصوص

به آن حضرت ارواحنا فداه

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا برای ساعت مخصوص امام زمان ارواحنا فداه-از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن-در هر روز نقل شده است:

اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السِّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَ الْمَهَادِ الْمَوْضُوعِ، وَ رَازِقَ الْعَاصِي وَ الْمَطِيعِ، الْهَدَى لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ. أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سَمَّيْتَ عَلَى طَوَارِقِ الْعَسْرِ عَادَتِ يَسْرًا، وَ إِذَا وَضَعْتَ عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَثْوَرًا، وَ إِذَا رَفَعْتَ إِلَى السَّمَاءِ تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ، وَ إِذَا هَبَطْتَ إِلَى ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ، وَ إِذَا دَعَيْتَ بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ مِنَ اللَّحُودِ، وَ إِذَا نَوَدَيْتَ بِهَا الْمَعْدُومَاتِ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ،

بارالها؛ ای به وجود آورنده آسمان برافراشته و زمین گسترده، ای روزی بخش گناه کار و فرمان بر؛ ای کسی که هیچ سرپرستی ندارد، و کسی جز او قادر به شفاعت نیست؛ از تو درخواست می کنم، به واسطه نام هایت که اگر بر راه های صعب و دشوار خوانده شود، آسان می گردند؛ و اگر بر کوه ها نهاده شود، از هم پاشیده و پراکنده می شوند؛ و اگر به سوی آسمان بالا برده شود، تمامی بسته ها فرارویش گشوده شوند؛ و اگر به تاریکی های زمین فرورستاده شود، تمامی تنگی ها فرارویش گسترده شوند؛ و اگر بر مردگان خوانده شود، از قبرها به در آیند؛ و اگر بر نیست ها و نابودشدگان دمیده شود، به عرصه وجود در آیند؛

ص: ۳۸۲

---

۱- ۱). البلد الأمين: ۲۱۱، [۱] المصباح: ۱۹۳، [۲] منهاج العارفين: ۱۲۷، همچنین، در دو کتاب «مصباح المجتهد: ۵۱۷» و «بحار الأنوار: ۸۶/۳۵۴» [۳] با اندکی تفاوت آمده است.

و إذا ذكرت على القلوب وجلت خشوعا، و إذا قرعت الأسماع فاضت العيون دموعا. أسألك بمحمد رسولك المؤيد بالمعجزات، المبعوث بمحكم الايات، و بأمر المؤمنين علي ابن أبي طالب، الذي اخترته لمؤاخاته و وصيته، و اصطفيته لمصافاته و مصاهرته، و بصاحب الزمان المهدي، الذي تجمع على طاعته الاراء المتفرقه، و تؤلف به بين الأهواء المختلفه، و تستخلص به حقوق أوليائك، و تنتقم به من شر أعدائك، و تملأ به الأرض عدلا و إحسانا، و توسع على العباد بظهوره فضلا و امتنانا، و تعيد الحق إلى مكانه عزيزا حميدا، و ترجع الدين على يديه غضا جديدا، أن تصلي على محمد و آل محمد، فقد استشفعت بهم إليك، و قدمتهم أمامي و بين يدي حوائجي، و أن توزعني شكر نعمتك، في التوفيق لمعرفة،

و اگر بر دل ها یادآوری شود، از روی خشوع به لرزه درآیند؛ و اگر بر گوش ها خوانده شوند، اشک شوق از دیدگان سرازیر خواهد شد. از تو درخواست می کنم؛ به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم رسول و فرستاده ات که با معجزه هایت او را تأیید نمودی، و او را با نشانه های محکم و استوار برانگیختی، و از تو درخواست می کنم به واسطه امیر مؤمنان علی بن ابی طالب؛ که برای برادری و جانشینی آن حضرت اختیار کردی، و او را برای دوستی خالص و دامادی پیامبرت، برگزیدی، و نیز به واسطه حضرت مهدی-صاحب زمان و روزگار-از تو درخواست می کنم همان عزیزی که دیدگاه های پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می آوری؛ و به واسطه او خواسته های مختلف را به هم پیوند می دهی؛ و حق دوستانت را به واسطه او باز می ستانی و برمی گردانی؛ و از بدترین دشمنانت، به واسطه آن بزرگوار انتقام می گیری؛ و به وسیله او، زمین را پر از عدل و داد و نیکی می کنی؛ و با ظهور او، فضل و احسانت را بر بندگان توسعه می دهی و فراوان می گردانی؛ و حق و راستی را به جایگاه او درحالی که عزیز و نیرومند و ستوده باشد باز می گردانی؛ و دین و آیین راستین خود را به دست باکفایت او تروتازه می گردانی؛ (از تو می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، واقعیت آن است که من ایشان را شفیع خود ساخته ام و آنان را پیشاپیش خود و پیشاپیش حوائج خود به درگاه تو آورده ام، تا خواسته هایم را برآورده سازی، و (از تو می خواهم) سپاسگزاری نعمت خودت را نصیب کنی؛ در این که مرا به شناخت آن حضرت توفیق داده،

و الهدایه إلى طاعته، و تزیدنی قوه فی التمسک بعصمته و الإقتداء بسنته، و الکنون فی زمرته، إنک سمیع الدعاء، برحمتک یا أرحم الراحمین. (۱)

و به فرمان بری از او رهنمون گشته ای، و نیرویم را برای چنگ زدن به نگهبانی ویژه او و پیروی از روش های او، و بودن جزو همراهان و یارانش فزونی بخشی. راستی که تو شنوای دعا هستی، به خاطر مهربانیت، ای مهربان ترین مهربانان؛

علامه خواجهی در تعلیقه خود آورده است:

این که فرموده: «الذی تجمع علی طاعته الآراء المتفرقه»؛ «دیدگاه های مختلف و پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می آوری»، دلالت بر این مطلب دارد که در زمان دولت و حکومت مقتدرانه و فراگیر آن حضرت، دیدگاه ها و خواسته ها باهم تفاوت ندارند و یکی می شوند؛ تا جایی که هر که سخن و نظری می گوید، در راستای فرمان برداری از آن حضرت است.

امام عصر صلوات الله علیه، رئیس و فرمان روایی مورد قبول و مورد اطاعت همگان است، و هر کس به حق خود می رسد، خمس در جای خود مصرف می شود، و زکات، غنیمت، انفال، دیه ها، قصاص و دیگر احکام نیز به درستی انجام می شوند و به مصرف می رسند.

فدک، به صاحبان واقعی اش می رسد، و از تمام دشمنان خدا، به نفع دوستان خدا انتقام گرفته می شود؛ چه زندگان آن ها و چه مردگان آن ها، که با زنده کردنشان برای آن ها از دشمنان انتقام گرفته می شود.

دلیل مطالبی که عرض شد، روایت های فراوانی است که در خصوص این موضوعات آمده است.

از جمله حدیث های یادشده می توان اشاره کرد به این حدیث که خداوند به زودی

ص: ۳۸۴

---

۱- ۱). مفتاح الفلاح: ۴۹۸، [۱] المصباح: ۱۹۴ (۲] با اندکی تفاوت).

گروهی را هنگام ظهور حضرت مهدی صلوات الله علیه به دنیا برمی گرداند، که جزو شیعیان بوده اند و ایمانی خالص داشته اند، و از دنیا رفته اند. برگرداندن ایشان به جهت دست یابی به ثواب یاری و کمک رسانی به امام عصر صلوات الله علیه، و نیز شادکامی خودشان از دیدن برپایی دولت آن حضرت است.

نیز، گروهی را که کفرشان کامل بوده به دنیا برمی گرداند تا از ایشان انتقام بکشد، و بخشی از عذاب و رنجشی را که حقّ شان است-یعنی کشته شدن به دست شیعیان-به ایشان برسد؛ و با مشاهده اقتدار و حکمرانی نیرومند آن حضرت، به خواری و رسوایی کشیده شوند.

در آن زمان شریف، عدل و داد و نیکی در شرق و غرب هستی برپا می شود؛ چنان که خداوند در قرآن به این موضوع امر فرموده است.

همچنین، بندگان خداوند، توانگر و پرروزی خواهند شد، و هرچه برای زندگی مادی و نیز امور آخرت شان نیاز دارند، برای شان فراهم خواهد بود.

در آن روزگار، حقیقت و راستی به جایگاه ارزشمند و شایسته خود می رسد، و آیین‌های بخش اسلام نیز-با وجود از بین رفتنش-دوباره برمی گردد و از نو مطرح می شود؛ بدین سان، مسلمانان، اسلام تازه را اختیار می کنند، و در این روزگار است که حکومت زمین به طور کامل در اختیار نمایندگان الهی قرار می گیرد. خوشا به حال اهل آن روزگار؛ خوشا به حال شان.

بارالها؛ در ظهورش شتاب فرما، و کار قیام او را آسان گردان، و ما را از کسانی قرار بده که در زیر خیمه گاه های حکومت او درآیند، و به شرف دیدار او و دوستانش نایل می شوند، و پیش روی او به مبارزه می پردازند و دشمنان او را می کشند و خود نیز کشته می شوند تا فرمان او بلندمرتبه شود و آیین او قدرتمند گردد به حقّ محمّد و آل و عترتش، که دروهای الهی نثارشان باد. (۱)

ص: ۳۸۵

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَ أَوْجِبْتَ حَقَّهُمْ، وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِي لِدِينِكَ، وَ انصُرْ بِي أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، وَ احْرَسْهُ وَ امْنَعْهُ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ، وَ أَظْهَرْ بِي الْعَدْلَ، وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ، وَ اخْذِلْ خَاذِلِيهِ، وَ اقْصِمْ بِي جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَ اقْتُلْ بِي الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ امْلَأْهُ بِه

بارالها؛ درود بفرست بر نماینده ات که فرزند نمایندگان ویژه توست؛ همان بزرگوارانی که فرمان برداری از ایشان را فرض و واجب فرمودی، و رعایت حق ایشان را بر همگان لازم کردی، و رجس و پلیدی را از ایشان زدودی، و بدین سان به طور کامل پاک و پاکیزه نگاهشان داشتی. خدایا؛ او را یاور و پیروز گردانت قرار ده، و دوستانت را و دوستان و شیعیان و یاران باوفای او را به واسطه او یاری برسان؛ ما را نیز جزو این یاری شوندهگان بگمار. خدایا؛ آن عزیز را از زیان و بدی تمام ستمگران و طاغوت ها و سرکشان و از بدی و زیان همه آفریدگانت در پناه خودت بدار. و او را از پیش روی، پشت سر، راست و چپ نگهداری کن، و پاسداری و نگهدارنده اش باش تا هیچ گزند و بدی بدو نرسد؛ و بدین سان، پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم و آل رسالت را نیز محافظت فرما. خدایا؛ عدل و داد را به دست او آشکار فرما، و او را با یاری ات تأیید و موفق گردان، و یارانش را یاری کن، و مخالفان و بدخواهانش را خوار و رسوا کن؛ و به واسطه او ستمگران کافر را درهم بکوبان، و کافران و منافقان و تمام منکرات را -در شرق و غرب هستی و خشکی و دریای جهان- به واسطه او نابود فرما. به دست باکفایتش

الأرض عدلا، و أظهر به دين نبّيك عليه و آله السّلام. و اجعلني اللّهم من أنصاره و أعوانه، و أتباعه و شيعته، و أرنى فى ال  
محمّد ما يأملون، و فى عدوّهم ما يحذرون، إله الحقّ امين. (۱)

زمین را پر از عدل و داد کن، و آیین راستین پیامبرت را- که بر او و آل او درود باد- را دوباره آشکار ساز. خدایا؛ مرا جزو  
یاران و کمک رسانان به آن عزیز، و تابعان و پیروان آن بزرگوار مقوّر فرما؛ و به من نشان بده در مورد آل محمّد آنچه را  
ایشان آرزو دارند و در مورد دشمنان شان آنچه را از آن پرهیز می کنند و می ترسند. ای معبود راستین؛ اجابت فرما.

## ۲۱- دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در آغاز نمازها

سید حمیری رحمه الله در ضمن نامه ای به محضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداه از حضرتش پرسید: آیا در آغاز نماز به عنوان  
توجه می توان گفت: «علی ملّه إبراهیم و دین محمّد صلی الله علیه و اله و سلّم»؟

در توضیح این سؤال نیز بیان داشت که برخی از عالمان اظهار داشته اند که این بدعت است که گفته شود: «علی دین محمّد  
صلی الله علیه و اله و سلّم» به این دلیل که در این مورد تنها یک حدیث در کتاب های مربوط آمده، و آن نیز در کتاب قاسم  
بن محمد موجود است که از جدّش حسن بن راشد نقل کرده که امام صادق علیه السّلام به او فرمودند:

چگونه شروع به نماز می کنی؟

گفت: می گویم: «لبيك و سعديك».

«خدایا؛ دعوت تو را پاسخ می گویم و از این باب خوشبختم».

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

پرسشم این نبود؛ پرسشم این است که این عبارت را هنگام شروع نماز چگونه

ص: ۳۸۷

می گویی: «وَجْهت وجهی للذی فطر السماوات و الأرض حنیفا مسلما» .

روی به کسی آوردم که آسمان ها و زمین را آفرید؛ درحالی که تسلیم و پرستشگر او هستم؟ حسن بن راشد گفت: همان را می گویم.

حضرت فرمودند: این عبارت را این گونه بگو:

«علی مله ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و اله و سلم و منهاج علی بن ابی طالب علیه السلام و الإیتام بآل محمد حنیفا مسلما و ما أنا من المشرکین»

بر آیین ابراهیم و دین محمد و راه و روش علی بن ابی طالب، و پذیرش پیشوایی آل محمد-نماز می گزارم، درحالی که پرستشگر و تسلیم خدا هستم، و شرک نمی ورزم.

امام زمان صلوات الله علیه در پاسخ حمیری فرمودند:

توجه (یعنی خواندن این دعا در آغاز نماز) واجب نیست؛ و مستحب مؤکد در این باره-که همانند اجماع مورد قبول همگان می باشد-این عبارت است:

وَجْهت وجهی للذی فطر السماوات و الأرض حنیفا مسلما علی مله ابراهیم و دین محمد و هدی امیر المؤمنین و ما أنا من المشرکین، إن صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین، لا شریک له و بذلک امرت و أنا من المسلمین. اللهم اجعلنی من المسلمین، أعوذ بالله السميع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم،

روی به کسی آورده ام که آسمان ها و زمین را بیافرید؛ درحالی که من تنها او را می پرستم و تسلیم او هستم، بر آیین حضرت ابراهیم؛ و دین حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم، و هدایت امیر مؤمنان علی علیه السلام-هستم و به خدا نیز شرک نمی ورزم. به راستی که نماز، عبادت، زندگانی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است و هیچ شریکی ندارد. من دستور یافته ام که چنین باشم و من جزو مسلمانان هستم. بارالها؛ مرا جزو مسلمانان قرار بده؛ از شیطان رانده شده به خدای شنوای دانا پناه می برم، به کمک نام خدای بخشنده مهربان. و پس از آن، حمد را می خواند. (۱)

ص: ۳۸۸



## ۲۲- دعای حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» این دعا را از جمله دعاهاى امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

إلهی بحق من ناجاک، و بحق من دعاک فی البرّ و البحر، تفضّل علی فقرآء المؤمنین و المؤمنات بالغنآء و الثروه، و علی مرضی المؤمنین و المؤمنات بالشفآء و الصّحه، و علی أحيآء المؤمنین و المؤمنات باللطف و الکرّم، و علی أموات المؤمنین و المؤمنات بالمغفره و الرّحمه، و علی غربآء المؤمنین و المؤمنات بالزّدد إلى أوطانهم سالمین غانمین، بمحمّد و اله أجمعین. (۱)

خدایا؛ از تو درخواست می کنم به حقّ هرکسی که با تو نجوا کرده است، و به حقّ هرکسی که در خشکی و دریا تو را خوانده است؛ که نسبت به مردان و زنان فقیر مؤمن لطف کنی و توانگری و دارایی را روزی شان گردانی؛ به مردان و زنان مریض مؤمن، شفا و سلامتی ارزانی بداری؛ و به مردان و زنان مؤمن که در قید حیات هستند نیکی و بزرگواریت را مرحمت کنی؛ و به مردگان مؤمن -اعم از زن و مرد- آمرزش و رحمت (گسترده ات) را ببخشایی؛ و غریبان مؤمن را -اعم از زن و مرد- در کمال سلامتی و بهره مندی، به وطن هاشان باز گردانی؛ به واسطه حضرت محمّد و آل او.

## ۲۳- دعای سهم اللیل، از امام زمان ارواحنا فداه

این دعا از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه روایت شده است:

ص: ۳۸۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعَزُّزِ اعْتِرَازِ عَزَّتِكَ، بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ، بِقُدْرَةِ مِقْدَارِ اقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ، بِتَأْكِيدِ تَحْمِيدِ تَمَجِيدِ عَظَمَتِكَ، بِسَمَوِّ نَمَوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ، بِدِيمُومِ قِيُومِ دَوَامِ مَدَّتِكَ، بِرِضْوَانِ غَفْرَانِ أَمَانِ رَحْمَتِكَ، بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيْعِ سُلْطَنَتِكَ، بِسَعَاهِ صَلَاةِ بَسَاطِ رَحْمَتِكَ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ، بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ، بِمَعَاقِدِ الْعَزِّ مِنْ عَزِّ عَزِّكَ، بِحَنِينِ أُنِينِ تَسْكِينِ الْمَرِيدِينَ، بِحِرْقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِينَ، بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِينَ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَرَارَاتِ الصَّيَابِرِينَ، بِتَعَبْدِ تَهَجُّدِ تَمَجُّدِ تَجَلُّدِ الْعَابِدِينَ. اللَّهُمَّ ذَهَلْتَ الْعُقُولَ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ، وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ، وَحَارَتِ الْأَوْهَامُ، وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ، وَبَعَدَتِ الظُّنُونُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّتِهِ مَا ظَهَرَ مِنْ بُوَادِي عَجَائِبِ أَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ

خدایا؛ همانا از تو درخواست می کنم به واسطه عزتمندی راستین و عزت بخشیت؛ به واسطه توانایی نیروی بزرگ قدرتی؛ به واسطه توان اندازه های توانایی قدرتی؛ به واسطه بزرگیت که بسی جای سپاس و شکوهمندی حقیقی دارد؛ به واسطه رفعت و والایت که بسی والا و بلندمرتبه است؛ به واسطه دایمی بودن که مدت بسی پایدار و استوار است؛ به واسطه خشنودی آمرزش که امیّت رحمت را به همراه می آورد؛ به واسطه پادشاهی نوآور و استوارت که بسیار والا مرتبه است و با همه متفاوت و از همه بهتر است؛ به واسطه گستره رحمت تو به کوشندگان نماز؛ به واسطه حقیقت حقّ تو که دارای حقایقی راستین است؛ به واسطه آن بخش از راز و رمز ویژه ات که آن را نیز در پرده راز نهاده ای؛ به واسطه آن بخش از عزت و اقتدارت که پایه های عزت توست؛ به واسطه ناله های پنهانی و شکوه های ارادتمندانت؛ به واسطه آه های آتشین و فروتنانه کسانی که از تو می ترسند؛ به واسطه آرزوها، کارها، گفتار کوشش کنندگان؛ به واسطه خشوع و خضوع شکیبایان که در هنگام تلخی ها از خود نشان می دهند؛ به واسطه عبادت ها، شب زنده داری ها و ثنا و ستایش گویی ها و نشاط کسانی که به عبادت و پرستش تو مشغول اند؛ خدای من؛ عقل ها و خردها از کار افتادند، و چشم ها ناتوان شدند، و فهم و درک ها تباه شده و به نابودی گرایید، و خیال ها و اندیشه های ژرف نگر سرگردان شدند، و خاطرها نتوانستند ادامه راه را بروند، و گمان ها در دوردست ها ناکام ماندند؛ ولی هیچ یک نتوانستند به طور کامل این را دریابند که شگفتی های آغازین و نوآوری های گوناگون قدرتی چگونه است؟

البلوغ إلى معرفه تَأَلُّوْ لمعان بروق سمائك. أَللَّهُمَّ محرِّك الحركات، و مبدئ نهايه الغايات، و مخرج ينابيع تفریع قضبان النبات، یا من شقَّ صمّ جلامید الصّخور الرّاسيات، و أنبع منها ماء معينا حياه للمخلوقات، فأحیی منها الحيوان و النبات، و علم ما اختلج فی سرّ أفكارهم من نطق إشارات خفیات لغات النمل السّارحات. یا من سیّحت و هلّلت و قدّست و کبرت و سجّدت لجلال جمال أقوال عظیم عزّه جیروت ملکوت سلطنته ملائکته السّبع السّماوات، یا من دارت فأضّأت و أنارت لدوام دیمومیتته النّجوم الرّاهرات، و أحصى عدد الأحياء و الأموات، صلّ علی محمّد و ال محمّد خیر البریّات، و افعّل بی کذا و کذا.

و نتوانستند به این شناخت دست یابند که چگونه آسمان تو به نورافشانی و درخشندگی برق خود می پردازد. بارالها؛ ای جنباننده جنبنده ها؛ ای آغازگر پایان مقصودها؛ ای کسی که چشمه ها ساقه های گیاهان را بیرون می آورد؛ ای کسی که سنگ های سخت و به زمین چسبیده را شکافت و از آن ها آبی گوارا که باعث زندگانی آفریدگان است بیرون آورد و از آن آب نیز حیوان ها و گیاهان را زندگی بخشید؛ و آن چه را در اندیشه های پنهان شان-همانند برق-می گذرد آگاهی دارد، چنان که از گفتاری که مورچگان با اشاره های رمزی (به عنوان لغت و زبان) دارند آگاه است؛ ای کسی که فرشتگان هفت آسمان برای شکوه زیبایی گفتارهای بزرگ مرتبه عزّت جبروت پادشاهی استوارش، زبان به تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر گشوده اند و به سجده افتاده اند؛ ای کسی که ستارگان پرتوافشان، در برابر دایمی بودن راستین او به چرخش درآمده اند و به نورافشانی پرداخته اند؛ ای کسی که تعداد زندگان و مردگان را می داند و به شماره درآورده است؛ بر محمّد و آل محمّد-که بهترین مردم هستند-درود بی پایانت را نثار فرما؛ و این کارم را برای من انجام بده. و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را مسألت می کنی. (۱)

ص: ۳۹۱

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روایت شده است:

اللّهُمَّ ارزقنا توفيق الطّاعه، و بعد المعصيه، و صدق التّيه، و عرفان الحرمة، و أكرمنا بالهدى و الإستقامه، و سدّد ألسنتنا بالصّواب و الحكمه، و املاً قلوبنا بالعلم و المعرفه، و طهر بطوننا من الحرام و الشّبهه، و اكفف أيدينا عن الظلم و السرقة و اغضض أبصارنا عن الفجور و الخيانه، و اسدد أسماعنا عن اللغو و الغيبه، و تفضّل على علمائنا بالزهد و النّصيحه، و على المتعلّمين بالجهد و الرّغبه، و على المستمعين بالإتباع و المواعظه، و على مرضى المسلمين بالشفاء و الرّاحه، و على موتاهم بالرّأفه و الرّحمه، و على مشايخنا بالوقار و السّكينه،

بارالها؛ توفیق فرمان برداری از خودت را روزیمان گردان؛ و (نیز، توفیق) دوری از گناه و نافرمانی، نیت درست و راستین، شناخت حریم ممنوعه خود را نصیب ما بفرما، و ما را با هدایت و پایداری گرامی بدار. و زبان های ما را با سخنان درست و حکیمانه، استوار گردان. و دل های ما را از علم و معرفت پر کن؛ و شکم های ما را از حرام و شبهه ناک پاک گردان؛ و دستان ما را از ستم و دزدی بازدار؛ و چشمانمان را از خیانت و تبه کاری فروبند؛ و دروازه گوش های ما را بر شنیدن مطالب بیهوده و غیبت ببند. و به عالمان ما زهد و خیرخواهی مرحمت کن؛ و به دانش پژوهان تلاش، کوشش و اشتیاق کرم کن؛ و شنوندگان را موفق به پیروی و پندپذیری بگردان، و به بیماران مسلمان شفا و راحتی از بیماری عنایت فرما؛ و مسلمانانی را که از دنیا رفته اند با آغوش رأفت و مهربانی خاص خودت بپذیر؛ و پیران ما را دارای وقار و متانت و آرامش کن؛

و علی الشباب بالإنباه و التوبه، و علی النساء بالحياء و العفه، و علی الأغنياء بالتواضع و السعه، و علی الفقراء بالصبر و القناعه، و علی الغزاه بالنصر و الغلبه، و علی الاسراء بالخلاص و الرّاحه، و علی الامراء بالعدل و الشّفقه، و علی الرّعيتہ بالإنصاف و حسن السّيره، و بارک للحجاج و الزوّار فی الزّاد و النّفقه، و اقض ما أوجبت عليهم من الحجّ و العمره، بفضلک و رحمتک یا أرحم الرّاحمین. (۱)

جوانان مان را موفق به توبه و بازگشت به درگهت ساز؛ و به زنان حياء و پاکدامنی مرحمت فرما؛ و ثروت مندان ما را متواضع و دست و دل باز گردان؛ و فقيران ما را موفق کن تا شکیبایی و قناعت را پیشه کنند؛ و جنگجویان ما را به پیروزی و چیرگی برسان؛ و اسیران ما را به رهایی و راحتی از دست دشمن نایل کن؛ و فرمان فرمایان ما را دادگر و دل سوز گردان؛ و رعیت را نیز دارای انصاف و خوش رفتاری گردان؛ و زاد و توشه حاجیان و زائران را بابرکت گردان و موفق شان کن تا حجّ و عمره ای را که بر آنان واجب نموده ای به درستی به انجام برسانند همه این ها را به خاطر لطف و احسان و مهربانیت بر ما ارزانی دار، ای مهربان ترین مهربانان؛

## ۲۵- دعای «یا نور النور»

از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف را کفعمی رحمه الله در کتاب «المصباح» از مولایمان امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

یا نور النور، یا مدبّر الامور، یا باعث من فی القبور، صلّ

ای روشنی بخش روشنی ها؛ ای تدبیرکننده کارها؛ ای کسی که تمام مردگان درون قبرها را برمی انگیزی؛

ص: ۳۹۳

علی محمد و ال محمد، و اجعل لی و لشیعتی من الضیق فرجا، و من الهّم مخرجا، و أوسع لنا المنهج، و أطلق لنا من عندك ما یفرّج، و افعّل بنا ما أنت أهله یا کریم. (۱)

بر محمّد و آل محمّد درود بفرست، و گشایشی برای من، و پیروان من فراهم کن تا از این تنگنا رها شویم، و از اندوه ها بدر آییم؛ و مسیر و راه ما را وسیع گردان، و از نزد خودت به گونه ای برای ما رهایی مقرر کن که گشایشی در تمام امورمان حاصل شود؛ و آن گونه که تو سزاوارش هستی-ای بزرگوار؛- با ما رفتار کن.

در روایت است که: هر کس این دعا را همیشه بخواند، با امام عصر صلوات الله علیه محشور خواهد شد. (۲)

## ۲۶- دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه

برای رفع مشکلات

این دعای شریف برای رفع مشکلات، در کتاب «قصص الأنبياء» از مولای مان امام زمان ارواحنا فداه نقل شده است:

یا من إذا تضایقت الامور فتح لنا بابا لم تذهب إليه الأوهام، فصلّ علی محمّد و ال محمّد، و افتح لاموری المتضایقه بابا لم یذهب إليه وهم یا أرحم الرّاحمین. (۳)

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید، دری را به روی ما می گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس نرسیده باشد؛ بنابراین؛ از تو می خواهیم که بر محمّد و آل محمّد درود بفرستی و دری فراروی کارهای گره خورده و بسته شده ام بگشایی که هیچ کس ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان ترین مهربانان.

در کتاب «التحفة الرضویّه» آورده است: علامه پرهیزگار جناب سید حسن فرزند سید علی آقا شیرازی، این دعا را برایم روایت کرد و گفت که:

ص: ۳۹۴

۱-۱. المصباح: ۴۰۷، [۱] جنّات الخلود: ۴۱، ضیاء الصالحین: ۵۳۳.

۲-۲. منتخب الأثر: ۵۲۱.

۳-۳. قصص الأنبياء: ۳۶۳. [۲]

از امام زمان عجل الله تعالى فرجه روایت شده است.

این کلام را بعضی از بزرگان مورد اعتماد از ایشان نقل کرده اند.

وی گفت: برای برطرف شدن مشکلات و نیز دست یابی به خواسته ها و آرزوها، پس از نمازهای پنجگانه—و نیز در دیگر حالات—باید خوانده شود، و آن دعا این است:

يا من إذا تضايقت الأمور فتح لها بابا لم تذهب إليه الأوهام، صلّ على محمّد و آل محمّد، و افتح لامورى المتضايقة بابا لم يذهب إليه وهم يا أرحم الراحمين. (۱)

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید، دری را به روی آن می گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس نرسید باشد؛ بنابراین؛ از تو می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود بفرستی و دری فراروی کارهای گره خورده و بسته شده ام بگشایی که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان ترین مهربانان.

## ۲۷- دعای مهم دیگر از امام زمان عجل الله تعالى فرجه

برای برآورده شدن حاجت ها

سید علی خان در کتاب شریف «الکلم الطیب» می گوید: این دعای ارزشمندی است از امام زمان صلوات الله علیه برای کسی که چیزی از او ضایع گشته یا حاجتی دارد؛ لذا شخصی که خواسته یا مشکل مهمی دارد باید این دعا را بسیار بخواند:

بسم الله الرحمن الرحيم أنت الله الذى لا إله إلا أنت، مبدئ الخلق و معيدهم و أنت الله

به نام خداوند بخشنده مهربان تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ آغازگر و بازگرداننده آفریدگان هستی. و تویی آن خدایی

ص: ۳۹۵

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مَدَبِّرَ الْأُمُورِ، وَبَاعَثَ مِنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَارِثَ الْأَرْضِ وَ مِنْ عَلَيْهَا. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أُوجِبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يَا سَيِّدَاهُ، يَا مَوْلَاهُ، يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسِكَ، وَ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَعْجَلَ خِلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ، يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدَّعَاءِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

که جز تو معبودی نیست، تدبیرکننده کارها هستی، و هر که را در قبرهاست برمی انگیزی؛ تو همان خدای یکتایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ تنگ گیرنده و گستراننده هستی؛ و تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و وارث زمین و ساکنان آن هستی، از تو درخواست می کنم به واسطه نامت که هرگاه بدان خوانده شدی پاسخ دادی، و هرگاه بدان وسیله از تو درخواست شده عطا کردی؛ و به حق محمد و اهل بیت او؛ و به واسطه حقی که برای ایشان بر خود واجب ساخته ای از تو درخواست می کنم تا بر محمد و آل محمد درود بفرستی و حاجتم را برآورده سازی؛ همین ساعت، همین ساعت ای آقای من؛ ای مولای من؛ ای فریادرس من؛ از تو می خواهم به واسطه تمامی نام هایی که خویشان را بدان نامیده ای فرموده ای، و آن را در دانش پنهانیت نزد خود نگه داشته ای؛ که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و در رهایی ما از این گرفتاری و سختی شتاب کنی. ای دگرگون کننده دل ها و چشم ها؛ ای شنوای دعا؛ به راستی که تو بر هر چیزی توانا هستی؛ به واسطه رحمت ای مهربان ترین مهربانان؛

ص: ۳۹۶



برای شفاء از بیماری ها

محدث نوری رحمه الله می فرماید: شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمه الله در کتاب «البلد الامین» از حضرت مهدی صلوات الله علیه روایت می کند:

کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در ظرف نو بنویسد، و آن را بشوید و بنوشد، از بیماریش رهایی می یابد:  
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله دوآء، و الحمد لله شفاء، و لا إله إلا الله كفاء، هو الشافي شفاء، و هو الكافي كفاء، أذهب البأس رب الناس، شفاء لا يغادره سقم، و صلى الله على محمد و اله النجباء.

به نام خداوند بخشنده مهربان (گفتن) «بسم الله» دواست؛ و «الحمد لله» شفاست؛ و «لا إله إلا الله» موجب کفایت است؛ و «هو الشافي» شفا است و «هو الكافي» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می دهم که بدی را دور گردانی و شفایی بدهی که هیچ بیماری در پی آن نباشد. و درود پیوسته خداوند بر محمد و آل نجیبش نثار باد.

محدث نوری رحمه الله در ادامه می افزاید: دستخطی از سید زین الدین علی بن حسین حسینی دیدم که بیان داشته است: این دعا را مردی از ساکنان کربلا در عالم خواب از حضرت مهدی ارواحنا فداه آموخته بود.

وی بیمار بود، و از بیماری خود به حضرت مهدی صلوات الله علیه شکایت کرد و آن حضرت دستور فرمود این دعا را بنویسد و بشوید و بنوشد. وی چنان کرد و فوراً بیماریش برطرف شد. (۱)

ص: ۳۹۷

برای رهایی از سختی ها و حفظ شدن از دزدان

مرحوم آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی می نویسد: شیخ علی اکبر تهرانی- ساکن مشهد مقدس- برای ما قضیه ای تعریف کرد و گفت:

عالم متقی شیخ محمد تقی تربتی- که از دانشمندان بزرگ و علمای اخلاق و از شاگردان علامه میرزا حبیب الله رشتی بود و اجازه ای از ایشان داشت- فرمود: یکی از شاگردان متدین من- که از سادات شهر تربت بود- برای من تعریف کرد و گفت:

از زیارت عتبات عالیات که برمی گشتم، همراه طلبه ای از خانقین خارج شدم و پیاده به دنبال قافله به طرف قصر شیرین حرکت کردیم، از شدت تشنگی و خستگی ناتوان شده، و با زحمت زیاد خود را به قافله رساندیم، دیدیم قافله را دزدها غارت کرده و اموالشان را برده بودند، افرادی مجروح شده و در بیابان افتاده بودند، و محمل ها شکسته و روی زمین افتاده بود.

ما از ترس به کناری رفته و به بالای تپه ای رفتیم، ناگاه دیدیم سید بزرگواری کنار ما ایستاده، به ما سلام فرمود، بعد هفت دانه خرما زاهدی به من داد و فرمود: چهار دانه را خودت بخور، و سه دانه آن را به شیخ بده.

چون خرماها را خوردیم تشنگی ما برطرف شد، و فرمود: این دعا را به جهت رهایی از سختی ها، و محفوظ بودن از سر دزدها بخوانید:

اللهم إني أخافك، و أخاف ممن يخافك، و أعوذ بك ممن لا يخافك.

بارالها؛ من از تو می ترسم؛ و از هرکسی که از تو می ترسد نیز می ترسم؛ و از کسانی که از تو نمی ترسند به خودت پناه می برم.

پس از آن؛ اندکی با آن سید بزرگوار راه رفتیم، ناگاه اشاره کرد و فرمود: این منزل شماست. نگاه کردیم، دیدیم منزل پایین آن تپه بود، و چون وارد منزل شدیم از شدت خستگی خواب بر ما غلبه کرد، خوابیدیم، و متوجه آنچه برای ما اتفاق افتاده

بود نشدیم، چون بیدار شدیم دانستیم که آن بزرگوار حضرت ولی عصر، صاحب الزمان عجل الله فرجه بوده است. (۱)

### ۳۰- دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

برای رهایی از سختی ها و مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» آورده است که: دستخطی از یکی از دوستان بزرگوار و صالح و مورد اعتماد و ثابت قدم خود-که جزو سادات نیز هست-مشاهده کردم که چنین نوشته بود:

در ماه رجب سال یکهزار و نود و سه، برادر دینی و دوست بسیار دوست داشتی، دانشمند اهل عمل، دارای مراحل کمال انسانی، و صفات الهی، امیر اسماعیل بن حسین بیگ بن علی بن سلیمان جابری انصاری برایم گفت: از شیخ نیکوکار و پرهیزگار و اهل احتیاط در رفتار، جناب حاج شیخ علی مکی شنیدم که فرمود:

من به شدت دچار گرفتاری و مشکلات شدم و دشمنانم نیز پیوسته حقوق مرا پایمال می کردند، تا جایی که ترسیدم جانم را نیز از کف بدهم و کشته شوم. در همین اوضاع دعایی را دیدم که داخل جیبم بود-درحالی که کسی آن را به من نداده بود-

از این جریان در شگفت شدم و پیوسته حیران بودم تا آن که در عالم خواب شخصی را در قیافه صالحان و زاهدان دیدم که به من گفت: آن دعا را، ما به تو دادیم؛ آن را بخوان که از گرفتاری و مشکلات رهایی یابی. و برایم روشن نشد که گوینده آن کیست؟ و این جریان بر شگفتی و حیرتم افزود؛ تا آن که امام عصر ارواحنا فداه را در خواب دیدم که به من فرمود:

دعایی را که به تو عطا کردم بخوان، و به هر کسی که می خواهی بیاموز.

ص: ۳۹۹

من بارها آن دعا را تجربه کردم و هربار گشایشی سریع در کارم مشاهده کردم تا آن که آن را برای مدتی گم کردم و پیوسته تأسف می خوردم و از رفتار بد خویش استغفار می کردم؛ تا این که شخصی نزد من آمد و گفت: این دعا در فلان جا از تو افتاده است.

البتّه من به خاطر نداشتم که آنجا رفته باشم، ولی به هر حال آن را پیدا کردم و برداشتم و سجده شکر الهی به جای آوردم. و دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحيم ربّ أسئلك مددا روحانيا تقوى به قواى الكليّة و الجزئية، حتّى أقهر بمبادى نفسى كلّ نفس قاهره، فتقبض لى إشارة دقّاتها، انقباضا تسقط به قويها، حتّى لا يبقى فى الكون ذو روح إلّا و نار قهرى قد أحرقت ظهوره. يا شديد، يا شديد، يا ذا البطش الشّديد، يا قاهر يا قهّار، أسئلك بما أودعته عزرائيل من أسمائك القهريّة، فانفعلت له النفوس بالقهر، أن تودعنى هذا السرّ فى هذه السّاعه، حتّى الثّين به كلّ صعب، و ادلّل به كلّ منيع، بقوتك يا ذا القوّه المتين.

بارپروردگارا؛ مدد و کمک روحانی از تو درخواست می کنم که نیروهای کلی و نیز جزئی مرا با آن تقویت و نیرومند گردانی؛ تا این که بتوانم با امکانات خویشتن هرکسی هرچه توان مند باشد شکست بدهم؛ به گونه ای که دقیق ترین و حسّاس ترین حرکت های او در اختیارم قرار گیرد و بدین سان نیروهای او از کار بیفتند. تا جایی که هیچ موجود دارای روحی در هستی نباشد، جز آن که آتش قهر من نمود او را بسوزاند. ای سخت گیر؛ ای سخت گیر؛ ای صاحب سخت گیری شدید؛ ای دارای سلطه؛ ای دارای غلبه و چیرگی فراوان؛ به واسطه آن نام های قهری که به عزرائیل سپرده ای و تمام جان ها خواه ناخواه تحت تأثیر قهر و غلبه او هستند، از تو درخواست می کنم تا در همین ساعت از زندگانیم آن راز (که به عزرائیل سپرده ای) را به من نیز عنایت فرمایی؛ تا در نتیجه هر سخت دشواری را نرم کنم، و هر نیرومندی را خوار و در اختیار قرار دهم؛ به کمک نیرویت، ای دارای نیروی استوار.

این دعا هنگام سحر-در صورت امکان-سه مرتبه و هنگام صبح سه مرتبه و در شب نیز سه مرتبه خوانده شود. البته اگر مشکلات خواننده این دعا بسیار سخت و غیر قابل تحمل است پس از قرائت دعا سی مرتبه این دعا را نیز بخواند:

یا رحمان یا رحیم، یا أرحم الراحمین، أسئلك اللطف بما جرت به المقادیر. (۱)

ای بخشنده؛ ای مهربان حقیقی؛ ای مهربان ترین مهربانان؛ از تو لطف را نسبت به آنچه جاری گشته به آن مقدرات تقاضا دارم.

### ۳۱- حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات»، و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» حرز مولای مان امام زمان ارواحنا فداه را چنین نقل کرده اند:

بسم الله الرحمن الرحيم يا مالک الرقاب، و هازم الأحزاب، يا مفتّح الأبواب، يا مسبّب الأسباب، سبّب لنا سببا لا نستطيع له طلبا، بحقّ لا إله إلاّ الله، محمّد رسول الله عليه و اله أجمعين. (۲)

به نام خداوند بخشنده مهربان ای صاحب اختیار همگان؛ ای شکست دهنده حزب های متحد شده؛ ای گشاینده درها؛ ای سبب ساز حقیقی تمام سبب ها؛ سببی برای ما بساز که توان دست یابی و جستجویش را نداریم؛ به حقّ کلمه شهادتین: «لا اله الا الله»، «محمّد رسول الله»؛ که صلوات و درودهای الهی پیوسته بر او و تمام آل او نثار باد.

ص: ۴۰۱

۱-۱). الکلم الطیب: ۱۰، جنّه المأوی: ۲۲۵، دار السلام: ۱/۲۸۸. [۱]

۲-۲). مهج الدعوات: ۶۴، [۲] المصباح: ۴۰۷. [۳]

### ۳۲- دعای حجاب (پنهان بودن) ، از امام عصر عجل الله تعالی فرجه

اللّهُمَّ احجِبْنِي عن عيون أعدائي، و اجمع بيني و بين أوليائي، و أنجز لي ما وعدتني، و احفظني في غيبتي إلى أن تأذن لي في ظهوري، و أحي بي ما درس من فروضك و سننك، و عجل فرجي، و سهّل مخرجي، و اجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا، و افتح لي فتحا مينا، و اهدني صراطا مستقيما، و قني جميع ما احاذره من الظالمين، و احجبنى عن أعين الباغضين، النَّاصِبِينَ العداوه لأهل بيت نبيّك، و لا- يصل منهم إليّ أحد بسوء. فإذا أذنت في ظهوري فأُبدني بجنودك، و اجعل من يتبعني لنصره دينك مؤيدين، و في سبيلك مجاهدين، و على من أرادني و أرادهم بسوء منصورين، و وفّقني لإقامه

بارالها؛ مرا از دیده دشمنانم بپوشان، و مرا با دوستانم گرد هم بیاور، و آن چه را به من وعده فرموده ای به انجام برسان، و مرا در زمان غیبت و پنهانیم- تا آن گاه که اجازه آشکار شدنم را صادر می فرمایی- در حفظ و نگهداری خود بدار، و واجبات و مستحباتی که کهنه شده اند به دست من زنده کن، و در گشایش امرم شتاب فرما، و شرایط قیام مرا آسان و فراهم گردان، و از جانب خودت برایم سلطنتی یاری کننده مقرّر دار، و پیروزی آشکاری نصیبم ساز، و مرا در راه راست رهنمون باش، و مرا از ستمگرانی که حذر می کنم در حفظ و حراست بدار، و مرا از دیده کینه توزان و دشمنان سرسخت آل پیامبرت که پرچم دشمنی به دوش دارند پنهان بدار، و مگذار هیچ گزندی از هیچ کسی به من رسد. آن گاه که اجازه ظهور و آشکار شدن مرا دادی نیز با سپاهیان خودت موفق و تأییدم فرما، و پیروانم را که برای یاری دینت گرداگرد من هستند و در راه تو جهاد می کنند نیز تأیید کن و موفق فرما؛ (این دوستانم را) بر بدخواهان من و ایشان یاری کن. مرا موفق کن تا

حدودك، و انصرنی علی من تعدی محدودك. و انصر الحق، و أزهد الباطل، إن الباطل كان زهوقا، و آورد علی من شیعی و أنصاری من تقرّ بهم العین، و یشدّ بهم الأزر، و اجعلهم فی حرزك و أمنك، برحمتك یا أرحم الرّاحمین. (۱)

حدود تو را برپا گردانم؛ و بر هر کسی که پا از مرز و حدود تو فراتر گذاشته است مرا یاری فرما و غالب گردان. حقّ و راستی را یاری کن، و باطل را نابود و نیست گردان؛ چرا که باطل رفتنی است. آن دسته از دوستان و پیروان و یاران مرا که موجب چشم روشنی و پشت گرمی هستند، نزد من بیاور؛ و ایشان را نیز در نگهبانی و امتیّت ویژه ات قرار بده؛ (این کارها را) با رحمت خود انجام بده، ای مهربان ترین مهربانان.

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» بعد از نقل این دعای حجاب و حجاب های دیگر فرموده است: این حجاب ها، از جمله چیزهایی هستند که به ما خواندن آنها الهام شد هنگامی که سیل آمد و موجب غرق شدن عدّه ای شد و آب همه جا را فراگرفته بود و به سختی می توانستیم جان سالم به در ببریم، و شدّت سیل باعث ویرانی مناطق سیل زده شده بود. با اجابت این دعاها امکان ماندن ما در آن جا و دفع شدن این گرفتاری ها حاصل شد و ضامن سلامتی ما از این حوادث گشت. و خداوند را سپاس. (۲)

### ۳۳- دعا برای فرج در روز ظهور

شیخ نعمانی رحمه الله در کتاب «الغیبه» این دعا را از یونس بن ظبیان نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود:

وقتی شب جمعه فرامی رسد، خدای تعالی فرشته ای را به آسمان دنیا

ص: ۴۰۳

۱- (۱). مهج الدعوات: ۳۶۰، [۱] المصباح: ۲۹۶. [۲]

۲- (۲). مهج الدعوات: ۳۶۱.

می فرستد؛ پس از دمیدن صبح، آن فرشته بر عرش نشسته و بر بالای بیت المعمور قرار می گیرد، و منبرهایی از نور برای حضرت محمد، حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام آماده می کند، و آن ها بر فراز منبرها می روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنان گرداگرد ایشان درمی آیند و درهای آسمان گشوده می شود.

هنگامی که ظهر فرارسد، پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عرض می کند: پروردگارا! زمان انجام وعده تو که در قرآن فرموده ای کی فرامی رسد.

(و آن وعده، این آیه شریفه است:)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا إِسَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَسِّرَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا (۱).

خدا به مؤمنانی که اعمال شایسته دارند وعده داده که به طور حتم ایشان را-همانند پیشینیان که به خلافت رسانید-به خلافت و حکومت بر زمین گمارد، و شرایط اجرای دینی را که برای شان پسندیده است فراهم سازد، و به جای خوف و هراسی که در روزگار برای ایشان به وجود آمده است امتیّت و آرامش را جایگزین سازد.

پس از این، فرشتگان و پیامبران نیز همین دعا را می کنند؛ سپس حضرت محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده می افتند، و عرضه می دارند:

يَا رَبِّ اغْضَبْ، فَإِنَّهُ قَدْ هَتَكَ حَرِيمَكَ، وَقَتْلَ أَصْفِيَاءُكَ، وَاذَلَّ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.

پروردگارا! خشم کن؛ زیرا، حرمت شکسته شد، و برگزیدگان کشته شدند، و بندگان صالح و شایسته تو به خواری کشیده شدند.

خداوند دعای آنان را می پذیرد و «روز معلوم» همان روز است. (۲).

ص: ۴۰۴

۱-۱. سورة نور، آیه ۵۵. [۱]

۲-۲. مکیال المکارم: ۱/۳۹۳، از الغیبه مرحوم نعمانی: ۲۷۶.



در اول ظهور

در روایتی آمده است که مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: ای آقای من؛ از کجا و چگونه (حضرت مهدی صلوات الله علیه) آشکار می شود و ظهور می فرماید؟

حضرتش فرمود:

ای مفضل؛ او به تنهایی آشکار می شود؛ به تنهایی نزد خانه کعبه می آید؛ به تنهایی داخل خانه کعبه می شود.

تنهاست که تاریکی شب او را فرامی گیرد؛ و آن گاه که چشمان مردم به خواب رفت و تاریکی شب زیادتر گشت، جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان، در صف های منظم به خدمتش شرفیاب می شوند و جبرئیل به آن بزرگوار عرضه می دارد: ای آقای من؛ گفتارت پذیرفته شد، و اجازه کار (ظهور) به تو عطا شد.

آن امام بزرگوار، در این حال دستان مبارکش را بر چهره شریف خود می کشد و می گوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ، نَتَّبِعُ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ. (۱) (۲)

سپاس ویژه خداست که وعده خویش را نسبت به ما انجام داد، و ما را وارث زمین گردانید، تا هر کجا که بخواهیم در بهشت ساکن گردیم؛ بنابراین، چه نیکوست پاداش کسانی که اهل عمل هستند.

ص: ۴۰۵

۱- ۱. سورة زمر، آية ۷۴. [۱]

۲- ۲. بحار الأنوار: ۵۳/۷. [۲]

هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه

پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم می فرمایند:

اگر می خواهی از غرق شدن و آتش سوزی و سرقت در امان باشی، در هنگام صبح بگو:

بسم الله ما شاء الله، لا یصرف السوء إلا الله، بسم الله ما شاء الله، لا یسوق الخیر إلا الله، بسم الله ما شاء الله، ما یكون من نعمه فمن الله، بسم الله ما شاء الله، لا حول و لا قوه إلا بالله العلیّ العظیم، بسم الله ما شاء الله، و صلی الله علی محمد و اله الطّیّین.

به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد؛) جز خدا، کسی نمی تواند بدی ها را برطرف و دور کند. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد؛) جز خدا کسی نمی تواند خیر و خوبی را بکشاند. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد؛ (همان می شود؛) هر نعمتی که وجود داشته باشد از خداست. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد (همان خواهد شد؛) هر نیرو و جنبشی، تنها به واسطه خدای بلندمرتبه بزرگوار خواهد بود. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد؛) و خدا بر محمد و آل بسیار پاکش درود بفرستد.

هر کس این دعا را در بامداد هر روز، سه مرتبه بخواند، از غرق شدن و آتش سوزی و سرقت در امان خواهد بود تا آن گاه که شب فرارسد؛ و اگر آن را شامگاهان سه بار بخواند، تا صبح از این بلاها در امان است.

خضر و الیاس علیهما السّلام هر ساله یکدیگر را در مراسم حج ملاقات می کنند، و هنگام خداحافظی با خواندن این دعا از یکدیگر جدا می شوند.

این، شعار شیعیان من است، و در زمان قیام حضرت قائم ارواحنا فداه نیز دوستان و دشمنانم با این عبارات از یکدیگر شناخته و جدا می شوند. (۱)

ص: ۴۰۶

## ۳۶- دعای آن حضرت عجل الله تعالی فرجه

هنگام عبور از وادی السلام

حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه می فرماید:

گویا او (حضرت بقیه الله ارواحنا فداه) را می بینم که سوار بر اسبی آراسته که پیشانی آن از سفیدی می درخشد، از وادی السلام عبور می کند و به سوی رودخانه سهله می رود و این دعا را می خواند:

لا إله إلا الله حقًا حقًا، لا إله إلا الله إيمانًا و صدقًا، لا إله إلا الله تعبدًا و رِقًا. اللَّهُمَّ معزَّ كلِّ مؤمن و حید، و مدلَّ كلِّ جبار عنید، أنت کنفی حین تعیننی المذاهب، و تضیق علی الأرض بما رحبت. اللَّهُمَّ خلقتنی و كنت غتیا عن خلقی، و لولا نصرک إیای لكنت من المغلوبین، یا منشر الرِّحمة من مواضعها، و مخرج البرکات من معادنھا، یا من خصَّ نفسه بشموخ الرِّفعة، فأولیاؤه بعزّه یتعززون، یا من وضعت له الملوک نیر

به حقیقت و واقعیت اعتراف می کنم که جز خدا معبودی نیست؛ ایمان دارم و تصدیق می کنم که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ از روی بندگی و سلب اختیار از خود در برابر خدا، عرضه می دارم که جز او معبودی نیست. بارالها؛ ای عزت بخش هر مؤمن غریب و تنها؛ ای کسی که هر ستمگر زورگوی کینه توزی را تو خوار می کنی؛ تو تنها پناهگاه و حامی من هستی؛ آن گاه که راه های گوناگون مرا به رنج افکنند؛ و زمین با این همه گستره و پهنا، بر من تنگ آید. بارالها؛ تو مرا آفریده ای درحالی که بی نیاز از آفرینش من بودی؛ اگر جز یاری رساندن تو بود، به طور حتم من نیز از شکست خوردگان بودم. ای خدایی که رحمت و مهربانی خویش را از جایگاه های آن می پراکنی؛ ای خدایی که برکت ها را از معدن های آن بیرون می آوری؛ ای خدایی که بلندمرتبگی و والایی را به خویش اختصاص داد، و بدین سان دوستانش به واسطه عزت او عزت مند می شوند؛ ای که تمام پادشاهان،

المذللّه على أعناقهم، فهم من سطوته خائفون، أسألك باسمك الذي فطرت به خلقك، فكل لك مدعونون. أسألك أن تصلي على محمد، و أن تنجز لي أمري، و تعجل لي في الفرج، و تكفيني و تعافيني و تقضى حوائجي، السّاعه السّاعه، اللّيله اللّيله، إنك على كل شيء قدير. (۱)

یوغ خواری و ذلت را بر گردن خویش در برابر تو افکنده اند، و از خشم تو و هیبت پیوسته بیمناک هستند؛ به واسطه آن نامت از تو درخواست می کنم که آفریدگانت را با آن آفریدی؛ و همه به فرمان برداریت گردن نهاده اند. از تو درخواست می کنم که بر محمد صلی الله علیه و اله و سلم درود بفرستی، و کار مرا به انجام برسانی، و در گشایش و فرج کار من شتاب فرمایی، و مرا کفایت کنی و عافیت و سلامتی ببخشی و خواسته هایم را برآورده سازی؛ در همین ساعت؛ در همین امشب؛ همین امشب؛ به راستی که تو بر هر چیزی توانایی.

### ۳۷- صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

(اللّهم صلّ علی فاطمه و أیها. . .)

یکی از صلوات های مجرب و مؤثر در گرفتن حاجت، صلوات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است به این گونه که پانصد و سی مرتبه بگوید:

اللّهم صلّ علی فاطمه و أیها و بعلمها و بنیها [و السّرّ المستودع فیها] بعدد ما أحاط به علمک.

خداوندا؛ درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامیش و فرزندان عزیزش [و به آن رازی که در وجود او به ودیعه نهادی] به تعداد آن چه دانش تو بر آن احاطه دارد.

این ختم در کتب قدیمه دعا ذکر نشده و از زمان شیخ اعظم انصاری رحمه الله در میان زبان ها افتاده و معروف شده است.

ص: ۴۰۸

۱- ۱). العدد القویّه: ۷۵، [۱] دلائل الإمامه: ۴۵۸ (با تفاوتی اندک).

ما به خاطر دو جهت این صلوات را نقل نمودیم:

۱- اگرچه این صلوات در کتب قدیمه وجود ندارد و از مرحوم شیخ انصاری شنیده شده ولی به خاطر ارتباطی که آن بزرگوار با حضرت بقیه الله ارواحنا فداه داشته است به احتمال قوی این دعا از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه صادر شده است.

۲- مقصود از «السرّ المستودع فیها» حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه می باشد. (۱)

### ۳۸- ثواب خواندن سوره مبارکه «کهف»

در این بخش از کتاب، به برخی از ویژگی های سوره های قرآن می پردازیم، که با موضوع کتاب نیز بی ارتباط نیستند.

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم می فرماید:

هر که سوره مبارکه «کهف» را بخواند، تا هشت روز از هر فتنه ای در امان خواهد بود؛ بدین سان، اگر دجال نیز در آن هشت روز خروج کند، خداوند متعال او را از فتنه دجال محافظت خواهد داشت.

۲- در حدیث دیگری نیز از آن بزرگوار روایت شده است که فرمود:

هر که ده آیه از سوره «کهف» را از حفظ بخواند، فتنه دجال به او ضرری نخواهد رسانید؛ و کسی که تمام سوره را بخواند، داخل بهشت می شود.

۳- در حدیث دیگری، حضرت می فرمایند:

هر که ده آیه از ابتدای سوره مبارکه «کهف» را حفظ کند، و پس از آن دجال را درک کند ضرر و زیانی به وی نخواهد رسید. و هر که آیات پایانی این سوره را حفظ کند در روز قیامت نوری روشنی بخش برایش خواهد بود. (۲)

ص: ۴۰۹

---

۱- ۱). رجوع کنید به: «الصحیفه المبارکه المهدیه» .

۲- ۲). مکیال المکارم: ۱/۱۶۶. [۱]

## ۳۹- از خواصّ سوره «یس»

یکی از اهل علم که مورد اعتماد من است قضیه ای را در فضیلت سوره مبارکه «یس» برایم نقل کرد: یکی از بندگان خدا در شهر یزد گرفتاری سختی داشت، خدمت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه شرفیاب می شود، درحالی که آن بزرگوار را نمی شناسد، حضرت به او می فرمایند:

سوره «یس» را بخوان، چون به کلمه «مبین» که در شش مورد آمده است، رسیدی حاجت خود را تیت کن و پس از قرائت سوره، حاجت خود را درخواست کن، تا خداوند دعای تو را مستجاب نماید.

گفت: چون در سوره «یس» تأمل کردم، دیدم کلمه «مبین» در هفت مورد از این سوره آمده است، از این مسئله تعجب کردم، ولی چون دقت نمودم، فهمیدم که در شش مورد کلمه «مبین» بدون «الف و لام» آمده است و در یک مورد با «الف و لام» است، آن گاه سوره را همان طوری که حضرت فرموده بودند خواندم، و خداوند متعال دعایم را مستجاب کرد.

## ۴۰- فضیلت سوره های «مسبّحات»

جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که:

هر که سوره های مسبّحه را پیش از خواب بخواند، پیش از مرگ، حضرت مهدی (صلوات الله علیه) را درک خواهد کرد، و اگر بمیرد نیز در همسایگی پیامبر خواهد بود. (۱)

ص: ۴۱۰

---

۱- (۱). ثواب الأعمال: ۱۱۸. [۱]

طریحی رحمه الله سوره های مسَبَّحه را سوره هایی می داند که با تسبیح الهی آغاز شده باشند.

ملاً محمّد صالح مازندرانی رحمه الله می گوید: مسَبَّحات سوره هایی هستند که در آغازشان کلمه های «سَبَّح» یا «یسَبَّح» یا «سَبَّح» یا «سبحان» آمده باشد.

بنابراین احتمال، این سوره ها هفت سوره هستند: سوره اسراء، سوره حدید، سوره حشر، سوره صفّ، سوره جمعه، سوره تغابن و سوره مبارکه اعلی.

ولی مرحوم کفعمی در حاشیه «مصباح» خود پس از بازگو کردن روایت مذکور، می گوید: مسَبَّحات؛ نام پنج سوره قرآنی است. و جز سوره اسراء و اعلی، بقیه را نام برده است. شیخ صدوق رحمه الله در فضیلت سوره تغابن به عنوان آخرین سوره مسَبَّحه، این روایت را آورده است و از کلامش برمی آید که وی نیز این سوره ها را پنج تا می داند. مجلسی رحمه الله در «حلیه المتقین»، و نیز فیض کاشانی رحمه الله در کتاب «وافی» تصریح کرده اند که تعداد این سوره ها پنج سوره است.

یکی از فضلاء می گوید: بهتر است بدانید که برای تحقّق شرط مزبور در روایت فوق، خواندن این سوره ها برای یک مرتبه هم کفایت می کند و مراد-یعنی درک زمان حضرت مهدی صلوات الله علیه یا همسایگی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلّم- حاصل خواهد شد.

لیکن، در این مقام که مقصود تشویق به خواندن این سوره ها و عادت کردن به تلاوت آن هاست، ظاهر آن است که درک آن حضرت یا همسایگی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلّم با تکرار و عادت کردن به تلاوت سوره های یاد شده خواهد بود.

البته، پر واضح است که ترک آن در بعضی از اوقات، ضرری به تکراری که لازمه ادراک آن حضرت یا جوار پیامبر صلی الله علیه و اله و سلّم است نمی زند.

از سویی در ظاهر مراد از درک آن حضرت، درک با آگاهی و شناخت آن حضرت است.

سببش نیز می تواند یا این باشد که این سوره ها در مورد حضرت مهدی صلوات الله علیه و ویژگی ها و حالت های اوست؛ اگرچه ما آن را ندانیم و یا خاصیت خواندن این سوره ها این خواهد بود. این مطلب در مورد سوره های دیگری که ثواب و پاداش

معینی دارند نیز صدق می کند. (۱)

مؤلف گوید: درباره «آیه الکرسی» و آیه شریفه «نور» و آیه رَبِّ أَدْخِلْنِي و آیات دیگر ختوماتی ذکر شده است که مناسب با این موضوع است، ولی از نقل آن ها صرف نظر نمودیم.

باید توجه داشته باشیم که عالی ترین راه برای تشرّف به محضر مقدّس حضرت بقیّه الله الأعظم ارواحنا فداه جلب توجه و رضایت کامل آن بزرگوار می باشد.

#### ۴۱- خواندن سوره «القارعه»

سبب ایمنی از فتنه دجال است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که می فرماید:

هرکسی که سوره مبارکه «قارعه» را تلاوت کند خداوند او را از فتنه دجال از این که به او بگردد و نیز از سختی جهنم در امان نگاه می دارد. (۲)

ص: ۴۱۲

---

۱-۱ . دار السلام: ۳/۹۱.

۲-۲ . المصباح: ۶۰۰، ثواب الأعمال: ۱۲۵. [۱]



بخش هفتم: توسّل به حضرت بقیّه الله (ارواحنا فداه)

اشاره

ص: ۴۱۳



علامه مستنبط رضوان الله عليه چنین می فرماید: از نظر عقل و نقل بر ما لازم است که به الطاف حضرت حجّت ارواحنا فداه چنگ زنییم و در سختی ها و مشکلات به او پناه بریم.

چرا که آن بزرگوار، سلطان زمان و امام و پیشوای عصر حاضر است؛ گرچه از دیدگان ما غایب است، همانا او ما را می بیند ولی ما او را نمی بینیم، یا او را می بینیم ولی نمی شناسیم. به هر حال خورشید عنایتش بر ما می تابد، حاجت هرکسی را که به او توسّل جوید، برآورده می سازد.

ایشان می افزایند: از این توسّل آثار و نتایج عجیبی یافتیم و هرگز خلافتی از آن مشاهده نکردم.

آری؛ هرکس لذت توسّل به دامان باکرامتش را نچشیده باشد از این حقایق بی بهره است؛ «بنفسی [أنت] من مغیب لم یخل منّا»؛ «جانم فدایت؛ تو آن غایبی هستی که از میان ما خارج نمی باشد». (۱)

ص: ۴۱۵

مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی اهل قریه جهرود ساوه بوده و ولادت باسعادت او در یازدهم جمادی الاولی سال پانصد و نود و هفت در شهر طوس اتفاق افتاده که ماده تاریخ او با آیه کریمه جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۱) موافق است و در هیجدهم ماه ذیحجه سال ششصد و هفتاد و دو از این جهان درگذشت و مجموع عمر شریفش هفتاد و پنج سال بوده است.

علامه عراقی در کتاب «دار السلام» می نویسد: بنابر آنچه در زبان ها افتاده و در بعضی از کتاب ها نوشته شده:

خواجه نصیر مدّت بیست سال کتابی در مناقب اهل بیت عصمت علیهم السّلام تألیف نمود و آن را با خود به بغداد برد که به نظر خلیفه عبّاسی برساند.

اتّفاقا وقتی رسید که خلیفه با ابن حاجب برای تفریح و تماشا در کنار شطّ بغداد بودند. خواجه آن کتاب را نزد خلیفه نهاد و او آن را به ابن حاجب داد و چون آن ناصبی نظر به مناقب ائمه اطهار علیهم السّلام نمود از شدّت بغض، آن کتاب را در آب انداخت و از روی استهزا گفت: «أعجبنی تلمّه» ؛ یعنی: صدای افتادن این کتاب در آب، مرا به تعجب درآورد.

پس رو به آن جناب کرد و گفت: اهل کجایی؟

خواجه فرمود: اهل طوسم.

گفت: از گاوان یا از خران آن محلّ هستی؟

خواجه فرمود: از گاوان آن محلم!

ابن حاجب گفت: پس ساخت در کجاست؟

خواجه فرمود: شاخم را در طوس گذاشته ام می روم و آن را می آورم!

پس خواجه مهموم و مغموم و محروم روی به دیار خود نهاد، اتّفاقا شبی در

ص: ۴۱۶

خواب بقعه ای را دید که در مکانی قرار گرفته و در آن بقعه مقبره ای است که بر آن مقبره صندوقی نهاده اند و بر آن صندوق دعایی را که معروف است به دعای توسل خواجه نصیر نوشته اند و حضرت حجّت عجل الله فرجه در آن بقعه می باشد.

پس آن بزرگوار آن دعا و کیفیت ختم آن را تعلیم خواجه فرمود. چون از خواب بیدار شد قسمتی از آن را فراموش کرده بود. بار دیگر خوابید و همان جریان را دو مرتبه در خواب دید و قسمت فراموش شده را از آن بزرگوار یاد گرفت.

چون بیدار شد مجموع آن را که در خاطرش محفوظ مانده بود به رشته تحریر درآورد، و برای تلافی عمل خلیفه و ابن حاجب و انتقام گیری از آن ها مشغول انجام آن ختم گردید، تا آن که دعایش به اجابت مقرون شد، و حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه او را بشارت داد که حاجتت به دست کودکی رومی گردد و تو باید آن کودک را تربیت کنی تا در آینده به قدرت برسد، و به شهر و بلد او اشاره فرمود.

پس خواجه با رمل، محله آن کودک را تعیین کرد و خانه او را جستجو نمود. زنی را در آن خانه دید که دو طفل داشت، آن دو طفل را از او درخواست کرد و به تربیت آن ها پرداخت و به فراست دانست که پادشاه آینده کدام یک از ایشان است و آن هلاکو خان بود. پس در تربیت او نهایت اهتمام را نمود تا هلاکو به حد رشد رسید.

روزی به او گفت: اگر تو پادشاه شوی زحمت مرا چگونه جبران می کنی؟

هلاکو گفت: تو را وزیر خود می کنم.

خواجه گفت: لازم است آنچه را می گویی بنویسی.

هلاکو آن را نوشت و به خواجه داد. پس از مدّت زمانی هلاکو حاکم خراسان را کشت و به جای او نشست و خواجه را وزیر خود کرد. پس از استیلاء بر خراسان، به سوی شهرهای دیگر لشکر کشید و شهر به شهر را در حیطه تصرف خود درآورد تا آن که به بغداد هجوم آورد و مستعصم خلیفه عباسی را دستگیر نموده و او را کشت و با مردم آن دیار به عدالت رفتار کرد.

ابن حاجب چون واقعه را چنان دید در خانه شخصی پنهان شد و طشتی را پر از خون کرد و بر آن طشت چیزی گذاشت و روی آن نشست تا از دلالت رمل خواجه در امان بماند.

خواجه چون رمل انداخت ابن حاجب را در بالای دریایی از خون دید و حیران ماند هرچند از او جويا شد اثری نیافت؛ آخر الأمر در این مورد تدبیر و اندیشه نمود که تعدادی گوسفند وزن کند و بین اهل بغداد تقسیم نماید و با آنان شرط کند هرکس گوسفندی را که گرفته باید به همان وزن اول تحویل دهد، و گوسفندی هم به میزبان ابن حاجب داد.

او در این مورد که آن گوسفند را چگونه نگهداری کند تا در وقت تسلیم در وزن آن تفاوتی نباشد با ابن حاجب مشورت کرد.

ابن حاجب گفت: باید بچینه گرگی به دست آوری و هر روز از صبح تا شام گوسفند را علوفه کافی داده و چون شب شود گرگ را به او نشان دهی تا هرچه در آن روز فربه گشته با دیدن گرگ از او کم شود و با مداومت بر این عمل تا زمانی که گوسفند نزد تو باشد در آن تفاوتی ظاهر نمی شود.

پس آن مرد به دستور ابن حاجب عمل کرد تا آن که گوسفند را رد کرد، دیدند همه آن گوسفندها تفاوت وزن پیدا کرده اند مگر گوسفندی را که در دست میزبان ابن حاجب بوده است.

خواجه به زیرکی و فراست دانست که ابن حاجب در خانه آن شخص است و این تدبیر او بوده است.

غلامان را به دنبال ابن حاجب فرستاد و آن ها او را گرفته و نزد خواجه و هلاکو آوردند، خواجه به او گفت: شاخ من این پادشاه است که در طوس بود و من وعده آوردن او را به تو دادم.

بعد او را با خود به کنار شط برد و دستور داد همه کتاب های او را حاضر کردند؛ آنگاه تمام تألیفات او را جز شافیه، وافیه و مختصر که برای مبتدیان علم صرف و نحو مفید است، در آب انداخت و گفت: «أعجبنى تلمه»؛ یعنی صدای به آب افتادن آن، مرا به تعجب درآورد، و سپس دستور قتل او را صادر کرد. (۱)

ص: ۴۱۸

این جریان را دربارهٔ صدور این دعا از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ذکر نموده اند، ولی همان گونه که در «دار السلام» به آن تصریح شده درستی این قضیه مورد تردید است؛ زیرا تاریخ فتح بغداد با زمان فوت ابن حاجب موافقت ندارد و در جریان حملهٔ هلاکو به بغداد که با تدبیر و اندیشهٔ خواجه نصیر الدین طوسی انجام شد و نیز در تاریخ این قضیه، نکاتی وجود دارد که صحت جریان مذکور را خدشه دار می کند:

۱- آن گونه که در تاریخ ثبت شده است، مرگ ابن حاجب در اسکندریه (۱) واقع شده است نه در بغداد آن هم با خصوصیتی که در این قضیه نقل شده است.

۲- مرگ او نه سال قبل از فتح بغداد صورت گرفته است و در هنگام ورود هلاکو و خواجه نصیر الدین طوسی رحمه الله زنده نبوده است تا محتاج به نشستن در طشت پر خون باشد.

۳- همان گونه که خواجه نصیر الدین رحمه الله بر اثر استفاده از رمل، شهر و محل هلاکو را بدست آورد آیا نمی توانست از طریق رمل بفهمد که ابن حاجب در کجاست و خون هایی که بالای آن ها نشسته در کجا و کدام مکان قرار دارد؟ و اگر رمل، طشت خون را دریای خون نشان دهد آیا می توان از آن استفاده نمود؟

از همهٔ این ها گذشته خواجه می توانست با رمل، گوسفندی را که در خانهٔ میزبان ابن حاجب بوده معین کند و نیازی به شرط کردن عدم تغییر در وزن نداشت.

با این همه، در اهمیت دعای توسل منسوب به خواجه هیچ گونه تردیدی نیست و مؤلف این کتاب در حل برخی از مشکلات از این دعا نتیجه گرفته است.

از مرحوم شیخ بهایی نقل شده که ایشان فرموده اند: از مقدس اردبیلی سؤال شد که چه چیزی سبب شد تا به مقامات عالیه نایل شوی؟

ایشان در جواب فرمودند: مداومت به دعای توسل خواجه نصیر.

ص: ۴۱۹

معروف به دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله

این دعا را سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» نقل نموده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْقُرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ  
التَّهَامِيِّ، السَّيِّدِ الْبَهِيِّ، السَّيِّرِاجِ الْمَضِيِّ، الْكَوْكَبِ الدَّرَزِيِّ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّيِّكِينَةِ، الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ، الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ، وَالرَّسُولِ  
الْمَسْدَدِ، الْمَصْطَفَى الْأَمْجَدِ، الْمَحْمُودِ الْأَحْمَدِ، حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ شَفِيعِ الْمَذْنُبِينَ، وَ رَحْمَةِ  
لِلْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا شَفِيعَ  
الْأُمَّةِ، يَا حَبِجَةَ اللَّهِ عَلَى

خداوندا؛ درود و سلام و افزونی و برکت را بر پیامبر فرورفت آن پیامبر امی، از مردم عرب از فرزندان هاشم، از قبیله قریش،  
از مکه و مدینه، پیامبر سرزمین بطحاء و تهامه، آن سید خوش سیما و چراغ درخشان و ستاره تابان، صاحب متانت و آرامش،  
مدفون در شهر مدینه، بنده تأیید شده (از خدا) و فرستاده محکم و استوار شده، آن برگزیده دارای شکوه و عظمت و پسندیده  
ستوده، مورد محبت خدای جهانیان و آقای رسولان و پایان بخش پیامبران و شفاعت کننده گناه کاران و رحمت برای عالمیان،  
ابوالقاسم محمد درود خدا بر او و آل او باد. درود و سلام بی کران بر تو ای ابا القاسم؛ ای رسول خدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ای  
شفیع امت؛ و ای حجت خداوند بر تمام



خلقه، یا سیدنا و مولانا اِنَّا توجَّهنا و استشفعنا و توسَّلنا بکَ اِلی اللّٰه، و قدَّمناکَ بین یدی حاجاتنا فی الدُّنیا و الآخرة، یا وجیہا عند اللّٰه، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰه. اَللّٰهُمَّ صَلِّ و سَلِّمْ و زِدْ و بَارِكْ عَلٰی السَّیِّدِ المَطْهَرِ، و اَلِیْمِ المَظْفَرِ، و الشَّجَاعِ الغَضْنَفَرِ، اَبِی شَبِیْرٍ و شَبِیْرٍ، قَاسِمِ طَوْبِی و سَقْرِ، اَلْاَنْزَعِ البَطِیْنِ، اَلْاَشْجَعِ المَتِیْنِ، اَلْاَشْرَفِ المَکِیْنِ، العَالِمِ المِیْنِ، النَّاصِرِ المَعِیْنِ، وَلِیِّ الدِّیْنِ، الوَالِیِّ الوَلِیِّ، السَّیِّدِ الرَّضِیِّ، اَلِیْمِ الوَصِیِّ، اَلْحَاکِمِ بَالِنِّصِّ الجَلِیِّ، المَخْلَصِ الصَّفِیِّ، المَدْفُونِ بَالْغَرِیِّ، لِیْثِ بَنِیْ غَالِبِ، مَظْهَرِ العَجَائِبِ، و مَظْهَرِ الغَرَائِبِ، و مَفْرَقِ الْکِتَائِبِ، و الشَّهَابِ الثَّاقِبِ، و الهَزْبِ السَّیِّالِ، نَقْطَةُ دَائِرَةِ المَطَالِبِ، اَسَدِ اللّٰهِ الغَالِبِ، غَالِبِ کُلِّ غَالِبِ، و مَطْلُوبِ کُلِّ طَالِبِ، صَاحِبِ المَفَاخِرِ و المَنَاقِبِ، اِمَامِ المَشَارِقِ و المَغَارِبِ، مَوْلَانَا و مَوْلٰی الْکَوْنِیْنِ،

بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را در دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت های مان مقدم می داریم. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. خداوندا؛ سلام و صلوات و برکات فراوان را بر سید پاک سرشت و امام پیروز و شجاع دلیر؛ پدر شبیر و شبر، قسمت کننده بهشت و دوزخ، بریده شده از شرک و سرشار از دانش، شجاعت پیشه بامتانت، شرافتمند صاحب جاه و منزلت، عالم آشکار و یار و مددکار (بیچارگان)، ولی و سرپرست دین، حاکم و زمامدار دوست داشته شده و سید پسندیده؛ امام جانشین و پیشوای منصوص به نص آشکار، مخلص پاکیزه، دفن شده در سرزمین نجف، شیری از تبار فرزندان همیشه غالب، مظهر و محل ظهور و بروز شگفتی ها و آشکارکننده شگفتی ها و غرایب، پراکنده کننده غارت گران، و شهاب فروزان، شیر بیسه ای که از کافران همه چیز را می گیرد، نقطه پرگار دایره همه مقصدها، شیر همیشه پیروز خدا، چیره شونده بر هر چیره ای، و مطلوب هر جوینده، صاحب افتخارات و مناقب، امام و پیشوای مشارق و مغارب، مولا و آقای ما و مولای هر دو جهان،

الإمام أبي الحسنين أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب صلوات الله عليه. الصّلاه و السّلام عليك يا أبا الحسن، يا أمير المؤمنين، يا عليّ بن أبي طالب، يا أخ الرّسول، يا زوج البتول، يا أبا السّبطين، يا حجّه الله على خلقه، يا سيّدنا يا مولانا، إنّنا توجّهنا و استشفّعنا و توسّلنا بك إلى الله، و قدّمناك بين يدي حاجاتنا في الدّنيا و الآخرة، يا وجيها عند الله، إشفع لنا عند الله. أللّهم صلّ و سلّم و زد و بارك على السّيّده الجليله الجميله، المعصومه المظلومه، الكريمة النّبيله، المكروبه العليله، ذات الأحزان الطّويله في المدّه القليله، الرّضيّه الحليمه، العفيفه السّليمه، المجهوله قدرا، و المخفّيه قبرا، المدفونه سرّاً، و المغصوبه جهرا، سيّده النّساء، الإنسيّه الحورآء، امّ الأئمّه النّقباء النّجباء، بنت خير الأنبياء، الطّاهره المطّهّره، البتول

پیشوا پدر حسنین، امیر مؤمنان، حضرت علیّ بن ابی طالب نازل فرما. درود خدا بر او باد. درود و سلام بر تو ای ابا الحسن؛ ای امیر مؤمنان؛ ای علیّ بن ابی طالب؛ ای برادر رسول خدا و همسر زهراى بتول و پدر دو سبط رسول خدا؛ ای حجّت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسّل جسته ایم و تو را پیشاپیش حاجت هایمان مقدّم می داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. بارخدايا؛ سلام و درود و برکت را بر سیّده بزرگوار نیکوسیرت نازل فرما؛ آن بانوی معصوم از گناه و خطا و مورد ستم قرار گرفته، شریف و بزرگوار، غم و اندوه دیده که سختی ها و مصائب دنیا وجود مقدّسش را آزار داد و در اندک زمانی، طولانی ترین غصّه ها و مصیبت ها را تحمّل نمود، بانوی پسندیده بردبار و پاکدامن صاحب قلب سلیم که قدر و مقامش ناشناخته و قبرش پنهان مانده و پنهانی مدفون گردید ولی آشکارا حقّش غصب گردید، سرور زنان و حوریّه ای در قالب انسان، مادر امامان بزرگوار و نیک نژادان، دختر بهترین پیامبران، پاک و پاکیزه، آن که از تعلّقات دنیوی بریده و به سوی معبودش روی آورد

العذراء، فاطمه التقيّة الزهراء عليها السّلام. الصّلاه و السّلام عليك و على ذرّيّتك يا فاطمه الزّهراء، يا بنت محمّد رسول الله، أيّتها البتول، يا قزه عين الرّسول، يا بضعه النّبى، يا امّ السّبطين، يا حجّه الله على خلقه، يا سيّدتنا و مولاتنا، إنّنا توّجّهنّا و استشفّعنا و توسّلنا بك إلى الله، و قدّمناك بين يدي حاجاتنا فى الدّنيا و الآخرة، يا وجهه عند الله، إشفعى لنا عند الله. أللهم صلّ و سلّم و زد و بارك على السّيد المجتبى، و الإمام المرتضى، سبط المصطفى، و ابن المرتضى، علم الهدى، العالم الرّفيع، ذى الحسب المنيع، و الفضل الجميع، و الشّرف الرّفيع، الشّفيح ابن الشّفيح، المقتول بالسّمّ النّقيع، المدفون بأرض البقيع، العالم بالفرأئض و السنن، صاحب الجود و المنن، كاشف الضّرّ و البلوى و المحن، ما ظهر منها

و چون مروارید ناسفته تلالؤ می نمود، فاطمه پرهیزگار و ستاره درخشان آسمان پیامبر که درود و سلام بر او باد. صلوات و سلام بر تو و بر ذریّه تو؛ ای فاطمه زهرا؛ ای دخت گرامی حضرت محمّد صلی الله علیه و اله و سلّم رسول خدا؛ ای بتول؛ و ای نور چشم پیامبر؛ ای پاره تن رسول خدا؛ و ای مادر دو سبط رسول خدا، ای حجّت خدا بر بندگانش؛ ای سیّده و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسّل جسته ایم و تو را پیشاپیش حاجت هایمان مقدم می داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوندا؛ بر سرور برگزیده سلام و صلوات و برکات خویش را نازل فرما، پیشوایی که امید (کرم و رحمت) از درگاهش می رود، سبط پیامبر مصطفی و فرزند علی مرتضی، پرچم هدایت و عالم بلندمرتبه و آن که دارای حسبی گرامی و ارجمند و جامع فضیلت ها و صاحب شرافت رفیع است، شفاعت کننده ای از زادگان شفاعت کننده، کشته شده با زهر کشنده و مدفون در سرزمین بقیع، عالم و دانشمند نسبت به واجبات و مستحبات دین، صاحب بخشش و احسان، برطرف کننده بیچارگی ها و سختی ها و محنت ها، از آشکار

و ما بطن، ألمدی عجز عن عدّ مدآئحه لسان اللسن، الإمام بالحقّ المؤمن، أبی محمّد الحسن (صلوات الله و سلامه علیه).  
الصلاه و السلام عليك يا أبا محمّد، يا حسن بن عليّ، أيها المجتبي، يابن رسول الله، يابن أمير المؤمنين، يابن فاطمه الزهراء، يا  
حجّه الله على خلقه، يا سيّد شباب أهل الجنّه، يا سيّدنا و مولانا إنّنا توجّهنا و استشفعنا و توسّلنا بك إلى الله، و قدّمناك بين  
يدي حاجاتنا في الدنيا و الآخرة، يا وجيها عند الله، إشفع لنا عند الله. اللهم صلّ و سلّم و زد و بارك على السيّد الزاهد، و الإمام  
العابد، الزّاع السّاجد، وليّ الملك الماجد، و قتل الكافر الجاحد، زين المنابر و المساجد، صاحب المحنه و الكرب و البلاء،  
المدفون بأرض كربلاء، سبط رسول الثقلين، و نور العينين، مولانا و مولی الكونين، الإمام

و نهان، آن که زبان مادحان از شمارش خوبی هایش عاجز و ناتوان باشد، امام بر حق امانتدار، حضرت ابا محمّد امام حسن-  
که درودها و سلام های خدا بر او باد-درود و سلام بر تو ای ابا محمّد؛ ای حسن بن علی؛ ای امام برگزیده؛ ای زاده رسول  
خدا؛ ای زاده امیر مؤمنان و فاطمه زهرا؛ ای حجّت خداوند بر آفریدگانش؛ ای سرور جوانان اهل بهشت؛ ای آقا و مولای ما؛  
ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسّل جسته ایم و تو را پیشاپیش خواسته های مان مقدم می  
داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوندا؛ سلام و صلوات و برکات خویش را بر  
آن سرور زهدپیشه و امام عبادت کننده فروفرست او که همواره در رکوع و سجود بود، سرپرست از طرف پادشاه صاحب  
اختیار باشکوه و عظمت، و کشته شده توسط کافر عنادپیشه، زینت بخش منبرها و مساجد، صاحب سختی و اندوه و بلا، دفن  
شده در سرزمین کربلا، سبط پیامبر جنّ و انس، و نور چشمان، مولای ما و مولای دو جهان امام

بالحقّ أبی عبد الله الحسین (صلوات الله و سلامه علیه) . الصّیلاه و السّلام علیک یا ابا عبد الله، یا حسین بن علیّ، أيّها الشّهِید یا بن رسول الله، یا بن امیر المؤمنین، یا بن فاطمه الزّهرآء، یا سیّد شباب أهل الجنّه، یا حجّه الله علی خلقه، یا سیّدنا و مولانا إنّنا توجّهنا و استشفّعنا و توسّلنا بک إلى الله، و قدّمناک بین یدی حاجاتنا فی الدّنیاء و الآخراه، یا وجیها عند الله، إشفع لنا عند الله. اللَّهُمَّ صَلِّ و سلّم و زد و بارک علی أبی الأئمّه، و سراج الائمّه، و کاشف الغمّه، و محیی السّیئّه، و سنّی الهمّه، و رفیع الرّتبّه، و أنیس الکربّه، و صاحب النّدبّه، المدفون بأرض طیبه، المبرّء من کلّ شیئ، و أفضل المجاهدین، و أكمل الشّاکرین و الحامدین، شمس نهار المستغفرین، و قمر لیلہ المتهجّدين، الإمام بالحقّ زین العابدین، أبی محمّد علیّ بن

بر حقّ حضرت ابا عبد الله الحسین- درودها و رحمت های خدای بر او باد- درود و سلام به محضر مقدّس تو ای ابا عبد الله؛ ای حسین بن علی؛ ای شهید راه خدا و ای زاده پیامبر او؛ ای فرزند امیر مؤمنان و فاطمه زهرا. ای سرور جوانان اهل بهشت؛ و ای حجّت خدا بر آفریدگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسّل جسته ایم و تو را پیشاپیش خواسته هایمان مقدّم می داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. بارخدا یا؛ درود و سلامت را بر پدر امامان و چراغ امت اسلام و برطرف کننده غم و اندوه و احیا کننده سنّت فرو فرست، آن بزرگمرد بلند همت و عظیم الشان که همواره با اندوه فراوان همدم بود و نوحه و ناله داشت، در زمین پاکیزه مدینه مدفون گشت و او از هر عیب و زشتی به دور بود، برترین مجاهدان و کامل ترین شکر گزاران و ستایش گران بود، خورشید تابنده روزهای توبه کنندگان و ماه فروزنده شب های متهجّدان. پیشوای بر حقّ و زینت عبادت کنندگان حضرت ابا محمّد علیّ بن

الحسين (صلوات الله و سلامه عليهما) . الصَّلاة و السَّلام عليك يا أبا محمَّد، يا عليَّ بن الحسين، يا زين العابدين، أيُّها السَّجَّاد يا بن رسول الله، يا بن أمير المؤمنين، يا حجَّه الله على خلقه، يا سيِّدنا و مولانا إنا توَّجَّهنا و استشفعنا و توسَّلنا بك إلى الله، و قدَّمناك بين يدي حاجاتنا في الدُّنيا و الآخرة، يا وجيها عند الله، إشفع لنا عند الله. اللَّهُمَّ صلِّ و سلِّم و زد و بارك على قمر الأقمار، و نور الأنوار، و قائِد الأخيار، و سيِّد الأبرار، و الطَّهر الطَّاهر، و البدر الباهر، و النجم الزَّاهر، و البحر الزَّاهر، و الدَّرِّ الفاخر، الملقَّب بالباقر، السيِّد الوجيهِ، الإمام النَّبيهِ، المدفون عند جدِّه و أبيه، الحبر الملِّي عند العدوِّ و الوليِّ، الإمام بالحقِّ الأزليِّ، أبا جعفر محمَّد بن عليِّ عليهما السَّلام. الصَّلاة و السَّلام عليك يا أبا جعفر يا محمَّد بن عليِّ، أيُّها الباقر يا بن

حسين-درودها و سلام های خدای بر او باد-درود و سلام بی کران خداوند بر تو باد ای ابا محمَّد؛ ای علی بن حسین؛ ای زینت عبادت کنندگان، ای بسیار سجده کننده در درگاه خداوند؛ ای زاده پیامبر خدا؛ ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجّت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسَّل جسته ایم و تو را پیشاپیش حاجت هایمان مقدم می داریم؛ در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوندا؛ سلام و رحمت و برکات را بر ماه ماهرویان و روشنی بخش روشنائی ها و پیشرو نیکوکاران و آقای خوبان فروفرست، آن پاک و پاکیزه سرشت و ماه شب چهارده فروزان و ستاره درخشان. دریای بی کران (علم و دانش)، و درّ فاخر و گرانبها، و ملقب به باقر، آقای آبرومند و پیشوای شریف و آگاه، مدفون در نزد جدّ و پدرش، آن دانشمند سرشار از علم و دانش نزد دوست و دشمن، امام بر حق همیشگی حضرت ابا جعفر محمَّد بن علی-بر هر دوی آنها درود خدا باد-درود و رحمت خدا بر تو ای ابا جعفر؛ ای محمَّد بن علی؛ ای شکافنده علوم؛ و ای

رسول الله، يابن أمير المؤمنين، يا حجه الله على خلقه، يا سيدنا و مولانا إنا توجهننا و استشفعنا و توسلنا بك إلى الله، و قدمناك بين يدي حاجتنا في الدنيا و الآخرة، يا وجيها عند الله، إشفع لنا عند الله. اللهم صل و سلم و زد و بارك على السيد الصادق الصديق، العالم الوثيق، الحليم الشفيق، الهادي إلى الطريق، الساقى شيعته من الرحيق، و مبلغ أعدائه إلى الحريق، صاحب الشرف الرفيع، و الحسب المنيع، و الفضل الجميع، الشفيق ابن الشفيق، المدفون بالبقيع، المهذب المؤيد، الإمام الممجد أبي عبد الله جعفر بن محمد (صلوات الله و سلامه عليه). الصلاه و السلام عليك يا أبا عبد الله، يا جعفر بن محمد، أيها الصادق يابن رسول الله، يابن أمير المؤمنين، يا حجه الله على خلقه، يا سيدنا و مولانا إنا توجهننا و استشفعنا و توسلنا بك إلى الله،

زاده رسول خدا؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را پیشاپیش خواسته هایمان مقدم می داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوندا؛ درود و رحمت فرست بر آقای راستگوی تصدیق کننده، و دانشمند مورد اطمینان، بردبار دلسوز و هدایت کننده به راه حق، او که شیعیانش را از شراب طهور سیراب می سازد و دشمنانش را به آتش جهنم سرازیر می نماید. صاحب شرافتی بلند و حسبی برجسته و فضل و دانش جامع، آن که خود و پدرش هر دو شفاعت کننده اند؛ او که در بقیع مدفون است، آن تهذیب شده تأیید گشته، پیشوای عظیم الشأن، حضرت ابا عبد الله جعفر بن محمد- درودها و سلام خدا بر او باد- درود و سلام بر تو ای ابا عبد الله؛ ای جعفر بن محمد؛ ای صادق راستگو و ای زاده پیامبر؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ و حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم

و قدّمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة، يا وجيها عند الله، إشفع لنا عند الله. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْكَرِيمِ، وَالْإِمَامِ الْحَلِيمِ، وَسَمِيِّ الْكَلِيمِ، الصَّابِرِ الْكَظِيمِ، قَائِدِ الْجَيْشِ، الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ قَرِيْشِ، صَاحِبِ الشَّرْفِ الْأَنْوَارِ، وَالْمَجْدِ الْأَظْهَرِ، وَالْجَبِيْنَ الْأَطْهَرِ [الأزهرخ]، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي إِبْرَاهِيمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّيِّلَاهُ وَالسَّيِّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمِ، يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ، وَأَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَوَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمَعْصُومِ، وَالْإِمَامِ

و وجود مقدّست را پیشاپیش حاجت های مان مقدّم می داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. بارخدایا؛ درود و رحمت و برکت خویش را بر سید بخشنده و پیشوای بردبار، همانام موسی کلیم، شکیبائی که خشمش را فرومی برد، فرمانده گروه (شیعه) فروفرست، او که در مقبره های قریش مدفون گشت، دارای شرف نورانی و شکوه و عظمت آشکار و جبین و پیشانی پاکیزه (درخشان)، پیشوای بر حقّ حضرت ابا ابراهیم موسی بن جعفر-درودها و سلام خدا بر او باد- درود و رحمت خدا بر تو ای ابا ابراهیم؛ ای موسی بن جعفر؛ ای امام کاظم؛ ای بنده شایسته خدا؛ ای زاده رسول خدا؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجّت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسّل جسته ایم و تو را پیشاپیش حاجت های مان مقدّم می داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. بارخدایا؛ درود و رحمت و برکت خود را فروفرست بر آن سرور معصوم و امام



المظلوم، و الشَّهيد المسموم، و الغريب المغموم، و القتل المحروم، عالم علم المكتوم، بدر النجوم، شمس الشموس، و أنيس النفوس، المدفون بأرض طوس، الرضی المرتضی، المرتجى المجتبی، الإمام بالحقّ أبی الحسن علی بن موسی الرضا (صلوات الله و سلامه علیه). الصیلاه و السلام علیک یا أبا الحسن، یا علی بن موسی الرضا، یا بن رسول الله، یا بن أمير المؤمنين، یا حجّه الله علی خلقه، یا سیدنا و مولانا إنّنا توجّهنا و استشفعنا و توسلنا بک إلى الله، و قدّمناک بین یدی حاجاتنا فی الدنیا و الآخرة، یا وجیها عند الله، إشفع لنا عند الله. اللهم صلّ و سلّم و زد و بارک علی السید العادل العالم، العامل الكامل، الفاضل الباذل، الأجود الجواد، العارف بأسرار المبدء و المعاد و لكلّ قوم هاد، مناص المحیّین یوم یناد المناد،

ستمديده و شهيد مسموم و غريب غمديده، كشته شده ای كه محروم (از حق خود) گشت، او كه به علم غيب و نهان آگاه بود، ماه ستارگان و خورشید خورشیدها و همدم جان ها، دفن شده در سرزمین طوس، آن كه همگان از او خشنود و راضی بودند، برگزیده ای كه همگان به لطفش چشم امید دوخته بودند، پیشوای بر حق حضرت ابا الحسن علی بن موسی الرضا (كه درودها و سلام خدا بر او باد). سلام و رحمت خدای بر تو ای ابا الحسن؛ ای علی بن موسی الرضا؛ ای زاده پیامبر خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجّت خدا بر بندگانش؛ ای سید و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را پیشاپیش خواسته های مان مقدّم می داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. بارخدا یا؛ درود و سلام و برکاتت را بر سرور دادگر دانشمند فروفرست، آن عامل به کمال رسیده و دارای فضل و بخشنده، بخشنده ترین بخشش کننده، عارف به اسرار مبدء و معاد (آغاز و فرجام عالم) و او كه برای قوم، هادی و راهنما بود و پناهگاه دوستدارانش در روز محشر.

المذكور في الهدايه و الإرشاد، المدفون بأرض بغداد، السَّيِّد العربيّ، و الإمام الأحمديّ، و النور المحمّديّ، الملقَّب بالتَّقِيّ، الإمام بالحقّ أبي جعفر محمّد بن عليّ عليه السَّلام. الصَّلاه و السَّلام عليك يا أبا جعفر، يا محمّد بن عليّ، أيّها التَّقِيّ الجواد، يا ابن رسول الله، يا ابن أمير المؤمنين، يا حجّه الله على خلقه، يا سيّدنا و مولانا إنا توجَّهنا و استشفعنا و توسَّلنا بك إلى الله، و قدّمناك بين يدي حاجتنا في الدُّنيا و الآخرة، يا وحيها عند الله، إشفع لنا عند الله. اللَّهُمَّ صَلِّ و سَلِّمْ و زد و بارك على الإمامين الهمامين، السَّيِّدين السَّنين، الفاضلين الكاملين، الباذلين العادلين، العالمين العاملين، الأورعين الأطهرين، النورين التَّيرين، و الشَّمسين القمرين، الكوكبين الأسعدين، وارثي المشعرين، و أهلي الحرمين، كهفي التَّقِيّ، غوثي

و آن که در راه راهنمایی و ارشاد امت، راهبر است و در بغداد مدفون گشت. آن سید عرب نژاد و پیشوای احمدی نسب و نور محمّدی که به «تقی» (پرهیزکار) ملقب شد، امام بر حق حضرت ابا جعفر محمّد بن علی-بر او سلام باد-. درود و سلام بر تو ای ابا جعفر؛ ای محمّد بن علی؛ ای تقوای پیشه بخشنده؛ ای زاده رسول خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجّت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسّل جسته ایم و تو را پیشاپیش خواسته های مان مقدّم می داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوندا؛ درود و رحمت و برکات خود را بر دو امام بزرگوار نازل فرما. بر دو آقا و پشتیبان امت، بر دو فاضل کامل و بخشنده عادل، دو دانشمند عمل کننده، و دو پرهیزکارتر پاک تر، دو نور درخشنده و دو خورشید تابنده و دو ماه (هدایت) و دو ستاره سعادت بخش، دو وارث مشعر و منی، و دو اهل مکه و مدینه، و دو استوانه تقوا و دو فریادرس

الوری، بدری الدجی، طودی النهی، علمی الهدی، المدفونین بسرّ من رأی، کاشفی البلوی و المحن، صاحبی الجود و المنن، الإمامین بالحقّ أبی الحسن علی بن محمّد النقیّ و أبی محمّد الحسن (صلوات الله و سلامه علیهما). الصّلاه و السّلام علیكما یا أبأ الحسن و یا أبأ محمّد، و یا علی بن محمّد و یا حسن بن علی، أیها النقیّ الهادی و أیها الزکّیّ العسکریّ، یا بنی رسول الله، یا بنی امیر المؤمنین، یا حجّتی الله علی الخلق أجمعین، یا سیّدینا و مولینا إنّنا توجّهنا و استشفعنا و توسّلنا بکما إلی الله، و قدّمناکما بین یدی حاجاتنا فی الدنیا و الآخرة، یا وجیهین عند الله، إشفعنا لنا عند الله. أللّهم صلّ و سلّم وزد و بارک علی صاحب الدّعوه النبویّه، و الصّوله الحیدریّه، و العصمه الفاطمیّه، و الحلم الحسّیّه، و الشّجاعه الحسّیّه، و العباده السّجّادیّه،

مردم و دو ماه درخشنده تاریکی ها و دو کوه عقل و خرد، و دو بیرق هدایت، آن بزرگوارانی که در سرّ من رأی (سامرّا) دفن گشتند. آنانی که بلا و محنت ها را برطرف می کنند و بر ائمت، جود و احسان دارند. دو امام بر حق ابا الحسن علی بن محمّد نقی (پاکیزه) و ابا محمّد حسن (درودها و سلام خدا بر هر دوی آنان باد). درود و سلام بر شما ای ابا الحسن؛ و ای ابا محمّد؛ ای علی بن محمّد؛ و ای حسن بن علی؛ ای امام پاک خالص هدایت گر؛ و ای امام زکی عسکری؛ (پاکیزه سرشت همیشه محصور) ای زادگان رسول خدا و ای فرزندان امیر مؤمنان؛ ای حجّت های خداوند بر بندگانش؛ و ای دو سرور و مولای ما؛ ما به واسطه شما به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسّل جسته ایم و شما را پیشاپیش حاجت های مان مقدّم می داریم در دنیا و در آخرت، ای آبرومندان نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت کنید. خدای من؛ سلام و صلوات و برکات خویش را فروفرست بر صاحب دعوت نبوی و دلیری حیدری و عصمت فاطمی و بردباری حسنی و شجاعت حسینی و عبادت و بندگی سّجّادی

و الماثر الباقریه، و الآثار الجعفریه، و العلوم الکاظمیه، و الحجج الرضویه، و الجود التَّقویه، و التَّقاوه التَّقویه، و الهیبه العسکریه، و الغیبه الإلهیه، القائم بالحق، و الدّاعی إلى الصّیّدق المطلق، کلمه الله و أمان الله و حَجّه الله، الغالب بأمر الله، و الذّابّ عن حرم الله، إمام السّیّر و العلن، دافع الكرب و المحن، صاحب الجود و المنن، الإمام بالحقّ أبی القاسم محمّد بن الحسن، صاحب العصر و الزّمان، و خلیفه الرّحمان، و إمام الإنس و الجنّ (صلوات الله و سلامه علیه). الصّیّلاه و السّیّلام علیک یا وصیّ الحسن، و الخلف الصّالح، یا إمام زماننا، القائم المنتظر المهديّ، یا سیدنا و مولانا إنّنا توّجّهنّا و استشفعنا و توّسلنا بک إلى الله، و قدّمناک بین یدی حاجاتنا فی الدّنيا و الآخره، یا وجیها عند الله، إشفع لنا عند الله عزّ و جلّ.

و آثار بجای مانده باقری، و آثار جعفری و دانش های کاظمی و حجّت های رضوی و بخشندگی تقوی و پاکیزگی نقوی و هیبت عسکری و غیبت الهی، آن قیام کننده بر حق و فراخواننده به راستی مطلق، کلمه خدا و امان خدا و حجّت خدا، ظفرمند با امر خدا و حمایت کننده از حرم خدا، پیشوای آشکار و نهان، دور کننده اندوه و محنت، دارای بخشندگی و احسان، پیشوای بر حق حضرت ابا القاسم محمّد بن حسن، صاحب عصر و زمان، و جانشین خدای رحمان و پیشوای انسان ها و پریان، (درودها و سلام خدا بر او باد). درود و رحمت بر تو ای وصیّ امام حسن، ای جانشین شایسته و ای امام زمان ما؛ قیام کننده هدایت شده ای که مورد انتظار همگان است. ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توّسل جسته ایم، و تو را پیشاپیش حاجت های مان مقدّم می داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

حاجت ها را از خداوند بخواهید و سپس دست ها را بلند نموده بگویید:

یا سادتی و موالی، اِنِّی توجَّهت بکم، اَنْتُمْ اَنْمَیْتی و عدَّتِی لیوم فقری و فاقتی و حاجتی اِلی اللّٰه، و توسَّیلت بکم اِلی اللّٰه، و بحَبِّکم و بقربکم اُرْجُو النَّجاةَ مِنَ اللّٰه، فکونوا عند اللّٰه تعالی رجائی، یا ساداتی یا اولیاء اللّٰه صلی اللّٰه علیکم اجمعین. اَللّٰهُمَّ اِنَّ هؤُلاء اَنْمَنتنا و سادتنا و قادتنا و کبرآئنا و شفعاَنا، بهم اتولّی و من اُعدّآئهم اُتبرّء فی الدّنیاء و الآخرة. اَللّٰهُمَّ وال من والاهم، و عاد من عاداهم، و انصر من نصرهم، و اخذل من خذلهم، و العن علی من ظلمهم، و عَجِّل فرجهم، و اهلک عدوهم من الجنّ و الإنس من الأوّلین و الاخرین، امین یا ربّ العالمین. اَللّٰهُمَّ ارزقنا فی الدّنیاء زیارتهم، و فی الآخرة شفاعتهم، و احشرنا معهم و فی زمرتهم و تحت لوآئهم، و لا تفرّق بیننا و بینهم طرفه

ای عزیزانی که سرور و سالار من هستید؛ من به شما رو آوردم که شما پیشوایان من هستید و شما سرمایه من در روز فقر و بیچارگی و نیازم نزد خداوند هستید و به وسیله شما به خداوند توسل جسته و با دوستی و تقرب به شما نجات را از درگاه خدا امید دارم. پس نزد خدای بلندمرتبه امید من باشید. ای سروران من؛ ای دوستان خدا؛ درود خدا بر همگی شما باد. بارخدایا؛ همانا اینان، امامان و سروران و فرماندهان و بزرگان و شفعیان ما هستند، به ایشان ارادت و دوستی دارم و از دشمنان شان بیزاری می جویم در دنیا و آخرت. خداوندا؛ آن که آنان را دوست بدارد دوست بدار و آن که دشمن بدارد دشمن بدار، کسی را که به آنها یاری رساند، یاری کن و کسی که ترک یاری ایشان نمود خوار و ذلیل فرما، و از رحمت خویش دور بدار هر آنکه را که به آنان ستم نماید. و در فرج آنان تعجیل فرما، و دشمن ایشان را نابود فرما، چه از جنّ باشد و چه از انسان، چه از دوران های سابق باشد و چه از دوران های بعد از آن، ای پروردگار عالمیان؛ این دعا را اجابت فرما. خداوندا؛ در دنیا زیارت آنان و در آخرت شفاعت شان را نصیب ما بفرما. و ما را با آنان محشور کن و در گروه آنان و در زیر پرچم آنان قرارمان ده. و بین ما و آنان، لحظه ای

عين أبدا في الدنيا والآخرة، برحمتك يا أرحم الراحمين. (۱)

(چشم بهم زدنی) جدایی میفکن نه در دنیا و نه در آخرت. به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

## ۲- دعای توسل به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

در کتاب «قبس المصباح» دعای مختصری (برای توسل به مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه) نقل شده که عبارت است از:

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبَ الزَّمَانِ إِلَّا أَعْتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي، وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْنَهُ كُلَّ مَوْذٍ وَطَاغٍ وَبَاغٍ، وَاعْتَنِي بِهِ، فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي، وَكَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ [و غَمٍّ] وَدِينٍ، وَوَلَدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي، وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرَهُ وَخَاصَّتِي، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. (۲)

خداوندا! از تو درخواست می کنم به حق ولی و حجتت، صاحب زمان، این که به واسطه آن حضرت، مرا در همه کارهایم یاری رسانی و به وسیله او مرا از شرّ هر طغیانگر و ستمگر و آزاررسانی در امان بداری و کمکم کنی. به راستی که ناتوان گشته و جانم به لب رسیده و از هر دشمن و (غم و اندوهی) و مشکلات و قرضی، کفایت کنی مرا و فرزندانم و همه اهل و برادرانم را، و هر کس کار او به من مربوط می شود و نیز خاصان مرا، این دعا را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

در کتاب «جنات الخلود» می فرماید: فتح و پیروزی بر دشمنان در جنگ ها و غیر آن، و نیز ادای قرض ها، بستگی به توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداه به این طریق دارد. (۳) و سپس این دعا را نقل نموده است.

ص: ۴۳۴

۱- ۱) . مهج الدعوات: ۴۲۵. [۱]

۲- ۲) . نجم الثاقب: ۷۳۱.

۳- ۳) . جنات الخلود: ۴۰.

#### در مشکلات

از وظائف بزرگ ما توجّه و توسّل به حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه می باشد؛ مخصوصا در هنگام سختی ها، مشکلات شدید و بیماری های دشوار که بر انسان وارد می شود.

در این هنگام وظیفه ما برای حلّ آن مشکلات و رهایی از آن ها، توسّل به امام زمان ارواحنا فداه است که سرپرست امور ما است.

بنابراین در همه گرفتاری ها مخصوصا زمانی که بیچارگی و اضطراب سراسر وجودمان را احاطه کرده، باید به منتقم آل الله امام زمان صلوات الله علیه متوسّل شویم و بدانیم همه گرفتاری ها و سختی هایی که به ما می رسد بر اثر غیبت آن حضرت است، و ما موظف هستیم برای ظهور آن بزرگوار دعا کنیم.

در «بحار الأنوار» می فرماید: ابو الوفاء شیرازی چنین گوید: در زندانی محصور بودم و به خاطر آن پریشان بودم و به واسطه امامان علیهم السلام با خدا به رازونیاز پرداختم، هنگامی که شب جمعه رسید پس از نماز خوابیدم و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را در خواب دیدم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم او را در خواب راهنمایی فرمود که برای هر حاجتی به کدام امام و چگونه متوسّل گردد؟ آن گاه پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم به او فرمود:

و أمّا صاحب الزّمان فإذا بلغ منك السيف الذّبح، فاستعن به، فإنّه يعينك و وضع يده على حلقه.

و اما صاحب الزمان؛ پس هرگاه شمشیر به گلوگاهت رسید-و دستش را بر حلقش نهاده بود-از او یاری بخواه که یاریت می رساند.

(ابو الوفاء می گوید): در خواب صدا زدم:

یا مولای؛ یا صاحب الزّمان؛ ادر کنی فقد بلغ مجهودی.

ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب که همانا جانم به لب رسیده است.

و ناگهان بیدار شدم و دیدم که زندان بانان، زنجیر از من باز می کنند. (۱)

در «سلاح المؤمنین» می فرماید: پدرم چنین فرمود:

إن دنا من نحرک السیف استغث بولی العصر مولاک و قل:

یا صاحب الزّمان أغثنی، یا صاحب الزّمان ادر کنی

فهو باب الله و الرّحمه و الغوث و ابن المصطفی فخر الرّسل

هنگامی که شمشیر بر گردنت نهادند استغاثه کن و یاری بخواه از مولایت ولی عصر و چنین بگو: ای صاحب الزمان؛ به فریادم برس، ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب.

او باب خدا و رحمت الهی و فریادرس و زاده مصطفی فخر پیامبران است. (۲)

محدّث نوری رحمه الله می فرماید: ظاهراً مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلّم از این سخن این نیست که فقط در هنگام گرفتاری در دست دشمنان- که قصد کشتن و نابودی شما را دارند- به امام عصر ارواحنا فداه متوسّل شوید، بلکه کنایه از این است که باید به آن حضرت توسّل جست هر وقت سختی به حدّ آخر رسیده باشد و اسباب مادّی و امید به مخلوقین از بین رفته باشد و صبر انسان لبریز گردد. و تفاوتی نمی کند که بلا و مصیبت دینی باشد یا دنیوی، از شرّ انسان باشد یا از شرّ جن، چنان که از دعای مذکور (در ص ۴۳۴)، این مطلب روشن می گردد.

بنابراین، وظیفه مضطرّ، بیچاره و ناتوان، دادخواهی و کمک خواستن از آن وجود مقدّس ارواحنا فداه است و اجابت و فریادرسی از منصب های الهی آن بزرگوار می باشد.

ص: ۴۳۶

۱- ۱. بحار الأنوار: ۹۴/۳۳.

۲- ۲. سلاح المؤمنین: ۱۲۸.



و چنانچه شخص مضطرّ از شدّت پریشانی و بیچارگی اش نتواند با زبان اظهار کند و دعایی که از اهل بیت علیهم السّلام رسیده بخواند و به حضرت استغاثه کند، کافی است با زبان حال از او یاری بخواهد یعنی بداند و اقرار کند که او ولیّ و امامش می باشد و مربّی او و واسطه فیض خدا، فقط وجود مقدّس اوست و چراغ هدایت در تاریکی های بیابان غیبت فقط اوست.

پس بفهمد و بشناسد که آن هایی که در سفر طاعت مثل مسافرت حجّ و زیارت استغاثه می کنند، کسی جز امام زمان که فریادرس دوران است، آن ها را نجات نمی دهد و به فریادشان نمی رسد.

شاهد بر این ادّعا آن است که «غوث» از لقب های اختصاصی آن حضرت است که در زیارت های معتبر وارد شده است و معنای آن فریادرس است. و البتّه بدیهی است این لقب خدادادی مجرّد اسم نیست و طبعاً صاحب این لقب باید بتواند صدای هر کسی را از هر جایی بشنود و به هر زبانی هم که فریادرسی از او شود، باید بداند.

بلکه علمی داشته باشد که به حالات فریادطلبان و دادخواهان احاطه داشته باشد بدون این که آنان استغاثه ای نمایند، همان گونه که در توقیعیش به شیخ مفید رحمه الله چنین می فرماید.

و او قدرت دارد که در صورت صلاحدید، استغاثه کننده را از دریای گرفتاری و بلا نجات دهد به هر حالی که باشد و به هر زبانی که فریاد بر آورد و لایق این مقام نیست مگر کسی که از مقام والای امامت برخوردار است و قدم بر بساط ولایت نهاده است. و نیز این سخن را تأیید می کند آنچه بین عرب (شهرنشین و بادیه نشین) مشهور است که او را «ابا صالح» می خوانند و بدو متوسّل نمی شوند و شکایت به نزدش نمی برند و استغاثه و ندبه اش نمی کنند، مگر به این اسم مقدّس یعنی «ابا صالح».

(۱)

ص: ۴۳۷

#### ۴- توسّل دیگر به حضرت بقیّه الله عجل الله تعالی فرجه

در مشکلات (یا فارس الحجاز)

روایت شده است که:

هر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا اخروی بر او دشوار گردد، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، یاری حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه به او می رسد:

یا فارس الحجاز أدركني، يا أبا صالح المهدي أدركني، يا أبا القاسم أدركني وأدركني، فإني عاجز ذليل. (۱)

ای اسب سوار حجاز؛ مرا دریاب؛ ای ابا صالح المهدی؛ مرا دریاب؛ ای ابا القاسم؛ مرا دریاب، مرا دریاب، و مرا رها نکن که همانا من در مانده ای ناتوان و خوار هستم.

#### ۵- توسّل دیگر به حضرت بقیّه الله عجل الله تعالی فرجه

در مشکلات (یا محمد یا علی...)

عالم بزرگوار عراقی رحمه الله در کتاب «دار السلام» می فرماید: ملا قاسم رشتی رحمه الله چنین گوید:

به اصفهان رفتم و به مقبره تخت فولاد در روزی غیر از پنجشنبه روانه شدم و چون در آن دیار غریب بودم نمی دانستم که مردم آن شهر فقط شبهای جمعه به زیارت اهل قبور می روند، و در دیگر ایام، مقبره خالی از مردم است و چیزی در آنجا یافت نمی شود، وقتی در خیابان قدم برمی داشتم، میل داشتم که قلیانی بکشم، خادمی که

ص: ۴۳۸

همراه من بود گفت: در این اطراف جز شب های جمعه چیزی پیدا نمی شود.

من هم گفتم: زیارت اهل قبور را برای کشیدن قلیان ترک نمی کنم و داخل قبرستان شدم و شروع به قرائت فاتحه کردم که ناگاه مردی را مشاهده نمودم که در گوشه حیاط نشسته بود.

آن شخص گفت: ملا قاسم؛ چرا وقتی وارد شدی، طبق سنت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم، سلام نکردی؟ شرمنده شدم و از او معذرت خواستم و گفتم: دور بودم و می خواستم وقتی نزدیک شدم سلام کنم.

گفت: نه، شما اهل علم ادب ندارید.

هیبتش بر دلم افتاد و به او نزدیک شدم و سلامش نمودم. جوابم داد و نام والدین مرا برد گفت: آن ها فرزند پسر نداشتند و پدرت نذر کرد که اگر خداوند به او فرزند پسری عنایت کند، او را از اهل حدیث و از نیکان قرار دهد. آن گاه خدا تو را به او عنایت کرد و او هم به نذرش وفا نمود.

گفتم: بلی؛ این را شنیده ام. سپس گفت: اگر می خواهی قلیان بکشی در کیسه من موجود است، بردار و آماده کن تا باهم بکشیم.

اراده کردم که به خادمم دستور دهم، ولی به مجرد این اراده و همینکه از دلم خطور کرد به من گفت: نه، خودت آماده کن.

گفتم: چشم و قلیان را آماده نمودم و کشیدم، سپس به او دادم، او هم کشید و به من بازگردانید، آن گاه چنین گفت: چند روز قبل به اینجا آمدم و هیچ میلی به اهل این شهر و به داخل شدن در این شهر نداشتم و همانا دوستی در مازندران دارم و می خواهم به زیارت او بروم. سپس به من گفت: در این مقبره، قبور عده ای از پیامبران است، برخیز و آن ها را همراه من زیارت کن.

پس برخاست و کیسه اش را برداشت و باهم رفتیم تا به جایی رسیدیم، گفت:

اینجا، قبور انبیا است و آن گاه زیارتی خواند که من هرگز در کتاب ها آن را ندیده بودم، به هر حال، همراه او خواندم، سپس از قبرها دور شد و گفت: من عازم مازندران هستم، می توانی از من چیزی بخواهی.

از او خواستم که به من علم کیمیا را بیاموزد.

گفت: آن را به تو نمی آموزم، اصرار ورزیدم.

گفت: رزق و روزی هر کسی مقدر و معین شده، و آنچه می خواهی در اواخر عمرت به تو می رسد.

گفتم: چه می شود اگر من از فقر و فلاکت نجات یابم؟

گفت: دنیا ارزشی ندارد.

گفتم: به خاطر دوستی و حبّ دنیا این تقاضا را از تو نکردم.

گفت: پس چرا فقط از امور دنیوی تقاضا نمودی؟ ولی من همچنان به خواسته خود پافشاری کردم.

گفت: اگر در مسجد سهله مرا دیدی، خواسته ات را برمی آورم.

گفتم: پس دعایی به من تعلیم نما.

گفت: دو تا دعا به تو یاد می دهم؛ یکی به تو اختصاص دارد و دیگری برای همگان، و اگر مؤمن گرفتاری آن را بخواند حتما مؤثر واقع می شود، سپس آن دعاها را برایم خواند. گفتم: متأسفانه قلمی ندارم تا دعاها را بنویسم و قدرت حفظ کردن آن را هم ندارم. گفت: در کیسه من قلم و کاغذ است، بردار.

دست در کیسه نمودم و با تعجب دیدم که قلیان و دیگر وسایلی که قبلاً بود، در آن نیست و فقط دوات و قلم و کاغذی به اندازه نیاز و نوشتن آن دو دعا موجود است. بسی شگفت زده شدم! با تندی به من گفت: زود باش و معطلم نکن که می خواهم بروم.

مضطرب شدم و سر به طرف زمین نهاده مهبیای نوشتن شدم. دعای اولی را املاء کرد و من نوشتم. به دعای دوم که رسید این گونه قرائت کرد:

یا محمد یا علی یا فاطمه، یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی.

ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب زمان، مرا دریاب و هلاکم نکن.

من در عبارت دعا تأملی کردم و او که دید به فکر فرورفته ام گفت: آیا عبارت را غلط می دانی؟

گفتم: آری، زیرا خطاب به چهار نفر است و فعل آن باید جمع باشد.

گفت: اشتباه نمودی، اکنون نظم دهنده این عالم، امام زمان ارواحنا فداه است و غیر او در عالم تصرّف نمی کند و در دعا آن سه بزرگوار یعنی حضرت محمد، علی و فاطمه علیهم السّلام را شفیعان نزد امام عصر ارواحنا فداه قرار می دهیم و فقط از او استمداد می کنیم. (۱)

دیدم سخن متینی می گوید، پس دعا را نوشتم ولی وقتی سر بلند کردم کسی را ندیدم. از خادم درباره او سؤال کردم.

گفت: من کسی را ندیدم، با حالتی که در من سابقه نداشت به شهر بازگشتم و وارد خانه حاجی کرباسی شدم.

او گفت: آیا تبی بر تو عارض گشته است؟

گفتم: خیر، و ماجرا را برایش تعریف کردم.

او گفت: این دعا را شیخ محمد بید آبادی به من یاد داد و من در پشت کتاب دعا آن را نوشتم. برخاست و کتاب را آورد ولی در آن چنین بود: «أدرکونی و لا تهلکونی»، آن را پاک کرد و نوشت: «أدرکنی و لا تهلکنی». (۲)

## ۶- توسّل دیگر به حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه

(یا صاحب الزّمان)

روایت شده است که:

هر که را شدّت و مصیبتی برسد هفتاد بار بگوید:

یا الله یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزّمان، أدرکنی و لا تهلکنی. (۳)

ای خدا، ای محمد، ای علی؛ ای فاطمه، ای صاحب الزمان، مرا دریاب و هلاکم نکن.

ص: ۴۴۱

---

۱-۱). از این عبارت معلوم می شود که آن شخص، امام زمان ارواحنا فداه نبوده است.

۲-۲). دار السلام عراقی: ۳۱۷. [۱]

۳-۳). منهاج العارفين: ۴۸۳.

## ۷- توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه

در کتاب «التحفة الرضویة» آمده است: بعد از نافله مغرب، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرست، سپس هفتاد مرتبه بگو:

یا الله یا محمد یا علی یا فاطمه یا حسن یا حسین، یا صاحب الزمان، أدرکنی یا صاحب الزمان.

ای خدا؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای فاطمه؛ ای حسن؛ ای حسین؛ ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب ای صاحب الزمان.

سپس صد مرتبه دیگر صلوات بفرست و آن گاه حاجت خود را طلب کن.

صاحب کتاب «التحفة الرضویة» در ادامه می نویسد: سید علامه، حضرت والد فرموده است: این دعا برای برطرف شدن مشکلات و سختی های مهم تجربه شده است. (۱)

## ۸- توسل دیگر به حضرت حجت ارواحنا فداه

(یا حجه القائم)

از سید بزرگوار و استاد معظم، عالم ربانی و حکیم و فقیه بلندمرتبه سید محمد هندی نجفی دام ظلّه و او از دانشمند محترم سید حسن قزوینی و او از سید حسین شوشتری که از امامان جماعت بود و او از اساتیدش نقل می کند که:

(در سختی ها و مشکلات) سر برهنه رو به قبله بایست و پانصد و هفتاد مرتبه بگو: «یا حجه القائم»، و این عمل تجربه شده است. (۲)

ص: ۴۴۲

---

۱- ۱. التحفة الرضویة: ۱۵۰.

۲- ۲. تکالیف الأنام فی غیبه الإمام: ۲۵۱.

## ۹- توسل برای رفع بیماری

توسل به اسمی که مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در دعا برای پایان یافتن دوران غیبت می خوانند:

داوود بن زربی می گوید: در مدینه شدیداً مریض شدم و خبر مریضی من به امام صادق علیه السلام رسید. حضرت به من چنین نوشت:

خبر مریضی تو به من رسید. یک صاع (۱) گندم بخر، آنگاه بر پشت بخواب و گندم را به روی سینه ات بریز هر گونه که ریخته شد و چنین بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمَضْطَرُ كَشَفْتَهُ مَا بِهِ مِنْ ضَرٍّ، وَ مَكَّنْتُ لَهُ فِي الْأَرْضِ، وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلِيَّ خَلْقَكَ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ أَهْلَ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَعَافِنِي مِنْ عِلَّتِي.

بارخدا! از تو درخواست می کنم به آن اسمت که هر گاه مضطر (امام زمان علیه السلام) به آن اسم تو را بخواند، مشکلش را برطرف می کنی و در زمین توانایی و قدرتت می دهی و خلیفه خود بر بندگانت قرارش می دهی، (از تو می خواهم) که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی و مرا از این بیماری عافیت بخشی.

سپس بنشین و گندم را جمع کن و همین دعا را بخوان. سپس گندم را یک مد، یک مد (که هر مد ده سیر است) تقسیم کن و به هر مسکینی یکی از آن را بده و باز همان دعا را بخوان.

داوود می گوید: این کار را که انجام دادم، گویی از بند آزاد شدم و عده ای دیگر هم این دستور را عمل کردند و از آن بهره مند گردیدند. (۲)

ص: ۴۴۳

---

۱-۱. یک صاع، ۳۹ سیر است که قریب یک من می باشد.

۲-۲. بحار الأنوار: ۹۵/۳۵، المصباح: ۱۹۹.





بخش هشتم: عریضه ها

اشاره

ص: ۴۴۵



نوشتن عریضه و نامه حاجت به محضر مولای کریم حضرت مهدی ارواحنا فداه یکی از انواع توسل ها و استغاثه های مؤثر است و اثر عجیبی در برآمدن حاجت دارد؛ زیرا؛ مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه-چنان که در روایات نیز بیان شده است- نسبت به دوستانش بسیار لطف و رأفت دارد و مهربان است. این جانب، بارها به محضر مقدّس آن حضرت نامه نوشته و آثار و فواید عجیبی مشاهده کرده ام.

در این بخش، چگونگی چند نوع نامه حاجت را یادآور شده و برخی از داستان هایی را که برای برخی از بزرگان پیش آمده است، بیان می کنیم.

در کتاب «التحفة الرضویّه» می فرماید: علامه سید محمد تقی اصفهانی قدّس سرّه در فصلی از کتابش که در مورد معجزه های امام زمان ارواحنا فداه ترتیب داده است می نویسد: یکی از معجزه ها و کرامت های آشکار آن حضرت این است که با انداختن رقعۀ حاجت و درخواست از آن حضرت، حاجت ها برآورده می شود؛ و این مطلبی است که با چشم مشاهده گردیده و تجربه شده است.

علامۀ بزرگوار مرحوم شیخ عبد الحسین امینی نیز حکایت عجیبی را که در اثر توسل به آن حضرت برایش رخ داده بود برای من بازگو کرد که مجاز نیستم آن را در کتاب بنویسم؛ ولی همین قدر بگویم که با نامه نوشتن به ناحیۀ مقدّسه آن حضرت، آن جریان برایش پیش آمده بود.

سپس افزود: توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداه را برای کارهای مهم و برآورده شدن حاجت ها تجربه کرده ام. (۱)

## جریانی در مورد نوشتن نامه

به محضر امام زمان ارواحنا فداه

محدث نوری رحمه الله در کتاب «جنه المأوی» می نویسد:

شخصی بود عابد، نیکوکار و باتقوا به نام جناب سید محمد عاملی، فرزند سید عباس (از خاندان عباس شرف الدین) که در روستای جشیث (۲) در نزدیکی جبل عامل لبنان می زیست.

داستانی دارد که در اثر تجاوز افراد به حقوقش و ستم بر او، مجبور شد از وطنش با وجود فقر شدید و ناتوانی ها به دلیل ترس و وحشت فرار کند. با این که در هنگام خارج شدن از وطن، حتی به قدری که بتواند خرج یک روز خود را تأمین کند نداشت؛ با این همه، آن قدر آبروداری می کرد که به خود اجازه نمی داد از کسی درخواست کمک کند.

وی، مدتی از عمر خود را به جهانگردی پرداخت و در این دوران، در عالم خواب و بیداری جریاناتی شگفت انگیز برایش اتفاق افتاد؛ تا این که در نهایت به نجف اشرف رسید و مجاورت آن را اختیار کرد و در یکی از اتاق های طبقه بالای صحن مقدس آن حضرت سکونت گزید.

در آن روزها نیز فقر شدیدی او را رنج می داد و جز چند تن، کسی او را نمی شناخت و محل سکونتش را نمی دانست. و سرانجام پس از پنج سال که از روستای خودش بیرون رفت، در شهر مقدس نجف دار فانی را وداع گفت.

در ایام زندگانش گاهی با من رفت و آمد داشت و بسیار باعفت و باشرم و ادب بود، و در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السلام نیز نزد من حاضر می شد. گاهی برای برطرف

ص: ۴۴۸

---

۱-۱. التحفه الرضویة: ۱۵۹.

۲-۲. این کلمه، ترکیب شده است از کلمه «جب» و «شیث»؛ که نام چاهی است که منسوب به حضرت شیث پیامبر علیه السلام است.

شدن تنگدستی خود، برخی از کتاب های دعا را از من به امانت می گرفت.

زندگی او به گونه ای بود که برای غذای روزانه خود جز چند دانه خرما چیزی در اختیار نداشت. وی، پیوسته دعاهای درخواست روزی و توسعه آن را می خواند و از هیچ ذکر و دعایی در این مورد فروگذار نکرد.

در برخی از ایام نیز به نوشتن نامه حاجت به امام زمان ارواحنا فداه اقدام کرد و تا چهل روز این کار را ادامه داد و هر روز پیش از طلوع آفتاب از درب کوچکی که به طرف دریا باز می شود از شهر خارج می شد و یک فرسخ یا بیشتر از طرف راست حرکت می کرد به گونه ای که هیچ کس او را نمی دید. پس از آن، نامه خود را گل اندود می نمود و آن را به یکی از چهار نایب بزرگوار می سپرد، و آن را در آب می انداخت. بالأخره سی و هشت یا سی و نه روز گذشت، و در آن روز نیز کار هر روز را انجام داد و برگشت.

او برایم گفت: آن روز بسیار اندوهگین بودم و حالم گرفته بود؛ سرم را پایین انداخته و راه می رفتم که در بین راه ناگهان مردی را دیدم که از پشت سر به طرف من آمد و طرز لباس پوشیدنش نیز همانند عرب ها بود.

وی بر من سلام کرد و من سلام او را بسیار کوتاه پاسخ دادم، و به دلیل کسالت روحیم به او توجهی نکردم، او مقداری راه را به همراه من آمد؛ درحالی که من همچنان افسرده بودم. و آنگاه با لهجه مردم روستای خودم به من فرمود:

سید محمد؛ حاجت شما چیست؟ سی و هشت (یا سی و نه) روز است که پیش از طلوع آفتاب از نجف اشرف بیرون می آیی و به فلاخن مکان می روی و عریضه ات را به آب می افکنی و گمان می کنی که امام تو، حاجت تو را نمی داند و از آن بی اطلاع است؟! سید محمد گوید: از سخنان او در شگفت شدم؛ زیرا من این جریان خود را برای هیچ کس بازگو نکرده بودم، و حتی یک نفر مرا ندیده بود؛ از همه مهم تر آن که از اهالی جبل عامل، کسی در نجف نبود که من او را شناسم! به خصوص که برخی از لباس هایی که آن بزرگوار پوشیده بود در منطقه ما-جبل عامل-مرسوم نبود.

به خاطرم گذشت که من به مهم ترین آرزوی خود-که دست یابی به بزرگ ترین

نعمت بود- دست یافته ام و این شخص، همان حجت خداوند بر مردم، یعنی امام عصر صلوات الله علیه است.

البته پیش از این شنیده بودم که دست مبارک آن حضرت در نرمی و لطافت به گونه ای است که دست هیچ یک از مردم همانند آن نیست؛ لذا، با خود گفتم: من با ایشان دست می دهم و مصافحه می کنم؛ اگر دستش همان گونه باشد که شنیده ام، آن طور که شایسته آن حضرت است رسم ادب را به جای می آورم.

در همین اندیشه بودم که دست خود را دراز کردم و آن بزرگوار نیز دست مبارکش را به طرف من آورد و با وی مصافحه کردم و دریافتم که همان خصوصیت در دست مبارکش می باشد. لذا، یقین کردم که کامیاب و رستگار شده ام. سرم را بلند کرده و روبروی آن حضرت قرار گرفته و خواستم دست مبارکش را ببوسم که دیگر کسی را ندیدم. (۱)

### جریان دیگر در مورد نوشتن نامه

به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

محدث نوری رحمه الله می فرماید: دانشمند گران قدر، دارنده فضیلت ها و فضل ها و توانمندی های معنوی، پیش کسوت در میان هم رتبانان، جناب آمیرزا ابراهیم شیرازی حایری- که خداوند آینده اش را اصلاح و خواسته هایش را برآورده کند- فرمود:

خواسته های مهمی در شیراز برایم پیش آمد که فکرم را سرگردان و سینه ام را تنگ کرده بود؛ از جمله این خواسته ها زیارت سرور و سالارم حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام بود. در این زمینه، چاره ای جز توسل به محضر مقدس و دریای کرامت امام حاضر ارواحنا فداه ندیدم. همو که دیدگان هر بیننده ای که کمتر او را ببیند زیان می بیند، بر او سلام خدا باد که آگاه از همه رازهاست.

خواسته هایم را با استفاده از «عریضه حاجت» که از امامان علیهم السلام روایت شده است؛ نوشتم و نزدیک غروب به طور پنهانی از شهر شیراز بیرون رفتم و به جایی رسیدم که آب فراوانی گرد آمده بود که فارس ها بدان استخر می گویند.

ص: ۴۵۰

در آن جا ایستادم و از بین نایبان خاصّ، جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی قدّس سرّه را ندا دادم و همان طوری که در احادیث وارد شده است به وی سلام کردم و نامه را به او سپردم و درخواست کردم تا به سرور خود و سرور همهٔ مردمان برساند، و نامه را به آب افکندم.

آن گاه باز گشتم و کسی جز خدای تعالی رفت و آمد مرا و کاری را که انجام دادم، ندید. پس از غروب به شهر رسیدم و از دروازه دیگری وارد شدم و به خانه ام رفتم و جریان را با کسی بازگو نکردم.

صبحگاهان، نزد استاد حدیثم رفتم و با جماعتی دیگر در محضر او اجتماع کردیم، همین که مجلس آراسته گردید سیدی خوش سیما و محترم که لباس خادمان حرم امام حسین علیه السّلام را بر تن داشت، وارد شد و سلام کرد و نزدیک استاد نشست. من و سایر شاگردان، او را از پیش نمی شناختیم و پس از آن نیز نه در شیراز و نه در خارج آن او را ندیدیم.

آن گاه رو به من کرد و مرا با نامم صدا زد و گفت: ای فلانی؛ نامه ات را به مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه تسلیم کردم و آن را به ایشان رسانیدم.

من از این سخن مبهوت شدم؛ و دیگران معنای سخن او را نفهمیدند و بدین جهت از آن آقا درخواست کردند تا بی پرده سخن بگوید.

وی فرمود: شب گذشته گروه زیادی را در خواب دیدم که دور سلمان محمّدی گرد آمده بودند، درحالی که نامه های بسیاری در دست داشت و مشغول نگریستن به نامه ها بود. وقتی مرا دید، ندایم کرد و گفت: برو نزد فلان شخص -اسم و فامیل مرا یاد کرد- و به او بگو: (درحالی که دستش را بلند کرد) این نامه تو است.

من دیدم که بالای آن نامه مهر خورده است یعنی به محضر امام زمان ارواحنا فداه رسیده است و پس از آن مهر خورده است؛ لذا، دانستم که هر کس حاجتش بر آورده شده باشد نامه اش مهر می خورد، و کسانی که درخواست شان رد شده باشد، نامه شان به همان شکل -بدون مهر- برمی گردد.

کسانی که در مجلس درس حضور داشتند به من گفتند: آیا خواب این مرد راست

است؟ من جریان را برای شان گفتم و نزدشان سوگند یاد کردم که هیچ کس از این جریان اطلاع نداشته است. دوستانم به من بشارت دادند که درخواست هایم برآورده شده است و جریان همان گونه شد که آن ها بشارت دادند.

چندی نگذشت که به کربلای حسینی علیه السّلام مهاجرت کردم و هم اکنون نیز ساکن کربلا هستم. ناگفته نماند، سایر خواسته هایم که در آن عریضه نوشته بودم نیز به طور کامل برآورده شدند. ستایش سزاوار خداوند است و درود بر اولیاء خداوند. (۱)

مرحوم علامه شیخ علی اکبر نهاوندی می فرماید: مرحوم علامه حاج میرزا علی قاضی طباطبایی نجفی، استاد بزرگ اخلاق، در عصر روز جمعه اول ماه ربیع الأول سال ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر نجف اشرف برایم فرمود:

یکی از دوستانش- که نامش را نبرد- در شب نیمه شعبان المعظم، نامه حاجتی به محضر مقدّس امام عصر صلوات الله علیه ارسال کرد و آن را در آب افکند؛ هم چنان که در آن شهر مرسوم بود.

پس از چند روز مردی نزد او آمده و گفت: نامه تو به امام زمان ارواحنا فداه رسید و من در شب عاشورا نزد تو می آیم تا تو را به خدمت امام ارواحنا فداه برسانم. من تلاش کردم و تا جایی که در توان داشتم به عبادت های مختلف پرداختم تا اندکی لیاقت برای رسیدن به محضر امام صلوات الله علیه را پیدا کنم.

در شب موعود- یعنی شب عاشورا- ناگهان آن مرد آمد و در چشم برهم زدنی، مرا به جزیره ای برد که محل سکونت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

در آن جا چیزهایی را به چشم دیدم که فراتر از توصیف و بیان است. در آن جزیره، ارواح مطهر پیامبران و اوصیای ایشان حضور داشتند و آثار عظمت الهی را مشاهده کردم؛ به گونه ای که بیهوش شدم، و نمی دانم آیا امام ارواحنا فداه را نیز مشاهده کردم یا نه؛ سپس آن مرد- در کمتر از چشم برهم زدنی- مرا به خانه ام بازگرداند. (۲)

ص: ۴۵۲

۱- ۱. دار السلام: ۲/۲۶۴.

۲- ۲. العبقری الحسان: ۱/۱۲۸ المسک الأذفر.



به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه

بعضی از قضایا و فوائد را در زمینه نوشتن نامه حاجت به پیشگاه امام عصر ارواحنا فداه ذکر کردیم و اکنون به کیفیت و چگونگی عریضه می پردازیم:

عباراتی را که در پی می آید در کاغذی نوشته و آن را بر روی قبر یکی از امامان علیهم السلام می افکنی. یا آن را بسته و مهر کن و در میان گل پاکی که ساخته ای قرار ده؛ سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا برکه آبی بینداز که نامه به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه خواهد رسید و آن حضرت، خودش عهده دار برآوردن خواسته ات می گردد.

کیفیت نوشتن نامه بدین صورت است:

بسم الله الرحمن الرحيم کتبت يا مولاي صلوات الله عليك مستغيثا، و شكوت ما نزل بي مستجيرا بالله عز و جل ثم بك، من امر قد دهمني، و أشغل قلبي، و أطال فكري، و سلبنى بعض لبي، و غير خطير نعمه الله عندي، أسلمني عند تخيل وروده الخليل، و تبرأ مني عند ترائي إقباله إلى الحميم، و عجزت عن دفاعه حيلتي، و خاني

به نام خداوند بخشنده مهربان ای مولای من- که درود خدا بر تو باد- به پیشگاه مقدس می نویسم درحالی که تو را به فریاد می طلبم؛ و به تو از مشکلی که برایم پیش آمده شکوه و شکایت می نمایم، درحالی که به خداوند و تو پناه آورده ام؛ از مصیبتی که تحملش برای من مشکل است و قلبم را به خود واداشته است، و اندیشه ام در موردش به درازا کشیده است، و مقداری از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به من داده است دگرگون ساخته است. هنگام گمان ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا وا گذاشت، و خویشاوند صمیمی من نیز وقتی متوجه شد این مشکل در راه است از من بیزاری جست. چاره جویی های من در مقابله با این گرفتاری راه به جایی نبرده است، و بردباری و نیروی

فی تحمّله صبری و قوّتی. فلجأت فيه إلیک، و توکلت فی المسأله لله جلّ ثناؤه علیه و علیک فی دفاعه عنّی، علما بمکانک من الله ربّ العالمین، و لئّی التّیّدیر و مالک الامور، واثقا بک فی المسارعه فی الشّفاعه إلیه جلّ ثناؤه فی امری، متیقّنا لإجابته تبارک و تعالیٰ إیاک یا عطاءئی سؤلّی. و أنت یا مولای جدیر بتحقیق ظنّی و تصدیق أملی فیک فی أمر کذا و کذا

من قادر به تحمّل آن نیست و به وظیفه خود عمل نکرده است. بدین سان، چاره ای ندیدم جز آن که به سرعت به آستان مقدّست پناه آورم، و برای درخواست از خداوند-که ستایش شکوهمند، از آن اوست-به خداوند و همچینین به حضرتت توکّل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنید. این گفتارهای من، از (روی بی دقتی نیست؛ بلکه) علم دارم به جایگاه باعظمت تو نزد خداوندی که پروردگار جهانیان است صاحب تدبیر و مالک همه امور است. در این حالات روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند-که ستایش او شکوهمند باد-در مورد انجام کارهای مربوطه به من شتاب می کنی؛ و از سویی نیز یقین و اعتقاد دارم که خداوند-که مرتبه اش والا و مبارک است-درخواست تو را با برآورده کردن درخواست من اجابت می فرماید. ای سرور و سالار من؛ خودت نیز آن قدر بزرگوار و سزاوار هستی که مطمئن هستم گمانم را محقق می سازی و آرزویم را به واقعیت پیوند می دهی در مورد این کارها-

(در این قسمت حاجت نوشته شود)، فیما لا طاقه لی بحمله، و لا صبر لی علیه، و إن کنت مستحقّاً له و لأضعافه بقبیح أفعالی و تفریطی فی الواجبات الّتی لله عزّ و جلّ، فأغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللّهُف، و قدّم المسأله لله عزّ و جلّ فی امری، قبل حلول التّلف، و شماته الأعداء، فبک بسطت التّعمه علیّ، و أسأل الله جلّ جلاله لی نصراً عزیزاً، و فتحاً قریباً، فیه

که برایم سخت شده است و دیگر طاقت تحمّل آنها را ندارم، و شکیم در این موارد تمام شده است؛ البتّه به خوبی می دانم که همه این مشکلات، حقّ من است و سزاوار چند برابرش نیز هستم؛ چرا که کارهای زشت من، و کوتاهی و کندی در انجام واجباتی که برای خداوند-شکوهمند بزرگ-است نتیجه ای جز این مشکلات دربر نخواهد داشت. ای سرور و آقای من؛ -که درود خداوند نثارت باد-با این همه، در این دل سوختگی و اندوه به فریادم برس، و در پیشگاه الهی درخواست انجام کارهای من و برطرف شدن مشکلم را تقدیم کن، و زودتر این کار را انجام بده؛ پیش از آن که تلفاتی به بار آید، و دشمنان به مسخرگی و شماتت من پردازند؛ زیرا، تنها به خاطر توست که این همه نعمت بر من گسترده شده است. نیز، از خداوند-شکوهمند-درخواست کن که یاری بزرگ و ارزشمند، و فتح و پیروزی نزدیک و سریع خود

بلوغ الآمال، و خیر المبادی، و خواتیم الأعمال، و الأمن من المخاوف کلّها فی کلّ حال، إنّه جلّ ثناؤه لما یشاء فعّال، و هو حسبی و نعم الوکیل فی المبدء و المال.

را نصیب من فرماید؛ به گونه ای که به آرزوهایم برسیم و آغاز و پایان کارها نیز به نیکی باشد؛ و در هر حال از تمام ترسناک ها در امان باشیم. اعتقاد بر این است که خداوند-که ستایشش شکوهمند باد-هرچه بخواهد به طور کامل انجام می دهد؛ و کفایت گر من و وکیل نیکوی من نیز در دنیا و آخرت، تنها خداست.

پس از آماده شدن نامه، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه) می روی و یکی از چهار نایب خاصّ حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه یعنی: جناب عثمان بن سعید، پسرش محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، و علی بن محمد سمري قدس سرّه (که راه های دستیابی و واسطه ما به آن حضرت هستند) را انتخاب می کنی و با این عبارات او را صدا زده و می گویی:

یا فلان بن فلان، سلام علیک، أشهد أنّ وفاتک فی سبیل الله، و أنّک حیّ عند الله مرزوق، و قد خاطبتک فی حیاتک الّتی لک عند الله جلّ و عزّ و هذه رقعتی و حاجتی إلى مولانا علیه السلام، فسلمها إليه، فأنت الثّقه الأمين.

ای (فلان فرزند فلان)؛ سلام و درود بر تو. گواهی می دهم که در گذشت تو در راه خدا بوده، و اینک تو نزد خداوند زنده هستی و روزی خاصّ او را دریافت می کنی. و بدین سان، من در حیاتی که نزد خدا داری تو را مخاطب قرار می دهم، و این نامه و عریضه و درخواست حاجت من به سرورمان حضرت مهدی علیه السلام است، پس آن را به حضرتش تسلیم کن. به راستی که تو مورد اطمینان و امانت دار هستی.

آن گاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند، خواسته ات برآورده خواهد شد. (۱)

ناگفته نماند: علامه مجلسی رحمه الله پس از این عبارت افزوده است:

ص: ۴۵۵

در این حالات روحانی، در اندیشه ات این گونه باشد که نامه را به دست آن حضرت تسلیم کرده ای؛ زیرا، نامه به دست مبارکش می رسد و به خواست خدا، حاجت و خواسته برآورده می شود. (۱)

محدث نوری رحمه الله فرموده است: از این روایت شریف استفاده می شود که این چهار بزرگوار، که در زمان غیبت صغری و اولیئۀ امام زمان ارواحنا فداه به عنوان واسطه بین امام و شیعیانش بودند و خواسته ها و نامه ها را عرضه می داشتند و پاسخ ها و نامه های آن امام عزیز را نیز به صاحبانش می رساندند؛ در زمان غیبت طولانی و کبرای امام زمان ارواحنا فداه نیز در رکاب گرامی و ارزشمند آن حضرت هستند و این مقام (واسطه بودن) را هنوز در اختیار دارند.

و نیز از این روایت شریف برمی آید که سفرۀ احسان، بخشش، بزرگواری، کرم، لطف و نعمت امام زمان ارواحنا فداه در سراسر کرۀ زمین برای هر پریشان ناتوان، و نیز برای هر گمگشته سرگردان و هر حیرت زده ناآگاه و گناهکار حیران گسترده و در دسترس است.

این درگاه الهی برای همه باز و گشوده است و این هدایت و دستگیری فراگیر برای همه وجود دارد. البتۀ، به شرط صداقت، اضطرار، نیاز، تصمیم و اراده، صفای درون، اخلاص و بی غل و غش بودن فراهم است.

وقتی که شخص ناآگاه و نادان از او درخواست و التماس کند که به علم و دانش او دست یابد، و خود را گمگشته و سرگردان ببیند، مسلم است که آن بزرگوار او را به سرمنزل و راه اصلی می رساند، و اگر بیمار باشد، لباس سلامتی را بر تنش می پوشاند. چنان که از داستان هایی که پیشتر نقل کردیم برمی آید.

نتیجه ای که در این جا مقصود است آن است که امام بزرگوار، حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه در بین بندگان حضور دارد و به شیعیان و نیز سایر افرادی که تحت حکومت او هستند نظاره می کند، و قدرت و توان برطرف کردن بلاها را دارد، و از رازها و امور پنهانی آگاه است، و پنهان شدن او از چشم مردم و غیبت او، به معنای

ص: ۴۵۶

کناره گیری از مقام خلافت و حکومت الهی نیست. آن حضرت، از لوازم و آداب ریاست الهی اش دست برداشته است، و نیروی الهی و ربّانی که در اختیار دارد به ناتوانی نگراییده است.

هر گاه بخواهد مشکلی را حل کند و گرهی را بگشاید، راه حلّ آن را در قلب ها می افکند به گونه ای که چشمی ندیده و گوشه نشینده باشد. گاهی دل را به سوی کتاب یا عالمی که دواى درد شخص در آن کتاب یا نزد آن عالم است مایل می کند؛ و گاهی آن حضرت دعایی را به او تعلیم می نماید و یا در خواب دواى دردش را بیان می فرماید.

و آنچه دیده شده و شنیده شده است که بیچارگان و مضطّرّان و نیازمندان با حالت عجز و ناتوانی و زاری و تضرع، به آن حضرت شکایت می کنند و درخواست دفع گرفتاری می نمایند؛ ولی اثری از پاسخ و برطرف شدن بلا مشاهده نمی کنند! دلیلش این است که گاهی مانعی برای دعا و نیز پذیرش دعا هست که بیشتر این موانع به شخص درخواست کننده مربوط می شود؛ از طرفی امکان دارد شخص اشتباه کرده باشد و خود را مضطّرّ گمان کرده درحالی که این گونه نباشد، و گاهی شخص خود را تباہ شده و سرگردان می بیند، درحالی که راه روشن در پیش رویش می باشد و برایش مشخص است.

همانند کسی که می گوید که من حکم خدا را در فلان مورد نمی دانم درحالی که امام ارواحنا فداه از پیش فرموده است که نزد عالمان به آن احکام برو. نظیر آنچه در توقیع و نامه ای که در پاسخ پرسش های اسحاق بن یعقوب مرقوم فرمودند آمده است:

در حادثه هایی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شما هستند، و من نیز حجّت الهی می باشم.

بدین سان، روشن است که کسی که احکام را نمی داند، تا زمانی که دسترسی به عالم ربّانی دارد-حتی اگر لازم باشد مسافرت کند یا به کتاب آن عالم مراجعه کند- دیگر مضطّرّ به حساب نمی آید.

هم چنین، تا زمانی که دانشمند دینی می تواند با استفاده از منابع و مصادر احکام یعنی قرآن و سنت و اجماع به حل اشکالات و دفع شبهه ها و نیز برطرف شدن حیرت خود در مسایل دینی اقدام کند؛ دیگر مضطرّ و وامانده و ناتوان به حساب نمی آید.

مطلب دیگر آنکه کسانی که از حدود و دستورات الهی تجاوز کرده و در چگونه زیستن خود و استفاده از وسایل مختلف در زندگی زیاده روی کرده اند، و به مقداری که در شرع مقدّس اسلام نیکو دانسته است اکتفا و قناعت نکرده اند؛ این افراد نیز وامانده به حساب نمی آیند؛ چرا که چیزهایی که درخواست کرده اند از چیزهایی نیست که پایه زندگانی بر آن استوار است و چنین چیزهایی اضطراری نیست.

گاهی نیز شخص خود را مضطرّ و وامانده فرض می کند؛ درحالی که پس از دقت راستین برایش آشکار می شود که مضطرّ نیست، و اگر هم اضطراری در کار است یک چیزی است که مصلحت او یا مصلحت عمومی در آن است که دعایش اجابت نمی شود. از سویی، به تمام مضطرّان و وامانده گان نیز وعده رهایی داده نشده است.

درست است که جز خدا و جانشینان او، بیچارگان را پاسخ نمی دهند و رهایی نمی بخشند، ولی این دلیل نمی شود که تمام وامانده گان را نجات دهند.

در زمان حضور و ظهور امامان علیهم السّلام، در شهرهای مدینه، مکه و کوفه و دیگر شهرها شیعیان و محبّان بسیاری بودند که گرفتار و وامانده و ناتوان بودند، و بسیاری از ایشان درخواست رفع مشکلات را داشتند ولی اجابت نمی شدند. لذا، آن گونه نیست که هر ناتوانی در هر زمانی، هر چیزی را که می خواهد با اجابت دعایش بتواند به دست آورد و وامانده گیش را برطرف سازد.

زیرا، در این صورت اختلال و بی نظمی در نظام هستی به وجود می آید، و از سویی نیز پاداش و ثواب های ارزش مند و با عظمتی که برای تحمّل مصیبت ها و بلاها در نظر گرفته شده است، از بین می رود. به راستی که مصیبت دیدگان و بلازدگان این دنیا، وقتی در جهان آخرت به پاداش های بزرگ و ثواب هایی که در ازای تحمّل مشکلات به آن ها عطا می شود، نظاره می کنند، آرزو می کنند و می گویند: ای کاش؛ در

دنیا گوشت های بدن ما را با قیچی تکه تکه می کردند.

از این توضیحات به این نتیجه می رسیم که خدای تعالی- با وجود توان و قدرت کامل و بی نیازی مطلق خود، و آگاهی از تمام ذره های جهان هستی و موجودات ظریف آن- این رفتار را با بندگانش نمی کند (که به همه آنان هرچه می خواهند عنایت کند) (۱).

## ۲- عریضه ای به خداوند

که در عریضه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده می شود

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» می نویسد: این رقعہ را نوشته و آن را می بندی، سپس نامه دیگری به محضر امام زمان صلوات الله علیه می نویسی، سپس آن نامه و عریضه به خداوند را درون نامه ای که برای امام ارواحنا فداه نوشتی قرار می دهی، سپس آن را گل اندود کرده و درون دریا یا چاه آب می افکنی.

متن عریضه به خداوند چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَقَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ الْعِظَامِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَكَاشِفِ الضَّرِّ، الَّذِي سَبَقَ فِي عِلْمِهِ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ، مِنْ عَبْدِهِ الدَّلِيلِ الْمَسْكِينِ، الَّذِي انْقَطَعَتْ

به نام خداوند بخشنده مهربان (این نامه ای است) به سوی خداوندی که منزّه و نام هایش مقدّس و پاک است؛ پروردگار و پرورش دهنده پرورش دهندگان، درهم کوبنده سرکشان بزرگ؛ دانای پنهانی ها، و برطرف کننده گرفتاری ها؛ خدایی که هرچه اتفاق افتاده است و هرچه در آینده به وقوع خواهد پیوست پیشتر در آگاهی و علم و دانش او بوده است. از بنده بیچاره و خوار و ناتوانش، که تمام

ص: ۴۵۹

به الأسباب، و طال عليه العذاب، و هجره الأهل، و باينه الصّيديق الحميم فبقی مرتھنا بذنبه، قد أوبقه جرمه، و طلب النّجا [ه] فلم يجد ملجأ و لا ملتجأ، غير القادر على حلّ العقد، و مؤبّد الأبد، ففرعى إليه و اعتمادی عليه، و لا لجأ و لا ملتجأ إلاّ إليه. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْمَاضِي، و بنورك العظيم، و بوجهك الكريم، و بحجّتك البالغة، أن تصلّي علی محمد و علی ال محمد، و أن تأخذ بيدي و تجعلني ممّن تقبل دعوته، و تقبل عثرته، و تكشف كربته، و تزيل ترحته، و تجعل له من أمره فرجا و مخرجا، و تردّ عني بأس هذا الظّالم الغاشم، و بأس النّاس يا ربّ الملائكة و النّاس، حسبى أنت و كفى من أنت حسبه، يا كاشف الامور العظام، فإنّه لا حول و لا قوه إلاّ بك.

سبب ها و وسیله ها را از دست داده است، و عذاب و شکنجه ای طولانی بر او وارد شده است، و خانواده اش او را رها کردند، و دوست صمیمی اش او را وا گذاشته پس در گرو گناه و خطایش مانده است، و جرم بزهش او را هلاک گردانیده است؛ و به دنبال راه نجات نیز رفته است، ولی هیچ پناهگاه و تکیه گاهی پیدا نکرده است؛ جز خدایی که بر گشودن گره و برطرف کردن مشکل توانایی دارد و او جاودانگی را ابدیت بخشیده است، پس به سوی او پناه آوردم و بر او تکیه نمودم که پناهی و تکیه گاهی جز به سوی او نیست. بارالها؛ به واسطه دانش و آگاهی قاطعت و به واسطه روشنی بزرگ و با عظمت، و به خاطر قدر و منزلت کریمانه ات و به واسطه حجّت و دلیل رسایت؛ از تو درخواست می کنم بر محمّد و آل محمّد درود بفرستی؛ دستم را بگیری؛ مرا جزو کسانی که دعایش پذیرفته، و لغزشش مورد گذشت واقع شده است، و گرفتاریش برطرف گشته، و اماندگی او از بین رفته، قرار دهی؛ و برای او در کارش گشایش و گریز گاهی فراهم نمایی، و اذیت و آزار این ظالم ستمگر و آزار همه مردمان را از من برطرف کنی؛ ای پروردگار فرشتگان و انسان ها. تو برایم کافی هستی و هر کس تو برایش بی نیاز کننده و کفایتگر باشی همه امورش کفایت شده و درست است. ای برطرف کننده مشکلات بزرگ؛ واقعیت و باورم این است که هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که از تو سرچشمه می گیرد.

پس از این نامه، نامه درخواست حاجت از مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه را چنین می نویسی:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَوَسَّلْتُ بِحَجَّةِ اللَّهِ الْخَلْفِ الصَّالِحِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ، عَصْمَةَ الْمَلْجَأِ، وَقَسِيمَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَبَاكَ الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الْمُنْتَجِبِينَ، وَآمَهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلِ الْأَبْقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ (١)، وَبِجَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَلِيلِهِ وَحَبِيبِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، أَنْ تَكُونَ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كَشْفِ ضُرِّي، وَحَلِّ عَقْدِي، وَفَرَجِ حَسْرَتِي، وَكَشْفِ بَلِيَّتِي، وَتَنْفِيسِ تَرْحَتِي، وَبِكَهْيَعِصِ وَيَسِّسِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِالْكَلِمَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِمَجَارِي الْقُرْآنِ،

به نام خداوند بخشنده مهربان به حجت خداوند و جانشین شایسته و نیک، (حضرت) محمد فرزند حسن توسل جسته ام، او که فرزند علی فرزند محمد فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب می باشد؛ که همان خبر بزرگ و راه راست، و ریسمان محکم الهی است و پناهگاهی مطمئن و تقسیم کننده بهشت و دوزخ است. من به سوی تو توسل می جویم به واسطه پدران پاک و نیکوکار و برگزیده ات، و نیز به واسطه مادران پاکت؛ که همگی باقی ماندگان نیکوکار و شایسته اند؛ همان هایی که خداوند-این بهترین و عزیزترین گوینده- در کتابش از آنان یاد کرده است و فرموده است: «آنچه باقی می ماند و نیک و شایسته است»، نیز به واسطه جد بزرگوارت رسول خدا -درود بر او و آل او- کسی که خدا را دوست دارد و خدا او را دوست دارد و برگزیده مخلوقاتش است؛ در این توسل ها، درخواست من آن است که شما وسیله و واسطه من باشید تا خدای-عز و جل- گرفتاریم را برطرف کند، و گره از کارم بگشاید، و این همه آه و حسرت را از من دور کند، و بلاها را از من بزدايد، و اندوه و واماند گيم را از بين ببرد. درخواست می کنم، به واسطه كهيعص و يس و قرآن حكيم، و نیز به واسطه كلمه طيبه و پاکیزه الهی، و مجاری قرآنی،

ص: ۴۶۱

و بمستقرّ الرّحمه، و بجبروت العظمه، و باللّوح المحفوظ، و بحقيقه الإيمان، و قوام البرهان، و بنور النّور، و بمعدن النّور، و الحجاب المستور، و البيت المعمور، و بالسّبع المثاني، و القرآن العظيم، و فرأى الأحكام، و المكلّم بالعبرانيّ، و المترجم باليونانيّ، و المناجى بالسّريانيّ، و ما دار في الخطرات، و ما لم يحط به للظّنون، من علمك المخزون، و بسرّك المصون، و التّوراه و الإنجيل و الزّبور. يا ذا الجلال و الإكرام صلّ على محمّد و اله، و خذ بيدي، و فرج عني بأنوارك و أقسامك و كلماتك البالغه، إنك جواد كريم، و حسبنا الله و نعم الوكيل، و لا حول و لا قوه إلاّ بالله العليّ العظيم، و صلواته و سلامه على صفوته من بريته محمّد و ذريّته.

و به قرارگاه رحمت، و بزرگی عظمت، و لوح محفوظ، و حقیقت ایمان، و پابندگی برهان، و روشنی نور، و معدن نور، و به واسطه حجاب پنهان داشته شده، و بیت المعمور (طواف گاه اهل آسمان)، و سبع المثانی (سوره حمد)، و قرآن باعظمت، و واجبات احکام، و آن چه به زبان عبرانی گفتگو شده، و آن چه به یونانی ترجمه شده، و آن چه به سریانی رازونیا شده، و آن چه در خاطره ها و خطورها وارد شده، و به واسطه آن چه گمان ها آن را دربر نمی گیرند؛ یعنی دانش پنهانی تو، و راز محفوظت، و تورات و انجیل و زبور؛ به واسطه همه آن چه عرض شد از تو درخواست می کنم- ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ - که بر محمّد و آل او درود بفرستی؛ و دستم را بگیری، و به واسطه روشنی ها و انوارت و قسم هایت و کلمه های رسایت در کارم گشایشی کنی. باور دارم که تو بخششگر بزرگواری هستی؛ خداوند برای ما بس است و خوب و کیلی است. هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که به واسطه خداوند والایی بزرگ به وجود می آید. درودها و سلام های ویژه الهی بر برگزیده اش از بین مردم یعنی حضرت محمّد و نسل پاکش نثار باد.

پس از نوشتن نامه دوّم، هر دو نامه را خوشبو کرده و نامه اوّل را (که به خداوند نوشته شد) در میان نامه دوّم (که به امام ارواحنا فداه نوشته شد) قرار داده و هر دو را در

آب روان یا چاه آب می افکنی. البتّه پیش از این کار، نامه ها را در گل نرم (یعنی بدون سنگریزه) قرار ده. سپس دو رکعت نماز گزارده و به واسطهٔ محمّد و آل محمّد علیهم السّلام به خدای تعالی روی می آوری، و انداختن نامه ها در آب، باید در شب جمعه باشد.

یادآور می شود که این عریضه نویسی را برای آزمایش انجام مده، بلکه باور داشته باش که خواسته ات اجابت می شود. و تنها در مورد سختی ها و کارهای بسیار دشوار انجام شود.

هم چنین، کسی را که شایستگی ندارد از این جریان مطلع مکن و این نامه را برایش ننویس؛ زیرا فایده ای برایش ندارد. از طرفی این نامه ها، امانتی است که بر عهدهٔ توست که آن را حفظ کنی و در مورد آن بازخواست خواهی شد.

پس از انداختن نامه ها، این دعا را بخوان:

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي لِحِظْتِ بِهَا الْبَحْرَ الْعِجَاجَ، فَأُزِيدُ وَهَاجَ وَهَاجَ، وَكَانَ كَاللَّيْلِ الدَّاجِ، طَوْعًا لِأَمْرِكَ، وَخَوْفًا مِنْ سَطْوَتِكَ، فَأُفْتِقِ اجَاجَهُ، وَائْتَلِقِ مَنَاجَهُ، وَسَبِّحْ جِزْأَتَهُ، وَقُدِّسْ جِوَاهِرَهُ، تَنَادِيكَ حَيْثَانَهُ بِاخْتِلَافِ لُغَاتِهَا، إِلَهِنَا وَسَيِّدِنَا مَا أَلْمَذَى نَزَلَ بِنَا، وَ مَا أَلَّذَى حَلَّ بِبِحْرِنَا فَقَلْتِ لَهَا اسْكُنِي، سَاسْكُنِي مَلِيْنَا، وَ اجَاوِرِي بَكِ عِبْدَا زَكِيَا، فَسَكُنِي وَ سَبِّحِي وَ وَعِدِي بِضِمَائِرِ الْمُنْحِ. فَلَمَّا نَزَلَ بِهِنَّ ابْنُ مَتَّى بِمَا أَلَمَ الظَّنُونِ، فَلَمَّا صَارَ

بارالها؛ از تو می خواهم به قدرتت؛ همان قدرتی که دریاها را بزرگ را با آن ملاحظه فرمودی، پس به خروش و موج واداشتی، و همانند شبی تاریک شدند؛ این همه، از سر فرمانبرداری دریاها از تو، و نیز از ترس و هیبت تو بود. بدین سان، آب شور دریاها شکافته، و راه هایش زینت داده شد، و جزائر آن تسیح گفتند، و جواهر آن تقدیس نمودند. ماهیان دریاها با زبان ها و لغات مختلف تو را ندا دادند: خدای ما؛ آقای ما؛ چه چیزی بر ما فرود آمد؟ چه چیزی در دریای ما پیش آمد؟ و به ماهی ها فرمودی: آرام باش؛ (و به دریا فرمودی:) به زودی تو را به آرامش می رسانم؛ و بنده ای شایسته و پاک را مجاور تو می گردانم؛ پس آرام گرفت و تسیح گفت و به بخشش های نهانی وعده داده شد. آن گاه که یونس پسر متی در آنجا فرود آمد چون گرفتار مصیبت هایی شد که حتی تصوّر آن ها دردناک است، و آن گاه که

فِي فِيهَا سَبَّحَ فِي أَمْعَانِهَا، فَبَكَتِ الْجِبَالُ عَلَيْهِ تَلَهَّفاً، وَ أَسْفَقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ تَأْسِيفًا، فَيُونَسُ فِي حَوْتِهِ كَمُوسَى فِي تَابُوتِهِ لِأَمْرِكِ طَائِعٍ، وَ لَوْجِهَكَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ، فَلَمَّا أَحْبَبْتَ أَنْ تَقِيَهُ أَلْقَيْتَهُ بِشَاطِئِ الْبَحْرِ شَلُوعًا لَا تَنْظُرُ عَيْنَاهُ، وَ لَا تَبْطِشُ يَدَاهُ، وَ لَا تَرْكُضُ رِجْلَاهُ، وَ أَنْبَتَ مِنْهُ مَنْكَ عَلَيْهِ شَجَرُهُ مِنْ يَقْطِينٍ، وَ أَجْرِيَتْ لَهُ فِرَاتًا مِنْ مَعِينٍ، فَلَمَّا اسْتَغْفَرَ وَ تَابَ خَرَقَتْ لَهُ إِلَى الْجَنَّةِ بَابًا، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

وارد دهان آن ماهی شد و درون شکم آن ماهی رفت، به تسبیح گویی تو پرداخت و در این شرایط، کوه ها غصیه او را خوردند و به گریه افتادند؛ و زمین برای او متأسف شد و برایش دلسوزی کرد. پرواضح است که حال یونس در شکم ماهی همانند موسی در میان تابوتش بود؛ هر دو اطاعت دستور تو کردند، و به خاطر ذات پاکت به سجده و فروتنی پرداختند. در نهایت، آن گاه که خواستی او را ننگه داری، به کنار دریایش افکندی درحالی که چشمانش، توان دیدن نداشت، و دستان و پاهایش قادر به حرکت نبودند؛ که در این هنگام بر او منت نهادی و درختی از کدو برایش رویاندی، و آبی گوارا را برایش جاری ساختی. آن گاه که درخواست آمرزش و بازگشت کرد نیز راهی به سوی بهشت برایش گشودی. در واقع، تو تنها کسی هستی که بسیار بخشنده است.

در پایان، هریک از چهارده معصوم علیهم السلام را نیز یاد می کنی و بر یکایک آنان سلام می دهی. (۱)

### ۳- عریضة استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

محدث نوری رحمه الله می فرماید: رقعۀ استغاثه به امام عصر ارواحنا فداه به نام های مختلف روایت شده است، و در کتاب های مشهور دعا موجود است؛ لیکن، نسخه ای که من یافتم در آن کتاب ها نیست، حتی در کتاب مزار «بحار الأنوار» نیز نیامده است. در

ص: ۴۶۴

کتاب دعای «بحار الأنوار» نیز- که در آن، سعی در جمع آوری دعاها شده است- به آن اشاره نشده است؛ و چون این روایت، کم استنساخ شده و تعداد نسخه آن اندک است، بدین جهت لازم دیدم که آن را در اینجا نقل کنم.

فاضل متبحر، جناب محمد بن محمد طیب- که از علمای دوره صفویه بوده است- در کتاب خود به نام «انیس العابدین» از کتاب «السعادات» این عبارت را نقل کرده است: دعای توسل برای تمام کارهای مهم و خواسته ها:

بسم الله الرحمن الرحيم توسلت إليك يا أبا القاسم محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب، النبي العظيم، الصراط المستقيم، وعصمه اللاجين. بأمك سيده نساء العالمين، و بآئتك الطاهرين، و بأمهاتك الطاهرات، بياسين و القرآن الحكيم، و الجبروت العظيم، و حقيقه الإيمان، و نور التور، و كتاب مسطور، أن تكون سفيري إلى الله تعالى في الحاجه لفلان، أو هلاك فلان بن فلان.

به نام خداوند بخشنده مهربان به تو توسل جسته ام ای ابو القاسم؛ ای محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب؛ که خبر بزرگ، و راه راست، و پناه پناه آورندگان است؛ (به تو توسل می جویم) به واسطه مادرت سرور زنان جهانیان؛ و نیز به واسطه پدران پاک، و مادران طاهره و پاکت؛ به واسطه یاسین و قرآن حکیم، و بزرگی جبروت الهی، و حقیقت ایمان، و روشنی بخش نورها، و کتاب نگاشته شده، از تو درخواست می کنم و متوسل می شوم؛ تا به عنوان سفیر و فرستاده من به سوی خدای تعالی در مورد برآوردن حاجت (..). یا هلاک کردن و نابودی دشمنم یعنی فلانی فرزند فلانی؛ این درخواست را انجام بده.

این نامه را در خاک پاک، گل اندود کرده، و آن را در آب جاری یا چاه آب می افکنی و در این هنگام می گویی:

یا سعید بن عثمان، و یا محمد بن عثمان، أو صلا قَصْتی إلی صاحب الزّمان صلوات الله علیه.

ای سعید بن عثمان و ای محمد بن عثمان؛ از شما دو نفر درخواست می کنم که این جریان و داستان کار مرا به حضرت صاحب الزمان- که درود خدا بر او نثار باد- برسانید.

\*\*\* نسخه روایت یاد شده به این شکل بود که گفتم؛ لیکن، اگر روایات دیگر و نیز روش دیگر عریضه نویسی ها را بنگریم، درمی یابیم که صحیح باید چنین باشد که هنگام افکندن نامه به آب، گفته شود: «یا عثمان بن سعید و یا محمد بن عثمان. . .» البتّه، خداوند از واقعیت آگاه است (۱). (۲)

ص: ۴۶۶

۱- (۱). نجم الثاقب: ۴۲۰.

۲- (۲). مؤلف می گوید: شکی نیست که در نسخه روایت یاد شده اشتباه رخ داده است و صحیح همان است که مرحوم محدث نوری تصریح فرموده است؛ زیرا، نایب اول و دوّم امام علیه السّلام همان عثمان بن سعید و محمد بن عثمان هستند. این جانب، در برخی از کتاب ها دیده ام که روایت رقعۀ مورد بحث را با کمی تفاوت آورده اند و در آخرش آمده است که هنگام به آب انداختن نامه بگو: «یا عثمان بن سعید؛ أوصل قَصْتی هذه إلی صاحب الزمان علیه السّلام. . .». در این جا این روایت را نیز به طور کامل نقل می کنیم: نامه حاجت، به محضر مولای مان امام زمان ارواحنا فداه توَسَّلت إلیک یا أبا القاسم محمّد بن الحسن بن علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب، النّیا العظیم و الصّیراط المستقیم، و [۱]عصمه اللّاجین، باءیک سیده نساء العالمین و بابآئک الطّاهرین، و بامّهاتک الطّاهرات، و حقیقه الإیمان، و نور النّور، و کتاب مسطور أن تكون سفیری إلی الله فی الحاجه. ای ابو القاسم؛ ای محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب؛ که خبر بزرگ، و راه راست، و پناه پناه جویان است؛ به واسطۀ مادرت فاطمۀ زهرا- که سرور و خانم زنان جهانیان است- و به واسطۀ پدران پاکت، و به واسطۀ مادران پاکت، و اصل و حقیقت ایمان و باور، و روشنی بخش نورها، و کتاب نگاشته شده؛ به تو توَسَّلت می جویم و از تو درخواست می کنم که فرستاده و سفیر من به سوی خداوند در مورد خواسته و حاجتم، باشی. در پایان، نام خود و پدرت را نیز بنویس و نامه را در خاک پاکی گل اندود کن، و آن را در چاه یا آب روان بیفکن؛ و در این هنگام رو به قبله بایست و بگو: یا عثمان بن سعید، أوصل قَصْتی هذه إلی صاحب الزّمان. ای عثمان بن سعید؛ این نامه را که جریان خود را در آن نوشته ام به امام زمان علیه السّلام برسان.

بخش نهم: استخاره ها

اشاره

ص: ۴۶۷





در این بخش کتاب به مطالبی می پردازیم (۱) که موجب چشم روشنی و آرامش قلبی خواننده محترم شود؛ نسیم هایی از جهان پنهان (۲) که موجب دست یابی شما به کلید گشایش و فرج (۳)، و رسیدن به مقام روشنی بخشیدن (۴) می شود و توان و نیرویی به شما برای گشودن درها (۵) ی بسته می دهد.

خداوند تعالی این منت را بر ما نهاد تا به راهنمایی شخص حقیقت جو (۶) پردازیم. و روایاتی را که در مورد استخاره ها (۷) از سرور و سالار جهان مادّیات و معنویات نقل

ص: ۴۶۹

۱-۱) . مؤلف محترم در مقدمه این بخش نیز همچون مقدمه کتاب از فنون بلاغت یعنی براعت استهلال استفاده نموده، و در ضمن مقدمه، اسامی کتاب هایی که دانشمندان اسلامی در مورد استخاره تألیف کرده اند؛ نام برده است. (ویراستار)  
۲-۲) . کتاب «روائح الغیب فی رفع التردید و الریب» ؛ تألیف: مولا عبد النبّی بن عبد الرزاق رحمه الله.  
۳-۳) . کتاب «مفتاح الفرج فی الإستخارات» ؛ تألیف: امیر محمّد حسین خاتون آبادی رحمه الله.  
۴-۴) . کتاب «الإناره عن معانی الإستخاره» ؛ تألیف: شیخ محمّد بن فیض کاشانی رحمه الله.  
۵-۵) . کتاب «فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب فی الإستخارات» ؛ تألیف: سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله.

۶-۶) . کتاب «إرشاد المستبصرین فی الإستخارات» ؛ تألیف: سید عبد الله شبر رحمه الله.

۷-۷) . «الإستخارات» ؛ نام چند کتاب است که علما و دانشمندان اسلامی آن ها را تألیف کرده اند؛ از جمله: الف) شیخ احمد بن صالح بحرانی رحمه الله؛ ب) احمد بن عبد السلام بحرانی رحمه الله؛ ج) شیخ ابو الحسن سلیمان ماحوزی بحرانی رحمه الله؛ د) سید علی بن محمّد حسینی میبدی یزدی رحمه الله؛ ه) شیخ میرزا ابو المعالی کلباسی رحمه الله؛ و) سید میرزا محمّد حسین حسینی مرعشی معروف به شهرستانی رحمه الله.

شده برای شما بیان کنیم برای هدایت شدن خواهان (۱)، و اگر شما از علاقه مندان هستید اینها کلیدهای غیب (۲) است که اکنون در دست شماست، آن‌ها را گرفته و غنیمت شمارید.

البته لازمه اش این است که شرایط استخاره (۳) را یاد بگیری تا راه و روش استخاره گیرنده (۴) را بشناسی و از کلیدهای پنهان و چراغ وحی (۵) استفاده کنی.

از آن جا که استخاره نیز نوعی دعاست، و آداب دعا را در مقدمه همین کتاب بیان کردیم، به مقدمه کتاب مراجعه فرمایید تا آگاهی شما افزایش یابد؛ جهت تأکید بر این مطلب، تذکراتی لازم است:

از مهم ترین چیزهایی که لازم است دعاکننده و استخاره کننده رعایت کند، پاک کردن دل از چیزهایی است که باعث خشم خداوند می شود، و نیز به دست آوردن یقین و اطمینان است؛ زیرا اساس دعا و توسل همین است، و اگر استخاره با آداب و شرایط آن انجام شود، گرفتن قبضه تسبیح به اختیار استخاره گیرنده نیست بلکه به اختیار خداوندی است که از او طلب خیر شده است.

بدین سان، اگر استخاره به گونه ای صحیح انجام شود، گرفتن قبضه تسبیح، یا انتخاب یکی از رقعها (در استخاره ذات الرقاع)، یا باز کردن یکی از صفحات قرآن؛ همگی، با خواست و اراده خداوند خواهد بود نه به اختیار و برگزیدن استخاره گیرنده؛ و اگر با آداب و شرایط لازم انجام نشود بی اعتبار خواهد بود.

بنابراین، استخاره گیرنده باید قلب خود را پاک گرداند، و یقین داشته باشد؛ تا بتواند به خدای تعالی روی آورد؛ و بدون یقین و اعتقاد، استخاره اش بی فایده است.

سید جلیل جناب علی بن طاووس رحمه الله در مورد حالات برخی از مردم می نویسد:

ص: ۴۷۰

- 
- ۱-۱. کتاب «هدایه المسترشدين فی الإستشارة و الإستخاره»؛ تألیف: حسن بن محمد صالح نصیری طوسی رحمه الله.
  - ۲-۲. کتاب «مفتاح الغیب فی الإستخاره»؛ تألیف: علامه مجلسی رحمه الله.
  - ۳-۳. کتاب «الإستخاره»؛ تألیف: ابو النضر محمد بن مسعود عیاشی رحمه الله (صاحب تفسیر عیاشی).
  - ۴-۴. کتاب «منهاج المستخیر»؛ تألیف: حاج میرزا محمد حسین حسینی تبریزی رحمه الله.
  - ۵-۵. کتاب «مفتاح الغیب و مصباح الوحی»؛ تألیف: سید مهدی غریفی رحمه الله. جهت اطلاع بیشتر از کتاب هایی که در مورد «استخاره» نوشته شده، به مقدمه کتاب «فتح الأبواب» رجوع شود.

برخی از مردم عوام، در دل شان یقین و نیروی شناخت و اطمینان به مالک روز قیامت را ندارند؛ زیرا، روان این دسته، تنها نظر مشورتی کسی را می پذیرد که او را با چشم مشاهده کنند و با او مأنوس بوده و بشناسند و چنین شخصی نیز باید از بین مردم باشد؛ چرا که خداوند را نمی توان با چشم مشاهده کرد، و نیز این افراد نمی توانند او را بشناسند تا با او انس بگیرند، و از لذت اعتماد به خداوند نیز بهره مند نیستند؛ از همه مهم تر، از بس که کوتاه فکرنده فایده ای در مشورت با خداوند نمی بینند!

و من یکک ذا فم مَرّ مریض یجد مَرّا به الماء الزلالا

کسی که دهانش (در اثر بیماری) تلخ باشد آب گوارا و زلال را نیز تلخ می یابد.

این افراد، از جمله کسانی هستند که مولای بزرگوار ما امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در برخی از خطبه های گهربارش به بیان حال ایشان پرداخته می فرماید:

همج رعاع، لا یعبأ الله بهم، أتباع کلّ ناعق و ناعقه.

مردم پست و فرومایه؛ خداوند تعالی توجهی به ایشان نمی کند؛ دنباله رو هر سر و صدایی هستند و از آن پیروی خواهند کرد.

(۱)

## دعای استخاره

آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: از دعاهای پیامبر و امامان علیهم السّلام در مورد استخاره دریافتم که آن حضرات، عنایت و توجه وافری به استخاره داشته اند و آن را بزرگ می شمردند؛ تا آن جا که استخاره را از اسرار خداوند عزّ و جلّ یافتیم که در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلّم آموخت، و از مهم ترین امور است، و دریافتم که دعای استخاره آخرین مرقوم و نوشته ای است که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است، و این دلیلی رسا و گویا، نزد عارفان به حساب می آید. (۲)

ص: ۴۷۱

---

۱-۱. فتح الأبواب: ۳۰۰.

۲-۲. فتح الأبواب: ۱۹۲.

اشاره

دعایی که در مورد استخاره از ناحیه مقدسه رسیده است و آخرین توقیعی می باشد که در زمان غیبت صغری صادر شده است.

محمد بن علی بن محمد در کتاب جامعش چنین می نگارد: «استخاره اسماء» که علما بدان عمل می کنند و در نماز حاجت و دیگر نمازها خوانده می شود، و ابو دلف محمد بن مظفر رحمه الله آن را آخرین توقیع امام عصر ارواحنا فداه در غیبت صغری می داند، بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَقُلْتَ لِهَٰمَا إِيْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ، (۱) و باسمك الذي عزمْتَ به على عصا موسى، فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۲). و أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ، حَتَّى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ \* رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ (۳)،

به نام خداوند بخشنده مهربان بارالها! از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن اراده کردی نسبت به آسمان ها و زمین، پس به آن دو فرمودی: «از در اطاعت یا از روی ناخرسندی، بیاید؛ آن دو گفتند: از سر اطاعت در خواهیم آمد» و به آن نامت که نسبت به عصای موسی اراده کردی، «پس، ناگهان آن چه را که افکنده بودند بلعید». و از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن، دل های جادوگران را به سوی خویش برگرداندی تا آن که «گفتند: به پروردگار جهان؛ پروردگار موسی و- برادرش- هارون؛ ایمان آوردیم»

ص: ۴۷۲

۱-۱ . سورة فضلت، آية ۱۱. [۱]

۲-۲ . سورة اعراف، آية ۱۱۷. [۲]

۳-۳ . سورة اعراف، آية ۱۲۱ و ۱۲۲. [۳]

أنت الله رب العالمين، وأسألك بالقدره التي تبلى بها كل جديد، وتجدد بها كل بال. وأسألك بحق كل حق هو لك، وبكل حق جعلته عليك، إن كان هذا الأمر خيرا لي في ديني و دنيای و اخرتي، أن تصلي على محمد و آل محمد، و تسلم عليهم تسليما، و تهين لي، و تسهله علي، و تلطف لي فيه برحمتك يا أرحم الراحمين. و إن كان شرا لي في ديني و دنيای و اخرتي، أن تصلي على محمد و آل محمد، و تسلم عليهم تسليما، و أن تصرفه عني بما شئت، و كيف شئت، (و حيث شئت)، و ترضيني بقضائك، و تبارك لي في قدرك، حتى لا احب تعجيل شيء أخرته، و لا تأخير شيء عجلته، فإنه لا حول و لا قوة إلا بك، يا علي يا عظيم، يا ذا الجلال و الإكرام. (١)

پروردگار جهانیان، تویی ای خداوند؛ و از تو درخواست می کنم به آن نیرویی که هر تازه ای را با آن کهنه می کنی، و چیزهای قدیمی و کهنه را با آن نو می سازی. و از تو درخواست می کنم به حق تمام حقوقی که برای تو است و به واسطه هر حقی که بر عهده خود قرار دادی، که اگر کاری که در نظرم است برایم خیر و خوبی، از نظر دین و دنیا و آخرت دارد، بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و سلامی شایسته بر ایشان نثار کنی؛ و کار مورد نظرم را برای من آماده و راحت و آسان گردانی، و در مورد این کار به من لطف کنی و آن را نرم و هموار گردانی، به واسطه رحمت، ای مهربان ترین مهربانان؛ از سویی، اگر بدی و ناهنجاری دینی، دنیایی و آخرتی برایم دارد نیز بر محمد و آل محمد درود و سلامت را نثار کنی، و هر گونه که می خواهی و به هر وسیله که می خواهی (و هر مکان و زمان که می خواهی) آن را از من دور کنی، و مرا به حکم و فرمانت و آنچه انجام می دهی خشنود و راضی گردانی و در تقدیرت برایم برکت قرار دهی؛ به گونه ای که شتاب در آن چه به تأخیر افکندی، و تأخیر در آن چه زود قرار دادی را نخواهم و دوست نداشته باشم. زیرا هیچ نیرو و جنبشی جز از ناحیه تو نیست؛ ای بلندمرتبه؛ ای بزرگ؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

ص: ۴۷۳

---

۱- ۱). فتح الأبواب: ۲۰۵، [۱] المصباح: ۵۲۱، [۲] مفاتيح الغيب: ۲۵. [۳]

سید بن طاووس حسنی رحمه الله می فرماید: شاید این گونه به ذهن برخی خطور کند که مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه مقارن رسیدن زمان غیبت و پنهان شدن طولانی شان، این (دعای استخاره) را یاد داده اند تا شیعیان آگاه، به جای ملاقات و مشورت حضوری با آن حضرت، بتوانند از آن راه با خدای تعالی مشورت کنند و بدین وسیله نیز ارزش فراوان مشورت با خداوند جل جلاله و طلب خیر و خوبی از او را به دوستان خود یادآور شده اند.

نکته مهمی در این جا هست که من مدرکی نیافتم تا ثابت کند این دعا را کسی از امام صلوات الله علیه درخواست کرده باشد، بلکه از ناحیه خود حضرت و بدون درخواست دیگری صادر شده است و آخرین یادگاری که (به عنوان هدیه) عنایت فرموده اند، همین دعاست؛ و آگاهان و متدینان، این را به خوبی درمی یابند. (۱)

## ۲- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن

### اشاره

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «فتح الأبواب» می نگارد: بدر بن یعقوب مقرئ اعجمی رضی الله عنه در کاظمین، سه روایت در مورد تفأل و استخاره-با قرآن (بدون نماز گزاردن برای آن) (۲) برایم گفت.

### روایت اول:

قرآن را برمی داری و این دعا را می خوانی:

ص: ۴۷۴

---

۱-۱. فتح الأبواب: ۲۰۶.

۲-۲. در برخی روایات آمده است که پیش از استخاره، نماز جعفر طیار علیه السلام خوانده شود.

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مِنْ قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَى أُمَّهِ نَبِيِّكَ بِظُهُورِ وَلِيِّكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، فَعَجِّلْ ذَلِكَ، وَسَهِّلْهُ وَيَسِّرْهُ وَكَمِّلْهُ، وَأَخْرِجْ لِي آيَةَ أُسْتَدَلَّ بِهَا عَلَى أَمْرِ فَأَتَمُّرَ، أَوْ نَهْيِ فَأَنْتَهِيَ (أَوْ مَا تَرِيدُ الْفَالِ فِيهِ) فِي عَافِيَةٍ.

بارالها؛ اگر از جمله قضا و قدر تو آن است که با ظهور ولی خودت و فرزند دختر پیغمبرت صلی الله علیه و اله و سلم، بر امت پیامبرت منت بگذاری؛ پس در این کار بشتاب، و آن را سهل و آسان و کامل گردان، و برای من آیه و نشانه ای بیاور که اگر در چیزی که مورد نظر من است امر می کنی آن را انجام دهم، و اگر نهی می کنی آن را انجام ندهم (یا در آنچه که تفأل می زنم) و در عافیت و سلامتی این کار انجام شود.

آن گاه هفت ورق از قرآن را می شماری؛ سپس، در طرف دوم ورق هفتم نیز شش سطر را می شماری و از سطر هفتم مطلب مورد نظر خود را درمی آوری.

### روایت دوم:

پس از قرائت دعای یاد شده، قرآن را گشوده و هفت ورق را بشمارد و در طرف دوم از ورق هفتم و نیز در طرف اول از ورق هشتم، هر چه اسم خداوند جلّ جلاله تکرار شده است را شمرده، آن گاه به تعداد آن، ورق های قرآن را بشمارد. سپس از طرف دوم آخرین ورقی که در پیش روی قرار دارد شروع به شمردن سطور به اندازه اسم هایی که قبل از این شمرده بود، کند و از آخرین سطر، مطلب (و تفأل) خود را در بیاورد.

### روایت سوم:

پس از دعای یاد شده، هشت ورق را شمرده، آن گاه در صفحه اول از ورق هشتم، یازده سطر را شمرده و فال و خواسته مورد نظر را در همان سطر یازدهم جستجو کند.

این (سه روایت) را در مورد تفأل به قرآن همان گونه که شنیده بودیم نقل کردیم. (۱)

ص: ۴۷۵

کہ از حضرت بقیہ اللہ عجّل اللہ تعالیٰ فرجہ روایت شدہ است

این استخارہ از حضرت حجّت علیہ السلام روایت شدہ است:

در دو کاغذ می نویسی: «خیرہ من اللہ و رسولہ لفلان بن فلانہ» «خیرخواہی از خدا و رسولش برای فلان شخص (نام شخص) فرزند فلان زن (نام مادرش)؛ و در یکی از کاغذها می نویسی: «إفعل»؛ «انجام بدہ»، و در دیگری می نویسی «لا تفعل»؛ «انجام مدہ». دو کاغذ را پس از آمادہ شدن در قالب گلی قرار می دہی و در ظرف آبی می اندازی. سپس وضو ساختہ نماز می گزارى و پس از آن، این دعا را می خوانی:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ فَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ، وَ أَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ، وَ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ، وَ اسْتَسْلَمَ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَ لَا تَخِرْ عَلَيَّ، وَ أَعْنِي وَ لَا تَعْنِ عَلَيَّ، وَ مَكِّنِّي وَ لَا تَمَكِّنْ مِنِّي، وَ اهْدِنِي لِلْخَيْرِ وَ لَا تَضِلَّنِي، وَ أَرْضِنِي بِقَضَائِكَ، وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَ تَعْطِي مَا تَرِيدُ. اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي فِي أَمْرِي هَذَا وَ هُوَ كَذَا وَ كَذَا، فَمَكِّنِّي مِنْهُ، وَ أَقْدِرْ لِي عَلَيْهِ، وَ أَمُرْنِي بِفَعْلِهِ، وَ أَوْضِحْ لِي طَرِيقَ الْهَدَايَةِ

بارالها؛ در واقع، من از تو طلب خیر می کنم مانند کسانی که کارشان را به تو واگذار کرده اند و خویشان را تسلیم تو داشته اند، و در کارشان بر تو توکل کرده اند، و در هرچه به ایشان رسیده است تسلیم بوده اند. بارالها؛ برایم نیک بخواه و بد مخواه؛ کمکم کن و دیگران را علیه من کمک مکن؛ مرا توانایی بدہ و کسی را بر من مسلط مکن؛ مرا به خوبی و نیکی راهنمایی کن و مگذار گمراه شوم؛ به قضایات راضی و خوشنودم کن و در تقدیرت برایم برکت و مبارکی قرار بدہ؛ به راستی تو هرچه را ارادہ کنی انجام می دہی و هرچه را بخواهی عطا می فرمایی. بارالها؛ اگر خیر و خوبی در کار موردنظر من هست؛ پس، آن را در اختیار من قرار بدہ و توان و نیروی انجام آن را بر من ارزانی بدار، و دستور انجامش را به من بدہ، و راه ہدایت



إليه، و إن كان أللهم غير ذلك فاصرفه عنى إلى الذى هو خير لى منه، فإنك تقدر و لا أقدر و تعلم و لا أعلم، و أنت علام الغيوب، يا أرحم الراحمين.

به سوى آن را برايم روشن فرما. بارالها؛ اگر جز این است، آن را از من دور کن و تبدیل به چیزی کن که برايم بهتر است؛ زیرا تو توانایی داری نه من؛ و تو می دانی، نه من؛ و تو به طور کامل از پنهانی ها خبر داری؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

سپس به سجده رفته و صد مرتبه در حالت سجده می گویی «أستخیر الله خيره فى عافيه»؛ «از خداوند، خیر و نیکی با عافیت درخواست می کنم». سپس سرت را از سجده برداشته و منتظر می شوی تا یکی از آن ها از قالب گل خارج شود، هر یک از آن ها زودتر خارج شد به آن عمل کن. (۱)

## ۸-۴- انواع استخاره با تسبیح

### اشاره

که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده است

### ۴- استخاره اول

علامه حلی قدس سره در کتاب «مصباح» می فرماید: این استخاره از صاحب الامر ارواحنا فداه روایت شده است؛ بدین شکل: ده مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه سوره «حمد» بخواند، و پس از آن ده مرتبه سوره «قدر» بخواند، و پس از آن سه مرتبه این دعا را بخواند:

أللهم إني أستخيرك لعلمك بعاقبه الامور، و أستشيرك لحسن ظنى بك فى المأمول و المحذور. أللهم إن كان الأمر الفلانى و بارالها؛ به راستی من از تو طلب خیر می کنم؛ چرا که تو پایان تمام کارها را می دانی. نیز با تو مشورت می کنم؛ زیرا، به تو خوش گمان هستم و خوش گمانی ام در مورد همه چیزهایی است که آرزویش را دارم که انجام شود یا از وقوع آن ترسانم. بارالها؛ اگر کاری که در نظر دارم

ص: ۴۷۷

کار خود را نام می برد بما قد نیطت بالبرکه أعجازه و بوادیه، و حفت بالکرامه آیامه و لیالیه، فخر لی اللهم فیه خیره ترد شموسه ذلولاً، و تقعض آیامه سرورا. اللهم إنا أمر فائتم، و إنا نهی فأنتهی. اللهم إنی أستخیرک برحمتک خیره فی عافیه.

انتها و ابتدای آن به برکت پیوند خورده و در تمامی روزها و شبهایش کرامت او را دربر گرفته است؛ پس، به گونه ای برایم انتخاب کن که چموشی آن از بین رفته و رام گردد، و دارای ایامی خوش و روشن باشد. خدایا؛ اگر دستور می دهی تا انجام دهم؛ و اگر می گویی: نه، تا اجتناب کنم. خدای من؛ به راستی که من به واسطه رحمت و مهربانی ات از تو طلب خیر می کنم، خیری که با عافیت همراه باشد.

پس از خواندن دعا، مقداری از تسبیح را-درحالی که خواسته اش را نیز در نظر آورده است-می گیرد و می شمرد. پس از شمردن دانه هایی که در آن مقدار از تسبیح قرار دارند؛ اگر تعدادشان عدد فرد بود، کار را انجام بدهد، و اگر عدد زوج بود، انجام ندهد. (۱)

## ۵- استخاره دوم

علامه مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید: از پدرم شنیدم که این روایت را از شیخ بهایی نور الله ضریحه روایت کرده است که گفت:

با اساتیدم گفت و گویی داشتم که ایشان فرمودند: از امام قائم ارواحنا فداه در مورد استخاره با تسبیح نقل است که فرمود:

تسبیح را برداشته و پس از سه مرتبه صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام قطعه ای از تسبیح را گرفته و دو تا دو تا دانه های آن را می شمرد و در نهایت، اگر یک دانه باقی ماند یعنی کار موردنظر را انجام بده؛ و اگر دو دانه باقی ماند، یعنی انجام مده. (۲)

ص: ۴۷۸

۱-۱. البلد الامین: ۲۳۱، المصباح: ۵۱۵، و مانند آن در الصحیفه الصادقیه: ۴۲۰ وارد شده است.

۲-۲. بحار الأنوار: ۹۱/۲۵۰.

## ۶- استخارهٔ سوم

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام» آمده است: در مورد استخاره با تسبیح، استخاره ای را اجازه داریم که از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است، یکی از علما نیز در مورد انجام این استخاره به من اجازه داده اند تا هم خودم انجام بدهم و هم بتوانم به دیگران اجازهٔ انجام آن را بدهم؛ لذا، با توجه به اجازه ای که از ایشان دارم، ضمن بیان چگونگی این استخاره، اجازهٔ آن را به همگان می‌دهم تا به این کیفیت استخاره کنند:

ابتدا بسم الله الرحمن الرحيم گفته؛ سپس سه مرتبه صلوات فرستاده سپس دعای مختصری بخواند مثل اینکه بگوید: «یا من یعلم إهد من لا یعلم»؛ «ای کسی که می‌داند؛ کسی را که نمی‌داند راهنمایی کن»، یا بگوید: «یا ربّ خر لی ما هو الصّالح»؛ «پروردگارا؛ آنچه شایسته و صلاح من است برایم انتخاب کن» یا دعاهایی از این قبیل. پس از این دعای کوتاه، قسمتی از تسبیح را به دست گرفته و بشمرد؛ اگر فرد بود انجام دهد و اگر زوج بود ترک کند. (۱)

## ۷- استخارهٔ چهارم

در برخی از کتاب‌های کهن دیدم که این استخاره را نیز به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده است: ابتدا سورهٔ حمد را تا إهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ قرائت کرده، و پس از آن سه مرتبه صلوات فرستاده و پس از آن نیز سه مرتبه بگو: «یا من یعلم إهد من لا یعلم»، سپس، قبضه ای از تسبیح را با دست گرفته و دانه‌های آن را شمرده اگر عدد فرد بود یعنی خوب است و آن را انجام بده و اگر زوج بود آن را انجام مده.

اگر می‌خواهی بدانی کار موردنظرت که برای آن استخاره می‌کنی بسیار بسیار

ص: ۴۷۹

خوب است یا خیر؛ پس از این استخاره، استخاره ای دیگر به نیت ترک کار مورد نظرت بگیر. در نتیجه اگر اصل کار خوب بود و در استخاره دوم که برای ترک انجام آن بود، زوج آمد که بد است؛ بنابراین، کار موردنظر در نهایت خیر و نیکی خواهد بود. و اگر در ترک آن فرد آمد که خوب است، معلوم می شود که انجام دادن یا انجام ندادن کار موردنظر فرقی ندارند. از سویی، اگر استخاره برای اصل کار بد بود و برای ترک کار خوب بود نیز، باید آن کار را ترک کرده و به طور جدی از انجام آن صرف نظر کنی؛ ولی اگر فعل و ترک، هر دو بد بود از انجام آن کار نهی شده ولی نه مثل استخاره قبل.

## ۸- استخاره پنجم

فقیه بزرگوار، صاحب کتاب «جواهر الکلام» در آن کتاب می فرماید: استخاره دیگری هست که برخی از علمای زمان ما از آن استفاده می کنند، و گویا به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده می شود؛ و کیفیت آن چنین است:

پس از این که آیه و دعا خواند، قبضه ای از تسبیح را می گیرد و هشت دانه هشت دانه می شمرد؛ اگر یک دانه باقی بماند، یعنی کمی خوب است؛ اگر دو تا بماند، یعنی در انجام آن کار یک نهی وجود دارد؛ اگر سه دانه تسبیح باقی بماند، یعنی صاحب استخاره خودش صاحب اختیار است، چرا که انجام آن کار و انجام ندادن آن مساوی است یعنی میانه است؛ اگر چهار دانه تسبیح باقی بماند به معنای وجود دو نهی و بدی در آن کار است؛ اگر پنج تا باقی بماند نزد بعضی به معنای این است که در آن کار سختی وجود دارد و برخی نیز به وجود سرزنش در آن کار معتقدند؛ اگر شش دانه باقی بماند به معنای نیکی و خیر کامل در آن کار است به گونه ای که باید در انجامش شتاب کرد؛ اگر هفت دانه از تسبیح باقی بماند همانند آن است که پنج دانه باقی مانده باشد که در آن دو رأی یا دو روایت وجود دارد؛ و اگر هشت دانه باقی بماند کار مورد نظر در نهایت بدی است و چهار نهی در آن وجود دارد. (۱)

ص: ۴۸۰

بخش دهم: دعاهایی که حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند

اشاره

ص: ۴۸۱



## ۱- دعای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سختی ها

به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

دعایی با اجابت فوری از ناحیه خداوند تعالی که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام خواندن آن را در مورد سختی ها و هنگامه حادثه های خطرناک، سفارش فرموده اند.

جناب سید بن طاووس رحمه الله این دعا را بدون اشاره به نام راوی آن نقل کرده است؛ لکن علامه مجلسی رحمه الله گفته است: سند دیگری برای این دعا دارم که بسیار عالی است؛ گرچه خالی از غرابت نیست.

من این دعا را از پدرم نقل می کنم و ایشان توسط یکی از صالحان-بدون واسطه-از حضرت مهدی ارواحنا فداه نقل کرده است. (۱)

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ

بارالها؛ تو فرمانروایی راستین هستی که جز تو معبودی نیست، و من نیز بنده تو هستم؛ بر خود ستم کردم،

ص: ۴۸۳

نفسی و اعترفت بذنبی، فاغفر لی الذنوب لا إله إلا أنت یا غفور. اللَّهُمَّ إِنِّي أحمَدُكَ و أنت للحمد أهل، علی ما خصصتني به من مواهب الرغائب، و وصل إلي من فضائل الصّٰئع، و علی ما أولیتني به، و تولّیتني به من رضوانك، و أنلتني من منک الواصل إلي، و من الدّفاع عني، و التّوفيق لي، و الإجابة لدعائي، حتّى اناجیک راغباً، و أدعوك مصافياً، و حتّى أرجوڪ فأجدك في المواطن كلّها لی جابراً، و فی اموری ناظراً، و لذنوبی غافراً، و لعوراتی ساتراً، لم أعدم خیرك طرفه عين مذ أنزلتني دار الإختبار، لتنظر ماذا اقدم لدار القرار. فأنا عتیقك اللَّهُمَّ من جميع المصائب و اللّواذب، و الغموم الّتی ساورتني فیها الهموم، بمعاريض القضاء، و مصروف جهد البلاء، لا أذكر منک إلا الجمیل، و لا أرى منک غیر التّفضیل.

و به گناههم اعتراف دارم؛ پس، گناهان مرا ببخش؛ جز تو خدایی نیست، ای آمرزنده؛ بارالها؛ تو را می ستایم درحالی که می دانم تو سزاوار ستودن هستی؛ چرا که هرچه میل آن را داشته ام بر من ارزانی داشته ای، و نیکویی ها و احسان فراوانی که به من رساندی، و بر آنچه به من لطف نمودی، و از رضوان خود به من واگذار نمودی، و مرا از منت خویش برخوردار گردانیدی؛ و همیشه از من دفاع فرمودی و توفیق دادی، و دعایم را اجابت فرمودی؛ تا آن که با شوق و رغبت به مناجات پردازم و با صفای باطن تو را بخوانم؛ نیز، به گونه ای رفتار کرده ای که به تو امید ببندم، و در همه جا تو را نسبت به خود مهربان، و در کارهایم ناظر، و برای گناهانم آمرزنده، و نسبت به عیب ها و زشتی هایم پرده پوش بیابم. به اندازه یک چشم برهم زدن نیز-از زمانی که در دنیا که محلّ آزمایشات است مرا منزل دادی-نیکی های تو از من دریغ نشده است تا این که بنگری برای سرای آخرت که محلّ همیشگی و زندگی جاودان من است، چه پیش خواهم فرستاد؟ بدین سان-خدایا؛-من یکی از آزادشدگان تو هستم در مورد تمام مصیبت ها و بدبختی ها، و غصّه هایی که در آن ناآرامی ها و اندوه ها بر من هجوم آورده است؛ در مورد پیش آمدهای (بد) قضا و نیز رخ دادن سختی های بلا؛ همیشه، تنها از تو زیبایی و رفتار نیک سراغ داشته و جز فضل و رفتار بزرگوارانه از تو ندیده ام.



خیرک لی شامل، و فضلک علی متواتر، و نعمک عندی متصله، سوانغ لم تحقّق حذاری، بل صدقت رجائی، و صاحبیت  
أسفاری، و أكرمت أحضاری، و شفیت أمراضی، و عافیت أوصابی، و أحسنت منقلبی و مثنوی، و لم تشمت بی أعدائی، و  
ریت من رمانی، و کیفیتنی شرّ من عادانی. اللَّهُمّ کم من عدوّ انتضی علیّ سیف عداوته، و شحذ لقتلی ظبه مدیته، و أرهف لی  
شبا حدّه، و داف لی قواتل سمومه، و سدّد لی صوائب سهامه، و أضمر أن یسومنی المکروه، و یجرّعی ذعاف مرارته، فنظرت  
یا إلهی إلی ضعفی عن احتمال الفوادم، و عجزی عن الانتصار ممّن قصدنی بمحاربتّه، و وحدتی فی کثیر من ناوانی، و أرصد  
لی فیما لم أعمل فکری فی الانتصار من مثله. فأیدتنی یا ربّ بعونک،

نیکی و خیرت مرا دربر گرفته، و فضل و احسانت یکی پس از دیگری به من رسیده، و نعمت هایت پیوسته و بدون لحظه ای  
درنگ در اختیار من قرار گرفته است. نعمت فراوانی که محقّق نساختی بر حذر شدنم (ناامیدیم) را، بلکه امیدم را صادق قرار  
دادی؛ و در سفرها همراهی ام کرده ای، و در زمان حضور در وطنم نیز مرا بزرگ داشتی، بیماری هایم را شفا بخشیدی و درد  
والم مرا عافیت بخشیدی و نیکو گرداندی حال حرکتم را و آرام گرفتم را، و مرا مورد شماتت و سرزنش دشمنانم قرار  
ندادی؛ هر کس مرا هدف گرفت تو نیز او را هدف تیر انتقام خود قرار دادی، و در نهایت از شرّ و بدی تمام کسانی که با من  
دشمنی کردند مرا کفایت کردی. بارالها؛ چه بسیار دشمنانی داشتم که شمشیر کینه و دشمنی اش را بر روی من کشید، و  
نوک نیزه اش را برای کشتن من تیز کرد، و تیزی لبه شمشیرش را برای من آماده کرد، و کشنده ترین زهرهایش را برایم مهیا  
ساخته، و تیرهای دقیقش را بر من نشانه گرفت، و در دل نهان داشته بود که مرا گرفتار ناخوشی ها و ناملایمات کند، و تلخی  
ها را جرعه جرعه به کام من کند؛ لیکن، ای خدای من؛ به ناتوانی و ضعف من در برابر تحمّل مشکلات، و عجز و بیچارگی ام  
و عدم توانم برای پیروزی در برابر کسی که به قصد جنگ با من آمد، و تنهایی ام در میان آن همه دشمن قسم خورده که در  
خیال ستیز با من بودند، و چنان در کمین من بودند که حتّی فکر نمی کردم بتوانم در مقابل شان در چنان مواردی پیروز و  
کامیاب شوم؛ نگریستی، و با کمک خودت مرا تأیید و کمک کردی،

و شدت ایدی بنصرک، ثم فللت لی حدّه، و صیرته بعد جمع عیدیه وحده، و اعلیت کعبی علیه، و رددته حسیرا لم تشف غلیله، و لم تبرّد حزازات غیظه، و قد غصّ علی شواه، و اب مولیا قد اخلفت سرایاه، و اخلفت اماله. اَللّهُمَّ و کم من باغ بغی علی بمکآئده، و نصب لی شرک مصآئده، و ضباّ اِلَیّ ضبوء السّبع لطریده، و انتهز فرصته، و اللّحاق لفریسته، و هو مظهر بشاشه الملق، و یسط اِلَیّ وجهها طلقا. فلما رأیت یا اِلهی دغل سریرته، و قبح طویّته، اَنکسته لامّ رأسه فی زبیته، و اَرکسته فی مهوی حفیرته، و اَنکسته علی عقبیه، و رمیته بحجره، و نکأته بمشقصه، و خنفته بوتره، و رددت کیده فی نحره، و ربقته بندامته فاستخذل و تضاءل بعد نخوته، و بخر و انقمع بعد استطالته، ذلیلا مأسورا فی حبآئله الّتی کان

و با یاریت دستانم را نیرومند ساختی؛ آن گاه، تیزی (لبه شمشیرها و) سختی ها را به نفع من کند کردی، و پس از آن همه توانایی و یارانی که دشمنم گرد آورده بود او را تنها گردانیدی، و در نهایت نیز مرا بر او برتری دادی و سلاحم را بر او توان بخشیدی، تا آن که با اندوه و حسرت او را برگرداندی به گونه ای که کینه درونی اش برطرف نشد و خشم افروخته اش نسبت به من سرد نگردید؛ با این که بر من چنگ انداخته بود، ولی درحالی که تو خواب و خیال هایش را بر باد دادی، باز گشت. بارالها؛ چه دشمنان و ستمگرانی که با نیرنگ های خود بر من جفا کرده، و دام های خود را برایم گسترده، همانند درنده ای که برای طعمه و شکار خود کمین می کند برای من کمین کرده و فرصت به دست آورده را استفاده کرده و به تندی و شتاب بر شکار خود می جهد، درحالی که خوشروئی منافقانه از خودش آشکار می کند و با چهره ای باز نه درهم کشیده برخورد می کند؛ لیکن، ای خدای من؛ وقتی دیدی چه نیرنگی برایم در سینه دارد، و چه نیت زشتی در سر دارد، او را در دام خودش سرنگون ساختی، و او را در گودالی که برای من کنده بود افکندی و وادار به عقب نشینی کردی، و با سنگی که داشت بر خودش زد، و با تیر خودش او را مجروح کردی، و با زه کمانش او را خفه ساختی، و نیرنگش را به حلقوم خودش برگردانیدی، و آن متکبر را به پشیمانی تمام گریبان گیر نمودی و پس از آن همه ادّعیای چیرگی و غرور و تکبر او را سرافکنده نمودی، و بعد از سرکشی ذلیل و مغلوب کردی، درحالی که با ذلّت و خواری در دام هایی که می خواست

يحبُّ أن يراني فيها، وقد كدت لولا- رحمتك أن يحلَّ بي ما حلَّ بساحته، فالحمد لربِّ مقتدر لا يناع، و لولئ ذى أناه لا يعجل، و قيوم لا يغفل، و حلیم لا يجهل. ناديتك يا إلهي مستجيرا بك، واثقا بسرعہ إجابتك، متوكِّلا على ما لم أزل أعرفه من حسن دفاعك عني، عالما أنه لن يضطهد من اوى إلى ظلِّ كفايتك، و لا- يقرع القوارع من لجأ إلى معقل الانتصار بك، فخلصتني يا ربَّ بقدرتك و نجيتني من بأسه بتطولك و منك. اللهم و كم من سحائب مكروه جليتها، و سماء نعمه أمطرتها، و جداول كرامه أجريتها، و أعين أحداث طمستها، و ناشي رحمه نشرتها، و غواشي كرب فرجتها، و غمم بلاء كشفتها، و جنه عافيه ألبستها، و امور حادثه قدرتها، لم تعجزك إذ طلبتها، فلم تمتنع منك إذ أردتها. اللهم و كم من حاسد سوء

مرا در آن ببیند گرفتارش کردی؛ این همه در شرایطی بود که اگر رحمت شامل من نمی شد زود بود که بر من وارد شود آنچه نسبت به او وارد شده است؛ بنابراین، حمد و ستایش را مخصوص پروردگاری می دانم که دارای قدرتی لا یتنازع و بی رقیب است، سرپرستی که مهلت دهنده است و شتاب نمی کند؛ پایداری که غفلت نمی کند؛ و بردباری که از هیچ چیز بی اطلاع نیست. ای خدای من؛ درحالی تو را ندا درمی دهم که پناهنده ات هستم؛ به اجابت و پاسخ دادن سریع اطمینان دارم؛ با اعتماد بر آنچه از دیرباز شناخته ام که تو به خوبی از من دفاع می کنی؛ می دانم که هرکس در سایه کفایت تو درآید شکست نمی خورد؛ و هرکس به تو پناه برد ستیزه گران با او ستیزه نمی کنند و او را نمی کوبند؛ بنابراین، ای پروردگار من؛ با قدرت و توان وصف ناپذیرت مرا خلاصی بخشیدی، و با منت و نعمت بخش الهی ات مرا از بدی و آزار او نجات دادی. بارخدایا؛ چه بسیار ابرهای ناخوشایندی که راندی و دور کردی، و چه آسمان های نعمت باری که به بارش درآوردی، و چه نهرهای کرامت و بزرگواری که روان نمودی، و چشمه های حادثه های ناگوار که ناپدید ساختی، و رحمت هایی که گستردی، و مصیبت های فراگیری که برطرف کردی و بلاهایی که رفع کردی، و لباس عافیتی که بر من پوشانیدی، و چیزهای تازه ای که برای آینده در نظر گرفتی؛ آن گونه که هنگام جستجوی آنها ناتوان نیستی و بدین جهت وقتی اراده کنی نیز سرپیچی نمی کنند. بارخدایا؛ چه بسیار حسود

تولنی بحسده، و سلقنی بحدّ لسانه، و وخرنی بقرف عیبه، و جعل عرضی غرضاً لمرامیه، و قلّدنّی خلّالاً لم تزل فیہ کیفیتنی أمره. اللّهمّ و کم من ظنّ حسن حقّقت، و عدم إملاق ضرّنی جبرت و أوسعت، و من صرعه أقمت، و من کر به نفّست، و من مسکنه حوّلت، و من نعمه خوّلّت، لا- تسأل عمّیّا تفعل، و لا- بما أعطیت تبخل، و لقد سئلت فبذلت، و لم تسئل فابتدأت و استمیح فضلك فما أكدیت، آیت إلاّ إنعاما و امتنانا و تطوّلا، و آیت إلاّ تقحّما علی معاصیک، و انتهاکا لحرمتک، و تعدّیا لحدودک، و غفله عن وعیدک، و طاعه لعدوّی و عدوّک، لم تمتنع عن إتمام إحسانک، و تتابع امتنانک، و لم یحجزنی ذلک عن ارتکاب مساخطک. اللّهمّ فهذا مقام المعترف لک بالتقصیر عن أداء حقّک، الشّاهد علی نفسه بسبوغ نعمتک،

بداندیشی که با حسادت مرا گرفتار کرد، و به تندّی زبانش مرا آزرده ساخت، و با عیب نهادنش مرا به درد آورد، و آبرویم را مورد هدف خود قرار داد، و قلاّده ای به گردنم افکنده است که همواره تو امر او را بر من کفایت نمودی. بارالها؛ چه خوش گمانی هایی که تاکنون به تو داشتم و آنها به وقوع پیوست، و چه بسیار تنگدستی که به من زیان زد و تو جبران کردی و توان گری بخشیدی، و چه بسیار که بر زمین افتادم و سقوط کردم و تو مرا برپا کردی، و چه بسیار حادثه های اندوه باری که از آن رهایی بخشیدی، و چه بیچارگی هایی که از بین بردی، و چه نعمت هایی که ارزانی داشتی؛ در مورد آن چه انجام می دهی از تو پرس وجو نمی شود، در عطایت بخل نمی ورزی؛ همانا، از تو درخواست شد و بلافاصله بخشیدی، و چیزهایی را که درخواست نشد پیش از درخواست تو احسان کردی، از تو بخشش و بزرگواری درخواست شد و تو دریغ نورییدی؛ و نخواستی ای که جز نعمت بخشیدن و مّنت نهادن و بهره مند ساختن، کار دیگری بکنی؛ در مقابل-چنان که از اعمالم پیداست-من نیز سر باز زدم جز مرتکب شدن گناهان و هتک حرمت نسبت به تو و تجاوز و گذشتن از مرزها و حدودت، و بی توجّهی نسبت به وعده های عذابت و فرمانبرداری از دشمن مشترک من و خودت کاری انجام ندادم؛ تو نیز با این وجود دست از کامل کردن نعمت و پی در پی فرستادن خوبی ها و مّنت نهادن هایت، برنداشته ای؛ لیکن این ها نیز باعث بازداشتن من از انجام گناهان و دست برداشتن از خشم تو نشد؛ بارخدایا؛ این جایگه، جایگاه کسی است که دارد اعتراف می کند در ادای حقّ تو کوتاهی کرده است؛ خودش گواهی بر ضدّ خودش می دهد که نعمت تو کامل

و حسن کفایتک، فهب لی اللّهمّ یا الهی ما أصل به إلی رحمتک، و اتّخذہ سلّمًا أعرج فیہ إلی مرضاتک، و امن به من عقابک، فإنّک تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید، و أنت علی کلّ شیء قدير. اللّهمّ حمدی لک متواصل، و ثنائی علیک دائم، من الدّهر إلی الدّهر بألوان التّسیح، و فنون التّقدیس، خالصا لذكرك، و مرضیًا لک بناصع التّوحد، و محض التّحمید، و طول التّعدید فی إكذاب أهل التّندیّد. لم تعن فی شیء من قدرتك، و لم تشارك فی إلهیتک، و لم تعاین إذ حبست الأشياء علی الغرآئز المختلفات، و فطرت الخلائق علی صنوف الهیئات، و لا خرقت الأوهام حجب الغیوب إلیک، فاعتقدت منک محدودا فی عظمتک، و لا- کیفیة فی أزلتیک، و لا- ممکنا فی قدمک، و لا- یبلغک بعد الهمم، و لا ینالک غوص الفطن، و لا ینتهی إلیک

و نگه داری و حفاظت تو از او نیز به نیکی انجام شده است؛ پس، ای خدای من؛ ای معبود من؛ به من ببخش آنچه را که به سبب آن به رحمت تو برسم، و آن را نردبانی برای بالا- آمدن به سوی کارهای خشنودکننده و رضای تو قرار دهم و بدان وسیله از کيفر تو در امان بمانم. به راستی، تو هرچه بخواهی انجام داده، به هر کاری بخواهی دستور می دهی و تو بر هر کاری توانایی. خدایا؛ سپاس من پی در پی به درگاه تو واصل؛ و ثنا و ستایشم به طور دائم نثار آستان تو، از روزگاری تا روزگار دیگر است؛ و این تسبیحاتم به شکل های گوناگون بوده، و تقدیس تو را از راه های مختلف به جای می آورم؛ خالصانه به یاد توام، و با یگانه دانستنت و سپاس بی شائبه ات و به وسیله دروغ گو شمردن همیشگی و پیوسته آن هایی که برای تو مثل و مانند و همتا قائلند؛ سعی دارم مورد رضایت و خشنودیت قرار گیرم. در قدرت مندیت کسی به تو یاری نمی رساند، و در خدایت کسی با تو شریک نیست، و هنگامی که اشیاء را بر غریزه های گوناگون پوشش دادی و نگهداری کردی کسی تو را معاینه و مشاهده نمی کرد، و آن گاه که هر مخلوقی را در صنف و هیئت ویژه ای خلق کردی کسی تو را نمی دید. (عقل و) وهم و قوای باطنیّه هیچ کس، یارای دریدن پرده های پنهانی به سوی تو را ندارد، تا در نتیجه تو را در عظمت محدود باور دارد، و نمی تواند برای ازلیت تو کیفیتی و برای قدیمیّت تو امکانی فرض کند. هرچه همّت کسی عالی باشد به کنه حقیقت تو نمی رسد، و ژرف اندیشی و زیرکی هیچ کسی به تو دست نمی یازد، و

نظر التّباظرین فی مجد جبروتک، و عظیم قدرتک. إرتفعت عن صفه المخلوقین صفه قدرتک، و علا- عن ذلک کبریاّ عظمتک، و لا- ینتقص ما أردت أن یزداد، و لا- یزداد ما أردت أن ینتقص، و لا- أحد شهدک حین فطرت الخلق، و لا- ضدّ حضرک حین برأت النّفوس. کلت الألسن عن تبیین صفتک، و انحسرت العقول عن کنه معرفتک، و کیف تدرکک الصّفات، أو تحویک الجهات، و أنت الجّبار القدّوس الّذی لم تزل أزلیّاً دائماً فی الغیوب وحدک، لیس فیها غیرک، و لم یکن لها سواک. حارت فی ملکوتک عمیقات مذاهب التّفکیر، و حسر عن إدراکک بصر البصیر، و تواضعت الملوک لهیتک، و عنت الوجوه بذلّ الإستکانه لعزّتک، و انقاد کلّ شیء لعظمتک، و استسلم کلّ شیء لقدرتک، و خضعت الرّقاب بسلطانک، فضلّ هنالک

نگرش هیچ کسی به منتهای جبروت و نیروی عظیم تو نخواهد رسید. صفت و ویژگی قدرت تو برتر از توصیف آفریدگان، و عظمت کبریایی تو بلندمرتبه تر از آن هاست؛ آنچه را که اراده کنی زیاد گردد کم نمی شود، و اگر کمی چیزی را اراده کنی توان افزایش ندارد؛ در هنگام آفرینش مخلوقات هیچ کس گواه تو نبود، و در زمان خلقت جان دارها نیز هیچ کس که با تو ضدّیت داشته باشد نزد حضور نداشت. زبان ها از روشنگری در مورد صفت تو عاجز و ناتوانند، و عقل ها در حسرت رسیدن به کنه و نهایت شناخت تو در مانده اند؛ آخر، چگونه صفت ها تو را درمی یابند؟ و به چه صورت، جهت ها می توانند تو را دربر گیرند؟ درحالی که تو جبار و قدّوس (پاک و در نهایت پاکی) هستی؛ همان که پیوسته، و همیشگی و به طور دایم تنها در غیب مطلق هستی، جز تو در آن نیست، و غیر از تو کسی شایسته شان نیست. در ملکوت تو نیز عمیق ترین راهروهای اندیشه، حیران شده اند؛ دیده ژرف نگر و باز، از ادراک حقیقت تو خسته و در مانده است؛ پادشاهان در برابر هیبت تو فروتن اند؛ آبروداران در برابر عزّت تو سر خواری و بیچارگی فرود آورده اند؛ همه چیز منقاد و سرافکنده در برابر عظمت و بزرگی تو است؛ هر چیزی در برابر نیرو و قدرت تو سر تسلیم فرود آورده است؛ با سلطنت و چیرگی تو، تمام گردن ها به خضوع و افتادگی در آمده است، و در این جاست که هر

التدبير في تصارييف الصّيفات لك، فمن تفكّر في ذلك رجع طرفه إليه حسيّرا، و عقله مبهورتا مبهورا، و فكره متحيّرا. أللهمّ فلک الحمد حمدا متواترا متواليا متسقا مستوثقا يدوم و لا- يبسد غير مفقود في الملكوت، و لا مطموس في العالم، و لا منتقص في العرفان، فلک الحمد حمدا لا تحصى مكارمه في اللّيل إذا أدبر، و في الصّبح إذا أسفر، و في البرّ و البحر، و بالغدوّ و الآصال، و العشيّ و الإبكار، و الظّهيره و الأسحار. أللهمّ بتوفيقك أحضرتني النّجاه، و جعلتني منك في ولايه العصمه، لم تكلفني فوق طاقتي إذ لم ترض منّي إلاّ- بطاعتي، فليس شكري و إن دأبت منه في المقال، و بالغت منه في الفعال ببالغ أداء حقّك، و لا مكاف فضلك، لأنّك أنت الله لا إله إلاّ أنت، لم تغب عنك غائبه، و لا تخفى عليك خافيه،

تدبير و چاره جویی در پیدا کردن صفاتی برای تو، دچار گمراهی و سرگردانی شده است؛ هر کس در مورد صفات اندیشه کند در مانده و خسته از این کار برمی گردد، و عقلش ناتوان و شگفت زده و اندیشه اش سرگردان می شود؛ ای خدا؛ پس، تمام حمد و سپاس ها را مخصوص تو می دانم؛ حمد و سپاسی پی در پی، متصل، همراه و محکم به هم چسبیده، که دایمی باشد و قطع نشود و در ملکوت نیز ناپدید نشود، و در جهان آفرینش محو و نابود نشود، و از نظر شناخت نیز کم نداشته باشد؛ پس، سپاس و ستایشی که مکرمت ها و خوبی هایش را نتوان برشمرد سزاوار توست، و تو را سپاس هنگامی که شب پشت می کند و هنگامی که صبح طلوع می کند؛ در دریا و خشکی، و صبح و شام، و در شبانگاه و بامدادن و در ظهر و سحر گاهان. بارالها؛ با توفیقت مرا نجات بخشیدی، و در دائره حفظ و حراست خود سرپرستی و نگه داری کردی، بیش از طاقت و توانم برای من وظیفه ای نگذاشتی؛ زیرا، تنها فرمان برداریت را از من خواستی تا مورد رضایت قرار گیرم. بنابراین، سپاسگزاری و تشکر من از تو (هرچند در گفتار خسته شوم، و نهایت توانم را در انجام آن به کار بگیرم) نخواهد توانست حقّت را ادا کند و هم پایه فضل تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ هیچ پنهان شده ای از تو پنهان نشده است، و هیچ چیز پوشیده و مخفی نیز بر تو پوشیده نیست،

و لا تَضَلَّ لَكَ فِي ظَلَمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةً، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمَدْتَ بِهِ نَفْسَكَ، وَ حَمْدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ، وَ مَجْدَكَ بِهِ الْمَمَجِّدُونَ، وَ كِبْرَكَ بِهِ الْمَكْبِرُونَ، وَ عَظَمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ، حَتَّىٰ يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرَفِهِ عَيْنٌ، وَ أَقَلُّ مِنْ ذَلِكَ، مِثْلَ حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ وَ تَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ، وَ تَقْدِيسِ أَحْبَابِكَ الْعَارِفِينَ، وَ ثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ، وَ مِثْلَ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهِ، وَ مَحْمُودٌ بِهِ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَ الْجَمَادِ. وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أَيْسَرُ مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ، وَ أَعْظَمُ مَا وَعَدْتَنِي عَلَىٰ شُكْرِكَ، إِبْتِدَاءً تُنِي بِالنَّعْمِ فَضْلًا وَ طَوْلًا، وَ أَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدْلًا، وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَعْصَافًا وَ مَزِيدًا، وَ أَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اِعْتِبَارًا وَ اِمْتِحَانًا،

و در تاریکی های پنهان، گم شده ای از نظر تو گم نمی شود. شأن تو چنین است که هرگاه چیزی را اراده کنی به آن می گویی: (انجام) شو؛ آن نیز (بلافاصله) انجام می شود. بارالها؛ تو را سپاس به همان گونه که خود را ستوده ای؛ و همان گونه که تمام ستایشگران تو را حمد و سپاس گفته اند، و تمام ثناگویان تو را ثنا و تمجید نموده اند، و بزرگ دارندگان تو را بزرگ داشته اند، و به عظمت یادکنندگان تو را تعظیم کرده اند؛ تا جایی که من در هر چشم به هم زدن و بلکه در زمانی کمتر از آن، به تنهایی به اندازه تمام ستایشگران تو را ستایش کنم، و به اندازه تمام مخلصان تو را یگانه بخوانم، و به اندازه تمام دوستان عارف تو را تقدیس کنم، و به اندازه تمام تهلیل گویان تو را ثناگویی کنم؛ همانند آنچه که تو خودت نسبت به آن شناخت داری، و با آن ستایش شونده ای از تمام مخلوقات اعّم از حیوان و جمادات. بارالها؛ اشتیاق دارم شکر و سپاس تمام ستایش هایی را که زبانم را بدان گویا کردی نیز به جای آورم. چه قدر آسان است انجام آن چه مرا بدان موظّف فرمودی، و چه عظیم است وعده هایی که برای سپاسگزاریت به من دادی؛ از راه فضل و دوستی و لطف شروع به نعمت بخشیدن به من کردی، و به من دستور دادی که در مقابل آن نعمت ها-چنان که حقّ توست و عدالت نیز همین را اقتضا می کند-به شکرگزاریت پردازم؛ نیز به من وعده فرمودی که در مقابل شکر و سپاسگزاریم نیز چند برابر به من ببخشی و پاداش



و سألتني منه فرضا يسيرا صغيرا، و وعدتني عليه أضعافا و مزيدا و إعطاء كثيرا، و عافيتني من جهد البلاء، و لم تسلمني للسوء من بلائك، و منحتني العافية، و أوليتني بالبسطه و الرخاء، و ضاعفت لي الفضل مع ما وعدتني به من المحله الشريفه، و بشرتني به من الدرجه الرفيعه المنيعه، و اصطفيتني بأعظم النبيين دعوه، و أفضلهم شفاعه محمد صلى الله عليه و اله. اللهم اغفر لي ما لا يسعه إلا مغفرتك، و لا يمحقه إلا عفوك، و هب لي في يومي هذا و ساعتى هذه يقينا يهون على مصيبت الدنيا و أجزائها، و يشوقني إليك، و يرغبنى فيما عندك، و اكتب لي المغفره، و بلغنى الكرامه، و ارزقنى شكر ما أنعمت به علىّ، فإنك أنت الله الواحد الزفيح البديء البديع السميع العليم الذى ليس لأمرك مدفع، و لا عن قضائك

بدهى. از روزى و رزقت جهت عبرت جویی و آزمایش، به من ارزانی داشتی، ولی در مقابل مقدار کم و کوچک از آن را از من درخواست کردی و باز هم در مقابل پرداخت آن، وعده پاداش های چند برابر و نیز بخشش های بسیار به من دادی. و مرا از سختی بلا- عافیت و سلامت دادی و به بدی های بلایت رها نکردی، و عافیت و سلامتی را به من احسان نمودی، و مرا با گستردگی و رفاه یاری کردی و برای من فضل و احسان را- با این که در محلّ بزرگواری برای من وعده دادی- چندین برابر قرار دادی، و به وسیله او مرا به درجه رفیع و والا بشارت دادی، و مرا به بزرگ ترین پیامبران از نظر فراخوان و برترین آنان از نظر شفاعت یعنی حضرت محمد- که درود خدا بر او و آل او باد- برگزیدی. بارخدا یا؛ پیامرز برای من آنچه را که جز آمرزش تو آن را توان ندارد، و جز عفوت آن را محو و نابود نکند؛ امروز و در ساعت حاضر یقینی به من ببخشی که مصیبت ها و اندوه های دنیا را بر من آسان گرداند، و مرا مشتاق تو کند، و ترغیب به چیزهایی که نزد توست بنماید. مغفرت و آمرزش خویش را برای من بنویس، و مرا به کرامت برسان، و شکر و سپاسگزاری بر نعمت هایت را که بر من عنایت کردی، روزیم کن؛ زیرا، تو خدای یکتای والای آغازگر نوآور شنوای دانا هستی؛ خدایی که هیچ چیزی نمی تواند دستورت را برگرداند، و از قضا و نظر تو

ممتنع، و أشهد أنك ربّي و ربّ كلّ شيء فاطر السّماوات و الأرض، عالم الغيب و الشّهاده، العليّ الكبير المتعال. اللهمّ إنّي أسألك الثّبات في الأمر، و العزيمة في الرّشد، و إلهام الشّكر على نعمتك، و أعوذ بك من جور كلّ جائر، و بغى كلّ باغ، و حسد كلّ حاسد. اللهمّ بك أصول على الأعداء، و إيتاك أرجو و لايه الأحبّاء، مع ما لا أستطيع إحصاءه من فوائد فضلِكَ، و أصناف رفدِكَ، و أنواع رزقِكَ، فإنّك أنت الله لا إله إلاّ أنت الفاشي في الخلق حمدك، الباسط بالجود يدك، لا تضادّ في حكمك، و لا تنازع في سلطانك و ملكك، و لا تراجع في أمرك، تملك من الأنام ما شئت، و لا يملكون إلاّ ما تريد. اللهمّ أنت المنعم المفضل القادر القاهر المقدّس في نور القدس، تردّيت بالعزّه و المجد، و تعظمت بالقدره و الكبرياء،

جلوگیری کند؛ و گواهی می دهد که تو پروردگار من و پرورش دهنده تمام چیزهایی؛ آفریننده آسمان ها و زمینی؛ دانای پنهانی ها و دیدنی ها؛ بلندمرتبه، بزرگ و والامقام. بارخدایا؛ به راستی من از تو درخواست ثبات و پایداری را در ولایت، و عزم راسخ در انجام خوبی ها، و الهام به من برای سیاسگزاری بر نعمت هایت دارم. از جور و ستم تمام جائران و ستم کاران، از جفاکاری زورگویان، و از حسد حسادت کنندگان به تو پناه می آورم. بارالها به واسطه تو می خواهم بر دشمنان ظفر و چیرگی یابم؛ و تنها از تو ولایت و دوستی و دوستان را امید دارم؛ با این که هنوز نمی توانم موارد فضل سودمندت، و انواع پذیرایی و روزی ات را به شماره درآورم. همانا، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست و ستایشت در بین خلقت گسترده و آشکار است، و دست جود و بخشش باز و گسترده است، و در حکم و فرمان تو با تو ضدّیت نمی توان کرد، و در سلطنت و فرمان روایی، کسی نمی تواند به جنگ تو بیاید، و امر و دستور تو بازگردانده نمی شود، هرچه از مردم را بخواهی ملکت و است؛ لیکن هرچه آن ها بخواهند-جز با اراده تو- بدست نمی آورند. بارالها؛ تو نعمت بخش، فضل و فزونی بخش، توانا، چیره و غالب و پاکیزه دانسته شده در نور پاک هستی؛ لباس عزّت و بزرگواری بر تن داری، و با قدرت و کبریایت ابراز بزرگی می کنی،

و غَشَّيت النَّورَ بالبهاء، و جَلَّلت البهاءَ بالمهابه. أَللَّهُمَّ لَكَ الحمد العظيم، و المَنَّ القديم، و السلطان الشَّامخ، و الحول الواسع، و القدره المقتدره، و الحمد المتتابع الَّذي لا ينفد بالشكر سرمدًا و لا ينقضي أبدًا، إذ جعلتني من أفاضل بني آدم، و جعلتني سميعًا بصيرًا صحيحًا سويًا معافًا لم تشغلني بنقصان في بدني، و لا بافه في جوارحي، و لا عاهه في نفسي و لا في عقلي، و لم يمنعك كرامتك إِيَّاي، و حسن صنعك عندي، و فضل نعمائك عليَّ إذ وسَّعت عليَّ في الدُّنيا، و فضَّلتنِي علي كثير من أهلها تفضيلاً، و جعلتني سميعاً أعي ما كَلَّفتنِي علي كثير من أهلها تفضيلاً، و جعلتني سميعاً أعي ما كَلَّفتنِي، بصيرا أرى قدرتك فيما ظهر لي، و استرعتني و استودعتني قلبا يشهد بعظمتك، و لسانا ناطقا بتوحيديك، فَإِنِّي لفضلك عليَّ حامد، و لتوفيقك إِيَّاي بحمدك شاكر،

و نور را به زیبایی و درخشندگی پوشانده ای، و درخشندگی را با هیبت جلالت بخشیده ای. بارخدایا؛ ستایش فراوان از آن توست؛ مَنّت دیرینه مخصوص توست؛ سلطنت رفیع و پابرجا مال توست؛ جنبش و توان فراگیر، قدرت شایان، و ستایش پی در پی که پایان نپذیرد و تا ابدیت نیز از بین رفتنی نیست، سزاوار توست؛ زیرا، تو مرا از بافضیلت ترین فرزندان حضرت آدم قرار دادی، و مرا شنوا، بینا، سالم درست اندام، با عافیت و سلامتی قرار دادی و در بدنم کمبودی نیست تا مرا به خود مشغول کند، و اعضا و جوارحم نیز دچار آفت و بیماری نیستند، و در روان و عقلم نیز آسیبی وجود ندارد. کرامت و بزرگواری تو بر من، و کارهای نیکی که برایم می کنی، و فزونی نعمت هایت تو را باز نداشت که نعمت هایت را در این دنیا بر من گسترانندی، و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری و فضیلت بخشیدی، و مرا شنوا قرار دادی تا به وظایفم گوش فرادهم، و مرا بینا قرار دادی تا قدرت تو را که برایم آشکار ساختی ببینم، و مرا مراعات کردی و قلبی به من دادی تا با این ودیعۀ ارزشمند بتوانم عظمت تو را مشاهده کنم، و زبانی گویا به یگانگی ات، ارزانی ام کردی. لذا، من تو را جهت فضل و فزونی که بر من بخشیدی ستایش گرم، و به خاطر این که توفیق ستایشت را به من دادی شکر گزارم

و بحقك شاهد، و إليك في ملّتي و مهمّتي ضارع، لأنك حيّ قبل كلّ حيّ، و حيّ بعد كلّ ميّت، و حيّ ترث الأرض و من عليها، و أنت خير الوارثين. اللَّهُمَّ لا تقطع عنيّ خيرك في كلّ وقت، و لم تنزل بيّ عقوبات النّقم، و لم تغير ما بيّ من النّعم، و لا أخليتنى من وثيق العصم، فلو لم أذكر من إحسانك إليّ و إنعامك عليّ إلاّ عفوك عنيّ، و الإستجابة لدعائيّ، حين و إنعامك عليّ إلاّ عفوك عنيّ، و الإستجابة لدعائيّ، حين رفعت رأسيّ بتحميدك و تمجيدك، لا في تقديرك جزيل حظّي حين وفّرتّه انتقص ملكك، و لا- في قسمه الأرزاق حين قترت عليّ توفّر ملكك. اللَّهُمَّ لك الحمد عدد ما أحاط به علمك، و عدد ما أدركته قدرتك، و عدد ما وسعته رحمتك، و أضعاف ذلك كلّّه، حمدا و اصلا متواترا متوازيا لا لائتك و أسماءك. اللَّهُمَّ فتمّم إحسانك إليّ فيما بقي من عمريّ، كما أحسنت إليّ

و به حقّ تو گواهی دهنده ام و در امور سخت و مهمّ به تو تضرّع کننده ام؛ زیرا تو قبل از هر زنده ای زنده بوده ای، و پس از هر که بمیرد نیز زنده خواهی بود، و زنده ای هستی که وارث زمین و هر که بر آن قرار دارد می باشی، و تو بهترین وارثان هستی. خدایا؛ خیر و نیکی ات را هیچ گاه از من قطع مکن، و کیفیهای انتقامی ات را بر من مفرست، و نعمت هایی را که بر من ارزانی داشته ای تغییر مده، و از حفاظت گاه های محکم و مطمئنّت مرا خالی مگردان؛ زیرا، اگر من از احسان و نعمت بخشی ات بر من، جز عفو و بخشش و پاسخ دادن به دعایم- هنگامی که سربلند کردن برای ستایش و بزرگ شماریت- را یاد نمی کردم، با قرار دادن بهره فراوان، چیزی از فرمان روایی تو کم نمی گشت، و در تقسیم نمودن رزق و روزی ها نیز با کم گذاشتن سهمیه من چیزی بر پادشاهی ات افزون نمی شد. خدایا؛ حمد و ستایش را به تعداد آنچه علم و دانش تو بر آن احاطه دارد، مخصوص تو دانم؛ به تعداد آنچه قدرت و توان تو آن را درک کند و دریابد؛ به تعداد آنچه رحمت تو آن را شامل و فراگیرد؛ بلکه چندین برابر همه آن چه گفتم، حمد و ستایش رسنده پی در پی هم راستا بر نعمت ها و نام های (نشانه های) نثار می کنم. بارپروردگارا؛ احسان و نیکی ات را بر من در باقی مانده دوران زندگانی ام تمام گردان، همان گونه که در

[منه] فیما مضی، فإنی أتوسل إلیک بتوحدک و تهلیلک و تمجیدک و تکبیرک و تعظیمک، [و أسألك باسمک الذی خلقتہ من ذلک فلا یرج منک إلا إلیک]. و أسألك باسمک الزوح المکنون الحی الحی و به و به و به، و بک و بک و بک، ألا تحرمنی رفقک، و فوآئد کرامتک، و لا تولئی غیرک، و لا تسلمنی إلی عدوی، و لا تکنی إلی نفسی، و أحسن إلی أنتم الإحسان عاجلا- واجلا، و حسن فی العاجله عملی، و بلغنی فیها أملی و فی الآجله، و الخیر فی منقلبی، فإنه لا تفکرک کثره ما یندقق به فضلک، و سب العطايا من منک، و لا ینقص جودک تقصیری فی شکر نعمتک، و لا تجم خزائن نعمتک النعم، و لا ینقص عظیم مواهبک من سعته الإعطاء، و لا- تؤثر فی جودک العظیم الفاضل الجلیل منحک، و لا- تخاف ضیم إملاق فتکدی، و لا یلحقک

گذشته زندگانی ام نیز چنین کردی؛ زیرا من با یگانه دانستن تو، و تهلیل گفتن و ثناگوئی تو و گرامی داشت و تعظیم تو به تو توسل می جویم (و تو را می خوانم به واسطه نامی که از آن آفریدی و از تو جز به سوی خودت خارج نخواهد شد). و تو را می خوانم به واسطه اسمت، روح پنهان، زنده زنده زنده، و به او، و به او، و به او؛ و به تو، و به تو، و به تو؛ که مرا از جایزه و کرامت های سودمند محروم مگردانی، و سرپرستی ام را به دست کسی جز خودت مسپار، و مرا به دست دشمنم تسلیم مکن، و به خودم نیز مسپار و وامگذار؛ و کامل ترین احسان را در حال حاضر و به زودی و نیز در آینده ها بر من فروفرست، و در زمان های نزدیک باعث نیکی عملم، و در نزدیک و دور زمانه، مرا به آرزوهایم برسان، و در بازگشتن نیز به من خیر برسان؛ زیرا، جوشش زیاد فضل و احسان تو نیازمند نخواهد کرد؛ بخشش ها از ناحیه تو می رسد، و کوتاهی من در سپاسگزاری نعمت تو باعث کاستی در بخشش و جودت نمی گردد، و گنجینه های نعمت را زیاد و انبوه نمی گرداند، و بخشش های بزرگ تو باعث کاستی در عطاهاى فراگیرت نمی شود، و عطاهاى خاصّ تو تأثیری در سخاوت بزرگ و افزون شکوه مندت ندارد، و از تنگدستی نمی هراسی تا دست نگه داری، و

خوف عدم فینقص فیض ملکک و فضلک. اَللّٰهُمَّ ارزقنی قلبا خاشعا، و یقینا صادقا، و بالحقّ صادعا، و لا تؤمّنی مکرک، و لا تنسني ذکرک، و لا تهتک عنی سترک، و لا تولّنی غیرک، و لا تقنّطنی من رحمتک بل تغمّدنی بفوآئدک، و لا تمنعنی جمیل عوآئدک، و کن لی فی کلّ وحشه أنیساً، و فی کلّ جزء حصناً، و من کلّ هلکة غیاثاً، و نجّنی من کلّ بلاء، و اعصمنی من کلّ زلل و خطآء، و تمّم لی فوآئدک، و قنی و عیدک، و اصرف عنی ألیم عذابک و تدمیر تنکیلک، و شرفنی بحفظ کتابک، و أصلح لی دینی و دنیای و آخرتی و أهلی و ولدی، و وسّع رزقی، و أدّرّه علیّ، و أقبل علیّ، و لا تعرض عنی. اَللّٰهُمَّ ارفعنی و لا تضعنی، و ارحمنی و لا تعدّبنی، و انصرنی و لا تخذلنی، و اثرنی و لا تؤثر علیّ، و اجعل لی من أمری یسرا و فرجا،

ترس از بی چیزی به تو نمی رسد تا از فیض پادشاهی و فضلت کم کند. بارخدا یا؛ قلبی خاشع، یقینی راستین و حقیقت جو، و سخن حق را آشکارکننده نصیبم کن؛ و کاری کن که خود را از مکر در امان ندانم، و یادت را از یادم مبر، و پرده پوشی ات را از من برم دار، و سرپرستی ام را به دیگری مسپار، مرا از رحمت ناامید مساز بلکه با سودبخشی ات مرا بهره مند گردان، و از بهره های زیبایت محروم مساز، و در هر وحشتی انیس من باش، و در هر بی تابی و ناشکیبایی جای امن و حصن من باش، و از هر هلاکتی دادرس من باش، و از همه بلاها نجاتم بخش، و از هر لغزش و اشتباهی نگاهم دار، و سودبخشی ات را برایم کامل کن، و عذاب دردناک و هلاکت عقوبت و مجازات را از من دور گردان، و با نگرهبانی از کتابت به من شرافت ببخش، و و دین و دنیا و آخرت و اهل و فرزندم را برایم اصلاح کن، و رزقم را وسعت بده، و روزیم را ریزان گردان، و به من رو کن و روی مبارکت را از من مگردان. بارالها؛ مرا بالا ببر و پست مگردان، و به من رحم کن و مرا عذاب مکن، و یاریم کن و خوایم مکن، و مرا بر دیگران ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده، و در کارم راحتی و گشایش بیاور،

و عَجَلْ إجابتي، و استنقذني ممّا قد نزل بي، إنك على كلّ شيء قدير، و ذلك عليك يسير، و أنت الجواد الكريم. (۱)

و در پاسخ مثبت دادن به من شتاب کن، و از مشکلاتی که بر من وارد شده است رهاییم بخش؛ اعتقاد و باورم آن است که تو بر هر چیزی توانایی، و این کارها برایت آسان است، و تو سخاوت مندی بزرگوار هستی.

## ۲- حکایت حرز یمانی

### اشاره

در «دار السّلام» نقل فرموده است: دستخطّ علامه مجلسی اوّل رحمه الله را در پشت دعایی که معروف به حرز یمانی است چنین یافتیم:

به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، و درود بر شرافتمندترین پیامبران مرسل محمد صلی الله علیه و اله و سلم و عترت پاک او باد.

و بعد؛ سید نجیب و ادیب بزرگوار، برگزیده بزرگواران و نقیبان ارجمند، جناب امیر محمد هاشم- که خداوند تأیید و توفیقش را به واسطه مقام ارجمند محمد و آل پاکش علیهم السّلام ادامه دهد- از من خواست تا اجازه حرز یمانی را که به امیر مؤمنان علیه السّلام و امام پرهیزگاران و بهترین مخلوقات پس از آقا و سرور پیامبران (که درودها و سلام های الهی تا آن گاه که بهشت، جایگاه شایستگان خواهد ماند، بر آن دو بزرگوار نثار باد) نسبت داده می شود، به او بدهم.

به این خاطر، اجازه روایت این دعا را به او می دهم؛ با سندم که از سید عابد و زهدپیشه ارجمند امیر اسحاق استرآبادی (که نزدیک قبر آقای تمام جوانان اهل بهشت در کربلا- دفن شده است) و او از امام و مولای ما و مولای جنّ و انس، جانشین خدای تعالی، حضرت صاحب العصر و الزمان- که بر او و پدران پاکش درود الهی نثار باد- نقل می کند.

آن سید بزرگوار فرمود: در راه مکه بودم که گم شدم و از قافله عقب ماندم و کارم به جایی رسید که از زندگی ام ناامید شدم و همانند کسی که در حال مرگ است شدم و

ص: ۴۹۹

شروع به گفتن شهادتین کردم. ناگهان مشاهده کردم مولای ما و مولای جهان یعنی جانشین خداوند بر تمام مردم روی زمین، بالای سرم است.

آن حضرت فرمودند: ای اسحاق؛ برخیز. برخاستم و ایستادم، درحالی که تشنه بودم، مرا سیراب فرمود و در پشت سرش بر مرکب سوار کرد، پس شروع به خواندن این حرز نمودم و آن حضرت که درود خداوند بر ایشان باد اشتباهات آن را اصلاح می نمود تا دعا به پایان رسید؛ در این هنگام مشاهده کردم که در «ابطح» هستم؛ از مرکب پیاده شدم و آن بزرگوار غایب شدند، و کاروان من نیز پس از گذشت نه روز بدان جا رسید.

در بین اهل مکه مشهور شد که من با طیّ الأَرْض به مکه آمده ام؛ لذا، پس از انجام مناسک حجّ پنهان شدم.

مرحوم مجلسی اوّل می فرماید: ایشان (امیر اسحاق استرآبادی) چهل بار با پای پیاده به حجّ رفته بود. وقتی در اصفهان به خدمتش رسیدم، از کربلا- آمده بود تا به زیارت آقای دو جهان یعنی امام علیّ بن موسی الرضا صلوات الله علیهما مشرف شود. وی هفت تومان مهریه همسرش بر گردنش بود، و همین مقدار را نیز از یکی از ساکنان مشهد مقدّس طلب داشت.

از سویی، در خواب دیده بود که مرگش نزدیک شده، سید فرمود: من پنجاه سال در کربلا ساکن بودم تا در آن جا بمیرم، و حالا- می ترسم مرگ در غیر کربلا- مرا دریابد و در شهر دیگری بمیرم. وقتی یکی از دوستان ما این جریان را دانست، هفت تومان به سید داد و یکی از برادران دینی را به همراهش روانه کرد.

آن شخص می گوید: وقتی سید امیر اسحاق به کربلا رسید و قرضش (مهریه همسرش) را ادا کرد، بیمار شد و در روز نهم بیماریش از دنیا رفت و در خانه خویش دفن شد. کرامت های زیادی از این قبیل، در مدّتی که ایشان در اصفهان بودند، از وی مشاهده کردم.

من چندین اجازه برای روایت این دعای شریف دارم که به همین یک اجازه بسنده کردم؛ از ایشان (امیر محمّد هاشم) درخواست می کنم در جاهایی که بیشتر احتمال



اجابت دعا هست مرا از یاد میرد، و از وی می خواهم که این دعا را مگر برای رضای خدای تعالی قرائت نکند، و اگر دشمنش از مؤمنان است هیچ گاه دعا را به قصد هلاک آن مؤمن نخواند اگرچه گناهکار یا اهل ستم باشد. و نیز این دعا را برای اندوختن دنیای پست به کار نبرد، بلکه شایسته است تنها برای نزدیک شدن به خدای تعالی و برای رد کردن زیان های شیطان های جنی و آدمی از خودش و از تمام مؤمنان، این دعا را بخواند، اگر بتواند چنین نیتی داشته باشد؛ و اگر نمی تواند این گونه نیت کند، بهتر است هیچ نیتی جز نزدیک شدن به خدای تعالی نداشته باشد.

این مطالب را محتاج ترین بندگان به رحمت پروردگار بی نیازش، یعنی محمد تقی فرزند مجلسی اصفهانی نوشت؛ درحالی که خدا را ستایش، و بر سرور و سالار پیامبران و جانشینان نجیب و برگزیده اش علیهم السّلام درود می فرستد. پایان کلام ایشان که خداوند جایگهش را در بهشت ابدی بالا ببرد.

فرزندش مرحوم علامه ابتدای این داستان را که در مورد دیدار حضرت مهدی ارواحنا فداه توسط امیر اسحاق بود، در جلد سیزدهم «بحار الأنوار» آورده است، ولی اختلاف زیادی با این حکایت دارد. (۱)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: از جمله دعاهای مشهور، دعای «حرز یمانی» - که معروف به دعای سیفی نیز هست - می باشد. این دعا چند طریق و روایت مختلف دارد که طریق مهم آن را نقل می کنیم، إن شاء الله:

ابو عبد الله حسین بن ابراهیم بن علی فتی معروف به ابن خیاط به ما گزارش داد و گفت: ابو محمد هارون بن موسی تلعبری برایم گفت:

ابو القاسم عبد الواحد (عبد الله، خ) بن یونس موصلی در حلب برایم نقل کرد که علی بن محمد بن احمد معروف به مستنجد برایم حدیث گفت که: ابو الحسن کاتب برایم نقل کرد که عبد الرحمان بن علی بن زیاد گفت: عبد الله بن عباس و عبد الله بن جعفر گفتند:

ص: ۵۰۱

روزی در هنگامی که ما نزد مولای مان امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام بودیم، به ناگاه حسن بن علی علیهما السّلام وارد شد و عرض کرد:

ای امیر مؤمنان؛ مردی آمده است و اجازه ورود می طلبد و بوی مشک می دهد.

فرمود: بگو بیاید.

مردی تنومند و خوش سیما وارد شد که چهره ای گیرا داشت و بزرگ منش بود و لهجه ای فصیح و خوش داشت و لباس پادشاهان بر تن داشت؛ گفت:

السّلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمه الله و برکاته. من مردی هستم که از دورترین مناطق سرزمین یمن آمده ام و از بزرگان عرب های منسوب به شما (شیعیان) می باشم، من ملکی عظیم و نعمتی فراوان به جای نهاده ام و دارای زندگانی خوش و حالی آسوده و اموالی با رشد و ترقی داشتم، و جریانات را آزموده بودم و روزگار مرا ورزیده ساخته بود و دشمنی دارم که بسیار سرسخت است و با سپاهیان فراوانش و نیروهای بزرگی که به کمک گرفته بود بر من حمله کرد و پیروز شد و راه های حيله و فرار از آن مرا درمانده ساخت.

شبی، به خواب رفته بودم که شخصی ندا داد: ای مرد؛ برخیز و به سوی بهترین خلق خدا پس از رسول او یعنی علی بن ابی طالب امیر و فرمان روای مؤمنان صلوات الله علیه و علی آله برو و از آن حضرت درخواست کن تا دعایی به تو بیاموزد که حیب خداوند و برگزیده و انتخاب شده از مخلوقاتش، یعنی حضرت محمد بن عبد الله بن عبد المطلب صلوات الله علیه و علی آله به او آموخته است؛ زیرا در آن دعا، اسم (ویژه) خدای عزّ و جلّ است؛ با آن دعا خدا را بخوان و دشمنت را که با تو به نبرد پرداخته است، نفرین کن.

ای امیر مؤمنان؛ من از خواب بیدار شدم و به سرعت به همراه چهارصد بنده نزد تو آمدم، و خدا و رسول او و تو را گواه می گیرم که تمام شان را آزاد کردم و این کار را تنها برای خاطر خدای بزرگ انجام دادم. حالا با تنی لاغر و رنجور از راهی پرپیچ و خم و سرزمین دور نزدت آمدم؛ پس بر من مّنت بگذار و به خاطر فضل و بزرگواریت، و

نیز به خاطر حقّ پدری و خویشاوندیت دعایی را که در خواب از آن مطلع شدم و مأمور شدم برای دریافت آن به خدمت شما برسم، به من بیاموز.

مولای مان حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود:

باشد؛ این کار را انجام می دهیم إن شاء الله.

آن گاه، دوات و کاغذی خواست و این دعا را برای آن مرد نوشت:

## ۲- حرز یمانی

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم أنت الملك الحقّ العدى لا إله إلا أنت، و أنا عبدك، ظلمت نفسي، و اعترفت بذنبي، و لا يغفر الذنوب إلا أنت، فاغفر لي يا غفور يا شكور. اللهم إني أحمدك، و أنت للحمد أهل، على ما خصصتني به من مواهب الرغائب، و ما وصل إلي من فضلك السابغ، و ما أوليتني به من إحسانك إلي، و بوأتني به من مظنة العدل، و أنلتني من منك الواصل إلي،

به نام خداوند بخشنده مهربان بارالها؛ تو پادشاه راستینی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و من بنده تو هستم؛ بر خود ستم کردم، و به گناهم اعتراف دارم؛ درحالی که (می دانم) جز تو کسی گناهان را نمی بخشد، پس بخشش و آمرزش را شامل من گردان، ای آمرزنده؛ ای پاداش دهنده؛ بارالها؛ من تو را ستایش می کنم، و می دانم که تو شایسته ستایش هستی. ستایش بر بخشش های خوش آیندی که به من اختصاص دادی، و فضل و احسان فراوانی که به من رسانیدی، و نیکی و احسان که بر من ارزانی داشتی، و آنچه از جایگاه عدل برای من جای دادی، و از لطف و احسان پیاپی ات به من رسانیدی،

و من الدِّفاع عَنِّي، و التَّوفيق لي، و الإجابة لدعائِي حين اناجيكَ داعيا. و أدعوك مضاماً، و أسألك فأجدك في المواطن كُلِّها لي جابراً، و في الامور ناظراً، و لذنوبي غافراً، و لعوراتي ساتراً، لم أعدم خيرك طرفه عين منذ أنزلتني دار الإختبار (١)، لتنظر ما أقدم لدار القرار، فأنا عتيقك من جميع الآفات و المصائب، في اللوازم و الغموم التي ساورتني فيها الهموم، بمعاريض أصناف البلاء، و مصروف جهد القضاء، لا- أذكر منك إلا- الجميل، و لا أرى منك غير التفضيل. خيرك لي شامل، و فضلك علي متواتر، و نعمتك عندي متّصلة، و سوابق لم تحقّق حذارِي، بل صدقت رجائي، و صاحبتي أسفاري، و أكرمت أحضاري، و شفيت أمراضِي و أوهاني، و عافيت منقلبي و مثنوي، و لم تشمت بي أعدائي، و رميت من رمانِي، و كفيتني مؤونه من

و از من دفاع کردی، و توفیقم دادی، و دعایم را مستجاب می کنی هنگامی که در حال دعا با تو مناجات می کنم؛ و هنگامی که تو را می خوانم در حالی که ستمدیده ام. و درخواست می کنم و می بینم که در همه جا نسبت به من مهربان و نیکوکاری، و در تمام کارها نظاره گر من هستی، و گناهانم را می بخشی، و عیب هایم را می پوشانی؛ از ابتدای ورود به دنیا (که منزلگاه اختیار است) حتی به قدر یک چشم برهم زدن نیز سراغ ندارم که خیر و خوبی ات به من نرسیده باشد. چنین کردی تا بینی برای خانه همیشگی ام (آخرت) چه چیزی می فرستم (ای خدا)؛ بدین سان، من آزاد شده تو از تمام آسیب ها و مصیبت ها، در سختی ها و غم و اندوه هایی هستم که ناراحتی ها را بر من حمله ور ساخته؛ به پیش آمدن بلاهای گوناگون، و رخ دادن سختی قضا. از تو جز خوبی و زیبایی به یاد ندارم و جز مهربانی و فضل، از تو نمی بینم. خیر و نیکی تو مرا فرا گرفته است، و فضل و فزون بخشی تو پی در پی به من می رسد، و نعمت به طور متّصل به من می رسد، و سابقه هایی که محقّق نساختی بر حذر شدنم (ناامیدیم) را، بلکه امیدم را به راستی رسانده ای، و در سفرها همراهم بودی، و در وطن نیز با کرامت و بزرگواری با من رفتار کردی، و بیماری ها و سستی هایم را شفا بخشیدی، و پناهگاه و آرامگاهم را عافیت بخشیدی، و دشمنان مرا اجازه شماتت کردن نسبت به من ندادی، و هر که مرا هدف گرفت او را هدف گرفتی، و سختی و رنج

ص: ۵۰۴

---

۱- ۱). دار الإختبار «منزلگاه آزمایش»، بحار الأنوار: ۹۵/۲۴۲. [۱]

عادانی. فحمدی لك واصل، و ثنائی علیك دائم، من الدهر إلى الدهر، بألوان التسييح، خالصا لذكرك، و مرضيًا لك بناصر التوحيد (1)، و إمحاض التمجيد بطول التعديد، و مزیه أهل المزید، لم تعن فی قدرتك، و لم تشارك فی إلهیتك، و لم تعلم لك مآئیه فتكون للأشیاء المختلفه مجانسا، و لم تعاین إذ حبست الأشياء علی الغرائز، و لا- خرقت الأوهام حجب الغیوب، فتعتقد فیك محدودا فی عظمتك، فلا- یبلغك بعد الهمم، و لا- ینالك غوص الفكر، و لا- ینتهی إلیك نظر ناظر فی مجد جبروتك، إرتفعت عن صفه المخلوقین صفات قدرتك، و علا عن ذلك كبریاء عظمتك، لا ینقص ما أردت أن یزداد، و لا یزداد ما أردت أن ینقص، لا أحد حضرک حین برأت النفوس، كلت الأوهام عن تفسیر صفتك، و انحسرت العقول

دشمنانم را از من کفایت نمودی. بنابراین، ستایشم به تو پیوسته، و ثناگویی ام بر تو همیشگی است، از هر زمانی تا زمان دیگر، با تسییح گویی های گوناگون، فقط به خاطر یاد تو و جلب خشنودی تو به توحید ناب و ستایشگری خالص، با طولانی شدن شمارش و فزونی اهل افزایش خواهم بود، کسی در توانایت یاریت نکرده است، و در خدایت نیز شریک نشده، و ماهیتی برای تو ندانسته اند تا هم جنس اشیای مختلف باشی، و هنگامی که به هر چیزی غریزه خاصی عطا می کردی دیده نشده ای، و اوهام و خیال ها نتوانسته اند پرده های عالم پنهان را بدرد تا اعتقاد به محدودیتی در مورد عظمت تو پیدا کنند. بنابراین، همّت های والا توان رسیدن به تو را ندارند، و اندیشه های ژرف نگر نمی توانند به تو دست یازند، و نگرش کسانی که بر شکوه جبروت تو چشم دوخته اند به تو منتهی نمی شود، ویژگی های قدرت برتر از توصیف آفریدگان است، و بزرگی کبریایت برتر از آن هاست. چیزی را که اراده کرده ای تا افزون باشد کم نمی شود، و چیزی که خواسته ای کم باشد افزون نمی گردد. هیچ کس، در هنگام آفرینش جان ها نزد تو حضور نداشته است، اندیشه و خیال از تفسیر و بیان وصف تو درمانده اند، و عقل ها در دست یابی

ص: ۵۰۵

---

۱- ۱). این کلمه به تعبیرات مختلف وارد شده: بصانع التوحید، بنایع التوحید، ولی نسخه ای که در متن ذکر کرده ایم صحیح تر است.

عن كنه عظمتك، و كيف توصف و أنت الجبار القدوس، الذي لم تزل أزليا دائما في الغيوب وحدك ليس فيها غيرك و لم يكن لها سواك، حار في ملكوتك عميقات مذاهب التفكير، فتواضعت الملوك لهيبتك، و عنت الوجوه بذل الاستكانه لك، و انقاد كل شيء لعظمتك، و استسلم كل شيء لقدرتك، و خضعت لك الرقاب، و كل دون ذلك تحبير اللغات، و ضل هنالك التدبير في تصاريف الصّيفات، فمن تفكر في ذلك رجع طرفه إليه حسيرا، و عقله مبهورا، و تفكره متحيرا. اللهم فلك الحمد متواترا متواليا متسقا مستوثقا، يدوم و لا يبید غير مفقود في الملكوت، و لا مطموس في المعالم، و لا منتقص في العرفان، و لك الحمد ما لا تحصى مكارمه في الليل إذا أدبر، و الصّبح إذا أسفر، و في البراري و البحار، و الغدوّ و الآصال،

به كنه و عمق حقیقت بزرگی تو درمانده اند؛ چگونه قابل وصف هستی، درحالی که تو بسیار قدرتمند و در نهایت پاکی هستی؟ که همیشه و به طور دایم، به تنهایی در پنهانی ها هستی و کسی جز تو نمی تواند چنین باشد. ژرف ترین راههای اندیشه در ملکوت تو سرگردان شده است؛ و بدین سان، پادشاهان برای عظمت تو به فروتنی افتاده اند، و آبرومندان با ذلت و بیچارگی صورت بر خاک نهاده اند؛ و هر چیزی منقاد و سرافکنده عظمت توست، و هر چیزی در برابر توان و قدرت تو سر تسلیم و بندگی فرود آورده است، و گردن ها در برابر فروتن و کج شده است، و لغات را یارای رسیدن به آن نیست، و تدبیر عقلا در چگونگی صفات تو دچار سرگردانی شده است. بدین سان، هر کس در آن تفکر کند چشمش درحالی که خسته و درمانده گشته به سوی او برمی گردد، و عقلش مبهوت و اندیشه اش سرگردان می شود. بارالها؛ تو را ستایش می کنم به طور پی در پی و پیوسته و محکم و متصل؛ به گونه ای که دایمی باشد و از بین نرود و در ملکوت نیز گم نشود، و در مکان های مخصوص آن محو و نابود نشود، و از نظر شناخت نیز کمبودی نداشته باشد. و ستایش مخصوص توست آن چنان که خوبی های آن قابل شمارش نیست در آن هنگام که شب پایان می رسد و صبحگاهان طلوع می کند و در خشکی ها و دریاها و صبح و شام

و العسَى و الإيثار، و فى الظَّهائر و الأسحار. أَللَّهُمَّ بتوفيقك قد أحضرتنى الرِّغبه، و جعلتنى منك فى ولايه العصمه لم أبرح فى سبوغ نعمائك، و تتابع الاثك محفوظا لك فى المنعه و الدِّفاع محوطا بك فى مثنوى و منقلبى، و لم تكلفنى فوق طاقتى، إذ لم ترض منى إلا- طاعتى، و ليس شكرى و إن أبلغت فى المقال و بالغت فى الفعال ببالغ أداء حَقِّك، و لا مكافيا لفضلك، لأنك أنت الله العلى لا- إله إلا أنت، لم تغب و لا تغيب عنك غائبه، و لا تخفى عليك خافيه، و لم تضلّ لك فى ظلم الخفیات ضالّه، إنّما أمرک إذا أردت شيئا أن تقول له كن فيكون. أَللَّهُمَّ لك الحمد مثل ما حمدت به نفسك، و حمدك به الحامدون، و مجدك به الممجِّدون، و كبرك به المكبرون، و عظمك به المعظمون، حتّى يكون لك منى وحدى بكلّ

و شبانگهان و بامدادان و در نیمه های روز و سحرگاهان. بارالها! با توفیقت مرا به اشتیاق آوردی، و در حفظ و سرپرستی خودت قرار دادی به گونه ای که همیشه در نعمت های بی شمارت به سر برده ام و خوبی های پیوسته ات به من رسیده است، و در قلعه حفظ و حراست تو محفوظ بوده و در حال آرام گرفتتم و حرکت در احاطه تو بودم، بیش از توانم نیز برای من وظیفه مقرّر نفرموده ای؛ زیرا، تنها فرمان برداری از خودت را سبب خشنودیت از من قرار دادی. با این که سپاسگزاری من-هر چند در گفتن بکوشم و با تمام توانم کار کنم- نمی تواند حق تو را ادا کند، و پاداش فضل و احسان تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ هیچ گاه چیزی که غایب است برای تو غایب نبوده و نخواهد بود، و هیچ چیز پنهانی برای تو پنهان نیست؛ و هیچ گم شده ای در تاریکی های پنهانی، برای تو گمشده نیست. فرمان تو این گونه است که هر گاه به چیزی بفرمایی: باش؛ می شود. بارالها! ستایش مخصوص توست به همان شکلی که تو خودت را ستوده ای، و ستایشگران به ستایشت پرداخته اند، و ثناگویان تو را بزرگ شمرده اند، و تکبیرگویان به بیان بزرگی تو پرداخته اند، و تعظیم کنندگان در پیشگاه تو به تعظیم پرداخته اند؛ به طوری که از من به تنهایی به اندازه

طرفه عین، و اقل من ذلك مثل حمد الحامدين، و توحيد اصناف المخلصين، و تقديس اجناس العارفين، و ثناء جميع المهللين، و مثل ما أنت به عارف من جميع خلقك من الحيوان، و أرغب إليك في رغبة ما أنطقني به من حمدك، فما أيسر ما كلفتنى به من حقك، و أعظم ما وعدتنى على شكرك، ابتدأتني بالنعم فضلا و طولاً، و أمرتنى بالشكر حقاً و عدلاً، و وعدتنى عليه أضعافاً و مزيداً، و أعطيتني من رزقك اعتباراً و فضلاً، و سألتني منه يسيراً صغيراً، و أعفيتني من جهد البلاء و لم تسلمني للسوء من بلاءك مع ما أوليتني من العافية، و سوغت من كرائم النحل، و ضاعفت لي الفضل مع ما أودعتنى من المحجّه الشريفه، و يسرت لي من الدرجه العاليه الرفيعه، و اصطفتيني بأعظم النبيين دعوه، و أفضلهم شفاعه، محمّد

چشم برهم زدن و حتی کمتر از چشم برهم زدن، قدر ستایش ستایشگران، و یگانه دانستن تمام مخلصان نسبت به تو، و منزّه دانستن تمام عارفان نسبت به ساحت تو، و ثناگویی تمام تهلیل گویان، و همانند آن چه تو از تمام مخلوقات زنده ات سراغ داری؛ باشد. و از طرفی مشتاق تو هستم که ستایش هایی را که بر زبانم آوردی برایت به جای آوردم. بدین سان، چه قدر آسان است وظیفه ای که برای ادای حقت برایم معین فرمودی، و چه قدر وعده پاداش تو نسبت به من در مقابل ستایشم، عظیم است. با فضل و احسان خود شروع به نعمت بخشی به من کردی، و از آنچه که حق تو بود و عدالت اقتضا می کرد به من فرمودی که سپاسگزاری از نعمت هایت را به جای آورم، و وعده فرمودی که چند برابر سپاسگزاری من، به من پاداش خواهی داد؛ و از رزق و روزیت به من اعتبار و ارزش و فزونی عطا کردی، و در مقابل، مقدار کوچک و کمی از آن را از من خواستی؛ و از سختی و رنج گرفتاری ها عافیتم بخشیدی، و مرا به بلاهای بدت وانگذاشتی؛ به خاطر عافیتی که با آن مرا سرپرستی نمودی، و از عطایای کریمانه ات بخشیدی، و فضل و احسان را بر من دوچندان نمودی با آنچه از طریقه شرافتمندانه در وجودم ودیعه نهادی، و درجه والا و بلندمرتبه ای را برایم فراهم فرمودی؛ و برگزیدی مرا در دوران پیامبری که از جهت فراخوانی، بزرگترین انبیا و از جهت شفاعت، برترین آنها است؛ یعنی حضرت محمّد



صَلَّى اللّٰهَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَللّٰهُمَّ فَاغْفِرْ لِيْ مَا لَا يَسْعُهُ اِلَّا مَغْفِرَتُكَ، وَ لَا يَمْحَقُهُ اِلَّا عَفْوُكَ، وَ لَا يَكْفِرُهُ اِلَّا فَضْلُكَ، وَ هَبْ لِيْ فِيْ يَوْمِيْ يَقِيْنَا تَهْوُنَ عَلَيَّ بِهٖ مَصِيْبَاتِ الدُّنْيَا وَ اَحْزَانَهَا بِشَوْقِ اِلَيْكَ، وَ رَغْبَةٍ فَيَمَا عِنْدَكَ، وَ اَكْتُبْ لِيْ عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ، وَ بَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ، وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ مَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَيَّ، فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيْعُ الْبَدِيْعُ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ، الَّذِي لَيْسَ لَامْرِكَ مَدْفَعٌ، وَ لَا عَن قَضَائِكَ مَمْتَنٌ، اَشْهَدُ اَنَّكَ رَبِّيْ وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْاَمْرِ، وَ الْعَزِيْمَةَ عَلَي الرَّشْدِ، وَ الشُّكْرَ عَلَي نِعْمَتِكَ، اَعُوْذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَ بَغْيِ كُلِّ بَاغٍ، وَ حَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ، بِكَ اَصُوْلُ عَلَي الْاَعْدَاءِ، وَ بِكَ اَرْجُوْ وَاِيَهُ الْاَحْبَاءِ مَعَ مَا لَا اَسْتَطِيْعُ اِحْصَاءَهُ، وَ لَا تَعْدِيْدَهُ مِنْ عَوَاثِدِ

که درود خدا بر او و آل او باد. بارخدایا؛ بیامرزش برای من آن چه را که جز آمرزش تو فراگیر آن نباشد، و جز عفو و بخشش تو آن را نابود نکند، و جز فضل تو آن را نپوشاند. و امروز به من یقینی عطا کن که با آن تمام مصیبت ها و غصه های دنیا را به واسطه اشتیاق به سوی خودت و میل و علاقه به نعمت هایی که نزد تو است آسان گردانی. و برایم نزد خودت بخشش و مغفرت را بنویس، و مرا به کرامت برسان، و سپاسگزاری از نعمت های ارزانی شده ات را نصیبم کن؛ زیرا تو خدای یکتا، والا، آغازگر، نوآور، شنوا و دانا هستی؛ خدایی که دستورت قابل رد شدن نیست؛ و بازدارنده ای از حکم و قضای تو وجود ندارد. گواهی می دهم که پروردگار من و پروردگار هر چیزی تو هستی؛ آسمان ها و زمین را آفریدی؛ آگاه از پنهانی و آشکاری؛ بلندمرتبه و بزرگ هستی. خدایا؛ به راستی از تو ثبات و پایداری در امر دین و ولایت؛ اراده قوی بر کامل شدن و سپاسگزاری نعمت هایت را درخواست می کنم. به تو پناه می آورم از جور و ستم هر ستمگر، و از تجاوز و ستم هر ستم پیشه و حسادت هر حسود؛ با کمک تو بر دشمنانم هجوم می آورم و چیره می گردم، و سرپرستی دوستان را نیز از تو امید دارم، با این که نمی توانم

فضلک، و طرف رزقک، و ألوان ما أولیت من إرفادک، فإنک أنت الله الذی لا إله إلا أنت، الفاشی فی الخلق رفدک، الباسط بالوجود یدک، و لا تضاد فی حکمک، و لا تنازع فی أمرک، تملک من الأنام ما تشاء، و لا یملکون إلا ما ترید. قُلْ اللَّهُمَّ مَالِکُ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَاءُ، وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَ تُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدَلِّعُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ \* تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ تَزُوقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ (۱). أنت المنعم المفضل الخالق الباری القادر القاهر المقدس فی نور القدس، تردیت بالمجد و العز، و تعظمت بالکبریاء، و تغشیت بالنور و البهآء، و تجللت بالمهابه و السنآء، لك المن القديم، و السلطان الشامخ، و الجود الواسع، و القدره

فضل و عایدات تو، و نصیب های خوش آیند؛ و بخشش نمودن رنگارنگ تو را به شماره در آورم. راستی که تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ بخشش نسبت به همه مخلوقات آشکار است، و دست مبارکت به جود و بخشش گسترده است؛ و در دستورت کسی به ضدیت با تو نمی تواند برخیزد (تا انجام نشود)؛ در فرمانت کسی را یارای نزاع و جدال با تو نیست؛ از مردم آنچه بخواهی می گیری، ولی آنان، جز آن چه را تو اراده کرده باشی در اختیار نخواهند داشت. «بگو: پروردگارا؛ ای صاحب فرمان روایی و حکومت؛ به هر که بخواهی فرمانروایی را می دهی، و از هر که بخواهی می گیری، و هر که را بخواهی عزت می بخشی و هر که را بخواهی به ذلت و خواری می کشانی؛ خیر و خوبی، تنها در دست توست؛ راستی که تو بر هر کاری توانایی. شب را در روز وارد می کنی، و روز را وارد شب می گردانی؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را از زنده خارج می کنی؛ و هر که را بخواهی بدون حساب، روزی می بخشی». تو نعمت بخش فزونی دهنده، آفریننده و بوجود آورنده، توانا چیره، و تقدیس شده در روشنی قدس هستی؛ ردای عزت و بزرگواری را بر تن کرده ای، و با کبریایی عظمت داری، و با روشنی و شکوه و جلال خود را پوشانده ای، و با هیبت و عظمت خود را بزرگ نموده ای، منت دیرینه، پادشاهی بلندمرتبه، و بخشش فراگیر و توان و

ص: ۵۱۰

المقتدره، جعلتني من أفضل بني آدم، و جعلتني سميعا بصيرا، صحيحا سويا معافا، لم تشغلني بنقصان في بدني، و لم تمنعك كرامتك إياي، و حسن صنيعك عندي، و فضل إنعامك عليّ، أن وسعت عليّ في الدنيا، و فضلتني على كثير من أهلها، فجعلت لي سمعا يسمع آياتك، و فؤادا يعرف عظمتك، و أنا بفضلك حامد، و بجهد يقيني لك شاكر، و بحقك شاهد. فإنك حيّ قبل كلّ حيّ، و حيّ بعد كلّ حيّ، و حيّ لم ترث الحياه من حيّ، و لم تقطع خيرك عنّي طرفه عين في كلّ وقت، و لم تنزل بي عقوبات النقم، و لم تغير عليّ دقائق العصم، فلو لم أذكر من إحسانك إلا عفوك، و إجابته دعائي حين رفعت رأسي بتحميدك و تمجيدك، و في قسمه الأرزاق حين قدرت، فلك الحمد عدد ما حفظه علمك، و عدد ما أحاطت به قدرتك، و عدد ما وسعته

قدرت و اقتدار واقعی از آن توست، مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی، مرا شنوا و بینا و صحیح و درست اندام و سالم قرار دادی، مرا گرفتار کم و کاستی در اندامم نکردی، و کرامت و بزرگواری تو، نسبت به من و بهترین رفتار تو با من و فزون ترین بخشش هایت به من، مانع نشد که در دنیا مرا توانگر گردانی و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری دهی، پس گوش به من دادی تا آیات تو را بشنوم، و قلبی عطا کردی تا بتوانم به کمک آن عظمت را بشناسم؛ و من به ستایش فضل تو می پردازم؛ و در نهایت یقین و باور، به سپاسگزاری ات مشغول و گواه حقانیت تو هستم. راستی که تو زنده پیش از هر زنده، و زنده پس از هر زنده ای هستی، و زنده ای هستی که زنده بودن را از زنده ای دیگر به ارث نبرده ای؛ و خیر و خوبی هایت را برای یک چشم برهم زدن در هیچ لحظه ای از من قطع نکرده ای؛ و کیفر انتقامت را بر من فرونفرستادی؛ و حراست ها و نگهبانی های دقیق را از من دگرگون ننموده ای. اگر از احسانت جز عفو بخشش تو و پاسخ مثبت تو را نسبت به دعای من - در هنگام بلند کردن سرم برای ستایش و بزرگ داشت تو - یاد نکنم؛ و اگر جز تقسیم روزی در هنگام تقدیر برایم نبود؛ لازم می دانستم تا ستایش به اندازه و تعداد آن چه دانش تو در حفظ دارد، و به اندازه و تعداد آن چه در حیطة قدرت توست، و به عدد آن چه در دامنه

رحمتک. اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ اِحْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ، کَمَا اَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى، فَاِنِّيْ اَتُوَسَّلُ اِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَمَجِيدِكَ، وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ، وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيْمِكَ، وَبِنُورِكَ وَرَافِعَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوِّكَ، وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ، وَبِهَآئِكَ وَسُلْطَانِكَ، وَقُدْرَتِكَ وَبِمَحْمَدٍ وَاله الطّٰهَرِيْنَ، اَلَّا تَحْرِمْنِيْ رِفْدَكَ وَفَوَآئِدَكَ، فَاِنَّهٗ لَا يَعْتَرِيْكَ لَكْرَهٌ مَا يَتَدَفَّقُ بِهٖ عَوَآئِقُ الْبِخْلِ، وَ لَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيْرٌ فِى شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَ لَا تَفْنَى خِزَانَتُنْ مَوَاهِبِكَ النَّعْمِ، وَ لَا تَخَافُ ضَيْمٌ اِمْلَاقَ فَتَكْدِيْ، وَ لَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصُ فَيْضَ فَضْلِكَ. اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ قَلْبًا خَاشِعًا، وَ يَقِيْنًا صَادِقًا، وَ لِسَانًا ذَاكِرًا، وَ لَا تَوْمَنِيْ مَكْرَكٌ، وَ لَا تَكْشِفْ عَنِّيْ سِتْرَكَ، وَ لَا تَنْسِنِيْ ذِكْرَكَ، وَ لَا تَبَاعِدْنِيْ مِنْ جِوَارِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ عَنِّيْ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لَا تَوَيْسِنِيْ مِنْ رُوحِكَ، وَ كُنْ لِيْ اُنَيْسًا مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَ اعْصَمْنِيْ مِنْ كُلِّ هَلٰكَةٍ،

رحمت تو قرار دارد؛ نثار تو کنم. بارالها؛ احسان و نیکی ات را در باقی مانده عمرم بر من کامل گردان چنان که در گذشته نیز چنین کردی؛ چرا که من به واسطه یگانه دانستن تو و ثنا گفتن تو، و ستایش و «لا اله الا الله» گفتن، و تکبیر و بزرگداشت تو؛ و به واسطه نور و مهربانی، و رحمت و والایی، و زیبایی و بزرگی و شکوه، و پادشاهی، و قدرتت به تو متوسل می شوم و به واسطه محمّد و آل پاک او از تو می خواهم که مرا از عطا و بخشش و سودبخشی هایت محروم مساز؛ چون، تو را به خاطر بخشش فراوانت بازدارندگی بخل فرانمی گیرد، و کوتاهی در سپاسگزاری نعمت تو، باعث کم و کاستی در جود و سخاوت تو نمی شود، و نعمت بخشیدن ها باعث از بین رفتن گنجینه های بخشش تو نمی گردد؛ تو را ترس تنگدستی فرانمی گیرد تا دست از بخشش برداری، و ترس ناداری نیز به تو راه نمی یابد که باعث کاستی در ریزش فضل گردد. بارخدایا؛ به من قلبی باخشوع و فروتن، و یقین و باوری راستین و زبانی گویا به ذکرت، ارزانی دار؛ مرا ایمن از مکر خود مگردان، و پرده پوشی ات را از من برمگیر؛ و یادت را از یاد من مبر؛ و از جوار رحمتت دورم مکن؛ و از رحمتت جدایم مساز؛ و از رحمت و مهربانی خویش ناامیدم مگردان؛ و همواره در تمام وحشت ها، همدم من باش؛ و مرا از هر هلاکتی حفظ کن؛

و نَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، فَإِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ. اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي، وَزِدْنِي وَلَا تَنْقُصْنِي، وَارْحَمْنِي وَلَا تَعَذِّبْنِي، وَانصُرْنِي وَلَا تَخْذَلْنِي، وَاثْرِنِي وَلَا تَوَثِّرْ عَلَيَّ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ كَثِيرًا.

و از هر بلا- و گرفتاری نجاتم بخش؛ زیرا، واقعیت آن است که تو خلاف وعده ات عمل نمی کنی. بارالها؛ مرا سرافراز کن و سرافکننده مگردان؛ برایم افزون کن و کم مگردان؛ و به من رحم کن و عذابم مکن؛ و یاریم کن و خوایم مگردان؛ و مرا ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده؛ و بر محمد و آل پاک و پاکیزه اش درود بفرست و بسیار بسیار سلام خود را نثارشان کن.

ابن عباس، ادامه کلام امام علیه السلام را چنین نقل می کند:

مراقب باش که حفظ کنی، و باید تمام این دعا در یک روز خوانده شود؛ و همانا من امیدوارم در حالی به سرزمینت برسی که خداوند دشمنت را نابود و هلاک فرموده باشد.

راستی من از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم شنیدم که فرمود: اگر مردی این دعا را با نیتی راستین و قلبی خاشع و فروتن بخواند، آن گاه به کوه ها دستور بدهد که همراه او حرکت کنند، به طور حتم به دنبالش حرکت خواهند کرد؛ و اگر به دریا دستور دهد می تواند بر روی آن راه برود.

آن مرد به طرف وطنش حرکت کرد، و پس از چهل روز نامه اش به امیر مؤمنان علیه السلام رسید که در آن گفته بود: واقعیت آن است که خداوند تعالی دشمنم را به هلاکت رساند؛ به گونه ای که حتی یک مرد از آنان در سرزمین ما باقی نمانده است؛ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز فرمودند:

این را می دانستم؛ و این حقیقت را رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم به من آموخته است؛ هیچ کاری نیز به من دشوار نمی شود، جز آن که با این دعا آسان می شود. (۱)

ص: ۵۱۳

---

۱- ۱). بحار الأنوار: ۹۵/۲۴۰، و [۱] مهج الدعوات: ۱۳۷ (۲) با تفاوت اندک).

که صبحگاهان خوانده می شود

(۱)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بَكَ شَهِيدًا، وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سَكَّانَ سَبْعِ سَمَاوَاتِكَ وَ أَرْضِيكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ وَرَثَةَ أَنْبِيَاءِكَ وَ رَسُلَكَ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ، فَاشْهَدْ لِي وَ كَفَى بَكَ شَهِيدًا إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مَعِيًا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعِ السِّفْلَى بَاطِلٌ مُضْمَحَلٌّ مَا خَلَا وَ جِهَكَ الْكَرِيمِ، فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَ أَكْرَمُ وَ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ بَارِئَاتِهَا؛ مِنْ صَبْحِ كَرْدِ امِ دَر حَالِي كِه تُو رَا گُوَاه مِي گِيرَم وَ الْبَتَّة تُو بَرَاي گُوَاه بُوْدَن، بَسْنَدِه وَ كَافِي هَسْتِي- وَ فَرَشْتِگَان وَ حَامِلَانِ عَرْشِ وَ سَاكِنَانِ آسْمَانِ هَاي هَفْت گَانِه وَ زَمِينِ هَايْت؛ وَ پِيَامْبِرَانِ وَ رَسُوْلَانِ وَ وَارِثَانِ انْبِيَا وَ فَرَسْتَادِ گَانْتِ، وَ بِنْدِگَانِ شَايَسْتِه ات، وَ تَمَامِ مَخْلُوقَاتِ رَا نِيْز گُوَاه مِي گِيرَم؛ پَس تُو گُوَاه وَ شَاهِدِ مِنْ بَاش- وَ گُوَاهِي تُو، بَسْنَدِه وَ كَافِي اسْت- كِه مِنْ بَا بَاوَرِي رَاسْتِيْنِ گُوَاهِي مِي دِهْم كِه هِمَانَا تُو خِدَايِي هَسْتِي كِه جَز تُو خِدَايِي نِيْسْت وَ تَنَهَا مَعْبُودِ حَقِيْقِي وَ شَايَسْتَه پَرَسْتَشِ تُوئِي؛ يِگَانِه اِي؛ شَرِيْكَ نَدَايِي؛ وَ مُحَمَّدًا- كِه بَر او وَ آل او دَرُودِ الهِي نِشَارِ بَاد- بِنْدِه وَ فَرَسْتَادَه تُوْسْت؛ هَر پَرَسْتَشِ شُوْنْدِه اِي كِه اَز زِيْرِ عَرْشِ تُو تَا طَبَقَه هَفْتَمِ پَايِيْنِي زَمِيْنِ بَاشْد، بَاطِلِ وَ نَابُوْدِ اسْت جَز ذَاتِ بَزْرِگُوَارِ تُو؛ زِيْرَا، اَنْ عَزَّتِ مَنْدَتَر، كَرِيْمِ تَر، شَكُوِهِ مَنْدَتَرِ وَ عَظِيْمِ تَر اَز اَنْ اسْت كِه تُوْصِيْفِ كُنَنْدِگَانِ بَتُوَانَنْدِ كُنْهَ وَ نَهَايْتِ شَكُوَهْشِ رَا تُوْصِيْفِ كُنَنْدِ؛ يَا دَلِ هَا وَ قَلْبِهَا بَتُوَانَنْدِ بِه حَقِيْقَتِ عَظْمَتِ او رَاه يَابَنْدِ. اِي كَسِي كِه اَرزَشِ وَ سَرْبَلَنْدِي مَدْحِ

ص: ۵۱۴

۱- ۱). این دعا از امام سجّاد علیه السّلام، از پدرانِ علیهم السّلام، از رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلّم، از خدای تعالی نقل شده است؛ و قسمتی که بر آن افزوده شده از مولای مان امام زمان ارواحنا فداه است.

المادحين فخر مدحه، وعدا وصف الواصفين ماثر حمده، و جلّ عن مقاله الناطقين تعظيم شأنه، صلّ على محمّد و آل محمّد، و  
افعل بنا ما أنت أهله، يا أهل التقوى و أهل المغفرة

و ستایش او برتر از مدح و ستایش ستایشگران است، و ستایش های شایسته او از وصف توصیف کنندگان گذشته است، و  
بزرگداشت شأن او از گفتار گویندگان بالاتر و شکوه مندتر است؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست و آن گونه که شایسته و  
بایسته مقام توست با ما رفتار کن؛ ای کسی که شایستگی مقامش تقواست و مغفرت شیوه رفتار او می باشد. سه مرتبه. سپس  
یازده مرتبه این بخش خوانده شود: لا إله إلاّ الله وحده لا شریک له، سبحان الله و بحمده، أستغفر الله و أتوب إليه، ما شاء الله  
و لا-قوه إلاّ بالله، هو الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن، له الملك و له الحمد، یحیی و یمیت، و یمیت و یحیی، و هو حیّ لا  
یموت، بیده الخیر، و هو علی کلّ شیء قدير.

جز خداوند معبودی نیست؛ یگانه و بی شریک است؛ خداوند منزّه و پاک است و مشغول حمد و ستایش او هستیم؛ از او طلب  
بخشش می کنم و به سوی او باز می گردم؛ هر چه او بخواهد می شود؛ و هر توان و حرکتی تنها به سبب خداوند است، او اوّل  
و آخر و ظاهر و باطن است، فرمان روایی تنها از آن اوست و ستایش تنها برای اوست، او زنده می کند و می میراند، و می  
میراند و زنده می کند، و او زنده ای است که هرگز نمی میرد، همه خیرات به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

سپس یازده مرتبه می گویی: سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلاّ الله و الله أكبر، أستغفر الله و أتوب إليه، ما شاء الله لا حول و  
لا قوه إلاّ بالله الحليم الكريم العلیّ العظيم الرحمن الرحيم الملك القدوس الحقّ المبین، عدد خلقه و زنه عرشه و ملاء سماواته و  
أرضیه،

پاک و منزّه است خداوند و حمد و ستایش مخصوص خداست و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر از آن است که  
وصف شود، از خدا طلب آموزش نموده و به سوی او باز می گردم، آنچه او بخواهد می شود، هر توان و حرکتی تنها به سبب  
خداوند است، که بردبار بزرگوار، بلندمرتبه، بزرگ، بخشنده، مهربان، پادشاه، در نهایت پاکی، و حق آشکار است. این  
شناگویی را به تعداد مخلوقاتش و به وزن عرش و به اندازه پر شدن آسمان ها و زمین هایش،

و عدد ما جری به قلمه و أحصاه کتابه و مداد کلماته و رضا نفسه.

و به تعداد آن چه قلمش به آن جاری گشته، و کتابش در بر گرفته، و به قدر کلمات و به اندازه رضایت خودش، انجام می دهد.

سپس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِينَ، وَ صَلِّ عَلَى جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ، وَ الْمَلَائِكَةَ الْمُقْرَبِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا، وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلَى مَلِكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ، وَ صَلِّ عَلَى رِضْوَانِ وَ خَزَنَةِ الْجَنَانِ، وَ صَلِّ عَلَى مَالِكِ وَ خَزَنَةِ النَّيْرَانِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا، وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبُرْهَةِ، وَ الْحَفِظَةَ لِبْنِي آدَمَ، وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَةِ الْهَوَاءِ وَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، وَ مَلَائِكَةِ الْأَرْضِينَ السُّفْلَى، وَ مَلَائِكَةِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ الْأَرْضِ وَ الْأَقْطَارِ، بَارِئَاتٍ بَارِئَاتٍ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ؛ بِرِ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ تَمَامِي حَامِلَانِ عَرْشَتِ وَ فَرَشْتِكَا مَقْرَبَتِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ. بَارِئَاتٍ؛ أَنْ قَدَرِ بَرِ إِيشَانِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ كِه بِه رِضَايَتِ شَانِ بَرِسَانِي، وَ پَسِ اَز رِضَايَتِ نِيَزِ أَنْ چِه شَايِسْتِه وَ بَايِسْتَه مَقَامِ تُوَسْتِ بِه إِيشَانِ اَفْزُونِ كِنِي؛ اِي مِهْرِبَانِ تَرِينِ مِهْرِبَانِ؛ بَارِئَاتٍ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ؛ وَ بِرِ فَرَشْتَه مَرْگِ وَ يَارَانِشِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ، وَ بِرِ جَنَابِ رِضْوَانِ وَ خَزَانِه دَارَانِ بَهْشْتِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ؛ وَ بِرِ جَنَابِ مَالِكِ وَ دِيْگَرِ خَزَانِه دَارَانِ جَهَنَّمِ نِيَزِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ. بَارِئَاتٍ؛ أَنْ قَدَرِ بَرِ إِيشَانِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ كِه بِه مَقَامِ رِضَا وَ خَشْنُودِي تُو بَرِسَنْدِ وَ پَسِ اَز رِضَايَتِ نِيَزِ أَنْ كُونِه كِه شَايِسْتِه وَ بَايِسْتَه مَقَامِ تُوَسْتِ بَرِ إِيشَانِ فِزُونِي بَخْشِ؛ اِي مِهْرِبَانِ تَرِينِ مِهْرِبَانَانِ؛ بَارِئَاتٍ؛ بِرِ فَرَشْتِكَا بَزْرِگُوَارِ نُويسَنْدِه؛ بِرِ سَفِيرَانِ بَزْرِگُوَارِ وَ نِيكُو كَارِ؛ وَ بِرِ نِگْهَبَانَانِ بَنِي آدَمِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ؛ وَ بِرِ فَرَشْتِكَا هَوَا وَ آسْمَانِ هَايِ بَالَا؛ بِرِ فَرَشْتِكَا زَمِينِ هَايِ پَايِينِ وَ بِرِ فَرَشْتِكَا شَبِ وَ رُوْزِ، وَ زَمِينِ وَ كَرَانِه هَا،



و البحار و الأنهار، و البرارى و الفلوات و القفار، و صلّ على ملائكتك الّذين أغنيتهم عن الطّعام و الشّراب بتسيحك و تقديسك و عبادتك. اللَّهُمّ صلّ عليهم حتّى تبلغهم الرّضا، و تزيدهم بعد الرّضا ممّا أنت أهله يا أرحم الرّاحمين. اللَّهُمّ صلّ على محمّد و آل محمّد، و صلّ على أبينا آدم، و امّنا حوّاء و ما ولدا من النّبيين و الصّديقين و الشّهداء و الصّالحين. اللَّهُمّ صلّ عليهم حتّى تبلغهم الرّضا، و تزيدهم بعد الرّضا ممّا أنت أهله، يا أرحم الرّاحمين. اللَّهُمّ صلّ على محمّد و أهل بيته الطّيبين، و على أصحابه المنتجبين، و على أزواجه المطّهرات، و على ذريّه محمّد، و على كلّ نبىّ بشر بمحمّد، و على كلّ نبىّ ولد محمّدا، و على كلّ من فى صلواتك عليه رضى لك و رضى لنبيّك محمّد صلى الله عليه و اله. اللَّهُمّ صلّ عليهم درياها و نهرها، خشكى ها و دشت ها و بيابان هاى بى آب و علف؛ درود بفرست، و بر فرشتگانی كه ایشان را به وسيله تسيح گويى و تقديس گويى و پرستش از خوردن و آشاميدن بى نیاز كردى درود بفرست. بارالها؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست كه ایشان را به مقام رضا برسانى، و پس از رضایت نیز برای ایشان افزون کنی آن گونه كه شايسته و بايسته مقام توست؛ اى مهربان ترين مهربانان. بارالها؛ بر محمّد و آل محمّد درود بفرست؛ و بر پدرمان حضرت آدم و مادرمان حواء، و آن دسته از فرزندان شان كه پیامبر، صدیق، شهيد و صالح و شايسته بودند؛ درود بفرست. بارالها؛ بر آنان درود بفرست آن چنان كه به مقام رضا دست يابند و پس از رضایت نیز آنچه شايسته و بايسته تر است بر ایشان افزون کن؛ اى مهربان ترين مهربانان. بارالها؛ بر محمّد و اهل بيت پاك او؛ بر ياران نجيبش، و همسران پاك او، و بر نسل و فرزندان محمّد، و بر هر پیامبرى كه بشارت به آمدن او داد، و بر هر پیامبرى كه جزو اجداد محمّد بود، و بر هر كسى كه درود فرستادن تو بر او باعث رضایت تو و باعث رضایت پیامبرت حضرت محمّد-كه درود خدا بر او و آل او باد-است، درود بفرست. بارالها؛ بر آنان درود بفرست آن

حتی تبَلِّغهم الرِّضا، و تزیدهم بعد الرِّضا ممّا أنت أهله، یا أرحم الرّاحمین. اللَّهُمَّ صلِّ علی محمّد و ال محمّد، و بارک علی محمّد و ال محمّد، و ارحم محمّدا و ال محمّد، كأفضل ما صلّیت و بارکت و ترخمت علی إبراهيم و ال إبراهيم، إنک حمید مجید. اللَّهُمَّ أعط محمّدا صلّی الله علیه و اله الوسیله و الفضل، و الفضیله و الدّرجه الرّفیعه، و أعطه حتّی یرضی، و زده بعد الرِّضا ممّا أنت أهله، یا أرحم الرّاحمین. اللَّهُمَّ صلِّ علی محمّد و ال محمّد، كما أمرتنا أن نصلّی علیه. اللَّهُمَّ صلِّ علی محمّد و ال محمّد، كما ینبغی لنا أن نصلّی علیه. اللَّهُمَّ صلِّ علی محمّد و ال محمّد بعدد من لم یصلّ علیه. اللَّهُمَّ صلِّ علی محمّد و ال محمّد بعدد کلّ حرف فی صلّوه صلّیت علیه. اللَّهُمَّ چنان که به مقام رضا برسانی و پس از رضایت نیز آن چنان که شایسته و بایسته توست بر ایشان فزونی بخش؛ ای مهربان ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمّد و آل محمّد درود بفرست؛ و بر محمّد و آل محمّد برکت بفرست؛ و رحمت خویش را بر محمّد و آل محمّد نازل فرما؛ برتر از آنچه درود و برکت و رحمت خویش را بر ابراهیم و آل ابراهیم مقرّر فرمودی؛ همانا، تو ستوده و شکوه مند هستی. بارالها؛ وسیله را به محمّد-که درود بر او و آل او باد-عطا فرما، و فضل و فضیلت و درجه و الا به او ببخش؛ آن قدر به او عنایت کن که خشنودیش فراهم شود، و پس از رضایت او هرچه شایسته و بایسته مقام توست بر او افزون کن؛ ای مهربان ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمّد و آل محمّد درود بفرست، چنان که به ما دستور فرمودی بر او درود بفرستیم. بارالها؛ بر محمّد و آل محمّد درود بفرست، آن گونه که برای ما سزاوار است که بر او درود بفرستیم. بارالها؛ بر محمّد و آل محمّد درود بفرست به عدد کسانی که بر او درود فرستاده اند. بارالها؛ نیز بر محمّد و آل محمّد درود بفرست به تعداد کسانی که بر محمّد و آل محمّد درود نفرستاده اند. بارالها؛ به عدد هر حرف در درودهایی که بر او فرستاده شده بر محمّد و آل محمّد درود بفرست. بارالها؛ به

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يَصَلِّ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ شَعْرَةٍ وَ لَفْظَةٍ وَ لِحْظَةٍ وَ نَفْسٍ وَ صَفْهٍ وَ سَكُونٍ وَ حَرَكَةٍ مَمَّنْ صَلَّى عَلَيْهِ، وَ مَمَّنْ لَمْ يَصَلِّ عَلَيْهِ، وَ بَعْدَ سَاعَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ، وَ سَكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ، وَ حَقَائِقِهِمْ وَ مِيقَاتِهِمْ، وَ صِفَاتِهِمْ وَ أَيَّامِهِمْ، وَ شَهْرِهِمْ وَ سَنِيهِمْ، وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ، وَ بَعْدَ زَنَةِ ذَرَّةٍ مَا عَمِلُوا، أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَّغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطَنُوا، أَوْ كَانَ مِنْهُمْ، أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ كَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مَضَاعِفَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَا خَلَقْتَ، وَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، صَلِّهِ تَرْضِيهِ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ الشُّكْرُ، وَ الْمَنُّ وَ الْفَضْلُ، وَ الطُّوْلُ وَ الْخَيْرُ وَ الْحَسَنُ وَ النَّعْمَةُ، وَ الْعِظْمَةُ وَ الْجَبْرُوتُ، وَ الْمَلَكُ

تعداد تمام کسانی که بر محمد و آل محمد صلوات فرستادند و به تعداد تمام کسانی که بر محمد و آل محمد صلوات نفرستاده اند، بر محمد و آل محمد درود بفرست. بارالها! به تعداد تمام موی ها، کلمه ها، لحظه ها، نفس ها، ویژگی ها، ایست ها و جنبش های تمام کسانی که بر محمد صلوات فرستاده اند و نیز تمام کسانی که صلوات نفرستاده اند؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست. نیز به اندازه تمام ساعت ها و دقیقه های عمرشان، و ایست ها و حرکت هایشان، و حقیقت ها و وعده گاه های شان، و ویژگی ها و روزهای شان، و ماه ها و سال های شان، و موها و پوست های بدن شان؛ و به عدد وزن ذرات آنچه عمل کرده اند یا عمل می کنند یا به ایشان رسیده یا دیده اند یا گمان کرده اند یا با فطانت و زیرکی آگاه شده اند، یا از ایشان سر زده است یا از ایشان تا روز قیامت سر خواهد زد؛ بلکه چندین برابر آن ها تا روز قیامت؛ (به تعداد و اندازه تمام چیزهایی که گفته شد) بر محمد و آل او درود بفرست؛ ای مهربان ترین مهربانان. بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست به تعداد تمام چیزهایی که آفریده ای و آنچه که تا روز قیامت خواهی آفریدی؛ آن چنان درودی که موجب رضایت و خشنودی آن بزرگوار شود. بارالها! ستایش و ثناگویی و سپاسگزاری و ممت و برتری، و احسان و نیکی و خوبی و نعمت، و عظمت و قدرت و شوکت، و عالم ظاهر

و الملكوت، و القهر و السَّـلْطَان، و الفخر و السَّـؤْدَد، و الإِمْتِنَان و الكرم، و الجلال و الإِـكْرَام، و الجمال و الكمال، و الخير و التَّوْحِيد و التَّمْجِيد، و التَّحْمِيد و التَّهْلِيل و التَّكْبِير و التَّقْدِيس، و الرَّحْمَه و المَغْفِرَه و الكِبْرِيَاء و العِظْمَه. و لك ما زكى و طاب و طهر من الثَّنَاء الطَّيِّب، و المِديح الفَاخِر، و القَوْل الحِسن الجَميل الَمْدَى تَرْضَى به عَن قَائِلِه، و تَرْضَى به قَائِلِه و هو رَضَى لَكَ، يَتَّصِل حَمْدَى بِحَمْدِ أَوَّلِ الحَامِدِينَ، و ثَنَائِي بِثَنَاءِ أَوَّلِ المَثْنِينَ عَلَى رَبِّ العَالَمِينَ مَتَّصِلًا ذَلِك بِذَلِك، و تَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ المَهْلَلِينَ، و تَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ المَكْبُرِينَ، و قَوْلِي الحِسن الجَميل بِقَوْلِ أَوَّلِ القَائِلِينَ المَجْمَلِينَ المَثْنِينَ عَلَى رَبِّ العَالَمِينَ، مَتَّصِلًا ذَلِك بِذَلِك، مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ. و بَعْدَ زَنَةِ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ و الأَرْضِينَ، و الرَّمَالِ و التَّلَالِ و الجِبَالِ، و عِدَدِ

و عَالَمِ بَاطِنٍ، و چِيرِگِیِ مَحْضِ و سَلْطَنَتِ، و اِفْتِخَارِ و رِیَاسَتِ و آقَايِیِ، و مَنَّتِ نِهَادَنِ، و بَزْرِگِوَارِیِ و شِکُوهِ و کِرَامَتِ کَرْدَنِ، و زَبِیَابِیِ و کِمَالِ، و خَیْرِ و یِکْتَا دَانَسْتَنِ و بَزْرِگِ شِمَرْدَنِ، و سَتَايِشِ کَرْدَنِ و تَهْلِيلِ گِفْتَنِ و تَكْبِيرِ گُویِیِ و مَقْدَسِ دَانَسْتَنِ، و رَحْمَتِ و بَخْشِشِ، و کَبْرِیَابِیِ و بَزْرِگِ مَرْتَبَهِ ایِ اِخْتِصَاصِ بَه تُو دَارِد. بَارَالِهَا؛ خَالِصِ تَرِینِ، پَاکِ تَرِینِ و پَاکِیزَه تَرِینِ مَدْحِ و ثَنَائِیِ اِرْزَنْدَه، گِفْتَارِ نِیکِ و زَبِیَابِیِ کِه بَاعْثِ رَضَايَتِ تُو اَز گُویَنْدَه اَش شُود و تُو نِیز گُویَنْدَه اَش رَا رَاضِیِ کُنِی و اَن گِفْتَارِ نِیز مَوْجِبِ رَضَايَتِ تُو بَاشِد؛ اِخْتِصَاصِ بَه تُو دَارِد. و اِینِ بَاعْثِ شُودِ سَتَايِشِ مِنْ بَه سَتَايِشِ اَوَّلِینِ سَتَايِشِگَرَانِ تُو مَتَّصِلِ گَرْدِد. و ثَنَائِیِ گُویِیم بَه ثَنَائِگُویِیِ نَخَسْتِینِ ثَنَائِگُویِیِ بَرِ پُرُورِدِگَارِ جِهَانِ اِتِّصَالِ یَابِد، حَمْدِ و ثَنَائِیم نِیز بَه یِکْدِیْگَرِ وِصْلِ شُونَد؛ تَهْلِيلِ و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گِفْتَنِمْ بَه تَهْلِيلِ اَوَّلِینِ تَهْلِيلِ گَرِ اِتِّصَالِ یَابِد، و تَكْبِيرِ گُویِیِ و بَزْرِگْدَاشْتِ مِنْ بَه تَكْبِيرِ گُویِیِ اَوَّلِینِ تَكْبِيرِ گُویَانِ، و گِفْتَارِ نِیکِ و زَبِیَابِیِ مِنْ بَه گِفْتَارِ اَوَّلِینِ خُوشِ گِفْتَارِ زَبِیَاگُویِیِ ثَنَائِگُویِیِ پُرُورِدِگَارِ جِهَانِ اِتِّصَالِ یَابِد و هَرِیکِ نِیز بَه دِیْگَرِیِ وِصْلِ شُونَد؛ اَز اِبْتِدَائِیِ رُوزِگَارِ تَا آخِرِش. بَه تَعْدَادِ و هَم سَنَگِ تَمَامِ ذَرَّهَیِ مَوْجُودِ دَرِ آسْمَانِ هَا و زَمِینِ هَا و سَنَگْرِیزَه هَا و تِپَه هَا و کُوه هَا؛ و بَه تَعْدَادِ

جرع ماء البحار، و عدد قطر الأمطار، و ورق الأشجار، و عدد النجوم، و عدد الثرى و الحصى و النوى و المدر، و عدد زنه ذلك كله، و عدد زنه ذرّ السّماوات و الأرضين، و ما فيهنّ و ما بينهنّ و ما تحتهنّ، و ما بين ذلك و ما فوقهنّ إلى يوم القيامة، من لدن العرش إلى قرار أرضك السّابعة السّفلى. و بعدد حروف ألفاظ أهلنّ، و عدد أزمانهم و دقّآتهم و شعآثرهم و ساعاتهم و أيّامهم، و شهورهم و سنينهم، و سكونهم و حرکاتهم، و أشعارهم و أبشارهم. و عدد زنه ذرّ ما عملوا أو يعملون أو بلغهم أو رأوا أو ظنّوا أو فطنوا أو كان منهم أو يكون إلى يوم القيامة، و عدد زنه ذرّ ذلك و أضعاف ذلك، و كأضعاف ذلك أضعافاً مضاعفه لا يعلمها و لا يحصيها غيرك يا ذا الجلال و الإكرام، و أهل ذلك أنت، و مستحقّه و مستوجبه منى و من

جرعه های آب دریاها، و به تعداد دانه های باران، و برگ درختان، و تعداد ستارگان، و تعداد ذرات خاک و سنگریزه ها و دانه ها و هسته ها و کلوخ ها؛ و هم سنگ تمام آن چه گفته شد؛ و هم سنگ ذره های آسمان ها و زمین ها، و آن چه در آن ها و بین آن هاست؛ و در زیر آن ها قرار داد؛ و باز آن چه مابین آن ها، و بالای آن ها قرار دارد تا روز قیامت، از جایگاه عرش الهی تا پایین ترین جای زمین هفتم پایینی ات؛ و به تعداد حروف لفظهایی که اهل این جاها استفاده می کنند، و به تعداد زمان ها و دقیقه ها و علامت های شان، ساعت ها و روزهای شان، ماه ها و سال های شان، ایست ها و حرکت های شان، موها و پوست های بدن شان؛ تو را می ستایم. نیز به تعداد و هم سنگ هر ذره عملی که انجام داده یا می دهند از آن خبردار شده اند یا دیده اند یا گمان کرده اند یا با فطانت و زیرکی آگاهی یافته اند یا از ایشان بوده است یا تا روز قیامت از ایشان سر خواهد زد؛ و عدد ذرات آن بلکه چندین برابر آن چه گفته شد، و نیز چندین برابر این ها، به گونه ای که جز تو کسی را یارای دانستن و شمارش آن ها نباشد-ای صاحب شکوه و کرامت؛- ستایش می کنم. البتّه تو شایسته این ها هستی، و بایسته مقام تو و سزاوار آستان تو می باشد؛

جميع خلقك يا بديع السموات والأرض. اللهم إنك لست برب استحدثناك، ولا معك إله فيشركك في ربوبيتك، ولا معك إله أعانك على خلقنا، أنت ربنا كما تقول وفوق ما يقول القائلون، أسألك أن تصلي على محمد و آل محمد، و أن تعطي محمدا صلى الله عليه و اله أفضل ما سألك، و أفضل ما سئلت، و أفضل ما أنت مسؤول له إلى يوم القيامة. أعيد أهل بيت النبي محمد صلى الله عليه و اله و نفسي و ديني و ذريتي و مالي و ولدي و أهلي و قراباتي و أهل بيتي و كل ذي رحم لي دخل في الإسلام، أو يدخل إلى يوم القيامة، و حزنتي و خاصتي، و من قلّمني دعاء أو أسدى إليّ يدا، أو ردّ عني غيبه، أو قال فيّ خيرا، أو اتخذت عنده يدا أو صنيعه، و جیرانی و إخوانی من المؤمنین و المؤمنات، بالله و بأسمائه

این ستایش ها از من و از تمام آفریدگانت نثار تو باد؛ ای آفریننده و پدیدآور آسمان ها و زمین؛ بارخدایا؛ تو پروردگاری نیستی که ما تو را به تازگی خوانده باشیم؛ و معبودی نیز همراه تو نیست که در پروردگاریت با تو شرکت داشته باشد؛ و خدایی نیز با تو نیست که برای آفریدن ما یاریت کرده باشد. تو پروردگار ما هستی همان گونه که خودت می گویی، و بالاتر از آنچه گویندگان می گویند؛ از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و به محمد- که درود بر او و آل او باد- فزون تر از آنچه که از تو درخواست می کند، و برتر از آنچه که مورد درخواست قرار می گیری، و برتر از آن چه تا روز قیامت از تو برای او خواسته می شود عطا فرمایی. می سپارم اهل بیت پیغمبر اکرم- که درودت بر او و ایشان باد- خودم، و دینم، و نسلم، و دارایی و فرزندم و اهل من، و خویشانم و خاندانم و تمام کسانی که با من نسبتی دارند در اسلام وارد شده یا وارد می شوند تا روز قیامت، و عیالات من، و مخصوصان من، و تمام کسانی که واگذار نموده اند به من دعا کردن را یا به من نیکی و بخششی کرده اند، یا از غیبت من جلوگیری کرده، یا در مورد من زبان به نیکی گشوده، یا از او کمک خواسته ام یا کاری برایم کرده است؛ و نیز همسایگان و برادران و خواهران مؤمن خود را، به خدا و به نام های

التَّامَّةُ الْعَامَّةُ الشَّامِلَةُ الْكَامِلَةَ الطَّاهِرَةَ الْفَاضِلَةَ الْمُبَارَكَةَ الْمُتَعَالِيَةَ الرَّائِزَةَ الشَّرِيفَةَ الْمُنِيعَةَ الْكَرِيمَةَ الْعَظِيمَةَ الْمَخْزُونَةَ الْمَكْنُونَةَ الَّتِي لَا يَجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، وَ بِأَمِّ الْكِتَابِ وَ خَاتَمَتِهِ، وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ، وَ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَةٍ، وَ عَوْذَةٍ وَ بَرَكَةٍ، وَ بِالتَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ صَحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى، وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ حُجَّةٍ أَقَامَهَا اللَّهُ، وَ بِكُلِّ بَرهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ نُورٍ أَنْارَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ آيَةٍ أَلَاءَ اللَّهِ وَ عَظَمَتِهِ. أَعِيدُ وَ أُسْتَعِيدُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذِرُ، وَ مِنْ شَرِّ مَا رَبَّبِي مِنْهُ أَكْبَرُ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ السَّلَاطِينِ، وَ إِبْلِيسَ وَ جُنُودَهُ وَ أَشْيَاعَهُ وَ أَتْبَاعَهُ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَ الظُّلْمَةِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ

كامل، عمومی، فراگیر، کامل، پاک، فزون بخش، بابرکت، بلندمرتبه، خالص و پاکیزه، شرافت مند، بازدارنده، بزرگوارانه، عظیم، پنهان و ذخیره شده الهی-نام هایی که هیچ شخصی نیک و بدی از آن ها درنگذرد-و به ام کتاب (سوره حمد که ابتدای قرآن است) و به انتهای آن، و آنچه بین این دو بخش از سوره های شریفه و آیات محکمه و شفا و رحمت و تعویذ و برکت وجود دارد، و به تورات و انجیل و زبور و فرقان (قرآن) و صحیفه های ابراهیم و موسی، و به تمام کتاب هایی که خداوند تعالی فرورستاده است، و به تمام رسولانی که خداوند فرستاده است، و به تمام براهین و دلیل های آشکاری که خداوند اقامه کرده است، و به تمام دلایل قاطع و روشنی که خداوند آشکار کرده است، و به تمام روشنی هایی که خداوند روشن گردانیده است، و به تمام نعمت ها و عظمت الهی. پناه می برم و پناه می جویم (از خداوند) نسبت به هر چیزی که شر و بدی دارد، و از بدی و شر تمام چیزهایی که می ترسم و از آن حذر می کنم، و از شر تمام چیزهایی که پروردگارم از آن ها بزرگ تر است، و از شر فاسقان و گناهکاران عرب و عجم، و از شر فاسقان جتی و انسی، و از شر شیاطین و پادشاهان، و ابلیس (شیطان بزرگ) و لشکرش و پیروان و دنباله روان او، و از شر تمام چیزهایی که در روشنی یا تاریکی قرار دارند، و از شر پیشامدهایی که دامنگیر (انسان) می شود یا

هجم أو ألم، و من شرّ كلِّ غمٍّ و همٍّ و افه و ندم و نازله و سقم، و من شرّ ما يحدث في الليل و النهار و تأتي به الأقدار، و من شرّ ما في النار، و من شرّ ما في الأرضين و الأقطار و الفلوات و القفار و البحار و الأنهار، و من شرّ الفساق و الفجّار و الكهّان و السيّاح و الحساد و الدّعار و الأشرار، و من شرّ ما يلج في الأرض، و ما يخرج منها، و ما ينزل من السماء، و ما يعرج إليها، و من شرّ كلِّ ذي شرٍّ، و من شرّ كلِّ دابّه ربّي اخذ بناصيتها، إنّ ربّي على صراط مستقيم، فإن تولّوا فقل حسبي الله، لا إله إلا هو عليه توكلت، و هو ربّ العرش العظيم. و أعوذ بك اللهم من الهمّ و الغمّ و الحزن، و العجز و الكسل، و الجبن و البخل، و من ضلع الدّين و غلبه الرّجال، و من عمل لا ينفع، و من عين لا تدمع، و من قلب لا يخشع، و من دعاء

هجوم می آورد یا باعث درد و الم می شود، و از شرّ هر حزن و اندوه و گزند و پشیمانی و مصیبت و مریضی. نیز، از شرّ چیزهایی که در روز و شب پدید می آیند و مقدر می گردند، و از شرّ تمام چیزهایی که در آتش اند، و از شرّ تمام چیزهایی که در زمین ها و کرانه ها و خشکی ها و بیابان ها و زمین های بی آب و علف و دریاها و رودها هستند، و از شرّ تمام فاسقان و بدکاران و کاهنان و جادوگران و حسودان و ترس ایجادکنندگان و شروران؛ و از شرّ تمام چیزهایی که در زمین فرومی روند، و از شرّ چیزهایی که از زمین درمی آیند، و آن چه از آسمان فرومی آید، و آن چه به سمت آسمان بالا می رود، و از شرّ و بدی هرچه شرّ و بدی دارد، و از شرّ تمام جنبندگان که پروردگارم زمام او را به دست دارد پناه می آورم؛ به راستی پروردگارم بر صراط مستقیم استقرار دارد؛ پس اگر رو گرداندند بگو:

خدا مرا بس است، جز او معبودی نیست، تنها بر او توکل دارم، و او پروردگار عرش باعظمت است. خدایا؛ به تو پناه می برم از اندوه و غم و غصّه و ناتوانی و کسالت و ترس و بخل و گرفتاری قرض و چیرگی بزرگان؛ نیز از عملی که سودمند نیفتد، و چشمی که نگرید و اشک نریزد، و قلبی که خاشع نگردد، و دعایی که



لا- يسمع، و من نصيحه لا- تنجع، و من صحابه لا- تردع، و من إجماع على نكر و توّد على خسر أو تؤاخذ على خيث، و ممّا استعاذ منه ملائكتك المقربون و الأنبياء المرسلون، و الأئمة المطهرون، و الشّهداء و الصّالحون، و عبادك المتّقون. و أسألك اللهم أن تصلّي على محمّد و آل محمّد، و أن تعطيني من الخير ما سألتها، و أن تعيذني من شرّ ما استعذوا، و أسألك اللهم من الخير كلّ عاجله و اجله ما علمت منه و ما لم أعلم، و أعوذ بك ربّ من همزات الشّياطين، و أعوذ بك ربّ أن يحضرون. بسم الله على أهل بيت النّبىّ محمّد صلى الله عليه و اله، بسم الله على نفسى و دينى، بسم الله على أهلى و مالى، بسم الله على كلّ شيء أعطانى ربّى، بسم الله على أحبّتى و ولدى و قراباتى، بسم الله على جيرانى و إخوانى، و من

شنیده نشود، و نصیحتی که مؤثر نیفتد، و یارانی که بازگردانده نشوند؛ و پناه می برم از تجمّع بر زشتی و ناپسندی، و دوستی نمودن زیان بار، و دادوستد ناپاک؛ نیز از تمام چیزهایی که فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و امامان پاک، و شهیدان و صالحان و بندگان پرهیزگارت از آن ها به تو پناه برده اند به تو پناه می برم. خدایا؛ از تو درخواست می کنم بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و خیر و خوبی هایی را که ایشان از تو خواسته اند به من نیز عطا فرمایی، و مرا از شر چیزهایی که آن ها به تو پناه برده اند پناه دهی؛ خدایا؛ و از تو درخواست می کنم تمام خیرها را به من برسانی، شتابان و مدّت دارش را؛ آن چه را می دانم و آن چه را نمی دانم، پروردگارا؛ از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم؛ و ای پروردگارا؛ از این که مرا حاضر سازند به تو پناه می آورم. از نام خدا کمک می گیرم بر اهل بیت پیامبرم، که درود خدا بر او و آل او باد. از نام خدا کمک می گیرم بر خودم و دینم. از نام خدا کمک می گیرم بر خانواده و دارائی ام؛ از نام خدا کمک می گیرم بر تمام چیزهایی که پروردگارم به من عطا فرموده است. از نام خدا کمک می گیرم بر دوستان و فرزندانم و خویشاوندانم. از نام خدا کمک می گیرم بر همسایگان و برادرانم، و کسانی که

قَلَدْنِي دَعَاءً، أَوْ اتَّخَذَ عِنْدِي يَدًا، أَوْ ابْتَدَأَ إِلَيَّ بَرًّا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقْنِي رَبِّي وَ يَرْزُقْنِي، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ تَصَلِّهُمَ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ السُّوءِ وَ الرَّذَى، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ وَلِيِّهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَ عَجِّلْ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَ فَرَجِي وَ فَرَجَ عَنِ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنِي نَصْرَهُمْ، وَ أَشْهَدْنِي أَيَّامَهُمْ، وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ اجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاقِيَةً حَتَّى

سفارش به دعا کرده اند یا از من کمک گرفته اند و تمام زنان و مردان مؤمنی که نسبت به من کار خوبی را بدون سابقه آغاز کرده اند؛ از نام خدا کمک می گیرم بر آن چه پروردگارم نصیبم فرموده است یا در آینده نصیبم خواهد کرد؛ از نام خدایی کمک می گیرم که با نامش هیچ چیزی در زمین و آسمان نمی تواند ضرر و زیانی برساند؛ و او شنوای داناست. بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و آن چه بندگان مؤمن از تو درخواست کرده اند تا از خیرات به ایشان هدیه بدهی، به من نیز احسان کنی؛ و از تمام آنچه بندگان مؤمن از تو درخواست کرده اند که بلاها و پستی ها را از آن ها بازگردانی از من نیز بازگردان و دور کن، و به واسطه فضل و آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست و تو سرپرستی اش را برعهده داری، بر من بیفزا؛ ای مهربان ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمد و اهل بیت پاکیزه اش درود فرست، و در فرج و راحتی ایشان و من شتاب کنی؛ و در کار هر اندوهگینی از مردان و زنان باایمان فرج و گشایش عنایت کن. بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و یاری ایشان را نصیب کن، و مرا شاهد روزگار حکومت شان فرما، و من و ایشان را در دنیا و آخرت گرد هم آور؛ و از جانب خودت نگرهبانی برای شان قرار ده

لا- یخلص إلیهم إلا- بسبیل خیر، و علیّ معهم، و علی شیعتهم و محبّیهم، و علی اولیائهم، و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات، فإینک علی کلّ شیء قدير. بسم الله و بالله و من الله و إلى الله، و لا- غالب إلا- الله، ما شاء الله، لا قوه إلا بالله، حسبی الله، توکلت علی الله، و افوض أمری إلى الله، و ألتجئ إلى الله و بالله احاول و اصاول و اکاثر و افاخر و أعتزّ و أعتصم، علیه توکلت و إليه متاب، لا- إله إلا الله الحيّ القيوم، عدد الثرى و النجوم، و الملائکه الصّ فوف لا إله إلا الله، وحده لا شریک له العلیّ العظیم، لا إله إلا الله سبحانک إنی كنت من الظالمین. (۱)

تا جز خیر و خوبی به ایشان نرسد، و برای من و شیعیان و دوست داران شان و موالیان شان و تمام مردان و زنان باایمان نیز چنین نگهبانی مقرر فرما؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی داری. به نام خدا، به کمک خدا، از جانب خدا، به سوی خدا؛ و پیروزمندی جز خدا نیست؛ هرچه خدا بخواهد همان می شود؛ نیرویی جز به واسطه خداوند نیست؛ خدا مرا بس است؛ بر خدا توکل دارم؛ کارم (سرپرستی ام) را به خدا واگذار می کنم؛ به خدا پناهنده می شوم، و به کمک خداوند، طلب نیرو و چیرگی و بسیاری و افتخار و عزّت مندی و نگهبانی می کنم؛ تنها بر او توکل دارم و بازگشتم نیز تنها به سوی اوست؛ جز خداوند زنده پابنده، معبودی نیست؛ به تعداد ذرات خاک و ستارگان و فرشتگان صف کشیده؛ جز خداوند معبودی نیست، یکی است و شریکی ندارد بلندمرتبه و عظیم است؛ جز خداوند معبودی نیست؛ خدایا؛ تو منزهی؛ واقعیت آن است که، من از ستمکاران بوده ام.

امام عصر ارواحنا فداه این عبارات را به دعای حریق افزوده اند که توسط محمد بن صلت قمی رحمه الله رسیده است:

اللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ العظیم، و رَبَّ الكرسيِّ الرّفیع، و رَبَّ البحر المسجور، و منزل التّوراه و الإنجیل، و رَبَّ الظّلّ و الحرور،

بارالها؛ ای پروردگار نور و روشنی باعظمت؛ و پروردگار کرسی و جایگاه والا و بلندمرتبه؛ و پروردگار دریای بی پایان؛ و ای فروفرستنده تورات و انجیل؛ و پروردگار سایه و آفتاب؛

ص: ۵۲۷

(۱- ۱). البلد الأمين: ۹۱، [۱] مصباح المتهدّج: ۲۲۰ [۲] با تفاوتی اندک).

و منزل الزبور و القرآن العظیم، و رب الملائکة المقربین و الأنبياء المرسلین. أنت إله من فی السماء، و إله من فی الأرض، لا إله فیهما غیرک، و أنت جبار من فی السماء، و جبار من فی الأرض، لا جبار فیهما غیرک، و أنت خالق من فی السماء، و خالق من فی الأرض، لا خالق فیهما غیرک، و أنت حکم من فی السماء، و حکم من فی الأرض، لا حکم فیهما غیرک. اللهم إني أسألك بوجهک الکریم، و بنور وجهک المنیر، و ملکک القدیم، یا حی یا قیوم، أسألك باسمک الّذی أشرقت به السّماوات و الأرضون، و باسمک الّذی يصلح به الأوّلون و الآخرون، یا حیّا قبل کلّ حیّ، و یا حیّا بعد کلّ حیّ، و یا حیّا حین لا حیّ، و یا محیی الموتی، و یا حیّ لا إله إلاّ أنت، یا حیّ یا قیوم. أسألك أن تصلّی علی محمّد و ال

و فرستنده زبور و قرآن باعظمت، و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل؛ تو، معبود اهل آسمان و معبود اهل زمین هستی. جز تو معبودی در زمین و آسمان نیست؛ تو متسلط بر ساکنان آسمان و زمین هستی؛ جز تو جبار و متسلطی در آن دو وجود ندارد؛ تو آفریننده هرچه در آسمان و زمین است می باشی، جز تو آفریننده ای در آسمان و زمین نیست؛ تو حکم کننده ساکنان آسمان و زمین هستی و جز تو حکم کننده و داوری در این دو وجود ندارد. بارالها؛ به واسطه ذات بزرگواری از تو درخواست می کنم؛ به واسطه نور روشنی بخشت، و فرمان روایی دیرینه ات؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ به واسطه آن نامت از تو درخواست می کنم که آسمان ها و زمین ها بدان روشنی یافتند؛ و با آن اسمی از تو درخواست می کنم که مخلوقات پیشین و آیندگان با آن صالح و شایسته می گردند و اصلاح می شوند؛ ای زنده پیش از هر زنده؛ ای زنده پس از هر زنده؛ ای زنده، آن گاه که زنده ای وجود نداشت؛ ای زنده کننده مردگان؛ ای زنده که جز تو معبودی وجود ندارد؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ از تو درخواست می کنم بر محمّد و آل

محمّد، و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب رزقا واسعا حلالا طیبا، و أن تفرّج عَنّی کُلّ غَمّ و همّ، و أن تعطينی ما أرجوه و امله، إنک علی کُلّ شیء قدير. (۱)

محمّد درود بفرستی، و از آن جا که گمان آن را داشتم، و از آن جا که فکرش را هم نمی کنم، روزی و نصیب فراوان و حلال و پاکیزه ای به من برسانی، و تمام اندوه ها و مشکلات و گرفتاری ها را از من برطرف فرمایی، و آن چه امید و آرزوی من را دارم به من عطا کنی؛ به راستی تو بر هر چیزی توانایی.

#### ۴- دعای الحاج از امام صادق علیه السلام

به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

ابو نعیم انصاری می گوید: در مکه، کنار رکن مستجار بودم و گروهی از طایفه مقصیره نیز حضور داشتند. محمودی و علان کلینی و ابو هیثم دیناری و ابو جعفر احول همدانی در میان آنان بودند و در مجموع حدود سی نفر بودند و جز محمد بن قاسم علوی عقیقی، شیعه مخلصی در بین شان نمی شناختم.

روز ششم ذیحجه سال ۲۹۳ هجری بود که در آن جا بودیم، ناگهان جوانی که مشغول طواف بود و با دو پارچه احرام بسته بود و کفش هایش را در دست داشت، به طرف ما آمد که هیبت و شکوهش ما را گرفت و بی اختیار از جا برخاستیم؛ همه ما بدون استثنا از جا برخاستیم و بر او سلام کردیم؛ آن گاه نشست و به طرف راست و چپ نگریست و فرمود:

آیا می دانید، امام صادق علیه السلام در دعای الحاج (اصرار) چه می گفت؟

گفتیم: چه می گفت؟

فرمود: ایشان چنین می گفتند:

ص: ۵۲۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاوَاتُ، وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ، وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ، وَبِهِ أَحْصَيْتَ عِدَدَ الزَّمَالِ، وَزَنَةَ الْجِبَالِ، وَكَيْلَ الْبِحَارِ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا. (۱)

بارالها؛ همانا من از تو درخواست می‌کنم به آن نام مقدّست که آسمان با آن برپاست و زمین با آن برپاست، و حقّ و باطل را به سبب آن از هم جدا می‌کنی، و پراکنده‌ها را با آن گرد می‌آوری، و با آن بین گردآمده‌ها جدایی می‌افکنی، و تعداد سنگریزه‌ها را به شماره درمی‌آوری؛ و وزن کوه‌ها و پیمانۀ دریاها را می‌دانی؛ می‌خواهم بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و در کار من گشایش و گریزگاهی قرار دهی.

در کتاب «الجنّة الواقیه» روایت می‌کند که امام عصر ارواحنا فداه فرموده‌اند: امام صادق علیه السّلام این دعا را هر روز صبح می‌خواندند. (۲)

## ۵- دعای حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام پس از نماز واجب

به نقل از حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه

ابو نعیم انصاری می‌گوید: سپس آن جوان برخاست و به طواف کنندگان پیوست؛ ما به خاطر برخاستن ایشان برخاستیم و فراموش کردیم نامش را ببرسیم.

فردای آن روز نیز در همان وقت، از طواف به سمت ما آمد؛ ما همانند روز گذشته

ص: ۵۳۰

۱- ۱). کمال الدین: ۴۷۰، [۱] البحار: ۹۵/۱۵۷، [۲] الصحیفه الصادقیه: ۳۶۳، دلائل الإمامه: ۵۴۳.

۲- ۲). الجنّة الواقیه، منسوب به میرداماد (چاپ سنگی، قطع جیبی): گفتنی است که برخی می‌گویند: این کتاب از تألیفات مرحوم کفعمی است، ولی علامۀ مجلسی رحمه الله در نسبت این کتاب به شیخ کفعمی رحمه الله تردید نموده، و در «بحار الأنوار: ۱/۱۷» [۳] می‌گوید: کتاب «الجنّة الواقیه» تألیف بعضی از متأخرین است، و چه بسا به شیخ کفعمی رحمه الله نسبت داده شده است، و مولا- افندی نیز در «الریاض: ۱/۲۳» در نسبت این کتاب به کفعمی رحمه الله تردید کرده است. (المقام الأسنی: ۱۳). [۴]

بدون اختیار برخاستیم. وی در آن میان نشست و به راست و چپ نگریست و فرمود:

آیا می دانید امیر المؤمنین علیه السلام پس از نمازهای واجب چه می گفت؟

گفتیم: چه می گفت؟ فرمود: می گفت:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ، [و دعیت الدَّعَوَاتُ]، و لَكَ عَنَتِ الْوُجُوهُ، و لَكَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ، و إِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ، يَا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَ خَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا صَادِقَ يَا بَارِي، يَا مَنْ لَا يَخْلِفُ الْمِعَادَ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْدَّعَاءِ وَ تَكْفَلُ بِالْإِجَابَةِ. يَا مَنْ قَالَ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (۱)، يَا مَنْ قَالَ وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسِّرْ لِي تَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۲)، يَا مَنْ قَالَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۳). (۴)

بارالها؛ صداها، تنها به سوی تو بالا برده می شود [و دعاها خوانده می شود] و روی ها تنها برای تو خوار و فروتن شد، و گردن ها تنها در برابر تو خمیده می شوند، و حکومت و داوری در کارها تنها به سوی تو است. ای بهترین درخواست شونده و بهترین کسی که چیزی عطا می کند؛ ای راستگو؛ ای ایجادکننده؛ ای کسی که برخلاف وعده عمل نمی کند؛ ای کسی که دستور به دعا کردن داد، و خودش نیز برآوردن دعا را به عهده گرفت؛ ای کسی که گفت: «مرا بخوانید؛ پاسخ مثبت به شما می دهم»، ای کسی که فرمود: «و هنگامی که بندگانم در مورد من از تو پرسیدند (بگو): همانا من نزدیک هستم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می دهم؛ پس، از من درخواست اجابت کنند، و به من ایمان آورند؛ شاید به راه نیک و درست درآیند». ای کسی که گفت: «ای بندگان من که در مورد خویشتن زیاده روی کردند؛ از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند، تمام گناهان را می بخشد؛ همانا، او بخشنده مهربان است».

ص: ۵۳۱

[۱-۱]. سورة غافر، آية ۶۰. [۱]

[۲-۲]. سورة بقره، آية ۱۸۶. [۲]

[۳-۳]. سورة زمر، آية ۵۳. [۳]

[۴-۴]. کمال الدین: ۴۷۰. [۴]

در «بحار الأنوار» آمده است (که ادامه این دعا چنین است):

لبيك و سعديك، ها أنا ذا بين يديك، المسرف على نفسي، و أنت القائل لا تقنطوا من رحمة الله إن الله يعفو الذنوب جميعاً.  
(۱)

خدایا؛ دعوت را شنیدم و پاسخ می گویم این منم که در پیش رویت هستم؛ همان که در مورد خویشتن زیاده روی کرده است؛ در حالی که تو می فرمایی: «از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند، تمام گناهان را می بخشد».

### ۶- دعای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سجده شکر

به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

(در ادامه روایت پیشین آمده است): آن گاه-پس از این دعا-به سمت راست و چپ نگرست و فرمود:

آیا می دانید امیر المؤمنین علیه السلام در سجده شکر چه می گفت؟

گفتیم: چه می گفت؟

فرمود: می گفت:

يا من لا يزيدك إلحاح الملحين إلا جودا و كرما، يا من له خزائن السماوات و الأرض، يا من له خزائن ما دق و جل، لا تمنعك إساءتي من إحسانك إلّٰي. إني أسألك أن تفعل بي ما أنت أهله، و أنت أهل الجود و الكرم و العفو يا ربّاه يا الله، إفعل بي

ای کسی که اصرار اصرار کنندگان، تنها سخاوت مندی و کرامت او را افزون می کند؛ ای کسی که گنجینه های آسمان ها و زمین برای اوست؛ ای کسی که گنجینه ها و ذخیره گاه های هر چیز کوچک و بزرگ برای اوست؛ (به خوبی می دانم که) بد رفتاری من، از احسان و نیکی تو به سوی من جلوگیری نمی کند. در واقع، من از تو درخواست می کنم آن چنان که شایسته و بایسته مقام توست با من رفتار کنی؛ این نیز روشن است که شایسته و بایسته مقام تو، سخاوت مندی و کرامت و عفو و بخشش است؛ پروردگارا؛ خدایا؛ آن گونه که

ص: ۵۳۲



ما أنت أهله، فأنت قادر على العقوبه و قد استحققتها، لا حجه لي، و لا عذر لي عندك، أبوء إليك بذنوبي كلها، و أعترف بها  
كي تعفو عني، و أنت أعلم بها مني، بؤت إليك بكل ذنب أذنبته، و بكل خطيئه أخطأتها، و بكل سيئه عملتها، يا رب اغفر لي و  
ارحم و تجاوز عما تعلم إنك أنت الأعز الأكرم. (1)

شايسته مقام توست با من رفتار کن؛ تو می توانی مجازات کنی و من به راستی سزاوار عقوبتم هیچ حجت و دلیلی نیز ندارم  
(که دفاع از خود کنم)؛ و هیچ عذر و بهانه ای نیز نزد تو نمی توانم بیاورم تمام گناهانم را در پیشگاهت آورده به همه آن ها  
اعتراف می کنم به خاطر این که مرا عفو کنی؛ این در حالی است که تو از من بهتر می دانی چه گناہانی کرده ام. تک تک  
گناهان، تک تک اشتباهات و تک تک بدرفتاری هایم را که انجام داده ام، به آن اعتراف و اقرار می کنم؛ ای پروردگارا؛ مرا  
ببخش؛ رحم کن؛ بگذر از تمام چیزهایی که می دانی؛ در واقع این تویی که عزت مندترین و باکرامت ترین هستی.

## ۷- دعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام

به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

(در ادامه حدیث پیشین) ابو نعیم (انصاری) می افزاید: آن شخص برخاست و به طواف مشغول شد و ما دوباره به احترام ایشان  
برخاستیم.

فردای آن روز و در همان وقت، دوباره تشریف آورد و ما برای استقبال از ایشان -همانند روزهای گذشته- برخاستیم و احترام  
کردیم؛ در میانه مجلس نشست و به راست و چپ نگاه کرد و فرمود:

حضرت امام علی بن الحسین سید العابدین علیه السلام در سجده اش در این مکان - آن گاه به سوی سنگی که در طرف  
ناودان بود اشاره فرمود- می گفت:

عیدک بفنائک، [فقیرک بفنائک]، مسکینک بیابک، أسألك ما

بنده کوچکت به درگاہت آمده است؛ [نیازمندت به درگاہت آمده است]؛ بیچاره ات بر درت است؛ از تو درخواست می  
کنم آنچه را

ص: ۵۳۳

لا يقدر عليه سواك.

که جز تو، توان (انجام) آن را نداشته باشد.

دوباره به راست و چپ نگاه کرد و به محمد بن قاسم علوی نگریست و فرمود:

ای محمد بن قاسم؛ تو در مسیر صحیحی هستی إن شاء الله.

آن گاه برخاست و به طواف مشغول شد. هریک از ما دعاهایی را که بیان فرمود یاد گرفتیم، ولی همگی فراموش کردیم در مورد او باهم صحبت کنیم مگر در روز آخر.

محمودی به ما گفت: ای دوستان؛ آیا این مرد را می شناسید؟ گفتیم: نه.

گفت: به خدا سوگند، این صاحب الزمان صلوات الله علیه است.

گفتیم: از کجا این مطلب را می گویی، ای ابو علی!؟

وی گفت که: مدت ها است در آنجا مانده و پروردگار را می خواند و درخواست می کند که صاحب الأمر ارواحنا فداه را به او نشان دهد و هفت سال است به این کار ادامه داده است.

(وی افزود): در شامگاه روز عرفه، ناگهان همین شخص را دیدم دعایی را خواند. از او پرسیدم: این دعا از چه کسی است؟

فرمود: از مردم. گفتم از کدام مردم؛ عرب یا عجم؟

فرمود: عرب. عرض کردم: از چه طایفه ای از آن ها؟

فرمود: از باشرافت ترین و والاترین آن ها.

گفتم: مقصودت کیست؟

فرمود: بنی هاشم.

گفتم: کدام یک از بنی هاشم؟

فرمود: از برترین و بلند مرتبه ترین شان.

گفتم: یعنی کدام شان؟

فرمود: کسی که سرهای کفار را می شکافت و به فقرا غذا می داد، و در نیمه های



شب که مردم خواب بودند به نماز می ایستاد.

با این سخنان متوجه شدم که او از فرزندان حضرت علی علیه السلام است و بدین جهت نسبت به او محبت پیدا کردم، ولی درحالی که در پیش رویم بود او را گم کردم؛ نفهمیدم به آسمان بالا رفت یا به زمین وارد شد. از مردمی که در اطرافش بودند پرسیدم: آیا این شخص علوی را می شناسید؟

گفتند: آری؛ هر سال با پای پیاده و به همراه ما به سفر حج می آید.

گفتم: سبحان الله؛ به خدا سوگند، اثری از پیاده روی در او مشاهده نکردم. پس از آن به مزدلفه رفتم و بسیار اندوهگین شدم که چرا از او جدا شدم.

آن شب به خواب رفتم و در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را دیدم که فرمود: ای محمد؛ به خواسته مهم خود که دنبالش می گشتی رسیدی و او را مشاهده کردی.

گفتم: ای آقای من؛ چه کسی را می گویی؟

فرمود: همان که امشب او را دیدی؛ او امام زمان شما بود. (۱)

## ۸- حکایت دعای عبرات

### اشاره

علامه حلی رحمه الله در آخر کتاب «منهاج الصلاح» در مورد دعای عبرات می فرماید: این دعای مشهوری است که از امام صادق جعفر بن محمد علیهما السلام روایت شده است.

سید سعادت مند جناب رضی الدین محمد بن محمد بن محمد آوی قدس سره در مورد این دعا جریانی دارد که مشهور است و یکی از فضلا در حاشیه آن دعا نوشته است:

مولای سعادت مند جناب فخر الدین محمد بن شیخ جمال الدین از پدر بزرگوارش، از جد فقیهش یوسف، از همان سید رضی الدین روایت می کند که فرمود:

مدتی طولانی در زندان یکی از فرمانداران سلطان جرماغون گرفتار بود و به شدت در تنگنا و سختی به سر می برد. تا آن که در خواب، جانشین شایسته پیامبر،

ص: ۵۳۵

یعنی صاحب الزمان ارواحنا فداه را زیارت کرد و با گریه عرضه داشت: ای مولای من؛ برای نجات من از دست این ستمکاران، نزد خدا شفاعت کن.

فرمود: دعای عبرات را بخوان.

گفت: دعای عبرات چیست؟

فرمود: در کتاب مصباح تو هست.

عرض کرد: ای مولای من؛ در کتاب مصباح من نیست.

فرمود: در مصباح نگاه کن آن را می یابی.

وی از خواب بیدار شد و نماز صبح را گزارد و کتاب مصباح را گشود، و دید که در بین برگ های کتاب، برگی قرار داده شده که دعای عبرات روی آن نوشته شده است؛ و این دعا را چهل بار خواند.

فرماندار یاد شده دو همسر داشت؛ یکی عاقل و دارای تدبیر در امور بود، و همین زن نزد فرماندار از اعتماد ویژه ای برخوردار بود.

نوبت این زن شد و فرماندار نزد او آمد. زن به او گفت: آیا یکی از فرزندان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام را زندانی کرده ای؟

گفت: چرا چنین سؤالی می پرسی؟

زن گفت: شخصی را دیدم که گویا نور خورشید از چهره اش می درخشید با دو انگشتش حلقوم مرا گرفت و گفت: می بینم شوهرت فرزند مرا زندانی کرده است، و در آب و غذا به او سخت گیری می کند!؟ گفتم: شما کیستید، ای سرور من؟

فرمود: من علی بن ابی طالب علیه السلام هستم؛ به همسرت بگو: اگر فرزندم را آزاد نکند، به طور حتم خانه اش را ویران می کنم.

این خواب تأثیر زیادی در حاکم گذاشت و گفت: من از این جریان بی خبرم؛ آن گاه، نمایندگان خود را فراخواند و پرسید: آیا کسی را زندانی کرده اید؟

گفتند: همان پیرمرد علوی که دستور دادی او را بگیریم.

گفت: رهایش کنید، و اسبی به او بدهید تا بر آن سوار شود و راه را نیز به او نشان دهید تا به خانه اش برود. (پایان داستان)

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله در آخر کتاب «مهج الدعوات» آورده است: از جمله آن ها، جریانی است که دوست و برادر عزیزم جناب محمد بن محمد بن قاضی آوی- که خدای بزرگ بر خوشبختی اش بیفزاید و عاقبت به خیرش کند- برایم بازگو کرد و جریان شگفت و بی نظیری در آن مورد گفت.

جریان از این قرار است: حادثه ای برای ایشان پیش آمده بود، تا آن که این دعا را دید که در برگ هایی نوشته شده است و در کتابش قرار گرفته است (با این که این کاغذها را او در کتابش نگذاشته بود). از روی آن برگ ها نسخه برداری کرد و پس از بازنویسی، نسخه اصلی که یافته بود گم شد.

ایشان در ادامه، دعا را بیان کرده و نسخه دیگری از طریقی دیگر نیز ذکر کرده است که با این نسخه تفاوت دارد. (۱)

## ۸- دعای عبرات

(۲)

ما، در این جا «دعای عبرات» را از کتاب «بلد الامین» مرحوم کفعمی اعلی الله مقامه نقل می کنیم، ایشان فرموده است:

این، دعایی بزرگ و باارزش است که از امام قائم صلوات الله علیه روایت شده است و در امور مهم و مشکلات بزرگ خوانده می شود؛ این دعا را «دعای عبرات» نامیده اند. (و دعا این است:)

ص: ۵۳۷

۱- ۱. جنة المأوی: ۲۲۱.

۲- ۲. از علامه حلی رحمه الله نقل کردیم که دعای عبرات مربوط به مولای مان حضرت امام صادق علیه السلام است و امام عصر صلوات الله علیه به سید رضی الدین آوی رحمه الله دستور قرائت آن را داد. البته برخی از بزرگان گمان کرده اند که این دعا را از ابتدا، حضرت مهدی ارواحنا فداه فرموده اند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ، وَيَا كَاشِفَ الزَّفَرَاتِ، أَنْتَ الْعَذِي تَقْشَعُ سَحَابَ الْمَحْنِ، وَ قَدْ أَمْسَتْ ثَقَالًا، وَ تَجْلُو ضِيَابَ الْفِتَنِ، وَ قَدْ سَحَبْتَ أَذْيَالَ، وَ تَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيمًا، وَ بِنْيَانَهَا هَدِيمًا، وَ عِظَامَهَا رَمِيمًا، وَ تَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا، وَ الْمَطْلُوبَ طَالِبًا، وَ الْمَقْهُورَ قَاهِرًا، وَ الْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِرًا. فَكَمْ مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ رَبَّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحَتْ لَهُ مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَ فَجَّرَتْ لَهُ مِنْ عَوْنِكَ عَيْونًا، فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قَدَرَ، وَ حَمَلَتْهُ مِنْ كَفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَ دَسْرٍ، رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ

بارالها! از تو درخواست می کنم ای رحم کننده بر قطرات اشک ها و ای برطرف کننده سوز دل ها؛ تو کسی هستی که ابرهای محنت و اندوه را پراکنده می کنی درحالی که بسیار سنگین و پربار شده اند؛ و ابرهای فتنه را درحالی که دامن بر زمین کشیده اند برطرف می کنی، و کشته آنها را خشک و شکننده قرار می دهی، و پایه اش را نابود و منهدم می گردانی، و استخوان هایش را پوسیده می کنی، و شکست خورده را پیروز می گردانی، و طلب شده را طلب کننده می گردانی؛ و کسی را که بر او چیره شده اند چیره شونده می گردانی، و کسی را که بر او توانایی و قدرت داشته اند، قدرتمند می کنی. چه بسیار بنده ای که تو را ندا داد و عرض کرد: پروردگارا! واقعیت آن است که من شکست خورده ام؛ پس، مرا یاری کن. و تو برای یاری کردنش درهای آسمان را با آبی ریزان باز کردی؛ و چشمه هایی از مددکاری خود برای او گشودی، پس آب بر امری که مقدر شده و اندازه گیری شده پیوست؛ و او را از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته ها و میخ ها است (کشتی) سوار کردی. پروردگارا! من شکست خورده ام؛ پس یاری کن. سه مرتبه تکرار شود.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْتَحْ لِي مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَ فَجِّرْ لِي مِنْ عَوْنِكَ عَيْونًا لِيَلْتَقِيَ مَاءُ فَرْجِي عَلَى أَمْرٍ قَدْ قَدَرَ، وَ احْمَلْنِي يَا رَبِّ مِنْ كَفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَ دَسْرٍ. يَا

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست، و در یاری من درهای آسمان را با آبی ریزان بگشا، و چشمه هایی از مددکاری خود برای من بگشا تا ملاقات کند مایه فرج و گشایش بر امری که تقدیر شده، مرا نیز از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته ها و میخ ها است (کشتی) سوار کن. ای

من إذا ولج العبد في ليل من حيرته يهيم، و لم يجد له صريخا يصرخه من وليّ و لا حميم، وجد يا ربّ من معونتك صريخا مغيا، و وليا يطلبه حثيا، ينجيه من ضيق أمره و حرجه، و يظهر له أعلام فرجه. اللَّهُمّ فيا من قدرته قاهره، و آياته باهره، و نعماته قاصمه لكلّ جيّار، دامغه لكلّ كفور ختّيار، صلّ يا ربّ على محمّد و ال محمّد، و انظر إلّي يا ربّ نظره من نظراتك رحيمه، تجلي بها عنّي ظلمه عاكفه مقيمه من عاهه جفّت منها الضّروع، و تلفت منها الزّروع، و انهمت من أجلها الدّموع، و اشتمل لها على القلوب اليأس، و خزّت بسببها الأنفاس. إلهي فحفظا حفظا لغرّ آئس غرسها بيد الرّحمان، و شربها من ماء الحيوان، و نجاتها بدخول الجنان، أن تكون بيد الشّيطان تحزّ، و بفأسه تقطع و تجزّ. إلهي فمن أولى منك

کسی که وقتی بنده در شب وارد شود که از تحیر سرگردان گردد، و هیچ فریادرسی از دوست و خویشاوند برای فریادرسی اش نیابد؛ ای پروردگار؛ کمک تو را فریادرس خود می یابد و یار و سرپرستی که شتابان او را طلب می کند تا او را از گرفتاری و رنجش نجات بخشد و نشانه های گشایش و راحتی را برایش آشکار کند. بارالها؛ ای کسی که توانش نیرومند و پیروز، و نشانه هایش آشکار و روشن است، و انتقامش تمام جباران و سرکشان را هلاک می کند، و هر کافر مکار و حيله گر را از بین می برد؛ بر محمّد و آل محمّد درود بفرست، و-ای پروردگار؛- به من نگاه کن نگاهی از نگاه های پرمحبت و مهرت تا برطرف شود تاریکی پایدار و دیرینه ای را که مرا گرفتار کرده است؛ از قبیل آفتی که از آن سینه ها بخشکد، و کشت و زرع ها تباه گردد، و خاطر آن اشک ها سرازیر گردد، و ناامیدی بر قلب ها احاطه کند، و به سبب آن نفس ها بند آید. بارخدایا؛ درخت هایی را که با دست خدای مهربان نشانده شده، و با آب زندگی بخش آبیاری شده، و با ورود به بهشت نجات می یابد، حفظ کن و نگه دار که به دست شیطان بریده نشود و با تبر او تکه تکه نشود. بارخدایا؛ چه کسی سزاوارتر از توست



بأن يكون عن حريمك دافعا، و من أجدر منك بأن يكون عن حماك حارسا و مانعا. إلهي إن الأمر قد حال فهوناه، و خشن فألناه، و إن القلوب كاعت فطمئنها، و النفوس ارتاعت فسكنها. إلهي إلهي تدارك أقداما زلت، و أفكارا في مهامه الحيره ضلت، بأن رأيت جبرك على كسيرها، و إطلاقك لأسيرها، و إجاتك لمستجيرها أجحف الضّر بالمضرور، و لئبي داعيه بالويل و الثبور. فهل يحسن من عدلك يا مولاي أن تدعه فريسه البلاء و هو لك راج، أم هل يجمل من فضلك أن يخوض لجه الغمّاء و هو إليك لاج. مولاي لئن كنت لا أشقّ على نفسي في التقى، و لا أبلغ في حمل أعباء الطّاعه مبلغ الرّضى، و لا أنتظم في سلّك قوم رفضوا الدّنيا فهم خمص البطون من الطّوى، ذبل الشّفاء من الطّماء، و عمش العيون من

برای این که از حریم خود دفاع کند؟ و چه کسی شایسته تر از توست برای این که حراست و نگهبانی از نزدیکان خود را برعهده گیرد؟ خدای من؛ کار مشکل شده است، پس آسانش گردان؛ و کارها سخت و خشن شده اند، پس آنها را به نرمی و ملایمت بگرایان؛ دل ها، سست و لرزان شده است، آنها را آرام گردان؛ و نفس ها (جانها) دچار ترس و دلهره شده اند، پس آنها را به آرامش و سکون برسان. خدایا؛ خدایا؛ قدم های لغزان را دریاب؛ اندیشه های گم شده در سرگردانی ها را دریاب که ببینند شکست شان را جبران کرده ای، و اسیران شان را آزاد کرده ای، و پناه جویان شان را پناه ده، که بیچارگی بیش از توان و طاقت به خسارت دیده ضرر وارد کرده، و فراخوان خود را با وای و ناله پاسخ داده. ای مولای من؛ آیا از عدل تو نیکو است کسی را که به تو امیدوار است طعمه بلاگردانی؟! یا از فضل تو زیباست کسی را که به تو پناهنده شده است در گرداب غم و غصه فرورود؟! ای مولای من؛ اگرچه من برای رعایت پرهیزگاری و تقوا بر خود سخت نگرفته ام، و آن چنان که موجب رضایت تو شود به فرمان برداریت پرداخته ام، و در زمره گروهی درنیامده ام که دنیا را رها کرده اند و در نتیجه شکم های شان از گرسنگی تو رفته است و از تشنگی لب های شان خشک شده است و چشمان شان از

البكاء، بل أتيتك بضعف من العمل، و ظهر ثقيل بالخطايا و الزلل، و نفس للراحه معتاده، و لدواعي الشَّهوه منقاد. أما يكفيني يا ربّ و سيله إليك، و ذریعه لیدیك، أننی لأولیاء دینك موال، و فی محبتهم مغال، و لجلباب البلاء فیهم لابس، و لكتاب تحمّل العناء بهم دارس. أما يكفيني أن أروح فیهم مظلوما، و أعدو مكظوما، و أفضی بعد هموم هموما، و بعد وجوم وجوم، أما عندك یا مولای بهذه حرمه لا- تضيّع، و ذمه بأدناها تفتنح، فلم لا- تمنعني یا ربّ وها أنا ذا غریق، و تدعني هكذا و أنا بنار عدوك حریق. مولای أتجعل أولیاءك لأعداءك طرأئد، و لمكرهم مصأئد، و تقلّمدهم من خسفهم قلائد، و أنت مالک نفوسهم، أن لو قبضتها جمدوا، و فی قبضتك موادّ أنفاسهم، أن لو قطعنها خمدوا، فما يمنعك یا ربّ أن تكفّ

گریه رنجور شده است؛ (بلکه) در عمل و رفتارهای دینی ضعیف بوده ام، و پشتم از بار گناهان و لغزش ها سنگین شده، و روانم را به راحتی و خوشی عادت داده ام، و تسلیم انگیزه های شهوت هستم، با این وجود، ای پروردگار من؛ آیا از جهت وسیله و واسطه و سبب که به سوی تو راه پیدا کنم کافی نیست که من، ارادتمند اولیا و سرپرستان دینت هستم، و در دوستی شان سعی فراوان می کنم؛ و لباس بلا را در مورد ایشان بر تن می کنم. و کتاب تحمّل سختی را به سبب آنان فراگیرنده ام. آیا برایم بس نیست که به خاطر آن بزرگواران مظلوم واقع شده ام، و سکوت کرده ام و خشم خود را بازداشته ام، و پیوسته گرفتار اندوه هستم؟ و از شدت ترس پیوسته گرفتار خاموشی ام؟ ای مولای من؛ آیا این باعث نمی شود که برای من حرمتی باشد که ضایع نشود و تباه نگردد، و باعث حقّی شود که هرچند کم باشد ولی نجات بخش است؟ ای پروردگار من؛ می بینی که من غرق شده ام پس چرا از غرق شدن نگاهم نمی داری؟ می بینی که با آتشی که دشمنت افروخته است آتش گرفته ام، (پس چرا مرا این گونه رها می کنی؟) مولای من؛ آیا دوستانت را جلوی دشمنانت می اندازی؟ و آن ها را گرفتار مکر و حيله شان قرار می دهی؟ و از خواری و فرومایگی آنان، حلقه ای بر گردن ایشان می افکنی؟ در حالی که صاحب اختیار جان همه شان تویی، به گونه ای که اگر جان شان را بگیری جماد و بی جان می گردند؛ از طرفی مایه نفس کشیدن شان در دست توست، و اگر آن را قطع کنی می میرند؛ پس-پروردگار من؛ -چه چیزی مانع جلوگیری تو

بأسهم، و تنزع عنهم من حفظك لباسهم، و تعزيبهم من سلامه بها في أرضك يسرحون، و في ميدان البغي على عبادك يسرحون. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَدْرِكْنِي وَ لِمَا يَدْرِكُنِي الْغُرُقَ، وَ تَدَارِكْنِي وَ لِمَا غَيْبَ شَمْسِي الشَّفَقَ، إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفٍ إِلْتَجَى إِلَى سُلْطَانٍ فَابِ عَنْهُ مَحْفُوظًا بِأَمْنٍ وَ أَمَانٍ، أَفَأَقْصِدُ يَا رَبِّ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانًا، أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا، أَمْ أَكْبَرَ مِنْ اقْتِدَارِكَ اقْتِدَارًا، أَمْ أَكْرَمَ مِنْ انْتِصَارِكَ انْتِصَارًا، مَا عَذْرِي يَا إِلَهِي إِذَا حَرَمْتَ مِنْ حَسَنِ الْكِرَامَةِ نَائِلُكَ، وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ لَا تَخِيْبُ الْمَلِكَ، وَ لَا تَرُدُّ سَائِلُكَ. إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ نَصْرُهُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْأَنْامِ، وَ أَيْنَ أَيْنَ عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جَنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ بِجُورِ الْأَيَّامِ، إِلَهِي إِلَهِي يَا رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِدِرْفَتَارِي أَنْ هَاسِتَ، تَابَسَاتِي نَظْمَانِي خُودَتِي رَا از تَن شَان بِيرون كُنِي، وَ سَلَامَتِي رَا كِه بِه وَاسِطَةُ آن دَر زَمِينِ تُو مِي كَرْدَنَدِ از آن هَا بَگيري؛ هَمَانِ سَلَامَتِي كِه بِه وَاسِطَةُ آن دَر مِيدَانِ تَجَاوُزِ وَ سَتَمِ بَر بِنْدِگَانَتِ بَا تَكْبَرِ وَ خُودِپَسَنَدِي رَاهِ مِي رُوند؟! بَارَالِهَا؛ بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ، وَ مَرَا دَرِيَابِ تَا غُرُقِ نَشَدِه ام؛ پيش از آن كِه خُورَشِيدِ عِمرَمِ غُرُوبِ شُودِ وَ غُرُوبِ زَنَدِگَانِيمِ فَرَارِسدِ مَرَا تَدَارِكِ كُن. خُدَايِ مَن؛ چِه بَسِيَارِ تَرَسَانِ هَايِي كِه بِه پادشاهي پناه برده اند و با امتيت و ايمني از پيش آن پادشاه بازگشتند؛ پُرُورِدِگَارِ مَن؛ آيَا بَاعِظْمَتِ تَرِ از سُلْطَنَتِ وَ قَدْرَتِ تُو سُلْطَانِي هَسْتِ كِه بِه طَرَفِ او بَرُوم؟ آيَا از احسان تو احساني فَرَاگيرِ تَرِ هَسْتِ؟ آيَا از اقتدار تو اقتداري بزرگ تر هست؟ آيَا از ياري رساندن تو ياري رساندني گرامي تر هست؟ خُدَايِ مَن؛ اِگَرِ تُو كَسِي رَا كِه زَدَتِ آمَدِه اسْتِ از رِفْتَارِ بزرگوارانه و نيكويت محروم گرداني ديگر مَن چِه عَذْرِي دارم؟ البتّه تُو هِيچِ گَاهِ آرُوزِ مَنَدَتِ رَا نَااميدِ وَ دَرخُواسْتِ كُنْدِه ات رَا رَدِ نَمِي كُنِي. خُدَايِ مَن؛ خُدَايِ مَن؛ كِجاسْتِ، كِجاسْتِ كِفَايَتِ وَ بَسَنَدِگِي تُو كِه ياري گَرِ مَرْدَمِ مُسْتَضَعْفِ اسْتِ؟ كِجاسْتِ، كِجاسْتِ عِنَايَتِ وَ تُوْجِهِ تُو كِه سِپَرِي نَظْمَانِ بَرَايِ كَسَانِي اسْتِ كِه هَدَفِ جُورِ وَ سَتَمِ رُوزِگَارِ قَرَارِ مِي كِيرِنَدِ؟ آن رَا بِه مَن بَدِه، آن رَا بِه مَن بَدِه، اِي پُرُورِدِگَارِ مَن؛ از گروه ستم پيشگان نجاتم بخش؛ وَاقِعِيَّتِ آن اسْتِ كِه

مَسِينِي الضَّرَّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. مولای تری تحیری فی امری، و تَقَلَّبِي فِي ضَرْي، و انطوای علی حرقه قلبی، و حراره صدری، فصلَّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و جد لی یا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا، و یسر لی یا رَبِّ نَحْوَ الْبَشَرِ مِنْهَا، و اجعل يَا رَبِّ مَنْ يَنْصَبُ لِي الْحِبَالَهُ لِيَصْرَعَنِي بِهَا صَرِيحًا مَا مَكَّرَ، و من یحفر لی البئر لیوقعنی فیها واقعا فیما حفر، و اصرف أَللَّهُمَّ عَنِّي مِنْ شَرِّهِ وَ مَكْرِهِ وَ فِسَادِهِ وَ ضَرِّهِ، ما تصرفه عن القوم المتقين، و عَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِدِينِ الدِّيَانِ، و مناد ینادی للإیمان. إلهی عبدک عبدک أجب دعوته، ضعيفک ضعيفک فَرَجَ غَمَّتِهِ، فقد انقطع به كلَّ جبلٍ إِلَّا جِبْلَكَ، و تَقَلَّبَ عَنْهُ كُلُّ ظَلٍّ إِلَّا ظَلُّكَ. مولای دعوتی هذه إن رددتها أين تصادف موضع الإجابة، و مخيلتي هذه إن كذبتها أين

من بیچاره ام، و این درحالی است که تو مهربان ترین مهربانان هستی. مولای من؛ سرگردانی مرا در کارهایم می بینی، و دست و پا زدن در گرفتاری و بیچارگی ام را می نگری، و قلب سوخته و آتش گرفته، و گداختگی سینۀ مرا شاهد هستی؛ پس، بر محمّد و آل محمّد درود بفرست، و-ای پروردگار؛- آن گونه که تو شایسته آن هستی برایم گشایشی و گریزگاهی مرحمت کن، و-ای پروردگار من؛- راهی روشن به شادمانی فرارویم بگشای و رسیدن به آن را برایم آسان کن، ای پروردگار؛ هرکسی برایم دامی می افکند تا با حيله اش مرا در آن بیفکند، خودش را گرفتار دام و حيله اش گردان؛ هرکس برایم چاهی می کند تا مرا در آن بیندازد، خودش را در آن چاه بیندازد؛ و خدایا؛ شرّ و مکر و حيله و تباهی و ضرر و زیانش را از من برطرف کن، آن چنان که از پرهیزگاران برطرف می کنی؛ و از کسانی که خویشان را تسلیم محض دین و تسلیم منادی ایمان کرده است، برطرف می کنی. خدای من؛ بنده ات؛ بنده ات؛ خواهشش را پاسخ بده، ضعيفت، ناتوانت؛ اندوهش را برطرف کن. هر دستاویزی جز رشته اتصال تو را از دست داده است، و جز سایه رحمت تو هر سایه ای از سرش رفته است. مولای من؛ اگر این خواهش و دعایم را رد کنی، پس در کجا به هدف اجابت برسد؟ این خوش گمانی مرا اگر راست مگردانی در کجا به

تلاقی موضع الإعانه، فلا تردّ عن بابك من لا يعلم غيره بابا، و لا تمنع دون جنابك من لا يعلم سواه جنابا.

جایگاه کمک خواهد رسید؟ پس کسی که جز درگاه تو دری را بلد نیست، هیچ گاه از درگاهت برمگردان؛ و کسی که جز آستان حضرت تو سراغ ندارد، از آستان سخاوت مندت محروم نفرما.

سپس به سجده برو و بگو: إلهی إنّ وجهها إليك فی رغبته توجه خلیق بأن تجیبه، و إنّ جینا لك بابتها له سجد حقیق أن یبلغ ما قصد، و إنّ خدّا لدیک بمسئله تعفّر جدیر أن یفوز بمراده و یظفر، و ها أنا ذا یا إلهی قد تری تعفیر خدّی و اجتهادی فی مسئلتک و جدّی، فتلقّ یا ربّ رغباتی برحمتک قبولاً، و سهّل لی طلباتی برأفتک وصولاً، و ذلّل قطوف ثمره إجابتک لی تذلیلاً. إلهی فإذا قام ذو حاجه بحاجته شفیعاً، فوجدته ممتنع النّجاح سهل القیاد مطیعاً، فإنّی أستشفع إلیک بکرامتک، و الصّفوه من أنامک الذّین أنشأت لهم ما تظّل و تقلّ، و برأت ما یدقّ و یجلّ. أتقرّب إلیک بأوّل من توجّهت تاج الجلاله، و أحللته من

معبود من؛ اعتقادم بر این است، رویی که با اشتیاق به سوی تو آمده است سزاوار پاسخ مثبت توست؛ و پیشانی که با نهایت تضرّع و زاری در برابرت سجده کرده است شایسته است به تبت و مقصودش برسد؛ و گونه ای که به خاطر درخواستش، در پیشگاه تو خود را به خاک مالیده است، لایق آن است که با دست یابی به آن چه اراده کرده است کامیاب و پیروز شود؛ ای خدای من؛ این منم که می بینی گونه ام را بر خاک نهاده ام و تلاش و کوششم را برای درخواست از تو، بکار برده ام. ای پروردگار من؛ به خاطر رحمت و مهربانیت آن چه را مشتاق هستم بپذیر، و مرا با رأفت و مهربانی ویژه ات، به آسانی به آن چه خواستم برسان؛ و چیدن میوه اجابت را برایم فراهم گردان. معبود من؛ هنگامی که حاجت خواهی برای حاجت و خواسته اش شفیع معرفی می کند، پس می یابی او را درحالی که رستگارش ممتنع است کسی که به آسانی منقاد و مطیع می گردد، من نیز کرامت و بزرگواریت را، و برگزیدگانت از بین مردم را شفیع می گردانم؛ همان هایی که هرآنچه سایه می افکنند و هر چیز کوچک و بزرگ را برای شان خلق کرده ای. به تو تقرّب می جویم به واسطه اوّل شخصیتی که تاج شکوه مندی را بر سرش نهاده ای، و

الفطره الرّوحانيّه محلّ السّلاله، حجّتك في خلقك، و أمينك على عبادك، محمّد رسولك صلّى الله عليه و اله، و بمن جعلته لنوره مغربا، و عن مكنون سرّه معربا، سيّد الأوصياء و إمام الأتقياء، يعسوب الدّين، و قائد الغرّ المحجلين، و أبى الأئمّه الرّاشدين على أمير المؤمنين عليه السّلام. و أتقرّب إليك بخيره الأخيار، و أمّ الأنوار، الإنسيّه الحورآء، البتول العذراء، فاطمه الزّهراء، و بقرتى عين الرّسول، و ثمرتى فؤاد البتول، السّيدين الإمامين أبى محمّد الحسن و أبى عبد الله الحسين، و بالسّجّاد زين العباد، ذى الثّنات، راهب العرب، على بن الحسين. و بالإمام العالم، و السّيّد الحاكم، النّجم الزّاهر، و القمر الباهر مولاي محمّد بن على الباقر، و بالإمام الصّادق، مبين المشكّلات، مظهر الحقائق، المفحم بحجّته كلّ ناطق، مخرس

فطرت و سرشت روحانيّت را برايش قرار دادى؛ يعنى حجّت و دليل آشكار تو در آفريد گانت، و امين تو بر بند گانت، حضرت محمّد، فرستاده ات- که درود خدا بر او و آل او باد- را شفيع گردانيدم. هم چنين شفيع خود را كسى قرار دادم كه براى نور پيامبر صلّى الله عليه و اله و سلّم پگاه است؛ و كسى كه راز پوشيده آن حضرت را به گونه اى فصيح بيان كرد؛ يعنى، سالار و سرور جانشينان، و پيشواى پرهيزكاران، پادشاه دين، و زمامدار روسفيدان، و پدر امامان رشيد درست كار، حضرت علىّ امير مؤمنان- كه بر او درود و سلام باد-. نيز به تو تقرّب مى جويم به واسطه شفيع قرار دادن بهترين نيكان به اصل و اساس نورها، حوريّه انسان نما، بتول پاك پاك، حضرت فاطمه زهرا (عليها السّلام). هم چنين با شفيع قرار دادن دو نور ديده رسول، دو ميوه قلب حضرت زهراى بتول، يعنى دو آقا و دو امام حضرت ابو محمّد حسن و حضرت ابو عبد الله امام حسين، (عليهما السّلام) و نيز با شفيع قرار دادن حضرت سّجاد، زينت عبادت كنندگان، صاحب پينه ها (در سجده گاه ها)، راهب در ميان قوم عرب، يعنى على بن الحسين (عليهما السّلام) و نيز با امام و پيشواى دانشمند، آقاي حكيم كننده، ستاره درخشنده، ماه روشن و زيباروى، مولاي من حضرت محمّد بن علىّ امام باقر (عليه السّلام)؛ و نيز با امام راستگو كه بيان كننده مسائل مشكل، آشكار كننده حقيقت ها، كسى كه با حجّت و دليلش هر گوينده اى را ساكت و خاموش مى كند، و زبان كسانى را

ألسنه أهل الجَدال، مساكن الشَّقاشق مولای جعفر بن محمّد الصادق، و بالإمام التَّقِيّ و المخلص الصَّفِيّ، و النُّور الأحمديّ، النُّور الأنور، و الضَّيَاء الأزهر مولای موسى بن جعفر، و بالإمام المرتضى، و السَّيف المنتضى، و الرِّاضِي بالقضا مولای عليّ بن موسى الرِّضَا، و بالإمام الأَمجد، و الباب الأَقصد، و الطَّرِيق الأَرشد، و العالم المؤيّد، ينبوع الحَكم، و مصباح الظُّلم، سيّد العرب و العجم، الهادي إلى الرِّشاد، و الموقِّق بالتأييد و السَّداد مولای محمّد بن عليّ الجواد، و بالإمام منحه الجِبَّار، و والد الأئمّه الأطهار عليّ بن محمّد المولود بالعسكر، الَّذِي حَذَّر بمواعظه و أُنذِر، و بالإمام المنزّه عن الماثم، المطهّر من المظالم، الحبر العالم، ربيع الأنام، و بدر الظّلام، التَّقِيّ الطَّاهر الزَّكِيّ، مولای أبي محمّد الحسن بن عليّ العسكريّ،

که به جدال و ستیزه برمی خواستند لامل می کرد، کسی که بهترین جایگاه ها را داشت یعنی حضرت امام جعفر بن محمّد صادق (علیه السّلام)، هم چنین با شفیع قرار دادن امام پرهیزگار باخلاص برگزیده، نور احمدی، روشنی روشنی ها، پرتو درخشنده، مولایم حضرت موسی بن جعفر (علیهما السّلام)؛ نیز به واسطه امام برگزیده شده، شمشیر کشیده از نیام، کسی که به حکم و قضای الهی راضی است یعنی مولایم حضرت علیّ ابن موسی الرضا (علیهما السّلام) و نیز به واسطه امام بزرگ، بهترین باب الهی که مورد توجّه و قصد و هدف است، بهترین راه به سوی رشد و کمال و هدایت، دانشمند مورد تأیید، سرچشمه حکمت ها، چراغ تاریکی ها، آقا و سرور عرب و عجم، هدایت کننده به سوی راه درست، و کسی که با تأیید و موفقیت و راستی و درستی و استواری زندگی کرد یعنی مولایم حضرت محمّد بن علیّ الجواد (علیه السّلام)، نیز با شفیع قرار دادن امام بزرگوار، هدیه الهی، پدر امامان پاک، حضرت علیّ بن محمّد که در لشکرگاه دشمن به دنیا آمد، و با پند و اندرزهای خود بیم داد و ترسانید؛ نیز به واسطه امام منزّه و پاک از بدی ها، به دور از ستم ها، دانشمند کامل، بهار دل مردمان، ماه روشنی بخش تاریکی ها، پرهیزگار پاکیزه پاک خالص، مولایم حضرت امام ابو محمّد حسن بن علیّ عسکری؛ به سوی تو نزدیک می شوم و تقرّب می جویم.

و أتقرب إليك بالحفيظ العليم الذي جعلته على خزائن الأرض، و الأب الرحيم الذي ملكته أزمه البسط و القبض، صاحب التقييه الميمونه، و قاصف الشجره الملعونه، مكلّم الناس في المهدي، و الدالّ على منهاج الرشد، الغائب عن الأبصار، الحاضر في الأمصار، الغائب عن العيون، الحاضر في الأفكار، بقيه الأخيار، الوارث لذي الفقار، الذي يظهر في بيت الله ذي الأستار، العالم المطهر، محمّد بن الحسن عليهم أفضل التحيّيات و أعظم البركات، و أتمّ الصّيموات. اللهمّ فهؤلاء معاقلّي إليك في طلباتي و وسأئلي، فصلّ عليهم صلوه لا يعرف سواك مقاديرها، و لا يبلغ كثير همم الخلائق صغيرها، و كن لي بهم عند أحسن ظنّي، و حقّق لي بمقاديرك تهيئه التمني. إلهي لا ركن لي أشدّ منك، فاوى إلي ركن شديد، و لا قول لي أسدّ

هم چنین، به واسطه کسی که او را نگهبان و دانای گنجینه ها و پنهانی های زمین خود قرار دادی، و او را پدری مهربان قرار دادی و زمام هر گشایش و بستگی را در اختیارش گذاشتی؛ صاحب پیشوایی و ریاست مبارک، برکننده درخت لعنت شده (بنی امیه)، سخن گوی در گهواره با مردمان، راهنما به راه روشن کمال و درستی، پنهان از دیدگان، کسی که همیشه در شهرها حضور دارد ولی از چشم مردم پنهان می باشد، لیکن در اندیشه ها حضور دارد، باقی مانده نیکوکاران، ارث برنده ذوالفقار، که در خانه خدا- که صاحب پرده ها است- ظهور می فرماید، دانشمند پاک و پاکیزه، حضرت محمّد فرزند حسن، که بر تمام آن بزرگواران برترین و بافضیلت ترین برکت ها و تحیّت ها و کامل ترین درودها نثار باد. بارخدایا؛ این عزیزان پناهگاه و وسیله من برای عرضه درخواست هایم در محضر تو هستند؛ پس درودی نثارشان کن که مقدارهایش را جز تو نداند، و هرچه مردم با همت های بسیار بالا تلاش کنند نتوانند به کوچک ترین مقدار درودهایت برسند. از طرفی نیز به واسطه ایشان نیک ترین گمان هایم را برآورده، و آرزوهایم را محقق گردان. خدای من؛ رکن و پایه و جایگاهی محکم تر از تو ندارم، پس به این پایگاه و جایگاه محکم پناهنده می شوم؛ گفتاری نیک تر و استوارتر



من دعائك، فأستظهرك بقول سديد، ولا شفيع لي إليك أوجه من هؤلاء فاتيک بشفيع وديد، و قد أويت إليك، و عوّلت في قضاء حوائجي عليك، و دعوتك كما أمرت، فاستجب لي كما وعدت، فهل بقي يا ربّ غير أن تجيب و ترحم منّي البكاء و النّحيب. يا من لا- إله سواه، يا من يجيب المضطرّ إذا دعاه، يا كاشف ضرّ أيّوب، يا راحم عبّره يعقوب، إغفر لي و ارحمني، و انصرني على القوم الكافرين، و افتح لي و أنت خير الفاتحين، و الطّف بي يا ربّ و بجميع المؤمنين و المؤمنات، يا ذا القوّه المتين، برحمتك يا أرحم الرّاحمين، و الحمد لله ربّ العالمين، و صلّى الله على سيّدنا محمّد النّبّيّ و اله الطّاهرين. (1)

از خواندن تو ندارم. پس با بهترین گفتار از تو کمک می جویم؛ و شفیع و واسطه ای آبرومندتر از این بزرگواران (محمّد و آل محمّد علیهم السّلام) ندارم؛ پس با واسطه ای دوست داشتنی نزدت می آیم؛ حال به سوی تو پناه آورده ام، و برای برآوردن خواسته هایم به تو اعتماد کرده ام، و همان گونه که دستور داده ای تو را خواندم؛ پس دعایم را نیز طبق وعده ات پاسخ مثبت بده. ای پروردگار من؛ آیا با این شرایط، جز پاسخ گویی به خواسته من و جز رحم کردن به گریه و ناله های جانسوز من، کار دیگری باقی مانده است؟! ای کسی که جز او معبود پرستش شونده ای نیست؛ ای کسی که پاسخ شخص درمانده که او را می خواند، می دهد؛ ای کسی که بیماری و گرفتاری حضرت ایّوب را برطرف فرمود؛ ای کسی که به اشک های چشم یعقوب پیامبر رحم کرد؛ مرا ببخش و به من رحم کن، و مرا بر گروه کافران یاری ده؛ و برایم پیروزی عنایت فرما که تو بهترین پیروزکنندگان هستی. ای پروردگار من؛ به من لطف و مرحمت کن، و به تمام مردان و زنان مؤمن نیز لطف فرما. ای صاحب نیروی محکم. با رحمت و مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان؛ و تمام ستایش ها اختصاص به خداوند- پروردگار جهانیان- دارد. و درود خداوند بر سرور و سیّد ما حضرت محمّد صلّى الله علیه و اله و سلّم پیامبر خدا و خاندان پاکش نثار باد.

ص: ۵۴۸

بخش یازدهم: زیارت ها

اشاره

ص: ۵۴۹



## استحباب زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

در هر زمان و مکان

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه همیشه و در همه جا مستحب است؛ و در سرداب مقدس (سامرا)، و نزد قبرهای اجداد پاکش صلوات الله علیهم اجمعین، از فضیلت و ارزش بیشتری برخوردار است.

و نیز در زمان های شریف به خصوص شب میلادش یعنی نیمه شعبان (بنابر صحیح ترین روایات)، و شب قدر (که فرشتگان و روح در آن شب نزد آن حضرت می آیند) مناسبت بیشتری دارد. (۱)

در این جا روایتی را که این مطلب از آن استفاده می شود، نقل می کنیم:

سلیمان بن عیسی از پدرش روایت می کند که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که نتوانم به زیارت شما بیایم و نزدیکان حاضر شوم، چگونه شما را زیارت کنم؟

حضرت فرمود:

ای عیسی؛ هنگامی که نتوانستی نزد من بیایی، در روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر، و بر پشت بام خانه ات برو، و دو رکعت نماز بخوان، و به طرف من توجه کن (و زیارت بخوان)؛ زیرا هر کس در زمان زندگانیم مرا زیارت کند، گویا پس از

ص: ۵۵۱

رحلتهم مرا زیارت کرده است، و هر کس پس از وفاتم مرا زیارت کند گویا در زمان زندگانیم زیارتم نمود است.

بیان و توضیح مطلب: این خبر دلالت دارد بر این که زیارت امام زنده نیز به این شکل جایز است. لذا، این سند و دلیلی می باشد بر این که در هر مکانی که خواست امام قائم ارواحنا فداه را زیارت کند، رو به سوی سرداب مقدس کند و آن حضرت را زیارت نماید. (۱)

شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمه الله می فرماید: مستحب است در هر مکان و زمانی، امام مهدی صلوات الله علیه زیارت شود، و برای تعجیل و سرعت بخشیدن به فرج آن حضرت نیز در هنگام زیارتش دعا شود. البته زیارت آن بزرگوار در سرداب مقدس در شهر سرّ من رأی (سامرا) بیش تر مورد تأکید قرار گرفته است. (۲)

### زیارت حضرات معصومین علیهم السلام

و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

می توان ثواب هر زیارتی را به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم یا به یکی از امامان علیهم السلام هدیه کرد.

شیخ طوسی رحمه الله با سند خود از داود صرمی روایت می کند که گفت:

به امام بزرگوار امام هادی علیه السلام عرض کردم: من پدرت را زیارت کردم، و-ثواب- آن را برای شما قرار دادم.

حضرت فرمود:

با این کار، خداوند برای تو پاداش و ثواب بزرگ قرار داد، و ما تشکر می کنیم. (۳)

بنابراین، اکنون که شیعیان در دوران غیبت امام زمان ارواحنا فداه، در هجران آن بزرگوار به سر می برند و در عصر حضور و ظهور حضرتش نیستند و نمی توانند همیشه در مکان های مقدسی که مربوط به آن بزرگوار است مانند سرداب مقدس،

ص: ۵۵۲

۱-۱ . بحار الأنوار: ۱۰۱/۳۶۶.

۲-۲ . البلد الأمين: ۴۳۲.

۳-۳ . مفتاح الجنّات: ۱/۵۳۱.

مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و... شرفیاب شوند؛ می توانند این کمبود و خسارت را با اهداء ثواب زیارت اماکن مقدسه دیگر به آن حضرت جبران کنند.

و همچنین با خواندن زیارت های آن بزرگوار در حرم و زیارتگاهی که هستند به تقرّب خود نزد خداوند مهربان بیفزایند و عنایات آن حضرت را به سوی خود جلب نمایند.

تاکنون افراد بسیاری از دوستان خاندان وحی در سرداب مقدّس و همچنین اماکن مقدّسه دیگر مورد عنایت امام زمان ارواحنا فداه قرار گرفته اند که در کتاب های متعدّد ذکر شده و نمونه هایی از آن ها را در این کتاب نقل کرده ایم.

## آداب زیارت

از آن جا که هدیه کردن ثواب زیارت اهل بیت علیهم السّلام به پیشگاه صاحب الزمان ارواحنا فداه مستحبّ است؛ در این جا به بیان «آداب زیارت» می پردازیم:

محدّث قمی رحمه الله نقل کرده است: آداب زیارت بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می شود:

اول: پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت غسل نماید.

دوم: کلام بیهوده و لغو و دعوا و مجادله را در راه ترک کند.

سوم: برای زیارت هر امامی غسل نماید و دعایی که در هنگام غسل وارد شده است بخواند.

چهارم: با طهارت باشد.

پنجم: جامه های پاک و پاکیزه و نو بپوشد، و خوب است رنگ لباسی که می پوشد سفید باشد.

ششم: در وقت رفتن به روضه مقدّسه گام ها را کوتاه برداشته و به آرامی و وقار سیر نموده و خاضع و خاشع باشد و سر به زیر اندازد و به بالا و اطراف خود التفات ننماید.

هفتم: در غیر زیارت امام حسین علیه السّلام خود را خوش بو نماید.

هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول نماید و به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام دهان خود را معطر سازد.

نهم: بر در حرم شریف ایستاده و طلب اذن ورود به حرم نماید و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نماید، و در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور فکر کند، و باور داشته باشد که می بیند ایستادن او را، و می شنود کلام او را، و جواب می دهد سلام او را؛ چنانچه به همه این ها شهادت می دهد در وقت خواندن اذن دخول.

و اندیشه کند در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل کند در خرابی حال خود و جفایی که به آن بزرگواران کرده و فرموده های بی شماری که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیت ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزرده شدن ایشان است و اگر برآستی در خود نگرده قدم هایش از رفتن باز ایستد و قلبش خاشع گردد و چشمش گریان شود و این روح آداب زیارت است.

دهم: بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارکه است. (۱)

ص: ۵۵۴

---

۱- ۱). مؤلف گوید: درباره عتبه بوسی و بوسیدن در گاه مطهر آستان مقدس ائمه اطهار علیهم السلام در کلمات اهل بیت عصمت علیهم السلام عبارات بسیار مهمی وارد شده است. در زیارت وداع ائمه اطهار علیهم السلام که مرحوم علامه مجلسی آن را در بحار الأنوار [۱] نقل کرده وارد شده است: . . . و اشوقاه إلی تقبیل أعتابکم، والولوج یاذنکم لأبوابکم، و تعفیر الخد علی اریج ترابکم، و اللیاذ بعرضاتکم، و محالّ أبدانکم و أشخاصکم، المحفوفه بالملائکه الکرام، و المتحوفه من الله بالرحمه و الرضوان. . . «بحار الأنوار: ۱۰۲/۲۰۵». چقدر شوق دارم به بوسیدن آستانه در گاه شما و وارد شدن با اذن شما به خانه شما و خاک آلود نمودن گونه ام را با خاک خوش بوی شما و پناه بردن به سرای شما را و مکانهای ابدان و اشخاص شما که از ملائکه کرام احاطه شده و مشمول رحمت و سلام از سوی خداوند شده است. بنابراین، بوسیدن در گاه مقدس و خاک آلود نمودن گونه خود با خاک مشک بوی آستان مقدس آنان و پناه بردن به حرم های مطهر آن بزرگواران، نه تنها مورد تأیید آن بزرگواران است، بلکه آرزو و اشتیاق آن نیز باعث تقرب به خداوند متعال می شود.

و مرحوم شهید رحمه الله فرموده است: اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می کنم به شکرانه  
این که مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود.

ص: ۵۵۵



یازدهم: پای راست را در وقت داخل شدن مقدم داشته و پای چپ را در وقت بیرون آمدن مقدم بدارد، مانند آنچه در وارد شدن و خارج شدن از مسجد عمل می کند.

دوازدهم: نزد ضریح مطهر بایستد به گونه ای که خود را بتواند به آن بچسباند. و توهم آن که دور ایستادن ادب می باشد وهم است؛ زیرا که چسبیدن به ضریح و بوسیدن آن در روایت وارد شده است.

سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور بایستد، و ظاهراً این ادب مختص به زیارت معصوم است و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرع دعا کند پس گونه چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حق صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه نموده و اصرار نماید. پس به سمت سر مطهر برود و رو به قبله بایستد و دعا کند.

چهاردهم: در وقت خواندن زیارت- اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیر این ها- بر روی پا بایستد.

پانزدهم: در هنگام دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت تکبیر بگوید، و در خبریست که هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له» نوشته شود برای او خشنودی خدای بزرگ.

شانزدهم: زیارت هایی که از ائمه علیهم السلام روایت شده بخواند و خواندن زیارت های ساختگی که بعضی از بی خردان از عوام آن ها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته اند، ترک نماید.

شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده از عبد الرحیم قصیر که گفت: وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم.

حضرت فرمود:

واگذار مرا از اختراع خود، هر گاه تو را حاجتی روی دهد به حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم پناه بر و دو رکعت نماز بخوان و هدیه کن آن را به سوی آن حضرت الخ.

ص: ۵۵۶

هفدهم: نماز زیارت را بخواند، و اقل آن دو رکعت است.

مرحوم شهید فرموده: که اگر زیارت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه علیهم السلام است در بالای سر بجا آورد و اگر آن دو رکعت را در مسجد آن مکان یعنی مسجد حرم انجام دهد جایز است.

و علامه مجلسی رحمه الله فرموده: به نظر من اگر نماز زیارت و غیر آن را در پشت قبر یا بالای سر انجام دهد بهتر است. (و نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه السلام چون بی احترامی و بی ادبی نسبت به مقام مقدس آن بزرگوار است، جایز نیست).

هیجدهم: در رکعت اول سوره «یس» و در رکعت دوم سوره «الرحمن» را بخواند؛ اگر کیفیت مخصوصی برای نماز زیارتی که می خواند وارد نشده باشد، و بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و برای عموم مؤمنین دعا کند؛ زیرا که آن به اجابت نزدیک تر است.

نوزدهم: مرحوم شهید رحمه الله فرموده: اگر کسی داخل حرم مطهر شود و ببیند نماز جماعت منعقد شده است اول نماز بخواند پیش از آنکه زیارت نماید. (در صورتی که شرایط شرکت در نماز جماعت برای او وجود داشته باشد) . . .

بیستم: مرحوم شهید از جمله آداب زیارت، تلاوت کردن قرآن را نزد ضریح های مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدس آن امام یا آن که زیارت می شود برشمرده و گفته است که این کار فایده اش به زیارت کننده برمی گردد و نوعی احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می شود.

بیست و یکم: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و ترک اشتغال به صحبت های دنیوی که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و باعث قساوت قلب است خصوص در این بقعه های مطهره و زیر این گنبد های بلند مرتبه و ارزشمند که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالت آن ها در سوره نور فی یبوت اذن الله ان ترفع (۱) تا آخر آیه.

ص: ۵۵۷

بیست و دوّم: صدای خود را در وقت زیارت بلند نکند، چنانچه در «هدیه الزائرین» ذکر کردم.

بیست و سوّم: وقتی می خواهد مراجعت کند و از شهر خارج شود، با امام علیه السلام وداع کند به آنچه در روایات آمده یا به غیر آن.

بیست و چهارم: به سوی خدا بازگردد و از گناهان خویش استغفار نماید و کردار و گفتار خود را بعد از زیارت نسبت به پیش از آن بهتر نماید.

بیست و پنجم: به قدر توان بر خادمان آستانه شریفه انفاق نماید، و سزاوار است که خدام آن مکان شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و تحمّل نمایند آنچه از زائرین می بینند و خشم خود را بر آن ها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آن ها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و افراد غریب و ناآشنا را راهنمایی و دلالت کنند اگر راه را گم نمایند، و خلاصه باید خدام به حقیقت و راستی در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره، مشغول باشند.

بیست و ششم: انفاق و احسان نماید بر مجاورین آن بقعه مبارکه که دچار فقر و ناداری هستند ولی آبرومندند؛ خصوصا سادات و اهل علم که ترک دیار کرده اند و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند و همواره پرچم تعظیم شعائر الهی را برپا نموده، و جهاتی را دارا هستند که ملاحظه هریک از آنها کافی در لزوم اعانت به آن ها و رعایت حالشان است.

بیست و هفتم: مرحوم شهید فرموده که از جمله آداب این است که وقتی از زیارت بهره مند گردید، زودتر از آن مکان شریف بیرون رود، برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع و نیز فرموده که در وقتی که زن ها می خواهند زیارت کنند باید از مردان جدا باشند و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که وضع خود را تغییر دهند، یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و بشناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگرچه مکروه است.

از این گفتار معلوم شد کثرت قبح و زشتی آنچه متعارف شده که زن ها به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش نموده با لباس های نفیس از خانه ها بیرون می آیند و در حرم های مطهره با نامحرمان برخورد می نمایند.

زنانی که در طرف قبله مردان می نشینند و با رفتار خود حواس مردم را پریشان می کنند، و زائرین و نمازگزاران و گریه کنندگان را از عبادت بازمی دارند از گروهی شمرده می شوند که راه خدا را می بندند. در واقع این گونه زیارت زنان از منکرات شمرده می شود نه از عبادات، و وسیله هلاکت است نه تقرّب.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود:

يا أهل العراق نبئت أنّ نساؤکم یوافین الرجال فی الطریق أما تستحیون؟

ای اهل عراق؛ به من خبر رسیده که زن های شما در راه به مردان می رسند یعنی در کوچه و بازار به نامحرمان برمی خورند، آیا شماها حیا نمی کنید؟

و قال: لعن الله من لا یغار.

و فرمود: خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوّار بسیارند کسانی که خود را زودتر به ضریح رسانده اند زیارت را کم نموده و کنار روند تا دیگران نیز مثل آن ها به نزدیک شدن به ضریح فائز گردند. (۱)

بیست و نهم: هنگام تشرّف به اماکن مقدّسه و حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام بهترین موقعیت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد؛ بنابراین زائرین محترم باید به این وظیفه اساسی خود در همه اماکن مقدّسه توجه داشته باشند.

سی ام: چون انسان از هر کجا که بخواهد می تواند امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم های مطهر، به امام عصر ارواحنا فداه

ص: ۵۵۹

توجه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت نیز قلب خود را صفا بخشیده و وظیفه خود را انجام دهد.

اکنون بعضی از زیارت های آن حضرت را نقل می کنم:

## ۱- زیارت آل یس

شیخ بزرگوار جناب طبرسی رحمه الله در کتاب «الإحتجاج» می گوید:

از ناحیه مقدسه حضرت مهدی ارواحنا فداه- پس از پاسخ به سؤالات جناب محمد حمیری- صادر گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لا- لأمره تعقلون، و لا من أوليائه تقبلون، حكمه بالغه فما تغني التذرع عن قوم لا يؤمنون، السّلام علينا و على عباد الله الصّالحين.

به نام خداوند بخشنده مهربان نه در مورد امر او اندیشه می کنید، و نه از اولیای الهی می پذیرید؛ حکمتی است کامل و رسا، ولی بیم دادن ها، برای کسانی که ایمان نیاورده اند، فایده ای ندارد؛ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

هر گاه خواستید به واسطه ما، به خداوند تعالی و نیز به سوی ما توجه کرده و روی آورید، همان گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ (۱)، السّلام عليك يا داعي الله و ربّاني اياته، السّلام عليك يا باب الله و ديان دينه، السّلام عليك يا

«سلام بر آل یاسین»، سلام بر تو ای دعوت کننده مردم به سوی خدا و پرورنده آیات او؛ سلام بر تو ای باب رحمت خداوند و حاکم و مدبّر دین او؛ سلام بر تو ای

ص: ۵۶۰

خليفة الله و ناصر حقّه، السّلام عليك يا حجّه الله و دليل إرادته، السّلام عليك يا تالي كتاب الله و ترجمانه، السّلام عليك في اناء ليك و أطراف نهارك. السّلام عليك يا بقيه الله في أرضه، السّلام عليك يا ميثاق الله الذي أخذه و وّكده، السّلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه، السّلام عليك أيها العلم المنصوب، و العلم المصوب، و الغوث و الرّحمة الواسعه، وعدا غير مكذوب، السّلام عليك حين تقوم، السّلام عليك حين تقعد، السّلام عليك حين تقرأ و تبين، السّلام عليك حين تصلّي و تقنت، السّلام عليك حين ترّكع و تسجد، السّلام عليك حين تهلّل و تكبّر، السّلام عليك حين تحمد و تستغفر، السّلام عليك حين تصبح و تمسي، السّلام عليك في الليل إذا يغشى و النّهار إذا تجلّى، السّلام عليك أيها الإمام المأمون،

جانشين خداوند و يارى كننده حق او؛ سلام بر تو ای حجّت خدا و دليل و راهنمای اراده او؛ سلام بر تو ای تلاوت كننده كتاب خداوند و بازگو كننده مقصود آن؛ سلام بر تو در تمام لحظه های شب و در همه بخش های روزت؛ سلام بر تو ای باقی مانده (حجّت های) خدا در زمينش؛ سلام بر تو ای عهد و پيمان خداوند كه آن را (از مردم) گرفت و آن را مورد تأكيد قرار داد؛ سلام بر تو ای وعده الهی كه خدا آن را ضمانت كرد؛ سلام بر تو ای پرچم برافراشته؛ و دانش ريزان و فراگیر، و فريادرس، و رحمت گسترده بر اساس وعده ای كه دروغ نيست. سلام بر تو آن وقتی كه بيا می خيزی؛ سلام بر تو هنگامی كه می نشینی؛ سلام بر تو آن هنگامی كه قرائت (قرآن) می كنی، و آن را بيان می نمایی، سلام بر تو آن هنگامی كه نماز می گزاري و قنوت می نمایی، سلام بر تو آن هنگامی كه ركوع و سجود می كنی؛ سلام بر تو در وقتی كه خدا را به يكتايی و بزرگی می ستايی، سلام بر تو آن هنگامی كه حمد و ستايش و طلب بخشش می كنی، سلام بر تو آن هنگامی كه صبح می كنی و شام می نمایی؛ سلام بر تو در شب آن هنگام كه همه جا را تاریکی فراگیرد، و در روز آن هنگام كه روشنی اش جلوه گر شود، سلام بر تو ای امام مورد اعتماد و اطمینان؛

السَّلام عليك أَيُّها المقدم المأمول، السَّلام عليك بجوامع السَّلام. اشهدك يا مولاي أني أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، وأنَّ محمدا عبده ورسوله، لا- حبيب إلا- هو وأهله، و اشهدك يا مولاي أنَّ عليا أمير المؤمنين حجته، و الحسن حجته، و الحسين حجته، و علي بن الحسين حجته، و محمد بن علي حجته، و جعفر بن محمد حجته، و موسى بن جعفر حجته، و علي بن موسى حجته، و محمد بن علي حجته، و علي بن محمد حجته، و الحسن بن علي حجته، و أشهد أنك حجته الله. أنتم الأوّل و الآخر، و أنّ رجعتكم حقّ لا- ريب فيها يوم لا ينفع نفسا إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيرا، و أنّ الموت حقّ، و أنّ ناكرا و نكيرا حقّ، و أشهد أنّ النّشر حقّ، و البعث حقّ، و أنّ الصّراط حقّ، و المرصاد حقّ، و الميزان

سلام بر تو ای جلودار و آرزوشده؛ سلام بر تو به سلام های گوناگون و فراگیر. مولایم؛ تو را گواه می گیرم که من شهادت می دهم معبودی جز خداوند نیست یگانه ای که شریکی ندارد؛ و این که محمد بنده و فرستاده او است؛ جز او و اهلش محبوبی وجود ندارد. و تو را گواه می گیرم ای مولای من که علی علیه السَّلام امیر و فرمانروای مؤمنان، حجّت خداوند است؛ و امام حسن علیه السَّلام حجّت اوست، و امام حسین علیه السَّلام حجّت اوست، و امام سجّاد علیه السَّلام حجّت اوست، و امام باقر علیه السَّلام حجّت اوست، و امام صادق علیه السَّلام حجّت اوست، و امام کاظم علیه السَّلام حجّت اوست، و امام رضا علیه السَّلام حجّت اوست، و امام جواد علیه السَّلام حجّت اوست، و امام هادی علیه السَّلام حجّت اوست، و امام حسن عسکری علیه السَّلام حجّت اوست، و گواهی می دهم که تو حجّت خداوند هستی. شما آغاز و پایان هستید؛ و رجعت و بازگشت همه شما به دنیا حقیقتی است که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد، در آن روزی که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمانش خیر و بهره ای به دست نیاورده است، برایش سودی ندارد. (و اعتقاد این است که) به راستی مرگ حق است، و (دو فرشته قبر) نکیر و منکر حق هستند، و گواهی می دهم که پراکنده شدن از قبرها حق است و برانگیخته شدن موجودات (در روز قیامت) حق است، و به راستی که صراط (و راه بهشت) حق است، و مرصاد (و جایگاه مراقبت) حق است، و

حَقِّ، و الحشر حَقِّ، و الحساب حَقِّ، و الجَنَّة و النَّار حَقِّ، و الوعد و الوعيد بهما حَقِّ. یا مولای شقی من خالفکم، و سعد من أطاعکم، فاشهد علی ما أشهدتک علیه، و أنا ولیّ لک، بریء من عدوّک، فالحقّ ما رضیتموه، و الباطل ما سخطتموه، و المعروف ما أمرتم به، و المنکر ما نهیتم عنه، فنفسی مؤمنه باللّٰه وحده لا شریک له، و برسوله و بأمیر المؤمنین و بکم یا مولای أوّلکم و اخرکم، و نصرتی معده لکم، و مودّتی خالصه لکم امین امین.

میزان (و سنجش اعمال) حَقِّ است، و گرد آمدن حَقِّ است، و حساب (روز جزا) حَقِّ است و بهشت و جهنّم حَقِّ است، و وعده و بیم نسبت به بهشت و جهنّم حَقِّ است. مولای عزیزم؛ هر کس با شما مخالفت کند بدبخت است، و هر کس از شما فرمانبری نماید خوشبخت است؛ پس؛ تو گواه باش بر آنچه تو را گواه گرفتم؛ این ها درحالی است که من ارادتمند تو هستم، از دشمنت بیزارم؛ پس اعتقاد دارم که حق و درستی همان چیزی است که شما از آن راضی باشید، و باطل و نادرستی چیزی است که شما نسبت به آن ناخشنود باشید؛ و کار خیر آن کاری است که شما دستور بدان داده اید، و کار زشت همان است که شما از آن بازداشته اید. پس روان و جان من ایمان به خدای یگانه بی شریک دارد، و به فرستاده اش حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلّم، و به امیر مؤمنان حضرت علی علیه السّلام و به شما (اهل بیت)، ای مولای من؛ به اولین تا آخرین شما اعتقاد و ایمان دارم. و یاریم آماده است برای شما، و دوستی خاص و اظهار محبّت خالص من تنها برای شماست؛ برآورده کن ای پروردگار؛ برآورده کن ای پروردگار.

دعای پس از زیارت: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ اَنْ تَصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِکَ و کَلِمَه نُوْرِکَ، و اَنْ تَمَلّٰهُ قَلْبِیْ نُوْرَ الْیَقِیْنِ، و صَدْرِیْ نُوْرَ الْاِیْمَانِ، و فِکْرِیْ نُوْرَ التَّیْبَاتِ، و عِزْمِیْ نُوْرَ الْعِلْمِ، و قُوْتِیْ نُوْرَ الْعَمَلِ، و لِسَانِیْ نُوْرَ الصَّدَقِ، و دِیْنِیْ نُوْرَ الْبَصَائْرِ مِنْ

بَارَالِهَا؛ از تو می خواهم و درخواست می کنم که بر محمد پیامبر رحمتت، و کلمه تامّ نورت درود بفرستی، و قلبم را از نور یقین و باور پر گردانی، و سینه ام را از روشنی ایمان، و اندیشه ام را از نور و روشنی نیت ها، و تصمیم و اراده مرا از نور دانش، و نیرویم را از نور و روشنی کردار، و زبانم را از نور راستگویی، و دینم را از روشنی بینش ها که از جانب



عندك، و بصرى نور الضياء، و سمعى نور الحكمة، و مودتى نور الموالاه لمحمد و اله عليهم السلام، حتى ألقاك و قد وفيت بعهدك و ميثاقك، فتغشيني رحمتك، يا ولئى يا حميد. اللهم صل على محمد حجبتك فى أرضك، و خليفتك فى بلادك، و الداعى إلى سبيلك، و القائم بقسطك، و الثائر بأمرك، و لئى المؤمنين، و بوار الكافرين، و مجلى الظلمه، و منير الحق، و الناطق بالحكمه و الصديق، و كلمتك التامه فى أرضك، المرتقب الخائف، و الولئى الناصح، سفينه النجاه، و علم الهدى، و نور أبصار الورى، و خير من تقمص و ارتدى، و مجلى العمى، الذى يملأ الأرض عدلا و قسطا، كما ملئت ظلما و جورا، إنك على كل شىء قدير. اللهم صل على وليك و ابن أوليائك، الذين فرضت طاعتهم، و أوجبت حقهم، و أذهبت

خودت است، و چشمم را از نور هدايت، و گوش مرا از نور و روشنى حكمت، و مودت و دوستى خالص مرا از نور موالات و دوستى نسبت به حضرت محمد و آل او- که درود بر ایشان باد- پر کنی؛ تا در نتیجه، با حالتى تو را ملاقات کنم که به عهد و پیمان تو وفا کرده باشم، و در پایان نیز رحمت تو مرا فراگیرد؛ اى سرپرست؛ اى ستوده؛ بارالها؛ بر محمد درود فرست؛ همان کسى که حجّت تو در زمينت، و جانشينت در سرزمين هایت، و فراخوان به راهت، و پيادارنده قسط و عدلت، و برانگيخته به دستورت است؛ سرپرست مؤمنان، و نابودکننده کافران، و روشنى بخش تاریكى، و نورانى کننده حقيقت، و گویا به حكمت و راستى، و كلمه تامّ و كامل تو در زمينت، چشم به راه و هراسان، و سرپرست خيرخواه، كشتى نجات، و نشانه هدايت؛ و روشنى دیدگان مردم، و بهترين كسى که پيراهن و عبا بر تن گرفت، و برطرف کننده كورى و نابينايى، (بالآخره) كسى که زمين را از عدل و داد پر مى کند؛ چنان که از ستم و جور پر شده است، راستى که تو بر هر چيزى توانايى داری. بارخدایا؛ بر ولئى خودت، فرزند اوليائيت درود فرست. همان اوليائي که فرمانبرى از ایشان را واجب و مسلم گردانيدى، و حق شان را لازم شمردى،

عنهم الرجس، و طهرتهم تطهيرا. اللَّهُمَّ انصره، و انتصر به لدينك، و انصر به أوليائك و أوليائه، و شيعته و أنصاره، و اجعلنا منهم. اللَّهُمَّ أعذه من شر كل باغ و طاغ، و من شر جميع خلقك، و احفظه من بين يديه و من خلفه، و عن يمينه و عن شماله، و احرسه و امنعه من أن يوصل إليه بسوء، و احفظ فيه رسولك و ال رسولك، و أظهر به العدل، و أيده بالنصر، و انصر ناصريه، و اخذل خاذليه، (و اقصم قاصميه)، و اقصم به جبايره الكفر، و اقتل به الكفار و المنافقين و جميع الملحدين، حيث كانوا من مشارق الأرض و مغاربها، برّها و بحرّها، و املاً به الأرض عدلاً، و أظهر به دين نبيك صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله، و اجعلني اللَّهُمَّ من أنصاره و أعوانه، و أتباعه و شيعته، و أرني في ال محمد عليهم السلام ما

و رجس و پليدى را از وجود ايشان دور ساخته و آنان را پاک و پاکيزه نمودى. بارالها؛ او را يارى کن، و به کمک او دینت و دوستانت و دوستانش و پیروانش و یارانش را نیز یارى کن، و ما را نیز از این افراد قرار بده. بارالها؛ او را از شر هر جفاکار سرکش، و از شر تمام آفریدگانت پناه داده و نگه دار؛ و او را از پیش روی مبارکش، از پشت سر، از طرف راست و چپ حفظ کن؛ و او را از این که هر ناخوش آیند و بدی به ساحت قدس او برسد نگه اش دار، و با این حفظ، رسولت و آل رسولت را حفاظت کن. و عدل و داد را به واسطه او آشکار گردان، و با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یارى کن، و کسانی را که او را و امی گذارند و گذار، (و بشکن پشت کسانی را که آن حضرت را درهم می شکنند)، و تمام قدرت کافران زورگو را به واسطه او درهم شکن، و تمام کافران و منافقان و همه ملحدان را در هر جایی که باشند؛ در مشرق زمین و مغرب آن، خشکی آن و دریای آن؛ به قتل برسان؛ و به واسطه او زمین را پر از عدل و داد فرما، و دین پیامبرت را - که درود خدا بر او و آل او باد- به خوبی ظاهر و آشکار گردان. و مرا نیز- بارالها؛ -از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیان او قرار بده؛ و در مورد آل محمد-سلام بر آنان باد- آن چه را ايشان آرزو دارند

يأملون، و في عدوهم ما يحذرون، إله الحق أمين، يا ذا الجلال والإكرام، يا أرحم الراحمين. (١)

به من بنمایان، و در مورد دشمنان شان نیز آنچه می ترسند و از آن حذر دارند به من بنمایان؛ ای معبود حقیقی؛ بپذیر و قبول کن. ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

## ۲- زیارت ندبه

علامة مجلسی رحمه الله می فرماید: ابو علی حسن بن اشناس گفت: ابو المفضل محمّد بن عبد الله شیبانی خبر داد که ابو جعفر جناب محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری برایش روایت کرد- و اجازه داده است به او که آنچه را او روایت کرده است روایت کند- که نامه ای از ناحیه مقدسه- که خداوند نگهبانش باد- برایش ارسال شد، و در آن نامه پس از پاسخ به سؤالاتی چند که داشته است، درباره نماز و توجه به این شرح وارد شده است: (٢)

بسم الله الرحمن الرحيم لا- لأمر الله تعقلون، و لا من أوليائه تقبلون، حكمه بالغه فما تغني الآيات و التذر عن قوم لا يؤمنون، و السلام علينا و على عباد الله الصالحين.

به نام خداوند بخشنده مهربان نه در مورد امر خداوند اندیشه می کنید، و نه از اولیای الهی می پذیرید؛ حکمتی کامل و رساست، ولی نشانه ها و بیم دادن ها، برای کسانی که ایمان نیاورده اند، فایده ای ندارد؛ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

پس هرگاه قصد توجه به خداوند و ما، به واسطه ما را داشتید، همان گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

ص: ۵۶۶

۱- ۱). الإحتجاج: ۲/۳۱۶، [۱] بحار الأنوار: ۲/۹۴، [۲] معادن الحکمه: ۲/۲۹۱.

۲- ۲). مرحوم علامه مجلسی دستور نماز را در اینجا نقل فرموده ولی ما آن را در بخش نمازها بیان کرده ایم.

سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ، ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمَبِينُ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لَمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، قَدْ اتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خَلَافَتَهُ، وَعِلْمَ مَجَارِي أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ، فَكَشَفَ لَكُمْ الْغَطَاءَ، وَآتَمَّ خَزَنَتَهُ وَشَهِدَاؤَهُ، وَعِلْمَاؤَهُ وَامْنَاؤَهُ، سَاسَهُ الْعِبَادَ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَقَضَاهُ الْأَحْكَامَ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَسَلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعَتْرَةَ خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ مِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَاسِحَ الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذَهُ مَحْتَمًا مَقْرُونًا، فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ، وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ، خِيَارُهُ لَوْلِيكُمْ نِعْمَهُ، وَانْتِقَامَهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخَطَهُ، فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ، وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ، يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَحَمْلَهُ مَعْرِفَتَهُ، وَمَسَاكِنَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ. وَأَنْتَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ كَمَالَ نِعْمَتِهِ، وَوَارِثَ أَنْبِيَائِهِ

«سلام بر آل یاسین» این، همان فضل آشکار است؛ و خداوند صاحب فضل و فزون بخشی بزرگ است (البته) برای کسی که او را به راه مستقیم خود هدایت می کند. ای آل یاسین؛ خداوند، جانشینی اش را به شما داد، و دانش مجراهای امر خودش را به شما عطا کرد. در مورد چیزهایی که قضا، تدبیر، ترتیب، و اراده اش در ملکوتش بدانها تعلق گرفته بود. بدین سان، پرده از همه چیز برای شما برداشت. و شما خازنان و شاهدان و عالمان و امینان الهی می باشید؛ اداره کننده امور واقعی بندگان خدا و ارکان و اساس سرزمین و قاضیان احکام، و درهای ایمان، و نسل و زاده پیامبران، و منتخب و برگزیده رسولان، و خاندان بهترین برگزیده از جانب پروردگار جهانیان هستید. و از تقدیر الهی است که نافذ شدن بخشش های هدیه (به خلائق) به وسیله شما حتمی شده و به آنان می رسد، هیچ چیزی نیست مگر آن که سببش شما، و راه به سوی او شما هستید؛ چیزی که برای دوستان برگزیند نعمت است، و انتقام او از دشمنان خشم است. پس جز شما هیچ راه نجات و پناهگاهی نیست، و هیچ راه و چاره ای جز این وجود ندارد؛ ای دیدگان بینای خداوند؛ و ای حاملان و دربردارندگان معرفت او؛ ای منزلگاه یگانه پرستی او در زمین و آسمان؛ و تو نیز ای حجت خداوند، و باقی مانده حجت های او؛ حدّ نهایی و کمال نعمت او؛ و وارث پیامبران

و خلفائه ما بلغناه من دهرنا، و صاحب الرجعه لوعده ربنا التي فيها دوله الحق و فرجنا و نصر الله لنا و عزنا. السلام عليك أيها العلم المنصوب، و العلم المصوب، و الغوث و الرحمه الواسعه، و عدا غير مكذوب، السلام عليك يا صاحب المرأى و المسمع، المذى بعين الله موثقه، و بيد الله عهوده، و بقدره الله سلطانه. أنت الحليم الذي لا تعجله العصيه (1)، و الكريم الذي لا تixelه الحفيظه، و العالم المذى لا تجهله الحميه، مجاهدتك فى الله ذات مشيه الله، و مقارعتك فى الله ذات انتقام الله، و صبرك فى الله ذو أنه الله، و شكرك لله ذو مزيد الله و رحمته. السلام عليك يا محفوظا بالله، الله نور أمامه و ورآئه، و يمينه و شماله، و فوقه و تحته، يا محروزا فى قدره الله، الله نور سمعه و بصره، و يا وعد الله الذي ضمنه، و يا ميثاق الله الذي

و جانشينان او تا اين زمان هستى، تو صاحب رجعت و بازگشت براى وعده پروردگار ما مى باشى كه در آن، دولت حق و راحتى و گشايش در كار ما و يارى خداوند به ما و عزت ما است. سلام بر تو، اى پرچم برافراشته، و دانش ريزان و فراگير، و دادرس و رحمت گسترده، براساس وعده اى كه دروغ نيست؛ سلام بر تو اى صاحب ديدگاه و شنيدگاه، كه عهد و پيمان هايش در محضر خداوند، و تعهداتش به دست خدا، و پادشاهى اش با قدرت و توان خداوند است. تو، همان بردبارى هستى كه تعصب باعث شتابزدگى اش نمى شود؛ و بزرگوار و صاحب كرامتى هستى كه غضب و خشم موجب بخل او نمى شود؛ و دانشمندی هستى كه غيرت باعث نادانى اش نمى گردد؛ جهاد تو در راه خداوند همان خواست خداوندى است؛ و كويندگى تو در راه خدا همان انتقام الهى است؛ و صبر و بردبارى تو در راه خدا همان صبر خداوندى و مهلت اوست؛ و سپاسگزارى تو از خدا همان فزون بخشى و رحمت الهى است. سلام بر تو اى كسى كه به وسيله خداوند حفاظت و نگاهبانى شده است؛ خداوند، روشنى بخش پيش روى و پشت سرش و راست و چپش و بالاي سر و زير پايش است؛ اى كسى كه جاىگاه استوارى در سايه قدرت خدا دارد؛ خداوند، روشنى گوش و چشم اوست. اى وعده تضمين شده الهى؛ و اى پيمان و ميثاق خداوند كه آن را (از مردم)

ص: ۵۶۸

أخذه و وكدده، السّلام عليك يا داعي الله و ربّاني آياته، السّلام عليك يا باب الله و ديّان دينه، السّلام عليك يا خليفه الله و ناصر حقّه، السّلام عليك يا حجّه الله و دليل إرادته، السّلام عليك يا تالي كتاب الله و ترجمانه، السّلام عليك في اناء ليلك و أطراف نهارك، السّلام عليك يا بقيه الله في أرضه، السّلام عليك حين تقوم، السّلام عليك حين تقعد، السّلام عليك حين تقرأ و تبين، السّلام عليك حين تصلّي و تقنت، السّلام عليك حين تر كع و تسجد، السّلام عليك حين تعوذ و تسبح، السّلام عليك حين تهلّل و تكبر، السّلام عليك حين تحمد و تستغفر، السّلام عليك حين تمجّد و تمدح، السّلام عليك حين تسمى و تصبح، السّلام عليك في اللّيل إذا يغشى، و [في]النّهار إذا تجلّى، و الآخره و الاولى. السّلام عليكم يا حجج الله و رعائنا،

پيمان گرفت و آن را مورد تأكيد قرار داد؛ سلام بر تو ای فراخوان به خدا و ای پرورنده آیات الهی؛ سلام بر تو ای درگاه خداوندی و ای حاکم و مدبّر دین او؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند و یاری گر حقّ او؛ سلام بر تو ای حجّت خدا و دليل و راهنمای اراده و خواست او؛ سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و بیان گر مقصود آن؛ سلام بر تو در لحظه های شب و بخش های روزت. سلام بر تو ای باقی مانده حجّت های خداوند در زمین او؛ سلام بر تو هنگامی که بیا می خیزی، سلام بر تو هنگامی که می نشینی، سلام بر تو هنگامی که می خوانی و بیان می کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز می گزارى و قنوت می خوانی، سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده می کنی، سلام بر تو هنگامی که تعویذ و تسبیح می گویی، سلام بر تو هنگامی که خدا را به یکتایی و بزرگی می ستایی، سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می کنی، سلام بر تو هنگامی که مدح و ثنای الهی را بجا می آوری، سلام بر تو هنگامی که صبح می کنی و شب می نمایی. سلام بر تو در شب هنگامی که تاریکی همه جا را می پوشاند، و در روز که روشنی اش همه جا را فرا گرفته و جلوه گر می شود، و در آخرت و دنیا. سلام بر شما ای حجّت های خداوند و سرپرستان ما،

و هداتنا و دعائنا، و قادتنا و أئمتنا، و سادتنا و موالينا، السّلام عليكم أنتم نورنا، و أنتم جاهنا أوقات صلواتنا (صلواتنا)، و عصمتنا بكم لدعائنا و صلواتنا، و صيامنا و استغفارنا، و سائر أعمالنا، السّلام عليك أيها الإمام المأمون، السّلام عليك أيها الإمام المقدم المأمول، السّلام عليك بجوامع السّلام. اشهدك يا مولاي أنّي أشهد أن لا إله إلا الله، وحده وحده، لا شريك له، و أنّ محمدا عبده و رسوله، لا حبيب إلا هو و أهله، و أنّ أمير المؤمنين حجّته، و أنّ الحسن حجّته، و أنّ الحسين حجّته، و أنّ عليّ بن الحسين حجّته، و أنّ محمّد بن عليّ حجّته، و أنّ جعفر بن محمّد حجّته، و أنّ موسى بن جعفر حجّته، و أنّ عليّ بن موسى حجّته، و أنّ محمّد بن عليّ حجّته، و أنّ عليّ بن محمّد حجّته، و أنّ الحسن بن عليّ حجّته، و أنت

و هدايت گران و فراخوانان و رهبران و امامان و سروران و آقایان و سرپرستان ما؛ سلام بر شما؛ شما نور و روشنی ما هستید؛ شما مواجه ما در هنگام نمازهای ما هستید. و بازدارنده ما از خطا در هنگام دعا، نماز، روزه، استغفار و دیگر کارهای ما، شما هستید. سلام بر تو ای پیشوای مورد اعتماد و اطمینان؛ سلام بر تو ای پیشوای مقدم و آرزو شده؛ سلام بر تو به سلام های گوناگون و فراگیر؛ مولای من؛ تو را گواه می گیرم بر این که من شهادت می دهم جز خداوند معبودی نیست، یگانه، یگانه و یکتاست؛ بی شریک است؛ و این که حضرت محمّد صلی الله علیه و اله و سلم بنده و فرستاده اوست؛ جز او و اهلش هیچ محبوبی وجود ندارد؛ و این که امیر مؤمنان علی علیه السّلام حجّت الهی است؛ و امام حسن حجّت اوست، و امام حسین حجّت اوست، و امام سجّاد حجّت اوست، و امام محمّد باقر حجّت اوست، و امام صادق حجّت اوست، و امام کاظم حجّت اوست، و امام رضا حجّت اوست، و امام جواد حجّت اوست، و امام هادی حجّت اوست، و امام حسن عسکری حجّت اوست و نیز تو

حجّته، و أنّ الأنبياء دعاه و هداه رشدكم. أنتم الأوّل و الآخر و خاتمته، و أنّ رجعتكم حقّ لا شكّ فيها يوم لا ينفع نفسا إيمانها لم تكن امنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيرا، و أنّ الموت حقّ، و أشهد أنّ منكرا و نكيرا حقّ، و أنّ النّشر حقّ، و البعث حقّ، و أنّ الصّراط حقّ، و المرصاد حقّ، و أنّ الميزان حقّ و الحساب حقّ، و أنّ الجنّه و النّار حقّ، و الجزاء بهما للوعد و الوعيد حقّ، و أنّكم للشّفاعه حقّ، لا- تردّون و لا تسبقون بمشيئه الله، و بأمره تعملون، و لله الرّحمه و الكلمه العليا، و بيده الحسنی، و حجّه الله النّعمی (العظمی)، خلق الجنّ و الإنس لعبادته، أراد من عباده عبادته فشقیّ و سعيد، قد شقی من خالفكم، و سعد من أطاعكم. و أنت يا مولای فاشهد بما أشهدتك علیه، تخزنه و تحفظه لی عندك، أموت علیه، و أنشر

حجّت الهی هستی، و پیامبران فراخوانان و راهنمایان به سوی نیکی شما بودند. شما آغاز و پایان و ختم کننده اش هستید؛ به راستی، رجعت و بازگشت شما یک امر ثابتی است که در آن شکّی نیست در روزی که اگر کسی ایمان از پیش نداشته یا از ایمان خود بهره و خیری به دست نیاورده باشد هیچ سودی برایش ندارد که در آن روز ایمان بیاورد. - گواهی می دهم که- مرگ حقّ است، و گواهی می دهم (دو فرشته قبر) نکیر و منکر حقّ است، و پخش شدن موجودات حقّ است، و برانگیخته شدن موجودات حقّ است، و صراط (پلی که بر روی دوزخ کشیده شده) حقّ است، و مرصاد (و جایگاه مراقبت) حقّ است، و ترازوی سنجش اعمال حقّ است، و حساب رسی اعمال حقّ است، و بهشت و جهنّم حقّ است، و پاداش دادن به وسیله بهشت و جهنّم براساس وعده و تهدید حقّ است. و به راستی شما سزاوار راستین برای شفاعت هستید، و بازگردانده نمی شوید، نسبت به خواست خداوند پیشی نمی گیرید، و تنها به دستور او رفتار می کنید، و رحمت و کلمه والا تنها به خدا اختصاص دارد، و هر خیر و خوبی تنها در دست اوست، و حجّت خدا از همه مبارک تر (بزرگ تر) است؛ جّیان و آدمیان را برای پرستش خود آفرید؛ از بندگانش پرستش را خواست پس برخی سعادتمند و برخی بدبخت شدند؛ بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند، و سعادتمند کسی است که از شما فرمان ببرد. و تو ای مولای من؛ به آنچه تو را گواه گرفتم گواه باش، و آن را نزدت برای من ذخیره و نگه داری کن، تا بر آن اعتقاد بمیرم، و با همین اعتقاد نیز برانگیخته شوم، و در



عليه، و أقف به وليا لك، بريئا من عدوك، ماقتا لمن أبغضكم، و ادا لمن أحبكم، فالحق ما رضيتموه، و الباطل ما سخطتموه، و المعروف ما أمرتم به، و المنكر ما نهيتم عنه، و القضاء المثلث ما استأثرت به مشيتكم، و الممحو ما لا استأثرت به سنتكم. فلا إله إلا الله وحده لا شريك له، محمد عبده و رسوله، علي أمير المؤمنين حجته، الحسن حجته، الحسين حجته، علي حجته، محمد حجته، جعفر حجته، موسى حجته، علي حجته، محمد حجته، علي حجته، الحسن حجته، أنت حجته، أنتم حججه و براهينه. أنا يا مولاي مستبشر بالبيعة التي أخذ الله علي شرطه قتالا في سبيله اشترى به أنفس المؤمنين، فنفسي مؤمنة بالله وحده لا شريك له، و برسوله و بأمر المؤمنين، و بكم يا مولاي، أولكم و آخركم، و نصرتي لكم معده، و موذتي

پیشگاه الهی بایستم درحالی که ولایت شما را دارم، و از دشمن تو بیزار باشم، و نسبت به کسی که با شما دشمنی کند دشمنی سرسختانه داشته باشم، و نسبت به کسی که دوست شماست دوستی ویژه ای برقرار کنم. پس حق، همان چیزی است که شما از آن خشنود باشید، و باطل و نادرستی، همان چیزی است که شما از آن ناخشنود باشید؛ و خوبی و نیکی همان چیزی است که بدان دستور فرمایید، و بدی و زشتی، همان چیزی است که شما از آن بازدارید، و قضای حتمی و محکم الهی همان است که خواست شما بدان تعلق پذیرد، و آنچه از بین رونده است همان چیزهایی است که سنت شما بر آن تعلق نگرفته باشد. پس، معبودی جز خداوند نیست که شریک ندارد؛ محمد، بنده و فرستاده اش است؛ حضرت علی فرمان روای مؤمنان حجّت اوست، امام حسن حجّت اوست، امام حسین حجّت اوست، امام سجاد حجّت اوست، امام باقر حجّت اوست، امام صادق حجّت اوست، امام کاظم حجّت اوست، امام رضا حجّت اوست، امام جواد حجّت اوست، امام هادی حجّت اوست، امام عسکری حجّت اوست و تو، حجّت او هستی؛ شما، همگی حجّت های خداوند هستید و دلیل های آشکار او می باشید. مولای من؛ من، خشنود و بشارت یافته از بیعتی هستم که خداوند بر من مقرر فرمود تا در راه او به جنگ پردازم و در آن نبرد خداوند جان مؤمنان را از ایشان می خرد؛ بدین سان، روان من به خداوند یگانه بی شریک ایمان دارد، و به رسول خدا، و امیر مؤمنان، و نیز به شما ای مولای عزیزم؛ از اول تا آخرتان ایمان دارد. و یاریم آماده برای شماست، و ابراز محبت

خالصه لكم، و بر آئتی من أعد آئكم أهل الحرده و الجدال ثابته، لثاركم أنا ولی و حید، و الله إله الحق يجعلني كذلك، امین امین. من لی إلا أنت فیما دنت، و اعتصمت بك فيه، تحرسني فیما تقرّبت به إليك، یا وقایه الله و ستره و برکته، أغثنی [أدنی، أغثنی] أدركنی، صلنی بك و لا تقطعنی. اللهم إليك بهم توسّلی و تقرّبی. اللهم صلّ علی محمّد و اله، و صلنی بهم و لا تقطعنی. اللهم بحجّتك و اعصمنی، و سلامك علی ال یس، مولای أنت الجاه عند الله ربّك و ربّی، [إنه حمید مجید]. خالصانه ام برای شماست؛ و بیزاریم از دشمنان شما که اهل ستیز و دعوایند، دایم و همیشگی است؛ من، به تنهایی دوستی هستم که طالب انتقام خون شمایم (بدون این که به دیگران کاری داشته باشم). و خداوندی را معبود راستین می دانم و می خواهم که مرا چنان که می گویم قرار دهد؛ ای خدا؛ پاسخ بده بپذیر. چه کسی جز تو برای من هست در آنچه اعتقاد دارم و در آن به تو تمسّیک جسته ام در این امور، که با آن ها خود را به تو نزدیک کردم مرا نگهبانی و حفظ می کنی، ای نگه دارنده و پوشش و برکت الهی؛ بفریادم برس، مرا نزدیک کن، کمکم کن، مرا دریاب، مرا به خودت پیوند ده و جدا مفرما. بارالها؛ توسّل و تقرّب من به تو، تنها به وسیله آنان (محمّد و آل محمّد علیهم السّلام) است؛ بارالها؛ بر محمّد و آل او درود بفرست؛ و مرا به ایشان پیوند ده و جدا مکن. بارالها؛ به وسیله حجّت مرا حفظ کن، و بر آل یاسین سلام بفرست، مولای من؛ تو آبرودار نزد خدا که پروردگار من و توسّت می باشی؛ راستی، او ستوده و شکوهمند است

دعای پس از زیارت: اللهم إني أسألك باسمك الذي خلقته من كلك (ذلك) فاستقرّ فيك، فلا يخرج منك إلى شيء أبدا، أيا كينون أيا مكنون، أيا متعال، أيا مقدّس، أيا مترحم، أيا مترئف، أيا متحنّ. أسألك كما خلقته غضا أن تصلّي علی محمّد نبی

بارالها؛ در واقع من به واسطه اسمت از تو درخواست می کنم همان اسمی که آن را از تمامیت خود آفریدی و تنها در وجود تو قرار گرفته است و هرگز به سوی چیز دیگری از ذات تو بیرون نمی رود. ای وجود حقیقی؛ ای پنهان؛ ای والا مرتبه؛ ای متقدّس و پاکیزه؛ ای رحم کننده؛ ای رأفت مآب؛ ای مهربان عزیز؛ از تو درخواست می کنم همان گونه که آن نام را با شکوفایی آفریدی، بر محمّد-پیامبر

رحمتك، و كلمه نورك، و والد هده رحمتك، و املاً قلبی نور الیقین، و صدری نور الایمان، و فکری نور الثبات، و عزمی نور التوفیق، و ذكائی نور العلم، و قوتی نور العمل، و لسانی نور الصدق، و دینی نور البصائر من عندك، و بصری نور الضیاء، و سمعی نور وعی الحکمه، و مودتی نور الموالاه لمحمد و اله علیهم السّلام، و یقینی قوه البرآءه من أعداء محمد و أعداء ال محمد، حتی ألقاك و قد وفیت بعهدك و میثاقك، فلتسعنی رحمتك، یا ولیّ یا حمید، بمراک و مسمعك یا حجّه الله دعائی، فوفّنی منجزات إجابتی، أعتصم بك، معك معك معك سمعی و رضای یا کریم. (۱)

رحمت، و كلمه نورت، و پدر راهنمایان به رحمت-درود فرستی؛ و قلبم را از روشنی یقین پر کنی، و سینه ام را از نور ایمان، و اندیشه ام را از نور پایداری، و تصمیم را از نور موفقیت، و هوشمندی ام را از نور و روشنی دانش، و نیرویم را از روشنی عمل، و زبانم را از نور راستگویی، و دینم را از روشنی آگاهی بخش های خودت، و دیده ام را از روشنی هدایت، و گوشم را از روشنی حفظ کردن حکمت، و دوستی خالصم را از نور دوستی محمد و آل او-که درود بر ایشان باد-و یقینم را از نیروی بیزاری از دشمنان محمد و دشمنان آل محمد پر گردانی؛ تا در نتیجه تو را با وفای به عهد و پیمانت دیدار کنم، و باعث فراگیری رحمت نسبت به من گردد. ای سرپرست؛ ای ستوده؛ ای حجّت خدا؛ دعای من در محلّ دیدن و شنیدن تو است؛ پس وعده های اجابتت را به من وفا کن و کامل گردان؛ به تو تکیه می کنم. گوش من و خشنودی من با توست، با توست، با توست، ای بزرگوار.

ص: ۵۷۴

---

۱- ۱). المزار الكبير: ۵۶۷، بحار الأنوار: ۹۴/۳۶، [۱] مصباح الزائر: ۴۳۰ [۲] با تفاوتی اندک).

در روز جمعه

سید جلیل القدر، علی بن طاووس رحمه الله این زیارت را در روز جمعه برای مولای مان امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حَجَّهَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَ يَفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَهْدَبُ الْخَائِفُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ ظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ، عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَ أَخْرَاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش؛ سلام بر تو ای چشم خدا در میان آفریدگانش؛ سلام بر تو ای نور خدا، که هدایت جویان با آن هدایت می یابند، و به وسیله آن بر مؤمنان گشایش و راحتی داده می شود؛ سلام بر تو ای پاک شده بی آلایش و ترسان؛ سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه؛ سلام بر تو ای کشتی نجات؛ سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگانی؛ سلام بر تو؛ درود پیوسته خدا بر تو و بر آل پاکیزه و پاک تست؛ سلام بر تو، خداوند هرچه زودتر به تو ارزانی دارد آن چه را به تو وعده داده که یاریت کند و حکومت تو را آشکار گردانند. سلام بر تو ای مولای من؛ من ارادتمند تو هستم؛ با آغاز و پایانت آشنایم؛ به واسطه تو

ص: ۵۷۵

تعالی بک و بال بیتک، و أنتظر ظهورک و ظهور الحقّ علی یدیک، و أسئل الله أن یصلی علی محمّد و ال محمّد، و أن یجعلنی من المنتظرین لک، و التّابعین و النّاصرین لک علی أعدّک، و المستشهدین بین یدیک فی جملة أولیّک. یا مولای یا صاحب الزّمان، صلوات الله علیک و علی ال بیتک، هذا یوم الجمعة، و هو یومک المتوقّع فی ظهورک، و الفرج فیة للمؤمنین علی یدیک، و قتل الکافرین بسیفک، و أنا یا مولای فیة ضیفک و جارک، و أنت یا مولای کریم من أولاد الکرام، و مأمور بالضيافة و الإجاره، فأضفنی و أجرنی، صلوات الله علیک و علی أهل بیتک الطّاهرین.

و آل تو به سوی خدا نزدیک می شوم، و منتظر ظهور تو و آشکار شدن حق و حقیقت به دست تو هستم؛ از خدا درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود بفرستد، و مرا از منتظران تو قرار دهد، و جزو پیروان و یاران تو بر ضد دشمنان قرار دهد، و مرا در زمره کسانی که در پیش روی تو و جزو دوستان تو طالب شهادت می باشند قرار دهد. ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ درود خداوند بر تو و بر آل تو نثار باد. امروز، جمعه است؛ همان روزی که انتظار می رود ظهورت در چنین روزی به وقوع بپوندد، و به دست تو مؤمنان از گرفتاری نجات یابند؛ و شمشیر باکفایت تو کافران را بکشد. و من ای مولای من؛ در این روز میهمان و پناهنده تو هستم؛ و تو ای مولا و سرورم؛ بزرگوار و از فرزندان بزرگواران هستی، و دستور الهی به تو آن است که مهمان را بپذیری و پناه دادن را انجام دهی؛ پس، مرا مهمان نما و پناه بده. درود دایم خداوند بر تو و آل پاکت باد.

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس حسنی رحمه الله می فرماید: من پس از این زیارت، با اشاره و کنایه به حضرتش عرض می کنم:

نزیلک حیث ما أتجهت رکابی و ضیفک حیث کنت من البلاد (۱)

هر جا مرکبم روی نماید بر خوان احسان تو فرود آیم، و در هر شهری که باشم مهمان تو هستم.

ص: ۵۷۶

که در مشکلات و موارد ترسناک خوانده می شود

بسم الله الرحمن الرحيم السيد الام عليك يا محمد بن الحسن الحجة، السيد الام عليك يا صاحب الامر، السيد الام عليك يا صاحب التدبير، السيد الام عليك يا مولانا يا صاحب الزمان، السلام عليك أيها الإمام المنتظر، السلام عليك أيها القائم، السلام عليك أيها الخلف الصالح للأئمة المعصومين المطهرين، السيد الام عليك يا إمام المسلمين، السلام عليك يا ولي الله، السلام عليك يا خليفه رسول الله صلى الله عليه و اله، السيد الام عليك يا فلذه كبد رسول الله صلى الله عليه و اله، السيد الام عليك يا حجة الله، السيد الام عليك يا

به نام خداوند بخشنده مهربان سلام بر تو ای محمد بن حسن، ای حجت خدا؛ سلام بر تو ای صاحب امر و فرمان؛ سلام بر تو ای صاحب تدبیر و چاره اندیشی؛ سلام بر تو ای مولای ما؛ ای صاحب زمان؛ سلام بر تو ای امام مورد انتظار؛ سلام بر تو ای قیام کننده؛ سلام بر تو ای جانشین شایسته امامان معصوم و پاک؛ سلام بر تو ای پیشوای مسلمانان؛ سلام بر تو ای ولی خدا؛ سلام بر تو ای جانشین راستین رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛ سلام بر تو ای جگر گوشه پیامبر خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛ سلام بر تو ای حجت خدا؛ سلام بر تو ای

بضعه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّهَ اللهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غوثَ المُسْتَغِيثِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غوثَ المَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَوْنَ المَظْلُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ العَالَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ المَسِيحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَدِيلَ الخَيْرِ، أَدْرِكْنِي، أَدْرِكْنِي، أَدْرِكْنِي، أَعْنِي وَلا تَعْنِ عَلَيَّ، وَانصُرْنِي وَلا تَنْصُرْ عَلَيَّ، كُنْ مَعِيَ وَلا تَفَارِقْنِي، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ شَاكِرًا وَمُصَلِّيًا وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الوَكِيلُ، وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. (۱)

پارهٔ تن رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد، سلام بر تو ای راهی که به خدا می رسد؛ سلام بر تو ای فریادرس فریادکنندگان؛ سلام بر تو ای فریادرس دلسوختگان؛ سلام بر تو ای یاور ستمدیدگان؛ سلام بر تو ای محور جهان هستی؛ سلام بر تو ای امام و پیشوای حضرت (عیسی) مسیح؛ سلام بر تو ای هم سنگ خوبی ها؛ مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب؛ کمکم کن و بر علیه من کمک مکن؛ یاریم رسان و مخالفانم را یاری مکن؛ همراهم باش و از من جدا مشو. بر خدا توکل کرده درحالی که او را سپاسگزاری می کنم و نماز می خوانم؛ او مرا بس است و وکیل خوبی است؛ و درود پیوسته خداوند بر آقای ما حضرت محمد و آل او، نثار باد.

### ۵- زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه

که از حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، بنابر روایت شخصی که در حال بیداری-نه خواب-امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کرد و مشاهده نمود که در روز یکشنبه-که

ص: ۵۷۸

متعلق به امیر مؤمنان علی علیه السلام است- این گونه آن حضرت را زیارت نمود:

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالدَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمَضِيئَةِ، الْمَثْمَرَةِ بِالتَّبَوُّهِ، الْمَوْنَعَةِ بِالْإِمَامَةِ، وَ عَلَى ضَجِيعِكَ أَدَمَ وَ نُوْحَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَ الْحَاقِّينَ بِقَبْرِكَ. يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ، وَ هُوَ يَوْمُكَ وَ بَاسْمِكَ، وَ أَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَ جَارُكَ، فَأُضْفِنِي يَا مَوْلَايَ وَ أَجْرِنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تَحَبُّ الصَّيَافَةَ، وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ، فَافْعَلْ مَا رَغِبْتَ إِلَيْكَ فِيهِ، وَ رَجُوتَهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ، وَ الْبَيْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَكُمْ، وَ بِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. (۱)

سلام بر شجره مبارکه نبوت؛ و سایبان بزرگ فروزنده هاشمی، که میوه اش نبوت و شاخ و برگش امامت است. سلام بر دو نفری که پهلوی تو یعنی آدم و نوح آرمیده اند. سلام بر تو و اهل بیت پاک پاکیزه ات؛ سلام بر تو و فرشتگانی که گرداگرد تو و دربرگیرنده قبر تو هستند. ای مولای من؛ ای فرمانروای مؤمنان؛ امروز، یک شنبه است؛ و آن، روز تو و به نام دوست؛ من نیز مهمان و پناهنده تو در این روز هستم؛ پس مرا به مهمانی بپذیر- ای مولای من - و پناهم ده؛ زیرا، تو بزرگواری هستی که مهمانی کردن و پذیرایی را دوست می داری، و از جانب خداوند دستور پناه دادن مردم را داری. بنابراین، امروز آنچه من بدان اشتیاق دارم و امید دارم که تو انجام دهی برایم انجام بده؛ به خاطر جایگاه خودت و خاندانت نزد خداوند، و جایگاه و ارزشی که خداوند نزد شما دارد، و نیز به حق پسرعمویت رسول خدا؛ درود پیوسته الهی نثار او و همه شما باد.

ص: ۵۷۹



علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» می گوید: شیخ مفید رحمه الله روایت کرده است:

هر گاه خواستی امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کنی، نزد آن حضرت بایست، و بگو:

السَّلَامُ عَلَىٰ أَدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ شَيْثِ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ نُوحِ الْمَجَابِ فِي دَعْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ صَالِحِ الْهَدَىٰ تَوَجُّهُ اللَّهِ بِكَرَامَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ الْهَدَىٰ حَبَاهُ اللَّهِ بِخَلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِسْمَاعِيلَ الْهَدَىٰ فِدَاهُ اللَّهِ بِذَبْحِ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصْرَهُ بِرَحْمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ يَوْسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجَبِّ

سلام بر آدم، برگزیده خداوند از بین آفریدگانش؛ سلام بر حضرت شیث، ولی خدا و انتخاب شده او، سلام بر جناب ادريس، برپادارنده حجت الهی؛ سلام بر نوح، پاسخ داده شده در دعایش؛ سلام بر هود که از طرف خداوند کمک های بسیار به او شد؛ سلام بر صالح که خداوند به او تاج کرامت و بزرگواری بخشید؛ سلام بر ابراهیم که خداوند مقام خلقت و دوستی ویژه خود را به او بخشید؛ سلام بر اسماعیل که خداوند قربانی بزرگی از بهشت را فدیة او قرار داد (و او را آزاد نمود)؛ سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری و نبوت را در نسل او قرار داد؛ سلام بر یعقوب که خداوند با رحمتش نور چشمانش را به وی بازگردانید؛ سلام بر یوسف که خداوند به عظمتش او را از چاه

بعظمته، السَّلام علی موسی الَّذی فلق الله البحر له بقدرته، السَّلام علی هارون الَّذی خصه الله بنبوته، السَّلام علی شعيب الَّذی نصره الله علی اقمته، السَّلام علی داود الَّذی تاب الله علیه من خطیئته، السَّلام علی سلیمان الَّذی ذلّت له الجنّ بعزّته، السَّلام علی أيّوب الَّذی شفاه الله من علّته، السَّلام علی یونس الَّذی أنجز الله له مضمون عدته، السَّلام علی عزیر الَّذی أحياه الله بعد میته، السَّلام علی زکریّا الصّابر فی محنته، السَّلام علی یحیی الَّذی أزلفه الله بشهادته، السَّلام علی عیسی روح الله و کلمته، السَّلام علی محمّد حبیب الله و صفوته، السَّلام علی امیر المؤمنین علیّ بن أبی طالب المخصوص بأخوته، السَّلام علی فاطمه الزّهراء ابنته، السَّلام علی أبی محمّد الحسن وصیّ أبیه و خلیفته، السَّلام علی

نجات بخشید؛ سلام بر موسی که خداوند دریا را با نیروی خودش برای او شکافت؛ سلام بر هارون که خداوند او را به پیامبری خود مخصوص گردانید؛ سلام بر شعیب که خدا او را بر امتش پیروز کرد؛ سلام بر داود که خدا توبه او را از خطا و اشتباهش پذیرفت؛ سلام بر سلیمان که جّیان به واسطه عزّتش، در مقابلش فروتن شدند؛ سلام بر ایّوب که خدا از بیماری و گرفتاری بهبودش بخشید؛ سلام بر یونس که خداوند وعده اش را برای او وفا کرد؛ سلام بر عزیر که خداوند او را پس از مردن دوباره زنده کرد؛ سلام بر زکریا که در محنت و اندوهش شکیبایی ورزید؛ سلام بر یحیی که خدا با مقام شهادتش او را منزلت داد؛ سلام بر عیسی که روح خدا و کلمه الهی بود؛ سلام بر حضرت محمّد که محبوب و برگزیده پروردگار است؛ سلام بر امیر مؤمنان حضرت علی فرزندان ابو طالب که برادری پیامبر ویژه او شد؛ سلام بر حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول خدا؛ سلام بر حضرت ابو محمّد امام حسن که وصی پدرش و جانشین او بود؛ سلام بر

الحسين العذی سمحت نفسه بمهجته، السّلام علی من أطاع الله فی سرّه و علانیته، السّلام علی من جعل الله الشّفاء فی تربته، السّلام علی من الإجابته تحت قبتّه، السّلام علی من الأئمّه من ذرّیته، السّلام علی ابن خاتم الأنبیاء، السّلام علی ابن سیّد الأوصیاء، السّلام علی ابن فاطمه الزّهرآء، السّلام علی ابن خدیجه الکبری، السّلام علی ابن سدره المنتهی، السّلام علی ابن جنّه المأوی، السّلام علی ابن زمزم و الصّفا، السّلام علی المرمل بالدّمآء، السّلام علی المهتوک الخبآء، السّلام علی خامس أصحاب أهل الکساء، السّلام علی غریب الغربآء، السّلام علی شهید الشّهذآء، السّلام علی قتیل الأدعیآء، السّلام علی ساکن کربلاء، السّلام علی من بکته ملائکته السّمآء، السّلام علی من ذرّیته الأزکیآء، السّلام علی یعسوب الدّین،

امام حسین که نفسش بزرگواری نمود با ریختن خون او (در راه خدا)؛ سلام بر کسی که خدا را در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرد؛ سلام بر کسی که خداوند شفا را در خاک قبرش قرار داد؛ سلام بر کسی که اجابت و پاسخگویی خداوند به دعاها در زیر گنبد شریفش حتمی است؛ سلام بر کسی که امامان و پیشوایان اسلام از نسل او هستند. سلام بر فرزند آخرین پیامبران، سلام بر فرزند سرور جانشینان، سلام بر فرزند حضرت فاطمه زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری، سلام بر فرزند سدره المنتهی (بالاترین مکان در بهشت)، سلام بر فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است، سلام بر فرزند زمزم و صفا. سلام بر کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه گاهش هتک حرمت شد، سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کسا؛ سلام بر غریب غریبان، سلام بر شهید شهیدان، سلام بر کشته شده به دست حرام زادگان؛ سلام بر ساکن کربلا؛ سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛ سلام بر کسی که فرزندانش پاک ترین و ناب ترین انسان ها بودند. سلام بر پادشاه و پیشوای دین؛

السَّلام على منازل البراهين، السَّلام على الأئمة السَّادات، السَّلام على الجيوب المضرَّجات، السَّلام على الشَّفاة الذَّابلات، السَّلام على النَّفوس المصطلَّمت، السَّلام على الأرواح المختلَّسات، السَّلام على الأجساد العاريَّات، السَّلام على الجسوم الشَّاحبات، السَّلام على الدِّماء السَّائلات، السَّلام على الأعضاء المقطَّعات، السَّلام على الرُّؤوس المشالَّات، السَّلام على النَّسوه البارزات، السَّلام على حجَّه ربِّ العالمين، السَّلام عليك و على أبائِك الطَّاهرين، السَّلام عليك و على أبنائِك المستشهدين، السَّلام عليك و على ذرِّيَّتِك النَّاصرين، السَّلام عليك و على الملائِكه المضاجعين، السَّلام على القتل المظلوم، السَّلام على أخيه المسموم، السَّلام على عليِّ الكبير، السَّلام على الرُّضيع الصَّغير، السَّلام على الأبدان السَّليبه،

سلام بر منزلگاه های دلایل روشن الهی؛ سلام بر امامان والا و شرافتمند؛ سلام بر گریبان های خون آلوده؛ سلام بر لب های خشکیده، سلام بر جان های بلا دیده؛ سلام بر روح های از بدن رها شده، سلام بر پیکرهای عریان شده، سلام بر جسم های رنگ پریده، سلام بر خون های جاری شده، سلام بر عضوهای قطعه قطعه شده، سلام بر سرهای به نیزه رفته، سلام بر زنانی که نمودار گشته (از خیمه بیرون آمده)، سلام بر حجّت پروردگار جهانیان؛ سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران پاکت؛ سلام بر تو و بر فرزندان شهادت طلبت، سلام بر تو و بر نسل یاری کننده ات، سلام بر تو و بر فرشتگان کنار آرامگاهت، سلام بر کشته شده، سلام بر برادر مسمومش (امام حسن)، سلام بر علی بزرگ (علی اکبر)، سلام بر آن شیرخوار کوچک؛ سلام بر بدن هایی که (جامه های آنان) به تاراج رفته؛

السَّلام على العترة القريبه (الغريبه) ، السَّلام على المجدلین فی الفلوات، السَّلام على التنازحين عن الأوطان، السَّلام على المدفونين بلا أكفان، السَّلام على الرؤوس المفترقه عن الأبدان، السَّلام على المحتسب الصَّابر، السَّلام على المظلوم بلا ناصر، السَّلام على ساكن التربه الزاكيه، السَّلام على صاحب القبه السَّاميه، السَّلام على من طهره الجليل، السَّلام على من افتخر به جبرئيل، السَّلام على من ناغاه في المههد ميكائيل، السَّلام على من نكث ذمته، السَّلام على من هتكت حرمته، السَّلام على من اريق بالظلم دمه، السَّلام على المغسل بدم الجراح، السَّلام على المجرع بكأسات الرماح، السَّلام على المضام المستباح، السَّلام على المنحور في الوري، السَّلام على من دفنه أهل القرى، السَّلام على المقطوع الوتين، السَّلام على

سلام بر خاندان نزدیک به پیامبر، سلام بر روی زمین افتادگان در بیابان ها؛ سلام بر دورشدگان از سرزمین خویش، سلام بر خاک سپرده شدگان بی کفن؛ سلام بر سرهای جدا شده از بدن ها؛ سلام بر کسی که مصائبش را به حساب خدا گذارد و شکیا بود؛ سلام بر ستمدیده بی یاور؛ سلام بر کسی که در خاک پاک سکونت گزید؛ سلام بر صاحب گنبدی بلندمرتبه، سلام بر کسی که خدای بزرگ، او را پاک نمود؛ سلام بر کسی که جبرئیل به او افتخار می کرد، سلام بر کسی که در گهواره میکائیل برایش لالایی می گفت؛ سلام بر آن که پیمانش را شکستند؛ سلام بر کسی که حرمتش را هتک نمودند؛ سلام بر کسی که خونش را به ناحق و با ستمکاری ریختند، سلام بر کسی که با خون جراحاتش شستشو داده شد، سلام بر کسی که از کاسه های نیزه ها جرعه نوشید، سلام بر کسی که بر وی ستم کرده و ریختن خونش را حلال شمردند؛ سلام بر او که جلوروی همه مردم سرش را از تن جدا کردند-و کسی چیزی نگفت-، سلام بر آن آقای بزرگ زاده ای که روستانشینان (بنی اسد) دfnش کردند؛ سلام بر آن که رگ گردن مبارکش بریده شد، سلام بر

المحامي بلا معين، السّلام على الشّيب الخضيب، السّلام على الخدّ التّريب، السّلام على البدن السّليب، السّلام على الثّغر المقروع بالقضيب، السّلام على الرّأس المرفوع، السّلام على الأجسام العاربه في الفلوات، تنهشها الذّئاب العاديّات، و تختلف إليها السّباع الضّاريّات، السّلام عليك يا مولاي و على الملائكه المرفوفين حول قبّتك، الحافّين بتربتك، الطّائفين بعرصتك، الواردين لزيارتك، السّلام عليك فإنّي قصدت إليك، و رجوت الفوز لديك، السّلام عليك سلام العارف بحرمتك، المخلص في ولايتك، المتقرب إلى الله بمحبّتك، البريء من أعدائك، سلام من قلبه بمصائبك مقروح، و دمه عند ذكرك مسفوح، سلام المفجوع الحزين الواله المستكين، سلام من لو كان معك بالظّفوف لوقاك بنفسه حدّ

آن حمايتگر بی یاور، سلام بر محاسن با خون خضاب شده؛ سلام بر آن گونه و رخسار خاک آلوده، سلام بر آن بدنی که لباس هایش به تاراج رفته، سلام بر آن دندان مبارکی که با چوب (خیزران) کوبیده شد، سلام بر آن سری که بر بالای نیزه رفت، سلام بر بدن هایی که بدون پوشش در بیابان ها افتاده بودند، گرگ های متجاوز آن ها را دریدند و درندگان وحشی پیرامون شان رفت و آمد می کردند. سلام بر تو ای مولای من؛ و بر فرشتگانی که گرداگرد گنبد شریف بال گشوده اند؛ خاک پاک قبرت را دربر گرفته اند؛ به طواف حرمت مشغول اند، و برای زیارتت وارد می شوند. سلام بر تو؛ من به قصد زیارت تو آمده ام و امیدوارم نزد تو رستگار شوم. سلام بر تو؛ سلام کسی که عارف و آشنا به حرمت تو، و اخلاص دارنده در ولایت تو، تقرّب جوینده به سوی خدا با محبّت تو، و بیزاری جوینده از دشمنانت می باشد، سلام کسی که دلش از مصیبت تو جریحه دار، و اشکش با یاد تو ریزان است؛ سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته ای بیچاره؛ سلام کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود به طور حتم تو را با جان خود در برابر تیزی

السَّيُوفِ، وَبَذَلَ حَشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحَتُوفِ، وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ، وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً. فَلَمَّا أَخَّرْتَنِي الدَّهْورَ، وَعَاقَنِي عَنِ نَصَرَكَ الْمُقَدَّورَ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارِبِكَ مُحَارِبًا، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ مَنَاصِبًا، فَلَأَنْدَبَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً، وَلَأُبَكِّينَ لَكَ بِدَلَ الدَّمِوعِ دَمًا، حَسْرَهُ عَلَيْكَ، وَتَأْسِيفًا عَلَى مَا دَهَاكَ، وَتَلَهُّفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلُوعِ الْمَصَابِ، وَغَضَّهَ الْإِكْتِيَابِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصِّيَالَهَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعِدْوَانِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ، وَتَمَسَّيْتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ وَخَشَيْتَهُ، وَرَاقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ، وَسَنَنْتَ السَّنَنَ، وَأَطْفَأْتَ الْفِتْنَ، وَدَعَوْتَ إِلَى الزُّشَادِ، وَأَوْضَحْتَ سَبِيلَ السَّدَادِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ.

شمشیرها نگهداری می کرد، و نیمه جانی را که در پیکرش باقی مانده برای تو در معرض مرگ قرار می داد؛ و در پیشگاه تو به نبرد می پرداخت، و در مقابل ستمکاران بر تو، یاریت می کرد؛ و روح و جسم و دارایی و فرزندان خود را فدایت می ساخت، و روحش را فدای روح شریفیت می کرد و خانواده اش را به حفظ و نگهداری خانواده ات می گماشت. پس اگر روزگار مرا از زمان تو دور داشته، و مقدرات مرا از یاریت بازداشت، و نبودم که با جنگجویانی که به جنگ تو آمدند بجنگم، و با دشمنانت بستیزم؛ لیکن، هر صبح و شام بر تو ناله و زاری و شیون می کنم، و به جای اشک، برایت خون می گریم؛ از حسرتی که بر تو می خورم، و تأسِیفی که بر رنج تو دارم و در سوزوگداز می مانم تا زمانی که از این مصیبت و غصه و اندوه بمیرم. گواهی می دهم که تو نماز را برپا داشتی، و زکات را پرداختی، و به معروف و نیکی فرمان دادی، و از بدی ها و ستمکاری ها بازداشتی، و از خدا فرمان بردی و نافرمانی نکردی، و به خدا و ریسمان او چنگ زدی تا آن که او را از خود راضی و خشنود کردی درحالی که از او ترس داشتی؛ و مراقب و مواظب او بودی و او را پاسخ دادی، و به سنت ها و مستحبات عمل کردی و فتنه ها را خاموش نمودی، و به سوی رشد و تکامل فراخواندی، و راه های استوار را آشکار ساختی، و آن گونه که حق جهاد و تلاش بود انجام دادی.

و كنت لله طائعا، و لجدك محمد صلى الله عليه و اله تابعا، و لقول أبيك سامعا، و إلى وصيه أخيك مسارعا، و لعماد الدين رافعا، و للطغيان قامعا، و للطغاه مقارعا، و للامه ناصحا، و في غمرات الموت سابحا، و للفساق مكافحا، و بحجج الله قائما، و للإسلام و المسلمين راحما، و للحق ناصرا، و عند البلاء صابرا، و للدين كالثا، و عن حوزته مراميا. تحوط الهدى و تنصره، و تبسط العدل و تنشره، و تنصر الدين و تظهره، و تكف العايب و تزجره، و تأخذ للدين من الشريف، و تساوى فى الحكم بين القوى و الضعيف. كنت ربيع الأيتام، و عصمه الأنام، و عز الإسلام، و معدن الأحكام، و حليف الإنعام، سالكا طرأئق جدك و أبيك، مشبها فى الوصيه لأخيك. و فى الذم، رضى الشيم، ظاهر الكرم، متهجدا فى الظلم، قويم الطرأئق،

و تو فرمان بردارى نيك براى خداوند بودى، و از جدت حضرت محمد- كه درود خدا بر او و آل او باد- پيروى مى كردى، و به گفتار پدريت گوش فرامى دادى، و براى انجام وصيت برادرت شتاب مى نمودى، و ستون هاى دين را بالا بردى، و سركشى را درهم كوييدى، و طغيان گران را نابود كردى، و براى امت اسلام خيرخواهى مى كردى، و در گرداب مرگ شناور بودى، و فاسقان را به مبارزه مى طلبيدى، و حجت هاى الهى را برپا داشتى، و براى اسلام و مسلمانان مهربان و رحم كننده، و يار حق بودى، و در بلاها و گرفتارى ها شكيبا، و براى دين نگهبان، و از حوزه و حریم دينى دفاع كننده بودى. نگهبان هدايت و يارى كننده آن و گسترانده عدل و نشردهنده آن، و يارى كننده دين و آشكاركننده آن هستى، و بازيچه شمارنده دين را از كارش بازداشته و او را منع نمودى؛ و حق زيردستان را از ثروتمندان و اشراف مى گرفتى، و بين قوى و ضعيف به مساوات حكم مى كردى. تو بهار يتيمان و پناهگاه مردم، و عزت و سربلندى اسلام و معدن احكام و هم پيمان بخشش و احسان بودى. پوينده راه جد و پدريت بودى، و همانند برادرت در وصيت پدريت بودى. وفاكننده به عهدها و پيمان ها، داراى خصلت ها و خوى هاى نيكو، آشكاركننده بزرگوارى ها، كوشش كننده در عبادت به هنگام تاريخى (شب زنده دار)، دارنده روش هاى استوار،



کریم الخلائق، عظیم السوابق، شریف النسب، منیف الحسب، رفیع الرتب، کثیر المناقب، محمود الصّرائب، جزیل المواهب. حلیم رشید منیب، جواد علیم شدید، إمام شهید، أواه منیب، حبیب مهیب. کنت للرسول صلی الله علیه و اله ولدا، و للقران سندا، و للاقه عضدا، و فی الطاعة مجتهدا، حافظا للعهد و الميثاق، ناکبا عن سبیل الفساق، [و] باذلا للمجهود، طویل الرکوع و السجود، زاهدا فی الدنیا زهدا الرّاحل عنها، ناظرا إليها بعین المستوحشین منها، امالک عنها مکفوفه، و همّتک عن زینتها مصروفه، و ألاحظک عن بهجتها مطروفه، و رغبتک فی الاخره معروفه، حتّی إذا الجور مدّ باعه، و أسفر الظلم قناعه، و دعا الغی أتباعه، و أنت فی حرم جدّک قاطن، و للظالمین مبین، جلیس الیبت و المحراب، معتزل عن اللذات و الشّهوات،

و اخلاق بزرگ منشی و بخشندگی، با پیشینه ای بزرگ و درخشان، نژادی شریف، حسبی برتر، درجاتی عالی و رفیع، افتخاراتی فراوان، سرشت های ستوده، موهبت ها و بخشش های بسیار بود. بردبار، کمال یافته، انابه کننده به سوی خدا، بخشنده، دانا، قدرت مند، پیشوا، شهید، شیون کننده و انابه کننده، دوست دارنده، باهیت هستی. تو برای حضرت پیامبر-که درود خدا بر او و آل او باد-فرزند، و برای قرآن پشتیبان، و برای امت بازویی توانا و یاور بودی، و در فرمانبرداری از دستورات الهی کوشا، نگهبان و نگه دارنده پیمان و تعهد عالم ذر، کناره گیر از راه مردمان فاسق و تبه کار، و بکاربرنده تمام سعی و کوشش خود بودی. دارای رکوع و سجود طولانی بودی. و نسبت به دنیا بی اعتنا و بی رغبت بودی، همچون کسانی که می خواهد آن را رها کند و از آن کوچ کند و همواره به آن به دیده وحشت زدگان می نگرستی. از آرزوهای دنیویّت دل کنده، و همّت تو از زینت های آن روگردان شده، و نگاهت از سرور و شادمانی آن پوشیده شده، و شوق و اشتیاق تو به آخرت معروف بود؛ تا آن که ستم، دست ستمگرش را دراز کرد و ظلم، نقاب از چهره افکند، و گمراهی پیروان خویش را فراخواند؛ و درحالی که تو در حرم جدّت ساکن و از ستمگران دوری گزیده بودی، مونس محراب و خانه گشته و از شهوت ها و لذّت ها دوری گزیده،

تنکر المنکر بقلبیک و لسانک، علی حسب طاقتک و امکانک، ثم اقتضاک العلم للإنکار، و لزمک أن تجاهد الفجار، فسرت فی أولادک و أهالیک، و شیعتک و موالیک، و صدعت بالحقّ و البینه، و دعوت إلى الله بالحکمه و الموعظه الحسنه، و أمرت بإقامه الحدود، و الطاعه للمعبود، و نهیت عن الخبائث و الطغیان، و واجهوک بالظلم و العدوان. فجاهدتهم بعد الإیعاظ لهم، و تأکید الحجّه علیهم، فنکثوا ذمامک و بیعتک، و أسخطوا ربک و جدک، و بدؤوک بالحرب، فثبتّ للطعن و الضرب، و طحنت جنود الفجار، و اقتحمت قسطل الغبار، مجالدا بذی الفقار، کأنک علی المختار. فلمّا رأوک ثابت الجأش، غیر خائف و لا خاش، نصبوا لک غوآئل مکرهم، و قاتلوک بکیدههم و شرهم، و أمر اللّعين جنوده، فمنعوک المآء و وروده، و ناجزوک القتال،

و در حدّ طاقت و امکانت با قلب و زبانت زشتی را زشت شمردی. سپس اقتضا کرد علم و آگاهی، تو را بر انکار؛ و بر تو لازم شد با فاجران و بدکاران جهاد کنی؛ پس با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستانت به راه افتادی، و حقّ و حقیقت را با برهان های الهی آشکار ساختی، و مردم را با حکمت و پند نیکو به سوی خدا فراخواندی، و امر به برپایی حدود الهی و اطاعت پروردگار، و نهی از پلیدی ها و سرکشی ها نمودی، و آنان با ستم و عدوان با تو مقابله نمودند. پس از آن که آن ها را پند داده و از کار خود بازداشتی، و اتمام حجّت نمودی، با آنان جهاد کردی؛ پس آنان پیمان و بیعت تو را شکستند، و پروردگار تو و جدّت را خشمگین کردند، و با تو شروع به جنگ نمودند؛ پس تو در برابر ضربات (شمشیرها و نیزه ها) استوار ماندی، و لشکریان بدکاره را درهم کوبیدی، و در گردوغبار برخاسته در میدان جهاد با ذوالفقار آنگونه وارد شدی که گویا تو همان علی برگزیده خدا هستی. پس، هنگامی که تو را ثابت قدم و دلیر دیدند، درحالی که هیچ گونه ترس و هراسی در تو نبود برای تو دام های مکرشان را نصب کردند، و با مکر و شرّشان به جنگ با تو پرداختند؛ و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور داد، پس تو را از آب و وارد شدن به آن بازداشتند، و به مبارزه با تو پرداخته

و عاجلوك النزال، و رشقوك بالسِّهَامِ و النَّبَالِ، و بسطوا إليك أكفَّ الإصطلام، و لم يرعوا لك ذماما، و لا راقبوا فيك اثاما، في قتلهم أولياءك، و نهيم رحالك، و أنت مقدم في الهبوات، و محتمل للأذيات، قد عجبت من صبرك ملائكة السماوات. فأحدقوا بك من كل الجهات، و أثنوك بالجراح، و حالوا بينك و بين الزواح، و لم يبق لك ناصر، و أنت محتسب صابر، تذب عن نسوتك و أولادك، حتى نكسوك عن جوادك، فهويت إلى الأرض جريحا، تطؤك الخيول بحوافرها، و تلعوك الطغاه ببواترها. قد رشح للموت جبينك، و اختلفت بالإنقباض و الإنبساط شمالك و يمينك، تدبر طرفا خفيا إلى رحلك و بيتك، و قد شغلت بنفسك عن ولدك و أهالك، و أسرع فرسك شاردا، إلى خيامك قاصدا، محمما باكيا، فلما رأين النساء

و در این امر شتافتند، و تیرها و سنگ ها را به تو پرتاب کردند، و دست های ویرانگر خود را به سوی تو گشودند، و حق تو را مراعات نکردند، و در کشتن عزیزان تو و غارت زادوتوشه تو هیچ ترسی از جزای گناه خویش به خود راه ندادند؛ و تو در میان گردوغبار میدان به پیش می تاختی، و آزار و اذیت ها را تحمل می کردی، که به راستی فرشتگان آسمان از صبر تو درشگفت آمدند. پس آنان (دشمنان) از هر سو، اطراف تو را گرفتند؛ و زخم های عمیقی بر تو وارد کردند و میان تو و بین راحتی و نجات فاصله انداختند (یعنی نگذاشتند کار به شبانگاه برسد)، و تو را هیچ یآوری باقی نمانده بود، و تو کار را به حساب خدا واگذار کرده و صبر نمودی، و از زنان و اولادت دفاع می کردی. تا آن که تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر زمین افتادی؛ اسب ها با سم های شان تو را لگدکوب کردند و طغیان گران تو را با شمشیرهای شان ضربه می زدند. عرق مرگ بر پیشانیت نشست. و راست و چپ بدن مبارکت را با جمع کردن و گشودن جابجا می کردی. و با گوشه چشم به خیام و حرمت نگاه می کردی، و مصیبتی که بر تو وارد می شد تو را از فرزندان و اهل بیت به خود مشغول ساخته بود، و اسب تو شیون کنان و گریه کنان با سرعت به سوی حرمت آمد، هنگامی که زنان

جوادك مخزّيا، و نظرن سرچك عليه ملوئيا، برزن من الخدور، ناشرات الشّعور على الخدود، لاطمات الوجوه سافرات، و بالعويل داعيات، و بعد العزّ مذللّات، و إلى مصرعك مبادرات. و الشّمّر جالس على صدرك، و مولغ سيفه على نحرّك، قابض على شيتك بيده، ذابح لك بمهنّده، قد سكنت حواسك، و خفيت أنفاسك، و رفع على القناه رأسك، و سبى أهلك كالعبيد، و صفّدوا في الحديد، فوق أقتاب المطيّات، تلفح وجوههم حرّ الهاجرات، يساقون في البراري و الفلوات، أيديهم مغلولة إلى الأعناق، يطاف بهم في الأسواق. فالويل للعصاه الفساق، لقد قتلوا بقتلك الإسلام، و عطّلوا الصّلاه و الصّيام، و نقضوا السيّن و الأحكام، و هدموا قواعد الإيمان، و حرّفوا آيات القرآن، و هملجوا في البغي و العدوان. لقد

اسبّت را شرمسار دیدند و به زین واژگونش نظر افکندند، از خیمه ها بیرون آمدند، موهای شان را بر چهره های شان پریشان کرده، بر چهره های بدون نقاب شان سیلی می زدند، و با صدای بلند ناله می زدند و تو را می خواندند، و آنان بعد از عزّت ذلیل شده بودند، و به سوی قتلگاه تو شتافتند. درحالی که شمر (لعنه الله علیه) بر روی سینه ات نشسته بود و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برده و محاسنت را به دست گرفته بود، سرت را با شمشیر تیز خود می برید؛ در آن حالت حواسّت از حرکت ایستاد، و نفس هایت پنهان شد، و سرت بر بالای نیزه بلند شد، و اهل بیت تو مانند بندگان و بردگان اسیر شدند، و در غل و زنجیر به بند کشیده شدند. در فراز جهاز شتران، چهره های شان را گرمای شدید می سوزاند، و در بیابان ها و دشت ها پیش برده می شدند؛ دست های شان به گردن های شان آویخته و بسته بود، و آن ها را دور بازارها می چرخاندند. پس، وای بر آن گناه کاران فاسق که به راستی با کشتن تو اسلام را کشتند، و نماز و روزه را رها کردند، و سنّت ها و احکام را شکستند، و ستون های دین و ایمان را منهدم کردند، و آیات الهی قرآن را تحریف نمودند، و در دشمنی و ظلم و ستم پیش تاختند. آن گاه که تو را شهید کردند

أصبح رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و عاد كتاب الله عزَّ و جلَّ مهجورا، و غودر الحقَّ إذ قهرت مقهورا، و فقد بفقدك التكبير و التهليل، و التحريم و التحليل، و التنزيل و التأويل، و ظهر بعدك التغيير و التبديل، و الإلحاد و التعطيل، و الأهواء و الأضاليل، و الفتن و الأباطيل. فقام ناعيك عند قبر جدك الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فعاك إليه بالدمع الهطول، قائلًا يا رسول الله قتل سبطك و فتاك، و استبيح أهلک و حماك، و سبت بعدك ذراريك، و وقع المحذور بعترتك و ذويك. فانزعج الرسول، و بكى قلبه المهول، و عزاه بك الملائكة و الأنبياء، و فجعت بك اميرك الزهراء، و اختلفت جنود الملائكة المقربين، تعزى أباك أمير المؤمنين، و اقيمت لك الماتم في أعلا عليين، و لطمت عليك الحور العين، و بكت السماء

به راستی رسول خدا- که درود خدا بر او و آل او باد- خون خواه تو شد، و بار دیگر کتاب خدا متروک و دورافتاده شد؛ و حق، مورد خیانت قرار گرفت. چون تو شکست خوردی؛ و با نبود تو، بانک «الله اکبر» و «لا إله إلا الله» و حرام و حلال خدا و تنزیل و تأویل قرآن، ناپدید شد؛ و بعد از تو، تغییر و دگرگونی (در احکام دینی) و کفر و بی دینی، و کنار گذاشتن سنت ها و هواهای نفسانی، و گمراهی ها و فتنه ها و باطل ها پدیدار گشت. پس، خبر دهنده شهادت تو نزد قبر جد تو رسول خدا- درود خدا بر او و آل او باد- ایستاد، و با اشک ریزان خبر شهادت تو را به پیامبر داد؛ درحالی که می گفت:

ای رسول خدا؛ نوه و جوان تو کشته شد، و حرمت اهل بیت تو شکسته و مباح شمرده شد؛ و فرزندان و ذریه تو را بعد تو اسیر کردند، و خانواده و اطرافیانت در گرفتاری افتادند. پس، پیامبر آشفته گردید، و قلب و حشت زده اش گریست؛ و به خاطر تو فرشتگان و پیامبران بر او تسلیت گفتند؛ و به خاطر تو مادرت زهرا سوگوار و مصیبت زده شد؛ و لشکریان فرشتگان مقرب الهی برای تسلیت گفتن به پدرت امیر مؤمنان آمدوشد کردند، و در اعلى عليين برای تو ماتم برپا شد، و به خاطر تو حور العين سیلی بر صورت خود زدند، و آسمان

و سَكَانَهَا، و الْجَنَانَ وَ خَزَائِنَهَا، و الْهَضَابَ وَ أَقْطَارَهَا، و الْبِحَارَ وَ حِيتَانَهَا، و الْجَنَانَ وَ وِلْدَانَهَا، و الْبَيْتَ وَ الْمَقَامَ، و الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ، و الْحَلَّ وَ الْأَحْرَامَ (۱). اَللّٰهُمَّ فَبِحَرَمِهِ هَذَا الْمَكَانَ الْمَنِيفَ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ احْشُرْنِيْ فِيْ زَمْرَتِهِمْ، وَ اَدْخُلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوَسَّلُ اِلَيْكَ يَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِيْنَ، وَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ، وَ يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِيْنَ، بِمُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ، رَسُوْلِكَ اِلَى الْعَالَمِيْنَ اَجْمَعِيْنَ، وَ بِاَخِيهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ الْاَنْزَعِ الْبَطِيْنِ، الْعَالَمِ الْمَكِيْنِ، عَلِيٍّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ بِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نَسَاءِ الْعَالَمِيْنَ، وَ بِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عَصْمَةَ الْمُتَّقِيْنَ، وَ بِاَبِي عَبْدِ اللّٰهِ الْحَسِيْنِ اَكْرَمِ الْمُسْتَشْهَدِيْنَ، وَ بِاَوْلَادِهِ الْمَقْتُوْلِيْنَ، وَ بِعَتْرَتِهِ الْمَظْلُوْمِيْنَ، وَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ زَيْنِ الْعَابِدِيْنَ، وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَبْلَهُ الْاَوَّابِيْنَ، وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اَصْدَقِ الصّٰدِقِيْنَ،

و ساكنان آن، و بهشت و خزانه داران آن، و كوه ها و دامنه هايشان، و دريا و ماهيانش، و بهشت و پسران آن، و خانه خدا، و مقام، و مشعر الحرام و خارج خانه خدا و اطراف آن، همه گريه كردند. خدايا؛ پس، به خاطر حرمت و احترام اين مكان شريف، بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و مرا در زمره آنان محشور فرما، و مرا به شفاعت آنان داخل بهشت نما. خدايا؛ به تو توسل پيدا مي كنم؛ اي سريع ترين حساب گران؛ و اي كريم ترين كريمان؛ و اي بااقتدارترين حاكمان؛ و به محمد خاتم پیامبران، فرستاده تو بر همه جهانيان؛ و به برادر و پسرعمویش که از شرک و بت پرستی جدا شده و درونش انباشته از دانش بود، آن عالم و دانشمند والامقام یعنی حضرت علی امیر مؤمنان؛ و به فاطمه سرور زنان جهانيان، و به حسن، که پاکیزه و پناه پرهيزكاران است؛ و به ابی عبد الله الحسين، گرامی ترين شهادت جويان و به فرزندان شهيدش و به خاندان مظلومش؛ و به علي بن الحسين زينت عبادت کنندگان؛ و به محمد بن علی، قبله گاه توبه کنندگان؛ و به جعفر بن محمد، راست گوترين راستگويان؛

ص: ۵۹۳

---

۱- ۱). احرام-جمع حرم:- به اطراف خانه خدا گفته می شود.

و موسی بن جعفر مظهر البراهین، و علی بن موسی ناصر الدین، و محمد بن علی قدوه المهتدین، و علی بن محمد ازهد الزاهدین، و الحسن بن علی وارث المستخلفین، و الحجه علی الخلق أجمعین، أن تصلى علی محمد و آل محمد، الصّادقین الأبرّین، آل طه و یس، و أن تجعلنی فی القیامه من الآمنین المطمئنّین الفآئزین الفرحین المستبشرین. اللَّهُمَّ اکتبنی فی المسلمین، و ألقنی بالصّالحین، و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین، و انصرنی علی الباغین، و اکفنی کید الحاسدین، و اصرف عني مکر الماکرین، و اقبض عني أیدی الظّالمین، و اجمع بینی و بین السّاده المیامین، فی أعلا علیین، مع الّذین أنعمت علیهم، من النّبیین و الصّدیقین، و الشّهداء و الصّالحین، برحمتک یا أرحم الرّاحمین. اللَّهُمَّ إِنّی اقسّم علیک بنبيک

و به موسی بن جعفر، آشکارکننده حقیقت ها؛ و به علی بن موسی یاری کننده دین؛ و به محمد بن علی، اسوه هدايت کنندگان؛ و به علی بن محمد، زاهدترین زاهدان؛ و به حسن بن علی وارث جانشیان، و حجّت بر همه خلق خدا؛ اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد آن راستگویان نیکوکاران، آل طه و یس؛ و این که مرا در قیامت از جمله امان یافتگان و آسودگان و رستگاران و شادمانان و بشارت یافتگان قرار دهی. خدایا؛ مرا از جمله مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان بیوند، و برای من در میان آیندگان سخن راست قرار ده. و مرا بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از مکر حسودها کفایت کن، و از من حيله مکاران را باز گردان، و دست ستمکاران را از من کوتاه کن، و مرا با سروران فرخنده در اعلا-علیین؛ با آنان که بر آن ها نعمت ارزانی داشتی-از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان-جمع نما؛ به رحمت ای مهربان ترین مهربانان. خدایا؛ تو را سوگند می دهم به حق پیامبرت

المعصوم، و بحکمک المحتوم، و نهیک المکتوم، و بهذا القبر الملموم، الموسید فی کفه، الإمام المعصوم المقتول المظلوم، أن تکشف ما بی من الغموم، و تصرف عنی شرّ القدر المحتوم، و تجیرنی من النار ذات السیموم. اللهمّ جلّنی بنعمتک، و رضنی بقسمک، و تغمّی دنی بجدک و کرمک، و باعدنی من مکرک و نعمتک. اللهمّ اعصمنی من الزلزل، و سدّنی فی القول و العمل، و افسح لی فی مدّه الأجل، و أعفنی من الأوجاع و العلل، و بلّغنی بموالئی و بفضلک أفضل الأمل. اللهمّ صلّ علی محمّد و ال محمّید، و اقبل توبتی، و ارحم عبرتی، و أقلنی عشرتی، و نفّس کربتی، و اغفر لی خطیئتی، و أصلح لی فی ذریّتی. اللهمّ لا تدع لی فی هذا المشهد المعظم، و المحلّ المکرم ذنبا إلاّ غفرتّه، و لا عیبا إلاّ سترتّه، و لا غمّا إلاّ کشفته،

که معصوم از گناه است و به آن حکم حتمیت، و نهی پوشیده ات؛ و به این قبر شریف که به زیارت آن آمدوشد می شد، و امام معصومی که در سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده؛ این که آنچه از غم دارم برطرف سازی، و از من شرّ قضا و قدر حتمی را بازگردانی، و از آتش گرم و سوزان جهنّم مرا پناه دهی. خدایا؛ مرا به نعمت خودت بزرگی بخش، و مرا به قسمت راضی نما، و مرا غرق جود و کرمت فرما، و مرا از مکر و مجازات خود دور نما. خدایا؛ مرا از لغزش ها محفوظ بدار، و مرا در قول و عمل استوار گردان، و وسعت و فراخی در دوران عمرم برایم قرار بده، و از دردها و مریضی ها مرا عافیت بخش، و به حقّ اولیایم، و به بخشش و کرمت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان. خدایا؛ بر محمّید و آل محمّید درود فرست، و توبه مرا قبول فرما؛ و بر گریه ام رحم نما، و از لغزشم در گذر؛ و اندوهم را برطرف کن، و گناهان مرا ببخش، و نسل مرا از صالحان قرار ده. خدایا؛ برای من وامگذار در این حرم شریف و بارگاه باکرامت هیچ گناهی را مگر آن که آن را ببخشی و هیچ عیبی را مگر آنکه ببوشانی، و هیچ غمی را مگر آن که برطرف کنی؛



و لا رزقا إلا بسطته، و لا جاها إلا عمّرته، و لا فسادا إلا أصلحته، و لا أملا إلا بلغتّه، و لا دعاء إلا أجبتّه، و لا مضيقا إلا فرّجتّه، و لا شملا إلا جمعتّه، و لا أمرا إلا أتممتّه، و لا مالا إلا كثرته، و لا خلقا إلا حسنتّه، و لا إنفاقا إلا أخلفته، و لا حالا إلا عمّرتّه، و لا حسودا إلا قمعتّه، و لا عدوّا إلا أرديته، و لا شرّا إلا كفيته، و لا مرضا إلا شفيتها، و لا بعيدا إلا أدنيتها، و لا شعثا إلا لممتّه، و لا سؤالا- إلا أعطيته. اللهمّ إنّي أسألك خیر العاجله، و ثواب الاجله. اللهمّ أغنني بحلالك عن الحرام، و بفضلك عن جميع الأنام. اللهمّ إنّي أسألك علما نافعا، و قلبا خاشعا، و يقينا شافيا، و عملا زاكيا، و صبورا جميلا، و أجرا جزيلا. اللهمّ ارزقني شكر نعمتك عليّ، و زد في إحسانك و كرمك إليّ، و اجعل قولي في الناس مسموعا، و عملي عندك مرفوعا،

و هیچ رزق و روزی را مگر آن که گسترده گردانی؛ و هیچ منزلت و مقامی را مگر آن که آن را آباد کنی، و هیچ فسادی را مگر آن که آن را اصلاح فرمایی؛ و هیچ آرزویی را مگر آن که مرا به آن برسانی، و هیچ دعایی را مگر آن که آن را اجابت فرمایی، و هیچ تنگی و فشاری را مگر آن را گشایش دهی، و هیچ تفرّق و پراکندگی را مگر آن که آن را به اجتماع مبدّل گردانی، و هیچ کاری را مگر آن که آن را تمام کنی، و به پایان رسانی؛ و هیچ مالی را مگر آن که آن را زیادش کنی، و هیچ اخلاقی را مگر آن که آن را نیکو فرمایی، و هیچ انفاقی را مگر آن که جایگزین برایش قرار دهی، و هیچ دگرگونی حالی را مگر آن که آن را خوب و آباد نمایی؛ و هیچ حسودی را مگر آن که آن را ریشه کن نمایی، و هیچ دشمنی را مگر آن که آن را از میان ببری، و هیچ شرّ و بدی را مگر آن که کفایت کنی، و هیچ مرضی را مگر آن که آن را شفا دهی، و هیچ دوری را مگر آن که آن را نزدیک فرمایی، و هیچ پراکندگی را مگر آن که آن را سامان دهی، و هیچ درخواستی را مگر آن که آن را عطا نمایی. خدایا؛ از تو می خواهم خیر و خوبی حاضر و ثواب و پاداش آینده را. خدایا؛ مرا به واسطه حلالیت از حرام بی نیاز فرما، و با فضل و کرمت از تمام مردم بی نیاز ساز. خدایا؛ از تو می خواهم علمی که سودمند باشد، و قلبی که خاشع باشد، و یقینی را که قاطع باشد، و عملی که پاک باشد، و صبری را که زیبا باشد، و اجری را که زیاد باشد. خدایا؛ شکر و سپاس نعمتت را که بر گردن من است روزیم فرما، و احسان و کرمت را بر من زیاد نما، و سخنم را در میان مردم پذیرفته شده قرار ده، و عملم را در نزد خودت بالا ببر و بپذیر؛

و أثرى فى الخيرات متبوعا، و عدوى مقموعا. أَللّهُمَّ صلِّ على مُحَمَّد و آل مُحَمَّد الأَخيار، فى انَاء اللَّيْلِ و أطراف النَّهار، و اكفنى شرَّ الأَشْرار، و طَهِّرْنى من الذَّنوب و الأوزار، و أجرنى من النَّار، و أحلِّنى دار القرار، و اغفر لى و لجميع إخوانى فىك و أخواتى المؤمنىن و المؤمنات، برحمتك يا أرحم الرَّاحمىن.

و اثر مرا در خیرات مورد پیروی دیگران قرار بده، و دشمنم را ریشه کن نما. خدایا؛ درود فرست بر محمّد و آل محمّد، که نیکوکاران (در میان بندگان) هستند، در تمامی لحظات شب و روز؛ و از من دور نما شرّ اشخاص شرور و بدکاران را، و مرا از گناهان و بار گران آن پاک فرما، و از آتش جهنّم پناهم ده. و در خانه بهشت وارد کن، و مرا و تمامی برادران و خواهران مؤمنی که در راه تو آن ها را یافته ام به رحمتت بیامرز، ای مهربان ترین مهربانان؛

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور؛ در رکعت اوّل بعد از حمد، سوره «انبیاء»، و در رکعت دوّم بعد از حمد، سوره «حشر» را بخوان، و در قنوت بگو:

لا- إله إلاّ الله الحلیم الکریم، لا إله إلاّ الله العلیّ العظیم، لا إله إلاّ الله ربّ السّماوات السّبع، و الأرضین السّبع، و ما فیهنّ و ما بینهنّ، خلافا لأعدائهنّ، و تکذیبا لمن عدل به، و إقرارا لرُبوبیّته، و خضوعا لعزّته، الأوّل بغیر أوّل، و الآخر إلی غیر آخر، الظّاهر علی کلّ شیء بقدرته، الباطن دون کلّ شیء بعلمه و لطفه، لا تقف العقول علی کنه عظمته، و لا تدرک

هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست؛ هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست، هیچ معبودی نیست جز خدایی که پروردگار آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست؛ برخلاف دشمنانش، و تکذیب کسانی که از او روی برتافته اند، و اقرار به ربوبیت او، و خضوع در برابر عزّت او، او اوّل و ابتدایی است که آغاز ندارد، و آخری است که هیچ انتهایی ندارد و او، غلبه دارد بر هر چیز به سبب قدرتش، و با دانش و دقتش از درون هر چیز آگاه است. عقل ها بر کنه بزرگی و عظمت او راه ندارند. و

الأوهام حقيقه ماهيته، ولا- تصوّر الأنفس معانى كفيته، مطلقا على الضمائر، عارفا بالسّر آثر، يعلم خائنه الأعين و ما تخفى الصّيدور. اللهمّ إنّي اشهدك على تصديقي رسولك صلى الله عليه و اله، و ايماني به، و علمي بمنزلته، و إنّي أشهد أنّه النّبىّ الذى نطق بالحكمه بفضله، و بشرت الأنبياء به، و دعت إلى الإقرار بما جاء به، و حثت على تصديقه بقوله تعالى الذى يجدونه مكتوبا عندهم فى التّوراه و الإنجيل يأمرهم بالمعروف و ينهاهم عن المنكر و يحلّ لهم الطّيبات و يحرم عليهم الخبائث و يصعّ عنهم إصرهم و الأغلال الّتى كانت عليهم (1). فصل على محمّد رسولك إلى الثقلين، و سيّد الأنبياء المصطفين، و على أخيه و ابن عمه اللّذين لم يشركا بك طرفه عين أبدا، و على فاطمه الزّهراء سيّده نساء العالمين،

اوهام حقيقت ذات او را درك نمى كنند، و جان ها كفيّت و چگونگی او را نمى توانند تصوّر کنند، بر امور نهانى آگاه و بر پنهانى ها آشنا است؛ خيانت چشم ها و آن چه در سينه ها پنهان است را مى داند. خدايا؛ تو را گواه مى گيرم بر تصديقم نسبت به پيامبرت- كه درود خدا بر او و آل او باد- و ايمانم به او؛ و آگاهيم نسبت به مقام و منزلتش؛ و شهادت مى دهم كه همانا او پيامبرى است كه حكمت به فضل و دانش او گويا گشت، و پيامبران به آمدن او بشارت دادند. و دعوت به اقرار به آن چه آورده است، كردند و تشويق به تصديقش نمودند؛ همان گونه كه خداوند فرمود:

«كسى است كه نامش را در تورات و انجيل نوشته شده مى يابند، او آن ها را به كارهاى نيكو امر مى كند و از كارهاى زشت باز مى دارد و پاك ها را براى آن ها حلال مى كند، و آلودگى ها و پليدى ها را براى آن ها حرام مى نمايد؛ و بر مى دارد از دوش ايشان سنگينى و بار گران و غل و زنجيرى را كه بر گردن دارند». پس، درود فرست بر محمّد رسول و فرستاده ات به سوى جنّ و انس و سيّد و سرور انبياء برگزيده ات؛ و درود فرست بر برادرش و پسرعمویش، آن دو كه حتّى براى يك لحظه و يك چشم به هم زدن براى تو شرك نوزيدند؛ و بر فاطمه زهرا، سيّده و سرور زن هاى جهانيان؛

ص: ۵۹۸

و علی سیدی شباب أهل الجنة الحسن و الحسین، صلاه خالده الدوام، عدد قطر الزهام، وزنه الجبال و الاكام ما أورك السلام، و  
اختلف الضیاء و الظلام، و علی اله الطاهرین، الأئمه المهتدین، الذائدين عن الدین، علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و  
محمّد و علی و الحسن و الحجه القوام بالقسط و سلاله السبط. اللهم إني أسألك بحق هذا الإمام، فرجا قريبا، و صبرا جميلا، و  
نصرا عزيزا، و غنى عن الخلق، و ثباتا في الهدى، و التوفيق لما تحبّ و ترضى، و رزقا واسعا حلالا، طيبا مريئا، دارا سائغا، فاضلا  
مفضّلا، صببا صببا، من غير كدّ و لا نكد و لا منه من أحد، و عافيه من كلّ بلاء و سقم و مرض، و الشكر على العافيه و النعماء، و  
إذا جاء الموت فاقبضنا على أحسن ما يكون لك طاعه، علی ما أمرتنا محافظين، حتى تؤدينا إلى

و بر دو سرور جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، درودی که جاودانی و دائمی باشد؛ به تعداد قطره های باران، و به سنگینی  
کوه ها و تپه ها تا وقتی که سلام برگ (و نتیجه) می دهد؛ و تا وقتی که نور و ظلمت (شب و روز) در رفت و آمدند؛ و سلام بر  
آل پاک او، امامان هدایت شده-آن مدافعان دین-یعنی علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی و حسن و  
حجت؛ که پیادارندگان عدالت و قسط اند، و از نسل سبط پیامبرند. خدایا؛ از تو می خواهم به حق این امام گشایش نزدیک، و  
صبر جمیل، و یاری باعزت، و بی نیازی از خلق، و پایداری در هدایت، و توفیق بر آنچه آن را دوست داری، و می پسندی؛ و  
رزق و روزی گسترده، حلال، پاک، و گوارا، قطع نشدنی، خوش گوار، فراوان، زیاد شده، و پیوسته ریزان بدون زحمت و  
سختی، و بی هیچ منتی از کسی، و مصون از هر بلا و بیماری و مریضی، و شکرگزاری بر سلامت و عافیت و نعمت را به من  
عنایت کنی. و هنگامی که مرگ فرارسید جان ما را در بهترین حال، از نظر اطاعت و فرمانبرداری بگیر؛ درحالتی که رعایت  
کننده و اجراکننده فرامین تو باشیم؛ تا این که ما را به

جَنّات النّعيم، برحمتك يا أرحم الرّاحمين. اللَّهُمَّ صلِّ على محمّد و آل محمّد، و أوحشني من الدّنيا، و انسني بالآخرة، فإنّه لا يوحش من الدّنيا إلّا خوفك، و لا يؤنس بالآخرة إلّا رجاءك. اللَّهُمَّ لك الحجه لا عليك، و إليك المشتكى لا منك، فصلّ على محمّد و اله، و أعني على نفسي الظّالمه العاصيه، و شهوتي الغالبه، و اختم لي بالعافيه. اللَّهُمَّ إنّ استغفاري إياك و أنا مصرّ على ما نهيت قلّه حيّاء، و تركي الاستغفار مع علمي بسعه حلمك تضييع لحقّ الرّجاء. اللَّهُمَّ إنّ ذنوبي تؤيسني أن أرجوك، و إنّ علمي بسعه رحمتك يمنعي أن أخشاك، فصلّ على محمّد و آل محمّد، و صدّق رجائي لك، و كذبّ خوفي منك، و كن لي عند أحسن ظنّي بك، يا أكرم الأكرمين. اللَّهُمَّ صلِّ على محمّد و آل محمّد، و أيدني بالعصمه، و أنطق لساني

بهشت پر نعمت برسانی؛ به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از دنیا وحشت زده و با آخرت مأنوس گردان؛ چرا که به هراس از دنیا نمی اندازد مگر هراس از تو؛ و با آخرت مأنوس نمی سازد مگر امید به تو. خدایا؛ حجت و برهان به نفع توست، نه بر ضرر تو؛ و شکوه ها به سوی توست، نه شکوه از تو باشد؛ پس، درود فرست بر محمّد و آل او؛ و مرا بر نفس ستمگر و سرکشم، و بر شهوت چیره شونده ام یاری نما؛ و با عافیت کارم را به پایان برسان. خدایا؛ همانا طلب آمرزشم از تو، درحالی که بر آن چه از من نهی فرمودی پافشاری می کنم، از کمی حیا و شرم من است، و ترک کردن من استغفار را، با علم من به گسترش بردباری تو، از بین برنده حقّ امیدواری است. بارالها؛ همانا گناهانم مرا از امیدوار بودن به تو ناامید ساخته، و علم من بر زیادی رحمتت مرا از هراس از تو بازمی دارد؛ پس درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و امید مرا بر خودت صادق و به جا و به مورد قرار بده، و ترسم را از تو بی مورد و بی جا فرما، و برای من آن گونه که به تو خوش گمان هستم باش؛ ای کریم ترین کریم ها؛ خدایا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا با بازداشتن از گناه تأیید کن، و زبانم را

بالحکمه، و اجعلنی مَن یندم علی ما ضیعه فی أمسه، و لا یغبن حظّه فی یومه، و لا یهمّ لرزق غده. اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنَى مِنْ اسْتِغْنَى بَکْ و افتقر إلیک، و الفقیر من استغنی بخلقک عنک، فصلّ علی محمّد و آل محمّد، و أغنی عن خلقک بک، و اجعلنی مَن لا ییسط کفّا إلا إلیک. اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقَى مِنْ قَطْ و أمامه التّوبه، و وراءه الرّحمه، و إن کنت ضعیف العمل فإنی فی رحمتک قوی الأمل، فهب لی ضعف عملی لقوّه أملی. اللَّهُمَّ إِنْ کنت تعلم أنّ ما فی عبادک من هو أفسی قلبا منی، و أعظم منی ذنبا، فإنی أعلم أنّه لا مولی أعظم منک طولا، و أوسع رحمه و عفوا، فیا من هو أوحد فی رحمته، إغفر لمن لیس بأوحد فی خطیئته. اللَّهُمَّ إِنَّک أمرتنا فعصینا، و نهیت فما انتهینا، و ذکررت فتناسینا، و بصّرت فتعامینا، و حدّرت فتعدّینا،

به حکمت گویا نما، و مرا از کسانی قرار ده که بر گذشته ضایع شده خود پشیمان اند؛ و نسبت به بهره امروزشان مغبون نگشته اند؛ و اهمّامی به روزی فردا ندارند. بارالها؛ دارا کسی است که به واسطه تو بی نیازی بجوید و خود را نیازمند تو بدانند؛ و نیازمند و فقیر، کسی است که به جای تو از خلق و آفریدگانت بی نیازی بجوید؛ پس، بر محمّد و آل محمّد درود بفرست، و مرا به وسیله خودت از آفریدگانت بی نیاز گردان، و مرا از کسانی قرار ده که دستش را جز به سوی تو دراز نکند. بارخدایا؛ به راستی، بدبخت و بدعاقبت کسی است که ناامید باشد از درگاه تو درحالی که پیش رویش توبه و پشت سرش رحمت باشد، و گرچه من دارای ضعف و سستی در عمل به دستورات هستم، لیکن نسبت به رحمت تو آرزو و امیدم قوی است؛ پس ضعف رفتارم را به خاطر قوّت آرزو و امیدم بر من ببخشای. خدایا؛ اگر در بین بندگانت سنگدل تر از من و گناهکارتر از من سراغ نداشته باشی؛ من هم به خوبی می دانم که مولا و سروری بخشنده تر، و دارای رحمت و عفو و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد؛ پس، ای کسی که در رحمتش بی نظیر است، بیامرز؛ کسی را که در گناهش تنها و یکه تاز نیست. بارالها؛ تو به ما دستور دادی ولی نافرمانی کردیم؛ و ما را بازداشتی ولی اجتناب نکردیم؛ و یادآوری کردی، و ما خود را به فراموشی زدیم؛ و ما را بینا کردی، ولی ما خود را به کوری زدیم؛ و ما را برحذر داشتی، و ما

و ما كان ذلك جزآء إحصانك إلينا، و أنت أعلم بما أعلنّا و أخفينا، و أخبر بما نأتى و ما أتينا، فصلّ على محمّد و آل محمّد، و لا تؤاخذنا بما أخطأنا و نسينا، و هب لنا حقوقك لدينا، و أتمّ إحصانك إلينا، و أسبل رحمتك علينا. اللهمّ إنّنا نتوسّل إليك بهذا الصّديق الإمام، و نسألك بالحقّ الذى جعلته له، و لجده رسولك، و لأبويه علىّ و فاطمه أهل بيت الرّحمه، إدرار الرّزق الذى به قوام حياتنا، و صلاح أحوال عيالنا، فأنت الكريم الذى تعطى من سعه، و تمنع من قدره، و نحن نسألك من الرّزق ما يكون صلاحاً للدنيا، و بلاغاً للآخرة. اللهمّ صلّ على محمّد و آل محمّد، و اغفر لنا و لوالدينا، و لجميع المؤمنين و المؤمنات، و المسلمين و المسلمات، الأحياء منهم و الأموات، و اتنا فى الدنيا حسنه و فى الآخرة حسنه، و قنا عذاب النار.

تجاوز كردیم؛ و به خوبی می دانم که این کارها پاداش احسان و نیکی تو نسبت به ما نمی باشد؛ و تو بهتر از ما، از کرده های پنهان و آشکارمان آگاهی؛ و آن چه را انجام خواهیم داد و در گذشته انجام داده ایم بهتر می دانی؛ پس، بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و ما را مؤاخذه مکن به جهت گناهان و اشتباهات و فراموش کاری هایمان و هر حقّی که بر گردن ما داری ببخش؛ و احسان و نیکی هایت را بر ما کامل و تمام گردان؛ و رحمت را بر ما سرازیر کن. بارالها؛ ما، به واسطه این امام صدیق و راستگوی راستین، به تو توسّل می جویم و از تو درخواست می کنیم به خاطر حقّی که مخصوص او قرار دادی و مخصوص جدّش رسول خودت و مخصوص پدرش علی و مادرش فاطمه، آن اهل بیت رحمت قرار دادی؛ رزق و روزی ما را که پابرجائی زندگی مان و اصلاح امور خانواده مان به آن بستگی دارد، افزون گردان؛ زیرا تو کریم و بزرگواری هستی که با توانگری می بخشی، و از روی قدرت بازمی داری؛ و ما از رزق و روزی، مقداری می خواهیم که موجب صلاح دنیا و وسیله سعادت آخرت ما شود. بارخدایا؛ بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و ما و پدر و مادر ما، و تمام زنان و مردان مؤمن و مسلمان را که زنده و یا مرده اند بیامر؛ و در دنیا و آخرت، به ما خیر و نیکی عطا فرما، و از جهنّم نگاه دار.

وقتی قنوت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می نشینی و تشهد و سلام نماز را انجام می دهی و پس از آن که تسبیح حضرت زهرا علیهما السلام را گفتی، دو طرف صورتت را خاک آلود نموده و چهل بار بگو:

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر» .

خدا منزّه است، ستایش ویژه اوست، و جز او معبودی نیست، و او بزرگ است.

سپس از خدای تعالی بخواه که تو را از ارتکاب گناه بازدارد، و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد، و توفیق انجام کارهای نیک که موجب تقرب به خدا می شود و باعث جلب رضایت او می گردد و پذیرش آن ها را عطا کند. آنگاه نزد سر مطهر بایست و دو رکعت نماز مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و پس از نماز، خود را به روی قبر مطهر بینداز و آن را ببوس و بگو:

زاد الله فی شرفکم، و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

خداوند شرافت شما را بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خداوند نیز به طور دائم نثار شما باد.

آن گاه برای خودت، پدرت، مادرت، و هرکسی که می خواهی دعا کن. (۱)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: نویسنده کتاب «المزار الکبیر» می گوید: زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هست که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه به یکی از نواب خویش صادر شده: نزد قبر آن حضرت می ایستی و می گویی:

السلام علی آدم صفوه الله من خلیفته، و زیارت را مانند آنچه نقل شد ادامه می دهد.

بدین سان روشن می شود که این زیارت به راستی از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است. البته احتمال دارد که این زیارت به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد؛ چنان که سید مرتضی اعلی الله مقامه نیز همین اعتقاد را داشته است. (۲)

آیه الله سید احمد مستنبط رحمه الله نیز می نویسد: روایت زیارت ناحیه مقدسه دلالتی ندارد که خواندن آن، به روز عاشورا اختصاص داشته باشد. (۳)

ص: ۶۰۳

۱-۱ . بحار الأنوار: ۱۰۱/۳۱۷.

۲-۲ . بحار الأنوار: ۱۰۱/۳۲۸.

۳-۳ . الزیارة و البشارة: ۲/۴۸۸.



که در حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود

جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی قدس سره (سومین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه) می فرماید: اگر کسی این زیارت را در یکی از حرم ها و زیارتگاه های اهل بیت پیامبر علیهم السلام بخواند، حتما با برآورده شدن حاجتش از آنجا بازخواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهر امام علیه السلام بایست و بگو:

الحمد لله الذي أشهدنا مشهد أوليائه في رجب، و أوجب علينا من حقهم ما قد وجب، و صلى الله على محمد المنتجب، و على أوصيائه الحجب. اللهم فكما أشهدتنا مشهدنا مشهدهم، فأنجز لنا موعدهم، و أوردنا موردهم غير محلّين عن ورد في دار المقامه و الخلد، و السّلام عليكم إنّي قصدتكم، و اعتمدتكم بمسألتی و حاجتی، و هی فكاك رقبتی من النار، و المقرّ معكم في دار القرار، مع شيعتكم الأبرار، و السّلام عليكم بما

ستایش ویژه خداوندی است که ما را در این ماه رجب به زیارتگاه و محلّ حضور اولیای خود حاضر گردانید، و حقوقی چند که از حقّ ایشان بر ما لازم بود، واجب نمود؛ و درود پیوسته خداوند بر محمّد بر گزیده، و بر اوصیای او که پرده دار حریم الهی هستند، نثار باد. بارالها! همان گونه که ما را به حضور ایشان حاضر گردانیدی، پس وعده ایشان را نیز برای ما وفا کن، و ما را به محلّ ورودشان برسان که پس از آن، از ورود به جایگاه بهشت ابدی و جاودانی نیز محروم نشویم. سلام بر شما؛ من به قصد دیدار شما آمده ام؛ و در مورد درخواست و نیازم که رهایی من از جهنّم، و ماندگاری من در بهشت در نزد شما، همراه با شیعیان نیکوکار شماست، به شما اعتماد نموده ام. سلام بر شما به خاطر آن که

صبرتم فنعم عقبى الدار. أنا سأثلکم و املکم فیما إلیکم التّفویض، و علیکم التّعویض، فبکم یجبر المهیض، و یشفی المریض، و ما تزداد الأرحام و ما تغیض، إنی بسرکم مؤمن، و لقولکم مسلّم، و علی اللّٰه بکم مقسم فی رجعی بحوائجی، و قضائها و إمضائها، و إنجاحها و إبراحها، و بشؤونی لیدیکم و صلاحها. و السّیلام علیکم سلام مودّع، و لکم حوائج مودّع، یسأل اللّٰه إلیکم المرجع، و سعیه إلیکم غیر منقطع، و أن یرجعنی من حضرتکم خیر مرجع، إلی جناب مرع، و خفض [عیش] موسّع، و دعه و مهل إلی حین الأجل، و خیر مصیر و محلّ فی النّعم الأزل، و العیش المقتبل، و دوام الاکل، و شرب الرّحیق و السلسل، و علّ و نهل، لا سأم منه و لا ملل، و رحمہ اللّٰه و برکاته و تحیّاته علیکم، حتّٰی العود إلی حضرتکم،

شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید؛ پس چه خوب است عاقبت این خانه (در آخرت). من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه به شما واگذار شده هستم؛ و آنچه عوض کردن آن به عهده شماست؛ زیرا تنها به وسیله شما شکسته جبران می شود، و بیمار بهبود می یابد، و به وسیله شما کمی و فزونی در ارحام انجام می پذیرد. من به طور واقعی به سرّ شما ایمان دارم، و تسلیم گفتارتان هستم، و خدا را به شما سوگند می دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته هایم مرا برگرداند و آن ها را برآورده و امضا شده و حتمی و انجام شده نماید و همه کارهایم نزد شما را اصلاح فرماید. و سلام بر شما، سلام کسی که دارد خداحافظی می کند و خواسته هایش را نزد شما سپرده تا برآورده شود. از خدا می خواهد که دوباره نزد شما بیاید، و رفت و آمد او به این مکان مبارک و نزد شما پیوسته باشد، و مرا برگرداند از حضورتان به بهترین بازگشت به سوی آستانه ای حرّم و سرسبز و با آسایش و پروسعت، با راحتی و آسانی تا هنگام مرگ، و بهترین سرانجام و جایگاه در بهشت همیشگی، و زندگی خوشی نو و پسنیدیده، و خوراک همیشگی و آشامیدنی ناب و خالص و گوارای دایم و با خوردنی دوباره و سیراب گشتن بدون این که هیچ خستگی و ملال و دلتنگی در آن ها باشد. و رحمت، برکات، و تحیّت ها و احترامات خداوندی، تا بازگشت به حضور شما

و الفوز فی کزتکم، و الحشر فی زمزتکم، و السّلام علیکم و رحمہ اللّٰہ و برکاتہ علیکم، و صلواتہ و تحیّاتہ، و هو حسبنا و نعم الوکیل. (۱)

و کامیابی در رجعت شما و محشور شدن در زمره شما، بر شما نثار باد. و سلام و رحمت و برکات الهی بر شما باد؛ و درودها و احترامات ویژه خداوندی نثار تان باد. و او برای ما بس است و چه پشتیبانی شایسته و نیکوست.

## ۸- زیارت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداہ

در حرم مطہر حضرت امام رضا علیہ السّلام

السّلام علیک یا صاحب الزّمان، السّلام علیک یا خلیفہ الرّحمان، السّلام علیک یا شریک القران، السّلام علیک یا قاطع البرهان، السّلام علیک یا إمام الإنس و الجآن، السّلام علیک و علی آبائک الطّیّین، و أجدادک الطّاهرین المعصومین و رحمہ اللّٰہ و برکاتہ. (۲)

سلام بر تو ای صاحب عصر و زمان؛ سلام بر تو ای جانشین خدای رحمان؛ سلام بر تو ای شریک و هم سنگ قرآن؛ سلام بر تو ای دارای دلیل و برهان قاطع؛ سلام بر تو ای امام آدمیان و جنیان؛ سلام بر تو و بر اجداد پاک و پدران پاکیزه ات که معصوم بودند؛ و رحمت و برکت های الهی نثار تان باد.

ص: ۶۰۶

---

۱- ۱) . مصباح المتهجد: ۸۲۱، [۱] مصباح الزائر: ۴۹۳، [۲] المزار الكبير: ۲۰۳، إقبال الأعمال: ۱۲۴. [۳]

۲- ۲) . ضیاء الصالحین: ۲۴۳، ملحقات التحفه الطوسیّه: ۱۴۰.

عَلَّامَةٌ مَجْلِسِي رَحْمَةِ اللَّهِ مِي فَرْمَايِد: دَر يَك نَسْخَه كَهْن كِه مَرْبُوط بَه عِلْمَاي شِيْعَه اسْت، اَيْن عِبَارَت هَا رَا يَافْتَم: طَلَب اِذْن بَرَاي وِرُود بَه سَرْدَاب مَقْدَّس و نِيَز حَرَم اِمَامَان عَلِيْهِم السَّلَام:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ بَقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا، وَ عَقُوبَةُ شَرَفْتَهَا، وَ مَعَالِمُ زَكَّيْتَهَا، حَيْثُ اَظْهَرْتَ فِيْهَا اَدْلَةَ التَّوْحِيدِ، وَ اَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، اَلْمَدِينِ اِصْطِفَيْتَهُمْ مَلُوكًا لِحِفْظِ النِّظَامِ، وَ اِخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لْجَمِيْعِ الْاَنْامِ، وَ بَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ فِيْ اِبْتِدَاءِ الْوَجُودِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابِهِ اَنْبِيَاءَكَ لِحِفْظِ شَرَايِعِكَ وَ اَحْكَامِكَ، فَاكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ الْمُنْذِرِيْنَ، كَمَا اَوْجِبْتَ رِيَاْسَتَهُمْ فِيْ فِطْرِ الْمَكْلُوفِيْنَ. فَسُبْحَانَكَ مِنْ اِلَهٍ مَا اَرَأْفَكَ، وَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا اَعْدَلُكَ، حَيْثُ طَابَقَ صَنْعُكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ

بارالها؛ اين مکان جایی است که آن را پاکیزه و مطهر گردانیدی، و صحن و سرائی است که شرافت مند کردی، و نشانه هایی است که خالص و ناب قرار داده ای؛ زیرا، دلیل های یگانه پرستی، و نمایشگران عرش شکوه منددت را در آن ها گذاشتی. همان هایی که به عنوان پادشاهان برگزیدی تا نظام هستی را نگهدار باشند، و به عنوان سرآمد و رئیس تمام مردم انتخاب کردی و برگزیدی، و برای برپایی عدالت از ابتدای هستی تا روز قیامت برانگیختی. پس از آن نیز بر آنان منت نهادی تا پیامبران را جهت حفظ و نگهداری شرایع و احکام دینت به عنوان نمایان ایشان بفرستی. پس با این جانشینی نیز رسالت بیم دهندگان را تکمیل کردی؛ چنان که فطرت و سرشت تمام مکلفان ریاست این بزرگواران را بر خود واجب می داند. تو منزهی؛ چه خدای مهربان و رؤوفی هستی؛ جز تو معبودی نیست؛ چه پادشاه عادل و دادگری هستی؛ چنان که ساختار آفریدگانت با آن چه

العقول، و وافق حکمک ما قزرتہ فی المعقول و المنقول، فلک الحمد علی تقدیرک الحسن الجمیل، و لک الشکر علی قضائک المعامل بأكمل التعلیل، فسبحان من لا یسئل عن فعله، و لا ینزع فی أمره، و سبحان من کتب علی نفسه الرّحمه قبل ابتداء خلقه. و الحمد لله الذی منّ علینا بحکام یقومون مقامه لو کان حاضرا فی المكان، و لا إله إلاّ الله الذی شرفنا بأوصیاء یحفظون الشّرایع فی کلّ الأزمان، و الله أكبر الذی أظهرهم لنا بمعجزات یعجز عنها الثّقلان، و لا حول و لا قوه إلاّ بالله العلیّ العظیم، الذی أجرأنا علی عوائده الجميله فی الامم السّالفین. اللَّهُمَّ فلک الحمد و الثّناء العلیّ کما وجب لوجهک البقاء السّرمدیّ، و کما جعلت نبینا خیر النّبیین، و ملوکنا أفضل المخلوقین، و اخترتهم علی علم علی العالمین، و فّقنا للسّعی

خردها را بر آن سرشته ای مطابقت دارد، و حکمت و دستورت در آنچه با عقل و نقل ادراک شود موافق است. حمد و ستایش ویژه توست؛ به جهت تقدیر و سرنوشت زیبا و نیکوی تو، و سپاسگزاری مخصوص توست؛ به جهت قضا و سرنوشت تو که به کامل ترین علل و اسباب ثابت گردیده. منزه است خدایی که در مورد انجام کارهایش کسی نمی تواند از او چیزی پرسد و دستوراتش مورد چون و چرا قرار نمی گیرد. منزه است کسی که مهربانی و رحمت را بر خویشتن پیش از شروع به آفرینش مخلوقات لازم فرموده است. ستایش ویژه خدایی است که بر ما ممت نهاد و حاکمانی مقرر کرد که به جای او می ایستند اگر خداوند در مکان حاضر بود؛ جز خدا معبودی نیست؛ خدایی که به ما شرافت بخشید به اوصیا و جانشینانی که دین و آیین الهی را در هر زمان نگهبانی فرمایند. خدا بزرگ تر از این است که توصیف گردد؛ همان که به فرستادگان و نمایندگانش معجزاتی داد که هیچ یک از جنّ و انس توان انجام آن معجزات را ندارند. هیچ جنبش و نیرویی جز از خداوند نیست؛ خدای بلندمرتبه و باعظمتی که لطف و مهربانی و احسان زیبایش از امت های پیشین را برای ما نیز ادامه داده است. بارالها؛ تنها تو را می ستایم و به ثناگویی و مدح والای تو می پردازم؛ زیرا، بقای همیشگی مخصوص ذات توست؛ و پیامبر ما را بهترین پیامبران، و پادشاهان و امامان ما را بافضیلت ترین مخلوقات قرار دادی، و با علم و آگاهی ایشان را بر همه جهانیان برگزیدی؛ ما را موفق گردان تا برای رسیدن

إلى أبوابهم العامره إلى يوم الدين، و اجعل أرواحنا تحنّ إلى موطن أقدامهم، و نفوسنا تهوى النّظر إلى مجالسهم و عرصاتهم، حتّى كأننا نخاطبهم فى حضور أشخاصهم، فصلّى الله عليهم من سادّه غائبين، و من سلاله طاهرين، و من أئمّه معصومين. اللَّهُمَّ فأذن لنا بدخول هذه العرصات الّتى استعبدت بزيارتها أهل الأرضين و السّماوات، و أرسل دموعنا بخشوع المهابه، و ذلك جوارحنا بذلّ العبوديّة و فرض الطّاعه، حتّى نقرّ بما يجب لهم من الأوصاف، و نعترف بأنهم شفعاؤ الخلاق إذا نصبت الموازين فى يوم الأعراف، و الحمد لله و سلام على عباده الّذين اصطفى محمّد و اله الطّاهرين.

به درگاه شان كه آباد است تا قيامت، تلاش كنيم. روح و روان ما را مشتاق و ماييل قدمگاهشان كن. جان ما را واله و شيداي نگاه كردن به مجلس ها و صحن و سراى شان گردان. به گونه اى كه گويا حضور عيني دارند و ما با آنان گفت و گو مى كنيم. پس خداوند بر اين آقايمان و سروران پنهان از دیدگان، از نسل پاكان، و امامان معصوم و دور از گناهان؛ درودى پيوسته نثار كند. بارالها؛ اجازه بفرما تا وارد اين صحن و سراها شويم كه از ساكنان زمين ها و آسمان ها خواسته اى با زيارت شان تو را پرستند و عبادتت را به جاي آورند؛ اشك هاى ما را با خشوعى كه از هيبت سرچشمه گرفته بريزان، و اعضا و جوارح ما را به فروتنى بندگى و وجوب فرمان بردارى رام گردان؛ تا بدين وسيله، به اوصافى كه لازمه وجودى ايشان است اقرار كنيم، و اعتراف نماييم كه ايشان در روز شناخته شدن (قيامت) كه ميزان سنجش اعمال برقرار مى شوند شفيعان تمام مخلوقات (لايق شفاعت) هستند. ستايش ويژه خداست؛ و سلام بر بندگان برگزيده خداوند، حضرت محمّد و آل پاكش.

پس از اين دعا؛ آستان را ببوس و درحال فروتنى و با گريه و اشك وآه وارد شو؛ زيرا فروتنى و گريه، علامت اين است آن بزرگواران اجازه ورودت داده اند. (۱)

ص: ۶۰۹

## ۱۰- زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

در سرداب مقدّس

زیارت امام زمان ارواحنا فداه در سرداب مقدّس را باید پس از زیارت امام حسن عسکری و پدر بزرگوارش امام هادی علیهما السلام انجام دهی.

پس از آن که از زیارت آن دو بزرگوار فارغ شدی و بهره کامل بردی، به سوی سرداب مقدّس حرکت کن و برکنار درب آن بایست و بگو:

إلهی إنی قد وقفت علی باب بیت من بیوت نبیک محمد صلواتک علیه و اله، و قد منعت الناس من الدّخول إلی بیوته إلا بإذنه، فقلت یا أيّها الذّین آمنوا لا تدخلوا بیوت النّبیّ إلا أن یؤذّن لکم (۱). اللَّهُمَّ و إنی أعتقد حرمة نبیک فی غیبتہ، كما أعتقد فی حضرته، و أعلم أنّ رسولک و خلفاءک أحياء عندک یرزقون، یرون مکانی، و یسمعون کلامی، و یردّون سلامی علیّ، و أنّک حجبت عن سمعی کلامهم، و فتحت باب فهمی

بارالها؛ همانا، من بر درگاه خانه ای از خانه های پیامبرت حضرت محمد -صلوات و درود تو بر او و آل او- ایستاده ام و تو با تأکید مردم را از این که بدون اجازه وارد خانه هایش شوند، بازداشته ای و فرموده ای: «ای ایمان آورندگان؛ جز با اجازه، وارد خانه های پیامبر نشوید». خداوندا؛ به راستی که من به احترام پیامبرت در فقدانش عقیده دارم انسان که در دوران حضورش اعتقاد داشتم، و به یقین می دانم که پیامبر و جانشینان زنده اند و در پیشگاه تو روزی داده می شوند، مکان و جایگاه مرا می بینند و سخنم را می شنوند و پاسخ سلامم را مرحمت می نمایند، و این تویی که مرا از شنیدن کلام آنان بازداشته و درب فهم مرا

ص: ۶۱۰

---

۱- ۱). سورة احزاب، آیه ۵۳. [۱]

بلذیذ مناجاتهم، فإني أستأذنك يا ربّ أوّلا، و أستأذن رسولك صلواتك عليه و اله ثانيا، و أستأذن خليفتك الإمام المفروض عليّ طاعته، في الدخول في ساعتی هذه إلى بيته، و أستأذن ملائكتك الموكّلين بهذه القطعه المباركه المطيعه السامعه. السّلام عليكم أيّها الملائكه الموكّلون بهذا المشهد الشّريف المبارك و رحمه الله و بركاته. يا ذن الله، و إذن رسوله، و إذن خلفائه، و إذن هذا الإمام، و إذنكم صلوات الله عليكم أجمعين، أدخل إلى هذا البيت متقرّبا إلى الله بالله و رسوله محمّد و اله الطّاهرين، فكونوا ملائكه الله أعوانی، و كونوا أنصاري، حتّى أدخل هذا البيت، و أدعو الله بفنون الدّعوات، و أعترف لله بالعبوديّه، و لهذا الإمام و أبائه صلوات الله عليهم بالطّاعه.

به لذت مناجات با آنان گشوده ای. بدین سان، من ابتدا از تو، آن گاه از رسولت، که صلوات و درود تو بر او و آل او باد، و پس از او از جانشین تو و امام عزیزی که فرمان بری از او بر من واجب است؛ کسب اجازه می کنم تا در این ساعت وارد خانه اش شوم. و از فرشتگانی که در این بقعه بابرکت گمارده شده اند و فرمانبردار و شنوا هستند نیز کسب اجازه می کنم. سلام بر شما، ای فرشتگان گمارده شده در این زیارتگاه بابرکت شرافت مند؛ و رحمت و برکات خدا نیز بر شما باد. با اجازه خدا، رسولش، جانشینانش؛ و با اجازه این امام عزیز، و با اجازه شما فرشتگان- که بر همه شما درود باد- وارد این خانه می شوم درحالی که به سوی خداوند تقرّب می جویم، به کمک خداوند و رسول خدا محمّد صلی الله علیه و اله و سلّم و آل پاک او. حالا، ای فرشتگان الهی؛ شما کمک رسان و یاوران من باشید تا بتوانم به درستی وارد این بیت عظیم الشان گردم، و به انواع دعاها خدا را بخوانم، و اعتراف کنم به عبودیت و بندگی برای خداوند و اطاعت و فرمانبرداری برای این امام عزیز و پدران بزرگوارش که درود خدا بر ایشان باد.

آنگاه با پای راست وارد می شوی و به سمت سرداب مقدّس پایین می روی، در حالی که می گویی:



بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مَلِّهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

به نام خدا، با کمک خدا، در راه خدا، و بر آیین رسول خدا- که درود خدا بر او و آل او باد- (وارد می شوم) و گواهی می دهم که جز خدای یگانه بی شریک، معبودی نیست و حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم بنده و فرستاده الهی است.

پس از آن، تکبیر (الله اکبر)، تحمید (الحمد لله)، تسبیح (سبحان الله) و تهلیل (لا اله الا الله) می گویی تا وقتی که به محل اصلی سرداب مقدس برسی. آنگاه رو به قبله بایست و بگو:

سلام الله و برکاته و تحياته و صلواته على مولاي صاحب الزمان، صاحب الضيآء و النور، و الدّين المأثور، و اللّوآء المشهور، و الكتاب المنشور، و صاحب الدهور و العصور، و خلف الحسن، الإمام المؤمن، و القائم المعتمد، و المنصور المؤيد، و الكهف و العضد، عماد الإسلام، و ركن الأنام، و مفتاح الكلام، و ولي الأحكام، و شمس الظلام، و بدر التمام، و نصره الأيام، و صاحب الصمصام، و فلاق الهام، و البحر القمقام، و السّيد الهمام، و حجّه الخصام، و باب المقام ليوم

سلام خدا و برکت ها و احترامات ویژه و درودهای خداوند بر مولایم صاحب زمان؛ او که دارنده نور و روشنائی، دین راستین بجای مانده از پدران، رایت آشکار، کتاب منتشر شده، صاحب تمام روزگاران و عصرها؛ یعنی فرزند و جانشین امام حسن عسکری، امام و پیشوای مورد اطمینان، قیام کننده مورد اعتماد، یاری شونده مورد تأیید، پناهگاه و پشتیبان، پایه اصلی اسلام، تکیه گاه مردم، کلید سخن، سرپرست احکام الهی، خورشید روشنی بخش تاریکی ها، ماه کامل تمام، و خرّمی و طراوت روزگاران، دارای شمشیر بزننده و به هدف زننده، شکافنده سرها، دریای پر آب، سالار و سرور دلیر و بخشنده، حجّت و دلیل علیه دشمنان، و درگاه آستان الهی در روز

القیام. و السّیلام علی مفرّج الكربات، و خوّاض الغمرات، و منقّس الحسرات، و بقیّه اللّٰه فی أرضه، و صاحب فرضه، و حجّته علی خلقه، و عیبه علمه، و موضع صدقه، و المنتهیّ الیه موارث الأنبیاء، و لدیه موجود اثار الأوصیاء، و حجّج اللّٰه، و ابن رسوله، و القیم مقامه، و ولیّ امر اللّٰه، و رحمه اللّٰه و برکاته. اللَّهُمَّ کما انتجیته لعلمک، و اصطفیته لحکمک، و خصصته بمعرفتك، و جلّلته بکرامتک، و غشّیته برحمتک، و ربّیته بنعمتک، و غذّیته بحکمتک، و اخترته لنفسک، و اجتبیته لبأسک، و ارتضیته لقدسک، و جعلته هادیا لمن شئت من خلقک، و دیان الدّین بعدلک، و فصل القضا یا بین عبادک. و وعدته أن تجمع به الکلم، و تفرّج به عن الامم، و تنیر بعدله الظّلم، و تطفیّ به نیران الظّلم، و تقمع به حرّ الکفر و اثاره، و تطهّر به بلادک،

قیام و برپایی. و سلام بر آن کسی که گرفتاری ها را برطرف می کند، و سختی های مرگ بار را آسان می کند، و حسرت ها را از بین می برد، و باقی مانده حجّت های خدا در زمین است، و صاحب فرض و دستور اکید الهی است، و حجّت خدا بر خلقش است، و جایگاه دانش الهی است، و محلّ استقرار راستگویی اوست، و میراث پیامبران به او رسیده است، و آثار اوصیا نیز نزد اوست، و حجّت خدا و فرزند رسول خدا و قائم مقام اوست، و ولیّ و سرپرست امر و فرمان الهی است؛ و رحمت و برکات خداوند بر او باد. بارالها؛ همان گونه که او را برای دانشت برگزیدی، و برای حکمت و دستورت انتخاب کردی، و مخصوص شناخت ویژه ات گردانیدی، و با کرامت خود شکوه مندش ساختی و او را با رحمت فراگرفتی، و با نعمت خویش پرورش دادی، و با حکمت خود او را تغذیه نمودی، و برای خویشتن اختیار و انتخاب کردی، و برای خشم و قدرتت برگزیدی، و برای قدس و پاکیت او را پسندیدی، و هدایت گری برای بندگان و مخلوقاتی که خواستی قرارش دادی، و او را حاکم و فرمانروای حکومت عادلانه خویش قرار دادی، و برای پایان دادن به داوری ها بین مردم برگزیدی، و به او وعده دادی وحدت کلمه به وسیله او ایجاد کنی، و امت های مختلف را نجات بخشی، و تاریکی ها را با عدالتش به روشنی بدل سازی و آتش ظلم را با او خاموش کنی، و گرمی بازار ناسپاسی و کفر و آثار آن را از بین ببری، و سرزمین هایت را به کمک او پاکسازی کنی،

و تشفی به صدور عبادک، و تجمع به الممالک کلها، قریبها و بعیدها، عزیزها و ذلیلها، شرقها و غربها، سهلها و جبلها، صباها و دبورها، شمالها و جنوبها، بزها و بحرها، حزونها و وعورها، یملاها قسطا و عدلا، کما ملئت ظلما و جورا، و تمکن له فیها، و تنجز به وعد المؤمنین، حتی لا یشرک بک شیئا، و حتی لا یبقی حقّ إلاّ ظهر، و لا عدل إلاّ زهر، و حتی لا یتستخفی بشیء من الحقّ مخافه أحد من الخلق. اللهم صلّ علیه صلاه تظهر بها حجّته، و توضح بها بهجته، و ترفع بها درجته، و تؤید بها سلطانه، و تعظم بها برهانه، و تشرف بها مکانه، و تعلی بها بنیانه، و تعزّب بها نصره، و ترفع بها قدره، و تسمی بها ذکره، و تظهر بها کلمته، و تکثر بها نصرته، و تعزّب بها دعوته، و تزیده بها إکراما، و تجعله للمتّقین إماما، و تبلّغه

و سینّه بندگان را شفا بخشی، و تمام مملکت ها را یکی کنی؛ نزدیک آن را و دور آن را، باعزت آن را و زبردست و ذلیل آن را، شرق آن را و غرب آن را، دشت آن را و کوه آن را، چراگاه های آن را و بیابان های آن را، شمال آن را و جنوب آن را، خشکی آن را و دریای آن را، زمین های درشت و برآمده آن را و راه های سخت و دشوار آن را؛ همه را پر از عدل و داد می گرداند همان طور که پر از ظلم و جور و ستم شده باشد. نیز، وعده دادی که او را استقرار بخشی و قدرتمند گردانی، وعده مؤمنان را محقق کنی، تا جایی که چیزی شریک تو گرفته نشود، و حقی نماند جز آن که آشکار گردد، و عدلی نماند مگر آن که درخشش نماید، و چیزی از حقّ و حقیقت را به دلیل ترس از هیچ یک از مخلوقات مجبور به پنهان کردن نشود. بارالها؛ آن طور بر او درود بفرست که حجّت و دلیلش را بدین وسیله ظاهر کنی، و تروتازگی و شادمانی اش را آشکار گردانی، و درجه اش را بالا ببری، و سلطنتش را تأیید و تقویت گردانی، و دلیل و برهانش را ارزشمند کنی، و جایگاهش را شریف گردانی، و اساس و بنیان او را بلندمرتبه کنی، و یاری او را عزیز و نیرومند بفرمایی، و ارزش او را بالا ببری، و یادش را نمودار کنی، و کلمه اش را آشکار گردانی. هم چنین درود تو باعث افزایش یاریش، عزّت مندی دعوتش، افزایش کرامتش، و پیشوا شدن او برای پرهیزگاران شود.

فی هذا المكان مثل هذا الأوان، و فی کلّ مكان مَنّا تحیه و سلاما، لا یبلی جدیده، [و لا یفنی عدیده]. السّلام علیک یا بقیّه الله فی أرضه و بلادہ، و حجّته علی عبادہ، السّلام علیک یا خلف السّلف، السّلام علیک یا صاحب الشّرف، السّلام علیک یا حجّہ المعبود، السّلام علیک یا کلمه المحمود، السّلام علیک یا شمس الشّمس، السّلام علیک یا مهدیّ الأرض و عین الفرض، السّلام علیک یا مولای یا صاحب الزّمان و العالی الشّان، السّلام علیک یا خاتم الأوصیاء و ابن الأنبیاء، السّلام علیک یا معزّ الأولیاء و مدلّ الأعداء، السّلام علیک أيّها الإمام الفرید، السّلام علیک أيّها الإمام المنتظر و الحقّ المشتہر، السّلام علیک أيّها الإمام الولیّ المجتبیّ و الحقّ المشتہی، السّلام علیک أيّها الإمام المرتجی لإزاله

در این جا و این لحظه و در هر جای دیگری از ما به او سلام و احترامات ویژه ای را برسانی که جدید آن کهنه نگردد و بهره آن از بین نرود. سلام بر تو ای باقی مانده حجّت های الهی در زمین و شهرهای آن، و حجّت خدای تعالی بر بندگانش؛ سلام بر تو ای جانشین راستین گذشتگان، سلام بر تو ای صاحب شرافت، سلام بر تو ای حجّت خدای شایسته پرستش، سلام بر تو ای کلمه ستوده شده؛ سلام بر تو ای خورشید خورشیدها، سلام بر تو ای هدایت شده و هدایت کننده اهل زمین، سلام بر تو ای چشمه دین، سلام بر تو ای مولای من و ای صاحب اختیار زمان، و ای دارای مقام و شأن والا، سلام بر تو ای پایان بخش اوصیا و جانشینان الهی، ای فرزند پیامبران؛ سلام بر تو ای عزّت بخش دوستان و ذلیل کننده دشمنان؛ سلام بر تو ای امام تنها، سلام بر تو ای پیشوای مورد انتظار همگان، ای حقیقت مشهور و معروف و آشکار در بین همگان؛ سلام بر تو ای ولیّ و سرپرستی که با دقّت انتخاب شده است، ای حقیقتی که همه، خواهش دیدارش را دارند، سلام بر تو ای پیشوایی که برای از بین بردن

الجور و العدوان، السّلام عليك أيّها الإمام الميّد لأهل الفسوق و الطّغيان، السّلام عليك أيّها الإمام الهادم لبنيان الشّرك و النّفاق، و الحاصد فروع الغيّ و الشّقاق، السّلام عليك أيّها المدّخر لتجديد الفرائض و السنن، السّلام عليك يا طامس اثار الزّيف و الأهواء، و قاطع حبائل الكذب و الفتن و الإفتراء، السّلام عليك أيّها المؤمّل لإحياء الدّوله الشّريفه، السّلام عليك يا جامع الكلمه على التّقوى، السّلام عليك يا باب الله، السّلام عليك يا ثار الله، السّلام عليك يا محيي معالم الدّين و أهله، السّلام عليك يا قاصم شوكة المعتدين، السّلام عليك يا وجه الله الّذي لا يهلك و لا يبلى إلى يوم الدّين، السّلام عليك أيّها السّيب المتّصل بين الأرض و السّماء، السّلام عليك يا صاحب الفتح و ناشر رايه الهدى، السّلام عليك يا مؤلّف

ستم و تجاوز و دشمنی امیدوارش هستیم؛ سلام بر تو ای امام نابودگر فاسقان و سرکشان؛ سلام بر تو ای امام ویران کننده اساس شرک و دورویی؛ ای دروکننده شاخه های گمراهی و بدبختی؛ سلام بر تو ای ذخیره شده برای نوسازی واجبات و مستحبات؛ سلام بر تو ای از بین برنده نشانه های انحراف و هواپرستی؛ و قطع کننده رشته های دروغ و فتنه و تهمت؛ سلام بر تو ای کسی که برای احیای دولت شریف اسلامی مورد آرزو است. سلام بر تو ای ایجادکننده وحدت براساس تقوا و پرهیزکاری؛ سلام بر تو ای باب و درگاه الهی؛ سلام بر تو ای خون خدا؛ سلام بر تو ای زنده کننده نشانه های اصلی دین و زنده کننده دین داران؛ سلام بر تو ای درهم شکننده شکوه ظاهری تجاوزکاران؛ سلام بر تو ای وجه خدا که نه نابودی دارد و نه کهنه می شود؛ تا روز قیامت؛ سلام بر تو ای سبب اتصال و ارتباط بین زمین (ناسوتیان) و آسمان (عرشیان)؛ سلام بر تو ای دارنده پیروزی و برافرازنده پرچم و نشانه هدایت؛ سلام بر تو ای گردآورنده

شمل الصّیّاح و الرّضا، السّیّلام علیک یا طالب ثار الأنبیاء و أبناء الأنبیاء، و الثّائر بدم المقتول بکربلاء، السّیّلام علیک أیها المنصور علی من اعتدی، السّیّلام علیک أیها المنتظر المجاب إذا دعی، السّیّلام علیک یا بقیّه الخلائف، البرّ التّقیّ، الباقی لإزاله الجور و العدوان، السّیّلام علیک یا بن محمّد المصطفی، السّلام علیک یا بن علیّ المرتضی، السّلام علیک یا بن فاطمه الزّهرآء، السّلام علیک یا بن خدیجه الكبرى، و ابن السّاده المقرّبین و القاده المتّقین، السّلام علیک یا بن النّجباء الأکرمین، السّلام علیک یا بن الأصفیاء المهذّبین، السّیّلام علیک یا بن الهداه المهذّبین، السّلام علیک یا بن خیره الخیر، السّلام علیک یا بن ساده البشر، السّلام علیک یا بن الغطارفه الأکرمین، و الأطائب المطهّرين، السّلام علیک یا بن

پراکندگی شایستگی و خشنودی، سلام بر تو ای کسی که خون پیامبران و پسران شان را طلب می کنی، و به خون خواهی امام حسین علیه السّیّلام که در کربلا کشته شده، به قیام برمی خیزی؛ سلام بر تو ای کسی که در مقابله با کسانی که تجاوز کرده اند، یاری می شوی؛ سلام بر تو ای کسی که مورد انتظار هستی و هنگامی که دعا کنی پاسخ داده می شوی، سلام بر تو ای باقی مانده جانشینان الهی، ای نیک مرد پرهیزکار که برای از بین بردن ستم و تجاوزگری، باقی مانده ای؛ سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علیّ مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه بزرگ ترین زن زمانه اش، و فرزند سرورانی که مقرب درگاه ربوبی اند، و فرزند فرمانروایان پرهیزکار؛ سلام بر تو ای فرزند نجیبان بزرگوار، سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان پاک، سلام بر تو ای فرزند هدایت گران هدایت شده، سلام بر تو ای فرزند خوب ترین خوبان، سلام بر تو ای فرزند سروران بشریت، سلام بر تو ای فرزند سروران بزرگواران، و خوبان پاکیزگان، سلام بر تو ای فرزند

البره المنتجبين، و الخضارمه الأنجيين، السلام عليك يا بن الحجج المنيره، و السرج المضيئه، السلام عليك يا بن الشهب الثاقبه، السلام عليك يا بن قواعد العلم، السلام عليك يا بن معادن الحلم، السلام عليك يا بن الكواكب الزاهره، و النجوم الباهره، السلام عليك يا بن الشموس الطالعاه، السلام عليك يا بن الأقمار الساطعه، السلام عليك يا بن السبل الواضحه، و الأعلام اللائحه، السلام عليك يا بن السنين المشهوره، السلام عليك يا بن المعالم المأثوره، السلام عليك يا بن الشواهد المشهوره، و المعجزات الموجوده، السلام عليك يا بن الصراط المستقيم، و النبأ العظيم، السلام عليك يا بن الايات البينات، و الدلائل الظاهرات، السلام عليك يا بن البراهين الواضحات، السلام عليك يا بن الحجج البالغات،

نيكان انتخاب شده، و بسيار عطاکنندگان بزرگواران و بخشندگان. سلام بر تو ای فرزند حجت های پرتوبخش، و چراغ های تابان، سلام بر تو ای فرزند ستارگان درخشان، سلام بر تو ای فرزند پایه ها و ارکان دانش حقیقی، سلام بر تو ای فرزند معدن های حلم و بردباری، سلام بر تو ای فرزند کوكب های درخشنده و ستارگان زیبا و نورانی، سلام بر تو ای فرزند خورشیدهای آشکارشده تابان، سلام بر تو ای فرزند ماه های تابنده، سلام بر تو ای فرزند راه های آشکار، و نشانه های هویدا، سلام بر تو ای فرزند سنت های مشهور و زبانزد، سلام بر تو ای فرزند نشانه های بجای مانده از گذشتگان، سلام بر تو ای فرزند شاهدان گواهی شده، و معجزاتی که هنوز موجودند، سلام بر تو ای فرزند راه راست، و خبر بزرگ، سلام بر تو ای فرزند نشانه ها و آیه های روشنت و دلیل های آشکار و هویدا؛ سلام بر تو ای فرزند برهان های نمایان، سلام بر تو ای فرزند حجت های و دلیل های رسا،

و النعم السابغات، السلام عليك يا بن طه و المحكمات، و يس و الذاريات، و الطور و العاديات، السلام عليك يا بن من دني فتدلى فكان قاب قوسين أو أدنى، و اقترب من العلي الأعلى. ليت شعري أين استقرت بك النوى، أو أنت بوادي طوى، عزيز علي أن أرى الخلق و لا ترى، و لا يسمع لك حسيس و لا نجوى، عزيز علي أن يرى الخلق و لا ترى، عزيز علي أن تحيط بك الأعداء، بنفسى أنت من مغيب ما غاب عنا، بنفسى أنت من نازح ما نرح عنا و نحن نقول، الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و اله أجمعين.

و نعمت های فراوان و فراگیر، سلام بر تو ای فرزند طه و آیات محکم الهی، و یاسین و ذاریات، و طور و عادیات، سلام بر تو ای فرزند کسی که آن قدر نزدیک شد که نزدیکیش با خداوند هم چون دو طرف کمان یا کم تر از آن بود، و به خداوند بلندمرتبه و الامقام (از جهت معنوی) نزدیک شد؛ ای کاش می دانستم در کجا استقرار یافته ای، آیا در وادی طوا هستی؟! چه قدر برایم سخت و تحملش دشوار است که مردم را ببینم ولی تو-محبوبم-را نبینم؛ و حتی هیچ صدای پنهان و صحبت آرامی نیز از تو نشنوم؛ برای من سنگین است که مردم و مخلوقات دیده شوند ولی تو دیده نشوی؛ برای من سنگین است که دشمنان تو را احاطه کرده باشند. جانم فدایت ای پنهان شده ای که در واقع از ما پنهان نیستی جانم فدایت، ای دوری که در واقع از ما جدا نیستی؛ و ما می گوییم: ستایش به خدا، پروردگار هستی، اختصاص دارد؛ و خدا درودی پیوسته بر محمد و تمام خاندانش نثار فرماید.

آن گاه دو دست خود را به سوی آسمان بلند نموده و می گویی:

اللهم أنت كاشف الكرب و البلوى، و إليك نشكو غيبه إمامنا، و ابن بنت نبينا. اللهم فاملاً به الأرض عدلاً و قسطاً، كما

بارالها؛ تو برطرف کننده اندوه و بلا- و مصیبت ها هستی؛ از پنهانی و غیبت اماممان به تو شکایت می کنیم؛ همو که فرزند دختر پیغمبرمان است. بارالها؛ (از تو می خواهیم که) زمین را همان گونه که پر از ستم های آشکار و پنهان است، پر



ملئت ظلما و جورا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَرْنَا سَيِّدَنَا وَ صَاحِبَنَا وَ إِمَامَنَا وَ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، وَ مَلْجَأَ أَهْلِ عَصْرِنَا، وَ مَنْجَا أَهْلِ دَهْرِنَا، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيَا مِنَ الضَّلَالَةِ، مَنْقِذَا مِنَ الْجِهَالَةِ، وَ أَظْهَرَ مَعَالِمِهِ، وَ ثَبَّتَ قَوَاعِدَهُ، وَ أَعَزَّ نَصْرَهُ، وَ أَطْلَعَ عَمْرَهُ، وَ أَبْسَطَ جَاهَهُ، وَ أَحْيَى أَمْرَهُ، وَ أَظْهَرَ نُورَهُ، وَ قَرَّبَ بَعْدَهُ، وَ أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ أَوْفَى عَهْدَهُ، وَ زَيَّنَ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، وَ دَوَّامِ مَلِكِهِ، وَ عُلُوِّ ارْتِقَائِهِ وَ ارْتِفَاعِهِ، وَ أَنْرَ مَشَاهِدِهِ، وَ ثَبَّتَ قَوَاعِدَهُ، وَ عَظَّمَ بَرَهَانَهُ، وَ أَمَدَ سُلْطَانَهُ، وَ أَعْلَى مَكَانَهُ، وَ قَوَّ أَرْكَانَهُ، وَ أَرْنَا وَجْهَهُ، وَ أَوْضَحَ بَهْجَتَهُ، وَ أَرَفَعَ دَرَجَتَهُ، وَ أَظْهَرَ كَلِمَتَهُ، وَ أَعَزَّ دَعْوَتَهُ، وَ أَعْطَى سَأْلَهُ، وَ بَلَّغَهُ يَا رَبِّ مَأْمُولَهُ، وَ شَرَّفَ مَقَامَهُ، وَ عَظَّمَ إِكْرَامَهُ، وَ أَعَزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَحْيَى بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَذَلَّ بِهِ الْمُنَافِقِينَ، وَ أَهْلَكَ بِهِ

از عدل و داد کنی و این کار را به وسیله او به انجام برسانی. بارالها! بر محمد و اهل بیت او درودی پیوسته نثار کن؛ و آقای ما، صاحب اختیار ما، پیشوای خوب ما، مولای ما، صاحب زمان ما، پناه مردم و موجودات روزگار ما، نجات بخش مخلوقات زمانه ما را به ما بنمایان؛ با گفتاری آشکار و دلائلی روشن، و هدایت گری از گمراهی ها، و نجات بخشی از نادانی ها؛ و دستورات و نشانه هایش را آشکار ساز، پایه هایش را محکم گردان، یاریش را با عزت و نیرومند گردان، دوران زندگانش را طولانی فرما، اعتبار و مقامش را گسترش بده، امر ولایتش را زنده کن، روشنی و نورش را ظاهر کن، دوریش را نزدیک فرما، وعده اش را جامه عمل بپوشان و به عهد و پیمان او وفا کن، و زمین را به واسطه حضور و باقی ماندن طولانیش و پایداری حکومت و دولتش، و بلندی و بلندمرتبتگی اش مزین فرما. مکان های حضورش را نورباران کن، پایه های حکومتش را محکم و پایدار فرما، دلیل و برهان او را مورد تعظیم قرار بده، سلطنتش را امتداد بده، جایگاهش را رفیع و والا کن، ارکان حکومتش را قوی کن، روی مبارکش را به ما بنمایان، تروتازگی و شادمانی اش را آشکار ساز، درجه و رتبه اش را بالا ببر، کلمه او را آشکار کن، فراخوانی او را عزت مند گردان، خواسته هایش را به او عطا کن، ای پروردگار من؛ به آرزوهایش به طور کامل برسان، مقام و منزلتش را شرافتمند کن، و گرامی داشت او را عظیم گردان، مؤمنان را به وسیله او عزت مند کن، سنت های رسولان را به وسیله او زنده کن، منافقان را به وسیله او خوار ساز، و زورگویان را به وسیله او هلاک کن،

الجبارین، و اکفه بغی الحاسدین، و أعذه من شرّ الکآئدین، و ازجر عنه إرادہ الظالمین، و أیده بجنوده من الملائکه مسؤمین، و سلطه علی أعداء دینک أجمعین، و أقصم به کلّ جبّار عنید، و أخدم بسیفه کلّ نار و قید، و أنفذ حکمه فی کلّ مکان، و أقم بسلطانه کلّ سلطان، و أقمع به عبده الأوثان، و شرّف به أهل القرآن و الإیمان، و أظهره علی کلّ الأدیان، و أكبت من عاداه، و أذلّ من ناواه، و استأصل من جحد حقّه، و أنکر صدقه، و استهان بأمره، و أراد إخماد ذکره، و سعی فی إطفاء نوره. اللَّهُمَّ نَوِّرْ بنوره کلّ ظلمه، و اکشف به کلّ غمّه، و قدّم أمامه الرّعب، و ثبت به القلب، و أقم به نصره الحرب، و اجعله القآثم المؤمّل، و الوصی المفضّل، و الإمام المنتظر، و العدل المختبر، و املاً به الأرض عدلاً و قسطاً، كما ملئت

و او را از ستم حسودان کفایت کن، و او را از شرّ حيله گران پناه بده، اراده و تصمیم ستمکاران را از او دور کن، با سپاهيانی از فرشتگانی که علامت دارند یاریش کن، و بر تمامی دشمنان دینت او را چیره و مسلط فرما. هر کسی را که زورگوی عنادپیشه است به واسطه آن حضرت نابود کن، هر آتش افروخته ای را با شمشیر او خاموش کن، دستورش را در تمام جاها نافذ گردان و عملی کن؛ با پادشاهی او، هر سلطنتی را ایجاد کن، بت پرستان را به واسطه او نابود کن، و اهل قرآن و ایمان را با او شریف گردان، و او را بر تمام دین ها چیره گردان و نمودار کن؛ و تمام دشمنانش را بیچاره و رسوا کن، و هر که او را هدف بگیرد و قصد سوء کند خوار گردان، و هر کس حق او را انکار کرد مستأصل و درمانده گردان، و هر کس منکر صداقت او شد یا دستورش را ضعیف و کوچک به حساب آورد، و در فکر از بین بردن یادش باشد، و در جهت خاموشی نورش تلاش کند را وامانده و بدبخت گردان. بارالها؛ با نور و روشنی او هر تاریکی را به روشنی بدل کن، و هر غم و اندوهی را برطرف گردان، و پیشاپیش او، رعب و وحشت را بفرست؛ دل و قلب مؤمنان را به وسیله او محکم و پایدار گردان، و پیروزی در جنگ را به او برپا دار؛ و او را همان قیام کننده ای که همه آرزویش را دارند، و برترین وصی و جانشینان و به عنوان پیشوای مورد انتظار و عدالت مند امتحان پس داده، قرارش بده، و به وسیله او زمین را- که پر از ستم های آشکار و پنهان است- پر از عدل

جورا و ظلما، و أعنه على ما وليته و استخلفته و استرعيته، حتى يجرى حكمه على كل حكم، و يهدى بحقه كل ضلاله، و احرسه اللهم بعينك التي لا تنام، و اكنفه بركنك الذي لا يرام، و أعزه بعزك الذي لا يضام، و اجعلني يا إلهي من عدده و مدده، و أنصاره و أعوانه و أركانه و أشياعه و أتباعه، و أذقني طعم فرحته، و ألبسني ثوب بهجته، و أحضرنى معه لبيعته، و تأكيد عقده بين الركن و المقام عند بيتك الحرام، و وقني يا رب للقيام بطاعته، و المثوى في خدمته، و المكث في دولته، و اجتناب معصيته، فإن توفيتني اللهم قبل ذلك، فاجعلني يا رب في من يكر في رجعته، و يملك في دولته، و يتمكن في أيامه، و يستظل تحت أعلامه، و يحشر في زمرة، و تقر عينه برؤيته، بفضلك و إحسانك، و كرمك و امتنانك، إنك ذو الفضل

و دادگردان؛ و در مورد انجام چیزهایی که سرپرستی و جانشینی و رعایتش را به او واگذار نموده ای یاری کن تا به انجام برساند، و در نتیجه حکم و حکومت او بر هر دستوری فایق آید، و با حقیقتش هر گمراهی را هدایت فرماید. بارالها؛ با آن دیده همیشه بیدارت که خواب برایش مفهوم و معنا ندارد، او را حراست و نگهداری کن؛ او را در کنف رکن رکن و محکم خود که شکسته نمی شود در آور؛ با عزت پایداری که چیزی بر آن چیره نشود، عزت مندش کن. مرا نیز-ای خدای من؛ -از جمله لشکریان و در شمار یاران او، و جزو انصار و کمک رسانان جبهه اش و سرداران سپاهش و شیعیان و دنباله روان او قرار بده. و طعم شادی و سرور او را به من بچشان، و لباس طراوت بهجتش را به من بپوشان، و مرا به حضورش برسان، تا در بین رکن و مقام و در کنار خانه محترمت نزد او باشم و با او بیعت کنم و پیمانی را که با او بستم بر آن تأکید ورزم. بارپروردگارا؛ مرا توفیق بده برای انجام فرمان او، و منزل گرفتن در خدمت او، و درنگ کردن و ماندن در دولت او، و دوری گزیدن از نافرمانی او. خدایا؛ اگر پیش از تشکیل حکومت او مرا میراندی، از کسانی قرار ده-ای پروردگار من؛ -که در زمان بازگشت او بازمی گردند، و در دولت او فرمانروا می شوند، و در ایام حکومت او قدرتمند می شوند، و در زیر پرچم های او درمی آیند، و در زمره او محشور می شوند، و چشم شان به دیدارش روشن می شود. این همه را با فضل و احسان و کرامت و منت بخشی خودت انجام بده. راستی، تو دارای فضل

العظیم، و المَنّ القدیم، و الإحسان الکریم.

باعظمت، مَنّت دیرینه، و نیکویی و احسان بزرگوارانه هستی.

سپس دوازده رکعت نماز (شش نماز دو رکعتی)، در همان جایی که هستی بجا می آوری، و در آن هر سوره ای که خواسته باشی قرائت نموده و ثوابش را به آن حضرت ارواحنا فداه هدیه می کنی. و پس از سلام هر دو رکعت نماز، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را انجام داده، سپس می گویی:

اللّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ، وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اَللّهُمَّ اِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتُ هَدِيَّةٌ مِّنِّي اِلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ اَوْلِيَائِكَ، اَلْاِمَامِ بِنِ الْاَثْمَةِ، اَلْخَلْفِ الصَّالِحِ، اَلْحَجَّجِ صَاحِبِ الزَّمَانِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَلِّغْهُ اِيَّاهَا، وَ اَعْطِنِي اَفْضَلَ اَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي رَسُوْلِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ اَلِهَ اَجْمَعِيْنَ وَ فِيهِ. (۱)

بارالها؛ تو، سلام هستی، و سلام و سلامتی، تنها از توست، و سلام به سوی تو برمی گردد؛ پروردگار ما؛ سلامی از خودت، به ما هدیه کن. بارالها؛ این چند رکعت نماز، هدیه ای از جانب من به ولی و دوست تو و فرزند ولایت و فرزند اولیای راستین است؛ همان پیشوایی که فرزند پیشوایان دین است، جانشین شایسته، حضرت حجّت و صاحب زمانه می باشد. پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و این نمازها را به آن حضرت برسان؛ و به من نیز برترین آرزو و امیدم به تو و رسالت و امام زمان؛ را عطا کن؛ درودهای بی کران تو بر حضرت رسول و تمام آل او نثار باد.

سید بزرگوار جناب سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: پس از نماز، دعای مشهوری را که در زمان غیبت حضرت قائم ارواحنا فداه خوانده می شود، بخوان. (۲)

ص: ۶۲۳

۱-۱. مصباح الزائر: ۴۱۸. [۱]

۲-۲. این دعا را در ص ۳۵۴ این کتاب نقل نمودیم.

## ۱۱- زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه

این زیارت، به زیارت ندبه معروف است که از ناحیه مقدّسه صادر شده و به دست مبارک ابو جعفر محمّد بن عبد الله حمیری رحمه الله رسیده است. (۱) و امر فرموده اند که این زیارت در سرداب مقدّس خوانده شود. (۲)

## ۱۲- زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه

زیارت دیگری که مولای ما حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در این مکان مقدّس با آن زیارت می شود؛ چنین است: دو رکعت نماز خوانده و پس از آن می گویی: سلام الله الكامل التّام. . . (۳). (۴)

## ۱۳- زیارت چهارم در سرداب مقدّس

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: پیش تر، کیفیت اذن ورود را در ابتدای زیارت آن حضرت ارواحنا فداه بیان کردیم؛ بدین سان، نیازی نیست که همراه با هریک از زیارت های حضرتش دوباره تکرار شود.

ص: ۶۲۴

---

۱-۱. این زیارت در ص ۵۶۶ این کتاب آمده است.

۲-۲. مصباح الزائر: ۴۳۰. [۱]

۳-۳. این زیارت نیز در ص ۱۲۷ کتاب آمده است.

۴-۴. مصباح الزائر: ۴۳۵. [۲]

پس از اذن ورود هنگامی که به سرداب مقدّس وارد شدی بگو:

السّلام عليك يا خليفة الله في أرضه، و خليفه رسوله و ابائه الأئمة المعصومين المهتدين، السّلام عليك يا حافظ أسرار ربّ العالمين، السّلام عليك يا وارث علم المرسلين، السّلام عليك يا بقيه الله من الصّيفوه المنتجين، السّلام عليك يا ابن الأنوار الزّاهره. السّلام عليك يا ابن الأشباح الباهره، السّلام عليك يا بن الصّور الثّيره الطّاهره، السّلام عليك يا وارث كنز العلوم الإلهيه، السّلام عليك يا حافظ مكنون الأسرار الرّبانيه، السّلام عليك يا من خضعت له الأنوار المجديه. السّلام عليك يا باب الله الّذي لا يؤتى إلاّ منه، السّلام عليك يا سبيل الله الّذي من سلك غير هلك، السّلام عليك يا حجاب الله الأزليّ القديم، السّلام عليك يا بن شجره طوبى و سدره المنتهى،

سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمینش؛ ای جانشین رسول خدا، و پدرانش امامان معصوم و هدایت شده؛ سلام بر تو ای حفظکننده اسرار و رازهای پروردگار جهانیان؛ سلام بر تو ای ارث برنده دانش رسولان الهی؛ سلام بر تو ای باقی مانده حجت های انتخاب شده و برگزیده الهی؛ سلام بر تو ای فرزند نورهای تابان؛ سلام بر تو ای فرزند اشباح زیارویان، سلام بر تو ای فرزند چهره های نورانی پاک، سلام بر تو ای ارث برنده گنج های دانش خداوندی؛ سلام بر تو ای نگهبان رازهای پنهان ربّانی، سلام بر تو ای کسی که روشنی های شکوه مند در برابر او ابراز فروتنی کرده اند. سلام بر تو ای درب ورودی به درگاه الهی که جز آن راهی برای رفتن نزد خدا نیست؛ سلام بر تو ای راه الهی که هر که جز آن را ببیماید نابود و هلاک می شود؛ سلام بر تو ای حجاب دیرینه و پایدار الهی؛ سلام بر تو ای فرزند درخت طوبا و سدره المنتهی (برترین و بالاترین مکان در بهشت)؛

ص: ۶۲۵

السَّلام عليك يا نور الله العَبدى لا يطفأ، السَّلام عليك يا حَجَّه الله الَّتى لا تخفى، السَّلام عليك يا لسان الله المعبَّر عنه، السَّلام عليك يا وجه الله المتقلَّب بين أظهر عباده، سلام من عرفك بما تعرَّفت به إليه، و نعتك ببعض نعتك الَّتى أنت أهلها و فوقها. أشهد أنَّك الحَجَّه على من مضى و من بقى، و أنَّ حزبك هم الغالبون، و أوليآءك هم الفآئزون، و أعدآءك هم الخاسرون، و أنَّك حآئر كلِّ علم، و فاتق كلِّ رتق، و سابق لا يلحق، رضيت بك يا مولاي إماما و هاديا، لا أبتغى بدلا، و لا أتخذ من دونك وليا، و أنَّك الحقَّ الثَّابت، الَّذى لا أعتاب و لا أرتاب لأمد الغيبه، و لا أتحرَّير لطول المدَّه. وعد الله بك حقَّ، و نصرته لدينه بك صدق، طوبى لمن سعد بولايتك، و ويل لمن شقى بجحودك، و أنت الشَّافع المطاع الَّذى لا يدافع، ذخر ك الله

سلام بر تو ای نور خدا که هرگز خاموش نمی شود؛ سلام بر تو ای حجت خدا که پنهان نمی شود؛ سلام بر تو ای زبان گویای الهی که مقصود او را بیان می کند؛ سلام بر تو ای روی الهی که در بین پشت های بندگانش جابجا شده؛ سلام کسی که تو را شناخته است، آن چنان که تو خواستی شناخته شوی و خودت را برای او معرفی فرمودی. سلام کسی که برخی از صفات و ویژگی هایی را که تو شایسته آن بلکه بالاتر از آن هستی توصیف نموده است. گواهی می دهم که تو حجت بر گذشتگان و باقی ماندگان هستی؛ حزب و گروه تو چیره شونده و پیروزند؛ دوستان تو کامیابند، دشمنان تو زیان کارند؛ تو دارای تمام دانش ها؛ و گشاینده و شکافنده هر بسته ای هستی؛ آن چنان پیشی گیرنده ای که کسی به او نمی رسد؛ تو را-ای مولای من- به عنوان پیشوا و هدایتگرم پسندیدم، و کسی را جایگزین تو نمی کنم، و جز تو سرپرستی بر نمی گزینم؛ و می دانم که تو حقیقت پایدار و ثابت هستی؛ به گونه ای که طول کشیدن دوران غیبت و پنهان بودن تو باعث بدگوئی و شک و تردید من نشود و به دراز کشیدن مدت پنهان بودن تو باعث تحریر و سرگردانی من نشود. وعده ای که خدا در موردت داده است حقیقت دارد، و این که گفته است به وسیله تو دینش را یاری می کند راست است؛ خوشا به حال کسی که با ولایت تو سعادت مند گشته، و وای بر کسی که با انکار تو بدبخت شود. تو همان شفاعت کننده اطاعت شونده ای هستی که شفاعتش رد نمی شود، خدای

سبحانه لنصره الدّین، و إعزاز المؤمنین، و الإنتقام من الجاحدین. الأعمال موقوفه علی ولایتک، و الأقوال معتبره بامامتک، من جاء بولایتک و اعترف بامامتک قبلت أعماله، و صدقت أقواله، تضاعف له الحسنات، و تمحى عنه السيئات، و من زلّ عن معرفتک، و استبدل بک غیرک، أکبه الله علی منخريه فی النار، و لم يقبل له عملا، و لم یقم له یوم القیامه وزنا. أشهد یا مولای أنّ مقالی ظاهره کباطنه، و سرّه کعلانیته، و أنت الشّاهد علیّ بذلك، و هو عهدی إلیک، و میثاقی المعهود لدیک، إذ أنت نظام الدّین، و عزّ الموحّدین، و یعسوب المتّقین، و بذلک أمرنی فیک ربّ العالمین. فلو تناولت الدهور، و تمادت الأعصار، لم أزد بک إلاّ یقینا، و لک إلاّ حبّا، و علیک إلاّ اعتمادا، و لظهورک إلاّ مرابطه بنفسی و مالی و جمیع ما أنعم

سبحان تو را برای یاری دین، عزّت بخشیدن به اهل ایمان، و انتقام گرفتن از منکرین ذخیره کرده است. پذیرش اعمال مردم توسط خداوند، متوقف بر ولایت تو است، و هر گفتاری تنها به واسطه پذیرش امامت و پیشوایی تو اعتبار دارد؛ هر کس ولایت تو را داشته باشد و به پیشوایی و امامت تو اعتراف کند اعمالش پذیرفته و گفتارش تصدیق، و نیکی هایش چند برابر، و گناهانش محو و نابود می گردد. و هر کس نسبت به شناخت تو لغزش پیدا کند و منحرف گردد، و کسی دیگر را جایگزین تو گرداند خداوند او را به رو در آتش افکند، و به هیچ وجه عملی از او را نپذیرد، و روز قیامت برای او وزن و قیمتی قرار ندهد. مولای من؛ گواهی می دهم که ظاهر گفتارم همانند باطن و درونش است، و پنهانیش همانند آشکاری آن می باشد؛ و تو خودت به خوبی از این جریان آگاه و گواه هستی. و آن عهد من با تو و پیمان بسته شده من نزد تو است؛ زیرا، تو باعث سامان بخشیدن به آیین الهی هستی، و عزّت بخش موحّدان، و امیر و فرمان روای پرهیزکاران هستی، و پروردگار جهانیان در مورد تو این گونه به من فرمان داده است. پس اگر روزگاران به طول انجامد، و زمان ها به درازا کشیده شود؛ جز بر یقین من در موردت افزوده نخواهد شد، و تنها باعث فزونی محبّت و دوستی من به تو و اعتمادم بر تو می گردد و آمادگی بیشتر برای ظهورت به واسطه مرزرداری و جلوگیری از نفوذ دشمن و دفاع و دفع دشمنان با جان و مال و همه



به علی ربی. فإِن أدرکت أيامک الزّاهره، و أعلامک القاهره، فعبد من عبیدک، معترف بأمرک و نهيک، أرجو بطاعتک الشّهاده بين يديک، و بولايتک السّعاده في ما لديک. و إن أدرکني الموت قبل ظهورک، فأتوسّل بک إلى الله سبحانه أن یصلی علی محمّد و آل محمّد، و أن يجعل لی کزّه في ظهورک، و رجعه في أيامک، لأبلغ من طاعتک مرادی، و أشفی من أعدآئک فؤادی. یا مولای وقف في زیارتی إياک موقف الخاطئين المستغفرين النّادمين، أقول عملت سوءا، و ظلمت نفسی، و علی شفاعتک یا مولای متکلی و معوّلی، و أنت رکنی و ثقتی، و وسيلتی إلى ربی، و حسبی بک ولیا و مولی و شفيعا، و الحمد لله الذی هدانی لولايتک و ما کنت لأهتدی لولا أن هدانی الله، حمدا یقتضی ثبات النّعمه، و شکرا یوجب المزيد

نعمت های پروردگارم خواهد گردید. اگر روزگار درخشان ظهورت و نشانه های پیروزی را دریابم؛ من نیز یکی از کوچک ترین خاکساران در گاهت خواهم بود، و امر و نهی تو را می پذیرم؛ با فرمان برداری تو، شهادت پیشاپیش تو را امیدوار هستم، و می خواهم با پذیرش ولایت تو، به دست تو سعادت مند شوم. و اگر پیش از ظهورت مرگ به سراغ من آمد، به واسطه تو به خدای سبحان توسّل می جویم تا بر محمّد و آل محمّد درود فرستد، و مرا در زمان ظهورت بازگرداند، و در زمان دولت و حکومت رجعت کنم، تا آن چنان که دلم می خواهد از دستورات فرمان بری کنم، و قلبم را با انتقام گیری از دشمنان شفا بخشم. مولای من؛ در حال زیارت تو، در جایگاه خطاکاران آمرزش طلبان و پشیمانان قرار گرفته ام؛ و به صراحت می گویم که بد رفتاری کرده ام، و بر خود ستم نموده ام، و توکل و تکیه ام-ای مولای من؛-تنها بر شفاعت توست؛ چرا که رکن و تکیه گاه و مورد اطمینان من و واسطه من نزد خدا تو هستی؛ و تو برای سرپرستی و سروری و شفاعت من نزد پروردگار کافی و بس هستی. ستایش ویژه خدایی است که مرا هدایت کرد تا ولایت تو را از جان و دل پذیرا باشم، و به هیچ وجه راه را نمی یافتم اگر خدا مرا هدایت نمی کرد. ستایش می کنم ستایشی که باعث پایداری نعمت شود؛ و سپاسی که

من فضله، و السّلام عليك يا مولاي و على آبائك موالى الأئمة المهتدين و رحمه الله و برکاته، و على منکم السّلام. موجب افزایش فضل و احسان او گردد. سلام بر تو ای مولای عزیزم؛ و سلام بر پدران که سرپرستان و پیشوایانی هدایت گر بودند؛ رحمت و برکات الهی و سلام و درود من بر شما نثار باد. سپس، نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور و پس از آن بگو:

اللّهُمَّ صلّ على محمّد و أهل بيته الهادين المهديين، العلماء الصادقين، الأوصياء المرضيين، دعائم دينك، و أركان توحيدك، و تراجمه و حيك، و حججك على خلقك، و خلفائك فى أرضك، فهم الذين اخترتهم لنفسك، و اصطفيتهم على عبادك، و ارتضيتهم لدينك، و خصصتهم بمعرفتك، و جللتهم بكرامتك، و غديتهم بحكمتك، و غشيتهم برحمتك، و زينتهم بنعمتك، و ألبستهم من نورك، و رفعتهم فى ملكوتك، و حففتهم بملائكتك، و شرفتهم بنبيك. اللّهُمَّ صلّ على محمّد و عليهم صلاه زاكية ناميه كثيره، طيبه دائمه لا-يحيط بها إلا أنت، بارالها؛ بر محمّد و اهل بيت پاک، هدایت گر، و هدایت یافته اش درود فرست؛ همان هایی که دانشمندانی راستگو، و جانشینانی پسندیده بودند. پایه های دینت، ارکان و اساس یگانه پرستی تو، و بیان کنندگان و حیت، حجت های تو بر آفریدگانت، و جانشینانت در زمین هستند. ایشان کسانی هستند که برای خود اختیار کرده ای، و بر بندگان خویش برگزیده ای، و برای دین خود پسندیده ای، و شناخت کاملت را به ایشان اختصاص دادی، و با کرامت و بزرگواریت شکوه مندشان ساختی، و با حکمت خویش تغذیه شان کردی، و غرق رحمت خویش ساختی، و با نعمت خود آراستی، و روشنی و نورت را بر ایشان پوشانیدی، و در ملکوت والای خود بالا-بردی، و فرشتگانت را گرداگردشان قرار دادی، و به پیامبرت ایشان را شرافت بخشیدی. بارالها؛ بر محمّد صلی الله علیه و اله و سلّم و بر ایشان درود بفرست درودی خالص، افزون شونده، و بسیار، پاک، پاکیزه و دائمی، که جز تو هیچ کس را یارای احاطه بر آن نباشد،

و لا يسعها إلا علمك، و لا يحصيها أحد غيرك. اللهم صل على وئيك المحي السبيل، القائم بأمرك، الداعي إليك، الدليل عليك، و حجبتك على خلقك، و خليفتك في أرضك، و شاهدك على عبادك. اللهم أعز نصره، و امدد في عمره، و زين الأرض بطول بقائه. اللهم اكفه بغى الحاسدين، و أعذه من شر الكائدين، و ازجر عنه إرادة الظالمين، و خلّصه من أيدي الجبارين. اللهم أعطه في نفسه و ذريته، و شيعة و رعيتة، و خاصته و عامته و جميع أهل الدنيا، ما تقرّ به عينه، و تسرّ به نفسه، و بلغه أفضل أمله في الدنيا و الآخرة، إنك على كل شيء قدير.

و جز دانشت آن را دربر نگیرد، و جز تو هیچ کس تعدادش را به شماره درنیاورد. بارالها؛ بر ولایت درود فرست که راه تو را زنده می کند، به دستورت قیام می کند، به سوی تو فرامی خواند، دلیل بر توست، حجّت تو بر بندگان، جانشینت در زمینت، و گواه تو بر بندگان می باشد. بارالها؛ یاری او را تقویت کن، عمرش را دراز کن، و با زندگانی طولانیش زمین را زینت بده. بارالها؛ از شرّ و ستم حسودان او را کفایت کن، و از شرّ حيله گران او را پناه بده، تصمیم و سوء قصد ستمکاران را از او دور کن، و از دست زورگویان او را رهایی بخش. بارالها؛ به او عطا فرما؛ در مورد خودش، ذریه اش، شیعیان و پیروانش، رعیتش، نزدیکان و اطرافیانش، افراد معمولی در خدمتش، و تمام اهل دنیا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و او را به برترین آرزوهایش در دنیا و آخرت برسان؛ راستی، تو بر هر چیز توانایی.

سپس برای هرچه دوست داری دعا کن. (۱)

ص: ۶۳۰

---

۱-۱). مصباح الزائر: ۴۳۷، و در المزار شهید: ۲۲۶ با تفاوت زیاد.

در کتاب «مصباح الزائر» زیارت دیگری نیز نقل شده است:

السَّلام على الحقِّ الجديد، و العامل الذي لا يبید (۱)، السَّلام على محیی المؤمنین، و مبیر الکافرین، السَّلام على مهدی الامم، و جامع الکلم، السَّلام على خلف السَّلف، و صاحب الشرف، السَّلام على حجَّه المعبود، و کلمه المحمود، السَّلام على معزِّ الأولیاء، و مدلِّ الأعداء، السَّلام على وارث الأنبیاء، و خاتم الأوصیاء، السَّلام على القائم المنتظر، و العدل المشتهر، السَّلام على السَّیف الشاهر، و القمر الزاهر، السَّلام على شمس الظلام، و بدر التمام، السَّلام على ربیع الأنام، و فطره الأيام، السَّلام على صاحب الصمصام، [و]فلاق الهام، السَّلام على

سلام بر حقیقت تازه، و عمل کننده ای که هرگز قدیمی نمی شود، سلام بر زنده کننده مؤمنان، و هلاک کننده کافران؛ سلام بر هدایت گرامت ها، و گردآورنده کلمات، سلام بر جانشین گذشتگان، و صاحب شرافت الهی؛ سلام بر حجّت پروردگار و کلمه پسندیده و ستوده شده؛ سلام بر عزّت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان. سلام بر وارث پیامبران، و آخرین جانشینان، سلام بر قیام کننده مورد انتظار، و عدالت شهرت یافته، سلام بر شمشیر نمایان، و ماه تابان، سلام بر خورشید تاریکی ها و ماه کامل و تمام؛ سلام بر بهار انسان ها، و سرشت روزها، سلام بر صاحب شمشیر برّان، و شکافنده سرها، سلام بر

ص: ۶۳۱

---

۱- ۱). در مزار شهید رحمه الله چنین آمده است: و العالم الذي علمه لا يبید؛ «و دانشمندی که دانشش کهنه نمی شود».

الدین المأثور، و الكتاب المسطور، السّلام علی بقیّه اللّٰه فی بلادہ، و حجّته علی عبادہ، المنتهی إلیہ موارث الأنبیاء، ولدیہ موجود اثار الأصفیاء، المؤمن علی السّیر، و الولیّ للامم، المهدیّ الذی وعد اللّٰه عزّ و جلّٰ به الامم أن یجمع به الکلم، و یلمّ به الشّعث، و یملأ به الأرض قسطا و عدلا، و یمکن له، و ینجز به وعد المؤمنین. أشهد یا مولای أنّک و الأئمّه من آبائک أئمتی و موالی فی الحیاه الدّنیاء و یوم یقوم الأشهاد، أسألک یا مولای أن تسأل اللّٰه تبارک و تعالیٰ فی صلاح شأنی، و قضاء حوائجی، و غفران ذنوبی، و الأخذ بیدي فی دینی و دنیای و اخرتی، لی و لإخوانی و إخوانی المؤمنین و المؤمنات کافه، إنّک غفور رحیم.

(۱)

دین بجای مانده، و کتاب نگاشته شده. سلام بر باقی مانده حجّت های خدا در سرزمین هایش، و حجّت خداوند بر بندگانش؛ کسی که میراث پیامبران به او رسیده، و نشانه ها و آثار برگزیدگان نزد اوست، امین سرّ الهی است، و سرپرست امت هاست؛ همان مهدی که خداوند عزیز و بلندمرتبه به امت ها وعده داده است که به سبب او وحدت کلمه ایجاد می کند، و پراکندگی را بهم می آورد، و زمین را پر از عدل و داد می گرداند، و او را توانایی و قدرت می بخشد و وعده هایی را که به مؤمنان داده محقق می گرداند. ای مولای من؛ گواهی می دهم که تو و امامان دیگر از پدران، پیشوایان من و سرپرستان حقیقی من در زندگی دنیا و روز اقامه شهود (قیامت) هستی. از تو درخواست می کنم ای مولای من؛ تا از خداوند بلندمرتبه بخواهی که کارم را اصلاح کند و حاجت هایم را بر آورد، و گناهانم را ببخشد، و دستم را در مورد دینم و دنیا و آخرتم بگیرد؛ برای من و تمام برادران و خواهران مؤمنم، این کارها را انجام دهد. همانا تو بخشنده ای مهربان هستی.

سپس نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور و پس از آن بگو:

ص: ۶۳۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَ الْقَائِمَ الصَّادِعَ بِالْحِكْمَةِ، وَ الْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ وَ الصِّدْقَ، وَ كَلِمَتَكَ وَ عَيْتَكَ وَ عَيْنَكَ فِي أَرْضِكَ، الْمَتَرَقِّبَ الْخَائِفَ، الْوَلِيَّ النَّاصِحَ، سَفِينَةَ النَّجَاهِ، وَ عِلْمَ الْهُدَى، وَ نُورَ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَ خَيْرَ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى، وَ الْوَتَرَ الْمَوْتُورَ، وَ مَفْرَجَ الْكَرْبِ، وَ مَزِيلَ الْهَمِّ، وَ كَاشِفَ الْبَلْوَى. صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَتْمَّةِ الْهَادِينَ، وَ الْقَادَةَ الْمِيَامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبَ الْأَسْحَارِ، وَ أَوْرَقَتِ الْأَشْجَارَ، وَ أَيْنَعَتِ الْأَثْمَارَ، وَ اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارَ، وَ غَزَدَتِ الْأَطْيَارَ. اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحَبِّهِ، وَ احْشُرْنَا فِي زَمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لُؤْأَتِهِ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (۱)

بارالها؛ درود فرست بر حجّت در روی زمینت، و جانشینت در سرزمین هایت، فراخوان مردم به طرف راهت، قیام کننده ای که آشکار کننده (دین تو) با حکمت و موعظه نیکو و راستگویی است. او که کلمه، محلّ راز، و چشم تو در زمینت است و چشم به راهی ترسان است، و سرپرستی خیرخواه، کشتی نجات، و نشانه هدایت، و نور چشمان مردم، و بهترین کسی که لباس و عبا پوشیده، و خون خواه کسی که انتقامش گرفته نشده، و از بین برنده غم، و زداینده اندوه، و برطرف کننده بلاست؛ صلوات خدا بر او و پدراناش که امامانی هدایت گر و فرمانروایانی فرخنده هستند، باد؛ تا آن زمان که ستارگان سحری طلوع می کنند، و درختان برگ می دهند، و میوه ها می رسند و قابل چیده شدن می گردند، و شب و روز یکی پس از دیگری در رفت و آمدند، و پرندگان نغمه سرایی و آوازخوانی می کنند. بارالها؛ ما را به دوستی او بهره مند گردان، و ما را در زمره او و زیر پرچمش محشور کن؛ ای خدای حق و ای پروردگار جهانیان؛ اجابت کن.

ص: ۶۳۳

و پس از زیارت می گویی: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ و اهل بيته، و صَلِّ عَلٰى وَلِيِّ الْحَسَنِ و وصيه و وارثه، الْقَائِمِ بِأَمْرِكِ، و الْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ، و المنتظر لِإِذْنِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، و قَرِّبْ بَعْدَهُ، و أَنْجِزْ وَعْدَهُ، و أَوْفِ عَهْدَهُ، و اكشف عن بأسه حجاب الغيبه، و أظهر بظهوره صحائف المحنه، و قَدِّمْ أَمَامَهُ الرَّعْبَ، و ثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ، و أقم به الحرب، و أَيْدِهِ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَسْمُومِينَ، و سَلِّطْهُ عَلٰى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، و أَلْهَمْهُ أَنْ لَا يَدْعَ مِنْهُمْ رَكْنًا إِلَّا هَدَّهٗ، و لَا هَامَا إِلَّا قَدَّهٗ، و لَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهٗ، و لَا فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهٗ، و لَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهٗ، و لَا سِتْرًا إِلَّا هَتَكَهٗ، و لَا عِلْمًا إِلَّا نَكَّسَهٗ، و لَا سُلْطَانًا إِلَّا كَبَسَهٗ، و لَا رِمْحًا إِلَّا قَصَفَهٗ، و لَا مَطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهٗ، و لَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهٗ، و لَا مَنْبِرًا إِلَّا أَحْرَقَهٗ، و لَا

بارالها؛ بر محمد و اهل بيتش درود بفرست؛ و بر ولي و وصي و وارث امام حسن عسکری درود بفرست؛ که برپادارنده امر و فرمان توست، و در بين مردم پنهان شده است، و منتظر اجازة توست. بارالها؛ بر او صلوات و درود بفرست، و دوريش را نزديک کن، و وعده اش را محقق گردان، و بر عهد و پيمانش وفا کن، و پرده غيبت را از (چهره) ناراحت او برگیر، و با ظهور آن حضرت دفترهای امتحان و آزمایش را پدیدار کن، و پیشاپیش او رعب و وحشت را بفرست، و دل مؤمنان را ثابت و محکم گردان و جنگ را به وسیله او برپا کن، و او را با سپاه فرشتگان که نشان دارند تأییدش گردان، و او را به تمام دشمنان دینت مسلط کن. و به او الهام کن که هیچ رکنی از آنان را باقی نگذارد مگر این که منهدم کند، و هیچ سری را مگر این که آن را دو نیم کند، و هیچ نیرنگی را مگر این که باطل سازد و به خودشان برگرداند، و هیچ فاسقی را مگر این که ادب کند، و هیچ فرعونى را مگر این که هلاک گرداند، و هیچ پرده ای را مگر این که بدرد، و هیچ پرچمی را مگر اینکه سرنگون کند، و هیچ پادشاهی را مگر این که او را مورد هجوم و حمله ناگهانی خویش قرار دهد، و هیچ نیزه ای را مگر اینکه بشکند؛ و هیچ خنجری را مگر این که بشکند، و هیچ لشکری را مگر این که پراکنده سازد، و هیچ منبری را مگر این که بسوزاند، و هیچ

سیفا إلا کسره، و لا صنما إلا رضه، و لا دما إلا أراقه، و لا جورا إلا أباده، و لا حصنا إلا هدمه، و لا بابا إلا ردمه، و لا قصرا إلا أخرجه، و لا مسکنا إلا فُتّشه، و لا سهلا إلا وطئه، و لا جبلا إلا صعده، و لا کنزا إلا أخرجه، برحمتک یا أرحم الراحمین. (۱)

شمشیری را مگر اینکه بشکند، و هیچ بتی را مگر اینکه درهم بکوبد و خرد کند، و هیچ خونی را مگر اینکه بریزد، و هیچ ستمی را مگر این که از بین برد، و هیچ دژی را مگر این که فروبریزد، و هیچ دری را مگر این که ببندد، و هیچ کاخی را مگر این که ویران سازد، و هیچ منزلگاهی را مگر این که واری کند، و هیچ بیابانی را مگر این که زیر پا بگذارد، و هیچ کوهی را مگر این که بالا رود، و هیچ گنجی را مگر این که بیرون آورد؛ به واسطه رحمت، ای مهربان ترین مهربانان.

### ۱۵- زیارت ششم حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

پس از زیارت امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام، به سوی سرداب مقدّس آمده و همانند کسی که اجازه ورود می طلبد درب سرداب را بگیرد، و با نام خداوند و با حالت آرامش و وقار و سنگینی، و با ادب کامل پایین برو، و دو رکعت نماز در آستانه سرداب مقدّس به جای آور و بگو:

اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللّٰهُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ و لله الحمد. الحمد لله الّٰذی هدانا لهذا، و عرفنا أولیاءه و أعداءه، و وقّنا لزیاره أئمّتنا و لم يجعلنا من المعاندين النّاصیین، و لا من الغلاة

اللّٰهُ اکبر، خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود؛ جز خدا معبودی نیست؛ اللّٰهُ اکبر، خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود؛ سپاس و ستایش، مخصوص ذات خداوند است؛ ستایش، ویژه خداست؛ خدایی که ما را به این امر، راهنمایی کرد؛ دوستانش و دشمنانش را به ما شناساند، و ما را به زیارت پیشوایانمان موفّق فرمود، و ما را از نواصب و کسانی که دشمنی و سرسختی با آن بزرگواران دارند، یا تندروانی که همانند

ص: ۶۳۵

---

۱- ۱). مصباح الزائر: ۴۴۲. [۱] ظاهر آن است که زیارت پنجم، دوّم و سوّم، اختصاص به سرداب مقدّس ندارند، ولی چنان که از نسخه شهید رحمه الله نیز برمی آید، زیارت ششم و زیارت های اوّل و چهارم مخصوص سرداب مقدّس اند.



المفوضين، و لا- من المرتابين المقصيرين. السّلام على وليّ الله و ابن أوليائه، السّلام على المدّخر لكرامه الله و بوار أعدائه، السّلام على النّور الّذى أراد أهل الكفر إطفاءه فأبى الله إلّا- أن يتمّ نوره بكرههم، و أمده بالحياه حتّى يظهر على يده الحقّ برغمهم، أشهد أنّ الله اصطفاك صغيرا، و أكمل لك علومه كبيرا، و أنك حيّ لا تموت حتّى تبطل الجبت و الطاغوت. اللهم صلّ عليه و على خدامه و أعوانه على غيبته و نأيه، و استره سترا عزيزا، و اجعل له معقلا- حريزا، و اشدّد اللهم و طأتك على معانديه، و احرس مواليه و زآئريه. اللهم كما جعلت قلبي بذكرك معمورا، فاجعل سلاحى بنصرته مشهورا، و إن حال بينى و بين لقائه الموت الّذى جعلته على عبادك حتما، و أقدرت به على خليقتك رغما، فابعثنى عند خروجه

مفوضه عمل مى کنند، يا كسانى كه شكّ مى كنند و مقصّرند؛ قرار نداد. سلام بر وليّ خدا كه فرزند دوستان خدا است، سلام بر ذخيره شده براى بزرگداشت خداوند و خوار و نابود كردن دشمنان خدا؛ سلام بر نورى كه كافران خواستند خاموش كنند، ولى خدا خواست نورش را عليرغم آن ها و با ناخشنودى آن ها كامل كند، و زندگاني آن حضرت را طولانى كرد تا حقّ و حقيقت را برخلاف ميل باطنى آن ها به دست مباركش آشكار سازد. گواهى مى دهم كه خدا تو را در سنّ كم برگزيد، و در بزرگى دانش هائيش را برايت تكميل فرمود؛ تو زنده اى از دنيا نخواهى رفت تا آن گاه كه جبت و طاغوت را نابود سازى. بارالها؛ بر امام زمان و خادمان و كمك رسانان او در زمان غيبت و دوريش، درود بفرست؛ او را به خوبى و عزّت مندى در پوشش و پنهائى خودت قرار ده، و پناهگاهى محكم و استوار برايش بساز، و-خداوندا؛ - دشمنانش را با شدّت درهم بكوب، و دوستان و زيرانش را حفاظت و نگهبانى فرما. بارالها؛ همان گونه كه قلب مرا با يادش آباد گردانيدى، پس اسلحه مرا نيز در يارى او نمايان ساز، و اگر مرگ- كه يك امر حتمى براى بندگان است و با آن بر بندگان تسلّط دارى- مرا دريافت، و بين من و ديدار او فاصله شد پس مرا در هنگام قيام او از قبرم بيرون آورده و آشكار ساز،

ظاهرا من حفرتی، مؤتذرا کفنی، حتّی اجاهد بین یدیه فی الصّفّ الذّی اثّنت علی أهله فی کتابک فقلت کأنّهم بُنیانٌ مرّصّوَصّ (۱). اَللّهُمَّ طال الإنتظار، و شمت بنا الفجّار، و صعب علينا الإنتظار. اَللّهُمَّ ارنا وجه ولیک المیمون فی حیاتنا و بعد المنون. اَللّهُمَّ انّی اُذین لک بالرجعه بین یدی صاحب هذه البقعه، الغوث الغوث الغوث یا صاحب الزّمان، قطعت فی وصلتك الخلان، و هجرت لزیارتک الأوطان، و أخفیت امری عن أهل البلدان، لتکون شفیعاً عند ربّیک و ربّی، و إلی أبائک موالئی فی حسن التّوفیق، و إسباغ النّعمه علیّی، و سوق الإحسان إلیّی. اَللّهُمَّ صلّ علی محمّد و علی آل محمّد، أصحاب الحقّ، و قاده الخلق، و استجب منّی ما دعوتک، و أعطنی ما لم أنطق به فی دعائی، من صلاح دینی و دنیای،

درحالی که کفتم بر تنم است؛ تا من نیز در پیش روی مبارکش در صفی قرار گیرم که جهاد کنم؛ همان وصفی که در کتاب عزیزت قرآن، افراش را ستوده و فرموده ای: «در صفّ مبارزه با کافران گویی اینان بنیانی آهنین و بهم پیوسته هستند». بارالها؛ انتظار، طولانی شد؛ فاجران و بدکاران ما را به مسخره گرفته و سرزنش می کنند؛ منتظر ماندن بیش از این برای ما بسیار سخت شده است. بارالها؛ چهره مبارک ولیّ بزرگوارت را در زمان زندگانی و پس از مرگ مان به ما بنمایان. بارالها؛ تو را دینداری می کنم با رجعت و بازگشتن و حضور در پیش روی صاحب این بارگاه و گنبد. فریاد، فریاد، فریاد، ای صاحب زمان؛ برای رسیدن به تو و با تو بودن از دوستان نزدیکم بریدم، و برای زیارتت از وطنم هجرت کردم، و از مردم شهر مخفی داشتم که می خواهم به دیدار تو بیایم؛ این کارها را کردم تا نزد پروردگارت و پروردگارم شفیع و واسطه ام باشی، و نزد پدرانت که سرپرستان و اولیای من هستند نیز واسطه و شفیع من باش تا به من توفیق نیکو و نعمت فراوان و ریزان، و احسان بی کران لطف فرمایند. بارالها؛ بر محمّد و آل محمّد درود بفرست؛ همان حق پرستان و رهبران خلق؛ و دعایم را پاسخ بده، و آنچه را در ضمن دعایم ذکر نکردم ولی صلاح دین و دنیای من در آن است به من عطا فرما؛

ص: ۶۳۷

إِنَّكَ حميد مجيد، و صَلَّى اللهُ على مُحَمَّد و اله الطَّاهرين.

راستی تو ستوده شکوه مند هستی؛ و خدا بر مُحَمَّد و خاندان پاکش درود فرستد.

سپس به داخل جایگاه اصلی سرداب برو، و دو رکعت نماز به جای آور و بگو:

اللَّهُمَّ عبدك الزَّائر في فناء وليك المزور، اللّذي فرضت طاعته على العبيد و الأحرار، و أنقذت به أولياءك من عذاب النار. اللَّهُمَّ اجعلها زیاره مقبوله ذات دعاء مستجاب، من مصدق بوليّك غير مرتاب. اللَّهُمَّ لا تجعله اخر العهد به ولا زیارته، و لا تقطع أثری من مشهده و زیاره أبیه و جدّه. اللَّهُمَّ اخلف عليّ نفقتی، و انفعنی بما رزقتنی فی دنیای و اخرتی، لی و لإخوانی و أبوی و جمیع عترتی. أستودعك الله أيها الإمام الذي يفوز به المؤمنون، و يهلك على يديه الكافرون المكذبون، یا مولای یا بن الحسن بن عليّ، جئتک زائرا لك و لأبيك و جدّك، متيقنا الفوز بكم، معتقدا إمامتكم. اللَّهُمَّ

بارالها؛ بنده زائرت به بارگاه ولّیت که مورد زیارت من است وارد گشته است؛ همان ولّی که فرمان برداری از او را بر بندگان و آزادان واجب و حتمی فرمودی، و دوستانت را به واسطه او از عذاب دوزخ نجات بخشیدی. بارالها؛ این زیارت را پذیرفته و با دعایی مستجاب از زایری قرار ده که ولّیت را تصدیق می کند و در او شکی ندارد. بارالها؛ این را آخرین زیارت من و آخرین تجدید عهد با او قرار مده؛ اثر و نشانه حضورم را از محلّ حضور و زیارت خودش و پدرش و جدّش برمینداز. خدایا؛ هزینه ام را از خودت جایگزین کن، و آن چه نصیب فرمودی برای دنیا و آخرتم سودمند ساز؛ این کارها را برای من، برادرانم؛ پدر و مادرم و جمیع خاندانم انجام بده. تو را به خدا می سپارم؛ ای امامی که مؤمنان به واسطه او کامیاب و کافران دروغ پرداز با دستان تو هلاک می گردند؛ ای مولای من، ای فرزند حسن فرزند علی؛ به عنوان زایری برای تو، پدرت و جدّ خدمتتان شرفیاب شدم، درحالی که یقین دارم رستگارم می سازید، و به پیشوایی و امامت شما اعتقاد دارم. بارالها؛

اكتب هذه الشَّهادة و الزَّياره لى عندك فى عَليين، و بَلغنى بلاغ الصَّالحين، و انفعنى بحَبِّهم، يا ربَّ العالمين. (١)

این گواهی و زیارت را در علیین، نزد خودت برایم ثبت کن؛ و به آن جا که شایستگان نیکوکار می رسند مرا برسان، و مرا به دوستی ایشان بهره مند ساز؛ ای پروردگار جهانیان.

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید:

هنگام بازگشت از حرم شریف عسکرین علیهما السلام، دوباره به سرداب مقدس بازگرد و تا می توانی نماز بخوان، سپس رو به قبله بایست و بگو: اللَّهُمَّ ادفع عن ولئیک و خلیفتک... تا آخر (٢).

## ١٦- چگونه سلام کردن بر امام زمان

ارواحنا فداه

امام باقر علیه السلام می فرماید:

هریک از شما شیعیان باقی ماندید و مهدی (علیه السلام) را ملاقات کردید، در هنگامی که او را می بینید بگویید:

السَّلام علیکم یا أهل بیت التَّبوّه و معدن العلم و موضع الرِّساله. (٣)

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر، و معدن دانش، و جایگاه رسالت الهی.

ص: ٦٣٩

١-١ . مصباح الزائر: ٤٤٤. [١]

٢-٢ . تمام این دعا را در ص ٣٤١ [٢] نقل کردیم.

٣-٣ . بحار الأنوار: ٥١/٣٦، [٣] منتخب الأثر: ٥١٧. [٤]

## ۱۷- سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه

به شیوه ای دیگر

روایت شده است که سلام دادن بر امام قائم صلوات الله علیه بدین گونه است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. (۱)

سلام و درود بر تو، ای باقی ماندهٔ حجت های الهی در روی زمینش.

## ۱۸- زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

به این بخش، زیارت دو امام بزرگوار، حضرت هادی و عسکری علیهما السلام و نیز زیارت مادر و عمهٔ محترم امام قائم علیهم السلام را ملحق می کنیم:

۱- هنگامی که خواستی به حرم امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بروی، غسل زیارت می کنی و وقتی کنار مرقد پاک شان ایستادی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نَجِيَّيَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّهِ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا أَمِينِي اللَّهِ. أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا لَكُمَا، عَارِفًا بِحَقِّكُمَا،

سلام بر شما ای دو ولی خدا، سلام بر شما ای دو همراز خدا، سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر شما ای دو امین خدا. به قصد زیارت شما به حضورتان رسیده ام، درحالی که به حق شما معرفت و شناخت دارم،

ص: ۶۴۰

مؤمننا بما امنتما به، کافرا بما کفرتما به، محققا لما حَقَّقتما، مبطلا- لما أبطلتما. أسأل الله ربِّي و ربِّكما أن يجعل حظِّي من زیارتكما، الصَّیلاه علی محمَّد و اله، و أن یرزقنی شفاعتكما، و لا- یفرِّق بینی و بینكما، و لا- یسلبنی حبَّکما و حبَّ ابائكما الصَّالحین، و أن لا یجعلهُ اخر العهد من زیارتكما، و یحشرنی معكما، و یجمع بینی و بینكما فی الجنَّه برحمته.

به آنچه شما ایمان دارید مؤمنم و به آنچه شما انکار دارید من نیز انکار دارم، آنچه را شما حقّ و ثابت می دانید حق می دانم، و آنچه را باطل می دانید من نیز باطل می دانم. از خداوند تبارک و تعالی که پروردگار من و شما است می خواهم که بهره مرا از زیارت شما این قرار دهد که بر محمّد و آل محمّد درود فرستد، و شفاعت شما را روزی من گرداند، و میان من و شما جدایی نیفکند و دوستی شما و پدران صالح و شایسته شما را از من نگیرد، و این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد، و مرا با شما محشور گرداند و در بهشت مرا با شما و به رحمتش در جمع شما قرار دهد.

سپس خود را بر هریک از این دو قبر بیفکن، آن ها را بوسه زن، و گونه خود را بر آن بگذار، آنگاه سر بردار و بگو:

اللّهُمَّ ارزقنی حبِّهم، و توفّنی علی ملّتهم. اللّهُمَّ العن ظالمی ال محمَّد حقّهم، و انتقم منهم. اللّهُمَّ العن الأوّلین منهم و الآخرین، و ضاعف علیهم العذاب الألیم، إنّک علی کلّ شیء قدير. اللّهُمَّ عجل فرج ولّیک و ابن ولّیک، و اجعل فرجنا مع فرجهم، یا أرحم الرّاحمین.

خدایا؛ دوستی اهل بیت علیهم السّلام را روزی من گردان، و مرا بر دین و ملت ایشان بمیران. خدایا؛ ستمگران در حقّ آل محمّد را لعنت کن و از آنها انتقام بگیر. خدایا؛ اوّلین و آخرین، پیشینیان و آیندگان آنان را لعنت کن و عذاب دردناک خود را بر ایشان دوچندان کن که تو بر هر چیز توانایی. بارالها؛ در فرج ولّیت و فرزند ولّیت شتاب فرما، و فرج ما را با فرج ایشان مقرون گردان، ای مهربان ترین مهربانان.

سپس چهار رکعت نماز و بعد از آن هرچه خواستی بالای سر آن دو امام علیهما السّلام نماز بخوان، و برای خود و پدر و مادرت و برای همه اهل ایمان به آنچه خواهی دعا کن و هنگامی که خواستی بازگردی با ایشان وداع کن و بگو:

السّلام علیکما یا ولیّ الله، أستودعکما الله و أقرأ علیکما السّلام، امّنا بالله و بالرّسول و بما جئتما به و دللتما علیه. اللَّهُمَّ اکتبنا مع الشّاهدین.

سلام بر شما ای دو ولیّ خدا، با شما خداحافظی می کنم و بر شما سلام می فرستم، به خدا و رسول و آنچه شما آورده اید و مرا به آن راهنمایی نموده اید ایمان دارم. خدایا؛ نام ما را با گواهی دهندگان ثبت فرما.

۲-زیارتی دیگر برای آن دو امام علیهما السّلام: وقتی به سامرا وارد شدی، پیش از آن که به حرم روی غسل کن و هنگامی که به حرم مطهر شرفیاب شدی، کنار آن دو مرقد پاک رو به قبله بایست و بگو:

السّلام علیکما یا ولیّ الله، السّلام علیکما یا نوری الله فی ظلمات الأرض، السّلام علیکما من معتمد بعد الله سبحانه علیکما من عبدکما و زائرکما و ولیکما. أتیتکما زائرا لکما، عارفا بحقّکما، مؤمنا بما امتتما به، کافرا بما کفرتما به، محقّقا لما حقّقتما، مبطلا لما أبطلتتما. فأسأل الله ربّی و ربّکما بحقّکما أن يجعل حظّی من زیارتکما

سلام بر شما ای دو ولیّ خدا، سلام بر شما ای دو امین خدا و امانتدار او، سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر شما از طرف کسی که اعتمادش بعد از خدا بر شما است، از طرف بنده و زائر و ارادتمند شما. به قصد زیارت شما به بارگاه تان آمده ام درحالی که به حقّ شما آشنایم، به آنچه ایمان دارید مؤمنم، به آنچه انکار دارید منکرم، آنچه را حق بدانید حق می دانیم، آنچه را شما باطل بدانید باطل می دانم. پس از خداوند پروردگار من و پروردگار شما می خواهم که به حقّ شما بهره مرا از این زیارتم،

مغفره ذنوبی، و إعطائی سؤلی، و أن یصلی علی محمد و ال محمد، و یرزقنی شفاعتکما، و لا یفرق بینی و بینکما، و یجمعنی و ایاکما فی مستقر من رحمته.

آمزش گناهانم قرار دهد، و درخواست مرا عطا کند و بر محمد و آل محمد درود فرستد، و شفاعت شما را روزی من گرداند و میان من و شما جدائی نیفکند، و در قرارگاه رحمتش یعنی بهشت مرا در جمع شما قرار دهد.

سپس دست ها را به دعا بالا ببر و بگو:

اللّٰهُمَّ ارزقنی حبّ محمّد و ال محمّد، و توفّنی علی ملّتهم. اللّٰهُمَّ العن ظالمی ال محمّد، و انتقم منهم. اللّٰهُمَّ و عجل فرج و لیّک و ابن و لیّک، و اجعل فرجنا مقرونا بفرجهم.

بارالها؛ دوستی محمّد و آل محمّد را به من روزی فرما، و مرا بر دین و ملّت ایشان بمیران. خداوندا؛ ظالمان و ستمگران به آل محمّد را لعنت کن و از آنان انتقام بگیر. خداوندا؛ در فرج ولّیت و فرزند ولّیت شتاب فرما، و فرج و گشایش کار ما را با فرج ایشان مقرون فرما.

سپس در هر مکانی که ایستاده ای، چهار رکعت نماز بخوان و آنچه می توانی دعا کن. (۱)

## ۱۹- زیارت حضرت نرجس خاتون علیهما السلام

سپس مادر امام قائم حضرت نرجس خاتون علیهما السلام را که قبر مطهرش پشت قبر منور مولای مان امام عسکری علیه السلام است زیارت کن و بگو:

السّلام علی رسول اللّٰه صلّی اللّٰه علیه و اله، الصّادق الأمین،

سلام بر رسول خدا-درود خدا بر او و آل او باد-که راستگو و امین بوده است،

ص: ۶۴۳



السَّلام على مولانا أمير المؤمنين، السَّلام على الأئمَّة الطَّاهرين، الحجج الميامين، السَّلام على والده الإمام، و المودعه أسرار الملك العلام، و الحامله لأشرف الأنام. السَّلام عليك أيتها الصَّديقه المرضيه، السَّلام عليك يا شبيهه ام موسى، و ابنه حوارى عيسى، السَّلام عليك أيتها التَّقِيه النَّقِيه، السَّلام عليك أيتها المرضيه المرضيه. السَّلام عليك أيتها المنعوتة فى الإنجيل، المخطوبه من روح الله الأمين، و من رغب فى وصلتها محمَّد سيِّد المرسلين، و المستودعه أسرار ربِّ العالمين، السَّلام عليك و على أبائك الحواريين، السَّلام عليك و على بعلك و ولدك، السَّلام عليك و على روحك و بدنك الطَّاهر. أشهد أنك أحسنت الكفاله، و أدت الأمانه، و اجتهدت فى مرضاه الله، و صبرت فى ذات الله، و حفظت سرَّ الله، و حملت ولّى الله،

سلام بر مولایمان امیر المؤمنین علیه السَّلام، سلام بر امامان پاک که حجت های برکت آفرین الهی هستند، سلام بر مادر امام، و کسی که اسرار خداوند بسیار دانا نزد او ودیعه نهاده شد، و او دربردارنده بهترین مخلوقات و ارزشمندترین آن ها بود. سلام بر تو ای دارای ایمان کامل و مقام خشنودی خدا، سلام بر تو ای شبیه مادر موسی، و ای دختر یار مسیح علیه السَّلام، سلام بر تو ای باتقوای پاکیزه، سلام بر تو ای آنکه خدا از تو راضی و تو از خدا راضی هستی. سلام بر تو ای کسی که در انجیل توصیف شده ای، و خطبه عقدت را روح الامین (جبرائیل) خواند، و به این وصلت و پیوند حضرت محمَّد صلی الله علیه و اله و سلّم که سرور رسولان و فرستاده شدگان است مایل بود، و اسرار پروردگار جهانیان به او سپرده شد، سلام بر تو و پدرانت که از حواریون و یاران حضرت عیسی بودند، سلام بر تو و بر همسرت و فرزندت، سلام بر تو و بر روح و جسم پاکت. گواهی می دهم که خوب سرپرستی و امانتداری نمودی، و در راه رضای خدا کوشش کردی و در راه او صبر پیشه کردی و پایداری نمودی، و سرّ الهی را حفظ و نگهداری کردی، و ولّی خدا را حامله بودی

و بالغت فی حفظ حجّه اللّٰه، و رغبت فی وصله أبناء رسول اللّٰه، عارفه بحقّهم، مؤمنه بصدقهم، معترفه بمنزلتھم، مستبصره بأمرھم، مشفقہ علیھم، مؤثرہ ہواھم. و أشھد أنّک مضیت علی بصیرہ من أمرک، مقتدیہ بالصّالحین، راضیہ مرضیّہ، تقیّہ نقیّہ زکیّہ، فرضی اللّٰه عنک و أرضاک، و جعل الجنّہ منزلك و مأواک، فلقد أولاک من الخیرات ما أولاک، و أعطاک من الشّرف ما به أغناک، فهناک اللّٰه بما منحک من الکرامہ و أمراک.

و در نگہداری حجّت خدا سعی تمام نمودی، و در پیوند با فرزندان رسول خدا صلی اللّٰه علیہ و الہ و سلّم راغب و مایل بودی، درحالی کہ بہ حقّ ایشان عارف بودی و بہ راستی گفتارشان ایمان داشتی، و بہ مقام و مرتبہ آنان اعتراف داشتی و بہ امر ایشان آگاہ بودی و نسبت بہ آن ہا مہربان و دلسوز بودی و خواستہ آنان را بر خواستہ خودت ترجیح می دادی. و گواھی می دہم کہ تو نسبت بہ کاری کہ اقدام کردی و انجام دادی بینش صحیح داشتی و بہ شایستگان اقتدا نمودی درحالی کہ فرمانبردار، پسندیدہ، باتقوا، خالص و پاکیزہ بودی، خداوند از تو خشنود و تو از خود خشنود بودی، بہشت را منزل و جایگاہ ہمیشگی تو قرار داد، و بہ راستی درباره ات احسان نمود چہ احسان نیکویی، و از شرافت و بزرگواری بہ تو آن قدر عطا کرد کہ بی نیازت نمود، پس آنچه را خداوند بہ تو از کرامت و ارزشمندی بخشیدہ گوارایت باد.

سپس سر بلند کن و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَک اِعْتَمَدت، و لرضاک طلبت، و بأولیائک اِلیک تو سّیلت، و علی غفرانک و حلمک اَتکلت، و بک اعتصمت، و بقبر امّ ولّیک لذت، فصلّ علی محمّد و ال محمّد، و انفعنی بزیارتها، و ثبتنی علی محبّتها، و لا تحرمنی شفاعتها و شفاعہ ولدها، و ارزقنی مرافقتها، و احشرنی معها

خداوندا؛ بہ تو اعتماد نمودم، و رضا و خشنودی تو را جو یا گشتم، و بہ واسطہ اولیایت بہ درگاہ تو تو سّل جستم، و بر آمرزش و بردباریت تکیہ کردم، و بہ لطف تو چنگ زدم (تا محفوظ بمانم) و بہ مرقد پاک مادر ولّیت پناہندہ شدم، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا بہ زیارت این بزرگوار بہرہ مند فرما و بر محبّت و دوستی او ثابت بدار، و از شفاعتش و شفاعت فرزند عزیزش محروم مگردان، ہمراھی با او را روزی من گردان، و مرا با آن حضرت و

و مع ولدها كما وُفقتني لزياره ولدها و زيارتها. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحَجَّجِ الْمِيَامِينَ مِنْ آلِ طِهٍ وَ يَسٍّ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ، الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعِيهِ، وَ يَسَّرْتَ أَمْرَهُ، وَ كَشَفْتَ ضَرْهَهُ، وَ أَمَنْتَ خَوْفَهُ. اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَ ارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشِرْنِي فِي زَمْرَتِهَا، وَ أَدْخِلْنِي فِي شَفَاعِهِ وَ لِدْهَاهَا وَ شَفَاعَتِهَا. وَ اغْفِرْ لِي وَ لِرِوَالِدِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ اتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قَنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا سَادَتِي وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتِهِ. (١)

فرزند بزرگوارش محشور فرما همان گونه که به زیارت فرزندش و به زیارت او موفق ساختی. خداوندا؛ به وسیله ائمه طاهیرین علیهم السلام به تو روی آوردم و به حجت های فرخنده و بابرکت از آل طه و یس به درگاه تو توسل جستیم که بر محمد و آل پاک او درود فرستی، و مرا از اطمینان دارندگان و بهره مندان و شادمانان و بشارت داده شدگان که بیمی بر آن ها نیست و دچار غم و غصه نمی شوند قرار بده، و از کسانی که تلاش آن ها را پذیرفتی، و امر آنان را آسان گردانیدی و بیچارگی و اندوهشان را برطرف کردی و ترس آن ها را به ایمنی تبدیل کردی قرار بده. خداوندا؛ به حق محمد و آل محمد بر محمد و آل او درود فرست، و این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به این بزرگوار قرار مده، و تا مادامی که مرا در این جهان باقی داشته ای بازگشتن به سوی این بانوی بزرگوار را روزی من گردان، و هنگامی که وفاتم فرارسید مرا در زمره او محشور فرما، و مرا از شفاعت او و فرزند عزیزش بهره مند گردان، و مرا و پدر و مادرم را و همه مردان و زنان مؤمن را بیامرز، و در دنیا به ما خیر و خوبی و در آخرت خیر و خوبی مرحمت فرما، و به رحمت گسترده ات ما را از عذاب دوزخ حفظ کن، و سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر شما سروران من باد.

ص: ۶۴۶

السَّلام علی جدِّک المصطفی، السَّلام علی أبیک المرتضی، السَّلام علی الحسن و الحسین علیهما السَّلام، السَّلام علی خدیجه الکبری، السَّلام علی فاطمه الزَّهراء سیده نساء العالمین، السَّلام علی النفوس الفاخره و شفعاآئی فی الاخره. السَّلام علیک یا بنت ولّی الله، السَّلام علیک یا بنت حجّه الله، السَّلام علیک یا اخت ولّی الله، السَّلام علیک یا عمّه ولّی الله، السَّلام علیک یا بنت محمّد التّقی الجواد، السَّلام علیک و رحمه الله و برکاته. أشهد أنّک مضیت علی بصیره من أمرک، راضیه مرضیه، و تقیه نقیه زکیه، فرضی الله عنک و أرضاک، و جعل الجنّه مأواک و منزلك، و الصّلاه و السَّلام علیکم جمیعا و رحمه الله و برکاته. (۱)

سلام بر جدّت محمّد مصطفی، سلام بر پدرت علی مرتضی، سلام بر (امام) حسن و (امام) حسین که بر هر دو سلام باد، سلام بر خدیجه کبری، سلام بر فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان، سلام بر شخصیت های ارزشمند و شفاعت کنندگان من در آخرت. سلام بر تو ای دختر ولّی خدا، سلام بر تو ای دختر حجّت خدا، سلام بر تو ای خواهر ولّی خدا، سلام بر تو ای عمّه ولّی خدا، سلام بر تو ای دختر امام محمّد تقی حضرت جواد، سلام و رحمت و برکات خداوندی بر تو باد. گواهی می دهم که تو با بصیرت و آگاهی نسبت به کار خود روزگار گذراندی درحالی که تو از خدا خشنود و خدا از تو خشنود بود، باتقوا، خالص و پاکیزه بودی، خداوند از تو خشنود بود و تو را از خود خشنود نمود و بهشت را منزل و مأوا و جایگاه همیشگی ات قرار داد، و درود و سلام و رحمت و برکات بی پایان الهی بر همه شما باد.

ص: ۶۴۷



بخش دوازدهم: زیارت نواب امام عصر ارواحنا فداه و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن حضرت نقل نموده اند

اشاره

ص: ۶۴۹



نایبان امام زمان ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری چهار نفر بودند که به ترتیب عبارتند از: ۱- ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عمری اسدی، ۲- پسرش ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عمری، ۳- جناب ابو القاسم حسین بن روح بن ابو بحر نوبختی، ۴- جناب ابو الحسن علی بن محمّد سمّری (۱).

این بزرگواران، نایبان امام عصر ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری بودند. تمام نامه ها و دستورات آن حضرت به واسطه ایشان و با دست ایشان به شیعیان می رسید.

پس از آن زمان، غیبت کبری پیش آمد و نیابت پایان پذیرفت.

### ۱- زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداه

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «تهذیب الأحکام» و سیّد بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده اند: مستحب است زیارت کردن نایبان خاص و بزرگوار حضرت مهدی ارواحنا فداه را به زیارتی که به جناب حسین بن روح قدس سرّه منسوب است.

بدین صورت که کنار قبر مطهر جناب عثمان بن سعید قدس سرّه ایستاده و بگوییم:

ص: ۶۵۱

---

۱- ۱). آیه الله سیّد احمد مستنبط رحمه الله می گوید: ممکن است این چهار نفر از اصحاب بقیه ائمه علیهم السّلام دارای فضیلت بیشتری بوده، بلکه بعید نیست معصوم باشند. و در حال حاضر نیز واسطه بین امام و شیعیان هستند؛ همان گونه که در دوران غیبت صغری [۱] حدود هفتاد سال دارای این مقام بودند. (الزیاره و البشاره: ۱/۱۳۲)



السَّلام على رسول الله، السَّلام على أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب، السَّلام على خديجه الكبرى، السَّلام على فاطمه الزَّهراء، السَّلام على الحسن بن عليّ، السَّلام على الحسين بن عليّ، السَّلام على محمد بن عليّ، السَّلام على جعفر بن محمد، السَّلام على موسى بن جعفر، السَّلام على عليّ بن موسى، السَّلام على محمد بن عليّ، السَّلام على عثمان بن سعيد، أشهد أنّك باب المولى، أدّيت عنه و أدّيت إليه، ما خالفته و لا خالفت عليه، قمت خاصّاً، و انصرفت سابقاً، جئتكَ عارفاً بالحقّ الذي أنت عليه، و أنّك ما خنت في التّأديه و السّفاره، السَّلام عليك من باب ما أوسعك،

سلام بر رسول خدا؛ سلام بر امير و فرمانروای مؤمنان، حضرت عليّ بن ابی طالب؛ سلام بر حضرت خديجه، بزرگترین زن؛ سلام بر حضرت فاطمه زهرا؛ سلام بر امام حسن فرزند حضرت علی؛ سلام بر امام حسین؛ فرزند حضرت علی؛ سلام بر عليّ بن الحسين (امام سجّاد)، سلام بر محمّد بن علی (امام باقر)، سلام بر جعفر بن محمّد (امام صادق)، سلام بر موسى بن جعفر (امام کاظم)، سلام بر عليّ بن موسى (امام رضا)، سلام بر محمّد بن علی (امام جواد)، سلام بر عليّ بن محمّد (امام هادی)، سلام بر حسن بن علی (امام عسکری)؛ سلام بر محمّد بن حسن، حضرت مهدی صاحب عصر و زمان (عليهم السّلام). سلام بر تو ای عثمان بن سعيد؛ گواهی می دهم که تو باب و راه رسیدن به مولای مان هستی؛ پیغام ها را از او به دیگران، و از دیگران به او رسانیدی؛ نه با او مخالفت کردی و نه کسی را علیه او به مخالفت برانگیختی؛ بپاخاستی درحالی که اولین نایب خاصّ بودی و از دنیا رفتی درحالی که بر همه (از نظر عقیده) سبقت گرفتی. درحالی خدمتت شرفیاب شده ام که حقّی را که تو بر آن هستی می شناسم، و می دانم که در ادای رسالت و انجام وظیفه سفیر بودنت هیچ خیانتی انجام نداده ای. سلام بر تو ای در رحمتی که بسیار گسترش داشتی؛

و من سفیر ما امنک، و من ثقہ ما أمکنک، أشهد أن الله اختصک بنوره حتى عاينت الشخص، فأدیت عنه و أدیت إليه.

و ای سفیری که بسیار امانت دار و مورد اعتماد بودی؛ و ای مورد اطمینانی که قدرتت بسیار بالا بود. گواهی می دهم که خداوند تو را به نورش اختصاص داد تا آن که شخص مبارک حضرتش را با چشم دیدی، و بدین سان پیغام ها را از او به دیگران و از دیگران به او رسانیدی.

سپس بر پیامبر و امامان علیهم السلام تا امام زمان ارواحنا فداه دوباره سلام می دهی و می گویی:

جتتک مخلصا بتوحید الله و موالاه اولیائه، و البرآءه من أعدائهم و من الذین خالفوک، یا حجّه المولی، و بک اللهم توجّهی، و بهم إليك توصلی.

با یگانه دانستن خالصانه خداوند و دوستی و موالات خالصانه اولیای الهی، و بیزاری از دشمنانشان و بیزاری از کسانی که با تو مخالفت کردند، خدمتت شرفیاب شدم. ای دلیل و حجت مولا امام زمان بر ما؛ بارالها؛ تنها به تو روی آورده و توجه دارم، و تنها به واسطه این بزرگواران به سوی تو توصل می جویم.

پس از آن، هر دعایی که می خواهی بخوان و حاجت و خواسته ات را از خدای تعالی بخواه.

آن گاه دیگر نایبان بزرگوار را نیز همین گونه زیارت کن، و تنها به جای اسم «عثمان بن سعید»، نام همان نایبی را که زیارت می کنی بگو. (۱)

## ۲- زیارت نایب اول

جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: در یکی از نسخه های کهن از تألیفات عالمان بزرگوار شیعه که مورد اعتماد می باشند، زیارتی برای مولای مان جناب عثمان بن سعید عمری اسدی قدس سره دیدم که این گونه است:

ص: ۶۵۳

السَّلام عليك أَيها العبد الصَّالح، النَّاصح لله و لرسوله و لأوليَّآئه، المجدِّ في خدمه ملوك الخلائق، امناء الله و أصفِيآئه، السَّلام عليك أَيها الباب الأعظم، و الصِّراط الأقوم، و الوليُّ الأكرم، السَّلام عليك أَيها المتوجُّج بالأنوار الإماميَّة، المتسرِّب بالجلابيب المهدِيَّة، المخصوص بالأسرار الأحمديَّة، و الشَّهب العلويَّة، و المواليد الفاطميَّة، السَّلام عليك يا قرَّة العيون، و السِّدِّ المكنون، السَّلام عليك يا فرج القلوب، و نهايه المطلوب. السَّلام عليك يا شمس المؤمنين، و ركن الأشياخ المنقطعين، السَّلام على وليِّ الأيتام، و عميد الجحاجحه الكرام، السَّلام على الوسيله إلى سرِّ الله في الخلائق، و خليفه وليِّ الله الفاتق الرَّايق. السَّلام عليك يا نأب قوام الإسلام، و بهآء الأيتام، و حجَّه الله الملك العلام على الخاصِّ و العامِّ،

سلام بر تو، ای بنده شایسته که خیرخواهی برای خدا، رسولش و اولیایش کردی؛ به طور جدی و فعال، در خدمت پادشاهان حقیقی مخلوقات، یعنی امینان خداوند و برگزیدگانش بودی؛ سلام بر تو ای بزرگ ترین باب و واسطه، و ای راه بسیار استوار، و ای ولی و سرپرست بسیار بزرگوار. سلام بر تو ای کسی که تاجی از نورهای امامیه بر سر داری؛ کسی که پوشیده شده ای به پوشش های مهدویت؛ کسی که اختصاص یافتی به اسرار احمدی و ستاره های درخشان علوی، و فرزندان حضرت فاطمه علیهما السَّلام؛ سلام بر تو ای نور دیدگان و راز پنهان؛ سلام بر تو ای راحتی دل ها و گشایش دهنده قلب ها، و نهایت خواهش ها و خواسته ها؛ سلام بر تو ای خورشید مؤمنان، و تکیه گاه شیعیان راه گم کرده و دور از امام، سلام بر سرپرست یتیمان (آل محمّد علیهم السَّلام)، و مورد اعتماد سروران بزرگوار؛ سلام بر وسیله و واسطه دسترسی به سرّ الهی که در بین مردم است؛ و جانشین ولی خدا که به رتق و فتق امور شیعیان و مردم می پردازد. سلام بر تو ای نایب کسی که پایداری اسلام به واسطه اوست، و روشنی و درخشندگی ایام است؛ و حجّت خداوند-که صاحب ملک و ملکوت و بسیار دانا است- بر همه مردم از خواص و عوام؛

الفاروق بين الحلال و الحرام، و النور الزاهر، و المجد الباهر في كل موقف و مقام. السلام عليك يا ولي بقية الأنبياء و خيره إله السماء، المختص بأعلى مراتب الملك العظيم، المنجي من متالف العطب العميم، ذى اللواء المنصور، و العلم المنشور، و العلم المستور، و المحجّه العظمى، و الحجّه الكبرى، سلاله المقدسين، و ذريه المرسلين، و ابن خاتم النبيين، و بهجه العابدين، و ركن الموحدين، و وارث الخيره الطاهرين، صلى الله عليهم صلاه لا تنفد و إن نفذ الدهر، و لا تحول و إن حال الزمن و العصر. اللهم إني أقدم بين يدي سؤالي، الإعتراف لك بالوحدانيه، و لمحمد بالنبوه، و لعلي بالإمامه، و لذريتهما بالعصمه و فرض الطاعه، و بهذا الولي الرشيد، و المولى الشديد، أبي محمد عثمان بن سعيد، أتوسل إلى الله بالشفاعه

همان کسی که حلال و حرام را از هم جدا می کند، و روشنی تابان، و شکوه زیبا و درخشان، در هر جایگاه و توقف گاه است؛ سلام بر تو ای ولی و نماینده باقی مانده پیامبران و برگزیده خدای آسمان؛ که بلندترین مرتبه ها در هستی اختصاص به او دارد؛ باعث نجات همگان از حوادث هلاکت بار فراگیر و همه گیر اوست؛ دارای بیرق پیروز، و پرچم افراشته و دانش پنهان، و طریقه و راه و روش بزرگ مرتبه، و دلیل و برهانی والا و از نسل سروران پاک و از فرزندان فرستادگان الهی، و فرزند آخرین و ارجمندترین پیامبر، و نشاط و شادمانی پرستش گران، و تکیه گاه یکتا پرستان، و ارث برنده از بهترین پاکان است. درود پیوسته الهی بر ایشان؛ درودی که پایان نپذیرد، گرچه روزگار پایان یابد؛ درودی که دگرگون نشود گرچه زمان و عصر دگرگون گردد. بارالها؛ من پیش از عرض حال و درخواستم به پیشگاه مقدس تو، اعتراف خود به یگانگی تو را؛ و نیز اعتراف به پیامبر بودن حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم، امامت حضرت علی علیه السلام، و عصمت داشتن و واجب الإطاعه بودن نسل پاک این دو بزرگوار را تقدیم و پیشکش می کنم. و همچنین به این سرپرست و نماینده راه یافته و این مولای باثبات و استقامت یعنی جناب ابو محمد عثمان بن سعید، به سبب شفاعت او به سوی خداوند توسل می جویم.

إليه، ليشفع إلى شفعاؤه، و أهل مودّته و خلصائه، أن يستنقذوني من مكاره الدّنيا و الآخرة. اللهمّ إنّي أتوسّل إليك بعبدك عثمان بن سعيد، و أقدمه بين يدي حوائجى أن تصلّى على محمّد و آل محمّد و شيعته و أوليائه، و أن تغفر لى الحوب و الخطايا، و تستر علىّ الزّلل و السيّئات، و ترزقنى السّلامه من الرّزايا. فكن لى يا ولّى الله شافعا نافعا، و ركننا منيعا دافعا، فقد ألقيت إليك بالأمال، و وثقت منك بتخفيف الأثقال، و قرعت بك يا سيّدى باب الحاجه، و رجوت منك جميل سفارتك، و حصول الفلاح بمقام غياث أعتمد عليه و أقصد إليه، و أطرح نفسى بين يديه، و السّلام عليك و رحمه الله و بركاته.

تا شفاعت کند نزد شفيعانش و آن ها که مودّت و دوستى ایشان را دارند و خود را در راه آنان خالص نموده اند که مرا از ناخوش آيندهاى دنيا و آخرت نجات بخشند. بارالها؛ من به واسطه بنده خوبت جناب عثمان بن سعيد، به تو متوسّل مى شوم؛ و او را پيشاپيش حوائج مقلّم مى دارم که بر محمّد و آل محمّد و شيعيان و دوستانشان درود فرستى، و گناهان و اشتباهاتم را ببخشى، و لغزش ها و زشتى ها را بر من بپوشانى، و سالم ماندن از مصيبت ها را نصييم گردانى. بدین سان، اى ولّى خدا؛ واسطه گرى سودمند، و تکیه گاهى محکم و مدافع برای من باش؛ مى دانی که با آرزوهای فراوان نزدت آمده ام، و اطمینان دارم که سنگینی گناهان مرا کم مى کنی، و به واسطه تو اقدام به کوبیدن درب حاجت کرده ام، و از تو امید بهترین پیغام رسانی را دارم، و امیدوارم به واسطه شما رستگاری حاصل کنم به جایگاه دادرسی که به او اعتماد دارم و به قصد دستیابی به او نزد شما آمده ام، و جانم را پیش رویش بیفکنم. سلام و رحمت و برکات خداوند نثارت باد.

سپس، نماز زیارت را به جای آورده و به او و دیگر کسانی که در نیابت با او شریک بوده اند هدیه کن، درود خدا بر همه آنان باد. سپس درحالی که روبه روی ایشان می باشی، با آن بزرگوار وداع کن. (۱)

ص: ۶۵۶

### ۳- نماز برای وسعت رزق

که از جناب محمد بن عثمان قدس سره نقل شده است

مبشر بن عبد العزیز روایت کرده و می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان وارد شد و عرض کرد: قربانت شوم، من فقیر و نیازمندم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

منتظر باش، تا روز چهارشنبه فرارسد؛ آن روز را و روز پنجشنبه و جمعه را که بعد از آن است روزه بگیر. هنگام ظهر روز جمعه، بر بالای پشت بامت یا به دشت و صحرا برو و به گونه ای که هیچ کس تو را نبیند رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را زیارت کن، آن گاه در همان جا دو رکعت نماز به جای آور. سپس بر دو زانویت بنشین و آن ها را بر زمین بچسبان و درحالی که رو به قبله هستی دست راست را بالای دست چپت رو به آسمان بالا ببر و بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ، انْقَطِعِ الرَّجَاءَ إِلَّا- مِنْكَ، وَ خَابَتِ الْأُمَالُ إِلَّا- فَيْكَ، يَا ثِقَةَ مَنْ لَا ثِقَةَ لَهُ، لَا ثِقَةَ لِي غَيْرَكَ، اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَ مَخْرَجًا، وَ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ، وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ.

خدایا؛ تو، تویی؛ امید، جز از تو بریده شد؛ و آرزوها، جز در مورد تو ناکام گشت؛ ای تنها مورد اطمینان کسی که هیچ شخص مورد اطمینانی ندارد؛ من نیز هیچ شخص مورد اعتمادی جز تو ندارم؛ در کارم راحتی و گشایش و گریزگاهی قرار بده و از جایی که گمان می برم و حتی از جایی که گمان نیز نمی برم به من روزی و نصیب برسان.

سپس روی زمین سجده کن و بگو: یا مغیث، اجعل لی رزقا من فضلک.

ای فریادرس؛ برای من روزی و نصیبی از فضلت قرار ده.

پس خورشید روز شنبه طلوع نخواهد کرد مگر با رزق و روزی تازه ای که برایت فراهم شده باشد.

احمد بن مابنداذ-راوی این حدیث-می گوید: به ابو جعفر جناب محمد بن عثمان بن سعید عمری قدس سره عرض کردم: اگر کسی بخواهد این نماز و دعای درخواست رزق را بخواند و در شهر مدینه نباشد، باید چه کند؟

فرمود: آقا و سرورمان رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را در حرم امامی که در شهر و سرزمین خودش است در قسمت بالای سر آن امام زیارت کند.

عرض کردم: اگر در شهر خودش قبر هیچ یک از امامان نباشد، چه کند؟

فرمود: بعضی از مؤمنان نیکوکار و شایسته را زیارت کند، و سپس به صحرا برود، و در قسمت راست صحرا دستوری را که در روایت آمده است اجرا کند؛ ان شاء الله این کار باعث رستگاری و کامیابی او خواهد بود. (۱)

#### ۴- دعای مهمه

که جناب محمد بن عثمان قدس سره آن را بسیار عظیم و باارزش دانسته است

این دعا را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امام باقر و امام صادق علیهما السلام می خوانده اند، دعای حاضر را به جناب ابو جعفر محمد بن عثمان قدس سره عرضه کردند، فرمود: دعایی مانند این دعا وجود ندارد و خواندن این دعا، از باارزش ترین عبادت هاست.

دعا این است:

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، أَمِنْتُ بِكَ مَخْلَصًا لَكَ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ سُوءِ عَمَلِي، وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِدُنُوبِي الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، أَصْبِحُ ذَلِي مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ،

بارالها؛ تو پروردگار من هستی، و من بنده توام؛ مخلصانه به تو ایمان آوردم، و در حدّ توانم و تا آنجا که توانسته ام بر عهد و پیمانی که با تو دارم هستم؛ از بدرفتاری هایم توبه کرده و به سوی تو باز می گردم، و در مورد گناهانم که جز تو بخشنده ای برای آن ها وجود ندارد، از تو طلب بخشش می کنم. ضعف و ذلت من پناهنده به عزت و قدرت تو گردیده،

ص: ۶۵۸

و أصبح فقري مستجيرا بغناك، و أصبح جهلي مستجيرا بحلمك، و أصبحت قلّه حيلتي مستجيره بقدرتك. و أصبح خوفي مستجيرا بأمانك، و أصبح دآئي مستجيرا بدوآئك، و أصبح سقمي مستجيرا بشفآئك، و أصبح حيني مستجيرا بقضآئك، و أصبح ضعفي مستجيرا بقوّتك، و أصبح ذنبي مستجيرا بمغفرتك، و أصبح وجهي الفاني البالي مستجيرا بوجهك الباقي الدآئم المّدى لا- ييلي و لا- يفنى. يا من لا يواريه ليل داج، و لا سمآء ذات أبراج، و لا حجب ذات ارتجاج (أتراج)، و لا ماء ثجاج في قعر بحر عجاج، يا دافع السّيطوات، يا كاشف الكربات، يا منزل البركات من فوق سبع سماوات. أسألك يا فتّاح يا نفاّح يا مرتاح، يا من بيده خزائن كلّ مفتاح، أن تصلّي على محمّد و آل محمّد الطّاهرين الطّيبين، و أن تفتح

و برای برطرف شدن نیازم به بی نیازی تو پناه آوردم، و نادانی خود را با آویختن به حلم و بردباری تو جبران می کنم، و بیچارگی خود را با پناه آوردن به قدرت تو برطرف می کنم. ترسم به دامن امان و امّیت تو پناه آورده، دردم به دواي تو پناه آورده است؛ بیماریم در پناه شفای تو آمده، از هلاکت و نابودی ام دست به دامن قضای تو شده ام، ناتوانی من از نیروی تو کمک می جوید، و گناهانم در پی بخشش تو اند، و رخسار نابودشدنی و کهنه شونده ام به روی مبارک و همیشگی و پایدار تو که فنا و کهنگی در آن نیست پناهنده شده است. ای کسی که پنهان نمی کند شب تاریک از او چیزی را، و نه آسمان پر از برج ها (مجموعه ستارگان)، و نه حجاب های پیوسته و نه آب های ریزان در ژرفای دریا. ای کسی که چیرگی دشمنان را برطرف می کند، ای کسی که اندوه ها را برطرف می کند، ای کسی که برکت ها را از بالای هفت آسمان می فرستد، ای بسیار گشایش گر؛ ای بسیار نعمت دهنده؛ ای راحتی؛ ای کسی که گنجینه های تمام کلیدها در دست توست؛ از تو درخواست می کنم بر محمّد و آل محمّد- که پاک و پاکیزه اند- درود بفرستی و



لی من خیر الدنیا و الاخره، و أن تحجب عني فتنة الموكّل بی، و لا تسلطه علیّ فیهلکنی، و لا تکلنی إلى أحد طرفه عین فیعجز عني، و لا تحرمنی الجنّه، و ارحمنی و توفّنی مسلماً، و ألحقنی بالصالحین، و اکفنی بالحلال عن الحرام، و بالطیب عن الخیث یا أرحم الرّاحمین. اللهم خلقت القلوب علی إرادتک، و فطرت العقول علی معرفتک، فتململت الأفتدہ من مخافتک، و صرخت القلوب بالوله، و تقاصر وسع قدر العقول عن الثناء علیک، و انقطعت الألفاظ عن مقدار محاسنک، و کلت الألسن عن إحصاء نعمک، فإذا ولجت بطرق البحث عن نعمتک بهرتها حیره العجز عن إدراک وصفک. فهي تتردد فی التّقصیر عن مجاوزه ما حدّدت لها، إذ لیس لها أن تتجاوز ما أمرتها، فهي بالإقتدار علی ما مکنتها تحمدک بما أنهیت إليها،

از خیر و خوشی دنیا و آخرت برایم گشایش کنی، و هر فتنه ای را که دامنگیر من شده است برداری و بر من مسلطش نکنی که نابودم کند؛ و حتّی یک چشم برهم زدن مرا به کسی (جز خودت) وامگذاری؛ زیرا نمی تواند برایم کاری بکند. مرا از بهشت محروم مساز، و به من رحم کن، و مرا مسلمان بمیران، و به صالحان و شایستگان ملحق کن، و به سبب حلال از حرام و به سبب پاکی از ناپاکی مرا بی نیاز گردان و کفایت کن، ای مهربان ترین مهربانان. بارخدایا؛ دل ها را براساس اراده خودت آفریدی، و عقل ها را با شناخت خودت به وجود آوردی؛ بدین سان، دل ها از ترس تو ناآرام گردید، و قلب ها صدا و فریاد در دادند که حیران تواند، و توان عقل ها در ثناگویی تو کم شد، و کلمات تمام شدند و نتوانستند اندازه خوبی هایت را دریابند، و زبان ها از شمارش نعمت هایت خسته شدند و هرگاه خواستند به هر شکلی صفات تو را بازگو کنند در ناتوانی از درک صفات تو حیرت زده شدند. پس آن دچار تردید شد در کوتاهی کردن نسبت به گذشتن از حدّ مجازی که برایش تعیین کردی؛ چرا که حق ندارد از حدّ مجازی که به او فرمان داده ای عبور کرده و بگذرد، و آن قدرت دارد طبق آنچه به او توانایی داده ای تو را ستایش کند به مقداری که به او نیرو رسانیده ای،

و الألسن منبسطة بما تملی علیها، و لك علی كل من استعدت من خلقك ألا یملوا من حمدك، و إن قصرت المحامد عن شكرك علی ما أسدیت إلیها من نعمك. فحمدك بمبلغ طاقه جهدهم (حمدهم) الحامدون، و اعتصم برجاء عفوكم المقصرون، و أوجس بالزبویة لك الخائفون، و قصد بالزغبه إلیك الطالبون، و انتسب إلی فضلک المحسنون، و كل یتفياً فی ظلال تأمیل عفوكم، و یتضائل بالذلّ لخوفك، و یعترف بالتقصیر فی شكرك. فلم یمنعك صدوف من صدف عن طاعتك، و لا- عكوف من عكف علی معصیتك أن أسبغت علیهم النعم، و أجزلت لهم القسم، و صرفت عنهم النقم، و خوّفتهم عواقب الندم، و ضاعفت لمن أحسن، و أوجبت علی المحسنین شكر توفیقك للإحسان، و علی المسیء شكر تعطفك بالإمتنان،

و زبان ها تا جایی که تو برای شان املا کردی گویا هستند. بدین جهت حقّ تو بر تمام آفریده هایی که باید تو را بپرستند آن است که از ستایش تو خسته و افسرده نشوند؛ با این که هرچه تو را بستانند و سپاس گذارند، باز هم ستایش ها در مقابل نعمت هایت نارسا است. پس ستایشگران به اندازه تو توان و کوشش خود تو را ستایش کردند، و مقصّران به رشته عفو و بخشش تو چنگ زدند، و ترسناکان از مقام ربوبیت تو لرزانند، و آن ها که در جستجوی تو اند با اشتیاق به درگاہت می شتابند؛ و نیکوکاران، منتسب به فضل و فزون بخشی تو اند؛ همگی نیز در سایه آرزوی عفو نشسته اند، و در هراس از تو اند، و به کوتاهی در سپاس تو اعتراف دارند. آن ها که از فرمان برداریت روگردان اند، یا به نافرمانیت مشغول اند، تو را مانع نشد و بازنداشت از این که نعمت هایت را بر ایشان سرازیر کنی، و نصیب و قسمت ایشان را فراوان گردانی؛ و بلاها و مصیبت ها را از آن ها بگردانی، و از عاقبت و آینده که دچار ندامت و پشیمانی می شوند بترسانی، و برای کسی که نیکی کند چند برابر پاداش دهی. بر نیکوکاران لازم کردی که شکر و سپاس تو را در برابر توفیق نیکوکاری به جای آورند، و بر بدکاران نیز واجب کردی تا شکر و سپاس تو را به خاطر مهربانی و منت نهادنت به جای آورند؛

و وعدت محسنهم بالزيادة في الإحسان منك. فسبحانك تتيب على ما بدؤه منك، و انتسابه إليك، و القوه عليه بك، و الإحسان فيه منك، و التوكل في التوفيق له عليك، فلك الحمد حمد من علم أن الحمد لك، و أن بداه منك، و معاده إليك حمدا لا يقصر عن بلوغ الرضا منك، حمد من قصدك بحمده، و استحق المزيده منك في نعمه، و لك مؤيدات من عونك، و رحمه تخص بها من أحببت من خلقك. فصل على محمّد و اله، و اخصصنا من رحمتك و مؤيدات لطفك، بأوجبها للإقالات، و أعصمها من الإضاعات، و أنجاها من الهلكات، و أرشدها إلى الهدايات، و أوقاها من الآفات، و أوفرها من الحسنات، و أنزلها بالبركات، و أزيدها في القسم، و أسبغها للنعم، و أسترها للعيوب، و أغفرها للذنوب، إنك قريب

البتّه به نيكوکاران نیز وعده دادی احسان و نیکی خود را به ایشان-در برابر سپاس شان-افزون گردانی. ای خدای سبحان؛ تو چه قدر منزّه و بی عیبی؛ چون، پاداشی که می دهی در ازای چیزی است که آغازش از ناحیه تو است، و همه می دانند که از جانب توست، و توان انجام آن را نیز خودت داده ای، و این نیکی از جانب توست، و توفیق بر انجام آن نیز با توکل بر تو حاصل می شود. پس تو را ستایش می کنم؛ ستایش کسی که می داند ستایش ها ویژه توست، و آغازش از تو بوده، و بازگشت آن نیز به سوی خودت است؛ ستایشی که مرا به طور حتم به رضایت و خشنودیت می رساند؛ ستایش کسی که با ستایش خود تو را قصد کرده، و بدین سان استحقاق فزونی نعمت هایت را نیز پیدا کرده است. و تو تأییدکنندگان از راه کمک رسانی داری؛ و مرحمتی که به هریک از آفریدگانت که دوستش داشته باشی اختصاص خواهی داد. پس بر محمّد و آل او درود بفرست، و ما را از آن رحمت ها و الطاف تأییدکننده و موقّیّت بارت ارزانی دار که بیشتر باعث درگذشتن از گناهان، و حفظ از تباهی ها، و نجات از هلاکت ها، و راهنمایی به مسیرهای هدایت، و نگهداری از آفت ها، و فراوانی خوبی ها و نیکی ها، و نزول برکت ها، و فزونی قسمت ها و سهم ها، و ریزش و فراوانی نعمت ها، و پوشش عیب ها، و بخشش گناهان گردد. همانا تو نزدیک و

مجیب. فصلّ علی خیرتک من خلقک، و صفوتک من بریتک، و آمینک علی وحیک بأفضل الصّیلموات، و بارک علیه بأفضل البرکات، بما بلّغ عنک من الرّسالات، و صدع بأمرک، و دعا إلیک، و أفصح بالدلائل علیک بالحقّ المبین، حتّی أتاه الیقین، و صلّی الله علیه فی الأوّلین، و صلّی الله علیه فی الآخرین، و علی اله و أهل بیته الطّاهرین، و اخلفه فیهم بأحسن ما خلّف به أحدا من المرسلین بک یا أرحم الرّاحمین. اللّهمّ لک إرادات لا تعارض دون بلوغها الغایات، قد انقطع معارضتها بعجز الإستطاعات عن الرّد لها دون النّهایات، فأیّه إرادته جعلتها إرادته لعفوک، و سببا لنیل فضلک، و استنزالا لخیرک، فصلّ علی محمّد و أهل بیت محمّد، و صلها اللّهمّ بدوام، و ابدأها بتمام، إنّک واسع الحباء، کریم العطاء، مجیب النّداء

پاسخ دهنده هستی. پس بر بهترین آفریده ات، و برگزیده و زبده مخلوقات، و امین و وحی خودت، برترین و ارزشمندترین درودها را بفرست و به او به برترین برکت ها برکت بده؛ آن گونه که او نیز رسالت ها و پیغام های تو را رساند، و دستورت را آشکار کرد، و به سوی تو فراخواند، و به طور روشن و فصیح و گویا به آنچه حقّ و آشکار است به دلیل آوردن بر وجود تو پرداخت؛ تا آن که مرگ به سراغش آمد. خدا در ابتدایان بر او درود فرستد، و در آیندگان نیز بر او درود فرستد، و بر آل و اهل بیت پاکش نیز درود فرستد، و به بهترین چیزی که جایگزین کردی به آن چیز یکی از رسولانت را، در مورد ایشان جایگزین کن؛ ای مهربان ترین مهربانان. بارالها؛ تو اراده هایی داری که به طور حتم به مقصد و هدف نهایی خواهند رسید و کسی را یارای درگیری با اراده تو نیست. اگر به رویارویی و درگیری اراده تو نیز بیانند ناتوان می شوند و به طور حتم به مقصود کامل خودت می رسی. پس هر اراده ای که برای بخشش کرده ای، و هر سببی که برای رسیدن به فضلت قرار داده ای، و هر چیزی را که باعث فرود آمدن خیرات و برکات است؛ بر محمّد و اهل بیت محمّد درود بفرست، و آن ها را به جاودانگی متصل فرما، و به طور کامل آغاز گردان؛ همانا تو دارای بخشش فراگیر، عطای کریمانه، پاسخ دهنده به ندا

و شنونده خوبی برای دعا هستی.

## ۵- دعای سمات

که از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان قدّس سرّه روایت شده است

محمّد بن علی می گوید: در مجلس جناب محمّد بن عثمان بن سعید عمری رحمه الله حضور داشتیم، ایشان بعد از کلماتی که ذکر کردند فرمودند:

ابو عمرو محمّد بن سعید به من خبر داد، و او از محمّد بن اسلم و او از محمّد بن سنان و ایشان از مفضل بن عمر جعفی، و آن بزرگوار از امام صادق علیه السّلام روایت کرد.

البته در این روایت چنین آمده است که مستحبّ است این دعا در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود.

شیخ طوسی رحمه الله نیز در هنگام بازگو کردن این دعا فرموده است: دعای سمات، از جناب عمری (محمّد بن عثمان) رحمه الله روایت شده است، و مستحبّ است در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود.

اکنون متن دعا را طبق روایت کفعمی رحمه الله می آوریم:

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ مَغَالَقَ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لَلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ مَضَائِقَ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لَلْفَرَجِ

بارالها؛ به واسطه آن نام بزرگ و بزرگ تری از تو درخواست می کنم؛ همان نامی که عزت مندتر و شکوهمندتر و گرامی است؛ همان اسمی که هرگاه بر قفل های درهای آسمان به آن اسم خوانده شوی اثر می کند و با رحمت تو درهای آسمان باز می شود؛ همان نامی که اگر بر گرفتگی های درهای زمین برای گشایش به آن اسم خوانده شوی، اثر می کند

ص: ۶۶۴

و گشایش ایجاد می شود؛ و اگر برای آسان شدن سختی ها بدان خوانده شوی، راحتی و آسانی دست می دهد

ص: ۶۶۵

۱-۱). این فقره از دعا در کتاب های ادعیه چنین آمده است: «و إذا دعيت به على العسر ليسر تيسرت» به صورت تأنيث ولی صحیح «تیسیر» می باشد. علامه بزرگوار شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله در کتاب «العبرى الحسان» می گوید: خطیب پرهیزکار حاج میرزا حسن نجل امین الواعظین اردبیلی برای من تعریف کرد و گفت: در سال هزار و سیصد و چهل و سه مشاهد مقدسه عراق را زیارت کردم، تنها آرزوی من و مهم ترین حاجتم در این مشاهد مقدسه، تشرف به خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بود. در کاظمین (علیهما السلام) مشرف بودم و طبق برنامه ای که داشتم روزهای جمعه غسل می کردم و وارد حرم مطهر می شدم و بعد از اداء نماز ظهر و عصر اعمال و مستحبات وارده روز جمعه را انجام می دادم و تا وقت نماز مغرب و عشاء در حرم می ماندم، سپس از حرم مطهر بیرون می آمدم. روز جمعه ای به حرم مطهر مشرف شدم، بالا سر مطهر حضرت جواد علیه السلام نشسته و مشغول قرائت شدم تا آن که وقت دعای سمات-ساعت آخر روز فرارسید، ازدحام جمعیت به جهت درک ثواب آن ساعت زیاد شد، از زیادی جمعیت جا بر من تنگ شد و از طرفی زمان کمی تا غروب مانده بود، با عجله مشغول خواندن دعای سمات شدم. ناگاه متوجه شدم که شخص درشت اندام زیارویی در کنار من نشسته، او عمامه سفیدی به سر بسته و محاسن سیاهی داشت، قامتی معتدل و لباس و محاسنی معمولی داشت و بر گونه راستش خالی بود؛ من دعا می خواندم و او گوش می کرد و عباراتی را که من غلط می خواندم تصحیح می نمود. از آن جمله چون این عبارت را خواندم: «و إذا دعيت بها على العسر ليسر تيسرت»، فرمود: چرا فعل را مؤنث می خوانی در صورتی که فاعل مؤنث نیست؟ گفتم: به جهت رعایت مجانست با افعال ماقبل و مابعد آن؛ زیرا که افعال در آن ها مؤنث آمده است. فرمود: این مطلب غلط است، البته منظور من از این کلام ایراد به تو نبود، فقط خواستم بدانی، چون تو از اهل علم هستی. من از او به خاطر این مطلب تشکر نمودم، هنگامی که از جا برخاست، در دلم افتاد که بینم این آقا با این اوصاف کیست؟ و چگونه در اینجا نشست با این که از زیادی جمعیت کنار من جایی نبود، دعا را ترک کرده و برخاستم، به دنبال او رفتم تا او را بشناسم؟ و با جدیت تمام او را جستجو نموده ولی پیدا نکردم. با حالت تأسف نشستم و بقیه دعا را با اشک های جاری و ناله تمام کردم، پس از آن هرگاه این قضیه به یاد می افتاد آه می کشیدم. به وطن باز گشتم و این قضیه را فراموش کردم. سه سال گذشت شبی در عالم خواب دیدم که مشرف به حرم مطهر کاظمین علیهما السلام شده ام، حضرت جواد علیه السلام نشسته است، و آن حضرت گندم گون است، من از آن حضرت پیرامون مسائل مشکله سؤال می کردم که برخی از آن ها را فراموش کرده ام. از مسائلی که به یاد مانده این است که از حضرتش پرسیدم: من همیشه در مشاهد مشرفه از خدای تعالی می خواستم و به شما و نیاکان شما-ائمه طاهرين عليهم السلام-متوسل می شدم

و إذا دعيت به على الأموات للنشور انتشرت، و إذا دعيت به على كشف البأساء و الضّرآء انكشفت، و بجلال نور وجهك الكريم أكرم الوجوه، و أعزّ الوجوه، الّذي عنت له الوجوه، و خضعت له الرّقاب، و خشعت له الأصوات، و وجلت له القلوب من مخافتك، و بقوّتك الّتي بها تمسك السّمآء أن تقع على الأرض إلّا بإذنك و تمسك السّمآوات و الأرض أن تزولا، و بمشيّتك الّتي دان لها العالمون، و بكلمتك الّتي خلقت بها السّمآوات و الأرض، و بحكمتك الّتي صنعت بها العجآب، و خلقت بها الظّلمه و جعلتها ليلا، و جعلت اللّيل سكنا، و خلقت

و اگر برای برانگیخته شدن مردگان، با آن خوانده شوی، مردگان برانگیخته می شوند؛ و اگر برای برطرف شدن سختی و بلا و رنج به آن اسم خوانده شوی، برطرف شود. و خدایا؛ تو را به واسطه نور چهره بزرگوارانه ات که باکرامت ترین رخسارها، و عزّت مندترین آنهاست می خوانم؛ همان روی مبارکی که همه روها و همه آبروداران در برابرش خوار و فروتنند، و گردن ها در مقابلش خم شده اند، و همه صداها در برابر او به لرزه افتاده اند، و دل ها از ترس تو در هراسند. و به واسطه قدرتت و نیرو و توانت از تو درخواست می کنم؛ نیرویی که با آن آسمان را از افتادن بر روی زمین نگه داشته ای-و این تنها با اذن تو خواهد شد-و آسمان ها و زمین را از نابودی نگه داشتی، و به واسطه مشیّت و خواست تو از تو درخواست می کنم؛ همان مشیّتی که جهانیان در مقابلش پای بند هستند؛ و نیز تو را می خوانم به واسطه کلمه ات که آسمان ها و زمین را به وسیله آن آفریدی؛ و به حکمتی که با آن چیزهای شگفت انگیز را ساختی، و تاریکی را آفریدی و آن را شب قرار دادی، و شب را مایه آرامش قرار دادی؛

بها النور و جعلته نهارا، و جعلت النهار نشورا مبصرا، و خلقت بها الشمس و جعلت الشمس ضياء، و خلقت بها القمر و جعلت القمر نورا، و خلقت بها الكواكب و جعلتها نجوما و بروجاً، و مصابيح و زينه و رجوما للشياطين، و جعلت لها مشارق و مغارب، و جعلت لها مطالع و مجارى، و جعلت لها فلکا و مسابح، و قدرتها في السماء منازل فأحسنت تقديرها، و صورتها فأحسنت تصويرها، و أحصيتها بأسمائك إحصاء، و دبرتها بحكمتك تدبيراً فأحسنت تدبيرها، و سخرتها بسلطان الليل و سلطان النهار و الساعات، و عدد السنين و الحساب، و جعلت رؤيتها لجميع الناس مرأى واحداً. و أسألك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك و رسولك موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين، فوق إحساس الكرويين، فوق غمائم

و با آن روشنی را آفریده، و آن را روز قرار دادی، و روز را هنگام جنب و جوش به همراه بینایی قرار دادی؛ و با آن خورشید را به وجود آورده و آن را روشنی بخش ساختی؛ و با آن ماه را آفریدی و آن را روشنی شب قرار دادی؛ و با آن ستارگان را خلق کردی و آن ها را اختران تابان و برج های آسمان و چراغ ها، و زینت بخش، و برای راندن شیطان ها قرار دادی. و برای آن مشرق ها و مغرب ها، و محلّ های طلوع و محلّ های جریان قرار دادی، و برای آن محور و مدار حرکت و محلّ گردش و شناوری قرار دادی. و در آسمان برای آنها جایگاه مقرّر فرمودی و اندازه اش را نیکو قرار دادی، و صورت بخشیدی، و نیکو صورت نگاری کردی؛ و با نام هایت به شماره درآوردی، و با حکمت تدبیر نمودی پس به خوبی تدبیر فرمودی، و تحت سلطه شب و روز و ساعت ها و شماره سال ها و حساب آن ها را مسخر نمودی؛ و دیدن آن ها را برای تمام مردم، یکسان کردی. بارالها؛ از تو به واسطه شکوهت درخواست می کنم؛ همان که بدان وسیله با بنده و فرستاده ات حضرت موسی پسر عمران -سلام بر او باد- سخن گفתי در میان قدسیان، بالاتر از آن چه کز بیانت قادر به درک آن باشند؛ بالاتر از ابرهای



النور، فوق تابوت الشهاده في عمود النار، و في طور سيناء، و في جبل حوريث في الواد المقدس، في البقعه المباركه من جانب الطور الايمن من الشجره، و في ارض مصر بتسع ايات بينات، و يوم فرقت لبنى اسرائيل البحر، و في المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر سوف، و عقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجاره، و جاوزت بينى اسرائيل البحر، و تمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا، و اورثتهم مشارق الارض و مغاربها التي باركت فيها للعالمين، و اغرقت فرعون و جنوده و مراكبه في اليم، و باسمك العظيم الاعظم الاعظم، الاعز الاجل الاكرم، و بمجدك الذي تجليت به لموسى كلمك عليه السلام في طور سيناء، و لابراهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد الخيف، و لاسحاق صفيك

نور و روشنى، بالاتر از صندوق گواهی در ستون آتش؛ و در طور و صحرای سینا، و در کوه حوریث، در سرزمین مقدس، و در بقعه ای مبارک در جانب راست کوه طور، از درخت مخصوص؛ و در سرزمین مصر، با نه آیه و نشانه آشکار. و (همچنین) در روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی؛ و نیز در چشمه های جوشان که با آن شگفتی ها را به وجود آوردی در دریای سوف، و آب دریا را در ژرفای اقیانوس همچون سنگ منجمد کردی؛ و بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدی، و نعمت نیکویت را بر آنان تمام و کامل کردی، به دلیل این که شکیبایی ورزیدند و شرق و غرب جهان را که موجب برکت برای جهانیان قرار داده بودی به ایشان به ارث رسانیدی، و فرعون و سپاهش را با مرکب های سواری شان در دریا غرق کردی. (خدایا؛) و با آن اسم بزرگ، بزرگ تر، بزرگ تر از هر چیز، که عزت مندتر، شکوه مندتر، گرامی تر از هر چیز است، از تو درخواست می کنم؛ و نیز به واسطه شکوه و بزرگواریت که با آن برای موسی هم گفتارت- که سلام بر او باد- در طور (صحرای) سینا تجلی کردی؛ و برای ابراهیم که دوست ویژه ات بود، -سلام بر او باد- از پیش تر، در مسجد خیف تجلی فرمودی؛ و برای برگزیده ات اسحاق

عليه السلام في بئر شيع، و ليعقوب نبينا عليه السلام في بيت ايل، و اوفيت لابراهيم عليه السلام بميثاقك، و لاسحاق عليه السلام بحلفك، و ليعقوب بشهادتك، و للمؤمنين بوعدك، و للداعين باسمائك فأجبت، و بمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران عليه السلام على قبه الرمان و باياتك التي وقعت على أرض مصر بمجد العزه و الغلبه، بايات عزيزه، و بسلطان القوه، و بعزه القدره، و بشأن الكلمه التامه، و بكلماتك التي تفضلت و برحمتك التي مننت بها على جميع خلقك، و باستطاعتك التي أقمت بها على العالمين، و بنورك العذي قد خر من فرعه طور سيناء، و بعلمك و جلالك و كبريائك و عزتك و جبروتك التي لم تستقلها الأرض، و انخفضت لها السماوات، و انزجر

-سلام بر او باد-در چاه شيع جلوه نمودی؛ و برای پیامبرت حضرت يعقوب-سلام بر او باد-در خانه ايل متجلی گشتی؛ و وفا نمودی پیمانت را برای ابراهيم-سلام بر او باد- و سوگندت را برای اسحاق-سلام بر او باد- و گواهی خود را برای يعقوب، و وعده ات را برای مؤمنان، و اجابت خود را برای دعاکنندگان با نام هایت. و نیز به واسطه شکوهت که برای موسی پسر عمران-سلام بر او باد-بر روی گنبد رمان (عبادتگاهش) ظهور کرد؛ و به واسطه آیات و نشانه هایت که در سرزمین مصر با شکوه تمام و عزت مندی و برتری و چیرگی واقع شد؛ با آیاتی عزت مند، و قدرت و سلطه ای توان مند، و عزتی توانا، و مقام کلمه کامل، و به واسطه کلماتت که بر آسمانیان و زمینیان و اهل دنیا و آخرت تفضل فرمودی، و به واسطه رحمتی که بر تمام مخلوقات منت نهادی، و به واسطه توانایی ات که با آن تمام جهانیان را برپا داشته ای، و به واسطه نوری که صحرای سینا از ترسش فروریخت، و به واسطه دانش و جلال و کبریایی و عزت مندی و تسلطت که زمین توانش را نداشت، و آسمان ها برای آن فروتنی کرد، و

لها العمق الأكبر، و ركدت لها البحار و الأنهار، و خضعت لها الجبال، و سكنت لها الأرض بمناكبها، و استسلمت لها الخلائق كلها، و خفقت لها الرّياح في جريانها، و خمدت لها النّيران في أوطانها، و بسطتلك الّذى عرفت لك به الغلبه دهر الدّهور، و حمدت به في السّماوات و الأرضين، و بكلمتك كلمه الصّيدق الّتى سبقت لأبينا ادم عليه السّلام و ذرّيته بالرحمه. و أسألك بكلمتك الّتى غلبت كلّ شيء، و بنور وجهك الّذى تجلّيت به للجبل فجعلته دكّا و خرّ موسى صعقا، و بمجدك الّذى ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك و رسولك موسى بن عمران، و بطلعتك في ساعير، و ظهورك في جبل فاران بربوات المقدّسين، و جنود الملائكه الصّافّين، و خشوع الملائكه المسبّحين، و ببركاتك الّتى باركت فيها على إبراهيم خليلك

ژرفای بزرگ رانده شد، و دریاها و رودها را کد ماندند، و کوه ها رام گردیدند، و زمین با کرانه هایش آرام گرفت، و تمام آفریدگان تسلیم آن شدند، و جریان وزش بادها بهم ریخت، و آتش ها در جایگاه هایشان خاموش گشتند؛ و نیز به واسطه سلطه و پادشاهیت که غلبه و چیرگیت بر تمام روزگاران با آن شناخته می شود، و به وسیله آن در آسمان ها و زمین ها ستایش شدی؛ و نیز تو را به واسطه کلمه ات همان کلمه راستی که برای پدرمان آدم- که سلام بر او باد- و نسلش با رحمت پیشی گرفت، و به واسطه کلمه ات که بر هر چیز پیروز شد و سلطه یافت؛ و به واسطه نور رخسارت که با آن بر کوه تجلی فرمودی و آن را از هم پاشیدی و موسی از این جریان بر زمین افتاد و بیهوش شد؛ و نیز به واسطه شکوهت که بر صحرای سینا ظاهر شد و با آن بر بنده و فرستاده ات موسی پسر عمران سخن گفتی؛ و به واسطه پرتوافکنیت در ساعیر، و ظهور نورت در کوه فاران با نفس های مقدّسان و سپاهیان صف کشیده فرشتگان، و فروتنی فرشتگان تسبیح گوی؛ نیز به واسطه برکات که برای ابراهیم دوست ویژه ات

عليه السّلام في أمّه محمّد صَلَّى اللهُ عليه و اله، و باركت لإسحاق صفيّك في أمّه عيسى عليهما السّلام، و باركت ليعقوب إسرآئيلك في أمّه موسى عليهما السّلام، و باركت لحبيّك محمّد صَلَّى اللهُ عليه و اله في عترته و ذريّته عليهم السّلام و أمّته. أللّهمّ و كما غبنا عن ذلك و لم نشهده، و أمنا به و لم نره صدقا و عدلا، أن تصلّي على محمّد و آل محمّد، و أن تبارك على محمّد و آل محمّد، و ترخّم على محمّد و آل محمّد، كأفضل ما صلّيت و باركت و ترخّمت على إبراهيم و آل إبراهيم، إنك حميد مجيد، فعّال لما تريد، و أنت على كلّ شيء قدير. (١)

- که سلام بر او باد- در امت حضرت محمد- درود خدا بر او و آل او باد- برکت دادی؛ و برای اسحاق- که برگزیده ات بود- در امت عیسی- که درود بر هر دو باد- برکت دادی؛ و برای یعقوب یکتا پرست در امت موسی- سلام بر هر دو باد- برکت دادی؛ و برای دوست خود محمّد- که درود بر او و آل او باد- در میان عترت و نسل او- درود بر آنان باد- و امت او برکت دادی؛ از تو درخواست می کنم. بارالها؛ همان گونه که ما آن حضرت را ندیدیم و در آن زمان حضور نداشتیم، و با این وجود، به او به راستی و درستی ایمان آوردیم؛ از تو درخواست می کنم بر محمّد و آل محمّد درود پیوسته نثار کنی، و برکت و رحمت خود را بر محمّد و آل محمّد بفرستی، برتر از آن چه برای ابراهیم و آل ابراهیم درود و برکت و رحمت نثار کردی؛ راستی، تو ستوده شکوهمند هستی؛ هر چه بخواهی بدون کم و کاست انجام می دهی؛ و تو بر هر چیز توانایی.

پس از دعا نیز می خوانی: أللّهمّ بحقّ هذا الدّعاء، و بحقّ هذه الأسماء، الّتی لا یعلم تفسیرها و لا یعلم باطنها غیرک، [صلّ علی محمّد و آل محمّد، و] افعل بی ما أنت أهله، و لا تفعل بی ما أنا أهله،

بارالها؛ به حقّ این دعا، و به حقّ این اسم هایی که تفسیر و معنای باطنش را کسی جز تو نمی داند، [بر محمّد و آل محمّد درود فرست و] آن چنان که شایسته توست با من رفتار کن نه آن چنان که من سزاوارش هستم؛

ص: ۶۷۱

---

۱- ۱). البلد الأمين: ۱۳۴، [۱] جمال الاسبوع: ۳۲۱، [۲] المصباح: ۵۵۹، [۳] مصباح المتهجد: ۴۱۶، [۴] الصحیفه الصادقیه: ۹۳۰.

[و انتقم لی من ظالمی، و عجل فرج ال محمّد، و هلاک أعدآئهم من الجنّ و الإنس]، و اغفر لی من ذنوبی ما تقدّم منها و ما تأخّر، و وسیع علیّ من حلال رزقک، و اکفنی مؤونه إنسان سوء [و جار سوء و قرین سوء] او سلطان سوء، إنک علی کلّ شیء أقدر، و الحمد لله ربّ العالمین. (۱)

[و از کسی که نسبت به من ستم کار است انتقام مرا بگیر، و در راحتی و فرج آل محمد و نابودی دشمنان آنان از آدمیان و جنیان شتاب کن؛] و گناهان گذشته و آینده ام را بیامرز، و از روزی و سهمیه حلالت برای من وسعت بده، و از شرّ آدم بد، [و همسایه و همنشین بد] و سلطان بد، مرا کفایت کن؛ راستی تو بر [هر چیز] توان داری، و ستایش مخصوص (تو) پروردگار جهانیان است.

آن گاه بگو: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدَّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَأَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَ الثَّرْوَةِ، وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ، وَ عَلَيَّ أَحْيَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكِرَامَةِ، وَ عَلَيَّ أَمْوَاتَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَيَّ مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عِترته الطَّاهِرِينَ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. (۲)

بارالها؛ به حقّ این دعای شریف، نسبت به مرد و زن مؤمن فقیر و نیازمند تفضّل کن و آنان را بی نیاز و ثروت مند گردان؛ و زن و مرد مؤمن مریض را شفا و سلامتی بخش، و هر زن و مرد زنده مؤمن را مورد لطف و بزرگواریت قرار ده، و مردگان شان را مورد آمرزش و رحمت خویش قرار ده، و مسافران شان را سالم و پربهره به سرزمین خودشان بازگردان؛ این همه را با رحمت خویش انجام ده، ای مهربان ترین مهربانان؛ و درود پیوسته خداوند بر آقا و سرور ما حضرت محمد خاتم پیامبران، و بر عترت پاکش و بسیار بسیار سلام بر آنان باد.

ص: ۶۷۲

۱-۱. المجموع الرائق: ۱/۲۵۸.

۲-۲. بحار الأنوار: ۹۰/۱۰۱. [۱]

در کتاب «جمال الصالحین» این دعا را پس از آن، ذکر کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَرَمِهِ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِمَا فَاتَ مِنْهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ، وَبِمَا يَشْتَمَلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ وَالتَّيْدِيرِ الَّذِي لَا يَحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَعْجَلَ فَرَجَهُمْ فِي عَافِيهِ، وَتَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ تَرْزُقَنَا بِهِمْ خَيْرَ مَا نَرْجُو، وَخَيْرَ مَا لَا نَرْجُو، وَتَصْرِفَ بِهِمْ عَنَّا شَرَّ مَا نَحْذَرُ، وَشَرَّ مَا لَا نَحْذَرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ. (۱)

بارالها؛ من به خاطر احترام این دعا و اسم های محترمی که در آن ذکر نشده است و به تفسیر و تدبیری که دربردارد و جز تو کسی نسبت به آن احاطه و اطلاع کامل ندارد؛ از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درودی پیوسته بفرستی، و در فرج و گشایش کارشان با عافیت، شتاب کنی؛ و دشمنان شان را در دنیا و آخرت به هلاکت و نابودی دچار کنی؛ و به واسطه ایشان آن خیر و خوبی هایی را که امید داریم، و آنچه را که امید نداریم روزی ما گردان، و از ما شرّ و بدی آنچه را که از آن ترسانیم و شرّ و بدی آنچه را که از آن حذر و اجتناب نمی کنیم برگردان، و تو بر هر چیز توانایی، و تو باکرامت ترین بزرگوارانی.

عالم بزرگوار جناب سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: در بین تفسیرهایی که برای کلمات این دعا بود یافتیم که «کوه حوریت» یا «حوریتا» همان کوهی است که خداوند در ابتدا با حضرت موسی علیه السلام سخن گفت و او را مورد گفتگو قرار داد، و تابوت یوسف علیه السلام نیز به یکی از قسمت های پایین همین کوه انتقال یافت و در گوشه ای از طور سینا قرار داد.

«دریای سوف» را به زبان عبری؛ «یومسوف» می گویند و به معنای دریای عمیق است. و «ساعیر» - که به نام کوه «سراء» نیز شناخته می شود - کوهی است که حضرت عیسی علیه السلام در آن جا مناجات می کرد.

ص: ۶۷۳

و «جبل فاران»، همان کوهی است که حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم در آن جا به مناجات پروردگار می پرداخت؛ و در نزدیکی مکه قرار دارد. (۱)

محمد بن علی راشدی می گوید: من در هیچ مشکل یا اندوه سختی این دعا را نخواندم مگر آن که با سرعت به اجابت رسید؛ هر کس این دعا را برای هر هدفی که دارد و یا مقصودی که به دنبال آن است بخواند و یا پیشاپیش خروجش به طرف دشمنی که از او می ترسد، یا قدرتمندی که از او هراس دارد بخواند، به خواسته اش برسد و از کسی نهراسد. البته اگر نمی تواند بخواند، آن را بنویسد و همراه خود داشته باشد.

علامه شیخ محمد باقر بیرجندی رحمه الله در کتاب «فاکھه الذاکرین» می گوید: این دعا از نظر اجابت و برآمدن حاجت، بی نظیر است.

مرحوم سید محمد خامنه تبریزی در یکی از تألیفاتش می گوید: خواندن دعای سمات در ساعت پایانی روز جمعه برای برآورده شدن حاجت ها به خصوص برای دفع دشمن-مجرب است و این مطلب یقینی است، به خصوص اگر چهل روز جمعه ادامه یابد. (۲)

## ۶- دعای روز عید فطر

که از جناب محمد بن عثمان قدس سره روایت شده است

این دعا را سرورمان جناب محمد بن عثمان قدس سره قرائت می فرموده، و در دفترش موجود بوده است؛ که دعاهای ماه مبارک رمضان را نیز در آن یادداشت کرده بودند.

این دعا پس از نماز صبح روز عید فطر خوانده می شود:

ص: ۶۷۴

---

۱- ۱. جمال الاسبوع: ۳۲۵.

۲- ۲. التحفه الرضویّه: ۱۱۹.

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمَحَمَّدٍ أَمَامِي، وَ عَلِيٍّ مِنْ خَلْفِي وَ عَنِ يَمِينِي، وَ أُنْتَمِي عَنْ يَسَارِي، أُسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زَلْفِي لَا- أَجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ، فَهَمُّ أُمَّتِي، فَامِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَ سَخَطِكَ، وَ أَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ، وَ عَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَ سُنَّتِهِ، وَ عَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ، أَمِنْتُ بِسَرِّهِمْ وَ عِلَانِيَّتِهِمْ، وَ أَرُغِبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا رَغِبَ فِيهِ إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْأَوْصِيَاءُ، وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا مِنْهُ، وَ لَا- حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ لَا عِزَّ وَ لَا مَنَعَهُ وَ لَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ (۱). اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَأُرِدْنِي، وَ أَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِي، وَ اقْضِ لِي حَوَائِجِي

بارالها؛ به تو روی آوردم به واسطه (حضرت) محمد صلی الله علیه و اله و سلم که پیش روی من است، و (حضرت) علی علیه السلام پشت سر و از سمت راست، و امامانم از سمت چپ، گرداگرد خود این بزرگواران را آورده ام تا خود را به وسیله ایشان از عذابت بیوشانم، و خود را از نظر مرتبه به تو نزدیک گردانم، هیچ کسی را که از نظر رتبه و مقام از ایشان نزدیک تر به تو باشند سراغ ندارم. اینان، پیشوایان من اند؛ ترسم از کيفرت و خشمت را به واسطه ایشان تبدیل به آرامش کن؛ و به رحمت مرا در زمره بندگان صالح و شایسته ات در آور. صبح کردم در حالی که ایمان و اخلاص نسبت به پروردگار دارم و بر دین و آیین حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم، و نیز دین و آیین حضرت علی علیه السلام، و بر دین و آیین و روش جاننشینان ایشان پایدار و ثابتم؛ به امور پنهان و آشکارشان ایمان دارم، و به چیزهایی که حضرت محمد و علی علیهما السلام و جاننشینان شان نسبت به پروردگار مشتاق بودند، اشتیاق می ورزم، و از شر هر چه ایشان به خدا پناه بردند، من نیز پناه می برم؛ هیچ توان و جنبشی جز به واسطه خداوند نیست؛ هیچ نیرو و بازدارنده ای و قدرتی، جز برای خدای یگانه، چیره، عزت مند، جبار و متکبر نیست. بر خدا توکل می کنم؛ «خدا به تنهایی (مرا بس است)؛ همانا خداوند دستورش و خواستش را به طور کامل انجام می دهد». بارالها؛ من قصد و اراده تو کرده ام پس تو نیز مرا اراده کن؛ آن چه نزد تو است جستجو می کنم، رسیدن به آن را برایم آسان کن؛ حاجت هایم را بر آور؛

ص: ۶۷۵



فإنك قلت في كتابك و قولك الحقَّ شهرُ رمضانَ الَّذي أنزلَ فيه القرآنَ هُدًى للناسِ و بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ (١)، فعظمت حرمه شهر رمضان، بما أنزلت فيه من القرآن، و خصصته و عظّمته بتصييرك فيه ليله القدر، فقلت لئلهُ القدرِ خيرٌ من ألفِ شهرٍ\* تَنزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ\* سَيِّئًا مِمَّا هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (٢). اللَّهُمَّ و هذه أيام شهر رمضان قد انقضت، و لياليه قد تصرّمت، و قد صرت منه يا إلهي إلى ما أنت أعلم به مني، و أحصى لعدده من عددی، فأسألك يا إلهي بما سألك به عبادك الصّالحون، أن تصلّي على محمّد و على آل محمّد و على أهل بيت محمّد. و أن تتقبّل مني كلّما تقرّبت به إليك، و تتفضّل عليّ بتضعيف عملي، و قبول تقرّبي و قرباتي، و استجابة دعائي، و هب لي منك عتق

تو در کتابت فرموده ای- و گفتارت ثابت و راست است- که: «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرود آمد، تا مردم را راهنمایی کند، و دلیل هایی آشکار برای هدایت و جدایی حق از باطل بیاورد». پس احترام ماه رمضان را بالا بردی؛ چون، قرآن را در آن فرورستادی، و با قراردادن شب قدر در ماه رمضان، آن را ویژگی و عظمت بخشیدی؛ پس گفתי: «شب قدر، از هزار شب بهتر است؛ فرشتگان، و روح با اجازه خداوند، برای هر کاری در شب قدر فرود می آیند؛ شب قدر، سلام و سلامت است تا طلوع فجر». بارالها؛ روزهای ماه رمضان نیز سپری شدند، و شب هایش نیز تمام شدند؛ خدای من؛ خودت بهتر می دانی که من چه کردم، و عدد آن را بهتر می دانی؛ پس، خدایا؛ از تو چیزهایی را درخواست می کنم که بندگان صالحت خواسته اند؛ که بر محمّد و آل محمّد و اهل بیت محمّد درود پیوسته نثار کنی. و آنچه را وسیله تقرّب خود به درگاہ نمودم از من بپذیری، و با چند برابر نمودن پاداش اعمالم و پذیرش کارهایی را که به قصد قربت و رضای تو انجام دادم، و اجابت دعایم بر من لطف و احسان کنی، و این بخشش را به من

ص: ٦٧٦

١- ١). سورة بقره، آیه ١٨٥. [١]

٢- ٢). سورة قدر، آیه ٣-٥. [٢]

رقبتی من النار، و من علی بالفوز بالجنة و الأمن يوم الخوف من كل فرع، و من كل هول أعدده ليوام القیامه. أعوذ بحرمه وجهك الکریم، و بحرمه نبیک و حرمه الصالحین، أن ینصرم هذا الیوم، و لك قبلی تبعه ترید أن تؤاخذنی بها، أو ذنب ترید أن تقایسنی به، و تشقینی و تفضحنی به، أو خطیئه ترید أن تقایسنی بها و تقتصها منی لم تغفرها لی، و أسألك بحرمه وجهك الکریم الفعّال لما یرید، الّمدی یقول للشّیء کن فیکون، لا إله إلا هو. اللَّهُمَّ إِنِّي أسألك بلا إله إلا أنت، إن كنت رضیت عنی فی هذا الشّهر أن تزیدنی فیما بقی من عمری رضا، فإن كنت لم ترض عنی فی هذا الشّهر، فمن الآن فأرض عنی السّاعه السّاعه السّاعه، و اجعلنی فی هذه السّاعه و فی هذا المجلس من عتقائك من النار، و طلقاًئك من جهنّم،

بنمائی که از آتش رهایم بخشی، و با برخورداری از بهشت و ایمنی از ترس های بزرگ قیامت بر من منت گذاری، و از تمام هول و هراس هایی که برای روز قیامت آماده کرده ای در امانم بداری. به حرمت وجه کریم و بزرگواریت و به حرمت پیامبرت و به حرمت بندگان شایسته ات پناه می برم که امروز بگذرد و هنوز برای تو به عهده من جرمی باشد که بخواهی مرا به آن مؤاخذ کنی، و گناهی باقی بماند که بخواهی به خاطر آن مرا عذاب کنی و بدبخت و رسوایم گردانی؛ و اشتباهی باقی باشد که به خاطر آن قصد قصاص و عذاب مرا داشته باشی و مرا نبخشیده باشی. به واسطه احترام ذات بزرگواریت از تو درخواست می کنم؛ همان که هرچه بخواهد آن را انجام می دهد، و اگر به چیزی بگوید: باش، می شود؛ جز او نیز خدایی نیست. بارالها؛ به واسطه این که-اعتقاد دارم-جز تو خدایی نیست از تو درخواست می کنم: اگر در این ماه از من راضی شده ای، رضایت و خشنودیت را در باقی مانده عمرم نیز افزون فرمایی؛ و اگر در این ماه مبارک از من خشنود نشده ای، از حالا از من راضی و خشنود شو؛ در همین ساعت، در همین ساعت، در همین ساعت؛ و در این ساعت و در همین مجلس مرا از آزادشدگان از آتش قرار ده، و از رهاشدگان از جهنّم قرار ده،

و سعداء خلقك بمغفرتك و رحمتك يا أرحم الراحمين. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَرَمِهِ وَجَهْكَ الْكَرِيمِ، أَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا خَيْرَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَبْدَتِكَ فِيهِ، وَ صَمْتَهُ لَكَ، وَ تَقَرَّبْتَ بِهِ إِلَيْكَ مِنْذُ أُسْكَنْتَنِي فِيهِ، أَعْظَمَهُ أَجْرًا، وَ أَتَمَّهُ نِعْمَةً، وَ أَعَمَّهُ عَافِيَةً، وَ أَوْسَعَهُ رِزْقًا، وَ أَفْضَلَهُ عِتْقًا مِنَ النَّارِ، وَ أَوْجِبْهُ رَحْمَةً، وَ أَعْظَمَهُ مَغْفِرَةً، وَ أَكْمَلْهُ رِضْوَانًا، وَ أَقْرِبْهُ إِلَيَّ مَا تَحَبَّ وَ تَرْضَى. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صَمْتَهُ لَكَ، وَ ارْزُقْنِي الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا، وَ حَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيهَا تَقْضَى وَ تَقَدَّرَ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِ الْوَالِدِي لَا يَرُدُّ وَ لَا يَبْدُلُ أَنْ تَجْعَلَنِي مَمَّنْ تُثِيبُ وَ تَسْمِي وَ تَقْضِي لَهُ، وَ تَزِيدُ وَ تَحَبُّ لَهُ وَ تَرْضَى، وَ أَنْ تَكْتَبَنِي مِنْ حَجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ، وَ فِي كُلِّ عَامٍ،

و از بندگانی که به واسطه آموزش و رحمتت سعادت‌مند شدند قرار ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛ به احترام آبروی کریمانه‌ات از تو درخواست می‌کنم که این ماه را برایم نسبت به ماه رمضان‌های دیگر در دوران عمرم بهترین ماه رمضان قرار ده که تو را در آن پرستیده‌ام، و روزه داری کرده‌ام، و به تو تقرّب جسته‌ام؛ دارای بزرگ‌ترین پاداش و کامل‌ترین نعمت، و فراگیرترین عافیت، و فراخ‌ترین نصیب، و برترین آنان از جهت رهاییم از آتش، و سزاوارترین آن برای رحمت تو، و بزرگ‌ترین بخشش، و کامل‌ترین رضوان و خشنودی، و نزدیک‌کننده‌ترین ماه‌ها به چیزهایی که تو دوست داری و از آن خشنود می‌شوی. بارالها؛ این ماه رمضان را آخرین ماه رمضان من - که در آن به روزه داری می‌پردازم - قرار مده؛ و آن قدر حضور ماه‌های رمضان بعدی را نصیبم کن تا رضایت تو حاصل شود، و پس از راضی شدنت باز هم مرا در ماه‌های رمضان حاضر فرما؛ تا آن که مرا از دنیا بدون عیب و آفت خارج کنی در حالتی که تو از من راضی باشی و من نیز مورد رضایت و خشنودیت باشم. بارالها؛ در آن چه قضا و قدرت به آن تعلق می‌پذیرد؛ و از امور قطعی و حتمی است که رد نمی‌شود و تغییر و تبدیلی نیز در آن راه نمی‌یابد؛ مرا از کسانی قرار ده که ثواب می‌گیرند، و مرتبه‌شان بالا می‌رود و حاجت‌شان برآورده می‌شود؛ و برایش افزون می‌کنی، و دوستش می‌داری و از او خشنود هستی؛ نیز مرا از حاجیان خانه‌ات در حجّ امسال و سال‌های آینده قرار ده؛

المبرور حجّهم، المشكور سعيهم، المغفور ذنوبهم، المتقيل منهم مناسكهم، المعافين على أسفارهم، المقبلين على نسكهم، المحفوظين في أنفسهم و أموالهم و ذراريهم، و كلّ ما أنعمت به عليهم. اللَّهُمَّ اقلبني من مجلسي هذا، في شهرى هذا، في يومى هذا، في ساعتى هذه، مفلحا منجحا مستجابا لى، مغفورا ذنبى، معافا من النار، و معتقا منها عتقا لا رقبه أبدا، و لا رهبه يا ربّ الأرباب. اللَّهُمَّ إِنّى أسألك أن تجعل فيما شئت، و أردت و قضيت و قدّرت و حتمت و أنفذت أن تطيل عمري، و أن تنسى في أجلى، و أن تقوى ضعفى، و أن تغنى فقري، و أن تجبر فاقتي، و أن ترحم مسكنتى، و أن تعزّ ذلّى، و أن ترفع ضعفى، و أن تغنى عائلتى، و أن تؤنس وحشتى، و أن تكثر قلّتى، و أن تدرّ رزقى في عافيه و يسر و خفض،

آن دسته ای که حجّ شان عالی، و تلاش شان مورد سپاسگزاری، و گناهان شان بخشیده شده، و عبادات حجّ شان پذیرفته شده؛ سفرهای شان با عافیت و سلامتی، و علاقه مند به انجام عبادت های مخصوص شان، و در مورد خودشان و دارایشان و بچه های شان و همه نعمت هایی که به آنان داده ای، محفوظ و نگهداری شده باشند. بارالها؛ مرا از این جایی که نشسته ام، و این ماه، و امروز، و همین ساعت و لحظه؛ رستگار و کامیاب، و پاسخ مثبت شنیده و گناه بخشیده، و معاف شده از آتش و آزادگشته از آن به گونه ای که دیگر هیچ گاه گرفتار نشوم و از آن نیز نترسم، بازگردان؛ ای پروردگار پرورش دهندگان؛ بارالها؛ درخواست من آن است که در آن چه مورد مشیت و اراده و حکم و تقدیر و دستور حتمیت است و دستور اجرای آن را داده ای، مقّرر کنی که زندگانیم طولانی، و مرگم دیررس، و ناتوانیم تبدیل به نیرومندی، و نیازمندیم تبدیل به ثروت مندی گردد؛ و بیچارگیم جبران، و به بدبختی ام رحم کنی، و خواریم را به عزّت، افتادگیم را به والایی تبدیل کنی، و خانواده ام را بی نیاز سازی؛ مونس وحشت و تنهاییم باشی و کمبودم را به فزونی و بسیاری برسانی، و نصیب و رزق مرا با عافیت و راحتی و دست یابی آسان و سبکی، به فراوانی به من برسانی.

و أن تكفيني ما أهمني من أمر دنيای و آخرتی، و لا تكنی إلى نفسی فأعجز عنها، و لا إلى الناس فيرفضونی، و أن تعافيني في ديني و بدني و جسدي و روعي و ولدي و أهلي و أهل موذتي و إخواني و جیرانی من المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات، الأحياء منهم و الأموات، و أن تمنّ علی بالأمن و الإیمان ما أبقيتني، فإنك وليي و مولای، و ثقتي و رجائي، و معدن مسألتي، و موضع شكواي، و منتهی رغبتی. فلا تخينني في رجائي یا سيدي و مولای، و لا تبطل طمعي و رجائي، فقد توجهت إليك بمحمد و آل محمد، و قدّمتهم إليك أمامي، و أمام حاجتي و طلبتي، و تضرّعي و مسألتي، فاجعلني بهم و جیها في الدنيا و الآخرة و من المقرّبين، فإنك منت علی بمعرفتهم، فاختم لي بهم السعادة، إنك علی كل شيء قدير.

نیز مرا در امور مهمّ دنیا و آخرتم کفایت کرده و بسنده باشی، و مرا به خودم وامگذاری که در مقابل آن عاجز و ناتوان شوم، و به مردم وامگذاری که مرا به کناری بیندازند و طرد کنند؛ و مرا در مورد دینم و بدنم و جسم و روحم و فرزندانم و خانواده و دوستان و برادران و همسایگان مؤمن و مسلمان من -زنده باشند یا مرده- عافیت عطا فرمایی. نیز امتیّت و ایمان را در تمام زندگانیم بر من منت نهی؛ زیرا، تو ولیّ و سرپرست و صاحب اختیار من، مورد اعتماد و امید من، محلّ درخواست ها و شکایت من، و آخرین درجه آرزوی من هستی. ای آقا و سرور من؛ امیدم را ناامید مکن، و خوش خیالی و امیدواریم را نادرست از آب درمیاور؛ زیرا، که من به واسطه محمد و آل محمد به تو رو آوردم، و آنان را پیشاپیش خود و حاجت و خواسته ها و گریه و زاری و خواهشم به درگاه تو آوردم؛ پس مرا در دنیا و آخرت، از آبرومندان و مقرّبان در گاهت قرار ده؛ زیرا، تو با شناخت ایشان بر من منت نهادی؛ پس، سعادت و خوشبختی مرا در آخر کارم به واسطه آنان نصیبم گردان؛ راستی تو قدرت بر هر چیزی داری.

این عبارات، در برخی از روایات، افزون است:

مننت علیّ بهم، فاختم لی بالسّیّعاده و الأمن و السّلامه و الإیمان و المغفره و الرّضوان و السّعاده و الحفظ، یا الله أنت لکلّ حاجه لنا فصلّ علیّ محمّد و اله، و عافنا و لا تسلّط علینا أحدا من خلقک لا طاقه لنا به، و اکفنا کلّ أمر من امور الدّنیاء و الآخره یا ذا الجلال و الإکرام. صلّ علیّ محمّد و آل محمّد، و ترخّم علیّ محمّد و ال محمّد، و سلّم علیّ محمّد و ال محمّد، كأفضل ما صلّیت و بارکت و ترخّمت و سلّمت و تحنّنت علیّ إبراهیم و ال إبراهیم، إنّک حمید مجید. (۱)

به واسطه ایشان بر من منت نهادی؛ پس پایان کارم را خوشبختی، امتیّت و آرامش، سلامتی، ایمان کامل، بخشش و رضوان خودت، سعادت و نگهبانی از جانب خودت قرار ده. ای خدا؛ تو بر آورنده تمام خواسته های ما هستی؛ پس، بر محمّد و آل او درود پیوسته نثار کن، و ما را عافیت بخش، و هیچ یک از مخلوقات را که توان تحملش را نداشته باشیم بر ما مسلط مفرما؛ و تمام امور دنیا و آخرت ما را کفایت کن؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و بر محمّد و آل محمّد ترخّم و مهربانی ویژه نما، و بر محمّد و آل محمّد سلام بفرست؛ مانند برترین صلوات و برکات و رحمت و سلام و درودی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی؛ راستی، تو ستوده شکوه مند هستی.

ص: ۶۸۱

## ۷- زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام

به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدس سرهما

ابو الحسین احمد بن حسین بن رجاء صیداوی، این زیارت را از عثمان بن سعید قدس سره - که حسین بن روح قدس سره نیز در آن هنگام همراهش بود - نقل می کند و می گوید:

هنگامی که این دو بزرگوار به زیارت امام صادق علیه السلام آمده بودند، در کنار باب السلام ایستادند و گفتند:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَأَبَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا شَهِيدَ دَارِ الْفَنَاءِ، وَزَعِيمَ دَارِ الْبَقَاءِ، إِنَّا خَالِصَتُكَ وَمَوَالِيكَ وَنَعْتَرُكَ بِأَوْلَاكَ وَآخِرَاكَ. فَاشْفَعْ لَنَا إِلَى مَشْفَعِكَ اللَّهُ تَعَالَى رَبَّنَا وَرَبِّكَ، فَمَا خَابَ عَبْدٌ قَصَدَ بِكَ رَبَّهُ وَاتَّعَبَ فِيكَ قَلْبَهُ، وَهَجَرَ فِيكَ أَهْلَهُ وَصَحْبَهُ، وَاتَّخَذَكَ وَلِيَّةً وَحَسْبَهُ، وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام و رحمت و برکات الهی بر تو ای مولا و فرزند مولا من و پدر صاحب اختیار و سروران من؛ سلام بر تو ای آن که در این دنیا گواه ما و اعمال ما هستی و در آخرت زعیم و رئیس و مهتر ما می باشی؛ ما، مخلص تو و دوست دار تو هستیم، به آغاز و پایانت اعتراف می کنیم، پس، نزد شفاعت پذیرت یعنی خدای تعالی - که پروردگار ما و توسل - برای ما شفاعت کن. هر بنده ای که به سبب تو قصد کند پروردگارش را و قلب خودش را در مورد تو به رنج افکند، و از خانواده و دوستانش کناره گیری و دوری گزید تا به تو برسد؛ و تو را ولی و سرپرست و بسنده برای خودش دانست؛ هیچ گاه زیان ندید. سلام و رحمت و برکات الهی نثار باد.

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: بعید نیست که این زیارت، در مورد امام حسین علیه السلام بوده باشد، و نسخه برداران اشتباه کرده و آن را به امام صادق علیه السلام نسبت داده باشند. (۱)

ص: ۶۸۲

## ۸- دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به دعای کمیل

معروف به دعای کمیل (۱)

قرائت این دعا در شب نیمه شعبان و نیز شب های جمعه استجاب دارد.

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَتْ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، يَا نُورِ يَا

بارالها؛ من از تو درخواست می کنم به واسطه رحمت که همه چیز را فرا گرفته است؛ و نیز به واسطه نیرویت که با آن بر هر چیزی چیرگی یافتی، و همه چیز در برابر آن خاضع و فروتن و همه چیز در برابر آن ذلیل و خوار شد، و به واسطه جبروت و سلطه ات که با آن بر همه چیز غالب شدی، و به واسطه عزتت که هیچ چیزی در برابرش ایستادگی نمی کند، و به واسطه بزرگی و عظمتت که همه چیز را پر کرده است؛ و به واسطه سلطنت و چیرگی و توانائی ات که بر هر چیزی برتری یافته است، و به واسطه ذات پاکت که پس از فانی شدن همه چیز باقی می ماند، و به نام هایت که اساس و پایه هر چیزی را پر کرده است، و به دانشت که همه چیز را احاطه کرده است، و به نور رخسارت که هر چیزی به سبب آن روشن شد؛ (از تو درخواست می کنم؛ ای نور؛ ای

ص: ۶۸۳

۱- ۱). دعای کمیل از حضرت خضر می باشد که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را به جناب کمیل تعلیم فرموده اند؛ به این جهت به «دعای کمیل» معروف شده است. لازم به ذکر است که دعاهای حضرت خضر و حضرت الیاس علیهما السلام- که آن دو بزرگوار از همراهان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هستند- و سائر یاران آن حضرت مانند حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام زیاد است، ما به جهت اختصار به ذکر این دعا اکتفا کردیم.



قدّوس، یا أوّل الأوّلین، و یا اخر الاخرین. اللَّهُمَّ اغفر لی الذّنوب الّتی تهتک العصم. اللَّهُمَّ اغفر لی الذّنوب الّتی تنزل النّقم. اللَّهُمَّ اغفر لی الذّنوب الّتی تغیر النّعم. اللَّهُمَّ اغفر لی الذّنوب الّتی تحبس الدّعاء. اللَّهُمَّ اغفر لی الذّنوب الّتی تنزل البلاء. اللَّهُمَّ اغفر لی کلّ ذنب أدنّبه، و کلّ خطیئه أخطأتها. اللَّهُمَّ إِنّی أتقرّب إلیک بذکرک، و أستشفع بک إلی نفسک، و أسألک بحدّک أن تدنّینی من قربک، و أن توزعنی شکرک، و أن تلهمنی ذکرک. اللَّهُمَّ إِنّی أسألک سؤال خاضع متذلّل خاشع أن تسامحنی و ترحمنی و تجعلنی بقسمک راضیا قانعا، و فی جمیع الأحوال متواضعا. اللَّهُمَّ و أسألک سؤال من اشتدّت فاقته، و أنزل بک عند الشّدائد حاجته، و عظم فیما عندک رغبتہ. اللَّهُمَّ عظم سلطانک، و علا مکانک، و خفی مکرک،

منزه از هر عیب و نقص؛ ای پیش از هر ابتدا؛ ای پس از هر پایان؛ بارالها؛ بیامرز بر من گناہانی را که پرده های حیا و عصمت را می درد. خدایا؛ بیامرز بر من گناہانی را که عذاب ها را فرود می آورد. خدایا؛ بیامرز بر من گناہانی را که نعمت ها را دگرگون می سازد؛ خدایا؛ بیامرز بر من گناہانی را که دعا را مجبوس می کند؛ خدایا؛ بیامرز بر من گناہانی را که بلا را نازل می کند؛ خدایا؛ بیامرز بر من تمام گناہانی را که انجام داده ام، و همه اشتباهاتی را که مرتکب شده ام. بارالها؛ من با یادت به سوی تو تقرّب می جویم، و خودت را نزد تو شفیع و واسطه می کنم؛ و به خاطر جود و بخشش از تو می خواهم که مرا به مقام قرب خود نزدیک گردانی، و شکر را نصیب نمایی، و یادت را به من الهام کنی. بارالها؛ من خاضعانه و ذلیلانه و از روی فروتنی، از تو می خواهم که با من مدارا کنی، و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت به تقسیم نصیب قرار دهی و در همه حالات مرا فروتن سازی. بارالها؛ من از تو درخواست می کنم همانند درخواست کسی که فقر و بی نوایی او سخت شده است، و در سختی ها درخواستش را به درگاه تو آورده است، و به آنچه نزد تو است بسیار مشتاق گشته است. خدایا؛ سلطه و چیرگی تو بزرگ، و جایگاهت والا، و مکر تو پنهان،

و ظهر أمرک، و غلب قهرک، و جرت قدرتک، و لا- یمكن الفرار من حکومتک. اَللّهُمَّ لا- اجد لذنوبی غافرا، و لا لقبأئحی ساترا، و لا لشیء من عملی القبیح بالحسن مبدلاً غیرک، لا إله إلا أنت سبحانک و بحمدک، ظلمت نفسی، و تجزأت بجهلی، و سکتت إلی قدیم ذکرک لی، و منیک علی. اَللّهُمَّ مولای کم من قبیح سترته، و کم من فادح من البلاء أقتله، و کم من عثار وقیته، و کم من مکروه دفعته، و کم من ثناء جمیل لست أهلاً له نشرته. اَللّهُمَّ عظم بلائی، و أفرط بی سوء حالی، و قصرت بی أعمالی، و قعدت بی أغلالی، و حبسنی عن نفعی بعد أملی، و خدعتنی الدنیا بغرورها، و نفسی بجنایتها، و مطالی یا سیدی، فأسألك بعزّتک أن لا یحجب عنک دعائی سوء عملی و فعالی، و لا تفضحنی بخفی ما أطلعت علیه من سرّی،

و دستورت آشکارا، و قهر و خشم چیره، و توانت و قدرتت در جریان است، و به هیچ وجه نمی توان از حکومتت فرار کرد. بارالها؛ من برای بخشش گناهانم کسی را سراغ ندارم، و برای پوشاندن زشتی هایم کسی را نیافتم؛ و برای تبدیل کارهای زشت و ناهنجارم به خوبی و نیکی، کسی را نیافتم جز تو. معبودی جز تو نیست، منزّه و ستوده ای، و تنها به ستایش تو می پردازم؛ بر خود ستم کردم؛ و با نادانی و جهل خود بر تو جرأت یافتم؛ و به خاطر یاد دیرینه ات و احسان و لطفی که بر من داری، آرامش داشتم و خیالم راحت بود. بارالها؛ مولای من؛ چه زشتی های بسیاری که از من پوشاندی و بلاهای سنگینی که از من بازگرداندی، و چه لغزش های بسیاری که از آن نگاهم داشتی، و چه ناپسندی هایی که از من دور ساختی، و چه ثنا و مدح زیبا که لایقش نبودم ولی در بین مردم پخش کردی. بارالها؛ بالای من بزرگ است، و بدحالیم از حد گذشته است، و اعمالم مرا مقصّر ساخته، و غل و زنجیرهایم مرا زمین گیر کرده است، و آرزوهای دور و درازم باعث جلوگیری از سودمندیم شده است، و دنیا مرا با ظاهر فریبنده اش فریفته است، و نفسم با جنایت هایش و امروز و فردا کردنم مرا فریب داده است، ای آقای من؛ به خاطر عزتمندیت از تو می خواهم که کردار زشتم و رفتار نادرستم مانع تو از اجابت دعایم نشود، و به کارهای زشت پنهانی من که تو بر آن آگاهی داری مرا رسوا نسازی؛

و لا- تعاجلنی بالعقوبه علی ما عملته فی خلواتی من سوء فعلی و إساءتی، و دوام تفریطی و جهالتی، و کثره شهواتی و غفلتی. و کن اللّهم بعزتک لی فی کلّ الأحوال رؤفا، و علیّ فی جمیع الامور عطوفا، إلهی و ربّی من لی غیرک، أسأله کشف ضرّی، و النّظر فی أمری. إلهی و مولای أجريت علیّ حکما اتّبعت فيه هوی نفسی، و لم أحترس فيه من تزيين عدوّی، فغزّنی بما أهوی و أسعده علی ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علیّ من ذلك بعض حدودک، و خالفت بعض أوامرك. فلك الحمد (الحجّه) علیّ فی جمیع ذلك، و لا- حجّه لی فيما جرى علیّ فيه قضاؤك، و ألزمني حکمک و بلاؤك، و قد أتيتک يا إلهی بعد تقصيري و إسرافي علی نفسي، معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيا مقرا مدعنا معترفا، لا أجد مفرّا ممّا كان منّي، و لا مفرعا

و بدرفتاری و بدکرداریم در تنهایی ها، و کوتاهی و نارسائی پیوسته ام در عمل، و نادانی و شهوت های نفسانی زیاد، و غفلت و بی توجهیم باعث شتاب در عقوبت و کیفر تو نشود. بارالها! به خاطر اقتدارت بر من، در همه حالات با من مهربانی کن، و در تمام امورم مرا مورد عطف و خوش رفتاریت قرار ده؛ خدای من؛ و پروردگارم؛ من چه کسی جز تو دارم که از او درخواست کنم که بیچارگی و گرفتاری مرا برطرف کند و در امورم نگاهی مهربانانه نماید؟! خدای من؛ و مولای من؛ حکم و دستوری به من دادی ولی از هوای نفسم پیروی کردم، و از فریبکاری دشمنم (شیطان) در امان نماندم؛ در نتیجه، با خواهش هایش مرا فریفت، و قضاوقدر نیز به او کمک کرد، و باعث شد نسبت به بعضی از حدودت تجاوز کنم، و با برخی از دستورات مخالفت نمایم. پس برای توست در تمام این ها حجّت بر من؛ و هیچ حجّتی به نفع من نیست در آنچه بر من از قضا و فرمان تو جاری گشته؛ و حکم و آزمایش مرا ملزم ساخته و رها نمی کند. اینک خدای من؛ پس از این همه تقصیر و کوتاهی، و اسراف بر خویش، نزدت آمده ام با حالت عذرخواهی، پشیمانی، دل شکسته، خواهان گذشت و آمرزش تو، توبه و بازگشت کننده، اعتراف کننده، و اقرار کننده. هیچ راه فراری از آنچه از من صادر گشته ندارم، و پناهگاهی

أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عَذْرَى، وَإِدْخَالَكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عَذْرَى، وَارْحَمْ شَدَّةَ ضَرِّي، وَفَكْنِي مِنْ شَدَّةِ وَثَاقِي، يَا رَبَّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدْنِي، وَرَقَّةَ جِلْدِي، وَدَقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرَبَّيْتِي وَبَرِّي وَتَغْذَيْتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي. يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتْرَاكَ مَعْدَبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حَبِّكَ، وَبَعْدَ صَدَقِ اعْتِرَافِي وَدَعَائِي خَاضِعًا لِرَبُّوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ، أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تَضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّةِ، أَوْ تَبْعُدَ مِنْ أَدْنِيَّةِ، أَوْ تَشْرُدَ مِنْ أَوْيْتِهِ، أَوْ تَسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتِهِ وَرَحْمَتِهِ، وَلَيْتَ شَعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَتَسَلَّطَ النَّارُ عَلَيَّ وَجُوهَ خَرَّتْ لِعَظْمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً،

نیز برای روی آوری پیدا نکرده ام؛ جز این که تو پوزشم را بپذیری و مرا در رحمت فراگیریت وارد کنی. بارالها! عذرم و پوزشم را بپذیر، و برگرفتاری سختم رحم کن، و از بند محکم و سختم رهاییم بخش؛ ای پروردگار من؛ به ناتوانی بدنم رحم کن، و به پوست نازک، و استخوان نحیف من رحم کن؛ ای کسی که آفرینش و یاد و پرورش و نیکی و غذا دادن به من را خودت آغاز فرمودی. به خاطر کرامت آغازین و اولیه ات، و نیکی های دیرینه ات به من؛ مرا ببخش. ای خدای من؛ آقای من؛ پروردگار من؛ آیا بینم تو را که می خواهی پس از یگانه پرستی ام؛ مرا با آتش دوزخ عذاب کنی؟ و پس از این که قلبم آمیخته از شناخت نسبت به تو شده است؟ و پس از این که زبانم به ذکرت گویا شده است؟ و درون من با دوستی تو گره خورده؟ و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه ام در پیشگاه ربوبیت تو؟ نه، هرگز تو، بزرگوارتر از آن هستی که پرورده ات را ضایع و تباه گردانی، یا کسی را که نزدیک کرده ای دور کنی، یا کسی را که پناه داده ای آواره کنی، یا کسی را که مورد کفایت و رحمت قرار داده ای به دست بلاها بسپاری؛ و ای کاش می دانستم، ای آقای من؛ معبود من؛ و مولای من؛ آیا تو بر چهره هایی که در پیشگاه عظمت خاکساری کرده و به سجده افتاده است؟ و بر زبان هایی که صادقانه به توحید و یگانگی ات گویا گشته،

و بشکرک مادحه، و علی قلوب اعترفت بِالْهَيْتِكَ مُحَقَّقَه، و علی ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعه، و علی جوارح سعت إلى أوطان تعبدك طائعه، و أشارت باستغفارك مدعنه، ما هكذا الظن بك، و لا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب، و أنت تعلم ضعفی عن قليل من بلاء الدنيا و عقوباتها، و ما یجرى فیها من المكاره علی أهلها، علی أن ذلك بلاء و مكروه قليل مكته، یسیر بقائه، قصیر مدته، فكيف احتمالی لبلاء الاخره، و جلیل وقوع المكاره فیها، و هو بلاء تطول مدته، و یدوم مقامه، و لا یخفف عن أهله، لأنه لا یكون إلا عن غضبك و انتقامك، و هذا ما لا تقوم له السماوات و الأرض، یا سیدی، فكيف لی و أنا عبدك الضعیف الدلیل الحقیق المسكین المستكین. یا إلهی و ربی و سیدی و مولای،

و برای ستایش تو را شکرگزاری کرده است، و بر دل هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف کرده اند؛ و بر درون هایی که از بس نسبت به تو آگاهی یافته اند، فروتن گشته اند؛ و بر اعضا و جوارحی که از روی فرمانبرداری به سوی محل های عبادت و بندگی تو تلاش کرده اند؛ و با اعتراف به گناهان خود به سمت آمرزش تو قدم برداشته اند؛ آتش را مسلط می کنی؟ چنین گمانی نسبت به تو راه ندارد و درباره فضل و بزرگواری تو، این گونه برای ما بازگو نکرده اند؛ ای بزرگوار؛ ای پروردگار من؛ این ها درحالی است که تو می دانی، در مقابل تحمل بلاهای کم دنیایی و مجازات آن ها تاب و توان ندارم؛ و در برابر ناخوشی های دنیا که بر اهل دنیاست نیز توان تحمل ندارم؛ با این که این بلا و مصیبتی است که مدت کمی می ماند، و پایداری آن اندک و زمانش کوتاه است. پس، با این اوصاف، من چگونه بلای آخرت، و ناخوشی های طاقت فرسایش را تحمل کنم؟ درحالی که آن بلایی است که مدت آن طولانی، و ماندگاریش دایمی است، و نسبت به اهل آن نیز تخفیف پذیر نیست؛ چرا که این (بلاء) از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه گرفته است. و این، چیزی است که آسمان ها و زمین را یارای مقاومت در برابر آن نیست؛ ای آقای من؛ پس من چگونه این ها را تحمل کنم، باوجود این که بنده ای ضعیف، خوار، کوچک، نیازمند و بیچاره هستم!؟ ای معبود من؛ و پروردگار من؛ و آقای من؛ و مولای من؛

لَأَسْأَلُ الْأُمُورَ إِلَيْكَ أَشْكُو، و لما منها أَضِحَّ و أَبْكِي، لأَلِيمَ الْعَذَابِ و شِدَّتِهِ، أم لَطُولِ الْبَلَاءِ و مَدَّتِهِ، فَلئن صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، و جَمَعْتَ بَيْنِي و بَيْنَ أَهْلِ بِلَاتِكَ، و فَرَقْتَ بَيْنِي و بَيْنَ أَحِبَّائِكَ و أَوْلِيَاءِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي و سَيِّدِي و مَوْلَايَ و رَبِّي، صَبِرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبِرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كِرَامَتِكَ، أم كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ و رَجَائِي عَفْوِكَ. فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي و مَوْلَايَ اقْسِمْ صَادِقًا لئن تَرَكْتَنِي نَاطِقًا، لَأُضَجِّجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمَلِينَ، و لَأُصْرَخَنَّ إِلَيْكَ صِرَاحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، و لَأُبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَكَاءَ الْفَاقِدِينَ، و لَأَنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، و يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي و بِحَمْدِكَ

برای کدام یک از این امور به تو شکایت کنم؟ و برای کدام یک از آنها ضجه و ناله و گریه سر دهم؟ (آیا) برای دردناکی و سختی عذاب؟ یا برای طولانی شدن و مدت زیاد مصیبت و بلا؟ (خدایا!) اگر برای عذاب، مرا در کنار دشمنانت قرار دهی، و میان من و گرفتاران بلایت را جمع کنی، و بین من و دوستان و اولیای جدایی بیفکنی؛ گیرم که ای خدای من و ای آقا و مولا- و پروردگار من؛ بر عذابت صبر و شکیبایی بورزم؛ ولی چگونه بر جدایی و فراق شکیبا باشم؟! گیرم که بر گرمی و سوزندگی آتشت صبر کنم؛ ولی چگونه نسبت به محرومیت از تماشای کرامت و بزرگواریت، صبر کنم؟ یا چگونه، با وجود امیدی که به عفو و بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟ ای آقا و مولا من؛ سوگند صادقانه می خورم، که اگر به من اجازه سخن گفتن بدهی، به طور حتم در بین دوزخیان فریاد آرزومندان درخواهم داد و دردمندان ضجه و ناله فریادرس جویان سرخواهم داد، و همانند عزیز از دست دادگان گریه های فراق خواهم کرد، و تو را ندا خواهم داد که: کجایی ای سرپرست مؤمنان؛ ای نهایت آرزوی عارفان و خدانشناسان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ ای محبوب دل های راستگویان؛ و ای معبود جهانیان؛ آیا پس بینم تو را- ای کسی که منزهی؛ ای خدای من و من به حمد تو مشغولم-

تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته، و ذاق طعم عذابها بمعصيته، و حبس بين أطباقها بجرمه و جريرته و هو يضحج إليك ضجيج مؤمل لرحمتك، و يناديك بلسان أهل توحيدك، و يتوسل إليك برؤيتك. يا مولاي، فكيف يبقى في العذاب و هو يرجو ما سلف من حلمك، أم كيف تؤلمه النار و هو يأمل فضلك و رحمتك، أم كيف يحرقه لهيبها و أنت تسمع صوته و ترى مكانه، أم كيف يشتمل عليه زفيرها و أنت تعلم ضعفه، أم كيف يتقلقل بين أطباقها و أنت تعلم صدقه، أم كيف تزجره زبانتها و هو يناديك يا ربّه، أم كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتترکه فيها، هيهات، ما ذلك الظنّ بك، و لا المعروف من فضلك، و لا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك و إحسانك، فباليقين أقطع لولا ما حكمت به من تعذيب

که صدای بنده مسلمانان را می شنوی که در جهنّم به خاطر مخالفت و نافرمانیش زندانی شده است؛ و به خاطر معصیت و گناهش مزه عذاب جهنم را چشیده است و بین طبقه های مختلف جهنم به خاطر جرم و گناهش زندانی شده است؛ او با ضجه و ناله، به امید و آرزوی رحمت فریاد برمی آورد، و با زبان و طرز گفتار یگانه پرستانت تو را ندا می دهد و توسل به ربوبیت و پروردگاری تو پیدا می کند. ای مولای من؛ چگونه این بنده ات در عذاب باقی بماند باوجود این که به حلم و بردباری دیرینه ات امیدوار است؟ یا چگونه آتش او را به درد آورد؛ با این که او به فضل و مهربانیت، آرزومند است؟ یا چگونه زبانه های آتش، او را بسوزاند درحالی که صدایش را می شنوی و جایگاهش را می نگری؟! یا چگونه شعله ها و شراره های آتش او را دربرگیرد درحالی که ناتوانی او را می دانی؟ یا چگونه با وجود راستگویی اش - که تو نیز از آن آگاهی - بین طبقه های جهنّم بالا- و پایین رود؟ یا چگونه مأموران آتش او را به سوی دوزخ می رانند درحالی که او ندا می دهد و می گوید: ای پروردگار من؛ یا چگونه او به فضل تو امیدوار باشد تا رهایش کنی، ولی تو او را در آتش وامی گذاری؟! نه هرگز؛ این بعید است و چنین گمان و اندیشه ای در مورد تو نیست؟ و این گونه در مورد فضل تو معروف نیست؛ و این، شبیه رفتار بزرگوارانه و نیکویی و احسان تو، نسبت به یکتاپرستان نیست. پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر حکم و دستور تو

جاحدیک، و قضیت به من إخلاد معاندیک لجعلت التیار کلها بردا و سلاما، و ما کان لأحد فیها مقرّا و لا مقاما، لکنک تقدست أسماءک أقسمت أن تملأها من الکافرین من الجنّه و الناس أجمعین، و أن تخلد فیها المعاندین، و أنت جلّ ثناؤک قلت مبتدئا، و تطوّلت بالإنعام متکرّما، أفمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لا- یستون. إلهی و سیّدی، فأسألك بالقدره الّتی قدرتها، و بالقضیه الّتی حتمتها و حکمتها، و غلبت من علیه أجریتها، أن تهب لی فی هذه اللّیله و فی هذه السّاعه کلّ جرم أجرمته، و کلّ ذنب أذنبته، و کلّ قبیح أسررته، و کلّ جهل عملته، کتمته أو أعلنته، أخفّيته أو أظهرته، و کلّ سیئه أمرت بإثباتها الکرام الکاتبین، الّذین وکلتهم بحفظ ما یكون منّی، و جعلتهم شهودا علیّ مع جوارحی، و کنت أنت الرّقیب علیّ من ورآئهم،

در مورد عذاب کردن منکرانت و جاودانه ماندن دشمنان خود در آتش؛ صادر نشده بود؛ به طور حتم (در روز قیامت)، تمام آتش را سرد و سلامت می کردی، و هیچ کس در آن استقرار نمی یافت و جا نمی گرفت. لیکن، تو- که نام های شریفیت پاک و مقدّس است- سوگند یاد کردی که جهنّم را پر از تمام کافران جنّی و انسی کنی، و معاندان و دشمنان سرسخت را برای همیشه در آتش نگاه داری. و تو- که مدح و ثنایت شکوهمند باد- در آغاز فرمودی، و در ادامه نیز بزرگوارانه با نعمت بخشیدنت فرصت دادی که: آیا کسی که ایمان آورده با کسی که اهل فسق و بدی باشد؛ مساویند؟! مساوی نیستند. خدای من؛ و آقای من؛ از تو می خواهم به واسطه قدرتت که آن را تقدیر فرمودی، و دستوری که حتمی و لازم نمودی، و بر هر که اجرا کردی نیز پیروز شدی؛ برای من ببخشی در این شب و این ساعت، هر جرمی که از من سر زده است، و هر گناهی مرتکب شده ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته ام؛ و هر نادانی که انجام داده ام، آن را کتمان نمودم یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم؛ و هر کار بدی را که به نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آنها را داده ای؛ همان نویسندگان بزرگواری که موظّف به حفظ و ثبت اعمال من کرده ای و آنان را به همراه اعضا و جوارح خودم به عنوان شاهد و گواه رفتار من قرار داده ای؟ و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آنها مواظب و مراقب رفتارم بوده ای



و الشاهد لما خفي عنهم، و برحمتك أخفيته، و بفضلك سترته، و أن توفّر حظّي من كلّ خير أنزلته، أو إحسان فضّلته، أو برّ نشرته، أو رزق بسطته، أو ذنب تغفّره، أو خطيأ تستره. يا ربّ يا ربّ يا ربّ، يا إلهي و سيّدي و مولاي و مالک رقی، یا من بیده ناصیتی، یا علیما بضری و مسکنتی، یا خبیرا بفقری وفاقتی. یا ربّ یا ربّ یا ربّ، أسألک بحقّک و قدسک، و أعظم صفاتک و أسمائک، أن تجعل أوقاتی من اللیل و النهار بذکرک معموره، و بخدمتک موصوله، و أعمالی عندک مقبوله، حتّی تکون أعمالی و أורادی کلّها وردا واحدا، و حالی فی خدمتک سرمدا. یا سيّدي یا من عليه معوّلي، یا من إليه شکوت أحوالی، یا ربّ یا ربّ یا ربّ، قوّ علی خدمتک جوارحی، و اشدّد علی العزیمه جوانحی، و هب لی الجدّ فی

و هرچه از آنان مخفی شده است را نیز خودت گواه بوده ای؛ البتّه، کارهای مخفی را خودت به واسطه رحمت پنهان نمودی و به فضل خودت پوشیدنی. و از تو می خواهم فراوان کنی حظّ و نصیبم را از هر خیر و خوبی که فرومی فرستی، یا هر احسان و نیکی که لطف می کنی، یا هر خوبی بین بندگان پخش نموده ای، یا روزی و نصیبی که گسترده ساخته ای، یا هر گناهی که بخشیده ای، یا هر اشتباهی که آن را پنهان داشته ای. پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ ای خدای من؛ و آقای من؛ و مولای من؛ و مالک هستی من؛ ای کسی که اختیار و زمام من در دست اوست؛ ای کسی که بیچارگی و درماندگی ام را می دانی؛ ای کسی که از نیازمندی و بی نوایی من آگاهی؛ ای پروردگارا؛ ای پروردگارا؛ ای پروردگارا؛ از تو می خواهم به حقّ خودت و پاکیت، و بزرگ ترین صفات و نام هایت؛ که تمام لحظه های شب و روزم را با یادت آباد کنی؛ و پیوسته در خدمت خودت قرار دهی؛ و کارهایم را نزد خودت پذیرفته شده قرار دهی؛ تا آن که تمام کارها و وردهایم یک ورد (و یک جهت) باشد، و حال من در خدمت تو پاینده باشد. ای آقای من؛ ای کسی که تکیه گاه و مورد اعتمادم، تنها تو هستی؛ ای کسی که بدحالی هایم را تنها به تو شکایت می کنم؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ اعضا و جوارحم را برای خدمتگزاریت نیرومند کن، و دلم را بر قصد و آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدی از تو

خشیتک، و الدوام فی الإتصال بخدمتک، حتی أسرح إلیک فی میادین السابقین، و اسرع إلیک فی البارزین، و أشتاق إلی قریبک فی المشتاقین، و أدنو منک دنو المخلصین، و أخافک مخافه الموقنین، و أجمع فی جوارک مع المؤمنین. اللَّهُمَّ و من أرادنی بسوء فأرده، و من کادنی فکده، و اجعلنی من أحسن عیبدک نصیباً عندک، و أقربهم منزله منک، و أخصّهم زلفه لدیک، فإنّه لا ینال ذلک إلاّ بفضلک، و جد لی بجدک، و اعطف علیّ بمجدک، و احفظنی برحمتک، و اجعل لسانی بذکرک لهجاً، و قلبی بحیّک متیماً، و منّ علیّ بحسن إجابتک، و أقلنی عشرتی، و اغفر زلّتی، فإنّک قضیت علی عبادک عبادتک، و أمرتهم بدعائک، و ضمنت لهم الإجابہ. فإلیک یا ربّ نصبت وجهی، و إلیک یا ربّ مددت یدی، فبعزّتک استجب لی دعائی،

در هراس باشم، و همیشه و به طور دایم به خدمت تو بپردازم؛ تا در نتیجه در میدان های پیشی گیرندگان به سوی تو روانه گردم، و در زمره کسانی که نمودار گشته اند به سرعت به سوی تو بیایم، و در زمره مشتاقانت با شوق فراوان به مقام قرب تو راه پیدا کنم، و همچون نزدیک بودن اهل اخلاص به تو نزدیک گردم، و همانند ترسی که اهل یقین از تو دارند بترسم؛ و در جوار رحمت با مؤمنان گردآیم. بارالها؛ هرکس قصد بدی در مورد من دارد، خودت در موردش قصد بد کن؛ و هرکس برایم مکر و حيله ای فراهم کند، تو نیز با او مکر کن؛ و مرا از بهترین بنده های بهره مند در نزد خودت، و از کسانی که نزدیک ترین جایگاه معنوی را نسبت به تو دارند، و بهترین درجه را به ایشان اختصاص داده ای، قرار ده؛ زیرا، این ها جز با فضل و فزون بخشی تو به دست نمی آید؛ و با سخاوت‌مندی بر من ببخشای، و با بزرگواری و شکوهت بر من عطا و مهربانی کن، و با رحمت مرا حفظ کن؛ و زبانم را به ذکر و یاد خود گویا، و قلبم را از دوستیت بی قرار ساز، و با اجابت نیکو به درخواست من بر من ممت گذار، و از لغزش من درگذر و لغزشم را نادیده بگیر؛ زیرا، تو به بندگانت دستور دادی تو را بپرستند، و بر آنان امر کرده ای تا تو را بخوانند، و در مقابل نیز ضمانت کرده ای که اجابتشان کنی. پس پروردگارا؛ به سوی تو روی آورده ام، و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم؛ پس، تو را به عزّت سوگند؛ دعایم را مستجاب فرما،

و بَلِّغْنِي مَنَای، و لا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، و اَكْفِنِي شَرَّ الْجَنِّ و الْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي. یا سَرِيعَ الرِّضَا، اِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدَّعَاءَ، فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ، یا مِنْ اسْمِهِ دَوَاءٌ، و ذَكَرَهُ شَفَاءً، و طَاعَتَهُ غِنَى، اِرحَمْ مِنْ رَأْسِ مَالِهِ الرِّجَاءَ، و سَلَاحَهُ الْبِكَاءَ، یا سَابِغَ النِّعَمِ، یا دَافِعَ النِّقَمِ، یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، یا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا و آلَ مُحَمَّدٍ، و اِفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، و صَلِّ اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولُهُ و الْأَئِمَّةِ الْمِيَامِينَ مِنْ آلِهِ، و سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. (۱)

و مرا به آرزویم برسان، و امیدم را از فضلت قطع مکن، و از شرّ دشمنانم چه جنّی و چه آدمی، مرا در امان دار و کفایتم کن. ای کسی که زود راضی می شوی؛ بیامرز کسی را که جز دعا کاری از دستش نمی آید، زیرا، تو کاری را که بخواهی به طور کامل انجام می دهی. ای کسی که نامش، دواست؛ و یادش، شفاست؛ و فرمان برداریش؛ مایه بی نیازی است؛ رحم کن به کسی که سرمایه اش امید است، و تنها اسلحه اش گریه است. ای فروریزنده نعمت ها؛ ای برطرف کننده سختی ها و مجازات ها؛ ای روشنی وحشت زدگان در تاریکی ها؛ ای عالمی که تعلیم داده نشده ای؛ بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست، و آن چنان که شایسته و بایسته توست با من رفتار کن. و درود پیوسته خداوند بر فرستاده اش و امامان پربرکت از آل او؛ و سلام بسیارش بر آنان باد.

ص: ۶۹۴

یا ملحقات

بعضی از عباداتی که مورد توجه

حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشند

ص: ۶۹۵



در پایان کتاب، به بیان برخی از مطالبی می پردازیم که حضرتش صلوات الله علیه به گونه ای دستور به انجام آن ها فرموده اند؛ آن ها عبارتند از بعضی از دعاها و زیارت ها، و برخی از دستورات و مطالبی که با موضوع کتاب مناسبت دارد. در ابتدا، جریان سید رشتی رضوان الله علیه را بیان می کنیم؛ زیرا جریان دیدار او، مطالبی را دربردارد که مولای ما امام زمان ارواحنا فداه به انجام آن امر فرموده اند.

محدث نوری رحمه الله می فرماید: سید رشتی گفت: در سال ۱۲۸۰ (قمری) به قصد انجام حج حرکت کردم، و از طرف رشت به تبریز رفتم. در تبریز به خانه حاج صفر علی تاجر معروف تبریزی رفته و به دلیل این که کاروانی برای عزیمت به حج نیافتم، سرگردان شده بودم؛ تا آن که حاج جبار جلودار سده ای اصفهانی، کاروانی برای رفتن به «طربوزن» تدارک دید.

من، یک مرکب برای خودم از او کرایه کردم و به راه افتادم، و وقتی به اولین منزلگاه بین راه رسیدم، بنابر تشویق حاج صفر علی تاجر، سه نفر دیگر نیز به من پیوستند و با یکدیگر هم سفر شدیم؛ آن سه نفر: ۱- حاج ملا باقر تبریزی (که به نیابت از شخص دیگری عازم حج شده بود، و نزد علما شناخته شده بود)؛ ۲- حاج سید حسین تاجر تبریزی؛ ۳- مردی که خدمتکار بود، و او را حاج علی می گفتند.

در بین راه به شهر «ارضروم» رسیدیم و از آن جا نیز عازم شهر «طربوزن» بودیم. در یکی از استراحتگاه های بین این دو شهر، حاج جبار جلودار (رئیس کاروان) نزد

من آمد، و گفت: منزلگاه بعدی که در پیش داریم، ترسناک است؛ بدین جهت، لازم است عجله کنید و از قافله عقب نمانید.

زیرا ما در بین راه کمی از کاروان فاصله می گرفتیم، حدود دو و نیم یا سه ساعت به صبح مانده بود، که همگی باهم حرکت کردیم، هنوز به طور تقریبی نیم فرسخ یا سه چهارم فرسخ از منزلگاه قبلی دور نشده بودیم که ناگهان هوا دگرگون و تاریک شد، و شروع به بارش برف کرد.

در این حال، هریک از دوستانم سرش را پوشانید و به سرعت، حرکت کرد. من نیز چنین کردم، لیکن نمی توانستم به سرعت آنان بروم؛ آنان دور شدند و من تنها ماندم.

لذا، از اسب پیاده شدم و در کنار جاده نشستم و به شدت دچار اضطراب و نگرانی شدم؛ چون، حدود ششصد تومان برای خرجی سفرم همراه داشتم. پس از اندیشه در مورد وضعیتم، بدین نتیجه رسیدم که همان جا بمانم تا صبح شود، و به همان منزلگاه قبلی برگردم و از آن جا چند نفر را برای نگهبانی از خود استخدام کنم، تا دوباره به کاروان برسم.

در همین اندیشه بودم که ناگهان باغی زیبا را در پیش رویم دیدم، و مشاهده کردم باغبانی در آن جاست و بیلی در دست دارد و برف ها را از شاخ و برگ درختان می ریزد. باغبان نزد آمد و به قدری پیش آمد که فاصله کمی بین من و ایشان بود.

فرمود: تو کیستی؟

گفتم: دوستانم رفتند و من تنها ماندم، و راه را نیز بلد نیستم؛ سرگردان شده ام.

وی با زبان فارسی گفت: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی؛ و مقصودش نماز شب بود.

من مشغول نماز شب شدم، تا از تهجد فارغ گردیدم پس از آن دوباره نزد آمد و فرمود: آیا هنوز نرفته ای؟

گفتم: به خدا، راه را بلد نیستم.

فرمود: جامعه بخوان. من زیارت جامعه را حفظ نکرده بودم، و هیچگاه نمی توانستم آن را حفظ و بدون نگاه کردن به کتاب بخوانم؛ با این که بارها به حرم مطهر امامان علیهم السلام شرفیاب شده بودم، با این حال، در همان جا ایستادم و از حفظ شروع

به خواندن زیارت جامعه کردم و آن را به طور کامل خواندم.

بار دیگر آن شخص آمد و فرمود: هنوز نرفته ای؟ بی اراده، اشکم سرازیر شد و گریستم؛ گفتم: این همه وقت است که این جا هستم، و راه را بلد نشده ام!

فرمود: عاشورا بخوان.

در مورد زیارت عاشورا نیز همان وضع را داشتم، یعنی مانند زیارت جامعه نمی توانستم آن را از حفظ بخوانم، ولی برخاستم و بی اختیار آن را تا آخر خواندم و لعن و سلام و دعای علقمه را نیز قرائت کردم. دیدم دوباره آمد و فرمود: هنوز هم که نرفته ای؟!

گفتم: نه، تا صبح هم این جا می مانم.

فرمود: حالا من، تو را به کاروان می رسانم. رفت، و بر الاغی سوار شد و بیل خود را بر دوش گذاشت و آمد و گفت: پشت سر من سوار الاغ شو.

من سوار شدم و افسار اسبم را نیز به دست گرفتم ولی اسبم حرکت نکرد.

فرمود: افسار اسب را به من بده. افسارش را به دست آن شخص سپردم و او بیل خود را بر شانه چپ گذاشت و افسار اسب مرا با دست راست گرفت و به راه افتاد. اسبم، به گونه ای شگفت انگیز، گوش به فرمان او بود و به دنبال او به راه افتاد.

آن گاه دستش را بر زانویم نهاد و فرمود:

شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، نافله. شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا. شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

ایشان به گونه ای مسیر را می پیمود که گویی زمین در زیر پایش درمی نوردد؛ ناگهان برگشت و به من فرمود: دوستان، آن ها هستند. دیدم که دوستانم در کنار نهر آبی فرود آمده اند، و از آب آن برای نماز صبح وضو می گیرند.

من، از الاغ پیاده شدم که سوار اسبم شوم ولی نتوانستم. ایشان، از الاغ پیاده شدند و بیل خود را در میان برف ها زدند و مرا سوار بر اسب نمودند. سپس، سر اسب را رو به محلی که دوستانم بودند، گردانیدند.

در این اثناء بود که در خاطرم گذشت: این شخص کیست که به راحتی، فارسی



سخن می گوید؟ با این که می دانم، مردم این منطقه، فقط به زبان ترکی ترکیه آشنا هستند! بیشترشان نیز مسیحی اند. از طرفی، چگونه با این سرعت، مرا به دوستانم رسانید؟ همین که برگشتم و به پشت سرم نگاه کردم هیچ کس را نیافتم و اثری از او ندیدم؛ لذا نزد دوستانم رفتم.

نماز شب: آگاه باش؛ فایده و ارزش نماز شب، خارج از حدی است که بتوان بیان کرد؛ چون نکات دقیق و اسراری دارد که در قرآن و احادیث، به طور مختصر بدان ها اشاره شده است. بدین جهت، در برخی از روایات هنگام یاد از نماز شب، سه مرتبه نام آن را تکرار شده است.

شیخ کلینی و شیخ صدوق، و شیخ برقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وصیت و سفارشات فرمود و دستور داد که آن ها را حفظ کرده و به آن عمل نماید؛ آن گاه از خدای تعالی خواست تا آن حضرت را برای عمل به این سفارشات، یاری دهد. از جمله سفارشات یاد شده این است که فرمود:

تو را به نماز شب سفارش می کنم؛ بر تو باد به نماز شب؛ بر تو باد به نماز شب.

در کتاب «فقه الرضا علیه السلام» نیز روایتی نزدیک به همین معنا، آمده است.

زیارت جامعه: گروهی از علما تصریح فرموده اند که این زیارت؛ بهترین و کامل ترین زیارت ها است.

علامه مجلسی رحمه الله پس از توضیح کوتاهی در مورد عبارات های زیارت جامعه که در دیگر زیارت ها چنین شرح و توضیحی نداده است می فرماید:

اندکی در شرح این زیارت کلام را طولانی کردم- گرچه حَقِّش را ادا نکرده ام- چون نخواستم سخن به درازا کشد؛ چون این زیارت، دارای صحیح ترین سند و مشهورترین راویان، (فراگیرترین زیارت در مورد ائمه علیهم السلام)، فصیح ترین الفاظ، رساترین معانی و بلندمرتبه ترین زیارات است.

زیارت عاشورا: در فضیلت و جایگاه آن، همین بس که سنخیت با دیگر زیارات ندارد؛ چون- گرچه سخنان و دستورهای معصومان علیهم السلام، از عالم بالا گرفته شده است،

و این زیارت (به حسب ظاهر) و نیز دیگر زیارات، از دستورات معصومان علیهم السّلام است؛ ولی-زیارت عاشورا، یک حدیث قدسی است و این عبارات، از جمله لعن، سلام و دعا‌های آن، به همین شکل از خدای سبحان به جبرئیل امین و از او به حضرت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رسیده است.

تجربه نشان داده است که اگر چهل روز یا کمتر، به طور دائم (هر روز) به خواندن این زیارت پرداخته شود؛ هیچ دعایی همانند آن برای برآوردن حاجات، رسیدن به مقصود و دفع دشمنان وجود ندارد.

بهترین فایده ای که می توان از طریق مواظبت بر خواندن این زیارت به دست آورد، آن چیزی است که یکی از اشخاص مورد اعتماد، نیکورفتار و پرهیزگار، یعنی جناب حاج ملا حسن یزدی رحمه الله که از بهترین ساکنان شهر نجف بود، و پیوسته به عبادت و زیارت می پرداخت؛ از حاج محمد علی یزدی که او نیز مورد وثوق و اطمینان، نیکورفتار، و از افراد فاضل و برجسته شهر یزد بود، می گوید:

مردی در یزد بود که از افراد نیک و برجسته بود. وی، شب ها به قبرستانی خارج از شهر یزد (که به زیارتگاه معروف بود) می رفت در آن زیارتگاه، چند تن از افراد صالح دفن شده بودند. سید احمد، همسایه ای داشت که از کودکی باهم بزرگ شده بودند، و معلم شان نیز یکی بود و باهم درس خوانده بودند تا آن که جزو صنف مالیات گیران دولت درآمد. البتّه این شخص از دنیا رفت، و محلّ دفنش نیز نزدیک همان مکانی بود که حاج محمد علی به عبادت می پرداخت.

وی، پس از مرگ آن شخص، او را با وضعی بسیار خوب و در نعمت های بهشتی مشاهده کرد. او در عالم خواب به طرف دوست مرده اش رفته و گفت: من از ابتدا تا پایان، و از ظاهر و باطن تو باخبر هستم؛ به خوبی نیز می دانم کسی نبوده ای که از نظر باطنی خوب باشی و کارهای زشت را بتوان حمل بر تقیه و پنهان کاری شرعی کرد، یا بتوان گفت به ناچار و برای کمک به مظلومان و... وارد کارهای دولتی شده ای. کارهای تو، تنها سزاوار عذاب و بدبختی بود؛ بگو بدانم از کجا به این مقام و منزلت پس از مرگ دست یافته ای؟!!

گفت: درست است؛ همین طور است که گفتم. من در عذاب سختی بودم و از روزی که مردم تا دیروز به شدت عذاب می شدند؛ تا آن که دیروز، همسر استاد اشرف آهنگر از دنیا رفت و در نزدیکی من حدود پنجاه متری بین قبر من تا جایگاه تو، دفن شد، دیشب که آن زن را در این جا به خاک سپردند، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام، سه مرتبه به دیدارش تشریف فرما شدند، و در مرتبه سوم دستور فرمودند تا عذاب را از تمام قبرستان بردارند. بدین جهت، من نیز راحت شدم و نعمت ها و شادی ها، مرا فرا گرفت.

وی، ناگهان از خواب پریده و چون استاد اشرف آهنگر و جای او را نمی شناخت، در بازار آهنگران به جستجو پرداخت و او را یافت؛ به آهنگر گفت: آیا شما همسر دارید؟

گفت: آری. او دیروز از دنیا رفته و در فلان مکان-همان مکان را نام برد-دفنش کردم؟ گفت: آیا زنت به زیارت امام حسین علیه السلام شرف یاب شده بود؟ گفت: خیر.

پرسید: آیا برای آن حضرت عزاداری می کرد؟ گفت: نه.

گفت: آیا در خانه مجالس روضه تشکیل می داد؟ گفت: خیر.

آهنگر پرسید: مقصودت از این پرسش ها چیست؟ او نیز خوابش را تعریف کرد. و گفت: می خواهم بینم همسرت چه رابطه ای با امام حسین علیه السلام داشته است!؟

استاد اشرف آهنگر گفت: زخم، پیوسته زیارت عاشورا می خواند.

پوشیده نماند، سید احمد (که این جریان در مورد او نقل شده است) از صالحان و پرهیزگاران بود، و در امور عبادی و زیارات، و ادای حقوق الهی و حقوق مردم، و پاکیزگی و پاکی لباس و بدن از نجاسات و کثیفی ها؛ معروف بود.

نیز، همگی او را به ورع و تقوا و نیکوکاری می شناختند و نزد مردم یزد و دیگر شهرها مشهور بود. البته، هر بار که زیارت می کرد نیز الطاف ویژه ای به او می رسید که نقلش در این جا مناسب نیست. (۱)

ص: ۷۰۲

اکنون به چگونگی نماز شب می پردازیم؛ پس از آن زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا را نیز نقل می کنیم.

نماز شب: زمانش از نیمه شب آغاز می شود، و هرچه زمان انجام آن به صبح نزدیک تر باشد، فضیلتش افزون است. البته اگر هنگام صبح، نماز گزار چهار رکعت از نماز شب را به جا آورده باشد، باید بقیه نمازها را بدون سوره و با حمد تنها انجام دهد.

نماز شب، هشت رکعت است که دو رکعت دو رکعت انجام می شود؛ مستحب است در دو رکعت اول در هر رکعت بعد از حمد، سی مرتبه سوره «توحید» را بخواند؛ در این صورت با پایان نماز، هیچ گناهی بین او و خداوند باقی نمی ماند.

هم چنین می تواند در رکعت اول پس از حمد، سوره «توحید» بخواند و در رکعت دوم سوره «کافرون» را قرائت کند و در نمازهای دیگر (شش رکعت باقی مانده) هر سوره ای را خواست، بخواند.

نیز، می تواند در هر رکعت از هشت رکعت نماز شب، پس از حمد، سوره «توحید» را بخواند یا این که سوره ای نخواند و به حمد تنها بسنده کند.

(مستحب است بعد از دو رکعت اول، دعایی را که برای تعجیل فرج در ص ۱۹۸ نقل کردیم بخواند. و بعد از رکعت چهارم، دعایی را که در ص ۲۰۰ نقل کردیم بخواند.)

قنوت نماز شب نیز مانند قنوت در نمازهای واجب، مستحب است که در رکعت های دوم هر نماز، قنوت خوانده شود. در ذکر قنوت می تواند سه مرتبه «سبحان الله» بگوید، یا این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَعَافِ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بارالها؛ ما را ببخش، و رحم کن، و سلامتی بده، و در دنیا و آخرت ما را ببخش؛ به راستی که تو هر چیزی خواهی، می توانی انجام دهی.

یا بگوید: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوِزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ.

پروردگارا! ببخش، رحم کن، از هر چه می دانی بگذر؛ به راستی، تو عزت مندترین، باشکوه ترین، و بزرگوارترین هستی.

روایت شده است: حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، هنگامی که شب، در محراب عبادت می ایستادند، می گفتند: اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا. . . «بارالها! راستی، تو مرا با اندامی متناسب آفریده ای. . .»، و این، دعای پنجاهم صحیفه کامله سجّادیه است.

پس از انجام هشت رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر را به جا آورید؛ در این سه رکعت نماز، پس از «حمد» در هر رکعت سوره «توحید» را بخوانید؛ تا ثواب یک ختم کامل قرآن را به دست آورید؛ چون، هربار قرائت سوره «توحید»، ثواب خواندن یک سوّم از قرآن را دارد.

نیز می توانید در رکعت اول شفع پس از «حمد»، سوره «ناس»؛ و در رکعت دوم پس از «حمد»، سوره «فلق» را قرائت کنید.

پس از نماز شفع، یک رکعت نماز وتر با سوره «حمد» و سوره «توحید» بخوانید، و یا آن که بعد از سوره «حمد» سه مرتبه قُلْ هَيُّوْا لِلّٰهِ اٰخِيْدُ و معوذتین - یعنی قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ - را قرائت کنید. پس از سوره، دست ها را به دعا برداشته و در قنوت، هر چه خواستید بخوانید.

شیخ طوسی رحمه الله می گوید: دعاهاى قنوت، بی شمار است؛ و هیچ قنوت مخصوصی وارد نشده است که واجب باشد همان خوانده شود.

مستحب است انسان در حال قنوت از ترس خدا و هراس از عذاب الهی بگریزد، یا حالت گریه کنندگان را به خود بگیرد؛ و برای مؤمنان دعا کند، و مستحب است نام چهل مؤمن (شیعه) را یاد کند؛ زیرا، هر کس برای چهل تن از شیعیان (مؤمنان) دعا کند، دعای خودش نیز به خواست خداوند مستجاب خواهد شد. نیز، هر چه خواست پس از آن دعا کند.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لا یحضر الفقیه» روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در قنوت نماز وترش این دعا را می خواند:

اللّهُمَّ اهدنی فیمن هدیت، و عافنی فیمن عافیت، و تولّنی فیمن تولّیت، و بارک لی فیما أعطیت، و قنی شرّ ما قضیت، فإِنَّک تقضی و لا یقضی علیک، سبحانک ربّ البیت أستغفرک و أتوب إلیک، و اؤمن بک، و أتوکّل علیک، و لا حول و لا قوّه إلاّ بک یا رحیم.

خدایا؛ در بین کسانی که هدایت می فرمایی مرا نیز هدایت کن، و در بین عافیت یافتگان مرا نیز سلامتی و عافیت ببخش، و هر که را سرپرستی می کنی مرا نیز در زمره شان در آور؛ و هر چه به من عطا فرمودی بابرکت گردان، و هر قضایی مقرر فرمودی مرا از شرّ و بدی آن حفظ کن؛ زیرا تو حکم می کنی ولی کسی بر تو حکم نمی کند؛ منزّهی، ای پروردگار خانه کعبه؛ از تو بخشش می خواهم و به سویت بازگشت می کنم، و به تو ایمان می آورم، و بر تو توکل می کنم، و هیچ نیرو و جنبشی جز از تو، نیست؛ ای مهربان.

سزاوار است در قنوت، هفتاد مرتبه بگوید: «أستغفر الله (ربّی) و أتوب إلیه»؛ «طلب بخشش از خدا (پروردگارم) می کنم، و به سویش بازگشت می نمایم».

شایسته است انسان، در این هنگام دست چپ را بالا برده، و با دست راست تعداد استغفارهای خود (هفتاد مرتبه) را بشمارد، [\(۱\)](#) و مستحبّ است سیصد مرتبه بگوید: «العفو».

هرکس چهار رکعت از نماز شب را پیش از اذان صبح خوانده باشد، می تواند بقیّه را پس از نماز صبح به نیت ادا بخواند. هرکس نمی تواند نماز شب را پس از نیمه شب بخواند، جایز است که آن را پیش از نیمه شب بخواند.

ص: ۷۰۵

السَّلام عليك يا أبا عبد الله، السَّلام عليك يا بن رسول الله، السَّلام عليك يا بن أمير المؤمنين و ابن سيّد الوصيّين، السَّلام عليك يا بن فاطمه سيّده نساء العالمين، السَّلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره، و الوتر الموتور، السَّلام عليك و على الأرواح التي حلّت بفنائك، عليكم منّي جميعا سلام الله أبدا ما بقيت و بقي الليل و النهار. يا أبا عبد الله، لقد عظمت الرزّيّه، و جلّت و عظمت المصيبه بك علينا و على جميع أهل الإسلام، و جلّت و عظمت مصيبتك في السّماوات على جميع أهل السّماوات، فلعن الله امّه أسيّست أساس الظّلم و الجور عليكم أهل البيت، و لعن الله امّه دفعتمكم عن مقامكم، و أزالتمكم عن مراتبكم التي ربّتمكم الله فيها، و لعن الله امّه قتلتمكم، و لعن الله الممهّدين لهم

سلام بر تو ای ابا عبد الله؛ سلام بر تو ای پسر رسول خدا؛ سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، و پسر سرور اوصیا؛ سلام بر تو، ای پسر حضرت فاطمه، سرور زنان جهانیان؛ سلام بر تو، ای خون خدا، و پسر خون خدا، و خونی که به ناحق ریخته شده و تاکنون انتقامش گرفته نشده، سلام بر تو و بر روان های پاکی که در آستان تو آرمیدند؛ من، بر تمامی شما، سلام الهی را-تا زنده ام و تا شب و روز باقی است-نثار می کنم. ای ابا عبد الله؛ به راستی که سوگ تو بسیار بزرگ بود، و مصیبت تو بر ما و بر تمام مسلمانان بسیار گران و سنگین و بزرگ است؛ و مصیبت تو در آسمان ها بر تمام اهل آسمان ها بزرگ و گران آمد. پس خدا لعنت کند مردمی را که پایه ستم و جور بر شما اهل بیت را بنا نهادند؛ و خدا لعنت کند مردمی را که شما را از جایگاه تان دور کردند؛ و از مرتبه ها و درجاتی که خداوند، شما را در آن مرتبه ها قرار داده بود، راندند؛ و خداوند لعنت کند کسانی را که شما را کشتند؛ و خدا لعنت کند کسانی را که

بالتّمكن من قتالكم، برئت إلى الله و إليكم منهم و من أشياعهم و أتباعهم و أوليآئهم. يا أبا عبد الله، إنّي سلم لمن سالمكم، و حرب لمن حاربكم إلى يوم القيامة، و لعن الله ال زياد و ال مروان، و لعن الله بنى امّيه قاطبه، و لعن الله ابن مرجانه، و لعن الله عمر بن سعد، و لعن الله شمرا، و لعن الله امه أسرجت و ألجمت و تنقبت لقتالك، بأبى أنت و امّى لقد عظم مصابى بك، فأسأل الله العزى أكرم مقامك، و أكرمنى بك أن يرزقنى طلب ثارك مع إمام منصور من أهل بيت محمّد صلّى الله عليه و اله. أللهمّ اجعلنى عندك و جيتها بالحسين عليه السّلام فى الدّنيا و الآخرة. يا أبا عبد الله، إنّي أتقرّب إلى الله و إلى رسوله و إلى أمير المؤمنين و إلى فاطمه و إلى الحسن و إليك بموالانك، و بالبرآئه ممّن قاتلك و نصب لك الحرب، و بالبرآئه ممّن أسس

زمينه جنگ را برای دشمنان با قادر ساختن آنان به جنگ با شما فراهم کردند؛ من به سوى خدا و شما از آنان، و از پیروان آن ها، و دنباله روان آن ها، و دوستان و موالیان آن ها بیزاری می جویم. ای ابا عبد الله؛ من، نسبت به کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم؛ و با کسانی که به جنگ شما برخیزند، سر جنگ دارم تا روز قیامت. و خدا لعنت کند آل زیاد، و آل مروان را، و خدا لعنت کند تمام افراد خاندان بنی امیه را، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را، و خدا لعنت کند عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمرا را، و خدا لعنت کند مردمی را که اسب ها را زین کردند و لجام زدند، و نقاب زدند برای جنگیدن با تو. پدر و مادرم فدایت؛ به راستی که مصیبت تو بر من بسیار گران آمده است؛ پس از خداوند، که مقام و منزلت تو را ارجمند ساخت، و مرا نیز به واسطه تو گرامی داشت؛ درخواست می کنم که را خون خواهی تو به همراه امام پیروزمندی از اهل بیت محمّد- که درود خدا بر او و آل او باد- نصیب سازد. خدایا؛ مرا نزد خودت به واسطه امام حسین- که سلام بر او باد- در دنیا و آخرت، آبرومند قرار بده. ای ابا عبد الله؛ من به درگاه خدا و رسولش و امیر مؤمنان؛ و فاطمه زهرا، و امام حسن و تو، خود را نزدیک می سازم با دوستی و موالات تو، و نیز با بیزاری جستن از نبردکنندگان و برپاکنندگان آتش جنگ علیه تو؛ و نیز با بیزاری از هرکسی که



أَسَاسُ الظُّلْمِ وَالْجورِ عَلَيْكُمْ، وَ أَبْرءُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ مَمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكْ، وَ بَنَى عَلَيْهِ بِنْيَانَهُ، وَ جَرَى فِي ظَلْمِهِ وَ جورِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ. بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمَوَالِيَتِكُمْ وَ مَوَالِيَهُ وَلِيَكُمْ، وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبِ، وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتِبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَ حَرْبُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَاسْأَلِ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ، وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ أَنْ يَثْبِتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صَدَقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَلْغِيَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ، وَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ

پایه ستم و جور به شما را بنا نهاد. و به خدا و رسولش بیزاری خود را اعلام می دارم از کسی که پایه این کارها را بنا نهاد، و بنیان خویش را بر آن بنا نهاد، و ستم و جور خود را بر شما و شیعیان شما روا داشت. به خدا و نیز به شما بیزاری خود را از آنان اعلام می کنم. و به سوی خدا و نیز به سوی شما تقرب می جویم، با دوستی شما و دوستی دوستان شما، و نیز با بیزاری جستن از دشمنان شما و کسانی که آتش جنگ را علیه شما برپا کردند، و نیز با اعلام بیزاری از پیروان شان و دنباله روان آن ها. من با کسانی که با شما سازش دارند سازش دارم، و سر جنگ دارم با هر که با شما سر جنگ دارد، و دوست هستم نسبت به کسی که با شما دوستی کند، و دشمن هستم نسبت به کسی که با شما دشمنی کند؛ بدین سان، از خداوند - که با شناخت شما و اولیای شما بر من ارج نهاده، و بیزار بودن از دشمنان تان را نصیبم ساخته است - درخواست می کنم تا در دنیا و آخرت، مرا با شما قرار دهد؛ و قدم راستی و دوستی نزد شما را در دنیا و آخرت برابم ثابت و استوار گرداند. و نیز درخواست می کنم مرا به جایگاه پسندیده ای که شما نزد خدا دارید برساند؛ و خون خواهی را همراه امام هدایت گری از شما که آشکار و گوینده به حق است، نصیبم سازد. و از خدا درخواست می کنم به خاطر حق شما و به منزلتی که در

عنده، أن يعطيني بمصابي بكم أفضل ما يعطى مصابا بمصيبته مصيبه ما أعظمها و أعظم رزيتها في الإسلام و في جميع السماوات و الأرض. اللهم اجعلني في مقامى هذا ممن تناله منك صلوات و رحمه و مغفره. اللهم اجعل محياى محيا محمّد و ال محمّد، و مماتى ممات محمّد و ال محمّد. اللهم إنّ هذا يوم تبرّكت به بنو اميّة، و ابن اكله الأكباد اللّعين بن اللّعين على لسانك و لسان نبيك صلى الله عليه و اله، فى كلّ موطن و موقف وقف فيه نبيك صلى الله عليه و اله. اللهم العن أبا سفيان و معاوية و يزيد بن معاوية، عليهم منك اللّعنه أبد الابدین، و هذا يوم فرحت به ال زیاد و ال مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه. اللهم فضاعف عليهم اللّعن منك و العذاب الأليم. اللهم إنّى أتقرب إليك فى هذا اليوم، و فى

پيشگاه او داريد، به واسطه اين كه مصيبتى كه به جهت شما به من رسیده، پرارزش ترين ثوابى را كه به مصيبت زدگان مى دهد، عطايم كند؛ مصيبتى كه چه بسيار بزرگ بود، و سوگى كه در اسلام و در تمام آسمان ها و زمين، گران تمام شده است. بارالها؛ در اين جاىگاهى كه هستم، مرا از كسانى قرار ده كه درودها و رحمت و آمرزش تو، به ايشان مى رسد. بارالها؛ زندگى و مرگ مرا همانند زندگى و مرگ محمّد و آل محمّد قرار بده. بارالها؛ امروز، روزى است كه بنى اميه و پسر زن (هنده) جگرخواره آن را مبارك شمردند؛ همان فرزند ملعون پسر فرد لعنت شده بر زبان تو و بر زبان پيامبرت كه درود خدا بر او و آل او باد؛ در هر جا كه وقوف كرد و جاى گرفت پيامبر تو-درود خدا بر او و آل او باد-بارالها؛ ابو سفيان، معاوية و يزيد را لعنت كن؛ از سوى تو لعنت تا ابد و هميشه بر آن ها باد. و امروز روزى است كه آل زياد و آل مروان خوشحال شدند كه توانسته اند حسين-كه درودهاى خدا بر او باد-را به قتل برسانند. خدايا؛ به اين خاطر، لعنت و عذاب دردناكت را بر ايشان چند برابر كن. بارالها؛ به راستى كه من در اين روز (عاشورا)، و در

موقفی هذا و أيام حیاتى بالبرآئه منهم، و اللعنه عليهم، و بالموالات لنبيك و ال نبيك، عليه و عليهم السلام.

این جایگاه، و در تمام روزهای زندگانیم، با بیزاری جستن از این دشمنان، و لعنت فرستادن بر ایشان؛ و با دوستی و موالات پیامبرت و آل پیامبرت- که بر او و بر ایشان درود باد-؛ به تو تقرب می جویم و به درگاهت نزدیک می شوم.

سپس صد مرتبه بگوئید: اللَّهُمَّ العن أول ظالم ظلم حقَّ محمد و ال محمد، و اخر تابع له على ذلك. اللَّهُمَّ العن العصابة التي جاهدت الحسين، و شايعة و بايعة و تابعت على قتله. اللَّهُمَّ عنهم جميعا.

بارالها؛ اولین کسی را که در حق محمد و آل محمد ستم روا داشت، و آخرین فردی که در این ستم از او پیروی کرد، لعنت کن؛ خدایا؛ جماعتی را که به نبرد با حسین علیه السلام پرداخت، و گروهی که در کشتن آن حضرت از آنان پیروی، بیعت و دنباله روی کردند، لعنت کن؛ خدایا؛ همه آن ها را لعنت کن.

سپس صد مرتبه بگوئید: السّلام عليك يا ابا عبد الله، و على الأرواح التي حلت بفنائك، عليك منّي سلام الله أبدا ما بقيت و بقى الليل و النهار، و لا جعله الله اخر العهد منّي لزيارتكم، السّلام على الحسين و على علي بن الحسين و على أولاد الحسين و على أصحاب الحسين.

سلام بر تو ای ابا عبد الله؛ و بر جان ها و روان هایی که در آستانت آرمیدند، سلام همیشگی خداوند از من بر تو باد تا هنگامی که من هستم و شب و روز باقی است. خدا این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد؛ سلام بر حسین و بر علی بن حسین و بر فرزندان حسین، و بر یاران حسین.

آن گاه بگوئید: اللَّهُمَّ خصّ أنت أول ظالم باللعن منّي، و ابدأ به

بارالها؛ اولین ظالم و ستمکار را به لعنت من گرفتار کن؛ و این لعنت را ابتدا بر

أولاً ثم الثاني والثالث والرابع. اللهم العن يزيد خامسا، و العن عبيد الله بن زياد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و ال أبي سفيان و ال زياد و ال مروان إلى يوم القيامة.

اولی، سپس دومی و سومی و چهارمی بفرست. خدایا یزید را به عنوان پنجمین نفرشان لعنت کن، و عبيد الله فرزند زياد، و پسر مرجانه، و عمر پسر سعد، و شمر، و آل ابو سفيان، و آل مروان را تا روز قیامت، لعنت کن.

و در سجده بگوئید: اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم، الحمد لله على عظيم رزيتي. اللهم ارزقني شفاعه الحسين يوم الورد، و ثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين و أصحاب الحسين، الذين بدلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام. (۱)

بارالها؛ ستایش برای توست، آن ستایشی که شکرگزاران بر مصیبت های شان نسبت به تو دارند، ستایش برای خداست در این مصیبت بزرگ من. بارالها؛ شفاعت امام حسین علیه السلام را هنگام ورود به صحنه قیامت نصیب کن، و گام صادقانه را برای من با حسین علیه السلام و یارانش، در نزد خودت استوار کن؛ همان هایی که جان شان را به پای حسین - که درود بر او باد - ریختند.

پس از زیارت دو رکعت نماز بخوانید، و بعد از آن دعای علقمه را قرائت کنید.

ص: ۷۱۱

۱- ۱). البلد الأمين: ۳۸۲، [۱] مفاتیح الجنان: ۹۰۲. [۲] علامه امینی رضوان الله علیه می فرماید: علامه مولی شریف شیروانی در کتاب «الصدف ج ۲ ص ۱۹۹» از مشایخ و اساتید بزرگوارش یکی پس از دیگری تا از امام هادی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: هر کس زیارت عاشورا [۳] را بخواند و بعد از آن یک مرتبه بگوید: اللهم العن أول ظالم ظلم... تا به آخر، و بعد از آن بگوید: اللهم عنهم جميعا تسعا و تسعين مژه، و بعد از آن بگوید: السلام عليك يا أبا عبد الله، و على الأرواح التي حلت بفنائك تا به آخر، سپس بگوید: السّلام على الحسين و على علي بن الحسين و على أولاد الحسين و على أصحاب الحسين تسعا و تسعين مژه، مانند کسی است که صد مرتبه لعن و سلام را از اول تا آخر به طور کامل [۴] خوانده است. (أدب الزائر: ۶۰) در معنای این عبارت چند احتمال وجود دارد که به دو تا از آن ها اشاره می کنیم: الف) پس از آن که یک مرتبه لعن را کاملا گفت، یک مرتبه بگوید: اللهم عنهم جميعا تسعا و تسعين مژه، و پس از آن، تمام سلام را بخواند و یک مرتبه بگوید: السّلام على الحسين و على... تسعا و تسعين مژه. ب) پس از آن که یک مرتبه لعن را کامل [۵] گفت، نود و نه مرتبه بگوید: اللهم عنهم جميعا و پس از آن که یک مرتبه سلام را به طور کامل [۶] گفت، نود و نه مرتبه بگوید: السّلام على الحسين و على... أصحاب الحسين. احتمال اول ظاهرتر است و مانند آن در روایات وارد شده است؛ نظیر جریان حضرت نوح علیه السلام، وقتی که آن حضرت قصد کرد سوار کشتی شود خداوند به او وحی کرد هزار مرتبه بگو: «لا إله إلا الله» و چون آن حضرت فرصت نداشت، گفت: «لا إله إلا الله ألف مژه» و وارد کشتی شد. رجوع کنید به بحار الأنوار: ۱۱/۶۲. [۷]

یا الله یا الله یا الله، یا مجیب دعوه المضطرین، یا کاشف کرب المکروبین، یا غیاث المستغیثین، یا صریخ المستصرخین، و یا من هو أقرب الی من جبل الوریث، و یا من یحول بین المرء و قلبه، و یا من هو بالمنظر الأعلى و بالافق المسمین، و یا من هو الرحمن الرحیم علی العرش استوی، و یا من یعلم خائنه الأعین و ما تخفی الصدور، و یا من لا یخفی علیه خافیه. یا من لا تشبهه علیه الأصوات، و یا من لا تغلظه الحاجات، و یا من لا یرمه إلحاح الملحین، یا مدرک کل فوت، و یا جامع کل شمل، و یا باری النفوس بعد الموت، یا من هو کل یوم فی شأن، یا قاضی الحاجات، یا منفس الکربات، یا معطی

ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ ای که دعای بیچارگان را مستجاب می کنی؛ ای که اندوه اندوهگینان را برطرف می سازی؛ ای که به داد دادخواهان می رسی؛ ای که فریاد کمک خواهان را پاسخ می دهی؛ و ای که از رگ گردنم به من نزدیک تری؛ و ای که بین شخص و قلبش حایل می شوی؛ و ای که در بالاترین دیدگاه قرار داری، و در افقی روشن هستی؛ و ای کسی که او بخشنده و مهربان است و بر عرش سلطه دارد، ای کسی که خیانت چشم ها، و آنچه را که سینه ها پنهان می کند، می دانی؛ و ای کسی که هیچ پنهانی از او پنهان نیست؛ ای کسی که صداها را با یکدیگر اشتباه نمی کند؛ و ای کسی که خواسته ها او را به اشتباه نمی اندازد؛ و ای کسی که اصرار اصرار کنندگان، او را به رنج نمی اندازد؛ ای دریابنده از دست رفته ها؛ و ای گردآورنده پراکندگی ها؛ و ای که پس از مرگ، روان ها را دوباره به وجود می آوری؛ ای کسی که هر روزی در شأنی هستی؛ ای برآورنده حاجت ها و خواسته ها؛ ای برطرف کننده گرفتاری ها و بلاها؛ ای عطاکننده

ص: ۷۱۲

۱-۱). در جریان مرحوم سید رشتی نقل شده که وقتی به او فرمودند: زیارت عاشورا [۱] بخوان، زیارت عاشورا و [۲] دعای علقمه را از حفظ خواند درحالی که قبلاً هیچ یک از آن دو در حافظه اش نبود و این نکته ای است لطیف که خواندن دعای علقمه نیز مورد توجه است.

السُّؤْلَات، يَا وَلِيَّ الرِّغْبَات، يَا كَافِيَ الْمَهْمَات، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَوَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ، وَبِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأَقْسِمُ وَأَعِزُّمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ، وَبِهِ أَبْتَنَّهُمْ، وَأَبْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتَّى فَاقَ فَضْلَهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا. أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي، وَتَكْفِينِي الْمَهْمَ مِنْ أُمُورِي، وَتَقْضِيَ عَنِّي دِينِي، وَتَجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ، وَتَجِيرَنِي

خواستہ ہا؛ ای عہدہ دار خواہش ہا؛ ای بسندہ در امور مہم؛ ای کسی کہ از ہر چیزی کفایت کنندہ ہستی، ولی ہیچ چیز در آسمان ہا و زمین از او کفایت نمی کند؛ از تو می خواہم بہ حقِّ محمد-کہ آخرین پیامبران است-، و علی کہ امیر مؤمنان است، و بہ حقِّ فاطمہ-دختر پیامبرت-، و بہ حقِّ حسن و حسین، کہ من همانا، در این جایگاہی کہ ہستم تنها بہ واسطہ آنها بہ تو روی آورم، و بہ واسطہ ایشان توسَّل و شفاعت بہ درگاہت می جویم؛ بہ حقِّ ایشان از تو درخواست می کنم و سوگندت می دہم؛ و بہ جایگاہی کہ آنان نزد تو دارند، و بہ ارزشی کہ نزد تو دارند، و بہ واسطہ آن چیزی کہ آنان را بر جہانیان برتری بخشیدی، و بہ واسطہ نامت کہ نزدشان قرار دادی و آن نام را تنها و تنها بہ ایشان اختصاص دادی و بہ ہیچ یک از جہانیان ندادی؛ و بہ واسطہ آن نام، ایشان را جدا کردی و فضل شان را نیز از فضل و ارزش دیگران جدا نمودی و در نہایت فضیلت آنان بر فضیلت و ارزش تمام جہانیان برتری یافت؛ (بہ واسطہ ہمہ این ہا) از تو درخواست می کنم کہ بر محمد و آل محمد درود پیوستہ نثار کنی؛ و غم و اندوہ و گرفتاری مرا برطرف کنی؛ و در امور مہم مرا کفایت کنی؛ و بدہکاریم را از طرف من پردازی، و از فقر و ناداری، و از تنگدستی رہائیم بخشی،

من الفاقه، و تغنی عن المسأله إلى المخلوقین، و تکفینی هم من أخاف هم، و عسر من أخاف عسره، و حزونه من أخاف حزونته، و شر من أخاف شره، و مکر من أخاف مکره، و بغی من أخاف بغیه، و جور من أخاف جوره، و سلطان من أخاف سلطانه، و کید من أخاف کیده، و مقدره من أخاف مقدرته علی، و ترد عنی کید الکیده، و مکر المکره. اللهم من أرادنی فأرده، و من کادنی فکده، و اصرف عنی کیده و مکره و بأسه و أماتیه، و امنعه عنی کیف شئت و أنى شئت. اللهم اشغله عنی بفقر لا تجیره، و بیلاء لا تستره، و بفاقه لا تسدها، و بسقم لا تعافیه، و ذل لا تعزه، و بمسکنه لا تجیرها. اللهم اضرب بالذل نصب عینی، و ادخل علیه الفقر فی منزله، و العله و السقم فی بدنه حتی تشغله عنی بشغل شاغل لا فراغ له، و أنسه ذکرى

و مرا از درخواست کردن از مخلوقات بی نیاز کنی، و کفایت کنی از هم و غم هر که از هم و غم او می ترسم؛ و از سختی هر که از سختی او می ترسم، و اندوه هر که از اندوه او می ترسم، و از شر هر که از شر او می ترسم، و از نیرنگ هر که از نیرنگ او می ترسم، و از ستم هر که از ستم او می ترسم، و از جور هر که از جور او می ترسم، و از سلطنت و چیرگی هر که از چیرگی او می ترسم، و از دام گستری هر که از کید او می ترسم، و از قدرت مندی هر که از توانمندی او بر خودم می ترسم، و توطئه و مکر و حیلۀ مکاران و حیلۀ گران را نیز از من دور کن. بارالها؛ هر کس اراده بد برایم دارد، تو در مورد او اراده فرما، و هر که دام و توطئه ای برایم دارد، همان را به خودش برگردان، و حیلۀ و نیرنگ و بدی و دام هایش را از من برگردان؛ و هر گونه می خواهی و هر زمان می خواهی او را از من بازدار. بارالها؛ او را مشغول کن به فقری جبران ناشدنی، و بلایی آشکار و پنهان نشدنی، و به تنگدستی و نیازی که چاره ندارد، و بیماری که عافیت و بهبودی ندارد، و خواری که عزتی برایش نباشد، و بدبختی جبران ناپذیر. خدایا؛ ذلت و خواری را همواره نصب العین او و در مقابل چشمش قرار بده، و فقر و نیازمندی را وارد منزلش کن؛ و بدنش را گرفتار بیماری و درد کن؛ تا از یاد من بیرون رود با مشغله هایی که رهایی از آن وجود نداشته باشد؛ و یادم را از یادش ببر،

كما أنسىته ذكرك، و خذ عني بسمعہ و بصره و لسانه و يده و رجله و قلبه و جميع جوارحه، و أدخل عليه في جميع ذلك  
 السقم، و لا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا به عني و عن ذكرى، و اكفني يا كافي ما لا يكفي سواك، فإنك الكافي لا  
 كافي سواك، و مفرج لا- مفرج سواك، و مغيث لا- مغيث سواك، و جار لا جار سواك، خاب من كان جاره سواك، و مغيثه  
 سواك، و مفرعه إلى سواك، و مهربه إلى سواك، و ملجأه إلى غيرك، و منجاء من مخلوق غيرك، فانت ثقتي و رجائي و  
 مفرعي و مهربي و ملجأي و منجأي، فيك استفتح، و بك استنجح، و بمحمد ال محمد أتوجه إليك، و أتوسل و أتشفع.  
 فأسئلك يا الله يا الله يا الله، فلك الحمد، و لك الشكر، و إليك المشتكى، و أنت المستعان، فأسئلك يا الله يا الله يا الله بحق  
 محمد و ال

همان گونه که یادت را از یادش برده ای؛ و چشم و گوش و زبان و دست و پا و قلب و تمام اعضایش را مانع شو تا به من  
 آسیبی نرساند، و تمام آن اعضایش را نیز بیمار کن و شفایش مده، تا پیوسته مشغول بیماریش باشد و به فکر آزار و از من و  
 یاد من غافل گردد. و مرا کفایت کن؛ آنچه را که غیر تو کفایت نمی کند؛ تو کفایت گری هستی که جز تو کفایت گر و  
 بسنده ای وجود ندارد؛ و گشایشگری هستی که جز تو گشایشگری نیست؛ و فریادرسی هستی که جز تو فریادرسی نیست و  
 پناهنده ای هستی که جز تو پناهنده ای نیست، به مطلوب نرسید هر کس به غیر تو پناه برد، و فریادرسش غیر تو باشد؛ و  
 پناهگاهش غیر تو باشد، و گریزگاهش به غیر تو باشد، و تکیه گاهش به غیر تو باشد و محل نجاتش جز تو باشد، پس تویی  
 مورد اطمینان، امید، پناهگاه، گریزگاه، تکیه گاه، و محل نجات من؛ بدین جهت است که تنها از تو درخواست پیروزی و  
 کامیابی می کنم، و تنها به واسطه محمد و آل محمد به سوی تو روی می آورم و توسل می جویم و شفاعت می طلبم. خدایا؛  
 خدایا؛ خدایا؛ از تو درخواست می کنم. سپاس و ستایش، سزاوار تو است. به درگاه تو شکوه و شکایت آورم، و تو مددکار  
 هستی؛ پس، از تو درخواست می کنم، ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ به حق محمد و آل



محمّد أن تصلّي علی محمّد و ال محمّد، و أن تکشف عنّي غمّي و همّی و کربی فی مقامی هذا کما کشف عن نبیک همّه و غمّه و کربه، و کفیته هول عدوّه، فاکشف عنّي کما کشف عنه، و فرّج عنّي کما فرّجت عنه، و اکفنی کما کفیته، و اصرف عنّي هول ما أخاف هولّه، و مؤونه ما أخاف مؤونته، و همّ ما أخاف همّه بلا مؤونه علی نفسی من ذلك، و اصرفنی بقضاء حوائجی، و کفایه ما أهمني همّه من أمر اخرتی و دنیای. یا أمیر المؤمنین و یا أبا عبد الله، علیکما منّی سلام الله أبدا ما بقیت و بقی اللیل و النهار، و لا- جعله الله اخر العهد من زیارتکما، و لا- فرّق الله بینی و بینکما. اللهمّ أحنینی حیوه محمّد و ذریّته، و أمّتی مماتهم، و توفّنی علی ملّتهم، و احشرنی فی زمّرتهم، و لا تفرّق بینی و بینهم طرفه عین أبدا فی الدنیا

محمّد، بر محمّد و آل محمّد درودی پیوسته نثار کنی و از تو می خواهم در همین جا که هستم برطرف سازی غم و همّ و گرفتاری ام را همان گونه که از پیامبر عزیزت، گرفتاری، اندوه، مصیبت، بلا و ترس از دشمنش را برطرف کردی و برایش بسنده بودی، از من برطرف کن اندوهم را همان گونه که از ساحت مقدّس او برطرف کردی، و برایم گشایشی عنایت فرما همان گونه که برای آن حضرت گشایش مرحمت کردی، و کفایت کن مرا همان گونه که او را کفایت نمودی، از من بگردان ترس آنچه را که از آن بیمناکم، و زحمت آنچه را که از زحمت آن ترسناکم، و اندوه آنچه را که از اندوهش هراسناکم بدون زحمتی که از آن ناحیه بر من وارد شود. و مرا حاجت روا بگردان؛ و امور مهمّ دنیا و آخرتم را کفایت کن و مرا بگردان. ای امیر مؤمنان؛ و ای ابا عبد الله؛ سلام الهی را پیوسته، تا من هستم و تا شب و روز هست نثار شما دو بزرگوار می نمایم؛ خدا این زیارت را آخرین دیدار و زیارتم از شما عزیزان قرار ندهد؛ و خدا میان من و شما جدایی نیاندازد. بارالها؛ مرا زنده بدار آن گونه که حضرت صلی الله علیه و اله و سلّم و فرزندانش را زندگی بخشیدی؛ و مانند مردن ایشان بمیران، و بر ملّت و دین آنان قبض روح کن؛ و در زمره شان محشور کن؛ و به قدر حتّی یک چشم برهم زدن بین من و ایشان در دنیا

و الآخره. يا أمير المؤمنين و يا أبا عبد الله، أتيتكما زآئرا و متوسّلا إلى الله ربّي و ربّكما، و متوجّها إليه بكما، و مستشفعا بكما إلى الله تعالى في حاجتي هذه، فاشفعا لي، فإنّ لكما عند الله المقام المحمود، و الجاه الوجيه، و المنزل الرفيع و الوسيله، إنّي أنقلب عنكما منتظرا لتنجّز الحاجه و قضائها و نجاحها من الله بشفاعتكما لي إلى الله في ذلك، فلا أخيب و لا يكون منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون منقلبي منقلبا راجحا راجيا مفلحا منجحا مستجابا بقضاء جميع حوائجي، و تشفعا لي إلى الله. انقلبت على ما شاء الله و لا حول و لا قوه إلا بالله، مفوضا أمري إلى الله، ملجأ ظهري إلى الله، متوكّلا على الله، و أقول حسبى الله و كفى، سمع الله لمن دعى، ليس لي وراء الله و وراءكم يا سادتي منتهى، ما شاء ربّي كان، و ما لم يشأ لم يكن، و لا حول

و آخرت جدایی میفکن. ای امیر مؤمنان و ای ابا عبد الله الحسین؛ من، به عنوان یک زایر شما، و توسّل جوینده به خدا به واسطه شما دو نفر، و روی آورنده به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، و شفاعت طلب به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، در مورد این خواسته ام؛ خدمت تان شرفیاب شده ام. پس، برایم نزد خدا شفاعت کنید؛ زیرا شما دارای مقامی ستوده شده، آبرویی شایسته، و جایگاهی والا، و وسیله و واسطه نزد خدا هستید؛ من از خدمت تان مرخص می شوم ولی انتظار می کشم که خواسته ام را حتمی، برآورده و کامیاب، با شفاعت شما نزد خدا، دریافت کنم. خدا کند، من سرخورده و ناکام نشوم، و بازگشتم با سرخوردگی و زیان همراه نباشد؛ بلکه بازگشتی کام یابانه، امید بخش، رستگار و پیروزمندانه از برآورده شدن تمام حاجت هایم باشد؛ و-از شما دو نفر می خواهم-برایم نزد خدا شفاعت ویژه ای انجام دهید. با اعتقاد و تمسک به این که تنها خواست خداوند انجام می شود؛ و نیز هیچ نیرو و جنبشی جز از ناحیه خداوند وجود ندارد، رهسپار می شوم؛ البته، امورم را به خدای واگذار می کنم، و تکیه بر لطف او می دهم، و توکل بر او می کنم و می گویم:

خدا برایم بس و کافی است؛ خدا، دعای همه دعاکنندگان را می شنود؛ برای من جز خدا و شما-ای بزرگان من-درگاهی نیست؛ هرچه پروردگارم بخواهد همان می شود، و هرچه نخواهد به هیچ وجه انجام نمی شود؛ و هیچ نیرو

و لا قُوّه إلاّ بالله، أستودعكما الله، و لا جعله الله اخر العهد منى إليكما. إنصرفت يا سيّدى يا أمير المؤمنين و مولای، و أنت يا أبا عبد الله يا سيّدى، و سلامى عليكما متّصل ما اتّصل اللیل و النهار، واصل ذلك إليكما، غير محجوب عنكما سلامى إن شاء الله، و أسأله بحقكما أن يشاء ذلك و يفعل، فإنّه حميد مجيد. انقلبت يا سيّدى عنكما تأثبا حامدا لله، شاكرا راجيا للإجابة، غير ايس و لا قانط، آثبا عائدا راجعا إلى زیارتکما، غير راغب عنکما، و لا من زیارتکما، بل راجع عائدا إن شاء الله، و لا حول و لا قُوّه إلاّ بالله. يا سادتى رغبت إليكما و إلى زیارتکما بعد أن زهد فيکما و فى زیارتکما أهل الدّنيا، فلا خيبنى الله ما رجوت، و ما أمّلت فى زیارتکما، إنّه قريب مجيب. (۱)

و جنبشى جز از ناحیه خداوند، نیست؛ با شما دو عزیزم خداحافظى مى کنم؛ خدا نکند این آخرین دیدارمان باشد. ای امیر مؤمنان، آقای من، مولای من؛ و نیز، تو ای ابا عبد الله؛ ای آقای من؛ درحالی از خدمت تان رهسپار وطن مى شوم که سلام من بر شما همانند اتصال شب و روز، پیوسته و متّصل خواهد بود، و به شما دو بزرگوار خواهد رسید، و امیدوارم که از رسیدن به شما بازماند و پنهان نشود (ان شاء الله). و نیز، به واسطه حقّ شما از خدا مى خواهم که این را بخواهد و انجام دهد؛ زیرا خداوند ستوده شده و شکوهمند است. آقایان و سروران من؛ درحالی از خدمتتان رهسپار و مرخص مى شوم که توبه کننده، ستایشگر، سپاسگزار و امیدوار به اجابت خداوند هستم، و مأیوس و ناامید نیستم؛ درحالی که خدمتتان خواهم آمد و دوباره زیارتتان خواهم کرد، و از شما رو نخواهم گرداند، و نسبت به زیارت شما نیز بی میل نخواهم شد؛ بلکه، اگر خدا بخواهد دوباره بازگشت خواهم کرد؛ البتّه مى دانم که هیچ نیرو و جنبشى، جز از ناحیه خداوند نیست. ای سروران من؛ به شما و زیارت تان مشتاق هستم و روى آورم، با آن که دنیاپرستان از شما و زیارت تان روگردانده اند؛ خداوند نسبت به آنچه امیدوارم مرا محروم نگرداند و آنچه را در زیارت شما آرزو دارم ناکام نسازد؛ در واقع، خداوند نزدیک و پاسخ دهنده است.

ص: ۷۱۸

از زیارت جامعه کبیره

مجلسی اوّل قدّس سرّه، در مورد زیارت جامعه کبیره می گوید: این زیارت، زیارتی کامل برای تمام امامان در حرم هریک از ایشان است؛ هرگاه قصد زیارت داشته باشی، به نیت امامی که به زیارتش رفتی و نیز امامان دیگری که در دور و نزدیک هستند، می توانی همگی را زیارت کنی. و اگر در هر زیارت، یکی از امامان علیهم السّلام را قصد کنی و بقیه را بالتبع قرار دهی بهتر است؛ همان طور که من نیز این گونه نیت می کنم.

در رؤیایی صادق، امام رضا علیه السّلام را زیارت کردم که این کار را تأیید و آن را نیکو شمرد. زمانی که به زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام مشرف شدم و در اطراف آن روضه مقدّسه شروع به مبارزه با نفس کردم، و به برکت آن امام عزیز، خداوند باب مکاشفه را بر من گشود؛ مکاشفاتی که عقل های ضعیف، تحمّل شنیدنش را ندارند.

در آن عالم مکاشفه-و اگر می خواهی بگو بین خواب و بیداری-درحالی که در رواق عمران نشسته بودم دیدم که در سامراء هستم، زیارتگاه آن دو امام علیهما السّلام را دیدم که در نهایت ارتفاع و آراستگی است و بر مرقد پاک آن دو بزرگوار پوشش سبز رنگی دیدم که از لباس های بهشتیان بود و در دنیا نظیر آن را ندیده بودم.

در این حال، مولای مان و مولای همه مردمان امام زمان صلوات اللّهِ علیه را دیدم که پشت به ضریح و رو به درب حرم نشسته است. با دیدن آن حضرت، شروع به خواندن زیارت جامعه با صدای بلند مثل مدّاحان نمودم؛ پس از پایان زیارت، آن حضرت فرمودند: زیارت خوبی است.

عرض کردم: مولای من؛ جانم به قربانت؛ زیارت جدّ بزرگوارتان است، یعنی زیارتی است که از ناحیه جدّ بزرگوارتان امام هادی علیه السّلام به ما رسیده است، و به قبر آن حضرت اشاره کردم.

فرمود: آری؛ وارد شو. پس از ورود، نزدیک درب ایستادم؛ فرمود: پیش بیا.

عرض کردم: مولای من؛ می ترسم بی ادبی شود، و کفر ورزیده باشم.

فرمود: اگر این کار با اجازه ما باشد، اشکالی ندارد. کمی پیش رفتم، و ترسان و لرزان بودم. فرمود: بیا جلو؛ بیا جلو. و آن قدر پیش رفتم که نزدیک حضرتش قرار گرفتم.

فرمود: بنشین. عرض کردم: مولای من؛ می ترسم.

فرمود: نترس. همانند غلام و نوکری که در پیشگاه مولای بزرگواری می نشیند، نشستم.

فرمود: راحت باش، و چهار زانو بنشین؛ تو خسته هستی؛ پیاده و پابرهنه آمده ای.

خلاصه آن بزرگوار نسبت به غلام شان الطاف بزرگ نمودند، و گفتگوهای ارزشمندی کردند که توصیف آن و بازگو کردنش ممکن نیست؛ و بیشترش را نیز از یاد برده ام. سپس از خواب بیدار شدم و در آن روز شریف، اسباب زیارت فراهم شد، با آن که مدت طولانی بود که راه بسته بود، و موانع بزرگی در این راه ایجاد شده بود؛ به لطف خداوند راه باز شد و آن موانع برطرف گردید، و من توانستم-همان گونه که حضرت فرموده بودند-با پای پیاده و برهنه، به زیارت مشرف شوم.

شبی در حرم شریف ماندم، و بارها این زیارت را خواندم، در آن شب در بین راه نیز در حرم مطهر، کرامت هایی عجیب؛ بلکه-بهتر بگویم-معجزه هایی شگفت انگیز برایم آشکار شد که بیانش طول می کشد.

خلاصه شک ندارم که این زیارت، از امام هادی علیه السلام رسیده و امام زمان ارواحنا فداه نیز آن را تأیید فرموده اند و بهترین و کامل ترین زیارت هاست، و پس از خوابی که دیدم، بیشتر اوقات، امامان علیهم السلام را با این زیارت یعنی زیارت جامعه زیارت می کنم. و در عتبات عالیات، آن بزرگواران را زیارت نکردم مگر با این زیارت و به همین جهت شرح و توضیح اکثر زیارت ها را به تأخیر انداختم تا به شرح این زیارت شریف پردازم. (۱)

ص: ۷۲۰

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لا یحضره الفقیه»، و «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، از موسی بن عبد الله نخعی روایت می کند که گفت: به امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا؛ کلامی بلیغ و رسا به من بیاموز تا هنگام زیارت هریک از شما عزیزان، بتوانم با آن، شما را زیارت کنم. حضرت فرمودند:

هنگامی که به درب حرم مطهر رسیدی بایست و بر یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم گواهی بده؛ یعنی بگو:

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن محمداً صلی الله علیه و اله عبده و رسوله.

گواهی می دهم جز خدا، معبودی نیست؛ یگانه است؛ شریک ندارد؛ و گواهی می دهم که حضرت محمد - که درود خدا پیوسته بر او و آل او باد- بنده و فرستاده الهی است.

و درحالی که غسل داری وقتی که وارد شدی و قبر شریف را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: «الله أكبر»؛ سپس با آرامش و وقار درحالی که قدم هایت را نزدیک به هم برمی داری کمی راه برو. در این حال بیایست و سی مرتبه: «الله أكبر» بگو؛ سپس به قبر مطهر نزدیک شو و چهل بار «الله أكبر» را تکرار کن. تا صد مرتبه تکبیر تمام شود. آن گاه بگو:

السّلام علیکم یا أهل بیت النّبوه، و موضع الرّساله، و مختلف الملائکه، و مهبط الوحی، و معدن الرّحمه، و خزّان العلم، و منتهی الحلم، و اصول الکرم، و قاده الامم، و اولیاء النّعم،

سلام بر شما، ای اهل بیت نبوت؛ و محلّ قرار گرفتن رسالت الهی و رفت و آمد فرشتگان، و فرود آمدن وحی و سخن خداوند، و معدن و گنجینه رحمت خداوند، و خزینه داران دانش، و نهایت بردباری، و اساس و بنیان کرامت و بزرگواری، و پیشوایان ملت ها، و صاحب اختیاران همه نعمت ها،

و عناصر الأبرار، و دعائم الأخيار، و ساسه العباد، و أركان البلاد، و أبواب الإيمان، و امناء الرّحمان، و سلاله النّبیین، و صفوه المرسلین، و عتره خیره ربّ العالمین، و رحمہ اللّٰہ و برکاتہ. السّلام علی أئمّہ الهدی، و مصابیح الدّجی، و أعلام التّقی، و ذوی النّہی، و اولی الحجی، و کھف الوری، و ورثہ الأنبیاء، و المثل الأعلى، و الدّعوه الحسنی، و حجج اللّٰہ علی أهل الدّنيا و الآخره و الاولی، و رحمہ اللّٰہ و برکاتہ. السّلام علی محالّ معرفہ اللّٰہ، و مساکن برکہ اللّٰہ، و معادن حکمہ اللّٰہ، و حفظہ سرّ اللّٰہ، و حملہ کتاب اللّٰہ، و أوصیاء نبیّ اللّٰہ، و ذرّیہ رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ و آلہ، و رحمہ اللّٰہ و برکاتہ. السّلام علی الدّعاه إلی اللّٰہ، و الأدلاء علی مرضات اللّٰہ، و المستقرّین فی أمر اللّٰہ، و التّامین فی محبّہ اللّٰہ، و المخلصین فی توحید

و عنصرهای اصلی نیکوکاران، و پشتیبان های نیکوکاران، و مدبر امور بندگان و رکن های شهرها، و درگاه های ایمان، و امینان خدای رحمان، و فرزندان پیامبران، و برگزیده پیامبران مرسل، و عترت بهترین برگزیده پروردگار هستی؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت و دائمی نثارتان باد. سلام بر امامان و پیشوایان هدایت، و چراغ های روشنی بخش در تاریکی ها، و پرچمداران پرهیزگاری و تقوا، و صاحبان عقل و خرد، و دارندگان ذکاوت، و پناهگاه مردم، و وارثان پیامبران الهی، و نمونه و الگوی والا- و برتر، و دعوت نیکو، و حجت های پروردگار بر مردم دنیا و آخرت و پیشینیان؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت و دائمی نثارتان باد. سلام بر جایگاه های شناخت الهی؛ و منزلگاه های برکت خداوندی، و معدن های حکمت خدا، و نگهبانان راز خداوند، و حاملان علوم و اسرار خداوند، و اوصیای پیامبر خداوند، و فرزندان فرستاده خداوند- که درود خدا بر او و آل او باد- و رحمت و برکات خداوندی نثارتان باد. سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، و دلالت کنندگان بر آنچه مورد رضایت او است؛ همان هایی که در اجرای دستور الهی پایدار و پابرجايند، و محبت شان نسبت به خدا واقعی و کامل است، و اخلاص دارندگان در توحید و یکتائی خداوند هستند،

اللّٰه، و المظهرين لأمر اللّٰه و نهيهِ، و عباده المكرمين، الّٰذين لا يسبقونه بالقول و هم بأمره يعملون، و رحمهِ اللّٰه و بركاتهِ. السّلام على الأئمّه الدّعاة، و القاده الهداه، و السّاده الولاه، و الدّاده الحماة، و أهل الذّكر و اولى الأمر، و بقيّهِ اللّٰه و خيرته، و حزبه و عيبه علمه، و حجّته و صراطه، و نوره و برهانه، و رحمهِ اللّٰه و بركاتهِ. أشهد أن لا إله إلاّ اللّٰه وحده لا شريك له، كما شهد اللّٰه لنفسه، و شهدت له ملائكتهِ و اولوا العلم من خلقه، لا إله إلاّ هو العزيز الحكيم، و أشهد أن محمّدا عبده المنتجب، و رسوله المرتضى، أرسله بالهدى و دين الحقّ، ليظهره على الدّين كلّه و لو كره المشركون. و أشهد أنّكم الأئمّه الرّاشدون المهديّون، المعصومون المكرّمون، المقربون المتّقون، الصّادقون المصطفون، المطيعون لله، القوامون

و امر و نهى خداوند را آشكار می گردانند، و بنده های گرامی خدایند؛ همانان که در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند و خودشان به دستور او رفتار می کنند؛ و رحمت و برکات خداوند، نیز به طور دایم و ثابت نثارشان باد. سلام بر پیشوایان دعوت کننده (به سوی حق) و رهبران هدایت گر و سروران سرپرست، و دفع کنندگان حمایت گر (دین) و اهل ذکر و فرمانداران و والیان (از جانب خدا)، و باقی مانده و برگزیدگان الهی؛ و حزب خدا، مخزن دانش او، حجّت، راه، نور و برهان و دلیل روشن الهی؛ و رحمت و برکات خدا نثارشان باد. گواهی می دهم جز خدا، کسی شایسته برای پرستش نیست؛ یکی است؛ شریک ندارد؛ چنان که خودش نیز در مورد خودش گواهی داده است، و فرشتگان او و دانشمندان واقعی از آفریدگانش نیز بر این معنا گواه اند؛ جز او که عزّت مندی حکیم است، خدایی نیست. گواهی می دهم محمّد، بنده انتخاب شده و فرستاده مورد رضایت الهی است؛ خدا، او را به هدایت و آیین حقیقی خود فرستاد، تا او را بر تمام آیین ها پیروز و نمایان کند؛ گرچه مشرکان از این جریان ناخشنودند؛ نیز، گواهی می دهم که شما پیشوایان هدایت گر، هدایت شده، معصوم، ارجمند، از نظر رتبه و مقام نزدیک به خدا، پرهیزگار، راستگو، برگزیده، مطیع اوامر الهی؛ اجراکننده واقعی دستور خدا و بیادارنده



بأمره، العاملون بإرادته، الفآئزون بكرامته، إصطفاكم بعلمه، و ارتضاكم لغيبه، و اختاركم لسره، و اجتباكم بقدرته، و أعزكم بهداه، و خصيكم ببرهانه، و انتجبكم لنوره (بنوره)، و أيدكم بروحه، و رضيكم خلفاء في أرضه، و حججا على بريته، و أنصارا لدينه، و حفظه لسره، و خزنه لعلمه، و مستودعا لحكمته، و تراجمه لوحيه، و أركاننا لتوحيد، و شهداء على خلقه، و أعلاما لعباده، و منارا في بلاده، و أدلاء على صراطه. عصمكم الله من الزلل، و امنكم من الفتن، و طهركم من الدنس، و أذهب عنكم الرجز، و طهركم تطهيرا، فعظمت جلاله، و أكبرتم شأنه، و مجدتم كرمه، و أدمتم ذكره، و وكّدتُم ميثاقه، و أحكمتُم عقد طاعته، و نصحتُم له في السرّ و العلانيه، و دعوتُم إلى سبيله بالحكمه و الموعظه الحسنه، و بذلتُم

آن، و عمل کننده به اراده الهی، و رستگاران به کرامت او هستيد. خدا شما را از روی آگاهی برگزید، و برای امور پنهانی خود پسندید، و برای رازهای نهانی خود اختیار کرده، شما را با قدرتش انتخاب کرد، و با هدایت خود شما را عزت مند کرد، و دلیل روشنش را به شما اختصاص داد، و برای روشنیش برگزید، و با روح خود تأیید و تقویت کرد، و به عنوان جانشینانش در زمینش پسندید؛ نیز به عنوان حجت های او بر بندگانش، یاران آیینش، نگهبانان رازش، گنجینه داران دانشش، محلّ ودیعه نهادن حکمتش، بیان کننده وحیش برای بیان مقصود وحی، پایه های توحیدش، گواهان بر آفریدگانش، نشانه های آشکار برای بندگانش، محلّ نورافشانی در شهرهایش، و راهنمایان به راهش؛ شما را پسندید. خدا، شما را از لغزش ها حفظ کرد، از فتنه ها ایمن داشت، و از هرگونه آلودگی پاک گردانید، و هرگونه پلیدی را از وجود شما دور گردانید، و به خوبی پاک و پاکیزه گردانید؛ لذا، شما جلالش را با عظمت، و شأنش را بزرگ داشتید و کرمش را ثنا گفتید، و یادش را همیشه ادامه دادید، و پیمانش را تأکید نمودید، و قرارداد فرمان برداریش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار به انجام نصیحت و خیرخواهی پرداختید، و با حکمت و پند نیکو به راه او دیگران را فراخواندید، و از

أنفسكم في مرضاته. و صبرتم على ما أصابكم في جنبه، و أقمتم الصّلاه، و اتبتم الزّكاه، و أمرتم بالمعروف، و نهيتم عن المنكر، و جاهدتم في الله حقّ جهاده، حتّى أعلنتم دعوته، و بينتم فرآئضه، و أقمتم حدوده، و نشرتم شرايع أحكامه، و سنتم سنّته، و صرتم في ذلك منه إلى الرّضا، و سلّتم له القضاء، و صدّتم من رسله من مضى. فالزّاغب عنكم مارق، و اللاّزم لكم لا حق، و المقصّر في حقّكم زاهق، و الحقّ معكم و فيكم و منكم و إليكم، و أنتم أهله و معدنه، و ميراث النّبوه عندكم، و إياب الخلق إليكم، و حسابهم عليكم، و فصل الخطاب عندكم، و آيات الله لديكم، و عزائمهم فيكم، و نوره و برهانه عندكم، و أمره إليكم. من والاكم فقد والى الله، و من عاداكم فقد عاد الله، و من أحبّكم فقد أحبّ الله، و من أبغضكم

جان و روان خویش را در راه رضا و خشنودی او گذشتید. و بر مصایبی که در کنارش بر شما وارد شد شکبیا بودید، و نماز را برپا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف کرده و نهی از منکر نمودید، و آن گونه که سزاوار بود در راه خدا جهاد کردید تا این که دعوت او را آشکار، و فرایض او را بیان و حدودش را اقامه نمودید و دستورات احکامش را منتشر ساختید، و روش او را سنّت نهادید، و در این بین به سوی خشنودی او سیر کردید و به حکم و فرمان او تسلیم شدید و پیامبران گذشته او را تصدیق نمودید. پس آن که از راه شما رو گرداند در واقع از دین خارج شده، و ملازم و همراه شما به شما پیوسته، و آن که در حقّ شما کوتاهی کرده نابود گشت و حقّ با شماست و در شما و از شما و به سوی شماست، و شما اهل حقّ و معدن آن هستید، میراث پیامبری در اختیار شماست، و بازگشت آفریدگان به سوی شماست و حساب آنان با شماست، و سخنی که حقّ و باطل را فیصله دهد در نزد شماست و آیات الهی در پیشگاه شماست، و اوامر و دستورات قطعی خداوند در شما خاندان است و نور و برهان او نزد شماست، و امر او متوجّه شماست. هر که ولایت شما را داشته باشد به راستی از ولایت خدا برخوردار است، و هر که به شما دشمنی ورزد به طور قطع به خدا دشمنی ورزیده است و هر که شما را دوست بدارد به یقین خدا را دوست داشته و هر که

فقد أبغض الله، و من اعتصم بكم فقد اعتصم بالله، أنتم الصِّراط الأقوم، و شهداء دار الفناء، و شفعاء دار البقاء، و الرّحمة الموصولة، و الایه المخزونه، و الأمانه المحفوظه، و الباب المبتلى به النَّاس. من أتیکم نجی، و من لم یأتکم هلک، إلی الله تدعون، و علیه تدلّون، و به تؤمنون، و له تسلّمون، و بأمره تعملون، و إلی سبيله ترشدون، و بقوله تحکمون، سعد من والاکم، و هلک من عاداکم، و خاب من جحدکم، و ضلّ من فارقکم، و فاز من تمسک بکم، و أمن من لجأ إلیکم، و سلم من صدّقکم، و هدی من اعتصم بکم. من اتّبعکم فالجنّه مأویه، و من خالفکم فالنار مثویه، و من جحدکم کافر، و من حاربکم مشرک، و من ردّ علیکم فی أسفل درک من الجحیم، أشهد أنّ هذا سابق لکم فیما مضی، و جار

از شما کینه داشته باشد به یقین از خدا کینه ورزیده، و هر که به دامن شما چنگ زده در واقع به (الطاف) خدا چنگ زده است، شما همان راه استوار و راست و گواهان دنیای گذرا و فناپذیر و شفیعان جهان همیشگی آخرت و رحمت و مهر پیوسته و نشانه ذخیره شده و امانت حفظشده و همان درگاهی که مردم بدان آزموده می شوند، هستید. هر کس نزد شما آید رهایی یابد، و هر کس نیاید نابود می گردد، شما به سوی خدا فرامی خوانید و بر او راهنمایی می کنید و به او ایمان دارید، و تسلیم او هستید و به دستور او عمل می نمایید و به راه او ارشاد می کنید و طبق فرمایش او داوری می کنید. آن که ولایت شما را پذیرفت سعادت مند گردید و آن که با شما دشمنی ورزید هلاک و نابود گردید، و آن که منکر شما شد نومید گشت و آن که از شما جدا شد گمراه گشت و آن که به شما چنگ زد رستگار شد، و هر که به شما پناه آورد ایمن شد، و هر که شما را تصدیق کرد سالم ماند و هر که به شما پیوست و ملازم گردید هدایت یافت. هر کس از شما پیروی کرد بهشت جایگاه اوست و هر کس با شما مخالفت کرد دوزخ منزلگاه اوست و هر کس منکر شما شد کافر است و هر کس با شما جنگید مشرک است و هر کس حکم شما را رد کرد در پایین ترین بخش دوزخ جای دارد. گواهی می دهم که این مقامات در گذشته برای شما بوده و در آینده نیز در

لکم فیما بقی، و أنّ ارواحکم و نورکم و طینتکم واحده، طابت و طهرت بعضها من بعض. خلقکم الله أنوارا فجعلکم بعرضه محققین، حتّی منّ علینا بکم، فجعلکم فی بیوت أذن الله أن ترفع و یذکر فیها اسمہ، و جعل صلاتنا (صلواتنا) علیکم، و ما خصّنا به من ولایتکم، طیباً لخلقنا، و طهاره لأنفسنا، و تزکیه لنا، و کفّاره لذنوبنا، فکنا عنده مسلمین بفضلکم، و معروفین بتصدیقنا إیّاکم. فبلغ الله بکم أشرف محلّ المکرّمین، و أعلى منازل المقرّبین، و أرفع درجات المرسلین، حیث لا- یلحقه لا- حق، و لا یفوقه فائق، و لا یسبقه سابق، و لا یطمع فی إدراکه طامع، حتّی لا یبقی ملک مقرب، و لا نبی مرسل، و لا صدیق و لا شهید، و لا عالم و لا جاهل، و لا دنیّ و لا فاضل، و لا مؤمن صالح، و لا فاجر طالح، و لا جبار عنید، و لا شیطان

حقّ شما جاری است، و بدون تردید ارواح شما و نور شما و سرشت شما یکی است، پاک است و برخی از برخی دیگر به ارث برده. خداوند شما را به عنوان نورهایی آفرید آنگاه شما را گرداگرد عرش خود قرار داد تا این که به سبب وجود شما منت نهاد، پس شما را در خانه هایی قرار داد که اذن داد بلندمرتبه گشته و نامش در آن ها برده شود، و صلوات و درود ما را بر شما و آنچه ویژه ما گردانید از ولایت شما، باعث پاکیزه بودن آفرینش ما و پاک شدن جان ما و تزکیه ما و کفّاره گناهان ما، قرار داد. پس ما در پیشگاه او تسلیم برتری شما بودیم، و به تصدیق شما شناخته شدیم. پس خداوند شما را به شریف ترین جایگاه گرامی شدگان و بالاترین منزل ها و مرتبه های مقربان و والاترین درجه های پیامبران رسانید، به گونه ای که هیچ ملحق شونده ای به آن نمی پیوندد و هیچ برتری جویی به آن فائق نیاید، و هیچ پیشی گیرنده ای بدان پیشی نگیرد و هیچ طمع کننده ای به درک آن طمع نوزد، تا این که هیچ فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و نه صدیق و نه شهید و نه دانا و نه نادان و نه پست و نه شریف و نه مؤمن شایسته و نه بدکار ناشایسته و نه سرکش عنادپیشه و نه شیطان

میرید، و لا- خلق فیما بین ذلک شهید إلا- عزفهم جلاله أمرکم، و عظم خطرکم، و کبر شأنکم، و تمام نورکم، و صدق مقاعدکم، و ثبات مقامکم، و شرف محلکم، و منزلتکم عنده، و کرامتکم علیه، و خاصتکم لدیه، و قرب منزلتکم منه. بآبی انتم و امی و اهلی و مالی و اسرتی، اشهد الله و اشهدکم انی مؤمن بکم، و بما امنتم به، کافر بعدوکم و بما کفرتم به، مستبصر بشأنکم، و بضلاله من خالفکم، موال لکم و اولیاءکم، مبغض لأعدائکم و معاد لهم، سلم لمن سالمکم، و حرب لمن حاربکم، محقق لما حققتم، مبطل لما أبطلتم، مطیع لکم، عارف بحقکم، مقر بفضلکم، محتمل لعلمکم، محتجب بذمتکم، معترف بکم، مؤمن بایابکم، مصدق برجعتم. منتظر لأمرکم، مرتقب لدولتکم، اخذ بقولکم،

متمرد و نه آفریدگانی که در این میان گواهند، نیستند مگر آن که به آن ها شناسانده جلالت امر شما را و عظمت منزلت شما را و بزرگی شأن شما را و تمامیت نور شما را و درستی و راستی جایگاه شما را و پابرجا بودن مقام شما را و شرافت موقعیت شما را و منزلت شما را در پیشگاه او و کرامت شما را پیش او و مخصوص بودن شما را نزد او و منزلت نزدیک شما را به او. پدرم، مادرم و خانواده ام و دارایی ام و خاندانم فدای شما باد، خدا و شما را گواه می گیرم که به راستی من به شما و آنچه شما ایمان آوردید، ایمان دارم و به دشمن شما و آنچه شما بدان کفر ورزیدید کفر می ورزم، به شأن شما و به گمراهی مخالفان شما بصیرت و بینش دارم، دوستدار شما و دوستان شما هستم، کینه دشمنانتان را به دل گرفته و با آنان دشمنی دارم، با آن که با شما از در آشتی آید در صلح و آشتیم و با آن که با شما در جنگ باشد در جنگم، آنچه را شما اثبات کردید من ثابت می دانم، و آنچه شما ابطال کردید باطل می دانم، پیرو شما هستم، به حق شما عارفم و به فضل و برتری شما معترف هستم، دانش شما را تحمل می کنم و پذیرا هستم، و در پناه شما پنهان شده ام، به شما معترف و به بازگشت شما مؤمن و رجعت شما را تصدیق کننده ام. منتظر امر شما، در انتظار دولت شما و گیرنده گفتار شما،

عامل بامرکم، مستجیر بکم، زائر لکم، لائذ عائد بقبورکم، مستشفع إلى الله عزّ و جلّ بکم، و متقرّب بکم إليه، و مقدّمکم أمام طلبتی و حوائجی، و إرادتی فی کلّ أحوالی و اموری، مؤمن بسرّکم و علانیتکم، و شاهدکم و غائبکم، و أولکم و اخرکم، و مفوّض فی ذلك کلّه إلیکم، و مسلّم فیہ معکم، و قلبی لکم مسلّم، و رأیی لکم تبع، و نصرتی لکم معده، حتّی یحیی الله تعالی دینه بکم، و یردّکم فی آیامه، و یظهرکم لعدله، و یمکنکم فی أرضه. فمعکم معکم لا مع غیرکم، امنّت بکم، و تولّیت اخرکم بما تولّیت به أولکم، و برئت إلى الله عزّ و جلّ من أعدائکم، و من الجبت و الطّاغوت و الشّیاطین و حزبهم الظّالمین لکم، الجاحدین لحقّکم، و المارقین من ولایتکم، و الغاصبین لإرثکم، الشّاکین فیکم، المنحرفین

اجراکننده فرمان شما هستم، به شما پناهنده بوده، زایر شما هستم، به قبور شما پناه گرفته و توسط شما به درگاه خدا شفاعت می طلبم، و به وسیله شما به او تقرّب می جویم، و شما را پیشاپیش حوایجم و خواسته هایم در همه حالات و کارهایم قرار داده ام. من به نهان و آشکار شما، شاهد و غایب شما، اول و آخر شما ایمان دارم، و همه امورم را به شما واگذارده ام، و به همراه شما در آن تسلیم شما هستم، و دلم برای شما تسلیم و پذیرا، و رأیم پیرو شماست و یاریم برای شما آماده است تا آنگاه که خداوند دینش را توسط شما حیات جدیدی ببخشد و شما را در دوران خود بازگرداند، و شما را برای دادگریش آشکار کند و در زمینش قدرت و توانمندی دهد. پس کسی که با شما است فقط با شما است، نه با غیر شما، به شما ایمان آوردم و ولایت و سرپرستی آخرین شما را بسان نخستین شما قبول نمودم، و بیزاری می جویم به سوی خداوند متعال از دشمنانتان و از جبت و طاغوت و شیطان ها و حزب های آنان؛ همان هایی که به شما ستم کرده، حقّ شما را منکر شده، و از ولایت شما خارج شدند، و ارث شما را غصب نموده و درباره شما به تردید افتاده و از شما منحرف شدند،

عنکم، و من کلّ ولیجه دونکم، و کلّ مطاع سواکم، و من الأئمه الذین یدعون إلی النّار. فتبتنی الله أبدا ما حییت علی موالاتکم و محبتکم و دینکم، و وفّقی لطاعتکم، و رزقنی شفاعتکم، و جعلنی من خیار موالیکم، التّابعین لما دعوتهم إلیه، و جعلنی ممّن یقتصّ اثارکم، و یسلک سبیلکم، و یهدی بهدیکم، و یحشر فی زمرتکم، و یکرّ فی رجعتکم، و یملک فی دولتکم، و یشرف فی عافیتکم، و یمکن فی آیامکم، و تقرّ عینه غدا برؤیتکم. بأبی أنتم و امی و نفسی و أهلی و مالی، من أراد الله بدء بکم، و من وّخّده قبل عنکم، و من قصده توجّه بکم. موالیّ لا احصى ثنائکم، و لا أبلغ من المدح کنهکم، و من الوصف قدرکم، و أنتم نور الأخیار، و هداه الأبرار، و حجج الجبّار، بکم فتح الله، و بکم یختم الله، و بکم ینزل

و از هر تکیه گاه و دستاویزی که غیر شما هستند و از هر اطاعت شونده از غیر شما و از پیشوایانی که به سوی آتش فرامی خوانند، بیزارم. از این رو خداوند همواره مرا مادامی که زنده هستم بر ولایت و دوستی و دین شما استوار بدارد و مرا به فرمان بری از شما موفق گرداند، و شفاعت شما را روزیم کند، و مرا از بهترین دوستان شما قرار دهد، همان هایی که پیروی کردند از آنچه شما به سوی آن دعوت کردید، و مرا از جمله کسانی قرار دهد که بازگوکننده و در پی آثار شما هست و راه شما را می پیماید و به هدایت شما هدایت می گردد، و در گروه شما محشور می گردد، و دوران شما بازمی گردد، و در دولت شما به حکومت می رسد، و در زمان عافیت شما شریف گردند و در روزگار شما اقتدار یابند و فردای (رستاخیز) به دیدار شما چشمش روشن گردد. پدر و مادرم و جانم و خانواده ام و داراییم فدای شما باد، هر که خدا را اراده کرد به شما آغاز کرد و هر که او را به یگانگی شناخت از شما پذیرفت و هر که او را قصد کرد متوجه شما شد. موالیان من؛ قدرت شمارش ثنای شما را ندارم و با مدح شما هرگز به کنه و حقیقت شما راه پیدا نمی کنم، و با توصیف شما هرگز به قدر و منزلت شما نمی رسم، و شما نور نیکان و هدایت صالحان و حجّت های خدای جبّار هستید، خداوند به وسیله شما (عالم هستی را) افتتاح و به تویّط شما پایان می دهد و به سبب شما

الغيث، و بكم يمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه، و بكم ينفس الهمم، و يكشف الضر، و عندكم ما نزلت به رسله، و هبطت به ملائكته، و إلى جدكم-

باران می فرستد، و به وسیله شما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین-جز به فرمانش-نیفتد، و به وسیله شما غصه و اندوه ها گشوده و زایل می گردد و بیچارگی ها برطرف می شود، و آنچه به پیامبرانش فرورستاده و فرشتگان به آن فرود آمده اند نزد شماست و به سوی جدتان و اگر زیارت امیر المؤمنین علیه السلام باشد بجای و إلى جدكم بگو: و إلى أخيك-بعث الروح الأمين. اتاكم الله ما لم يؤت أحدا من العالمين، طأطأ كل شريف لشرفكم، و بخع كل متكبر لطاعتكم، و خضع كل جبار لفضلكم، و ذل كل شيء لكم، و أشرقت الأرض بنوركم، و فاز الفائزون بولايتكم، بكم يسلك إلى الرضوان، و على من جحد و لايتكم غضب الرحمان. بأبي أنتم و أمي و نفسي و أهلي و مالي، ذكركم في الذاكرين، و أسماءكم في الأسماء، و أجسادكم في الأجساد، و أرواحكم في الأرواح، و أنفسكم في النفوس، و آثاركم في الآثار، و قبوركم في القبور. فما أحلى أسماءكم، و أكرم

و به برادرت-روح الأمين برانگیخته شده. خداوند به شما مقاماتی را داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر فرد شریفی در برابر شرافت شما سر فرود آورده و هر سرکشی در برابر فرمان شما گردن نهاده است، و هر جبار و زورگویی در برابر فضل و برتری شما فروتن است، و هر چیزی در برابر شما ذلیل و خوار است و زمین به نور وجود شما روشن گشته و رستگاران به ولایت شما رستگار و فایز گشته اند، به توسط شما به سوی رضوان و بهشت الهی رهسپار می گردند و کسی که منکر ولایت شماست خشم خدای رحمان را فراهم نموده است. پدرم، مادرم، جانم، خانواده ام و دارایم فدای شما باد؛ یاد شما در یادآوران و نام های شما در میان نام ها و جسدهای شما در میان اجساد، و ارواح شما در میان ارواح و جان های شما در میان جان ها و آثارتان در میان آثار و بارگاه های شما در میان قبور. پس چه چیز نام های شما را شیرین و



أنفسكم، و أعظم شأنكم، و أجلّ خطرکم، و أوفى عهدکم، و أصدق وعدکم. کلامکم نور، و أمرکم رشد، و وصیتکم التقوی، و فعلکم الخیر، و عادتکم الإحسان، و سجتکم الکرّم، و شأنکم الحقّ و الصدق و الرّفق، و قولکم حکم و حتم، و رأيکم علم و حلم و حزم، إن ذکر الخیر کنتم أوّله و أصله، و فرعه و معدنه، و مأویه و منتهاه. بأبی أنتم و امی و نفسی، کیف أصف حسن ثنائکم، و احصى جمیل بلائکم، و بکم أخرجنا الله من الدّلّ، و فرّج عنا غمرات الکروب، و أنقذنا من شفاجر الفهلکات و من النّیار. بأبی أنتم و امی و نفسی، بموالا-تکم علّمنا الله معالم دیننا، و أصلح ما کان فسد من دنیانا، و بموالا-تکم تمّت الکلمه، و عظمت النّعمه، و ائتلفت الفرقة، و بموالا-تکم تقبل الطّاعه المفترضه، و لکم المودّه الواجبه، و الدّرجات جان شما را گرامی و شأن شما را باعظمت و مقام شما را بزرگ و شما را نسبت به عهدوپیمان باوفا و در مورد وعده راستگو گردانیده است؟ سخن شما نور و فرمان تان باعث رشد و کمال، و سفارش شما پرهیزکاری و کردار شما خیر و خوبی و روش و عادت شما نیکویی، و احسان و خوی و سرشت شما کرامت و بزرگواری، و شأن شما حقّ و راستی و مدارا کردن است، و سخن شما حکم حتمی و لازم الإجرا است، و رأی و ایده شما دانش و بردباری و استوار کردن امور است، اگر یادی از خیر شود شما پایه نخست آن، ریشه، شاخه و معدن و جایگاه و سرانجام آن هستید. پدرم، مادرم و جانم فدای شما باد؛ چگونه ثنای نیکوی شما را توصیف کنم و نعمت زیبای تان را بشمارم، و خداوند به توسط شما ما را از خواری بیرون آورد و از غم و اندوه سخت ما را گشایش داد و از وادی پرتگاه نابودی و از آتش نجاتمان داد. پدرم، مادرم و جانم فدای شما باد؛ خداوند به وسیله پیروی از شما معالم دین ما را به ما آموخت و آنچه از امور دنیای ما فاسد بود، اصلاح نمود. و به موالات و دوستی و پیروی شما کلام الهی کامل گشت، و نعمت؛ باعظمت و شکوه گردید و به جدایی الفت بخشید و به وسیله پیروی و موالات شما طاعت واجب پذیرفته می شود و دوستی واجب و درجه های

الرّفيعه، و المقام المحمود، و المكان المعلوم عند الله عزّ و جلّ، و الجاه العظيم، و الشّان الكبير، و الشّفاعه المقبوله. ربّنا امّا بما أنزلت و اتّبعنا الرّسول فاكبتنا مع الشّاهدين، ربّنا لا- تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا، وهب لنا من لدنك رحمه، إنّك أنت الوهاب، سبحان ربّنا إنّ كان وعد ربّنا لمفعولا. يا وليّ الله، إنّ بيني و بين الله عزّ و جلّ ذنوبا لا يأتى عليها إلاّ رضاكم، فبحقّ من اتّمنكم على سرّه، و استرعاكم أمر خلقه، و قرن طاعتكم بطاعته، لما استوهبتم ذنوبي، و كنتم شفعاّئي، فإني لكم مطيع، من أطاعكم فقد أطاع الله، و من عصاكم فقد عصى الله، و من أحبّكم فقد أحبّ الله، و من أبغضكم فقد أبغض الله. أللّهمّ إني لو وجدت شفعاّء أقرب إليك من محمّد و أهل بيته الأخيار، الأئمّه الأبرار، لجعلتهم شفعاّئي، فبحقّهم الذي أوجب لهم عليك،

والا و مقام پسندیده و جایگاه معین در پیشگاه خداوند رحمان و مقام و جاه باشکوه و شأن بزرگ و شفاعت پذیرفته شده برای شماست. پروردگارا؛ ما به آنچه نازل کرده ای ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را از گواهان ثبت کن. پروردگارا؛ دل های ما را پس از هدایت مان منحرف مکن و برای ما از جانب خود رحمتی ببخش، به راستی که تو بسیار بخشنده ای، پاک و منزّه است پروردگار ما به حقیقت و عدّه پروردگار ما محقّق خواهد شد. ای ولیّ خدا؛ به راستی که میان من و خدای متعال گناहانی است که جز رضایت و خشنودی شما آنها را از بین نمی برد، پس به حقّ کسی که شما را بر راز خود امین قرار داده و تدبیر و امور و مراعات حال بندگانش را به شما سپرد و طاعت شما را قرین و پیوسته با طاعت خود قرار داد، که نسبت به گناهان من طلب آمرزش و بخشش کنید و شما شفیعان من باشید؛ پس من به حقیقت مطیع و فرمان بردار شما هستم، هر که از شما فرمان برد در واقع از خدا فرمان برده و هر که از (فرمان) شما عصیان کند در واقع از خدا عصیان نموده است و هر کس شما را دوست بدارد در واقع خدا را دوست داشته و هر که شما را دشمن بدارد در واقع خدا را دشمن داشته. بارخداوندا؛ من اگر شفیعانی نزدیک تر به تو جز محمّد و اهل بیت برگزیده اش- که پیشوایان نیکو کارند- می یافتم آنان را شفیعان خود قرار می دادم، پس به حقّ آنها که آن را بر خود لازم شمرده ای

أَسْأَلُكَ أَنْ تَدْخُلَنِي فِي جَمَلِهِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زَمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمَ كَثِيرًا، وَحَسَبْنَا اللَّهَ وَنَعْمَ الْوَكِيلَ. (۱)

از تو می خواهم که مرا در گروه اهل معرفت به آنان و حَقشان قرار دهی و در زمره کسانی که به شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار گرفته اند، وارد سازی؛ زیرا که تو مهربان ترین مهربانان هستی، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش و سلام زیاد بر آنان باد و خداوند ما را بسنده است و خوب حمایتگری است.

## زیارت امین الله

و فضیلت آن

زیارت «امین الله» را به چند جهت آوردیم:

۱- در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمودند:

این کلام و این دعا (زیارت امین الله) را هریک از شیعیان ما نزد قبر امیر مؤمنان یا یکی از امامان علیهم السلام بخواند، به طور حتم و بی شک، دعایش در صندوقچه ای از نور بالا می رود و تسلیم قائم آل محمد ارواحنا فداه می شود. . .

۲- این زیارت از زیاراتی است که حضرت مهدی صلوات الله علیه آن را خوانده است؛ چنان که در جریان شرفیابی حاج علی بغدادی خدمت آن حضرت آمده است.

۳- امام زمان ارواحنا فداه در جریان دیدار حاج علی بغدادی، تصریح و تأکید فرمودند که: این زیارت از برترین زیارت هاست.

نکته مهمی که از آن جریان استفاده می شود این است که این زیارت، جزو زیارت های جامعه و عمومی امامان است و در تمام حرم های اهل بیت علیهم السلام می توان خواند؛ چنان که آن حضرت این زیارت را در حرم امام کاظم و امام جواد علیهما السلام در شهر کاظمین خواندند. البته، این نکته در روایت امام باقر علیه السلام نیز، به صراحت بیان شده است.

ص: ۷۳۴

مرحوم محدث قمی می فرماید: این زیارت دارای اعتباری کامل است، و در تمام کتاب های ادعیه و زیارات آمده است.

علامه مجلسی رحمه الله این زیارت را بهترین زیارت ها از نظر متن و سند می شمارد؛ وی می افزاید: شایسته است در تمام حرم های مطهر و مقدس خوانده شود؛ چنان که با سندهای معتبر از جابر از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

امام سجّاد علیه السلام به زیارت قبر مطهر امیر مؤمنان علیه السلام رفت و نزد قبر ایستاد و گریست و قرائت نمود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ، (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ) (۱)، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَ أَلْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحَجَّجَ الْبَالِغَةَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ. أَللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مَطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دَعَائِكَ، مَحَبَّةً لَصَفْوِهِ أَوْلِيَاءِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ،

سلام بر تو، ای امانت دار خداوند در زمینش، و حجّت او بر بندگانش؛ (سلام بر تو، ای فرمانروای مؤمنان؛) گواهی می دهم که شما به طور کامل در راه خدا جهاد کردی و حقّش را ادا فرمودی؛ به کتاب خدا عمل نمودی، و از سنت های پیامبر-درود خدا بر او و آل او-پیروی کردی؛ تا آن که خداوند تعالی، شما را به جوارش فراخواند، و با اختیار و انتخابش شما را از این دنیا به سوی خود برد؛ و با وجودی که حجّت های رسایی بر تمام آفریدگان داشتی، باز هم حجّت را بر دشمنانت تمام کرد. بارالها؛ نفس و روح مرا به تقدیرت مطمئن گردان، و به قضا و فرمانت خشنود گردان. حرص مرا به یاد خودت و دعا کردن به درگاہت افزون کن، و مرا دوست دار واقعی برای اولیای برگزیده ات قرار بده. مرا در زمین و آسمانت محبوب گردان؛ بر فروریزی بلاهایت شککیا ساز؛ بر زیادتی نعمت هایت سپاسگزار،

ص: ۷۳۵

---

(۱-۱). این فقره از زیارت؛ در حرم حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام خوانده شود.

ذاکره لسوایغ الاثک، مشتاقه الی فرحه لقائک، متزوده التتوی لیوم جزآئک، مستنه بسنن اولیائک، مفارقه لأخلاق أعدآئک، مشغوله عن الدنیا بحمدک و ثنائک.

به یادآوری نعمت های فراوانت مشغول دار؛ به سرور و شادمانی دیدارت مشتاق کن؛ توشه بردارنده تقوا و پرهیزکاری برای روز قیامت؛ و اجراکننده سنت و طریقه اولیا و خاصان خود؛ جداشونده از اخلاق دشمنانت قرار ده؛ و از کار دنیا مشغول به حمد و ثنای خودت نما.

سپس، گونه مبارک خود را بر قبر آن حضرت قرار داده و گفت:

اللهم إن قلوب المخبئين إليك و الهه، و سبل الراغبين إليك شارع، و أعلام القاصدين إليك واضحه، و أفئده العارفين منك فازه، و أصوات الداعين إليك صاعده، و أبواب الإجابة لهم مفتحة، و دعوه من ناجاك مستجاب، و توبه من أناب إليك مقبوله، و عبره من بكي من خوفك مرحومه، و الإغاثه لمن استغاث بك موجوده، و الإعانه لمن استعان بك مبدوله، و عداتك لعبادك منجزه، و زلل من استقالك مقاله، و أعمال العاملين لديك محفوظه، و أرزاقك إلى الخلائق من لدنك

بارالها؛ راستی، قلب خاشعان و خداترسان، واله و حیرانت است، و راه های مشتاقان به سوی تو باز است، و نمایان، و نشانه ها برای کسانی که قصد رسیدن به تو را دارند آشکار است، و دل های اهل معرفت از تو بسیار در هراس است، و صداهای دعاکنندگان به طرف تو بالا رونده است، و درهای اجابت و پاسخ گویی نیز برای شان باز شده است؛ و دعای هرکسی که با تو مناجات و به آرامی تو را بخواند مستجاب است، و توبه و بازگشت کسی که به سوی تو بازگردد پذیرفته شده است، و اشک گریه کننده از ترس تو مورد ترحم قرار می گیرد؛ و دادرسی برای کسی که دادخواهی کند موجود است، و برای کسی که از تو کمک بخواهد، کمک بلاعوض می فرستی؛ و وعده هایی که به بندگانت داده ای قطعی است؛ و هرکس از تو درخواست چشم پوشی از لغزش خود را بکند چشم پوشی می کنی؛ و اعمال عمل کنندگان، نزد تو نگهداری و باقی می ماند؛ و نصیب ها و روزی های تو، به سوی بندگانت

نازله، و عوآئد المزید إلیهم واصله، و ذنوب المستغفرین مغفوره، و حوآئج خلقک عندک مقضیه، و جوآئز السآئین عندک موفّره، و عوآئد المزید متواتره، و موآئد المستطعمین معدّه، و مناهل الظّمآ مترعه. أَللّهُمَّ فاستجب دعآئی، و اقبل ثنآئی، و اجمع بینی و بین أولیآئی، بحقّ محمّد و علیّ و فاطمه و الحسن و الحسین، إنّک ولیّ نعمآئی، و منتهی منای، و غایه رجآئی فی منقلبی و مثوای.

فرستاده می شود؛ و عایدات بیش تر نیز برای شان ارسال و به دست شان می رسد؛ و گناه بخشش خواهان، بخشیده شده است؛ و خواسته های آفریدگانت، نزد تو برآورده شده است؛ و پاداش و جایزه های درخواست کنندگان نیز نزدت فراوان است؛ و بهره های فراوان پی درپی می رسد؛ و سفره های تو برای گرسنگان گسترده است؛ و چشمه ها نیز برای سیراب شدن تشنگان، لبریز و پرآب است. بارالها؛ پس، دعایم را مستجاب کن و پاسخ بده؛ و ثنا گویم را بپذیر؛ و من و اولیایم را گردهم آور؛ به حق محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین؛ واقعیت آن است که سرپرست نعمت های من تویی، و حدّ نهایی آرزو، و نهایت امید من در دنیا و آخرت، تو هستی.

در کتاب «کامل الزیارات»، این عبارات در پایان این زیارت آمده است:

أنت إلهی و سیّدی و مولای، إغفر لأولیآئنا، و کفّ عنّا أعدآئنا، و اشغلهم عن أذنانا، و أظهر کلمه الحقّ و اجعلها العلیا، و أدحض کلمه الباطل و اجعلها السفلی، إنّک علی کلّ شیء قدير.

تو، خدای من، آقای من و مولای من هستی؛ دوستان ما را بیامرز، و دشمنان ما را از ما بازدار، و آنان را از آزار ما مشغول ساز؛ و کلمه و سخن حقّ را آشکار و آن را بالا-تر از هر چیز قرار ده، و کلمه باطل را نابود کن، و آن را پایین ترین درجه قرار ده. راستی، تو بر هر کاری توانایی.

سپس امام باقر علیه السّلام فرمود:

هیچ یک از شیعیان ما این کلام (زیارت امین الله) را نزد قبر امیر مؤمنان علیه السّلام

نمی خواند و دعا نمی کند، مگر آن که دعایش در نامه ای از نور بالا می رود، و مهر پیغمبر بر آن می خورد، و نگهداری می شود تا به قائم آل محمد علیهم السّلام سپرده می شود. در این حال نیز، بشارت و احترامات ویژه و اکرام، برای زیارت کننده ارسال می گردد- اگر خدا بخواهد- (۱)

## زیارت وارث

(۲)

السّلام علیک یا وارث ادم صفوه الله، السّلام علیک یا وارث نوح نبی الله، السّلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله، السّلام علیک یا وارث موسی کلیم الله، السّلام علیک یا وارث عیسی روح الله، السّلام علیک یا وارث محمد حبیب الله، السّلام علیک یا وارث امیر المؤمنین ولی الله. السّلام علیک یا بن محمد المصطفی، السّلام علیک یا بن علی المرتضی، السّلام علیک یا بن فاطمه الزّهرآء، السّلام علیک یا بن خدیجه الكبرى، السّلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور، أشهد أنّک

سلام بر تو، ای ارث برنده از حضرت آدم که برگزیده خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از نوح که پیامبر خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از ابراهیم که دوست و یثرة خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از موسی که هم کلام خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از عیسی که روح خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از حضرت محمد که دوست واقعی و محبوب خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از امیر مؤمنان که ولی خداست. سلام بر تو، ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی (پسندیده شده)، سلام بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو، ای فرزند خدیجه که بزرگ زنان بود. سلام بر تو، ای خون خدا و پسر خون خدا که انتقامش گرفته نشده است؛ گواهی می دهم که تو

ص: ۷۳۸

۱- ۱) . مفاتیح الجنان: ۶۹۸، [۱] مصباح المتهجد: ۷۳۸، و [۲] در مصباح الزائر: ۴۷۴، و [۳] مزار آقا جمال خوانساری: ۹۸ با تفاوت اندک.

۲- ۲) . در جریان تشرّف مرحوم حاج علی بغدادی در حرم مطهر کاظمین علیهما السّلام، حضرت امام عصر صلوات الله علیه بعد از زیارت امین الله، زیارت وارث را قرائت نمودند.

قد أقمت الصلوه، و اتيت الزكوه، و أمرت بالمعروف، و نهيت عن المنكر، و أطعت الله و رسوله حتى أتاك اليقين، فلعن الله امه قتلتك، و لعن الله امه ظلمتك، و لعن الله امه سمعت بذلك فرضيت به. يا مولاي يا ابا عبد الله، أشهد أنك كنت نورا في الأصلاب الشامخه و الأرحام المطهره، لم تنجسك الجاهليه بأنجاسها، و لم تلبسك من مدلهمات ثيابها، و أشهد أنك من دعائم الدين و أركان المؤمنين، و أشهد أنك الإمام البرّ التقيّ الرضيّ الزكيّ الهادي المهدى، و أشهد أن الأئمه من ولدك كلمه التقوى، و أعلام الهدى، و العروه الوثقى، و الحجّه على أهل الدنيا. و اشهد الله و ملائكته و أنبيائه و رسله أنني بكم مؤمن، و بإيابكم موقن، بشرايع ديني، و خواتيم عملي، و قلبي لقلبيكم سلم، و أمرى لأمركم متّبع، صلوات الله عليكم و على

نماز را به خوبی برپا داشتی، و زکات دادی، و امر به معروف و نهی از منکر کردی، و از خدا و فرستاده اش فرمان برداری کردی تا مرگ به سراغت آمد. پس، خداوند، کشندگان تو و امتی که بر تو ستم کردند و گروه هایی را که با شنیدن خبر شهادت تو خشنود شدند، لعنت کند. ای مولای من؛ ای ابا عبد الله الحسین؛ گواهی می دهم که تو نوری در پشت های ارجمند، و رحم های پاک بودی؛ جاهلیت، با آن همه آلودگی و پلیدیش تو را آلوده نساخت؛ و از لباس های ناپاکش بر تنت نپوشانید، گواهی می دهم که تو یکی از پایه های اصلی دین اسلام هستی، و از تکیه گاه های مؤمنان می باشی. گواهی می دهم که تو امام و پیشوای نیکوکار، پرهیزگار، رضایت مند، خالص و پاک، هدایت گر و هدایت یافته هستی. گواهی می دهم پیشوایان و امامانی که از نسل تو هستند نشانه تقوا، پرچم های هدایت، ریسمان محکم الهی و حجّت خدا بر تمام مردم دنیا می باشند. خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را به گواهی می گیرم که نسبت به شما اهل بیت ایمان و باور دارم، و به بازگشت شما یقین دارم؛ و این به خاطر راه های دین من و پایان های عمل من است؛ قلب من، تسلیم قلب شما است؛ و امر من تابع امر شماست؛ درود پیوسته الهی بر شما و



أرواحكم، و علی أجسادكم و علی أجسامكم، و علی شاهدكم و علی غائبكم، و علی ظاهرکم و علی باطنكم.

روح، تن، جسم، حاضر و پنهان، آشکار و ناپیدای شما باد.

سپس خود را به قبر چسبانده، آن را بوسیده، می گوئی:

بأبي أنت و أمي يابن رسول الله، بأبي أنت و أمي يا أبا عبد الله، لقد عظمت الرزية، و جلت المصيبة بك علينا و على جميع أهل السماوات و الأرض، فلعن الله أمه أسرجت و ألجمت و تهيأت لقتالك. يا مولاي يا أبا عبد الله، قصدت حرمك، و أتيت إلى مشهدك، أسئلك الله بالشأن الذي لك عنده، و بالمحل الذي لك لديه أن يصلني على محمد و آل محمد، و أن يجعلني معكم في الدنيا و الآخرة.

ای فرزند رسول خدا؛ پدر و مادرم فدایت؛ ای ابا عبد الله (الحسین)؛ پدر و مادرم فدایت؛ تعزیت و مصیبتی که به شما وارد شد بر ما و تمام زمینیان و آسمانیان بسیار بزرگ و گران است؛ پس، خدا گروه هایی را که اسبایشان را زین کردند و لگام زدند و برای کشتن تو آماده شدند، لعنت کند. ای مولای من؛ ای ابا عبد الله؛ به قصد زیارت حرم تو حرکت کردم، و به حضور تو آمدم؛ از خدا درخواست می کنم، به خاطر جایگاه و منزلت ویژه ای که نزدش داری، بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کند؛ و مرا در دنیا و آخرت، با شما بدارد.

سپس، برخیز و دو رکعت نماز نزد سر مطهر بخوان، و هر سوره ای خواستی در نماز قرائت کن؛ پس از پایان نماز، بگو:

اللهم إني صليت و ركعت و سجدت لك، و حدك لا شريك لك،

بارالها؛ من، تنها برای تو نماز گزاردم و برای تو رکوع کرده و سر به سجده گذاشتم؛ یگانه ای و شریکی نداری؛

لأنّ الصلوة و الركوع و السجود لا يكون إلا لك، لأنك أنت الله لا إله إلا أنت. اللهم صل على محمد و آل محمد، و أبلغهم عنى أفضل السّلام و التّحيّة، و اردد علىّ منهم السّلام. اللهم و هاتان الرّكعتان هديّه منى إلى مولاي الحسين بن علىّ عليهما السّلام. اللهم صل علىّ محمد و عليه، و تقبّل منى، و أجرنى على ذلك بأفضل أملى و رجائى فيك و فى وليّك، يا وليّ المؤمنين.

زیرا، نماز و رکوع و سجده، جز برای تو جایز نیست؛ زیرا، تو خدا هستی و جز تو معبودی نیست. بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و والاترین سلام و احترامات را از من به ایشان برسان، و به من نیز پاسخ سلام را برگردان. خدایا؛ این دو رکعت نماز، هدیه ای است از جانب من به مولایم حسین بن علی که درود بر هر دو باد. خدایا؛ بر حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلّم و بر او (امام حسین علیه السّلام) درود بفرست، و نماز و هدیه ام را بپذیر، و افزون تر از امید و آرزویم در مورد خودت و ولّیت، به من پاداش بده؛ ای سرپرست مؤمنان؛

سپس برخیز و به طرف محلّ پاهای مبارک برو، و نزد سر مبارک حضرت علی اکبر علیه السّلام بایست و بگو:

السّلام علیک یا بن رسول الله، السّلام علیک یا بن نبیّ الله، السّلام علیک یا بن امیر المؤمنین، السّلام علیک یا بن الحسین الشّهِید، السّلام علیک أيّها الشّهِید، السّلام علیک أيّها المظلوم و ابن المظلوم، لعن الله امّه قتلک، و لعن الله امّه ظلمتک،

سلام بر تو، ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا، سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو، ای فرزند امام حسین شهید؛ سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو ای ستمدیده و فرزند ستمدیده؛ خدا، گروه هایی را که تو را کشتند و بر تو ستم کردند، مورد لعن و نفرین خود قرار دهد،

و لعن الله امه سمعت بذلك فرضيت به.

و آن ها که خبر این ها را شنیدند و خوشحال شده و این کارها را پسندیدند، لعنت و از رحمتش به دور سازد.

سپس، خود را به قبر مطهر بچسبان و قبر را ببوس و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمَصِيبَةُ، وَ جَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتَكُ، وَ أَبرءُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ.

سلام بر تو، ای ولی خدا و فرزند ولی خدا؛ به یقین مصیبت و گرفتاری که به واسطه شهادت تو بر ما و تمام مسلمانان وارد شد، بسیار گران و بزرگ است؛ خدا گروه های کشنده تو را لعنت و از رحمتش به دور سازد؛ من نیز به سوی خدا و شما، از آن افراد ناپاک بیزاری می جویم.

سپس از دری که به طرف پاهای مبارک علی اکبر علیه السلام است، از حرم بیرون برو، و رو به قبر شهدای کربلا بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْدَادَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي، طَبْتُمْ

سلام بر شما، ای اولیای خدا و دوستان او، سلام بر شما، ای برگزیدگان خدا و دوستان ویژه اش، سلام بر شما، ای یاران دین خدا، سلام بر شما، ای یاران رسول خدا، سلام بر شما، ای یاران امیر مؤمنان؛ سلام بر شما، ای یاران حضرت فاطمه، سرور زنان جهان هستی، سلام بر شما، ای یاران امام حسن فرزند علی، سرپرست و ولی خیرخواه مسلمانان، سلام بر شما، ای یاران ابی عبد الله الحسین؛ پدر و مادرم، فدای شما باد؛ شما پاک

و طابت الأرض التي فيها دفنتم، و فزتم فوزا عظيما، فيا ليتني كنت معكم فأفوز معكم.

و زمینی که در آن دفن شده اید نیز پاک است؛ به کامیابی و رستگاری بزرگی دست یافتید؛ ای کاش من نیز همراه تان بودم و با شما رستگار می شدم.

سپس به طرف سر مطهر امام علیه السلام برگرد و تا می توانی برای خودت، خانواده ات، پدر و مادرت، و برادرانت دعا کن؛ زیرا، در آن حرم هیچ دعا و درخواستی رد نمی شود. (۱)

\*\*\* مطالبی که در این کتاب خواندید، نمازها، دعاها و زیارت هایی است که با توفیق خداوند و به برکت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، آن ها را گردآوری و تألیف نمودم.

و أنا العبد الفانی مرتضی، ابن الورع العابد ذی المجد و السداد، السید محمد جواد، المتوفی فی یوم عاشوراء سنه ۱۴۱۵ ه بعد قرائه زیاره عاشوراء فی مجلس العزاء لسید الشهداء علیه آلاف التحیه و الثناء، ابن العالم العابد الزاهد السید محمد باقر، ابن العالم الربانی آیه الله العظمی السید علی السیستانی أعلى الله مقامه.

ص: ۷۴۳



قرآن كريم

«الف»

أبواب الجنّات فى آداب الجمعات:

تأليف: آيه الله سيّد محمد تقى موسى اصفهانى، مؤسسه الإمام المهدي-قم

الإحتجاج:

تأليف: عالم بزرگوار احمد بن على طبرسى، مكتبه مصطفى-قم

أدب الزائر:

تأليف: مرحوم علامه امينى، نجف اشرف

أربعه أيام:

تأليف: عالم نامى مرحوم ميرداماد، قم

اصول كافى:

تأليف: محدث شهير مرحوم كلينى، دار الكتب الإسلاميه-تهران

إقبال الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسه مطبوعاتي اعلمى-بيروت

الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسه آل البيت عليهم السلام-قم

ص: ٧٤٥

«ب»

الباقیات الصالحات:

تألیف: مرحوم محدث قمی، علمی-تهران

بحار الأنوار:

تألیف: علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله، منشورات مکتبه اسلامیة-تهران

بشاره الإسلام:

تألیف: عالم بزرگوار سید مصطفی کاظمی، منشورات مکتبه حیدریه-نجف اشرف

البلد الأمين:

تألیف: عالم بزرگوار شیخ ابراهیم کفعمی، مؤسسه علمی-بیروت

«ت»

تبصره الولی:

تألیف: علامه سید هاشم بحرانی، مؤسسه معارف اسلامی-قم

التحفة الرضویة فی مجربات الإمامیه:

تألیف: دانشمند محترم محمد رضی رضوی-طهران

تحفة طوسیة:

تألیف: مرحوم محدث قمی، انتشارات فؤاد-تهران

التشریف بالمنن المعروف بالملاحم و الفتن:

تألیف: عالم جلیل القدر سید بن طاووس، نشر مؤسسه صاحب الأمر-قم

تکالیف الأنام فی غیبه الإمام:

تألیف: عالم محترم علی اکبر همدانی، انتشارات بدر-تهران

ثواب الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر شيخ صدوق رحمه الله، منشورات مطبعة حيدرِيَه-نجف اشرف

ص: ٧٤٦



«ج»

جمال الاسبوع:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسس آفاق-تهران

جنّات الخلود:

تأليف: عالم بزرگوار امامی خاتون آبادی، چاپ سنگی-تهران

جنّہ المأوی:

تأليف: مرحوم محدث نوری، منشورات مكتبة اسلاميه-تهران

«د»

دار السلام:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ محمود عراقي، منشورات مكتبة اسلاميه-تهران

دار السلام فيما يتعلّق بالرؤيا و المنام:

تأليف: مرحوم محدث نوری، انتشارات معارف اسلامي-قم

الدعوات:

تأليف: عالم شهير قطب الدين راوندي، مؤسس الإمام المهدي-قم

دلائل الإمامه:

تأليف: محدث خبير ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم طبري، مؤسس بعثت-قم

«ز»

زاد المعاد:

تأليف: علامه مجلسي، مكتبة اسلاميه-تهران

الزياره و البشاره:

تأليف: آية الله سيّد احمد مستنبط، مطبعه جديد الغريّ-نجف

ص: ٧٤٧

«ص»

الصحيفة الصادقية:

تأليف: آية الله شيخ احمد بحراني قطيفي، تحقيق دار المصطفى صلى الله عليه و اله و سلم-قم

«ع»

العقري الحسن:

تأليف: آية الله شيخ علي اكبر نهاوندي، انتشارات دبستانى-تهران

عده الداعي:

تأليف: عالم رباني أحمد بن فهد حلّي، منشورات مكتبة وجداني-قم

العدد القوي:

تأليف: عالم جليل القدر علي بن يوسف حلّي، منشورات كتابخانه آية الله مرعشي-قم

عمده الزائر:

تأليف: آية الله سيّد حيدر حسنى كاظمي، منشورات دار التعارف-بيروت

«غ»

الغدير:

تأليف: علامة اميني، منشورات كتابخانه عمومي امير المؤمنين عليه السلام-تهران

الغيبه:

تأليف: شيخ الطائفة ابو جعفر محمد طوسي، منشورات كتابفروشي بصيرتي-قم

«ف»

فتح الأبواب:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، مؤسسه آل البيت عليهم السلام-قم

فرحه الغرى:

تأليف: عالم بزرگوار عبد الکریم بن طاووس، مطبعة حیدریه-نجف اشرف

ص: ۷۴۸

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام:

تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، كنگره جهانى امام رضا عليه السلام-مشهد مقدس

فلاح السائل:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، منشورات دار الإسلاميه-بيروت

«ق»

قصص الأنبياء:

تأليف: عالم جليل القدر قطب الدين راوندى، نشر الهادى-قم

«س»

كامل الزيارات:

تأليف: محدث خبير جعفر بن محمد بن قولويه، نشر الفقاهه-قم

الكلم الطيب:

تأليف: عالم جليل القدر سيد على خان مدنى، مكتبة نجاح-تهران

كمال الدين:

تأليف: عالم جليل القدر شيخ صدوق رحمه الله، منشورات دار الكتب اسلاميه-تهران

«م»

المجموع الرائق من ازهار الحدائق:

تأليف: محدث بزرگوار سيد هبه الله موسى، وزارت ارشاد-تهران

المختار من كلمات الإمام المهدي:

تأليف: آيه الله شيخ محمد غروي-قم

المزار الكبير:

تألیف: عالم بزرگوار ابو عبد اللہ محمّد بن جعفر مشہدی، نشر قیوم-قم

ص: ۷۴۹

المزار:

تأليف: عالم جليل القدر مرحوم شيخ مفيد، مؤسسه الإمام المهدي-قم

المزار:

تأليف: شهيد أول، مؤسسه معارف اسلامي-قم

مزار:

تأليف: عالم جليل القدر آقا جمال خوانساري، قم

مستدرک الوسائل:

تأليف: مرحوم محدث نوري، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام-قم

المصباح:

تأليف: عالم جليل القدر ابراهيم عاملي كفعمي، منشورات مؤسسه أعلمی-بيروت

مصباح الزائر:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسه آل البيت عليهم السلام-قم

مصباح المتهجد:

تأليف: شيخ الطائفة ابو جعفر محمد طوسي، مؤسسه فقه الشيعة-بيروت

معادن الحكمة:

تأليف: محدث بزرگوار محمد بن فيض كاشاني، مؤسسه نشر اسلامي-قم

مفاتيح الغيب:

تأليف: علامه مجلسي، آستان قدس رضوي-مشهد مقدس

مفاتيح الجنان:

تأليف: مرحوم محدث قمی، مؤسسه علمي-تهران

مفتاح الجنّات:

تأليف: آية الله سيّد محسن امين، دار التعارف-بيروت

مفتاح الفلاح:

تأليف: عالم بزرگوار بهاء الدين عاملی، مؤسسۀ نشر اسلامي-قم

ص: ٧٥٠



المقام الأسنى:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ ابراهيم كفعمى، مؤسسهُ قائم آل محمّد عجل الله فرجه-قم

مكارم الأخلاق:

تأليف: محدّث نامى شيخ حسن بن فضل طبرسى، منشورات مؤسسهُ نشر اسلامى-قم

مكيال المكارم فى فوائد الدعاء للقائم:

تأليف: آيه الله سيّد محمّد تقى موسى اصفهانى، مؤسسهُ الإمام المهدي-قم

المنتخب:

تأليف: عالم بزرگوار فخر الدين طريحي، منشورات شريف رضى-قم

منهاج العارفين:

تأليف: عالم بزرگوار محمّد حسن سمنانى، مكتبة محمودى-تهران

مهج الدعوات:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، دار الكتب اسلاميه-تهران

«ن»

نجم الثاقب:

تأليف: مرحوم محدّث نورى، انتشارات مسجد مقدّس جمكران-قم

نزهة الزاهد:

تأليف: يكي از اعلام قرن ششم، اهل قلم-تهران

ص: ٧٥١

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

